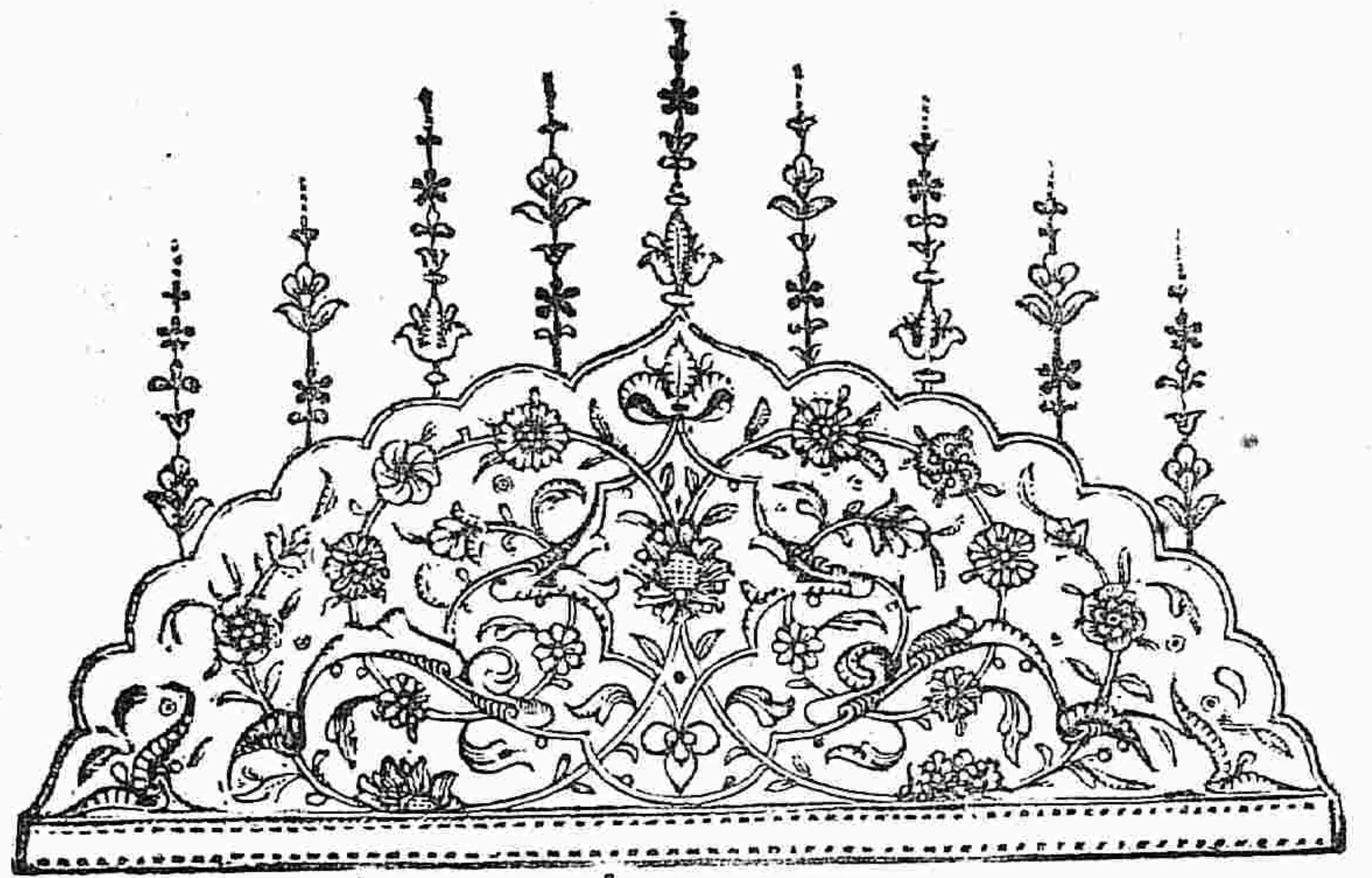


بعض وقایع گریه رفتن حسین پاشا بگریه ۸۴ عزل وزیر اعظم حسین پاشا
وزارت صالح پاشا ۸۹ قتل قبودان یوسف پاشا فتح خانیه ۹۱ ذکر احوال سرحد
انگروس ۹۳ احوال غنچه ۹۴ تهمه بعض وقایع جزیره خسف حکایه ۹۵ وقایع
سنه ست حسین والف اطاعت کیموید بیکفار ۹۶ محاربه حسین پاشا ۹۷ محاربه
کفارد بوزجه اطه محاربه استرئی در کمرید ۹۸ تسخیر قاردنال محاربه دونهادر بوغاز
۹۹ جنگ بوقورون وملاقشه ۱۰۰ فتح و تحریب استرئی جنگ اسباب در کمرید ۱۰۱
محاصره بوده ضبط حصار بوقورون محاربه در مترس ۱۰۲ وفات سردار محمد پاشا
۱۰۳ فتح غرازموده احوال محاصره محاربه اجی صوم سرداری حسین پاشا در کمرید و محاصره
رثه ۱۰۵ او صاف رتبه ۱۰۶ ابتداء جنگ و انهرام کفار فتح قلعه پاپو تهمه هجوم عسکر
اسلام و فتح قلعه رتبه ۱۰۷ قشلاق عسکر اسلام و تدبیر محاصره قندیه ۱۱۰ شهادت
قیوان موسی پاشا ۱۱۱ فرار مار قوه دای حسین پاشا بجانب خدانوند کار بغض وقایع
و تبدلات در آستانه ۱۱۲ احوال خواجه حسین افندی ۱۱۳ مولود سلسله علماء ۱۱۴
مشروع بیات ابازه پاشا احوال تاتار خان و جانب ازا ۱۱۵ من الغرایب حکایه کوسه
علی پاشا ۱۱۶ وقایع سنه سبع و حسین والف وقایع گریه جنگ دلی گنخا در قندیه
۱۱۸ عزت حسین پاشا بمحاصره قندیه احوال دونهما ۱۱۹ قیودانی مصاحب
قندیل پاشا فتنش بجانب گریه احوال عسکر در قندیه ۱۲۰ جنگ عرب سنان بیک
وشاهین اغا ۱۲۱ آمدن سفاین کفار بقندیه و عودت دونهمای همایون نقل طویرها
محاصره قندیه در احوال محاصره و وصف حصار قندیه ۱۲۲ احوال سرحد بیسنه
شیراز محمد راوغلی محمد در اناطولی ۱۲۳ مقتولی وزیر اعظم صالح پاشا و وزارت احمد
پاشا تاریخ تانه ۱۲۴ ذکر اختلال احوال دولت و تغلب نسوان بر امور سلطنت
تیمه وقایع ۱۲۵ ذکر امتناع و خروج در احوال ۱۲۶ خروج ابراهیم پاشا و مقتولی
اودر بغداد ۱۲۷ وقایع جزیره ۱۲۸ وقایع سنه ثمان و حسین والف وقایع گریه آمدن ایلی
جنرال استیلا کفار بر حصار مرزیه ۱۲۹ ذکر محاصره قندیه ۱۳۰ هجوم کفار بر حصار
سلوی ۱۳۱ رسیدن مترس بخندق خروج کفار از حصار و انهرام و فرار در احوال مترس
محاصره ۱۳۲ خروج کفار و کارزار تابه ذکر لغزهای تابه ۱۳۳ ذکر احوال دونهما
فتح تابه قندیه ۱۳۴ ذکر غزاة بمحاصره قندیه ۱۳۵ آمدن امداد کفار و متالم شدن
عسکر اسلام ۱۳۶ قتل قبودان غارزاده ۱۳۷ اوضاع غریبه ۱۳۸ مقتولی
وارد علی پاشا ۱۳۹ محایب ۱۴۰ مناقشه مصاحب فضلی پاشا با صدر اعظم در
حضور همایون ۱۴۱ حکایه ابراهیم اغا برادر وزیر اعظم ۱۴۲ ثقی شکر یان ۱۴۳
قتل ابراهیم پاشا ثانی عجب احوال قزاق ۱۴۴ تبدلات ۱۴۵ زلزله سوء احوال
صاحب دولت توزیع سکر بر اعیان مملکت ۱۴۶ نصیحت ۱۴۷ عجایب مشهور
و اتفاق عامه ۱۴۸ دولت بر خلع سلطان ابراهیم خان ۱۴۹ مقتولی وزیر اعظم هزار یان
۱۵۰ قتل ملقب قاضی عسکر روم ایلی ۱۵۱ جلوس سلطان قندیه غازی

تحت ۱۶۷ فوت سلطان ابراهیم خان علیه الرحمة ۱۷۱ ذکر مصداق حجبی خواجه ۱۷۳ مقتولی
چاوش زاده میر میران اناطولی باغدر قاطرجی اوغلی ۱۷۷ احوال صدر اعظم محمد پاشا
ومبداء فتره سپاه ۱۷۹ ذکر مقدمه وقعه جامع سلطان احمد خان ۱۸۱ صورت
فتوی ۱۸۴ ذکر محاربه جامع سلطان احمد خان ومقهوری سپاه از هجوم بکناشیمان
ابتداء تغلب اغایان بکناشیمان ذکر احوال حیدر اوغلی و گرفتاری او ۱۹۱ جنگ طوزله دو
گریه ۱۹۴ بعض وقایع در آستانه سلسله تهمه وقایع ۱۹۵ وقایع سنه تسع و حسین
والف ۱۹۶ وقایع گریه احوال آستانه ۱۹۷ قتل جندی خلیل پاشا فاساد قاطرجی اوغلی
۱۹۸ حبس بالیوس و ندیک رفتن قبودان وینق احمد پاشا بدونهمای همایون دراق دکتر
۱۹۹ عزل بوستانچی پاشا ۲۰۰ مقدمه خروج کورچی نبی ۲۰۲ محاربه دونهمای همایون
در فوج عزل وزیر اعظم صوفی محمد پاشا و صدارت مراد پاشا ۲۰۳ قتل وزیر سیاق صوفی
محمد پاشا و بعض اتباع او ۲۰۸ ذکر اوصاف صوفی محمد پاشا ۲۰۹ حرکت کورچی نبی
بجانب آستانه ۲۱۱ مشورت بکناشیمان در آستانه ۲۱۲ قتل قیوچی موسی پاشا
والی بغداد ۲۲۰ عزل عبد الرحیم افندی ومفتی شدن بهائی افندی ۲۲۱ مقتولی کورچی
نبی و اتباعش شهادت قبودان وینق احمد پاشا در کمرید ۲۲۳ تفصیل ۲۲۴ فتنه
عسکر در جزیره گریه ۲۲۵ محاصره قندیه ثانیاً ۲۲۸ احوال آستانه ۲۳۱ وقعه
هریبه ۲۳۲ خنان سلطان محمد خان عفو قاطرجی اوغلی ۲۳۴ وقعه بونی یارلی محمد
پاشا حوادث شمالیه ۲۳۸ وقایع سنه ستین والف ذکر احوال بناء قلعه جدید در کمرید
۲۳۹ ظهور بدل تیمار ۲۴۲ قران حسین سرطانی ۲۴۵ فراغت مراد پاشا و صدارت
ملک احمد پاشا ۲۴۶ مواخذة اتباع مراد پاشا قصه نامه همایون بجانب حاکم رنجیه
کیفیت وصول امداد جزیره گریه ۲۴۹ غلبه سردار بیکفار ۲۵۰ احوال بیسنه
۲۵۱ غریبه قتل مجرم پاشا حسین افندی ۲۵۲ حدوت برودت در میان وزیر و اغایان
اوجاق بکناشیمان سلسله ۲۵۴ وقعه از میر ۲۵۸ وقعه ابشیر پاشا بدوزیان ۲۵۹
غریبه احوال گریه ۲۶۰ ابتداء شکار سلطان محمد خان ۲۶۱ وقایع سنه احدى و ستین
والف آمدن الحی و تجدید صلح بانچه مجادله وزیر اعظم ملک احمد با سیاوش پاشا ۲۶۲
احوال گریه وقعه قضیه ۲۶۴ امور غریبه حوادث شرقیه ۲۶۵ حدوت منازعه
و فترت در میان اهل طریق و تبعه قاضی زاده ۲۶۶ مشورت برای ضرورت خرینه وامور
غریبه ۲۷۰ عزل شیخ الاسلام بهائی افندی و نصب عزیز افندی ۲۷۱ قطع ارزاق ۲۷۲
وقعه کشتی صدر اعظم ملک احمد پاشا ۲۷۴ تفصیل وقعه وان ۲۷۷ وفات چوی زاده
۲۷۹ غریبه توجه دونهما محاربه دونهما ۲۸۰ غوغا برای علوه مقدمه خروج حسن اغا
۲۸۲ سرداری قاطرجی اوغلی ۲۸۵ احوال قاطرجی اوغلی و ابشیر و حسن اغا
وقعه داسنی میرزا ۲۸۷ سبب خروج اهل سوق ۲۹۰ عزل ملک احمد پاشا و صدارت
سیاوش پاشا ۲۹۲ توجه عسکر بجانب آستانه وقعه انکسار بکناشیمان ۲۹۴ احوال
والد سلطان ۲۹۵ ازین جانب ۳۰۴ سهولت مدافعه با حسن تدبیر ۳۰۸ قتل بکناش اغا

۳۱۰ قتل اغای سابق قوه پاوش ۳۱۲ قتل چلی کتدا یک ۳۱۳ نفی عزز افندی
 فایده ۳۱۵ تمه و قایع سائر و تبدیلات جزئی ۳۱۷ احراق جزئی ۳۲۰ قتل جلالی
 ابراهیم اغا احوال ابازه حسن اغا ۳۲۱ اندفاع جمعیت با حسن تدبیر و سهولت ۳۲۵
 وقوع اختلاف و شقاق در میان وزیر اعظم سیاوش پاشا و اغای دارالسعادة عزل سیاوش
 پاشا و صدارت کورچی محمد پاشا نفی بونی اگری محمد پاشا بسرحد قنیه ۳۳۰ تمه
 ۳۳۲ وقایع سنه اثنین و ستین والف ۳۳۴ سوء تدبیر ۳۳۵ احوال سرحد بوسنه
 عجیبه ۳۴۱ تفصیل بعض اخبار ۳۴۲ احوال اناطولی ۳۴۳ غریبه احوال
 مصریه و مشورت عجیبه ۳۴۴ احوال دونما ۳۴۸ عزل کورچی پاشا و صدارت
 طرخونی احمد پاشا ۳۵۳ کیفیت عزل و اخذ مهرهایون علی التفصیل ۳۵۴ کیفیت
 مشروع احمد پاشا در امور ۳۵۸ احوال سرحد ۳۶۰ عزل اغای دارالسعادة ۳۶۱
 مناقشه ۳۶۲ عجیبه ۳۶۴ تبدیلات و قعه شیخ الاسلام ابوسعید افندی و جمعیت علما
 ۳۶۵ عزل ابوسعید افندی و مفتی شدن بهانی افندی ثانی ۳۶۷ نزاع سپاه و بکیری برای
 قصاص ۳۶۸ احراق سلسله وقایع سنه ثلاثه و ستین والف ۳۶۹ احوال شمالیه
 ۳۶۷ آمدن الحی و ندیک و قعه ابطال شروع طریقه ۳۸۰ از طمع و حماقت ۳۸۳ وقوع
 شقاق در میان وزیر طرخونی احمد پاشا و قیودان درویش محمد پاشا ۳۸۴ زلزله و خسوف
 سلسله مدخوله ۳۸۵ احوال شمالیه ۳۸۶ احوال اناطولی مشورت برای امور
 دولت ۳۸۷ قتل طرخونی پاشا و صدارت درویش پاشا تفصیل ۳۸۹ تمه
 تبدیلات ۳۹۸ وفات ارج مصطفی افندی و سلسله جزئی ۴۰۴ غریبه ۴۰۸
 احراق ۴۰۹ قتل بویاجی حسین ۴۱۰ قتل خادم عبدالرحمن پاشا و الی مصر ۴۱۱
 آمدن پاشا ۴۱۰ احوال دونما ۴۲۲ سلسله و حکایات عجیبه ۴۲۳ احوال
 افلاق و بغداد ۴۲۷ استیلاء تار بر بغداد ۴۳۲ عقد صلح در میان
 تار و له ۴۳۳ رفع ارداف قضایه و قایع سنه اربع و ستین والف قیودان شدن وزیر
 سالف مراد پاشا ۴۳۶ مفتی شدن ابوسعید افندی ثالثا ۴۴۴ وقعه خادم قرنداشی
 حسن اغا در قونیه قتل دلی سیاهی ۴۴۲ آمدن اباجی له سلسله ۴۴۳ احوال دونما
 ۴۴۴ وقوع شقاق در میان مراد پاشا و صدر اعظم درویش محمد پاشا ۴۴۸ جنگ
 قیودان پاشا با سفین کفار ۴۵۰ غارت جزیره استندیل ۴۵۲ تمه در تکاسل والی
 مصر و حکایت عجیبه در اثناء عزل قاضی مصر ۴۵۳ حوادث شمالیه ۴۵۷ اختلاف
 جزئی برای عزل اغای دارالسعادة ۴۵۸ علامت سماویه مفلوجی وزیر درویش
 پاشا ۴۷۱ فرستادن مهر بابشیر پاشا ۴۷۳ وقایع سنه خمس و ستین والف احوال
 دیار مصریه ۴۷۷ تفصیل احوال وصول مهر بابشیر پاشا و حدوث اراجیف ۴۷۸
 سلسله وفات وزیر سابق درویش پاشا ۴۸۸ احوال ابشیر پاشا ۴۹۲ وقعه غریبه
 در سرای عامره برای ابشیر پاشا ۴۹۳ فرستادن خواجه رحمان اغا با سمت ابشیر پاشا
 ۴۹۵ آمدن وزیر ابشیر پاشا با ستانه ۴۹۹ زفاف وزیر اعظم شروع وزیر اعظم تبدیلات



جلد الثاني فتاویٰ بسم الله الرحمن الرحیم

اولا و آخر احمد و سیاس و ظاهر اوابناشکر بی قیاس اول مبدع بدایع مصنوعات و اول محدث حوادث موجودات جل شانہ و عم نوالہ حضرتہ اولسون کہ بموجب تقابل اسماء وصفات و مقتضای کریمہ و رفعنا بعضکم فوق بعض درجات اصناف مخلوقات ماہیات مختلفہ و استعدادات غیر موقتہ نہ مظهر اتمکله کینی شاه کینی درویش و کینی شادان کینی دل ریش کینی دانا و عاقل کینی نادان و جاهل و کینی اکامہ و کامل کینی کرام و غافل قلوب پرمغایرت ایله احوال کائناتہ ثبات و یروب دائره جمعیت مخلوقات بی مہایت ایله منتظمه الحركات ایلدی و تحیات بعد و تسلیات لایعد اول خاتم النبیین و سید الاولین و الاخرین حضرت نوریات ذات اقدس و روح مقدس سرینہ اولسون که مکمل ظاهر و باطن اولان دین مبین و ناسخ ادیان پیشین اولان شرع مظهر و رصین ایله عامه عالمیانہ مبعوث اولوب اوضح دلائل و اعظم معجزات اولان قرآن عظیم و فرقان حکیم ایله جمله عبادی طریق نجاته ارشاد ایلدی و دخی دعایم بنیان دین و قوانیم ارکان شرع مبین اولان آل و احباب و عشیرت و احباب لرینہ اولسون که تقویت امر دین و تمسیت احکام سید المرسلینہ بذل جان ایله دامن در میال اولد بلر اما بعد و قنا که بوحده یقه انیقه عجایب و ریاض پرخیاض غرایب دولت علیه مخلده الافبالک ازهار بدایع و توارنج و اخبار یله سرافراز و رلال سلسال سلسیل مثال روایات و درایات مناقب آثار سلاطین آل عثمان محمده الحضال ایله زیب زینت بولوب محایف کتاب عبرت نصاب کلاک نی پیدا و خامه حکمت احتوای فن طبع و تمثیل ایله رسم و تسطیر اولنه رق ترتیب عبارت بوحله رسید اولدی مطالعه سنه رغبت ایدن ارباب رشد و استقصایه ثقل حجم نسخه باعث فتور و کلال اولماق ایچون فاصله و ریابوب جلد اوله ختام ویرلدی و ریاض مرقومه قطعه سنک ساحه سیاسی یعنی جلد ثانی ک سرلوحه عنوانی پیرکاویتنہ مال فرخنده قال نام نامی سلطان کامیاب جوان بخت پادشاه کیوان جناب آسمان

تخت فرمان فرمای سلاطین عالی مقدار شهنشاه دین پرور و دیندار بالانشین خلافت کبری و ارث نجابت سلطنت عظمی سلطان بنی السلاطین الغازی سلطان محمود خان بنی سلطان مصطفی خان کراملو و نجابتلو و مہابتلو و افندی و حضرت نوریله ارایش ایدوب رشک کار از جنان و مطبوع اهل دلان انس و جان قلندی کلام مستطاب درستایش آن جناب از لسان طابع کاب الہی دولتی دایم ایله سر بر معدنہ قائم ایله ایدوب سرکشین فرمانہ و ام خلافت دولتنہ بولسون آرام رضای حتی مردم طالب اولسون عدوی کینه جویہ غالب اولسون کسوب عرقینی تیغی دریغی هلال آسایمسون عرشه تیغی دعاسی ایشوب ہر اهل حالک بنشسون ہمنی مردم رجالک چراغی عزتی تابنہ اولسون ہم الی دولتی پائینہ اولسون اولوب سر سبز امید ی شاخساری بنشسون ہر نفس بیک برک و باری و قایم سنہ احدی و خمین و الف ماہ محمد اوزی محافظہ سنہ اولان حسین پاشا ازاق فقنہ سر عسکر اولوب خان وقیودان ییلہ وارمق فرمان اولندی سلا نیکن معزول شہاب افندی مہر قضا سنہ نصیب اولندی و چفته لری عثمان پاشا شامدن معزول اولوب برینہ قبہ التند اولان و وزرادن سابقا حیدر معزول احمد پاشا شام بکر بیکسی اولدی و عثمان پاشا اناطولی بکر بیکسی اولدی و صفر اخیر دہردوس بکی بکر پاشا کہ آق دکر محافظہ سنہ دعوت اولتمشیدی کلوب ایکی فرنگ اقطار مہ سی کتوردی آمدن الچی عجم ماہ ربیع الاول کینی کونی شاه عجم طرفندن موقان حاکمی ابراہیم خان نام الچی کلوب پادشاهه ابلق انار و منقش ابر شیم قاپچہ لرو تحف عجم ہدایا کتوروب صلح و صلاحی ابقا و تمہیت جلوسی متضمن نامہ شاهی تبلیغ ایلدی جمادی الاولیہ روم اہلی قاضی عسکری ابوسعید افندی معزول اولوب برینہ معید افندی انک برینہ استانبولدن معزول عبد الرحیم افندی کلدی و توقیق زاده افندی ادرہ قاضیسی اولوب منلا چلبی معزول اولدی سلسلہ دن معزول ایشیر پاشا کہ روم اہلی امیر الامرائی ایله قلبہ دہ ایدی بودفعہ معزول استانبولہ واصل اولوب مرعش ایالتی ویرلدی و ربیع الاخر کیشی کونی عجم ایلیجیسی پادشاهه بولشوب دسنبوس ایدوب پیشکش چکدی بحکمہ اللہ اولکون زیادہ بروق و صواعق اولوب استانبولہ اما کن متعددہ یہ صاعقہ ایشوب باب ہمایین مقابلہ سنہ ایاصوفیہ جنبہ واقع بر قوی کنیدی کہ ابنیہ بالیہ دن ایدی فوق و تختی ایلیجی الاین سیر ایدنلر ایله مالا مال اولوب مزاحمہ دن منہدم اولوب اوندن زیادہ نفوس تلف و برنجہ سی دخی سقط اولدی الچی ال اوید کد نصکرہ یدی قلدہ دہ محبوس اولان قزلباشلر ایله عودہ مأذون اولدی قتل امیر کونہ اوغلی یو اشدہ سابقا سلطان مراد رواندن کتوردیکی امیر کونہ اوغلی کہ وزارت ویر یابوب دیوانہ او توررایدی وجودی لازم اولماغله ازالہ اولندی و کاغذ خانہ دہ بنایتدی کی خطیرہ دلار او قصیر زیبا سنہ پادشاه حضرت نوری رقم اختصاص چکدی امیر کونہ اوغلی ک قتل عجم ایلیسنک دسیسہ سنہ چل اولندی احوال ازاق ماہ محمد قیودان سیاوش پاشا دونما ایله بکچری کتخداسی حیدر اغازادہ ییلہ قرہ دکرہ چیقوب ازاق قلدہ سی استخلاصنہ مأور اولشلرایدی وزیر حسین پاشا سلسلہ عسکر یلہ قازخان ہادر کرای لشکر تاتار ایله و کفہ پاشاسی یوسف

پاشا جمله اول سفره ما مور او لغله معیت اوزن اولوب ازاق قلعه سی محاصره ایندیله کفار
 اچرودن برلغم اتوبیدی بوزمقداری مسلمانان هوایه پران و شهید ایلدی بعد برلغم دخی اتوب
 وافر آدم شهید ایندیله اوچنجی کجه کافر طشیره چیقوب عظیم جنگ اولوب بر قاج آدم اسیر
 دوشدی بعد کفارک لغملری بحسب اولنوب برلغمی بولنوب باروتی اخذ اولندی بعد
 هر طرفدن اقدام تام ایله محاصره و جنگ اولوب طرفیندن نفوس کثیره تلف اولدی
 اول اتاده اچرودن بر تاتار چیقوب قلعه دوش بیک کافر وارد دیکله بوخبر عسکریننده
 متابع اولغله تهویل وقتور باعث اولوردیو اول شخصی غائب ایندیله بعد حسین پاشا
 برلغم اتوب کفار خارج حصان انچدن یاید قلمری سوریکه طیراغله طولشیدی طوتشدن برل
 کفار اطفا سینه قادر اولامیوب برکون بر کجه یانوب منهدم اولوب کفار حصان قایدیلرون
 برکونده عسکر اسلامک باروتلری دوکونوب بکرمی ایکی کون مقدم عاطل و بیکار دایره
 حصاری بکلیوب کفه یه و آستانه یه باروت طلی ایچون کوندرد کاری آدملری بکلیله
 یومرتیه صعوبت احتمالی ویرلکین وزیر اعظم اوچ بیک قنطار باروت ایچون فرمان ویرمشیکن
 بیک سکریمز قنطار بتر دیوار کوندرلشیدی تکرار آستانه دن باروت ایر شجه قرق کونه قریب
 اولوب قاسم کونی کلوب فصل شتا حلول ایتمکین ناچار بی فتح قلعوب کیرویه مراجعت
 اولندی کرچه قلعه فتح اولندی اماروس مخوس شیقه یایمق ایچون تدارک و جمع ایندکلی
 کراسته و دائره قلعه ده اولان اغاچدن واروش جمله احراق اولوب بر قاج بیک کفار دخی
 تلف اولدی بوغرا اولسه ایکیوژ پان شیقه یایلوب قره دکن بالیلرینه هجوملری مقرر
 ایدی آستانه طرفین امداده کوندرین بر قاج قدرغه بکچریرلر و باروت و مهمات
 کفه یه وارد قنترده عسکر اسلام و دونما دوش بولنوب انلر کفه ده محافظه و قشلاق
 ایچون قالدیلر تبدیل خان قریم خانی بهادر کرای ازاقدن خسته دوئوب کوزلوی یه کلدکه
 وفات ایتمکین ماه شعبانده پری یته برادری محمد کرایه ویریلوب قره جانبندن کوندرلدی
 شعبانده دونما قره دکن کلوب بوغازدن طشیره ده خیل فورتنه چکوب ترسانه یه دخوله
 اجازت حاصل ایدنجه خوف و تردید ایله وافر چورلدیلر بالاخره مفتی یچی افندی پادشاه
 حضرت نرینه تسلی ویروب بعضی سفرلده فتح میسر اولماق اوله کلشدر حضرت رسول
 اکرم صلی الله علیه وسلم زمان شریفلرند دخی واقع اولمشدر کرچه فتح ازاق سنه آتیه یه
 قالدی لکن کفار دخی عظیم غزاونکابت اولندی دیوب دونما نیک دخولنه اذن الیوردی
 بو اتاده پادشاه استانبول اولان سرای زیبا و خطایر عنارده مشغول سیر و تماشا اولدیله
 ولادت شهراده سلطان محمد خان ابن ابراهیم خان خلق عالم ذریت پادشاه عالمه محتاج
 و مترقب ایدیلر سنه مزبور رمضانک آخر کجه سی لیلله اتمیسده وراپرده غیبندن
 سلطان محمد خان ساحه وجوده ظهور ایدوب استانبول و غلطه واسکدر ارده اوچ کون اوچ
 کجه دونما فرمان اولنوب خلق عالم کمال تشوق ایله منبسط اولدیله و مولود شهراده یه
 نجه تاریخ سویلندی جمله دن معقولی شکانی والی نیک سویلیدی تاریخدر مصرع نوردی
 کادی محمد صلب ابراهیمدن عطار محمد چای سلطان محمد حضرت نرینه نیک طالع ولادتیر

بووجهله استخراج ایلش ایام سلطنتلرند احوالری اکثریا مطابق اولغین بو محله اشارت
 اولندی احکام و تعیین مدتند یازدیغی تفصیلات طی قلمدی زایجه معلوم اولجه مقتضاسی
 عندالاهالی منقهم اولوغراب اتقا قیادتندر کد اول کجه خلق صلوة تراویحدن چقد قد نصکره
 بر عظیم زلزله اولش قتل قنه اوغلی مشهور آفاق قنه اوغلی که بالدفعات خروج و طغیان
 ایدوب آیدین و نکه ایلارینه مسموم لی اولوب تغلب ایله اول حوالی یه مسلط اولمشیدی
 وزرا و امرا انی صید مراد ایدوب اله کلدی سلطان مراد خان دورنده ساحدار پاشایه انجا
 ایدوب انلر جاسیله عقوبتندن انماض اولمشیدی داغا ساحدار پاشایه انلر وهدایا
 کوندروب مننصب یکنوردی لکن دامه دوشه جک مضیقه اوغرا منردی چون میرخور
 شهریار ی نکه لی مصطفی اغا بکچری اغاسی اولدی همشهر بلاک واسطه سیله همود
 و موافق ایله مزبوری اینان یروب آستانه یه کتوردی کندویه سیمواس ابائی ویریه ب
 مهماتن کوروب قالمق اوزن ایکن شکانی پادشاه حضرت نرینه بشت شکوی ایدوب بلا مهل
 صلبنه فرمان ییو دقلرند وزیر اعظم مزبوری چاغردوب کلدکه ماه شوالک اون سکرچی کونی
 ایدی ایاصوفیه چاروشونده قصاب دکانه صلب اولندی مزبور ک براوغلو نیده سلطان
 مراد خان قتل ایتمشیدی سائر اولاد و امتعه سن موأخذه و اموالی قبض ایچون ولا یئنه
 آدمار تعیین اولندی فرستادن عسکر بحانب ازاق مصر ایلندن معزول اولوب
 ضرر بخانه نظارتنه ما مور اولان سلطان زاده وزیر محمد پاشا کدر ستم پاشا اخفادند روجوان
 قیوچی باشی دیکله مهر و قدر ازاق فتحی ایچون روس سفرینه ما مور اول جانبه سردار نصب
 اولندی رابع ذی القعدة ده دسنبوس هیایون ایله مشرف اولدی شهاب افندی مصر دن
 عزل اولنوب رینه قاضی اولان حنفی افندی اول کون معال اویدی و غره ذی القعدة ده
 کتدر ایک حید راغازده عزل اولوب زغرچی حسین غاکه مقدمان صوح پاشا اراده ایله قیوچی
 پاشا ایکن روم ایینه عسکر سورمکه اوچاق جنبندن ما مور اولغله بیله کیدوب ناحق یه چوق
 بکچری قتل ایتمکین قنلوچاوش دیکله ملقب اولدی کتدر ایک نصب اولندی اولدی ازغه
 ما مور اولدی عزل قیودان پاشا قیودان سپاوشر پاشا ازاق سفرند امر اعدولت ایله حسن
 حرکت و معاملله ایلدی کدن ماعداتر سانه عامره مصاحبه دخی مبتدی و عدولیاتتی
 متبیین اولغله خاصر ایله قبه التنه او تورمق فرمان اولندی مقیودانق اول سنه کسینه یه
 توجیه اولنوب مهمات دونمایه وزیر اعظم حضرت نرینه بالذات کیدولر مباحث اولدیله و ماه
 ذی القعدة نیکر میسنه نکه لی مصطفی اغایه ارضروم ایالتی ویریه ب سکیان باشی بکماش
 اغا نیکرینه بکچری اغاسی اولدی ارضروم دن معزول کوجک حسن پاشا معزول کلوب
 قونیه ده او تورمق فرمان اولندی وحید راغازده سکیان باشی اولدی و قریب ایلتنندن
 قره شاطر دیکله مهر و ف حسین پاشا عزل اولنوب رینه کوسه علی پاشا کوندرلدی
 و بکشری بکی کوسه شعبان و قارص بکری بکسی کتاغاج مصطفی پاشا و اولدن معزول علی
 پاشا آستانه یه کلوب کثرت شکانه بناء کتاغاج مظهر عتاب و علی پاشا نیک قتلده فرمان
 اولوب محل قنله وارد قنقدمای وزرادن کورچی محمد پاشا شفاعتیه عفو اولوب کوسه

۹ شعبان ارضای شکایه مشغول اولدی بوسالده مورخک پدری بوسنه دن مغرول شارح
المنار افندی که صلاحی عصر دن ایدی رمضانیک اون ییجی جمعه کونی وفات ایتدی
وقدس شریفدن مغرول مارنلوس زاده وغیره ذی القعدة ده یکیشمردن مغرول حاجی
زاده عبدالرحمن افندی مرحوم اولدی لر و عجم افندی قلبه دن مغرول اولوب پینه کل افندی
زاده ابراهیم چلبی بروسه پایه سیله نصب اولندی والد سلطان حضرت نریک اسکدارده
بنالید کازی جامع شریف و مدرسه تمام اولوب چفته حمام دخی اتمامه قریب اولدی
وسلستوره دن حسین پاشا بوسنه ایالتنه کیند راسد راول دیارده حسن سلوک ایدوب مشاهیر
استقبالیک حقندن وازاق سفرینه سردار اولان سلطان زاده محمد پاشا جمله روم ایلیک زعامت
و تیماری دفتوری و یریلوب باجمله فقر ورتق امور سفری کف کفایتنه مفوض ایتدی لر ماه
ذی الحجه ده چیقوب قره جانبندن ازاق سمتنه روان اولدی ترسانه کتخاسی اوزون
پیماله و کتخابک جمله بستانجی و غیریدن قیویه چقان بشیوز قدر یکچیری و سائر دو نماجی
یکچیریلر ایله بله یغاز حصار دن کچجه فودسه اولمین زیاده اضطراب چکدی الی باو کدن
بر مقدار سپاهی دخی عمو ل غر باغاریله مأمور ایدیلر جمله بیک کیرلی قدرغه لایله اوتوز
سبکریان چکدیرمه ایدی قراغه اون اوج کون یاتوب تهم مهماتدن صکره روانه اولدی لر
پوئاده وزیر اعظم مقرب کینلار خیالندن برروس اوغلای طینت ردیه سی مقتضای نسخه
ازاق کفارینه حقوق ایچون دو تها کیرلینک اسیرلری ارسنه تختی ایلدی وزیر اعظم اقدام
ایدوب بعد الاخذ عبرت ایچون افسرلری چاروشوسنه رقبه سی ضرب اولندی و بغداد
محافظی اولان درویش محمد پاشا عصیان ایدن عربان عشرتی اوروب التیوزدن زیاده
کله کسوب غنایم عظیمه ایله بغداد عودت ایلدی و ماه ذی الحجه ده بعد العید ارضرومدن
مغرول حسن پاشایه بغداد توجیه اولندی و قایم سنه اثنی و خمسين و الف محرمک اون
بشخی کونی شهرزاده ثانی سلطان سلیمان وجوده کادی طالع ولادت بی بوه جه اوزن ضبط
ایتیلدر در قبل ساحدر ایشا و حیجی مرحوم تحریری اوزن طمشوار بکار بکیسی اولان
ساحدر ایشا که مقدما حرم همایندن ایکن مقبول پادشاه جهان اولغله طنطنه شهرتی
ملاء اعلا یه ایر شمشیدی مرحومک ایسه کمال محبتلرندن هر سوزینه مخالفی اولماقله
مراء ایلدی کی ناعبی استدی وکی آدمه الیوروب دیلد و کنی کند و طرفندن ضبط و آدمه لینه
توجیه ایدیلر و ب اموال عظیمه تحصیل ایتیلر ایدی پورته ایله قناعت لازم ایکن بیت المال
مصلیه عائد اولان قنریس خزینه سی که سنه ده سکسان بیک غروش ایدر داخل خزانه
هائره اولوب قول مواجبه و یریلور دی اوج دورت سنه مقداری مال مذکوری بالکلیه
اخذ ایدوب اندن ماعد اخرانه پادشاهیه اولان ملوک مخصوص تحف بی نظیر و تقاریق
بی عدیل بی تکلف الوب حفظ ایدوب دخی حجه انعامات ملوکانه ایله محسود عالم اولشدی
سلطان مرادخان و ناستند نصرکه ابتد منصبه چقد قلندر بر مقدار ذی قیمت اشیای میری به
النشیدی فکر اسائر ایشا نیک مطالبه و تحصیل ایچون ادرنه بستانجی باشیسی اولان سنان
اغایدیله فرمان هماین کوندریلوب بر موجب امر شریف قعه په حبس اولوب تفتیش

۷ ایتد کلر نه بقود اموال مقوله سندن الی بیک غروشلق مقداری اشیایک دفعه ترین ارسال
ایدوب بوندن زیاده به قدرتم یوقدر دیوتعلل ایتیکله قتلنه خط همایون صدور ایدوب بعد القتل
داخل خزانه پادشاهی اولان بقود والات مجوهر زرینی و سیمین و تحف نامعد و ده بش بیک
کیسه لکدن زیاده ایدی اما مورخ قتلنک ظهورینه سبب اولان معنای تفصیلا دیر که سلطان
مراد خان مرحوم حال حیاتنه صلیبه قری قیاسطانی ساحدر پاشایه نامزد ایتمه سی
بین الاعیان خصو صا سر ای عامره خدای بیننده شایج ایدی قیاسطان کتخاسی
موقوفاتی محمد افندی که بر متعین آدم ایدی وزیر اعظمک استقلال و شوکتی التینه مقهور
اولغین سلطان ساحدر پاشایه تزویج اولنسه اول تقریبه استانه په کلوب قائم مقام و با
آخر منصب ایله قرب دولته شاد کام اولق و سیله سیله کالاول تعین کسب ایتیک ممکندر
ملاحظه سن ایدوب بوندن بیر صورت پذیر اولور سه کندوسی و سائر توابع کالاول منافع
دولته مقام و مشارک اولق طمعنه دوستوب بورای نامعقولک تمشینه مباشرت ایتدی لر
مرقوم محمد افندی ساحدر پاشایه هوادار یکمین کسنه لایله هر بار مشورت ایدره رک
بو خصوصی قوتدن فعله کتورمکه شروع ایدوب بو خیال خام و مصاحت ید فرجامی ام المؤمنین
والد سلطان حضرت نرینه بر طریقله تبلیغ ایتدی لر انلر دخی همزبان اولوب تدارک مصالح
سورایچون ساحدر پاشا نیک استانه په کله سی قصد یله جناب پادشاهی په عرض
مافی البال ایله استند های عنایت ایتدی لر چون وزیر اعظم امور دولته استقلال اوزن متصرف
و پادشاه حضرت نری هر خصو صه کند ولر ایله اسنشان په متوقف ایدیلر بو معنای کند ولر
ایله مذاکره بیورد قلندر وزیر اعظم سوزه کلوب پادشاهیم نیم مقصودم او غور دین
ودولتکده استقامتله خدمت ایدوب احوال ملک و رعایا په نظم و یرمکد رومعنی ایسه
اتفاق کله و اتحاد قلوبه محتاجدر ساحدر پاشا کلد کینلر پادشاه مرحوم زمانه امون
مداخله و اخذ روشی ایله مصالح مهمه په معارضه ایتیکه معتاد اولشاردر امور دولته تعارض
اضداد ایسه فتنه و فساد مؤدی اوله جفته شک یوقدر دیوب جناب پادشاه
هالینماهی بی اغصاب ایدر جک بعضی کدشته ذلاتن تذکیر ایدوب اول حیائده اولد چقه
کوته بینلر فتنه ملاحظه سندن خالی اولزلر و کندوده مدخر اولان خزانیه
دخی تحصیل ممکن دکلدر دیوب هر نه سویلدی ایسه سویلوب قتل ایچون خط هماین
الوب ادرنه بو ستانجی باشیسی سنان اغای تعین ایتدی لر قرق نقر جلالی امان
پوستانیان ایله واروب طمشوار قلعه سنه قالدروب بوغدی بو حقیق فقیر یرم که مقرب
پادشاه اولنلر خصو صا وزارت عنوانیله رفعت و شان بولنلر دولت علیه ده نافذ الکلام
اولوب جناب پادشاهی دن تحف و عطایا ایله مکرم اولق و بعض امور قاریشوب
بعض مستعدینه مناصب الیورمک و آدمه لری چراغ ایتیک و منافع دولت علیه دن
وجوه ایله منتفع اولق محود العاقبه دکل ایسه ده اوله کاش معنای در مال میریدن
شی الموق مکرره ایسه ده انک مجازاتی مصادره واسترداد در ووزر اعظام و وکلاء کرامک
اتبعه و هوادارلری افندی لرینی دولته تقریب ایچون سی ایتمه لری حب جاه و سودای تعینه

۸
مبتی بر امر ذم جلی در بونک دخی جزاسی نفی و تعذیر و بامصادن ایلله نادیدر بوجله مشار
الیهک قتلنه علت مستقله اولان مرکز ساختار یا شاعر دولت و نخوت حدادت ایلله
التفات یا دشا هه مغرور اولوب عاقبت اند بشلک ایتیموب ناحق ره طبانی بیوک مجن
پاشا و بر قاج کسینه نک قتلنه سبب اولد قلم بکه محالرنه مذکور در چون طبیعت وجود
مکافات اوزن مینیدر فلا جرم سوء عمل مجازاته گرفتار اولوب انتقام الهی ظهور ایلدی بیت
جبینی بنو سید اینی وفا که اخر زرد سیل از قضا مفهوم منجه ساختار یا شای مشار الیه
برزمان عز و اقبالله اتوب طو توب عاقبت ایام جوانیسی واعوام عز و کامرانسی منقزی اولوب
راه اضحلاله کندی مشار الیهک جانبگیردن بر عورت که والد سلطان مزبورک احوالی
اعلام ایدر مصاحبه لردن ایدی خنق اولندی پاشای مشار الیهک طمشواردن کلان
اموال عظیمدن ماعد استانبول و بعضی خانلرده و بچه پرلده امانت قوغش قتی چوق اموال
واشیاسی چقدی جمله سی میری به قبض اولندی غره ماه صفرده وزیر اعظم قره مصطفی
پاشا مرحوم سلطان مراد خان امیر کونه اوغلنه باغشیلد قلمی با بچه که روم ایل حصارندن
یوقار و بالته لیا نندن اوتیه فریدن با بچه سی دیکله معروف بر جای دلکشادر امیر کونه
اوغلی قتلند نصبر که پادشاه اول با بچه بی وزیر اعظمه باغشلا مش ایدی پادشاه عالیجاه
اول مسرتگاهده بر عظیم ضیافت ترتیب ایدوب پادشاهه و خواص مقرینه هدایا ویردی
فوت شاه عجم شاه عجم سام بن صفی فوت اولوب اوغلی عباس نام صبی شاه اولدی بی
محقق اولدی چون تجدید معاهده به احتیاج اولمغین سکر بو مقداری بغداد قوی
یا زیلوب بغداد کوندردی فرار قزاق از قلعه ازاق سلطان زاده محمد پاشا سردار اولوب
واروب کفه حدوین یکد که تاتار خان دخی عسکر بيشمار ایلله مخلمدن قویدی آستانه ده
بر خیر شایع اولدی که قزاق براغوب ازاق قلعه سندن کتمش سردار اعظم حضر ناری
رجب اغا نام قیوچی با شیشنی صحیح خبر ایچون ایلغا رایله اولجانبه کوندردی واروب
خانه بولیشوب بر قاج یوز تاتار اتلوسی ایلله بالذات ازاق التنه ایغار ایدوب دبل المغه
قصد ایتد که قبیل سهرده واروب کوردیلر ازاق قلعه سنک اچر و سی برطر فدن
طوئیشوب نیار مکر قزاق ملعون مسقور الندن امداد بولما مغله عسکر عثمانی به مقاومت
محال ایدو کین یلوب قاپچش و برطر فدن آتش اورمش ایش رجب اغا قلعه بی خالی
بولوب کیروب بفضل الله بویوزدن سهولتله فتح میسر اولوب انشی اطفال ایتدیلر صباح
غمازینی جامعه ادا و طهر و قننه دک اسایش ایدوب طهری دخی جماعتله قیلوب برایکیوز
آدم ایلله بر معتمد کسینه بی قلعه ده قویوب خانه نبشیر ایدوب بعد برزورق ایلله آستانه به
مسارعت ایدوب وصول بولد قلعه پادشاه حضر ناری مومی الیه رجب اغایه وافر احسان
ویرکوز ویروب قیوچیلر کتخد الغن و عده ایلدی وزیر دخی التی بیک غروش ایلله ایکی کوزک
ویردی کلیبولدن سابقا بوسنه ده وفات ایدن علی افندی نک اوغلی درویش صنعی که قاضی
ایکن مولوی اولمشیدی مصرع هله الندی قزاقدن ازاق سهولتله مصرعاعتی تاریخ سولیوب
صدر اعظمه ویرد که ازاق فنی تا اولقدر فتح عظیم دکدر که انک شانه تاریخ سولیله

۹
اماسنی بوش کوندز میده لم دیوب صنعی به اللهی غروش صله تاریخ عطا ایتدیلر و ازاق فتح
اولند قلعه کفه بکر بیکسی اسلام پاشا که مرد شجیه در زعمیر و محافظه سنه مأمور اولدی
وینه بو شهر ربیع الاخر ده ظهور ایدن حوادثندر که روم ایلله ادرته و سلا نیلک
ماینند و اقر حیدود استقیاسی جمعیت ایدوب و قطع طریق ایتد کلمی خیری
کلوب صاحب دولت بیوردی بکچری اوجا غندن اولان اوجیلر طائفه سنی معتاد
اوزن پوتره مثال چیقوب اولمقوله ملا عینی دفع ایدلر اوجیلر یا یا شیلردن بر مخصوص
اوطه جماعتیدر که پادشاه ایچون شکان نملک دأب و خد متلریدر و انلردن ماعدا
وضع قوانین عثمانیه ایدن قانون شناسان خردمند بویه وضع قانون ایتمشلر ایشکه
سائر بکچری اوطه لریک هر برنده دورت بش نفر یولد اش اوجیلر اولوب دفتر هما یونده
اسامیلری اوزن شکاری دیو قید و اشارت اولنوب انلر پادشاهدن منفک اولوب
اوا ایچون بویه بزغائله دفع ایچون حاضر بر سریه اولورلر ایش بعد زور بار زمانده دفتر و قانون
أحوالی نوعا تحتی اولمغین اول اوطه لرده متفرق اولان شکار یلری حمایت ایتیموب
بغداد واکره و قنیه و بدون امثالی بلاد قاصیه به وحد و بدیهه به نوبتی نامیله تشیت
ایتمشلر ایش بود دفعه شکار یلر جمع اولمق ایچون بکچری کاتبه بیوردی کلد که اسامیلری
موجود کندولر مهمان و سرحد لده نوبتی نامنه غائب و مفقود اولد قلمین اعلام ایلدی
بواشاده حیدود ملا عینی قرق کلیسیایه واروب بعضی مواضعی باصوب غارت ایتد کلمی
شایع اولوب فریاد جیلر کلکله ادرته بوستانچی با شیشی بوستان جیلر ایلله و سکیانان ایلله
سکیان باشی حیدر اغا زاده مأمور و روانه اولدی یلر و افر ملا عینی قتل ایدوب بکرمی مقداری
مغلول استانبول کتوردیلر جمادی الاولینک بکرمی ایکسینه بعد العصر یوم الثلث ایلدی
استانبول عظیم زلزله اولدی و بوسالده علو بین برج حوتیه قران ایلدیلر و حافظ پاشا
سلطاننک زوجی احمد پاشا شام دیارنده کتخد ایلک اولان ارناود اوغلی نام مشهور اغایی مال
بسیارینه طمعاً قتل ایتدوکی استماع اولمغین شامدن عزل اولنوب دیکر جلب احمد
پاشا پینه نصب اولنوب کندوسی آستانه به کلد که حبس و مصادن اولندی و چرکس
احمد پاشا قارصدن معزول اولوب یری چرکس دلاور پاشایه ویرلدی و جمادی الاولیه
نائب محمد افندی معزول و قبه قولاق زاده قوجه محمد افندی استانبول قاضیمی اولدی
وزیر العابدین چلبی ادرنه دن عزل و او ان زاده مصطفی افندی پینه نصب اولندی و یاوز
زاده چلبی بروسه دن عزل و حلبدن اون سنه قدر عزلی اولان خواجه زاده مسعود
چلبی بروسه قاضیمی اولوب سائر لردن الیشربیک اچیه مرده الغش ایکن مسعود
چلبی نک چکدیکی شد اید عزله مرجه التیموب منشون منصبی شیخ الاسلام کند و الیه
ویردی و قعه شهاب افندی مشهور شهاب افندی بیکه بوندن اقدم مصر مولوتی ویریاوب
حدت طبیعتنه بناء مصرده حسن زندگانی اید میوب تشکی ایتد بکنه بناء التی اید نصبر که
عزل اولنوب یری حنفی افندی به ویرلش ایدی کندوسی استانبول کلد که شیخ الاسلام
افندی به اطاله لسان ایتکه باشلادی اصلنده صدر اعظمه منسوب و لسان زمانه بی

بكر جهور و متصليب اولغين وزير اعظم الم چكوب امساك لسان ايچون كندويه نئييه
 ايلد كد نصيكره بيه متنبه اوليوب شيخ الاسلامه وارمديغندن قطع نظر چهارمذمت
 و ستوم ايله جناب فتوى پناهه اذيت و از دراء ايتمكين نفى فرمان اولنوب بر قايعه
 قونيو بوب ساقزه كوندرديلر بيه صدر اعظم ترحم ايدوب ساقز قضاى منشور بيه كندويه
 كوندرديلر جزيره طاعون اولغين برقاج كون مكث ايلد كد نصيكره بلا اذن ساقز دن
 بركى بيه بنوب طاعون دن فرار هم سانه سيميله استانبوله كدى و كلد يكي كى تبديل قيات
 صدر اعظمه واردى بلا اذن كلكه سبب ندرديد كرنده يا سلطان طاعون دن احتراز
 كلكد ديدى فاضل مشار اليه بيه مرتبه غلظت طمع و جسارت و خفتي صاحب دولته
 خوش گليوب شيخ الاسلام افندي نك دخی خاطر ليه رعایت لازم اولغين اول ساعت يه
 كلد يكي قايعه بند بريوب ديار مصره نفى ناميله بوغازده كلد البحر قلعه سنه كوندرديلر
 تعيش ايله جك مرتبه مصردن برقاج پان و جرايا و بر قوقيه نام مدرسه منشور بيله
 عقبه بر آدم وارنجه كلد البحر ده عوق اولنوب وظيفه و مدرسه اوامرى كلكد
 مصره يوللا ديلر بطريق النفي و التقاعد واروب مصرده اكلندى برايكى سنه دن
 صكره مدرسه بر قوقيه بيه عنقادن بر مستحق ظهرو ايدوب الدى شهاب احمد افندى
 بالكر حرايا ايله قالدى حفظ لسان حسن سلوك عقلايه جميع طرفه لازم و مهم سرمايه در
 وقعه هدم كنيسه در بروسه بروسه ده اولان ذمير شهرده بر كليسا احداث ايدوب
 حاكم اچيه المغله سكوت ايدرلردى خواجه زاده مسعود افندى قاضى اولد قده انكار ايدوب
 بعد الثبوت بيمحدث كليسا يي هدم ايدرم ديوق و سنى كلد لدى وزير اعظم طرفه خلاف
 انها اولغله در دولته عرض ايتزدن مقدم بويه مصاحته شروع ايتدك ديو قاضى
 مظهر عتاب و عزل اولندى بروسه خلقى قاضينز ناحق يره عزل اولدى ديوا ياغه قلقوب
 اول كليسا يي و اندن ماعدا اوج كليسا يي دخی بر باد ايدوب بيقديلر وزير اعظم غضبه كلوب
 وزرادن ايوب پاشايي و مصردن معزول شعبان افندى يي تفتيشه كوندروب هدم دير
 ايدنلرك متعينلر دن نجه كسه لرى ديوان هماينه احضار ايدوب نجه عتاب و سرزنش
 ايله تعذير اولنديلر و كليسا لركير و بقا و نغفه فرمان و يرديلر ماه شعبانده عجم شاهى طرفندن
 مقصود نام الحى كلوب كما كان صلح و صلا حله اسوده مال اولق رجا ايلد كد قرين اكرام
 اولندى قيودان شدن پياله پاشا سابقا سيمائوش پاشا قيودانلقدن رفع اولنوب برسته
 قدر كسنه نصب اولنوب ترسانه امور بيه وزير اعظم كند و لرى كوردى شوالده پياله كندا
 قيودان اولوب لكن وزارت عنوانيله شريف اولندى تحريرولايت وزير اعظم چون اتابك
 دولت اولوب استقلال اوزن مقام صدارتلك تمكين ايتشيدى هر خصوصه مقيد اولوب
 باعث اختلال اولان احوالى دفع ايله تقيد ايدوب تحكيچ سكه نصيكره بمالك محروسه خانه
 لرني تحريره كوندرمىش ايدى كيمي بويه ايله نجه ظلم و كيمي جلب مال ايله فساد ايندى جمله دن
 منن قاضيسى محرايدى تجاوازيك هجوم عامه ايله مقتول اولدى ولادت شهر زاده سلطان
 احمد خان سنه مزبور ذى الحجه سنك التخي يوم اربعه كه شباط رؤمينك اون بشى ايدى

سلطان ابراهيم حفيظ نرينك صلبندن خاصكى ثاني معزز خاندن سلطان احمد نام
 بر شهر زاده وجوده كلدى انلرك دخی طالع ولا دن لرني بوو جهله ضبط و تحرير ايتشالدر
 سنه ثلث و خمسين و الف حرمى غره سنه سلطان مراد نام بر شهر زاده وجوده كلدى
 ابتداء ظهور و وقعه نصوح پاشا زاده حلب بلكر بكيلى نصوح پاشا زاده حسين پاشا وزير
 اوغلى يديوپند ارايله بعضى اوضاع ناهموار اظهار ايدردى وزير اعظم حقنه جور باجى عنوانيله
 طعنه متعلق سوز لر سوبلردى مرقوم حسين پاشا سابقا روم ايلنده نجه ظلم و فساد
 ايتشيدى بو دفعه عفت اوزر حركت و نيكنام تحصيلي ايچون عاقلانه حكومت
 ايدوب حسن سلوكى شايع اولمشيدى اول اجلدن وزير اعظم طرفندن دخی عرق
 حسد حركت ايدوب مقتضاي طبيعتك خلا في اولان قسرى عدالت اظهارندن
 مرادى بزم پريره طالب اولقدرديو متكرراولوب حقنه سويلدوكى جور باجى نعيميرني
 ونجه كلىانى دخی ايتشيدوب ارا ليه برودت و عداوت واقع اولدى پاشاي مشار اليه
 هنوز ضرور ممانيك سرحدارده اولان طغرا كش وزير لر طغرا دن منع اولنوب هر برينه
 اوامر عليه كوندردى نصوح پاشا زاده يه ده بعد اليوم طغرا جكميه سن ديومر شريف ايله
 وزير اعظم اغاسى وارد قده عمل ايتيوب طغرا كشكلك بكامير اندرين وزير ابن وزيرم و طغرا يي
 بكاسطان مراد مرحوم كى برغازى صاحبقران اصمردى سنك پاشاك ارناود ديارندن
 كلوب اولقامه نائل اولده بكا طغرا كشلكى چوق كورمكه موجب ندر و بوا مر شريفندن
 ياد شاهك خبرى يوقدر بومنع كندى جانلندن درد يوزر اغاسنك عرضي ييقوب رد جواب
 ايدوب طغرا دن فراغت ايتدى اغا كلوب وزيره خبر و يرد كده مباد ايازه پاشا كى تحصى
 ايله ارض روم صعب قلعه و جوانى و اسعه لشكر صقلا مق ممكن بر ولايت عسير التسخير در
 ديوعزل اولنوب كندويه حلب يالى و برلشيدى صدر اعظم نكرار مزبورك قدر بيه يست بلكه
 عرضي شكست ايچون حلبى مير اخور اولان قحلق سيمائوش پاشايه توجيه ايلدى بو شاهده
 منصبلر دن اچيه النغه باشلنوب مزبور حسين پاشا بيه منصبه اللى كپسه دن زياده اچيه
 ويردم هنوز ديم اء اولندى ديومر مسلم وارد قده ردا يلوب حلبك تمكين صورتن كوستردى
 منسلم ماه صفرده دولته كلوب ماجرا معلوم اولد قده متعلبانه حركتى جناب پادشاهه عرض
 و اعلام اولنوب باعث تحريك سلسله فساد اوليوب سهوا تله دفعي مراد شهنشاه والا تراد
 اولغين سيمواس ايا لتي احسان ايدوب بيه مخالفت ايدرسه اوزر بيه حواله عسكروالمنفى
 مشعر خط ايله ارسال خبر ايلدى يلمر مقتول كور خرينه دار صدر اعظمك كندويه عداوتندن
 حسين پاشا سمنشعر اولوب صابريه و سكبكان و اكثر نصوح پاشالى و افر عسكرك جمع ايدوب
 حلبدن چيقوب سيمواسه طوغرى كندى ايازه پاشا پرورده سى كور خرينه دار ابراهيم
 پاشا نفسنده يرار و بهادر كسه اولوب سيمواس امير الامراسى بولغله وزير اعظم طرفندن
 نهانى امر و مكتوب كوندريلوب منصبك لاجل المصاحبه نصوح پاشا اوغلنه توجيه
 اولندى لكن سن جمع لشكر ايدوب نه طريقيله اولورسه مزبورك حقندن كله سن
 ديوسپارش ايتمكين كور خرينه دار دخی حسب الامر سيمواس ايا لتي عسكرك بيه جمع ايدوب

نصوح پاشا زاده قیصریه قریبه کلدکک اوزرینه یوریبوب تقابل قریقین واقع اولدی
اول جمله ده کورخزینه دارتفنگله اوریلوب دوستدیککی کبی سیواس عسکری منیرما
رجوع ایتدی یورحسین پاشا دخی سیواس ضبطنه مقید اولوب وزیرک کندویه شکرکیو
اولدوغندن منفعل ود لکیر اولوب واررم ائکله حضورهمایه نده شرعله مراقعه اولورم
دیودادخواهانه آستانه یه طوغری یوریدی و طرف سلطنتده دولت خواهی اولنلر ایله
خبرلشوب ائلردن کلان دروغ و مداهنه خبرلینه اعتماد ایدوب اطراف وجوانده اولان وزرا
وامرایه وزیراعظمک دفع و رفعی ایچون دامن درمیان ایتیشدریانمزه کلکدن احتراز ایتدی یککتر
صورته عزیتمزه مانع اولتیق ایچون وارد اولان فرمانه عمل ایتیموب نائل مر ام اولدیغمن
صورته فوق العایه منون احسان اولمک مقرر در دیومکتوبلر ارسال ایدوب طرفدار لاری
ایله مکتوب باشه رک کوردی بو خبر استانبولده شیوع بولوب نصوح پاشا اوغلی وزیراعظم
ایله شرعی دعوام وارد در دیوشوقدر بیک عسکر ایله کورمشی دیوخلقه خیلی دهشت و قلوبه
و خشت مستولی اولوب راغب فساد اولان حر امراده لارا جیف احداث ایدوب خلق
دکانلرینی قیایوب فتنه یه متهی اولدی یار صدر اعظم ثبت ایدوب یکچیری اغاسنی قوله
بند یروب دکانلری اچدی یروب نصوح پاشا اوغلمه متعلق کفته کویه یساع ایدوب بی معنی
صورسویلینلردن بر قاجنی اخذو تعذیر ایدوب قهرزندانده مستحق قتل اولان محبوس
حیاندن مأیوس کیسه دیی مجرم لردن اون نفر آدمی جاجا اسواقه صلب و سیاست
ایدوب فتنه یه متعلق کلماته ناسه دغدغه ویرنلرک جزاری بودردیند ایتدی یروب اراجیفی
دفع ایلدی و اناطولی بککریکیسی چفته لری عثمان پاشا یه امر شریف کوندروب
مز یورک منع و دفعنه سردار تعین ایلدی امیرام عثمان پاشا در جنگ از تکمید وزیراعظم اعانت
صدورته تشبث ایدوب مز یورحسین پاشا ثانی خروج علی السلطان تهمتی ایله متهم ایدوب
حجج مرجوحه ایله اراقه دی حلفه حکم ایتدردی پادشاه عالمینه و شیخ الاسلام و صدور
علماسنان پاشا کوشکنده عقد مجلس ایتدی یور نصوح پاشا اوغلی احوالی نیه منجر اولوردیو
مشورت ایتدی یور بعضی کوبه بین و غلط اندیشلر اولمجلسه شرعله دعوام وار دین آدم ایله
مقاتله اولورمی دیدک وزیراعظم رفع صوت ایله اولمز عاصیدر پادشاه قتل و اجید روکیل
السلطنه ایله مراقعه صورتده مصومت ایدوب بویه جمعیت ایله کلک و اکام مساعده
اولتیق آب روی سلطنته نقیصه در صکره نجه سی دخی باش قالد رمق لازم کور دیوب
افندی یور حق سویلسه کزه دیو صدور کر امه توجیه خطاب ایدوب ثبت کوس سترمکین افندی یور
دخی کلام وزیر یور نصیدیق ایتلری ایله نصوح پاشا زاده نکل از له سنه اتفاق واقع اولدی
وزیراعظم بر قاج یوزرستانچی و قول اوغلی قیویه چقاروب زور قیلر ایله از تکمید کوندروب سدره
مخالف ایچون خند قیلر کسمکه امر اولندی و محسب اغاسی شعبان اغا قازطاغی سمتنه
لوند جمعنه کوندرلدی عثمان پاشا ایسه اناطولی امراسی و عسکر یله نصوح پاشا
اوغلمدن بر قوناق کیر و عقب بکیر لک ایدوب آدمیسی بی نهایته اوزرینه وارلیق ممکن دکلدردیو
محاربه یه تردد کوس ستر دیکندن مرقوم ایله منفق و متحد دردیو کندویه سوء ظن اولنیشیدی

نصوح پاشا زاده ایسه قلوب خلقی جلب ایچون بذل واحسان و اظهار مکارم ایلر رک
کلب از تکمید بر ارنده بی خواجه چایری نام محله نزول ایتد کله آستانه دن قیطاس اغا ایله
کوندریلن لشکر و ساقاچید سجاغی بکی شهر سوار بیک و بعضی امر اوابطال که ما مور
ایدیلر اناطولی بککریکیسی عثمان پاشا یه مالحق اولد قیلر نه هجومه جرأت کلب نصوح
پاشا زاده یه مقابل اولدی یور آستانه دن تعین اولنان دلی قیطاس اغا چفته لری عثمان پاشا یه
طنز و عتاب ایدوب پاشا م سلطام یوقدر کوندر نصوح پاشا اوغلمک اردنجه کلب نجب
جنگ ایتدی یور غالب اسوز بکیر بر اولتیق کر کدر دید کله عثمان پاشا اتفاق تهمتدن ذمتنی بری
ایتمک ایچون نصوح پاشا زاده جانبیه خفیه خبر کوندروب معذور اولسون احوال
معلوم در دلی قیطاس بزی لسانه الوب بد نام ایلدی یارین مقابله ایلدیم دیوب ایرتشی صورتا
قیبر تلنوب ابتدا کندوسی سوروب لشکر خصمه مقابل اولوب جنگه شروع ایتدی یور
قرشودن لشکر مخالف پیاده لری قورشون سر یوب عثمان پاشا نکل عسکرندن وافر آدم
دوشوب عثمان پاشا بوزلد قیطاس اغا مردانه لک ایدوب عظیم جنگ ایلدی بالا خره
قوله و غی التندن زخم نیزه ایله مجروح اولوب اتباعندن اوچیز ققدر آدم خاکه دوشوب
از تکمید عسکری منیرمار جعت ایتدی یور نصوح پاشا زاده تعقیبه زخصت ویرمدی بیخسه
دبل چقمیوب جمله سی قیرلیق ممکن ایدی دیر لاول سیل کوه اندازا کونه من بعد کسه
طورمدی ایکی بیک مقداری عسکر یوریبوب مهیا اولنان خند قیلر اوزرینه اوغرامیوب
راه و بی راه اسکدان توجه ایتدی یور وقعه اسکدار و قلاشی حسین پاشا آخر کار
ربیع الاولک واسطنه وزیراعظم اسکدان عسکر و طویلر کیوب یکچیری اغاسی والی
یلوک اغالری نفرا تیلر کچوب کورجی محمد پاشا سر عسکر تعین اولندی سعادت پادشاه
دخی اسکدار با نجه سنه واروب قرار ایتدی یور نصوح پاشا زاده دخی عسکر یله کلب بولغورلی
حوالیسنده سیران دپه سی نام محله نازل اولدی چون وزیراعظم مصطفی پاشا نکل
مقام صدورته استقلال اوزن تمکنی بعضی دولت خائیلرینه کران کلب مجرد مزبور رک
نکبتنی وز والی کوره لم دیو بمقوله طرف خلافت اولنلری تحریک ایدر لردی و دائما تحفجه
نصوح پاشا زاده یه مکتوب کوندروب الم چکمیوب جمعیتکرایله اسکدان کله سر خلقی
جمله ویردن روگردان اولوب سزک جانبکرمه میل و محبت اوزن در لرسز اسکدان کلدیککریکی
مهر شریف سز قرشوکیدر فلان دخی سزک طرف فکرتده در فلان شویله در شویله
سویلدی دیو برالای مهملات اکاذیب ایله تحریک ایدر لردی حسین پاشا کند و فساد
دماغندن غیری بمقوله محرک رک اغواسی علاوه اولوب بو مشکل ایشه شروع ایلدی
بو بمقوله کلان مکتوبلری باشنده مجتمع اولان اراذل اجلافه اشاعت و اشته آدملرینه و یلک
پاشا یلرینه اراعت ایدوب اسکدان وار دیغمر کی مهر زه کوردیو عسکر بی الدایوب
جمعیت ایله کلدی کا تب چلبی دیرکه اول کون عظیم غلبه و هیبتله کورینوب مثلاً بر قاج
اتلوسی اسکدان هجوم یاسه بر و طابندن پریشانلق و انهرام مقرر ایدی لکن بو وضع
خارج طو رادب اولغین اختیار ایتیموب محرک رک وعده سی اوزن مهر شریف و رودینه

منتظر اولدی واول کجه طرف پادشاهیدن دارالسعادة اغاسی واروب رسل ورسائل
وخط همایون ارسال ایدوب انقیاده دعوت اولند قده حضور همایونه وارمقدن احباب
وامتناع ایدوب مهر شریفک کله سندن مایوس اولوب ارباب اعوامک وعدلری دروغ
وافسانه ایدوکن یلدی غیری بالضرر و پادشاهک امرینه رام وخالفت یوقدر شرحله
دعوائی کورمکه کادم چون ممکن اولدی امر پادشاهمکدر دیوب وارن آدمه جواب ویردی
علی الصباح بروجا بدن وزیر اعظم عسکره قومه ایدوب فوج فوج جنکه آهنگ ایچون
یوریدیلر مکر آخر لیلایه نصوح پاشا زاده اول ورطه هولناکدن تخلیص جان امید یله
یارو بنکاه وخیمه وخرکاهن براغوب بر قاج معتمد آدمیله بر جانیله فرار ایدوب دلو باشتیسی
وبعضی بلوک باشتیلر سنجاقلری منکوس ایدوب وزیر کلوب پایبوس استیجان ایلل امان
بولوب نفر لایله معفو اولدیلر ساثر مجتمع اولنور دخی آن واحدده پریشان اولوب اوردولری
وجله استیا واثقاللری یغما و غارت اولندی و اطراف وجوابنه اخدی ایچون آدمای
تعیین اولنوب اوج کوند نصبره استانبوله عودت اولندی تفصیل نصوح پاشا زاده
حسین پاشا نیک استانبوله توجهندن شیطان بکر نام کتخدا سی مدبر جمیع امور
ایدی حقا که رتق وفتقه قادر حر باوسلمات بیر ده ماهر کسه ایدی ارضروم منصبینه
دخی کتخدا سی ایدی اما پاشا نیک قریب اشی علی بیگ که کباردن آستانه ده اولوردی مزبور
بکر کتخدا سی سو میوب دائما مکتوبیلر و خبر لر کوندروب بکر کتخدا منافعده صدر اعظم
مصطفی پاشا ایلله متفق و سکاید خواهد دیویازاردی حتی بردفعه که سیواسه کوز خزینه داره
غلبه ایدوب قتل ایتدکد نصبره از نکمیه کلشیر ایدی قرائتشی علی بکدن ینه
مکتوب کلوب ابتدا بکر کتخدا نیک الیه دوستوب اچوب کور دیکه ایچنه کندوی پکوب
بکر کتخدا نیک منافقتی مقرر در قتل ایلیمه سن بو طرفه علما و صالحا و اعیان جمله سکا راغباندر
دیش و ساثر خلقدن قره مصطفی پاشا نیک بدخواهی اولان حساددن ایسه مهر
شریف سکا قرشو وارر همان ایاغک مردانه باص دیونجه دفعه مکتوبیلر کلشیددی دردمند
نصوح پاشا زاده اول مکتوبیلره اعتماد ایدوب امام حسین حضر نلرینه اهل کوفه مکاتبی
کبی اوله جغنی بلزدی ولان سلم خلق و عوام ناسا کا راغب اولش احباب حل و عقدک
میل واعاتی اولد قچه ایش باشته چقمیه جغنی وحل و عقد احبابی دخی اعانت و محبت
ها بنده یولند قهری صور نه تسلط و زور و هجوم جمهور ایلله نائل مرام اوله نیک نتیجه سی
فساده بادی باکه هلاکه موودی اوله جغنی فکر ایلزدی بکر کتخدا قضیه یه مطلع
اولد قد نصبره مکتوبیک مهرین دوزلدوب متجاهلانه کتوروب پاشایه ویردی پاشا
او قویوب بکر کتخدا سی مسمون مکتوبیدن غافل صانوب صداقتنه حمل ایتدی و بکر کتخدا سی
قتل ایلد چک بر جرم بولما مغین قریب ایش نیک یازدیفی سوزی غرضه حمل ایتدی اما
اول خصوصه قریب ایش نیک ابرامندن عاجز قالوب آنی ارضای ایچون بکر کتخدا سی عزل
ایلدی و ساقا ابازه یه خد مت ایش دلی مسلم محمد اغا که پاشایه اغا اولمشیدی
وهر چند که مزبور دلنیش کعب شوم حر یقینر با نیک طور مسمون دیودوستلری نصیحت

۱۵ ایتد کجه اصغای تیموب خدمتنده الیقومش ایدی اول شخص ضعیفی بکر کتخدا سی کتخدا
ایلدی بویه محل مخاطره ده عزلندن بکر اغا بمنون اولدی اما چه نیکه قدیمی ولی نعمتی در
ینه جمله امور نه مدبر و مستشار اولوب حقیقه بنه منقطع اولدی کرفتاری نصوح پاشا
زاده حسین پاشا چونکه پاشای مشارالیه اول ورطه دن قورتلوق ایچون بر قاج امکدار ایلله
کجه آخر نه فرار ایدوب قره دکن کارینه واردی صلی اوغلی واون قدز آدمیسی یله عاقبت
کاری ملاحظه ایتک سترین بر قایغه کیروب قارشو دوزم ایل یقاسنه چندی مکرنتی تا تار
خانه واروب استشفاع طلب ایتک ایش وادرنه یه واروب پروادی تریب نه ذونه نام محله اولان
چفتلکنه وارد قده او غلنی چفتلکنه الیقویوب کندوشی خفیه خانه جان اتیق ایچون
رو سنجعه دگ واردی اما قضا کمنی اجر ایلد چک ایش کونون زورق بر موافق هوا یله سریعا
استانبوله کلوب سوز قاجر مغله حکامه طویوب وزیر اعظم کتخدا سی محمد اغا بر جم ایلله
گوندلیدی وروم ایل طرفنه کچمشدر دیه طنه مبنی مقید ما درنه بوستانی باشتیسی سنان
اغایه خط شریف کیدوب اخدی فرمال اولند قده سفل اغا اول سمته سکر دوب اطراف
احاطه ایتکله پاشا رو سنجقدن ایلر و کجه میوب اند بر احسان دیده سی نه سنده اختفایه
قرار ویری اما بوستانی باشی ایشوب هنوز رو سنجعه کیره چکی کون قرق نفر بوستانی
زور کاران ایلله اطراف احاطه ایدوب ضرب و جرحله کندوی اخدی و انباعتک کی قتل
وکی مجروح اولوب طاغلدیلر کندوشی قیدو بند ایلله ادرنه یه کتوزوب آستانه دن کلن
مباشره تسلیم و عربیه ایلله ارسال ایتدیلر وزیر کتخدا سی ایسه چفتلکنه واروب اوغلی یلد قده
اخذ و آستانه یه احضار ایلدی اون الی پاشا نیک نسل طاهر مرتضو بدن بر تازه جمیل
الصورة سید چلی ایش باشتی یشل شل حضور همایونه کنورد کلرند تقیب الاشراف
شفاعه یله قتلدن قور تولدی با باسی قیدو بند ایلله عربیه ایچنه کله چکی و بر اعظمه
اعلام اولند قده طوب قیوسی خارجندن اولان با یچه سنه سیر طریقیله چیقوب نصوح
پاشا زاده یی قرشو سنه کنورد کلرند شتم و آزار مالا کلام ایلله تمام اخذ انتقام ایتدکد نصبره
العهد علی اراوی بیوردی انواع عذاب و اشد سیاسله قتل ایدوب بعد باشی کلدوکنی
تأخیر ایدوب ایرتسی رأس مقطوعی سرای عامر قیوسی اوکده راغلدی و یادرلری
صائف الذکر علی بکی قریب ایشی مکتوب ایلله تحریک ایتک تمهیلله اخذ و بر سفینه ایلله
عل طریق النفی دریایه چیقاروب چکمه ده بوغوب دریایه ایتدیلر و برادر بکر یوسف
بکی نفی و عمر بکی حبس ایتدیلر اگر چه وزیر خصم سندن اخذ انتقام ایلله شاد کام اولوب مقامنه
مستقلا آرام ایلدی اما بو وضع خلقه غایت کران کلوب وزیردن نفرت و اعراض زاده اولدی
بو قضیه ر بیع الاخرده ایدی بحکمة الله تعالی کندو دخی سنه آخرینه وارمدی
بوستانی باشی رو سنجق یانده حسین پاشایه ایرشد که کندوی طوتدیلر کتخدا سی دلی
مسلم آت به ینه دوستوب قاجدی بر تاور بوستانی اوزینه آت سوروب ایرشد که دلی
مسلم بر قایچا لوب بوستانی چک کله سن ابکی شق ایلدی سازلری خوف ایدوب وارن مدیلر
تا که کلیمولی حد و دینه کوب کشان سخته وارد قده جزیه دار صالح چلی کشان ویده سی

صالح چلی کشان ویده می بولمغین براسلوب ایله اخذ و آستانه یه ارسال الید که عقوبتله
 قتل اولندی بکر کتخداسی فرار ایدرکن طو تیلوب وزیر اعظم حبس الیدی و نصوح یاشا
 زاده نیک دینه ان افندیسی او رفله لی قره باقی افندی یوم هنریمه فرار ایدوب اول کجه اق بابا
 طاغیری و راستنه قلوب ایرتمی کون کونک صومتمنه کلد که به ستاخیلر مزبوری تبدیل
 صورت کور و بالتندن بارکیرینی الدیلر هله کندی بانیوب اسکدران کلوب مصلی اغانام
 برکسه نیک منزله بلا تقرب ضیف اولوب ایکی کون اند طوب خد متکارینه براج التون
 و یروب یوزدردی خد متکار ک اغزیدن خبر النوب قو کشیلر طو بدیلر مصلی اغابن یاشادن
 خوف ایدرم افندی معقولی بودر که کندی ایاغکله وارسن سکاخرر کلز دیه تعهد ایله الوب
 کونوردی وزیر کتخداسنه وارد قیرنده مصلی اغابه قره باقی دکلیدر دید که باقی افندی جواب
 و یروب بلی سلطانم قره سعید کند و سیدر دید که اله صو باشی دیوب حبسه کونوردی آیدنلی
 بکرزاده حسن اغار جا ونگفل ایله یانند الیقویوب بکر کتخد ایله بر محبسده جمع اولدیلر بعد رجا
 اولوب کتبک جرمی ندر سوزی مسموع اولدوغی صورته و خلاصه ده مجالیه قدر ضروری
 خدمتینه قالمشیدی یکنه اولدوغی ظاهر دردی قتلدن خلاص ایتدیلر نصوح یاشا زاده نیک
 عمر ملزیدن بعضیلری نقل ایتدیلر که باشای مشارالیه دایما قره مصطفی یاشادن تشکی
 ایدوب دیر الیدی بن مقدم ما قیوجی باشیلغم زمانه ارناده لقدمه خایف کوررکن مصطفی
 یاشانک اقر یاسندن برینی طو توب کثرت شکا تنه بناء صلب ایلش ایدم شفعاسی مصطفی
 یاشایه منسوب دردی کوردیلر دیکلمدم مال فروان تکلیف ایتدیلر لادم اول زماندن پرو
 بکا خصومت الیدی ما بنمتر و فیک اولغی محالدر فرست بولور سه بکالمان و برمز دوردی
 بالاخره کاتدین تدان مضمونی ظهور الیدی و نصوح یاشا زاده و قعه سنه مدافعه
 و جنک ایدنلر مظهر نوازش اولوب مون محوری مشهور فایق بکه روم ایل ایالتی و یروب
 عثمان یاشا رینه ناطولی ایالتی واردار علی یاشایه و سلسله نشانچی موسستاری یه توجیه
 اولندی جوان قیوجی باشی محمد یاشا قبه الننه او تورمش ایدی خلقت کندویه
 توجه و اقبالی وزیرک معلومی اولیحق ماء رجیک اون بشنه شام ایالتن و یروب استیجالح
 ایله شامه کونوردی سابعام مقصود یاشادیلر بکر دن مصر ایالتنه کوندرلد که مصطفی
 یاشا عزولا کلش ایدی حبس و سکسان یه ک فچء سی و نیجه استیاسی مصادره اولنوب
 اطلاق اولند قد نصمکره نکر ارحیمش اولنوب انوزیک افچه سی دخی الدقدن صکره وزارت
 مقررره ایله دیوانده او تور مسینه اف و بر الیدی دیوان افندیسی تعبیر اولنان کتب السکره
 صاری احمد خلیفه دراندن الی یوک افچه طلب اولند قد مولویت اعتبار یله مقدم
 ابصالحه یه قاضی اولان بشمقچی زاده کفیل بالنفس اولوب احمد خلیفه خوفندن فرار
 واختفا ایتد که مزبور بشمقچی زاده معاتب اولوب قدر غه ایله کلید البحر قلعه سنه نفی
 اولندی عزل اغای بکچیر یان ریم الاخره بکنش اغامعزول اولوب یو ستانچی باشی
 هزار غرادی احمد اغای بکچیری اغاسی اولدی ریم الاخره حنفی افندی مصر دن عزل اولنوب
 بند کرجی موسی افندی مصر قاضیسی اولدی و جلد یی بکچیری اغاسی هزار غرادی تکه لی یه

تقلید ایدوب دخان ایچون دکانلر و اولر باصوب تبدیل قیافت اسواق و محلاتی کروب
 اجرای حکومته زیاده شدت کومستردی یو آتاده بکلک آخور سمتنه لوغریوب ات اوغلنلری
 طشره هجوم ایدوب اغالیله عظیم عربله ایتلر یله وزیر اعظم ایشیدوب تنبیه و تقریر
 ایتکله اغامظهر انفعال اولدی مقتولی ذوالفقار یاشا صقد سجاغندن معزول ذوالفقار
 یاشا نصوح یاشا زاده نیک مکتو بلریله الدانوب عسکر یله اکا ملحق اولمق سودا سیله
 کوردی صکره انک احوالی برکشته اولد قد اتحاد لری شیوع بولمغین و همدن آستانه یه
 کلکه اقدام ایدم یوب قویه اطرافنده اقامت اوزن یکن قهریس ایالتی و یروب قیوجی
 یاشی کوندر یابوب بیک قدر آدمیسیله خواه و نا خواه بیک مکرو آل ایله قهریسه کور دیلر
 مکر مقدم ما قهریسر قاضیسی ایله اوباق ضابطه یه خفیه امر کوندر یابوب یاشای مزبوری
 قلعه ره دخولدن منع ایچون تنبیه اولمش انلر دخی الی ایله اکر ام ایدوب انجق قلعه یه دخوله
 مانع اولدیلر و صدر اعظمه منسب محسب شعبان اغا در یادن استیجالح ایله کوندر یابوب
 قهریسر بکچیری اغالی نامیه وارمشیدی نهانی ذوالفقار یاشانک باشی المغه مأمور ایدی
 تاقیودان پیاله یاشا دو نیا ایله قهریسه وار نیمه دیک متر صد اولوب انواع تملقلر ایله یاشایه
 خواب خرکوش و یروب اغفال الیدی قیودان پیاله یاشا ایسه بحر سفیدی طولا شوب
 اسپانیه توابعدن قنور نام قلعه یه یما شوب و اقرار دو کوب اوروب غارت ایدوب
 و بر معظم قلیون آلوب بعد قهریسه کلدی مکر ذوالفقار یاشانک قتل ایچون اکاده
 خفیه امر کوندر لیش دو نیا قهریسر لیانه لیکر بر افد قد ذوالفقار یاشا قیودان یاشای
 ضیا فته دعوت ایچون یاشا زاده یه وارد قد پیاله یاشا کندویه وارد اولان امر همایه نی ابراز
 ایدوب اول ساعت یوغوب باشی کسدی بکچیری اغالی نامیه کلان محسب شعبان اغا
 یاشانک باشی الوب قره دن منزل ایله آستانه سعاده روانه اولدی و وصولنده باب
 همایونه القا ایتدیلر استیلاء اسلام یاشا دیار قزاق ازاق مح فطه سنه اولان اسلام
 یاشا دایما قره دکر سوا حلی غارت ایدن قزاق استیاسی قرار کاگی اولان اطه یی و چرکس
 کرمان و متاجه نام حصار لینی ضرب شمشیر ایله تسخیر ایدوب بش بیک قدر مسلمان
 اسیری اطلاق و اهالیسنی استرقاق ایلدیکی خبری کلدی احوال دنما پیاله یاشا
 دو نیا همایون سفینه لریله اق دکره چقد قد ایا ماور دن اسپانیه یه صالدر یوب
 قلووی یقاسنه وارد قد یما شوب هر کیدن الی آدم چقمق فرما اولند قد هر کیدن
 سکساندن تجاوز آدم چیقوب بکچیر یلر ایله دو نیا اغاسی حسین اغا دخی چیقوب
 لوند مقدمه و بکچیری اغاسی دم دار اولوب یوریدیلر قلاع کفاردن باغ و بسا تنی نا حضور
 بر قلعه عظیمه و معموره اوزرینه قوشلق و قتمه ایرشدیلر که کفار غافل ایدیلر بلند
 مناسرتقله لریدن یاس نا سیاس کوروب بام کلیمه چیقوب بیر اق صالعه باشلدی که
 کفان اشارت قرار ایش بر خطه ده کفار قاچوب شهری خالی بر افدیلر عسکر دخی ایریشوب
 پس مانده لردن التمش قدر اسیر و ایکی قزاسیر ایدوب طو بولمغه قیولدیلر او قدر
 امتعه و تقایس یغمال ایتدیلر که تفنگ و زنه لرین و حبیب و همیالین انجو و فضه و ذهبه

ایله طولانی و زیاده را غنای نامیده اند و دروشی احرار و تخریب ایدوب و دوتوب کیلبره کیروب
آلا رغه اولد قارند دخی اشغی ینه اسپانیه سواحلندن قنورون نام قلعه معمور اوکنده
برقلیونه راست کلدیلر قلیون دوتیائی کوردکنه قنورون ساحلنه واروب قلعه یه یناشوب
گفاری طشره یه دوکدی اون یان قدرغه چاتوب قلیونی الدیلر مکر یوکی قمری اطللس
قرنکی و شمع کافوری ایتمش برغنیت عظیمه یه واصل اولدیلر اول محل دریاده یلکن کورنگله
ناشا کند و صالوب تمام چاته حق محله ملعون قاچرکن دومن یا ندرند اولان قیچ طوبلرینه
آتش و یروب دانه لریاستندن کیروب قالیته آتینه وارنجه قیچ طوغری کیدوب برقاج
یکیدی شهید و مجروح ایلدی فی الحال باشترده چاتوب لوند دوکوب فتح ایتدیلر کیشی
صبیکه لر غنایم بسیمار انوب کافرلرین اسیر ایتدیلر ساثرلرین تخویفر ایچون برقاج
گافری کسیدیلر اندن سالما و غنایم دوتوب قیربسه واروب ذوالفقار یاشایی برطرف
ایدوب اتمام خدمتند نصیحه اول حوالیه دورت فرقه که مالتنه کیشی الوب الی یان دوقه
گیلری فرار ایتدیکله بعد دوتوب مدلی جزیره سنه کلوب صغری ده قلعه یه تل
بر اقدیلر مجموعی الی ایدن زیاده دریاده کزوب ایکی بوزتون برقلیون ایکی تارتنه
ایکیوزدن زیاده اسیر کتوروب ترسانه غامریه وصول بولدی رکاب همایونه یوز سوروب
یوخدمت مقابله سنه کندویه وزارت پایه سی و رلدی وقایع عجمیه دندر که یلک کیمارندن
یش یان کی که ساقزلی مهر دار و حسام بکرزاده و علی یاشا و غیره راسکندریه یه واریدیلر
مکرانده طغری نام رئیس قلیون یاپد رمنش دریاه ایتدیرمک ایچون بکر دن اسیر جا
ایلدی انلردخی اوچورمه لرندن یوز اسیر چقاروب قلیونی ایتدیرمکه کوند رلر مکرانده
و افرینود و مطراق یغاش ایش کفارک هریری بری قایوب مسلمانلره قبولدیلر و اسیرلردن
و مسلمانلردن برقاج یوز نفیس تاف اولدی ملعونلر زور ایله کیلبره قبولوب فرار ایتدیلر
ایکیسی طوب ایله غرق اولنوب باقیلری فرنگستانه قاچدیلر سفینه لرک بکری ماه رجبه
ذخیره کیلبره استانبوله کلد کورند قاسم یاشا و مهر دار یاشا و ساقزلی سرد ارزاده اوچی
دخی غفلت و فضاحت ایچون معاتب و محبوس اولوب بعد اطلاق اولدیلر چفته لرلی عثمان
یاشانک منصبی وارد ارعلی یاشایه و برلکه کندوسی استانبوله کلوب برقاج کون محبوس
بعد اطلاق اولندی بناء قصر عالی دریالی ساحل بحر ده سنن یاشا قصر ینه حواله برج
اوزینه سیت کوشکی دیکله معروف قصر صغیر که دو تنما چقد قلد و انلر انال او پرلدی
اساسندن توسیع و بنا اولتیق فرمان اولغین اوتاغ همایون طرزنده بر قصر دلکش بنا
اولنوب شعبانده الی آئی تمامده قرین اتمام اولدی ظهور جنی خواجه کاتب چلبی
مرحوم و وجهی تحریری اوزن پادشاه عالمنه مقدم ما حیس خانه ده بیم جان ایله
خفقان و شهر و بعضی سودای علتنه مبتلا اولوب مداوات جسمانیه چند ان تاثیر
ایتزدی دیوار باب غرایم و نیرنجاته کندولرینی اوقتیق سمتنه مصباحین حرم سوقیه
میل ایتیلیدی و اولمقوله علاج روحانیه دن نوع استراحت حس ایدر لیدی اتفق
پدرسه ده ساکن حسن افندی زاده سوخته لرندن بری که اصلندن زعفران

بورلیسندن حسین نام کسینه مشاهیردن بر شخصیک اوغلی اولوب پد رندن بعضی
ادعیه ماثون و غرایم غریبه او کرنش ایدی مرضای نسوان و اطفال مقوله سی کندویه
واروب او قتلله مدرسه ده شهرت و برمشیدی معرفتندن بری والده سلطان حضر تارینه
تعریف ایدوب شومقوله برکسه واردر پادشاه عالمنه حضر تارینه او قوسه صحت
بولورلدی دیکله سوق اولنوب سرایه دعوت ایله واروب پادشاهه او قیوب قوت
واهمه و ثابعتقاد امداد ایله برحالت وجدانی کلیجک مزبون رغبت و التفات و عنایت بیوردیلر
داخل دفتر ملازمت دکل ایکن دفعه خارج مدرسی اولق ایچون اصدا فرمان بیوردقارند
شیخ الاسلام محی افندی قانون دکلردی و استکثار صد دنده ایکن خط همایون ایله دفعه
محی مدرسه سی و بری یوب وافر وظایف و تعینات و برعالی سرای مکمل بساطیلله احسان
اولندی برقاج کوند نصیحه سلیمانیه مدرسه سی و بری یوب در عقب غلطه قضاسیله
خواجه لقی خطی صادر اولوب جنی لقبیله مشهورانام و آستانه دولتی مرجع خاص و عام
اولدی بعد قره چلبی زاده محمود افندی یه داماد اولوب و افق شتن طبقه مثلنک مضمونی
ظهور ایلدی کیدرک تعین کسب ایدوب نجه مصالح امور قارشمغله ماتجای جمهور اولوب
جمع امواله باشتلدی مورخ شارح المنار جنی حسین افندی نیک لسانندن نقل ایدر که
جنی حسین افندی ابن محمد ابن قره باش ابراهیم افندی عنعنیه ایله مشاهیر مشایخن
ایمشرو شیخ صدرالدین قونوی سلطان علاء الدین ساجوقینک دخترین تزوج ایدوب
ولودایدن ولد حسین افندی نیک بشخی جدی ایش و جدی مرقوم قره باش ابراهیم
افندی که مسقط رأسی زعفران بورلیسندن واعظ ناصح بر مر تاض مرد صالح ایش
بر کون کورسیه دیرکه حق تعالیدن بر بلا نازل اوله جقدر بزدالو لور زسائر
مسلمانلره ضرر اولمقضا ایله اول اثنا ده شیجک منزله حریق واقع اولوب شیخ
یش نفر اولادیلر محترق اولور باقی قلان اولادندن بری حسین افندی نیک باباسی محمد
چلبی و بری حاجی نورالله و بری امرالله افندی نام قاضیدر و مزبور قره باش ابراهیم
افندی مبلغ یسیر ایله برجامع شریف بناسنه باشتیلوب رأس المال یسیره امکان یوغیکن
اتمامه موفق اولوب نره دن صرف ایلدی و کی احباسنک معلومی اولدی دیرلر مشار
الیه جنی حسین افندی طالب علم زینه استانبوله کلوب برقرند اشی حسن فندی
اوغلی شیخ محمد چلبی یه دانشمند اولدی سلیمانیه مدرسه سندن از میر قضا سنه چقد قلد
فقیر ملا حسینی استحقاق ایدوب ملازم ایتدیکندن ماعد منصبه بیله کوتورموب
استانبوله بر اقدی فقیر اغلیوب افندی سنک بعضی اخوان و احباسندن استشفاع
ایتد که انلر دخی شوبیچان یه یاز قدر بوقدر زمان دانشمند یکنر اولدی بیله کوتورک
دیه رجالتد کارنده بهی افندی بزم عرضیور و در عورت و اوغلانله اقسون اوقیان بر سحر
نابکاری بیله کوتوروب منصبزده بدنامی اولم دیوب در ایلد که بیچان جنی مکدر و حزین
مدرسه یه کلوب نالان و کریان قالدی جناب رب العالمین حضر تارینک حکم
خفیه سنه عقل ایر شمر افندی سنک عار ایلدی کی افسوس نکرلک صنعتی اول فقیره سبب

مایه غرت اولوب برسنه مرورایتمدین مقرب پادشاه و نائل عز و جاه اولدی ظهور صاحب دار
 یوسف پاشا برکون سلطان ابراهیم ک خاطر لینه خطوراید که برادر م سلطان مراد مرحومک
 بر مقبول صاحب داری و ارایش بخون بنم بر مقبول و مقرب صاحب دارم اولیه دیو مخصوصی
 لسانه کتوب بعضی مصاحبان یله استنشان ایدر لاندرون همایند اولمقوله کسه ظهیر ایتمک
 خواص و مقربینک فواید ماحوظه سی اولدوغنه بناء پادشاهی بومعنایه ترغیب ایدوب
 واقعا پادشاهینک نظر اختصاصی ایلر بر مستعد قوللری مقام قرینته اختیار اولتمق شان
 مشرفلرینه باعث افتخار در دیر لرمه شوالک اوندن صاحب دار وزارت سابعه ایلر چیقوب برینه
 صاحب دار اولان رکابداریوسف اغا وزارت ثانیه ایلر حل و عقد امور مد ار اولق وجه اوزن
 مصاحب نامدار اولدی لری بونلر فاتح کرید یوسف پاشا در که مخصوص سرای عالی دوستوب
 جمله اسباب اختشام و لوازم مالاکلامی میریدن کوریاوب ماتجای خاص و عام اولدی لری
 و سلطان مراد خان مرحومک صاحب دار پاشا سنه متعین اولان شیر بر موجب دفتر
 بونلر ده اعطا اولنوب سابقا ببر محمد پاشا یه کتخدا اولان حاجی بیرام اغا که مالدار لردن
 ایدی کندویه کتخدا نصب اولندی و جنبی خواجه ایلر اتفاق ایدوب وزیر اعظمه
 معارضه صد دینه باشلیدیلر ذی القعدة نک التخی کونی شهرزاده سلطان مراد خان فوت
 اولوب جدی تر به سنه دفن اولندی قتل فایق پاشا مشهور افاق طور خان بیک
 نسلدن اولان فایق بیک محصل اموال ایکن مور تحریندن کلوب نصوح پاشا
 زاده جنکنده خدمتی ظاهر اولوب صدر اعظمک مظهر التفاتی اولمغله روم ایل امیرالامراسی
 اولمشیدی صوفیه ده جور وظلی حددن کچوب آلتی آی قدر حکومت ایلدی بر قاج
 حریری بلاذن شرعی صلب ایدوب صوفیه قاضی سی سنجاری محمد افندی که معزالدین
 دیمکله معروفدر بعد السیاسنه اندن بخت استیوب ابرام و جفا ایتد که قاضی مزبور
 الی کونده ایلغار ایلر استانبوله کلوب دیوان همایونده نظم و فریاد ایدوب مواد
 مظالم دفتر نی صوند قده بیوک میراخور لقدن عثمان پاشا روم ایل امیرالامراسی اولوب
 فایق معزولک احضارینه قیوجیلر کتدی قاضی دخی منصبیدن اعراض ایتمکین آخره
 توجیه اولندی و قیوجیلر کتخدا سی صالح افندی بیوک میراخور اولدی قیوجی باشی
 مشرباز اغا قیوجیلر ایلر واروب فایق پاشا نی قید و بند ایلر استانه یه کتوردیلر مزبور فایق
 پاشا مرحوم غازی طور خان بیک که ملغره ده مدفونلر لک نسلدن اولوب اجدادی امراء
 نامدار و کند و دخی اجدادی او قافنده و ضیاع و عقارندن و سائر متوجها تندن سنوی
 او تویزیک غرورش قدر اراد صاحبی ایکن قناعت ایتمیوب عسک و ظلم ایلر مشهور اولغین
 معظمان امور و تحریرو لایت و تحصیل بقایای ایالت مقوله سی مصالحه قاریشوب خلقه
 جور و تعدی ایتمکله شرف اباسنی طامس و ما حق اولوب خسرو پاشا و زیر بکن کندویه
 ظلم و جور تهمتی ایلر بیک دکنک اوروب تعذیر ایتمشکین و سنی حدود سبعینه ابرمش
 آق صقاللور بریر ایکن نه ظلم فقر او ازبت علمادن ال چکمیوب خصوصاً امیرالامرا
 اولدقد نصمکره احکام شرعییه اصلاً اتقیاد ایتمیوب عنود و استکباری حددن تجاوز

۲۱
 ایتمشیدی پادشاهالپناه یالی کوشکنه اینوب فایق پاشا نی حضورینه احضار و صوفیه
 قاضی سی ایلر مرافعه ایدوب احوالی تفحصه بالذات استغفال بیوردیلر قاضی مشارالیه که
 سابقا بازاره پاشا خدمتندن ظهور ایدوب از میر قاضی سی اولاندنر مواجبه سنه مزبورک
 تعداد مظالمه باشلیوب پادشاه فایق استنطاق ایتدکن انکار ایدوب کفتکو چو غالدی
 وزیر اعظم فایق سوردی وقتلدن خلاص ایتدک استردی صاحب دار پاشا ایلر جنبی خواجه
 دئاووز برک علیهنه سعی ایدوب فایق قتل ایتدیرمک استر لردی بالاخره فایق پاشا دیدی که
 پادشاهم بندن اقدام روم ایل بکیر بکیمی دلاور پاشا که حالاً معزولدر بر طوغری سوزلی
 قولکدر بنم کیفیت حالم اندن سوأل اولنسون نه دیر سه راضیم دیدی اما بسوزی اگا
 بناء دیدیکه دلاور پاشا منصب رجاسنه وزیر اعظمه متردد و متخص اولمغله شاید وزیر اعظم
 خاطری ایچون حسن حالنه شهادت ایدر صانوردی دلاور پاشا لیسسه حصول مطلوبنه
 صاحب دار پاشا و جنبی خواجه جانی دخی ارجح ایدوکنی بلد و کندن غیری طوغری سوزی کتم
 ایتمزدی دلاور پاشا احضار و سوأل اولند قده پادشاهم بوقاضی بر نیجه ایام نم ایالت و قتلند دخی
 صوفیه قاضی سی ایدی شرعه رعایت و اعتدال اوزن حرکت ایدردی و جمله خلق کندودن
 خوشنود ایدی اما فایق پاشا وارد قده قاضی یه جفا ایدوب خلقه تعدی ایلدوکی شایع در دید که
 شیخ الاسلام محی افندی دعوت و استفتا اولند قده پادشاهم بونک قتل واجب اولالی او توز
 میلدر دپو جواب ویردی پادشاه بوستانچی باشی یه اشارت ایتدی فایق بوغوب جسته سن
 همین صحرای سرایه بر اقدیلر و میراخور اغا مقبول مزبورک اموالی اخذ و قبضه تعین اولنوب
 تر حاله و یکیشهر ستملرینه کوندلر دی فایقک قتل عاشردی الحجه ده ایدی وزیر اعظم
 مزبورک قتلندن غایت بیخضور اولوب مهر شریفی بر اتق مرتبه سی پادشاه ایلر مجادله
 و مکلفه ایلدی و قعه قتل قره مصطفی پاشا بر مقتضای ارادت حی بچون واقعه ضمای قضای
 کن فیکون موجبی اوزن که عالم کون و فساد هر کون ایچون فساد و هر فساد عقبنده کون
 کردون کردوند حوادثندن اولق بر موجب فرمان مسبب الاسباب معتاد ایدوکی معلوم
 قلب اولی الالباید رولن تجد لسنة الله تبدیلا تاریخ هجرتک بیک الی ابکی ذی الحجه سی
 خلا لنده برج حوتک یکرمی سکنجی درجه سنه اولان قران علویین احکامک تمامتندن
 صورت پذیر اولان قضایله سنه ندر که اشبو سنه ثلث و خمسن و الف محررا حرامک
 غره سنه که یوم سبت ایدی نوروز فیروز سلطانی اولوب طالع سال عالم برج عقرب
 سهم السعاده و سهم الغیب ابکیسی دخی عقربله خداوند طالع میرام انتقام مثله ناریه دن
 برج جوزاده که ثامن طالع و بیت النکمه در واقع اولوب زخل حوتک که برجیت اعتبار یله تربیع
 مرغیله بولنوب نیرین عطارد و مشتری برج جمله ذنب ایلر محاسن وینه سنه بیک الی اوج
 ذی القعدة سنک اون التخی یوم ثلث ده تربیع نحسن واقع اولوب برجیت ایلر که مرغیت
 الشرف یعنی جدید و زخل جمله مشتری دخی جمله اولمغله برجیت اعتبار یله اولدخی
 تربیع مرغیدن حصه مند اولش و شمس دلو ده و قمر اسوده ایکن که تربیع نحسیندن اوج
 کون مقددر و زهره درجه شرقه افرج برج حوتک بولنوب بالجمله بوتریعک دلالتی

بوگونه صورت پذیرا و لد بکه قادر بچون جل جلاله ارادیه فایق پاشا قتلندن صکره دور دخی
 کونکه یوم الاحد در صدر اعظم مدبر امور ام قره مصطفی پاشا مظهر غضب پادشاه اولی الله
 و هر و عالم بقا و لدی تفصیل مورخ دیر کوز پر مشار الیه شجاعت و شهامت و عقل و کیا ست
 ایله موصوف وجود و سخا و تربیت عرفا ایله معروف ایدی لکن جلوسدن بری کمال استقلال
 ایله ملک عثمانیه حکمی جاری اولوب دولت علیه ناک ایدنی نکثیر و مصارفی تقلیل ایتیمک
 خصم و صندان تعید تام و افراط اوزن اهتمامندن ناشی کند و دن بعضی حالات ظهور ایتیمش
 اید بکه خلقک قلوبی کند و دن متنفر اولمشیدی همان اذ اراد الله انفاذ قضائه اذهب عن
 قوی العقول عقولهم حدیث شریفک سر مکتومی ظهور ایدوب اندن یونوع حالات
 ظهور کلمش ایدی جمله دن مشاهره دن کرکدن و میریدن و سائر علوفه و وظایفه متصرف
 اولنلرک جهت معاشلری اولان علوفه لرندن برر مقدار نزیل ایدوب و بعضی سی
 فامستقدردی و محروم ایدوب قطع ارزاقه متعلق جور ایلدی و یوقلمه نامیه نجبه اسامه لری
 چالوب عسکری طائفه سنی نکد پرا ایدی و روم ایلی بلاد نه عوارض تحریری اچون دلاور
 افندی بی کوندروب قدیمه مغایر زیاده خانه لر با غلیوب رعیت و عسکری مجاور و مقیم
 و سفری بلکه سادات و قضات یکسان عوارضه با غلغلوب آه فقرار بنا و لا تحمل مالالا
 طاقت لایا به کویان آسمانه ایرمشیدی و باش محاسبه جی استانبولی حاجی علی افندی بی
 جزیه تحریقه تعیین ایدوب اسامی اهل جزیه بی نکثیر فرمان ایتیمکه اطفال صغیره بی
 بله دفتره قید ایتیمکه اهل ذمته تعدی ایلدی بونلردن ماعد اقایق کبی قرق ییلدن بروقتی
 یکمیش بر ظالم مشهور صاحب چیقوب روم ایلی و مون تحریر نه حواله ایدوب نجبه عباد اللهی
 خصم و صانجه قضایه و اعیان بلادی درز نجیر ایتیمکه از دراء و تلیل و فقر و وضعیانی قتل
 و حبس و تنکیل ایتیمش ایکن مشکور المساعی اولدک دیوروم ایلی امیر الامراسی ایتدیکی
 حیرت افزای جهانباز اولمش ایدی و ساحد ار پاشای مصداق و بر جزیره نه نفی ایتیمکه تعذیر
 کفایت ایدرکن غرض سابقه بناء قتل ایتیمه سی دخی بیوجه ایدی دخی نجبه بونک کبی اسباب
 باطنه کدا کثری عالمیانه خفی و حقه ظاهر در وقوع بولان اسباب ظاهره نک دخی اشهری
 بواوردی که ساحد ار پاشای جدید مظهر التفات پادشاهی اولوب جنجی حسین افندی ایله
 اتفاق و اتحاد ایلوب امور دولته قریشوب وزیر اعظمه معارضه صد دنه اولغه باشلدیلر
 وزیر اسبه ساحد ارک ابتداظم و رایجکی اشناده پادشاهی منعه پالشوب پادشاه امور دولت
 هسارکت قبول ایتیموزر اچوقدر ساحد ار پاشایه و پر یله جک منصب و خواص و لوازم احشاشامه
 ایراد دولتک تحمل یوقدر خزینه بی کرکی کبی مالامال ایدم لم بعد مراد شریفکر اولد و خی
 قدر چر اغلر ایلاک شمدی وقتی دکلدر دینه کوردی فائده ایتیموب ساحد ار پاشا تعین بولدی
 و جنجی خواجه ایله اعتضاد ایدوب وزیر غلبه پالمغه باشلدی وزیر هر نه ایشلر سه کیمدن نه
 الور سه نه توجیه ایدر سه بونلر خبر الوب خفیه پادشاهه اقبح وجه اوزن ییلدروب رقیبلاک ایدر
 اولدیلر کتدی که بونلرک اوضاعندن وزیر د لکیر اولوب کند و به مانع استقلال اولدق لر بچون
 ازاله لر نه چان اندیش اولدی و حسن تدبیر ایله پادشاهه سو بملکه دفع نامکن ایدیکنی بادیکی

جلدن چراغ خاصی قول کتخد اسی حسین اغا ایله به سری در میان ایتد که حسین اغا شویله
 معقول کوردیکه تحریک فتنه را جلوه ایله قول دیوانه جور با ییموب مزبور لک ابعاد قائمه سی
 تا بقین لازمدر شاید غلو غائله سی و همندن مزبور لک ابعاد اولنوب صکره تدبیر حمله حقارندن
 اکثر بیه طریقه کشور استقلال سز صاف اولق متصور در دید که پاشای ساده دل کتخد
 بکلر آینه وجود و یروب ایدی سکایو کیسه آنچه و برهیم اوطه لره و سوز صاحب لرینه توزیع
 ایدوب جور با ییمکدن امتناع خصوص صند اتفاقه سعی ایله دیدی کتخد لک دخی به مصاحبه
 متعهد اولوب خانه سینه واردی و اوطه باشلردن و اختیارلردن سوزینی دیگر ظن ایتدیکی
 کسینه لری چاغردوب آنچه و یروب ماجرای بر بر تعلیم و تنبیه ایلدی اما چون که
 اوجاق خلقینک اکثری و نافذ الکلام اختیار لری تقلیل علوفه و قصر منافع و قطع
 فواید ایتدیکی اچون وزیردن چندان مخطوط دکلر ایدی معقول شناس اولنلری
 بر بر ایله مشورت ایدوب پادشاهمزدن بزنه جور و اذیت کوردک که جور با ییموب
 بیعنی تصدیق ایدوب وزیرک مرادی بزم بهانه مزایله ساحد ار پاشا ایله حسین افندی بی
 ارادن قالد رمقدیر که کندوسی مستقل اوله بوقدر زمان مستقل ایدی بزنه فائده سنی
 کوردک اوجا غمزدن بوقدر بیک اسامه قالدیر وب نجبه لریمزک دیر لکترین چالوب بزم وغیری
 اچون بر جهت انتفاع قومدی به یله کسه اچون به مقوله امر و خمی العاقبه به شروعک
 فائده سی یوقدر دیدیلر به وجهله اسنشان ایدرک مصلح الدین اغایه واروب بقضیه بی انکله
 در میان ایتد کلرند مصلح الدین اغا که معمار دامادی اوجاق خلقک معتبر صاحب رشادیدر
 فریاد ایدوب الحذر ثم الحذر سلطان مراد مراد حرمک نجبه بیک نفوس قتل ایله اطفال ایلدیکی
 آتش فتنه بی یکیدن اشغال ایتیمکی استر سز یا غه سوزد و شد کدن صکره ایشرفتی مشکل
 اولور بونه اصل رأی فاسد در دیب رضا ویرمدی و آتیه بنوب وزیر و واروب سلطام بونه اصل
 اشد در دید که وزیر قضیه نک شیو عنندن منفعل اولوب خبرم به قدر دیمین ایلدی ندن
 مصلح الدین اغایه یکجری اغا سینه واب بونه بیعنی اشد سزک یون خیر و وارمیدر دید که
 اغا خیر اکاه دکلم دیب و خوفندن پادشاهه واروب حکابه بی اعلام ایلدی پادشاه عالمینه
 حضر تلری مصلح الدین اغایه چاغیروب بقه اختیار قوللرم شور با ییمک استر لایش اصل
 وارمیدر دیو سوال یورد قلندر حاشا پادشاهم جمله سنک بی بی قیلدن انچه در وجهله سی
 امریکه مطیع لر در یوسوزدن اصلا خبر لری یوقدر اگر چه لالا کتخد لک ایله بعضی اوطه لره
 بر قاج کیسه کوند رمش لکن انلرک اغوا سیله بوبله ایش ایتیمک محالدر دید که پادشاه جهان
 حضر تلری یابن شمدی لالامی قتل ایتیم قوللرم بکا انجور لری دید که حاشا پادشاهم بلکه
 جمله سی حظ ایدر لر پادشاهه خیرد عالیدر دیب کلوب کتدی ایرتسی احد کونی وزیر دیوان
 هما یونه واروب دعا جیلردن برینه تعزیم و آزار ایتد و کتی پادشاه حضر تلری قفسدن کوروب
 ابکی کره قفه سی قاقوب دیوان بوزلمغه اشارت ایتد بلر دیوان بوزیاب عرضیه کیر مکه ادن
 اولدی وزیر متفکر سرایه وارد قلندر و دن خدامندن بیروم اغا نام کسینه مصلح الدین اغا نک
 پادشاهی خبر ایتد و کتی طوبوب وزیر اعظمه بر تذکره کوندرو کیسه لر قضیه سی طویلدی

۲۴
باشکه بر جان کور و دیو خبر او و وزیر اعظم قوبنده بر مصحف شریف قویوب سوار
اولوب تیمور قبو دن ایچرو وار پادشاهی ایاق میری ایدر بولوب زمین بوس ایدر بی دعوت
کلد و کندن پادشاه خشمه کلوب لالا نجیب بابا کلو ی کبی دعوت تکرار سن دیو تفریر
ایند کده قوبندن مصحفی چیتا ر و ب قدم پادشاهی یه یوز سور و ب دوللو پادشاه
بو قولنه افتر ایدوب پادشاهه شوبله دیملر خیرم یوقدر کذب صریح ردیوب ابراء ذمت
ایچون ایمان غلاطه باشلدی پادشاه حضر نلری عتاب کونه یاسن تعلیم ایلدک ایسه قوللرم
شور بایمکن نخون امتناع ایدر لر و یینلر ند یوقوله کلامی نجه سویلشه یلور لر دیک
پادشاهم انلرک طغیان شمدی اولمش دکلر نجه دفعه ایتشلر درو آنه دیک
درلوتد بیر ایله بن ضبط ایدرم لکن شمدی استقلال اولدوغنی طویدیلر بکا مطیع اولیوب
سوزیمی دیکلر اولدیلر بعد الیوم ضبطلرینه قادر دکلر دیو جواب و ردی پادشاه
حضر نلری هب یلان سوبلور سن یوسوز لریک کذب رانلر بندن راضیلر فتنه بی سن قالدیر مق
استر سن دیو سور دقلر ذره مصحف اوزرینه ال قویوب ا کر کذب و اریسه بو کلام قدیم بکا
خریم اولسون و بکا پادشاهمک نعمتی حرام اولسون ضبطلرینه قادر دکلر دیو نجه ایمان
غلاطه ایلدی پادشاه حضر نلری غضبه کلوب هب سوزلرک کذب درو بر میری بن ضبط
ایدر آدم بولورم دیو سور و ب دخی بوستانجی باشی یه آل شونی دیو اشارت ایلوب کندولر
هرمه طوغری کندیلر بوستانجی باشی کوشک یا نده محاوره بی استماع ایدردی پادشاهمک
آل شونی دید و کن مهری آل دیمک فهم ایدوب پادشاه مهری و یرک دیدی پادشاه مهری
تسایم ایدوب کمدوسی طشره یه طوغری توجه ایتد کده بوستانجی باشی مانع اولد یغندن
پادشاهمک کلامنی فهم ایدر میوب غلط ایتد و کتی یلدی و فرمان پادشاهی کندینک حبسی
ایدیکنی ادراک ایدوب بوستانجی باشینک غلطنی غنیمت عد ایدوب آتیه سوار اولوب کال
حیرت واضطراب ایله سرانیه جان اتوب قبولی قیایوب اتباعنه سلا حلتک دیو امر ایتدی
اتباع و حواشی جمع اولوب بونه اصل سوؤ تدبیر در بوستانبول شهر بدر جمله مزی
قایچدن کچور لر بر غیر چاره ک واریسه انی کور دیدیلر ناچار هول جان ایله حرمه کیروب
یرسیاه قیما بر بشل مقدم بر چوقه سرحدی ایله تبدیل جامه بر کورده حائل ایدوب حرم
طامنندن نعلی مسجد طرفه ایندی برو جانیده ایسه پادشاه چیقوب بوستانجی باشی یه
نجه ایتد ک دید کده مهری تسایم ایدوب پادشاهمک کمد و کتی سویلدی پادشاه غضبه کلوب
دیو کافر یا باشی یا باشک دید کده بوستانجی باشی غلط ایدو کتی اولوقت یلوب دورت
بشیر و بوستانجی ایله سکر دوب وزیرک سرانیه کلدیلر قبولی قیایمش اطرافنی احاطه
ایتدیلر وزیر ایسه تبدیل قیافت نعلی مسجد جاننده اکرچه ایندی اما اوزاقدن
بوستانجیلرک هجوم واحاطه سنی کور و ب قورنلق متعسر اید و کتی یلوب باری
اخشامه دیک موضعده اکنوب کجه فرار ایدیم دیو مسجد مزبور قریب بر یغن اولتلق
وارايش انک التمه کز لنور بوستانجیلر ایسه سرانی اجد یروب کیروب فرارینی
طوید قلدند مسجد سمتنه اولان لیلحق دیواری بولوب ارارلر ایکن بالای دیو اردن بری

۲۵
اوتانک حرکتی کور و ب خبر و بر التندن چیتا ر و ب طوتد قلونده سل سیف ایدوب
بر بوستانجینک بر مقارین طوغرار بر بوستانجی بجا ق ایله قفا سندن اور و ب قانی روان
ایدوب بند چکدیلو اخذ اولندیغی ساعت پادشاهه خبر کشیدی قتل ایدوب میتنی
کتور سونلر دیو نذیمه همایون صندور ایدوب بوستانجی باشی یاشای مغلول کتور و ب سیل
چانه اوکنه کلد کده قتل فرمانی قارستو کلدین قتلنه منشر اولدیلر پادشاه هر چند یلواروب
بنی حضور هما یونه زند کور و بک پادشاهه سویلیه جک سوزم واردر دیه کوردی مفید
اولیوب خواجه پادشاه شوشنده طر نقی سرانی قیوسی و سیل خانه اوکنه علی
ملاء الناس قره علی دید کوری اهرمن روسپاه کند اتوب بوغوب بر کلیم ایله جسته سنی حضور
همایونه کور و ب یلر بکا کور و ب مهیا ایتد و کتی تربه سنده دفن ایتدیلر اشوب سنده رجب الفردند
وقوع بولان خسوف مناسبتی ایله عزرا فندی زاده بهایی افندی که وزیر بدن خشنود دکل ایدی
بویشی سویلشدر بیت مهر اقبال وزیر اولدی گرفتار کسوف یوزی آغ اوله ظهور ایتدی هله
حکم خسوف نثر وزیرک جمله اموالی طاشنوب میری یه قبض اولندی برا کر هکبه سنده
اوتوزینک فلوری بولنوب غیری چوقلق تقودی چقمادی بر مقفل حجره ده بر حصیو
دوشمش اوزر نده بر کرسی ذی قیمت انک اوزر نده بش قطعه تصویر بر کبری کند و تصویر
یا قیسی اعیان دولتمک و بر تخته اوزر نده معادن میخلر کبکملر قاشش بولندی احباسی
خواص مقوله سی بعضی افات دفعی ایچون در دیدیلر اعداسی سحر و عقد لسانه متعلق
اعمال نیر نجات در دیدیلر العهد علی الراوی حتی پادشاه متعلق و متردد بر مغربی و ارایدی
پادشاه ایچون سحره عقد لسان ایدردی دیو تمهت اولنوب نفی ایتدیلر پادشاهی مشار الیهک
قتلنه بر سبب دخی جسم و روپا در اولغله اکثری احوال رفیق و ملائمت بلیوب تمور و شدت
اوزن حرکت ایتکله خلق خصو صا خدمه باب عالی و ارباب دیوان عقوبت و ازاردن
اقراط اوزن خائف و لرزا ایدیلر و لطف و کرمی انحق برابکی شخصه مخصوص اولوب
خلق مال میریدن اولان تعیشنی بالکلیه قطع ایتکله لطفندن قانط اولشلر ایدی خلقی
ضبط ایتک تخویف و تهدید محتاج اولدینی کبی ترغیب و استمالته دخی محتاج در
افلاطون الهی دیر که خلق اوج قسمدر او لیکسی طبقه علمیه در حجت و الزام ایله ضبط
اولنور ایتکیسی اوسا ط ناسدر اکثر اموره ترغیب و استمالته استفاده اولنور طبقه
ثالثه که سفله در ترهیب و تهدید ایله ضبط اولنور بو طبقات ثالثه یه عنف مجرد ایله
حکومت مشکدر انقطاع رغبت عدم محبت سببدر من لم یامن شرک لم یردخیر ک مضمونی
معلومدر پادشاهی مشار الیه ایسه خواصه رفیق و مدد ارا ایتک دکل نجه اموره پادشاهه
حدت و رعونت ایله جواب و یروب دولت علمیه ناک نظامند سقیم مشکور دیو خبر خواهاق
یوزندن مجادله و محاوره ایدردی و خاطر خواه پادشاهی اولان امور لرده کندی مرادینه
موافق اولمیه مساعده ایتزدی مرضیسی اولمیان مصالحن پادشاهی حسن ملا طفت
ایله تحویل ایچون خواص مقبولندن بر عقل راجح صاحبی قوله الوب اولقوله مشکلا نده
انکله استعانت ایتیبوب مجرد استقلال دعوا سیله جرح و تعدیل اموره مستقل بالرأی

اولوب پادشاه نازنورایدی واسرافات مقوله سیدر دیوسرای عامره نك اكثری
 به صرافتی تنقیص اینکله خدمت اندرون همایین کند و دن اعراضه باشلارایدی و قیوجیلار
 کاتبی حسین افندی که سلطان کتخد اسیدر نقل ایدر که مصطفی پاشا مرحوم جزئیات
 اچون پادشاه کند و بی دعوت ایتد و کتبه دایما متعیر اولوب پادشاهنه فرمان اینسه منع
 و معارضه معامله سن ایدردی حتی قبیل واقعه ده پادشاه حضر تازی ساحدارلقدن
 دلاور پاشانی اناطولی ایلتیه چقاردقه وزارت ایله کامیاب ایتک مراد ایلدک مصطفی
 پاشا رضا ویر میوب پادشاهم وزرا چوقدر نه لازم دیو منع ایدوب برکون وزیره برخط همایین
 ورود ایلدیکه مضمونده سبب ندر سنک ویردک کربک طویلوب بنم ویرد کرم طوئیه
 بن دلاور وزارت ویردم دیونجه جکرگاه سوزلیاز مشلارایدی بوهرتیه تعندی پادشاهه
 خوش گلزدی بردقه نکهان پرده کیان حرم خاص کتخدا تون اچون بشیوزچکی
 او طون فرمان اولوب معظمان امور اشتغال سببی ایله تأخیر اولمش برکون وزیر دیوانه
 امور مهمه کوررکن عادتدن ایکی ساعت مقدم وزیره خبر کلوب دیوانی بوزدیروب اچو
 دعوت ایتدیلر واردقه کتخدا تونه فرمان ایتدو کم او طون بووقته دك نجون ویرلدی
 دیوب عتاب بیوردق ندر پادشاهم تنبیه ایدلم ویرلسون دیوجواب ویردکد نصکره خطاب
 کستاخله ایدوب پادشاهم بن سنک وزیر کم دیوانی بوزدیروب بو مقوله جزئی مصاحت اچون
 بنی چاغردرسن بشیوزچکی او طون اون بش یك اقچه ایدر بو قدرشی خسیس اچون بنی
 کتوردوب امور مهمه بی تعویق ایتد رر سر بکار عیت خزینه و سرحدل احوالی صور مز سر
 دیوپر ده بیرون کلمات ایله پادشاهی مغیر ایلدی نقل حکایه حسین افندی که وزیر کم محرم
 اسراری ایدی بو حکایه بی ایشدک عقلی باشتدن کیدوب واروب شیخ الاسلام محی
 افندی یه شکایت و عرض ماجرا ایتد که محی افندی همان کوزلرین اچوب اللربن قالدیروب
 نره زمره رصا قنسون پادشاهه بویه سوز سوزیا نزل اول امور عظیمه دیدوکی مصاحتلر هب
 گوریور اولور بتر همان انلره لازم اولان پادشاه عالمیناهلک نطق شریفلرینه امثالدر استه
 امور معظمه پادشاهلک تنبیه بیوردیغی معنادرینه بیغنی ایشدر بزدن او غلزه سلام ایله
 زهار بوکونه خشونت و دلال ایتسونلر و پادشاه ایله بو معامله دن حذر اینسونلر دیدی
 حسین افندی برتقریب ایله کلوب مغنی افندی نك سلامنی تبلیغ ایدوب دیدوکی
 نصیحتی سویلدی جوانده یهی آدم بر منصب اچون کذب و مدارائی ارتکاب ایتک
 بکا کوچ کلور بنم سعیم کندی دولتی اچوندر هر کس بر طرفدن سوز سوزیلوب تحریک
 غضب ایلد جک نفاقه باشلیدیلر قنقی برینک مرادی اوزن مدارا ایدیم بویه حیاتدن
 موث دخی بکدر دیوب مقتضای مشربندن رجوع ایتدی الی ال الحال الی مال وینه
 سابق الذکر حسین افندی نقل ایدردی قره مصطفی پاشا ووزرا و اسرا و اصحاب
 مناصبدن رشتوت الما یوب معتاد سابق اوزن اوله کان هدیه دن غیریشی آلدیغنه
 رضاسی یوغیدی حتی برکون حضورینه دخول اچون سرایه واردیغنه تذکره جی
 احمد افندی بی اچو و دن مرعوب و خوفناک چیقار کوردم پشیره سی متغیر و پریشان

اولش بواول احمد افندی بکره صکره دفتر دارنده وزیر اعظم اولوب قتل اولمشدر تفریر
 وتلاشتندن سوال ایتدم وزیر کند و به غضب و عتاب وازاله سنی مراد ایدوب خوف جان
 دوشتد یکنی خبر و یروب صورت استشفاع کوستردی و اراوطه که صیرایله نجه اولور کورلم دیوب
 آئی وثا قنه کوندروب ایچره کیردم وزیر اعظمی منقبض و غضبان بولدیم بی کوردیکی کبی
 روه قنله سن هی آدم دیدی بندخی بیورک سلطانم سیما کرده اثار ملالت مشاهد اولور
 اصلی ندر نه مقوله امر مشکل ظهور ایتمشدر دیو متجاهلانه سوال ایتد که شول ولد الزنایه نه
 دیر سن بن ویردیکم براتلری درکناو ایدوب بکبر بکیلوری حقار ایش شمدی قتل ایشم
 کر کردیدی یایرینه استخدا مه کی تدارک بیوردیکر دیدیکمه کونیکلو محوده خبر کوندردم
 شمدی کلوردیدی بندخی اما سلطانم اول کونیکلو محود بیر ضعیفدر حضور بکترده ایاغ
 اوزن طور مغنه قادر دکلدر تذکره جیلک صعب خدمتدر اما بو حرامزاده بتون کون ایاغ
 اوزن طور مقتدن عاجز دکلدر و سر قلدن او توم مکتوب بیور سکر بر ساعت یازوب
 رحمت حکمر سریر القلم راسخ کاتبدر ثانیاً بو نجه زملندر سزونی استخدام ایدوب جمله
 اسرا بکتره محرم اتخاذ ایتدیکر اکر شمدی قتل ایدر سکر قان ایتمش اولور سز اولمقوله نك
 قانی نه شیدر که دامانکری تلویت ایتکی ارتکاب ایدر سز اکر عزل ایدر سکر محرم اسرار کز
 واروب محرم اعدا کز اولمق لازم کلوردیدم جوانده یا همان ایتدوکی یاتنه قالسونمی
 دیدی بندخی معقولی بودر که رسوخ کتباتنه نظراینه همان تنبیه و عتاب ایله اکتفا
 و خدمت ابقا اولنده دیدم ایدمی سن بولد الزنایه باصتی اول سنک خاطرک اچون او بیل
 ایدلم دیدی بندخی احوالی نظارته نعهد ایدوب طشره توجه ایتد مکه کتوروب الی اویدورم
 آردنجه چاغردیکه حسین افندی هم شو حرامزاده نك بریوک عیبی دخی واردردیوانده
 ویرنده طوررکن اوچقوری صارقوب قار شو مزده کورینور ائوبلک قیافتی پریشان قیامده سی
 آچیلوب اوچقوری کورندیکندن خبر دار اولمز اللهی سورسک شواد بسره تنبیه ایله
 اوچقورین صاقلیوب لباسنی آدم کبی کیسون دیدی بندخی بو جمله یه نعهد ایدوب
 حیقوب بو خصوصلری کندویه تفهیم و تنبیه ایلدکد نصکره کتوروبینه الی اویدروب
 تذکره جیلک خدمتده برقرار ایدم بعد تذکره جی مرقوم احمد افندی مقتضای دور
 زمان ایله مسند صدارته کچوب حضورینه واردیغنه بکا بو حقوق مقابله سنده التفات
 لازم ایکن مرحوم بندن صقیلوب استقبال ایلدوکی حس ایدردم و تقارندن مسعودر که قره
 مصطفی پاشایه محرم لخر خیری خواهلق یوزندن سلطانم ساحدار یوسف پاشایه مدارا اینسکر
 معقولد دید کلرند سلطان مراد کبی قهرمان زمانک مقبولی و مرغونی ساحدارینه مدارا
 ایتدیوب دل و تواضعی قبول ایتدم دیوینلر نه سبقت ایدن ماجرای نقل ایش تفصیل
 ماجرا بودر که مرحوم سلطان مراد خان عصر نه بیرام پاشا وزیر ایکن رند و صاحب عقل
 اولغین کمال اخترازدن ساحدار پاشایه زیاده مدارا ایدوب پادشاه حضر تازینه هر نه ناخیم
 ایدر سه بعینه ساحدار پاشایه ده بر تذکره یازوب معا کوندروب اعلام ایدردی ساحدار
 پاشاده بیرام پاشایه طرفدارلق ایدوب هر کلا منی تنفیذه سعی ایدردی چون بیرام

پاشا وفات ایدوب مهر طیار محمد پاشایه کیدوب قره مصطفی پاشا قائم مقام اولدی
 طبعند فضاخت و دماغنه نخوت حد اعتدالدن تجاوز اولغین ساحداره التفات
 ایتیموب هر ماده بی انجق پادشاهه یازار دی ساحدار پاشا پادشاهه شکوی ایدوب
 قره مصطفی پاشا بوقولکتری آدم زیننه قومز مقدمه و طالا عرض ایلدیکی اموره نامحرم
 عدا ایدرلم یاتنه جرمنز ندردید که پادشاهه دخی مصطفی پاشایه عتاب ایدوب
 چون ساحدارم جانبی اطراح ایدوب اموزی اکاده یاز مر سن دید کارنده دستور
 وقور جواب باصواب و یروپ شوکتلو پادشاهم اولایه قولککه بیلدر ساحدار قولکک
 سنک سلطنتکده اورتاقلنی وارمیدر یوقیدر اکر وارایسه ام پادشاههک هر اموزی اکاده
 یازمق لازم کلور یوغیسه پادشاهم بن یا لکتر سنی پادشاهم بیلورم انجق سکایازارم ولایق اولان
 بودر که بنمله پادشاههک میانه وقوع بولان مکاتبات و معاملات مقوله سنی اسرار
 قطعاً ساحداروغیر سنی مطلع اولیه والای حکومت و وزارت ایدم دیوختم کلام ایتد که
 یوجرات صاد قانه طبع همایونه خوش کلوب ساحدار ده یازمقدن کندوبی معاف
 بیور مشلر ایدی بوجه اوزر ساحدار پاشا ایله یینلری خوش اولیوب مرخوم روزنامه چی
 ابراهیم افندی بی ساحدار ایله متفق و متحد دردییه قتل ایتکه بهانه ارادی اما اجل
 مسمی سنی سبقت ایدوب انتقامی ایله الامدی صکره صدر اعظم اولوب سلطان
 ابراهیم جلوسند ساحداری طمشوان آندی مع هذا دائماً مجلسه دیر ایش که بنم
 ساحدار پاشایه غرضم وعد اوتتم یوقدر انجق امور دولته حدی و وظیفه سنی اولیان
 معظمت مصالحه مداخله ایتدیکی ایچون دولتی قایر دیغمدن الله کندویه بغض
 ایتمشیدم نهایت بغداد التند بر دفعه سلطان مراد مرحوم بکتاش اغایه غضب و قتل فرمان
 ایدوب چو کرد کلرند بر ایاغنه ساحدار پاشا و بر ایاغنه حسین پاشا صلیوب رجا ایله
 قور تاردیلر تا اول کونن بری ایکینه دخی عد اوتتم فحیمه مبدل اولوب بکتاش کی بو
 مرد یکنه بی تخلص ایتد کلر ایچون ایکسنک دخی حمایه سنی اوزریه الزم اولمشدر دیر ایدی
 اما ساحدار پاشا تک طور میوب طمشواردن خلاص اولوب آستانه یه کلک سودا سیله
 اندرون همایون جانبیه خفیه کاغذ لکونند زوب عمل ایتکه منصب صداری و کند و باشی
 خوفندن قتلنی از تکاب ایلدی نغمه چون قره مصطفی پاشا قتل اولندی کنعان پاشا
 قائم مقام اولوب یکچیری اغاسی حضور همایونه دعوت و کتخ ابلک قتل ننبیه اولندی
 اغاقیوسنه کلوب کتخ ایلک قهوه ایچرکن بوغوب اغاقیوسی اوکنه عبره للناس بر اقدیلر
 وزیرلی قیوده ساکن حصاری حسین اغا کتخ ایلک اولدی و وزیر مقتولک مقربلرندن
 معمار قاسم و ترسانه امینی رخچی حسن افندی و قیوجیلر کاتبی سالف الذکر حسین افندی
 و تکره بی احمد افندی و رجب اغا حبس اولندی بعد پادشاهه رجب اغایی و محمد کتخایی
 خدمتینه کتورب سویلدی رجب اغا جو اید پادشاهم بن برایشه قارشیمزد انجق دورت آت
 بسلیوب اعیان دولته خبر کوندر ردم غیری امور مدخل یوغیدی دیملکه عفو اولنوب ایکسنی
 دخی ساحدار پاشا خد متنه قوشدیلر و پادشاه عالمپناه وزیر قتل ایتدکد نصکره

شیخ الاسلام محیی افندی به بر سبور کورک ایله ییک فلوری احسان ایدوب کد لاک
 ابوسعید افندی و صدر روم احمد افندی مظهر التفات اولوب بن علمانی سورم دیوبور مشلر
 و پاشانک مالی و فایق مقتولک اموالی نفحص اولنوب اناطولی قاضی عسکری عبد الرحیم
 افندی کتخ استند که محمد چلبی دراون بش یوک اچمه مقداری فایق مال و دیعه سنی
 چقمغله کتخای مزبوری حبس ایتدیلر و افندی سنی عبد الرحیم افندی هم بر کتشیله
 وزیر روم فایق قیو کتخ اسی اولغله کوب اقبالی میل رجعت ایتدی حکایه دلاور
 اغا دیار مصریه رعایا سنک نکالیفی حدن فزون اولوب خصوصاً پاشای مقتولک
 زمانه نیجه بدعت نکلیف ایله فقر اتحملدن قالوب مقصود پاشا ولی مصر بولنوب عامه
 رعایا دارالامان یه جمع اولوب مقنن اولان مال میری سابقدن شومقد ایدی هر سینه
 کلن والیلر ترقی قویوب بر مرتبه یه ایرشدردیلر که ادا ایتکه بر وجه طاقیر یوقدر تکلیف
 مالا بطق ایله خراب و یریشان اولوب زراعت و حراسته قدر تمز قالدی دیوبوش
 شکوی ایتدیلر مقصود پاشا دخی بن بویه بولدم و بن ارتور مدم هله شمدی بو مال معلومی
 ادا ایلک بعد کیفیت حالکتری در دولته عرض و محضر ایدم امیددر که حالکزه مرحمت
 اولنه دید که نیجه قال و قیلدن صکره پاشا و اهالی مصر عرض و محضر لریازوب
 امکداران حرم همایونن سلطان محمد مرحوم خواجه سرالزین دلاور اغا نام طواشی که
 براغای هفتاد ساله در بش پادشاهه خدمت ایدوب مصر ده متوطن ایدی عرض
 و محضر لری انکله استانه یه کوندر مشلر ایدی پاشانک قتلندن اولخه وصول بولوب
 پادشاهه بولشد قه نتیجه مکاتب وزیردن استیکایی متضمن اولغین پادشاه مکتوبلری
 استند که دلاور اغا وزیردن خوف ایدب بنمله دکل کیروده کلن مصریلر ده دردیو جواب
 ویردی بواشاده پاشا ارادن رفع اولنوب عالم شکل آخر اولدی مصریلر ده کلدی
 پادشاه عرض و محضر ایدم استند که دلاور اغا ده دردییلر دلاور اغایی چاغروب محضر لری
 استند که چقاروب تسلیم ایلدی یا نیچون مقدم عرض و محضر ایدم دکلدر دیو
 حضور مد کذب ایلدک دیو پادشاه مزبور غضب ایلدی و اول ائشاده مصطفی پاشانک
 بدخواه لری دلاور اغانک کلدو کنی پادشاهه خلاف اکلا دوب وزیر اعظم مزبوری
 دارالاسعاده اغاسی ایتک ایچون کتورمشدر که تمام ایچرویه دخی مستولی اولق استر دیو
 یکمشلردی دلاور اغانک وصولنک ایکچی کونی وزیر قتل اولنمشیدی حضورده خلاف
 سویلدک دیو آرقا لیکه دلاور اغانک وجودی آئنش قهر پادشاهی ایله سوزان اوله مقربلر
 رجا ایدوب براختیار قولکدر قجه پادشاهم دیلریله کلیه ولی یه نفی و حبس فرمان ایدوب
 قیودان پیاله پاشایه کوندر دیلر امر شریف و برچاوش ایله ایکسینی غره ذی الحجه ده برقایغه
 قویوب محل مذکور کوندر دیلر بر و جانبدار قائم مقام کتخان پاشا دلاور اغا طرفندن
 بسطاعتد ارایوب پادشاهم مقتول لالاک خوفندن پادشاهه طوغری سوز سویلکه
 کم قادر ایدیکه دلاور قولک جرأت اید و الاحاشاکه اوله امکدار قولک خیانتدن کذب
 ایتش اوله دیوب پاشا دهک غضبنی تسکین ایدوب بعد مصر لورون دخی نفحص

اولند قده مصر خلقی دلاور اغایی مؤتمن بامکله ابرام ایله کوندرد کربن انلردخی اعلام
ایند کندنه عفو بیوریوب اطلاق فرمان ایندیله دلاور اغا کلوب قدم پادشاه یوز
سوروب اوکوز عربیه سیله کلدیم پادشاهم اغلا دقه پادشاه وافر خنده ایدوب بشیوز
التون وقوناق وتعیینات احسان ایلدی وصف مرحوم قره مصطفی پاشا کاتب چلبی
قد لکه ده ووجیهی تاریخنده پاشای مشارالیه ثنا ایدوب اوصاف محامدینی یو وجهله
املا ایتشله دروزیر مشارالیه ارناد واصلیدر اوجاق اغارندن قره حسن اغایه خدمت
ایدوب یکچیری وصولاق اولوب تیراند از لکه هوس ایدوب ماهر کاندکش اولشیدی
کیدرک طریقیله یکچیری کتخاسی اولوب سلطان مراد ادرنه یه کتد کده سبکان باشی
اولدی ارضروم محافظه سنه کوند رملکه ابازه پاشا مزبورک روش و حرکتی بکنوب
سلطان مراده تقرب حالنده تربیه ایلشیدی پادشاه دخی التفات ایدوب روان سفرندنه
یکچیری اغاسی ایلدی نفراتی دخواه پادشاه اوزن تعلیل وقهر ایاموب سرکشانی دیار
هدمه کوند رملکه پادشاه یاننده تقرب کسب ایدوب روان دونشده قیودان اولوب
ترسانه اوجاغندنه اولان اسرافات واختلالی قالد یروب هر سنه قرق قدرغه اوجا قلق
ایلدی بعده قائم مقام بعده بغدادده وزیر اعظم اولوب اون ایکی بیک نفر سپاهی واون
یدی بیک یکچیری الیقویوب باقیسمی دفتر دن اخراج ایندی استانبوله کلوب زحیمی
حسن افندی ایله نرخ امورن کوروب سکه بی نصیح ایلدی وولا یتلری مجددا تحریر
ایندردی وندا کری قالد یروب خزینه نک ایراد و مصارفی تقدایلیوب ایرادی ارتورردی
وهر اوج آی تمامنده سپاه ویکچیری و سائر علوفه خوار لک مواجب اینی سنکسانر اچیه
محسوب اولوق اوزن صافی ریاله حاض وریلوب تاخیر ایتزدی و یکی سرایک ایچ اوغلنلری
علوفه سنی دیوانه ربط ایدوب وهر سنه خزینه دن قفتان بهاسی ویرلک پاشای مرحومک
اثریدر زمان وزارتنده کدش سنه دن زیاده جه درجه مصارف و مواجبی تکمیل
ویرد کد نصکره الی بیک کیسه اچیه ارتوب خزینه عامریه تسایم ایتشدر هر خصوصه
استقامت واهتمام اوزن سعی مالا کلام ایدوب وهر امره انتظام و یروب دولته چوق
سعی و خدمت ایلدی لکن اکثری خلقک مرادی اوزن اولمغله کوچلرینه کلوب بوضبط
ویربطن صقلیدر سلطان ابراهیم خان ایسه خیر و شرو دولته نفع و ضرری ملاحظه
ایتکسزین مفسد لافسادی و شیاطین انس اغواسیله استقامتدن ناشی ایلدوکی
دلال و غلاظتدن متکدر اولوب ناحق یه ظلم قتل ایلدی سنی خمیسینه قریب ایدی
پش سنه دورت ای وزیر اعظم اولدی بین الوزر امدوح اولان وزیر دیشاک بریدرکه مسلکی
صکره کلانده دیوانده دستور عمل اولدی وزیر مزبور عاقل و مدبر اولوب انحق نقصانی او قور
ویازد کلا ایدی کندی دخی اعتراف ایدوب بن یومقامه لایق دگم نهایت خط رجال اولمغله
بنی نصب ایندیله وزیر امنصب صد ارتک شیطی اوقویوب یازمقدیر پادشاه ایله وزیر اراننده
اسران متعلق نجه امور وارد بر کاتب واقف اولوق لازم کلوریدر ایدی مع ذلک وزرای عظامک
سرافرازی ایدی نجه اثار خیری وارد کعبه مکر مویه عرفاتدن کلن صویک حجر اسنه

۳۱ بر عظیم سنک سپاه صدر راه اولمغله مقدماساعی خیر اولنلر مشقت واهتمام ایله دورت
اصبع مقداری انحق قطع ایتدیروب قلیل الانتفاع ایدوکی مسعود اولد قده وافر مال کوندرب
اول سنک سپاهی بر اول قدر دخی قطع ایتدیروب آب فراوان اهالی حرم محترمه کفایت
مقداری جریان ایتکله نائل دعاء خیر اولدی و کعبه مکر مویه عین زر قا اوززینه برقلعه بنا
ایتدیروب حرمین فقراسنه وقلعه مزبور مستحقظلرینه موجب و خیرات سائر شی
لوازمیله اوقافندن بهر سنه ایکی بیک بشیوز سکه حسنه ارسال اولنور یرمق قیوده
بر مدرس و بر تبه سی وارد و غلطه ده قور شونلی مخزنه متصل ایزمه اولان کنیسه مسلمانلر
شکواسیله مهر لشمیدی بیک الی ایتدیله انی جامع ایلدی و توقات و سیواس بیننده ویرانه
مجد پاشا خاننی تجدید ایدوب جامع و حمام یایدیروب اطرافدن دورت بشیوز اوکتور دوب
معمور ایتدی و سیواس یکیشهری دیمکله مشهور قاضیایق اولدی و ادرنه دن میخال بیک
کوپروسنک اکثریری خرابه ایدی بکرمی بیک غروشدن زیاده اچیه صرف ایدوب مجددا
یایدردی چورلیدن اوتیه براغاج کوپری یایدردی اکره نام قلعه که سرحد اسلامدر فحن
بری برجام یایلیوب اهالیسی زیاده زحمت جکر لردی بر عالی حمام و مکتب و بار و تخانه یایدردی
واستانبولده واسکدرده محتاج اولان مواضعه چشمه لری نالیتدیروب روم ایلنده صعب المرور
اولان یوللرده قالد رملر و صوبولماز یرلده چشمه لری نالیتدوب وافر اثار خیری قلدی و بالجمله
وزراء عصرک اشبعی ایدی رحمة الله علیه ایام صدرتده تعیین تام و نفوذ کلامنی نقل ایدنلردن
مسموعدر کندنه و وقتنده قراق ملاعینی کلوب مدیه قریه سنی اوروب غارت ایدوب بر آل محدی
نجه مسلمانلر ایله اسیر ایتشدر مسعودی اولد قده اول اشیا سیرلر بله کلور و الا کندوریلور
دیو خیر کوندرد کده جمله سنی کلدوکی شایم اولشدر نفوذ کلام سنی بر تبه ده ایدیکه سابقا ذکر
سبق ایدن وندیک وقعه سیکه علی بچین اوغلی تونس چکر رملر لیه لریدن طویلق الوب
اولونیه لیما ته کلد کده وندیک دو تماشای عقبه کیرلک ایدوب طویلا دقه تونس لوندی قریه
دو کیلوب کیرلری کفار الوب طوب اتمغله اولونیه نک منان سنی هدم ایتشدر ایدی بوقضیه
قهرمان زمان سلطان مرادک مسعودی اولد قده غصبه کلوب وندیکه سفر مقرر اولوب
اسپلت اسکله سنی قیامش ایدی و پادشاه حضر نلری قبیل وفاتده وندیک اوززینه وارلق
لوازمه اهتام اوزن اولوب اتقاللرینه کله اول امور تمشیتنه اشتغال اولنوردی اول
اشارده وندیک کافری معتاد قدیلمری اوزن بالیوسلری ایله مال عرض ایدوب عفو جاسنده
اولد قده قیل و قالدن صکره قرق بش بیک فرنکی التون ویرمک اوزن ضد عفو
کلد کندنه مرحوم سلطان مرادخان غازی عزم آخرت ایتکله ملاعین نقض عهد ایدوب
دخی مال مزبوری کوند رملکن اعراض ایندیله وزیر دلیور اول ملاعینه خبر رسال ایدوب
طلب مال اید کده سلطان مرادک وفاتیه اول داعیه بر طرف اولد و غنی اشراپ ایتلری ایله
وزیر ستم نظیر نیر دونما کیلری حاضر اولسون دیوب یدی بیک فلوری جزیره واون بیک
فلوری تونس کوندریلوب تمش پان قدر سفینه اوجا قلدن اول بهارده کلوب دونمای
همایونه ناحق اوله لوجه معیت ایله وندیک اوززینه واروب محاصره وفتح ایدلر دیننیه

اگرچه ایدوب تدارک مشغول اولدی کفار ک جان با سینه عجز ایدوب عظیم نیاز ایله بش ییک
فلوری دخی اولدن قضیه وزیر حق استر ضا و پروب مبلغ معهودی دخی ادا یه ییک جان ایله
راضی اولوب فی الحقیقه الی ییک مشعشع قر مزی فلوری بی بالیوس یه یله تسلیم و دفع
بیم ایتدیله یاشادخی قرق بش ییک فلوری بی پادشاه حضرتلر یه تسلیم ایدوب بش ییک
فلوری بی دخی کندی و سی قبض ایلدیله لشریف الرضی فی المقلد حسام الدوله و قل
للعدی آمناعلی کل جانب من الارض و نوام علی کل مرقد فقد زال من کاتب طلیع خوفه تعارضکم
فی کل مرعی و قد قد وزارت سلطان زاده محمد پاشا قره مصطفی پاشا قتل اولندی بی کی مهر
شریف شام و ایسی جوان قیوچی باشی دیکله شهرت شعرا اولان وزیر مکرّم محمد پاشا
حضر ثلرینه قیوچیار کتخداسی یه یله ارسال اولندی وزیر اعظم کجه کنعان پاشا قائم مقام
اولوب دفتر خانه ایلدی و عزل و نصب و معظّمات امور قارشمادی بعض وقایع در آستانه
ماه رمضان باش محاسبه جی ترخی حسن افندی سعائیلله کمرک امینی علی اغا حضور
همایونه دعوت و تمام مصداق اولوب بعد عفو اولندی و قدر کجه سی دفتر دار محمد پاشا
معزول اولوب سابقا قائم مقام دفتر دار اولان قره حسن افندی باش دفتر دار اولوب
قسمه و نیدن معزول دفتر دار زاده ابراهیم پاشا اورته دفتر دار اولدی رابع شواله وفات ایتکله
یرینه کوچک دفتر دار لادن ایه دامادی ابراهیم افندی اورته دفتر دار اولوب حرم همایوندن
یری کوچک دفتر دار لغلله چقدی و ترسانه امینی صالح افندی قیوچیار کتخداسی اولد قده
ترخی حسن خلیفه که هم ارپه امینی هم محاسبه جیدر ترسانه امینی اولوب استانبوللی علی
افندی باش محاسبه جی اولمشیدی وینه سنه مزبور رمضانده حلب امیرالامراسی سیاوش
پاشا جور و تعدی اوزن حرکت ایتکین شکایتجیلری کلوب حلب ایالتی چفته لری عثمان
پاشایه ویریایوب سیاوش پاشا معزول در دولته کلک فرمان اولندی اناطولی ایالتی نکه لی یه
ورلدی سیاوش پاشا آستانه یه کلد که بر قاج کون قله یه قونوب بعد عفو اولوب ادنه
ایالتی ویریایوب ماه شواله رجب پاشا نک که هر خان سلطان ندن اولان دختری که صفیه خانم در
سیاوش پاشایه تزویج اولوب داماد اولدی ادرنه بوستانجی با شیشی دیو جانستان سنان اغای
پادشاه کتور دوب ساحد ار پاشا و غیره قتلنه مأمور اولدی پاشا اردن الدیفی مالی نه
ایلد که دیو بر شش و آزاردن صکره بطریق النقی کند و یه تر حاله سنجاغی ویریایوب همان اولد کون
چیقار دی سلطان مراد مرحوم عصر نکه مزبور سنان اغا نک عرب یه قویوب نفی ایلدی بیکی
آدملر دورت ییک قدر اولور که جمله سی یوله نابود اولوب برینی محله ایصال ایتما شد و یوله
برجلادخونریز بوستانجی باشی ایدی دیرلر بکچری اغا لگندن چقان احمد اغای دخی بطریق
الایعاد بو سنه ایالتنه کوندروب همان بو کون چیق دیارام بیورد قلندر عاریتی مهتر لرایلدن
دوشمره عسکر ایلدرمه چاتمه آلا کوستروب چیقوب ادرنه قیوسندن طشره اولد قده
پادشاه اردن آدملر کوندروب کتخداسی احمد اغای که بوستانجیلری یازمیلغندن چقمش
ایدی آلا یدن دوندروب تخت همایون اوکته بعضی جرایم سابقه سیچون یا تر دوب اوچدوز
دکنک احسان ایدوب میت کی کلیم ایلله چیقار دیلر وفات شیخ الاسلام یحیی افندی بو عید

افندی ده یحیی افندی زیاده خدمته اولغین دست بوسه وان میوب ابو سعید افندی یرینه
دست بوس ایتمشیدی سنه مزبور ذی الحجه سنک سکرنجی لیلله سبتیه وفات ایدوب
ایرتنی جنازه سی سلطان محمد خان جامع بشریفنه کتورتیایوب اعیان وارکان دولت بلکه
جمله استانبول خلقي میدان طولوب نمازین قیلدیله نعشی بر مق اوزرنده کتورتوب پدیری
ذکر بالافندی تر یه سنه دفن ایتدیله و نه منصب فتوی ابو سعید افندی یه توجیه اولندی
کاتب چلبی دیرکه مولانا مشاعر الیه ییک تاریخچه شیخ الاسلام ایکن وفات ایدن ذکر بالافندی ییک
اوغلیدر طریق علمه سلوک ایدوب و الله مدرسه سندن حلب منلا سی اولوب شام
واذر نه قضایرینه متصرف اولد قد نصکره ییک اون ایتکین استانبول قاضی سی بعد اناطولی
والتی آید نصکره روم ایلی قاضی عسکری اولوب ییک اوتوز زده وقعه عثمانیه ده شیخ الاسلام
اسعد افندی اختیار عزالت و فراغت ایتکین منصب فتوی بونلره ویرلشیدی اوج دفعه ده
یکرمی سنه یه قریب اول مقام عالی ده تمکن ایدوب آخر عصر لر نه استقلال تام اوزن
مرجع انام اولوب سلطان مرادخان ایلروان و بعد ادسفر لر یه کیدوب تقرب تام حاصل
ایتمشا لیدی سلطان مراد کند ولره زیاده اعزاز و اکرام ایدوب خاطر لرینه فوق العاده رعایت
ایدر لر ایدی بعد سلطان ابراهیم خان حضر ثلرینک اوائلده دخی مصطفی پاشا ایلله یکدل
ویکجهت اولوب کالاول مستشار امور دین و دولت اولغله کار و بار عتبار لری استیاده ایدی
صکره جخی خواجه ظهور ایدوب طور آخر یو زکوستر مکه بعضی مفسد لر فرجه بولوب
پادشاه عتبانم مظهر ایتدیله لطف واکرامه مألوف اولش و پادشاه اردن التفات کون کلش
منلا سی ذیشان ساقط و مهان اولغله تحمل ایلد میوب سن انحطاط دخی غایتیه ایر مکه استیلا
هموم و غومدن صاحب فراش اولوب عزم آخرت ایتدی منلا سی مر قوم الطف مخادم روم
لطیفه کوی کشاده روی خوش صحبت شاعر طبیعت متواضع خلوق و کریم زماننده نظیری
عذیم ایدی ابوالسعود افندی نصکره کان مفید لک ممتازی ایدی آثار ندن مرتب و مدون
اشعاری وار در جمله ایاتی قصید لطیفی متضمن استادانه در محسن قیصرینک فرائض
منظومه سنه شری وار در خانه سی اوکته بر مدرسه بنالیتشد زهور خ یحیی افندی کی
برمدوح شیخ الاسلامه زبان دراز لقی ایدوب دیرکه سنید معنی نام بر منسید رافضی دیار
عجمدن کلوب عرفی و فیضی سوز مزی الحقی الکربشلی و یازید طالزله همراز اولور دیک
په لندن اکاذیب سیب خانه بسط ایدرک مرحومک اول قدر مقبول و مرغوبی اولد یکه
بر آن مجلسندن مفارقت ایتمیوب ایدن زیاده مقر بی یوغیدی کند ولر بومرتبه رافع ریات
اشعار بلند امری القیس با غنه مانند دقایق امور و واقف پیر عارف ایکن بومرتبه
فریفته اولسی مستغرب عقلا ایدی مکر اول منسید معنی بی معنی بر ساخته نکتله لیلر بوده
قلمش قضیه بوکیم کند و نک اقام هنددن رومه سبب عزیمتن بوجهله بیان ایشکله
سزک فلان غزلکرده اولان فلان بیاتی اکبر شاه مجلسنده اوقیوب عوما حاضرین کمال
تحیر ایلله تحسیندن صکره بن بویه سوز ایشتمش دگم مست و حیران اولوب عظم کندی
بر مقدار دفع حیرت ایدوب اوزومه کلام سوال ایتیشم هی بوییت زیبا کیمک کلامی

وقتی شاعر ک نطقی بلاغت انجامید ایندی یلر شیخ الاسلام روم فضائل رسوم محیی افندی
 حضور نلرینکدر پس همان وقت دروغه بر آتش محبت دوستدی والته من بوییتک قائلن کورر
 و پایشه یوزم سوررم دیوب بویاعث اولدی یکه هند دن رومه سفر ایتمیش و محمد الله اولمه دن
 بومرادیه نائل اولمشم دیمش درد مند محیی افندی بوشه خند رندانه و افسون عجمانه یه
 فریفته اولوب اول قلمبانی جمله خواصنه تقدیم ایلدی جمله خواص و توانی مزبور
 همی استنقال ایندی یلر تا که بروسه لی و صنعی زاده و حکیم عمر و غیر هم اتفاق ایوب هریری
 بر مناسبت مذمت ایله ذم ایندی یلر مفید اولد قلعه مستراح دن طوغری محرابه یکنی
 شهادت و اختیار ایتمیله ضروری رد ایندی یلر احوال سرحد نجه وله بوسال ایچنه ماه
 شواله ایپر اطور فرد نیاندوس استانه یه قیو کتخد اسنه مکتوب کوندر وب مقد ماصون
 صحر اسنه عقد اولنان اون یدی سنه صاحبک النسی کیدوب اون بری قالمغه اوزرینه
 طغوز سنه ترقی ایله بکرمی سنه یه دگ نکر احوال صامی سولاشیمک اوزن بر قاج ماده ذکر
 ابلش مزبور دخی عرض ایلدی بر ماده اردل ویوده سی راقوچی کورکی کند و ایله دشمنک
 اوزن اولد و غندن شکایت اولوب نجه دن الدینی قلعه لری رد و اول ولایتین رفعتی رجا ابلش
 و مسقوما کی میخانلوق و دروزیکدن وزیر اعظمه مکتوب کلوب مفه و منه قزاق ازا ق قلعه سنی
 بر افغله امتنان و تاتار و کفه عسکری و لا بت روسدن بر قاج قصبه اوروب اسیر الدی غندن
 شکایتی متضمن ایدی وله قرالینک مواد کاغدی کلوب ترجمه اولند قلعه تاتار خاندن شکایت
 و بوجاق تاتاری رفعتی بر قاج ماده یا زمش و شواله راقوچی کور کینک یوله طوتیلان
 کاغده بر قاج ماده لریا زمش بری بوسکه فرانسه و اسوج طرفندن مزبور کاغدار
 واروب القای ابلش کور و مایپر اطور فرد نیاندوس اوزرینه اردلن عسکر ایله قلقوب
 سفر ایتمک اذن اله و نلر کند ویه امداد ایند لرو یوقار و محار و لایتنک اوزرینه وان نجه طویوب
 نامه ایله احوالی در دولته اعلام ایلیوب راقوچینک رفعتی و تجدید صامی التماس ابلش
 سنه اربع و خمسين و الف امدت وزیر اعظم محمد پاشا باستانه غره محرم الحرام و وزیر اعظم
 شام شریفدن کلوب آلا ی عظیم ایله شیخ الاسلام ابوسعید افندی ایله هم معنان با نجه
 قیو سندن کیروب کوشک التنه وارد قلر نه سمند کوه پیکره مهمیز ایوب سلا ملیوب
 دستبوس همایون ایله مشرف اولدی محرمک اوچنی کونی دیوانه اوتوردیلر و ترسانه
 امینی ترخی حسن افندی رد و سه نفی اولندی قائم مقام کنعان پاشایه انا طولی ایالتی و کورچی
 محمد پاشایه شام و سیاوش پاشایه ارضروم و بدوندن وزیر موسی پاشا عزل و استانه یه
 دعوت اولنوب و چاوش باشی طوراق اغایه قرمان ایالتی و بریوب دفتر دارلقدن متقاعد وزیر
 قوجه محمد پاشا مکر راد فتر دار اولوب سلفی قره حسن افندی یه طرباس شام ایالتی ویرلدی
 و مصداح سلیحد ارجدید یی سف پاشایه بروجه اریه لق دمشق شام ایالتی و بریلیوب
 ضبطی ایچون طرفندن منسل کوندر لدی قتل قیودان پیاله پاشا قیودان پیاله پاشا آق
 دکره کیتد که مغرب طرباسنه قصید ایوب اندر ریاس الغزاة محمد طای که شوکت و مالله
 بی اقران کسه ایدی قیودان دن خوف ایوب سابقا قوجه خلیل پاشا مغرب طرباسنه سفر

طایفه ایلدی یکنی ایله دیوم سنشعر اولدی حمار اوغلی محمد قیودان کینه پیاله پاشا جرا غلر دن
 ایدی قیودان پاشا طرفندن رسالت ایله محمد طایفه واروب ملاقاته دعوت ایلدی
 محمد طایفه خوفندن ملاقاتدن اعراض ایوب قیودان پاشا بزی ملاقاتدن عفو
 پیور سونلر العبد و مافی یله کان لوله دیو ایکی سفره لک التون مسبوک محملرو ایکی
 سفره لک دخی سیم خا مدن معمول محملر قیا قریله جمله پادشاهه اولمق اوزن اهد ایوب
 وکیل السلطنه یه دخی وافر هدا یا که دکه ملوکده بولمز کوندر وب بونلر دن ماعد اقیودان
 پاشانک کند و سنه هدایای عظیمه ارسال ایندی نقل یدر لر که طوب دانه سی وضعنده
 مسبوک یکر می التي قنطار زر خالص کوندر مش العهده علی الراوی قیودان پیاله پاشا دکر
 اولنان تحف و اموالی قبض ایوب دخی محمد طایفه ملاقات ایچون ابرام ایتمیوب
 دونوب استانبوله کلد که بر سفره التون صحن بر سفره لق کش صحن پادشاهه و پروب
 و بر سفره کش صحن وزیر و پروب بر سفره التون صحن ایله التون کله لری کتم ایلدی مکر سفردن
 مقدحه حمار اوغله بر جرم ایچون بر قاج دکنک اوروب تغزیر ایتمشیدی حمار اوغلی
 استکک ایوب کندی چراغی و بر کشیم سی اولد و غنه بناء اول قدر شی هضم ایتمک
 لازم ایکن محمل ایله میوب اول کینه یی استیفایه فرصت ازار ایمش بود فعه غلظه قاضیسی
 داعی حسین افندی که حنی خواجه دراکا انساب ایوب ترسانه کتخد الغنه طالب اولور
 رجا ایندر دکه قیودان جواز کوستر میوب محمد می قره خواجه عزل اولنخی روا کور میوب
 ابن الحمار ی لایق دکلردیو ذم ایلدی ابن الحمار دخی بیت سوف تری اذا انجل الغبار اقرس
 تحتک ام الحمار ندر دیوب بالاده ذکر اولنان معنایی حنی خواجه واسطه سیمله معروض پایه
 سریر سلطنت مصیر قلد قلعه حمار اوغلی حضور همایونه کتور دیوب سویلندیلر اولدی
 وقوعی اوزن سویلد که توقیف اولنوب پیاله پاشا یالی کوشکنه دعوت قلندی ماه محرمک
 دردیجی احد کونی ایدی که حضور همایونه پیاله پاشا غماز ابن الحمار ایله روبرو اولد قلر نه نلر
 ایتمکین منزلی با صیلوب اول التون محملر که محمد طایفه کنارینه نام پادشاهی یازدر مش ایمش
 ظهور کلوب حضور همایونه کتور دکلر نه امان و بریلیوب بیچار پیاله پاشا اول ساعت مظهر
 غضب خسروانی اولوب حسب فرمان بستنجیلر او شوب بوغد یلر بعد قیوداناق
 خط همایون ایله امرای در یادن بکر پاشایه توحیه اولندی ابن الحمار دید کوری حمار اوغلی
 حمارک نفا قیله پیاله پاشا مقتضای سرنوشتنه او غرادی لکن اول منافق غدار دخی
 مقصودینه نائل اولیوب ترسانه کتخد اغی وارد یان باشی قورد چلی یه و برملکه کندوسی
 محروم قالدی قیودان جدید بکر پاشا داود پاشا با نجه سنه پایسوس ایوب خلعت کیروب
 ترسانه عامریه واروب قیوداناق امورینه مشغول اولدی نوا شاده پادشاه بکر پاشایه
 توقیر قصید یه ترسانه یه واروب بر مقدار اکاموب کتد کلر نه بر رسم یایلد از تشریف عقب
 خد اوند کاردن دورت بیگ فلوری اون کیسه چیل اچه کوندر دی قره خواجه ترسانه
 کتخد الغندن ردوس سنجاغنه کوندر لدی و حسین پاشا بوسنه ابالتندن کلوب کوچک
 حسن پاشا یینه بغد ادا ایالته کوندر لدی و کوچک حصنه مرعش ایالتی و بریلیوب مرعشدن

پیشی مصطفی پاشا که بغداد سینه سی رگبار لادن اغا لوق ایله چقا ندر قارص ایالتنه
 کوندرلدی قتل زنجی حسن افندی مزبور حسن افندی قره مصطفی پاشا نیک
 عونه وانصار ندن و معتمد خدمتکار ندن اولوب مناصب دیو انیه دن باش محاسبه واره
 امانتی و ترسانه امانتی ضبط ایدوب جسور و جبار مردکا رکذار اولمغه مصطفی پاشا نجه
 خدمت ملوده قوللنوب تعین کسب ایشیدی پاشا نیک قتل ندن صکره پادشاه مزبوری
 قتل مراد ایتد کله ساحدار یوسف پاشا ایا غنه دوستوب تخلص ایدوب برق کون
 حبس اولند قد نه صکره جزیره رود و سه نفی ایشیلر ایدی بواشاده علمادن بری ساحدار
 پاشا یه واروب سلطانم بکرمی سینه کوندر صائم کجه قائم عبادت اینسکر زنجی حسنی
 قتل ندن تخلص ایتد یک کرک و بالندن قورنلق محالدر دیدی ساحدار پاشا متاثر اولوب
 فکر آستانه چاوشلردن سرخوش حسین چاوشکه سابقا استانبول صوباستیسی
 دخی اولمشدر فایق ایله کوندر یاروب حسن افندی بیچاره رود و سه بوغوب حلیه حیادت
 عاری و شر و تسلط ندن خلق عالمی بری ایدوب جمله ما ملکن میوی یه قبض ایتد بلر باش
 دفتر دار قره حسین افندی منصبه چیقوب برینه نکرار باش دفتر دار اولان مولوی محمد
 پاشا زنجینک قتلنه سبب مستقل اولمشدر و ساحدار پاشا نی تحریک ایتد برن اولدر
 زنجینک اون بریاشنده برر شید اوغلی و ار ایدی شیخ الاسلامه واروب بابامز ایزاید بسه
 قتل ایله جزاسن بولدی ارث ایله بزه انتقال ایدن اموالی میوی یه قبض اولنوب
 ولاتهر بوا اموال الیتیم آیت کریمه سن پادشاه حضر نلری تذکر بورمد بلر ایسه تهریم
 ایتک سزه واجب د کلیدی دید کله شیخ الاسلام پادشاهه واروب اعلام ایتد کله
 پانک اولادی وارمی ایش بزه یوق دیدیلر دیو جواب ویرد بلر شیخ الاسلام حضر نلری
 بل پادشاهم براوغلی ابکی قزی واردر دید کله جمله منزللری و عقارات و دکا کینی و بعض
 امتعه مخصوصه سی و اون رأس اکثری جمله اولاد نه رد اولندی تو حیه ایالت مصر
 یا ایوب پاشا سابقا ذکر اولنان مصر و قعه سنه اهالی مصر در دولتیه دلا و راغاید یله عرض
 و محضر لر کوندر ووب والی مصر مقصود پاشا ایله حسن امتزاج ایدم مدکر ندن یوسف
 کوشکنه ایندر دکلرینک خبری کلد کله سلطان مراد مرحومک دادیسی قوجه سی وزیر
 ایوب پاشا که نشاچی ایدی مصر ایالتنه نصب اولندی و کاتب السراحد اغا ایچو دن
 نشاچیلوق ایله چقدی و موقوفاتی محمد افندیکه قیاسلطان کتخد اسیدر سابقا سلطان
 مراد ساحدار اینک مقرب و معتمدی ایدی ساحدار پاشا قتل اولنوب کندوسی دولته
 متعین آدم اولمغه بیکس قالوب اورته لغک اختلالنی کور و ب مقبول و عاقل آدم اولمغین
 ایوب پاشا ایله مصره کتیکه رغبت ایلدی باعث بو اولدیکه پاشاده صدر اعظمی ایچرو
 چاغروب مصری ایوب لالامه ویردم دید کله صدر اعظم دخی کوزل اولمش پادشاهم
 امام و قوفاتی محمد افندی بنمکه مصرده بیله ایدی زیاده اهل و قوفدر اگر اول بیله کیدر سه
 ایوا و وروالایک کیدر سه مال میری تحصیلند شاید فتور و قصور ایله دید کله پادشاه در حال
 دوات و قلم استیوب سنکه موقوفاتی محمد افندی حسن سنی ایوب لالامه دیوان افندیسی

ایشیم بیله کیدل سن دیو حظ هباین ووردی موقوفاتی ایسه اگر چه مصره تو عار رغبت
 کوشتر مشیدی اما طرف پادشاهیدن حکم لاحق اولد قله تفکر ایدوب هر سال قیا
 سلطان خا صاری جزیه ها سندن اقل مرتبه اون بش یوک اچه یه واصل و موقوفات
 منصب ندن دخی بش یوک ندن زیاده با جمله هر سال یوکمی یوک ندن زیاده مبلغه نائل
 و کیده سی حوزه سنه بو قدر اچه داخل اولور کن دار السلطنه پی ترک ایدوب بلاد بعیدیه
 کتیک مشاق کلکین مصره رغبت ندن رجوع ایدوب واروب استعفا کان پای خداوند کان
 یوز سورد کله پادشاه جبین پر چین ایدوب باحتک کسرم و اریک مال مصرک حسابن سندن
 استرم دیو بیورمغه اجابت ایدوب کندی ایوب پاشا اسکندریه بکی قاسم پاشا نیک کسی
 ایله ردوس پاشا سی قره خواجه بیل و مصر دن کلان طواشی دلا و راغادی ایوب پاشا
 ایله معامه مصره متوجه بر سفینه ده ایدیلر سلخ محمد کلیمولی اوکنه وصول بولوب اولکون
 قبودان بکر پاشا دخی کلوب مجتم اولدیلر و بشیراغا مصرده د شیشه قطارتی و شیخ
 لطم اولوق اوزن قره دن مصره کشیدی و قایم سائر اهن الی کون وان ایا لتندن
 منفصل ایدی آی دیار بکر ده مکث ایدن محمد پاشا که ساحدار پاشا ی مقبولک
 کتخد الفندن ایالت حلب ایله چیقاند کلوب داود یا شاده پادشاهه بولیشوب مظهر
 هو اطف خسروانی اولدی دلی قاسم اغا نیک ساوری قبوسو خارجند اولان با نجه سی
 حسب فرمان بر ایله برابر اولمشیکن پادشاه داود پاشا دن عربیه ایله کور کن چفتلکی
 اوکنه اوغرا دقله قرشو چیقوب آنیک یا غنه دوستوب مظهر لطیف و الطاف بی حساب
 اولوب نه دیر سن قوجه دلی شوار ناود عجب معاند د کلی ایدی دیو قره مصطفی پاشا نی
 یاد ایتدیلر دلی قاسم جواب ویروب پادشاهم تا کوچکدن بری بویه معاند ایدی دیدی
 یاسن انک کوچکلکنی نه بیلور سن دید کله پادشاهم اول نجم خدیو متکرم ایدی اتی آی آتم یلار
 ایشیدر دیدی یاسن اجداد مه قاج ییلدر خدمت ایدر سن دید کله التمس ییلدر اجداد
 عظامکه خدمت ایدرم حالا سکسان یاشندیم دید کله بی دلی قوجه معتوه ایش سن
 دیو بیور دبلر او محل دلی قاسم بر او یوب پادشاهم ظلم کورن پادشاهمه شکوی ایدر
 بکاسن ظلم ایتدک با نجه جکمی خراب ایتدردک بن کیمه واریم دید کله الم چکمه یینه
 ییلدرم دیوب نکر ارتعیم یینه ننبیه ایلدی و دلی قاسمه التفات ایدلر بکله جک و اردرا کر چه
 قاسم دلو پادشاه اولماشدر اما سنک خاطرک ایچون انک اسمی قاسم قوایم دیو مزید التفات
 ایدوب دلی قاسم یینه مرجع انام اولدی معمار قاسم عزل اولوب مصادن غوغا سنه
 اوغرا دیو مرجی مصطفی اغا معمار نصب اولندی بو وقته دک معمارلک قید حیات ایله
 اوله کلشیمکن عزل مزبور واقع اولدی جندی خلیل پاشا طمشاور دن عزل اولنوب قلاق
 ویکله ملقب حلب دن مغرول صاری سیواوش پاشایه ویراوب بکی معمار ایله ایکسی
 بر کوندر داود پاشا با نجه سنه دستبوس ایدوب خلعت کیدیلر ساحدار یوسف پاشا نیک
 قبه التنه و تورمه سی فرمان اولنوب وزرای عظام و علمای ذوی الاحترام اوکنه دوستوب
 اجلال واکرام ایله سرانیه کوندر دیلر احوال تا تاریخ سنه متکرمی اغلی اسلامکرمی کتخداسی

سفر آغا استانبول بعضی کبار دولته دخول ایدوب عمل ایتمکله خانلی اسلامکرلیه توجیه
ایندیروب کندوسی خلعت کشیدی لکن بوخصوصه وزیر اعظم حضرت نرینک رضاسی اولوب
فاچار سکوت ایتمشیدی وائل صفر اخیرده کفه پاشاسنک اوغلی باباسندن و تارخاندن
مکتوبلر ایله کلوب مضمونده اسلامکرای سلطان قریم خلقنه خبر کوندروب استنه بکون یارین
خانلی الوب واررم دیه اراجیف القا ایتمکله خلق بکا اطاعتدن قالوب هر کون بکونه خبر ایله
اختلال چکیلمور مزبور تبعید اولما پنجه بزه خانلق محالدر و کیدرک بواطرافدن فتنه حدوث ایدر
دیو خازاده اسلامکرای ردوسه نفی اولمق اچمون غنی زاده کتخداسی مجودیاوش مباشر و قواله
یکی جغاله اوغلی بیک قدرغه سیله سفر آغای دخی بیله الوب واروب قلعه سلطانیه دن
اسلام کرای الوب ردوسه نقل ایتدی لرطان خصوصتده سفر آغادن رشوت المق تمهتیه
پالته جیلر کتخداسی دخی برقایقه قونوب نفی اولندی نتمه وقایع بدون محافظی وزیر موسی
پاشا آستانه یه دعوت اولنمشیدی میر آخور لقدن چیقان روم ایلی امیر الامراسی
عثمان پاشا وزارت ایله بدون ایالتنه نقل اولنوب ایالت روم ایلی واندن کلان محمد
پاشایه عنایت اولندی وئکه لی مصطفی پاشایه مرعش و ابشیر مصطفی پاشا موصلدن
ولنه نقل اولنوب ضبط ایتمیوب قرمان ایالتنه کوندرا دی موصلدن معزول درویش
محمد پاشا عتبه علیه یه کلدی موستاری مصطفی پاشا سلستره دن عزل ویرینه وزیر
یوسف پاشا نصیب اولندی و نیره دن معزول کوسه علی پاشا کد بیرام پاشا کتخداسیدر
استانبوله کلدی و یکجیری اغلقدن مغضوب بوسنه ایالتنه چیقان هزار غرادی احمد
پاشا قیدبند ایله بوسنه دن احضار و حبس اولندی واندن معزول وادار علی پاشا
بوسنه یه کندی و ویره دن معزول قوجه محمد پاشا شاهین پاشا یرینه قنیریه محافط
نصیب اولندی و مصر دن کلوب مصادن اولنان وزیر مصطفی پاشایه دیاربکر توجیه
اولندی سلسله واسط صفر اخیرده سلسله علماء وقوع بولوب بهائی افندی او ان زاده
یرینه ادرنه قاضیسی اولدی وایا صوفیه مدرسه سندن محرم زاده یکیشهره بستان
زاده اوزون چلبی یرینه اولوب قدسدن ملک زاده چلبی عزل صد دنده قاین اتاسی
معید احمد افندی که صدر رومدر صدراعظمه خبر کوندروب بن اکنه قور قورم سن
سعادت تلو پادشاه مزه یادیسور کد امداد اعیلرینه شام قضاسی توجیه مناسب دروقد سدن
شامه نقل لطف عظیمدر دیوب وزیر اعظم بوخصوصی تاختیص ایتد که پادشاه
حضرت لری مصر و شام قنقیسی بیو کدر دیو سوال بیوروب وزیر دخی پادشاه مصر
بیو کدر دید که ایدی مصری و پردم دیوب ملک زاده عنایت سلطان بلکه ارادت رحمان
ایله قضای مصره نقل اولنوب تذکره جی موسی مصر دن معزول اولدی بولردن ماعدا
قرق نفر مقداری دخی علما منصب و مدرسه ایله بهره مند قلنوب قره چلبی زاده محمد موسی
عثمان چلبی دخی ابتدا خارج اولمق مدرسه بی بکنیموب رؤسی زایدوب پدیری محمود
افندی اوغله الحق مدرسه ویردیلر دیو مفتی افندی به نوع رنجش اظهار ایلدی معید
احمد افندی برادری زاده سی تذکره جی احمد چلبی نشانجی مدرسی ایدی یرنده داخل

اولدی و کلیمبوللی شیخ زاده شریف چلبی خاصکیدن شیخ وفامدرسه سنه وارد بکه
سلطان محمد ابوالفتح مدرسه سندن معتبر و کثیر الدرس مدرسه در که مدرسی ار اسنه
خاقانیه دیمکله معروفدر استانبول قاضیسی زین العابدین چلبی معزول اولوب طلوعی
حسام افندی کد محمد موسی عبدالرحمن افندی که پنجه کیرلکه یملوان و تعلیق توبسلکه
نادر الاقران ایدی استانبول قاضیسی اولدی روم ایلی صدرندن معید احمد افندی
هزل اولنوب یرینه قره چلبی زاده ابوالفضل مجود افندی صدر روم اولدی دخی ایرنسی
عبدالرحیم افندی اناطولیدن معزول اولوب داعی حسین افندی یعنی جخی خواجه
اناطولی قاضی عسکری اولوب غلطه بوجه اریه لق نصر فنده قالوب پادشاه خواجه لغی
منصبی دخی ضمیمه مناصبی اولمغله کمال التفات پادشاه ایله مشاربا لبنان اولدی
سنه مزبور ربيع الاولینک اون ابکچی خیمس کونی سلطان احمد جامعده مولود شریف
جمعیتی اولوب محرابک صانع طرفنده وزیر اعظم صول طرفنده معلم سلطان صدرا طولی
جخی حسین افندی او توروب حسین افندی که الی یا ننده صدر روم ایلی ابوالفضل
مجد افندی و انلرک الی یا ننده معید احمد افندی انلرک الی یا ننده چوی زاده قرار ایدوب
شیخ الاسلام حضرت لری کلد که ارکان واعیان و علما قیام ایدوب صدر محرابه قعود
ایلدی جمله گفت و شنودی جانب پسرانده خواجه حسین افندی ایله اولوب
جهت آخره ملتفت اولدی لر اولمغله پادشاه حضرت لری مقصود فوقانی قفسلرین
آچوب جمعیته اوج دفعه سلام ووروب اندن او تور دیلر شیخ الاسلام افندی بی یوقارو
دعوت ایتدی لر واروب اذن همایون اولمغله حضور پادشاهیده قعود ایدوب مکالمه یه
مشغول اولدی لر مجلس وعظ اخر اونجه او توروب بعد اجازت اولوب اینوب مقام لر نه
او تور دیلر اندن مقرر بان حضرت پادشاهیدن ایکی سر اسر قوشاقل کلاهی بر ربحر
محرمه ایچره فراوان عنبر کتوروب مجمره کد برین شیخ الاسلامه و برین حسین افندی
اوکنه قویوب بوالنفات ایله ایکسینی دخی سائر اعالیدن ممتاز ایتدی لر اندن صدر اعظم یوقارو
دعوت اولنوب وارد قده مراد همایون مقداری قائمال قاوشوروب مخاطبات خسروانه یه
مظهر اولد قد نصبر که اینوب بین محرابه قرار ایتدی لر امام معید احمد افندی جخی خواجه ننگ
اللی یا ننده او تور دیقندن متالم اولوب جبر نقصان تدارکنه دوشد که کتخداسی رجب آغا
وزیر اعظم محمد پاشایه واروب اعلام مافی الضمیر ایتد که محمد پاشا عارف و قلاشت صاحبی
متصرف اولمغین جلب ماله فرصت بولوب بودرده علاج مفتی اولمقدردیدی معید احمد
افندی دخی جائه منت ییلوب بتمش کیسه غروش ویردی پاشا مبلغی آلوب بکون
یارین دیو نامعزول اونجه سوف ولعل ایله تأخیر ایلدی بعد الغزل کریده مأمو اولد قده
مصاحب قیودان یوسف پاشایه اصبر لیوب عاقبت اول ویریلن کیسه لمقبوض همایون
اولوب الشروع ملزم قاعده سنجه دخی اچیه کر کدر دیو طلب اولنوب یوزاللی کیسه یه دگ
تسلیم ایتشد رنده مفتی اولوب جخی خواجه ننگ تقدمنه بوجهله جبر نقصان
ایلمشدر قیودان بکر پاشا یکرمی بش پان قدرغه ایله کلیمبوللی ایدی ردوس بکی

قره خواجه دن ایکی یان کافر چکدر مه سی کز دیو خبر گلکین ماه ربیع الاولده چیمقوب
 آق دکره روانه اولدی صمصومچیلقدن معزول اولان قوجه حمزه اغایه یا بابکلی وریابوب
 قبول ایتیموب دورابوب واطاله لسان ایتیمین ماه ربیع الاولده ساقزه نفی اولندی وخسرو
 پاشا اتباعندن افندیسنک انتقامن الموق ایچون زوربالق ایدن اوزون یوسف محتفی ایدی اله
 کیروب قتل اولندی قیودانی ساجدار یوسف پاشا شهر ربیع الاخرده کافی الاول عنوان
 وزارت ایلده قیودانلق ساجدار یوسف پاشایه وریابوب الای عظیم ایلده ترسانیه وارد قده
 ضیافت بهیمه ویزل نهم شهمیه مراسمی اجرا اولنوب اول خدمتده ترسانه امینی حسین افندی
 دامن درمیان ایدوب نکوننده کی وجوده کتوردی جمعه کوننه مصدا دقه دو شمکین
 قیودان پاشا اسکدران پادشاهه کیدوب امین حسین افندی دخی پرینه برآدم قیوبوب
 بر اقتضای احسینیه خانه سنه کیش بولنوب اول محل ساجدار پاشایه در عقب کلوب امینی
 بولمده کلنجه صبر ایتیموب وزیر صاحب نخوت غضبه کلوب پادشاهه امینی یکوب
 ساقزه نفی ایتدردی بوقدر سعی و خدمتی همالولدی بیچاره پی اون نفر ایچ اوغلانی ایلده
 بر قایقه قویوب بر خطه ا کاندرمیوب ساقزه سور دیلر بعد شفعا توسط ایدوب ینه
 عفو اولنوب کلدی ویدوندن معزول مصطفی پاشا بروز بر صاحب نام اولغین معزولا
 استاتبوله کلمشیدی وزیر اعظم اولسه کر کدر دیوار احیف عوام سببندن ابعادی
 اقتضا ایتیمکین اولاحالا انکروس سرحدنده اولان اختلال وحرکت اعدای بر ضلاله
 سبب سنک قصه ورو اهما لکدر دیو نوعا صبح عتابه مظهر اولدقد نصیحه ایالت سیواسه
 کوندردی موسی پاشا بیچاره دخی بوبابده بتم جرمم یوقدر انحق خلقک اساتمه حق
 بلا ورسون بزی بیخصه ورا تهمکه سبب اولدیورد یود شنام گمان سیواسه روانه اولدی
 احوال انکروس اورته مجاریله نجه محاربه ایدوب اورته مجاربوجانبه منقاد اولغله بدون
 طرفندن استفسار ایتد که بر مقد از نفرو ریابوب نجه غالب کلکله سرحدلی عهد جاسار
 منقضی اولدی وهیمیه زیاده تحفظه آغا زایدوب سرحد اسلامه دخی کافر ک تعرضی
 احتمالا سوبلند که اشبوماه ربیع الاخر خلاننده استاتبولنده بولنان زما وارباب تیمار سرحد
 محافظه سنه کیمک اوزرندا اولمشیدی جندی خلیل پاشاکه مصاحب عنوانیه مشهور در
 ساجدار پاشا مرحوم پرینه طمشوار وایسی اولان حسین ابن سرحدشیر ابراهیم پاشا پرینه والی
 طمشوار اولمشیدی سکرای مروزنده بومحله عزل اولنوب تیره سنجاغی کندویه اریه لقی
 وریابوب کلیمولی معبرندن یکوب تیره یه کندی و طمشوار سیاوش پاشایه ویرلدی
 مصطفی پاشای قتل توابعندن اوخری سنجاغی بکی حسن بیگ کثرت شکا تنه بناء عزل
 واحضار اولندی وسابقا سپاه غلو سنه نامدار حجر ملردن مطر ایچی سلیم که بوستانچی
 اوجاغندن سپاهلک ایلده چقمش ایدی دقتی زورباردن اولوب ارضروم امیرالامراسی
 وزیر احمد پاشا توابعندن ایدی قتل اولندی وسابقا ایدین ومنشیه ایلده طغیان ایدن
 قنه او غلینک کتخداسی بکراغا احضار و قتل اولندی قتل اسلام پاشا مزبور اسلام پاشا
 شجاعه مهرطه اصحابندن اولوب طمرز وند ساکن ایکن صدر اعظم سلطان زاده محمد

پاشا قبل الصد ان اراق فتنه سردار اولوب از اغی کافر براغوب کتمکله ضبط و محافظه سنه
 مزبور اسلام پاشا تعین اولنوب محمد پاشا عودتد نصیحه قراق ملعونلرینک ماحا و ما وایسی
 اولان قامشلی واطه لری باصوب قتی جوق کافر قتل واسیر ایدوب عظیم یواز قلی
 ایلشیدی کندوسی از اقله ایکن کفه دن اوغلی چرکس اغاظم و تعدی ایتیمکین عصر شجیع
 ومهاد عصری اولغله دلاور لکنه رغبت اولنوب جزئی بهانه ایلده قتل ایتدی یواشانه
 خواجه افندی انا طولی قاضیه حکمر لکی ایلده معززومکرم ووجوه التفات ملو کانه ایلده موقر
 ومحترم اولد قلدن ماعد کند ولره بر عظیم سرای بناسنه مباحثرت اولنوب بنایه صرف
 اولوق ایچون میریدن ایکیز یوک انچه یه دکر ویر ملک بانه فرمان همایین صدور ایتدی بر سرای
 دلا راتعمیرینه باشلدی لکه کورنر مقیم اولوردی اولزمان بعضی طرفای علمایو بیی دیمشدر بیت
 بنامثله سن بلزدی حینی انکچون باشلدی اول بنایه نثر یواشانه قلبه منصبی داود زاده
 اوزرندن سنجاری معزالدین افندی یه ویرلدی بواول معزالدین افندی دکر فایق پاشا ننگ
 قتلنه سبب اولمشدر اصلنده بازه پاشا امامیدر که کورچی الاصل اولوب قضایه انا طویلدن
 بر بر شناکک معتقیدر که اشراق قضاتدن بر مالد ارکسه اولوب مقتضای کیف ایلده
 رقه لره طوس و نیریز وماردین و بغداد وهمدان امثالی بلاد اسامی سن یازوب واقف
 غلمان الوب اول قرعه لری توزیع ایدردی هر غلمانک الدوغی کاغده بولنان اسمیلد ایلده غلام
 مسمی اولور ایتمش یو طریقه مولانای موی ایه سنجار رقه سن المغله اسمی سنجاری اولمش
 و بروسه قدسی زاده یه وریابوب متهی نالی زاده افندی اریه لقی ایلده تسلیت اولندی
 وسابقا مهان اولان ایصالحه دن معزول بشمقی زاده جاشمی زاده پرینه بلغراد قاضیسی
 اولدی ویکچری اغاسی صالح پاشایه وزارت احسان ولنوب رکبدر شعبان اغا اچرودن
 یکچری اغا غلیله جقدی دفتر دارمولوی محمد پاشا معزولا حج شریفه مأذون اولوب
 اغا لقدن چقمه وزیر صالح پاشا باش دفتر دار اولدی وحیدر اغا زاده سکبان باشیلقدن
 بیوک میرا خور اولمشیدی شهرزاده یه تخمینا اون بش بیگ غرو شلق آت وهدیه دونادوب
 یکچری اغا لقی امیدند ایکن اغا لقی ایلده اچرودن شعبان اغا چقمه لده حیدر زاده حلب
 ایالتنه کوندریابوب بر هفته قدرایام مروزنده وزارت ایلده بغداد ایالتنه نقل اولندی و بوسنه
 سنجاغندن مقید ومغلول کن هزار غرادی احمد پاشا بر زمان قیو حیلر اوطه سنه
 محبوس اولوب بعد عفو مظهر واده نه ایالتیه بهره وراولدی وساجدار یوسف پاشا
 قیودان ایکن حلب ایالتی دخی کندویه وریابوب ضبطنه طرفندن منسل کوندردی
 کولجنه دن معزول حمدی چلبی شیخ الاسلامه واروب بابالری اسعد افندی ننگ ملازمی
 اولوق تقر بیلله مرحمت رجاسنه وافر نیاز ایلدی شیخ الاسلام یوزو پریموب شمدی حالکه
 مناسب برشی یه قدر سکا نه اصل منصب ویره لم دیو اعراض صورتن کوستردک حمدی
 چلبی بر متکلم آدم ایدی سلطانم کندی اتباعنه فائده سز درخت بی ثمره بگردیه وافر کلات
 طعن آمیز سویلیوب آخر واروب معلم سلطانی خواجه افندی یه مراجعت ایتکله بغداد
 قضاسنه نائل اولدی وقره چلبی زاده توابعندن امینی چلبی یه ردوس فتوا سی تکلیف

اولنوب دفعنه نیازایدوب امکان اولمحق کابن قولتوغنه الوب دیوانه واروب وزرا و قضاة
عیسا کر اوکنده ادعای فضیلت واستحقاق وملا دن تشکی ایدوب سلطانم عالم بکا
ظلم ایلدی دید که وزیر اعظم مطایبه یوزدن مزبورک مقد ماچنون وسفاهت ایلده استهارنه
یثاق افندی عالم معمولسن دیوخندان اولد قلده قاضی عسکر غیور محمود افندی مزبوری
ازارایدوب چیق بره حدین بلز سفینه دیوب دفع مجلس اولند قدن صکره مولوبت پاییه سیله
انقره قضاسی و بریاوب تطیب خاطر اولندی واور تالق صب فی قندیل سعدان مع النسمام
رسا درجه سنه واردی واسعد چلبی مصر قاضیسی اولدی رقتن سلطان ابراهیم خان بجانب
ادرنه جهادی الاولینک بکرمی سکرته پادشاه عالمیناه ادرنه سفرینه توجه ایدوب حرای
دره سنه اولان باغچه یه برکیجه قونوب چراغان ایندی یلصدر اعظم اندیشوب معیت ایلده
کتمکه اذن طلب ایند که بن صیند و تفرجه کیلرم و وزیر و قاضی عسکر لر بله اولور سه
هر طرفدن خلق اوشوب سیر و تفرجه مانع اولور لردعواسی و شکواسی اولنار دیوانه
وارسونار خواص و مقربیندن غیری کسینه نمله کلسون دیوب انحق خواجه حسین افندی
وزیریس الکتاب افندی دخی مامور ابله و کفداسی حاجی نورالله ووزرادن قیودان ساحدار
یوسف یاشاوب بعضی اندرون اغاری و مصاحب ایلده قلقوب سلوریه وارد قلده سلوری نائی
افندی لوازم و مهماتی کوروب اندن ارکلی جوارنده قنقلی نام قریه یه نزول سیوروب مصاحب
عجم میر محمد مقد حجه ارکلی یه وارمش ایدی ارکلی نائبنه حالا و تاغ همایون قوریلان محل هم
ثقیل الهوام صومسوز دیر اوده فلان موضع آب و هوای کوزل پردر پادشاه برعر خحال
یازوب اولخلی تروج ایلده بوجله قونوسونلر دیدی نائب افندی اعراض ایدوب نیم نه حد مدر
پادشاهلره بومقوله سوزیازمق اولمقوله امون مامور خدام وارد بروزم وظیفه مز دکدر دیو
امتناع ایلدی اما خبیث عجم ابرام ایدوب اگر پادشاه بوموضعدن محظوظ اولر سه بنی نچون
یویله نامناسب بره نزول ایندردیلر دیو غضب ایند که جرم اوز ریکه تحمیل اولنور دیو توهم
ایتمکه عجمک کلامنه وجود و یروب بیجان نائب اول مضیونه بر رقع یازوب کوندر دی پادشاه
ورقه بنی اوقیوب نائی کتوردوب بوجله سنی یازدک دید که نیم ایلده جواب و پردک پادشاه
غضبیه کلوب سنی بر نائب پارچه سی ایکن بنی ملکه قوندر مز سن الک شونی قتل ایلاک دیو
بیورد قلزنده بوستا بحیلر یاشوب کشان کشان فقیر نائی کتوردیلر ساحدار پاشا یاغنه
دوشوب خلاص ایلدی بوخبر شایع اولد قلده چورلی قاضیسی بالی زاده خدیوی خوفندن
طون میوب غیبت ایلدی پادشاه وارد قلده اهل قصبه دن بر پیرمتر و که چورلی قضاسنی قید
حیات ایلده و یروب خط همایون احسان ایند بلر اندن ادرنه یه واروب بر قاج قلاب طونلش
حرای کتوردیلر حر امیلر قتل اولنوب قلابک بری حسین نام بکچری ایمن سیاست
فرمان بیورد قلزنده بن بکچری یم دید که بند خنی پادشاهم دیوب امر ایلدی اللربنی و یاقلربن
قیروب چار شوایچنه القالیند یلر پادشاه ادرنه ده ایکن اول شهرک اوطونی طبع همایونه ناملایم
کورینوب استانبولک اوطونی ایوا تشی وافر ایدی استانبولدن اودون کتورسونلر دیو
بیورمالر ایلده استانبولدن جمالرا ایلده قره دن اوطون ارسال اولندی بنی الناس عجیب ورنکین

گورینوب قیل و قاله باعث اولمشیدی مکر استانبولدن توجه بیورد قلزنده فیته کریمه بموجب
عادت مستمره بخشش خروج استرلر بکایکچری صید و شکار کیدر کن لازم دکدر دیو
جمله سن ارجاع ایتشلایدی اول ائشاده سیمکش جامعنه و میدان قیوسنه و مجمع ناسر اولان
بعضی مواضعه فتنه انکیر کاغدلر بر اغیلوب کفتکوا و لغین مشفقان دوات فساددن
خوف ایدوب ادرنه یه عرضا لکر کوندر مکن سبب سرعت عودت اولدیلر استانبولدن
هیقبوبینه عودت لرینه دک بر ماهه قریب مدت اولمشیدی تبدیل تا تارخان خان تا تاو
هزل اولنوب ردوسه نفی اولنار اسلامکرای خان نصب اولندی تفصیلی بوکه مرقوم
اسلام کرای سلامتکرای مرحومک اوغلی اولوب اولو برادری مهادر کرای خان زمانی قلعه
ایلی دخی مقدم له و مسقو کفار یله جنکک اسیر اولد قلده له قرالی یدی ییل کند و یی
یواطه ده حبس ایدوب اطلاق ایتدی بعد له قرالی اوزرینه یه طویف کفاردن بر قوی
دشمن ظهور ایدوب قرال دشمنی ایلده قتله توجه ایدوب خال زاده مشارالیه دخی خدامیلده
ییلده همراه ایدوب آت و سلاح و یروب مواعید جمیله ایلده سوار و پناه صف کارزار ایدو
خان زاده دخی همیاری اولان تا تار دلیر لر یله مردانه جنک و حر به باشلوب عرق شجاعت
جنکیرنی مقصدا سجنه مر اسم دشمن کشی بخور بزیده فوق الماحوظ حملات پی در پی ایلده
صفوف دشمنه تفرقه براغوب قرال دشمنی منهزم اولوب تحتکاهنه کد کزنده عهدی اوزن کال
دلیر لکنندن محظوظ اولوب خان زاده بنی مخاطب ایدوب خان زاده م دشمنه کوزل قایچ اوردک
پس سنی آزاد ایدرم اما کر کدر که نیم لشکر و شوکتی کوردیکک کبی سلطان مراده دیه سن
دیوب آزاد ایدر خان زاده چقوب کلوب یاشوب ایدر قرالی دخی قورنداشی یلک قرقق الی سنه سنه
خان اولد قلده کند و یی قلعه ایدوب ازاق سفر لنده واقینلرند و منصور او یماغی استیصالند
خدمات پسندیدن ظهور کتوردی بعد مهادر کرای فوت اولد قلده مصطفی پاشا صدر
اعظم بولنوب و کوچک قورنداشی مح کرانی خان نصب ایدوب مزبوری حصار سلطانیه یه
کوندروب لوازم و مصافق میبیدن تعیین ایدوب بر قاج سنه اندر قرار ایتشیدی اول ائشاده
مورخ شارح المغار زاده شیخ الاسلام ابوسعید افندی طرفندن ارپه لقری کلیمولی ده
قائب بولغین بر تقریبله سلطانیه حصارینه واروب خان زاده ایلده هم محبت اولمش بینلرند
الفت و چنارلق نام مسیره ده محبت و ضیافتلر اولوب کریمت اوزن معاشرت ایتشلا و وزیر
سفر اغا ائشاده مصاحبته دیمشکه حق اوزن خاتلق خان زاده مشارالیه کدر انحق قره مصطفی
پاشا عرض فاسد بقاء کوچک قورنداشنه و یردی بیوک قورنداش و از ایکن کوچک قورنداش تحت
نشین اولمق قانون جنکیرنی یه مخالفدر امانه استیله لم حکم غالبکدر دیو اظهار ناسف ایدردی
خان زاده دخی دین و دولت او غورینه بلالر چکد و کنی وله کافری النله حبس اولدیغنی نقل ایدوب
له قرالی بنی اوطه ده حبس ایدوب باباک سلامتکرای دخی بو کاشانه ده حبس اولمشدو
دیدیلر دیو حکایه ایلدی مورخ دخی تسلیمت و تقالیه لنددن چون پدر عالی قدر دیکر حبس
اولند و غی اوطه ده حبس مقد رایش وقوع بولمش دلیلدر کد انشاء الله تعالی پدیریکر تحتنه
واصل اولور سز دیش برادری خان مرحومک خطوطان و کتب ملوکانه سن احضار و سیر

ایند یروپ جمله دن بر مذهب حافظ دیوانی گند و خطیله ایمنی مورخه صوئوب اولدی
تفعل ایند که مصرع یوسف مکشته باز آید بکنعان غم خور نثر معناسنی تقریر و عن قریب
خان اولمسنی مرده و نیشیر ایند که مخطوط و مستنشر اولوب وافر هدیه باغشلیوب
وعایت ایتمس قره مصطفی پاشا قتلندن صکره سفر افا آستانه یه واروب عمل ایدوب
خانانی توجیه ایند ردوب خلعت کید که ذکر اولند و فی اوزن کفه پاشاسی اسلام پاشا و غلی
خاندن مکنوب ایله کلوب اسلام کرای رد و صبه تبعید اولند چیه اراجیفدن قور تولق
واستقلال اوزن حکومت ایتمک نه متصور دکلردیو اعلام اینمکه سفر اغانک علی یوز یایوب
خان زاده رد و سه نفی اولنمشیدی تنکم ذکر اولنمشید چون کفه پاشاسی اسلام پاشا زاده
چرکس دیارینی یوجیه اور مق تمثیله و کفه یه ظلم ایتمک جرمیله قتل اولندی سو و تدبیر
تمثیله محمد کرای دخی خان قتلدن عزل اولنوب مشارالیه اسلام کرای قدره ایله رد و سدن
گتوردی یایوب خان نصیب اولندی و معزول محمد کرای انک برینه رد و سه کوند ریایوب خرج مالزم
میبدن تعیین اولندی و صهارالامیرامیر و کان ذلک علی الله یسیرا من حفر بیتر الا خیه وقع فیله
معاینه اولندی خان جدید اسلام کرای حضور همایونه واروب خلعت کید و کنی کند و یووجه
اوزن نقل ایتمشید در خان اچی و کرد که پادشاه حضرت نری بر حوض کارنده زوئاد و در و ساده یه
علی جانبه انکا ایدوب ساده عرفین ایله بی اکثر ارا و تیر لر ایس خان زمین بوس و برعه قیام
ایند که پادشاه حضرت نری هیچ حرکت و تغییر صالت بیور میوب فتح کلام ایدوب بقه اسلام سنی
استه خان ایند م کونیم سنی هم دسته دوست دشمنه دشمن اواق کر کسن دیو بیورد قلندر
هان ذکر از زمین بوس و قیام ایدوب الله تعالی سعادت تو خنکاریمک وجودین خطادن صقلیه
انشاء الله تعالی خدمت مقدمه قصور ایتم همان خنکاریمک دعاسی بنمله اولسون دیو جواب با صواب
ویرد که ذکر پادشاه هم دعام سنکله بیله در اگر سن و اگر اسلاف واحد ک هم آبا و اجداد
خطایمک نان نعمتیه حاصل اولمش سزدر بکا طوغریلق ایله قوللق ایتمک کر کسن زهار همان
یگاباقوب غیری کسنه نک سوزینی دیکامه پک صفین دیو بیورد قلندر خان جوابنده کر چک
خنکاریمک نان و احسانی پرورده سی و قولیوز دیکدی تکرار خطاب ایدوب قاج یاشندن سن
و اینمکه و اینمکه نجه سن دیو بیورد قلندر پادشاه تمام قرق یاشندن هم و اینمکه نجه دخی شمدی
باشلا میشم سنک دولتکده ایتم پادشاه دیدی و ار ایدی کونیم سنی نوجهله دوست
و دشمنه دشمن اولور سن دیو بیورد قلندر ایچ اوغلنلری سراسره قیلور بر سمر غاخر طوئوب
اشارت ایند یلر واروب کر بیان اوپوب کوب و بر مرصع شمشیر ویرد یلر قوشا نوب زمینبوس
ایدوب طشره چقمش صدر اعظم محمد پاشا دخی عقبنجه چیقوب اولحل خان حضرت تازی
پادشاهک لطفنه و سن بکابق غیری نک سوزینی دیکامه دید کرینه غرنوب وزیر اعظمه فتح کلام
ایدوب چون بی تاتار خان ایند بکر شمد نصکره یاز دیغم شیلره قولق طوتک و فلان کافر ایله
یور سه و فلان کافر مد ارایله فلان ایله بار شه فلائی ایچمه و فلائی فلان ایله دیو بکارنهار کاغد
کوندروب اولطر فلرک امورینه بو طرفدن غایبانه رأی و تدبیر ایدوب قارشد ملک که بن نجه
ایتمک کر کد ییلورم کفار ایله دوستلق احتمال یو قدر بعد الیوم آنلر ایله ارامیزی قلیج ارا ردستلق

ایلمک صاحبزاده رغبت ایتمک محالدردیو وافر ملوکانه و مغرورانه کلمات نابرجا سو یلیدی صدر
اعظم محمد پاشا ایسه شهری و مرد متانی و مداری اولغین حسن تلقی ایله جواب و یروپ
همان الله توفیق ویره امور بکره قار بشلمازدیوب کندیلر خان واروب تحت قریه جلوس
ایلدی کوزلوی یه وارد قل و وزیر سفر غازی و سائر اتباعی اغوا سیله کوزلوی امینی سلیمان
چلبی بی یوجیه قتل ایلدی خان سابق محمد کرای او توزیک غروش اتفاق ایدوب لشکر
عظیم جمع ایلوب مسقوه کیمک صد دند اینک عزلی خبری کملکله اول غریت فسح اولدی
قتل مقصود پاشا مصر دن معزول مقصود پاشا نک سلفی نقاش مصطفی پاشا و الی مصر
ایکن تحصیل امواله عدم قدر تندن ایکی سنه ده خزینه یه الیموز کیسه مصری نقصان
کوستر مش ایدی ایالت مذکور مقصود پاشایه توجیه اولند قل طرف سلطنت علیه دن
تفتیشی و اول مال مکسور نک تحصیل فرمان اولنمشیدی وارد قل اول جانبه بر مقداری
وجودندن تحصیل و باقیسی نقاش پاشا آستانه یه کلد که کاه قیوار اسندن کاه یدی قله یه
حبس اولنوب ماملکن فروخت ایند مکه تکمیل اولنمشیدی چون نقاش پاشا داماد
پادشاهی ایدی پادشاه حضرت نری نک همشیره لرینه غیرت دوستوب نیم پاشاه اعانت
ایدوب مدیون ایلمک مقصود پاشا نک اشیدردیو ناحق یه عداوت ایدوب اعدا منه سعی
اوزن اولمشیدی مقصود پاشا اصلندن پرزین قصبه سندن اولوب دفتر دار عمر افندی
خد متنه پرورش اولوب سیاهی عداد نه یکم شیدی آستانه ده دفتر دار کتخداسی ایکن
قره مصطفی پاشا مزبورک استعداد و قابلیتیه پسند ایدوب کغدوسی وزیر اعظم ایکن بوکه
ترسانه امانتی الیو یروپ رشید آدمردیو یلر و چکوب دفعه قیو جیلر کتخداسی بعه
میراخو رایدوب وزارت ایله دیار بکر ایالتنه کوندروب اندن مصره نقل لیدی قره مصطفی
پاشا ایسه کند و نجه عالمی تصحیح سودا سنه دوستوب مقصود پاشای کندیو یه معین و یار غار
وامین اتحاد ایدوب وزیر اعظم اولان او قور یاز کر کدر بن یو مقامه لایق دکل انحق مقصود
پاشای قائم مقام اینسم کر کدر بکا همد اولوب عالمی نظامه اعانت ایدر بند نصکره مهره
لایق انحق مقصود پاشا وارد دیو سو یلردی و صاع فاسه مصر دن کتوردوب قائم مقام ایدوب
کندیو یه یار و همراه زاتسه کرک ایدی مقصود پاشا ایسه نفسندن کریم الطبع و حایم النفس
مد بر حکیمانه حکومتده ماهر و معارف جزئیه دن حصه سی اولغله اوضاع و اطواری عالمانه
وزیر و قور ایدی لکن احوال عالیه عدم تجربه سندن اقبال یادر هوایه فریفته اولوب روز کارک حالی
برقرار اوزن قالمیه جغنی و هر امور کما هو حقه شروع ایله نظام ویرلمک عقلایه میسر اولیه جغنی
فکر ایتمیوب مقتضای عصره رعایت ایتمدی وزیر اعظم بی کند و صدر نه لایق کوردی و
استقامت کماله ایتمس دیوز عم ویندن ان گرفتار اولوب حکام مصره الزم اولان سمت مد ارایه کندی
و وزیر اعظمه طیانوب استقلال رأی مقتضای سنجه مصره بعض اولند عوالمه یا شوب خلعتی
یاشنه او شور دی بالاخره مصر خلعتی عموم اوزن غلوا ایدوب قصیر یو سفده محبوس ایدوب
احوالی دردولته اعلام ایند کر نه مصر ایوب پاشایه وریایوب دریادن سفینه ایله کوندلردی
و مقصود پاشا دریادن استیصال اوزن آستانه یه کلسی باندن فرمان ارسال اولندی و پاشای

مشار الیه مصر ده صدر اعظم والی مصر ایکن وضع ایلدی یکی بعضی خصوصاً تقض ایدوب
 خجه مواده انلرک رضایرینه مخالف حرکت اینمکین وزیر اعظم دخی خاطر مانده اولوب عداوت
 ایتشیدی ومطلق مصطفی پاشا چراخی اولدیغنه بناء انک اعداسی بونک دخی ازاله سنه
 متفق اولوب مصر ده سحرار لپیدا ایدوب مصطفی پاشایه محبت ایچون پادشاهمه سحر
 ایتدردی دیو پادشاهه یکم شمر ایدی ماه رجبک یکرمی او چخی ثلثا کونی مقصود پاشا
 قدرغه ایلک کلوب سرای بورنه یاشوب بر قاج طوب اتوب باعجه یه ییاشد قده پادشاه یالی
 کوشکنده بولنوب مقصود کلدی دیو سور مشر مکر مقدمابرقاج دفعه لسانه کتوروب مقصود
 مصر ده اولار ناووده سحر باز لار ارارش والله وبالله کورد بکم کی اولدوررم دیو سور مشر طالا
 بیچان مقصود پاشا ایافنی سفینه دن قره یه باصدیغی کی حسب الفرم ان جلا دبی امان
 کرم بیان دوشربوب بی سوال وجواب بوغوب باب همایونده ایاصوفیه او کنه القایتدیلو
 ذلک تقدیر الغریز العلم بیت خطر هاست در کارشاهان بسی که پادشاه خویشی ندارد
 گمی سلسله شهر رجبته مفتش احمد افندی یه سلیمانیه دن سلانیک قضاسی ویریلوب
 یورینه براوغوردن التمثلی ایله اسمیخان سلطان مدرسی جراح شیخی اوغلی که خواجه
 سلطانی حسین افندی نیک مکتوب محسیدر مفتش اولدی زیراجراح شیخی ابراهیم افندی که
 سلیمان زاده محمد افندی نام عالم ربانیدن نلدو تعلم ایتشدر چخی حسین افندی پدري
 قره باش افندی ایله محبت والفت قدیمه لری اولغین خواجه حسین افندی اوائل
 طالع با بادوسنیدردیو جراح شیخه تردایدر مش اول سمیدن طالا دولته واصل اولد قده
 جراح شیخی ابراهیم افندی نیک مخدومی اعزاز و تربیت ایله محسود اصغر ومغبوط اکابر
 ایلدی و بوندن مقدمه قاضی عسکر محمد افندی نیک مخدومی عثمان چلبی یه سابقات
 با زارنده مطموس الاثر یوسف پاشا مدرسه سنی شیخ الاسلام حضرت تری توجیه
 ایدوب اولدخی قبول ایتیموب رؤسی رد ایلد که طالا بشکطاشده خیرالدین پاشای
 خازی مدرسه سنی عرض ایتمکه رؤسی یازلمشیدی لکن صاحب مدرسه اندن
 التمثلی ایله موصله سلیمانیه اولق اوزن عایشه سلطان مدرسه سنه نقل مراد اولد قده
 عبد الله چلبی امتناع ایدوب یینه مدرسه سنه تقریر اولنوب عایشه سلطان دفعه
 عثمان چلبی یه خواجه نیک همتی ایله ویریلوب چقاقلی عبایر ایله تشکر املا یه وارد قده
 خیرالدین پاشایه اولدی صانوب اول بقعه مبارک بقعه درختی بڑ طالب اولوب اوائل
 میسر اولما مشیدی طالا سزه میسر اولدی بانیسی دخی شویله برغازیدردید که مخدوم
 بڑ خیرالدین پاشایه اولدق عایشه سلطان اولدق دیوب منلا متخیر ایاروش
 سزه زه دن واردی دیوب وهن کلی مشاهد حضار مجلس اولدی سنه مزبور شعبان
 اناطولیدن معزول عبدالرحیم افندی شیخ الاسلامی لسانیه رجبیه ایتسی سبب ظاهر
 اولوب بطریق النفی اده قضاسی ایله صله سنه کوندلدی ورحمة الله افندی
 سلیمانیه دن چشمی زاده یرینه جلب قاضیسی اولدی اوائل رجبیه قدیمدن باغرا ده
 یکچیری سرداری اولان علی ییک استانه دن امر شریف ایله بیت المال ضبطنه وارن

پاوشه بیت المال خد متنی ضبط ایتدر میوب پاوش وناظر می دست کلو ب یکچیری
 اغاسی شعبان اغایه شکوی ایدوب باغرا دسر داری اول اطرافک حاکمیدر امر شریفی
 استخفاف ایدوب طوتمادی دید کارنده یکچیری اغاسی دخی پادشاهه غمز ایدوب
 احضار یه فرمان کتدی مزبور علی ییک باغرا ددن قید و بند ایله کلد که پادشاه داود پاشا
 باعجه سنه ایدی جلاده امر اولنوب کتفندن دو اللر چقاریلوب اشد تکمیل ایله قتل
 ایدوب معمود لری نه غماجمی اوغلا فی اوطه لری باشنه بر اقدیر فیه اشد مقرر کلسا
 وچتاجه سمته خیدود ملا عینی طووز ایدوب قطع طریق ایتد کارندن غیری سکسان
 مقداری ملعون اق بیکارلی احمد اغا نام کسنه یی قله سندن طشره ده بولغله چفتلکنده
 طو توب شیشه صانچوب کباب ایدوب خاتونی دخی طو توب قیز مش باقر بیسی اوزرینه
 او توردوب کر او عقد ارماللری وریسه سولیدوب دختر ییک بستانلری نه قیز مش ات نعلی
 یا صوب التون وانجو و جواهر مقوله سنی مالک اولد قلی شیلری سولیدوب جله بکرمی
 ییک غرو شلقدن زیاده ماللری الوب بعد مرد پریان شیده یر دروت پان ایدوب برانوب
 عورتی اولوب دختری صاع قالدی یو که مانند خجه فسادات ایتد کیری پادشاهه
 عرض اولند قده خور باخیلردن مصطفی اغا وچتاجه اوسته سی تعیین اولنوب واردیلر
 استرانجه طاغی ائکنده بنشوب جنگد نصکره الی مسلمان شهید والی یدی کافر
 دوشوب پاشلری بر قاج ملعون ایله اله کیریوب استانبول قازغه اوردیلر و پادشاهه
 ایالت بغداد توابعندن عانه و هیت ستملرندن امیر عریان یه ایه پیش طائفه سندن که
 طائیله رد خالد عجاج نام عرب که شجاعت عمنتر قالعیسی کی یا لدر بشیو زاده قرشو
 قور رهن خبیث ایدی قزلباش طرفندن حاکم بغداد بکتاش خانه منقاد اولوب قرق
 الی عرب ایله کاهجه کلوب بغداد قزلباش ایکن التفاتنه مظهر اولوردی واقای
 مملکتدن باش وکیل کتوروب بحشش الوردی حتی بردفعه بکتاش خان امر یله تاحلب
 اطرافندن خجه باش و مواسیلر سوروب کتور مشیدی اهل سنتک دشمن جانی ایدی
 بردفعه ابن العرب نام بر صحیح النسب کیلانی بکتاش طانه بش ییک غرو شته صانوب اولوقت
 محصده ده جان قور تارمق ایچون لازمدر دیه اولمقدار اچیه ووروب آتی المشیدی والتون
 زنجیر ایله دائما اگر لوکوزی قرشوسنه صقلردی برکون بکتاش خان سوار اولد قده
 سرکشک ایتدین خالد عجاج دعوت اولنوب ابن العرب بدخوی اولمشدر دید که
 اول خیال اسب معبودی اگر لدوب بنوب خان ایله شیخ شهاب الدین تربه سی اوکنه
 یققدیلر بونی سزید خوی ایشش سزیدوب دخی دورت با رداق صو حاضر لدوب هر
 سرکشک ایتدیکه بارداغک برنی باشنه پان لیوب اصلاح ایلدی بر خیال بی مثال بهادر
 خبیث اولوب هیت و عانه اطرافندن کسنه یی کچور مزدی اتفاق بو سنه بغداد دن
 حلیه کلن کاربان اوکنه ایوب معتاد شجیه عانه سی اوزن صول بکنی یوزینه چکوب کانه نیر
 وتفنک دانه سنه سپر اتخا ایدوب یا لکر کاربان ایچنه ورودی برتمول بازو کانه
 کوله لردن تفنک انداز بر تازه چرکس کوله سی تفنکی طوغر لدوب ملعونک کوکسنه

برفندق اوروب ارقه سندن چيقوب يلاقدي غير ياري بومالي كوروب پريشان اولديله
چفته لى عثمان پاشا ايشيدوب مملوكه خلعت واحسان وردى بعد ذلك مرقوم كولمك
شجاعتك پايه سى رتبه كيوانه ايرستى وقعه دار السعاده اغاسى در بحر قزلباغاسى
سنبل اغاكان بعضى وضع وجر كنى طبع پادشاهى به مخالف كاوب مصهر دن طاش
ياتر على اغاينى كتوردوب دار السعاده اغاسى ايدوب سنبل اغاينى مصهر نقي فرمان
ايتدكارند دريا طرفندن كتمك مقرر اولوب آلاى كينلى كتمش بونمغله هنوز قهره دكردن
جديد پياولوب گلش ابراهيم چلبى نام رئيسك سفينه سى حاضر بولنوب بلا توقف اول
كمى به كيروب جمله اموال واشيا سنى وخدم ووخشم واتارنى بيله تحمیل ايدوب مكه مكرمه
قاضي سى بروسوى محافندي دخى اغاي مرقومه رفيق اولمش ايدى حجاج مسليندن
دخى نجه امت محمد بيله كيروب عجله واقدا مدن رئيس سفينه كركى كى طوب وباروت
وسا زالات حرب نكميلنه قادر اوله ميوب انجق دورت طوب قومشيدى بومال اوزن
جمادى الاوليه دريا به صالوب بر سفينه نك طوب سز و تفتك سز بولون سز بود كلوا مال
كنيره ايله كندى كى شايخ اولوب مالته نك اتى پان چك رمه سيله قورصا نلى اطه لى
اراسنه كزوب سفينه نك چقد يغنى خبر الد قارند فى الحال مصهر بولى اوزنده كريد
اطه سنه واروب محتفى و سفينه نك ورودينه منتظر اولديله سنبل اغا دخى موافق
روزكار ايله ردوس ليكاته واروب مزبور حربى كيمار كريد ده سز منتظر لرد ديو بعضى
ابناء سميل خيرو بروب ردوس خلفى اغايه واروب بولمانده بر قاج ككون آرام اياك ديديله
رئيس دخى اول كيمار بورك كيمار دراوكلرينه دوشرسك ينشور لجنكه باشه چقلمز مهمات
وعسكرى برون قدر بر قاجكون ردوس ليكاته تاخير ايتمه مز معقولد رديه كوردى مفيد
اولموب سنبل اغاوملا ابرام ايدوب بوسنه ججه ينشمك لازم ديديله بر روز مخصوصه
ردوس ليكاتندن چيقوب كرك په اطه لرينه واصل اولد قهره زننان كفار بلاى ناكهائى
كى نمايان اولوب فى الحال ايرستد كزنده قوغوش طوبلرينه كى نى نشاله ايدوب سنبل
اغا واهل سفينه نا چار جنكه قائم اولديله اثناء محاربه ده اغا و رئيس شهيد اولوب
بروسوى محافندي اسير اولوب اسيرى لقيله شهرت شعار اولان فقوى امينى بروسوى
محمد جلبيدر كه جنى خواجه طرفندن عمل ايدوب بش بيك غروش و بر مكه مكه
قاضي سى اولوب سنبل اغا ايله معاكى به نبوب كتمشيدى اسيردوشوب مكه يه وارمق
فصيب اولدى سائر جنك اوران دخى جنكه دوشوب التيوز مقدارى خلعندن قليون
اچندن التمس مقدارى زنده قالوب بالاخره كافر صاروب قليونى يده الو بود كلومال
قراوان ايله كتوروب كريد اوغرا ديلر غنا يلرندن كريد حاكمه پيشكش و بروب
جمله دن سنبل اغاكان ايتلرندن رينى قنديه بكمه كوند ر مكه طشره چقا روب كوند ر كن
اول جزيره راهلرندن بر قاج واقف حكمت اهل بصيرت رهبان جزيره مزه تركك
آيتك اياغى باصديغى زما بوعلامت دكلدر سابقا ردوسه و قبر س وسا جزيره لده
هملى سبق ايتشدرد ديو قال ايلديله فى الحقيقه اوبله واقع اولوب مزبور كيمار بر قاج كوندن

صكره مسينه يه طوغرى پراغوشته حصارينه يكرمى فرسخ قالد قهر اولد قهرى
كمى غرق اولوب اكثر اموال وارزاق و الترقهر دريا به كندى بواحوال تدر عجله استانيولده
شايع اولوب ايج اغازدن سمع همايونيه واصل اولد قهر دو تيمار تيمى اسبابنه شروع اولنوب
كريد سفرى ظهورينه باعث و حجه ولايتلر فتنه سبب حادث اولمشدر استيلاء اسوج بر بلاد
عجه روماليمر اطورى فردنيان دوس خيانتنه كند و اوغلى بدي الكتور بكره كه انلره بود يارده
يدى قرا لدير لايير طور نعين ايتد ر مك استيوب انلردن بريكه ترد الكتور بدي رفر انجه طرفندن
اولمغله ايمر اطورو اسيا نياقر الى اتفاقيله مزبوري باصوب اولد رديلر فر انجه قرا لى دخى غيرته
كلوب اسوج ايله اتفاق ايلدى و نجه ديارى اوزرينه يور يوب اسكى براغى الوب ضبط
ايتد كارنى اعيان سرحد بدون دردولته عرض و اعلام ايلديله عرضلرى شوالده كلى
اسوج ايله نجه اراسنه بوجنك تمتد اولوب بيك اللى بدي سمنه سندن صلح اولنجه سورندى
بالاخره نجه ناچار قالوب ضعيف اوليحق السا سيما اولكه سنى فر انجه يه و پومرانيا اولكه سنى
اسوجه و بروب صلح اولديله نزاع اردل و نجه سابقا نجه ايمر اطورى اردل سرحد نده
واقع نجه اولكه سى ار اضيسندن بدي ناحيه بى بتلن غابون و بروب كندى حيانه
اولد نجه متصرف اولوب كيرو نجه بكرينه و بيله ديوعهد نامه سندن شرط ايلوب بتلن
مرد اولد قد نصكره راقوجى بواثنا ده اول ناحيه لره ال اوزادوب ايمر اطور رضا و بروب
راقوجى اسوج عسكريله خبر لشوب دردولته بى دري آدمار و مکتوبلر كوندروب فرصت
زمانيدر اور تادن اسوج سر دارى اغر عسكر و تيمش پان طوب ايله كلوب بتر
بورغدم ايله بر سا قوم شهرلى اراسنه نجه دن نادار عسكرى بوزوب بر طرفندن اردل
مماكى اوزرينه سردار اولان بلاطينوس بكي كه يدى الكتور بدي ريد راغر عسكرى ايله
گلش ايكن كيرو دونك اقتضا ايلشدر اردل عسكرى اردينه دوشوب هر كون قيروب
قومقه در بر مقدار عسكر ايله امداد اولنور سنه تمام مرتبه مصاحت كوريلوردى ديو
ايرامر ايدوب ايمر اطوردخى دردولته مکتوبلر يازوب راقوجيدن شكاتى مشعرو صلح
وصلاحي تجديد ايجون تكرار اچى كوند زلمك اوزن اولد و غن ييلد بروب تكرار
راقوجيدن مکتوبلر كلوب پاساريموده صاحبه طالب دكلدر بوطرفه سردارى اوج بيك
تفتك اند ازويدى بيك اتلوايله برد فعه يدى ناحيه قلعه لرندن اولان سمنده قلعه سنده دك
گلش ايكن ار دل نيسه عسكرى كارنده جمع اولوب اون بيك قدر پيده وسوار اولد قهر
بلاطينوس بكي دخى قالقوب اق يا يلاغه كندى زرا اسوج عسكرى نجه لويى
بوزوب ولايتنه قشلا يوب دردولته دخى مکتوبلر كوند ر جكدر ايمدى ايمر اطور اول
اجلدن صاحبه طالب اولدى ديمش سرحد عسكرندن بيك بشيوز قدر اتلوايله امداد
اولنوب اورته كوزاينه اردل نجه ايله ملاقات ايدوب نجه عسكرندن چوق بالا و پاشا و كسه
دوشوب انهمزاه قريب بر حال ايله تنك طاغستان پولاره دوشوب يولده وافر اغر لاق
دوكر ك كيدوب اردل قلا عنندن چمنه نام قلعه يه بلاطينوس عسكر كوند زوب
محاصره ايتد ر مشيكن راقوجى ينشوب تخليص ايلدى اسوج سردارى دروزن دول

طوقوز بيك تفنگ اندازوييك سكرتور انا و ايله دانيانك عوستاوش نام سرداري اون بيك
 پياده ويدي بيك اتلو ايله يور يور ايپا طور يچ قلعه سندن عيالتی قالد يروب كيرو طونه
 او زردن لو نجه نام قلعه يه كيودي اسوج دخي نجه ديا رينه محكم كيرو كندن راقوجي
 مكتوبند جا سارك مراد نه دفعه مساعده اولميوب عوق كوستريله كون لم نه ظهورايدر
 باري بو وجهله ضعفي حالند بر غالبانه صلح اوله ديه باندی يا قلدي لکن بری طرفه عدم
 اتفاق و دغدغه اختلاف و شقاقدن اعتبار محال اولدی و اولیدی ناحیه دن پنجه يه
 بلا طينوس قودوغي قيودانی سكر آد می ايله طوتوب سائر لینی قتل ایلدیلر بواشاده
 اورته مجاردن مكتوب كلوب راقوجی بوبهانه ايله ظهورايتيمك استر سرحد ده اللى الشمس
 پان قریه يی خراب ایلدی ديه شكایت ايتلمی چاسان فائلی اولدی بالاخره نجه
 عسکری لبوه نام قلعه كه اوج چانی عظیم خندق و تباقي ورجانی قلعه ایدی تحصن
 ایدوب او تورديلر دل عسکری ظفر بولا ميوب دوندی چاسار دخي له قرالی لادسی
 لاوسی اورته يه قویوب اردل ايله صاحبه طالب اولدی روسیه و یو ده سی له طرفندن
 اردله كلوب صاحبه متعلق سوزكلچی ایتدیلریدی ناحیه كيرو اردل قالمق اوزن قرار ویرلدى
 اسوج عسکری ايار نام نجه سرداری بوزدقد نصحه كره پتر بیور غوم شهرینی الوب عسکر
 قودی واپكیخی سرداری اول جنگ اولان محله قریب برادر بنده يدی بيك تفنگ انداز
 وضع ایدوب مزبوری چاسار جانی پکورمك استد كره كزمار قواكاه اولوب باشتیلا كینك
 عسکرینی یاتنه الوب اول محله قریب نجه نك تارغوینا نام معتبر قلعه سنی محاصره و فتح
 ایلدی كزمار قونك بواحوالی ساقسو نیاد و قه سی ایشیدوب برمتین قلعه يه تحصن ایلدی
 كزمار قونكر ابرو نام برمتین قلعه اوزینه واروب حاکی خلقی ايله دین باندی نزاع اوزن ایدی
 اختلافی سببی ايله بوزولدیلر حاکی بر قاح آدم ايله اق دكر ددان بوزاغ نام قلعه يه فرار ایدوب
 دامادی جنگه دوستدی و فلاندر یادن غراته هوام نام مشهور قلعه يی فرا پنجه عسکری
 الوب غاد تا دام شهرینی محاصره ایلدیلر و هولاند یادن نكرار اسوج عسکرینه فرانسانك
 امدادی كلوب اول سنه اند قشلا دی آمدن ایاچی نجه استبوسنه اربع و خستین و الف
 شهبان المعظمك اون یدي نخی ثلثا كونی نجه دن استعجال اوزه ایاچی كلوب غلیه
 ديه ان اولوب یوم مزبور ده عتبه همایونه رویال ایلدی نجه قرالی جانیندن متعین ایاچی
 کلیه لی اون دورت ییل اولمش ایدی حتی ره قمصطغی پاشا بغداددن صدارت ايله كلوب
 مقامه استقرار بولدی ایاچی سرحد كلوب و خبر كوندروب استه زوار مق اوزر یوز
 بشرط انكه سزدخی رهن طریقیله برآمد مكری بو طرفه كوندن سز زه بدل بوندن طون
 دیشیدی در دولته قیو كتنده اسی ايله ترجمانلر بو مد عانی وزیره عرض ایتد كرنه
 غضبه كلوب چقمز سه جهنه باشی اكابدل رهن كوندن مه نك معناسی ندر پادشاهنك
 قایچی اوزوندر خصوصا بویه و قنیه آدم كو ندر مك بی وجهدر حاجتی ايسه چقسون
 دیوب كفره یی تعنیف ایتد كره خبر واروب ملعون یینه تعند ایدوب سرحد دن مملكتنه
 عودت ایلدی و عادت طبیعیاری اولان بطوه و تأمل ايله چقمق و چقماق خصوصت

تردد اوزن ایکن رو جانبه فتن غریبه و تبدلات عجیبه ظهور ایلدوب اول طرف ايله تقید
 معوق اولشیدی چون مصطقی پاشا دوری کچوب عالم متحد اولدی و نجه ايله
 مجار ار استنه شقاق ظهور ایلدی بالضروره ایلچی كوندروب در دولته مراجعت ایلدی
 نجه ايله مجار طائفه سی بینند اولان شقاقك ذكر اجمالیسی بومحله كچه فذ لكه دن مأخوذ در
 امامورخ شارح المنار زاده تفصیل ایدوب دیر كه سابقا مجار كفاری نجه چاساری طرفندن
 قرالوب قره جهاز دیو بر قاج ناحیه سیله بر قلعه یی محان تملیک ایتمشلر ایش بعد زمان قر
 هال كه اولد قیه نجه اول قلعه یی استرداد اچون خبر كوندن مجار دخي سزانی جهازك ویردینر
 حالا بزم ملكمز اولدی استرداد نامعقو لدردید كره چاسار بزانى اگر چه قره جهاز ویردك
 لکن حیائنه اولد قیه متصرف اولوب بعد الوفات استرداد اولمق اوزن قول ایتشیدك دیوب
 منازعه و مجادله محاربه یه مو دی اولوب چاسار طرفندن لشكرو واروب اولحصاری
 قهررا اخذ واسترداد ایدوب مجار دخي عسکر جمع ایدوب نجه ايله اغاز جدال ایتد كرنه
 عسکری دخي مجار قصدینه مجتمع اولوب مایندلر نه حروب و وقایع کچوب اسوج و افر نسه دخي
 نجه اوزینه ظهور ایدوب چاسارك اوغرا دیغی مضایقه مفصل ذكر اولمشدر طوایف كفار
 بر لرله خردل اشرق ضرر لری سرحد اسلامییه طوقفق احتمالی اولوب حتی سرحد
 محفوظه قلاعی مضافا تندن برینقه تاراج اولمشدر دیوسرحد لر طرفندن دخي عرض
 و محضر لر كلد كره مقدم ماها بار فصلند و روم ایل امراسی و عساکرندن جموع فراوان
 صورتا سرحد محافظه سی و معنا مجار طائفه سنه امداد اچون كوندرباوب اوسك
 ویدون سرحد لر نه عظیم جمعیت ایتمشلر ایدی نجه چاساری ايسه حد دن زیاده عجب
 ویندار صاحبی اولوب ادعا واستكباری بر مرتبه ده اید یكه سلطان مراد خان مرحوم
 فتح بعد ابشارت نامه سیله مقدم قیو جی باشی خندان اغازاده یی كوندرد كرنه
 چون بو طرفدن ایاچیلك ايله انده واران قیو جی باشتلر نه عظیم چاسار لر قیام ایتك رسم
 قدیم ایدی بو چاسار مزید كبر و غرورندن خندان اغازاده یه اون یوك اچه كوندروب
 بنی قیام ايله الزام ایتكدن فازغ اولسون دید كره خندان اغازاده ممالله او تور دینی خانه یی
 زرمسكوك ايله طولدرسه محالدر عرض یاك دین و دولته نقص ترتیب اید جك امر جزیره
 دنیا مالنه رغبت ایتیم دیوب مبلغی قبول ایتیموب وارد قیه یینه چاسار متجاهلانه كویا
 با نجه تماشا سی اچون قیام ایدوب وهله اولید ایاچینك یوزینه بقمیوب پنجره دن
 طشره با نجه یه نكران اولشیدی بعد زمان ایاچی یه باقوب مقتضای مراسم اوزن توقیر
 ایلد كد نصكره قعود ایتدی اول طائفه نك نكبر و تعندی بومرتبه ده درجناب حقك
 نهایت علیه سیله اول چاسار باهر الخسار بوقدر غرور واستكبار ايله هجوم خصما مضایقه
 سندن ناچار ایاچی كوندروب دولت علیه طرفندن محان امداد ویرلكدن و همه دوشوب
 كاكان صلح و صلاح مقرر اولمق رجاسنه عرض عبودیت و نیاز اخیار ایلدی كان
 ایاچی سابقا سلطان احمد خان مرحوم عصر ندك كره كبر ایدی ایاچی خانه قوندرباوب ذكر
 اولمان ثلثا كونی غلبه دیوان اولوب و اچینك پادشاه بولوشمه سی تنبیه ییورلدى اتفاق

اول کون زیادہ یغور یا قادی غصب الامر چاوش باشی مستمداً مخد ازاده و اختیار چاوش خانہ
 واروب ترجمان واسطہ سیلہ قالمق پادشاہ عالمینہ حضرت نازیک خا کیا یغورینہ دیود عوت
 ایلی ایلی کبرمالا کلام ایله او تروب ہدیہ سنی مقدم کوندردی بیشکشی اولاکشدن
 مصنوع پرشادروان ایلیکہ قم ساعتی کی چوریابو اشاعیدن یہ قارو صوچرا یوب تاسقفتی
 دو کردی وساعت مفتاحی کی مفتاحیله یوریابو مناسب فسقیہ ولولہ لری وضع اولند قہ
 گاہ برکاه اوج گاہ بش گاہ اون بشدن زیادہ صوچرا یوب اقردی تمام صونی دو کند کد اول
 برجانی دو ندیریابو ینہ همان اول صوصنعتلایله صوچرا یوب حبہ سی ضایع اولنرایدی
 وقوریلوردی وینہ بوزیاوردی بومہ میخرا یله ساعت شکند ضابطہ ورباطہ لری واریدی
 یوشادروان غریب الارکاندن ماعد او توزعد سیم حن کہ طلالایله اندودہ ایلی کذلک
 برسنی و برکن و بریق کہ غلاقرا چندن اوانی فضہ ایلی جملہ ہدیہ سنی سرای عامرہ یہ
 نقل ایندیلو چاوش باشی ایلی یہ ابرام اثناسندہ براقضہ احسبیلہ طشرہ کتد کہ مکرانمندن
 ایلی مغیرا ویش چاوشلورہ ترجمان وساطتیلہ خطاب ایدوب بن پریاشاہک ہدایاسن
 پریادشاہ کتوردم و حالایشکس حضور ہمایونہ وارذیمی یوخسہ وصول بولمادی خبر
 کلمبجہ یرمدن حرکت ایتیم یوچاوش باشی اغاچون اولیلہ ابرام و ترک حرمت ایدراولاییلہ یغورلی
 کوندہ زہ ابرام نہ دیکدر بزم نہ عرض نہ رغبت نہ بیشکشمز کہ نہ صورتی قالور طوتالم
 بزم پادشاہمزک عرض و رغبت نہ تقید اولندی یاسزک پادشاہمزک عرض نہ اعتبار لازم
 دکلید رکبوییلہ یغورلی وچامورلی کوندہ زہ ابرام ایدرلردید کہ کلام یاردینک مفہوم سردینی
 ترجمان چاوشلورہ تفہیم ایلد کہ چاوشانک اسکی اختیاری و آستانہ دولتک قدیمی امکداری
 پیری چاوشکہ اخی و سادہ دل ایلی لکن بابایانہ سوزلریلور معقول کوی آدم ایلی جواب
 صوابہ موفق اولوب دخی ترجمانہ دیدی ایلی بکہ سویلہ اچیلور برکشادہ کوندہ مرتب آلا
 کونہ جمعیتیلہ واروب ہدایاسی دخی متعدد دکسہ لریلہ کیدوب طنطنہ مالا کلام
 ایلہ خلقہ عرض احتشام ایتیم مراسمی بزبندر دیکلوز اما ابرامزک اصلی بودر کہ بزم پادشاہمزک
 سوزی بردرایکی دکلدر همان ہرنہ لفظ کہ بیون لموجی اجر اولنغہ محتاجدر تغییر و تبدیلی
 محالدر بیورد قوری سوزدن بر فردانلری صرف و تبدیل نہ احتمالدر لکن کون مبارک
 لسانلرندن سزلی اکوب بیوردیلر کہ ایلی یتیز حجت جکدی باغلورہ بانچہ لہ او کرغش آدم
 خان بوجاغندہ طارلسون کلوب بولیشوب جوان آلوب ایلنہ ولایتنہ صفاوراحتہ کنسون
 قننی کون کلسون دیواسنیدن اولند قہ یوکون ایچون صالی کون کلسون دیویور مشلردی
 سوزلری براولغلہ امرینہ امتثالادیان ترتیب اولنوب سزلی دعوتہ کلدک حال پادشاہمزایسہ
 کلییوردیہ منتظر در و اعیان دیوان مہمی استقبالدراول سبیدن ابرام اولنوراکر کلاملری
 اوزن حرکت ایتیم سزک اللہ صقلاسون وزیر اعظم حضرت نازیک باشی کتمک لازم کلوردید کہ
 ایلی ملزم اولوب طوتالم بویلہ دریا بونیر قالمق دیو ابرام ایلہ ترک حرمت نہ لازم دیو تشکی
 صورتہ مستمرا ولد قہ ینہ پیری چاوش لوندا نامہ دن ضبط مقال و ترجمان لسانیلہ جواب
 و یروب عالتاج ساعتدر پادشاہمز ایلی قدومنہ منتظرہ رجا نر کہ کج وارلد قہ متالم اولوب

ایلی بکہ برالم و بادن تطرق ایلہ کسنہ دہ شفاعتہ قدرت یوقدر قرال جانبی رنجیدہ اولہ حق
 برشی ظہور ایتیمون دیر ز ایلی بکی قایدیغمر ایچون عجلہ ایدہ رزدیوناز کاتہ توہم ایلہ
 ایلی بی برندن قالدردی دیوانہ وارد قہ عادت اوزن قیوچی باشیلر قولتوغنہ کیروب اوکنہ
 دوستوب ایلرودہ وزیر اعظم بیشکاکتہ ہماینہ وارد قہ قیوچیلر دامن ہمایونی مزبور بوس
 ایندردیلر سلطان ابراہیم خان حضرتلری شدت و سرعتلہ نیر تیر بعضی نسنہ لر صوروب
 ایلیچینک عقلی پراکند و سر سوداویسی سراسمہ اولوب اکرا کلزمہا ممکن جواب و یروب
 حیرتدن لرناک اولوب ارتعادتدن پرماعنہ دورت بیک فلوری قیملور الماس انکشت رینی
 حضور ہمایونہ دوستوروب مہابت مجلس ہمایون حیرتدن خبردار اولیوب طشرہ چقوب
 قوناعنہ کلد کہ خاتمی خدمتہ سرای ہمایونہ بولد قلوند برقولی ایلہ کوندردیلر کتوروب
 کندویہ خانہ تسام ایندیلر ایلی سراسمہ اولدوغنی نقل ایدوب بن سلطان احمد خان
 حضرت نازیکہ کلد ایلی حلیم و متانی پادشاہ ایلی بکا سوللری رفق و ملائمتلہ اولدی
 اما بویادشاہ عالیجاہ عجب یاوزونیر مزاج پادشاہ اولوب قتی نیز نیز سویلیوب عجلہ ایلہ
 صورمغلہ سوللری برخوش اکیلہ مدم ہم قیوچیلرال اویدر مہ دہ بازولری یک طوتوب
 او تورتقہ قالدردی علف ایلیوب میانمی اغرتیلر دیو تیر و دہشتنہ اعتراف ایلی
 نامہ سنک خلاصہ سی بوایشکہ اردل حاکی راقوچی کندویہ تعین اولنان یدی ناحیہ ایلہ
 قناعت ایتیموب نجہ طوپراغنہ تعدی و تجاوزدن قصیرید ایتیمی ایچون مستقل حکم
 ہمایونہ آدم کوندرلمکی رجا ایدوب کا کان صلح صلاح اولغنی نیازایش طرف پادشاہیدن
 مامولنہ مساعلہ یورلدی احوال لہ لہ قرالی لادسلالوس دخی دردولتہ نامہ کوندروب تاتار
 خاندن شکایت و ظہار تظلم ایلیوب بو طرفدن قزاق ضبط اولندی اوتہ دن دخی تاتار ضبط
 اولنہ صلح یوزلیہ و خانک ویرکوسی یورجزد کلدر لکن اجدادیمز وعدہ ایتیکلہ ویریلہ کلشدر
 یوچاق تاتاری سابقا قریہ سوراشیکن کیر و کاوب تمکن ایندیلر دیو قالدردی رجا ایلی
 خراج اردل سابقا سلطان سلیمان خان اردل ولایتی اون بیک التون خراجہ کسوب سلطان
 سلیم عصرندہ برایکی سنہ اون بش النغلہ کیر و اون بش بیک طاب اولند قہ راقوچی بوبادہ
 ضراعت نامہ کوندروب دیشکہ اگرچہ برایکی سنہ اون بش بیک ویریشدر لکن بتلن حاکم
 اینک بش بیک انعام اولنوب کیر و اون بیک ویرلمک اوزن قرار ویریشیدی اول منوال اوزن بش
 بیکی عفو و لغت رجا ایتیم در دولتدن مساعلہ اولنمغلہ نکرار مکتوبی کاوب روز حضوردہ
 جملہ برہ کلور لر اولزمان برقولہ قرار ویریلور دیو اول وقتہ حوالہ ایدوب نکرار جمہور طرفندن
 عفو رجا اولنغلہ اون بیک التون قہ قرار ایلی صورت مکتوب اسوج اسوج سرداری اردل
 حاکی راقوچی یہ اولد خ آستانہ یہ کوندردیکی کاغذک ترجمہ سید زار دل کاغذ معلوم اولہ کہ نجہ
 ایپر اطور بیک سرداری غلامش جملہ عسکریلہ مرورایدن آخر کوز اینک بشخی کونی مارده
 بورغوم نام شہر یاننہ قونوب بندخی واروب اوہ یاننہ قریب یردہ زول ایدوب بعد غلامش اول
 محلہ قریب برکوچک واروشہ عسکر کوندروب بن دخی برمقدار کز یلہ عسکر ایلہ اوزرینہ
 توجہ ایند کہ غلامش کندی اردیزجہ عزیمت ایدوب طابورمزدن طویلر النغلہ دونوب بردخی

اوزر زينه وارد قلعه عظيم قتال اولند قلعه الله تعالى بزي غالب كتوروب عظيم يوزا قلعي ايلدك
 وجهه طور بليني وجهه غانه سني واوردوسني الدق تمام يوزد قدن صكر غلماش اول واروش
 غارتنه كوندرد يكي عسكر اوزرينه دخی واردق انی دخی يوزوب قيردق سردارلری كرفنار
 اولدی بواننده عظيم قيس اولقله عسكر يوزه سا قسونيا وجه ناحيه لرينه قشلاق
 ويريوب ان شاء الله تعالى هو الصند قلعه بزم ثانی سردار يوزمار قوينی عسكر ايله يكي اوج کون
 کند و مزدن يابرو کوچروب کند و مز دخی اردنجه مچ قلعه سنه توجه ايدرز خروج قالمق سنه
 مزبون وقايدندندركه قريمه هنوز مجد كراي ابن سلامت كراي تاتارخان ايكن قالمق
 طائفه سي كه مانند سباع بر قسم طائفه در خروج ايدوب يوزبك قدر ملاعين كه ذكور
 وانات جوشن يوش واردر خروشتلردر عورتلری ارزندن زياده جنك ايدرلر اوزون
 تبال ناوكيه قولانوب اوق و سيمفدن غیری سلاح بلزلر انل صوبن يکوب قريمه قصد
 ايتد كلرنه ييللری چرا كسه يه اوغرا يوب چرا كسه امرا سيمك اعظمی اولان الايق كه
 قبارطای طائفه سنك بکيدركه حقيشوق و استنوقدن بيوكدزون بك تفنك انداز
 چرا كسه ايله مرلری اولان در بندى سد ايدوب صباحدن وقت عصره وارنجه قرشون
 اورديلر انلر ايسه خوف و هم بليوب حمله ايتد كلر مچ يوسيده اشجار كي يقيلوب اول
 ائاده خال قرانندن طوغمش تاتار ميرالزندن اولان سلطاناش ميراكه خان تاتار طرفندن
 الايق بكة آمد ادموار مشيدى قضا ايله باسنه اوق اصابت ايدوب شهيد اولدى قالمق
 ملاعينك ايسه بکلری پيرامين اكثر ليله كشته اولوب باقيلری منم بزم دغوب مملكتلرينه
 كتن يلمر حوم سلطاناش ميرازوم يلك اوغليد روقعه چول بكي عساف در حلب
 ياد شاه عالمناه ادرنه ده تفرج كاهه كند كلری ائاده حلب ايلالتى وزارتله ساحد اراضه
 ابراهيم ياشايه احسان بيور مشلرايدى انلور دخی واروب ايلات حلبك ضبط و ربط و حكومتنه
 مشغول اولدى يلاول ائاده حلب اطرافنده كرن چول عربانك بكي مير عساف نعين
 صاحبي اولوب وزرا و امرا اولد بغي ديارلره اوغراميوب زميه واخوه ناميله عربستان
 قريه لريني انصافندن خارج حقلوب زمان امارتنه عربان استيقا سنك دخی جور
 و تسلطلری و قطع طريق و مفاسد لری اكسك اوليوب ماصلى ازاله شى متعسر ايدى
 حلب واليسى ابراهيم ياشا كورد يكه عزل قبول ايتن و تيغ سياست البته كلز كند و
 قريحه سنندن برتن بيز نادريسته شروع ايدوب بعد اليوم سينه صاف اولق قوليله مير
 عسافه راي و يروب ضيافت ايتك ايچون دعوتنه آدم كوندردى عساف ايسه اولدن
 امين دكل ايدى بو خصوصه اعيان حبلدن بر معتد القول معتبر آدمك توسطى اولدى يغندن
 مسند شير اولوب برباديه و حجر الزمعتاد اولمش عربان قبيلندن نوزيلا دمعظميه و قرب
 شهره وار ديعمز يوقدر ياشا حضر تلری بزي ضيافتندن غمغوسور سولر حلبه وار مقده
 بزم ايچون محذور واردر ديوپ برقاج ات كوندروب عذر ديدى اعيان شهر دن دلى
 قورد نام كسنه يي ياشا مابينه توسط ايدوب وار شو عرني ايتد راي بزمه اعتماد ايتد يروب
 ضيافتنه كتورد يدكده دلى قورد بچواننده سلطان عربان حلبه يقين كلز مچ اولمسه

حلبه برقوناق قدر مسافه بعيدي يزه كتور ييلور شم ينه سوزم كشمس اولورد يدي
 ياشا وارايدى يزه يه راضى اولور سه ضيافت اول موضعك كورلسون ديوپ كوندردى
 دلى قورد واروب نه سويلدى ايسه سويلدى حلبه تخمينا بش ساعت قريب نام محله
 ككه لى اوزن قول وقرار ايدوب هديه لرايله دوندى ياشا دخی اول مو ضعه متعدد
 جركلر و طباخلر و سائر لوازم ضيافت هر نه ايسه برقاج كون اول كوندروب شهر
 خلقى عموم اوزن تدارك عظيمه ايله چيقوب ياشا چول يادشا هنه ضيافت ايدى يورمش
 ديو عامه خلق انفس لباسنى كيوب مزين آتله ده بنوب سيرو تما شايه كيدركي
 قوج قوج محل ضيافته چكديلريم مهم ووده ياشا دخی آلاى عظيم ايله بنوب لوندات
 وايچ اوغلانى و شهر اغلاری عموما شهر دن چقديلو امادلى قورد ياشايه على السحر
 واروب ديمشكه سلطانم اكر عسافي اولدر مكه نيتكرو اريسه بود قعه ده محالدر زير امان
 بيورلد بى و دستمال و يرد يكر و يرد يكميز امان بيورلد بى قويننه قويوب داب ديرين
 عرب اوزن دستمالكزي بو بننه صاردى كنه بعد اليوم سرك اما نكر تحتنه امين اولق اوزن
 كاورلكن عرب طائفه سنه اولكي كي حلق بدوت قالمامشدر اكثرى حيل خدعه يه
 واقف در قتي چوق عربان ايله كلك كر كدر طرفكردن بر قصد بكر ظهوريد رسه ظفر
 متعسر در مقاتله اقتضا ايدرسه بزم عسكر يمز غافلدر خوف بودركه بر فضاحت اوله
 معقولى بودركه بود قعه ملاقات و مهادات مراسمي اجر اولنوب بعد لك تدار كنه
 وجه آخر ايله چان كوريله وهم راي و امانه خيانت ايلدى نامى حقكرده مشوع بولور سه
 بردخی هم بر مملكتك عشايرو قبائلنى استمالت و تسخير ايدى مرسز ديو وافر سويلدى
 ياشا جلب مشرب معتبر جه دولتلوايدى دلى قورده ازار ايدوب ضيافته طاغرد يغمز
 آدمى راي و يرمش ايكن اولدر سكمى كر كدر ديوپ اسكات ايلدى دلى قورد سزاعلمسز
 ديوپ چقدي محل معركه يه يعنى موضع ضيافته وارد يلمر كرا ياشا مطرجى و تفنگچيلرينه
 ثنبيه ايتمش ايش اولان آلاى تفنگكرينه چفته قور شون طولدر يروب عساف
 ركاب يوسه كلكدك دوردى بردن تفنگكرينه آتش و يروب اور لراندره تفنگكرين
 طولدر يروب حاضرو مهيا ايلشور ياشا آلايى ايله بروجانيدن يوسوب عساف ييك دخی
 آتتى يكدن متجاوز مزارقلاوسياه پوش عرب اتاوسى ايله قرشودن كلد يلمر عرب بكار ييك
 خزينه سي اولان برقاج ييك زن داودى كه دائما هر كيم ييك اولور سه انك ياننده دوه لر اوزن
 خميل اولنوب كز مك قانونايد رود يوان خاله مقامنده سياه قيلدن بافته بروسيم چول چادر كه
 اول زرهار ايله بو چادر بكارك شعاز دولتيد راول زرهارى جمله عربانه كيدرمش برقاج ييك
 عرب جمله يولاده فرق اولمش ايدى ياشا آلايى ايله ضيافت چركه سنه يقلمش قلعه
 عساف ييك دخی برقاج يوز زن پوش عرب ايله سچيلوب سائر عربان صحرانك نها بننده
 توقف ايدوب كندوسى ايلرو ات سوروب حضور ياشاده اينوب تقبيل ركاب ايچون
 يورودى ياشا دخی انمكه يوزطوتوب ضيافت چركه سنه توجه اوزن ايكن مطره جي
 و تفنگچيلر مكر بالوننده متعدد چقما قيلرى چفته قندق ايله طولدر يروب حاضر ايتمشور

عساف دامنبوسه کلدیکی کبی ایکی چقماقلی بردن کو کسنه و برچقماقلی ارقه سندن
 یوکرینه بوستانوب عرب منان مثال بر دیو کوه تن اولغله یواو ح چقماقلینک ضریدن ببقایوب
 مکر ایچ و دن اوج عد دزن کیش ایش قور شونلر زهرلرک برندن کجوب سائرلرینه صواشوب
 ایچ و نائیر ایتیمش عرب نیه اوغرادو غنی یلوب سلی سیف ایدوب یا ننه اولان عربلر
 گندوی اور تابه الوب قسراغنی بنشدردیلر بنوب اول عربلر ایل پاشایا ننه اولان جمعیته
 مورد یلر یکر میدن متجاوز ایچ اغاسی پاشالی قتل ایتدکد نصکره و رای محرابه صف
 بسته اولان عربانه طوغری قاجدی وقوماک خائیلری بکاغدر ایتدیلر سزه اذن دیدکده
 یوقدر بیک عربان فتان دفعه واحده زلغیت دیدکاری ولوله کریمه ایل صدالری
 آسمانه ابر کوروب مزراقلری سلکوب پاشا الای اور تاده ایدی اطراف اولان یوقدر بیک
 اتلویه قیولدیلر آتی کرک اولاب حلب یو لنی طوتوب فرار ایدن قورتولدی فران محالی
 اولیان دورت بش بیک آدم صویلوب عربان راه خلیه شتابان اولدیلر عربیک بعضی
 کروهی پاشا آلاینه دخی سوروب انلرده مدافعه و جنگ ایدوب طرفیندن بر قایح آدم تلف
 اولد قد نصکره عربلر چکیلوب پاشا دخی شهره کلدی ضیافت چادر لری و لوازمی و طمع
 اولمان اطعمه کثیره فازغانلر ایله تاراج کرده عربان اولوب ضیافت و عربان سیرینه
 چیقانلرک اکثری آت و اثوابدن چیقوب نجه ل اولوب و پان لنوب بویه برفضاحت عظیم ظهور
 ایدی امیر عساف غیری عثمانویه اعتماد ایتیموب عصیانن اشکان ایتمکه عربان دخی
 یوز بولوب اولکیدن زیاده فساد و طغیان باشلدیلر بوخبردر دولته منعکس اولد قد
 سو تدبیر تهمتی ایله مشار الیه ابراهیم پاشایی عزل ایدوب حلب ایلالتی بغداددن معزول
 درویش محمد پاشایه توجیه ایدوب کوندر دبلر پیدمر حوم حلب سرداری محمد اغا نقل
 ایدردی عساف وقعه سنه بن ابراهیم پاشا الای ایچنده بله ایدم پاشا لیدن ایچو بکرمی
 اوتوز کسه تلف اولوب پشمانه لردن قرق الی آدم صویولدی لکن شهر لیدن سیره
 چقانلرک اکثری صویلوب چوغی مجروح اولمش ایدی صکره طرف دولتدن عسافه
 احتمالات نامه ایله روی لطف کوستر یلوب لمصاحت مدارا و ایتشیدی صکره کتخد ایلک
 یکتاش اغا عسافه صاحب چیقوب قیو کتخد الی ایدوب مقرر فرمانی احسان اولند قد
 جد یزمر حوم کوچک علی اغا حلب اعیانندن کار کند بر آدمدر دیه مقرر امرینی عساف بکه
 کوندر مشلر و حسن تدبیر ایله دائره اطاعته کتورمسی خصوصنی سبازش ایتشله اولوقت
 پیدرخ معاکمش عسافه وارد قلندر کالعه آلا ی ایدوب عربانه زره کیدروب امر شریفی
 و خلعتی استقبالی ایدوب تقبیلدن صکره اثناء مصاحبتده جد مر حوم بسط کلام ایدوب
 دولت علیه نک اطاعتنه بولنق جمله ملل دولتک مایه افتخاری اولوب عرب و عربان
 و قبائل فصاحت پیمانک اصلی و عرفی ابوریش نسلی ابکن و خارج طور ادب حرکتی هیچ بر فرد
 سزک اوجا غکزه لایق کورمز ایکن بومقوله اوضاع و هم العاقبه نک صدور نیه باعث اولدی
 دیودورادور نصیح و پند باشلد قد میر عساف آه ایدوب یا علی والله بنم جورم یوقدر ابراهیم پاشا
 بنجله معاهد ایچون رای و یروب ضیافته دعوت ایتدکده یعلم الله بعد الیوم صدق و خلوصه

خدمت متعهد اولوق اوزن وار مشیدم دیدی هاو الذروع دیو طغردی یوم معهودده ارقه سنه
 اولان اوج زرخ میدلانه کتور دبار سیر ایتدم تا ککوکسی تخمه سی اوزرندن ایکی فندق
 زرخک برینی سوکوب ایکسینه صواشوب ایچ و پاشیه میخلرواری اینجه صایجه لری صایپاش
 ارقه سی جاتبند کذلک بر قور شون زه سیر ایتدی و رب الکعبه یوقور شونلرک ضریدن
 ایکی آی قان قوصدم کاهم ندر که بکابویه قیدی دیو ابراهیم پاشا دن شکایت ایلدی علی اغا
 قسلی و یروب اولیای نعم سنک قدریکی یلورلر سنک اعدامکه رضالری یوقدر بر اشدراولمش
 بعد الیوم سکا واجب اولان مقام اطاعت و خدمتده یولوب عربانی ضبط ایلکدر دیه تطیب
 خاطر ایدوب ابراهیم پاشا نک سکاسوه قصدینه دولت علیه نک رضاسی اولدیغی مقرر درو حلب
 ایالتندن انک عزلی سنک ایچون اولدوغی و انحدربان زمره سنی ضبط ایتمکه سندنخی
 بعد الیوم مردانه حرکت ایتک کر کسن که طرف کیرلک کلماتی تصدیق ایتمش اوله سن دیه
 هزار افسون ایله عربیک قلبنی تسخیر و طرف اطاعت و محبتده تحویل ایلدی و افراآت و قسراق
 در دولتده هدیه اولوق اوزن کوندر دیکندن غیری علی اغایه و پند مخصوص اون قدرآت و الی
 قسراق و ایکی بیک التون و یروب و ایکی بیک التون دخی حلبدن حواله ایدم نقد انجام یوقدر
 دیوب مکتوب و یروب جمله آت و قسراق و سائر هدایا دن عیری اون بیک غروش نقد له رعایت
 ایلش قتل مغربی معتقد قره مصطفی پاشا تونسلی شیخ محمد نام مغربیکه قره مصطفی پاشایه
 اوائل جلندن برو منسوب اولوب سبب انتساب اعمال سحر یه ایدی دیو اعداسی سو وطن
 ایدرادی وزارتخانه امر شریفه ایدر ایتددریکه کندیسی مغربیه قسام غزاة اولوب اوجاق
 گیلری کفاردن اند قلمری سفاین و غنایمی بن الغزاة شیخ افندی نهسم ایدوب خدمت قسمت
 مقابله سنه کندی و دخی برشی اله مصطفی پاشا زمانه مغربیه واروب فرمانی ابراز ایتدکده اوجاق
 خلعتی وزیرک خوفندن سکوت ایدوب معقول دیو جواب ویر مشلر ایدی اما بر شیده تعرض
 ایتدردیلر تکرار مغربی کلوب نأ کید مصاحت ایدم دیرکن مصطفی پاشا بر کشته اولوب
 کندوی نفی ایتدبار مغربی واروب نیه اول بدعته مباشرت ایدم دیرکن طوتوب حبس
 ایتدکاری خبری کلدک احضار نیه آدم کیدوب کتور دکر نیه سیاسته قتل اولندی تبدیلات
 مناصب صایقا بوی ستانچی با شیلقدن یکجیری اغاسی بعد بوسنه ایالتندن کلدکده
 حبس و اطلاق اولتان وان بکیر بکیسی هر ازغراد ی احمد پاشا اوائل رمضانده عزل
 اولنوب وان شهباز پاشایه ویرلدی بواشاده مراد اغا بغداددن کلوب کتخد ایلک اولوب قره
 حسن اغا زاده حسین اغا صفر الید قالد قد صهری قوجه مصلح الدین اغا سکبان با شیلغی
 حسن رضا سیله دمادی مشار الیه فارغ اولوب توحیه سلطانی مقارن ایله قره حسن اعازاده
 سکبان باشی ولدی و جدید کتخد ایلک که مراد اغا در تجدید رسوم و قوانین مندرسه ایله تقید
 کوستر و ب او طه با شیلر قنی جو قدن قلاوی دستار کیمز اولمشلر ایدی جمله سنه قلاوی کیمک
 اوزن ننبیه اکید ایتدی کذلک رسم قدیم او طه با شیلر کتخد ایکی دیوان دوشلر ندر دفعه
 ارسال خانه اوکند سلا ملیوب و علی الاستیحال سکر دوب بردقعه دخی سامانییه اوکند
 سلا ملق داب اولوب ایکی کره سلا ملنور کن نجه سنه مرور ایتش ایدیکه اول قاعد متروک

اولوب انجق سايمايه ده بر دقه سلا ملق ايله اکتفا اولنو زدی کماکان ارسلان خانه
 بیشکانه دخی سلا ملق اولق اوزن ننبیه ایلدی صدر اعظم حضرت تری رمضان
 او اسطند صدرین افندی یله ضیافت والفت و محبت ایدوب اناف حساد راغه
 اولدی ساستره محافظی یوسف پاشا کندو بی عرض و التمدن قصید ایدوب دورت
 گونده منزل ايله استانبوله کلکین بو خصوص ایچون ایکی کون حبس وینه عفو اولوب
 وزارتده برقرار اولدی بعد العید اشیر پاشایه طمشوار ویریلوب اولکون ینه استرداد
 اولوب وکماکان سیاهوش پاشایه مقرر قلندی ماه ذی القعدة نک منتصفنده خواجه
 حسین افندی توسطی ايله قدسی زاده افندی بروسه دن ادرنه قضاسنه نقل اولوب
 برینه عصمتی افندی بروسه قاضیسی اولدی و بواشاده یعقوبچه زاده وفات
 ایتکین خواجه افندی حضرت تری شیخ الاسلام افندی یه خبر کوندروب کوتاهییه
 بر قاضی کوندروسو نلر دیو بیوروب عینی ایلد بیت آن کربه ستیزه فربه ازان توو آن اشتر
 خموشی لاغر ازان من مضمون اجر ایور دیلر بواشاده مکه مکره قضاسندن منفصل
 شیخ زاده افندی که تهور و صرامت ايله شهرت شعارد در صدر اعظمه واروب بومقوله اطفال
 و ضعیفانه بویله مناصب کبار ویریلک نه دیمکدر یچون بزم احوالز ايله نقید ایتیز سزید کله
 بالی کسره بی اریه لقی و یروب ارض و اسکات ایتدیلر و بالی کسره قاضیسی یونس افندی
 کوتاهییه نقل اولندی خواجه افندی علی ايله ادرنه قدسی زاده یه ویریلوب ناشی وارمش
 ایکن صدر اعظم شیخ زاده نک اطاله لسانی بهانه ایدوب بوجیهات مدخول بهادر علما
 و شیوخ طریق طعن اید یورلر دیوب ادرنه بی مصر دن معزول بسنوی شعبان افندی یه
 توجیه ایتدیلر حکلیه معمار قاسم اغامعمار مشار الیه مرحوم قره مصطفی پاشا نک جمله
 المکی و محرم و همدی اولغله منکوب اولوب سنه مزبور جمادی الاخر سنه کلیبولی یه
 نفی بعد عفو اولوب خانه سنه متروی ایدی ایولک ضایع اولنر دیرلر مکر حبشی خواجه نک
 ابتداء ظه ورنه بر مقدارد و سته لقمی و معامله محبت ايله مناسبتلری و ارایش حتی
 خواجه افندی ایتد امدرس اولد قدر صوف و عرف ولو ازم مهمه سیچون قاسم اغادن
 بر مقدار لقمه قرض استر اولدخی یوزالتون صره ایدوب یوکند ولره هبه اولسون دیو سلام
 کوند رر خواجه مدرسه تشکرینه عرف و صوف ايله صدر اعظمک دست یوسنه واروب
 دخوله استیدان ایتد که مرحوم مصطفی پاشا مقتضای طبعی اولان قضاظت و غلطت
 اوزن قاشلرین چا توب بومقوله جهمول کسه یه مدرسه و یروب خلقتک اوزرینه تسلیط
 نه بلاد دیوب حضورینه اجازت ویرمدی معمار قاسم انده حاضر ایدی بهی سلطانم یچون
 تهور ایدرسز لیاقت دید کلری پادشاهلرک ووزر انک نظر همتلریدر کسر خاطر معقول
 دکدر پادشاه حضرت تری چراغ ایتش معقولی سز دخی التفات ايله مجبور خاطر ایتکدر
 دیوب چیتقوب خواجه نک قولتو غنه کیروب افندی بیور صاحب دولت حضرت تری نک
 حرجچه استغالی و ارایدی شمدی سزنی استدیله دیوب ایچ و ککو توروب وزیرک النی
 اوید یروب خواه و ناخواه اکرام ایتد یروب خواجه بی مطیب خاطر یوللادی اول اجلدن

خواجه افندی دخی پادشاه معماری قتل مراد ایتد که رجا و تخلیص ایدوب کلیبولی یه
 نفی ايله قور تاروب بعد شفاعت ايله خانه سنه کتورتشیدی و هل جزاء الاحسان
 الا الاحسان مصدر اقمچه طرفدار لغتله قصور ایتدیلر اتفاق بواشاده پادشاه حضرت تری
 معمار جدید مصطفی اغایه فرمان ایدر که اسکدرده معمار قاسم اغایا یی و غی اخور ماتندی
 و آخور یایه رمضان آخر نه تمام اولوب خواجه افندی ایسه دائما قاسم اغا ایچون متر صد
 فرصت ایدی پادشاهم عجب بواخور نقد مصرف کندی معلوم همایون اولسه دید کله
 پادشاه دفتر استدی معمار جدید دفتر و یروب کوردیلر که اون بیک بشیموز غروش یازلش
 پادشاه غضبه کلوب بواخور اولکی آخورک نصفی قدر انجق واربه قدر مال نه یه کندی دیوب
 قاسم اغادن آخور قدیمک دفتر نی طلب ایچون خاصکی کوندردی قاسم اغا ایسه محزون
 گوشه عزلتده اوتوروب عنایت الهی ظه و رینه منتظر ایدی خاصکی کلوب دفتر استد کله
 والله اول آخوری یاید یغمندن بروان سنه دن زیاده مرور ایلدی خاطر مدن کتمشدر اما
 اول عصرده شهرامینی اولان حسین افندی نک روز ناچه سنه واردر اندن یوقلنسون دیو
 جواب ویردی زوز ناچه دن صورت دفتر چیقاروب پادشاهه کتوردیلر اوج بیک الی غروش
 یازلش استقامتی ظهور ایدوب پادشاه دیرکه قاسم طوغری ایش ناحق یه ایزل ایلد کله
 چوق یکمدی مصطفی اغامعمار لقدن عزل و خواجه افندی همتیله قاسم اغا نکرار معمار
 اولمشدر احوال خان باچرا کسه چرکس طائفه سنک بکی اولان حشمتی بیک که بهادر کرای
 خان زمانی ساثر چرکس بکلرند نصیرکله کلوب خانه بولیشوب بهادر کرای عتاب ایتد که چرکس
 بکلری بملله اندلشوب عهد ایتیشلر اید بکه سکا کلیه لر کند ولر اندی یوزوب کلد پلرین اندیمی
 محافظه ایدوب کلدم تا که ایلر جمله کلد پلراند بوزان بن اولدم اکصیرکله بن کلدم دیمشیدی
 برادری اتونق بیک دخی کلوب خلعتلر کیوب کتمشیدی و خان الی مقداری سکبان ايله
 نفتکچیلر اغاسی رمضان اغایی حشمتیه و کذلک تیمور اغایی اتونقه قوشوب کوند رر مشیدی
 و خان کند و اوغلی صغیر خان زاده بی اتونقه و یروب اتابک دیکدی حشمتی بواشدن الم چکوب
 شاید اتابک اولغله چرکس امارتن بالکلیه اتونقه ویره دیولشکر چکوب قرینداشی اتونقی
 باصوب جنگ و تالان ایشیدی اتونقه دخی کلوب بهادر کرای خانه شکایت ایتد که بهادر
 کرای اسلام اغایی برکروه تا تار عسکری ايله حشمتی طونقه کوندردی حشمتی دخی ازاق
 بکی سیاهوش پاشایه قاچوب اولدخی مزبوری خانه ویرمیوب عرض ایتد که مرحوم مصطفی
 پاشا اشار بیلله امر اصدار اولوب حشمتی آستانه سعادت ته کتوردیلوب پادشاهه ال
 اویدریلوب سلطان احمد خان وقتنده کندویه ویریلان منشور امارت چرکس تجدید اولوب
 کوند رر مشیدی اول ائشاده بهادر کرای خان فوت اولوب محمد کرای خان اولد قدر وزیر قید و
 اغا و ساطتیه کار عایت و استیمالت ایتشیدی حالا اسلام کرای خان وارد قدر حشمتی کلوب
 خانه بولشیدی که قرینداشی اتونقه تقدم ایدوب انتقام اله و تا تارخانی قریدن قالد یروب
 کند وولا یئنه کتوروب ضیافت واکرام صد دنه ایکن اتونق چون عاقل ایدی عمل نهانی یه
 مشروغ ایدوب خفیه خانه شی و عدا ایتکین عقلای مملکت دخی طرفنده بولغله خان دخی

دفعاً الخصام حشمی قتل ایدوب چرکس امارتی سراپا تنوخته و یروب ینه انک رایله
 حشمی اولکه سن اوروب وافر چرکس اسیر لری پیدا ایتدی و اتو تقدن بیحد هدایا
 ایدوب ملک چرکس زیر حکمنه صافی اولدی بوشاده قیودان بکر پاشا وفات ایتدی یکی خبری
 کلاری ماه رمضان یکچری کاتبی محمد افندی مغزول ویرینه ارناد و محمد افندی بکچری
 افندی سی اولدی مقداد و سلطان مرادخان ساجد ارقدن حلب الشهبایا ایلته چیقوب
 بعد ایکی دفعه شام شریف و الیسی اولان وزیر احمد پاشا که فاطمه سلطان شوهر یدر حشف
 انه وفات ایلدی استانبول عدادوزرا ده ایلدی بوشاده نکه سنجاغی بکی کورچی پاشا زاده
 بعضی مجنون و خفته بنه عزل اولوب حو اجه افندی رجاسیله طویال بک که نکه بکی
 اولمشیدی برناه مورن سیدی شهرلی حاجی ایواداغلی دیمکله معروف احمد بیگ اوتوزانی
 یوک اچیه محمدالق ایل طویال بیگ اوزرندن نکه سنجاغی الی بوشاده رئیس الکتاب قوجه
 یوسنوی حسن افندی وفات ایلدی خلال شواله معید احمد افندی ایکوزالی اچیه تقاعد
 ایله مرعی اولدی محمدجاسارندن کلان اچی جولبی الوب ولایتنه منصرف اولدی کانون ثانی نکه
 طقوزنجی و ذی القعدة نکه بکر منجی کونی برش زاده وجوده کلوب باوجود برشدید و وفرت
 پرف و جلید شهر ازین باغلنوب عجب دونما اولدی بوشاده دلی حسین پاشا بغداد دن کلوب
 حضور رهمایونه مصاحب شکلنده دخوله مأذون اولوب تاسلطان مراد خان دورندن بی
 پرواسو بلکه معتاد اولغین ینه حضور رهمایونده بی تکلفانه کستاخلغه جرأت ایدوب
 خواص مقربینک هر برینه حسب حاللرینه متعلق حرف اندازلقه قصور ایتیموب خدمه
 و مصاحبینی اجمیدردی حتی برکون ندیم خاص سلطانی عجم میر محمد ایله ملا طغه ایدرکن
 لطیفه طعنه غلیظه به منجر اولوب میر محمد ابدن خارج نیجه درشت کلمات ایتدی یکی
 طمع پادشاهی به خوش کلیوب اسانندن متالم اولان مصاحب جله اتفاق ایدوب حسین
 پاشا دفعی همچون تشییع ساق ایتدی یار بالاخره طمع همایونی دخی تحویل ایتلریله سرحد اسلامه
 برکاردان صاحب وجود و الیدن لایه اولغین حسین پاشایی بدون ایا لته ارسال ایتدی یلو
 وقایع سنه خمس و خستین و الف ابتداء غزوات جزیره کرید و سرداری قیودان
 یوسف پاشا سنه سابقه ده ذکر می مرو ایدن مالت کملری آستانه دن مصره کیدن
 دارالسعاده اغاسی سفینه سنه مستولی اولوب الدقلری سمع همایونه واصل اولد قلعه
 کفاردن اخذ انتقام و تاره همت شهر یاری اولوب آق دکره سفر فرمان ایلدی یلو وروم ایلی
 امراسنه احکام شریفه کوندرلدی که اول بهارده محروسه سلانیکه واروب آلات پیاده کی ایله
 میر میرانلری یا تنه موجود اوله لروا ناطولی ایاالتندن قسطنطونی و صاروخان و حمید و نکه
 و انقره و آیدین منجاقلرینه و ایالت قرمانه قیرشهری و نیکه و اقسرای بکرینه و ایالت
 سیواسدن چورم و اماسیه و یوزاق بکرینه و سائر عسکری به حکم کوندرلدی که جمله سی
 ساقز مقبله سندن چشمه دیمکله معروف اسکله به واروب میر میرانلری مأمورا و امافله
 سردار لری اولان میراخور سابق بالفعل اماسیه بکی احمد پاشایا تنه موجود بولنه لروالی
 ولایت قرمان طوراق پاشا بوجله بی سفینه قویوب کوندون و سابقا حرم همایونده

مغرب پادشاه اولان سلجور یوسف پاشا که طشره چیقوب قیودان ذیشان اولمشیدی
 دو تنهای همایونه سردار و الیسی قرار داده زای پادشاه اولغین قیودانلق منصبه لشکر
 هجرو برسیه سالار لغی دخی ضم و الحاق بیورلدی بوالطاف عطیه دن ماعد اشرف مصاهرت
 ایله سائر ارکان دولتندن سرافراز بیور یارب ایکی یچق پاشا تنه دختر پادشاه جهان
 کندویه نامزد قلنوب عظیم خالار ایشلمکه شروع فرمان اولندی آت مید اننه ناظر
 ابراهیم پاشا سراجی ترمیم و رایکی قصردلار او غرقه بیهمتا ضعی ایله تعمیر اولندی و خالار
 مرور ایلده جنگ یوللرده مضایقه و بررشته نشینلر از الله و توسیع طریق قلنوب لوازم تزویجه
 اهتمام تام ایلدی یلو ورسانه اما ننندن کلیمولی به نفی اولنان حسین افندی که اعیان دولتندن
 ایلدی عید الفطرده قیودان پاشایه نامزد اولان سلطان بلقیس شانه کتخدا نصب اولنوب
 کوکب اقبالی بووسیه ایله آهنگ صعود ایلدی چون یوسف پاشا حاضر ثلری بونوازش عظیم
 و عنایت عیمه مظهر اولوب بویه بر مصالح عطیه ایله مأمورا اولدی همان روزند بیر مهماته مباشرت
 ایدوب قضایه مسلمینه کوزجی اچون اوامرا یله آدمکوندردی وروم ایلی ایا لئی دخی بغداد دن
 مغزول کوچک حسن پاشایه توجیه اولنوب اول هفته سلانیکه ارسال اولندی که روم
 ایلی مسکونی جمع ایدوب بنفشه ساحلنده قیودان پاشایه منتظر اوله بغداد دن کلوب
 زغرچی باشلیقدن یکچری کتخدا سی اولان مراد اغا یکچری اغاسی برینه سفره تعیین
 بیورلدی و مصدونی باشی ابراهیم اغا و خاصکی علی اغا دخی سائر چور باجیلر ایله مأمور
 اولد یلو ووزاردن ساقا قائم مقام اولان بسنوی قوجه موسی پاشا دخی سفر مر قومه
 تعیین بیورلدی که سردار ذیشان رفیق و سمیر اولقله تخییر بلادده حسن تد بیر ایله
 حسن پاشا سلانیکه واروب روم ایلی امراسنی دعوت و جمع ایلدی و بو طرفدن اجرت ایله
 اللیدن متجا و زبا زرکان کملری استیجار اولنوب عساکر مذکور نکه زاد و زوا ده لرینی
 تحمیل و دو تمان اول ارسال قلندی طقسان یان قره مرسل و قلیون و شیفه سلانیکه
 و التمش یان سفینه دخی چشمه به واروب لیمانلره لنگر انداز اولدی یلو و بو کملره مهماتندن
 اون بش بیگ قنطار بازوت واللی بیگ آهین یو ولاق واللی قعظه بد الو شقه طویله قازمه
 و کورک و سائر آلات جیه غانه و لوازم قلعه کیری که بیحساب ایدی تحمیل اولنوب کوندرلدی
 نمونه نمای مقدمه غزا بوشاده امرای بحی حضور سردار باوقار و یوز سورمکه اغاز ایتدی یلو
 انلردن می پاشا اوغلاری رود سدن چیقوب عازم سده سعادت اولوب کلورکن
 آق دکره طار ایدن اسکری اطه سی لیمانه واصل اولد قلعه لیمان مزبور دن اوتوزالتی کافر ایله
 اون بندر مه طوب چکر بر مالت کیمسنه راست کلوب عون الهی ایله بی درد سر اول مقوله
 کفره جنگ آوری مسخر ایدوب ضرب شمشیر ایله ملا عینی در زنجیر و کیلرینی تسخیر
 ایدوب ید کلیموب حضور سردار کتور و بخلعتلر ایله انواع رعایتلرینه مظهر اولدی
 و بوقصه همان فقهه دال و برقال فرخنده مالدردید یلو احوال او حقه های مغرب جزایر
 طایلیونیک رعونت اوزن تسلط و حکومتلری بر قاج زماند رمتد اولوب وارن بکر بکیلمی
 قطعاً برایشه مدخله ایتدی میوب حجر ایدوب بر منزلت مفلسا لیتور لر دی صالح پاشا

مرحومك قريش ابراهيم پاشا پكن سنه جزيره كند كند پادشاه جهان سلطان ابراهيم
 خان حضرت ناري جزاير دن كان طائي قيو دانله عتاب كونه خطاب ايدوب بقره سزيم
 هما كندن قاچه چفت بو زان رعيتم ايكن نجون بويله فرعونك ايدر سزازميو ده فوجه
 قره برون نواحيلى كويلى رندن چفتلى كرى بوزوب ومغربه واروب تجمع ايدوب امريه
 انقياد ايتيوب وارن بكار بكيلى حى جزايرتلك نه ديمكدر شمدى سزه ويرد كيم پاشايه
 دخي بويله ايدر سزكز جمله كرى قيرارم ديو تهديد عظيم ايتشيدى جزايره وارد قلوننه ينه
 كما كان ايله كلكرى وجه اوزن حركت ايدوب ابراهيم پاشايه دخي دن قدرو وجود ويرمد يلى
 والى سابق اويش پاشا زاده وبرى دخي محصل كلام اوج بكار بكي مفلس ومجور جزايره
 مجمع اولوب براغوب كلوب كيمكه ده طاييدن اذن الامزلدى حى مزبور ابراهيم پاشا
 كنداسى حضرت اغاديركه اللى كون طائي ديوانه ملازم اولد مكه رجوعه اذن الام واذن
 صددينه متعلق برسوز اچام بر كره اتورد عيوب قعوده رخصت ويرميو طائي حضور نه
 قيام ايدردم اخر ناپار قلوب بكايتديكى سوء معامله يي كندويه تقريغ ايتديكمه پاشا
 كندالري بوند قيام ايله كلسلردن غزاه موحدن ديه ايندر قيامدن عارمى ايلديكز قانون
 وقا عه مزبور ديدى او محله جزاير تونس وطرابلس او چاقلرينه احكام مطاعه وصدور
 اعظم مکتوبلى كلوب اول بهار ده اق ذكره سفر واردر كيلر بكنز ايله عومما غزايه حاضر
 اولوب روز حضرت دن مقدم كلوب دوتمای همايونه ماحق اوله سز ديد دعوت اولنديلى
 اوجاق خلقى غزايه دعوت اولندي قلر نه جوش و خروش ناري زياده اولوب جان وباش ايله
 اوغور همك يوند خد متعه حاضر وقدم سپهسالان منتظر اولد قلر يني عرض ايدوب
 سفر امريله وارن چاوش ايله مزبور حضرت كند اچيقوب قهر تيلوب آستانه يه كلى بچان
 پاشا رينه مجور اجزايره قالد يلى عزيت كردن عسكرا سلام باسفان دوتما
 سردارا كرم يه سف پاشا ترسانه عامره ده لشكرى كرى كه جزاير قلى ايله مسمى دريو قلوبوب
 هاونه لره وقدر غه لره توزيع وتقسيم ايتديلى كور كچيلر وسا مهمات نكميل اولنوب
 اول بهار بخسته اثارك دخي اوائل ايرشمش ايدى اما حضرت پادشاه دريا دن تدارك
 وامور غزاه كمال اهتمام رينه بناء هر كون ترسانه عامره يه بالذات كند ولت شريف ايتمكه
 سفان دوتما وسا ارات قلعه كبرى احضار رينه كند ول اقام و كيلر وعسكرا مورينه اهتمام تام
 بيورلدى ماه صفر ك يكرمى ليكني چهارشنبه كوني وقت عصر ده سفره مأمور اولان اوجاق
 اغا رينه وچور باجيله خلعت سفر كيد يريابوب همان عزيت فرمان ايتديلى قيودان يوسف
 پاشا دخي ماه ربيع الاولك دور دنجي روزيكشنبه ده كه ماه ارم شنتك يكرمى برى ايدى عظيم
 دوتماوشنكلى ايله مالتة سفرى ناميله عزم غزاليدوب جانب حى سفيد بادبانكشاي متوجه
 اولدى دوتما ايله ساقز جزيره سنه وارد قلر نه سلايك ليمانده اولان كيلر اچون ردوس
 بكي ابراهيم بيك كه قره خواجه ديكله معروف در سكر مكل قدر غه ايله كوند ريابوب قزلحصار
 ليمانده جمع اولدى نيمه بيورلدى وسا قره داخل اولد قلر اناطولى سر عسكرى احمد پاشا
 سيواس وقرمان واناطولى بكارى ايله دامنبوسه كلوب مظهر التفات اولدى ربيع الاولك

يكرمى بشي كوني اناطولى عسكرى كيلر كيروب قرق يان شيقه ايله ساقز ليمانده وضع
 لشكر اولدى ربيع الاولك كون استراحتد نصكره كوچيلوب قزل حصار ليمانده كلد يلى رول
 عظيم قورتنه ظهور ايدوب كيلر پرا كند وپريشان اولشيدى مدلل بيكي ولي بك كزوب
 جمله سنى ترمش نام محله كله سزديو جمع ايلدى اوج كوند قرق طقوز سفينه جمله كلد يلى
 روم ايلي سپهسالارى حسن پاشا دخي اياتى عسكرا يله ربيع الاولك يكرمى دور دنه صالوب
 سردار قزل حصار ليمانده انجق دورت كون او تروب مون دن ترمش نام حصار ليمانده كير مشلو
 ايدى سواحل ابدار وحر اسى لطافتله مشهور دارود يارد ريو طرفدن روم ايلي عسكرى
 قزل حصارى كجوب غره ربيع الاخر ده ترمش سواحلنه كلوب طقسان سكر يان سفينه
 ايله وبوقدر جبه خانه ومهمات ايله دوتمای همايونه ملاقى اولدى بليارتسى اوراق فرمان
 اولنوب على الصبح يوسف پاشا با شتر ده دن چيقوب اوناقله جمله امراء كرام وسالاران
 لشكر اسلام ميرميران حسن يا شالايله كلوب دامنبوس سردارايله مشرف اولوب
 تشرىفات شاهانه ايله سراقراز اولدى سردار كامكار هر برنى تطيب وغزاه جهاده ترغيب
 ايلدى قرون سكاندن قره بتاق بيك فرقه سنبه نوب بر كريد فرقه سنى اقنارمه ايدوب
 قيودان پاشايه ككتور دكل خلعت ايله رعايت اولدى ايچنده بولنان اون ايكي
 كافر كور كه قود يلى ارتسى كوچيلوب بنفشه سواحل مقابله سنه كلكلر نه بامر الله بر عظيم
 روز كاريد اولدى كچه موافق ايدى لکن شدتدن دوتما ليمانده كير ديلر و بعضى شيقه
 وپورتلى مانیه بورنه طوغرى چكدي درياده بولنان بعض امر اليمانه كير مك ممكن
 اوليوب چوقه اطاسنه دوشدى سردار دن دو را ولد قلر ينه ناسفده ايكن مكرونى يك
 طرفين كريد امدادينه بر صبارفتار ايجي باروت ودانه وقور شون وخپو وتفنك وقليل ايله
 مالا مال كى ارسال ايتش لطف كرد كار ايله مزبور بكار اوز رينه دوشوب بي زحمت جنگ
 اخذ وقبض ايدوب حقا وخصوص دخي برفال مبارك اولدى ايچندن خيلي كافر چيقوب
 كور كه قود يلى روم اشاعرا هله مرحوم قيودان بكر پاشانك اوغلنه ايات تونس وريابوب
 اجاز تله پاى تحت مغرب زمينه عزيت ايلدى ربيع الاخر ك ايكني كوني يوم جمعه ايدى
 ديد به شاهانه ايله وارينه واريابوب يدى قطعه قليون اندا حاضر بولندى اهل سفره
 مالتة سفرى تداركن ايلك ديو فرمان اولندى وعسكرا سلام خيام ايله محرايه چيقوب
 سفان دوتما يي بغلغه بشلر باروانه ايكن طرابلس وتونس پاشاسى عبدالرحمن پاشا
 وسكر يان چكدر قدر غه لرى عظيم آلاى ايله كلوب دوتما يه ملاقات ايتديلى امراء مغرب
 وسفينه قيودانلى و اوجاق ضابطلى سراسر ديبا خلعتلر ايله سربلند اولند يلى
 عزيت عسكرا سلام بجانب كريدان اوج كون اولقامه مراد اوزن مهمات كور يابوب
 ربيع الاخر ك يكرمى بشي كوني چهارشنبه ايدى او اربن ليماندن چيقوب هر كس
 انكينه صانور قياستنه ايكن امر اى دريا وقيد دانلر دعوت اولنوب كريد سفر ينه مأمور
 اولد قلر ينه خط شريفى ابراز ومضمونى اعلام وكشف راز ايدوب جزيره كريد فق
 نيمه جانیه بورنه طوغرى كند يلى اتفاقات حسنه دندر كه بعنايه الله برايم لطيف

ویر روزگار موافق و شریف اولد بکه سقاین دو نیا اصلا بری بزندن متباعد اولوب معیت
ایله شوکت و مهابت کو ستره رک اولکون کیدوب کچه چوقه اطه سی قرینه لنگر انداز اولدی یاز
ایرتمی ینه یور ییوب ایکندی زما فی کرید قرینه سکلیه نام خرابه اطه به وارلد قله کوزجی
کافر لدخان ایله دو نیا کلد بکنی کرید اعلام ایلد بلورخی ایرتسی روز جمعه ایدی اخشام زما فی
کرید ک طاعلری سچیلوب گیلورده قانوسلر یاندی روز کار قوی اولغله فی الحال عسکر اسلام
سواحل کرید لنگر انداز اولدی یلر همان اولساعت مرقوم قره بتاق دید کلری فرقه ربشی
تیدیل شکل ایله سکلیه اطه سنه واروب کوزجی کافر لک ایکیسی جنک ایتمکله مقتول اولوب
فوردی زنده اخذ اولنوب دیل کتوردی اولکون عسکر اسلام سردار صاحب احترامله کان
دو کیلوب قری ویوت کفاری فی الحال تار مارا یلد بلور قاج کافر ک سری بیشکاه سردان
قلطان اولدی جمعه ایرتسی سحری کرید ک قلیچ بورنی طولانیلوب کرید ایله تودوری اراسنده
فیماں مثال بر موضعه لنگر انداز اولوب طشره چیقلندی کفار باش کو ستر میوب روم ایلی بکفر
بکیسی حسن یاشاروم ایلی عسکر یله ویکچری کتخداسی مراد اغا و صمصونی باشی ابراهیم اغا
بیکچرینک اوکنه دوشوب کیلردن مهمات اخراج اولد قد نصکر حانیه حصاری محاصره سی
فرمان اولغین اخشام وقتی حصار مزبور جانبته توجه اولندی اولکجه کیدیلوب نصف
اللیل صبح اولنجه بر نهر خوشکوار کفارنده ارام ایلد یلر اول اثناده دشمن ایرشدی دیو
بر آوازه ظهور ایدوب اصلی یوقدر دیناچه خیل تفنک اتلدی ایرتسی بین الصلانتین حانیه
قلعه سی مقابله سنه اولان جسر سنکین قرینه دیله زده نزول اولغله بو طرفه کفار فارغ
البال باغ ویاچه لنده اثواب کر انبیا ایله مزین و مجنشم ذوق و صفارنده ایکن عسکر منصور
اول مقهور لک سر وقتنی باصوب غنایم بیشمار ایله مغتنم اولوب وافر مال و اسیر لدر لکن
سردار ک حسن تدبیرندن بری پوا ولد یکه کرتار غازیان اولان رعایا و اهل قریه نک اطفال
ونسوانی کتوردی کتورن غازیله انعام و احسان ایدوب کرتار لری ازاد ایدوب احراق
همالک و قطع اشجار و قتل اسیردن عسکری منع ایلدی انلر که عاقبت کار ملا خطه سنه
قاصر لیدی سردار کامکار ک بورانی پسندایتمز لدی زیر اقلعه نک متانتن و عسکر ک قتلتن
کوروب اصلا فتن خاطره کتور مزلدی همان قتل و غارت و احراق خسارت ایدوب مغتنم
کیه لم دیر لیدی اما جناب سرداردن بو مرحمتی استماع ایدن اعالی مملکت هر طرفدن
اوردویه کلوب ذخیره ایله خدمت ایلدی یلر عسکر اسلامه مائل و جزیره انلر ک اولغله قائل
اولدی یلر فتح ایا تودوری کرید جزیره سنه قریب اوج دورت میل مدور بر جزیره صغیره کدایکی
طرفنده یالک قبه او زنده بنا اولمش ارالری بر میل ایکی حصار متین کد ایا تودوری قلعه لری
هیکله معرو قدر همالک حانیه نک نکبها نلری شکند و اقعدر دیوارینک عرضی الی
قراع و ارتفاعی اون ایکی ذراع هر بری خسروانه بالینر طوبلر وجبه خانه و ذخایر ایله
مالا مال ایدی اول ایکی قلعه ک بری بالاتر محفظ بیرون و بری زیر ترکه خارس
دریای اندرون در دورت سا عتده قبضه تسخیر کلدی چون دو نیا همایون لیما نه
واصل اولد و غن کفار کسار مشاهد ایلدی بونلر محاصره ایله جکیرین بیلوب

قلعه زیر متانته اعتماد لری اولغله جمله سی اشانق قلعه به اینوب جمع اولد یلر و لشکر اسلام ک
قد و منه منتظر طور دیلر بو طرفه سردار کامکار کچه عسکری حانیه جانبته ارسال نصکره
امامیه میرو لوسی احمد پاشا و تر حاله بکی احمد بک و سرد نکچدی اغالری و بیکچری و تونس
و طرابلس عسکرندن برر مقدار عسکر کیلردن چقار یایوب صندلر و یلاشکر مه لریله
ساحل جبل جزیره مزبوریه ارسال اولندی لشکر مرقوم کیخه ایله حصار میانشه و ارد قلعه
حصار بالایی کوردیلر که قیولری اچلش فی الحال بی جنک وجدال کیروب قبض ایلد یلر علی الصبح
کد روز شنبه و ربیع الاخر ک یکرمی سکری ایدی غازیله اشانق قلعه بی دخی محاصره ایدوب
ایکی طرفدن طوب و تفنک جنکن ایلد یلر سردار دخی جمله دو نیا کیلر یله عزم رزم ایدوب
یاشترده دن قلعه به طوبلر اتدی سائر امر ادخی اقتد ایدوب قدرغه لردن و ماوه لردن اولقدر
طوب اور دیلر که صداسی آسمانه پیوسته اولدی همان اول ساعت قدرغه لردن ایکی طوب
اخراج اولنوب قلعه به حواله ایلد ک لرنه غازیله غیرته کلوب برا و غوردن حصان هجوم ایدوب
اعلام نصرت انجام نصب اید ک لرنی کفار کورد کد خلاصدن مایس اولوب بری دینی و حیلله کار
پیشگاه کنکره حصان کلوب بد نامبار کنه بریاض مقرمه الوب کلک قلعه سز کدر الک
دید کد غازیله هجوم ایدوب اول محله از دحام ایله وارد قارنده سائر ارباب ضلال اچی و فر ایدوب
انجق بر کافر قالدی مکر مقدما قیوبانده بو محل اچون آماده ایلد کلری باروت لعمنه آتش
ویر مشلر بر زمیندن الوب اوسندند و یاتند بولنا نلر ک کئی افلاک پر تاب و کینی مثال کباب بریان
ایلدی غازیان کرام و کفار لثامدن خیل اجسام طعمه آتش اولدی دیوار حصار بریر رخنه دار
اولد قله غازیان ظفر قرین هجوم دلیرانه ایله قلعه بی فتح ایدوب اچند بولنان کفار یکسر
طعمه تیغ آبدار اولوب کله لری حضو و سرداره کلد کد انعام فراوان ایله نادر لری شادمان
ایلدی بعد دو نیا همایون صفای خاطر ایله کلوب لیما راحت رسان ایا تودور بده آسوده
اولدی یلر آغاز محاصره خایه چون یو فتح میسر اولدی سردار کرم ماه مزبور ساختند که یوم
احد ایدی کیدن چیقوب حانیه قرشو سنه قور بلان بارگاهه نزول ایلدی سائر امر او حکام
دخی کونا کون خیام ایله صحر اودشتی تزیین ایلد یلر و فرمان صدو رایلدی که طوبلر و ضر بز نلر
وجبه خانه و سائر مهمات سفایندن اخراج اولغله پس جمله لوازم و مهمات اخراج و لشکر
مهیا اولد قله ماه جمادی الاولینک اوجخی کونی اخشام وقتند عسکر منصور قلعه حانیه به
حواله اولان کلیسای قسطنطین دیه سنه مترس قور رمغه آغاز ایلدی اولانل مرقومده
روم ایلی بکیر بکیسی حسن پاشا و صانع قول وصول قول آلا ی بکری و آلاجه حصار او اونیه
وایلبصان بکری یدی قطعه بالینر طوب ایله آماده اولوب پیشگاه طوبخانه ده بیکچری
کتخداسی مراد اغا بیکچری عسکری ایله مترسه کیدی بعد بین امیرالامرا ده امرای تر حاله
و کوسندیل واسکندریه به دورت طوب و یریوب او ک لرنه خاصکی علی اغا بعضی بیکچر یلر ایله
صیبه سوردی و یسارنده کلب دریادر یانه واسکوب و سلا نیک و اوخری و وچلرین بک لرنه
آلتی طوب و یریوب صمصونی باشی ابراهیم اغا نفر یله مترس قوردی و میرلوی دو قه کینی
علی بیک سپاهی لریله و سرد نکچدی اغالری و تونس دلار لری سوده بو عازنده

محافظه به تعیین اولند یکماده کن کفاری حصاره دخولن منع اید لروجناب سردار
سر لشکر اولوب کندی توابعی ایله اولاطاش کوپریده عسکر طرفنه و تانیاد و نیا کیلری
طرفنه نکم بانر قودیلر وصف قلعه حایه قلعه مزبور بناسند عقل عقلا قاصر ر حصار درکه
روی زمین مانندی یوقدر و مالک محروسه ده بو طرز اوزن قلعه کورلما مشدر ابر اووندیک
دور تیوز سنه دن بروبو حصارک عمارت و بنیانه و سائر حجه خانه و مهماتنه بدل مقدور ایلیوب
کمال مرتبه استحکام و متانت و بر مشر ایدی کر چه ارتفاع و وسعت و متانت ممالک محروسه
قلای چوقدر لکن بو حصار معتبرک طریقی غیر مکر در اولاد بر دوزیده غلطه قدر طولانی واقع
اولوبیدی برج رفیعی که هر بری وسعت و ارتفاع بر حصار بکنز و هر بری دیگر میشربالینز
طوب قونوب یک نفر جنه اری آدم آلودیوارینک عرضی بش اتلو و هر کاب رفتار اید جنک
قدر در و پس دیواره اولان طول طیر اقد خود دیگری اتلو و مراد اوزن یوردیوار مرقومک
کنکره والا سندن یوقر و اون ذراع قدر طویر اقی مرتفعدر که اهل حربک جای رزمی اند اولق
اوزن نه طوب کار ایدرونه غیر شئی ثا ثیر ایدرونه بناسی محکم مرتب سنک تراشیده دن
دیوار لوط و قوز عد طایفه لکه سائر و روجدن یوجه آسمانه عروج ایلشدن راون بشر بالینز و صایحه
طویر ایله شهری محافظه ایدر و بعد ایکی گوشه لرنه ایکی خاکی طاع چبقار لشدن که جمعا
بر و ج و تاییه لره و برو و ج و ناظر لرد و هر بری دیگر میشربالینز و طوب کرا نیه و وضع
اولشدن که جوانب اربعه یی محافظه ایدر و بو که سارک التي یکسیر محفوف و قبه اندر قبه در که
طوب دانه لری وجبه خانه همچون مخزن لردر اما جانب جریسی دیوار عظیم البنیان ایله
چکله ش بر لیان لطیفدر که قبوسندن انجق قدر غه کیر و ب وینه قبوسنده دریا به ناظر
عظیم طویر قونشدن و کار کیر قبه او قرشون اور تیلو بکرمی اوج خانه ترسانه سی که
روی زمین به دخی نظیری یوقدر هر برینه نجه خزیننه صرف اولشدن خصوص صایوت
و سربار که شهر ایچنده در صافی مر مردن کسلس شتادی بنالرو خسروان کا شانه لره
قصر خورنق یا نلرنه بر شئی دکلدر مصلح چشمه لرو اسواق و دکانین که کوزلر کور مشدر
خلقی احباب اموال و اهلی جمال اولغله معروف لدر فخری میسر اولد قده قبضه تصرفه
کن جبه خانه لری حد دن بیرون ایدی یا لکنز اوجیوز طقسان بش پان طوب کرانیه
دفتر اولندی و بیرون حصار خندق عمقی اونیش فرسخ و عرضی تیش ایکی زراع معماریدر
وا کثر لب خندق سنک تراشیده در نقل اولنور که پس دیوار حصارده اولان طیراخی هر سال
خانیه نک ییوک بازارینه کن مردوزن او چر تریه خاک خندق دن پس دیوار نقل ایله بغلق
سکسان ییلدن مجاوز بریایس مرتاضک و صینی ایله اولوب نجه ییوک نصاری هر سبه
بازاره جمع اولد قده مزبورک طوق لعنت و صیتن در کردن ایدوب اول او چر تریه طیراخی
جگر لرایش توار یخدن خبر دار اولان بعضی رؤسای کفار دن نقل اولنور که حایه
بو وجهه بنا اولنله لی سکسان سنه اولوب اول همان حصار اندرون و ایدیکه ییوک
قلعه بناسندن صکره قیولری قالدیر یایوب برو ج و قله لری برر کسنه یه مسکن
قلندی یوندن اقدم شهری تاییه لرو طویر اقی و خندق محافظه ایدردی حتی

اسپانیه عسکری کلوب اول عال اوزن محاصره ایلیوب المغه قادر اولما دیار صکره امر اووندیک
بدل مقدور ایدوب بو حصار رفیعی چور دیار و بو شهرک عجراسی لطیف آبی خوشکوار
خاکی منبت و کم ساری پرا نهار باغ و با نجه لری بی نه یاه و اشجاری پرا نهار یایلاقلری دورت
ساعتک ییلدر که ایلولک اولنله دک برف سفید ایله مستور درخا کنده صنوبر و کستانه و ترنج
ولیمون بتر عجیبدر که صنوبر و کستانه ییلاق پر لره مخصوص اشجار دندر ترنج ولیمون ایسه
اکثر سوا حله اولور کن یونک با نجه لرنه جمع اولشدن سر و ستان و کستانتان دخی زیر باغ
و با نجه لرنی مزین قلمشدر رزم حصار ماء مرقومک دور دخی کونی که روز سه شنبه و حزیرنک
اون یدسی ایدی علی الصباح طویر ایله قلعه دو کله که با شلیوب کفار خا کساردخی پای
ثبات و وقاری محکم با صوب جنک و محاصره ده اصلا قصور ایتدیار محاصره نک ایکنجی
کونی سردار طویر نجه یه کلوب غزائی جنکه تحریص ایدر کن کافر بدکار بر طوب صاعقه
پان آتش و یروب وزیر طویر دیغی بره کلدی روم ایلی سپاهیلر دن بش آدمی شهید ایدوب
وزرا وارکن حرز الهی مضمون و محفوظ اولدیار اما حوم و دماء شهد الباس سردار عالی
مقداری آلوده ایلدی طوب مزبور دانه سی اولقدر ضرب شدید ایله کلدی که اوج
عظیم طویر اقی طلوسیتدن کلوب کندی محل مرقوم قلعه یه بر مقدور بعد اولغله محاصره نک
اوچنجی کونی جمعه کجه سنه متر سار کیشلوب اناطولی عسکری دخی سردار لری اولان
احمد پاشا ایله ایکی طوب کتور و روب روم ایلی متر سارینه مالحق اولدی و قرمان عسکری
ایکی طوب ایله مضمونجی قولنه تعیین ییورلدی و بوزاق بکی دخی سنجای عسکری ایله
قبه لو کلیساده قراوله امر اولندی علی الصباح محل مزبور دن قلعه یی سنکسار ایتدیار
کر چه حصار و شهر به و محلدن خیل خسارت اولندی اما کفار طویر لرنک آتش شران پاشی
خیلی غزائی پروانه مثال سو خته ایلدی حسن پاشا و سائر امر اطاویرک پیشگاهنده خیام
قور و ب سینه لرسوز دیار مراد اغا دخی مثر یسنی ایلر و سور و ب اقد ام ایلدی سردار کامکار
دخی کفارک طویر لرنه و تفنگلرنه با قیوب اور دوی همایونی قالدیر و ب مقابله حصارده
مقد ماطویر نجه اولان نل رفیعده قور دوردی سپاه و لشکر ظفر پناه جمله متر سارده ثابت
قدم اولوب جنکه اتمام تام ایلدی رزم کفار در که سار و غلبه عسکر اعدا شکار کفار لئام غازیان
ظفر انجمک همچون کور و ب در دخی در مانلرنه چان جوی اولوب ممالک کریده اولان بعضی
سوار و پیاده کفار نامه لر کوندر و ب حصار دن آغاز جنکه تحریک ایتدیار اوله که عسکر انلره
مشغول ایکن محصور لره بر مقدار راحت کله لاجرم اهالی کرید و سوده لیاننده یتان اونییدی
پان قدر غه و اون و دورت قلیونک لشکری جمع اولوب زملر نجه هجوم ایتکله عسکری
حصار دن قالد رمتی تدبیرین کون دیار بو طریقه دو قه کین بکی علی بک و سرد نکچدی عسکری
اوزرینه کلوب عرض شوکت ایلد کزنه بیکدن زیاده پیاده و سوار کفار آلات حرب وجبه
وجود شله ماسند دیوار استوار ایکن اوچیموز قدر غازی بی پروا و نلره قویوب رزم بیشمار دن صکره
عنایت باری ایله غالب کلوب کره مکر و مغلوب و مقهور اولدیار ایت غریمت اثر لیله او توو
قدر باش حضور سردار عرض و اعلام اولند قده عنایت علیه لری مقارن حال غازیان اولدی

خروج کفار از حصار محاصره ننگ بشی کوفی مراد اغا اقدامیله متر سواران و کیدوب پیشگاه
حصار وار مغله کافر دیکرا و اوب لاجرم قرق قدر فدایی فاجر او غریب قبولدن چیقوب
متر سارده راه نهانکه او غریب یولندن عبارتدز استلین بلد ارلری غافل باصوب اوززلنده
معتقد اولان قره چاوشی شهید ایتدیله اوج دورت گسننه دخی شهید اولوب عسکر
ایرشد که حصان فرار ایتدیله التخی کوفی یوزدن زیاده کافرینه متر سارده چیقوب هجوم
ایتد کزنه مراد اغا ونجه بهادر حاضر بولنوب اول کافر لری تفنکه طووب دوندر دیلر ووم ایلی
وسایر عسکر تیغ خونریز ایل ایریشوب اکثرین قتل ایدوب باشرینی سردان کتوردیلر
قوز تیلان ملاعین مجروح و مقهور خندقه دوکل دیلر اول روز کافر سوزده کفار خاکسار عسکر
اسلامک دست بردر ستمانه سن مشاهد ایدوب بردخی حصاردن چقمغه جرأت ایدمدیلر
یو محله طرابلوسدن اوج سفینه و بر قاج شیفه کلوب مصر عسکرندن دخی خیل دلاوران
باروت فراوان ایل کلوب دونمای هما یونه ملاقات ایتدیله و مصر عسکری دخی سوده
لیانی بوغازنه یوصوده طوروب قراول بکلمک فرمان اولندی ووزمنز یورده دزون حصارده
حالاسردار کامکار جامع ایلدیکی کیساده که صان فرانجسقه و دیمکه معروفه معبد قدیمدر
پاکلی ککه اعجوبه دهر ایدی جمله اینیه حایه ننگ سزافرازی بریلند میل اولوب ذروه
اعلا سنده برضلیب آهنین واریدیکه بر قاج فرسخ یردن کوزینوردی طوب ایلله اوریلوب
حاکله یکسان قلندی آمدن کفار بامداد حصار و غلبه اسلام میان چون بودیاری فتنی مراد
پرورد کار اولمشیدی لاجرم هر امورده تدبیر اهل اسلام با جمله موافق تقدیر اولوب کار کفار
صورت ادیان یوز طووتی امیرالامراء کبرید که انرا اصطلاحند جنرال دیرلدار الملک کبرید اولان
قندی ده او تر و تپانیه ننگ محاصره اولندی یعنی تحقیق ایتد که کتختد استی بشیوز تفنک انداز
قدانی کافر لری ایلله سوده لیمانه کویدر و باندن دخی دور تیوز قدر گسننه الوب جمله سی
محاصره ننگ طقوزنجی چهارشنبه کوفی محصورینه استمالت نامه لری ایلله کلوب قلعه قرشو سنده
ایرشد که قراول تعیین اولنان سرد نکچدیله دو قه کی و توئس و مصر عسکرینه که
با جمله بشیوز قدر بهادر اولوردی صبح کاذیب وقتند راست کلوب کفار کثر تمدن اصلا
پروا ایلوب تفنک و تبر و خند ننگ و شمشیر ایلله محکم جنگ ایدوب بر ساعتده کروه مکروه
پوزیلوب پریشان اولدیله اثناء جنگده سردن یکدی اغاسی یحیالی زاده ارناود حسن اغا
شهید اولوب کتخدای جنرال الیدن زیاده کافر ایلله قلیچدن یکوب باشر و یرادیلر
و طبللری ایلله علی الصباح حضور سردان عرض ایلد کزنه جمله سنده عنایتلر ایدوب علی
یکه و سردن یکدی اغارینه فاخر خلعتلر کید و یوب شهید اولان حسن اغا ننگ یرینی حسن
باشا اغا لیدن یوسف اغایه و یردی بعون الله تعالی بونجه کافر و اصل دارالبوار اولوب سائری
دخی ثلال و جباله فرار ایلوب بریسی قلعه به کبرمکه محال اولدی انجق عسکر اسلامدن
دور کسه شهید اولدی محاصره ننگ او بنی پنجشنبه کوفی فرمان سردار ایلله مراد اغا
قولندن قلعه حصار کوشه سنده یکچیری تاییه دوزوب سینه سورمکه آغاز ایلدی
ایرتسی جمعه کوفی حسن پاشا ووم ایل عسکر ایلله یکچیری تاییه سندن عینده حصان سینه

سورمکه آغاز ایدوب بعنایه الله تعالی امان سنجاخی دیگلدیکی محله طوغریکه قلعه ننگ
انتهاسی ایدی بیرمکه مباشرت اولندی طرفیندن طوب و تفنک صداسی آسمانه ایرشدی
کفار زیر زمیندن کندولره برچاق قصد ایدوب جانب عسکره لغم سوردی اما سالاران
کاردان ملاعینک حیل و تدبیرین بلکله غافل اولوب انلور دخی استمد بلد ارلر و یرار لغمنلر
تعیین ایلدیلر روز پنجشنبه که جمادی الاولینک اون طقوزنجی و محاصره ننگ اون یدنجی کوفی
ایلی روی در یادن جزایر عسکر ایلله ملو یکرمی پان فاک یکرم نمایان اولد قده عسکر فیروز اترده
بهجت سرور ظهور ایلدی همان ساعت سفاین دونما یولری استقبال ایدوب هزارا کرامله
یولری لیمانه کتود کزنه مترس و سفایندن بروجه طوب و تفنک شتلیکی اولدیکه صحرای
ودریانی رود کبود قیلادی رؤسای لشکر جزایرنا کپای آصف شوکتیه یوز سوروب نواز ش
خسروانه و تشریفات شاهانه ایلله جمله سی مشرف اولدیله و در عقب کفار خاکسار
دخی کانه اسلامیانک شتلیکنه اقتدا و جلالت اظهار ایدوب جمله طویله بر فیلندن
آتش و یرمکه عظیم شتلیکلر ایدی اول عسکر جدید سوده لیمانه محافظه به تعیین اولنوب
حسب الامر مان جزایر لشکری آلات شوکت نمایان اعدا و کندن یکوب محل مرقومه خیام
نصب ایلدیله و طرف مراد اوزن مسدود اولوب کافر حصان دخولدن مأیوس اولدی
بعده سردار تاییه سورمه سنده اقدام ایدوب اهل دونمای امرایه طوب ایلله طوب سوزمکه
مأمور قلعه تراب جمال مثال خندقه و اردقه عین و یسار نه قلعه مثال ایکی تاییه دوزیلوب
یکچیری و سکبان و روم ایل تفنک انداز لریله مالال مال قلنوب کتکره حصان چیقان کافر لری
مقهور قلدی کفار دن دخی قلعه دن تاییه به کلجه بر راه اوروب اوزرینی تحتلر ایلله اورتدیله که
تاییه التنه لغم استلر لری جانیدن لعمجیل کفاری قرشولغه استمد تقابلر تعیین
اولنوب اردلر نجه محافظه به بهادر لری کوزندلری و تاییه لری و طویرق اوزرینه میرلوا استمد
علی بیگ و چور باجی علی اغا و سردار اغا لردن بر کار دیدر مقدم قونوب اهتمام کلی ایلله
بدل مقدور ایدر لردی کیجه ایچیند لعمجیلان کفار و اهل اسلام زیر زمینده بری برینه راست
کلوب حربه و خنجر و تیغ و تفنک ایلله عظیم ضرر بلر اوروب بعنایه الله تعالی سنده مؤمنلر غالب
و کفار مغلوب و خائب اولدی آلات لغمارین قبض و کید و مکرلرین ابطال ایلدیلر محاصره ننگ
اون سکرنجی جمعه کوفی سردار اکر م معتادی اوزن متر سارده کلوب و زرا و سائری غزاتی نوازش
واکرام ایلله سزافرازی ایتد کزنه عسکرینه کور هر قوه کیسه کیسه بخشش لری ارسال
ایلدی مقدم مال و لویه سنجاخی عسکری سوده طرفند محافظه به قونوب عسکر جزایر وارده غله
اول طرف قوت یولوب لواء مزبور بکی حرم خاصدن چقمش مصطفی بیگ عسکر ایلله قراولدن
چیقوب خاصکی علی اغا قولنه تعیین یورلدی و سابقا و خری بکی احمد بیگ که بریر جنگ
آورد دیدر دورت طوب ایلله سوده جاننده اولان قیو طرفندن محاصره به امر اولندی و برزین
بکی بیگ عسکر ایلله و اسکندریه آلا ی بکاری و سپاهیلر ایلله و صاروخان و قسطنطون و آفسرای
عسکرین طوب بلر خند متد و متر سار محافظه سنده فرمان ایدوب پیشگاه طوب و نمایه
ایکیوز تفنک انداز یکچیری ارسال یورلدی آمدن کفار برای امداد حصار و انهم و فرار

۷۰ محاصره ننگ یکره برنجی سبت کونیکه ماه مزبور یکره اوچی ایدی کون غیبیدن
برفتح و نصرت اثری ظهور ایلدی تفصیلی بودرکه محصور اولنار کوردیلر که شوکت
عسکر اسلام روز بروز زیاد اولقده ردینه ناچار جنرال طرفه امداد ایچون آدم
کوندروب اولدخی بشیوزار فدایی پیاده لری قندیه دن سودیه ارسال ایلدی
عسکر مرقوم کلوب محصور اولان ملا عینه خبر کوندر مشار ایدی اناردخی جنگه
آماده طوروب نصف الیل اول کلان خناز رفتیلاری ینار قراول عسکرینه صتاشوب
لشکر مظفر اثر اول گروه مکره نبتنه نعره بلند ایلد عالمه ولوله و یروب آتش فشان
اولد قلندر لشکر کفار پایمال و منهزم و منکسر الحال اولوب روم ایلی ارلری و مغرب
دلاورلری و سردن یکدی بهادرلری پیش و پس لرین باغلیوب بر قهرمانی سیف چکدیلر که
اکثرینک کله سی خاله غلطان اولوب یجه لری اسیر و بقیه السیوف اولنلری هول جان ایلد
دریا به دوشوب سناور لکله حصان جان آتدیلر اما بهادر لرنلری دخی تعقیب ایدوب
خندنک و تفنگ ایلد کیمی غرق و کیمی اخذ و درزنجیر ایتدیلر مالهونلردن قتی از کسنه
قورتلدی صباح غازیلر هنوز کفار خاکسارک خاشاک وجود لرین تیغ آتشتاب ایلد
نابود ایتیمکه مشغول لر ایکن حصارک آهن پوش سواریلری دخی قلعه قیوسی اوکنده صف
باغلیشار ایدی و طویلر که کجه دن قلعه یه ائلق ایچون آماده ایدی صفوف مخصوصه یه
دوندرباوب آتش ایتد کارنده یجه سوار و پیاده یی ریزه ریزه ایدوب آنلر دخی چاه جهنمه
صایر یولداش لرینه مالحق اولدیلر کون طوغد قلعه غازیان نصرت یار حضور سردان
کلوب یوز سوردیلر احسان و خلعتلر و انواع رعایت و استمالت لر ایلد خاطر لری تطیب قلندی
باش و دبل و طبل و رأس کتورنلر و تیمار و ترفیلر و یرلدی اولکون پیشگاه سردان اوج
طبل وایکی دیراق و یوزاون زنده کافر وایکیوز کله کلوب عرض اولندی ایکیمه زدن زیاده یار
کافر دخی مغرب عسکر نده کرفار قالدی زیر انلر اخذ ایتد کفری اسیرلری سردان کتور میوب
کیملرینه وضع ایدر لردی جنگ تاییه کفار بوندن اقدام عسکر اسلام مالتیه عزم
ایلدن جکدر صداسی ولوله انداز مالک کفار اولد قلعه بونلر مالتیه دیو غزم ایدر امامار دلری
کرید اولق احتمالی وارد دیو و نیک کفاری بسیماردان و دائم فکر و نظردن تدقیق و امعان
ایلد یورر بر قوم باریک خیال اولد قلرینه بناء احتراز ایدوب و ندیکدن بر استادار سال
ایتدیلر حایه یه کلد کله رعایا و اهل شهری پا و کورک ایلد جمع ایدوب باب حصار مقابله سنده
خندقدن طشره بر طوپراق تاییه ترتیب ایدوب برقات تراب و برقات حیم قودیکه
حیم دید کفری اوتاق کوکندن عبارتدر هر کون کافر اول طاووس چیقوب طوپراق سورن
عسکره یانندن اورردی و زیاده ضرر ایدردی سردار اکرم غزالی بونک فخته ترغیب ایلدی
هر کس فرصت کوزه دزدی روز مرقومه بنی الصلا بن غازیان عطا مکه حارس تاییه
اولان کفار لئامه کوز دکشملر ایدی سردار اکرم و امیر الامرا مراد اغا ننگ فرمانی یوغیمکن
یکچیری سردن یکدی یلردن بر قاج بهادر تاییه یه یوریش ایتدیلر مکر محافظه سنده اولان
کفار زهر مار تئاولنه حصان کتشلر انجق بر ملعون اله کپروب قتل اولندی اما حصار

۷۱ بروجند اولان ملعونلر عسکری تفنگه نشانه ایدوب صدای جنگ مسموع غازیان
اولد قلعه اولوبینه عسکر بیکه اول طرفه ایدی و سردن یکجی بیر اقلر بیکه انا طولی قولنده
ایدی تاییه یه یور یسوب یکچیری لرنک اتوانین و چادرلرین غارت ایتدیلر اما تاییه زیر
حصارده اولوب بر حصن ایدو جنگ یروا مامقله رایات منصوره کیر و چکیلوب خیل بهادر
شهید و یجه سی مجروح اولدی جمله دن سابقا حصن کیف بکی از ناودیه قوب بیک
دوشوب اولوبینه آلا ی بکی مجروح اولدی مکسورا کیر و دوندیلر یو خصوص سردان
و عسکره خیل الم و یردی بیت چنینه سمت رسم سرای دو در زدن بال مطرب رسد نوخه کر
کفار خاکسار غرور باغلیوب پخشنبه ککوتی خند قلعه بر هنر عرضه سعی ایلدی
یعنی غافل باصوب غازیلری کیرورد ایتیمک قصدند غازیان رستم نبرد ایسه کینکاهه
هاضر طورر لرایدی ملا عینه هجوم ایدوب ینه حصان قویدیلر محتراده دخی اولکون
وافر کافرک باشی کسلدی و اتلردن بر اسب کرانمایه النوب حضور سردان عرض اولندی
آمدن خلعت پادشاهی جمادی الاولینک یکره یدنجی کونیکه محاصره ننگ یکره بشی
ایدی پادشاه عالمینه طرفندن حضور سردان بر قبضه مرصع شمشیر وایکی زد
بفت سمور قیلو خلعت کرانمایه کلوب جمله وزرا و امرا مبارک باد ایتدیلر عنایت پادشاهی
ایلد مسطور اولان خط همایون دیوانه قرأت اولوب عسکر اسلام استماع ایتد کله
النفات پادشاهیدن مسرور اولوب خیر دعای ایتدیلر هجوم عسکر اسلام بخندق
طیر اقلر و تاییه لر خندقه وارد قلعه سردار بنام خندق عمق و وسعتن و قلعه ننگ رفعتن
گوروب فکر ایلدیلر که بو خندق طویل و اغله طولی ممکن دکدر اکر اقدام و اتمام ایلد
طولق ممکن اولور سه بیت کاکلک مدت مدید استر عمر ایسه اولزمانه قتلان نماز
کافره امداد کملک احتمالی وارد و همنکام شتادخی قریب اولوب بر قاج کوند نصکره لیان
بود و ریلد کی طور مق محالدر دیو خندق قبضنه جان جوی اولدیلر لا جرم فرمان
سردار بر وجهله صدور ایلدیکه کافر کند و دوزدیکه راه خندقه یوریش اولوب اله
کتور لر و غازیان خندقه متمکن اوله پس او لکون وزیر دیو حسن پاشا و مراد اغا نصف
نهادره روم ایلندن و یکچیری و سردن یکجی عسکرندن خیل بهادر کسنه لری زیر لواء
نصرت النواده جمع ایدوب فرمان موجب یور یسوب کافر کارد خندقدن تاییه التنه
کلد و کی یولن همان اشکان باصوب کافر لر ناچار راه حصان قا چوب کتدیلر غازیلر تخته
بند لرین بری برندن ایروب راه مرقومه صوقیلوب جنگ عظیم نصکره بر وفق مراد
راه پنهان و خندق رفیع البنیان مسخر غازیان اولدی کرچه خیل کسنه لرد و شوب یجه لر
دخی مجروح اولدی اما بروج و کتکره حصارده طوران کفارک دخی چوغی جهنمه کندی
هر چند که طوب و تفنگ و خیمه و سنک ایلد عسکر منصور ی خندقدن سور مکه اقدام
ایتدیلر اما عون حقیله ملا عینک سعیلری سودمند اولوب عسکر اسلام خندقه
ثابت قدم اولوب یرلشدیلر خلعت کله سی و خندق فنی بر روز فیروز ده بر روز ایدوب
ذوق و سرور موحدین ازدیاد بولمقله سفاین و متر سلرده اولان طویلر آتش و یریلوب

عظیم شکر اولدی طوپراق التمه لعل اولق خوفی برطرف قلنوبینه طوپراق وسیبه
سورمه اقدام ایتدیله اطاراف خندق شکرلاخ وکار کیرقدیم بنار اولغله طوپراق
سورمه غایت عسیر اولدی خلق طوپراق سورمه سندن عاجز قالوب خصو صا کافر
طوپراق کزنلری هدف طوب کران سنک ایدوب بلدلر و طوپراق سورن کجیار
وسپاهیلر تاسیه اوزینه چقماقدن بیزاز اولدی عاقبت سردارو امر اکور دیلر که طوپراق
خصوصی حاصل اوله حق معناد کدر حکام کرام بونی جائز کوردیلر که خندق قلعه یه
صیت وحوال و توره ایله جانبین طوپلرینه محکم سپرایده لر بعد ارانی طویل دیروب
یوریشنه قابل کوری ایدیه لر برورای صائبه وجود و یروب طوپراق سورمکدن فراغت
ایلدیلر و تاسیه لک کارندن خندقه ناظر ایکی عظیم دریمجه اچد یروب خندق مطلق
غازیلر الله اولدی ایمان طوپلرندن خندقه آدم کزیه مزدی وزیر مکرم حسین
پاشا روم ایلی عسکرینه طوب سیتلری کتوردوب محکم سد بناسنه اغازایلدی تدیجمله
لب سور اخندن دیوان وارنجه سیت و طوره دن برسد سدید چکدیله لکن تمام اولججه
خیلی آدم مجروح و شهید اولدی حتی تراله بکی مجروح و برطوپدن الی سپاهی بر سیت
اردنه پان اولدی بعد حسن پاشا و مراد اغا صواب دید سردار ایله دیوار حصار ده
ایکی تیشه زن تقابل قویوب دریمجه لرا چغه اغازایلدیلر اما دیوار حصار برطرزه محکم و پایدار
ایدی که براستاد هزار جد وجهد ایله کوننه انجق برطاشر قویان بیلوردی هر نه حال ایسه
وقاج کوننه اول دیوار متینی دلوب خاک بورجه نائل اولدیله یروبیلر رأی اولدی که اول سوراخلو
مراد اوز نه برجه چیقوب یوریشنه لاندی دخی عروج اولنوب جمله متر سله دخی بو محله
لب خندقه ایریشوب هر طرفدن غازیانک غلبه سی و کفارک ادباری صورت پذیر
اولدی و بودفعه کافر خندقه چقمدن ایاق کسوب دلیرانه جنکه منتهی و حصان عروجه
منتظر اولدیله سردار کامکار دخی بالذات خندقه کیروب ارکان دولت و غازیان شیر صوابی
جنکه تحریک ایلدی هر کون خندقه جنکر اولوب کافر دخی سنک کران و خیمه آتش
فشان ایله خلقی زخم اریلر لر دی و سد ک اکثری اورمه چوقدن اولوب کونشدن قورومغله
کفار شیشه دن معمول خیمه لر و نفت بولشمش بعضی کرباس پانلری الوب طونشدن ردفه
غازیلر مانند سمندر آتش سوزانه کیروب طوب و تفنگدن مچه سی شهید و مچه سی دخی
خیمه ایله یانار ایدی انکه اولمیوب بعضی کی صندالترین زفت و قطران ایله طویل دیروب
و خیمه ایله محکم بند ایتد کد نصکره سیتلر اوزینه ایتدیله بودفعه اول لهب عظیمی سویند رمک
غایت مشکل اولدی و اول محله یکر میشر و قیه کله آهنین طوب ایله آتسه آتش
دو کوب خیلی خسارت ویردی اما غازیلر فی سبیل الله جانلرین فداییمکی دریغ ایتدیله و با جمله
کافرک من بعد خندقه بقعه قدرتی یوغ ایدی انجق استاد لغمجیلر قویوب ایچرودن
خندقه قازمغه و لغملری بولغله اقدام ایلیوب سفاین ایله مجدن طرفه بر مقدار ملعون امداده
کیرمکه تقویت بولوب اهتمام و دقت ایلدی بو محله پاشا عسکر یله با جمله کوچوب خندقه
کیردی مراد اغا دخی جمله متر ساری وسیبه لری خندقه ولب حصان کتوروب جمله عسکر

اتفاق و گوگلی ایله فتح حصان اقدام اوزن اولدیله اما قیوقله سند تکه سر خندق
و کوشه برج و محل یوریش ایدی محافظه ایدن کافرک یان طویلری عسکره خیل الم
ویرمکه ابطاله اقدام اولنوب بعضی کسینه لک رأی ایله خا صکی علی اغانک تاسیه سی محل
طونجانه کفان قریب اولغله ایکی بالیز طوب و اوج شاهی ضرزن قونلغله جل همت اولنوب
مچیه ایچنده طویلر سپر اوله حق صیت طولغله امر ایتدیله کوسستندیل و تراله عسکر لیکه
اول طرفه ایدی امر عالی موخیمجه سیت و سینه لری کمال مرتبه متین و حصین دوزدیلر
صباح اولغله طویلر قونغه بتشیموب اوکیجه کافر آلنی یان طویلی چوروب مقابله سندن
حاضر ایلمش ایرتمی طویلر لشوب انلغله باشلدن اول ساعت آلنی طوپه صاچیه
ایله آتش ایدوب عسکره اوله اوردیکه خیل آدم شهید و مجروح ایدوب طوب عربه لرینی
وسیتلرینی زیره و زیره ایلدی اما طویلر ضرر اولمادی لکن بردخی اتفاق ایشی برطرف
اولدی زیره کوسستندیل و تراله عسکرندن و طویلر دن و اقر آدم ضایع اولدی
حکمت خدا قلعه یی تحریک ایدن اسلام طویلری کیسی جدید و کیسی عتیق اولغله
خیلی طوب پان لنوب و مچه سی دخی نشانه طوب فرنک اولغله ابطال اولندی اما
سر دار غازی یه مجد دایر طویلر اخراج ایدوب متر ساری مکمل ایدردی حتی
پادشاه جهانگیر بالذات مقید اولوب آستانه دن سفینه ایله اوج طوب ارسال
بیوردی محاصره لک او تودردی کونی حسن پاشا بعضی بکلر ایله زیر حصار ده طوروب
غروب قورده سینه سورمه منتظر ایکن کفار بام حصار دن عسکر ی تفنکه طوبوب
میرا و اسکوب علی بکی و بو فتح مورخی بیر یی پاشا زاده فخری بکی زخم دار ایدوب
خیمه و سنک ایله دخی مچه غزاة شهید و مجروح اولدی حکمت خدا نقب زنان کفار
قلعه یه اچیلان سوراخلری بولوب سالاران اسلام راز مغموم اولدیله بترتسویه خندق
لغملر بولغله بویله تدبیر اولندی که لب چند قلعه بش طوب قیوب یوریش یرینه که
طوره و غرار و یون اشجاری ایله طولوب یوکسک اولشیدی انجق بر مقدار دیواری
قالشیدی آنی ایندر مکه و اندن یوریمکه اقدام اولنه طویلر میر میران و اغا تاسیه سی
اور تاسنه ترتیب و آماده اولنوب علی الصباح دیوان حواله اولندی و بروجله خراب
ایلدیکه کفارک درونه آتش دوشوب اولدخی طوب و خیمه و تفنگله طویلر ابطالنه
صرف مقدور ایلدی انجق بر طوپه بر مقدار طوقند یروب اکا دخی ضرر اولدی
و اولوینه عسکر ی کیجه قیو اوکنده اولان تاسیه یه یوریب وارد قلعه طوب و تفنگله
خیل غازی شهید اولدی جمله دن حسن بکر اده حسین بیگ که اولوینه دن برمه
جهان آرا و شجیع و بهادر محبوب زیلایدی اولنکده دوشدی انهدام برج حصار از نقب
محاصره لک قرق برنجی کونی که جمادی الاخره لک اون اوچیدر مقدار کفار هر طرفدن
همپا اولان لغملری بولق ایله راحت اولوب زخمجه اول غازیلر دن قور نشلر ایدی سالاران
کرام جائز کوردیلر که مراد اغا تاسیه سی یسارنه که مصوبی باشی ابراهیم اغانک و اول
قول اولان روم ایلی بکلرینک مقابله سی ایدی و یوک مترس اکیلوردی اوکنده اولان

روح عظیمه بر لغم آوردی که دولت عثمانیه دن بمقوله بر لغم عظیم اولامشد و روز لالی قنطار
 باروت قودیلر یولمق خوفندن فرمان اولندی که همان آتش و بریله نصف نهار کده منکام
 کر میت هر ایدی سائر عسکرک لغم احوالندن خبر لری اولیوب هر کس آسوده کوشه
 متر سارده ایدی اول قوایع اولان عسکرک لغم بولندن صلا و لغه اذن اولیوب هر کس یرنه
 طور مغه امر اولندی استاد لغه آتش و پردیکه بر ساعت مقداری زیز میمنده بوجهله
 قینایوب دیواری جو هوایه بر تاب ایدنجه بر عظیم زلزله اولدی بعد دود کبود ایلده دیوارک
 طاشلری آسمانه چیقوب بوجهله دیوه دو کلدیکه متر سارده اختف الین آدملر کی
 ضرب شدید سنک و کیمی سرپندی زخمیه راه عدمه کندی بوه منکام ده اپکیوز قدر آدم
 شهید و مجروح اولوب بر قاج سنک حصار اوج میل یره کندی ننبیه سردار دن غافل
 اولان عسکرک یوریش قیامیه محاربه یه اغاز ایدوب قلعه یه حقمق اردنجه اولد بلر محصور لر
 جمله شهر و حصار آسمانه اوچدی یاخوده یره یکدی صانوب این المفردیه رک لب
 دریایه دو کلدی غازیلر بر ج اوزرنه کافر لری طعمه شمشیر ایدوب تفنک واثوابی
 غارت مشغول اولدیلر امامراد اغا بیراقلری و سائر اشکر ماذون اولماغله یور و مایلر
 لاجرم ایکی ساعت نصکره کفایینه ایر بشوب بر مقدار مد تد نصکره غزاة متر سارینه
 دو کلد بلر مالغ یری بر مرتبه آچلد بکه سوار مراد اوزره کیروب چیقاردی بعد الفتح
 اوخلیوب تمام سکسان برزراع بر قله نک درونده اولان قباب و سائر دیوارینی ریزه
 ریزه ایلدیکدن غیر اهل حصار بولغمدن غایت و همه دوستوب هر کس خانه سنک
 جدار لری الی القی قازوب ارامغه باشلادی وهم او لکون جزایر قولندن پر زین آلائی
 بکیسی احمد بیک طوب ایلده او ریلوب شهید اولدی و کافر غزاة تک پنجه غضنفر بستندن
 قور نایه جغنی بیلوب کلیم سارنده اولان یه کسل چاکلارنده سیاه دنانلر کویستروب
 سائر اصحاب شکر دن بردرمان طلب ایدر لردی محاصره نک قرق ایکنی کونی کفار
 کچه ایلده تاپیه سیتارین یا تغه خیمه و زفت ایلده آلوده سفینه تحته لرن یا قوب
 خندقده اولان سبتلر و زیتون اغاجلری یکبار آتش اولوب غزاة سمندر واراتشه کیروب
 سویندر مکه اقدام ایلد کلر نده طوب و تفنکدن خیل آدم شهید و مجروح اولدی
 ایلحصان آلائی بکیسی محمد بیک زمره شهید ایلده ملحق اولدی و نکه آلائی بکیسی
 موسی بیک که قراول طرفنه تعیین اولنمشیدی کندویه حفظ عسکر تعیین
 اولنمشیکن باغله ده ذوق و صفا ایلده عر سورردی تجدید وضویه بر پیاده عربی و شاطری
 ایلده بر استر بی فره سوار اولوب الایدن خیل یرایر یوب کتد کله کفار کینه کاهدن
 اوزرینه دوستوب کندوی و شاطری شهید ایتدیلر لکن عسکر ایر بشوب باشتی واثوابی
 المغه مجال بوله مدیلر جسمی اور دویه کتوروب دفن ایتدیلر قرق دور دخی کون عسکر دن
 بعضی دلیر لیرام حصان چیقوب عظیم محاربه ایلدیلر هم اولکون یوریش اولماغله مشاور
 اولنوب امر و آلائی بکلری و بکچری و سائر عسکره ننبیه اولندی بکه صباح یوریش
 ایچون هر کس آماده اوله یوریش اول محاصره نک قرق بشخی کونی جمادی الاخره نک

اون ید پسی روز پنجشنبه ایدی بعد صلاة الصبح فرمان صادر اولمشیدی که خندقده
 اولان بش یان طویه بریدن آتش ویرلد که یوریش اوله لکن اول محل طویلر بر راتلدی
 هر چند که طویله ننبیه اولندی و چاغلر دی اید مدیلر حصار دن کفار ایات اسلامی
 و عسکر ی متر سارده عادت دن خارج کو رمکله طویوب طوب و تفنک و نیر و سنک ایلده
 حاضر طور دی غزاة الله الله آوازه سی ایلده یورود کلر نده کروه مکروه پای ثباتی محکم ایدوب
 عظیم جنک اولدی سر برجه صعود ایدنلر کیکسی مجروح و کیمی شهید اولد قده آلائی
 قول قول عسکر اقدام ایتدیلر مفید اولدی من بعد قلعه یه حقلق بر طرف اولوب
 دورت ساعت قدر جنکدن صکره رأیات اسلام دوندی اثناء جنکده آلاجه حصار کی
 داودنک و نجه بکر زاده لر و حضر چور باجی و او طه باشیلر و اغا لری مجروح و کیمی شهید
 اولدی بیکدن متجاوز ارباب تیمار و بکچری و پاشا اغا لری تلف اولدی حسن پاشا
 و مراد اغا دخی طاش زخمیه مجروح اولدیلر علی اغا قولندن دخی یره یوب قیو قله سنک
 مردانه جنک ایتدیلر مصوبی باشی قولندن دخی دلیر لره یوریش اولدی لکن لب دریاه
 اولان قله دن یان طویلر یله خیل آدم شهید و دوستی جزایر و تونس عسکرینک متر ساری
 اولماغله اشکان یور یوب خیل آدم مجروح اولدی دریاه دخی عسکر بحر صندلر ایلده
 یوریش ایلد که بر روز کار پیدا اولوب هر یری بر طرفه پریشان اولدی و اگر چه سردار
 بو احوال دن ملول اولدی لکن مقنضای حال اوزنه هر کسل خاطر مجروحی مرهم لطف
 و احسانه تطیب ایدوب شهیدانک اولاد نه و برادر لرینه یر لرینی توجیه ایلدی ایرتسی
 یوریش احوالی رکاب هماینه عرض ایدوب عسکر و خزینه و ذخیره امدادی رجا ایلدی
 و امر ایدن شعبان بیک چکدرمه سیله کوندی بو خبر ناملایم لامق سمع پادشاه اولد قده
 واندن کلن احمد پاشایی و سکمان باشی حسن اغایی موریه واروب الی بلوک خلقتدن
 و بکچریدن اول طرفه اولنلر ایلده محافظه ده اوله لر و انا طولی و قرمان بکلری دخی کلیدولیدن
 کچوب بنفشه اسکله سنک فرمان سردار نا خطر طون لر دیو فرمان اولندی و بکچری به
 قیو اولوب ایکی بیک جدید نفر ذورت قلیون ایلده کوندلدی وجهه خانه و ذخیره ایلده
 مالامال بو رتو نلری پی در پی ارسال اولدی یره ریشک ایکنی کونی سردار خندقده عسکر ی
 صیبه سور مکه ترغیب ایدر کن بر طوب صاچمه سی کلوب سرداری و عسکر ی دود کبود
 یورودی بوار القده مراد اوزنه دیار حصار ییقلوب صیبه لر دخی محله نشدی و دیوار دن
 یوقاری عسکر اسلام چیقوب سر برجه متر سار قور دیلر و بر جک طپراغی التمه ایکی
 عظیم دلك اچوب باروت قودیلر و آتش ایتمکه فرمانه منتظر اولدیلر یوریش ثانی
 محاصره نک الی ایکنی کونی روز پنجشنبه ده فرمان سردار ایلده وقت صحن نصف
 روزه دك غازان خندقده و تاپیه لره طولوب استاد باروته آتش ویرلد که قلعه نک طولی
 اوستنده اولان محافظان اشراری یوزدن زیاده کفار ایلده جو هوایه قالد یروب غایبان فرصتی
 غنیمت بیلوب رأیات نصرت ایاتی سر برجه دیکد بلر صدای نکبیر و غلغله سورنا و نفیر
 آسمانه پیوسته اولد قده کفار بید کار پای ثباتی محکم ایدوب مبشر قهال اولدیلر

محمود بنی هاشمی قولند اولان روم ایل وانا طولی عسکری ویکچری و سرتکچدی بلردخی
 لم کدیکندن حصان صعود ایدوب امیرالامرا حسن پاشا و مراد اغا و احمد پاشا زیر اولان
 اولان دلیران ایله قلعه یه کیروب کدکری ضبط ایتدی لر حکمت خدا اول ساعتکه کفار محل
 رزم اولان بر جندن یو کسک تاییه یه فرار ایلوب لب دریا و برج مفتوح میانده اولان
 تاییه یه دیکه کانه تصور سیر اولغله ارسلان بر جی تاییه سی دیر لوباب حصار ایله ضبط
 اولنان برج اراسنده اولان تاییه رفیعده دن یعنی بیس و یسار و مقابله دن عسکری نشانه
 طوب و تفنگ ایتدی لر اما غا زیلر هر چند که تاییه لرک فتنه کوشش ایتدی لر هر برینه
 ابواب مستحکم ایتیشلر ایدی و یوللرنده انگلی طویلردن صاچه لر قویوب خیل کسینه شهید
 ایتدی لر ایچینه دخول ممکن اولدی بر ساعتدن زیاده حصار ضبط اولنوب فتح فیروزی
 آل ویرمشیدی رزم ایچره نجه امر اشتهید اولغله زمره مجاهدین قلعه دن ایتدی لر صانع قول
 آلا ی بکی مصطفی بک و سابقا لاجه حصار بکی محمود بیک و سرتکچدی اغاسی یوسف
 اغا و یکچری سرتکچدی اغاسی دلی قورد شهید اولدی لر یاییه بکی ارسلان پاشا و نجه
 چوربا جیلر و اوطه باشیلر و سالار لر مجروح اولدی بوندن صکره عسکر اسلام نا کام
 خندقه چکلدیلر سردار و امرا هر بری تقد رسی ایدوب یورودی لر ایسه بالذات جناب
 پاریشک مراد شریفی اولما مغله قاچ ایله التحق ممکن اولدی علی اغا قولندن دخی یورودی لر
 کوشتمندیل بکی قیابک و نجه دلیر لارنده دوستوب مأیوسا کیر و دوندیلر بوندن صکره جمه
 عسکر قیاس ایدر لر دیکه کیجه ایله جبه خانه و طویلر متر سلردن اخراج اولنه زرا
 اکثری امراد و شوب قلانلر دخی مجروح یا تور لر ایدی اما سردار صاحب و قار شوکت
 و جرات ایله خندقه او تروب عسکره انعام لر و تر قیلر و تیمار لر ویرمکه نواز شلر ایلدی
 سم وزری کیسه کیسه هر بلوک و یروب مردانه حرکت کوشترمکه جمه سی پای ثبات اوزن
 کلوب همان اول ساعت طوره و غرار و خاکله لم آتدیغی سر بر جده مترس ایدوب رایات
 اسلامی سر برج اوزرینه دیکدی لر فتح حصار خانه چون عسکر و طوب و اقدامدن سردار
 امید کیسوب عنایت حقه دل بسته اولدی لاجرم حضرت حق معین و دستگیر اولوب
 فتح میسر اولدی و قلعه یی زور بازو ایله التحق ممکن اولوب قوت و قدرت حق تعالی نیک
 اید و کنی مشاهد ایتدی لر تمام اللی دورت کون محاصره اولنوب سر بر جده مترس الندی
 ائین کونی ینه یوریش تخمین اولنمشیکن جنود فرنگ کوردیکه سعی و کوشش ایله اولنر
 یو نلرک بری دوشمنه یرینه بیک کور و بری اون دشمنه مقابل اولور خصم و صاجا سوسلری
 سردارک مراد نه لکنی کوروب سوبیلدی ملعو نلرک دزدارلی و قیودانلری و طوپچیلری
 اکثری هلاک اولوب مقرر بلدی لر که بردخی یو قوم یوریش ایدر لر سه خواه نا خواه حصاری
 آلوب پنجه لرندن خلاصه چان انحق تسام حصار ایله در پس جمه سی مشاور ایدوب
 امر و عسکر و شهر خلقی تسام حصار رضا و یروب سبت کونی بین الصلالتین قیودانلری
 طبل چالاراق محل یوریش اولان کدکه کلدیلر سیمبه ده اولان عسکر آلات جنکه
 دست اوردقه کور دیلر که کلن کسه لر برج حصارده نشانه جنگ اولان رایات سرخ

سیاهی سرتکون ایدوب براق صبحاق دیکدی لر و صدای امان رسیده کنگره آسمان
 اولدی و همان ساعت بر بلو باشلو قیودانلری ارنا و داصلی اختیار قائد لشکر
 گفاری ایدی بیر اقلره اینوب امان پادشاهی وارمیدر دید که سالاران لشکر امان
 ویرلک مقرر در دیو جواب ویرد که فی الحال اینوب حسن پاشانک اتکنی اویدی
 و سردار حضورینه وارغی استدعا ایلدی ایکی متعین کسینه حصار رهن وضع اولنوب
 امراء فرنگدن ایکی مصاحبت کدار که بری و ندیکن کله و بری شهرده اولان روم
 طائفه سنک استبهیدر چیقوب حضور سردار کلد کارنده اولا کیده جک کفارک باشنه
 و مالنه و عیالنه کسینه دکیوب کیلر ایله ملکتنرینه کتمکه برامر ویردی لر و اهل شهره دخی مال
 و عیال و خانه لرینه کسینه علاقه ایتیموب هر کس املا کنده آسوده حال اولوب سائر
 رعایای مالک محروسه کبی یکینه لر دیو برامر دخی ویریلوب قلملری مطمئن اولدی و یوایکی
 ایپچی به خلعت فاحره کیدیرلدی و همان عسکر دن کسه اهل حصار دست درازلق
 ایتماکه فرمان اولنوب مرده امن و امان رساننده کوش اهل زمین و آسمان اولدی
 ایلیمر مرده حیات بخش ایله حصار واروب نبشیر ایتد که اعدای باقوان شادمان اولدی لر
 یکشنبه و دوشنبه کونی بر موجب عهد جمله فرنگ احوال و اقبالن اوج قدرغه و یلیکی یورتونه
 تحمیل ایدوب سه شنبه کونی جمله ملاعین فرنگ امر و نسوان و عیالیه استبارین
 آلوب چکیلوب کتدی لر و بیک قدر نفوس دخی جزا لر قولندن حصاردن چیقوب
 صوده سواحلنه دو کلدیلر فرمان سردار ایله عسکر ایکی صف اولوب نصاری میان
 عسکر دن یکوب بر فرده تعرض ایتدی لر همان ساعت بروج و حصار چیقوب اولان ازان
 محمدی او قوندی بعد هر کوشه سنه رایات اسلام دیکیلوب طرف طرف بر چور باجی
 پاوکاری ایله تعیین اولندیکه اسواق شهری تاراجدن حفظ ایدر لر سردار کامکار دخی
 مشهور بازار طولا شوب دکانلر آچلدی رعایایه نهدی ایدن او پاشا ثانی دیب اولنوب
 ندا اولندیکه هر کسه لاجز تدر املا کنده متصرف اولوب سایه ظل الهی حضور ایلسون
 اهل شهر بوندن صکره سیف خوفندن امین اولوب هر بری کند و عالم لرنده آسودصال
 اولدی لر بروج جلیل جمادی الاخره تک یکرمی طقوزنجی یوم الثلثا ده ایدی بوندن صکره
 عسکر اسلام خیاملرین پیر امن حصار قوردیلر جمله دن مقدم صائنه نیقولا دیکله
 معروف کلیسا که بر معبد قدیم ایدی جامع قلموب محراب و منبر وضع اولندی و پادشاه
 بامنه منسوب اولوب حالا خنکار جامع دیکله معروف و بوندن ماعد حائیه ده ایکی معظم
 کلیسا که اوچی دخی مشهور و اوقاف بی شمار ایله معروف و مذکور در جمله دیوارلری زخامدن
 پایش مزین و منقش اندرون و بیرونی کونا کون تصویر و تمثال لر ایله عبرت نمای روزگار
 و هر برینه خزینه لخرج اولنش بر یادگار ایدی اوچی دخی جامع قلموب بری یوسف
 پاشایه بری موسی پاشایه منسوب اولدی یو معبد لر لوث اوشن و مزارستان اهل طغیاندن
 پاک اولوب طوب رخنه لری یایلدی خنکار جامع منبر و محراب و محفله محتاج اولیموب
 یونلرک هر برینه مناسب ایچندن بر مقام بولندی انحق طرز اسلامه قودیلر و بوجوامعه

وخذ نكه طوب عظيم محارب لاولدى برقاچ خانه يي آتسه ياقديره له اسلام غلبه ايدوب
اول كروه مكر وى شهر دن سوروب چقاردير التمش كافرك باشلىر ميد اند غلطان اولدى
مسلمانلردن انجق ايكي آدم شهيد دوشدى حضور سردارن كله كتورنلره احسان ايلدى
محاربه درقارلى ايل ونديك ولايتى خلقى ممالك وسيعه پادشاهينك نفرواينكه تعيش
ايدوب بودفعه هيج براسكله دن ذخيره ويرا مملكه ونديك توابعدن كفالونيه وزا كليسا
اطه لى خط وجوعه مبعلا اولوب سفاين ايله انلردن ييشمار استقيا قارلى ابل لواسنه تابع
بعضى نواحى به جقوب حنطه وغنم وساير اموال رعايابه دست خسارتى دراز ايند كرنه
ايامون قلعه سنك غازيلوى ايريشوب اول قوم ضال ايله صباحدن وقت زواله دك جنكر
ايلدىلر عنايت حق ايله غالب كلوب سكسان باش والى ير اردل النوب سائرى مجروح
ومكسور كينارينه جان اتد يلكفار ايكي بيكدن زياده وغاز بلردرتيوز قدر ايدى جناب حق
قصرت احسان ايلدى وديللرى بنفشه دن حضور سرداره كتوروب مظهر عنايت اولد قلردن
ماعد اقلعه مزبور هيه باروت ودانه و قورشون وجبه خانه و يرلدى مقاتله كفار
در پيش حصار حايه مقد ما ذكر اولنديغى اوزره سفاين كفار سوده ليمانته كلوب
خيلي زمان اكلنديلر سعيلىر بي فائده ايد وكن ييلوب كفار بربرينه دوشوب اسپانيه
ونديكه سرك ولايتلر يكره قرييدرز بوجها نكدين كسك كركدر اوتور مقدن اصلا
بر فائده يوقدر بر طويلقه نائل اوله مدق ديد يلفروند بكك جاسوسلرى عسكر اسلامه كلوب
خبردار اولمشلرايد بكه امرانك يهادرلى كى اغريبوزه كى بنفشه يه كلوب سار قدرغه لى
كوركلرين چيقاروب ليمانده اسوده ياتور و بورتونلر قدرغه لردن بعيد تودورى قلعه لى
التمنه ياتورلر عسكر اسلامه عرض شوكت ايدلم ديويتمش قدرغه و ماونه و او توشش بورتون
ايله برصباح سوده بوزندن چيقوب حايه حصارى او كنه ايريشد يلقه دن طوب
اتيلوب عسكر اسلام رزمه ماده اولدى سردار فى الحال باشترده يه كيروب يكيچرى وساير
عسكر كيلره قويلوب ليماندن خروجه اغاز ايند كرنه هنوز صف سفاين راسته اولمادين
برشديد روز كارنمايان اولدى سفاين اهل اسلام انجق ليمانده كيرمكه فرصت بولوب كفار
كيلرني روزكار بروجله تارما ايلد بكه هر رى براقايه دوشوب كند يلكلر لى و كيتلر لى انجق
بر ساعت اولوب بي رزم رجوع ايند يلاوج دورت كونه انجق يينه سوده ليمانته كلوب جمع اولد يلا
رزم كفار در كوه سار برقاچ كوندن عسكر احوال فرنگدن خبر ايچون ديل لازم اولمغيں سردار
اكر مك كوكلو اغاسى برقاچ كز يلا مهادرايله كچه سوده ليمانى طرفنه واروب بر برادر ديل الوب
هل السحر حضور سردارن كتوردى بوخصوص كافره كوكك اولوب انلردن آدم المغه سعي
ايدوب بشيموزدن متجاوز كافره حايه مقابلنده اولان نلال اوزن كلد يلا مكر نصف الليله
اوتوز قدر مجاهد اول كوه سارده شكار ايچون كينه كيرمشلرايدى ككون طوغركن بوزجق
عسكر اول كروه خباثت اثره صتا شوب كفار بونلره تفنك اوردى انلردن خي پاي شباتى محكم
باصوب جنك ايند يلا صد اى تفنك مسوع غازيان اولد قلعه بلوك بلوك طرف جنكه آغاز
ايند يلا سردار ديلر كفارك جمله عسكرى خروچ ايلدى قيا سيله رايات اسلام حر كتنه امى

ايلدى فى الحال غراة آلات رزم ايله عزم ايدوب بالذات سردار معركه كاهه ايريشد كره
جانب جردن قدرغه لى صف اولوب عسكرى طويه طوتد يلا عسكر دخی لب دريايه واروب
سفاين ملا عينه قورشون ياغدير ديلر لکن قورشون منزلندن بعيد اولميريله كير و دو نيلوب
اول صحرالده اولان اتلاره طوغرى بعضى كوكلو عسكرى كتندى ينشوب برقاچ
ملعونى كسد يلا باقيلر قاچوب بر سنكلاخ يره كير ديلر بوند نصكره كفار بربرينه دوشوب
پاي شباتى منزل اولدى كورد يلكلر زمره غزاتدن بر شكار الموق محالد رو ذخيره لى دو كنوب
رعايلاوردون اوجوز يهايله بغدادى و بكسماط الوب اغريهايله كفار صتا رلردى مالتنه
ودوقه واسپانيا كيلرى و ند بكن مفارقت ايدوب چوقه اطه سنه كتنديلر تاكه اول
يلا اوردويه كلك قاتلردن و كيماردن بر طويلىق الاراماء عسكر انلرك مكر و كيدندن خبير
اولوب تنها تر ددايتمكدن فارغ اولد بلاردن دخی مأ يوس اولوب ديارلر يينه سيقيلوب كند يلا
ارسال امداد يچر يره كريد ونديك كافرينك دريايه دونماچيقروب ايامون وباللى بادن
طرفلرينه قصد خسارت ايند كرنى سردار اكرم دردولته يازوب و كريدده دخی كفار تاولرى
اوردوى اسلام داثره سنه غارت قصدند اولميريله انلرايله مقابله ومقاتله يه ابلو عسكر
طلبنه عرض ايتمشيدى عرضلىر جمادى الاخره اوائلنده در دولته وصول بولد قلعه قره
حسن اوغلى سكبكان باشى حسين اغاسكيبانلر جماعتيله اول بانبه تهين اولنوب عجلاله
كوندرلدى وبعد المشون والده سلطان كتنه داسى يرام اغانك اشارت واستصوابيله قيو ايتيك
فرمان اولنوب علوفه سى چالق يكيچر يلك علوفه لى طوغر لى يلوب كريد مأ مور اولد يلا
وامكدن ارسپاهيلرك مقطوع الوظايف اولنورين نصيح جملة ممنوعاتدن واشد محالان اينك
بحسب الاقتضا ايند اذن سپاهى يازلق فرمان اولنوب اچ اوغلانى وبالته جى وساير نوع مناسبتي
اولنلردن ايكي سيكه قريپ سپاهى التيشرا قچه علوفه ايله ياز يلوب التى يلوكة توزيعدن صكره
علوفچيان يساروغر باءمين بلوكلى دخی كريد مأ مور اولمغيں يكي ياز يلا دخی انلره
مرافقت ايله مأ مور قلنوب ذكر اولنان ايكي بلوكك اغارلى عجم ابراهيم اغا جمله سنه ضابط
نصب اولند يلا وعسكر عشرين واسط جمادى الاخره ده سلا نيكدن كى يه كيرمك اوزن
استانبولدن چيقوب داود پاشايه قونوب محل مأ مون عزيت ايتمشلرايدى جنك كفار ونديك
بابعضى سفاين اسلام سابقادر دولتن كوندريلى دورت سفينه ايله ايكي يلك يكيچرى يه
قرمانلى رئيس نام قبودان باش و بوع تعين اولنوب دكر منلكه كمشيدى دكر منلك
اطه سى ايسه قلعه سزير ديا تمق جائز دكلدر واوردويه وارمغه ايام يوقدر ديو بنفشه يه
عزيتلر هر چند كه اقدام ايلدى يكيچر يلا اتباع ايتيموب عفا ايلد يلا آخر كندوسى بنفشه
اسكله سنه واروب سائرا مراهيه ملاقات ايندى اوج قلبيون ايسه اول ليمانده استراحت
ايدوب فرمان سردار منتظر اولد يلا سردار دخی مزبور لره كريد كله سز ديو يي دري
مكتوبلر كوندردى لکن ايام مساعده ايتدى لاجرم سردار دونما كيلر يينه تنبيه ايدوب
حاضر ايلد بكه بالذات واروب بنفشه و دكر منلك ليمانلر اولان سفاين جمع ايدوب
حايه يه كتون لروا شاده طرف شهر ياريدن خاصكى اغا بنفشه اسكله سنه كلوب انل اولان

امرا و اغایان دولت ارایه نیر سردار بنشده سردیوب جمله سنی سفاینه طولدی یروب کندی
 یر بکک قدرغه سنه بنوب خط همایون ایلده حضور سردار عزم ایلدی شعبان شریفک
 اون سکرچی کونی کلوب ملاقی اولدی و جمله کیلرکله جکرین خبر و یر مکه سردار اکریم اول
 غائله دن بری اولدی و همان حضوره ایونه احوال عسکر و ممالکی عرض ایدوب یی پان قدرغه
 ایلده اندر دخی بنفشه ده اولان کیلره امداد اولمغه همت بیوردیلر لکن یوار سالدن سردار
 انفعال کلوب شعبانک بکرمی برنجی کونی التمش مکمل قدرغه ایلده چیقوب عزم ایلدک
 روز کار قار شولوب تودوری لیمانه هزار زحمت ایلده لیکر صالیدی و اوج رئیس که مشر رئیس
 و چاوش رئیس و جعفر اوغلی ایدیلر کیلرکله اولان یکچیری ایلده دکر مناک لیمانه اولد قلیونی
 کفار طویوب تیمور اوزرنه با صغفه جه ایلدی ماونه لری و قدرغه لریله کیجه سوده دن عزم
 ایدوب پنجشنبه کونی منوره رئیس اولدخی ذکر مناک لیماندن چیقوب عزم کرید ایلشرایدی
 همانکله لیماندن چقدیلر طلوع شمسدن ایکی ساعت یکم شمسیدی کفارک دونماسی اوتوز
 ایکی قدرغه و دورت ماونه و بر قاج فرقه نمایان اولوب بواج کی یه اوشوب صارلدیلر
 حکمت الهی بر قاصرغه ظهور ایلدیکه بحر بلر اکازیفوس دیرلر جمعی مسافین اسلام و کفاری
 موج طوب اول یوکسک قلیونلری شویله ایندردی که صوالدیلر اول روز کار شدیدن
 کفارک ایکی قدرغه سی باشی اشاغه کلوب اچمندن اولان ملاعین ایلده دریاه غرق اولدی
 ابودر جعفر کیسنگ که قرق ایکی یان طوب چکر بر عجاب کی ایدی یوک دیره کی یلکنر ایلده
 یان یان اولوب التمنه بولنان خلقک اکثری یکچیری ایدی یلکن ایلده صویه کندی و کمی
 ضرب ستون و آلا تندن خرد اولدی چون روز کار شدید یکوب هوا ملایم اولدی کفارک
 دونماسی کلاب مثال اول کیلری اورتایه الوب ماونه لردن و ناشترده لردن قوغوش طویلر ایلده
 سمنکسار ایتدیلر اهل اسلام دخی طوب و تفنگ اور مقده قصور ایتدیلر چاوش رئیسک
 سفینه سی اوزرنه دورت ماونه کلوب بیوک بالینر طوب ایلده محاصره ایتدیلر اما سفینه
 برضعیف صبار قنار اولمغله ماونه لک کورکنی طوب ایلده شکست ایدوب ارلرندن کندی کندی
 ماونه لر زخمدر و رور سوای یرلرند قالدیلر بر کر و ماونه و بر قاج با شترده لری دونوب مشر رئیس
 اورتایه الدیلر اولدخی عنایت حق ائکایدوب بر جنگ ایلدیکه فلک کرده ملکک تحسین و آفرین
 اوقودیلر اولدخی وقت عصره دگ دو کیشوب خیل آدمی شهید اولدی اما کفاری تمام
 ایدوب زخمدر و مجروح براغوب چکلدی کندی بودفعه جمله کیلر و ماونه لردن و ابودر جعفرک
 قلیونن اورتایه الدیلر قوغوش طویلر ایلده دو مککه باشلدیلر اما جعفر رئیسک بندلرندن سایمان
 رئیسکه او غلینک وصیتی بر مردلیر ایدی سائر غزاة ایلده دل بر ایدوب یاغرا و یا شهادت
 دیوب مردانه محاربه لراییدی بتون کون و کیجه محکم دو کیشوب یلکنلری اولمغله ارالقندن
 چقمغه در مان اولدی عاقبت بر قاج آدم قالوب اندر دخی کافره اسیر اولغی روا کور میوب
 دو کشدیلر کفارین و یساردن طویله طوب بالا خره سفینه کوه پیکر غریق لجه بحر اولدی
 چمه کون غایت فورتیه اولوب سردار تودوری لیماندن چیقوب بنفشه یه طوغری صالوق
 مراد ایتدی لکن ممکن اولدی اخشام چاوش رئیس کلوب احوال جنکی تفصیل اوزن



تقریر ایلدی باذن خدا روز کار دخی ساکن اولدی عزم سردار بجانب سفاین کفار اول ساعت
 سردار کامکار حمراده اولان لشکری کیلره قویوب دونمای نصرت مقرون ایلده کفار اوزرنه
 عزم ایلدی یکچیری کندی اسی مراد اغا سردار ایلده کیدوب وزیر موسی پاشا و حسن پاشا
 و مصوبی باشی حصار محافظه سنه قالوب هر برجه بر پیکر محافظه جی قونلیدی سبت
 کونی می رئیس دخی کلوب ملاقات ایتدیلر اما سردار دونمای کفار اچون دکر مناک و چوقه
 اطه لینی هر چند که تحسین ایلدی اصلا اثر لری بولمادی زیرا کافر بوجنکندن صکره همان
 چکیلوب سوده لیمانه و بعضی شکافره کیوشیددی سردار بنفشه یه واروب اندر اولان
 عسکر بالکلیه کیلره کیروب بر قاج میل عزیمت ایلشرا بکن روز کار قار شولوب دونوب مشر
 ایدی جمله سفینه لشعبانک بکرمی التنجی کونی کلوب حایه لیمانه لیکر بر اقدیلر تعیین
 مستحفظان حایه مقدماباروت و جبه خانه و وافر ذخیره ایلده قلعه مالا مال اولمشیدی
 بودفعه کان عسکر دن دورت پیکر سیاهی و دورت یلک جدید و عتیق یکچیری و طویجی
 و جبه جی و دورت یلک حصار اری خدمت محافظه یه تعیین اولوب بعد حسن پاشا خیر خواه
 دین و دولت و لایق محافظه مملکت اولمغله خلعت کید یروب محافظه حصار ی فرمان ایتدیلر
 و یکچیری اوزرنه خاصکی علی اغا تعیین اولندی و تخر و ولایت و اوقف و دکاکین و بیوت
 و املا که ارباب حسن افندی پر هیز کار و صاحب وقوف اولعین مأمور اولدی و قضاسی
 اوردوی همایون قضاسیله کان مدرس فخری محمد افندی یه مولویت ایلده ویرلیدی و سکنان
 پاشی حسین اغا و یوک اغا لرندن صول غربا اغاسی ابراهیم اغای و سائر التی یاو کدن ییلده کلان
 ضابطلره خلعتلر کید یروب تعیین سردار ایلده هر کس عالی سر ایلره کیروب مکان طوتدیلر
 ماه شعبانک بکرمی یدنجی هکونی روز چهارشنبه مأمور اولان لشکر اسلام قلعه نک
 طرف شرقیسنده اولان حمراده صف صف اولوب قیویاننده سردار سریر اوزن قعود
 ایدوب بر بر حضور نندن یکدیلر و شهادت و صلابت ایلده کیروب قلعه ده ممکن اولدیلر
 عسکر اسلامک ترتیب عجیب و شوکت غریبین کورنلری حیرت الوردی کرید جزیره سنه
 و افرات کورلشیدی جمله سی اندر قالمق فرمان اولغوب سائر عسکر کیر و کیلره کیر دیلر
 و جزایر و طرالیوس و تونس عسکر لرینه خلعتلر کید یریاوب التفات و عیادت ایلده اجازت
 ویرادی رجوع دونمای همایون روز شنبه که غره رمضان ایدی سردار غازی وقت تمجیدده
 قلیونلره و شیعقه لره عزیمت فرمان ایدوب کندی لردخی نصف نهاده لیماندن چیقوب عزم
 روم ایلدی بر موافق روز کار ایلده اغریبوز اطه سنه قزل حصار کلدیلر اول محلدن هر کس
 ولایتنه وارمغه اجازت ویرلیدی سفاین اسلامیان شنبه و یکشنبه ییرونیوب دوشنبه کونی
 هل السحر سواحل ممالک محروسه یه وضع لیکر ایتدیلر دونمای همایون دخی قزل حصار
 لیمانه ایکن بر شدیلر روز کار قویدی که هر سفینه یی بر اطه یه پریشان ایلدی سردار قورسه
 قدرغه لرایله کیلری دوشروب بر ره جم ایلدی و بور و زکار ناموافق اون دورت کون محمد
 اولوب دونمای غرمت بلکه یندن حرکت قادر اولدی رمضانک اون سکرچی کونی سلامت ایلده
 یینه قزل حصار لیمانه کیر دیلر اول لیمانه ایکن طرف سلطنتدن احمد پاشا ایکی قدرغه

و سكر قليون و شيقه ايله وصول بولدى كريدده قلان عسكر ايجون بغدادى و بگستاد
 و پنج و سائر ممالك و ذخائر اسال ابلشار و مصردن دخی شول قدر كيمار كلى كه
 بر جاك كيله سى بكرى سكر اچيه به بيع اولندى و بوسفرده واقع اولان نصرت تعين زماندره
 اولدوغى مسجوع دكلد رخله و ذخيره فراوان ميوه و آب خوشكوار بى پايان ايدى انجق تغيير
 هوا و عدم پر هيز سبيله حايه التمدد عسكره ذخيره و اسهال مثال و خسته لك دوستوب مبطونا
 قنى چوق آدم هلاك اولدى دو نماقر خضارده ايتكن طرف سلطنتدن آدم كلوب بوديندن
 معزول دلى حسين پاشا عسكريله مأمور بنفشه به كلوب اندن حايه به كيمك باندن
 فرمان پادشاهى اولدوغى خبرين كوردى و مراد اغا دخی بيله كيمك خصوصى خط هماينده
 صادر اولغين قدر غه لرايله سردارا كرمك كخدا سى بنفشه به كوند رلدى اندن دو نما جله
 سافر ليمانه كلوب سفينه لر عوما آستاله به كيمكه ايام مساعده ايتامكله ايكي قورسه قدر غه
 ايله سردارا كرم ركاب هماينه ته نهايز سورمكه عزيت ايدوب عيد الفطر كوني استانبوله
 كلى و ركاب هماينه يوز سوروب خلعت و التفات ايله معزز و مخترم اولدى دو نماى همايون
 دخی وزير موسى پاشا ايله سالمين و غاين شوالك التبخى كوني آلاى عظيم ايله طوبىلر تارق
 و عرض شوكت ايدرك سراى بورى اوكنه كلوب پادشاه عالمياه حضرتلى دخی يالى كوشكندن
 سير ايدوب حضور هماينه كلوب دستبوس ايدن اوجاق اغارينه و امراء بحره و سايله فاخر
 خلعتلر كيد يروب التفاتلر كوستردى و بوقتح جليل القدر شعرای زمان و افر تار مخلص
 ديديلر موسى پاشا كاتى قهرى افندى تاريخ غزاي اول لفظى بولدى مورخ فتح پيرى پاشا زاده
 حسين بيك دخی بوكونه نظم ابلشدر تاريخ سپاه رومه صوردم فتح اولدم ديديلر فتحه
 تاريخ غزائمورخ شارح المنار زاده بوتاريخى سويلشدر تاريخ بارك الله نصرايزد حيندا
 فتح جديد كيم اولور طومار وصفى عالمه تعويد جان لفظا و معنا بوقتح اولدى تاريخ متين
 خرب ايله بيك الله بشاه قلعه الندی همان بعض و قايم كريد او اخر شعبانده سوده ليمانه
 براز كافر كيلوى كلوب بر قاج بيك كفار قلعه يني محاصره قصد يله چيقوب شهره قريب
 قريه لره كلكارند حسن پاشا چيقوب عسكر اسلام ايله اوزر لينه هجوم ايتد كارنده بعونه
 تعالى غالب كلوب كفارى منهزم ايلدى نجه سى اسير و اكثرى طعمه شمشير اولدى ماه
 و مضانده بنفشه ليمانه كافر دوستوب يدى قطع بور تون ايله بر قليون الديلو قلعه به بر قاج
 طوب اتوب ينه سوده به روانه اولد يلر رفتن حسين پاشا بكر يدى دلى حسين پاشا بوديندن
 كلوب كريد محافظه سيله مأمور اولمشيدى و ايكنى وزارت خاصى و موم سجاغى اربه لنى
 و يريابوب خزينه و مهمات ايله كوند رلشيدى قريه دن انابولى به وارد قله كورمك ايجون
 تعين اولنان اون بر قطعه بك كيلوى يناستوب شوالك ايكنى كوني موجود اولان قول
 طائفه سيله سوار اولوب ذخيره شيقه لرى يد كه الندی و بنفشه طرفنه كيدر كن مخالف
 روز كار چيقوب هماينه واقع خيارس ليمانه كير ديلر اوج كون متواليا فور تنه ايدوب بر ذخيره
 شيقه سى پان لوب بريك دخی ديكى قزلدى برى دخی كسكين پاشا زاده قدر غه سيله
 ييمورين قروب درياه اچلدى نابود و نابود اولدى پاشا زاده سائر كيلر بلا مور و كور كارين

قروب خرده قايقار و صندلر پان لندى هر كس حياتن نا اميد اولوب بو حال اوزن اوتوز قرق
 ساعت قدر كورك اوزرنده كاه قريه به اوروب كاه اچيلوب اكثر آلتلر تانف اولدى هزار شدايد
 و آلام ايله اون بر كوند به زميل برى كوجله قطع ايدوب بنفشه به قول مواجى ايجون تعين
 اولنان خزينه اندن حاضر اولغله قيوچى باشى حسين اغايدن قبض اولوب تجسس كفان
 آدمار كوند رلدى و نابود اولان قدر غه و شيقه روز كار ايله انابولى به دو شمشير مور ياليلر ندن واقع
 اولان قاضيلر درياده چكدر روبرو تون الشمس ياره به قريب كفار كيسى كى كريد سمنده و كى چوقه
 اطه سندن كشت و كذا رايتمه ده در خزينه و عسكرينك حايه به عبور ايد چكندن اكاه اولوب
 بگلر اردو عرض و اعلام ايلد كلر ندن مشاوره اولوب بروجه به كيد ملك معقول كوند رلدى بنفشه
 روز كار آلتى و صوبى ازير اولغله كير و انابولى به عود اولوب واقع حال دردولته عرض اولندى
 ذى القعدة ده عرض و محضر لركوب پادشاهه ناخيص اولند قند ترسانه كخدا سى عمار زاده
 يدى قطعه قدر غه ايله امداده كوند رلدى و اون قطعه ردوس قدر غه لرى تعين اولندى
 كخداى مشار اليه انابولى به داخل اولد قند اصلا توقف اولنيوب ذى الحجه نك اون برند ليمان
 چقوب كريد كند يلر بر موافق هوا ايله اوج كون كيدوب ماه مزبورك اون بشنده سلا متله طايه
 ليمانه و اصل اولوب عظيم شنگلر ايله شهره داخل اولد يلر محافظه ده اولان غازى كوچك حسن
 باشار موجب فرمان عالى قدر غه به كيروب ماه مزبورك يكرى برنجى كوني جله چكدر رلر ايله حايه
 ليمانن چيقوب آستله به توجه ايلدى حايه به ده ذخيره به قلد كلوب ممالك و لات عزت
 بولمشيدى بره قيه خرده بكمسما د قرق اچيه به طوز طقسال اچيه به بيع اولنوردى كيلر دن يكرى
 بش بيك كيل حظه و بكمسما د و غيرى ذخاير توزيع اولغله هر شى رخيص اولوب حسين پاشا نك
 وصولى عسكر اسلامه قوت و اعدا به باعث قهر و محنت اولوب غزاة مسلمين هر جهتدن
 مسرور و كامين اولد يلر منقولد رك حسين پاشا بنفشه ياليسند اكلوب كافر دو نما سندن
 درياده كشت و كذا رندن ايشه ايتكمكه كيمكه فرصت به له ميوه بو وجهه عاقلانه تدبير
 ايتد يكه شمدى حايه به ده اولان عسكر ك امداد و ذخيره به چندان ضرورتارى يوقد رود و نما
 دخی استانبوله كخدا روبرو قله كريد كيمك متعسر در قلس بونك قشلا بول بهارده كيد رز
 سوزنى خلقه شايع ايدوب صورت معامله خلقه قشلاق تعين ايدوب كيلرى ايمانه
 ياغلى تداركنى كوستردى اما مخفيجه واقع حالى دردولته عرض ايتمشيدى موره قاضيلرى حنى
 پاشا نك اغارى و حجر ملرى قشلاق مقرر اولدى ملا حظه سندن ايد يلر و تعين اولنان
 قشلا رينه كيمكه متهى اولد يلر كفار جا سوسلرى دخی بحالى كر چك صانوب صورت احوالى
 كفاره بيلد ريلر وقت دخی اربعين و خمسين ائشارى اولغين يكملرى بر طرف اولدى ديور هنر نك
 قصد يله سدر اه ايدن دو نماى كفاز دخی مملكتلر ينه عود ايلشلر ايكن ترسانه كخدا سى
 قدر غه لرايله ترسانه دن على الغفله قلقوب شويله كه نه طرفه كيد چكى كى اربانك بيله
 معلوملرى دكل ايدى واروب حسين پاشا شاي عسكريله و ذخيره كيلر يله بنفشه ساحلندن
 الوب اوچكوند كريد يكرى ب صكره كفار بو تدبير صابى طويد قند پشت دست جيلت
 ييوسلر يندن ان تحير بر ايله حايه قلد يلر و بوندن اقدام عسكر قلعه ايجندن طشره

هضمیوب کافر اولی بر میل قدر بر زده طور و بقریه اردن رعایا شهره گلی منع اید لر دی
 ذی القعدة واسطه بش التي بيك قدر نك بدرك بره كلوب طويسر سل سيف
 خصان هجوم قصد ين ايدوب وافر زرد بالو كتور و بخصار ديوارينه طياوب دخول مراد
 ايند كارند حسن باشايكي بيك مقداري عسكرايله چيقوب جنك عظيم ايلدي
 كفار غلبه صورتين كوستروب عسكري خصار قيو سمنه سورد كرنده خصارده اولان
 دلاور اردن بيكدن متجاوز نهادر دخی چيقوب كفاري كير و توسكروب وافر خناز بر قاچدن
 كوروب بر مقداري دخی اسير ايتمشلرايدی حسيث پاشا كريفه وارد يفتك ايرتسي
 بر مقدار عسكرايله سوده يه چيقوب دريا كنارينه واروب بر قاج يوزقيون سور مكله
 جر اتندن كفار دهشت كشتيدی بری برندن استمداد ايله حد دن افزون اسباب وآلات
 و عسكرا احضار ايدوب بحر اوبر هجوم تدار كننده اولد قريش خيرا لوب در دولت عرض
 و اعلام ايلدي و سوده مقابل طوزليه و انچه عسكرا اسلام يا ييلوب هر خروج كننده
 كفار كچه سن اخذ و اسير ايتمكله اطراف اولان قرارعا ياسي بي پروا حنيه يه كلوب
 كيد راولد يلر ما كولات و لحوم و ميوه مقوله سي استيايه غنا كلوب سائر ذخائر دخی را بكان
 اولدي احوال آستله و وقايع جزئيه ربيع الاخر او اخر نده ساجد ارفضل الله اناطولى
 ايا تيله چيقوب پايه وزارتله مكرم اولدي و اناطولى امير الامراسي نكلى مصطفى
 پاشا استانه يه كلوب صالح پاشا الله او چي وزير مقامند او توردی و شامدن معزول
 كورجى محمد پاشايه و كنعان پاشايه اوزيوك انچه ايله تقاعد احسان اولمدي و خواجه
 حسين افندي حنايه سيله معمار سابق قاسم اغانك استقامتي متعين اولمقله ينه معمار باشي
 اولوب معمار جديد مصطفى اغامعزول و منكب اولدي و جندى خليل پاشا تره دن
 معزول استانبوله كلدي و جمادى الاخره ده مقدما بصره دن عزل و مصادره نصيكره
 ديار بكره والى اولوب اندن معزول اولان مصطفى پاشا كه خاثر زاده سلطان زوجيد ريدون
 امير الامراسي اولوب دلى حسين پاشا بد وندن معزول كلوب حنايه محافظه سنه
 كوند رلشيدى و مستارى مصطفى پاشا سلسله دن معزول اولوب اناطولى دن معزول
 سياوش پاشايه و يرلدي و ماه صفر ده كريد جريره سي نيتنه پادشاه حضر تار نك
 تقيد و اهتماملى اشاسنده بكي قيو يه چقندر دن بعضى بكچير يار غوغا ايدوب بكچيرى
 اغاسي شعبان اغا صاحب تهمت اولان بكچير نك ياقه سنى كسد كه اول بكچيرى
 پادشاه رفيع رفته ايتمكله مضبوطا غالفدن عزل و مرعش ايا لقمه كوند ر ياب مصاحبه
 مشكرو پارتون كخدا سي موسى اغا كه تر سناه امين اولدي مسفون رطاسيله بكچيرى
 اغاسي اولمشيدى و اغالغنه قانون قديم سلطاني اوزن وزارت ضم اولمشيدى و هذا المرم
 ريمهد صكره قملق سياوش پاشا نك خاصلوي دخی الوب بكچيرى اغاسي مشار اليه
 موسى پاشايه تعيين ايتد يلر و موسى پاشا نك اسكي خاصلويكه التي يوك انچه حاصل اولور
 ايدى اندن النوب مقبوله خديجه خاتون زوجي قبوجي باشي بالته جي حسين اغايه تعيين
 اولندي و پنه كريد تدار كننه اهتمام اشاسنده دريا بكر ندين عبدی پاشا زاده طور غود بيك

مغضوبيا مخنوق اولدي و اخر شهر صفر ده دار السعاده اغاسي طاش يارت علي اغا عزل و از عاج
 اولندي جلالی ابراهيم اغا دار السعاده اغاسي اولدي شهر ربيع الاخر ده بيوك ميرا خور
 نفى اولنوب كوچك بيوك اولوب قيو حيلر كخدا سي باوك اغاسي اولدي ربيع الاول
 او اخر نده وزير اعظم محمد پاشا حضر تارى خيلاق زحمتندن خسته اولوب ينه دفع ايدوب
 هجت يولدي سلسله علمار ربيع الاولك يكر ميسنده طلومجي زاده عزل اولنوب
 عزيز زاده بهايي افندي استانبول قاضيسي اولدي و بر وسه دن عصمتي عزل اولنوب
 داخل پايه سيله على پاشا مدرسي و يقينده سراي مفتشي اولان بولوي مصطفى
 چلبى دفعه عنايت سلطاني ايله بروسه قاضيسي اولوب علماسا نر ناسه سبب
 استغراب و كفتكوى فراوان اولدي و سلا نيكدن معزول امام زاده افندي نك بكچيرى
 اغاسي موسى اغا ايله حقوق قديمه سي او لغين موسى اغا مزبورى بود فقه مكر راسلا نيك
 قاضيسي ايتمكله يديضا كوستر مكن صاحب ظهو راو لان خواجه عاليشان متالم اولوب
 بينار نده دشنام و شكراب ظهرو ايلدي و سابقا مولويت اعتبار يله ايصاله قاضيسي
 اولوب بعد النفى و الاثبات عنايت خاصكى سلطان ايله باغراد قاضيسي اولان بشمقي
 زاده يه جمادى الاوليه نقل طريقيه ادرنه قضا سي و يريلوب شعبان افندي معزول
 اولدي و داود زاده اسكدار قاضيسي اولوب سلفي پاشا امامي احمد افندي بالذات
 فرموده پادشاه ايله باغراد قضا سنده نقل اولندي او اخر رجبه منلا افندي حضر تار نك
 محمد و اصغر مكرملى فيض الله چلبى نى دفعه سحاقلى عبايى ايله مهر ماه سلطان
 مدرسه سنده مدرس ايتد يلر و عيد شريفك دور دجي كوني قره چلبى زاده مجود افندي
 صدر رومدن عزل اولنوب عبد الرحيم افندي نصب اولندي و از مير قاضيسي عصمتي
 افندي دن بعض شكاه ظهرو ايدوب بش آي قدر ضبطى وارا يكن معزول اولوب ايوب
 انصاري قضا سندن عجم محمد افندي از مير و داود زاده چلبى اسكدار دن ايوب قضا سنده
 نقل اولندي جمادى الاخره نك بكچيرى التجي سبت كوني غلطه قاضيسي حسن افندي
 زاده محمد و مى مصر قضا سنده نقل اولنوب قوجه كبيري ثانيا غلطه قاضيسي اولدي
 بو اشاده استانبول قاضيسي بهايي افندي كه مظهر التفات پادشاه اولوب اناطولى
 صدرين كند نك ييلور كن اندرون هيايون خلقندن بعضى نافذ الكم كسسه لك بر
 دعواسي ظهرو ايدوب حضور هيايونده كندى و قبل العزل روم ايلي صدرى مجود افندي
 دعوت اولنوب دعوى استماع اولند قده بهايي افندي حكم قطعيله بيش دستك
 ايله جبه فرو شلق ايدوب اجازت ايله قالقوب كند كه مجود افندي متالم اولوب بهايي
 افندي رغبا انهاب قصد يله بن استانبول قاضيسي اكن هر كچه قول كردم ديوسم هماينه
 القا ايتمكله بهايي دخی شبر و لك خدمتيله مامور اولوب هر كچه دور از قه استانبوله
 مبتلا اولدي بعد داود زاده يرينه اسكدار قضا سنده نقل اولنوب بشمقي زاده ادرنه
 قضا سندن استانبول قضا سنده نقل اولندي و سلا نيك قضا سندن امام زاده افندي
 ادرنه يه نقل اولنوب بولوي مصطفى افندي يرينه سراي مفتشي اولان صاري بالي افندي

سلانیک قضااسته نصب اولندی مزبورالی افندی معید افندی به وار دقده بزم حقیرده
غیرت حق ظهور ایندی دیوب بوسوزمنلا حضر تارینه نقل اولند قله یوززاده افندی
معنی استقبالی ایله ایدردیک استر دیو توجیه معقول ایند وکنده بولطیفه دکلدر و اواخر
فی القعه ده حسن افندی زاده مصر دن عزل وبستان زاده احمد چلبی مصر قاضیسی
اولدی عزل معنی ماه ذی القعه ده ابوسعید افندی صدر فتوان عزل اولنوب معید
احمد افندی شیخ الاسلام اولدی علما دن بعض مصر عی کس نواز عالم مقنی الانام عادل
مصر اعنی تاریخ دیشدر بعض وقایع جزئیة مقدما حانیة فتحی خبری کلزدن اول لشکرک عجزی
واسهال وزخیر دن ضعفری خبری منتصف شعبانده ورود ایند که خواجه افندی
برمقدار محزون اولوب کوب اقبالی رجعتیه میل ایتشیدی زیرا کرید سفرینی صدر
اعظم معقول کور میوب خواجه ایله یوسف پاشانک صوابیدی اولغله امر سفره شروع
اولمشیدی بوار القه وزیر اعظم غلبه ایدوب خواجه افندی یک رأی وهمتیله توجیه اولنان
مناصبی اخر کسه له توجیه ایتدر مکه شروع ایدوب انجق یکچیری افندی یکی که ارناد محمد
افندی اون بیک غروش ووروب اولمشیدی انی عزل ایدوب قیون اوغلنی یکچیری افندیسی
ایلدی واون بش مننه دن برو یکچیری قلنده باش خلیفه اولان حسین افندی فی
خواجه به تردد ایند یکی ایچون عزل ایلدی صکره خبر فتح کلد که خواجه
افندی اولکیدن زیاده معزز و ملتفت اولوب صدر اعظم بمعنی یره اظهار عداوت
ونابرجانجا لغتدن شرمند و بشیمان اولدی طور ناجی باشی پر پیچی زاده احمد اغا که
استانبوله کتخد اینک یرینه قالمش ایدی دفعه کتخد اینک اولدی وکریده قلان
مراد اغا سکبان باشی اولوب کتور مکه آدم کتدی و سکنبان باشی قره حسن اغا زاده
حسین اغا کربده واروب محافظه ده قالسون دیو مأورایدی قیودان پاشا اعانتی ایله
کتیوب مراد اغا کتد کد نصکره انک کتیه سی وایکی معتبر اوجاق اغاسی بریده
اولسی معقول دکلدر دیوب بسط عذر ایله استانبوله کلشیدی کریده کتیه ملک تمقی
ایل ماه شواله نفی اولمشیدی ینه عفو اولنوب خانه سنه محتفی اولق اوزن استانبوله
کله که اذن ویرلدی و غلطه لی مسلم دیمکله معروف و مشهور کسه که خسرو پاشا وقتند
اسکد ارزوربار اینک بقیه سی ایدی و نصوح پاشا زاده خروجند کتخداسی اولوب از نکمید
کلدر که زخمجه پاشا سته نصیحت ایدوب بومرتبه به کلد کد نصکره استانبولدن
سکا ساخته مکتوبلر کوندن اعیانک سکافانده لری یوقدر سوزلری لغوه چیقدی
مقتضای حال بودر که اعلان طغیانیه مبادرت ایدسن وزیر قره مصطفی پاشایه غلبه
مراد ایدرسک ایولک ایله متصور دکلدر بکا بش یوز آدم قوش اسکداری ایکی اوج بردن
آتشه اون لم دید که نصوح پاشا زاده عمل ایتمیوب احوالی برکشته اولد قد نصکره
مزبور مسلم دخی کلیمولی قرینه کشان قضااسته درویش صور تنه زاویه نشین اولمشیدی
کشان و یوده سی جامی زاده چلبی باصوب اخذ ایدوب زنجیر ایله استانه سعاده
کوندردی ربیع الاخر ده پادشاه داود پاشا با نچه سنه ایکن کتور دیلر دوالر چیقار یلوب

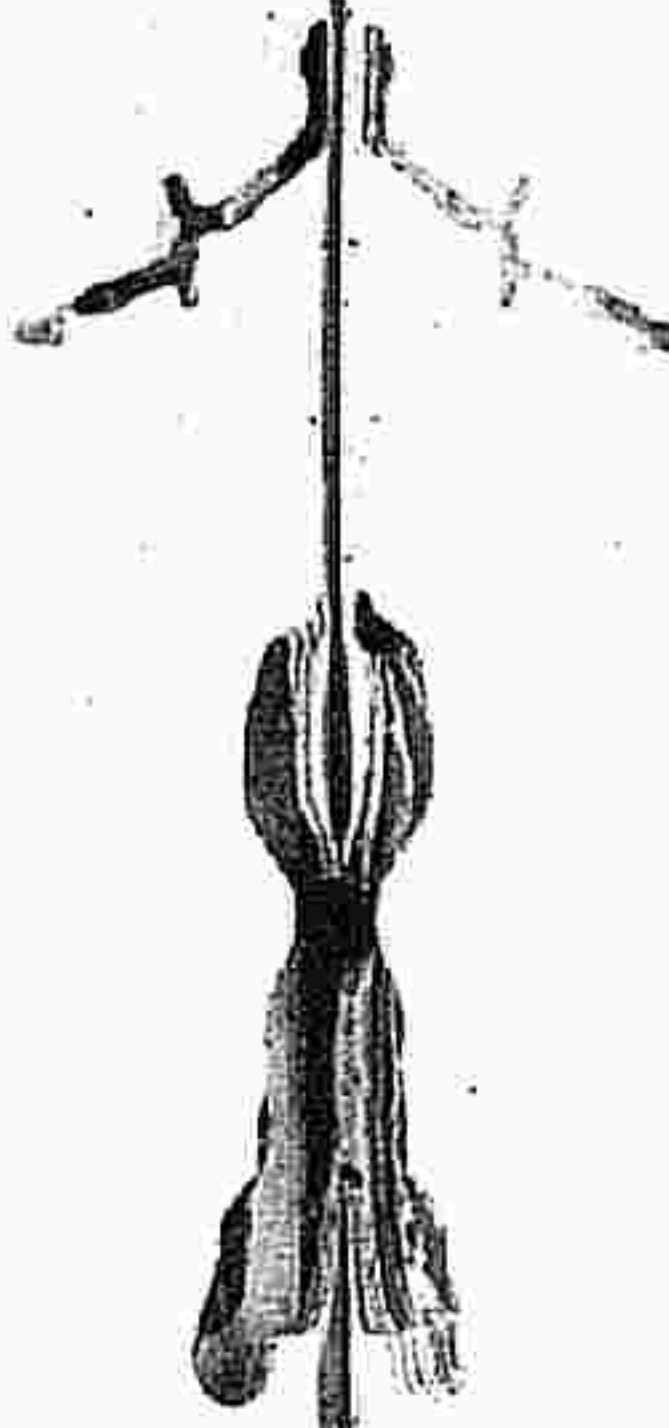
تغذیب اولند قد نصکره رقبه سی ضرب اولندی احراق جمادی الاولینک ایکچی
کیجه سیکه لیله ثلثه در برج انتهاء سال قران بیت رابع اولان برج قوسه منسوب
اولان اما کندن استانبوله ضربخانه قرینه باشی دکاندن حریق پیدا اولوب تقریباً
کیجه دن دورت ساعت مرورند ظهور ایدوب سلطان بایزید حریمی قبولرندن مدرسه
طرفیتی یازرب اندن یحیی قبان سرای و سلطان بایزید حمای اندن ضربخانه و اول
چارشو سرایا یانوب یوزاروز کار ایله آتش بین المغرب و الجنوب توجه ایدوب
میشی حسن افندی اولری و بیوک خواجه زاده منزلی و بالجمله نشایجامی و حمای
مستلزمه منتهی اولجه یانوب اطقایه سعی ایدنر عاجز قالوب مدافعه و قطعی ممکن
اولدی انجق اطرافنی کسر لردی آتش لانتقه ایله قوم قیویه منتهی اولجه یانوب
اول کیجه و ایرتسی اخشام و انجه تمتد اولوب لانتقه دن یکی قیویه و انجه سور قسطنطنیه به
دیانب اولن لیله اربعاده تم قیوایحی و سی و طشره میخانه لروارحوالی صباحه دکیانوب صبح
اربعاده قدرغه لمانه منتهی اولغله اول کون دخی وقت عصره دکه کفره محلاتنی وارمنی وروم
کلدر ساری یانوب کراسته جیلر و چنگانه لره منتهی اولد قده وقت عصره ده بعون الله تعالی
منطقی اولدی او توز ساعتدن زیاده امتداد حریق دیم او توز قرق سنه دن بری معلوم
دکلدر آتش شدن لفظی تاریخ دوشمشدر عزل وزیر اعظم سیمین محمد پاشا و وزارت صالح
پاشا جوان قیو جی باشی دیمکله معروف اولان سیمین محمد پاشا قره مصطفی پاشادن صکره
وزیر اعظم اولوب هر خصوصه مراد پادشاهی به مامشاه ایله منر اجکیورلک وادیسنه
سلوک ایدوب هر هفته پادشاه عالمپناه حضر ثلثینه تفرود و استیاضه محف کراشها هدایا
و یروب طمع همایونی اخذ وهدایا به میل ایتدر دی کندیلردخی ارباب مناصب و عمال دن
مبالغ بیشمار الوب حکامی زمان قایلده عزل و تبدیل ایتک اقتضا ایتش ایدی و اوائل
حاله قیودان مصاحب یوسف پاشا حضر ثلثیه متفق و متحد اولوب صورت طاهرده
محبت و موالات اوزن معامله ایدر لردی لکن پشی علی اثنی علیه و فی القلوب ضعف
مفهومی اوزن مناصب جلیله و رتب علیه اربابی بیننده امور ضروریه دن اولان تحاسد
و تنافس عالم درون درکار و بر برینک فرصتن کوزه دیوب غیضه و نقیصه ظهور ینه انتظار
اوزن ایدیلر تا که قیودان یوسف پاشا خانه فی فتح ایدوب کلوب حضور پادشاهیده
اولکیدن معتبر و ملتفت اولدی وزیر اعظم زوال صدارت خوفندن دامن در میان ایدوب
نخودن بخیبر اولغله یوسف منصرف اولد و غن بپلیوب انی قرب پادشاهیدن
صرف و تبعید بدل اهتمام ایلدی حتی هنوز قیودان پاشا در دولته کلزدن اقدام
کند و به مصر منصبی توجیه اولنق اوزن خط همایون اصدا ایدوب مایه دن مصره
کتیه سیچون فرمان کوندر ملک صد دنه ایکن قیودان پاشا شوکت تامه ایله کلوب قدم
پادشاهه یوز سوروب مصر ایله مدافعه تدبیری عاظمی اولمشیدی وزیر اعظم مکیدت
اخری تدارکنه دوشوب یوسف پاشا حقند پادشاهه دیدیکه شوکتلو پادشاهم یوقدر
خزیننه و اموال عظیمه صرف ایدوب هر نه عرض ایلدی ایسه مساعده اولنوب دریغ

اولنا مشيكن بر قوری قلعه بی صاحبان ایچند اولان کفاری بوقدر کره یوزیک
التون وجواهر نوادریله صاغ و سالم کیلره قویب دارالکفره یوللا مق عقلای شیدر مکرکه
کند و سی کفاری مخفی حقیقوب مبارک عظیمه المش اوله والا بوقدر غنیمت عظیمه بی مفت یره
اللدن چقار مق روامیدر خزانه عامره دن بوقدر بیک کیسه صرف اولنوب و بوقدر بیک
ابطال رجال دوشوب مقابله سنده بر بوش قلعه که بهر سنده مستحفظ لینه بوقدر بیک
غروش آستانه دن کنکه محتاج اوله فتح ایندم دیو پادشاهه ایکی مرمر دیریک کتور مک
برایشیدر مصارفه موازی و مقابل خزانه اغتنام اولنوب اینش افتخار شایسته خدمتیدر
ظنم بودر که کافرستانه یوللا دیغی کفاردن وافر مال و تحف وجواهر التیشدر رسوال و نفخه
ایرام بیور یاور سه ظهور چیقاردی دیو یکه متعلق وافر سوز سوبلدی واقعا یوسف پاشا
حانیه غنا یندن پادشاهه بر قایح اسیر ایله ایکی عدد موزون سماقی احمد بر کدن غیری
اعتباره سزارشی کتور مشلرایدی کلمه الشیخ مطاعه فحوا سی اوزره بوکلمات قلب پادشاهی بی
تغیر ایدوب مال فته و حات مطالبه سیچون یوسف پاشایه صورت غضب کوستروب
یوستاچی باشی یه آل شونی دیو حبس ایچون فرمان ایندی یار اما خواجه افندی والد سلطان
حضر نلری ایله متفقاً تخلیه صبه سعی ایندی یار پادشاه حانیه کی بر قلعه فتحی خدمتند بولنان
قولنری مطالبه مال نامیله حبس ایتمک شان ملوکانه یه دوشتر معنی دکلدر سائر وزرا
و عسکری قوللری بیکزک قلبی تغیردن غیری اعدای دین محظوظ اولاجقار نلر شمه
یوقدر دیوب فی الحال عفو ایندیروب ینه معامله الطاف پادشاهی یه مظهر اولوب
ید النفاثله سرور وین سوده کف نوازش ایندی یار و اثناء مصباح حبتن صعو بت فتح حانیه
و نأخیر امر و نسخیه عسکرک تعب و خسته لکی ذکر صد دند مهمات و عسکر
کوندز مه ده وزیریک عمدت تفصیرین بیایدوب رخصت کلام بولغله وزیردن فرصت
انتقام دردی پادشاهم بسقره ابتدا وزیر اعظمک رضاسی یوغیدی غلطه ده اولان
بالیوس کندویه المش بیک فلو ری وعد ایدوب بوعزمتی فسخه مراجعت ایتیشیدی
اکاباء سفری استصواب ایتیموب منعه مجد اولدی دفعی ممکن اولما بجه مهمات و عسکر
وسائر اوزم ایله امده تعمدت قصیر ایله باعث تعویق و نأخیر اولد بگندن غیری شمدی
قولنری اظهار عداوت و اعدا ام ایچون تشبیر ساق همت ایتیشدر دیوقادر اولدیغی مرتبه
سویلدی پادشاه وزیر اعظمی چاغیزدوب ایکی سی معاضور همایونه حاضر اولد قلندر پادشاه
حضر نلری ینه اول صد دند سوزا چوب قیودان پاشائی تحاشی کلام اولی اعاده ایدوب
مواجهه وزیرده جلیمه الحالی کالاول تقریر ایلدی وزیر اعظم کال تعیین واستقلالنه غرالنوب
کند و صدارتیه زوال احتیال و یرمیب قیودان پاشایه تغافل جواب و یروب
نچون بیله سویلرسن نه مقوله مصباحه تصدیر اولندی عرض ایندی بیک خصم و صبرک
قفسینه مساعده اولندی جلیمه قویه لفظی ایله مشیز خطاب باعتبار ایلدی ماه
شوالک یکر می سکرچی احد کونی وزیر دیوانه واروب قاضی عسکر لرله اوتروب سباط
همایین توقعنده ایکن قیو جیلر کتخدا سی مجد اغا ایله مصباح عجم میر مجد اغا کلوب

۹۱
برخط همایون صوندیلر لالام مجد پاشا مهر می شمدی کوندن سن د یوخی بر سوزلش
اوقیوب همان مهر شریفی چقاروب انلره تسلیم ایلدی و کند و سی قاقوب سرانیه کیدوب
طنطنه دواتی مضمحل اولدی پادشاه حضر نلری مهر همایونی قیودان پاشایه مکررا
تکلیف بیوردیلر ایا واستغنا ده مبالغه ایتیمکین هنوز وزیر دیواندن کتبه مشلرایدی صالح
پاشایه آدم واروب اچر و چاغیزدوب حضور همایونه وارد قلعه مهر صدارت کند و یریلوب
سباط چکمز دن اقدام چیقوب صدردیوانه قرار ایلدی و اول کون بیکچری افندی سی
قیون زاده که ثانی حامد بن العباس اولان وزیر سابقک چراغیدر منصبندن عزل اولنوب
ارناود مجد افندی یه تخمین اولنشینکن ینه صرف اولنوب بو ستانلر ده ساکن قوجه
مجد افندی یه و یرلدی و بیکچری اغاسی موسی پاشا که شکر یاره زوجیدر باش دفتر دار
اولوب بر سیل احبار اشترالولنان کورچی پاشا سرانیه صدر نشین صبه نال اولدی و ینه
شکر یار رجاسیله پر مخی زاده بیکچری اغاسی اولدی اول زمان بعضی طرفا تعمیمه ایله
یومصداغی تاریخ دوشدر یلر مصراع عمل سکر ایله اولدی پر مخم زرده و سابقا محضر اولان
پراهمی اغا که حالا مصوبی باشد رکخذ ایسک اولوب عالم آیین تازه باغلادی قتل قیودان
یوسف پاشا فاتح حانیه وزیر مشارا لیه مهظر انظار پادشاه جهان و نامزد سلطان و سر
عسکر و قیودان اولوب کرید سفر نلر غرامهمن تمشیت و حانیه قلعه سن فتح ایند که
کفره بی مال و جانلریله امان ایله و نلریکه کوندروب قلعه بی ضبط ایتیشیدی و تحف
روز کار دن اولمق اوزره ایکی قرمز سماقی عمود پادشاهه کتور مشیدی وزیر سابقک
مقدماسویلدیکی سوزلر قلب پادشاهیه عقده قاقوب ماله متعلق کلمات اولمغله خاطر دن
کتمش ایدی یوسف پاشا ایسه نفسنده صالح و متدین و عقیف النفس اولمغله نه
کسه دن ناحق یره جلب مال ایدردی و نه آخره خوفا و کرماشی و یرردی نه اب و وهاب
اولان کرمای عصرک انعام و احساننه مالوف اولش خواص مقربین پادشاهی ایسه
یوسف پاشا دن شی کثیر امید ایدوب بر قلعه عظیمه فتح ایلدی و یندن بوقدر بیک کیسه
صرف اولندی مال فراوانه مالک اولدیغنه شمه یوقدر هیچ اولنر سه بر قاج اسیر
هدیه سن الور زامید یله جمله سی امید و اراطف ایدیلر اما یوسف پاشا صلابت صلاح
واستقامتله پادشاهک لطفنه مغرور اولوب بدل مکارم قیوسن کسه یه فتح ایتیدیکندن
خلق دخی ابواب محبت و خیر خواهی بی سدا ایدوب طرف حلاق طوتدیلر مصباحان
و مقربان دائم پادشاهه انک اطوارینی تقبیح ایدوب جمله هنر لرن عیب تقیصنه اولمق
اوزره ذم و قدحه باشلادیلر و اعدای دینی حانیه دن زند قیو و یروب جمله مال و منال لر یله
چیقاروب پادشاهه ایکی طاش دیرک کتوردی ظاهر بو ایکی طاش دیرک غزایه
صرف اولنان بوقدر بیک کیسه قیمت و جواهر اولمق کر کردر دیو کاه جد کاه هل یوزندن مذام
و مغضبه ایله قلب پادشاهی بی تحویل و محبتی بغض و کراهته تبدیل ایتیدیلر
پراهمی دفعه بو معنی ایچون سرزنش و عتاب پادشاهی یه مظهر اولوب ینه عفو
اولنشیندی اما بدخواه لری نه نفاق دن خالی و قلب پادشاهی بی کدورت دن تهی

دگل ایلی امادی الحجه نك يوم رايحي كه روز دوشنبه ايدي سر ايه دعوت اولوب وارد قلع
البته ايج ايلنده اولان بكار يكي ايله همان كيت وار كيدي بتون ال ديو بيور ديلو يوسف
پاشا يراو يوب ياد شاعم رعاي ايه كر استه صالوب حالا كيا يايلى اوز در و وقتزار بعين
اشاميدرموسم سفر ججا اولد يغندن قطع نظر اولد در مير مير اوله اول جزيره ده كجاش
يو قدر شمدى كيدم ديد كه پادشاه غضبه كلوب درونلر نده جا يكي اولان عقده سابق
لسانه كتور يوب سن كندوكى برخد ممتى ايندم صا نور سن بو قدر خزينه مى صرف
ايلوب عافيت بر آلاى ملعونى قتل عام ايتيموب مال ومناللر يله ديار لينه كوندر دك ديو
عتاب بيورلد قلع يوسف پاشا جوابده اگر چه خزينه صرف ايلدم اما كلمة اللهى اعلا
ايدوب اعداى سيف قهر پادشاهى ايله نذليل و بر قلعه عظيمه يي مالك محروسه يه
ضم ايلدم امان طلب ايدن كفارى قتل عام وما للربنى اغتنام برايش دكل ايدي لكن عافيتى
وخيم اولان نقض اماندن صا قندم و بن قادر اولد و غم مرتبه او غور همايو نكره خدمت
ايندم بر قو لكزد خي واروب بن قدر خدمت اينسون ديوبى با كانه سويلد كه غضب
ملوكانه مشتمد اولوب نه يابانه سويلر سكا وا كيت ديدم طور مه كيت يه خسه سنى قتل
ايدرم ديوتيد بيورلد قلع قد يدن التفات ووازشه مألوف اولمش دولتنو حساسه قندن
قلبي منكسروولى النعم از ارندين زياده متاثر اولمعله بى اختيار حالت با سله درشت كوياق
ايدوب شمدى وقتى دكلدر كيدلمز ديد كه بوستانجى باشى حسن اغسا يه قالد رشتونى
ديد بلر يوسف پاشا دخى دلبرانه همان اولد رنه طور رسن ديوبوستانجى باشى ايله چكيلوب
كندى اول ساعت قملنى فرمان ايند كند صدر اعظم صالح پاشا اياغنه دوشوب رجا ايلدى
مجال اوليوب بر قاج دفعه آدم كلوب هر برينه نأ كيد فرمان اينديلر بر ساعتدن زياده
نأخير اولوب وزير اعظم صالح پاشا و دفتر دارموسى پاشا خارج قصرده كريان اولوب
هيچ برى تخليصه قاد اوليوب بالاخره خاصكى اغا كلوب قيو جيلر كنداسى ايله
بوستانجىلر حنقه مباحثت ايدوب معاودت و مراجعت مفيد اوليوب اول غازى
وزيرى ره رودار اقرار ايدوب ايلدىكى خدمت مقابله سنده مظهر جزاى ستمكراولدى
مورخ نقل ايدر كه قبيل وقعه كچه سى بوستانجى باشى حسن اغا و ياده كور مشكه مزبور
يوسف پاشا ايكي النده ايكي طبق كاغد دن مصنوع لوح مزار طوتوب اوزرنده كابت
اولنل اياتى قرأت ايدر بيدار اولد قلع خاطر نده بوقالمشكه يوسف بن عبد الله جنتل كسن
انشاء الله ديرايمش اول صباح وقعه هائله ظهور ايدوب هر كس مغموم و محزون
اولدى و سبت كوئى عيد اضحى اولوب عيد اضحى سلطانى تاريخ دوشدى فذل كه ده
يازركه پاشاى مشار اليه بوسنوى الاصل ايدي عورت با زارنده ساكن باوك اغاسى
ارمنى مصطفى اغا خدامدن اولوب اغاسى وفاتندن صكر حرم همايونه كيروب
يولى ايله ساحد راواشم ايدي سلطان مراد مر حومك نديمى ساحد ارايكن تقرب ايدوب
منظر التفات يي پايان اولد بغي قربنه سى ايله مزبورى دخى سلطان ابراهيم خان اول پيله ده
مصباح و نديم ايدنيوب وزارتله طشهره چيقار دقدن صكره ايكي يا شنده كرمه لرني

ترويج ايله شائى عالي قيلول قبودان و سردار ايلديك دو نيم ايله واروب كريد فخي
مقدمه سى باعث و دور ادور سفر لر طهور ينه مزبور ايله بخي خواجه سبب حادث
اولشيدى چون پادشاه كامكارك التفات و غضبي متعاقب و مشر بلرينه تلون غالب
ايدى سفردن كلكده ذكر اولنديغى اوزن ادنى سبب ايله ازاله اولندى پادشا مرحوم
وزير مرقومى بوغدرد قد نصكره نادم اولوب ميتنى حضور كنور دوب نگاه مرحمت ايله
نظر ايلد كه نه كوزل قرمى الما كى يتاقلرى و ارايمش يازق اولد يكه قيدم ديوكريه
هاى هاى ايله واقربكا و سبب اولنله بد دعا ايلد كلى تواتر مرتبه سنده شايخ اولمش
ايدى پاشاى مزبور حد ذاتده متدين و صالح وجود اولوب حد ائت سنى ايله مشيخته
لايق و امور جمهور تدبير نده سائر اقران و امثالندن فايق كسه ايدى معمر اولسه نجه خدمت
ايتيك شائندن و كار كندار لغى صيفه خصال حميده سى عنوانندن ايدى فقير دير مكه
ساحد اريوسف پاشا نك قتلنه صور تار سبب مستقل يوغيدى اخج قره مصطفى
پاشا نك قتل خصوصنده خواجه حسين افندى ايله متفق اولوب ايله بر كار كندار وزير
اعدامنه اقدام ايلدىكى جرمك مجاز ايندركه امر حق ايله بوصورتده مرور ايلدى ذكر احوال
صرحد انكروس سابقا ذكر اولنديغى اوزن نجه ايله فرا نجه نك امير اطور لوق خصوصنده
نزاعلى سببى ايله اسوج طائفه سى فرا نجه تحريكى ايله جرم ماينايه نجه قراللى
ولايتلرينه عسكر چكوب يك قرق تار بخندن برو غارب و خسارتدن خالى دكل ايدى اسوج
تحريكى ايله اردل و يوده سى راقوى دخى حركت اوزن اولوب نجه ديارلرينه تجاوز و نديدن
خالى اوليوب سنده مزبور اوانلنده اكره يه قريب بالفعل نجه امير اطورى تصريفند
اولان سمندره قلعه سنى محاصره ايلدىكى عرض و اعلام اولند قلع نجه ايله مجددا
منعقد اولان صلح و صلاحه نصريح اولنديغى اوزن اردل حاكمى نصريفند اولان ايدى ناحيه يه
قناعت ايليوب نجه طور اغنه مداخله ايلد و كنه رضاي همايون اولما قلع انواع تنبيه
و نأ كيدى مشعر صدر اعظم طرفندن مكتوبلر ايله بكار ده چاوش مجد كوندردى
ربيع الا ولك اون سكرنجى كوئى مزبور چاوشريدونه واروب حسين پاشا آدم قوشوب مکتوب
ايله اكره يه كوندردى اكره پاشاسى دخى فارسان اغاسى مختار اغاني قوشوب كوندردى
راقوى مقدمه محاصره ايلدىكى سمندره واروشنى خراب ايلد كند نصكره فراغت و نجه نك
قيلك نام قلعه سنى دخى محاصره نيتى ايله اول طرفه عزيمت ايتشيدى انك دخى واروشنى
ياقوب بيقدى محل مزبورك ايكي ميل قربنده واقع ريمه سوينوب نام قلعه قربنده چاوش
مزبور راقوى يه ملاقى اولوب نتيجه نامه يي كندويه تسليم و فرمان اولنان خصوصه
نظم ليدن كه انواع تعلل و بهانه ايدوب اسوج ايله اتحاد و اتفاق و مابينزده نجه عهد و ميثاق
اولمعله ملاقاته كيدرم ديد در عقب قاقوب بد و نه بش ميل قدر قريب رده سنجان نام محله
كلوب اذن كرمات وليوه اوزرندين اويون واروب اوتنه جانندن دخى اسوج عسكرى كلوب
ملاقى اولق اوزن بريره جمع اولور سه بوجاننه دخى خير كوز غزديو حسين پاشا عرض ايلدى
مزبورك جمعيتى سببى ايله اكره و خطوان و نو يغراد و صولنق و سنجان قلعه لينه تابع دورت



بشویوزیان قلعه که بوجانبه ویرکویروب اطاعت اوزن ایدیلر خراب اولوب رعایا فرار
ایتمکله کره ویدون نفراتک مواجبلیینه یوزیوک آنچه دن متجاوز کسر کورینوب زعما واریاب
تیمار محصورلرینه کلی ضرر اولدی احوال عچه فردنیاندوس ایمر اطوره طرف
سلطنتدن ایلک ایله کیدن یوسف چاوش ربيع الاخر ک بشخی کونی بج قلعه سنه
واردقه اعیان دولتی استقبال ایدوب انواع اکرام ایله ایمر اطور کتوردیلر نامه همايون
ایله طرف شهر یاریدن کوندریلان هدایای ایلنوب بولشد قده اناغ اوزن قاقوب
استقبال وزیاده اکرام ایتدی مزبور چاوشک روایتی ومکتوبی اوزن بواشاده اسوج
عسکری طونه نك قرشویقه سنه واقع بج قلعه سنه تخمینا سکر میل یرده نمچنك
برینام قلعه سنی محاصره ایدوب نچه زماندن برودوکوب وراقوچینك سر عسکری
یا قوس دخی آق یا ییلاقك اونه یوزنه بج قرالی مملکتینه کشت وکنار وتعدیسندن
قری اهالیسی فرار ایدوب راقوچی دخی حرکت وجعیت اوزن اولغله ایمر اطور غایت مختیر
ومضطرب اولوب بج حصاری اطرافنه قوی خندقلر چکوب یکیدن قبول وقلعه اطرافنه
طیراقدن سدرلر یاپیدردی برادری بوندن اقدام عزلت نشین اولمشیدی اتفاق اعیان
ایله کتوروب سردار تعیین ایتدی ویکرمی بش ییك قدر عسکر ایله تونه نهرنی کچوب
اسوج عسکری اوزرینه وارمق امر ایلدی وقومران قیودانی اولان غروف بوهامی دخی
بوقاس اوزرینه سردار ایدوب اکادخی نمچه وخر وات عسکرندن یکرمی ییك قدر
لشکر قوشدی ایمر اطور یوزون صحراسنه درنك ایدوب باکان اوغلی وزرین اوغلی
ونادارلی اوغلی قرال یانسه کلدی وعسکرلرندن تخمینا اون اپکی ییك آدم افراز
ایدوب یوزون صحراسنه میا طور دیلر که راقوچی عسکری ولا یترندن چیقوب کتورسه
اوزرینه وارلر وراقوچی نوه قلعه سی التمه ایکی کون اوتوروب بعد سپندیک نام محله که
معدنلر سمیتدراویانسه توجه ایلدی ونمچه عسکری بواسلوب اوزن اوج بولک اولوب
هربری برخصوصه مترقب طور دیلر بونلر یاغ اوزن اولغله بوطرفه بوسنه عسکری اوسکره
جمعیت ایتک فرمان اولندی یا قوس دخی آق یا ییلاقك اونه جانبند مورلیه کچوب ایکی ییك
قدر عسکر ایله اسوج فرقه سنه ملاقی اولوب نتره نام قلعه یه کلدیلر در دولتدن ارسال
اولنان مؤکد احکامه راقوچی اصلا اعتبار تیموب نمچه یه تعدیدن ال چکمدی او یوار قیودانی
فورغاج مجار عسکرینه سالار اولوب نمچه سرداری قومران قیودانی غروف بوهام یانسه واروب
عسکری طونه یی کچوب فیالک اوزرینه توجه ایلدی جمادی الاخره ده حسنر یاشایه مکتوب
کوندروب راقوچینك صاحبه مغایر حرکتی وکنندیک مملکت محافظه سیچون سردار تعیین
اولندی غیری ملاحظه اولتمه دیو اعلام ایلدی بالاخره بدون بکلر بکیمی حسین یاشا
طرفندن مزبور وراقوچی یه آدملر ومکتوبلر واروب حسن معامله وثقیه و تآکید
مشعر نصایح ایله مایه نلری اصلاح اولوب ماه رجب راقوچی قاشایه عودت ایتکله غروف
دخی بجه روانه اولدی بواشاده بدون سرحدینه باروت وروغن نفت وزفت وبعض
مهمات لزومی عرض اولغله اون سکر عربیه مهمات جبه جیلر چور باجیسی ایلله

کوندرلشی ایدی ماه رجب واصل و سرحد لوره قوت قلب حاصل اولدی
وبواسلوب اوزن نمچه واسوج کشاکشه اولوب ارارنده جنگ وفتنه اوزادی بالاخره
ایمر اطور فرامچه واسوج مرادی اوزن صکره صاحبه رضا ویردی تمه بعض وقایع
جزیه وزیر شهید ساحدار یوسف یاشانک ضرابی که ابراهیم یاشا سرایید صاحب دار لقدر
چیقان فضل یاشایه ویریلوب مصباحک و سلطانه نامزد اولق وعزت سائر که یوسف
یاشا مرحومک سبب افتخاری ایدی جمله سنه فضل یاشا مظهر اولوب الا قیودانلق منصبی
قوجه موسی یاشایه احسان بیورلدی اواخر سنه مزبور ده شهرزاده سلطان محمد خان
حضر نایینه مغنیسا منصبی ویریلوب وزیر اعظم اغالرندن یحیی اغا مسلم نصب اولنوب ضبطنه
کوندرلدی بکچیری اغاسی پریمچی زاده نك اغالغنه وزارت ثلثه ایله مصباحک ضمیمه
قلندی خسف ذی القعدة نازی وکوزل حضارده قیوجوق ویکجه نام قریه لرده خسف
واقع اولوب یوزون آدمک نمازی قلندی وروس مخوس طرفندن یدی یان شیفه ایلله
قزاق استقیاسی چیقوب طر بزون ساحلرینه ایرشد کارنده طر بزوندن معرول عمر یاشا
زاده اتباغیله وایل ارلر یله ایریشوب ملعونلری سوروب اوروب قیروب اکثرین باغلیوب
شیقه لری دریایه اچیلوب کندی و بو خدمت مقابله سنه عمر یاشا زاده محمد یاشایه
پادشاه خلعت ووان ایالتن احسان ایلدی ماه جمادی الاخری سالخنده عقد راسدن اوج
اصبعه قریب کسوف جزئی واقع اولدی برج کسوف اسد مستولسی زخل سادسه ده
طالع کسوف قوس مستولی مرغ زهره غطار دعا شره ده ایدیلر و ماه ذی الحجه نك نصفته
چهارشنبه کیجه سی صباحه قریب برج اسد ده خسف کلی ایلله معاهده ووزلره واقع اولدی
احکام ناییری محله ذکرو اشارت اولنه حقد رحه ده ماه جمادی الاولینك اون یدنجی خمس
کونی بالد فعات استانبول قاضیسی اولوب الی الان عمل مانده ومنسی الاسم اولان طولوچی
قوجه حسام افندی فوت اولوب جنازه سنی سلطان محمد جامعنه چقدی رحمة الله علیه
کویا که معاذ مره حقه سوبلین شعر بونك حقه سوبلش ایدی شعران معاذین مسلم
رجل ایس لمیقات عمره مدد قد شتاب رأس الزمان واکشیل الدهر واثواب عمره جد دقل
لمعاذ الامررت به قد صبح من طول عمرک الابد یانسر لقمان کم تعیش وکم تسحب ذیل الزمان
یالبد قد اصحت دارادم خربت وانت فیها کانک الوتد نسأل غریبا نها اذاجلت کیف یکون
الصداع والرمذ غرایب ندرکه سردار یوسف یاشا عسکر اسلام ایلله حایه محاصره سنه
اولوب جوامع عسکر نصرت اثر ایچون دعا فرمان اولمشیدی حسام افندی مرحومک
جنازه سی دعا کونه مصادق اولوب خاص وعام جامع ابو الفتح غازی محمد خانک ایکن
کتوروب مصلا اوزرینه قودیلر نمازینه شروع اولنوب تکبیر اولدن ماعد اسنی جامع ایچنده
اولنلردن برکسه ایشتمیوب دست بسته قلور لر بعد کوررلر که قیام ووقوف حددن کچوب
تکبیردن اثر یوق خلق مختیر قلوب اول محل فاتحه ند اولند قده اللرین چه زوب بر لرینه
بقارلر جمله دن صدر اعظم محمد یاشا یاشا مفتی افندی یه باقوب بونه اصل نماز در دیر مکر
جنازه سی طشره ده یلنلر نمازین قیلوب کوتور مشر ابو سعید افندی دخی وزیر مراد بردعا در

دیو جواب و یروب خواجه افندی. اشوری قره چلی زاده عزت افندی طوز زدی همان
 فقاقت صا تو ب صلوة جنازه در اعاده و قضا و لغز دیو جواب و یردی وینه بوماه اچره حافظ
 بغداد محاصره سن ایتد کده کتخدا ییک اولان اسکی اوجاق اغارندن بهرام اغا و شام
 مولوینندن معزول اتاودا و افندی مرحوم اولدی یلر وزیر اعظم سابق محمد پاشایه نیکبولی
 و بولی سنجاقلری اریه لقی و یریاوب سردارلق ایله کریمه ماور اولدی بلر و سانیه محافظه سنه
 اولان کوچک حسن پاشایه آستانه یه کله سن دیو فرمان همایون ارسال اولندی حسن
 پاشادخی حسب الامر اسارادن برکروه کفره یی کیلره قویوب آستانه یه کلوب اسیرلری
 حضور همایونه عرض ایتد کده او توز مقداری کفره یه سیاست فرمان اولنوب ادرنه قیوسی
 وایوب انصاری قیوسی خارجلرند کار خند قده ملا عین قازغه اولدی و حسن پاشا مظم
 التفات پادشاهی اولوب یرار لغله رجال دولت بیتندن موقر و محترم اولدی بغداد دن معزول
 حیدر اغا زاده محمد پاشا خرذی الحجه ده کلوب رکاب همایونه امد ایتدی یکی پیشکشلری
 مقبول همایون اولوب قبه التتد عداد و زاده قعود فرمان اولندی و بغداد ایالتی حلبدن
 معزول ابراهیم پاشایه و یرلشمیدی وقایع سنه ست و خستین و الف سا بقا فرمان عالی
 موجب حجه حسین پاشا و احمد پاشا مور ایالتلرینه کلوب عبور اید نجه تحریر ایلدی یکی سیاه
 و یکجیری حایه قلعه سنه کچوب انده موجود اولنلری یوقلیوب ایکوی ز نفر سیاهی و یوزاللی
 نفر یکجیری دفتر لری در دولتله کوندرلدی غره محرمه مقبول همایون اولوب دفتر
 یکدی یلر اول سیاهیلر تودوری قلعه لرینی محافظه یه قوندی اطاعت کبسمو عایه توابعدن
 جزیره نك طرف غرب و شمالدن کبسمو نام قلعه لب دریاده واقع اولوب ایچنده ایکوی ز قدر
 سولتات تمکن ایتمکله سکانی حسن پاشا و حسین پاشایه کلبوب اطاعت ایتمکله سکبان
 باشی مراد اغا سردار تعین اولنوب پیاده و سوار اوج ییک قدر عسکر ایله محرم الحرامک
 یکر منجی کوئی وقت غروبده کوندرلشمیدی ایکجی کوئی علی السخر وارد قلدن قرشو کلن
 کفار بوزیاوب حصان سکر دنلرک پای ثباتلری متزلزل اولوب قلعه یی و یردی یلر دور تیوز قدر
 زن و دختر اسیر و عنایم النوب سلامتله اولکونینه حایه یه کلد بلر اخذ اولنلر ایکوی ز قدر
 کفار من بعد قلعه لرینه سولتات قومیوب انقیاد شرطیله امان و یرلدی یونندن صکره سائر
 سرکش رعایا دخی یومافیه و ما کلوب عرض انقیاد ایتمکله باشل بلر بفتح محرمک یکر می سکرند
 اولاق ایله کلوب رکاب همایونه ناخیم اولندی و مقدمایه سف پاشا مور دن حایه یه
 یکجیروب انده بنا اولنان اوج جمعک متولسی مونی زعیم سنن اغایه نسیم ایتدی یکی یوزدن
 زیاده اتلر که شهر ذمیلرینه توزیع اولنشمیدی النوب عسکر اسلام بهادر لرینه توزیع اولغله
 بوزمانه کلجه قرق قدر سوار انجق و ارایکن یوزاللی به بالغ اولوب اطرافه کرن حر بی کفاری شکار
 ایله قوت قاهره اسلامیه یی آشکار ایلدی تدبیر کفار قندیه دن حسین پاشایه جاسوسلر
 کلوب خبر و یردی که کفار قلعه لرینک اسخکامیه چندان مقید اولیوب کوجه بندلر و تاسیه
 یا یروب طوبلر و جبه خانه و باروت و سائر لوازمه مال مال ایلدی و اطراف قریه لردن
 اون بشی ییک قدر رعایا جمع ایدوب ایچلرندن قتاله قادر سکر ییک قدر کافر انتخاب ایتد بلر

وون ییک اطرافند دخی اون ییک قدر سولتات و سکر یوزا تو جمع اولوب زاکیس نام محله
 داخل اولد قله اتلری دخی کچورمک اچون سوده دن یوز تونلر کیدوب سائر نك جمله سوده ده
 جمعیت ایتد کدن صکره کچی رعایا سوروب حایه یی محاصره و کچی دونه ایله محاصره
 ایتد جکر بن بلدرمکه در دولتله عرض ایلدی سوده نك طشره طرفند دیواری اوکنده
 اولان میدانه طبراق سوروب قلعه یی طوپدن حایه یی چون سد ایلدی بلر یرو طرفدن
 حایه خند قنده دخی سرا پا خندق کسد یروب اچنه صولر افندی و برج و بارولرینه محکم
 متر سائر ایتد بلر و سوده دن بر کافر فرار ایدوب محاصره ایتد جکر بن خبر و یرمکه دونه ای
 همایه نك علی التجیل امداد ایر شمه سنه در دولتله اولاق کوندروب امداد و ذخیره کچورمک
 اچون سوده کیلرندن اون بشریکر میشر چکدر لر ایله یوز تون و بنفشه نگار لرند دایما کرمک
 اوزن اولدیغی بلدردی صفرک وائلند سوده لیاند اولان کیلر دن قرق دورت قطعه یوز تون
 اطهار اوزرینه کیدر نامیه جیقوب کتد بلر و اوئنده او توز یان چکدر لرلی کلوب داخل
 اولدی اول اشاده قوری نالی نام قریه نك قبودانی حایه یه فرار ایدوب اسلامه کلد کده
 خبر و یردی که سوده قحط قدر ولکن کیلرک کور کیلری ناقص اولغله اون پان سی تدارک
 اچون قندیه قلعه سنه کیدوب سائر کیلر لیان نك حایه یی جاقندن واقع طوز له کارینه
 کلوب جمعیت ایتد جکر بن خبر و یردی محاصره حسین پاشا کروه کفار بالذ فعات سوده
 لیاند اولان سفاین صولتیق اچون طشره چقمقدن قلوب ز غلر نجه لیان نك بر طرفی که
 صکر اسلام قراوللرینک مکانی اولان طوزله نام لب در یادر بر قایح یان چکدر لر ایله ایکی
 ییک قدر کافر صفرک یی نچی کوئی محل مزبون کلوب حسین پاشادخی بر مقدار پیاده
 و سوار ایله وارد قده ملا عین هجوم عزاته تحمل ایتد میعب بری برین بصره رق صندالره
 جان اتد یلر بهادران غزاة اید کله رینه امان و یرمیب قتل ایتد بلر نجه سنی دخی صویه دو کیلوب
 یوزدن متجاوز کلا ییک باشی کسلدی کنان دو کیلان آلات و مهمات طایوری الامیوب
 کیلرینی الارغه ایلدی یلر یونندن صکره یینه طایور قور و رق امرند مصر اولوب ماه مزبورک اون
 اوچنده بشی التي قطعه قدرغه محل مزبون کلد یلر خبر النوب بر مقدار عسکر ایله حسین پاشا
 اوز لرینه واروب سائر چکدر لرلی دخی اول کنان کور کن کورد کلدن کیر و دوتوب غزات
 اسلام دریا کنارینه چقان کافر اوزرینه هجوم ایلد کده قدرغه لردن طوب و یرودن تفمکه
 خیل جنک لرایدوب بعون الله تعالی بر فرده ضرر اصابت ایتدی طشره ده بولنان کفار کیلرینه
 فرار اید نجه یتش قدری مقتول و اکثری مجروح اولوب دریا کنارندن قدرغه نجه فرار
 ایتد جکئی بلدی مقهور و منهزم سوده یه وارد قلدن سوده یه قریب اوقرون نام محلدن
 ایکی قبودان ایله اوچیموزانی کافر کتوروب اسلامیا نك طوزله یه کیدر یولی اوزن یوسویه
 قودیلر و طوزله یه کیر و التي یدی قطعه قدرغه لرلی کلوب خبر و یرد کلدن حسین پاشا
 او توز قرق اتا و ایله طوزله کورینور برده شکان واروب کورکن یوسولری اوزرینه و غرایب
 کفار یوسودن چیقوب اوزرینه هجوم ایلد کده عظیم جنک اولوب بفضلله تعالی
 آرزمانده کفار بوزیاوب مجروح اولنلر دن ماعداللی دورت کله و قرق سکر دیری کافر ایله

قبو دانلرنيك ايكيسي دخی اخذ اولندي بوجنگكه حسين پاشا كندی ایله بش اون كافر
 قتل ايتد كدن صكره مار قود يكله معروف برنامدار قودانی يقوب قهرمان واری بنده چكوب
 گرفتار ایلدی بو ند نصكره حسين پاشا فرط اقدام وشجاعت ایله بلند آوازه اولوب صیت
 وصدای استهاری دیار اعدایه ووله ویردی حتی مصور لقیطاس نام اسب سیاه صبار قنار ایله
 قصورین یازوب فرنگستانه و اطراف بلادده كوندردیلر معرکه دن قور تیلان بقیه
 سیف اولانلر کیلرینه فرار ایدوب پراکنده اولدیلر اسیر له سوال اولند قند بکندن
 او توز قطعه چکدر رقایق اوله بشر او ز جنگیاری قند یه ده جمع اولدن خالی دکلدر
 تدبیری جمعیت تمام اولد قند دو نمایه قرشو كتمکد را کوروار منزلیسه مهمات ایله کلوب
 قوه دن ودر یادن حایه بی محاصره ایله جکدر درد یو خبر ویردیلر مقصد ماقند یه دن طایور بنا سنه
 ارسال اولنان معمار اسیر لرا یچنده بولنوب تعین کسب ایلدی حایه ده اولان اعیان عسکر
 کلوب پاشایه تهیه غزالیدلر بودفعه کفاردن انان انلردخی عسکره توزیع اولنوب سواران
 قتره کزارك عددی او چپوز قدر اولدی و اطراف اولان رعایا لك اکثری بی تکلف کلوب
 کیدوب عسکر ایله مانوس اولدیلر محاربه کفاردنوز جخه اطه ماه صفر ك یکر میسنند وندیك
 کافر نيك بکرمی یان قلیونی بوزچه اطه یه دوستوب قصد ایلد کرتده قلعده دن ضرب طوب
 ایله بری غرق اولوب نیاشد مرد قنر نه کافر جزیره نك جانب قبله سن طولا شوب پیراز
 ثماندن اردو کوب قلعده یه حواله دکر مناك نام ربوه دن طویلرینی قلعده یه چكوب محاصره
 ایلدیلر دو نیا و سردار بوغازه وار مشلر ایدی ترسانه كخداسی حجاز اوغلی یکر می قدرغه
 ایله کوندربوب حصار منور آمد ادینه ارشك فرمان اولندی حصار منور ك باروت و مهماتی
 اولما قلعه قلعده لیانده بولنان یوچلی کیلری خلقی كوچك حصان کیروب طویلری و باروتلری
 ایله برایی کون جنگ وید افعه ایتدیلر و زیر سابق سردار محمد باشا کله یولیدن سلطانیه
 قصبه سنه کوب انده متمکن جامع صاحبی طویل احمد اغا بشیوز مقداری تفنگ
 اندازلوند قازغاغی انگلرندن جمع ایدوب وزیر مرقوم بشو غروش وروب بونلر بمقدار
 یکریری ایله قایقوله قوییلوب جر بره استخلاصنه کوند رلدی بوشاده سابقا کیریدن
 کلن روم ابلی بکمر بکیمی حسن یاشاد و نیا عسکر یله یله بولمغه بش قدرغه نی یانیه الوب
 سردنکجی دلاور ایله واروب علی الغله کفار اوزرینه دوکیه وب هجوم ایتد کونده کفسار
 اورکوب حصار دن فرار ایتدیلر و کیلرینه کیروب تیمور قویاروب اناطولی کنارینه چکد یاز
 بوزچه اطه قلعده سی بو طریقه خلاص اولدی محاربه استر نی در کیرید سودنك حایه طرفنه
 اولان قرشو سننده کافر ك استر نی نام متین قلعده مثابه سنده بر عظیم مناسقری واریدی
 سودمیه حواله اولمغه اطرافه متر مارقور یابوب ایچنه اوج دورت یك تفنگ انداز کافر کیردش
 ایدی فرجه بولد قچه چقوب حایه دن سودمیه طوب کیده جك بوللر طاشلردو کوب سد
 ایتك قصد نده اولور ددی صفر ك بکرمی برنجی کونیه عید نهاری ایدی حسین پاشا بمقدار
 پیاده و سوار ایله واروب اول یوللری تخلیه لیدر کن گروه کفار حبه و خوشن ویرا قنار ایله چیقوب
 متر یسه کیردیلر و مناسقری اوزر نه بر مقدار طوب و تفنگ اتغله پراز جنگ و قتال اولدی

کافر یقین گلکه اقدام ایله میوب قلعده التندن کفاری ارمق ایچون قچامق کوستر یابوب
 پاشا قدم بر قدم اول جوارده واقع اولان ییل دکر منلوی جانبنه طوغری واردی ملاعین دخی
 هرور ایله اردلرینه دوستوب طویدن ایرلد قند جمهور دلا و ران یکیان دونوب کفار
 بر مرتبه قلیج اوردیلر که مثلی سبق اتیماشیدی ایلر بولنان یکر می او توز سوان بریلم تفنگ
 اتلد قند فران ییز طو یچق اتولر ك هر بری یدیشر سکر ر کافر کسوب صکره وارنلردخی بوش
 قالدی ملاعین طوب التمه جان اتق ایله فران باشلدی ممکن اولیوب اکثری بکه یاشی ایله
 قالمشیکن نه غازیلر بشوب چوغنی طعمه تیغ ایتدیلر تیش سکر کله بکرمی اوج زنده
 کافر گرفتار اولوب میانلر نه زیاده معتبر اولوب یوز سورد کاری بیاض اوزن مصور صان
 مار قویو اغنی خدام پاشان احمد اغا نام یر دلا وریبر اقداری ایله کتوروب حضور پاشایه
 کتوردی پاشای کشور کشادخی اون قدر کافری ییقد قند نصكره بر سنده اهن پوش کافری
 قاپوب خیل کتوروب قفادار اولان خد متکان تسلیم ایلدی و یوز کلو جنگكه عسکر
 اسلامدن بر قردك بورنی قنایم یوب سلامت ایله حایه یه کلدیلر نسخیر قارد نیال بوندن
 اقدام مزبور قلعده نك بالو باشلرینه خطا یلو برنام جاسوس ایله کاغد کوندربوب شو یله که
 یاد شاهك اماننه کله سز مراد یکره کفیل او اورزدنیش ایدی پس اول اجلدن ارالینه
 تفرقه دوستوب ایدکیوزاللی نفره باش و بشیوز نفر یاشی ایله سکر یوز نفر صاحبی که قارد نیال
 دیر لر اتفاق ایدوب نفر یاشیلر دن بر قیودانلرین محاربه کونینك ایرتسی امان طلبی ایله
 حایه یه کوند ر مکین النان باشلر و اسیرلر ایله پاشا غایم حایه یه کلد کد بولشوب امانلرینی
 عرض ایلدی قبوله قرین اولوب اول کلن قبودانك کفالی ایله اخذ اولنان بر قدار اطلاق
 و انواع احسان وعد اولمغه امان نامه ویریلوب مزبور قارد نیال صفر ك یکر می دور دنده فرصت
 یو لوب اول اپکی بالو باشلر و التمشیدی نفر خد متکارلری ایله فرار ایدوب حایه یه
 کلد کلر نه پاشا هر برینه خلعتلر و کلی احسانلر ایتدی بعد مزبور لر نفر لر عتری امان ایله
 اخراج ایدرز دیور مقدار عسکر ایله قلعده لری مقابله سنه وارمق رجایلیکن مراد اغا پاشا
 كخداسی پیاده و سوار ایله قوشیلوب وارد قند قلعده ده بر مقدار ارا تا و کفاری اولوب موافقت
 ایتیمکله اخراج ممکن اولدی و مقدماء واقع اولان اتلو محاربه سنه و طالا بو استر نی جنگكه
 اخذ اولنان کافر لر دن احوال ییلوراییکی کافرو قارد نیال و کخداسی یانقوو سرنانز
 نیقو حاجی ابراهیم اغا ایله دردولته کوند رلدی کلد کلر نه حسین پاشا براسیله کلی التفاتلر
 اولندی بر کون غلطه ده وندیك بالیوزینه واروب بولشد قند ضیافت ترتیب ایدوب حیل
 ایله الیقویوب کچه ایچنه تلف ایتیمکین بالیوزمو اخذ اولندی و محاربه ده اخذ اولنان
 استاد مهندس معمار کیریده اولان قلعده لك جمله سنی حسین پاشا تصور ایتد یروب
 دردولته کوند ر می ایدی کلد کله منظور یاد شاهید پسندیده اولدی و ربیع الاول
 ایتد اسنده قندیه جنرالی اون برچکدر رودورت ماونه دوادوب بوغاز سمتنه یوللادی
 و بوندن اقدام او توزش قطعه بورتون و قلیو نلری سوده دن چیقوب اول سمتده و غری
 کتمشولریدی محاربه دو نیا در بوغاز چون حایه طرفندن حسین پاشا نك عرضی و مکتوبلری

ایله اولاق کلوب احوال معلوم اولدی دو تئمای همایون اول بهارده ایرشک ازومنی ركب
 همایونه ناخیمس ایندی یلر محمد داغجه سفاین دونانوب مرتب و مکمل دو تئمای ایله قیودان
 موسی یا شادریاد نوز بر اعظم سابق سردار محمد یا شادریاد نوز بر اعظم سابق سردار
 ارسل اولنوب کلیبولی به وار مشاییدی ر بیع الاخرک اوچینی کونی سردار
 محمد یا شاد و تئمای کلیمولیدن قاقوب کفارک یکریمی التی پاره قلعه مثال
 قلیونلوی بوغاز دن طشره مغار زکور قزی اطرافنده صولانور ایکن اوزر لینه واروب
 کوزند کله ملاعین فوجیابری براغوب جمله یلکن اوزر لینه کلوب بر مقد اردریله چقدیلر صلا
 اشراق وقتی جنکه مباشرت اولنوب ایکندی وقتنه دك عظیم تفنگ و طوب جنکی اولوب
 کافر قیودانینک کیسینه بر طوب واروب سنجای ایله درکنی دوستروب صوبیه برابر
 اتیشیمکن جست دیره نوب غرقدن خلاص اولدی بر قاج کیلری دخی شکست اولوب
 کلی خسارت کوردیلر بر طرفه دخی قاسم یا شاد زاده سفینه سنه بر طوب دانه سی کلوب
 اون اسیری دوستدی و سارژدن بر راپیکش ادم دوستوب روز کار چقمقله چاقق ممکن
 اولیوب جریره هالته وارلدی ومن بعد روز کار مساعدا ولما مقله کرید توجیه ایندی
 و سردار محمد یا شاد نوز بر اعظم اولیشم حالاسردار مدیو تحکم واستقلال دعوا سیله
 موسی یا شاد کوزها لدر میوب موسی یا شاد دخی بر پیروشن ضمیر دولتشا مکداری
 و روی در یانک بالفعل قیودان صاحب وقاری اولد و غنه بناء فچه امور سدی
 واری مفیده دستوز یز ره رغبت لازم در دیکله ابکیسنک اراسنده اتفاق میسر
 اولیوب بر برنی عرض اتیمکله قره دکر دن احمد یا شاد عوت اولنوب ماه مزبورک یکریمی
 اوچنده اون قطعه قدرغه ایله امداده کوندردی جنک ابو قرون و ملا قشقه در
 کرید کفار سا بقا و ستورنی قلعه سنی براغوب کتد کد نصبره جنرال بد فعال
 قندیه دن ابو قرونه کلوب قریه لردن سلاحه قادر اولان رعایا دن بیک مقداری
 کفره جمع ایدوب و ندیکدن کنالنی ییدی بیک تفنگدن اناره توزیع ایلدی ابو قرون یولی
 غایت ضعیب و سنکستان اولوب بوندن اقدام اول سمتره عسکر ظفر اثر دن کسه کتیموب
 اول ناحیه قریه لری دخی کلوب اطاعت ایتد کاردن غیر ی جنرالک فچه ایام اندک مکث
 واری کارزار قصد یله قیامی باعث وبادی اولوب اقتضایلدیکه اولجانبه عسکر کوندریله
 یا شادی کشور کشا سکمان باشی مراد اغانی پیاده و سوار برکروه کزیده عسکره سردار
 ایدوب ر بیع الاولک اون برنجی کونی علی السحر عسکر کوندر امشیدی عسکر منجمور محل
 میون وارد قله دروازه حصارده اولان کفار هجوم اسلامیا نی کور یچک طاقت کتوره میوب
 قریبند اولان کوه عظیم بالاسنه فرار ایتدیلر درون حصارده طوب و تفنگله جنکه
 آهنگ اید یچک بیشکاه حصارده اولان کفار دن خیلی باش و دیل النوب سائر جرنال
 ایله درون حصار فرار ایددی غزاة اسلام سالم و غام دونوب حایه یه کلدیلر بو جنکه
 یوزاللی قدر اسیر و قرقیدی باش الندی ر بیع الاخرک اونجی کونی حایه دن جنوبه
 دورت سا هتلاک یول ملا قشقه نام بر صعب سنکستان طامعه کفار نکر اطرابور قوروب

مزبور رعایای ایکی بیک قدر قریک ایله ایچنه وضع ایلدی ماه مزبور او اخر نکه با سوس
 کلوب تابع اولان کسمیو نام قلعه دن اوتیه بعضی قریه لردن بیک قدر رعایا دخی سورمک
 اچون دورت بشیوز کافر تعین اولندی دیه خبر و بر مکله بیک بشیوز قدر عسکر ایله حسین
 یا شاد کتخد اسنی سر اهلرینه کوندروب ملاعین آگاه اولغله کتیموب راز توقندن صکره
 عود ایلیوب کورکن ملا قشقه نام کوه دامانته اوغرا دقه بر ایکی فرقه کفار لای کورنمکله
 اوزر لینه واروب قتاله شروع ایلد کله حسین یا شاد دخی آگاه اولوب اوچ بیک قدر عسکر ایله
 ایرشدی کفار خبردار اولد قله طایون فرار ایدوب جنرال در حال کفار ی برکد یروب
 متر یسه قودی عسکر اسلام سوروب اوزر لینه وار دقه خیلی جنک ایتدیلر لکن ممکن
 اولما مقله قچاقق کوستروب کروه مکروه مغرورانه یکپان طایور دن چیقوب اردلر فچه
 بر قاج قدم وار دقه نکر اردو نیلوب فچه زمان تفنگ جنکن ایتد کدن صکره بالآخره
 ملاعینک یوزی دونوب اردلری انغله اکثری طایون کیده میوب سلا حایری دو کوب
 صعب یزله چقدیلر بر مقداری طایون کیروب خبره ل اسلامیا نه قالمسون دیو آتش
 و یروب ینه کند و اوزر لینه شران بار اولد قله یوزدن متجاوز کافری هلاک ایلدی اللی الشمس
 قدر اسیر النوب بشیوز دن زیاده شک باشی کسملدی قیودانلردن و سارژ بلو
 یا شاد لردن یکریمی قدری در زنجیر اولوب بشالتی بیراق اوچ بیک قدر تفنگ غنایمی
 ایله حایه یه کلفدی بو غزاده جانب اسلامیا دن انجق بر نفر شهید اولدی اسیر لردن بری
 حسین یا شادک صاحب خانه سی بر قاج بیک کافرک ضابطی اولان قارنج نام مشهور بر کافر
 ایدی فتح و تخریب استر نی جمادی الاولینک اوائلنده یا شادی کشور کشا استر نی
 مناسرتنی فتح قصد یله اسباب تسخیر و طوب و تفنگ و ادوات جنک احضار ایتد و کنی کفار
 ایشیدوب مقدمه دعوت نامه واروب و دفعاتله جنمکرده کوردکاری قهر و غلبه و هیبت
 و صلابت خوفی جانلرینه کار ایدوب قران محال محال اولغله ماه مزبورک اوچینی کیجه سی
 یکپان مناسرتن چیقوب سودیه فرار اید کفری غزاتک مسموعی اولیحق اردلر دن
 ایریشوب فچه سن اسیر و فچه سنی طعنه شمشیر ایلیوب برازی دخی کیلره کیدرکن غرق
 اولوب دو کون ماملکرین اغتنام ایلدیلر خون اول مناسرتک ضبط و محافظه سی
 عسیر ایدی بنیاتی خاکه برابر ییقوب اطرافنده اولان اوج ناحیه یی ضبط ایلدیلر
 جنک اسباب در کرید جمادی الاولینک دور دنده عسکر اسلامدن بر ایکیوز نفر دقیق
 ایتدیمک اچون حایه دن دورت ساعتک مسافه ده اطاعت اوزر اولان قریه لر جوارنده
 واقع اسبابله سحری روانه اولوب کفار میانشده دعوی دلوری ایدن بر قاج قیودان
 بیکدن متجاوز کافر ایله دکر منلری علی الغفله احاطه ایدوب غزاة اسلام دخی حرب
 وقتاله باشلا دقه حسین یا شادیه خبر کلوب در حال ابکیوز سوار و بیک قدر پیاده ایله
 یشوب کفار خبردار اولد قله اولجمله قریب بر صعب سنکستانه جان اتوب فرار ایتدیلر
 سواریلر یشوب ابکیوز قدرینک اوکنی الوب جنک ایدرک سحرایه دونوب سائر سوار لر
 دخی ایریشوب خیلی دلیرانه جنکدن صکره بعون الله تعالی غالب کلوب یکریمی او توز قدری

کر قنار واسیرو با قیسی طمعه شمشیر اولدی بو محاربه ده انجق بر سپاهی شهید اولوب
 کفارک ایکی اوج قیودانلری کسلدی بواشاده مالته و دوقه و وندیکدن جمله اوتوزیدی
 یوزتون و طغوز چکد زمه کفار خا کسان امداد نامی ایله سوده لیمانه کردی لکن قره دن
 حسین پاشانک نامی ایشیدیان پر زده کفار قرار اید میوب بود کا و جنک کج جمله سنده
 بعون الله تعالی منصور و مظفر اولوب حایه ایله سوده ماییتی کفار لاشه سیله طولدی
 اون انی دفعه آلا یه مقابل جنک کج هر برنده کفار خا کسان ایزام کلی ایله منهنزم
 اولغله یکه بیگ ملا عین قریاب حایه خار جنده بش بیگ قدر پاشانلرندن اوج قله بنا
 اولمشیدی اکابناء حایه اطرفندن بعید یرده رتخو و سائر قلعه لر و کوهستانه فرار
 ایلدی پاشای کشور کشاعسکره ذخیره و یروب دو تنهای همایون قد و منته مترقب اولدی
 و بواشاده حایه نک صوبی بر شاد روله محصور اولغله طبره دن مستوفی صورلر کتوزوب
 عسکر و سوار خلقی سیراب ایلدی محاصره سوده جمادی الاولینک یکر می سکرچی کونی
 عین واقبالله دو تنهای همایون حایه لیمانه داخل اولوب سردار اکرم وزیر سابق محمد پاشا
 سوده فتحی جمله دن اهدردیو محاصره سنده سعی و همت ایلدی کیملر دن طو یلر چقاریوب
 قره دن پیاده عسکر ایله ملا قشیه یه لندن اوج کونده سوزوب سوده کارینه ایصال ایلدی یلو
 کافر و تناسی مقد مادوقه و مالته کیملری ایله جنک کج بیله اولوب تورگاری یه زدق دیو خبر
 کوندر مشرد و تما کربله کلد کد عظیم ماتم زده اولدی یلر مالته و دوقه کیملری بر راکیشر کتمدن
 حالی اولیوب مسلمان اسیرلری دخی یومافیمو ماخلص بولوب کلور ایلدی جمادی الاخره نک
 یکرچی کونی ایکی طرفدن طو یلر قوریلوب سوده حصاری دو گلده مباشرت اولندی
 لیمانک ایکی طرفی محکم ضبط ایچون یه زرق پان کی حایه او کمد اطرافنی محافظه یه
 قونوب سوده او کمد لندرن ازلان کافر و تناسی طو یلر حواله ایلوب لیمان و قلعه دن
 ایرمق بانه اهتمام اولندی ضبط حصار اوقورون حصار متروری کفار را عوب کتمک اوزن دور
 دیو خبر اولغله جمادی الاخره نک سکرچی کونی نصف الیلده سردار کا مکا راذیله
 حسین پاشا بر مقدار عسکر اوب وار دقده ایچنده اولان کفار جمله فرار ایتش بولغله
 کلسالزده اذلر اوقنوب ضبط اولندی پاشای مزبورده نوب کلور ایکن ملا عین عسکرینک
 کیملری کار ده یناشوب یوله قریب یه بر مقدار تفنگ انداز چقاروب بوصویه قوم مشلر
 اوزر لینه اوغرا دقده خیل جنک اولوب عون حق ایله کفار بوز یلیموب دریا یه دو کلدکله
 یتش سکسان قدری هلاک اولدی انجق اون سکر باش و بش دبل اوب منصور و مظفر
 حایه یه کلدیلر محاربه در مترس چون ملا قشیه بولندن سردار و عسکر اوقورون حراسنه
 واروب نزل ایلدی یلر حصار مزبور اچق یرده اولغله کفار کیملری طوب ایله عسکر اسلامی
 یحصور ایدر زردی سردار امر ایلدی که اوج قلو بوزنه و اوج بالینر چکوب علی الفور لیمان
 مزبور کارینه قوردیلر سلفکه یه متصرف اولان چرکس عثمان پاشا و دلونه و اولونیه
 و دوقه کین بکری مباشر اولوب وقت ظهرده طو یلری محله ایدر دیلر کجه مترس
 قوریلوب ایتسی کفار کیملرینه حواله اولیجق دریا یه اچلغله ارباب بیمار را کنده اولوب سائر

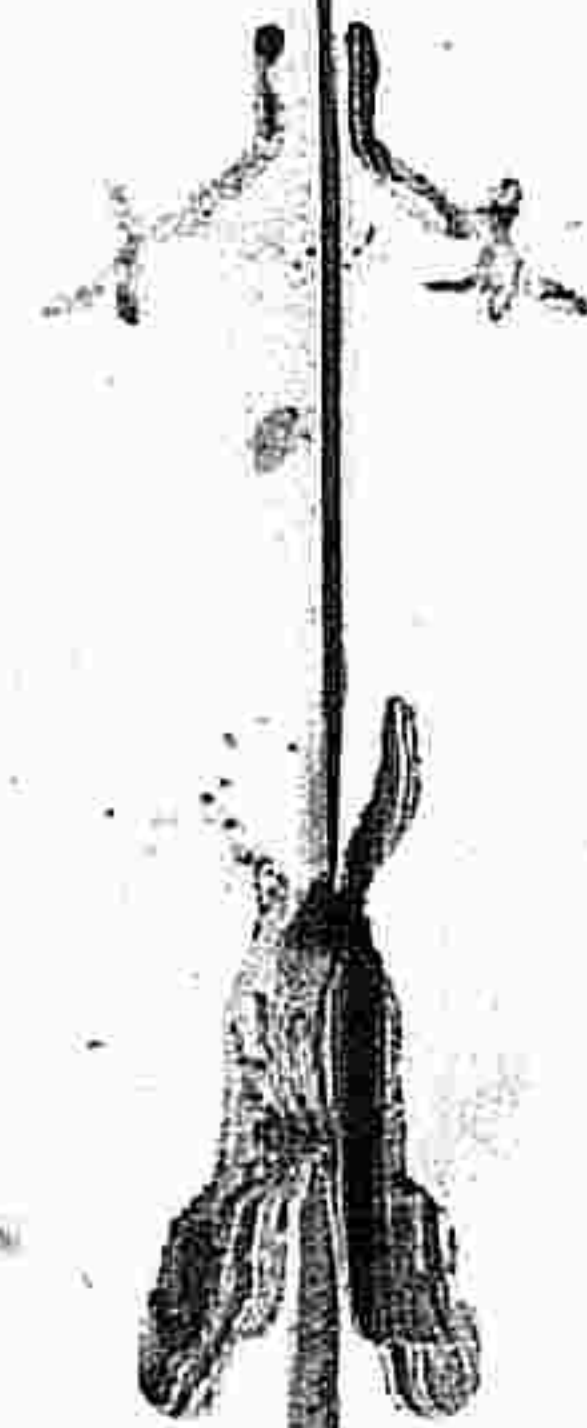
عسکر طوب چکمه دن یوز غون و فرو مانده بر زدنک پان سایه سنده مستطل ایکن وقت
 ظهرده کفار تجسس اخبار ایدوب جمله چکدر ورو مانده لرندن بر قاح بیگ کافر طشره
 هبغوب مترس اوززینه دو کلد یلر عسکر اسلامه پریشا نلق ال و یروب دلونیه بکی
 زین الدین بکک صاغ الی طوب ضربندن شکست اولوب بر قاج ارباب بیمار مجروح اولدیغی
 مخبری سردار واصل اولیجق حسین پاشا بر بولک عسکر نصرت اثر ایله بر محله ایرشدیکه
 ملا عین جنکدن استعفا ایدوب طو یلر پلا مار بغلق صد دینه وارمش ایدی پاشای
 مزبور عسکر منصور ایله هجوم ایدوب گروه مقهوری بر مرتبه لور کتدی که طوب الملق دکل
 گیلرینه دو شمکی غنیت بیلوب بری برنی تعقیب ایدر کتدی یلر جنک کج یکوز قدر کافر قریابوب
 انجق اون قدر مسلم مجروح اولدی وفات سردار محمد پاشا چونکه وزیر مشارالیه نازک طبع
 و چلبی مشرب حضور و رفاهیته مأ لوف کسه ایدی صالح پاشانک مکر و خدیوه سیله
 منصب صدر اردن دور و مسکن مأ لوفندن هجور اولدیغندن غیر کمال مرتبه منفوری
 اولان دریا جنکی و سردار لق بارینی تحمیل ایله نفی صورت مند مقهور و امهان کربده کتمه سی الی
 قلبنه نأ نیر ایدوب عم مفرطه باعث و به سبیدن وجودند امراض عائله حادث اولدی
 گند کج زجاج مزاجی منکسر و قلب حز بنی هموم مهملکه دن زیاده متاثر اولغله ماه مزبورک
 یکر می برنجی کونی حمای محرقه یه مبتلا اولوب سانی کجه سی تسایم روح ایلدی فذلکده
 دیر که پاشای مشارالیه سابقا وزیر اعظم اولان رستم پاشا خاندانندن و والد سلطان اولغله
 سلطان زاده دیمکله استنار یوب حرم همایونده خاص اوطه خدامندن ایدی جوتن سفرند
 هنوز تازه جوان ایکن قیو جی با شیلای ایله جقمغله جوان قیو جی پاشای عنوانی شاه بیت
 قصیده بحسب حالی اولمشیدی کیدرک تعین بولوب استعداد ذات و شرف نسبله دیوان
 وزیری اولوب بیگ قرق ییدی تار یخنده وزارت ثانیه پانه سیله مصر ایالتنه نائل اولوب
 اوج سنده مقداری اول دیارده حکومت و تحصیل مالده حددن افزون جمعیت ایله نائل
 خزانن بسیار اولوب زوت عظیم ایله معزولا آستنه یه کاد کون دیوان همایونده اوتروب بعد
 ازاق فتنه سردار اولوب اوزی اوزرندن وار دقده مساعده بخت ایله کفار حصاری براغوب
 گنش بولغله بلا زحمة ضبط اولوب ذکر جمیل ایله دردولته کلشیدی خلقک مزین توجه
 قلمی صدر اعظم قره مصطفی پاشا کوروب هضم ایتمکله شام شریف ایالن و یروب
 کوندردی چوق لخمیوب قورقد یغنه اوغرامق ایله وزیر مشارالیه شامدن کتوریلوب
 برینه وزیر اعظم اولمشیدی بر مدت مدار ایله کتوب صدر ارت ایتدی بالاخره صالح پاشا
 علی ایله صدارتدن ایریلوب سردار لغله کربده کتدی استیلاء غوم هجوم ایله انده فوت
 اولوب جنازه سی استانبوله کتورلدی توابعندن ایوبی امین زاده محمد اغا سی و خفنی
 مشکل سفان چلبی سی خبر و فاتی ابلاغ ایدوب مال فراوانی و انلری جیمعا میری یه
 قبض اولوب کربده اولان خلفاتی دخی قبض ایچون میر علم باطه جی حسین اغا قره دن
 کوندرلدی متوفای مومی الیه متصرف اولدیغی بولی سبحانچی اوچینی خاصکی یه ونیکبولی
 سبحانچی التخی خاصکی یه با شملای نامیه توجیه اولندی مزبورند و قلاش بر شهر اوغلانی

عیار و عیاش اولق اوزن مشهور ایدی سنی دخی اربعینی چوب خمیسینه بالغ دگل ایکن
 آخرته کندی برکون عبد الرحیم افندی قاضی سکر ایکن تنها کاتب چلبی ایله مصاحبت
 اتاسنده دیدیکه سلطان ابراهیم تلوئی و افاعیل غریبه سی کریمین اولدوغی زمانه ایدی
 پادشا همزک بویه بو العجب اولما سنه با عث مرقوم محمد پاشا دزیرا عایت مد اهن ایدی
 قره مصطفی پاشا فنلندن صکره صدر اعظم اولوب جان خوفنه دو شمله مد اهنه یی
 بمرتبه ایدیکه خالی اندغن پادشاه سیله ماهیتن یلوب برکون سبندن استکشاف ایتدی
 لالام مصطفی پاشا کاهی بکا اعتراض ایدردی و بوایش نامعقولدردر ایدی سندن هیچ
 انک کی بر سور ایشتم و صادر اولدی جمله کلامک صدق الامیر قاعده سنه ناء اولد یغنی
 اصل ندریده و دقلرنده وزیر منربو عقیدت فاسدی اشرا ب ایتدی که سز بریزنک خلیفه سی
 ظل لله سز ضمیر منبریکزه لایح ایلان خراطر جمله الهام ربانیدر قول و فعلا سز دن بیهوده
 و خطا صد و رایلز که اعتراضه مجال اوله صورت ظاهره نامعقول کورینن بعضی حالات
 ظهور ایدرسه انک تحتند بعضی حکمت خفیه وادر که بزه معلوم دکلدر انکچون انکارورده
 مجرات ایدم دیمکه بوشنخندی پادشاه صافی مشرب دخی حقیقته حمل ایدوب اول
 اعتقاد اولدی و دخی بوند نصکره مقربلر بعضی وضع نامعقولده به اعتراض ایتدیکه
 سزک سوزیکز غرض در بکالام بویه تعام ایدریکه بدن خطا صد و رایتمز ظهور ایدن
 شیلر ده بر حکمت خفیه وادر سز بلر سز دیمکه باشلادی بوندن صکره بر قاج وزیر اتفاق
 ایله اولمکی اختیار ایدوب بوشنخندی انک زاله سنه سعی ایدر لر سه احتمالدر که پادشاه
 رجوع اید و الا مامول دکلدر که بر حال ایله اصلاح اوله دیشد فی الحقیقه اول وزیرک
 انقا سیله عاقبت کار نیجه اولدیغی محله دکر اولنسه کرکدر مورخ دیرکد زعیر نقل
 ایدردی غیر پاشا انک افراط مد اهنه سندن سلطان ابراهیم اوضاع نامشایسته یی
 ارتورمش ایدی برکون مشارالیه محمد پاشا فتمیری دعوت ایدوب شهادت انشاملکه
 مشغول ایدک بر خط همایین چقاروب اوزریمه ایدی کندویه خطا بیره متولی یاپه لی
 قودش بره قاپر قیامتلی پوزه ونک هتک عرضه متلق دخی نیجه الفاظ شتیعه ایله خطاب
 ایدوب اجداد مدینه یه بقدر جواهر و اموال کوند رمشدر آدم کوندروب اندر اولان
 اموال و جواهری جمله کوردده سن والا سنک در بکی صوب همان طولدرم مقرر در شویله
 بله سن دیغیر انشاسته بر لای روس وله و مجار و فیرک کفره سنک بناتی اولان جوار ی ناقصاتک
 سوقیله بویه بویه تکلف بد عقیقه اوغرا دم نیم حالم نیجه مجر اولاجقدر دین بشت شکوی وبکا
 ایددی نه جواب ویریدیم شدلک فرمال پادشاه مکدر دیب کریم متعلق اشتغال
 تخیل ایله استعمال ایتدم دیدی تاکه صد ایدن عزل اولوب کریم کتمکله اوتدزدی چون
 سردار محمد پاشا فوت اولدی دفتر خانه مهر لنوب حسین پاشا و قیودان موسی پاشا نوشله
 امون ناظر اولوب کوچک حسن پاشا روم ایلی قولنده و چفته دلی عثمان پاشا اناطولی قولنده
 اولان طوبیلاز رینه طوزوب امور محاصره و محاربه ده اصلا قصور و قیودان موسی پاشا بیکه
 اولکیدن زیاده سعی و اهتمام ایتدیلر کفارک چکدر روبرو تون و ماونه مقوله سی یوزدن متجاوز

سفای سوده آمد ادیشه دونوب طور واکثری حایفه قرشو سنه چیه قوب کورینور ایدی فتح
 غرابوسه حسین پاشا کرچه حایفه محافظه سیله مامور ایدی لکن سائر امون خصوصاً سردار
 وفاتند نصکره جمهور لیاقت حسبیله باش و بونع اولوب کرکی کی اوغور همایون بیل مقدور
 ایدر ایدی مقدما کتخداسی محمد اغا و سکیان باشی مراد اغا و ساطیله ایدی کفار دن انتزاع
 اولنان کسب و قلعده سی قریب دریا اچکنده غرابوسه نام بر حصار وار ایدی اولزمان تسخیرینه
 همت اولتمیوب اچکنده اولان کفار رعایای رنجیده ایتیمکه شکایت کشتیلر ایدی بر مقدار همادریله
 وجبک یکر می بشینی کونی کفارک جمعیتلری محله نازل اولوب اکثرینی قتل واسطیصال و قلعده لرینی
 ماوایر جالالیوب ساحل ارغاسی یو اشجه علی اغایی محافظه سنه تعیینند نصکره حایفه یه
 کلدی احوال محاصره بکرو پاشا و سائر ایش ارلری سردار وفاتند نصکره امر محاصره ده بیل
 مقدور ایدوب کوچک حسن پاشا روم ایلی قولندن عثمان پاشا اناطولی قولندن دوکک ایله
 سوده حصارینه خیل رخنه ویر دیلر لکن حصار مزبور دریا اچکنده وسط ده براطه هر جانی
 کناردن بعید متین قلعده اولوب بر وجهله یوریش ممکن اولما مقوله فتح و تسخیری دورادور
 محاصره یه محتاج اولوب وقتک تنک قاعده سیله نأ خیر اولندی سابقا سردار عرض اباش
 ایدریکه بوجز به نک فخی بر قاج کونلک خدمت اولمیوب زمان مدید ده کلی خرینه و مهمات
 صرفنه محتاج اولدیغندن غیر روم ایلی و اناطولی عسکری و قیو قولی بوطرفه قشلا مق
 ایله انجق اولور یوک مصاحبت در مکمل بر سنه لک ذخیره و مهماتی و خرینه سی وقتی ایله
 ارسال اولتیق و قندی ورمق قلعده لرینه طوب چکمک اچون جاموس و بار کیر و عسکر عبور
 ایتدیلک ام موردنردیونکرار اعلام ایتدیلر بوند نصکره ابو قرون حصارینی احیا اچون
 تیارلر کوندریاوب معمر اولد قد نصکره اچکنه عسکر تعیین اولنوب اطرافه مجددا خندق
 حفر اولندی و کسب و قلعده سنه دخی طویار و مهمات و عسکر تعیین و ارسال اولندی
 محاربه اچی و مقدمار تمواوز رنه وراملیه نام منزل قریب کفار خاکسار بش پرده طابور
 قوروب هر برینه بیکدن زیاده کافر تحصن ایتشیدی بواشاده اول سمته بر مقدار عسکر
 کوندریاوب اچی و نام محله قریب وارد قلدن پیاده و سوار بش التیوز کفان ملاقی اولوب
 عظیم جنگ ایتدیلر بعون الله عسکر اسلام غالب کلوب کفارک اساعه و انلری غنیت فراون
 اولد قد نصکره یتش باش و بیکر میدن متجاوز اسیر لنوب تماما اوردویه کلدیلر سرداری
 حسین پاشا در کیرید و محاصره زتمو بوندن اقدام کان عرضلر مو جنبه قیودان پاشا دونما
 کیملری ایله روم ایلی کارلنده فرمان اولنان محالک ذخیره سنی الوب ککرید نقل اچون
 حکم یازیلوب کرید محافظی حسین پاشا یه بر اردلاور در دیو سردار لقی امری و مرصع
 شمشیر وایکی خلعت فاخره و برسمور کورک خط همایون ایله کوندرباش ایدی اوائل
 شعبانک واصل اولوب مراسم استقبال و تعظیم و رعایت ولوازم نکریله خط شریف قرأت
 اولند قد نصکره بر موجب فرمان عالیشان سکبان باشی مراد اغایی حایفه محافظه سنه
 الیقوب حسین پاشا غزاة ایله ماه مزبورک اون ابکچی کونی ابو قرونه کلوب اوردوی همایونه
 داخل اولدی ایرتسی قیودان موسی پاشا و سائر پاشا و بکر دعوت و سوده اموری



اچون مشاوع اولنوب حصاری دریا اورتیه سنه بریالک قیابک اوزرنده بر مستحکم قلعه اولغله قره دن یه ریش ممکن اولیوب لیان کنارنده وضع اولتان طویلر ایله خواه و ناخواه اخراج اولنان دونمای کفارخارج لیانده طوب ایشمزیده وضع لنگر ایدوب قلعه یی دونمای همایندن حمایه ده اولدوغندن غیری شب نیره ده دائما مهمات و ذخیره ایله امداد ایدوب وسوده قلعه سنک هر جاننده صویه برابر عظیم طویلری اولغله دونمای شفق بروجیه ممکن دکلدر زمان مدید محاصره دن غیری تدبیر قبول ایلزیری رتقو قلعه سی ادنی همت ایله تسخیر اولنورد نیکله اوزرینه وارلق مناسب کورینوب سوده دلیانی محافظه سنه دخ کفایت ایدر عسکر ایله چوقه دار مصطفی پاشا تعیین اولنوب رعایان طوب چکمه و ذخیره کتور مکه اجرت ایله اوکوزلر و مرکب لردارک ایتدیر یابوب بش پان طوب واون ایکی قلنبورنه ایله شعبانک اون التیس سنه اوقرونه کوچلدی اناطولی بکر بکیسی عثمان پاشا عیمنده وروم ایلی بکر بکیسی حسن پاشا و قرمان بکر بکیسی یسارده الایر قوروب قانون اوزن بور و دیلر وز رادن بیقلی مصطفی پاشا سردار غازی ایله همعنان کیدوب اول کون ارستونام قریه صحر اسنه قوندیلر ماه مزبورک اون طقوزنجی کونی مدامینه نام منزله نزول اولند قه کفارک اقرب طابورلری اوزرینه چرخه جیلر واروب ایکی طرفدن هجوم ایتیکله ملا عین طابوری قویوب صعب و سنگستانه فرار ایتدیلر سائر دورت طابور ابایی دخی انلری کوروب فرار ایتیکله عسکر اسلام اردلرندن ایوب یوزدن متجاوز باش و او تزدن زیاده اسیر المشر و یول اوزرنده اولان رعایایه استمالت ویره رک شعبانک یکر می اوچنجی کونی رتقو باغلیینه نزول میسر اولد قه مقد ماصادر اولان فرمانی مو کدا امر عالی ایله زعمادن سیاهی محدود قیوجیلر وارد اولوب مقهور منده یوسنه مبارکده عسکر اسلام دونما کیلری اقتضایند وکنه گون قشلا ندیر یابوب قار شویقه ده حاضر اولان یه زیلکیل ذخایر و مهمات سائر دن غیری دخی نقدار خزینه و ذخیره لازم اولور سه عرض و اعلام اولنه بای حال انواع خدمات مشکون وسیعی موفور وجوده کتور یله بیورلغین ایتسی واریابوب قلعه مزبور نک التنه نزول اولندی اوصاف رتقو اولار رتقو قلعه سی لب دریا ده واقع وایچ قلعه سی بریالک مرتفع قیما اوزرنده غلظه حصاری وسعتیه طشره ده قلعه سی تخمینا طویلجانه دن شود لیجه مابینی قدر واکثر خانه لری کارگیر بنا وغایت صیق و معمور اولوب اون ییک بایدن متجاوز خانه و قرق الی کلیساویز الیدن زیاده مکلف و منقش سرای کی فریک خانه لری اولوب حصاری دخی عریض و مستحکم و مهماتی مکمل اولدوغندن غیری عظیم خندق دخی اولوب اوکارینه سراپا اوچ آدم بویندن مرتفع حصاریچه چو ریابوب عظیم کی در کلرندن ایکی اوچ سرن بونجه قازقلر نصب اولنوب انک خارجنه دخی رواسع خندق حفر اولمش و اوکنده کوه کی تاییه لر بنا و لشمس و ملا عینک دونماسی امدادینه کلوب قلعه نک و واروشک ایکی جانبیه لنگر انداز اولوب طوب التنه المغله کلی تدارک و مکمل مهمات ایله محاصره لازم کلوب بر قایح طوب ایله دخی نجه لوازم نقل ایتدیرلک اچون حایه طرفنه آدم لار سال اولنوب وچتلر و سپتار و ریابوب شعبانک بکر می التخی کیه سی متر سه کیلر دی ابتداء جنک



وانهزام کفار بوندن اقدام عسکرک قدومی ایشاسنده کفارغا کسار چیقوب پیرامن حصان غزاة اسلام بر مرتیه هجوم و اقدام ایتدیلر که ناچار درون حصان دونوب فراردن غیری یه مجاللری قالیوب ماونه لرندن و حصار لرندن بیحد طویلر ایتدیلر و ایشاده بکیشهر یکی چاوش پاشا مجروح و ایلبصان آلا ی بکیسی حسین بک شهید اولدی روم ایلی عسکری و قول کتخداسی ابراهیم اغا ایله عثمان پاشا و زغرچی باشی مصطفی اغا تاییه لره مقابل متریس الوب کیردیلر جزایر و تونس دلاورلری بر طرفدن سائر عسکر دخی طرف طرف محاصره و جنکه مشغول اولدیلر اولکون کفار حصاردن وکیلر دن ییک سکر یوز دانه اتوب حصاردن اتیلان دانه لک بعضیسی یکر میشر و یکر می بشر و قیه چکر ایدی شعبانک بکر می طقوزنجی کونی شافعی وقتیه یالی قیوسندن طویلری چو ییک قصد یله اوچ دورت ییک کافر چیقوب متر سارمه یورید کک عسکر اسلام غافل یه لیموب فی الحال قار شویوب سردن یکدیلر سپرلرین باشنه چکوب هنوز اعدا متر سه ایشمدن قار شویلدیلر و ضرب تیغ ایله یوزلرین دوندروب چایک وچالاک غازیلر اردلرین الوب بی دینلر اور تاده قالوب بر قهرمانی قایچ اور دیلر که تعبیر اولنر قلعه خندق اوکنده اولان بعضی وادیلر کفار جئه سی بری بری اوزرینه ییغلوب غزاة اسلام و سروران صاحب اعلام هر بری اوزر واون بشر باش کسکله کسه باش المغه رغبت ایتیموب سردار عایمقدار حسین پاشا و تاخی اوکنده ییک بشیوز دن زیاده باش ییغلوب یوز الیدن متجاوز برادر و توانا لرندن دیلر نوردیلر بعد یو ماقیوم متر سار یور ییوب حصار ده بشی یردن لغم وایکی قولدن طیراق سنور لکه مباشرت اولنوب اوچ دورت کونه دک جمله متر سار و طیراق خندق کنارینه واروب خارج خندق اولان تاییه لره تحصن و جنک ایدن کفاری اچر و حصار قاچوردیلر فتح قلعه پایو پوتمه رتقویه بعدی اوچ بوچق ساعت مسافه ده پایو پوتمه نام بر حصار یجه و اطرافنده التمش مقداری قریه لری وارییدی دروشنه تحصن ایدن کفار اطرافه چیقوب خیل رخنه و ذخیره یوللرین کسیدن خالی اولما مغله جنک کونینک ایتسی چفته الی عثمان پاشا ایله حصار مزبورک تسخیری مهمرد یو عسکر ارسالنه قرار ویرلشیدی دلی کتخدا و سپاه و ساجدار یولکلری ییک قدر زیاده و سوار ایله حصار مزبور واروب خالی بولدیلر مکر مشاوع دنصکره جاسوس واروب اچینده اولان ملا عین خاسرین قریبده اولان طباغله فرار ایشلار ایدی مزبور دلی کتخدا حصاری ضبط ایدوب عسکر اسلامدن براز کریدن تفنگ انداز ایله وقت عصرده اول کروه مکر وه اوزرینه واروب کفار دخی برمقاگ هولنا کک تحصن ایدوب بر مقدار جنک حربدن صکره کتخدای مزبور کلوب اقدام ایدیلر جنک عصر دن اخشامه دک محکم جنک و التمش مقداری کافر زرخک هلاک دوشوب یوز طقسان قدر اسیر النوب کتدیلر اخذ دنصکره اولولری طماغه فرار و کوچیله قیودانلری خلاص اولدی عسکر موجدین سالم و غانم اوردویه کلدیلر و حصاره سردی قلعه سیله دیولر هجوم عسکر اسلام و فتح قلعه رتقو رمضان شریفک سکرنجی کونی متر سارمه لغم ایشمدن قلعه نک ترسانه سی اطرافندن سردن کچیدی اغالری ایله حصار یجه نک خندقنه کیروب اول کون

اخشامه دك واخشامدن صباحه دك عسکر اسلام خندقدن وكفار حصار چچه اردندن
 وبنلردن طاش وخبهره ايله عظيم جنك ايتديلر بعون الله تعالى عسکر اسلام غالب
 كلوب واول كون خندق ضبط وارتسي وافر چتار و طومر قلو و طور به لرتدارك اولنوب
 لول كچه خندقدن ترسانه لاوزينه چيغه حق مرتبه طولدياروب ايرتسي ماه مزبورك
 اون اوچي شنبه كوني طلوع شمسند نصكره سردار ظفر شتعار الله كان سردن پكدیلر
 اراسنه واروب روم ایل سردن كچدی اغارندن ابراهيم اغا نام بر مردلیر كه كند و چراغی
 ایدی نه طور رسن یوری دیه كان ايله ارقه سنه اوروب اول دخی نوله اقدم دیه برج
 قلعه یه نیر واری سكر دوب غر وچ ایدوب عقبجه سائر غزات اسلام یو رویش
 ایدوب ترسانه لاوزینه چقدیلر و برقاچ پردن بیر اقلرد بکوب اذالار اوقیوب كفار
 پكدیلر ايسه حصار چچه نك اچیه زدن وبنلردن وغزات مسلمان و موحدین ترسانه
 لاوزندن نصف النهاره دك خبهره و طاش و اوق ايله محكم جنك ایدوب لطف حق ايله
 وقت ظهرده عسکر اسلام غالب كلوب كفاری یزندن قویار دقلرند عموم لوزره
 یوریشمه رخصت ویریلوب هر جانبدن دلاورلر حصار چچه کنارندن نصب اولنان
 دیركردن ایلویه اتیلوب اول محله كفاری سرپا قاچیدن پكدیلر لاشلاری حصار
 خندقده بدنلره برابر یغلوب وکوزیا جدر میوب حصاره کیر دیلر روم ایل بکری بکیمی
 کوجاك حسن پاشا امر اواعیان ایل تیلله یو ریوب درون شهره وارنجه طایر و تابییه لده
 اولان كفاری قیروپ اردنجه سردار کامکار حضر نلری دخی امداد ایل یوب ضحوه کبوده
 شهره کیر دیلر اچیه ده اولان كفار ك اکثری طعمه شمشیر ابدار اولوب بر ساعتده
 بش بیکنن زیاده کافر قاچیدن پكدی بو جنکده جنرال وسوده قیودانی طوپال کافر
 قتل اولندی بقیه السیموف اسیر اولوب بفضل الله تعالی لغمه محتاج اولدن طشره
 قلعه تصرفه کلوب طوپلری وجبه خانه لری ضبط اولندی لکن محاصره اولندقد امداده
 کان کیلیر ايله جمله ماللرین قاجروب جمله خانه لرن حصیره وارنجه عربان ایتشلر ایدی اول
 اجلدن عزات مسلمان مال غنایمندن صفر الید اولد قلری اچون آتش غصیلری علو کیر
 اولوب بر مقدار اسیر و بعضی دواب و رکوب النوب مقبول اولان کافر لرك لاوزنده
 یولنان ایشیانی اخذ و قبض ایتشلر ایدی و حصار لندقد نصكره کیلرینه عظیم خوف
 دوشوب جبه خانه ايله ملور شیفه لرین یکه الامیوب لیان اغرند بر اغوب فر اچمکه مزبور
 کی اخذ اولنوب اچمکه بشیوز قنطار باروت و اوجیوز قنطار قتل یوز قنطار قورقون
 وایکی بیکنن متجاوز یوالق و وافر خبهره و نجه مهمات سائر بلنوب باطف الله تعالی
 حصار اچون صرف اولنان باروت و مهمات زیاده سیله اله کلدی و ابتدا محاصره دن
 طشره حصار فتح اولنجه اهل اسلامدن یا لکتر الی تفرغازی شهید اولدی بعد عسکر
 اسلام داخل قلعه یه نقل و خانه لره نزول ایدوب دکانلر اچیلوب شهر کا کان معمور اولدی
 و کفار کیلری ییاشد رلمق اچون لیان اوکنه طوپلر قنوب کفار حصار کسارک بقیه سی
 اچ حصار قیایغله اچ قلعه دخی محاصره اولندی لکن اچ قلعه دن شهره ویتش قدر

طوب حواله اولنوب عسکر اسلامی کزد مرز اولدی نه حال ايسه روم ایل و اناطولی عسکری
 ویکچری متر سلندیلر بوقلعه ايله شهرک اراسی نصف فرسخ میدان سنك تراشیده ايله
 مفروش اولوب بلکه خدای قورش ايله افرشته اوج جانبی دریاططه ایلش بر غریب متین
 حصار ایدی قلعه دن دریایه نزول اید جنک یری منار بلند ماندی بر خوف سلم و قره
 جانبی بروج صعب العروج ايله محکم کوشه بندلری و تابییه لری میان علم ایدی حایه دن
 بالیز دخی کتور یاروب اول میانه قور دیلر اچ و دن کافر چیقوب طویلره هجوم ایلد که
 یوز قدر کله کسیلوب تابییه لره وضع اولندی طاب رناسر کیر و حصار فرار ایلدیلر یرقاج
 کون محاصره امرند اتمام اولنوب عسکر منصور متر سلر ايله دریادن جانبه واروب تخته دن
 کوریلر قوروب اول جانب اولان تابییه لره وارنجه تدبیر ایتدیلر لکن حصار مکنانه دکل ایدی
 عثمانی پاشا قولندن لغمه مباشرت اولنوب حصار دیه رینك الی متین قیایغله ال ویرمدی
 یو ائشاده حایه دن تکرار طویلر و مهمات لازم کلوب دریادن نقلنه موسی پاشا متکفل
 اولمشدی اتفاق ایکی کون مقدم وندیکنن جبه خانه و باروت ايله ملو التمش طوپلی بر یوزتون
 قندییه کیدر کن دو تها کیلری لاوزینه واروب آلدیلر و سائر کفار کیلری قندییه
 کتمش ایدی قیودان پاشا قرق پان قدرغه ايله حایه دن مستوفی تلمات و طویلر نقل ایلیوب
 کیر و حایه یه کتدی عسکر اسلام محاصره امرند اقدام و زور و اتمام ایدوب كفاری جاتندن
 ییز ایتدیلر استاد تقا بادن شاطر باشی محمد زمان بیك حصار قبوسنه قریب اولان
 قلعه دلفریب کوشه بندی التمه بر لغم ترتیب ایدوب متر سله عسکر میا اولدیلر
 شوالک بشی کونیکه محاصره نك اوتوز طقوزنجی کونی ایدی باروت دوشنوب سحری
 قتیل وضع اولنوب ضحوه کبوده قلعه هوایه پیران اولدیغی کی عسکر اسلام بر اوغوزدن
 پوریدیلر و لکون اخشامه دك خندق و برج اوزنده عظیم جنك اولدیکه ییحد کافر طعمه تیغ
 غازیان اولدی لکن فخی میسر اولدی ايرتسی کفار یأس کلوب ییم جان ايله نکرار غیرت
 ایدوب برج و بارودن نکرار جنکه اقدام ککو ستر دیلر سردار شجاعت شتعارم هادان
 عسکره غیرت و پروب نوازش کارلق ایدر کن بر صیپان قیاسی کلوب قضایله باشنه
 طوقنوب خون روان اولدی یرینه بر مهم ساز قولتی تعیین ایدوب کندویان سنه علاج
 اچون او تاغنه کتدی عسکر اسلام اقدام ایدوب سردن کچدی و روم ایل غازیلری تابییه
 لاوزنه چیقوب بیراق دیکدیلر اول ائشاده صباغ قول الای بکیمی شهید اولوب اسکوب
 الای بکیمی قره مصطفی خبهره سرت ايله سردار کلدی اخشام ایریشوب مزبور احسان
 فر او ان ايله برج اوزنده ثابت قدم اولان غازیلره کوندزدی بونلری بروجله دفع ممکن اولدی
 غروب شمس وقتی بارنا و دیباض بیراق دیکوب صلح معناسنه باک باک دیو چاغردی مرده
 رسان حسین پاشای ذبشانه وارد قلعه ولی کتخد ایتی کوندروب مزبور دخی کوجک حسین
 پاشا ویکچری کتخد اسی مصطفی اغا ايله پای حصار واروب رؤسای کفار ايله صلح احوالی
 سوبلشدی اچرودن بر قاج متعین آدم چیقوب جانلرینه و ماللرینه امان نامه
 ویریلوب طرفینه اوچر آدم رهن وضع اولنوب صباحه دك حصار قیولری اچیلوب وارمه

کله اولدی صبح دیوان قوریلوب قلعه نك مفتاحی ایله بر متعین قیودان کلوب نامه
کتوردی مقدماجنکده اسیر اولان قار دنیل نام سردار اطلاق رجا ایتمیش پاشا
سواللرینی قبول ایدوب اسیر مزبوری از او بر کوچی خلاص ایله کفاری دلشاد ایلدی
وسکان حصار کتمکه مآذن اولوب مراد ایدناوی چیقوب کتدیله رضا بطان حصار
پرکشتی ایله قندیه یه ارسال اولندی سردار حسین پاشا وسائر وزرا و امرالچر و کیروب
برر خانه یه نزول ایتدیله و اطراف حصار بریر اراچیله نعیین اولنوب کفارک بر عظیم لغمی
بولنقله ایچیندن سکسان قنطار یاروت چیقوب اولدخی ضبط اولندی قلعه ده اولان
طویلر و اسلحه دفتر ایله قبض اولندی آلات حرب و سلاح مقوله سنیدن احبابنه
شیء ویرلدی مصراع اولدی فتح کبیر و لطف عیم تاریخ دستوب باب حصارده نقش
اولندی منهدم اولان برج حصار ترمیم و تجدید اولندی اوائل شوالده او تونز نفرزنده
کافرکه اون دانه سی قیودان و یکریمی بلالو باشلور لایدی و اون نفر جاریه لر ایله در دولته
هدیه تربیب اولنوب فتح خبری ایله علی اغا دار السلطنه یه کوندرلدی خبر فتح آستانه
سعادت کلدکه اوج کون شهر دو نماسی فرمان اولنوب کیجه لروی دریاده فشکر
ایتیلوب اطراف چراغان ایتدیله رتموده کلیسانک بری پادشاه اسلام نامه جامع قلینوب
بش پان قریه وقف اولندی و قیودان پاشا و بکر بریره کلوب قشلا مق ایچون طرف
سلطنتدن طلب اولنه حق ذخیره و مواجب و مهات و جبه خانه و آلات ایچون مشورت
ایدوب التي ایلوق مواجب و ذخیره ملری بیک کیلر یله بکرمی اوج قطعه جزایر و تونس و طرابلس
پورتونلرینک قومانیه سی و ناولنی کسملوب دفترینک صورتی در دولته کوندرلدی شوالک
یکرمی یدنجی کونی پاشای کامکار بر قاج کارکنار ایله مقدمه مفتوح اولان مله پوتنه نام
حصار واروب سیاهی اوغلانی بولک اغار یله اندر محافظه یه تعیین اولندی طوب یسقان
یرلینی تعمیر و طرف بحره حواله اولان باروسنه بر برج الحاقیله استحکامی توقیر ایلدی
وصاغر مصطفی پاشا که ایچ ابل سنجاغنه متصرف ایدی سنجاغی عسکر یله محافظه سنه
وضع ایدوب ایرتسی ینه رتمویه کلدی و در دولتن اسکمله جی باشی کلوب خلعت
فاخره کتوردی قشلاق عسکر اسلام و تدبیر محاصره قندیه بعد الفتح عسکر اسلام
سردار بلند مقام ایله بوقیش شهر مزبورده مقیم و اعیان و ارکان هر بری برکاتانه ده ممکن
اولدی اشای اقامته پاشا کندی سرانی قریه نجه ابنیه خیر احداث و نجه کافری بنار
تعمیر ایتدردی جمله دن زیر قلعه ده بر جامع شریف یاپدردی و بالای حصار ده اولان
سرای عجیب که دونه دونه چیقیلور بر پای رفیع و غریب در تجدید ایتدیله و مقابلته اولان
کلیسای عتیقی دخی جامع ایتدیله و قریه بر مدین سه و بر جام دخی بنا اولنوب جامع جدید ده
ذی الحجه نك بشیجی کونی جمعه نمازی ادا اولندی لکن بامر الله تعالی و بای عظیم مستولی
اولغله عسکریدن یحد کسینه فوت اولدی غره ذی القعدة ده طرف شهر یاریدن مصاحب
میر محمد کلوب سردار باوقان شمشیر ایدار و خلعت زرین تار و کورک سمور ایله حسن پاشا
و عثمان پاشا و بکچری کتخد اسنه خلعت کتوردی توقیر و احترام ایله استقبال اولنوب

بکر بکیله و اغار ه خلعت کیدریلوب پادشاه دعال و شال اولندی و قندیه یه یوللارینی
کوردنک ایچون سردار اکرم میر محمدی بله آلوب ذی القعدة اوائلده قار بورنی یولندن کتدیله
ویوللری غایت صعب و سنگستان اولوب قار بورنی در بندینه وارد قلعه اغارنی اول
قریه ده قویوب کتدیله صالت و سبکبار ایغار ایله ایرتسی قندیه حصار یه بعدی ایکی
ساعت مسافه ده بتلسو نام قریه یه نزول ایتدیله کفار خبردار اولوب یوله حواله طویلر
قوغشیدی ذی القعدة نك یدنجی کونی ایدی خلاف ماحوظلری قریه اولان یولده حصار
طرقه واروب طاش کویری یه واصل اولدیله و بیشکانه بریوکسک دپه یه چیقوب
حصاری تماشا ایلدک برین کفار ییلوب حصار دن یحد و یحییم ساب طویلر اتدی
و طشره ده صف چکن کفار ایله خیل عربده ایدوب حصار ده اولنور حیران اولوب
دو کشره عاقبت کفاری حصاره قاچردیلر او تونز قدر اسیر قرق قدر باش آلوب بیک
مقداری اغنام اغنام ایلدیله و سلامت و صحت و شوکت و صلا بت ایله دونوب رتمویه
کلدیله سر دار کامکار اول حصارک متانت و احوالن فکر و ملا خطه ایلدی کتد کلمی
یوللرده حیوان و پیاده بربرر یکمکه محتاج برلری چوق طوب و مهمات قره دن نقل
اولتیق مقدور بشر دکل ایدوکتی ییلوب جمله سی دو تها کیلرینه محتاج درم یارون مقدم
عسکر و ذخیره و مهمات و ایکموز نفر مقداری لغمی و بنا و طاشچی ارسال و ابصال اولنه دیو
میر محمد ایله عرض و اعلام اولندی و قندیه اطرافنده واقع اولوب اطاعت ایلین قریه لر
کفره سنه امان و یریلوب هر برینه ایکبشر اوچر بکچی تعیین اولندی و حسین
پاشا رتمو و کیسام و ابو قرون و مله پوتنه نام قلعه لره مستوفی عسکر و ذخیره قویوب
لوازمی کوردکد نصکره قیودانک دو تها ایله کله جک و قی اولغله قلقوب حایه یه توجه
ایتدی و قیودان موسی پاشا ذخیره نقلی ایچون روم ایل یقاسنه واروب ذی القعدة
آخرته الشمس قدرغه و ایکی قلیون و یکریمی شتیقه و خزینه و ذخیره و یوزاللی بار کیر نقل
ایدوب حایه لیمانه کلدکه عسکر مسرور اولدیله ذی الحجه نك اوائلده سردار ظفر شتعار
ذی حسین پاشا حمای محرقه یه مبتلا اولوب براز ایامدن صکره ینه افاق بولدی شهادت
قیودان موسی پاشا قیودان موسی پاشا حایه لیمانه واصل اولوب کیلردن ذخایر اخراج
ایدکن حکمت خدا قیش ایامی اولغین عظیم فورتنه اولوب لیمان اغرنده لنگر انداز
اولان کیلردن بش پان شتیقه ذخیره واکثری آدملری غرق و هلاک اولوب
باقیلری دخی خلل یلر اولغله حایه لیمانه مکث و آرام ممکن اولوب ذی الحجه نك
اون یدنجی کونی قیودان پاشا دو تها ایله کیر و حایه دن صالوب مور سمته نه توجه
ایلش ایدی قضا و قدر اغریسوز جزیره سی اوکته بر حرنی کفار قلیونه مصادف اولوب
صارلد قلم عسکر اسلام کوزاجدر میوب کفان غالب اوله حق محله بامر الله الواحد القهار
مزبور قیودانک و عده سی تمام اولغین بر قورشون اصابت ایتمکه شربت شهادتی نوش و غم
دنیا فراموش ایلدی کافر فرصت بولغله پنجه غاز باندن خلاص اولدیله و بر خیر در دولته
واصل اولد قلم قیودانلق سابقا بکچری اغاسی و دفتر دار اولان قیوجی باشی موسی پاشایه

توجیه اولندی فرار مار فو حسین پاشا حایه ده ناخوش اینکن سا بقا اسیر ایندی یکی
 مار قونام پلید عنید مدت مدیده ایدیکه جمه جی باشی پاشا محبوس ایدی فرصت بولوب
 بر قایق ایله قندیه به فرار ایلدی اردنجه شاطر مصطفی بر قاج آدم ایله کوندیر یابوب لیمانه
 با صمیش اینکن قور تیلوب قندیه قلعہ سنه داخل اولدی ایچی اوجی اوج نقر خد امنی
 اسیر ایندی یلر هدایای حسین پاشا بجانب خداوند کار پاشای کامکار جزیره مرقومه به
 عبور ایلدی شوکتلو پادشاه عالیقدر از حضر نایب هدایا دن بر سنه کوندیر ممش ایدی
 از سال لازم کلکله بود فعه حایه و کپسو ناحیه لرنه واقع قریه لوریه کلدیکی مال
 مقطوعدن یکرمی کیسه غروش و کند و مالندن اللی کیسه و یکرمی ایدی کیسه وفات
 ایدن یکچیری کتخداسی ابراهیم اغا و اوج کیسه طویچی باشی مخلفاتندن جمعا یوز کیسه
 غروش ارسال ایلدی و اون کیسه دخی صدر اعظمه حاضر ندن تحصیل و نسایم کاغدی
 و پردردی و اول بهارده قندیه قلعہ سنه طویل و مهمات نقل ایچون مکمل دو تها کلک
 کر کدر واجد پاشا ایله آستانه دن کوند ریلان ذخیره کیلرینک بر قاجی سا قزده
 قالمشدر دیو عرض و اعلام ایلدی بعض وقایع و تبدیلات در آستانه سنین سائر ده
 سفر واقع اولد قچه نسیر عسکر ایچون اکثر یا قیوجیلر و قیوجی باشیلر و اوجاق اغاری
 کیدردی کرید سفری ایچون عسکر خصوصنه اهتمام زیاده اولغله بوسال ایچنده
 موستاری وزیر مصطفی پاشا اناطولی به و ملک احمد پاشا روم ایلنه تنفیر عسکر ایچون
 کوندردی عسکر خصوصنه تعیین اولان مباحث برندن و کرید طرفندن کلوب کیدن
 اولاقلدن موره و ارمنجه اولان بلاد سکانی و سائر عباد الله کد کد کد محنت و اذیت
 تعبیر اولنردی ماه محرم الحرام یکرمی اوجنی کونی پادشاه عالمیناه داود پاشا
 با نچه سنه کوچ ایدوب نینه ایرتسی سرای همایونه نقل ایتدی لور ماه محرم یکرمی
 یدنجی کونی بیوک سلطان فضل پاشایه نکاح اولنوب ایکی معظم نخل که الیشیر آدم
 کو تور منار مانند ایدیلر ضریحانه قرینه استلنوب کنعان پاشا سرایی اوکندن اسکی
 صرایه و ارمنجه که سلیمانیه طرفیدر مرنخل اولان زوقاقه ناظر مستوف طره لری و اکابر
 و اصا غریبوتک غرفه اری قلع و هدم و توسیع اولنوب صدر اعظم صالح پاشا صاغدج
 اولغله ایکی نخل سمین واللی بونچه ظرایف البسه و ایکی قنار قاطر لر اوزرنه اموال
 و اشیای متنوعه و شکر دن مصنوع تمایل عجیبه و اشجار غریبه که جمله سنه صدر اعظم
 مال بسیار صرف ایدوب تحمینا اللی بیک غروش اتفاقی ایله حصو لنه امک چکمش
 ایدی مهیا اولوب ایمان دولت الایه حاضر لنندیلر شیع الاسلام دفتر دار پاشا ایله همعان
 نبوب نشانچی پاشا دن غیری جمله وزرا سمید پوش الای ایله نخل لری کو توروب اسکی
 سر ایدن عروسی الوب سرای کو شکر کنه پادشاه حضر تتری او توروب سیر ایدوب
 رجع القهقری دونوب قوشیلر ایچنده آت میدانه اندن صرایه ایصال ایتدی لور پادشاه
 بیوک میر آخور که ابدامادی مجد اغا عزل اولنمشیکن نینه حاتونی رجا ایتیکله ابقا اولندی
 ماه محرم واسطی اثنا سنه پادشاه عالمیناه مرمت اولان مرحوم مصطفی پاشا سرائینه

چیقوب و وزرا و ایمان و قضاة عسکر جمعیتنه حاضر اولدیلر اول مجلسه خواجه حسین
 افندی صدر روم عبدالرحیم افندی به تصدیر ایلدی ماه صفر ده ایالت مصر ایلوب
 پاشا اوزرنه بغداد دن معزول دیوان وزیر اسندن حیدر اغا زاده مجد پاشایه توجیه
 اولندی احوال خواجه حسین افندی سنه مزبور محرم یکرمی کونیکه یوم جمعه
 ایدی معتاد اوزن اناطولی قاضی عسکری خواجه افندی تر سابه و اروب دونهای
 همایون مهماتنه زیاده ثقیف بناء ایمان دولت جمله کیدر لرایدی مگر انقره ده ساکن
 کدر زاده نام شریفک سابقا نائی طویل احمد خواجه افندی به و درت بیک غروش
 و اروب انقره قضاسن الشی انقرده کدر زاده نک کتخداسی فوت اولوب قسمتدن معاف
 طو تمق ایچون کدر زاده قاضی مومی الیه زجانامه کوندرد که ولی النعمی اینکن سوزین
 اصغارا تیموب قسمتین کوروب و افر اچه الور کدر زاده متالم اولوب قوت مالیه صاحبی
 وجوه اعیانندن اولغله عناد قاضی عسکر افندی به بیک التون کوندروب انقره قضاسن
 استر طویل احمدک ضبطی دخی الی ایه بالغ اولش ایدی قاضی عسکر افندی بیک
 التونی الوب انقره قضاسنی کدر زاده به توجیه ایلش زمره قضاتدن مزبور طویل
 احمدک برادری یونس نام قاضی که قنداشی طویل احمد ایچون دورت بیک غروش و اروب
 منصب کاغذینی آلان اولدر تر سابه به کوب قاضی عسکر خواجه افندی حضورینه
 چیقوب قنداشمک دورت بیک غروش الوب انقره قضاسن و اروب بی موجب الی
 اید عزل ایتدک دیو محاجه به جرأت ایتد که چیق بره جاهل دیو تعریف ایلد کلرنه
 یونس رد کلام و اطاله استکان ایتیکله تر سابه کتخداسنه الیقو شونی دیوب کتخدا
 جرأت اید میوب اعتذار ایلد که محضر لرله استانبوله کوندروب حبس ایندردی
 محضر لر طاغلیغین کندی کلد که مجلسه فالتقمه الحوت اولش اینکن دیوان طایفه سنه
 یا تر دوب یکرمی او تورد کنک ایله تعزیر ایدوب فنبذ بالعر او هوو سقیم ماصد فی اولدی
 قاضی مزبور دخی نچه لک کبی رشوت و بر مش محروق الفواد گسه لر مجلس به مجلس
 گروب خواجه افندی بیک دم وقد جن ایدوب بد دعایه باشلیدیلر خواجه افندی بیک ایکی
 سنه دن زیاده کوک اقبالی فر و ضیاده اینکن اصابت عین الکمال ایله بنای رفعتی خراب
 و حرص و طمع بلا سیله آب روی دولتی نایاب اولمشنک مقدماتی ظهور باشلیدوب
 بو مقوله فصیح و قبیح اشعارینی سمع پادشاهی به القایتد کلرنه اولانا طولی صدر اتندن
 زیع الاولک غرسنه معزول اولوب بهائی افندی اناطولی قاضی عسکری اولوب ثانیاً مجددا
 احداث و ایجاد ایلد یکی سرای شدادی بنیاددن اخراجی فرمان اولنوب اول سرای زیمانی
 پادشاه عالمیناه کریمه محترمه لرینه مقر و مأوی تعیین بیوردیلر بوسیله متاع اعتباری
 کاسد و بازار نیم و شرابی فاسد اولدی و جمادی الاولی ده بر فضیحه غریبه دخی ظهور
 ایلدیکه التمثیل مدرسارندن صنعی زاده انشته سی علی یار افندی بیک برادری قاضی اسمعیل
 اوج بیک غروش رشوت ایله قیصریه قاضی اولوب ایکی آی ضبط ایدوب عزل
 اولتمق حرقیتله خواجه افندی به و اروب استرداد ایچون عرض حال ایدوب بیک غروش

ناچار در ایند کارند ایکی بیک غروشی دخی ویرک زیر امر ایچک لری دخی سکنر یوز غروش
 اولمشدر ایکی آی ضمه طمی اول سکنر یوز غروشه طوتک دیدک خواجه افندی تعنیف
 ایدوب بره قومک شونیدید که خدام کرام اوشوب قاضی فی ضربات فی درنی ایله دوستوروب
 بر الی مجروح ایدرلر دردمند شیخ الاسلامه واروب راشی ومرتشیمنک عاقبت حالی
 بویله اولوریدی قاضی فقیر شوت ایله منصبه طالب اولدوغنه عین ایدوب بعد التوجیه
 اوزرینه چاوش قویوب دین ایله بولدیروب الدقلربی بیان ایلدی مفتی افندی ترجم
 ایدوب یاشایه وار عرضحال ایله سکا اذن دیمکه وزیراعظمه واروب احوالی ییلدردکه
خواجه افندی کتخداسی احضار اولوب مبلغ معهودی بالتام استرداد ایلدیروب
 مولود ربیع الاوله سلطان احمد جامعنه مولود شریف مجلسنده شیخ الاسلام معید احمد
 افندی محرابه صانع طرفنده جمعه و زراصول طرفنده عبدالرحیم افندی صدرروم یا نجه
 قره چلبی زاده محود افندی التمه جیحی حسین افندی التمه غریز افندی و جوی زاده دخی
 التمه یانی افندی اوتوزرکن قیوجیلر کتخداسی طرف پادشاهیدن مأمورا کلوب
 بهائی افندی بی قالد یروب قره چلبی زاده محود افندی اوست یاننه اوتوزدیغی غریب
 وقایع ندر سلسله علما استانبول قاضیسی بشمقی زاده نک کوچک مخدومی طونه
 پالیسنده یتیمش پایه سنده سابقا حرام قاضیسی ایکن ساقر مولوتی ایله شادکام اولدی
 ماه صفرده استانبول قاضیسی مشارالیه بشمقی زاده محمد افندی بیوک مخدومی
 حالا چوی قضایسنک قیدی اوزرنده ایکن مرحبا زاده احمد افندی پینه قلبه مولویننه
 نصیب اولغله ارباب طریق رشکه مبنی استغراب ایله کفته کو ایتدیروب عاشر صفرده
 سابقا ایدین وصاروخان سنجاقلرند محصل اموال اولان کوزطصاری راعی زاده که قاسم
 افندی اوغلیدر و قره چلبی زاده عزیز افندی دامادیدر که یکشهر مولویننه نائل اولوب
 چتی زاده معزول اولدی و انسی چلبی مرعش قاضیسی اولدی مزبور راعی زاده که عزیز افندی
 دامادی اولغله یکشهر مولویننه نائل اولمشیدی قضاء آسمانی اواخر صفرده نامراد
 وفات ایدوب سینه یکشهر چتی زاده یه مقرر قلندی و ربیع الاوله ادر نه قاضیسی امام زاده
 معزول اولوب بولوی مصطفی افندی بروسه دن ادر نه یه نقل اولندی و کوتاهییه دن معزول
 ادریس افندی اون بیک غروش ویرمکه فضل یاشایدیله بروسه قاضیسی اولوب خسرو
 یاشا امامی ترک مصطفی که تیره دن قونیه یه قاضی اولمشیدی و تیره معهوده اوزرینه
 وزیر مرقومک یدیله سلائییک قاضیسی اولدی و قضاء ممولیندن اوغلان بزونکی
 دیمکه معروف مصحح الدین افندی که السنه کبارده ملقب دیو مذکور در اون طقوز
 بیک غروش و یروب مقابله سنده کندویه شام قضاسی توجیه اولوب ویردیکی
 اچه شام منصبیندن پیدا اولمیه جفی ملا خطه ایدوب یکشهره طالب اولدی
 قضلی یاشادخی مفتی یه خبر کوندروب یکشهری ملقب ایچون رجا ایلدکه مفتی
 افندی وزیر مزبور تذکره رجا یازوب بنم اوغلم لطف ایدوب دورت آی مقداری دخی
 توقف اولنسون دیوارام ایدوب قو کشیمز چتی زاده کبی حدید اللسان آدمک طعن

ولومنه بزی مظهر ابلک دیمکه تعویق اولنوب چتی زاده منصبنده قالدی شیوع حیات
 ابازه یاشا ضرورمه سابقاظم ورایدوب خسرو یاشا واسطه سیمله در دولتیه کلوب صکره
 سلطان مرادخان قتل ایلدیکی ابازه یاشای مزبور کویا عصر مرادخانیه حیمه جلاد
 ایله قتلدن قور تیلوب جزایروین دیارلرینه سیاحت وغیبت ایدوب حالا ارضرومه
 کلدی دیو ارضروم بکیر بکیسی سلیمان یاشا دن عرض ورودایتدیکی مشهور اولوب
 اقوال مختلفه سو بلنکه یاشا لندی طرف سلطنتدن مستقل آدم کوند ریلوب ابازه
 نامنه طوئش بر شخصک باشی کسملوب ربیع الاخرک سکنرچی کونی آستانه یه کلدکه
 کله مزبور ابازه یاشا باشی اولدوغی خصوصه اشتباه واختلاف واقع اولوب امامی
 اولان سنجاری محمد افندی سول اولندقه حین غسله انشیر یاشا کریان ایدی
 وال برمانی اراسنده یان سن کوردم بندخی برخوش بلم دیدی پادشاه حضر نلری بالذات
 جلاد قره علی بی یاغروب سول ایتدکه والله پادشاه صلوة مغربدن صکره
 قرا کولقیر گوشه ده یوزی اوستنه یا تمش بر حریفی بکا ابازه دردیو کوستر دیار بوغدم
 یوزنی وشمک لنی کوردم دیدی ارضرومدن کلن باش ايسه صوبلش اولغله برخوش
 تشخیص اولنزدی بالاخره باحقه لواسنه متصرف دوجه یاشاکه سلطان مراد زمانده
 بوستانچی باشی اولوب ابازه نک قتلنه مباشر ایدی آدم کیدوب اشتکشاف حال ایچون
 استانبوله کتوردیلر حضورهما یونه واروب سول اولندقه یندن اولان خط همایونی
 ابراز ایدوب پادشاهم بو خطله بنی انی هلاک ایلدم بو کلن باش ابازه نک دکلدر دیو
 جواب ویردی نجه قیل و قالدن و نزاع وجدالد نصکره اولیموده غوغا فیصل بولوب
 ارضروم والیسی سلیمان یاشا و قاضی ولایت احضار اولوب بالذات کشف شبهه ابلک
 فرمان اولندی صکره نتیجه سی بوکه چقدیکه صورته نوعا ابازه یه مشابه بر شخص مجهول
 ابازه یاشا لقی دعوا سنه دوشمکی دولتیه سبب وصول ظن ایدوب احقر روزگار بوداعیه
 ایله کندوستی بویلا یه گرفتار ایلش بومرتبه شیوعدن صکره ابازه اولندیغی صورته
 اولیه شخصک صانع قالمسی باعث فساد اولوق احتما لدر دیوازاله ایتشارلزله بوسالده
 وان قلعه سی زلزله عظیمه دن پریمه دم اولوب خرابه مشرف اولدیغی والی ولایت عرض
 ابلکه ایالتنه واقع امرای اگر ادر عاییه حصار مزبورک تجدید و تعمیر یابنده موکد
 و امر شریفه کوندردی احوال تا تارخان و جانب ازا ق بوندن اقدام اسلام کرای خان
 قریم خانی اولوب محمد کرای خان معزول و ردوسه کوند ریلوب اسلام کرای خان
 کوزلوی امینی سلیمان چلبی بی وچرکس بکی حشمی قتل ایتدیکی ذکر اولمشیدی
 بعد وزیر تعبیر ایتدکری معین کتخداسی سفر اغا قیوقولی ایله ضد دوستوب قتلنه قصد
 ایتدکارنده خان سفر غازی اغایی حبس ایدوب بر طریقله محبسدن قاچوب تا تاراچینه
 دوستوب طوایف تا تارایله خان بیننه القاء شقاق ایتکه قیوقوللریله قره تا تار خصومت
 و بالاخره خانی محاصره ایدوب خان قوللوغندن مفارقت ایتشارلیدی مصاحبه قصد
 صلح ایتدکار نجه سفر غازی یه تا تار طائفه سی طرفلرندن کرخان اتباع مخصوصه سندن

د اغا اوغل الياس اغايي و حالا وزيرى رمضان و مرضى اغايي و ميدان قولى بكي نزه و پر رسته
و رسون تاكه پان ليلى نه خانه مطيع اولور رزديوب ماتمسخر خلاف معقول اولغين مساعده
اولمغله تاتارلار ياشلو باسئنه جمعيت و كافره اقل ايدوب او توز بيكدن زياده اسير چيقاروب
اوربو غارنده اوتروب بيعة مشغول اولد قلمرى خيبرى كلى بواشاده مسقواچيسى كلوب
عسكرا تاتار ملكه تيرى غارت و خسارت ايتدى ديو تاتار خاندن شكايت ايلدى
و جمادى الاولى اواسطنده جانب شمالدن خبر صحيح كلى بكيه مسقو قرالى سكسان ييك
قدر روس كافرلرين جمع ايدوب ازاق قلعه سنه و تاتار خانه قصدا ايتمشدر اكلبناء بشيوز
تفر بكيچرى قيوه چيقاروب و سپاه و ساحدا رباو كرندين دخی بشريوز آدم تعيين اولنوب
اول سرحدلر محافظه سچون باش دفتر داراولان وزير موسى پاشا ايله قدرغه لره
قونوب كوندرلدى و اشاغى باوكر دن ايكي باوك و اون عدد او طه بكيچرى ضابطلرى
ايله سلسلستره محافظه سنه فرمان اولنوب طرابلسدن معزول وزير حسن پاشا ايله
كوندرلدى مكر ازاق قلعه سى اوزرينه كن كفارك دفعي ايجون مقدمان عاليشان سردار
ايله عسكربى بايان كوندر مشلر ايش قلعه يه قريب اولد ينى محالرده هر طرفدن هجوم
ايله جنكه آهنك اولنوب عون حق ايله اعداى دينى تارمار ايدوب بالاخره اميد نجات
ايله كلكلرى جانبه فرار ايلدىلر دور تيوزدن متوجه و اسير و سكر روزمقدارى طعمه
شمشيرا ولد يغن خان عاليشان در دولته عرض و اعلام ايلدكه مكارم شاهانه خسروايندن
سپاهيها اغاسى حمزه پاشا زاده ايله خلعت قاخره و مرصع شمشير ارسال اولدى
بواشاده دوبره و نيكدن اولونيه يه آدم و مكتوب كلوب يكرمى سكر چكدرمه واپكى ماونه
و بعضى سفينه ايله كفار خا كسار قوتور نام ساحله كه عاصى اناودو لاينيد رار ناود عصا سنه
اللى بيك غروش و بر مكله انلر قوره دن يونلردر يادن ربيع الاولده اولونيه يه ياشوب باصمق
قصدا نل اولد قلرين بيلد يروب اولونيه قاضيسى و اردار باغرا دى قاضيسنه مكتوب و محضر
ارسال ايدوب باروت و امداد رجا و التماس ايدوب اولد خى آستانه يه كوندر وب اعلام حال
ايلدى و من الغرايب الوقايع مصباح شهر يارى مير محمد ك برخد متكارى تعاليم خانه جيلو
اوطه سندن بر بكيچرى يي قاسغندن خجرايله اوروب قتل ايدوب و ليسى متوفلك قرنداشى
بر سپاهى ايش دعوا دن منع ايدوب حمايه دم و ديت طلبندن حجر ايتديلر و استانبول
صوقا قلمرى مزيله ولا شندن ملوث اولوب تغيير مزاج هوليه باعث و حدوث عفونته سببدر
ديو جمله محلاته ننييه اولنوب هر كس خانه سى و دكالى او كنى سپور مكله مشغول اولد يلر حكايه
قبوس امير الامراسى كوسه على پاشا و افر مبلخ و يروب قبوس منصبى تحصيل ايتدكه
واروب جزيره خلقنه بيجد ظلم و تعدى ايدوب دى رعايا جزيره ايجون حاضر لد قلمرى
اموالى كاه دور و سلاميه و كاه جزيره و مسوده ناميله اللرين الوب جزيره جايسى اولان
درويش اغادن دخی بر قاج پوك اچمه مصداق ايدوب اهل جزيره يي تمام صويوب بر نادايلدى
واسكله لره و عبور ايله جك پرلده دياره بانلو قيوه بوب اهل قبر يسدن بفردى طشره قيو
و بر ميوب خبر باو تجار ك امتعه و اشيا سنى تفحص ايدوب عرض و محضر و شكايت نامه لرا ولسون

دنيا احتياط تام ايلدوب يدى سكر آن قبريس خلقندن بفردى طشره قيوه و برمى بفر
كوسه على پاشا معزول اولوب جمله لونديله اناطوليه ضا كنه كجوب ميرميران جديدارى
على پاشا يه راست كلكلر ييلندن ننى ايدوب لار دن يه كلكلر اردندن عرض و محضر ليله
مشاكيلرى كلوب در دولند شكايت ايتديلر تاخير اولوب ترك دلى پاشا كندوسى كلوب
جست دپروب عصر ك نافذ الكلام اولان دولتلر لار يه هدايا و يروب خصم اسنى ارضا ايتك
مشرطيله جرمنى عفو ايتديلر بواشاده پادشاه عالمينه حضر نلرى مباشرت نسوانه مائل
اولمغله هر برىي تطيب اچون آستانه يه و طشره ده اولان مناسب بيع من زير اولوب
يوماقوما افاعيل عجيبه و امور غريبه ظهور ايدار اولدى و اطراف مناصبه اولان وزرا
و امرا يه مالا يطاق نكليف اولمغه باشلدى خنى اناطولى بگر بكيسى درویش محمد پاشا كه
صخاوت و شجاعت ايله مشهور و عسارت و مكنه ايله بين الامرا معروف ايدى در دولته
اون بيك غروشلق پيشكش كوندر دكه مقبوله كنجوب كندودن يكرمى بيك غروشلق
تقد طلب اولند قديمه مابشير پاشا نك كفالتيه آستانه يه كلوب حبس اولند قديمه انك
توسط و شفاعتيله اطلاق اولمغله بينلر نلر حقوق سابقه وارايدى درویش محمد پاشا نك
يونكليف عنيقى سببى ايله آستانه دن امنيتى قالممغله ايشير پاشا عظيم عسكرا صاحبى
و اناطولى ممالكته جمله دن نامدار و زرا و لمغله انكله خبر اشوب ايكيسنك دخی شما نلندن
مخاضل عصيان پيد اولوب درویشك ايكي بيكدن زياده لوندان بيلوك بيلوك كرميان ولايتى
تخریب و رعایا سنه نكليف و صوده ايله انواع جفا و تعذيب ايدوب بونلر ك خروج
و عقوقلرينه منعلق انواع اراجيفله جهان مالا مال اولدى صكره درویش محمد پاشا يه
نكليف اولنان مبلخ عفو اولنوب سلسلستره طرفه سرعسكرت تعيين اولمغله اول غائله طرف
و سلسلستره منصبى درویش محمد پاشا يه و يربوب سلسلستره دن معزول سپاوش پاشا يه
اناطولى منصبى و يربوب مبادله منصب ايتديلر و كليمولى اوسعيد افنديك ارپه لى
اولوب ناشى رمضان افندى عوارض اچمه سى دور تيوز غروش ايكن بيك غروش جمع
ايدوب اشرفلى نام قريه امامى يوسف كه وكيل كائنات بر مردى الفضل ايدى مال عوارض
زياده النيه ديو شكايت امرى ككتوروب نائبه كتوزدكه نائب امرى اليقويوب امام
امرى طلب ايتدكه نائب يردن قالقوب بردست چوب ايله امامى ضرب ايتدكه دروستانى
اتراك جمهورايله هجوم ايدوب امامى الندن الوب نائبي يقوب ضربات ايله كارين تمام
ايدوب خد متكارلرين دخی ده كوپ برىي دخی مجروح ايدوب عظيم غوغا قونارد يلر اعيان
ولايت كلوب ما بينه كيروب دفع فتنه ايتديلر رمضان افندى استانبوله كلكلر شكايى
ديكنايموب ملازم لردن توح نام كسمنه نائب كوندرلدى و ماه ربيع الاخرده حاجى بكتاش
لقميه ملقب اولان بكيچرى افنديسى قوجه محمد افندى ضيق النقصدن مرحوم اولدى
اوجاقه خيلى نام آور و اسه قلمتله معتبر كسه ايدى و ربيع الاخر ك اوچنى جمعه كو
معمريندن دور سلطان عثمان غايد حكيم باشلقدن اناطولى قاضيه سكرى اولان قوجه
موسى افندى مرحوم اولوب نماز جمعه ايله سلطان محمد دره جنازه سنى قلمروب ارپه لى اولان

بر اوادی قضاسی ادرنه دن مغزول شعبان افندی به استنبول قضاسی پایه سینه اریه لق
ویریلوب پایه امری اریه لق امری مغاغبایت اولندی وجمادی الاولیه کمرک امینی
مال اشکی قوجه مان علی اغا حنف انقه هالک اولوب مال موجودی میری به قبض اولوب
گنجداسی حسین چلی یرینه کمرک امینی نصب اولندی و بوجمادی الاخره او ادرنه والد
سلطان حضرت نرینگ گنجداسی اسکنداری قوجه بهرام گنجداسی اولوب منیر بهرام
گنجداسی دولت و تعین و وسعت صاحبی کسه ایدی والد سلطان حضرت نرینگ
چله امور به و بنا ایتدی یکی خیراته ناظر و معتمد علیه اولوب خیل مال و املاک پیدا
ایتمشیدی کند و نصیحه اولاد و اعقابی برین طوعمیوب اشیاء و امتعه سی مضحج اولدی
وقایع سنه سبع و خمسين و الف سنه مزیه محرمک یکرمیسنه شیخ الاسلام
اولان معید احمد افندی فوت اولوب و زرافه عالم جامع سلطان محمدیه محتمما نمازین ادا
ایتد کلر نه طرف شهر یاریدن وزیر اعظم ایله عبدالرحیم افندی دعوت اولوب مسند
رفیع فتوایه رفیع ایله تعظیم و نوازش ملوکانه ایله نکریم قلندی وقایع کزید سردار
هسین پاشا طایفه و کسمیه و ابوقرون زوت و قلعه لرینه محافظه ایچون تعیین ایلدی و کی قول
طائفه سنک و نفرا تیک بر رمواجینی و ابکی شریالیق ذخیره سنی ویروب سائر عسکره
دخی قرض طریق ایله ذخیره و خرج خلق ویردکد نصیحه آشاغی شهره اینوب فصل بهار دک
انده مقیم اولوب حاییه ده بوستانچی با شیلقدن وزارت و یریلان مصطفی پاشایی
محافظه یه قویب ذی الحجه نک یکرمی یدنجی کوز رتبه توجه ایلدی سادس محرمه سرایه
گیروب برهفته د نصیحه آشاغی شهره اینوب فصل بهار دک انده مقیم اولوب قندی طرفه
کمرک ایچون جبهه طه و مهمات تدارکی اوزن ایکن محرمک یکرمی ایکنی کونی خاصکی
هراد اغا کلوب دردولتدن کتوردیکی مکتوبلری ویردی و ذکر اولمان قلاع نواحیسندن
اولان رعایا امان ایله یرلرینه کلوب کار و کسبلرینه مشغول اولدوغندن غیری قندی یه
قرار و تجمعین ایدن کفره فرصت بولدقچه بشر اوزن قاجوب کلکدن خالی دکل ایدی
یو اشناده طویلر نقلی دونما کیلرینه محتاج اولغله دردولتدن ارسال اولمان قپودان
موسی پاشا اغریبوز و واروب ماه صفرده داخل اولدی و حاییه محافظه سنه تعیین اولمان
وزیر مصطفی پاشا خد متنه شعبان افندی نام کسنه یه کرید دفتر دارلغی و یریلوب طرف
سلطنتدن فتح اولمان ناحیه لری تحیری سیارش اولندی لکن حسین پاشای غازی رضا
ویرمیوب تحیری غلی دکلر هنوز تمام جزییه یه مالک اولماق رعایایی استمالته بروجانبه
اطاعتنه سعی ایدیه رز دیونا خیر ایلدی صکره قپودان طرفندن اخلاخ وری طرفدن
ابرام کونه خبر و ارمغله ربیع الاول و حاییه نواحیسنی تحیره اذن و یروب تحیره شروع ایلدی
اول ناحیه ده واقع فرنگه متعلق چقمتلرک احبابی اولماغله طرف میری یه راجع اولوب
یازلن بولنده کفارک التی پان چکدرمه سی حاییه اوکته رطوب ایرشمریده بقره مرسل کیمسی
ایدی چنک دلی گنجداسی قندی یه ماه صفرک بشی کونی قاصد کلوب قندی یه ایچنده اولان

گفاردن مرمری نام کافر پیاده و سوار بر بلوک فاجرایله اطاعت ایدن قریه لرغا رتبه چقدوغن
خبر ویرمکه دلی گنجداسی دور تیوز مقداری کزیده عسکر قوشیلوب اول سمته کزیدلدی
ایغا رایلر صفرک یدنجی کونی قندی یه عسکر سنه واروب نمایان اولد قلرند کفار چیقوب
صف صف طوردیلر قندی یه حصارندن ایکیز قدر طوب پی در پی اتیلوب بری طرفدن
سردار و عسکر بیرامن حصارده حصاردن جاری اولان نهرا و زن طوروب دلاور لر خند قه
وارنجه کفار اوز رینه آت صالوب هجوم ایلدیلر صحره کبرادن هنگام غروب به دک عظیم جنگ
اولوب نجه ملعونی کیر و توستکروب مردانه جنبش لر کوستر دیلر ناره حرب اشتعال
بولدیغی اشناده سپاهیلر دن صولاق و فریدون نام ایکی بهادر مجروح و اون ایکی نفر غازی
شهید اولوب کافردن اون سنگر باش و دورت اسیرالنوب قندی یه قلعه سنک شرفیسنده
قم قپودن دورت بیگ قدر قیون سوزوب اغتنام ایتدیله جهاد و غز ایله دونوب رتمویه کلدیلر
هزیمت حسین پاشا محاصره قندی یه ماه ربیع الاولک اون یدنجی کونی رتو خارجنه سردار
کامکار و تاغی چیقوب سائر عساکر نصرت ماثرت نصب خیام ایلدیلر ماه مزبورک دورنجی
کونی پاشای ذی شان یمن و یسار الایلر ایله شهر دن او تاغه تزل ایلدی اقسرای سفاحنه
متصرف محمد بیگ رتو محافظه سنه سفحای عسکر یه مأمور اولوب قلعه کیرلک لوازمی
ایچون دو نماز ولنه توقف و آرام ایله ربیع الاخرک یکرمی دور دنده آستانه دن قونا قچی
هلی اغا ایله پاشایه خلعت و سائر اعیان عسکره ایکیز قدر خلعت کیدرلدی احوال دونما
قپودان پاشا مقدما اغریبوزده بعضی مهمات و لوازم کور دند نصیحه ایتد اناطولی عسکرینی
یکورمک ایچون ساقز و واروب چشمه ده اولان عسکر و خر حلقچیلری کیلره لایق صد دند
ایکن کفار دوزخ قرار کیلری اطرافدن هجوم اوزن اولغله قراریدن میوب کیر و اغریبوز
دوندی جزیره مزبون یه یقلش دق کفارک طقوزیان بورتی اغریبوز لیانی محاصره
ایلد کلرین خبرالوب اغریبوزده اولان روم ایلی عسکریدن و خر حلقچیسندن و جزیره
کرید فرمان و تعیین و ارسلان اولمان بش بیگ یکچیریدن برنفر المادین و جزایر و تنس
کیلرین دخی لیما دن چقارمندن کریده دونوب عسکر اسلام رتو خارجنه منتظر ایکن
ماه ربیع الاخرک یکرمی یدنجی کونی ترسانه عامره کیلری ایله کلوب رتو لیما تده طویلری
اخراج ایلوب الحق ایکی یوز قدر بلدار و لعمی و برمقدار مهمات کتورب ماعد اولان جبهه
خانه و مهمات ماونه و چکدر رلرده قالمغله بوسالده قندی یه نک محاصره سی عوق و تاخیر لازم
اولدی رتو لیما تیک اولغله کیلره ارامه بحال اولوب دخی احتیاج واریکن دریایه اچلدیلر
ماه مزبورک یکرمی اوحنی کونی دردولتدن ارسال اولمان میر محمد اغا واصل اولوب مطلوب
اولان عسکر و مهمات و خزینه کوند رلشیدن دین دولته لایق خدمت لر وجوده کتور بده
دیو خط همایون و امر شریف قرأت اولوب جوابده انلرک عدم وصولی خبری کچن سنه
شهید و مطعون اولنلرک تیمار لری و زعامت لری قانون اوزن صله لر دن اغا لرینه و یریلوب بنفسه
ویا جبهه لیلری کلچک ایکن بری کلیموب عسکرک قلی و خر جلغه مضایقه سنی یازوب
عرض و اعلام ایلدیلر وصول عسکر اسلام بحصار قندی یه و اهزام کفار قندی یه کفره سی

قریه اولان قریه لک رعایا سینه فرصت بولد قجه ضرردن ورهبانلره مکتوب و خبرلر
 کوندروب افساد و اضلالدن خالی اولما لریله ایاقاری طشره دن کسبیلوب و افساد و اضلالدن
 انقطاع لری ایچون حسن پاشا و عثمان پاشا مشاوی ایلیموب یاتلارنده اولان عسکر ایلده قالمق
 قندییه قوشون سینه قونه حق برتدارک ایلوب محفوظ طومق فکرنی معقول کورمه مشاوی
 اوچ دورت دفعه کفارخا کسار ایلده جنگ ایلوب جمله سینه غالب کلسلر ایدی حسین پاشای
 غازی دخی بکچیری کتخد اسبله صالت اول ستمه وارمق ایچون رتمودن ککوچوب جمادی
 الاخره تک اوچینی کونی اولکی منزله وارد قده وزیر اعظم دن کلان محمود اغا امر شریف و مکتوب
 ایلده واروب ملاقات ایلدی ایرتسی ایکنی قوناقدن حسین پاشایه ملاقی اولوب عسکر دن بیک
 قدر پیاده و بشیوز تالو ایلده قندییه قلعه سینه یوزودی بر ساعتک بر قالد قده پیاده عسکری
 اولمخله ایقونوب اتلوا یله طوب ایریشوریره وارد قده قم قیوسی دیکله معروف قیوسیمتله
 بر قاج قیون و بر قاج اوکوز کوریلوب سورمک ایچون اوچیز قدر تالو کوندریلوب مزبورون
 واروب چوبانلری ایلده چادره طوغری سوروب ضبط ایتدیلر سردار نامدار باقی دلاور ایلده طویلر
 و مترس برینی کورمک ایچون اطرافه نگاه ایدرکن کفارنا بکار پاشانک بیلده اولدوغن خبرالوب
 حبه وجوشنه مستغرق بش بلوک اتلوا دورت بیک قدر پیاده ایلده چیقوب اوزرینه هجوم
 ایلد کده پاشای کشو کشاعون حق ایلده توکل ایلده پایدار اولوب ایکی ساعت قدر عظیم جنگ
 اولوب بالاخره عسکر موحدین منصور و اعدای دینی مقهور اولوب فرار ایتدیلر غازیلر ایدرکن
 قلعه قیوسینه وارمجه قیرو ب ا بکیوز باش والی قدر دیل الوب بو جنگده پاشانک محمود
 نام چوقدازی ایلده عسکر دن اون قدر آدم شهید اولدی بو محاربه دنصکره حسین پاشا
 و عثمان پاشا یاتلارنده اولان عسکر ایلده کوچوب قلعه مقابله سینه بر ساعتک یره قوندریلوب
 حصاری طشره دن بر مرتبه محاصره ایلدیلر که قیودن کیرن و طشره چیقان نمایان
 اولوردی قلعه دن سوریلان قیون و صفیر شکرانه طفر امر او عسکره توزیم اولنوب قندییه
 اوزرینه حسن پاشای با ش و بوغ تعیین ایتد کد نصکره حسین پاشا کیر و رتمویه دونوب
 یکریمی دوردچی کونی اوردوی همایونه واصل اولدی قیودانی مصاحب فضل پاشا و رفتنی
 بجانب کیرید جمادی الاخره ده قیو دانلق فضل پاشایه وریلوب بیک بشیوز بکچیری اتوز
 قطعه قدرغه ایلده چیقوب او آخر شهر مزبورده ساقزه وارد قده اون بوزتون ایلده جمع اولوب
 اناطولی عسکرینی چشمه دن کیلره آلوب در دولتدن مجددا ارسال اولفان الی
 پان قدرغه یه منتظر ایکن و کربله صالمغه حاضر ایکن انا بولیده تان کفار کیملر ندن الی
 پان مالته کیسی و دورت قلیون ایریلوب ماه رجبک اون یدیسنه ساقزه کلد کلرند
 عسکر اسلام کیلری دخی علی السحر لیاندن چیقوب صفاین کفار ک قییلر ندن طوب
 ایلده ضربه اغاز ایلدوب غرو به دک عظیم جنگ اولوب بالاخره کفار نابکامنهمز مادر یا یه
 چکیلوب عسکر اسلام سا لما ساقز لیانته کلدیلر کفار ک باقی سفینه لری دخی انا بولیدن
 حکمت اوزن اولمخله قیودان پاشا فکر احسن و رای پسندیده مستحسن اوزن فرصت
 پرلوب جمله دو تمانی همایون ایلده قلقوب کربله روانه اولدیلر احوال عسکر در قندییه

سردار غازی رتمویه عودت ایلدی ایکی آیه قریب زمان کفارنا بکار هر بار عسکر اسلامه
 و مطیع قریه رعایا سینه قصد مضرتدن خالی اولیموب عسکر اسلام دخی مقاتله و مدافعه ده
 اهتمام ایلدوب جنگ و حربدن اصلا فارغ اولدیلر و حصاردن کفار چقد قجه ضرب شمشیر ایلده
 خند قه دک سوروب باش و دیل المقدن تهی دکل ایدیلر مرینله قسنتلی نام موضع رعایا سی
 عصیان ایلدوب حبیب اغا ضرب شمشیر ایلده نکرار نسخیر ایلدی بو خبر لر سردار نامدار منعکس
 اولد قده توقف ایتیموب شعبانک بشیخی کونی قندییه عزیمت وروم ایل بکر بیکسی کوچک
 حسن پاشا منزله نزول ایلدی جنگ عرب سننک بیک و شاهین اغا بوشاده قلعه کفاری
 اضطرابه دو شوب سردار بالذات کلدی تدبیر ندر دیو بر یره کلدیلر هنوزوند بیکدن امداده
 کلن مقیر نام قیودانلری و افر لاف اوروب سرخوش اولد قدن صکره مارقونام کافر بهادر
 ایلده منا قشیه اغاز ایلدی در حال بر بار کیره سوار اولوب روم ایل غازیلرین دست بسته
 کتور مکده نفرتی ملا عین ایلده چقدی روم ایل بهادر لری دخی خبر دار اولوب سوار و پیاده
 هجوم ایلدیلر سردار غازی دخی خواص خدامیله صکره روانه اولوب خدامندن بیکچشم
 شاهین کفال هجوم ایدمجه بر کافری کسوب دوندی ائی کوردیلر که جانب عدودن تیمون
 قرق اولش بر کافر چیقوب مینه عسکره مقابل طوردی شاهین اغا نیزه سن
 طوغر لدوب اول ملعونه بر ضرب شدید اوردی لکن حبه وجوشندن نائیر ایتدی
 سپاه زمره سندن عرب سننک که بلوک چاوشی ایدی اولدخی بر نیزه قهر مانی حواله
 ایلدوب اولدخی نائیر ایتچک سوار اولدی رخس سبک پا قوتیله قفا سندن قاپوب
 زور ایلده ایکسیسه اثر ندن ایرلدیلر ملعون میدانده عرب سننک یدنده ناتوان وزبون
 قالیجق شاهین دخی امداده مسارعت ایلدی کفار بونلری لحاطه و عظیم هجوم و غلوا یله
 جوانب برین آلدیلر لکن عرب سننک چاوش شکارین ویر میوب خواه و نا خواه حنیزی
 کربیاتندن سلکوب اشاغه ییقدی فی الحال باشن کسوب سردار غازی حضورینه
 کتوردی مکر بو کافر بد نهاد دعوی دلا و رلک ایلده عسکر خروجنه با عث اولان ملعون
 ایش بعده براوغوردن کفار عسکری اول ایکی دلا و رک اوزرینه جمله ایلد کلرینی سردار
 حالجناب کورد کده قراری قالمیوب بالذات کندوسی هجوم ایتکله کروه مکره به زیلوب
 حصار خند قنه دک قیرو ب قووب سردار غازی بالذات سننک جانستان ایلده دورت کافری
 دیلیموب اخشام دخی ایر شمس ایدی طرفیندن دوندیلر عرب پچا و شتک کسدیکی
 کافر ک سلاح وجو شندن خیل ذی قیمت اشیا سی و ار ایدی پاشا آت ایلده اثوابی عرب
 ایلده شاهنه احسان ایلدی بو وقعه شعبانک سکرند و قوع بولدی شعبانک اون طقوزنده
 سردار غازی حبیب اغا و اشجی علی اغا یله پره پتره ستمتله اولان مرینله نام قسنتل حصارینه
 واروب بر قاجکون او تروب شرایط محافظه بی تکمیل و اون الی پان طوب ایلده محافظه سینه
 آدم قویوب دوندی بر ایکی دفعه دخی جنگلر اولوب سردار غازی روم ایل بکر بیکسی
 کوچک حسن پاشا ی قندییه اوزرنده اولان عسکره سردار تعبیر ایلدوب کند و رتمویه
 عودت ایلدی و بشیخی منزلت اوردوی همایونه داخل اولدی ماه شعبانک یکریمی سکرند

دو تنه حایه لیا تنه واصل اولوب عسکر اسلام قوت تام بولوب قره دن قیودان پاشا
و تمویه واروب سردار حسین پاشایه ملاقات ایتدی یلر پاشای کامکار مراسم استقبال و نکیریم
تقدیمندن صکره دو تنه ایله نه کتور دیکتر دیه سوال ایتدیکه ساقزدن فوجیه واروب
کمی یاغلقدن صکره اناطولی عسکرندن حاضر بولنان دورت بیک قدر یکچیری و بر مقدار
جبهه خانه و ذخیره کتور و ب کفار کیلری روم ایل یقاسینه اولغله اول طرفه اوغرا میوب
نه حال ایسه کلد کالین خبر و پردی آمدن سفاین کفار بقندیه و عودت دوتمای همایین
قندیه محاصره سنه دو تنه کیلری ایله طویلر تاقچون مشاؤون اولنورکن کفار کا سارک جمله
چکدرمه لری و قلیونلری و مایه لری کلوب طوب نقلی منع اچون قندیه اوکنده وضع
لنکر اتمکله دریادن طوب نقلی ممکن اولیوب طرف پادشا هیدن دوتمای همایون ایله
برکون اول کله سن دیه فرمان جلیل القدر صادر اولغله سابق الذکر عسکری مزبور
قیودان پاشا کزید جزیره سنه چقارقدن صکره ماه رمضان سکر نه دوتوب ساقز جانه
متوجه اولدی و او اخر شهر مزبوره دوتمای همایون ایله ترسانه عامره یه داخل اولدی
نقل طوبها بحصار قندیه سردار کامکار دو تنه کدک صکره طوب نقلی تدارکن قره دن
کور مکمل بدل مقدور ایدوب قندیه یه کیده جک یه لاری دوزلنک اچون رعایا سوزوب
واوکوز لرا لنوب التي قطعه قلنبور نه که بری طقوز و قیه و ایکسی بدیشرو قیه و اوچی
بشرو قیه کله اتردی اوکوز لره قوشدیر و ب مهیا ایلدی ماه رمضان شریفک یکرمی
سکرنجی کونی خاصکی حسن اغا ایله ارسال اولنان خط همایون و مرصع شمشیر ایدار
و سموره قیلو خلعت سردارا کر مه و اصل اولوب شملکر ایلدیلر مفه و منده قندیه فتحی
ایله دولت و دینه لایق خدمت سرسپارش ییوریش ایدی ساقزده قلان ذخیره کیلری
و شش پاره اغری سوز کیلری و دروت پان لایلی کیلری کریده قشلا مق مهندرتا که بتفشیه
ییلن محافظه ایدلر ویدی سکر یوز لعمی ارسال اولنوب بوجانیده توجیه اولنان تیمار و زعامت
اول طرفه آخره ویریمه که عسکره فتور کلیه و عسکره ذخیره و مو اجب بیک کیلری ایله
ارسال اولنه اقل مرتبه بوقیش ذخیره لرینه یوز بیک کیل حنطه واللی بیک قنطار بکسماد
آجق کفایت ایدر دیو عرض ایلدی و خامس شواله قره دن التي قدر عرب طویلر رتمودن
قالقوب قندیه قلعه سی طرفه عزم اولمشیدی ذکر اولنان طویلری صعب
و سنکستان اولان محالردن اشروب ماه مزبورک اون سکرنجی کونی قندیه اوکنه داخل
اولدیلر بویوللرده چکیلن فلاکت و زحمتلر وصفه کوزد کلد ربعه حایه دن اون سکر
مرحله ده طقوز عدد طوب دخی هزار زور و زار ایله نقل ایتدیلر به بابیه چکلن زحمت و اولان
اقدام و اهتمامه دوست دکل دشمن بیله تعجب ایلدی ذکر احوال محاصره و وصف حصار
قندیه چون عسکر اسلام قندیه یه واصل اولدی مترس زمانی اولما غله قلعه
قرش و سنه قونیلوب مهمات لازمه کور ملک اچون قرار ایتدیلر کفار کا سار ایله متعدد
جنگلر اولنوب سپاهیلر اغاسی ازینقی بکراده علی اغاشهید اولوب بری حبیب اغایه ویریدی
قندیه حصاری بر متین قلعه اولوب اوج دروت سنه دن بری کفار تدارک کوروب کلی

اعتماد ایدلر جک مرتبه استحکام ویردیلر انعمارندن غیری قوند اغه شمش مهیا سکر یوز لار
قدر طویلری اولوب اون ایکی بیک فرنک جنگی صولتا ندن غیری او توز بیک قدر بری
جنگ آورکا قری وار محاصره سنه اقل مرتبه قرق بال یز طوب لازم دروا لا اون بش
پان طوب ایله بو قلعه یه مباشرت مناسب دکلدر ذکر اولنان اطویلر و صالیله اتمکله
جبهه لی و سائر مهمات کلنجه مترسه کیر لردیه اعیان عسکر مشاؤون ایدوب واقع حالی
در دولتیه عرض و محضر ایتدیلر روم ایل بکر دیکسی حسن پاشا سابقا تعین اولندیغی سندن
پاش و بوغ اولوب قلعه فی طشره دن محاصره ایلمکله اچر و دن کفار چقمغه قادر دکل ایدی
حسین پاشا کیر و تمویه رجوع ایلدی ذی القعدة نک اونچی کونی پادشاه طرفندن
مطره جیلر ایله کوند ریلان خط همایون که استمال و تنبیه و تآ کیدی متضمن ایدی واصل
اولدی ذکر اولنان مواجب و ذخایر قیش اچمنه بیک کیلری ایله کلک مهندس سکر یوز لعمی
و اوجیوز طویچی و ساقزده کلان مصبر قوی کریده واصل اولمق لازم دردیو عرض اولندی
احوال سرحد بوسنه بوسالده بوسنه ایالتی عسکری شبنک وزادن اوزرینه مأمور ایکن
والیسی ابراهیم پاشا احوال و نکاسل اوزن او لمسیله ملاعین کفار حرکت و بعضی قلاع
و نواحی غارت و انواع خسارت اتمکله بوسنه ایالتی نکله لی پاشا دید کالری بی عار ویر یلوب
زادن و شبنک اوزرینه سر عسکر نصب اولنوب او اخر محر مه اشاغی بلوکاری بری ایله
گوندر یلوب سلخ محر مه ایکی بیک یکچیری ایله خاصکی حسین اغا وصول غر با بلوکی
وایکی یوز سپاهی دخی مأمور اولوب آلا ی ایله سراج خانه قریبده اچی چشمه یانندن کجوب
پادشاه عالمینه صالح پاشا خانه سندن الانی سیر ایلدی بو اثناده چتالجه قریبده
واستراجه طاغنه وادرنه طریقندن وافر حید و کفره سی جمعیت و خیل شناعت ایدوب
بعضی قریه لری و قله لری باصوب متمول کسه لری قتل و مالکین اخذ و خسارت ایدر لردی
حتی جاذی الاخره یوزاللی قدر حید و کفره سی مناسرت قصبه سن باصوب کجه
ایله بزستانی اچوب اموال عظیمه یغما ایتدیلر مناسرت لی جنگ و مدافعه یه مسارعت
ایدوب ملعونلردن التي کافر و مناسرت لیدن اون یدی مسلمان دوشوب ایکموزه قریب آدم
یرالندی ملاعین طاغنه الدقلری اموال ایله طماغه چیقوب کتدیلر اهل اسکوب
و سائر اول نواحی خلقی احتراسه مشغول اولدیلر بو خبر آستانه یه منعکس اولدقده تراله
سجناغندن معزول سنان پاشا که مقدم ادرنه بوستانجی یا شیشی ایکن اول اطرافک
ضبط و ربطنده اهتامی و رفعتیما خص و عینه و قوف تامی اولغله مکررا درنه بوستانجی
پاشایلی عنایت اولنوب کوند رلدی خروج حیدر اوغل محمد درانا طولی برقاج سنه دن
بری اناطولی و لایقنه کزوب ابناء سبیلی صویوب کار بانلری یوزان حرای قره حیدر نام شتی
بو اثنارده حیدر قصبه اتندن اولوبور لوده مشهور ولی بابا نکیه سنه واروب یا تورکن بعضی
کسنه لر شتی مزبوری قتل ایتد کدک صکره اوغل محمد نام شتی بر کجه انتقام اچون ولی
بابا نکیه سنی باصوب متعلقانی ایله جمله سن قتل ایدوب ویاننه برقاج استقیا جمع ایدوب
بابا سندن زیاده ذروه فساد عروج و سکوت طاغنه خروج ایلدی مقتولی وزیر اعظم

صالح پاشا و وزارت احمد پاشا پادشاه حضرت نیرنگ مزاج لطیفی حرکت اقتضای ایدوب
گاهی تحت روان و گاهی اسب صبارفتار و گاهی قوچیلر سوار اولوب شهرده سیر و سلوک
هادنلری اولغله بر قاج دفعه عربله قرشوگکله زوقاقلده مضایقه ویرمکله عربله شهره
کیرمسون و شهرده بر فرد عربله سوار اولسون استانبول ایچندن بردخی عربله کوریم
ویوساغ ایتیشلری و یورک صقله سنه و سودی علتله مبتلا اولد قلردن بعض مشایخن
ارباب غریبه کندولرین اوقته مستترج اولورلردی ماه شعبانک اون ییجی اثنین کونی داود
پاشا شهنشاه مشهور چخاراغاجی یاننده ساکن ارباب غریبندن برامامه کیدرکن قضای الهی
اوکارینه بر عربله کورمقد مامنع و تنبیه اولمش ایکن متنبه اولد قلری وزیرک عدم تقید نه
حمل اولغله غضبه کلوب نیروزیری چاغرک دیوی درپی آدملر کوندلردی دردمند صالح پاشا
سراینده ایکندی دیوانه حاضر لنورکن پادشاه استردیومتعا قبا آدمملر کلوب اصلی بلتر
بر چبقونه سوار اولوب واروب امام مزبورک اونل پادشاهه بولشد قلبن عربله له یساع
ایتیمکشین مجون نیم تنبیه طوطولرین پادشاه دگلم نیروزغک دیواوازیلند ایل چاغردیلر صالح پاشا
هذر دیلوب تحلیص جانه چالشد قل قطعا اصغال و نیمیوب نیروزغک دیومتور ایل چایقروب
خدام رکاب دخی امامک خانه سنه اولان قیواورغانی ایل بیکناه صالح پاشانی اول ساعت
پوغد بلر اولان مهر روزانی قیوچیلر کتخدسی ایل قبودان موسی پاشایه کوند ریلر اول کلجه
دفتر دار اولان احمد پاشا که قره مصطفی پاشا تکره جیلکندن گله در قائم مقاملق خدمتی
ایل ماه مور اولدی لکن احمد پاشا مشهور اوغلانی و مزاج کیر قلاش اولغین یلیدی ایسه اییوب
مهرمایونی دوندروب کیندوسی وزیر اولق دامیرینی قوروب خاتم و کانی صید ایلوب و بر خط
همایون ایل استرد ادینه شاهین اغا نام ادمیسنی کوندردی پوله کیدرکن شاهین اغا مطعون اولدین
قیوچیلر کتخداسنه وصول میسر اولوب بیجان موسی پاشا صروروزارت ایل آستانه سعادت
کله کده مهر احمد پاشایه ویریایوب موسی پاشا مأیوس محروم ایکنی وزیر مقامنده قرار ایلدی بعض
وقایع آستانه مقدمه اسپاه اوغلانی اغاسی اولان حمزه پاشا زادهیه ضمیمه وزارت ایل بیکچیری
اغالغی ویرلشیدی چوق کچمدین شق ثانی دفتر داری سید محمد اغایه بیکچیری اغالغی ویریایوب
وزیر اعظم اولان احمد پاشا باش دفتر دار ایلدی لک سراینده خلاف عادت خلعت کیمسی فرمان
اولندی عجایبند که جمالان خاصه دن حاجی محمد نام بر مرد توانا عربی الاصل بر رجل بالایلند
اولغله بواشاده قیوچیلر کتخداسی اولوب چوق کچمدین اطهار سیادت ایدوب یشیل صارندی
پواشاده مزبور قیوچیلر کتخداسی ویکچیری اغاسی و مصیر پاشاسی و صاری بیراق اغاسی
وفزل بیرق اغاسی جمله سادات اولوب یشیل صارندی یلر وزیر سیاوش پاشایه دیار بکرایانی
تاریخ توجیه بدن دورت آی مؤخر ضبط ایلک اوزن ویرلشیدی جناب پادشاهک همشیره
لری اولان عایشه و فاطمه و خاترا ده سلطان ادرنه یه نفی اولندی یلر و پواشاده ترسانه عامره
پانجه سنه اولوب پانجهک دریا طرفنده واقع حرم دیوارلری هدم اولوب من بعد اول طرفدن
برمه و قایق کچماک ایچون محکم یساع اولندی و پواشاده بشخی خاصکی به حمید سبحانی
ییجی خاصکی به بشیقلاق نامیل ایلالت شام انعام اولنوب کورپلی محمد پاشا من کون طرفندن

مسلم تعیین اولنوب کوندلردی ذکراختلال احوال دولت و تغلب نسوان بر امور سلطنت
سابقا مرحوم سلطان مراد خان زمانده اولان توانا شهزاده لر اعدام اولنوب سلطنت
دولت علیه سلطان ابراهیم خان حضرت تکرینه منحصرا ولوب انلرک صایندن شهرزاده لر
کلیک الزم و اهم مهمات بی نوع ادمدر دیوارکن دولت و اعیان سلطنت حین جلوسه بر
حسنا جاریه کوندروب پادشاه حضرت تکرین توالد و تناسل سمتنه ترغیب ایتدی یلر زمره
نسوان دخی مطلبلری اولان وجه اوزر اول خصوصه اقبالی کورد کلد فرجه یولوب
زمان مدید شد اید مضیق محبسدن هنوز رها بولان ساده دل شهر یی یاری شیوه
کارلق ایل شکاف عمیق القهر هوا ولذته دوشوروب زن دوستلق فننک مسائل
عربیه من نعام ایتدی لک کیدرک پادشاه عالیجاه نسوان ایل الفتنه مألوف اولوب اکثر
امور دن اول ناقصات العقلارک سوق و تحسین ایتد کلد و ایدلر کلد ایتد کلد کلد
یوپیانه ایل بر قاج شهزاده وجوده کلوب بر مقدار خلقت یوزی کولدی لکن مدا خله
واستیلای زنان ایل مزاج نظام محتل اولوب دید دولت المندن اغلامغه باشلادی بش التي
خاصکینک سنوی خاصلر دن یوزینک غروش حاصل اولد و غندن ماعدات وایع ولواحق
وسائر ارباب اسرافک ایچروده و طشره ده کثرت اتلاف و اسرافدن خزیننه عامره یه
کلی کسر طاری اولوب قول مواجی ویرلک عظیم عسرت چکیلوب بعض اصنافه علوفه لری
قلت اوزر ویریایوب اکثری ارباب وظایف معتاد قدیم اوزر و وظیفه المقدن محروم قالدیلر
اکثر خدمات و مناصب نسوان شقا عتبله ایچرودن ویریایوب طشره دخی ضرورت
یهانه سیله جمله مناصب علیه و سیفیه بی بیع من یزید ایل اشکان فروخت ایدر اولدیلر کثرت
تبدیلدن منسلم و نائب خلف سلفه سلف خلفه یوللرده اولاق مثال مصداق فیه یه
باشلایوب رشوت ایل منصب الانرو ویردیکی اچقه بی حاصل ایتزدن اول منصب بر آخره
بیع اولنوردی کزید سنجاقلر و محصورلدار ایلنلر کیمی مصاحب و ندیم اولنلر و کیمی دخی
خاصکیلر و کتخدالینه توجیه و تقسیم اولغله قدیم الایامدن متصرف ایالت اولان
امکدارلر و امرای نامدارلر اطراف و جوارنده مستغرق دیون خان گوشه لنده ویران سرایلر ده
عشاء اللیل یه محتاج فقیر و بزبون بیت امیون سنجاقلر محکم زمان دیباخی علمدار دوندی همان
ماصدقی اولمشلر ایل رعایا پایمال و خزیننه برباد اولوب آستانه ده مناصب و مصالح
خیمنده النان رشوتدن غیری پاشا لره و بکاره منصبلر ده نجه درلر و کالیف بری برین تعاقب
ایدوب عالمک اختلالی کوردی و جزئی یهانه ایل مصر و بغداد و وسائر بلاد اولاق
کیدوب منزل جویری بر طرفدن قریه لری خرابه و یردی حاصلی آستانه ده و طشره ده
هر کون ظهور ایدن نکالیف کونا کون دن اعلا وادنا جگر خون اولمشلر ایلدی ثمة وقایع
غرایبندر که پادشاه حضرت تکرینه قار لازم اولوب بروسه ده کشیش طاغندن کتورسونلر
دیومو کد امر شریف صدور ایدوب بروسه قاضیسی مولانا دیریس افندی تهمت تقصیر
ایل عتابه مظهر اولوب بالذات کندوسی طاعنه قار کسدر ملک ایچون چیقوب منصبی یوز
اوزنده اولغله قارالتنه قالمش هلاک اولمش دیوشایع اولد قلده مصاحبه لر دن جامه سنوی

خاتون شیخ زاده اوغلی شام قاضیسی ایتمک ایچون مفتی به ابرام ایله شفاعت ایتشیدی بوخبر
استماع اولند قده بروسه حاضر مخلولرد یو توجیه ایلدی بعد ادریسک حیاتی مقرر اولد قده
ینه منصبی تقریر قلندی بو ائشاده سلسله اولوب عشاقی زاده خروس افندی دیار بکردن
معزول و کورد ملا چلبی حلبدن دیار بکره نقل و اناک برینه صنعی زاده بروسه پایله سیله حلب
قاضیمی واسطه یل زاده محمد افندی قدس شریفه اولوب امام اوغلی طوقوز زاده برینه
بوسنه یه قاضی اولدی و ثالث شعبانده امام زاده عزل و برینه ممک زاده غلظه قاضیسی اولدی
و شعرانی زاده قدس شریفه نقل و برینه ملقب مصطفی الدین شام قاضیسی اولدی و اوائل
و مضانده شیخی زاده عبد الرحمن چلبی اون بیگ غروش و یروب قاسم پاشا د اخلندن سلا نیک
قضا سینه منصب اولندی بو ائشاده قرقدن معزول بر سوخته مجهول طریایس مولوتی و یرمک
ایچون حرم همایون طرفندن رجا اولنوب منلا اجابت ایتما مکن وزیر اعظم فرمان ایله توجیه
ایلدی و مصاحبه جامه شوی خاتون مذکور صحافی شیخ زاده یه بروسه مولوتی رجا ایدوب
گندویه نامزد اولدی ماه رجبده صغیره سلطان که مصطفی پاشا مر حومک سرانی اکا وریاوب
تملیک اولمشیدی فوت اولوب شیخ الاسلام نمازین قلدی ماه رجب اخرتله بدون والیسی
مصطفی پاشا عزل و برینه بیوک میر آخور مرتضی پاشا که صالح پاشا ارادیدر وزارت ایله بدونه
محافظ تعیین اولندی و برینه قیو جیلر کتخداسی بیوک میر آخور اولدی و قرمان ایالتندن
معزول بیونی اگری طوراق شاکه قسطنطنی پاشا لغن دخی ضبط ایتشیدی ابراهیم اغایرینه
چاوش باشی اولوب اول وقتله اولان غیر تکشان کندویه طعن ایدوب نه بی حمت ترک اولور که
پاشا قلدن صکره اغالغه نزل ایلدی و ماه رجبده اوحنی خاصکی سلطان ایچون جوهر طویا و
برعربه استلنوب داود پاشایه کیدلد که آلا ی مثال اول عربیه بی تماشایچون خلق جمع
اولوب سپهره چقد یلر ماه شعبانده هزار غرادی احمد پاشا که محافظه دن عود ایدوب
استانبوله کلدی و اور تالغک پرچیچی زاده سیکه اجه اباد محافظه سنه ایدی کلیولی
و اول نواحینک اغنیاسنی مصادره قیدن دوشوب الحق بالک زرده سی اولمشیدی وفات
ایدوب غائله چرخ جفا کاردن قورتلدی ذکر امتناع و خروج وارد اعلی پاشا بالفعل
سیمواس بکر بکیسی وارد اعلی پاشایه رمضان شریفه طرف دولتن آدم کوندریاوب
عید خرچلغی او توزییک غروش ارسالی تکلیف اولند قده پاشای مزبور اعیان شهری
جمع ایدوب سیمواس ایالتک سنوی محصولی و کند و زمانه دوشنی تقریر ایتدی یروب
بر وجهله ادایه قدرتی اولدوغنی بیان واعتد ارد نصکره او امر کوندریاوب طلبه اقدام
و ابرام اولند قده مزبور دخی واران مباشره بن بوقدر راجحه یی زه دن و یرم خلقت مالی الوب
قطع طریقیمی ایلدی یروب تمهید شلید ایله رد ایدوب مقام امتناع قیام کومستردی یوندن
ماعد البشیرک سیمواسده بر منکوحه سی واری ایدی انی دخی بیله استدی لرانی دخی و یرم یوب
بر مسلت منکوحه سنی خجه غیره تسام ایلدی یو دیندار لوق ایله ثبت کومستردی طرف
دولت بونلری هضم ایدوب اول امر دن عزلی مصمم ایکن مد ارایدوب مقرر نامه سن کوندریدیلر
لکن علی پاشا عالمک دلکیر لکنه مغرور اولوب خلقی کندویه یار اولور صا نوب دیلد یککه کاوه

آهنک رک خالی کی صاحب ظم و راولوب بو اختلال فساد ی عالمن دفع ایله بمقوله امورایسه
امداد سماوی به محتاج اولوب بغی و خروج ایله علاج یذیر اولدوغن ملاحظه ایلدی بعضی
محرک ر دخی مزبوری خروجه تحریک ایتکله پانیه ایتلوب تمیز دعاویه یا بشدی و پادشاهک
احوال عالم ایله تعیدی اولما مغله حل و عقد امور سلطنت طائفه نسوان الفده اولد بگندن
امر او بکر بکیلر زمان قلیلک عزل و آمد شد حکامله رعایا یریشان اولغله عالم خرابه واردی
متصرف منصب اولنر جمله بریره جمع اولوب علی الاتفاق بو قاعده مکروهه بر طرف قائمه سن
حضر و همایونه عرض و انما ابلک مهمات دینییه دندر اوج سنه تمام اولد قجه مناصب سیفیه
تبدیل اولغماق ایچون خط همایون اخراج ایتدر ملک ایله نظام ممالکه باعث اولوب مظهر
اجر جزیل اولق امر مقرر در دیو حکام بلاد و امصار معیت ایله اسکدر ان عزیمت ایچون خبر لر
گوندر ووب جمع عساکره مباشرت ایلدی و طشره چقمش بولغله آستانه یه کیدرم دیو
عز مندن دو نیموب بر مقدار عسکر ایله بروجانبه توجیه اوزن پاشای مزبور صورت حقن ظهور
ایتکله ظلم و تعدی به رضاسی یوغیکن یاشه جمع اولان لوندات و استقیار عابا و اغنیاد مراد لری
اوزن مال و منال المغه مرخص اولد قجه یاننده قرار ایتیوب طاعلغه باشلد قلرین کورد کده
تاجار رخصت و یروب اول ارادل و ارغادر دخی جبر او قهر ار است کلد کلدی کسه لک اموال الوب
او غرادر قلری قصبات و قرانی اوروب بر مرتبه ظلم و ملغنت ایتدی لر که مقدما و الی لردن صدور
ایدن جور و تعدی اکانسبتله لطف و مرحمت اولمشیدی علی پاشا نک احوالی معروض سده
سعادت اولد قده تحقیق حال ایچون معتمد عیله آدم لمر سال اولنوب تمهید ایلد اطلالع
بعده دفعیچون حکام ممالک اوزرینه حواله اولنوب ایشیر پاشا سر عسکر تعین اولندی وارد ا
علی پاشا نک لوند لری بر طرفدن اناطولی یی تحریب ایدوب حیدر اوغلی دید کلدی شقی
دخی بر طرفدن حمید و اول نواحینک استراسنی جمع ایدوب قریه لر صالیله صالوب یوللرده
کاربان و سائر آئینده و رونده یی صویوب غارت ایتکله امنیت مرتفع اولوب عالمه ولوله دوشندی
وارد اعلی پاشا نک نتیجه احوالی کلجک سنه ده بیان اولنسه کز کدر خروج ابراهیم پاشا
و مقتولی اودر بغداد یوندن اقدام وزیر صالح پاشا بغداد یالتنی خزینه داری ابراهیم پاشایه
و یروب کوندر مش ایدی سنه مزبور شوالنده بعد العید وزارت عظمی امید یله آستانه یه
کلن قیودان موسی پاشایه بعد اد توجیه اولند قده تمارض ایدوب استمدی بروجمله دفع ممکن
اولم یوب منسلم کوندر ووب اردنجه کند و دخی کتمشیدی صلفی مرقوم ابراهیم پاشا فدیسی صالح
پاشا نک قتلدن خبر دار اولوب دولتن مایوس اولغین بغدادی قبضه تسخیر الوب
مستقلا حکم فرما اولق سود اسنه دوشوب تدبیر عصیانیه مباشرت ایلدی بغداد قولی ایله
یکدل اولوب موسی پاشا نک منسلن رد ایدوب دماغی فسادده اولد بغنی محافظه ده اولان
بکیچر بلر مشاوره ایدوب مقام معارضه ده قیام کومستردیلر اکی عسکر بر بر یله قتال ایدوب قیو
قولی ابح حصارده اولغین ضبط ایدوب طشردن بغداد قولینک و پاشای بی ادراکک هجومی
دفع ایتدیلر بالاخره پاشا ساده دل حادث و سفید اولغله قول ضابط لری حیل یه سالله
اولوب صورت نامنازه دن فارغ اولدیلر و زده سکا تابع اولدق دیور بشخنده ایله اچرویه الوب

بر او طایفه حبشی ایستاد و پسر طایفه دین بغداد قول عظیم هجوم را بر اوید و بی فائده کوشش را از او بدو
 قضیه در دولت استماع اولند و فایده بغداد ایالتی وزیر مقتول صالح پاشا بر اداری بد و زن مغزول
 مرتضی پاشایه و بر یایوب کوند رلدی و بغداد قلعه سنه مخبوس اولان طایخی ابراهیم پاشا ننگ
 قتل چون خط همایون صد ویراید و ب میز خور ثانی بدیله کوند رلدی و والی بغداد مرتضی
 پاشا ننگ قتل چون فرمان صد ویراید و ب ایالت بغداد والی سابق موسی پاشایه و بر یایوب
 تعیین اولان مباشر دیر دکر شهر نده مصداق اولوب مرتضی پاشا ننگ با شکی کسوب میز خور
 ثانی دخی بغداد ابراهیم پاشایه دخی قتل ایدوب ایکسینک دخی پاشایه معاذر دولته
 کلوب باب همایون وضع اولنوب والی بغداد ابراهیم پاشایه کتخداسی و دخی عصیان
 معین بر قاج مشهور اغاسی بدیله قتل اولنوب اعیان ولایت بدین بعض بغداد متعینلوی تهت
 طغیان ایلد حبشی و مصداق ایلد نادیب اولند یلر بغدادی موسی پاشا ضبط ایدوب یرلی
 قولندن ابراهیم پاشایه هوادار اولنورک بر قاجنی قتل ایدوب بر کوهی قاجوب قتلباشه کیتد یلر
 حیدر او غلینک در دولت آد میسی کلوب سنجاق طالبی اولد و غن عرض ایلد که کلن آدمی
 حبشی اولنوب شقی بدیختک اوزرینه اناطولی والیسی تعیین و سردار قلعه تسلیط اولنوب
 ایالت قرمان معاماً مور قلنددی وقایع جزیه آب قدیم هاندان عثمانی باند عقد نکاح
 اولوب تسری ایلد زندگانی ایکن جناب شهنشاه والا جاء محضانص کریمه قانکحوایه امثال
 ایلد اجرای سنت سفینه نبوی ایچون داخل خرم سرای دولت اولان جواریدن برینه نکاح
 شرعی ایلد متصرف اولغره رغبت ایدوب سوزده پایونه مباشرت ایتد یلر بر موجب فرمان
 وزراء اهل دیوان آلات جواهر ایلد بر وزیر بر جاریه ماه پیکر اهدا ایدوب بغداد داود پاشا
 با تحفه سندن آلا می مرتب ایلد سرای عامره یه کتوردیلر جانب معهوددن دارالسعادة اغاسی
 و طرف شهر یاریدن وزیر اعظم وکیل اولوب عقد نکاح ایتد یلر و وزیر او علمایه خلعتلر کیدریلوب
 باقیلری دخی بحسب القانون اعزاز و اکرامه مقرون اولد یلر ماه ذی القعدة ننگ سکرند فضل
 پاشا که داماد پادشاهی ایدی قیودانلقدن عزل اولنوب یری ترسانه کتخداسی عمار او غلنه
 ویرلدی و آغره وی تقیب محمد افندی محرمک اوتشده و فایده ایدوب دورت کوند نصبرکه
 برینه زیر کزاده یونس افندی تقیب اولمشیکن ذی الحجه ننگ اون ایکسینک بینه عزل
 اولنوب نقابت مرحوم قوجه تقیب افندی ننگ او غلنه اناطولی پایه سیله توجیه اولندی
 صفیرک دورندن ملک زاده مصطفی افندی استانبول قاضیسی اولوب ماه شوالک بکرمی
 ایکسینک اناطولی قاضی عسکری اولغین قدسی زاده افندی استانبول قاضیسی اولدی
 شوالک بکرمی اوچنده جوی ازده روم ایل قاضی عسکری اولوب ذی الحجه ننگ اون ایکسینک
 خواجه زاده و همک زاده و قبا قولاق زاده روم ایل پایه لری ویرلدی شعبانده موسی پاشا
 کتخداسی دباغ احمد پاشایه صلب ویرلدی داماد پادشاهی جعفری پاشا و فایده ایدوب سلطان
 رکابدار خاصه مصاحب کنعان پاشایه تزویج اولندی حاشا سب بنی ایدن بر خیاط ذمی فتوی
 ایلد یرمق قیوده صلب اولندی و کیرید جزیره سنه امداد طایچون سردار حسین پاشادن
 و قعالتله عرضلر کیشیددی و بکچری اغاسی السید محمد اغایه مصر ایالتی و بر یایوب اغا لک کوچک

چاوش دیکله معروف احمد اغایه ویرلدی وقایع سنه ثمان و خستین والف وقایع کیرید محمد مرید
 کفار خا کسارد و نماسی سافر توابعندن اصبان نام جزیره لیمانه الی یدی قطعه کشیسی داخل
 اولد قلعه بامر الله تعالی بر قوی روز کار و فور تنه ظهور ایدوب اون سکر قطعه قدرغه سی و سکر
 قلیونی منکسر اولوب ایچنده بولنان کفارک اکثری یو غلشدرد یو سافر منلا سی و محافظه ده
 اولان سلیمان پاشا در دولت اعلام ایتد یلر یارونه قیودانی اولان عرمانی کافر دخی غرق بحر عدم
 اولان فرقه دن الدی کیرید جزیره سنه حبیب اغا کیرید حصار بنی بیقد قدر نصبرکه اوردویه
 کلوب یوزدن متجاوز باش ویتش اسیر کتوردی پاشا دخی همان اولکون ردوسدن استیه
 سیمته کوندروب یوز الی اناطولیله روانه اولدی محرمک اون طقوزنجی کونی آستانه دن خاصکی
 کلوب قندی ننگ استحکام ایلد موصوف ابنه غریبه سن کورمک مراد اید یچک سردار غازی
 ایلد قلعه خند قنه دگ واروب تماشا ایلدی و مقدم پاشا ننگ خزینه داری اصلندن کوله جنمی
 اولغله کافره فرار ایدوب بر قاج خدمتکاری دخی از دروب بدیله کتورمش ایدی محرمک بکرمی
 دورندن کفار نکرار عقد مصداق ایدوب بش بیکدن متجاوز پیاده و سوار طشره چیق قدر ننگ
 کورپی پاشا ننگ حاضر اولان دلا و زر بر او غوردن هجوم و دلیرانه جنگ ایتد یلر بیکلی مصطفی پاشا
 یوز مقداری پیاده و سوار ایلد ینشوب آن واحدده دوندیلر کورپی بیکد کافرک اتی با لجه
 یاتوب غرات ایریشوب کسیدیلر عشری مقداری حصار صا غ کیرمدی آمدن ایلدی
 جنرال مقدم ماقور فوحر اسنده لغتیه نام قریه قریه جنرال اوغلی اون بر قیودانی ایلد اسیر
 اولش ایدی بودفعه باباسی سردار غازی یه ایلدی کوندروب عرض استمکانت و درلومسکنت
 وایتد وکی جنگ و حرب بلرده مجبور اید و کتده معذرت ایدوب او غلینک خلاصی رجا و کونه
 کونه عبودیت و تملق ایلد نیاز و تمنا کوستروب استغفار نام قیو دانی رتودن قندی یه
 کلجه اوج دورت دفعه واروب کلدی لکن عذری مقبول ورجاسی حصوله موصول
 اولوب روم ایل و اناطولی و سپاه و بکچری صف صف الایلرین قوروب ایلدی یه
 کوستردی و کوردوکن سوبیلک ایچون اچر و کوند رلدی صفیرک التخی کونی نکرار
 جنگ اولوب روزمره اسکوب آلا می بکیسی سلیمان بیگ و خدام سرداردن کوچک
 بورجه ویتکه آلا می بکیسی کورچی علی اغا که هر بریسی برهادری همتادر مشید اولدیلر
 کفاردن دخی وافر ملا عین قتل اولندی صفیرک اون اوچخی کونی دیوان اولوب اعیان
 عسکر حضور سردار کلوب مشورت اولندی دنماقد و منه توقف اولغنی رأی ایتد یلر
 استیلا کفار بر حصار مرینه کار بجرده سابقا حبیب اغا معرقتیلر فتح اولنان مرینه حصار
 محافظه سنه بر از بکچری و طویجی وجهه جیلر له پواشجه علی اغا قونش ایدی بر کچه
 علی الغله بر قاج چکدر ر ایلد بیکدن متجاوز کافر واروب بر کون بر کچه طوب ایلد
 محاصره و محاربه ایدوب ایچنده اولان غازیلر اوردویه استمداد ایچون خبر کوندروب مقام
 مدافعه ده قیام ایتد یلر سردار دخی کتخداسی ولی اغایه تعیین و یاغنه متصرف طوغانچی
 حسن پاشا بی و قدوز علی اغایه عین و یسار الای بکری ایلد امداده کوندروب مزبور
 اوتوز ساعت مسافه بی بر کوند قطع ایدوب حصار قریه اول محلله واردیلر که محافظین

اوج کون جنک ایدوب چور باجیلر دوستوب نفرات ملاعینک عهد نه اعناد ایلده حصاری
 و یروب یواشجه علی اغا طشره چقمش کفار امدادینه وارن عسکره قرشو چیقوب
 جنک ایلدیلر دیان الی یان چکدرمه و بورتون یناشوب طوب و تفنگله صیاحدن
 اخسامه دک چالیشوب جنک آیتدیلر مقید اولدی دوندیلر کتدیلر معرکه ده براق
 ازناود کفره سی اسلامه کلدی صفر ک بکرمی اوجخی کونی کیر وعظیم جنک اولوب
 ایرتسی دخی مستر اولدی بواشاده طایفه محافظه سننه ما موراولان مراد اغامغزول اولوب
 کتخدالقی ایلده قره چاوش یرینه کر به کچن جزه اغایه یری توجیه اولنوب کتخدالقی
 مصلح الدین دامادی بوسنوی مجید اغایه ویرلش ایدی مراد اغاسر دار ظفر شعان
 کلوب محاصره احوالن مشورت ایدی و بهارده مباشرت معقول کورینوب مراد اغا
 آستانه سعادته کنکه اجازت ویرلدی و خاصکی مراد اغا دخی معاروانه اولدی و ربیع
 الاول ابتدا سندن مقرخیام اولان منزلدن براز مسافه دخی ایلر و حرکت اولنوب
 تدبیر محاصره یه شروع ایتدیلر کرم محاصره قندیه سابقه عسکر اسلام کریده قندیه
 حصاری خار جنک قشلا یوب قره طرفی بالکلیه ضبط و ربط و قبضه تسخیر و تصرفه
 المشرایدی و مقدمانقل اولنان الی طویدن غیری وار قونی بازوبه کتوروب صعب
 و سنگستان اولان طمسیمه یوقیشی دیدکری طاعدن اون یان بالیز طوب دخی آتیروب
 اوردویه کتوردیلر و قلعه کیرلک مهمانی ممکن مرتبه اماده قلوب مترسه کیرمکه دونما
 وصولنه توقف ایتیشلر ایدیکه مواجب و ذخیره و لغمی و طوبی کلوب امداد ایلایه
 بواشاده قلعه دن دیلار اخذ اولنوب سویلند کده دونما مزه غاره کیدوب ترکک دونماسنی
 طشره چقارمیه چقدر دیو خیر و یرمکه عسکر اسلام متاع اولوب یاس مقامند ایکن
 ربیع الاولک نصیفند قلعه دن براق دبل النوب خبر و یردیلر کده و نمای مخوسلری ساقز
 قریبه فورتنه یه راست کلوب اون الی چکدرمه ایکی ماونه سکر بور تونلری غرق و هلاک
 اولدی براق کوند نصکره ساقز زداردن دخی بو مضمونی مؤید مکتوب کلکین عسکر
 اسلام مسرور اولوب دونما کلوب مترسه کیر یورامیند اولدیلر زیر اربع الاولده برایکی
 قطعه خط همایون ایلده قیوجیلر واروب وقتی ایلده دونما چقارمیه و عد بیورلش ایدی
 و کریددن مواجب و مهمات طلبی اچون ایکی آلا ی بکی ایلده اوجا قدن حسین اغا گوندیلر یوب
 کچن سنه روم ایل خربلجیلری وجبه لوری و ذخیره لری کلیوب اناطولی عسکرینک
 چشمه ده کیلری یا تمقله و قول طائفه سنک اوج مواجی و ذخیره لری و یرلیر یوب عسکر
 مترسه کیرمک یوز کر اولنان مهماتک وصولنه موقوفه دردی عرض اولمشیدی و یکچری
 کتخدالقی قره مصطفی دخی کریددن کلوب اولدخی بواحوالی بلد رمشیدی لکن بوسالده
 دخی بومهمات ولوازمک وصولی و مصاحتک حصولی میسر و ممکن اولدی اچق علی
 اغا حسین یاشک کیسی ایلده اناطولی به وارد قده احمد یاشاند کیش بولنوب قولک بر قسط
 مواجی و یرلک و یرللق چوقه سی ایلده کیروب کرید جزیره سنه اصال ایدوب اولاشدردی
 ذخیره قسمندن نسبه نقلی ممکن اولمیر یوب چون کفار استانبولدن دونما کلنجه مترس

اولدوغنی خبر الد قله حرکت کلوب کوندن کونه خند قدن طشمه طابور و تاییه لری پیغه
 صعی و کوشش لری ایدوب یایدیلر و یرایکی دفعه جنک لری اولوب نجه باشلر و دیلار النوب غلبه
 میسر اولدی و مشاوع اولنوب قندیه حصاری شرقی سننه و مقابلند نظارت نام محل
 او کندن قلعه یه قریب دیه اوزینه براق یان طوب قوریاوب دونما کلنجه قلعه یی و لیانی
 دو کمن معقول کورمکه ربیع الاخرک التنجی کونی ایکی قطعه بالیز طوب و الی قلوبورنه
 ایلده محل مزبوری و لیانی و قلعه لری و شهرک اچر و سی دکلمه مباشرت اولندی و کفار خاکسار
 یوند نصکره قبولدن چقمز اولدی لکن وار قوتن بازوبه کتوروب یردی سکر یه ز قدر طوی
 دوندروب اهل اسلام جانبینه اتمقله جنکه اقدام کوستر دی عسکر اسلام ملاعینک طوب
 و تفنگله باقیموب طویلری قوریدیلر و چادرلر دخی مقدم قوریلان محلدن قالدیلر یوب قلعه نک
 طوب التمنه جوانب اربعه سنی لاطه ایلدیلر لکن ذخیره قسمی اصلا بولنر اولدی و لباس
 مقوله سندن عسکرده برنسنه قالدی بعضیلر نباتات و اعشاب کوکی دوشروب یرلدی
 و کفار دن دیلار النوب کیفیت تدبیر لری سوال اولند قده هنوز بلنر دیدیلر که وندیک
 دونماسی بو غازه واروب قیامتشلردر بر قایق حکمک احتمالی یوقدر بشون جزیره ده اولان
 ترک بویقیندن ما یوس اولوب کوچرلر دیو شایع اولدوغنی خیر و یردیلر بوندن ماعد اهر کون
 دریان کفار کلان امدادی عسکر کوروب ضعف قلب حاصل ایتیشلر ایدی سردار غازی
 و نمودن تکرار اوج طوب دخی کتوروب عسکره استمالت و یردی و نجه مواعید عرقویه
 ایلده بونلرک عرقنه کیروب دونما کلدی کی تقدیده مترسه کیرمکه جمله سنی قائل ایلدی
 و کلدی کی تقدیرجه حاضر کرک دیو طوب و یر قوراجق مناسب یر کوروب روم ایل و اناطولی
 عسکرینه بر ر قولدن یر تعین ایدوب سچن یللیری قازدروب بر تاییه وضع اولندی هجوم
 کفار بر حصار سلوی بوندن اقدام فتح و تسخیر و لنان حصار سلوی کدمله پوتمه دیکله
 مشهور در النوب ایچنه عسکر قونلش ایدی کاهیجه قندیه کفاری دست درازلق
 ایدلر دی باش چکدرمه سی بشیوز کافر ایلده کلوب صار دقده محافظلری و نمودن
 و اطراف بولنوب همان ایچنه اون یردی سیاهی قالمشیدی اون برین شهید ایدوب
 بولد قلی بن الوب فرار ایتیشلر ایدی بواشاده کیر و هجوم ایتیمکه سلفکه سنجانی بکی
 کوچک مصطفی یاشانی مصر عسکری ایلده ربیع الاخر اولندن امداده کوندردی ملاعین
 مالتنه کیلری ایلده علی الغفله چیقوب نصف الیلده هاون طوبلری ایلده حصاری محاصره
 ایتیشلر ایدی یاشادخی ایریشوب حصار کیردی و لوازم حفظ حصار مشغول اولوب
 طوب و تفنگله رفع اعدایه آهنک ایلدی ایرتسی صباخه قریب حصاردن چیقوب بشیوز
 آدم ایلده کفار اوزینه هجوم ایدمک مقاومتیه قادر اولمیر یوب ملاعین خاسرین کیلرینه
 فرار ایلدیلر و دریا کنارند طوروب تکرار جنکه شروع اولنوب طرفیندن قتال عظیم
 اولدی سردار غازی لر دن کوردنچد اغا اول محلده امداده ایریشوب چند مسلمین قوت و اوب
 مالتنه قیوداننه اسمعیل آلا ی بکیسی علی اغا بر قوروشون اوروب جان خبیثن جهنمه تسلیم
 ایلدی انا کوروب کفار بوزیاوب یریشان اولدیلر سکر باش و بش دیل النوب

بقیه السیف و اولنلر کیلرینه کیروب فرار ایتدیلر رسیدن مترس بخندق ربیع الاخرک
اون برنجی کونی فرمان سردار کامکار ایله کوچک حسن یاشاروم ایلی عسکری ایله مترسه
کیروب سرداردخی بالذات پیشگاه قلعه ده اتباعی ایله کیروب اناطولی عسکر بله بقلی
مصطفی یاشانک صاغنه سردار لغی ایله مترسه قوندی محود یاشانک تاییه محاصر سینه
تعیین اولنوب اوج قولدن طوپلری حصان حواله لایلدیلر یوما فیوما متر سار یور یوب
خندق کنارینه قریب مستحکم تاییه لر وار ایدیکه بین ویسار سردار دوشمنس ایدی
یونلردن زیاده بری آق تاییه درکه حصار مائندی محود یاشانک ایله عربکی بکی محود بیگ سوروب
خندقه ایرشدیلر لکن یونلری کجوب حصان وارمق خیل عسیر ایدی خروج کفار ان
حصار وانمزام و فرار ربیع الاخرک بکرمی التخی کونی و کجه سی ثلث اخیرده کفار خاکسار
اوج بیگ قدر پیاده تفنگ اندازویدی سکر یوز قدر اناطولی قولنه چیقوب تاییه ده
قراوللر کوردکده سردار اکر مه خبر ویردی لر فی الحال یاشای کامکار توابعی ویکچری
وکتخدا سیله سکر دوب اردنجه یاشالردخی ایریشوب لشکر کفار نابکار تمام طشر چیقوب
ایحروده اولنلرک بر قاج بیکی دخی بارول اوزن طوروب صاچه طوپلر حاضر لیوب مهیا اولدی لر
پس کفار یوریش ایدوب سردار اولدوغی تاییه اوزینه کلوب کجه قرا کولقد ایکی ساعت
قدر عظیم جنگ اولوب شافعی وقتنده مابین فرق اوله جق قدر زمان عسکر اسلام اتفاقله
بر بدن هجوم ایدیکه ملاعین دونوب فرار ایدیلر ایکی عسکر مختلط خندق کنارنه وضع
اولنان تاییه لری ایچنه کیروب انده دخی قرار ایدم یوب بر قاج برج و بارودن طوب و تفنگ
انلیوب انجق جنگ سیر ایتدن نسنه یه در مانلری اولدی کفار ناچار خندقه دو کیلوب
غزاة اسلامیه خندقه وارنجه بیگ ایکیو ز کافر قاچدن کوروب کله لرین الدیلر محل معرکه
خندق لی بر اولمقله اتاو کفار دخی فرار ایتد کورند کیمسی نکر لنوب اتن ضبط ایدم میوب کندی
دوشوب وکنی بنشوب طویدیلر ایکی یه زدن متجاوزانلری انوب زننه صاحب لری ایله
کته وردیلر و خندق باشلرند و واقع تاییه لر قونیلن طوپلری چو یلیوب تاییه ده اولان
پیرا قاری و آلانلری بالکلیه اخذ اولندی یونلردن قاجوب اچریه دوشن کفارک اکثری
مجروح اولوب حکمت الهی بومقوله بر جنگ عظیم اهل اسلامدن ایکی آدم مجروح اولدی
ذکر احوال مترس و محاصره بوقعه دنعکره حصار محکم محاصره اولنوب لیان مقابله سینه
نظارته دید کلمی محله قونیلان طوپلر کن کفار کیلرینی منع ایدوب لیان اغزیدن کیمکه قادر
اولد قاری ایلدن لیانک اوتنه جانی دیواری دلوب یوما فیوما قلیونلر ایله کند و لر کان
امداد و ذخیره یی اچریه الوردی اول ایلدن کفار کتد کجه قوتلنوب سچن ییللری و طوب
متر ساری مقابله سینه خندق اولنلر بر قاج تاییه لر و متر سار قاز مغه باشلوب حرکت
اواغله یاشالرواغالرواعیان عسکر مشاور ایدوب دو نماینده کاورامیدی ایله مترسه
کیملک مناسب دیردیا اتفاق اولمقله جمادی الاولینک بکر منجی کونی روم ایلی بکر بکیمی کوچک
حسن یاشا عسکری ویکچری شک نصفی ایله بر قولدن و بوجه اریه لق قره حصار سنجاغنه
متصرف اولان مشهور زمان بقلی مصطفی یاشانک و نیکه یه متصرف طوربه لی محود

یاشا ویکچری کتخدا سی اناطولی عسکر بله ویکچری شک نصفی ایله بر قولدن تعیین اولنوب
و مقدر مالیمان مقابله سینه وضع اولنان قلیونلر طوپلر دخی اول محلدن قلقوب قلعه نک
برج و بارولری حواله سینه وضع اولنوب محل مزبور دخی بوجه اریه لی کانقری سنجاغنه
متصرف طوغاچی حسن یاشا ایله سابقا دنه و الیسی چرکسی عثمان یاشا بر قاج سنجاق
و بر مقدر عسکر ایله تعیین اولنوب سردار غازی حسین یاشا دخی توابعیه روم ایلی و اناطولی
عسکری ارا سینه مترسه کیروب یادرلرند انجق بکیلر قالدی الی بالینر طوب روم ایله و الی
بالینر اناطولی قولنه ویریوب قلعه محکم دو کلمه باشلندی لکن قلعه نک اطرافنده خندق
طشره کفار تاییه لرایدوب هر برینک اکتی خندق و الیسی ایکی مشراو چراغ ایلدی لرکه عسکر
اسلام یورید کله لغ اتوب قلعه یه یکمیه لر پس تاییه الی اراغنه لغمجه ایتد ارکنه حجاج اولوب
قلعه یی و تاییه لری متر سار ایله تصویر ایتدوب صورتی در دولته ارسال و واقع حالی عرض
و اعلام ایلدی لر بواشاده علی اغا کرید و اروب دو نمایله ارسال اولنان خزینه و جبهه خانه و ذخیره
وسائر مهمانک دفترین ویرد کتد و نما کوردیوب عسکره قوت قلب حاصل اولوب در عقب
قوز بکیسی دخی اول خبر له وارمغین عسکر وار قوتن بازویه کتوروب اقدام تام ایله کون
یکون مترس سوروب خندق قریب وار دیلر خروج کفار و کار زار تاییه جمادی الاخره نک
ایکی سینه کفار پیاده و سوار وقت عصرده روم ایلی قولنه چیقوب جفکه اغزا ایلد کده
سردار کامکار بنشوب ایکی ساعت عظیم جنگ اولوب وقت غروبده اهل اسلام هجوم
واقدام ایدب کفارک یوزین دوندردیلر فرار ایدوب تاییه لر و اراغنه غزات مسالین تعقیب
ایدوب و مختلط کیر دیار کافرک بر مقدار ی قریابو بجه سی خندقه دو کلدی تاییه لغمارینه
آتش ویردی لر لکن غازی لر تاییه ده اکتیوب کفارک عقیلر نجه خندقه ییلندیلر انکیچون
ضرر اصابت ایتیموب ایچنده یوننان اوج آدمه افت ایرشدی و اشنای جنگده حسین
یاشای بهادرک چکه سینه ایکی قرشون اصابت ایدوب بری بر طرفدن کیروب جانب
آخردن چیقوب کتدی و بریسی ایچنده قالدی لکن یاشای غیور عسکره فتور کلسون دیو
بردستمال ایله چکه سن صاروب جنگ بر طرف اولنجه غیرت ایدوب کیروب متر ساری کروب
غازیاره استمال و یروب بعدد و نوب کتد و متر بسینه کلوب یان سینه مرهم و علاج تدبیرین
ایتدی ذکر لغمهای تاییه متر سار و یروب خندقه یقین اولد قلعه اناطولی قولی تاییه یه
قریب وارمقله بری جانیدن دخی لغ بیر تکه غیرت اولنوب سردار اکر مک شاطر باشیسی
محمد زمان بیگ عجم فرزند ی اولوب چوق کشت و کزار و مالک عجمده جنگلرده لغمجه یلق
صنعتی تحصیل ایدوب اول قنده زیاده ماهر و کامل اولمغین یانه آدملر قوشیلوب متر سار
اوکنده تاییه یه لغماریشلدوب قوشلق وقتنده کفار اوزینه اتوب ایچنده یوننان کفار
هلاک اولدیلر اول ساعت ویکچری سکر دوب لغ اتیلان تاییه نک ایچنه کیروب مترس
المشرایدی اول کون جانب کفار دن مزبور تاییه اوکنده متر سه طوغری بر لغ اتیلوب
ایرتسی روم ایلی قولندن دخی ایکی لغ و اناطولی قولندن بر لغ اتیلوب جمادی الاخره نک
یدنجی کونه دک روم ایلی قولنه یدی لغ و اناطولی قولنه بر لغ اتدی لکن بفضل الله تعالی

فتح بری عسکر اسلامه ضرر اتمدی ذکر احوال دو تها بوطر قدن دو تهای همایون ارسال
اولوب بوغازه وارد قلعه واقع کفار خاکسار قلیونلری بوغازده لنگراند اولوب کدرکاهی
سند ایتمکین چیقامیوب بوغاز ایچنده محصور اولدی یلر ضروری قره دن بعضی مهمات
کوروب طشره دن بیک کیلری ایله کریمه کوندلدی جمادی الاخره نك سکرنجی کونی
بیک کیلری حایه قلعه سنه واروب قیوداندن مکتوب ایلتدی لکه کفار بوغازی سد
ایندی دتھا کیلری بوغازدن چقمق بروجله ممکن دکل بناء علیه براز اشیار موجب دفتر
درتوز تیش لغیمی کوندلماک اوزن درد یو یازمش بواحو الدن عسکر اسلام المزد اولوب
متخیر قالدیلر و بیک کیلری بر قوزی سوزایله کلوب ذخیره و مهمات دن نسنه کتور میوب
قورسه اسیر لیزک بکسها دلری اوچر کونلکدر بونلر نه ویره لم دیوکر ییدن ذخیره
امید نه اولدی یلر ادا پئسه لر قیش ایامنه روم ایلی وانا طولی کارلر نه اکلنوب نوشله
ذخیره نقل یلر لدی لکن اھمال و نکاسل ایتدکاری مقرر ددیو سردار غازی پادشاه
حضرت نرینه و صدر اعظمه و شیخ الاسلام حضرت نرینه عرض و اعلام ایدوب هر برینه شکوی
ایلدی اول وقت ایسه آستانه نك احوال اختلاله یوز طوبوب امر غزیه کسه صدق و همتله
هباشرت ایتدی فتح تابه قندی کفار ک هر بار ذخیره و امدادی کلوب طرف اهل اسلام دن
امداد منقطع اولغله متر سار حصان قریب وارمشیکن عسکره فتور کلشیدی لکن سردار
غیرت شعار انواع استمالات ایله عسکری تحریص ایدوب غیرت و حمیته کتور رایدی
روم ایلی وانا طولی متر ساری اوکنده اوچ قلعه مثال تابه لرایحی صایحه طویلری و جنکچیلری
ایله مالامال اولغله خندقه آدم یقلشد زمر لدی روم ایلی طرفدن اولان لغملر یوردیلوب
ماه جمادی الاخره نك نصفه اخشام نماز ند نصکره انا طولی قولندن برلغ یشنوب کفار
اوزینه اتیلوب اول ساعت سردار حسین پاشا توباعیلله و اول قول اولان یکچیری وانا طولی
عسکر یله تابه یه هجوم ایدوب نیش ساعت قدر اول محله عظیم جنک اولوب کفار بیحد
خیمه لر و صایحه طویلر توب بالاخره غازی یور ییوب نصف اللیلله دك دوکشه رک خواه ونا
خواه تابه لره کیروب ایچنده اولان کفاری قیروب صاغ قلانلوی حصار خندقه
دوکیدیلر طشره ده اولان الی عدد شیفه طویلر یکه اون القیش و قیه اتار و بشیوز
تفنگ و یوزدن متجاوز خیمه و باروت کیسه لری و سائر آلات حرب و سر نکون بیراقلری
و طبخا نلری انوب اوچ عدد قلعه مثال تابه لری ضبط اولندی و ایچنده اذان محدی
اوقندی و ایتسی کیمه روم ایلی قولندن یوریدیلان لغم دخی تابه یه وارمغله نصف اللیلله
آتش و یریلوب تابه لده اولان کفاری باصرددی اول محله دخی ایکی ساعت قدر
عظیم جنک اولوب بالاخره عسکر اسلام غالب و کفره مغلوب اولوب خندقه
قرار ایتدی یلر غاز یلر تابه لره کیروب ایچنده بولنان کفار ک اکثرینی قیریدیلر اول تابه لده
دخی الی عدد طوب و بشیوزدن متجاوز تفنگ و آلات حرب و طبول و بیراقلر انوب
تابه لرک جمله سی قبضه تصرفه کیردی بوند نصکره متر سار اوکی آچیلوب خندق
کفار یلر یکه باشلادیلر ذکر هجوم غزاة محصار قندی چون متر سار بر قاج یردن

سوریلوب خندق کارینه وارلدی و خندقه دنگر آچیلوب عسکر اسلام خندق ضبط نه
اهتمام ایتدی یلر حصار دیو اینه سچین یوللری آچیلوب او غریب قیودن بر قاج دفعه کفار غزاة
اوزینه هجوم ایلد کفار ی تابه لر دن تفنگ انداز لر او غراعیوب نجه سنی خندق قل قتل
ایدوب خندق ضبط ایتدی یلر بوند نصکره قلعه دیواری اردنن لغمله تملدن کیروب سچین
یوللری التمه لغملر ایدوب بر قاج دفعه آتدی لری کیمی بو شته چیقوب کیمی خندق قل بولنان
غاز یلری باصرددی بوطر قدن دخی قلعه دیو اینه الی لغم انا طولی قولندن دورت لغم
روم ایلی قولندن یوریدیلوب هر بری اتد قلعه دیواری رخنه دار اولوب کدر کار
اچیلوب عسکر بیتنه مشاوان اولوب کدر کاردن ایچرو بود کلو حد و حصری یوق کفار
جمعیتی ایچنه یوریش ایلک نفوس عسکر اسلامی آتش تهلکه یه القا ایتدکدر دیو معقول
کورمدیلر زیر اقدیه ایچنده جنکچی کافر دن غیری هراودن بر آدم چقسه اوتوز بیکدن
متجاوز اولدوغندن غیری کون بکون امداد اکسک دکل دیه اتفاق اولندی یکه اچیلان کدره
عسکر چیقوب ضبط ایدیلر و دیوار اوز رنه متر سلنوب طور مق قابل اولدقدن صکره
طویلر ایله ایچرویه دو کیلوب متر سیله حصان کیر یله نیش شافی و قتنه ایکی
قولدن ذکر اولنان کدره هجوم اولنوب یوردکدر نه کفار وار قوتی بازویه کتوروب اول
محله ده تیش سکسان وقیه اتار خیمه و هوا نلر ایله طرفیندن زنجیر لی کلر یاغدی یوب
انواع آتش باز لقلر ایلدی یلر ایله زمانه ایرنجه جنک عظیم اولوب غزاة اسلام ملا عینک
آتش باز لقلر یلر باقیموب سمندر مثال دریای آتشفشان آتوب کدرک باشلوند متر سلنوب
طوردیلر و ایچرویه قرشون یاغدی یوب کدر کار ضبط اولندی دیو عسکره سرور و قوت
گلش ایدی ملا عین کفار تحته صف و قلیله کدرک التمه لغم ایدوب او یله زمانی کدر
متر سلن غزات التندن آتش ایتد کدر بر قاج آدم تاف اولوب عسکر اول محل خندق
ایچنه دو کدر یلر و محاربه عظیمه ده کفاردن بیحد کافر جان خبیث جهنمه اصمردی بری
طرفدن ایسه الی قدر مرد بهادر شهید اولوب قتی چوق آدم مجروح اولدی کفار اچیلان
رخنه لری اردنن یاغغه مقید اولوب برو جانبدن تکرار کدر کار التمه لغم یوردیلوب
اتد قاری کبی کدرک باشلرینک ضبط نه اتفاق ایله مشغول اولدی یلر نصف اللیلله انا طولی
قولندن لغم اتیلوب کفاری و لغملرینی باصرددی عموما انا طولی عسکری و یکچیری
هجوم ایدوب کدره واردیلر محل مزبور ده دخی نصف اللیدن قوشلق زمانه دکن عظیم
جنک اولدی کفار خاکسارینه اسلوب سابق اوزن آتش یاغدر مغه باشلادیلر غازیلر
متوس المشار اپکن کیرو کدرک طرفنه تحته بند لرایله لغملر چاتوب طپراق ایله باصدی یوب
آتش ایتدکدر نه دشمن حاضر باش بولنوب غازیلر او رکوب کیر و خندقه ایتدی لراما و جنکده
قتی چوق کافر هلاک اولدی یلر ارغیرت اولنوب صبا حدن مقدم هجوم ایتدکدر نه دشمن
ینه حاضر باش بونلغله وافر جنک اولدی ایتسی او یله وقتنه دك روم ایلی قولندن اچلمش کدر کار
التندن تکرار لغم اشلنوب اتد قلعه روم ایلی غازیلری سکر دوب کدرکی متر سلن یلر انا طولی
دخی امداده سکر دوب وقت عصره دك شوبله جنک اولدی یکه صایحه طویلر و کله لر و خیمه لر

قلعه دن امطارمانندی یغاردی ینه غازیلر وجود ویرمیوب مترسانش ابکن ملاعین
 حمله کارنکراراییکی طرفدن مصنع لغم لری پیداوب اند قلدن اوز رنده بولنان آدم لرشهید
 اولوب صاع قلندرخی خندقه ایندی یلر بوجنکه دخی شهید اولان اسلامیاك اضعاقي
 قدر کافرقلدی ینه غازیلر غیرت ایدوب خندقدن ایرلیوب کدک باشینه سپن
 یوللری یورتمکه مشغول اولدی یلر آمدن امداد کفارومتالم شدن عسکر اسلام ذکر اولنان
 جنک کونی اخشامه قریب آق تاپه دید کیری تاپه دن کفاریدن باشنه چیقوب سزکله
 سوزنر وارطوب وتفنك انلسون شمد نصکره حصاری رضامزله ویریزد یوب طرفیندن
 سردوسرور اولوب یارین آدم چقار صباحه دك دخی جنک اولیه یارنکی کون صلح وارد
 دیو ایچرودن خبر ویریوب اخشامدن غازیلر جنکدن فارغ اولدی یلر و مسرور اصباحه
 منتظر اولدی یلر اولکیجه ونیدیکن او نیدی چکدرمه وسکر قلیون امدادی و ذخیره سی
 کلد وکندن ماعدامالته ودوقه ویاپا کیلری دخی کلوب قلعه لیمانه لنگر انداز اولوب
 کفان قوت قلب حاصل اولوب کالاول جنکه شروع ایلدی یلر بوندن صکره عسکر اسلامه
 کلل کلوب اللری ویاقلری ایشدن صوغدی زیر اکثری شهید و مجروح اولان عسکرک
 کزیده سی و جنک آوری اولوب بوند نصکره یوریشه و دشمنی قووب قلعه ضبطه عسکرک
 درمائی قالدیکه مقدمامقدور بشر اولمین جنک وجدال و حرب وقتالرده اقدام واحتمام
 سردار اگر مک حسن تدبیری ایله ترضیب و تحریصی برکاتیله و عسکر اسلامدن یرار
 وتوانا مردان کارزارلک بذل جان ایله صرف مجهود ایلد کیری سبی ایله ظهور کلشیدی
 ودونما کوردیو بوانمیه موهومه ایله فوق القدر بومرتبه طلیشوب جانسیارلقه دقیقه
 فوت اولندی اما فتنه دو تماند خبر یأس کلوب امداد و ذخیره و علوفه دن قطع امید
 ایشد کلرندن ماعدایچر و قلعه ده اولان کفارک حد و حصری اولیوب عسکر اسلام
 انله نسبت مقدار بسیر ابکن یوریش دخی ممکن اولیوب وار القدر وند بکن امداد لری
 کلدیکی دخی بر محذور عظیم اولوب غزاتک شعله شوق و طلب لری خجوده یوز طوبوب
 طبیعتارینه فتور کلدی اگرچه بر مقتضای غیرت تثبت کوستر و تاپه لردن و مترساردن
 طوبوب وتفنك یاغدیروب بر قایچ کون باش کوستر مدن و خندقه چقمان اعدایی
 منع ایندی لکن ملاعین قونانمکه مدافعه ده اقدام ایدوب هر کون طوبوب وتفنك
 و جبهه لری یاغدیروب روم ایل قولنه یدی لغم وانا طولی قولنه اون بر لغم ایدوب یوقدر نفوس
 شهد تنه سبب اولوب آتش بازی ایدرکن ینه امت محید غیرت ایدوب بوندن صکره دخی
 روم ایل قولندن بش لغم وانا طولی قولندن یدی لغم اشلنوب مستوفی کد کار اچلدی لکن
 یوریش ممکن دکل وضبط ایدوب تدیجاد خوله امکان وسعت و مجال قوت نامساعد بوجاله
 حیرت مال ایله قالدیلر و قضیه علی التفصیل سردار کامکار حسین پاشاک مکتوبندن مأخوذ
 ووقعه لرده حاضر اولان بی غرض مردان کار کد اردن مسعود لکن افواده شایع اولان
 بودرکه صکره ضرورت حال حسبیه سرداردن بعضی مرتبه رخصت ایله کتخاسی ولی اغانک
 ملعنت و فساد احوالی تعویق خدمت و بطوه مصاحبه سبب اولدی دیر بوندن اقدام ماه

رجب خط همایون وقایع و قفنان و ارب متر ساله ایکن آلائی عظیم ایله استقبال اولوب
 و تاپه لر انوب خندق ضبط اولندی غرض قلنشدیدی بوقعه لر دخی یاز یوب اعلام اولندی
 بواشاده حصاردن مفسد لر رعایای افساده چیقوب اسقعه نام برک سار صعب المرورده
 واقع نوا حینک رعایای سرکشکه اغازایتد کله پاوک کوندری یوب انقیاده کتورلدی
 اطر افند اولان اراضی ایا واصل و کسام و وسائر نوا حینک رعایای قیول ذمت و اطاعت
 ایشلار ایدی قندیه دن افساده کوندربلن پاپاسلر اخذ و مر تاس اولان یوللرده صلب
 اولندی قتل قیودان عمار زاده و جمعی مرحوم دیر که کزیده سردار اولان غازی حسین
 پاشادن فریاد نامه لر کلوب عسکرک تاب و طاقی قالدی ذخیره و مو اجب و امداد ایله
 بر کون اول دو نمانک کلسی اهم والزمدر دیو اعلام ایدردی دو نما کیلری ایسه بو غارده کفاز
 کیلری سدره ایتمایله محصور اولوب طشره چیقما میوب مدت مدیده قالدیلر
 آستله طرفندن مؤکد او امر علیه کوندری یوب قیودانه طشره چقماق واعد ایله مقابل
 اولق تکلیف اولند قچه تخو بی مشعر جواب ایله اغفال و کزیده امداد ایرشد ر مکله
 تقصیر و امر غزاده اهمال ایلدی صدر اعظم کوردیکه سفاین کفار خوفیلد بوقدر ایام
 دو تمانی همایون محصور قلوب یرایشه یرامادی قیودانک قتلنی ناخیم ایدوب قیو جیل
 کتخاسی کوندری یوب عمار زاده قتل و بو غار حصاری محافظه سنه اولان وینوق احمد پاشا
 قیودان نصب اولندی بواشاده بو غازی سدایدن کفار کیلرندن ملاعین صندلر ایله چیقوب
 اجه ابادده لطافت ایله مشهور اولان صودن صولا نورلیدی الب قره یه سی و سائر قری
 اهلایسی صویک ایچنه بی حد سولن القا و سیم ایتمایله اول صودن ایچن خنازیر اسمال
 قبیح و موت دربع ایله قریلر درو ساقز محافظه سنه اولان وزیر شعبان پاشا دخی
 جزیره اهلایسنه طم و تعدی ایلدیکندن غیری امور غزایه متعلق بعضی خدمته تقصیری
 معین اولماین بستمایچیا خاص کیسی کوندری یوب جزایسی ویرلدی کد لک اناطولی یه
 عسکر سورمکه تعیین اولنان وزیر ابراهیم پاشاک فقرا یه تعدیسی طاهر اولمغه احضار
 و حبس بعد یدی قله ده قتل اولندی بواشاده ذکر اولنان مقتوللرک و بغداددن کلان ابراهیم
 پاشا و غیرک التي عد در آس مقطوع لری باب همایونده جمع اولشیدی وزیر اعظم احمد
 پاشا اصلنده وزیر مقتول صالح پاشایی سومزدی صالح پاشا زمان قلیله جیل انساب ایله
 میدانی الوب بدل مکارم یوزندن دروغ مصاحبت آمیز ایله ظهور ایشش شخص حادث ایدی
 وزیر احمد پاشا دخی رند شهر اوغلانی و دقایق حمله یه واقف مرد ضمیر شناس و عارف اولمغه
 ایکی جانباز را پید اوینا مزید کاری مثل کبی بینلرند اتفاق و اتحاد واقع اولیوب جعلی
 الفت و صورتی آشتالق ایله محبت ایدر لردی چون صالح پاشا قتل اولندی و قرنده اش مرتضی
 پاشا که ایالت بغداد نامیه لرد اولمشیدی دیار بکرده باشی کسملوب کتخاسی ابراهیم
 پاشا دخی بغدادده ازاله اولوب باشلری کلدی احمد پاشا درو سنه اولان عداوتی اظهار
 ایدوب صالح پاشا منسبلرینک عرقی قطع ایتکه سعی ایلدی صالح پاشاک برادر دخی
 ذوالفقار اغادر آستانه ده اخذ و حبس و اموالی تماما مصادف اولند قندن صکره قتل

اولندی بعد صالح پاشا محمدی بالفعل ارضروم بکری بکسی دیزدار زاده محمد پاشایی
دخی اعدا مه قصید ایدوب منصبی قارصه تبدیل ایدوب و وارد قعه ازاله اید سزدیو
قارص قولنه قتل ایچون حکم همایون ارسال ایلدی اما محمد پاشا احواله وافق و وزیر
اعظمك سو قصیدیه مطلع اولغین قارص منصبینه کتیوب جمله توابع و لواحق ایلله
طشره یه چیقوب بصیرت اوزن حرکت ایدوب عالمك اختلالی بویه متمادی قالمز
البته بر نقش اخر طهر و رایدیوب منتظر اولوب دشمنك دانی قریب وحیلله سنه دوشمیدی
وارضروم ایالتلندن قالمقوب تیقظ و انبیا ایلله یورنهر ك اقسرای سیمتورینه کلدی اما صالح
پاشا نك قرنداشی مرتضی پاشا نك و ابراهیم پاشا نك و سایر صالح پاشا لینك یلیم قلان
اغوات و انبای عوماد و کلوب محمد پاشا قیوسفه واروب محمد پاشا دخی وزیر ك غدرندن
اتقا ایچون لویدین طاغیموب صالح پاشا لی زمره سندن دخی حرب ضربه قادراش ارلین
سبانه آلوب تعیین و یروب متبصرانه حرکت ایتدی و کتی اعداسی وزیر اعظمه بلد یروب جمعیته
شروع ایلدی دیمله لیلله کوجك میراخو رشتعبان اغا کوندر یلوب فرصت بولورسك باشقی
کسی دیو حکم و یروب نذیمه اولتمشیدی اما پاشای مشارالیه غافل بولموب میراخوری
دائرة سنه اوغرا تمیدی صالح پاشا نك کورچی باشیسی ینا کی دمی پاشا نك بدل ایتدی و کی
هدایا کور کوره کند و مالی صرف ایتدی و کندن ماعد اللی بیک غروش سائر ناسه مدیون
اولغین پاشا نك قتلد نصهره فلا حدن مایو سساکند و ینی دریایه اتوب هلاک اولدی
حیدر اوغلی دید ککری شقینك استیصالنه سابقا نا طولی بکری بکسی ایشیر پاشا تعیین
اولتمشیدی فرمان عسکری دخی کلوب حمید سنجاغنده درنك ایتدی کد نصهره حیدر
اوغلنك جمعیتی سکوت طاغنه کیدوب اوزرینه وارلد قده بعضی بلوکاری کورینوب کیرو
پیشان اولدی و کندوسی کهسار کیروب تحصن ابلکله سردارد نوب عسکره اجازت
ویدی هر کسی بر اویرینه وارد قده شقی مزبور کیرو و ظهور ایدوب کالاول بیغی و فساد مشغول
اولدی انجق بوسفر بهانه سیله رعایا و افرط و تعدی و ستم کوروب بر نجه و برمدی انجق
ماه صفر ك بکرمی بشنده که نورو زایدی ایشیر پاشا طرفندن مکتوب یلر کلدی حیدر
اوغلنی قاجردق واله کیرن استقیاسندن یو زمقداری آدم اخذ و ارسال اولندی دیو عرض
ابلیس اما کوندر دیک کیسه لر اول اطراف ک رعایا سندن ضروری حیدر اوغلنه متابعت
کوستنلر ایدی اون بش مقدری اسواق قسطنطنیه ده صلاب و سیاست اولوب و سکسان
مقداری کور کد کوندر لیدی خنی اول جوانه اعیانندن کوزلحصاری علی چلبی دخی اقتضای
ضرورتله حیدر اوغلنه مطاوعت و انقیاد اظهار ایتمشیدی بواشاده فرار ایدوب کندی
ایاغیله توبه کنان ایشیر پاشا یه کلد که انی دخی باغلیوب اول اشخاص ایلله کوندر مشیدی
انك عنقی ضرب و باب همایونه القا اولندی اوضاع غریبه دن بری دخی بواشاده ایکیشیر
اوچر پاشا سندن سلطانلری عظیم نخلار و جمعیتلر ایلله وزاردن برر مستحقینه تزویج و زمره زنان
رأی و کارلرینی پادشاه عالمینا یاتده تحسین و تزویج و مجدن ال حکمیوب نجه اعاجیب احداثه
سبب اولدی و یرو پادشاه والا ترا دوزیر اعظم اولان احمد پاشایی داماد ایتك ایچون اسکی

زوجه سنی تطلیق ایتدردوب مهمات سوریه و ترتیب نخل سیمین و کونا کونه مبنا شرت
اولندی بعد الا تمام وزرای عظام و علمای ذوی الاحترام اسکی سرایه جمع اولوب دختر
پادشاه سعداختری صدر اعظمه عقد نکاح نصهره سرای و زیره نقل ایچون حرکت
اولوب انواع زیب و زینت و اظهار فرو شوکت ایلله غریمت ایتدی و منار یه بکری رایکی نخل
جواهر و سیم و زر ایلله پر زیور ایدی اون سکر کون سرای پادشاهیه پی اندر پی جمعیت
سور و اطعام و انعام پادشاه ایلله عامه خلق مسرور اولدی و آت میدانش اولان ابراهیم
پاشا سراین پادشاه حضرت تلمری کند و منکوحه سی اولان سکرچی خاصکی یه و یروب
من کون ایلله اول مقام عالیله پی آر امکاه ایتك مراد ایتکین بوجه استعجال دوشمیدی
ایچون دفتر دار پاشا تهین اولندی بعض خیر خواهر سو قیلله سرایک تماما فرستندن
فراغت اولوب انجق میدانه ناظر بر قبه او اوطه پی خاص پادشاهی اعتباری ایلله دوشمیکه
قرار ویر لیدی سور سرور ایچون و کاشانه مرقومنك فرستنه لازم اولان بساط و زردوز
اقشه هندیه طلا و دوز و سائر تحف و نوادر مقوله سی اثواب و اشیا تحصیل ایچون
کیجه لرده بدستانلر و مخزنلر و خانلر آچیلوب صاحبنك ادنی و ارایسه خوش یو غیسه
خواه و ناخواه دکانی و مکانی باصیلوب پادشاهه برار اولمقوله امتعه نفیسه علی مهل
میریدن انچه لری ویرلک اوزن جبر او قهررا النوب سور و سرور لوازمه صرف و اول
سرایک کاشانه معهوده سنك فروش و ترینی ایچون ناف اولوب وزیر اعظم و دفتر دار
حالبی زاده هزار زجت و مشقت و خلقدن غصب و ازیت ایلله تدارك ایتدی کاری انواع
دیبا و زیبا و سور و شقی ایلله رونق ایتمشلر ایدکن بعد التکمیل پادشاه حضرت تلمری
سرای معهوده کلوب فرش و ترینی قبوله قرین واقع اولموب دفتر دار پاشایی عزل
و بستانچی باشی حبسنه کوندر یلوب دفتر دارلغی پاییه وزارتله دفتر امینی کوسه اسمعیل
افندی یه توجیه ایتدی و نقل ایدر لر کدا و طه معهوده نك سراسر فرشی و شقی و سور
وزر اندر زر امتعه معتبره ایدی لکن بروساده نك نقشی قرینی اولان و ساده یه مغایر بولمقوله
جمله سی نظر خسر و ایندن ساقط اولدی لکن بوضع حلقه کرال کلوب خصوصا
تجار و ارباب دکان و سوقه و اصل بدستان اشیالینك غصب ایلله لند و غندن دلگیر اولوب
بود یازدن امن و امان مرتفع اولدی دیواشکان سویلشوب ذی قیمت اشیالینی بدستان
و دکاتردن قالد رمغه باشلد یلر دفتر دار حالبی زاده بوجرم ناجیز ایلله اوچکون حمیس
اولتمشیدی اول اثناده بلا سبب بر سوار اسکی سرای ستمندن بدستانه طوغری سکر درك
دکاتر قیامتق فرمان اولندی نیز قیامک دیوچاغر برق کزوب خلق دخی اولدن مرعوب القلب
بهانه استر لیدی فی الحال جمله دکاتر قیامتوب حنی محلات و استانبول قیولری بیلله قیاندی بعد
ینه او کون دلاللرند ایدوب آچدر دیلر اول غلغله ده نجه نك اسیر و امتعه سی ضایع اولدی
او کون قیامتوبینه در عقب آحله سنك سیمینی معلوم اولدی و ایرتسی کونیدی یان انکلیز
قلیونی غلطه او کنده دریا اورتیه سنه آق بیراق دیکوب اطراف سفینه ده هر کفریه بر بقر آج
زفت یا قوب غیر معهود و وضعله جانب سلطنته بٹ شکوی کوستر دیار مکر اللی بیک غروش

مقابلہ سنہ ۷۰۰ ہجری میں ویرا یوب پوزدہ اوج کرک ایلہ اکتفا مشروط ایکن پوزدہ الی غروش
استنوب و تقریباً اون بش بیگ غروشلق متاعلری شتر اولنوب انچه سی نا خیر ولند و غندن
غیری کریه انقریه شکند کتماری فرمان بیورلد یغندن متاڈی اولوب جملہ انکپز
طائفہ سی با لیبو ساریله سفینه لره کیروب لسان طالہ اوزر یزدن بوه ظالم رفع بیورلسون
یا خود سفینه لریز ایلہ عوما آ تشلره ینازدیمک استر لیمش مراد لری بعد الاستفسار معلوم
همایون اولد قلع چاوش باشی کوند ریلوب علمتری از الہ وارض اولند یلر و مصباحه ل
پوا ثنادہ طشره جیقوب خوبیا رقا دینی وزیر اعظم برادری ابراهیم اغا تزویج ایلدی و داماد
شهر یازی فضلی پاشا اناطولی عسکرین سور مکہ تعیین اولنوب امتناع ایتد که
وزیر اعظم ابرامیلہ خواه و ناخواه روم ایلنه کوند رلدی مصاحب جعفر پاشا سابق
روم ایلنه نفی اولمشیدی وزیر اعظم احمد پاشا رجا سیله کلد که وفات ایلدی و بوسنه
سرحد ند که لونک سوؤ تد بیرو طمعندن ناشی لشکر متفرق اولغله کفار هجوم
ایدوب قرقه سنجاغنه اولان قلعہ لره و یلنه لره تمام مستولی اولوب انحصار حدودینه
کلوب سرای اهل ایسی خوف لردن حکم رایہ اورد و جیقاروب مشغول احتیاس اولوب بعد
کفار کیس قلعہ سی اوزرینه دوشوب امداد ایر شملکه اوب بوقدر رمالکه استیلا و نجه امت
محمدی قتل واسیر و اموال لرین یغما ایتملکه خسارت عظیمه وقوع بولد و غنک خبری در دولتہ
ماه صفر و اخر ند وصول بولدی طرف سلطنتدن نه اصلی ونه حقیقی سوال اولندی
ونه وکلای دولتہ خطاب و عتاب اولندی عباد اللہک لومندن نیری ایچون اولسون
صور یجه سوال و جواب بله وقوع بولد و غنک خلق مقیر اولوب عقیده محبت اجتماعیه
قسما دطاری اولدی نعوذ بالله منه و پوا ثنادہ مشعلہ جی حاجی محمد نام عربکے پادشاہک
زیادہ التفاتند و کاه و بیکاه طشره حرکت و کجه لردنہ وقت طشره عزیمت بیورد قلرند
حاجی محمد مشعلہ سیله حاضر بولغله مظهر نظر عنایت اولمش ایدی سابقا حاضر
باشیلقدن قبو جیلر کتخد اسی اولان تلیمس حسین اغا بیچار عربہ حسد ایدوب
هر زمان پادشاہ کورمه و نوبتک کلد کچہ سرای قیوسنه کله دیوننیہ ایتملکه عرب منقطع
اولوب باب همایونہ ملا زمت ایتز اولدی برنوبتی کون پادشاہ مزبور کوزوب های حاجی
محمد نجون کوفز سٹ دید که الله ینصرك الله یا سلطانم قیو جیلر کتخد اسی بز قو مزید که
فی الحال تلیمس حسین اغا عزل و حاجی محمدی دفعه قبو جیلر کتخد اسی ایتک اوزن
خط همایون ویر دیلر مقتولی وارد ار علی پاشا مقدمه کراولندی فی اوزن وارد ار علی
پاشا طرف سلطنتدن تکلیف اولنا ن مبالغی ویر مکدن امتناع ایدوب فتح
احوال عالم سودا سیله خلقی باشنه دوشروب طریق مخالفتہ سلوک ایتدیکی درد ولتک
معلومی اولد قلع منصبی اولان سیواس ایالتی ایشیر پاشایه ویر یلوب حقندن کلک
اوزن وارد ارک اوزرینه سردار تعیین اولنوب اطراف و جوانبه نفیر عام حکملری پراکنده
قائمشیدی لکن هرا یالتہ کوند ریلان حکم خفیه ارسال اولنوب برر بهانه دیگر ایلہ مجتمعا
جیقوب صکره مقتضای حاله کون وارد ارک از الہ سیچون ایشیر پاشایا نه جمع وادای

خدمت ایدلر دیوننیہ لار اولمشیدی ایشیر پاشانک وارد ار ایلہ علاقه سابقه و حقوق
قدیمه سی اولغین اول امر دن امتناع صورتی کوستروب حق سوز سولین آدمک اوزرینه
وار لم ناحق بره نجه قتل ایدلم دیمشیدی صکره میرا خورشعبان اغا ایلہ موکد خط
همایون واروب یاباشی یا پاشانک دیونا کید اولغله بالضرور درونی عزیمت ایلدی ایشیر
پاشا چون سیواسه عزیمت ایدوب وارد قلع وارد ار علی پاشا استقباله جیقوب بن پادشاہ
هامی دکلم استنه منصب چونکه سزه توجیه اولنش مبارک اولسون ضبط ایلک سیواسی
ایشیر پاشایه تسلیم ایتمشیدی و نیم شرعی دعوا م وارد ردیو عتبه علیہ آ هسته
روبراه اولوب نصوح پاشا زاده کید ادخو امانه جمعیت عظیمه ایلہ یوله کیروب اولنر
دعویہ شروع ایتمشیدی ماه ربیع الاول استانبول قیما و لوب بر مقدر اریکچری یازلدی
و یغزاد محافظه سی نامیلہ اسکنداره کچور دیلر اقتضا ایدر ایسه سردار ایشیر پاشا بانه
واروب وارد ار ایلہ جنک ایلہ لوالا بغداده کید لردیوننیہ اولندی وارد ار علی پاشا
توقاته کلد که جانیک سنجاغنه متصرف دلاور پاشانک ظلمندن پریشان اولان
رعایا کروه کروه توقاته کلوب وارد اره شکوی ایتد کلد بر اغاسنی بر تاج یوز لوند ایلہ
دلاور پاشانک احضار یته کوندروب کند و سی قالقوب آ هسته یه لره کیردی ایشیر
پاشا دخی و رود ایدن خط همایون موجبہ قالقوب بعضی بهانه ایلہ عقبجہ یوله کیروب
آ هسته یور ردی اما وارد ار ایلہ ارالند علی طریق الموضع مکاتبه لری اکسکده کل ایدی
امایک یا قلشہ مزدی تاکه علی پاشا قازانده لترین چایلر دوب چرکس قعبه سنه قوند قلع
یاندہ بش بیگ مقداری لشکر جملہ دن کاغاج مصطفی پاشا شجاعندن ایدی دخی نجه
اکابکر رامرا کند و ایلہ متفق و یکدل اولمشلر ایدی و اول محل ینہ مزبورک استیصالندہ مأمور
شام منصلی محمد پاشا بر قریب موضع فرستہ مترقب طور ردی آستانہ دن بر مقدر
تفنگ اند از بوستانجی ایلہ بر خاصکی دخی بو خدمت ایچون معین کلوب منسلیم محمد پاشایه
لاحق اولمش قرمان بکیر بکیسی کوریل محمد پاشا و قره حصار سنجاغنه متصرف اولان
حسین پاشا ایکبسی دخی فرمان همایون ایلہ وارد ار علی پاشا اوزرینه مأمور اولوب اولملہ
قریب موضع کلشلر ایدی و بوندن اقدام نسیر عسکره کوند ریلان عجم ابراهیم پاشا
دور مالک و تنفیر عسکر نامیلہ جمع اموال ایدلرک سیواس حدودینه وارد قلع وارد ردن خبر
کیدوب بوجوانیک عسکرین بز جمع و سوق ایدوب آستانہ یه کورتوروز بودا تره دن دست
کشاد اولوب غیری بره کئسونلر دیو ابراهیم پاشایه مکتوب یازوب بر افاسی ایلہ کوند ردی
ابراهیم پاشا معقول دیو جواب ویردی اما سائر پاشا لکی اولدخی وارد ارک استیصالندہ مأمور
اولغله غیری بره کتیموب اول حوالہ دوران ایتملکه باشلدی وارد ار نکیر ار خبر دار اولد قلع
پلوک کوندروب ابراهیم پاشائی باصردی ابراهیم پاشا الفرار ما لایطاق من سنن المرسلین
حد بین اوقیوب جمع ایتد وکی اموال و اغر لفی وارد ار یان قبض ایدوب پاشا لرنه ایصال
ایتد یلر توقضیه و نصکره وارد ار هر طرف دن کند و لی لاطه ایتد کلرین خصوصاً بوستانجیلر
ایلہ خاصکی کلوب منسلیم محمد پاشا ایلہ بریده مترقب فرصت اولد قلعینی خبر لرد قلع تهور

ایدوب لشکر ندن برکروه چالاک ایلده او زرلینه یلغار ایدوب باصدی محمد پاشا ایلده
خاصکی بی ایکسینی دخی باغلیوب کند و اوردوسنه کتوردی اما ایشیر پاشا یقین یرده
اولمقله واردار محمد پاشا اوزرینه کندیکی خبرین استندیکی کی اطرافده درکین مترصد
اولان پاشا ره خبر اوچروب کند و دخی تقدیر صالت اتلوسی واریسه ایچ اوغلانی
واغوات و لو اندات جمله مکمل و مسلح سوار اولوب واردار اوزرینه یلغار ایتدی لر واردار
محمد پاشای و خاصکی بی اخذ ایدوب یورغون اوردوسنه کلد و کی ایشیر پاشا دخی
اطرافی قوشادوب اطرافدن ایرشن مأمور امرادخی منظم اولوب اوردوسنی باصوب
کهنداسنی و بر قاج بلالو باشل و آدمربنی چادرلرند طو تیلر لوند لردن بعضیسی تفنگ
وقایح ایلده مدافعه قیدند اولدی لر بر قاجی مقتول و مساعدسی منهرم اولوب قرشو
طوره مدیلر واردخی تحیر ایلده بر آته سوار اولوب فرار ایدیم دیرکن ایشیرک اغا لرندن
یوسف افغانام بر متهور ایریشیوب بازوسنه بر خشت اوروب آتدن ییقبوب باغلیوب ایشیره
کتوردی جمله اوردوی یغما و تالان ایلدی و عسکری پراکنده و پریشان اولوب
ایشیر پاشا کند و او تاغنه واردی واردار علی پاشای دخی مغلوب و مجروح خضوبرنه
کتوردی لر ایشیر پاشا کانه تطییب ایدوب پاشا با با بونه خالدر مجون کند و کی بویله
مخاطره یه اوغراتدک دیدکده اذابئس الانسان طال لسانه فحوا سنجه واردار سوزه
کلوب بن نه اشلدن سکاسنگ عورتکی سیواسدن طلب ایتدی لر عرضکی صیانت ایدوب
ویرمدیکم ایچون سنگ کی حریفی اوزریمه تسلیم ایتدی لر طما عباد للهک مالی آلوب
ویرمدیکم ایچون بکاقتل ایجاب می لیدر دیو ایشیر پاشایه اول مرتبه تعزیم و تشنیم
ایلد یکه ایشیر پاشا خد ائندن استیحا ایدوب خدمه بی مجلسدن دفع ایلدی تطویل
کلام ایتیمه لم فرمان موجبجه واردارک باشتی کسوب آستانه یه کوند دی عبرت چوق
یکم دین ایشیر پاشا آستانه یه کلوب وزیر اولوب در عقب قتل اولوب حنی استانبولده
سرای یغما لند بکی کون وارداری قولندن اوروب ییقان متهور یوسف اغلاک قولنه
بر قرشون اوروب شکست ایدوب اول زخمین هلاک اولوب مجازات یرین ولسدر
آستانه ده خلق ایکی فرقه اولوب وزیر احمد پاشایه و رجال دولته غیظی اولاب کوبه
پینلر واردارک ظه وریله بونلره بر نادن اصابت ایتک امید ایدر لردی قتلنی استند کلرند
ایشیر پاشایه سبب و لعن ایتکه باشل دیلر فرقه آخرکه عقلا دن ایدیلر بومقوله
ظه ورا حجابنگ عاقبتی نیه منجر اوله جغنی یلور لردی الحق واردارک ظه وری وزیر اعظمک
دسیسه سیله در بویله ایفاظ فتنه دن مرادی جلوسدر دیوار احیف متنوعه احداثیه
پادشاهی اضطراب عظیمه و غیلب خشیت و نلاشه دوشور دیلر قتل اولوب باشی کلوب
باب همایینه القا اولند قده طائفینک بری غلط امنیه دن وری مکرو حیله دن قانط
وما یوس اولوب غائله بر طرف قلندی واردار اخذ اولند قده کند و چادرلر اولان
خزیننه و اشیا سی قبض و آستانه یه کوند لردی اوغلارینک بری زخمناک ایشیرک یینده
قالوب بری نابید اولدی ومن العجایب واردارک باشی کلد کده منزلی جمله اشیا سیله

میری به قبض اولندی خلفه سی عریان یل موملویله چارمیغه گریاوب تشهر قاتقی
ایچون فرمان همایون صدور ایلدی وزیر احمد پاشا رجا ایدوب اول ضعیفه بیکنایه
قهرنی جایگاهدن تخلیص ایچون سعی فروان ایتکله ناره غضب پادشاه کوجه تسکینه
اولندی دیو مورخ ذکر ایلوب نجب ایتشد و بو خدمت مقابله سنه میر اخور کبیر
ایشیر پاشایه سمور قیلوسر اسر و خدمتده بولنان امرایه خلعت کوندر لردی مناقشه
مصاحب فضل پاشا با صدر اعظم در حضور همایون داماد پادشاهی مصاحب
فضل پاشا بوندن اقدام روم ایلی محافظه سنه عسکر تسبیحینه مأمورا و لوب
کشمیدی استبوسنه ر بیع الاولی ده آستانه یه کلوب قبه نشین اولدی پادشاه
بولشد قده روم ایلینک احوالی دیگر کون ورعایا پریشان و ضعیف اولد و غنی
و کفار بوسنه سرحدینه مستولی اولدی غنی سویلدی پادشاه عالمپناه حضرت ناری
یا بک و زیرم دید یکه بوسنه حد و دند بر ایکی پلنقه ایلده بر کلیسا الد بلیینه اولدن
کافرک ایشی بوسنگ سویلد یکه سوزنه کوبه سوزدر بوکلامی لالامک اوکنده سویلیه
پیلور میسن دیو بیورد قلندر غافل فضل پاشا لا ینفعک الامیر اذا عا دك الوزیر
کلامندن غافل اولمقله استقامت منته مغرور اقوال بالحق اولتی داعیه سیله
پادشاهم لالاک مواجبه سنه سویلرم دیدی پادشاه عالمپناه وزیر سراینه کادی
ضیافت ترتیب اولوب اول مجلسه وزیر اعظمه فضل پاشای بولشدردی فضل پاشا
ضیاق سباق اوزن روم ایلینک خرابی و کفارک بوسنه یه استیلا سنی تفصیلا مواجبه
وزیر ده سویلد کده وزیر اعظم مزبورک قولتی نقض و تکذیب ایدوب پادشاهم بونلر
کوزیوکلکی ایدوب جزئی لموری قماردوب او رتالعه وهم القایتمکه کند و لره خیر خواه
دیدر مک استر لر سرحد اسلامیه ده کفار ایلده محاربه شمیدی اولمش دکلدر کاه غالب
کاه مغلوب اولتی اوله کلشدر بوسنه ده اولان وزیر لر یز برایکی قلعه کافر دن الدیلر
کفار جمعیت ایلده کلوب ها بر مقدار تجا و زاباش دولتکده وافر عسکر ویرا مر اوسر عسکر
کوند ریاوب جمله سنی استرداد دن صکره دخی ممالکنی پادشاهمک خیر دعای سی
وهنی برکاتیله بر باد ایدر زور روم ایلمنه سلفدن زیاده زما نمزده تکلیف اولند بکه
خرابلقارینه بر سبب اوله لم دیو جواب ویرد کده فضل پاشا پرده بیرون سویلیوب
بعی پادشاهم عالمک احوالنه بالذات تقید ایدوب بحصول وقوف بیورک لالاک
ار تشا ایلده عالمی خرابیه ویردی خزیننه یوق رعایا و عسکر نیک حالی اللهه قالمشدر
بوحرکتک عاقبتی نیه منجر اوله جغنی ملاحظه بیورک بومقوله مدافعه یه چندان التفات
بیورماک دیدکده احمد پاشا محاجه و مجادله ده حاضر جواب ایدی پادشاهم بومقوله منازعات
و اعتراضات ثانی مصاحبه مبنی و جسد دن ناشیدر مهر همایون طلبکاری اولندر مقام
و کالتکرده اولان قولکره حسد ایدوب معنی پادشاهمک فرمان شریفلرله اولمش حل
و عقد تدبیراتی بکنیوب کاه دشمن احوالی کاه عسکر و رعایا اختلالی موضوع بحث ایتکدن
غیر ضرری بزور اولسقی دخی یکرک تدبیر ایدر دیک استر لراما رجال دولته

دهشت و عباد الله خشیت و بره جگ بویله بد خبر لک بریته اون قاتوب عالمه
 شایع ایتمه نك قمع و ضررینی بلین امور عامه بی خجه تدبیر اینسه کر کدر قولک و سعم
 مرتبه دین و دولت خدمت نه بدل مقدور ایلدم اعتراض مجرده نه اعتبار پادشاه همک
 امرندن خارج راشمی اشلدم بیان ایلسون پادشاهم بمقوله صورت حقندن کور و نملق
 کند و لره خیر خواه دیدرمک ایچون امور سلطنتک جمله سنه اعتراض ایدوب معایب
 و تقایص بولور لر حقیقتا پادشاه همک تدبیر فی تزیف ایتیش اولور لر بونلرک غرض
 آمیز سوز لرینه وجود دور لمسون که قلوب خلقه نفرت و بین العامة فترت وقوعه
 باعث در دیوب مغلطه حکمای نه ایله فضلی پاشا دن تحویل نکه رغبت ایله سکون
 ایتد کمر نه فضلی پاشا دخی سولیم دیر کن وزیر اعظم فرجه بولوب پاشا قرینداش همان
 هراشید یان جزئیاتی کر املتو افندیتره سولیم دیوب نکر پر خا طرایتمک معقول دکلدر
 دولت علیه لر نه اتفاق و اتحاد ایله پاره سن کوروب پادشاهمک رضای همایونلرینه لایق
 خدمت سنی ایدلم اش کیدلم دیوب طشهره چقار لر اول آن فضلی پاشا قوللری امر غزاده
 وقوف تام صا حبیدر کرید سفرینه تعیین بیوز یله دیو ناخیص ایدوب خط شریف
 اصدار ایتدی فضلی پاشا امتناع ایتمکه پادشاهم استمه امور اعتراض ایدر لر خدمت
 تکلیف اولنسه ابا واجتباب ایدر لر دیو ناخیص ایتد که حبس فرمان بیورلغین فضلی پاشایی
 قیوار سنه محبوس ایتد یلر بش کون حبس دن صکره قره دکره کتمکه راضی اولوب دروت
 یان قدرغه ایله اذاق محافظه سنه کوندر لیدی و کفار کیلری بوخا زاو کنی سدا ایدوب
 دوغملایی طشهره قیو ویر میوب مصدر دن وغیری یردن سفینه لر که ذهاب وایا بنه مانع
 اولمشیدی پادشاه سول ایتد کجه احمد پاشا ضروری دروغ اختیار ایدوب کفاریه کلمری
 قاقوب کندی دیو ستر ایدوب دوغملاییه و جرحه متعلق سوز حضور همایونلر سولیمسون دیو
 محکم تنبیه و یساع ایتشیدی حکایه ابراهیم اغا برادر وزیر اعظم صاحب دولتک برادری
 هم کتخداسی ابراهیم اغا که مصاحبه خویمار قادی بی تزویج ایدندر قدرغه لیما تی قرینده
 و شیر اغا خانه سنه ساکن اولور دی کندوسی و توابعی عیش و نوشه مستهل و لهو
 و لعبه توغل ایله غافل اولغین جمادی الاولیه ساکن اولدغی منزل مطبخندن طو تشوب
 یاتمه مصرف کاتبی علی افندی منزله معاحترق اولوب رضوان افندی منزله منتقل
 و خویبار و کند و زیاده متضرر اولدیلر بر کجه پادشاه طرفندن بعضی خصوص ایچون
 مزبور ابراهیم اغایه بوستانچی و ار مجلس شرب مید اند کله لر کرم بوستانچینک باشنه بر
 طبق اوروب شکست ایلدی اتفاق اول کجه پادشاه حضر ثلری وزیر ی جاغروب سرایه
 وار مغله بوستانچینک وقعه سنندن خبر اولمغه سراینه کتوروب بر کیسه غروشی ویروب
 بو طالی افشا ایتمه دیو مطیب ایلدی مزبور ابراهیم اغا اینسه شرب مدامه مأوف ایلدی
 مستور الا حوال اهل عرض طرفا ایله صحبت ایتیموب ار اذل و مضاحک مقوله سیله هم صحبت
 و دور خرابات این متهنک خذله بی رغبت ایله کرم الفت اولوب قم قیو ستملر نه سبور دوش
 اعلان فساد این مطراچی نام فاسقی کتخد ایدوب بمقوله اطوار قیجه سنندن اگر صاحب

دولت و اگر خیر خواهری دلگیر اولوب نصیحت نأ تیر ایتد و کندن متکدر ایدیلر بوستانچی
 وقعه سی ظهور دن وزیر اعظم کندوی جاغروب بونه اصل و مصدر دیو پرستش و تنبیه
 ایتد کتخد مستلک فعلیله خشونت آمر جواب ویرمکن عز و صدارت شفقت اخوتنه غالت
 و قاهر اولغین دکنک دیوب اشاغی الناس فرمان ایلدی توابع و خدامدن هیچ بری یا پیشغه
 جرأت ایتد کتخد وزیر غضبندن اتش محض اولوب محض اغا یولد اشترینی جاغروب
 انلره امر ایتد کتخد علی الرسم اشاغه الوب اول عز و نازله قبه فلکه و سعدن ابا و استغنا
 ایتدیکی ایا جعفرین فلق نأ دیبه کچیروب ایکو و زوجوب راست و نکمیلندن صکره یوزی
 او زینه چور دید کمر نه همان قیو جیلر کتخداسی کندوی او زینه براغوب دولتی
 عزیز یاشک ایچون عفو ایله دیو کر یان اولوب اطرافدن هجوم رجایله کوجله تخلیص
 ایتد یلر خزانه او طه سنه حبس اولنوب بعد ایوبه نقل و اندر خانه ده اسکان اولندی
 ویرینه قیودان ایکن شهید اولان مرحوم موسی پاشا کتخداسی اولوب حالا حج شریفدن
 ققول ایدن ارناود احمد اغایی کتخد انصب ایتد یلر احمد اغا برشدید البأس ضابط آدم
 ایلدی کتخد القیو سننه او تور دیغی کبی عموما اتباع و لواحقنه تنبیه اکیما ایدوب اگر بر فرد
 بعد الیوم طریق فسخه شروع ایدوب شرب خمر و محرمانه متعلق دن قدر جرمی ظهور
 ایدر سه صاحب دولته دانشمندی سیاست و صلبه عالمه عبرت لیدرم دیدی واقعا یونند صکره
 اول قیو خلعتندن قضاحته متعلق شی ایشد لمدی بر آئی قدر ابراهیم اغا محجور و مهجور
 قالوب هر تقدیر سه برادر صاحب دولتدر رأفت و مرحمت مقتضای سنجه جرم من عفو ایدوب
 دعوتنه آدمکر کوندر دکه اجابت ایتیموب بر مقدم انا زینتک ایلدی بالاخره باز کان باشتی
 هارون یهودی واروب کتوروب ال اویدردی بارشدیلر اول اشناده بغداد محافظه سنه
 اولان وزیر موسی پاشا عزل اولنوب ایلالت بغداد مشار الیه ابراهیم اغایه توجیه اولمغه
 خاطر محرومی تطیب وارضای قلندی نفی شکر یان جمادی الاولینک او یحیی حمیس کونی
 مصاحبه لردن شکر یان خاتون کجه مصاحبه قریشوب اتباع و لواحقین بد یله رشونلر
 الوب حدیجی تجاوز ایتدیکی ایچون سائر مصاحبه لر ایله ضد دوشوب والد سلطان
 حضر ثلریله بینلر نه محاوره و مناقشه سبقت ایتد کتخد حتی مهد علیا حضر ثلری مزبور یی
 ضربات دن نأ دلب ایله تغذیر ایتدیکی شایع اولمشیدی کیدرک احوالی سمع پادشاهی به
 القال اولغین یوم مزبورده منزله اخذ و بر قایقه قونوب ساقره نفی او اندی جلبدن معزول
 حسن پاشا خلیله سی ایه قری حامد خاتون اکثر مزبور ایله محبت ایتمکه اول محله
 سراینه بیلوب اولدغی نفی اولنق فرمان بیورلدی املطامه خاتونک بر عارفه جاریه سی
 حامد خاتون نیم دیو خبر ویرمکن آنی حامد صانوب شکر یان ایله بر قایقه قونوب سور دبلر
 حامد بو طریقه قور نشی بعد زمان معلوم اولوب جاریه عالمه بر نام قودی و شکر یان نك مالی
 مضامن فرمان اولنوب توابعی سیر جی سایمان و دده نام ایکی حریفدن بعد الاخذ
 استفسار اولندی بویکی شخص که مزبور نك قوه و شانیه و اقر مال جمع ایدوب قارون عصر
 اولمشلر ایدی والد سلطانک یلدر دینی خانده بر او طه ده اون الی صند و فکه جواهر و زروسیم ایله

مالا مال ایدی مفتاحلین سبزه چی تسایم ایدوب صندوقلری حضور همایونه کتوردیلو
 جمله سی شکر یارنک مهر به اید قلدن هریری لب بر لب جواهر و انجوا یله مملو سازنده التون
 وریال وندی قیمت طلا کار هند یاد کارلری و سائر تحف ذی قیمت طوطی و پادشاه بوستیلری
 کوردکن های کافر بکا اخشام اتمک اله حق اچه م یوقدر دیومین ایدردی باق نلری چقدی
 هب نیم مللدردی و یور مشل و منزلی کسر اولد قده بریاض بر صاری زربفت قبلو کوزک و بر قاج
 نیم تن کورد کمر یو لنوب ایکیزی یوزیر غا که بری انجولی ایکیزی زردوز سائری انواع انقشه دن
 ایدی سائری قیمت شیلری دخی و افرایندی تقد ایکیزی و لالی کیسه سی چقدی دیرلر قاج
 کوند نصکره شکر یارنک کتخداسی مزبور سبزه چی دید کار یکه اسپناچی باشی دامادی ابراهیم
 چلبی دیرلر یونی اوریاب افسرای چار شوسنه القا اولندی و سلیمان دده بی دخی کچه ایله
 یوغوب نابود ایتدی یلر شکر یارنه طوق قویج ییک اوغلی پهلوان احمد اغا نام بر مباشر ایله ابریه
 نفی ایتشملر ایش احمد اغا قتل ایدر مش شکر یارنه غافل ایدر نفی اولنغله یانه خر چلق
 الامیوب یولده ضرورتی مباشر اغایه اظم یار ایتدی که پهلوان دخی التیوز اچمه ویر مش بی اختیار
 پهلوانک دامین یوس ایتدی که ایکیسنه دخی بکا کلوب اغلا مشلر حدود مصره وارد قلندر
 حمید راغازه محمد پاشا راست کلوب مزبوره یه اوچیورالتون و مصره وارد قده بالفعل مصر
 والیسی کوچک امیر پاشا بشیموز غروش خر چلق و یروب مباشری ابریه کوش و یروب کلش دیو
 مورخ نقل ایدر قتل ابراهیم پاشا ثانی طویلده لشکر سورمکه معاً مور اولان قوانو ابراهیم پاشا
 کلوب کزرت مظالم تمهتیه موأخذه اولنوب اراده وزیر اعظم ایله یکی قله یه قونوب تمام
 اموالی مصداق اولند قدن صکره چاوش باشی یونی اگری کوردیابوب حنقا قتل اولندی
 و حنه سی ییدی قله دن سرای تمهوسنه کلجه ایاغندن سورنمک فرماق اولنمشیدی اخشام
 وقتی میتن توکل چشمه سنه دک بارکیو ایله کتور یروب انابه یه براغوب ایاغنه اورغان باغلیوب
 سرایه دک سور یوب اچمه ده سیاست چشمه سی اوکنه القا ایتدی یلرون کوندن زیاده اولیت
 باب همایونده یاتوب رایحه کریمه و صدید ندن خلق متأذی اولوب بعد قالدردیلر وزیر
 نامه بر آدم این حقه و وقوع بولان اهانت که شرعاً و عقلاً مستقیم ایدی مدار تعجب
 و تنفر اولدی و توابعندن کتخداسی و حسین اغاسی و خزینه داری حبس و شکنجه اولنوب
 جمله ماملک لری سوبله دیابوب اخذ اولندی آثار عجیبه دند که اوائل جمادی الاولیده احتراق
 زخل واقع اولوب مرغ و عطار دخی مقارن ایدیلر وارد ار علی پاشا و صاری محمد اغا
 و چولاق حسین پاشا و ابراهیم پاشا و نه سیمله و قیودان عمار اوغلی بوجله سنک کله لری
 و قوانو ابراهیم پاشا سنک جسته سیمله باب همایونه جمع اولدی احوال قراق ماه ربیع الاخره
 غره سنه قریم خانی طرفندن آدم کلشیدی سابقا صاری قاشش نام برلده ساکن اولوب
 اوزی صوبی دید کمری آق صودن شیفه لایله قره دکنه چی قوب یالیلری غارت و ایصال
 خسارت ایدن و حوتون سفر نه طابور ایچنه کیروب عساکر اسلام ایله جنک ایدن قراق
 طائفه سی بآنه دک له قرالنه تابع یکنوب حالا برابکی سنه دروندیک استمداد ایتکله
 قرالری انلری زادن یه کوندروب علوفه و ذخیره ویرمیوب بعضی خلاف مرضیلری

اولان نکالیف شاقه و انواع اهانت ایتکله طائفه مزبور عموم او زره لهدن روکردن
 اولوب اطاعتدن اعراض ایلد کد نصکره برابکی بالو باشل بویارلین قریم خانه کوندروب
 من بعد مستأمن اولوب سنرکله واقع اولان سفر لرده دین اسلام اوغورینه باش و جان ایله
 خدمت ایدوب لهدن کلیمله قطع علاقه ایتشدر و دروغنا ییزی الوب عقد عهد مزبوری
 قبول رجا ایدر زده یله کلان بویار لرینه خان کلی رعایتلر ایدوب جمله شروط و قیود ایله
 اولان عقد یمانی قبول ایتد کد نصکره له اوزرینه ایدر جگری سفره امداد کوندرمک
 و تانار عسکری ایله عظیم اقل ایتکله وعده و هر حاله معاونت ایتکله در عهد ایتدی و کلن
 آدمه عن قریب له اوزرینه سفر مقرر دیر جواب ویردی صکره تانار خان کافره اقل
 ایدوب قرق ییکدن متجاوزا سیر چقاروب روس مجوسک قلعه لرین یاقوب ییقوب
 قزای عظیم ایتشیکن بشارت فتوح ایله کان آدمیسنه وزیر اعظم احمد پاشا خلعت
 کیندر میوب روس بزمه یاریشق ایتشیدی خان نجون انلرک اوزرینه اقل ایلدی البتله
 اول الدیغک اسیرلری بوجانیه کوندرسنه که صاحبه بناء اطلاق ایدلم دیو عتایی متضمن
 امر و مکتوب ایله خانک قیو کتخداسی جمشید چاوشی و قیوچی باشی ایله کوندروب انلر دخی
 خان حضورینه واروب ابلاغ پیام عتاب انجام ایتد کندن اسلام کرای خان هیچ متعبر
 اولوب بزیاد شاهک بنده لری یوز روس کفاری صورتا مصالحة ادعا ایدرلر و تاقیه
 یاشلرینی صقد قچه طرف سلطنته ایشینی عرض ایتکله قریب وهم فرصت بولد قچه
 شیفه لایله چیقوب اناطولی سواخلنی خراب ایتد یلر شونله اکی خالی قلعه واربالد فعات
 عرض ایدوب ایچنه نفر تعین ایدک مواجب لری ینه بوسوا حاکم بالق محمولندن استیفا
 اولنوردیه کوردک تقید اولندی آخر روس مخوس اول اکی قلعه بی ضبط ایدوب
 ایچنه جنکی قراق طولدر دیغندن صکره یکر میدن متجاوز قلاع متناسفه احداث
 ایدوب بوییل دخی صبر اولنسه آق کرمان و لابنئی بالکلیه استیلا ایدوب بغداد دیارین
 بالکلیه تملک مقرر ایدی آخر اوج ییک قراق شیفه لرینی یاقوب بزه بدرقه اولدی یلر اقل
 ایتدی کمزده مالا کلام قرق ییک قراق بزه تابع اولدی بریوک خطمانلریله بونجه کفاری
 اسیرلرک انلرک عهدی محض خدعه ایدی انشاء الله عزیم بودر که روس قرالنی بغداد کی
 طرف سلطنتدن نصب ایتد رزم دیو ختم کلام ایلدی اول جاهل قبوچی باشی یا نجون هم
 پادشاهک قویلو زدر صرهم امرین طوتمز سریدی اولحل تا تا و امر اسندن بر میرزا جواب
 و یروب پادشاهک بوقضایادن خبری یوقدر کفارک مکفر ربین صلح تصویب ایدر سنر
 اولمعاون جهانی خراب ایلدی یونده ییز ییکدن متجاوزا تاروار که زراعت و تجارتلری
 یوقدر اقل ایتیمجه نه ایله معیشت ایدرلر حالا دخی سلطان حضر تاری اللی ییک تار تار ایله
 اقمه کیشدر پادشاهه قوللق و دوستلق بودردیدی اندن ایکیزی دخی بوجوابلر له
 کمی یه کیروب عودت ایتد یلر تید یلات ماه صفرده کوچک چاوش دیملکه معروف
 یکیجری اغاسی احمد اغا مغزول و کوتاهیه ایالتنه کوند ریلوب یرینه جزایرلی محمد اغا که
 سابقا بستانچی باشی لقدن تقاعد ویر یلندر یکجری اغاسی اولدی و ربیع الاول

جزیره پاشا زاده نخستین و بنیادین اولاد بدو و بنیادین اولاد اولوب سابقا قیودان اولوب
 سلسله دین کلان سیاهوش پاشا بدو بنیادین اولاد بدو و بنیادین اولاد اولوب سابقا قیودان اولوب
 برینه ملقب مصطفی الدین قاضی استانبول اولدی مورخ ملقب افندی به حرف اندازلق
 ایدوب دیر که مصطفی الدین قاضی اولوب مورخ ملقب دیرین قز اردوب جامه لری و دکانه لری
 یطنه لدوب یوز اغر تمشیدی تنه کیم دیمشور دریت مرده خیز انه که اولدی قاضی شهر
 امغلان یزونی بالذات سابقا مفتی سکندر کارینی شمدی حکم ایند یروب الور ککرات وغره
 ربیع الاولده چوی زاده برینه غلطه دن بالی زاده دفعه صدر روم اولدی وادر نه دن مغزول
 حنفی افندی قرق کیمسه اچقه و یروب اناطولی قاضی عسکری اولدی و جاذی الاولیه
 یعقوب خواجه غلطه دن عزل اولنوب مفتی زاده محمد افندی غلطه قاضیسی اولدی
 برینه والد مدرسه سنه مفتش کوسه علی افندی که چراغ مخصوص صاحب دولتر طالب
 و بالقوه اولاس حکمنده ایکن وزیرک انحرافنه بناء تخلف ایدوب محمود افندی زاده عثمان چلبی به
 ویرلدی بر قاج کون مقدم ملک زاده نکر اناطولی به و یوق یوق زاده استانبول اولمشرایدی
 نکر ارتبدل واقع اولوب ملقب مصطفی الدین بالی زاده برینه صدر عاقل در روم و اعلی الاعالی
 مرزوم اولدی ملک زاده و ملقب باب رشافه علم اولمشرایدی بعضی شعر ادیمشدر بیت
 جمله حکمنی باطل کور یحکیم دیش اوغلان پوزونکینه ملک بویه حکم ایرایسک دیوانده
 انالا اذهب والله معک لا بعیش الفواد عیشا ضنکالا یولی من لم یکن یز نکا بوقته مناسب
 واقع اولدی و مقدمان حاد سادو من ساد فاد مثل مشهور ایدی حالا قلب اولنوب من
 حاد فادو من فاد ساده وصف حال زمانه اولدی و شاهاده باب ارتشایی محبا اچیلوب مرتشیار
 قول قول یورسوب مناصب علمیه و سیفیه بیع من یزید ایله صانغه باشلیوب قلبه دن
 صیامی صلائیک منصبنه اون ییک غزوش عرض ایتمکله توجیه اولنوب اچقه سی
 اولما مغله تحصیلنه مباشر قونوب مراجعه ایله اکوب ویرد کد نصکره مدیون و مستغرق
 و عبتدن ساقط منصبنه کیدر کن عمن هلاک اولدی بونک امثالی اولعصرده اچقه و یروب
 منصب الانک بریسی خیرین کور میوب اکثری منکوب ویر باد اولدی شامت رشوت
 طوق اعت کی بوغاز لینه کوب اصله قالدی یو ایام هرج و مرج بر قاج کون صبر و الم
 عزلی جمع ایله نفس لینه جیر اید نکر صکره ظهون کلوب مراتب علیه به نائل و مراملرینه
 واصل اولدی عادات الله بونک اوزرینه جاری اوله کیشدر امور جهور نظامنه خلل ورن کان
 مباشرت اید نکر بر خور دار اولوب جز الزین بولور زلزله جهادی الاخره نک التبی کونیوم احد
 ایدی قبل الغروب استانبول بر زلزله عظیمه اولوب محله معلق خانه لرو اوجاقرو منان
 کلا هاری ییقلدی بونک امثالی زلزله بر عصرده کور لما مشدی بعض مجرب
 ماحمه لرده و حوادث کائنات احوالی یازان کتابلرده خبرانده کوندر زلزله اولوق
 روم قان دو کیلوب بر پادشاه هلاک کنه دلالت ایدر دیه مسطور بولندی سوء احوال
 صاحب دولت و توزیع سمور بر اعیان مملکت مورخ دیر که پادشاه عالمینهاک ذکر ی سبق
 ایدن اوضاعندن و حرکاتندن عباد الله متضرر اولوب بوفسادات جمله وزیرک باشی

التندندر مراد اینسه دفع ایدردی عالمک نظامنه سی ایلردی دیو احمد پاشای سپر ناوک
 طعن ایتمکله باشلدن و بوسنه حد و دینه کفار مستولی اولوب او توز قرق پان قلعه و بلنقه
 الدینی شیوع بولوب دو نهای همایون بوغازدن طشره چقمیوب کریده اولان غزات
 اسلامک احوالیه تقید اولند یغندن خلقک لسانته دوشوب کغتمکو چوغالیدی چونه
 حکم قضایا مقتضای استی اجر الیه جکدر عالمه اسباب متنوعه هویدا اولمغه باشلدی احمد
 پاشا بر سوزاکلر او قوریا ز احوال عالمدن خبر داروزر رشید ایکن مقتضای قضایا و قد رایله
 اوضاع نامعقوله بشلیوب اطرافله اعدانک حرکتی و اوضاع نامعقولندن عباد اللهک
 محنتی مقرر ایکن بویه و قنده طریق مستقیم اوزن یور میوب پادشاه ایله خلق بیننی
 توفیق ایچون طرفینه حکیمانه معاملله و حسب الامکان تحذرو توق واجب ایکن دولت
 دنیا به فریفته اولوب خلقک طعن و تشنیعنه وجود ویر میوب بویه ایام مخاطره ده
 لا ابالی جمع مال و آشکان ارتشایله کسب و زرو و بالدن اجتناب ایتدی و خلقی ردع و تحویف
 ایچون قرط عبس و سرعت عقوبت ایله متصف اولد قارندن غیری کخدا لری
 ارناود احمد و تذکیره جملری شاهی زاده محمد افندی و چاوش باشی کر کردن طوراق و سلام
 چاوشی صاری مصطفی بونلردخی شیه نو دولتان اوزن خلقه قهر و تعنیف معاملله سنی
 ایدوب دوست و دشمن کند و لردن هر اسان و ارباب مصالح ضرب و شکنجه لرندن
 برک پید کی لرزان اولوب فقر و ضعف لطف و کرملردن محروم و اغنیامصادن و تعدیلردن
 ظاف و مهموم ایدیلر طرح بنا و انشای انا راتیمه نک وقتی دکل ایکن اناطولی حصار نه
 و لجر لیه و استانبولده متعدد لر زده و کوچک حکمجه ده شدادی بنالی باید رمغه مشغول
 اولوب حساد لسانته سر رشته ویردی عالم خرابه واردی دولتو عباد اللهک خون
 جکربن اکوب محمد قلاجق بنالره بشلیوب دنیا زوالی و حقک جلالن فراموش ایتدی
 دیمکه بشلدن یرو دولت عثمانیه ده وسائر دولترده اکثر اوقاتک مناصب ضمنیه اچقه
 النبق معتاد قدیم اولوب عالمدن رشوت دفع و اچقه ایله منصب ویر ملک منع و دفع اولندینی
 یوقدر انحق بومقوله امورده وجه اعتدال ایله عمل اولنوب رسم قدیمه مبايئت فاحشه
 ایله مغایر توجیهاتدن و انصافدن خارج شی الوب نامستحقار تقدیم مثل و تبدلاتدن
 حذر لازم و نوع مناسبتی اولان یلردن وجه معقول ایله النان شی دخی غایت مستور
 و مکتوم اولوق واجب و مهم ایکن رشوتی بر مرتبه مشهور ایتد یلر که جمله مناصب علمیه
 و سیفیه بیع من یزید ایله اشکان صا تیلوب هر کس منصبه تقدیر رشوت ویردی عامه نک
 بلکه اهل سوقک مسموعی اولوب وعد ایدوب ویرمینلردن فرمان و مبشرایله
 حقوق لازمه کی تحصیل اولنوردی کرید سرداری حسین پاشادن امداد طلبی ایچونه
 پی اندر نی عرضلر کلوردی دنما بوغازدن چقامیوب تقید اولند یغندن ماعد احسین
 پاشا نک پاشا اولان امرا و بکیر بکیرک منصب لری آستانه ده اولان مشر بلرینه فروخته
 ایدوب سر عسکرک ویردیکی زعامت و در لکیر بوجانیده مراد ایند ککرینه ویر یاور ایدی جماعی
 پاشا نک التمش بش کیمسه سی انوب اون بش کیمسه خن تکمیل ایتک سر طبله ارضرو

ایالتی کند و یه ویرایوب کورچی پاشا بی وجه عزل اولندی بشمقی زاده ملک کوچک من
 اون سکر کینه انوب سلائیك ادره پایه سیله ویرایوب عزیت و وعد اولندی لکن توجیهه
 فاک مساعی ایتدی بوجه دن ماعد اسرای عامره ده اولان قصر معلا و کاشانه زیبارک
 هرری سرایا بساط سمور و دیبا ایلده دوشمک فرمان اولنوب حکام مالک سمور کورکلر
 و تقویت ایچون جناب شهریار عیبری زیاده تناول بیور معله شامیه غیر توزیع
 اولنوب آستانه سعا دنه اولان قیو کخذ الزدن جبراً و قهر تحصیل ایتدر مشاییدی
 بونکالیف بر قاج دفعه واقع اولوب عدم قدرت اظهار ایلینارک کیمی معزول و کیمی محبوس
 اولوب اذیت و جفا ده دقیقه فوت اولنق امر حال اولشیدی بساط دیبا و نالین زرکار
 و منقش مانند افتاب تابان و صفای بخش اینک طبع همایونلرینه موافق دوشموب سموردن
 اولدچه نظر اعتبار لرنده پست و زمان دولتمند بی سمور امید مناصب ایدلر محروم
 و بادست ایدلر و اندن ماعد اپرده زردوز و مظلا تعلیق اولنه حق محالره اوچتده اولان
 مذکور ایدی محصل کلام پدش نکاهنده معتبر و منظور اولان سمور ایدی طرف پادشاهیدن
 بومقوله اعتبار اولمغله شهرده وجودی بولمز و هر دانه سی یوز غروشه صاتیلوب الیافار
 بیگر غروشه التز اولدی شعرای عصر دن بری بوقطعه بی اولر مان سولیوب و جیهی
 تاریخنده ذکر ایتشد رنظم اولقدر رغبتی وار سمورک اولدی تحصیل ائک امر عسیر بویله
 قالورسه اولور ذی قیمت نافه کلب و قفای خنیر مسقو کافری بوسیله ایله بچد سمور
 کورک کوند روب بریچه مصر خزینه سی قدر مال المش ایدی نصیحت قدمای حکما
 کتابلرنده مذکور درکه بلاد اعدادن کان بلکه اخر دولتمک اقلیندن حاصل اولان ترف
 و احتشامه متعلق امتعه و استیایه چندان رغبت ایتمک پاشا هله معقول دکلدر که
 انلرک رغبتی ایله رواج بولوب مملکتک تقود و اموالی اول متاع سببیه اخر مملکتک کتیه
 اکثر یا کند و مملکتندن حاصل اولان امتعه به رغبت ایتمک لازمدر که مال مملکتندن خارج
 یوه طاغلیه التان کمر کلر دولته فائده در دیناره جواب ویرز که مالک سائر دن امتعه
 کتوروب فروخت ایدلر الدقلری مبلغی بلاد اسلامییه محمولندن یکندر و له لازم استیایه
 ویرر رسه دور دائم ایچینه مملکتک قالمش اولور بوضورتک دفعه التان کمرک فائده دن
 عد اولور افریج طائفه سی چوقه و قاش کتوروب بلاد اسلامییه دن بیایغی و تقمک
 و ما زو و شپ و قلیه و رماد و سائر غیر ممنوع البیع شیلر الوب سفینه ایله ملواسدی
 و التونی از میروپاس و صید اواسکندریه اسکله لرنده بوشانوب اطراف ممالکک توزیع اولندیغی
 کبی که انقره دیاری و حلب و صیدا و طرابلس و جمله درزی جبال اول اموال ایله ملوا و لور
 امام مسقو دیارندن کلن سمور و سائر انواع ذی قیمت کورکاره ویریلان ایچیه بی اول
 ملاعین ممالک اسلامییه ناک متاعنه صرف ایتز لکن لک هند متاعلرینه بوقدر خزینه
 اموال کیدر هند یار ممالک عثمانیه دن برشی المازل و لازملری دخی دکلدر بونلر دن کرک
 التیق فائده سی ضمنده اولان ضرر معنوی به دکر ایراد لری چوق و بلاد آخره عدم
 احتیاجله مصر قاری یوق منزله سندن اولمغله دینانک مالی هند و قهوسی سببی ایله

جمع اولوب مموللری قارونه معادل اولشلردر دیوقل ایدرلرینه صده رجوع ایللم
 مشوکتلو پادشاه عالمینه خضر ناری ایجری سی و طشره سی بالجمله سموردن اولق اوزن
 ذات مکرملرینه مخصوص مرضع دوکه لور نوع لباس اختراع ایتشلر ایدی هر رسی الحق
 سکر بیک غروش ایله حصوله کلوردی مورخ شارح المنار زاده کتار کتابده دیرکه ایوبده
 ساکن و یوده قزی دیرلر فالحی بر عورت و ارایدی منتظم سوزه قادن و یکنیدن حکایه لردوزوب
 سوبلکده ماهره ایدی خاصکیله دخیول ایدرک حکایه سندن حظ اولنه رق پادشاه
 خضر تلرینه تقرب ایدوب هر کیجه حکایه ایله اکلر زردی بر کیجه اشای نشاطلرنه زمان
 اوائلده شویله پادشاه و ارایش لباسی و سرلیک قرشی و یصدا قری و پرده لری جمله
 سموردن ایش بویله ایش دیو شاپلرک طبع همایونی پرشوق ایدوب سمورده نفسنده
 بر جلد معتبر و بین الحکما جوهر حیوانی تعبیر اولنور مش ناسق و کافندن مغر ارجوهر
 اولمغین پادشاه خضر تلری میل ایدوب جمعه اتمام تام بیوردیلر نکرار روزا و علمانک معزول
 و منصب اولندن و شیخ الاسلام و قاضی عسکر لک هر ریسندن اول سموردن مصنوع لباس
 شاهانه ناک بریسی رکاب همایونه اهدا اولنق فرمان بیورلدی عدم قدرت اظهار ایدلر
 دیوان چاوشلری نعمین اولنوب جبراً تحصیل ایتدیرلدی ویرمکه نفسنده قدرتی اولمیان
 علمایه دفتر دار مهتدی طرفندن دیوان تذکره سیله و دیوان چاوشی بیورلدی ایله کلوب
 قضیق ایدرلر دی غلطه قاضی شیخ الاسلام زاده محمد چای قدس سره که عالم
 متصوف برزجل عارف ایدی بریوخه به برعباخرقه ورمولوی کلاهی قویوب وزیر سرایینه
 واروب ابتدا تذکره اول شامی زاده به بولشوب افندی بن کورک ویرمکه قادر دکل
 شوخرقه و کلاهی کیوب منصبندن کچرم دیدی شامی زاده خبری ابلاغ ایتدک وزیر
 اعظم چای بی حضورینه کتوروب افندی نجون بویله خشونت ایدرک پادشاهی
 یلزمیسک باباک ویردی سن نجون عناد ایدرک دیدک بابام منصبی خوفندن ویرمش
 بن بوکون غلطه به نائب کوندردم نم سلطنتندن رجام بودر که بی پادشاه حضورینه
 کوتون سزاکادخی جواب ویریم بو طریقیله مصادق علما اولولامره مناسب دکلدر غایبی بکا
 اوج حالک بری اصابت ایدر اگر قبل ایدر سه شهادت جامع منتدرا کرفی ایدر سه ایکی
 آیه قریب دراستانبول زلزله دن خالی دکلدر بواسلوب ایله برکون یه یگر بوشهرده بولمق
 فتمتدرا اگر عزل ايسه بوکون بن نائب کوندردم وشول خرقه و کلاهی کیرم دیوختم کلام
 ایلدی وزیر اعظم محمد و مک دلیرانه حق کویاغی کوروب شاید برسوز به باعث و غیرک
 دخی امتناعه جرأتنه سبب حادث اوله دیواغماض عین ایلدی قضیه کبار و علمانک
 مسعودی اولدقد محمد و مک بوضوح و جسامتیه تحسین وافر بیلر دیوب انشاء الله فتح
 الباب میسر در دیو کفته کوچو غالدی شیخ الاسلام و قضاة العسک کرووزر و سائر
 موالینک بعضیملرن کورکلر و غیرلر تحصیل و نسایم اولمشیدی و یچیری اغاستندن
 منی النوب برکوشک دخی دوشندیرلشیدی بروسه قاضیسی بیانی وادرنه قاضیسی
 مصطلح زاده دن کورکلر کاوب نسایم اولندی و پادشاه وزیر دانا اویق اغالندن بکنش

اغاو مصلي الدين اغا و مراد اغا و قره چاوش مصطفي اغايه سمور دن معهود ملوگ
 كور كار و كيسه لرتكليف اولوب يا لكر مراد اغا دن ايكي كورك و الشمس كيسه طلب ايلدي
 اوجاق اغا لري بو تكليف عييفدن دلكر اولوب مابينارنده بواحوال مورت الملالي
 معويشوب منشم دامن اتفاق اولوب پادشاه ووزير دن متنفر و نائرة فتنه ايقادينه حاضر
 اولد بلر پدرم مرحوم سردار محمد اغا نقل ايدر ديكه كريدن كان قره مراد اغا كه
 وجيه القياقه و طويل القامة اوجاق اغا لرينك عهد سي بر قور قيج آدم ايدى بشيوزدن تجاوز
 برار توابعي وار نيكيچري اوجاغي غوما سوزين طوتار بر مرد صاحب وجود ايدى برگون
 مجلسه حاضر ايدم دفتر دار جاندن باقي قولى كلوب انكلى اوپدى و النيه ديوان بذكره سنى
 ووردى بوندر ديو سوال ايند كنه سلطانم حضر تلمين مطلوب اولان ايكي سمور قبا نچه
 و ستوقدر عنبر و شوقدر نقد كيسه امداد ميري ايچون كوندرديلر لطف ايدوب برگون
 اول تسليم بيورك ديد كنه قره مرادك كوزلر طالس پر خونه دونوب متهورانه جواب ووروب
 وار دفتر دار افندي يه سويله بن كريدن كادم انچه پرداخت باروت ايله ياغلى قور شتوندن
 هيري بر نسمنه م يوقدر سمور و عنبرك ادبي بزالدن ايشدر زكور مشرا نچه دير سبك دين ايله
 الوب خرج ايله يوز بزدن سلام ايله بويله سويله ديدى باقي قولى نكرار جواب ايدم
 صاندى چيق ديو بر حايقر ديكه او طه يي ذلزله يه ووردى بو وضعندن جمله متغير و متا لم
 اولدق مكر جمله سي سوزلرين بريره قويوب قلا ده اطاعتدن خلع العذار اولمشا رايش
 و عجم شاهنه بواشاده نامه همايون يازيلوب ايكي فيل و بشيوز عدد زرفت و سراسر
 ارسال اينك اوزن سپارش اولوب خلاف عادت بو ستانچيلر ايله ارسال اولندى و واليه
 سلطان پادشاه عالمپناهه كا هيجه نصع و پندى مشتمل كلمات مشفقانه سويلوب كلامى
 اصفا و انماق ايله محبتلرين استغنا ايدوب مدت مد يد طوب قيو سنده اولان با نچه لرنه
 ساكن اولور لردى بواشاده بعضى كلمات نقل اولنقى سببي ايله غصه كلوب وزير اعظم احمد
 پاشاي كوندروب مهدي عليا حضر تلمين اسكندر چلبى با نچه سنده نفي ايتدر مكله قلوب
 اكابرو اصاغرى منكسر ايلديلر عجايبندركه بوسالان دن عالم برينه كيروب حدوث فتنه يه
 استعداد تام گلش ايكن ينه حل و عقد اصحابي متيقظ اولوب قوت اولان اغنيانك
 وار ثارى وار ايكن متروك تلمين المغه شروع ايتديلر قافله حجه قوت اولان طويجي احمد
 اغا نك و انك كى بر قاج آدمك خلفان قبض ايدوب ورشه سن محروم ايتديلر و قرق بيك
 زبال مصدرف تخميني ايله پادشاه عالمپناهه حضر تلمينه بر مجوعه قايق يا يغه صدر اعظم
 حضر تلمى بالذات كند و لرتقيدي ايدوب ظاهر اواطناسيب زوال و موجب انحلال نعمت
 اولان امور توغله افراط اولندى ماهر جبك اون التيجي كونيكه تموز و مينك يد نجي كوفى
 ايدى معتاد اوزن يوك اغا لري بخشبنه سلامنه وزيره وار دفتر نده بكون صاحب دولت كوچك
 اوغلى باقي بكي اولند يروب مصطفي پاشا مرحومك ستر ياشنده دخترين الوب امر
 سمور و سمور مشغول اولد بلر ديوادن و يوليوب بعضى موالى و علمادخى كيروبه دونديلر و لكون
 طوب قيو سنده قره كند دن جبر او قهر اشتر ايتديكي با نچه ده سور لوز منه بنياد اورديلر

كوندز طعام و ضيافت و كچه لرده رقا ص و خيال ظل و سائرالات له و ايله صبحه دك عيش
 و عشرت ايدوب با نچه چرخ دغلبازدن غفلته ايد يار نامدار اوجاق اغا لرين غرا ييدندركه
 يكتاش اغا و قوجه مصلي الدين و قره مراد اغا و قره چاوش كه كورك و اچيه تكليفندن امتناع
 ايتكله كند و حقولندن ووزير دن بزادن اصابتن تفرس ايدوب غايت اضطراره دو شمشلرايدى
 و نهان بر بريله متفق اولوب حزم و تيقظ اوزن حركت ايدر لردى حاصل بواعث نه ييچ فتنه دن
 امن معتبر و خوف موسوم مضبوطى قى آشكار اولمشيدى وزير اعظم ذكر اولنان اغا لري سمور
 دعوت ايدوب اول با نچه ده اعدا ملرين مراد ايلدي و بوندر دن اسنشعار تامى اولغين
 دوكون بها نه سيلاه چاغروب بر او طه ده صيق بو غاز تداركنى تدبير ايلدي اغا لردخى بو غازى
 عهد ان لى چوقه دارلار اوتوز زقر طومه لى بكچير يار ايله سور سرور ضيافتنه با نچه يه واروب
 بر او طه ده اوتروب اطعامه متر صدر ل ايكن رعب اغاسى كه اوجاق خليفه نك طرفدارى
 ايدى خفيه كلوب نه اوتور سرى دولتلونك سزه سوء قصدى واردر بعد اليوم خانه لري كنده
 ييله بولنميه سزد يوخور و يردك مراد اغا كو كره يوب يا قضيه بويله ميدر بز اسانغله اولموز
 غيري بزدن صوج كندى ديو ب قالقوب خله لرينه كند بلر مشورت و اتفاق عامه
 اعيان دولت بر خلع سلطان ابراهيم خان حضرت حكيم قادر جل شاننه طهر رجوا دث
 كوتيه دلائل آثار علويه يه ريط ايتدوكى اهل علم و عرفان قتلانده ثابت بالير هاندر مقدم
 سنه اثنى و خمسين ذى الحجه سنه واقع اولان قران علويين حوتى احكامنده بيان
 اولندوغى اوزنار باب فن استخراج احكام ايتشار و تجديد دولته حكم خصوصنده متفق
 اولمشا ايدى بوندين ماعد اسلطان ابراهيمك طالع جلوسلرنه ذنب ديد كلرى عقده
 منحوسه عاشرده بولنق دائما حركتلى كند و دولتنه مضرا و لى و عطار دكه صاحب طالع
 و عاشردر خامسه و راجع بولنسى امور نده عاجز و خيران و دائما عشق هوا و ابتلايه متبaban
 اولغله سلطنته و وجودينه مضرا ولان احواله بالطبع مائل اولغه دلالت ايتشيدى بوندين
 ماعد ايسك اللى بش جاذى الاخره سنه كسوف و ينه اول سنه ذى الحجه سنه خسوف
 كللى ايله ذلزله بر بريك احكامنده بو معنائى مؤيد دلائل موجوده ايدى على الخصوص بيك
 اللى سكر جاذى الاخره سنه استانبول و ذلزله عظيمه كه مجرب ملا حمزه بر پادشاه عظيمه زوال
 و قتل اختلالى ديو مصرخ ايدى بواشاده اشارت عالم مثال بعض صاحبانك رؤيا سى كه
 شعبان ايند كور مش بر كسه ند ايدر قتل الوزيرم انكپير و حمدى زاده امير چلبى باباسى
 احسن افندى يي كور رانيا عليه السلام و اولياى كرام ارواح شريفه ليله غوما امر جلوسه
 مامورز ديش چون فرمان الهى بويله ايش اسباب قلقيه و شواهد علويه دخى بو وجهه
 صورت تراغاش مجبور فى صور قاعل مختار اولان انسان حقير المقدر مقتضيات قضاء و قدره
 تظاهر اينسون بو جمله دن ماعد اجناب پادشاهينك طالع تحويللري تسميري درجه نريجه
 وارمق كه خلعه دليل قاطع در بوسالده واقع اولوب تر بيع زخلده و قوعى موده دخى دلالت
 قسمچان الله القاهر بيت بيك ساعت بيك خطه بيك دم ذكر كون شده همه احوال عالم
 نه چون اوجاق اغا لري مستشعر اوزيرك ضيافتندن قالقوب منزل لرينه كند بلر مراد اغا

جمله سندن جسور اولغین انك باشنه جمع اولوب بوغائله نك دفعی باندن عهد و میثاق
 ایندیله و اورطه جامعه واروب اوجاق اختیارلرینی و او طه باشیلری جمع ایوب بوفسادلری
 پادشاهه تعالیم ایدن وزیردرانی ارادن قالدروب بر مستقیم آدمی وزیر ایندیله لم دیو ابتداء
 یوقول اوزن قرار و جمله یی کند و لره اویدر دیلر و کجه ایله سلطان محمد واعطی ولی افندی یی
 اغار مفتی افندی یه کوندروب جمله اوجاق بو باندن منعقد در کند و لدخی علما ایله سوزی
 بریره قویوب حاضر اولسونلر دیو خبر کوندر مشلر ایدی رجبهك اون یی دنجی جمعه کونی اغار
 مرتب و مسلح یکچیریلر ایله اورطه جامعه جمع اولوب صلوة صبحدن اول مراد اغایی
 جمله نك لساندن بر تذکره ایله شیخ الاسلامه کوندر دیلر کلوب تذکره افندی خصوص
 مر قومه یی جمله اتفاقله یاز مشلر عبد الرحیم افندی فریاده باشلیوب اغا و غلوم بوچکد بکمر
 نه عذابدر مال و جانندن امن و راحت کندی بولیکه بوغائله سهولتله حصوله کلیدی
 دید که مراد اغا تقویت قلب ایچون بهی افندی بواشیلر جمله سزك سکوتیکر و عدم
 اتفاق کرایله بومرئبه لره کیشدر یوخسه بونك چان سی کور ملک امر سهندر همان سز علما یی
 جمع و سلطان محمد جامعه ییوزك بوغائله بر طرف اولد قچه جمعیت مزمل اولمق محالدر دیوب
 کندی بعدد علما دفتر اولنوب جمله سنه دعوت تذکره لری کوندر یایوب منلادخی سوار
 و سلطان محمد جامعه و واروب محرابه قعود ایادی بهایی افندی ایله محمود افندی یالیند بولنریله
 ایکی سندن ماعد اجمله قاضی عسکر لر و موالی و مدر سین و قرقدن مغزوللرک استباهینه
 وارنجه جامعه کلوب او تر دیلر اوجاق اغاری دخی پر سلاح توابعلریله و هر او طه چور باجیلری
 او طه باشیلریله کلوب جامع حر می مالامال اولوب اوجاق اغاری جامعك ایچی و قیوسی
 یاندن اولان صفه زده او تر و بقرانلری قرشورلندال باغلدی مفتی محرابه سائر علما
 بوللویونجه جناحین تا جامع قیوسنه کله قات اندر قات دیر لمشیدی مراد اغا جمعیت
 علما یه خطاب ایدوب بو باندن سیاه طائفه سنه محتاج دکو زانلری قارشدر مسق دخی
 اولور دید کار ننه ینه اغار دن بعضیسی بومصاحت جه و در داندلر ده بله بولنسون نه ضرری
 واردر دید کار ننه مع الکر اهه ضابطلرینه آدم کیدوب دعوت ایندیله لاندلر ده عموم اوزن
 سیاه طائفه سن الوب جامعه کلدیلر جمعیت تمام اولد قعه وزیر احمد پاشایه آدم کوندر ب
 جامعه کلسونلر عباد اللهك احوالی سویله شلسون دیو طلب ایندیله روز ریاسه دخی کجه دن
 قضیه یی طویوب فرار ایتمشیدی تنکیم ذکر اولنسه کر کدر چاوش باشی اگری بیون جامعه
 کلد که مفتی اکا خطاب ایدوب وار سویله وزیر کورکن و اسباب احتشامن کیوب مهری الوب
 بوارا یه کلسون دیدیلر چاوش باشی بو عبارتی از برلیه رک کندی و خوفندن غیبت ایدوب
 پردخی کونندی قضیه پادشاهه منعکس اولوب خاصکی اغایی کوندر دی مفتی یه بو جمعیتك
 اصلی ندر ادبلیله اولوب طاعلسونلر دیو جواب کوندر دکه مفتی جواب و یروب وزیر
 یزه تسام ایتسون بو جمعیت طاعلما شرعله سوزیز واردر دیدیلر حضاردن بری نقل ایدر که
 خاصکی کمال حماقتندن فضوللق ایدوب پادشاهه قارشو قومی مناسبتیدر دید که مفتی
 حق سکاسویانن جوابی کونور مادامکه وزیر ویرمیه ایش تنزدیو آزار اید که اول حمله

بولنان اهل سلاح خاصکی یی طویر لیوب کوجهه لارندن تخلیص ایندیله طشره ده
 یکچیریلر اصلتی بلزیره اورك دیمکله خاصکی خدمتکار یله کوجهه قور تیلوب ینه بر فسل
 یکچیری یی بوستانجی ظنیه قلعج ایله چالوب ذقنن مجروح ایندیله یوندن صکره قره چاوش
 علمایی و عمومی اورطه جامعه دعوت ایتکله جمله سی اندن واردیلر روم ایل قاضی عسکر یی
 ملقب دخی مجلسه کلک استدی مفتی خبر کوندروب کلسون صکره کندی یلمردیشی
 ایدی اورطه جامعه مشورت اولنوب وزیر احمد پاشا مفسد و واجب القتلدر راله اولنوب
 سابقا دفتر دارلقدن معزول مولوی محمد پاشا وزیر اولسون دیو اتفاق و هزار ابرام ایله محمد
 پاشای جامعه کتوروب جمله بالاتفاق الی او یوب وزیر لکه قبول ایدیلر بوزر جالیله پادشاهه
 کوندر دیلر و جیعی دیر که اول وقت طرف پادشاهیدن معما حب و وزیر طاق و قبی مصطفی
 پاشا کلوب جمعیتی طاعلسونلر مسئوللری نه ایسه قرین قبول اولور محمد پاشا ایله
 مفتی کلسون دیو دعوت ایتد که جمهور مفتینك تمسینه رضا و برمیوب احمد پاشا تسام
 اولنسون و محمد پاشایه صدارت ویرلسون جوابی طاق و قبی پاشا ایله اعلام ایدوب محمد
 پاشای جبرامعا کوندر دیلر محمد پاشا دخی هزار اندیشه ایله حصه ره هابونه واروب کندی و یی
 جبراکتور کارین بیان و اعتدال ایادی احمد پاشا غائب اولمقله خاص او طه باشیلر اولان
 مهری محمد پاشایه و یروب پادشاهه یوردیکه احمد پاشای عزل ایتدم لکن داماد مدرجه
 ویریم انی کند و لدن رجالی درم و تخلیصی سندن یلورم دیوب محمد پاشا غیری نکرار اید متیوب
 مهر هابی فی الوب خلعت کیوب بریانه قیو اغاسی و بریانه خزینه دار باشی قولتوغنه
 کیوب نکریم ایله چقاردیلر محمد پاشا جامعه کلوب هر کس نیریک ایتد کد نصکره احمد
 پاشای تخلیصه متعلق پادشاهك جوابی سویلد که جمله سی براغز دن خیر دولتل
 یواوله حق ایش دکلدر دیوب خواه نا خواه محمد پاشای نکرار پادشاهه کوندر دیلر هزار خوفله
 حضور هابی نه واروب جمله نك جوانی تبلیغ و کریمان اوله رق پادشاهم بزم کی هزار وزیر
 سکاقریان اولسون همان سنك وجودك صناع اولسون احمد پاشای و یروب یوفتنه دفع
 اولمق معقولدر دید که کاتب چلبی محزیری اوزن پادشاهه غصبه کلوب بره کویك قوجه
 وزیر اعظم اولمق ایچون قولی تحیک ایتدک بو جمعیت بر طرف اولد قد نصکره کور سن
 سنك حقکدن کلورم دیدی امامورخ ثقه دن نقل ایدر که بو تغذیر عقبجه پادشاه
 غضبیلر یی یکمه میوب قلقوب محمد پاشایه بنفسه ضربات مشت ایله محکم اوردی محمد
 پاشا ایچان مست ولا یعقل خانه سنه دو مشوب بر خد متکاری ایله قضیه یی جامعه مفتی یه
 بلد یروب مهر ایله خلعتی بر یونجه یه قویوب کوندروب عزلات نفسی دیدی بکماش اغا و قوجه
 مصطلح الدین اغا سرائی وزیر و واروب دولتملو خوفك معناسی ندر سنك و بزم کی قوجه ل
 دین اوغرینه اولمکدن غیری ننه یاز قاق بواشیلر پاشه چیقان لم دیو ابرام ایله قالد یروب
 جامعه کتوردیلر و شهر قیولرین ضبط ایندی یروب و شهر زاده لری محکم حفظ اتسونلر دیو والد
 معظمه یه تذکره و قیو اغاسی و بوستانجی باشی یه خبر کوندروب من بعد احمد پاشای بای
 حال قتل و سلطان ابراهیمی خلع و شهر زاده یی جلوس ایتد رماک اوزن اتفاق عهد و میثاق

ابتدای یار و محل ایچی و دن میرا خور اگا که مصطفی پاشا در محل مزبور کلوب پادشاه طرفند
 بوجهی که اصلیه در بخون طاعنا زل زلنله اون یکه قریب قول وارد طاعنا زل زلنله
 قرارم وزیرم قنده در نه بیلیم بولسونلر جو انی کو تور دیکه قوجه انا و دایلو و کلوب بزوزیری
 کندی و دن استرزا کربادشاه ایسه چقسون ایاق دیوانی اتسون مراد لیزی عرض ایلم اول
 بویه غفلت ایله سلطنت اولمزلتته وزیری و پرزوار اعلی پاشا بر پرار و صالح و دند ار آدم ایلی
 انک باشی و ابراهیم پاشا انک جسدی باب همایونده ناحق یزه یکر می کون یاتمق قنفی
 کتا بده وارد دیدی اندن قوجه مصحح الدین میرا خون خطاب ایدوب بقه اغا پادشاه
 بر ظالمی عالمه مسلط ایدوب جمع مال وار تشاور ترک شریعت ایله عالم بو حاله واردی
 عورتلر امون مسلط خزینه یا لکنز اسرافاته بنشمر عایا پرشان کفار بو سنه سرحدندن
 قرق پان حصار الدی حالا بو قدر کفار قلیونی بو غازه یا تور دفعنه تعید یوق استانبول
 محصور قالدی بو احوالی بیچون کورمز اولاستکشاف احوال ایچون بو غازه واران سن
 دکلمی ایدک پادشاه بو احوالی بلمز و بلدر مدکم ایچون صو چوم وارد اماوزیرک
 خلاف رضاسی اولمقین باشمدن قورقوب سوبله مدمالا مراد بکترنه درالمتنه پادشاه
 ابلاغ ایدرم دیدی مصحح الدین اغا ایدی اولار شوت عالمدن قانقسون نایب
 صاحبکیلر یانندن کتسون نالشا و وزیری زه ورسون رابعا فلان اینسون دیو تلقین ایدوب
 بودورت جواب ایله میرا خور اگا ایچی و کندی یو ائشاده یا دشا بدخی سرا ی بارورینه
 طویلر چیقاروب بو ستا بحیلری تیغ و تفنگ ایله قو شادوب چنکه حاضر اولد قری
 خبری کلدی بو آمد شد و گفتکو صورت پدیر اولنجه اخشام دخی ایرشدی او جاق اغاری
 علمایه یوزطو توب افندیلر اگر بو کچه جمعیت پر اکند اولور ایسه یارین نکرارا جمعیت
 محال اولور صکره سلطان ابراهیم بریزی صاغ قو مار جمله بریدن قریوب یا عالمی اصلاح
 ایدنجه طاعنا غلبوب سرکله بو کچه جامعین کچه لر زیدیلر جمله سی بو سوزره اضی اولوب
 اولکچه جامعین قالدیلر اولکون جمعه نمازی قانموب جمله د کاین قیام شیدی کچه علمایی
 یکچیری او طه لرینه توزیع ایدوب ضیافت و اکرام لازمی برینه کتوردیلر و صباحه دگ مسامح
 یولد استلر نوبت ایله او طه لر اطرافنی طولا شوب خر است ایندی یلر مقنول وزیر اعظم
 هزار پان جید پاشا اولکچه دردمند احمد پاشا اغارک و علمانک جمعیت اید چکرندن
 حبیرو اولوب کمال حیرتمدن فرار و اختفاتد بیرین ایدوب ناخیس جیمی عبدی چلبی
 و خلیل نام بر محرم غلامی ایله کو تون جکرری قدر بر قاج بیلک فلوری الوب
 تبدیل صورت اخشامدن صکره بوله کیر دیلر شاشد دیغندن زهیه کیده چکن دخی
 بلموب سالیما نیه قوربنه پردو سنی خانه سنه واردی اول قبول ایتیموب دلی برادر
 احمد اغا منزلته و آردی اولدخی اول امردن قبول ایدوب صقلادی و در عقب پاشا
 سرانیه کلوب متجا هلانه تحسین ایتد که پاشا کند و طانه سنه کلد و کندن اتباعی
 خبردار اولوب کلوب پاشایه انلاری براغک و بر آخر امین یزه وارک دیو بیلایوب خوفندن
 قبول ایتد که اندن مشهور اوزون علی اغا منزلته و آردی اولدخی جهان قلاشی سوز

میلواتی بر افغان خریف اولمغله پاشایی قار شولوب افندم صفا کلدک سنی صاقلق
 او غور که باش ویرمک امر سهند برورک سنی حرم ایچنده اخفایده ایم اما بز مشهور آدمیز
 و محملر یکرندن اولد و غمز جمله یه معلومد برز ده اولد و غمز خیال لکوب ابتداء بنم خانمی
 آزارلر عیاذ بالله تعالی اله کیر سکر حال مشکل اولور لایق بودر که بر چمبول کیمسه ننگ منزلته
 مختفی اوله سزدیوب باشدن صاودی اندن کیدوب مر حوم روز نامه جی ابراهیم افندی
 ایتاعندن مراد پاشا تریه سی او کنده ساکن بشانقه حمله کارلرندن حاجی بهرام نام
 کیمسه ننگ منزلته واردی حاجی بهرام استقبالا انکین او پوب ایچی ویه الدی و وزیر اعظم
 محمد پاشایه خبر اوچوردی هزار پان مر حومک مهر داری سلا نیکی احمددن مرویدر
 اصح روایت اولمق اوزن مورخ صکره طغر بولوب یازمش احمد پاشا اوغلی باقی بکی
 اولند یروب طوب قبو سنه اولان باغچه ده ایدی ذوق و صفایه مشغول ایدیلر وزیر اعظم
 کند وسی اغارندن مستشعر اولمغله اولکچه باغچه یه کتموب ناخیس عبدی و خزینه دار
 و مهر دار و بر قاج غلام خاص ایله سر اید قالمشدی نماز عشایی منفردا ادا ایدوب کمال نلش
 ایله یاتدی ناگاه بشیخی ساعتده سکسان برنجی بلو کک او طه با شیمی کندو چراغلرندن
 اولمغله یوزنی صاروب کلوب ایچرو کیروب پاشایی دوستکندن قالد یروب اورطه جامعین جمعیت
 اولد و غن خیر و یردی و کندی پاشا قانقوب ابدست الوب معتادی اوزن محمد قیلوب
 خزینه دار و مهر داری چاغروب آت اصهار لدی حضورینه واردق ناخیس عبدی ایله
 او طه وروب مکالمه ایدر خزینه او طه سنه الی کیمسه فلوری وار کتورک دیدی بره کبه ننگ
 ایکی کوزینه اوچر کیمسه قویوب اته یو کلدیلر و اوج یوزک ایکسی الماس اوزن بیک غروش
 کردی بری کیر یاقوت دخی قیمت ایدی انلری و شیخ خطی بر مصحف شریف عبدی
 و خلیل نام ایکی غلام ایله بر آت سوار اولوب کتدیلر خزینه دار و مهر دار قنده کتد کلرین بلزلر
 بعد بر آخر شخص کلوب اورطه جامعین جمعیت وارد دیم مردان خبر و یردی بونلر دخی عبدی
 نام بر مهتری وار یوقله پاشا انده میدردیو کوندیلر مهتر واروب طشره ده خلق اغزندن
 پاشا بونله لفظنی اشیدوب کند و پاشا سنی ظن ایدوب کلدی و پاشا جامعین در دیو خبر
 کتوردی انده اولان ایسه صوفی محمد پاشا ایدیکه وز آرت ایچون کتور مشلر ایدی پاشا
 قبو سنه نوبتی اولان یکرمی نفر محضر بولد ائشارندن بری مکر پاشا ایکی آتو ایله بی وقت
 کتد و کتی کوروب عجبانه یه کیدردیو خیمت اردینه دوستوب اراقندن کوز تمش کلوب مهر دان
 دیدیکه هیچ بلور میسر پاشا قنده کتدی مهر دار ظاهر اورطه جامعین کتشدردیو جواب ایتد که
 یکچیری کلوب خیر بن اردنجه کتدم دلی برادرک خانه سنه واردی دیدی بونلر اعتماد ایتیموب
 حریف قسم ایتدی بونلر دخی تحقیق ایتدیلر هر کس اشیاسنی واله کیرن کله پوری
 قالد رمق اردنجه اولدیلر اول محل دلی برادر سرایه کلوب مهر دان متجا هلانه پاشا
 بونله میدردیدی یوق دیدیلر زهیه کندی دید که مهر دار یانه صور رسن پاشا سنک او یکه
 کتمش همان هنرک وار سه بر خوشجه عاقله دید که دلی برادر سنه دکلر دیو نیمه پاشا لدی
 بره وار حریف سکا کیم عین و پرز زهیه کتد یسه وارسون صاغلغله دیو تعنیف ایله دلو زادری

طریقتی یلمر مکر دلو را در ابتدا پاشایی ایچروا لوب کندی و به کلد یکی طویلیدی دیو
 قیویه استخبران کاش خیر اولد قلین خبر آلوب بهی سلطانم اوج آت ایله سراید آشکان
 چیقوب اختفایچ اولور می بونه شاشقنقد رزه کلدیکری طویشلرغیری بزدن کیمک
 کر کسزدیدی پاشا بیجان التون کیمسه لرینی عبدی و خلیلک قویونه و یروب انلری انده
 براغوب پیاده بوله کیردی احمد اغایه بعد بهرام اغایه واروب صاقلندی برقوله دلی
 برادر و برقوله بهرام اغا بعد اعظم حضر نلریه خبر ایتدی دیرلر پاشا اخذ اولنوب وزیر جدید
 سرایند اولدوغی صباحه قریب شیوع بولوب دوکندن پاشا اولر سرایه کلوب امتعه
 و تحف و بساط و اشیا بغماسنه باشلدیلر صباح اولدقده پاشایه بدون ایالتی ویرایش خبری
 سرایه کلوب خزینه دار و مهر د ارد پایدیلر که تالان ایتد کلمی اشیا بی بر اقدیره لر انلار
 ایکوز نفر و ارایدی سرای حولیسنده صف چکوب بونلره بره اورک دیو جمله ایتد کلمه
 نلچارال چکوب الدقلری اشیا ایله طشره پراکنده اولدیلر مرحوم احمد پاشا زکی و عاقل
 و عارف و مستعدان وزیر ایددی اما غفلت دولته غرور و پندار طبعنه غالب کلوب مشورت
 و نصیحت اینسه لر خنده استهزا ایله بزوصی به محتاج دکلد دیو نصیح قبول ایتزدی و دائما
 پلد کیمه کیدردی بویه وقت ایچون بریار صادق اتخاذا یتیمش ایدی مشربلری حزم
 و احتیاط اوزن اولوب زمانه به حسن اعتقاد ایله غفلت ایدردی قوجه و الله سلطان
 کند و اوغلندن بیدار اولوب تمام استشعار ایتد که بوکه خبر کوندروب عاقبت بونی
 و سنی صانع قوم از دولت الدن کیدوب عالم خرابه وار دی همان جلوس ایتد
 و میشدی دردمند جرأت ایدم میوب کال خلوص ایله بویه مهلمکه ده مخاص ظن ایدوب
 بنی اولد و درسه اولد و رسون بن آکاسو قصه جرأت ایدم دیوب بیک جانله رضاسنه
 صرف قدرت ایدردی و هر نوع لباس و تحف و اشیا حاضر بونجه بوغجه طور ردی هر کون
 و هر کیچه خنکاردن بر قیاح دفعه ادم کلوب اشیا متنوعه و مختلفه استر دی مثلا
 خاصه کیملر ایچون بری کلوب بیک مثقال قلبدان استر دی برایی بوغجه قنقال قلبدان
 کوندردی بری کلور عطر شاهای ایستر روغن زیت شیشه سی قدر ملو زجا جله ایله یوز
 ایکشر یوز مثقال کوندردی کذلک غنیمتنامه اطلس کیمسه لر ایله عودیکر میشر او توز
 و قیه و لو کذلک کیمسه لر ایله همان ایستد کیچه کوندردی و بالجملة خاطر کلن نوادر اشیا بی
 جمع و حاضر لدی ایستد کیچه لایق قطع کوندردی مورخه برکه فرار ایتیموب اگر هیچ سرانیدن
 طشره چقماسه او زرینه کیمسه کلزدی کیمسه دخی قلعه مانند سراینه محصن ایدوب
 قضیه بر طرف اولدقد نصکره بدون یا آخر ایالت ایله چقمق ممکن ایدی فقیر دیر مکه
 مستبعد دکل لکن جهون بر تدارک ممکن اولسه پادشاه ایدردی بونک حصانت سرایی سرای
 همایون قدر اولیه اوجاقلو و علما خصم جانی ایکن امتنا بول ایتد محصن و دفعه متصو در
 فتکم عهد قریب سیماوش پاشا تحصن ایدوب نه حاله کرفتار اولدوغی محنده ذکر اولنسه
 کر کدر کندیوه کیم یار اولوب مدافعه ایتسه کر کدر پاشا لرینک حالی نامعلوم
 ایکن سرانی یغمالین اتباع و لذتزاری او غورینه چالیشوری طوتام بر ایالتله چقمش

مجال بوغیدی بوسوز بیهوده در همان مقتضای عقل ایش وقت و سعتیه صدق
 و خلوصی مجرب بریار صادق و رجل حاذق پیدا ایدوب و افرجه التون قالدروب انک
 رأی ایله یولجه اختفایدی تاکه درود دوله حالت اخری ظاهر اولدقده طریقیه عمل ایدوب
 ظهون کیمک اسان اولوردی لکن مقدمه تدارکنی کور مکه قصور ایتیش و رجل صادق
 ایله مداهن تشخیصند قاصر ایتیش تجا و زالله عنه تاخیمه عبدی منقولدر احمد پاشا تن
 پرور ماحم آدم ایدی اولکیچه پیاده بو قدریری طولاً شوب حشلیه رقی غرق عرق اولوب
 آه سر دایتد که عبدی دیمشکه بهی افندی بوکون ایچون بر مخصوص دوست و بریار صادق
 پیدا ایتدیکر حیف دید که پاشا تحسیر ایله آه ایدوب بهی اوغلان احوالز بویه اولاجنی
 بلور میدک دیمش یاتنه اولان غلام خلیل مکر عاقل ولد ایش بهی افندم ابتداء
 وزارت کزدن برو اولان حرکات و سکنات کزدن عاقبت حال بوکه مجر اوله جفی بد بهی ایدی
 انحق غفلت دولت ایله نه سز متفطن اولوب بر تدارک قیدینه دوستد بزنونه غرور و
 جبر و تکبری کورن خیر خواهر ابقاظه قادر اولدیلر همان الله تعالی خلاص ایلیه دیمش
 نفس الامر بودر که احمد پاشا کال عقل و تدبیر و فطانتنه غرا لوب نا محله قهقهه استهزا
 ایدردی و هر کیکه الفت و معاشرت ایسه بر تفع دونوی جلب ایدوب دوستترین جمله
 منافع عاجله و مصالح یومیه سنه صرف ایتدن غیری معامله ایلیه اوقات بلیات ایچون
 بر خیر اولور بر دوست پیدا اسی خاطر نه خطور ایتزدی مصاحب وزیر صوفی محمد پاشا نلک
 خانه سی شهزاده جامعی قریب ایدی خبردار اولدقده قرق الکی آدم تعیین و کلوب حاجی
 بهرام خانه سندن احمد پاشایی ادملری التونلریله اخذ ایدوب وزیره کتوردیلر واردقده وزارت
 اکراما محمد پاشا قیام ایدوب معانقه و حال و خاطر بن سوال ایدرک زانو بزانویه الوب
 او توردیلر وزیر سابق نیازه باشلیوب نیم بابا جهم بکا قیما اهل و عیالیم ایله بنی کعبه به کوند
 دیو یا لوارغه باشلدی اولدخی تسلیت و یروب الم چکمه ان شالله تعالی نسنه یوقدر
 قول طائفه سینک بویه حرکتلری اوله کلشدر همان علاجی بذل مال ایتد بزل اموال
 اولندوغی تقدیر جبه دفع و اسکات اولنور دیوب کندی حریمی انده اولما مغله احمد
 پاشایی کند و حر مکانه کوندروب وارک ایچورده بر مقدار استراحت ایلک دیدی و اول
 ساعت مفتی به خبر کوندروب فتوا سنی طلب ایتدیکه بد نلک تمسک بولنه احمد پاشا
 منعوب و مرعوب ایچروا و طویه کوروب طور مازی اندرینی قارایله تبرید اولنشی استلامه
 صوا ایچردی اول محل محمد پاشا نلک کتخداسی بر غملی حسین اغازاه محمد اغا کلوب اندین
 اویدی و صاحب دولت بابا کز سلام ایدر الم چکمه سونلر مرادینر انلاری ورطه دن
 تحله سید رامامالسر قول رضاسی ممکن اولماز کندولر ایچون مصاحبت بودر که نقد ارماللری
 و ارباسه و قایه جان شیرینی ایچون بذل ایدوب مجموع دفتر و تسلیم ایلیه لر تاکه کندولرین
 تخلیص ایدم یوز دید و کنی تبلیغ ایتد که ارقه سنه اولان سمور قابلو قر مزی حور اینسنک
 صانع جانبین سر یوب کاغد و دوات طلب ایلدی کتوردیلر کند و ایله اوچیوز کیسه دفتر ایدوب
 بودردید که محمد کتخدانکر اوجه معقول اوزن کلام زم سوقنه باشلیوب نیم سلطان

اوچیز کیسه بویقنه ایتدو کیگزدر بونکله اولماز مادامکه جمله مالکری باصره دفتر وفدا
ایتمیه سزا اولماز بایده مال جلنه سپراولمورد دیوب مجموعن دفتر ایتدک بعض برلده اولمورد
دیه رک اوج بیک کیسه دفتر ایدوب غیر نقود قلندی دیو ایمانه باشلدی نکرارا محمد
کنهدا الحاح ایتدک قویندن برکیسه ایله بیک وعبیدین اوج بیک و خلیفک قویندن
دخی اوج بیک فلوری چیقاروب جمع بوییدی بیک فلوری بی صاحب دولت بابامزه
بزدن هدیه اولسون غیر بر اچه نقودم یوقدر دیو ایمان غلاظ ایلدک محمد کنهدا سوزده
کلوب یوق سلطاتم پاشا باکر سزدن کندو ایچون بر حبه استمر همان انک مرادی لشکر
هائله سن دفع ایتدک ربونی دخی البته یازار سزدیوب یازردی اندن دفتری وفلوری ثی کتوروب
وزیر بیر نسایم ایلدی وزیر دخی نشینی لشکر ایچون حریفک رفقاسنه عازم اولوب چون
فتواسی دخی گلشیدی زاده دن کان سپاه بلوکی کاتبی علی افندی بی تعیین ایلدی برو
جانبه احمد پاشا دخی دفتر والنونی کوندر دکه یینه وافر قارلی و بوزلی صوایچوب باشندن
حر تاوی دستارین چیقاروب عبدی چلبی به ویردی و حور بعد الکورا اولغین شودلبندی
جوزوب کندی صارغک کی قفسی صار دیو یوردی اولدخی پاشانک صارغین جوزوب
مربع صاردی دستاری کیوب عبدی و خلیفه سز یور غونسز یا توب استر احت ایلاک
دیو اذن و یروب انلا رده یاغی اوچینه باشلرین قویوب یا تدیلر کندو دخی مقدمه خواب
گران فنا اولان نغشه لره مشغول اولوب کا هیجه بلکلیوب کوزینی اچار یینه یوماردی اوله
زمان بعض ظرفا یوقطعه بی سویلیوب مورخ دخی ایراد ایلشدر قطعه اوغرا دی چون
صقاجمه دستور طو تیلوب ضیق صدر دن نفسی قفس ایچنه قوش کی قالیحق بوزدی
دستارین ایلدی قفسی نثر بو اثماده لیل عجیب الویل دخی یدنجی ساعته وارمشیدی
یوطور علی وزیر خواب الودک زانوسنه پاشدی کوز آجد قده زانوسن اوپوب بیورک سلطاتم
دید ی زهیه دیو هول جان ایله پچرا یوب لشکر سزی استر صاحب دولت بابا کر مایینه کیروب
فجائیکره سعی ایسه کر کردیدی بیجان مغرو ظلم ایله جمع ایتدوکی اموالی اعداسنه
نسایم ایدوب وزرو و بالی کندور قبه سنه قاروب برندن قاقوب قچانکه نرباندن استاغی
ایندی صاغ قولتوغنه بر آدم کیردی دونوب کوردیکه قره علیدر قضینه اولدوغن ییلوب
های کافر قبه اوغلی دیدی جلاد بی امان تبسم کنان های نیم دولتی افندم دیوب اکیلوب
صینه سن اوپدی صول قولتوغنه دخی شا کردی جمال علی کیروب سرای وزیرک اخوری
قبوسنه توجه ایتدک لرنه بر کره کریلوب طور دی اول محل قره علی کندو باشنه اولان
قرمزی فس تقیه بی چقاروب میانه صوقوب وزیرک دستارینی باشندن قاپوب زور
ایله اخور قبوسه ایچنه سوروب اندن قفاسنه بر یومرق اوروب دیزلری اوزن چو کدک
گند مهبانی میانندن چقاروب حلقه سن کر دینه طاقوب اوچلرین کندی و شا کردی
چکوب صقد پلر اول محل دخی های کافر قبه اوغلی دیمکدن غیر برکله صدور ایتدین
دور انوب سلکوب مؤخری اوزن د و مشروب کارین تمام ایلدی حیف صد حیف نرتبه
خافل اید بکمالی بومرتبه وادی ینه دنیادن امید وار اولوب وضو و صلو و توبه

واستغفار تدارکنده اولیوب آخر ته ده غفلت ایله متوجه اولدی بعوذ بالله تعالی من الرکون
الی الدنیابعد جلاد دیو نژاد البسه سن صو یوب فرمان وزیر ایله میتن بر بار کیره باغلیوب
مشا کردی یدوب کندی تازیانه ایله سوروب آت میداتده چنار الله القا ایلدی سبحان الله
والعظمة لله بونجه عظمت و جبروت بر خطه ده نابود اولدی ایرتسی ماه رجیک اون سکرچی
سبت کونیکه خسر و خاور شمشیر شعاع ایله و راه پرده مشرق دن اشراق ایلدی مفتی
و بهانی افندی و محمد افندی و حنفی افندی و ممک زاده و قبه و قولا ق زاده و چوی زاده و سائر
علما و مدر سین بالا تفاق اوطاق اغاری و عمو ماسکری وزیر اعظم محمد پاشانک اوکینه دستوب
آت میداتنه وار دیلر یکچیری عمو ماسک و مشایخ شهر دخی کلوب جمله دکا نر قی کلوب
سلطان احمد جامعنه جمع اولدیلر اغار میدانه وار دقه چنار الله احمد پاشا جسته سی یانندن
چکوب حرم جامعده داخل اولدیلر قتل ملقب قاضی عسکر روم ایلی مشار الیه کرده لو مصلح الدین
افندی باب ارتشامفتوح اولد قده بهانی افندی بر منصبه طالب اولوب پایه سنه
اولما مغل و یرمدک سز بومنصبی و یرمز سز امام ولایت ایله بر عالی منصبه نائل اولمز مقرر در
دیو واروب بعضی مقر بلره هدایای عظیمه و یروب انساب ایتمک انلرک رجاسیله شام قضاسی
امرینی الوب بهانی افندی خانه سی اوکندن یکرکن بهانی اتباعنه تفاجر کونه بزدن فلان
منصبی در یخ ایتدیکر اشته شام شریف منلا سی اولدق دیو سزو و غرور ایله اوینه واروب
منصبه کتمش ایدی بر قاج آی ضبطد نصکره کلوب بداید سنه مز یوه ده استانبول
قاضی سی و بر قاج کوند نصکره روم ایلی قاضی عسکر ی اولوب بن الناس خیلی استهار
بولشیدی لکن جمله علما خصم جانی اولغین مجلس مجلس دم و قدح ایله رک عامه خلقی
کندویه عدو و ایشلر ایدی اولکون شیخ الاسلام افندی طرفندن اکا خبر کیدوب صافنوب
بو جمعیه کلسون دیونیه اولمش ایدی لکن بر مقتضای غیرت اوله کونه متهملر کی خانه
نشین و ختقی اولغی روا کور میوب رتبه کاذبه سنه مغرور امر کر نده بولتق و قطان دیزلک
ادعاسیله مجوزه لی محضر لری و کیچه لی محضر باشی و چوقه دارینی و خد متکار لری پاتنه الوب
عرف و اضافت و طمطراق و مهابت و تمام حق و رعوت ایله سوار اولوب ایایی خانی اوکنده
سایمانیه واعظی شیخ عثمان ییاشوب کیدردی و هر کورن کندویه اشکان شتم و لعن ایدردی
والله جمعی اوکنده انا طولی قاضی عسکر ی ملک زاده یه همعنان اولق داعیه سیله دخی علما
کیروده اولغین توقف ایدوب شیخ عثمان چکوب کندی علما جمله سی یانندن چکوب
هر یکن کندویه شتم ایتدیلر مرتدع اولیوب طور دی تا که ملک زاده کلوب اکلینا شد قده
ملک زاده دخی مقارنتدن استنکاف ایدوب جرب چالوب اتق ایلر سوروب یکدی بوکر
جمله دن کیر و قلوب تنها خلق اراسنه کید رک آت میداتنه چقدی اثناء راهده
تکرار کلسون دیو مفتی افندی طرفندن ننبیه گلشیدی امام تنبه اولدی میدان باشنده
سایمانیه مدر سلرندن کر دهان دامادی عبد الله افندی مزبورک یاتنه اوغرایوب دخی
کندویه خطاب ایدوب بره بو محله نچون کلدک یو محل نه محلدر بره الله انصاف و بره جک
وار بر طرفدن چکل کیت دیدک اول احق اغاز رعوت ایدوب بوسوز سنه ک نه حد کد

دیوبند و خصمه با شدی عبد الله افندی نکرار تصح ویند ایندی مقید اولدی جامع حرمه
صلد دد خولده علما مری ینه کلور کوروب اول مبعوض عالمک حماقتنه حیران اولدی
اولحل شیخ الاسلام کپوده یولنوب علماک بعضی جامع زربانه چقوب بعصیلر اتدن اینکه
مشغول لر ایدی همان ملقبک اعداسندن خواجه زاده مسعود افندی وقدر سی زاده
وحنفی افندی عنانتاب اولوب کیرویه آت قوپاروب مفتی به قرضو واروب سلطانم
یوملعون بوندنه ارانچون کلدی دید کارنه مفتی افندی بزونسون بوکون کلسون دیو
شیر کوندردک کلش کندی ییلور دیوب قهرینه معنوی تلخ ایلدی ایدن علما حریفک
خا غره سن آلوب شتم و لغن و تعنیفه مشغول اولدی بار اول محل مسعود افندی طاشه
پناشوب ایندی عقبجه ملقب دخی ایند کله نر دبان ایاغندن مدرسمندن اهل علم مصلی
چلبی که بر ظریف مشهورلر دن ایدی بره ملعون یقل کیت دیو شتومه اغاز ایدوب مسعود
افندی دخی اکا همزبان اولوب اولحق دخی انلر له محاربه و مجاوریه مشغول اولد قله
متر بر مصلی چلبی جسمور ایدی همان حریفک عرفق قاقوب اجق باشنه مسعود افندی
دخی بیرق ایله اوروب قدسی زاده دخی بره اورک ملعونی دیو اظهار خصام ایند کله حریفی
بنک طاشندن اشاغی براغوب مصلی چلبی لشکره حایقربوب نه طور رسزاورک
شو معلونی دید کله لشکر دن بری حریفک اردندن باشنه برحق بری دخی تفنک قوند اغیلله
المنه اوروب باشی ایکی یردن یاریوب قان چکریوب حریف نیه اوغرا دوغن ییلوب مفتی
دخی کلش ایدی همان باشی اجق عریان سکر دوب مدد سلطانم امان دیو مفتی بنک
رکابنه صارلد قله دپه سندن اقال قان منلا نک سیاض صوفینک دامانی خون آلود
ایدوب باب نائی قونوی مصلی چلبی بنک دخی عرفنه قان سیر ایدی اولحل مفتی بر کره ایله
لشکره اشارت ایدوب ال چکک دبسه مرثع اولور لر دیو حریف قور تیلور دیو مفتی
دخی اوزنکی ایله حریفک صورتش دیوب ایلرویه آت سورد کله بیجان میدانه قلوب سفهاء
لشکر مفتیدن بو معامله نی کورد کله قانچلرین چکوب هر بری حریفه جمله ایتدی یلر اولور
تازه اوغلانکه قدسی زاده اتباعندن صولا قدر دیو شایع اولشدن چهره سنه بر قایم
اوروب باشی ایکی یار ایلدی حریف یقلد قله سلاح اوشروب یان لیدی بر مرتبه که
باشی زیر و زبونا بودوب فی یان اولدی البسه سنی یان لیوب یغما ایتدی یلر و خصما سنک
چوقد ارلری اولان اصلا جقار و سائر ازل کال حسد لرندن مصراع اولدی ینه قورنلدی
خلقک ستمندن مفهومی اوزنه اللرنن کلن اهانتی درینغ ایتیموب ارمایش شمشیر
غدر ایلد کارند نصکره سر او یلیمک اردین چاک ایدوب یوزی قوی مکشوف العون
بر اقد یلر بعد سور یوب وزیر احمد پاشا نک جثه سی یاننه کتورد یلر منلا جامعه واروب صول
صفه نک محرمانه کوب وزرا و قضاة عسکر و موالی واروب او توروب اغار ایاق اوزن طور دیلر
ملا افندی صوف خون الودی چقاروب برینفش صوف کیدی خنجی حسین افندی
جامعه کلوب لشکرانی دخی یان ملک فکر نه اولمغله قاین اتاسی محمود افندی میلادن رجا
ایدوب همان خنجی بی محاسندن قالد یروب جامعک برکوشه سندن عرف و کور کنی راقدر یروب

برکوجک صارق ویر فر اجه کیدر یوب قره پاشا مصطفی اغا جامعک اردقیوسندن حریفی
چقاروب کتخداسی حاجی نور الله ایله سلا مته چقاروب اینکیسی دخی قاقدی یلر
اوپاق اغازی ملقبک بووجهله یان لند و کندن نبری کویستروب افندی یلر یوشی بزدن اولدی
ینه سز دن اولدی دید یلر اولحل استنباع فساد دن خوف اولنوب مراد اغا طشره
چیقوب علما یان لند بکنه رضامز یوقدر و بزدن اولما مشدر ادبکتر ایله اولک دیو جهون
تنبیه ایلوب اوطه باشلری چاغروب سفهاء لشکری ضبط ایلاک زهنا رکسه یه تعرض
ایتیمونلر دیملکه اوطه باشلردخی نفر لی ضبط ایتدی یلر و زیر مقتولک چراغی مفتش
کوسه علی افندی دخی محن مدرسلر دن اولمغله کلشیدی مفتش سابق کفلی
عبدالرحمن منصب غرضی اجرایه مساع فر صت بو لوب بره کوسه ملعون سن نه
کلک سنی دخی دپه ملک کر کدر دیو علی افندی یه شتم و اطالیه اغاز ایتد کله فتنه دن
خوفا کردهان دامادی عبد الله افندی بره عبدالرحمن بره سفیه بو محل اجرای غرض
محلیدر ایتیم اول دیو نعره اوردی بری علما دخی عبدالرحمنی بره صوص دیملکه
اسکات عتف آمیزه تخصیص ایتدی یلر بیجان کوسه علی افندی دخی نهمنه صوچم واردر
وزرایه انتساب عبیدر قاتون وادیدن خارج حرکت و اربسه سویلسونلر دیو جواب
اوزره اینک اکادخی صوص دید یلر بیجان عبد الله افندی بنک اردینه او تروب سکوب قالدی
حاضریتدن بعصیلر نقل ایدر بو کون ابتدا جامعه اغار و علما کلوب و زیر محمد پاشا هنوز
کلش ایدی احمد پاشا زمانی محضر اولان مصطفی اغا که جمله ظلمه دندریولی کلدین
کتخد ایری عمره رشوت ایله تقدم ایدب یولسز محضر اولمش ایدی و دونکی کون اغار
محضر مزبور عتاب ایدوب یوقدر ظلم ایلدک پاشا کی البته سکایلد رزدیو حرب و آزاد
ایتمش لرایدی اولدخی بو غلق خوفندن فراتیموب اغار لک قر شوسنده ال بغلیوب
فرمان سز کرد دیو انقیاد و تسام کویستر مکله اعدا منه تصدی ایتما مشلر ایدی بو کون
دخی ارکن اغار ایله جامعه کلوب سکوت معهوده سیله حاضر ایدی مصلح الدین اغا
وسائر اغار محضر مزبور نه طور رسن واروب صاحب دولتی کتور سککه دید کله قوقه
وسر غوج ایله اتنه بنوب یولدا شلر ایله وزیر جیدی کتور مکله کندی بحسب الطریق
محضر لغه مستحق و مزبورک تقد میله کیرو قالان عمر اغا که کتخد ایدر بکتاش اغایه
منسوب ایدی چاغردوب نه طور رسن محضر لقی یولک دکلیدر وار سور غوجنی الوب
کیوب صاحب دولتمک یانیه سن دوشوب کتورد یواغر ایتیمیلله عمر سکر دوب قوشمازلر
ایچنده محضره ینشوب باشندن قوقه و سر غوجن قایوب بره یولسز اردن سز دیه رک باشنه
چکروب وزیر کتور مکله کندی بیجان محضر باشی قباق چکلیوب منزلنه طوغری روانه
اولوب یوقدر جه عقابله خلاص اولد و غنه باشر آچوب شکر و حمد ایلدی اند نصکره جمله نک
اتفاقیه مکله مکرمه دن معزول یوسنوی بیاضی حسین افندی بی ایچرویه کوند ر دیلر واروب
پادشاهه ملاقات ایتد کله استه وزیر ی اولدر دیلر دخی نه اسیر لردید کله بیاضی جواننده
پادشاهم سز دن شکواری بودر که بونجه بیت المالی اسرافاته اضاعت ایتدی یکر یوسنه سرحدینه

کفار مستولی اولدی حالا فرنگ کیلری بوغازده دو تماچقار میوب استانبول محصور قالدی
 دید که پادشاه جوابده بلان سویلرسن کفار بر کلیسا المش و بوغازدن کیلر چوقدن
 کتمشدر دیو بیوردیلر بیاضی استنه وزیر سزنی بویه الدامش ایدیکه حالا صدق کلامه
 اعتماد پیور میور سزنی پادشاهمزه کذب سویلر زحالا عسکری بنه لری بکر و وزرا
 و علماد عاجیکر پادشاهمی کورمک استر لر دید که اصلا جواب ویر میوب بیاضی دونوب
 کلدی بعد ممبردن معزول اسعد افندی وحن مدر سارندن عشاقی زاده فصیحی چای
 والد طرفنه کوندریلر بوجمله نك اتفاق ایل پادشاه خلع اولمغه قرار ویر لمشدر جمهور
 مخالفت جائز دکلدر بیوک شهرزاده سلطان محمد بیعت ایچون جامعه کوندریله دیو طلب
 ایند کارنده والد خبر کوندروب جامعه جلوس اوله کلامشدر سرایه کلسونلردیدی
 لکن بوستا نجیلر سلاح ایله ایچورده آماده اولد قلوی خبری شایع اولغین مدینه دن
 معزول زیر کزاده سید عبد الرحمن افندی بی کوندردیلر بوستانجی باشی یه بولشوب اغا
 حضر تلری جمله علما ووزلنک جوابلری بودر که پادشاهی خلعه عموما اتفاق اولمشدر و قنوی
 ویر لمشدر شهرزاده بی اجلاس ایتمکسزین بوجهیته انحلال احتمالی یوقدر همان علاجی قیوی
 اچوب اتمام مصالحته سعی ایتمکدر و الا سز و طاب خلاقی طوتانلر هلاک اولمق مقرر در
 امت محمد ارا سندن سیف کیرمکدن حذر ایدوب دنیا و آخرت نکالنی بویکه الله دید که
 بوستانجی باشی و خات عاقبتی فکر ایدوب افندی بزدن خالف ایدریو قدر دیوب
 بوستانجیلره حکم نثیمه ایلدی سیر کزاده ایسه بوستانجی باشی یه امدی تنه اجه پیورک
 جامعه علمایه و اغالره بولشک دیمکله بوستانجی باشی دخی کلدی جمله اغالر بوستانجی باشی یه
 خطاب ایدوب بقه اغا اگر بوستانجیلردن بر حرکت احتمالی صدوزی حس اولنورسه
 وجه ارضه بوستانجی نامنه کمسه قالمز دیدیلر اولدخی انلردن حرکت احتمالی اولدوغن
 بادر و ب تکفل ایلدی سلطان ابراهیم خان ایسه احوالی طویوب جنک و مدافعه
 ایچون ایچ خلقنه و بوستانجیلره سیف و تفنگله حاضر اولک دیو نثیمه ایتمشیدی و برکون
 صبا حدن بوستانجیلری و اندرون غلامتی قرشوسنه کتور و ب خطاب ایدوب بن سز شویله
 لطف و بوخچین احسانلر ایتمش تم ایچون چالشمق کر کسزدیو استجواب ایند که جمله سی
 باشی اشاغی ایدوب امر پادشاهمزه کدر لغظندن غیری سوز سو بادیلر حتی دونکی جمعه
 گوز که غوغا نك اولیدر یکچیری اغاسنی ایچرو چاغردوب سز نیم چراغ دکلیسک نیم ایچون
 نجه چالشور سن کوره یم سنی دید که اغادخی تغه ایلله صیر لمشیدی و بوکون جامعه بین
 الجهوریکچیری اغاسی و دفتر دار کوسه اسمعیل پاشا حقنه کلمات اولنوب اغالر ایتمکسندن
 دخی خوشنودر کملکرین کورمک دیلریله شدیلک ایکیسی دخی برقرار اولمشلرایدی چون
 مقدمه و والد سلطان طرفندن سرایه کلسونلر خبری کلوب بوستانجی باشیدن دخی
 تکفل جزایی اندی جه و رقاقوب سرای سلطانیه توجه ایندیلر بوستانجی باشی اغا
 قیوی اچوب جمله باب همایوندن ایچرو کیر و ب ارباب حل و عقد دهلیز حرم خاصه ایدیلر
 شیخ الاسلام و قاضی عسکر لرو مصلح الدین اغا و بکتاش اغا و مراد اغا دهلیز قیوسی قربنه

وارد قلندر صاحبه المقام ام المؤمنین والد سلطان حضر تلری ظاهره اولدی یاشلرینه سیاه
 ابر شیم دستمال ستر ایتمشدر سیاه خادم اغامر و حه صالردی علما و اغالر جمله دست بسته
 سلام قیام ایدوب حضورنده طور دپلر اوله اغالره خطاب ایدوب بویه نهیج فتنه یه باعث
 اولمق انصافیدر هر بر بکر بوخا ندان علیه نك پرورده احسانی دکلیسز دید که کرك
 باران دید بیر کهنه قوجه مصلح الدین کریان کریان سوزه کلوب نیم دولتمو سلطانم
 کر چکسز بنه کز و جمله مز بود ولت علیه نك نیم فراوانسه مظهر اولشز خاصه بنی که قزل
 عبا ایلله کلوب حالا ستم سکسانه قریبدر بودولتمدن مظهر نعمت بحساب اولشم حالا اول
 نعمتک شکرین ادا و وزیره واجب اولمغه افندی خاندانک قرین اختلالنه طاقت
 کتوره میورز کاشکی بوکونلری کور مییدم بویه خصو صلرده اوک ایاق اولغی بنی استرم
 نیه طمع و کیمه احتیاج وار در حال دخی رتبه و منصب طالبی دکلم جمله سندن ال چکوب
 دولت علیه یه خیر دعا خد متند یم اما نیم دولتمو سلطانم الحمد لله تعالی دین اسلام اهلیموز
 پادشاهمزه حرکت و سلوکی جد و دشرع و عقلمدن خارج اولغین عالمه اختلال کلدی
 یامز لر مقارنتی ایلله علا جدن قالدی و هر طر فدن کفار باش قالدر دی سر حدلره
 مستولی اولدی حالا بوغازده یتیم سکسان یاره قلعه مثال حربی سفینه لری یاتوب آق
 دکرک یولی قیادوب شب روز جنک ایدر لر کندو بوجمله دن غافل لهو و تماشا یه و جلب مال
 و اسراف و ارتشایه مشغول شرع شریف متروک اولوب رشوتله عالم بیقلدی خزینه
 اسرافیه صرف اولغدی حالا شرع شریفک حکمی نه ایسه انی اجر ایچون علما مرفقوالر و یروب
 گلشدر در الحمد لله شهرزاده لایق تختدر جلوس اولمغجه جمعیت طاعلر و مادامکه جلوس
 اولمیه نجه قانلردو کیلور بر فردامین اولر لطف ایدوب فساد باعث اوله حق مخالفتدن حذر
 این سز امر شرع شریفکدر دیدی والد حضر تلری اگر چه پادشاه حضر تلرینه متکدر و نجه
 وجوه ایلله قلبی منکسر ایدی اما شفقت مادریت حسبیله اظهار ترحم ایدوب اصلاح ذات
 الینه متعلق جوابلرده قصور ایتمدیلر زیر پاشاه والد نك بعضی کلمات نصیح آمیزدن متکدر
 اولوب خاطر لرینی منکسر ایتمشیدی صکره خاصه کیلر اغا و اسمیلره دوسه نفی فرمان ایدوب
 نینه دفع اولنوب طشره با نجه لره نفی ایندر مشلرایدی و پادشاهدن خوف و وهم اوزن
 ایدی بوندن ماعد اهر مشیره لرینی که عایشه سلطان و فاطمه سلطان و خا زاده سلطان
 و برادرزاده سی قیاس سلطان حضر تلریدر بونلره دخی قهر ایلله معامله ایدوب املاک جواهر لرین
 الوب حالا تحت نکاحند هما شاه سلطان نسیمه ایند کیری نالی خاصکی یه اول سلطانلری جواری
 مقامند قوشوب مثلا خاصکی طعام دید که اول سلطان مقام خد متد طور لر و غسل
 ید لازم کلسه قیاس سلطان صابون و یروب ماعداسی لکن و اریق و یروب خدمت ایدر لردی
 پادشاه حضر تلری همیشره لرینی بویه تذلیل و تحقیر ایند و کندن والد حضر تلری بلکه
 عموم اوزن حرم همایوندن اولنلر مخزون ایدیلر والد حضر تلری چون مصلح الدین اغا نك
 کلامی استماع ایندی مقتضای مقامه کون آغاز جواب ایدوب بقه اغالر یوقد زماندر
 او غلم نه مراد ایندی ایسه مساعده کوسر و ب هیچ برایشه نامعقولدر دیمکله فسادعد

ایندیکتر ایشاره معین و دلیل اولدیکتر بر کره بیکزدن نصیحت و خیر خواهرلق صادر اولدی
 اتفاقله نصیحت ایشاره کز احوال بوکه منجر اولزدی شمدی اول امر دن قالد رمغه جمعیت
 سوء تدبیر دکلیدر بعد الیوم هر نه ایسه تعالیم ایدوب سویلک یرامز لری دفع ایدوب
 ینه تختند او تورسون مال و ملک تصرفی مشورت علما یله وکلانک اولسون دیدی اندن
 مصمحل الدین اغاینه جواب اولی اعاده ایلدکن صکره شیخ الاسلام و عزیز افندی چوق
 سوز سویلوب اناطولیدن معزول حنفی افندی که پرکوی وزیران اورد رایلر و کلوب والیه
 سلطان حضرت یلرینه بنم سلطانم بزرگ لطف کز و عباد الله به مرحمت و شفقت کز اعتقاد
 ایدوب بومقامه کلدک ام المؤمنین سرعامه موحدینه مرحمت ایدوب بر ساعت اول
 بومصاحت خیریه ناک تمشینه همت بیون سرک حال عالم مشکل اولدی اعدا اطرافه
 هجوم ایتدی شیوع معادن ورشوتله نظام دولت الدن کندی کندی ولر هوای نفسه مشغول
 تدبیر امور سلطنتندن عاطل ادا شرعیه به راهی دکلدر طبل و سوزناو چنگ و ششتار
 صداسی ایاصوفیه مناره سنه مؤذکره اذانی یا کلد کسبه نصیحت قادر دکلدر هر کس
 عرض و جانی خوفند در حقی سلطانم دخی بالذات انجند بلر انصافدن خارج صالغونلر
 و بدستان باصوب تجارک غصب مالن الله لروناحق بره قتلر و عورنلرک تسلط ورجاسیله
 نامستحققلرک عالمه استیلاسی بونک زمانه حدی تجاوز ایشدر بروجه له قابل اصلاح
 دکلدر دیدی نکرار والیه جواب و پروب افندی کرچک سزرا کرچه اولیله اما سوء قرناشینه
 اوغرا دی یرامز سوزینه اویدی بعد الیوم مصاحبلر مطرود اولسون عاقل وناحق سوزینی
 طو تسون دیدک حنفی افندی جواب و پروب یا سلطانم مقارن اولان ایولری نچون اولدردی
 قره مصطفی پاشا کی روزیری هوا سنه تابع اولدوغی ایچون دیله دی و حایه فاتحی یوسف
 پاشایی سن بکافند به دن مال کتور مدک دیونا حق بره اولدردی بونلری کورن بعد الیوم نجه
 امین اولور و تقرب و نصیحت نجه جرأت ایدردی نکرار والیه سلطان امشمدی یدی یاشنده
 معصوم ملک سلطنتی نجه نمکند دیدک حنفی افندی جواب و پروب مذ هیزائمه سی اولان
 علماء حنفیه کبیر مختل العقلاک سلطنتی جائز دکلدر صبی عاقلک جائز دیوردقلری کتا بلر یزده
 مستور در اول منوال اوزن فتوایر و پروب مصاحت تمام اولمشدر معصوم جلوس
 ایدوب وزیر تمشیت امور ایدر اما منسلوب العقل او توررسه قابل تعالیم اولماقله استغلال دماه
 مکرمه و ایاحت فروج محصنه و مصادرات اموال و تسلط ظلمه و ابطال شرع شریف سببیه
 عالم قنایه کیدر مملکت اعدایاق باصفه سبب اولور سلطنتا جانبیه منتقل اولق لازم کلور
 بنم سلطانم لطف ایدوب غیر طریقله دفع قیدند اولک همان شهرزاده حضرت نلرین کتورک
 دیدی بعد قره چلبی زاده عبدالعزیز افندی سوزده کلوب مثالندن برشی قومیموب دخی
 اچق و واضح اولقد رکستنا خانه سوزلر سویلدیکه بوجله تحیر اولمقدن استخیا و لنوب ترک
 اولمشدر والیه حضرت نلری بوخصوصه آداب مناظره اوزن مردانه مباحثه ایدوب دفعه
 متعلق بر سوز قومیموب سویلدی اماری طرفدن ملزم و مسکت جوابلر و پروب بروجه له
 دفعی ممکن اولدیغنی یلوب بر مقدر اسکوت ایدوب ایدی وانیم صاریحان صاردیر بر

چبقاره یم دیوب کندی جمله علما و اغا الله تعالی غیریگری زیاده ایشون دیوالفشلادیلر
 جلوس سلطان محمد خان غازی تخت والیه سلطان حضرت نلری شهرزاده بی چقارمغه اچرو
 متوجه اولوب تخت همایونه چقارلغه اذن و پروب معناد اوزن باب السعاده اوکنه تخت قورلدی
 شهرزاده جوان تخت سلطان محمد حضرت نلرینک سن شریف لری یدی یاشنده باشلر نه مناسب
 مجوزه عرض اغاری اطرفن الماش قوشخانه قیوسی سمندن ظهور ایدوب منتظرینه عرض
 دید ارایلدی سنه ۱۰۵۸ مزبور رجبنک اون یدی سبت کونی ایدیکه ساعت مستعمله طقوزده
 وقت عصر ایدی تحت فرخنده تخت اوزره جلوس ایدوب اولاشیخ الاسلام بعد وزیر و علما
 و کبر انک متعینلری بیعت و دامنبوس ایدوب معصوم خوف ایتسون دیوساثر ناسه هجوم
 ایتدر مدیلر حتی قدری زاده امیر افندی و بعضیلر علمایی شق ایدوب د سنلوسه وارمق
 استدیلمنلا حضرت نلری الایله اشارت دور باش ایدوب ازدحامه رضا و یرمدیلر امر بیعت
 تمام اولدق پادشاه نوجوان حضرت تلرینی محافظه اموری والیه سلطان حضرت نلریله بوستانجی
 یاشی اغایه محکم سیارش اولنوب ذکر اولنان اعظم دولت بالاتفاق سلطان ابراهیم اولدبنی
 محله توجه ایشدیلساحد اروجوقد ار اغا بوستانجی یاشی جمله سنک اوکنه دو شوب تأدب
 ایله واروب پادشاهم علما و اعیان رایلری اوزره اچریویه بیورک دیدیلر الله اکبر سلطان ابراهیم
 خان آواز بلند ایله فریاده باشلوب بره خایلر بره قلا نلر بونه اصل ایشدر بن هر بریکره احسانلر
 ایتدیمی شمدی هوا کز تابع اولدیغیم ایچون بنی قالد رمق تدارکن ایتدیکر بن پادشاه
 دکلیم بونه دیمکدر دیور رفع صوت ایله حاجه به باشلدی قره چلبی زاده عبدالعزیز افندی
 اول مجلسه فضوللغه جرأت ایدوب حرمت ملو کانه به مغایر چوق سوز سویلدی خیر
 پادشاه دکلسن امور شرعیه و دینییه به عدم تعید ایله جهانی خرابه و پردک و اوقانکزی لهو
 و غفلت ایله کجیروپ رشتونی فاش وظلمه بی علمه مسلط و بیت المال ائلاف و اسراف
 ایتدیکزدیوب و جاها و لقدر تقریعات التمس که عالم حیران اولدی مورخ دیر که بهایی افندی
 حضرت نلرینک اغزندن ایشتمدم دیمش که بن سلطان ابراهیم خان حضرت نلرینک احسان
 دیلر سی اولقله حجابدن جمله قاضیه مسکدرک ماوراسنده کیر لنوب کا هیجه کور نمکدن حیا
 ایدردم که شاید کوزی راست کلوب نفع سابقه سن تعدا و تقریرع ایلیه هله محمد الله کثرت
 اراسنده بنی سیمیموب اصلا خطاب ایتدی و هرگاه که عز و سلطنتله حاجه ایدردی مفتی
 و عزیز افندی و مصمحل الدین اغا و بکتاش اغا جواب و پروب ملزم اولد قچه عنان کلامی
 جانب آخره عطف ایدوب بر یوزدن دخی بحث و حاجه به شروع ایدردی و اکثر سوزی
 بن پادشاه دکلیم بونه دیمکدر دیردی اندرون اغاری اوت پادشاه سوز و سکا کلاک اولمز
 واروب بر قاج ایام حضور واستراحت ایلاک ینه دولت علیه ناک صیاتی تدبیرندن علما
 و سائر قوللرک شفقتا یوتداری کور مشلردردیدیلر متهورانه غضبیه کلوب بن نچون
 تخمدن قالمقرد یدی عزیز افندی نکرار جوابه تعمدی ایدوب بوختنه قعود ایدن اجداد
 نظامکک طریقه سلوک ایتدیکک ایچون لایق تحت دکلسن کفار بوسنه به مستولی
 اولدی سکسان پان قلیون حالا بوغازی سدا ایدوب جنکله در سنک خبرک یوق غفلته

مستغرق اولوب الترام مالایلم خصوصاً انلاف خزینه ایدرسن دیدکده سلطان
 ابراهیم جواب و یروب بلان سویلوسن کفار بوسنه بی المدی و قوللرم زادره بی فتح ایتدی
 و کفار کیلری بوغازدن چوقدن کتدیله اچق سز غرضکری تمشیت ایچون امور ماضیه بی
 ذکر ایدرسن دیدکده نکرار عزیز افندی سوزده کلوب استنه وزیر ومفتی وقاضی عسکر لر بی
 نکدی بوسنی الد این واجب القتل خوش آمد کویلرک سوزینه اعتماد ایتدی کک ایچون عالم
 یوشکله کیردی همان قالمق کرکسن دیه رفیع پرده ایدوب جرأت ایلر سو یلکه باشلیدی
 یته محاجه یه آغاز ایدوب ا سز یلان سویلر سزنی قالد یروب الیه یه اشارت ایدوب
 مشوقد راوغلا نجفی پادشاهی ایدرسن اولقد راوغلا نجفک سلطنتی نجھ اولور ایدی معلوم
 اولدی بکه بو قوجه بی پادشاه اینسه کز کرکد رفیع وزیر اعظم صوفی مجد پاشایه اشارت
 ایلدی وزیر پادشاه اولور می به اوغلا اچق نیم اوغلم دکلیدریدی یته غرر افندی ایلر
 ایدوب سن خزینه بی انلاف انواع اسرافله ناقصات العقل سوزینه او یوب رشتونی
 قاش ایتکله اختلال نظامه سبب اولوب قتل رجال و مضادره اموال ایتکله خلقه
 فخر سن وقابل تعلیم و اصلاح اولما غله لایق تحت دکسن ودخی نجھ سوز سویلشکه
 یوشکله یازلیوب ثادبا ترک اولمشدر بوسمبلردن سن پادشاه اولامرسن و خلافتک شرعی
 دکدر اما شهنزاده تعلیم قبول ایدر وزیر تمشیت امور ایتکله شرع شریف اجر اولنورد و جواب
 ویردیله هر کلامه بر جواب ویریلوب الزام اولندی دنوب تعداد حقوق نیم ایلر تحجیل
 و تنکیل سمتنه ذاهب اولوب یکچیری اغسا سنه باقوب مدد خواهلوق طریقندن
 یقه بره بن سنی یکچیری اغاسی ایتدی بی یله وقتده سنن بکا خیانتی ایدرسن دیدکده
 اغاجواب و یروب پادشاه سنک قولوک و چراغکم اما نیم المانه وارددر جمله خلق بوخصه
 اتفاق ایتدیله بن جمله یه مخالفته قادر دکلم طرف خلافت اولسم دخی یکچیری قوللرک بکا
 اتباع ایتزلر بلکه بنی ازاله ایدر لر نو قوللک طرفدارلغندن نه فایده وارددر دیدی اندن دنوب
 شیخ الاسلامه باقوب بره عبد الرحیم بن سنی مفتی ایتدی می شمدی سن بکا قصد ایدرسن دیدکده
 مفتی جواب و یروب خیر بنی سن مفتی ایتدی که الله تعالی ایلدی دیدکده زیاده متالم اولوب ابکی
 اللربن آسمانه طو توب الهی بن بونلری سکاصالدم سن بظام و غدارلرک حقندن کل جمله سی
 اتفاقله نیم اوزیمه خروج ایتدیله دیو کال حزن و انکسار ایلر بد دعا و انکسار ایلدی محصل کلام
 بوکونه سوال و جواب اوزایوب ساحد اروجوقه داراغا قولتغنه کیروب هله پادشاه دفع نزاع
 ایچون شمد بک بیورک دیوب یرندن ابکی آیم کیدوب اوچخی خطوه ده طوروب یته برآلای
 محاجه بحث ایدوب انلر جوابی و یروب یته برایی آیم کیدوب یته بحث وجدال ایلرک بالاخره
 انکسار کوستر و ب الین الینه سوروب خوش ایدی باشم یازیلان بویاشی امر اللهک دیوب
 کندی تاکه محبس قیوسنه واردیلرک کار کیر اوطه نک تیمور بنجره سندن طعام مخنی کیره جک
 قدر کسوب سائر بنجره لرین و جاملرین دیو اریا پشلا ایدی قیوسنی اوکنه واردقله الحمد لله
 هله جماعتک باشی اولدم دیدی یعنی شمد نصبره کله جک سلاطینک جدی نیم دیکی
 اشعار ایلدی ایکی جاریه و مالز مه هر نه ایسه اول اوطه ایچنه قونوب حاضر نش ایدی

همان دولتلوی ایچر و ایدوب تیمور قیوسنی چکوب برکبیر قفل حدید آصوب فی الحال
 قور شون ایدوب قفلاک ایچنه ایدوب دوندیله و منادیلرند ایدوب شهر قیولی
 ود کاکین واسواق اچلق ایچون ننبیه اولندی بهائی افندی دیر ایدیکه همان حیا دفن
 اولندی زیر بر مغسل و بر مستراح و بر او جانی مشتمل ایکی متلاصق بیت ایدیکه برکوچک
 باجه سنی کوک یوزینه بقرو بر بنجره سینه طعام مخنی صفا حق قدریری کسیلوب اوکنه
 دهلیر دیواری اچق کورینوردی دخی عالم کو غزدی و پادشاه مرحومک لطف و احساننی
 کور دیکمه بناه حبس خانه یه کیردکده بکا بر مرتبه خرن عظیم طاری اولدی بکه بی اختیار
 یکا ایلوب دستمال ایلر استک چشمی اغیار دن ستر ایدردم دیو نقل ایدردی ایتسی احد
 کونی پاد شاه مخلوع بو شامش دیو براوزه چیتوب یته جمله دکاکین قیایوب خلقه غلغله
 دوشدی مکر و الله سلطان خبر کوندر ووب محبسی بر خوشجه سدد و استحکام اینسوناز
 دیملکه خلقه خشیت دوشوب وزیر اعظم ومفتی افندی وسائر وزر اوعل ایلر
 سرایه واروب معمار کتوردوب محبسک قیوسنی وطعام و پره جک سور ایدن ماعدا
 بنجره لرین کرج و خراسان ایلر محکم یا یوب استحکام و یروب طا غلدیلر قوت سلطان
 ابراهیم خان علیه الرحمة والعفران چون پادشاه ربع مسکون حبس خانه یه قونوب
 یاب و شباک یاپادی کیجه و کوند زفر یاد وزا ریاق ایدوب کریه و این صداسنی
 ایشدن اندرون خلقی ماتم ایدوب سابقا عبس و عشرته مأ لوف اولنر بو مصیبت
 جانکدازی کور دکده تحمل ایدم یوب مایینلر ندر دلشوب بونه دیمکد ریر پادشاه
 دیشانی کوز کون تختدن ایند یروب دیری مزار قودیلر بر معصومی تخته یکور دیلر
 بونک نعمته مستغرق اولوب شمدی فریا دوفعان استمکدن بزه اولمک بکدر همان اتفاق
 ایدوب طشره چیتقاروب جلوس ایتدرمک تدارکنی کورلم دیکفت و کویه باشل قلدن
 غیری طشره سپاه طائفه سی دخی خلع سلطانه اعتراضه متعلق کلمات سوباشد کری
 وکلای دولتک معلومی اولدقله اعیان وارکاک قلمنه خوف مستولی اولوب مادامکه
 پادشاه مخلوع حیاند در نظام میسر اولم یوب حکام بیم جاندن خلاص بولوق احتمالی
 بو قدر ضرر عامدن ضرر خاص ترجیح اولنه کمشدر دیو احباب حل و عقد بره کلوب
 اغار معرفتیه ازاله سی خصوصتی امضایه عازم اولدیله و مناصب علیه و سفیه بی
 اهلنه ویر میوب رشتولنا اهل توحیه ایتکله نظام عالمه خلل ورن پادشاهک خلع و ازاله سی
 جائز اولور می دیو استغفار اولور دیو امضایتد کلرندن صکره قالقوب مفتی عبد الرحیم افندی
 و صدر اعظم صوفی مجد پاشا و قاضی عسکر لر و یکچیری اغاسی مراد اغا و قره پاوش
 جمعیت ایلر سرایه واروب اذا اجمع الخلیفتان فقتلوا احد هما مضمونی اوزر مفتی افندی
 مخصوص فتوی ویر مکله ماهر جبهک بکرمی سترنجی ثالثا کونی واغستو سک سترنجی کونی
 ایدیکه پادشاه مخلوعک ازاله سنه مباشرت ایتدیله رجه و بیعت ایلر سرایه وارد قلدن
 جمیعاً یح خلقی طرف طرف قاچوب کسه ال اور میوب معاذ الله دیو کیزان اولدیله حبس
 خانه نک قیوسنی وزیر ومفتی خدمتکار لری ییقوب خدام سرایدن کسمنه یا قاشمیری

سلطان ابراهیم ایسه قریب دواضطرابه آغاز ایدوب نیم نان نعمت بینلردن بکار حم ایدر کسه
یوقید رنی کوز کون بوطا لمر قتل ایدر پورلر امان دیو صبحه ایتد کجه خدام سرای زاری زاری
اغلیوب قجرلردی جلا دقره علی بی دخی وزیر کتور مشیدی اولدخی امتناع ایدوب بر طرفه
قاچدی بوحالت فتنه حدوشی احتمالی مرتبه سنه وارد قلع وزیر اعظم بالذات الله
عصاقره علی بی ارایه رق طشره چیقوب بره قتی شول ملعون دیو چاغروب قره علی دخی
افلیه رق وزیر ک ایاغنه دو شوب دولتی بی قتل ایله خوفله رعشه دن الم ایاغم
طوتنر دیو محوم کی لرزه ناک اولوب یلوار د قچه وزیر عصا ایله باشته کوزینه ضرب و جیع
ایله کری شوب کل بره ملعون دیو الحاح شدید ایتد کدن صکره ناپار اغلیه رق جمال علی نام
مشا کردی ایله احر و کیر دیریم بانی افندی نقلی ایدر روزیر ایله مفتی یا لکتر ایکسی جلا دلی
اوکنه قاتوب محبس دن احر و دخول ایتد کدر نه زده لیر دن ناظر ایدک سلطان ابراهیم
بر کلکون اطلسی عنتری کیش قرمری چقشیر مطلا او چقور لری طشره چقمش باشته
بر کله پوش صول الله مصحف شریف مفتی یه خطاب ایدوب بقه عبد الرحیم یوسف
یا شا پکا سنک ایچون بر فتان دینس زدر دپله دیمشی ایدی سنی اولدر مدم مکر سن بی
اولدورن جک ایش سن استنه کتاب الله نبی نه حکم ایله اولدر سنر ظالمرد یو قریا د ایلدی
بالاخره جلا دلی کیروب کند کوفشار ایله کارین تمام ایتد یلر پادشاه شهید ک جنازه سی
خاص اوطه حولیسنه چیقوب معلم و امام سلطانی شامی حسین افندی غسل و بعد
بمازین قیلوب ایا صوفیه قیوسی یانده سلطان مصطفی مرحوم ک مرقدی حنینه دفن
اولندی کوچک ویوک اوطه نک خلیفه لری میت پادشاهی اوزن واروب مجرر ایله عنبر
و عودیا نوب قرآن عظیم الشان تلاوت ایتد یلر و عود ما خلیفه لره بر کسه غروش احسان
اولندی و خزینه اغا لرینه و کوچک ویوک اوطه علما نه علی السویه آدم با شنه بیکرا قچه
ویرلدی قانون سلاف ایچ خزینه دن سکر رفلوری ویرلک ایش بود فعه ضرورت سببیلله
سکر ر غروش ایله اکتفا اولندی و قفتا ناولولنره قرقر غروش احسان ویرلدی مورخ
دیر که مغدور و شهید سلطان ابراهیم مفتی عبد الرحیم مالنه طمع ایلر و چکوب صکره
چراغ اولسون دیومفتی ایلدی اول مقابله ده انک ید نه مقتول اولدی تنه کیم شعرای
عرب دیمشدر نظم و من یصنع المعروف فی غیر اهله یلاق الذی لافی مجرام عامر
فا شبعها حتی اذا مات طمرت فریة یا نیاب لها و اضافر نقل لبني المعروف هذا جزأ من یجود
معروف الی غیر شاکر فقیر دیر مکه مورخ ک عبد الرحیم افندی یه بتعرضی دخل مجرر در
بوقضیه ده نه عبد الرحیم ونه غیر بنی سبب مستقل دکلر چون امر قضا و احکام عالم
بالانک مقتضای اجرا ولنه حق ایش پادشاه مرقوم ک دخی اکثر اوقاتی حبس خانه ده
یکوب برادر لری غدر سلطان مراد ایله شهید اولد قلندر نه خوف جان دن انحراف مزاج تحصیل
ایدوب جلوس ایتد کدن صکره اعیان وار کاکا همالی و مصاحبه لک فساد و سو حالی
مساک رشد و سد اد دن چقاروب مبنی وفا لی الذهن ایکن سو قرین بلا سیله لایق
اولیان کارله شروع ایدوب مزاج عالم دخی فساد استعداد تام اولغله بوفتنه جمله نک

اتفاقیه حدوث ایدوب بوم صیبت نتیجه ها لیری اولدی بویا یله زیه و عکرو ی نیر طغنه
سیر ایتک قصور نظر دند پادشاه مغفور ک سنی او توزدن متجاوز مدت سلطنتی سکر سنه
طوقوزای اولدی پادشاه مرحوم نوعا سلطان مراده مشابه قد و قامت و مهابت و سخاوت
صاحبی جمیل الصدورت دوله توایدی مشرب لرینه عجله غالب اولوب اثناء تکلمه تیریز
سویلردی و بر خصوصه استعجال ایدوب در حال حصولی استر توقف و تانی بلز ایدی
ضایت مرتبه کریم و سخی اولد قلندر دن بدل عطایاده بر مرتبه افراط ایتد یلر که جمله مقرب لیر
وانلره جرئی انساب ایدن لر فقر و احتیاج دن قور نشلر ایدی ذکر و قایع ازابتدای جلوس
سلطان محمد خان ابن السلطان ابراهیم خان استیوسنه ثمان و خمسن و الف شهر رحیمک
اون یدنجی مبت کونی طوقوزنجی ساعتک سلطان محمد خان حضر نلری تحت هما یونه
جلوس یورب مهر وزارت وزیر مشتری تدبیر قوجه صوفی محمد پاشایه و یر یوب عوموا و کلا
واعیان دست بوس ایدوب امر بیعت ذکر اولندوغی اوزن اتمام قلندی جوزی مرحوم
جلوس خان محمد ایلدی آسوده د نیایی مصر اعنی تاریخ دیدی رحیمک یکرمی التخی احد
کونی پادشاه نوجاه سلطان محمد خان حضر نلری قایق ایله حضرت ایوب زیارتنه واروب
شیخ الاسلام سیف قوشادوب عظیم الای ایله ادرنه قیوسندن کیروب سرای هما یونه
وارنجه یوم مشهود اولوب عباد الله عرض جمال ایلدی حالا مجددا حرم حاصلدن
چیقاروب میر آخور کبیر حسین اغا پادشاه سوار اولدوغی آتی عنانندن طوتوب
یدر ایدی ایچرو لباسلری کبریتی زربفت اوزرینه یکلوار غوانی زربفت کیوب با شلرینه
مناسب سلیمی مجوزه اوزرینه ایکی عروزه سرغوج وضع اولنوب دپه سرغو جنه
نیم بیضه دجاجة قدر برز مرد حضر اوار ایدی سن مشرب لر ییدی یا شنه کوزلری مکمل
جین میننده بر الف رسم اولنوب خلقدن دعاء علیک عون الله فلکه ایرمش ایدی
یوم جلوسک ایرنسی احد کونی وزیر احمد پاشانک و ملقبک جته لری جنارالتندن دفع
ودفن اولندی اما انجق استخوانلری قالمش ایدی بواشاده عجایب امور غیبیه دن ایکی
حالت مشاهده اولندی اولامفتی زاده سرای وزیر خرقه و کلاه مولوی کتور مسی وزارت
عظمی مولوی محمد پاشایه منتقل اوله سنه براعت استیلال اولدی ثانی احمد پاشا
مناصب و ارزاق ناسی اچه ایله صا ترایدی کندوسی تن پرور سمن مفرط اصحابندن
اولغله شخم ادبی وجع مفاصله نافعد ردیو عوام بیننده مشهور اولغله بکچیری قیافتنه
برشتی وزیر ک جمله شکوم و لحومنی بیچاق ایله کسوب خلقه بیع ایدوب بشر او زاقچه لرین
الوب بر پارچه صا تدی اول سمبدن مقتول مشار الیه ک اسمی هزار پاره دیمکله مشهور
اولدی ان فی ذلک لعیرة لاولی الابصار وزیر اعظم و منلای معظم توجیه مناصب و توزیع
مراتبه شروع ایدوب کچ کردن اختفا ایتد یلر که چاوش با شلیق قوجه عبد الفتاح اغلیه که
صرار زاده قولیدر ویرلدی و قره چلبی زاده عزیر افندی صدر روم اولوب ایرتسی اناطولی
صدری مک زاده رفعتدن قبا قولا ق زاده ابو الارشاد محمد افندی توجیه اولندی مورخ
مرحوم بهایی افندی نک منسوب اتندن و اجزای مجلسندن اولان احبابندن ایدی اکاپناه

حاشیه تاریخچه دیر که عزیز افندی مقهور و متعفن نفسی کند و به غالب مجادله و محاوره ایله
 تعین و تقدیم طالب بر آدم اولوب بهای افندی کی اخلاق حمیده و شمائل لطیفه صاحبی
 وجود مکرملک پرینه صدر روم اولوق مناسب دکل ایدی اما نفس الامر ده بود که عزیز افندی
 اثبات وجود استظهار مائل انبای جنسندن کسینه نیک نام ایله وجود الذکر اولسنه
 قائل دکل و اعجاب نفس ایله خود خال و هنر ال بر مرد فاضل اولدوغی تاریخچین معلومدر
 انشاسی سلیس و لطیف و عذب البیان بر نازک نالیف ایکن کبار دولتک معای و مثالی
 ایله مالا مال اولدوغی مدخول ارباب کالدردر تجا و زالدله عنا و عنه و یوق یوق زاده که مصطفی
 ابنی مصلح الدین در عزل اولنوب کمال زاده ابراهیم افندی استانبول قاضیسی اولدی
 ادرنه بیوک بوستان زاده به بروسه بیاضی حسن افندی به حلب صدر الدین زاده
 روح الله افندی به شام چشمی زاده به ویرلیوب رحمة الله افندی به شامدن مصره
 نقل اولنوب وزیر سابقه منسوب کوسه علی افندی بدیله قاضی مصر اولان امر الله زاده
 معزول اولدی و کوسه علی افندی محندن دخی معزول اولوب مفسدکی دخی النوب حمیدی
 عبد الرحیم ویرلدی و سلاطینک الی بر مق افتتاح افندی به وبلغراد قاضی زاده به ویکشهری
 قریاج زاده افندی به ویرلدی وزیر اعظم اغاز عدالت ایدوب وزیر مقتدرک یاپدر دینی
 بنیه سین تقویم ایندی یروب بهالین قرینداشی ابراهیم کتخدا به تضمین تکلیف ایدوب تجار
 اوغله و کراسنه چی حقارین ادا یوردی و طوب قیوسنده اولان باغچه سن قره کتخدا به
 و طوب قاپوزار جندله اولان باغچه بی حیدر اغا زاده به و وجود افندی به کدالک منزلتی
 و مسائر املاک مفعویه بی احبابنه رد ایندردی و قعه دن اوچکون مقدم وزیر سابق مصره
 حیدر اغا زاده به یا یوزاللی کیده یا خود کله دیو خط همایین کوند رمش ایدی ایغا ر
 اولنوب هر طرفه امثله تبشیر جلوس کوند رلدی و بواسطه جوار و ضاصکیان ابراهیمه
 جمله اسکی سرایه نقل اولنوب سوی ترخان سلطان که والد پادشاه جدید در اندر عفت
 و عصمت و صلاح و دیانت ایله مشهوره در یکی سرایه قلمشدر در یوم جلوسدن اوچکون
 صکره جمشید چاوش کفهدن موافق روز کار ایله اوج کونده واصل اولوب وزیر سابقک
 عتاب سالف الذکر بنه تا تاریخک جواب نامه سن تبلیغ ایند که کفان غفرمانی مشتمل
 امر شریفه بشارت مضمون ایله تا تاریخ خانه شمشیر و خلعت کوند رلدی و مطلق منزل ممنوع
 اولوب اولاق امری یا زلمق اوزنه تنیبه اکید صد ورایدوب حتی کورچی یا شبیه از ضرور
 مقرر نامه سن ساعی ایله کوند ریلر حقا که اولاق ظلمدن قراور عایا خراب اولوب ارباب
 خدمات و ملتزمین با جمله اهل دیولدن بریله اشتغال اولنر بلکه باز کار و وود و نصردن
 صراف و ترجمانر کند و محاصرتلر یچون آخر دیان کتمل و اولسه لر اولاق امری الوب فقرایه
 جور عظیم اولان یوزلم قبیح دفع و تخفیف خاطره سین کسه اینمزدی بو یساق
 ثواب عظیم و حسنه طیبه اولدی و وزیر مقتدرک سرایند پادشاه ایچون صالغون
 طریقه خلعدن جبر اجتماع اولمش او توزدن زیاده چنکی و مسازند و خوانند
 چواری واریدی جمله سنی احبابنه استر داد ایله وزیر جدید نیک نام تحصیل

ایندی ذکر مصادره جنی خواجه بواسطه خزینه همایونک تقود موجود اولوب
 جلوس همایون انعامی ایچون و افراچه لازم اولغین ماه رجبک یکرمی یدنجی کونی
 جنی حسین افندی دن ایکیز کیسه اچه امداد طلب اولمشیدی مریور امتناع ایدوب
 ویرمدی مشار الیه کیفیت ظهوری و پادشاهه تقرب ایله از زمانه مراتب عالیه قطع
 ایدوب عوام و علمادن تقود و هدا یو برطیل و ارتشاطر قیله جمع ایلدی کی اموال لایحی
 یوندن اقدام محاربه ذکر اولمشدر رجا ایله حصوله کتور دیک مصالح ضمنند الدینی
 اموال دن غیر ی قاضی عسکر لکی هنکا منده منصب و مدرسه بی و وظایف جزیه بی
 بیله رشتو تسرو ویرمیوب تسلطی معاین صغیر و کبیر اولغین هر کس شرندن قورقوب
 کند و به حقانمش ایدی تقیب الاشراف زیرک زاده عبد الرحمن افندی نقل ایدر اول
 محله که حسین پاشا بغداد ایالتیندن ورمولوب نئندن معزول اولوب عزم استانبول
 ایتشیدک بز دیار بکره حسین پاشا دن برکون مقدم کلوب حسین پاشا دخی کلد که
 استقباله چقدق و کفدوی بر مناسبت منزله قوندردق با آنکه حسین پاشا ایغا ر ایله
 سیمه کمار کلوب اغر لقدن کند و ایله بر نسنه یوق ایدی حین نزول بر بار کیردن بر هکبه کرانی
 خدمتکار لری ایندی یروب بالذات کندی دخی یا یثوب او تور دینی ره یانته آلوب اوزرینه
 بر احرام اورتدی کندی ایله بی تکلیف اولدی غمزدن هکبه دهنه وارد که بویله بالذات
 تقید یورر سرزدیدیکمه یو عبا رت ایله جواب ویروب دیدیکه بهی افندی استانبول
 جنی خواجه دید کمری اول مکار ترک و اول مضر طمع کارک شترین دفع ایچون کند و به هدیه
 حاضر لدینغ بش ییک قرمری فلوریدر سائر لری دخی بو کایاس اولنه و کتخد اسی حاجی
 نور الله که بر ابکی سنه مقدم بدستانه بر مفسس زبیدی دلال ایکن جنی ایله علاقه انسانای
 اولغین دولته کلد که کتخد اسی اولوب اولدخی یدر شوت اولغله مبلغ عظیمه نائل اولمش ایدی
 جنجیک بو کیفیت ایله فجأة ظهوری عالمه کران کلوب افشاءر شوت ایله اختلال امور
 دولته بر سبب مستقل اولمشیکن جهل و حماقتندن یوم جلوسه یکی جامع جمعیتنه
 متجاهلانه واردینی ذکر اولمشدر اولوقت بروسه دن معزول موسی افندی یونک جرأت
 و حماقتنه حیران اولوب بو محجه کلما کتزدراج ایدی دیو یولندن نصح ایند که یا یچون
 گلر زبیر کونی الله هدن استردک عالم نه شکل یقلدی خراب اولدی کورمر میسزدیو جواب
 ویردیکنی استیدنلری خود و مختیر قالدیلر حضاردن بریکه شیوخ علمادن ایدی جرأت
 ایدوب جنی افندی حضر ثلری عالم یقلدی خراب اولدی دیو خلقک جمعیتنه باعث
 اولان خصوص صلاک ما ده اعظمی سلطانم سر عباد اللهی بو محنتلره گرفتار ایدنلرک
 بری و رکن معینی جنا بکرایکن شمدی هم صوچلی و هم کوچلی و هم مغلطه ایله باش دعواچی
 اولوب بو محله تشریف کتر غایت مستغیریدر هله جامعدن قاین اتاسی مجود افندی رجاسیله
 و کفالتیله تخلیص و قره چاوش ید یله قاجر لدینی بالاده ذکر اولمشدر چون وزیر اعظم
 آدم کوندروب جنجیدن ایکیز کیسه استدی امتناع ایند که قاین اتاسی مجود افندی
 و سیاطیله کند و به شویله اشارت اولندیکه پادشاه سابقدن هر طریق الدینی ساجانیه

وغیری اوقافدن بلا استحقاق اکل ایشدی کی وظایفی و یروب و بالجه جلوس همایون انعامی
ایچون لازم اولان اچیه به امداد ایچون مافی الوسعن بدل ایشدی کی صورته کندی حقنه
برادیت ظه و ر ایمیوب قاضی عسکر لکدن معزول اشدیلر پایه سنده کندی و به بر آریه لق
ویریلوب اسوده خاطر اوله بیت نیکخواهان دهند پندولی نیک بختان شونند پندین
پو کلمات نصیح آمیزی قاین اتاسی ادا و حق ابوة و نصی ایفالتد کندی بن مردلک ایله آدم اولدم
چاتم تنه ایکن انله بر اچیه ویرمزم دیوجواب قطعی ویردکده محود افندی دخی عناد فی
گوروب انک فلا حندن قطع امید ایدوب وزیر طر فنه اعلام و کند و نی کفالتدن خلک و اظهار
بروات ایتکله وزیر طر فندن چاوش باشی کوندر یلوب رجبت یکرمی بشخی کونیکه سببت
کونیدرم نزل کیس اولندی مکر قاین اتاسی محود افندی به جواب یاس ویردکدن صکره
کند اسی حاجی نور الله کند و به نصیحت ایدوب به افندی بوقدر مالی سکایه تدر منزل و نلره
قرق الی کیسه ویرمد کجه اولمز دیو ارام ایتد کده نوعارضاً کوسستروب بعد خراب البصره
بر مقدار اچیه ویرمکه کولکی اولش ایدی کتور شو کیسه لری عیاری الحق زلوته لری واکسلک
وسلک غروشلری و قرق التونلری اوروب بر مقدار اچیه ویره دیوب اوی خراب اوله جق اوله
وقتده شدت طمعندن صرافلق سوداسنه دشوب کیسه لری میدانه دوکوب ویرمکه
الحق و کعبیاری محکمکه مشغول ایش کچاوش باشی بوقدر آدم ایله قیودن اچیر کیر کند و به
خبر اولد قده جان باسنه چیرایوب اچیه بی میدانه بر اغوب حرمه قاجدی حاجی نور اللهی طوبوب
یغلدیلر کند و سی حرمدن طامه چیقوب اندن طرازانی تخته پوش آشوری کچرکن
مکر طومسان پاچه ایش بیراهنی ایلشوب یرتلوب برپا ن سنی او یزان اولوب
کند و همجواری توسون چاوش نام کسنه نیک منزله آشوب آتدی اون ارشوندن متجاوز
یردن چیرایوب بو الجب که اعضاسی شکست اولدی قوی البنی نه غریب ترک سترک
ایدی اول منزله نهی او طه ده ارقا سی او زن یا توب اوزینه برکهنه حصیر او رتیلر
چاوش باشی یدنه اولان فرمان موجب ادر نجه حرمه کیر و ب موضع معهود دن
اتلد و غنی بیلوب توسون چاوشک اوینه قیوسندن دخول ایدوب ارایه زق بولدیلر
چاوش باشی عبد الفتاح اغابر طریف حریف ایدی حصیری قالد یروب افندی حضر تری
اول ارواح علویه دعوت ایدردی شمدی اجنه سفلیه دعوتیچون حصیر التنه کیرمش
انجق دیوب اول حالتله اخذ ایتدیلر نقل قضیه محود افندی نیک همشیره زاده سی ولی زاده
چلبی دیر که محود افندی کفالتدن فلک و نیری خبر بن وزیر کوندر دکن جنجی خواجه
مال طلبنی طمع خامه حمل ایدوب طلبه سندن بر آحق و زیر کوندر روب اکریا دشتام
جدید بنی خواجه ایدرسکزی بوز کیسه اچیه ویره بید یو خبر ارسال ایش و وزیر اول ساعت
منلایه واروب قضیه بی سویلد کده ای نا بکار طمعکار بونکد ما غی فساد ده در
فر صت بولور سه تحریب عالمه وضع اساس جدید ایتد مقرر در دیوب نهانی قتلنه
نصیم واخذنه چاوش باشی کوندر راش ایدی حاصلی چاوش باشی افندی بی حصیر
التمندن قالد یروب یقه سندن طوب طشره چقار رکن رعوتی الدن قومیوب

چاوش باشی به و چاوشلره به اصلاً چقار بن قاضی عسکر و علمادن دگلی یم چکک
الیکری به خبیثلر دیو چکشمکه باشدی چون چاوش باشی قضیه نیک نتیجه سنی بیلوردی
حرمت ایمیوب اورک شو ترکک باسنه سویا نیک چکک کونورک دیکله اراذل چاوشان یومرق
ایله باسنه یوزنه کیریشوب باسنندن دستاری کیدوب صرب مشته دن دیکه یمناسی
آسیب زده اولوب کشان کشان باشی عریان طشره چقار دیلر محود افندی نیک کتخداسی انده
بولغله باسنندن دستارینی ارقه سندن صوفین جنجی به کیدروب هی افندی الله معینک
اوله طمع و حرص ایله سن کندی کی شوق یافته کتوردک دخی صوکی نجه اوله جقدر بیلور سز
سوز طومندک بز نه استلیه لم دیدکده ینه شدت و رعوتی الدن قومیوب بهی چلبی نیم
صوچمندر بکا الله ویردی کی مالی بوظالم لره کوز کون و یروب بن فقیر می اوله یم امر شرعکدر
دیه رک چکلوب وزیر سراینه کتدیلر حضور وزیر و وارد قده ینه خوش کلدک افندی دیوب
اکرام ایتدی نصیحته آغاز ایدوب کل افندی جلوس انعامی ایچون ایدکیوز کیسه امداد ایله
دیو دعوی سابق تکرار ایلدی یاشا حضر تری بن اچیه بی سرایه وکتبه ویردم
نفود الی کیسه به چقمز دیوانکار ایلدی یاشادخی لطف و ملایمت ایله سویلد کجه اول
خشونت ایدوب کاه طلاقه کاه عنافه بین ایلر و مقام انکارده ثبت کوسستردی یاشا
کوردی که نصیحت و اصلاح قبول ایتنر افندی اچر و یورک کتخ سراینه بر اوطه ده حاجی
نور الله ایله ایکسین حبس ایتدیلر خانه سنده و سرایه کورکن یولده و سرایه هر کون یوزنه
قار شوشتم و لعن ایدردی وسیعلم الذین ظلموا لی منقلب ینقلبون جنجی حبس اولندی
کی خانه سنده باش باقی قولی و کشف و محضر اغا ووزرک معتمد لرندن برابکی اغا کوندر دیلر
ایکیوز کیسه غروش خزینه سنده موجود و دنگلر ایله بو نجه بو نجه تحف و تفاریق التون
ایله ملو برابکی صندوق والیدن متجاوز سمور دفتر اولنوب یوک یوک یاشاق بوسنده طاشمغه
باشدی کوزی او کتده اموال و اشیاسی جمله قبض اولندقدن صکره قاضی عسکر لکی
ایامنه یازدیغی روزنامه لری یاشا کتور دوب مناصب و مدار سندن توجیه ایتدکی موادی عد
واحصا ایلوب هر یزدن الدیغی اموال و سائر مناصب عامه دن رجایدوب توجیه ایتدردکی
ایالت و خد ماتدن الدقاری و طرف پادشاهیدن و سائر لر دن الدیغی هدایا و نفود نقیر قطمیر
حساب اولنوب جبر و تقصیران جمله سندن کتده و مصارفی فرد نهاد اولندقدن نصکره اوج
یک کیسه دن متجاوز مالی وارد دیو اتفاق آرا ایله قراردادده عقلا اولغین جبر و قهر تحمیلنه
شروع اقتضا ایتدین براغامباشقوشیلوب جلا دقره علی دید کلمی ملعون ایله جنجینک
حبس اولدوغی اوطه به کوندر یلوب تحویر و شکنجه ایله بقیه مالی سویلتد رملک فرمان
اولندی اغا کیروب مالی سوال ایتد کده ینه انکار و عین صد دنده قره علی کلوب اوطه نیک
اوجاغنه ایکی طاس قیوب قامش و اشق و سائر شکنجه الاتی عیاذ بالله میدانه دوکوب
سویله افندی سلطان سویله بوندر ارک سلطان ایچوندر دیو نشیر ساق ایلدی اولزمان
جنجی تیه اوغرا دیغی بیلوب اغلیه رق کاه کند و سو کاه کتخداسی فلان دیو رده فلان زردبان
التنه مد فون شوق درشی وارد دیو خبر ویردیلر اون ایکی کوک چیل اچیه ویتش یک

غرو شلق پان که جمله سی طاس کی چتور و جید و براق خالص العیار مصرک بر نوع پان سی
برالتندن چیقاروب کتور دیلر اول بول کلان نقودی جلوس همایون بخشیشی ایچون قوله
توزیع اولنوردی اول معمود پان نجه زمان خلق مایمنده جاری و معتبر اولوب جیحی پان سی
دیگله شهرت بولدی خالص العیار اولدوغنه بناء صراف ملاعینی اریدوب اعدام ایتدیلر
جمله نقد اوج بیگ کیسه سی و نقد یقین سمور و پارچه و تحف و سیم و زر اوانی مقوله سی
ایکیوز کیسه لک شیئی النوب سائر اساس بیت و اسباب و ائقال مقوله سی اشیاء و املاک نه
تعرض اولندی و سبایا نیه و قغدن جیحی خواجه نیک یومیه بشیوزا نجه و طیفه و حاجی
نور اللهک ایکیوزا نجه و طیفه سی و ارایدی بلا استحقاق اکل و بلع ایدرلدی ایتد امتصرف
اولد قوی کوندن یوانه کلجه نه مقدارا نجه الشمس ایسه حساب اولنوب ایکیستدن دخی جانب
وقف ایچون استرداد اولندی جیحینک و طیفه سی اوز بش بیگ غروش ایتدی تمام اوقفه
تسایم ایلدیلر وزیر اعظم محود افندی یه خبر کوندروب کریمه لرنشک مهر مو جلی نقد اردرد یو
سوال ایلدیلر بیگ التونرد یو جواب و بردی جیحینک مالندن بیگ التون محود افندی بیگ
دختری جانب نه مهر مو جلی نامیده کوند رلدی یو وضعیتن حسین افندی یه سوء قصد لری
اولوب نجات بولیه جیحی ییلندی کتخداسی حاجی نور اللهک یوزاللی کیسه سی النوب بر شرف
قالماغله اطلاق اولندی جیحی خواجه ماه شعبان او اسطنه دك حبس اولنوب مالم یوقدر
دیو طلاقه عینلر ایتش ایکن کاه جلاد تحو یفیلر اقرار و کاه خانه سنی کوشه به کوشه
قازوب اخراج ایتد کیری خزاین اوج بیگ کیسه دن زیاده اخذ اولنوب بعد کندی و سی ابریم
میرلوانغی نامیده جانب مصره نفی فرمان اولنوب تم قبودن بر قایغه قیوب یوللدیلر میخالیجه
وارد قله تقریفش مرضی سببیلر کیده میوب انده قالمسینه اذن ویرلشیدی اول وقت
ارد نجه آدم کیدوب قزل اطه لده بوغدی یار خبری شایع اولوب اصلی چقمدی میخالیجه
هر کوردیکی آدمه شکوایدوب نیم یونجه مالی الدیلر پادشاهه عشرنی ویرمشلردرد یو
سویلدیکی نقل اولنوردی بوندن صکره تاتار خانک شفاعتیلر چراغ اولند یغنه بناء
دولتدن رجایلدوب خانه سنده او تور مغه اذن ویرلک اوزن شفاعت ایلدی بوندن صکره
ذکر اولنه جق جامع سلطان احمدده سپاهیله روقعه سنده کندی و توابی نامنده اولان بعض
شقیار جیحیتیلر ییلر بولنوب بزم افندی یوزک جرمی ندر یوقدر مالی الندی نجه اولدی دیو لسانه
کتور دیلر فتنه کندی و سیسه سنه حمل اولنوب و شاید تاتار خان شفاعتیلر کلور باشمزه بر عمل
اولورد یولنی لی حسین چاوش ازاله سیچون کوند رلدی وارد قله ندر چاوش زه مرثه ایلدی
کلدک دیدکله قتلنی متضمن فرمانی الله و یردکه آبدست الوب نماز قلد قد نصکره انده
مزبور یو غوب دیار عده صال دیلر بیت بھر فنارفت و ناچیرشد فلک گفت خند آنکه
اونیز شد یو عصرده که چرخک نخسی ایا میدرخجه اسافل نوظهر ویرلا استعداد و الاستحقاق
مراتب عالیه یه واصل اولوب آرزو مانده قتی چوق فساد ایتشورد بیت جن له الدهر قتال
الفتی فیادیکه ان عقل الدهر مضمونی هر برینک اصدق حالی اولوب ینه زمسان قلیله
دولت مستعاردن محروم و جزای فعاللرین بولوب منکوب و معدوم اولدیلر یواشاده اولان

بخشش جلوس یازوسی که اولدی باش خلیفه حسین افندی دن استماع اولدوغی اوزن
اللی بیگ یکچیری بخششش الشس سپاهیله بیکرا نجه ایلر بشر ا نجه ترقی و یکچیری اوچریک
ا نجه عطیه ایلر علوفه لرین یدی یه تکمیل وجهی اوزن ترقیلر ویرلدی وجهی تحریری اوزن
سلطان ابراهیم مرحومک شهادتی کونیکه رجیک یکرمی سکرنجی یوم الثلث ادر اولکون جلوس
بخشیشی چقمق قراردادده اولغله طائفه سپاه اغاری قیوسنه جمع اولمشلر ایدی بحسب
الضروره تخلف اولنغین اغا لرین طاشلیوب بریادشاهی ایتدر دیلر جلوس بخشیشی
ویرمز لریو اعتراضاته متعلق نجه ترهات سویلد کندن اندرون خلقنک دخی گفت و کوسنه
مصادف اولغله فتنه خوفندن اول پادشاه شهیدی عالم بقایه کوند رلک تدبیرن ایتدیلر
وسپاه ضابطلرندن و کاتبلرندن متعین اولنر عزل و تبدیل اولنوب بعد جلوس بخشیشی
ویرلدی جیحی خواجه نیک مالی بخشیش جلوسه عظیم امداد اولدی کویاکه بوبله بروقت
ایچون ادخار ایدر مش ماه رمضانک عشر اخر نده علمایه بخشیش چیقوب عبد الرحیم
افندی طرفندن ترتیب ایلر دفتر حسام زاده لک بیوکیلر پاشا قیوسنه کوند ریلوب موحیمیلر
توزیع اولندی طعام الملوك للاغنیاء فحواسی اجر اولنوب اغنیاء و اغنیاء حصه دار اولوب
دفتر لوانش قدر قرقدن و عزول و مدرسیمندن ضعفای مستحقین بجل منلا ایلر
محروم اولدیلر غالبامو رخ اول بخشیشدن حصه دار اولمشدر که بجل منلا یی سبب
منع عدا یدوب جزاه الله شراد یوبد دعایه لشدر بوغائلر بر طرف اولد قد نصکره یکچیری
اغاسی سید مصطفی اغا بولی سبجانه قالد ریلوب مصطفی پاشای مرحومک کتخداسی محمد
اغای یکچیری اغاسی اولدی کرید جزیره سنه سردار اولان حسین پاشادن مکتوبلر ایلر آدملر
کلوب قندی یه یوریش ایدوب انهم ایلر اچیلان رخنه لردن اچریو یه هجوم ایلد کندن کفار
دخی لغملر اتوب سکرنچور باجی و بر قاج بیگ آدم شهید ایلر مالحق اولوب ایکی اولقداردخی
کفار داخل دارالبوار اولوب غازیلر ضرب دستله بر ایکی قله یی ضبط ایدوب اچریو شهره
قوبلق صد دنده ایکن جانب بگردن سابقه ذکر اولندوغی وجهه اوزن وافر کیلر ایلر کافرک
امدادی کلوب قندی یه لیمانه داخل اولغله و قلعه ده اولان ملاعین خاسرین بحساب اولد قلی
حسینیلر غزات مسلین یا لکتر محافظه یه اشتغال ایلر توقف ایتد کربن اعلام ایدوب
دو نوا و عسکر و ذخیره و مواجب طلبیچون عظیم نیاز لری ایدوب منزل ایلر آدملر کوند رمشلر
شعبانک یکرمی برنجی خمیس کونی اوق میدانده دعائیمیه اولنوب صدر اعظم کرید جانبینه
لازم اولان امداد و عسکر و مهمات تدارکنه اشتغال کوستردی اندرون همایوند
اولان ایچ اوغلانلرینک بعضیلری بد آموزانه حرکت ایتلر یله وزیر اعظم ماه شعبان او اخر نده
اچریو یه واروب کیلارجی باشی ایلر سکساندن زیاده غلانی طشره طرد ایلدی ماه شوالده
ساحد اراضه مرتضی اغاشام شریف منصبی ایلر چیقوب ایکیوز مقدار یی اچ اوغلان
دخی بحسب القانون سپاهی لک ایلر اخراج اولندی و سلسله منصبیلر طوغا نچی باشی
چیقوب یوزاللی عدد غلمان دخی آنکله چیقدی مقتولی چاوش زاده میر میران اناطولی
باغدر قاطرچی اوغلی درگاه عالی چاوشلرندن جعفر چاوش اوغلی احمد چاوشکه حوتن

سنة سنی هنوز صبی ایکن درگاه عالی چارستاندن اولغله کوچك چاوش عنوان بولوب
 بوج و مرج ایامنده بر سرایی مصاحبه یه تزوج ایتك واسطه سیله خاصگیلردن برینه
 کتخد اولغله دفعه انك قوتيله بکچری اغاسی اولوب بعد اناطولی ایالتیه چقمشینی
 اناطولیله ظهورایدن حیدراوغلی نام مفسد زیاده جر آنلایدوب وزیر مقتول احمد پاشا
 بر سنجاق ایچون او تویك غروشی الیدی دیوقطع طریق وفساد عظیمه شروع ایلیوب
 بوسالیه حج شریفه غازم اولان بوسنه حجاجی اوروب خیلی شفاعتلایدوب بر مرتبه که
 اقشهر ایله ایلیغون اراسنده واول حوالیده عسکر سز اشاء سبیل کذرايتك محال اولدوغی
 خبری کلوب فریاد جیلری وزیر اعظمه دوکلد کارنده اناطولی والیسی مشارالیه احمد پاشای
 شتی مزبورک اوزرینه ازاله سی ایچون تعیین ایدوب امر شریف کوندردی پاشای مرقوم
 دخی کوتاهیه دن مکمل لشکر ایله قاقوب اوزرینه واروب قره حصار صاحب قرینه مصداقه
 ایدوب اول امر دن استقیا صورت انزام کوستروب قاجدیلمز بور احمد پاشا مبتدی
 نوظهور لر دن اولغله دوست کام دونوب غرور انتصار ایله بر جانیه توجه ایدوب صندقلی
 اووه سنده غافل یا تورکن بر کجه حیدراوغلی نام حر مزاده جمله اتباعن جمع ایدوب یوزدن
 قجاو زایت اوغلی ایت ایغار ایدوب وزیر مزبوری باصوب شبخون ایلدی نوبخیلر خبر ایدوب
 پاشا بر قاج اغاری ایله سوار اولدی امالوند یار غارلق ایتیموب بلکه طرف اعدایه انتصار
 ایله اراذل غالب کلوب پاشا لیدن ال قلدر انتری قتل و جرح ایدوب پاشای کرفتار ایدوب
 اوکنه کتوردیلر حیدراوغلی پاشایه بر مقدار عتاب ایدوب بایر اشما زله اعتماد ایله
 سرندن یکن کسمنه نك اوکنه کلدیك نادانانه ترجمانی ازاد ایلدم یوری واربر دخی
 قوللانه مدینك عسکر ایله غالب کلمه میه جکک خصم اوکنه کله دیوب صوب عنتری
 وکله پوش ایله بریار کیره بندروب ازاد ایلدی وسائر تبلیغی عموما صوب اور دوستی و طبل خانه
 و او تاغنی عموما ضبط ایلدی حیدراوغلینك یراریملو اتی قاطرجی اوغلی دید کاری شتی
 تعقیب منمز میندن کلوب پاشا نك اطلاقدن خبری او یحق حیدراوغلی تحمیق ایدوب
 بره اوغلان بن وین انك الله کیردک شمدی باشیز شو مید انده یوالنوردی اولیله
 خصمی آدم صانع قیو و برمی دیوب پاشا نك ارمینه دوستدی بیجان احمد پاشا سوار اولدوغی
 بار کیر کندی لوندی کبی کوپری کچمز و آرق انکر مقوله سی ایلر و آدم اتغله درمائی یوق
 لاشه اولغین هنوز بر باورش می ایدیکه قاطرجی اوغلی نابکارا یریشوب این اشاغی بره خانی
 دیو حاضر وب شهید ایلدی احمد پاشا نك عموما صبار وجه سکه بانلری و سائر لوندلر دن
 ضمیر لنده فساد مضمراولنلر جمله حیدراوغلینه اتباع ایدوب اول متخلص خونخوارک
 آوازه فتمک واقفاری اطراف مملکت آوازه صالوب بوقعه نادره الوقوع شیوعیله قلوب
 ناسه انفعال کلدی بو خبر آستانه یه وصول بولد قدیم بوسنه دن معزول کتایچی عمر پاشا زاده
 محمد پاشایه اناطولی ایالتی توجیه اولنوب اواخر شعبانده خلعت کیدی و کائناتن کان حیدر
 اوغلی محمد نام شتی یی هر کیم قتل ایدرسه مالی صورلیوب کندویه ایالت توجیه اولنوب
 وعاد جمیلن مشتمل اوامر علیه تحریر و اطرافه پراکنده اولندی کیرید سرداری حاجی حسین

پاشای نامداردن انو سعید افندی یه سلیخ شعبانده بر مکتوب کلوب مضمونله وزیر سابق
 احمد پاشا دن امداد مال و لشکر وارسال ذخائر و دو تما خصیو صند مواعید عرقوبیه یی
 مشتمل مکتوبلر کلوب هیچ برینک اصلی چقمیوب عسکر اسلام جزیره ده آج و عریان
 لیل و نهار کفار خاکسارک آتش محاربه سیله سوزان قلوب کمال ضرورتله امداده محتاج
 اولد قلرین وی اندر یی پروطرفدن و کفاردن نیجه لغملر ایتیلوب قله لره ظفر بولد قلرین وینه
 کیر و خندقه دوندکار نی و بالاخره ایچرو هجوم وقتنه کفارک امدادی کلکه بشلیوب
 دفعا دتله جمعا قرق بش یان کوه مثال سفینه ایله جنکچی کفار و ذخیره و مهمات و آلات
 کلوب قندیه لیاننه واصل و جمله سی قلعه ایچنه داخل اولوب یینه عسکر اسلامه متوکلا
 علی الله تعالی ورود امداد امیدیه جنکدن ال چقمیوب درون خند قله مقیم
 و شب و روز جنک و قتاله مداوم اولد قلرینی اعلام ایلش احوال صدر اعظم محمد پاشا
 و مبدأ فترت سپاه وزیر اعظم صوفی محمد پاشا اتک دولت و ولی عهد مقامنده مستقلا
 مدبر اولوب کند و سراینده او توروب ایراد و مصارف خزانه عامره یی یوقلیوب ابتداء
 اندرون همایونک تعییناتلر دن اولان اسرافاتی بعد طشیره ده اولان زواید اخر اجائی قطع
 ایدوب مهمما مکن مصر فی تقلیل و تنزیل ایلدی و مکرم و مباحه و سائر مقاطعاتدن
 وظیفه یه متصرف اولنلرک برانلرینی یوقلیوب ناسحققلرک قطع و بعض مستحققلرک
 جهانلرینی تقلیل مشغول اولدی و آلتی بلوک خلقنک ولد شلرینی کند و او کیه ایکیشی
 شاهد ایله وروب کیرید سفرینه کیمک شرطیه بیگ نفر درلکی چالق سپاهیلری تحکیم ایدوب
 گریه کتلمرین فرمال ایتدی اصلنده کندوسی سپاه زمهره سندن اولغله اوجاقلرینه
 بومر تیه احسان قصد ایتشیدی لکن سپاه بر غریب قوم اولوب ایچلرند عاقل و نادان
 مساوی نه حسن تدبیر صاحبنه تابع اولور لرونه عواقب اموری اندیشه و ملا حظه
 ایدر لر اکثری اترک بی ادراک و حیوانات مثابه سنده شرت و عدوانه مائل اولوب عقلاسی
 قادر و یونلر مغلوب اولغله نیجه دفعه استانبولده دیه انلرده بیهوده جمعیتلر ایدوب عاقبت
 مغلوب و منکسر البال اولد قلرین تاریخلرده مفصل یازار لر و اول فتنه لری یلور اختیار لری
 ایچلرند وار اپکن یینه جهالتی الدن قومیوب هر بار جمعیتلر دن خالی اولدیلر بود فتنه دخی
 جلوس همایون واقع اولغله وزیر اعظم بود کلو ییلدن برور طرف قلنل ولد شلرینی
 وروب چاقلرینی تحکیم ایدوب شمدیک خزینه و رعایا احوالی مختلر و بوسنه دتصکره
 خد متلرینک دخی و برینه و دیو وعده ایتشیکن بوا حسانی بلیموب اسکدرده وغیری یرلرده
 نکر ایتکر ارجعیتلر شروع ایتدیلر بالاخره احوال لری نیجه مدافعه اولنه جقلری بیان
 اولنه جقدر فائده بوطائفه نك بروجله نامضبوط اولد و غنک سبی بودر که هر عسکر یی
 طائفه سنک بر قاج مرتبه ضابطلری اولور اعلای و ادانی ضبط ایدرک و ان و ان جمله نك ضبط
 و ربطی بریاش و بوغه منتهی اولق تدبیر سلطنت و ترتیب حیوش قانونلر دن بر قاعده
 مهمه در مثلاً بکچریده هر اوطه نك اسکیلری سائر نقره ضابط کبیر راندن اشخی اندن
 اوطه باشی و چور باجیدر اوطه باشی و چور باجینک ضابطی کتخد اینکدراندن جمله نك

صاحبی اغادر و سپاه دخی سلفه بوقاعه اوزن قوزیلوب نه قدر بلوک واریسه بر بلوک
 باشی که حالا سائر نغردن فرقی یوقدر سلفه انلراوطه باشی کی بلوکده اولان نفری ییلور
 وضبط ایدردی کیده رک انلردن اعتباری قالد یوب انحق اغا و کتخد اوچاوشلره حصه ایدیلر
 بش اونی ییک آدمی برایکی مرتبه ده اولان اونی بش کمنه ضبطه قادر اولمق محال اولدوغی
 اچلدن بوطائفه نیکسی واسکیسی بیوکی و کوچکی بلالو اولیوب کندولر برنام و اعیان وارکان
 دخی انلردن نیران اولور لر ایشو ماه رمضان شریفک یدنجی جمعه کونی اناطولی سپاهیله
 اسکدار طوالب جمعیت ایشکاری شایع اولحق مفتی الانام و علمای عظام پاشا قیوسنه
 دعوت اولنوب اغا لدخی واروب بلوک اغا لری صاری بیراق اغاسیله و زنجیرلی قیوده ساکن
 سابقا قول کتخد اسی اولان حسین اغا کوندیلوب بلوک اغاسی بولدن صایوب حسین
 اغا واروب سویلدک سپاهیله جواب ویزوب ولدش نامنه بز اوغالی بزمه علوفه لریزدن
 ویزوب بلوک چقارلق التماسدن مرادیز اولاد لری ننان یان صاحبی اولسونلر دیمکر
 حالا ککوچکلرین یازمیوب بیوکلرین دخی یازدقدن صکره زادنه وکریه کوندردلر
 دیمک نه معنیستی واردر اوغوللر ییززدن ایرلر ویزدخی پادشاه و صاحب مهر سن
 سفره کتده مز خلاف قانوندر و حالا اوغوللر ییز اید و کتده شه و عدول استرلری بریز
 حقیقه اولان اخبار لری عزیزی طومر لر حالا شهود تدارکنه یوزیوندن ماعدلر اید متلر زمانی
 رمضان شریف ایدی رمضان کلدی خدمتدن اثر یوق و بر ماده دخی پادشاه همت
 قتل اولند یغیدر نه تمسک و نه بخت ایله اولمشدر حالا سیواسه ایشیر پاشا یزدن
 طلب ثار صد دنده در نه تمسکله اولدوغن اعلام اینسونلر صنعمر اولمان خصوصه
 بزچون متهم اولور زچنکه حسین اغا بوجوانی کتوردی وزیر اعظم مصلح الدین اغا ییغا غروب
 قتی بنی وزارت ته نصب صد دنده اولان پیمان کتزدید کده مصلح الدین اغا جواب ویزوب دولتمو
 سلطانم بن قولک اولزمان برقلیکر دوشدیک یی رده اللی بیک مسلح بکچر بله باش ویرم دیدم
 حال اول پیمانک اوزرینه قدم ثابتد راما اگر چه امر خلع بزم مشورتلر ایله اولدی لکن قتل
 خصوصه رآیمز مد اخله مز یوقدر دیدک وزیر جواب ویزوب قتل خصوصه سچون بنده مفصل
 تمسک واردر و فائده بیلده دفن اولمق و صیتدر که حق در کاهنده دخی تمسکدر دیو عبد الرحیم
 افندیک فتو اسنه نامیچ ایلدی لدن سپاهیله جواب کوندیلوب پادشاه جدید پادشاه
 مرحومک و لیسیدر و حالا تختنده در انلره نه دعوی دوشدر ادبیلر یله طو رسونلر فضوللق
 ایتسمونلر و رعایا خراب اولمغله حالا برال ایله جمع اولنان خدماته تحمیلری یوقدر بیک الی
 اوزرینه حواله اید مز خدمت سودا سندن یکسوندلر دیو خبر کوندردی نکرار سپاهیله
 خبر ککر ندروب حالا تختنده او توران پادشاه مز دخی سزله ایشانمز و زخمده
 مد اخله ایتیمه لی رعایا معموری اولدی بوستانجیلر و توابع وزرا بوججه ییلدر رعایانی
 خراب ایدوب بز بش اله جعفر یزدن انلراون الدیلر بز رعایا یه ظلم اید لم دیزر
 انحق سلطان سیمان مرحومک قانونی اوزن غلامیه نامنه هر نه تعیین اولنور ایشه
 قانقر الینه خدمت لری عزیزی ویرر سز دیو اقدام خبری کوندردکلر نه بعد المشورنکرار

خبر کوندریلوب آمدی شندی محل تنک اولمغله رمضان قابلیت یوقدر مصلحت
 صغنه جدید محرم الحرامنه توزیع خدمات ایدلم دیو جواب کوندردک انلردخی
 رضاء قطعی جوان ویرمیوب یالکتر بزم رضامزور دیمز ایله اولماز دخی امکدر اختیار لریز
 واردر که هنوز کلامشدر در کلد کلر نه انلر ایله مشورت ایدوب معقول کوررلر ایشه رضایورز
 دیو ختم کلام جوان کوندردیلر یو صورتک گفت وکودن مفتی عبد الرحیم افندی یه
 حیرت و تباعنه دهشت حاصل اولدی و با با طاعنه محافظه ده اولان اشاغه بلوک
 دخی بو ائشاده اغا لری سنان اغایی کرها قالد روب آستانه یه کلدیلر سائر لردن دخی
 و مزه سپاه گروه گروه استانبولده مجمع اولمغله باشلدیلر ذکر مقدمه وقعه جامع
 سلطان احمد خان قذ لکده ده کاتب چلبی دیر که چون جلوس همایوند نصکره برای
 مصباح سلطان ابراهیم خانه وادی عدم نمایان اولمشیدی قوائد قوم عند قوم مصائب
 مفهومی اوزن خلقت بر بلوک یو وضعدن دلگیر اولوب رتق وفتق و عقد و ختم زمانی
 اللردن کتد و کتده تحمل اید میوب سائر دولتی بر کشته اولنلرک توابع و لواحق
 یویر کتد و کویه باشلیوب میاشر اولنلر اعتراض و مناقشه و مجلس بمجلس طرح
 قرعه قتنه و فساد ایدر اولدیلر حرم همایوند و طشره ده پادشاه نه کاه ایله
 قتل اولندی دیو بحثلر کر اولنان هوادارلر تبعای سپاه طائفه سنه قاریشوب کاهی
 بعض امور جزئییه بها نه سیله جمعیتلر و غوغا لر قویارر اولدیلر و بوقتنه عظیمه یه
 وقاج ماده سبب اولدی بری بو درکه بعض علما زینه اشخاص صوفی محد پاشانی عجب
 دوشروب کتب فقهیه ده خصوصه جامع الفصولینده قن سلطان صغیر اولسه
 رعایا بروالی عظیم الشانه بیعت ایدر لر اول صغیر دن وکالت ایله حکومت ایدر لکن
 حقیقتده سلطان اول والی عظیمدر دیو مسطور اولان مسئله یی نقل ایتکله ایلدیس کی
 دردمند پاشانی اضلال و یو اعتقاده دوشور مکله وزارت یی ایلدی پاشا دخی
 احوال دولندن بخیر و ساده دل پیر اولمغله بودولت علیه عسکری مجرد شرف نسبه
 اعتبار ایتد کلرین اکلامیوب و استقلال مجرد خلقت خصوصه صاحب کتد تحمل
 اولدوغن بیلوب نجه زمان اول سودا ایله دیوانی ترک ایلدی کندونی ولی عهد مؤید
 مقامنه قویوب اتباعی بوسوز ایله اقتدار ایتک پرده سنه واردی و بری دخی حین اجتماع
 اصحاب حل و عقدن من بعد رشوت النیه و مناصب قانون اوزن اهلیته ویریلده و مخالفت
 ایدنلرک حقندن کلنه دیو قول و قرار اولنوب خلع و قتل دخی بو همت اوزرینه بنا ایتمشدر
 لیکن نوبت کتد ولر کلد کده صبر اید میوب باب رستونی کیر و مفتوح قلدیلر اول انحق
 طرف سلطنتدن انلور کن بود دفعه اغا لر و سائر امور مد اخله ایدنلرک هر بری آلوب
 مصباح کور مکله باشلدیلر حتی روایت اولنور که حین جلوسه امرادن برینه ظلمی
 یوقدر دیو بر سنجاق ویریلوب صکره مفت و محانا ویرالیکنه ندامت کلوب وزیر کتخد اسی
 اوله حق طماع و شیریر بولر وار دقلری پرده مال فراوان الور همان سزک المدیغکر
 قانور دیو قوجه دردمندی اضلال ایدوب اردنجه مباشر کوندردیلر اول سنجاک

و شوتی کالاول اوب سائر مناصبی دخی بیع من یزید ایله ورمکه باشد بلوحتی اناو
 مقابلہ سنک خلیفہ لکی محلول اولوب ابتدای دولتدن بروخلیفہ لدن بری یولی ایله
 اولہ گلشی ایکن خاین خزینه و مضمر دولت اولان قلندری سو قیلہ اوچ بیک غروشه
 اجنبی یه ویر یابوب خزینه عامرہ نک رقیوسی و زکئی مثابه سنک اولان قلمک حلیہ سنی
 اصلا قایم د یلر یو خبط فاحش سائر زمانہ دیلہ اولش دکل ایدی سائری دخی اکا
 قیاس اولنہ بری دخی پاشا چونکہ راسخ صاحب قدم اولیوب رشوت قیوسی اجدی
 اوجاق اغالری دخی فرجه بولوب بر طرفدن امون مد اخلہ ایتدی یلر سپاہ دخی حرکتہ کلوب
 رمضانہ ذکر اولندیغی اوزن اسکدارده جمعیت ایتدی یلر اعیان وارکان دخی پاشا
 قیوسی سنک جمع اولوب کتخداری کوندردیلر انلر دفتر لوخد متلر استدی کاه وعد وکاه
 و عید ایله مدافعه اولند قلم طاعیلوب شافی جواب و جملہ اختیار لک کلسنہ تعلیق
 ایتدی یلر و ذکر اولندیغی اوزن سابقا طونہ یالیسنہ محافظہ یه تعیین اولمان صول
 علوفہ جی و صانع عزبان بلوکی برایکی سنہ در ایشلش علوفہ لیزو و یلر دیوزو رایله اغالری
 قالدروب کلورکن زادن یه کیم سن دیو قار شوامر کوندریابوب انلر آستانه یه و ارمیجہ کتیز
 دیوب علوفہ لری بهانه ایتدی یلر علوفہ لری قار شو کوندریابوب سلوریلر و یلشیکن ینہ رجوع
 ایتدیوب کلدیلر ایکی سنہ مجتمع و محافظہ ده اولان عسکری دوند رملک و بریرہ دخی کوند رملک
 و آی دکل ایدی اول اجلدن امر لغو اولوب قول یوزہ چقدی و بری دخی قانون قدیم اوزن
 یدی ییلہ بر حرم همایوندن چقمہ اولہ کلوب بوشاده جملہ لک مدت عرفیہ سی تمام اولوب
 فرمانہ منتظر لایکن بونلر دفعہ چیقار یلور سه فساد ایدر لاییدی تدریج ایله ایکیشرا و چریوز
 چقمہ ایلہ لم دیوسو تدبیر ایدوب بو فکر قاسدی اجرایہ ممبر اولدی یلر و بعد العید ایالت
 شام ایله چیقان ساحدار مرتضی پاشا ایله بر دفعہ دور تیوز جلب قوشیلوب چیقادی
 تکثیر سپاہدن احتراز اغیر بسی چیقار لیدی سائر اوج و غلغلہ لریک ايسہ برکون طور مقه
 تحملاری یو غمیدی سلطان ابراهیم زمانہ غلطہ سر اینہ هر کون الله الله صداسی کلور
 و فقیر لری اچلقدن قوری اتمکله کچنور لراسیر لکی طور لرایدی زیرا کثرت مصارفدن
 شهر امینی انلر تعیین اولمان خرج و مصرفی ورمکه قادر اولنردی لاجرم ضرورت و اچلق
 جانلری کار ایدوب ماه شوالک یدنجی کونی غلطہ سرایی خدای عموما بوشانوب
 ابراهیم پاشا سر اینہ کلدیلر انلر دخی بز نه طور برزیوری چیقالم دیور بر لینه تقویت قلوب
 و یروب ال قاقوب طشره چیقار کن بونلری منع ایچون یکچیری اغاسنی کوندر مشلر
 اول دخی قول ایله کلوب بونلری منع ملاحظہ سیمله اوکلرینہ واروب کیر و سرایہ دونک
 دیور سپاہ شملہ لویکیمی دوککه باشد قلم جملہ جملہ هجوم ایدوب اغایی قاجیروب جملہ
 قولنی تاروما رایتدی یلر بونلری استیدوب یکی سرای غلامی دخی ضبط اولنیموب انلر دخی
 زور بازو ایله یکیمان طشره چقدیلر عموما واروب ایچی خانی و بعض جانلری و او طہ لری
 تخلیه ایدوب یکوب او تور دیلر دنیایی کورمش حبس خانه ده ستم چکمش کسه لالایلی
 سائرک اچمنه طاعیلوب سپاہ یازلق سودا سنک اولدی یلر و بری دخی پاشای بیر اصلنہ

سپاہیلکدن کلہ اولوب و رفع پادشاه یکچیری اهتمامیلہ حصولہ کلکین تعیین واستقلال
 کسب ایشلر ایدی یکچیری اوجا غنک تغلبندن قورنلق ایچون بیک عددیری چالمنش
 نفیری فتح ایدوب کریمه کتیزین فرمان ایش اکثری نا محل اولغین پیشین علوفہ
 استیوب هزار بهانه ایله کتیزین ترد ایدوب بالاخره اغالری اولان جاسوس مصطفی
 چاوش بر مقدر از نقر ایله اخراج اولندی سلوری یه وارد قلدن بر و طرفدن فتنہ جویلرک
 مکتوبی واروب سلائیک ساکنلر دن سابقا در لکی چالمان یقلى محو دنام سپاہیکہ
 روم ایلنہ محصل اموال اولان صاری حاجی احمد پرو درلر ندر ذاتنہ بر جری و عقلی
 کوزنہ شخص اولغین جلوس وقوعہ سنن صکرہ برینی طوغر لغہ آستانہ یه توجه
 ایتشیدی بونلری کوروب بوقتمہ کریمہ کتیزین مناسبی ندر شمدی ایش وقتیدر دیو
 افساد ایدوب بونک اضلالی استانبولدن وارن فتنہ انکیز مکتوبلر موافق دوشمکین
 جملہ سی سلوریدن دونوب علوفہ بهانه سیمله یقلى محودک یانہ اوروب استانبولہ
 کلدیلر و متر نور محمد سلطان احمد جامی قرینہ بر خانه نازل اولوب کندی کرک باران دیلہ
 اولغین اراقلم برایش چقار مق سودا سیمله جملہ لری باشنہ جمع ایدوب زور بالق وادیسی
 انلر تعالیم ایله کتدوسی زور باباشی اولوب سائر ارباب خلاف دخی انلر منضم
 اولغله فتنہ یی علولندر مکه باشد یلر پاشا طرفندن بعض علم و ارباب نصیح
 و پند ایدوب مراد لری نه ایدوکی استعلام مد نصکرہ قبولہ قابل عذر لری و سوزلری
 مقبولہ یکوب قصور علوفہ لری ویرلدی و باقی مسؤلرینہ وعدہ اولندی مورخ دیرک
 ماه شوالک التجی کونیکہ جمعہ ایدی قاضی عسکر لری پاشا قیو سنہ واروب طرفیندن
 وحشت کالہ سائر علمادخی دعوت اولندی یلر سپاہ جمعیتی تحویف ایله طاعنق ایچون
 جملہ لک ایاخت دملرینہ متعلق کفت و شنید اولوب یکچیری طاعنہ سی مسلح
 او طہ لریک حاضری و سونلر دیوننیبہ اولندی او لکون ایکی قاضی عسکر قره چلی زاده
 محمد افندیک خانه سنہ متصل با معاد ادای جمعہ ایدوب بعد الصلوة ینہ پاشا
 قیو سنہ واروب جملہ لری پوللو یولجہ یازمق و یکی کیرن جملہ لری ینہ سرایہ کوند رملک
 اوزن قاتکھ او قند قلم مقصد یقلى محو دک چونکہ مرادی ایفاظ فتنہ ایدی رضا
 ویر میوب مراد لری بوجمعیتمیزی تفریق و بزی قتل و تمضیق ایتکدر بر بریزدن ایرماز
 جملہ مزینلہ جہ بلوکه چیقار ز دیو جواب و یرد یلرین الصلوة ین قاضی عسکر منزل لری
 کتد کلر نلر جملہ لک و سپاہک طعیان و اشتدادی سویلند کله وقت عصرده
 قاضی عسکر لر و علما مفتی ایله پاشایه واروب حاصلی برکونلر اوج دفعہ وارمق واقع اولوب
 محمدر او کفت و کوالدی و مفتی جملہ لک و سپاہیلرک ایاخت دملرینہ فتوی و یردی دیو
 شیوع بولدی اولکون پادشاه حضور نلر دن ایکی دفعہ خط شریف و بش دفعہ
 خاصکی کلوب وزیري حضور همایونہ دعوت ایتدی یلر مفتی و اغارہ اعتضادیلہ وارمیوب
 اسنشعار تمام اظهار ایلدی شوالک یدنجی سبت کونی دیوان کونی ایکن وزیر اسنشعارنہ
 ینا دیوانہ کتیموب اولکون تکرار طرف سلطاننن آدم کلوب وزیر و مفتی یی دعوت ایتد کله

همچو بری وار میبوی مشکو و کلاه پادشاه همزگ قوللری یعنی اصلاح و دولته مضر حرکت اپنلری
حسن مدافعه ایله دفع تدارکنه یوزوغا ئله بر طرف اولمیشجه وارلق ابطال مصاحته باعند
دیو اعذار بارده ایوب کندی بلر طرفیندن سلاح ایله حاضر لنوب کمال احترام اوزن
ایدی بلر بروسه دن معزول موسی افندی سپاهیله واروب ایلچیک ایلدی سپاهیله
پادشاه و مفتینک استنشا رین کوزوب یوزه چیقوب وزیر و مفتی ایله شرعی دعوا من
وارد ریا ق دیه لی اولوب شرع له استماع اولنسی مطلوبی در دیدیلر بر قاج اشهر لری مصطلح الدین
اغایه واروب قتل سلطانه صنع مزاولدیغنه تحت شرعیه استرزو الازم یکجیری
و آخر دن برقر دایله تراغزیو قدر دید کلر نده مصطلح الدین اغاجواب و یروب والله بزم دخی اول
نخد و صند صند و رضامتی غمیدی وارک مفتی ایله وزیر دن سوال ایدک دیدی شوالک سکر نی
احد کونی سپاهیله و جلیله آت میدانده جمعیت ایوب یققل مجود بولردن بر باوک آدم
ایله یکی جامع عمارتیه کیروب محتمل تحیر ایلدی بلر نکرار و بر طرفه دخی باشاقیوسنه علما و اعیان
جمع اولوب آتیه آدم کوندلر دکه مال کلاماری پادشاه قتلند بولمان و کلا جمله قتل اولنق
لزو منی ادعاییدی و سپاه جمعیتار نده مصر اولوب سوخته موسی منزله ساکن اغالری
طاشلایوب و بعض کبار منزله دخی طاش اتدیله و زیر و علما یکجیری اوطه لینه واروب
عموما یکی جامع عمارتیه قیاسلر واجب النقل در دیو اتفاق ایتدیله و لازم کورسه مدافعه
اولنق یا بنده یکجیری ضابطلر یله مشورت اولنوب انار دخی قائل اولدقده بواسطوب اوزن
فتوی تصویرو امضا اولندی صورت فتوی استقیا دن بر قاج کسنه لر بر محله تحیز ایدوب
محقون الدم اولان صاحبای مسلمیندن بر قاج کسنه ایچون شرعا قتل اولنق ایجاب ایدر
حاللری یو غیمکن البته قتل اولنسونلردیوب کندیلرک بعضی جسارتیه تشبیه ایچون جمع
ایتد کلری پادشاه حضر تلرینک مسموع همایه نلری اولدقده اجتماع منوع در جمعیتدن منع
اولنسونلردیوب خط همایون سعادت مقرون وارد اولدقده بالذمعات نصیحت اولند قلمزانه
نصیحت قبول ایدوب حقه مطیع اولمیه و فساد قدیم لری اوزن مصر اولوب شرع شریف
و پادشاه حضر تلرینک موافق شرع اولان امریه و خط هماینه اطاعت ایتیمیه و لازم اولورسه
مقاتله ایدر دخی خلاف شرع مقاتله اوزرینه مصر اولسه لر وان طائفتان من المؤمنین
اقتلوا فاصحابهم آیة کریمه سی و دخی ادع الی سمیل ربک بالحکمة و المة طة الحسنه
و بجد لهم بالی هم احسن فحواسی اوزن اصرار ایلسه لر اقل بغت احدیم ماعل الاخری فقاتلوا الی
ثمی حتی تنفی الی امر الله فحواسی اوزن دفع بالسيف متعین اولسه طائفة مرقومیه مقابله
اولنوب مدافعه بالسيف اولنق شرعا جائز اولورمی الجواب او اور کتبه عبد الرحیم المفتی
اولور کتبه مصطفی القاضی بعسکر روم ایل سابقا اولور کتبه ابو الفضل مجود القاضی بعسکر
روم ایل سابقا اولور کتبه عبد العزیز القاضی بعسکر روم ایل حالا اولور کتبه مجد القاضی
بمساکرناطولی حالا اولور کتبه الشیخ محمد الحسینی القاضی بقسطنطنیه سابقا اولور کتبه
ابراهیم القاضی بقسطنطنیه حالا اولور بواسطوب اوزن باقی موالی عظام دخی امضا ایتدیله اما
قره جللی زاده ابو الفضل مجود افندی ایتد امقر راسه اولور دیو یازمش ایکن بو تر ددک وجهی

یوقدر دیو حاکم ایتد روب مجرد اولور دیو یازدیله و بو تر ددن بوی خلاف استنظام اولندی
لکن مزبور معمول و متعین و بین العلماء خاندان قدیم صاحبی عد اولنوب منبع الحجاب کسنه
اولدیغندن قوه مال و جا هه اعتماد اچو قلق الی درمدی حتی اول محل بالی زاده
خواجه زاده امثالی بعض علمائک سپاه ایله اتفاتی سویلندی اولکون سپاهیله
افضاح ایدوب بزه ابو سعید افندی مفتی کرکدر دیوب حتی متعینلردن بر قاجی ایوبه
واروب ابو سعید افندی یه بولشوب بیورک بزمه سزی مفتی استرزید کلر نده انلر ایا ایله
جواب و یروب بزم مفتی اولنق استمز ز دیوب مزبور لری دوند رمش دیو شایع اولدی چون
فتوی تمام امضا اولنوب ایرتسی علی الصبح عموم ایله عمارتیه واروب مدافعه اولنقه
قول و قرار ایتد کلرینی جلیله و سپاه زمهره سی ایشندیله عقلاسی مرتدع اولوب چکمه کله
سارینه دخی خشیت کلوب قائل پادشاه اولنرک دعوا سندن کجوب تذلل و نیاز
ایله جمله مزری بلوکه چقاروب یازسونلردیو اواریده رسالت ایدن کسنه یه سویلیوب خبر
کوندردیلر بالاخره ینه اغال و سائر عقلار ائی ایله جمله جلیله یازمق و سپاهیله ارضایتمک
اوزن فاتحه اوقنوب سهولتله دفع شر اولنق مناسب کوردیلر سپاهک متعینلری
دخی طاعیلوب یققل مجود مراد ایلدیکی فسادی اجرا ایدمیدیکدن مأیوس شکلند
باشنه مجمع اولان ارازل ایله اسکدان یکدی فی الجملة فتنه ساکن اولمه یوز طوتدی و بوش
کیجه لیالی فترتدن علی التوالی مسلح یکجیریلر یا شاسرا ن و اغالرک خانه لری و مفتی عبد الرحیمک
اونی صباحه دگ طواف ایدوب حراست ایدر لردی وزیر اعظم و مفتی مزبور لرک
استکانه میلن کوردکده پورتیه ایله قناعت لازم ایکن ایتیمیه ایددی یققل مجودی
بزه کوند رسونلر دیو زغر جی باشی مصطفی اغا ایله سپاهه خبر کوند ردیلر سپاه
جواب و یروب مجود کجرمی ند رکه و یریز دیو خلجانه دوشدیلر و زغر جی باشی بی
قوغدیله خبر اسکدرده مجوده وارد قده تکرار جمعی ممکن اولان ارازل باشنه جمع ایدوب
نه ظهور ایدر کون لم دیوب اسکدرده مترقب اولوب طوردی سوؤ تدبیر لرک بری
دخی فتنه بر خوش مند قع اولمدن پاشا و مفتی و اغالر اتفاقیه ابو سعید افندی و مجود
افندی و بالی زاده و خواجه زاده بونلر سپاه ایله متفقلردیو نفیلری ایچون فرمانلر ایله
چا و شلر تعین ایتدیله رام افندیله قضیه دن خبر اولمغله کیمی یالیمه دوکیمی
اخر یرده در دیو جواب و یروب بریسی چا و شلره کورنمندی اخشام اوزری بعض
اوجاق اغالری مسلح نفرات ایله سلطان احمد جامع سمته و عمارتیه واردیلر جمعیتدن
کسنه بولیمیه فقط سپاه قیافتند اوج نفر فقیر طوتوب سپاه کتخد اسی صاری
حسین اغانک خانه سی اوکندن رغما یکور دیلر بو ائشاده اولان سوؤ تدبیرک بری
دخی جمله دن اشنع و افصح بولیدیکه پاشا حضر تلری سپاهک اندفاعی کندوک قوت
قاهره سنه جل اینسونلر ایچون و سائر سپاهیله تحویف ملاحظه سیله کتخد اسی اولان
سفیهی قوله بندیروب اخذ اولنان اول اوج بیجان نفری قتل و سیاست فرمان ایلدی
کتخد اسی حیدر اغا زاده دخی احشام تام ایله قوله بنوب ماه شوالک طقوزجی

ایشین کوئی اید بکے اول سپاہ زینہ اویج بچان بی شہزادہ جامع بیست کھنڈ علی ملا الناس
یونانی اور پارتی اور تاسمہ القا ایوب بیکار قلیہ مزار قلیہ بی ایا قلیہ صوقدروب زنجی
اجرا سیاست والقاء رعب ودهشت ایدی بعل قول طوله شرق سپاه اولد بغی خانلر واروب
یاصوب طوت قاپ آوازہ سیدلہ کانه اور کیدوب طاعتی بر طریقلہ دفع قسدا ایدیم دیرکن
محمد اولان نارفتنه نک یکیدن استعالتنه سبب اولدی سپاهیلر و جلیله تمام استنشاء ایدوب
های یونانی بر دیکیشرا ولیوب قرقمق استرل دیوب بر بر لیلہ خیرلشد یار و پادشاه قوی
نامنه اوله لوجسب الشرع والقانون مقتول اولد قلیان میتلری آشکان دریایه ایلوق رسم قدیم
ایکن بیله ازیتله اهانت اولند قلیان جملہ سنہ غیرت و حمیت دوشوب آلت حرب و ضرر بله
آت مید انده بر مکہ باشلد یار چون یوکارنا برجا نک و خامت عاقبتی کورندی فی الحال میتلری
قالد یروب قالدم طاشاونی یقیوب سیلوپ سو یوردیلر لکن بعد خراب البصره ذکر
محاربه جامع سلطان احمد خان و مقهوری سپاه از هجوم بکناشیان زمره سپاهک متعینلری
حسین کتخد او قره کتخد اوسا ئر لری سپاهیلری غیرتہ دوشورب وزیر و مفتی بی اولد رم دیکه
بزه راحت یوقد رد یو یکیدن جمعیت عظیمه ایدوب سلطان احمد جامعہ کروه کروه جمع اولغه
باشلد یار بو خبر وزیر اعظمک مسجوعی اولد قلیه استانبول قلیه لری قبائسون دیو آدم لری اکتفه
ایدوب قیادت یار جامع مزبور جمع اولوب برکروغی واروب ضرب دستله آخور قیو بی اچدیروب
اسکدان بیقلی مجوده آدم اوچوروب دعوت ایتدی یار بیقلی دخی باشنه جمع اولان ارادل ایله
سفینه لره طولوب کلوب آخور قیو دن کیروب جمعیتہ داخل اولدی بکره خوف جائدن سابقا
مدخله ایتین سپاهیلر دخی جمعیتہ قارشد یلر شوالک طقوزنجی ایشین کوئی ایدیکه بوجعیت
اولوب سپاهیلر دن بر قاج آدم ایله حضور پادشاهی به عرض حال کوندروب پادشاه هم نری
یکچیری به قردرمق استرلر بزه بر بی عرض وزیر نصیب اولوق رجا اولنور دیو بٹ شکوا
ایتد کلر نه یکچیری و سپاهی قوللرم بر بر یله جنک وعدوت ایتد کلرینه رضای همایون یوقدر
دیو نهایت سز جمعیتی فسخ ایلک بن صکره ایدیکسنی دخی عزل ایدرم خاطر بیکر خوش طوتک
دیو خط همایون صدور ایتدی بعل برکروه دخی ایوب بعل اوسعید افندی به واروب سلطام
احباب عرض اتفاق ایدوب نری قرقمق استرلر ترجم ایدوب ارامزه توسط ایلک دیو ابرام ایله
دورت دفعه افندی بی پرندن قالدر مشلور دفعه ده توابع تخلص ایدوب بالاخره صباح
سرای همایون نه وانیم جو ایله تخلص کر بیان ایلش سپاهیلر بوجعیتلر ده محبر اولان
یکچیری اوچاغندن حصه مند اولما مشلور دیکیر لری دخی لیره خبر کوندروب بزدہ سز کلہ
بیله یوز هیچ الم چکمنہ سز دیکلہ مقرر اولوب دعوالر نه ثبت کوستر دیار اغالر اورطہ
جامعه جمع اولوب وزیر اعظمک دخی جان باشنه حرا یوب اورته جامعه واروب براوطہ یکچیری
کوندروب مفتی بی دخی جامعه کتوروب وقت عصر ده مجتمع اولدی یارینه علمایه چاوشلر کوندروب
دعوت ایتد یار اما بالفضل قاضی مسکرلر و استانبول قاضی سندن ماعد اسی کندیو یوقدر
دیدروب وارمد یار بوحال اوزن اخشام ایرشدی ثلثا کچہ سی وزیر اعظم و شیخ الاسلام
وقاضی مسکرلر و اغالر اورطہ جامع حواریان اوطہ لده یا توب مفتی افندی کندویه منیربان

ویاسبان اولان النجی اوطہ یولد استلرینه اون ییک اچہ باغشلیوب اوطہ لری به بشیوز
غروش وقف ایتکده وعد ایدوب یکچیریار مسافر لری رعایت و حراستہ مشغول اولدی یار
اوتہ جانبہ سپاه و جلیله دخی حسین کتخد او قره کتخد اویقلی مجود و طلاقلی علی و اورج
اغلو قره عبد الله و روزنامه جی برادری علی افندی یکہ یاز و رلقبیلہ ملقبدر ودلی برادر احمد
اغاکه جنیه دارد و احمد پاشا فرنداشی اورج ییک و سکی محمد افندی و سائر مشاهیر سپاه
جملہ یولد استلریله و جلیله اول کچہ جامع حرم نه کچہ لیدیار قضائله اول کچہ برشدید
روز کار اسدیکه آتش خوفندن شهرلی صباحه دک خواب و راحتی ترک ایدوب لایعقل
اولشلر ایدی یونانک جمعیتلر نه اکثر رأی و تدبیر حسین کتخد نک ایدی لکن لاخیر
فی الاصرر مفهمومنه مظهر اولد وغندن دخی طول قامتی حماقتنه دلالت ایدوب یکچیرینک
اغفالنه مغرور اولوب قول بر برینه قایم چکمز دیو قتال احتمالتنه وجود ویر میوب ضبط مسالک
واحضار سلاح و آلات جنک باندہ اہمال ایلیم اکتیری سلاح سز پریشان اوتور مشلر
ایدی هله مایینلر نه بر مقدار دور اندیش یکینلری بزل معینہ محتاجر دیو خاص آخوردہ اولان
آت اوغلانرینه التیشرا کچہ سپاهیلک وعدیلہ آدم لر کوندروب ایدوب جامعه کتور دیلر
و مایینلر ده علمدان آدم بولوق لازمدر دیوب میدان جامع قارستوسنہ ساکن حنفی افندی
زور ایله قالد یروب ارالینہ کتور مشلر ایدی اخشام ایرشیمک حنفی افندی یونانرہ فریب و یروب
اوغللر بوجکچہ واروب قون غمزده راحت اوله لم یارین کینہ کلور زاستنه خانه مزبعید دکلر بر
دخی حق سوزی سو بیکدن قاجمزر حضور پادشاهی دکل حضور حقه بیله صدق کلامی
سو یار زالم چکمک دیوب نازکا نه اللرندن صیرلدی عموم اوزن یونلر جامع حرم نه شمع
و مشاعل یا قوب بلوک بلوک مجلس مجلس اوتروب مصاحبت ایدوب مناصب و خدمات
آرزوسیلہ رب امنیہ نضحک منه المنیہ فحواسیلہ توزیعات و توجیہات و همیہ به مشغول
اولوب بیقلی مجوده سلا نیلک امامتی ایله محصلوق حسین کتخد ایه اغالوق و طلاقلی علی اغاکه
احسنا بدن معزولدر مرادنجہ بر منصب و سائر لره دخی مرادی اوزن خدمتور و آخور لر دن
کل غلام نه التیشرا کچہ ایله سپاهیلک مرادلر کچہ توزیع ایدوب یارین و زیری اعدام
ایدوب وزیر جدید دن بکام اولورزدیو تا صبحا حه دکن بویلہ خیال خام و ماخولیای جنون
انجاملہ اکنوب سویشدی یار چون صباح اولدیکه شوالک اونجی ثلثا کوئی ایدی وزیر اغالر یله
مفتی وقاضی مسکرلر اورته جامعه ایدیلر سائر علمای دخی دعوت ایدوب کاه ترغیب و کاه
تخویفی مشعر نصایح ایله سپاه جمعیتنه آدم لر کوندربیلر مفید اولدی مشاهیر سپاه دن
قره عبد الله یانہ بر قاج اختیار سپاه الوب حرم همایون واروب حضور پادشاهی بٹ شکوا
ایلدکن بن قوللریک نزاع ایتد کلرینه ویری بر لری نه سیف چکد کلرینه راضی دکل معقول
و مناسب کیم ايسه وزیر ایشسونلر دیوب خط همایون یازیلوب الله ویرلدی خط مشرفی
جمهور سپاه طرفندن بر قاج آدم ایله اورته جامعه وزیر و اغالر کوندربیلر وزیر اعظم
قضیه بی طوبوب پادشاه طرفندن کندویه روی اعانت اولد یغنی ییلوب اغالر
التجا دسیسه سنی کندویه مخلص ییلوب خط کتورنلر دیدیکه امر پادشاه هکدر

و او را بی اغالریلو را کر عزیزی معقول کو در رسه مهری نسیم ایله لم یوسوزایله اغالری
غیرته دوستوب بعد الیوم وزیر و مفتینک قتلنه دکل عزله ییله راضی دکلر هجوم ایله
خط اخراج ایندرمک نه دیکدر رنیز طاغلسونلر والا مزده اولان فتوی موجبجه جهل سنی
قرارز دیو کو کوره یوب خطی الیقویوب کلن آدمرا یله بشخی دوه جیلر چور باجیسی محمد
اغالی که جندی علی اغا دامادیدر قوشوب وار یوبله سویله و نصیحت ایله دیو کوندردیلر
وجهلر بکچری پر سلاح فتیلاری یانر حاضر اولوب و بوجنه که حاضر اولمان کندی کافر عورتی
پوشدر دیو صورت فتوی الکر نه بریر منادیلر چاروب اماملره ننبیه و ناکید اولمشیدی
انلردخی بکچری میدانه جمع اولدیلر چور باجی واروب هنوز میدان باشنه ایرشمندن اول
سپاهلک خبر کتورنلری ایلر وجه واروب احوالی تبلیغ ایلدن الله الله صداسنی آسمانه
ایرشدردیلر و اطراف جامعی تازو قاق باشلرینه وارنجه متر سلسلوب کلن کشلر و مسلح
سپاهیلر قومشلر ایلی بجان چور باجییه قلیچ اوستوروب یانلر چور باجینک یانلندیکی
خبری اورته جامعه وارد قلع وزیر و اغالر و علما جهلر اتلنوب نفرات حاضر ایلر عموم اوزن
پوردیلر بعض احواله واقف عارفلردن منقولدر که مز بور چور باجینک قتل وزیر طرفندن
خفی تدبیر ایله بیکه بویکی طائفه بر یله قتل اتبججه بزه امنیت یوقدر وارلر نه مادام که آدم
قتل اولتمیه قتاله مباشرت اینزلرد یومقدجه کتخداسنه تعالیم ایدوب سپاه زنده بر قلیچ
آدمی ممر اولان موضعه قویوب اک صکره کیدن رسولی قتل ایلاک دیو حاضر ایتمسار ایلی
زیرا چور باجی هنوز میدانه وصول بولمیدن یانلندی دیرلر العهد علی الراوی اوجاق اغالری
ییللویو نجه دیر یوب یوقدر ییک بکچری و عجم اوغلانی اوکلرینه قاتوب دخی عقبلر نجه
علما افندیلر کیر و ده وزیر اعظم یوریدیلر مفتی عبد الرحیم افندیکنک خدیوی غلطه قاضیسی
محمد چلبی و ادیسی بنی العلامسند اولغله اول کون زره داودی کیوب باشنه مغفرولا داورزینه
قنصیری به دستار حدید قوچا قلو و قفا سنه یکر می خشتلوا ایچ اوغلنلری پیانغی وزیرانه
دارات ایله سوار اولوب جمعیتلره ییله ایلی کروه عسکر ایلی خانی اوکته کلدرکنه
یکچریلری ایکی فرقه ایدوب آت میدانلک طرفیندن یورودیلر میدان اغزینه قریب
کلدرکنه اهما ماردخی صح ایچون وزرادن کنعان پاشا ایله سلطان محمد واعظی ولی افندی پی
کوندردیلر که واروب استنه کلدر یو توخویقله دفع ایله لمزورلر واردی لکن سوز صاحبی بر دکل
هر کس بدورلو ترهات سویلر جمعیت باشی اولان شخصلر ایچر و جامع حرمندن متر اک اولان
اراذل سوال و جواب ندر بلر لر بونلره یول ویر میوب بره اورک ایندی یولوی افندی کیویه قاجوب
بر خانه یه کیردی کنعان پاشا نلک شاطری و مطر هجی سی یانلنوب بر جامع بجره سی ایچنه
محصور قالدی ساقا کفه پاشاسی ایکن مقتول اولان اسلام پاشا نلک اوغلی دخی کیف
ماتفق انده بولمقله ارایده یانلندی سپاه جنکه حاضر اولوب یکچریلردخی ایاصوفیه
پولندن یوریدیلر بیت کیمی الدی کائن دسته کیمی تیغ برانی بری برینه قاتدی ایکیمن
اغوی شیطانی مفه و منجه یکچریلر سیل سیف اوکلرینه کلن سپاهی پی طوغرایق دلیرانه
صوندیلر زره سپاه خصموصا جلملرک کناکشلری برکروه عظیم ایاصوفیه طرفندن برو

هجوم ایندی بکچریلر که اغالر قفالر نجه ایلی انلرک اوزرینه باران کی اوق یاغدی ووب خیل
یولداش تلاف و مجروح ایندیلر بوجله دن صکره یکچری ارکیلوب بعضیلر بیکه کیویه چکوب
بوزلق مرتبه سنه آز قالمشیدی بکچری اغاسی و کتخدایک ایلر و ده و رکن الدوله اولان
اغالر انلرک اردنجه ایلی همان قوجه مصطلح الدین اغا کیرودن اغا نلک آت اوزرینه توقف و ترددنی
و نفرا نلک جهل اولی ده اورکد کلرینی کوروب ایلر و آت دیوب یکچری اغاسنه بره قورقاق کیر و
طوردیوب کندوسی اوکلرینه دوستدی و یولداشلر حقیقرو ب بره قوملک شهنمازلرم یوراج
ادبسنلرک جنکی نه اولسه کرکدر و انلرک کیروسی طاغله پاشلادی غیرت ایلاک دیو کندوسی
آت سوردیکی کی اول کهنه پیرک تحریصی بر کاتیلر بکچری سل سیف اولوب چور بایه سکر درکی
سکر دملر بر هجوم ایندیلر که میدان اورته سنه وارنجه اوکته کلن سپاه کلانلرینی طوغرایوب
جته لری ایاقارالتمه قلوب پایمال اولدی بو ارا قلدر جنک کورمین علما افندیلر و مشربلرینه
خوف موت غالب اولان دنیارست اغالرک دست و بالری متر لزل اولوب کی کیرودن
چوزیلوب بر جانه چکوب معرکه ده قلا نلرک کی حمایه مبتلا اولدی حاصلی میدان کویچه
بندلرینک جهل سنندن بکچری پیروا هجوم ایدوب راست کلدرکینی ضرب و قتل ایدره رک
میدانه طولدیلر و جامع حرمندن مختصن اولنلره تفنک دانه سی یاغدی ووب میدانه ملاقی
اولد قلرینه بدل سیف ایتمکله میدان آق صقاللر و قره صقاللر و تازه ایچ اوغلانی کله لر یله
مالا مال اولوب کشته لردن یشته لرا اولدی سپاه و جلملر ایسه باشتسرو و بوغسرو تدبیر
وتد از کسرا اولغله ماینلر نه شجیع و مهادراو لنلری هر چند اوق آتوب و قلیچ چالوب مردانه
جنک ایندیلر امامقاومت کوج اولغله جنکه پیشواو لنلری قتل اولندقدن صکره کیرولوبوب
جامع حرمنه طوادیلر جلملر ار اسنه خیل کناکشلر و تواناها در لر و ارایدی حتی جعفر
پاشا سرایه چراغ ایلدیکی مقصود نام یکیت نیر کشتنه کی هر برتیر ایله بر یکچری میخلدی
یدیسی جان و یروب باقیمسی مجروح اولدی دیو حاضریندن منقولدر اول هجومه فقیری
ریزه ریزه یانلدیلر یکچری میدانه طولدی پی کی جامع ایچنه سر جمعیت اولان حسین کتخدا
و قره کتخداسا تراشیمیلری اول امر دن چوزلکه بهانه ارایوب کی وان لم قبولی قیاده لم کی
پوننه نه طور در زامر الله کدر وارلم جنک ایدلم دیو قاتوب کی تجدد و ضویه کیدب برهمانه
ایله آجلدیلر یختی کشاده اولوب اجل ایرشمن بر طریقه خلاص اولدی روزیاباشی محرک
اشترار یقلی محمداول فوص ببق نابکار مقدجه تدارک لوازم ایدوب آخور قیوی سپاهیلر
ایله صیانت ایتمشیدی یکچری هجوم ایندی کی حسین کتخدا ایله ایکسی عقبلر نجه فرار
ایدن نفرا تله آخور قیودن چیقوب اسکله ده حاضر اولان برایکی قایغه طوایب اسکدان
جان اتدیلر قایغک بری طوب طوایب اولوب الارغه چیقایدیرکن کیرودن کلن منهنزملر برری
اوزرینه آتیلوب قایغی دوردیلر ایچنه کیلدر بایه دو کیلوب کوجیلر چقدیلر فرار ایدمیبوب
جامع قلان دردمند لر طشره حرمه و ایچ حرمه و شادروان طرفندن قیو و بجره ایچنه
منیر و محراب اوکلر نه قتل رزیه ایله قلیچدن یکدیلر جامع شریفک اول نازنین مصنف
قیولری و جاملری تفنک غنم قیلر دلاک دلاک اولدی الی الان بعض یولر نه مشاهد در

سپاه متعینارندن طلاقلی احمد اغا و احمد پاشا برادری اورج بیک و بنکی محمد افندی
 اول معرکه ده قتل اولنوب پان لندیار و جلبلر تیش قدر و آ خوردن علوفه سوداسیله کان
 اجمقلردن الیدن متجاوز و سائر سپاه باجمله اوج یوزه قریب شش تلف اولوب بکچیری نفراتی
 مقتوللری صوب لباسلرینی الدیار باش کتورناره مراد اغا بخشش و پردی سپاه و جلبلرک
 بعضیسی منار قیولرین قیروب منار یه چیقوب اشاغه اغاره الامان بزی عفوایک دیو
 چاغردقلرند مصلح الدین اغا بنشور یولد اشتر چکک الیمکری دیه ننبیه ایدوب امان و پردی
 بقایای سپاه و جلبلر منار دن اینوب جامع کوشه لردن چیقوب مصلح الدین
 اغا نیک و پاشا نیک اتی ایاغنه دوشدیلر غیری جرملری عفو اولنوب دفع سیف اچون
 ننبیهلر قلندی اولکون ثقل تندن برچاوش ثقل ایدرکه ابکی تازه جوان جلبلر برهنه
 میرزا غلامی غاطرلری کی پریشان فرار ایدوب عقبلر نجه بکچیری مردم کشلرندن یدی
 صکر نقر تیغ کشی بی امان سکر دوب بونلری قتله ستابان اولشلر ایشه جکری وقت
 برالحق بویا و قره صقاللر بکچیری بولنوب بیملرینه حائل اولوب یولد اشتر قیمک قرداشلر
 یکا اغشالک انلرک ریغه بنی اولدورک دیو نیاز ایدرک قتلرینه مانع اولوب اینکسنی دخی اول
 مردم خوارلرک تیغ غدرندن تخلیص ایدوب بعد اللرینه یا بشوب کلک اوغللر دیو
 شربتی دکاتی آچد یروب اچره امانت و پردی بعد وقعه صاولد قله کلوب اینکسنی
 دخی چیقاردی مکر بریسی دکانه کبرکن اول بکچیری یه یکرمی یدی فلوری و یروب
 مجا تندن منتدار اولش ایمن اول مرد جوان مرد کلوب پهلری دکاندن اخراج ایتدیکی
 وقت صر زری دخی اول جوانک الینه ایدوب اوغل انکدن شاید الور لردیه الماش
 ایدم والا نهم احتیاج یوقدر وارک سلامتله بیت رویدای ضعیفان سوی خانمان
 بمن دعا باد تا جاودان دیوب نخلمند محله سنی جانشنه کتوزوب سلامت ایل
 چیقاردی وجوان مردلک کاتی تاطاق عرسه آوژان ایلدی غائله برطرف اولوب
 جمعیت صاولد قدن صکره محن جامع پتان کشته لک صاحبی اولنر کلوب قالد یروب
 دفن ایتدیلر صاحبی اولمان بیکسملرک ایکی یوزدن متجاوز باغیلر دردی نمازلری قائم یوب
 عسس باشی مباشرتیه عربله ره تحمیل و دریا یه القایتدیلر بو خصمه صلا علما ییغنده وافر
 قیل وقال اولدی تعقب جنکده بغی اولمزدی نجه فضلا طرف خلافت اهاب اولوب
 قه مستانیه مسطور اولان ثقل ایل استدل لال ایتدیلر فذلکک صاحبی کاتب چلی دخی اول سوزی
 سوبلش ایمن لکن قره چلی زاده عبد العزیز افندی و وزیر اعظم محمد پاشا لک طرفلری
 اولان علما رضا و یرمیوب خلافتی سوق ایتدیلر و باغی دکلدردیلر و انجنوب آزار دخی
 ایتشلر حاصل کلام کرک جهان دیه ایکی بیورلر جناح دولت اولان ایکی قول اراسته دسیسه
 مکر و حیل شقاق و خصومت القایا ایدوب کیندولر بادره بلیه دن امین و مصون اولدیلر
 یوقضیه دنصکره کرچه زمره سپاه اذل من القمد اولدی لکن عاقبت اندیش اولان
 پیر و خیرخواهلر سوقیه اغار و ضابطلر بکچیری نفراتنه ننبیه ایدوب اقتضا حسیه
 اولان اولدی رامنر جزاسن بولدی پادشاه قولندن یکمتر سپاهیلر ده بزم قرداشلر یتر

وسفر و حضرده یولد اشتر یتر در بعد الیوم هرکیم انلره دل اوزادوب طعن و طنز ایدر سه بلا
 امان حقندن کلنوب دریاه ایتیلور هرکس ادبیه کزوب حرف انداز لقدن زیاده
 حذر اینسون دیو تهدید و تحویف ایل اصارلدیلر ابتداء ثعلب اغایان بکتا شیان
 یو جمعیت طاعنه قد نصکره وزیر اعظمک یوزی کولوب مسرور اسرا یه عودت ایتدی لکن
 اوجاق اغالریک بیغنی بالته کسمر اولوب بوند نصکره ثعلب تام ایل زمام حل و عقدی
 قبضه تصدقلرینه الدیلر کندویه ولایت عهد بلکه مستقل سلطنت ملا خطه سنه
 اولان ساده دل پیری بالکلیه مغلوب و محکوم ایتدیلر وزیر اود دفعه مخصوص کتدولرینک نصب
 کرده سی اولغله جمله اموری انلره دانشوب جزئیات اموره دخی انلره مخالفتدن قالدی
 و بوتقش انلرک ثعلب و تسلطی افضا ایلدی سپاه منکسر اولوب من بعد حرکت و جمعیت
 احتمالی برطرف اولغله اولاسلطان احمد جامعنده دوشملرک و انده بولنا نلردن چوغنک
 ونجه نامدارلریک یرلری چالنوب دیرنکری قطع اولندی کتخدالریک اینکسنی دخی
 قالد یروب علی کتخدانصب اولنوب و نندور چلی و قره کتخدا که قاچوب صاغ قورنشلر ایدی
 یمن الاعیان معروف کسنه لر اولغله قتل اولنوب انحق بلو کدن اخراج اولنوب متفرقه
 و چاوشلق و یرلری مشاهیردن و یوده مصطفی اخذ و قتل اولندی و فتح اولان بیک نفرک
 دفتری احراق و اغا اولنوب ولدش ماده سی برطرف قانندی سپاه دخی ناچار اول
 امنیه لردن ال چکوب برعلوفه ایله قناعت ایتدیلر لکن طشره ده نجه فساد طمهور ایدی
 ان شاء الله تعالی بیان اولنور اولنور قایقلمه جان اتوب اسکدر ان کچن منزه لراشکدر اده
 قوللق بکاین چور باجی بی اور ایدوب بر قاج آدم بارلدیلر صکره فتنه یه سکون بولوب
 ادبیلرله او تور دیلر ماه شوالک اون اینکچی کونی وزیر اعظم حضور همایونه و ازوب دفع فتنه
 مقابله سنه کورک کیوب ملتفت اولدی زور باجی ییقلی مجود بروسه جانشنه قاچدیغی استماع
 اولنغله جانکلی عثمان پاشا زاده حسین بیک تعیین اولندی ایلغار ایله یکشمرده ینشوب
 یاشن کسوب وزیر کوندردی بو خدمت مقابله سنه کندویه قرمان ایالتی کوند رلدی
 ذکر احوال حیدر اوغلی و کرفتاری اوشقی مریور حیدر اوغلی اناطولی بکار بیکسی احمد پاشایی
 قتل ایتدیکی مقدماذکر اولمشدر بو خباشت نصکره قره حصار صاحب اوزرینه واروب
 غارت و خسارت قصدند اولد قله یه قره حصار جوارنده جای قصیه سنه ممکن
 سابقا عایم خانه جی باشی و لازم کادن اولان عیسی اغا قضا تندن بولنه آستانه یه خصوصاً
 مدبر امور اولان اغالره مکته و بلر کوندروب حیدر اوغلی اسکان و نسکین اچون بر منصب
 کوندن سردیو اعلام مال ایتشیدنی اوائل رمضانده وصول بولدی بتماش اغا عیسی اغای
 تعقیب ایدوب بحر امی یه منصب طلب ایدر دیکلر موصول مکتهوب قاضی رد جواب
 ایدوب سلطان اهون شرین بودر والا قره حصار الدن کیندریدی قوجه مصلح الدین
 سوزه کلوب شرین بیوکی بودر که حرامیلره و استقبایه توغ و سحاق و یارب عرض و ناموس
 دولت هتک اولنه استقبایه بطریقیه منصبه نائل اولق قیوسی اچیلور سه غیری ظهور
 سودا سنه اولان جسور و فتنلر طلوب ملکی خرابه و یرمک کورینور معقولی بودر که غیری

طریقہ تدارکنہ سعی اولوب منصب ویریکله برالای مفسد لری طمعہ دوستور مکدن زیادہ
 حذر اولنه دیدی بوسوز موجه کوریلوب منصب ویرلیدی اما شقی منزور قره حصاری
 باصوب قتل رجال و غارت اموال ایدوب بزستانی وغیری چار شو واما کتی یغما و تالان
 ایدی دیو خبر کدی سلطان مراد خان حضرت تارینک مقبول و مرغوب ساحداری حاجی
 معنان زاده نک برادری محمد یاشاکه بریراکسه ایدی مقدمه صاحب سنجای ویریلوب حیدر
 اوغلتک استیصاله مأمور اولمش ایدی مشهور ابازہ حسن یاشای مذکور طرفندن منسل
 اولق اوزن ایارو منصبه کوندرلش ایدی حیدر اوغلی دخی قره حصار غارتندن دونوب
 اسپارته قصه به سنه سحر قصه ایلہ کلد کده اھالیسی شغعا کوندروب نه استر سه ویرہ لم بزه
 تعرض ایتسون دیه لریله شهره اوج بیک غروش صالیدی شهرلی باش اوزن ویررز
 تدارک اید نجه توقف بیورک دیو اغفال ایدوب اولدخی کال غورورندن خوف احتمال ویرمیوب
 اسپارته نک طشره سنه بی پروا عیش و عشرته مشغول و مبلغ جمع و وصولنه مترقب
 اولدی منسل ابازہ حسن اھا اسپارته ده یو اغفلہ کند و آدمزنی و اسپارته لوندرندن جنکه
 یارارو افرادم جمع ایدوب همان برکیحه صباح قریب استقبا خواب غفلتده ایکن چیقوب
 عل الغفلہ باصدی محکم جنک اولوب حیدر اوغلی ایاغندن منز راق ایلہ یان لنوب مجروحا
 آتندن دوشد کده تکرار بعض عونه سی آت ینشد روب بنبوب فرار ایلدی حسن اغار دته
 دوشوب شقی منزور زچندن بی تاب اولوب برقریه یه وارد قده ینشوب اخذ ایتدیلر
 اوله رکده توابه مندن اون نفر زنده شقی و اون بش کله النوب باقیلری منہز مافرا ایتدیلر
 منزور ابازہ حیدر اوغلی و سائر کرفنار لری و باشلر ایلہ آستانه یه کتوروب بیانی الای ایلہ
 صدر اعظم حضورینه کتورد کده زنده اتباعی قتل اولنوب حیدر اوغلی کندوسی مجروح
 و میت متحرک مثابه سنه اولغله یارمق قبویہ کوندروب صلب ایلدی صفا اسزهنوز
 صاری یقلاوی کلش بر تازہ بکیت ایدی لکن آیات و سلاح قول لغفلہ ماعرب و ضربه
 قادر امت محرم مضروا جب الازاله بر فاجرایدی دیرلر بو خدمت مقابله سنه صدر اعظم ابازہ یه
 یکی ایل ترکان اغلغنی احسان ایدوب خلعت کیدردی اوچاق اغاری حسد ایدوب
 بر سپاهی آدمی بردن ترکان اغاسی اولق نه دی مکدر دیورضا ویرمدیلر وزیر اعظم بوبابہ ثبت
 ایدوب بو آدم عظیم خدمت ویراراق وجوده کتوردی بن توجیه بدن دویم مہری دخی آلوب
 استد کارینه ویرسونلر دیو جواب تلخ ویر مکله اغارنا چار سکوت ایدوب اغالق منزور ابازہ ده
 قرار اولدی شوالک بکرمی اوچخی اربعا کونی قیودان احمد یاشا دو تنما ایلہ بوغازدن
 کلوب طویلر آتوب شتاک اید رک ایچرو کیددی فورتنه اولغله برقادغه طولہ با نجه اوکند
 فالیه ویرمش بولغله غرق اولدی ایچنه بولمان آدملر چیقوب قورتلدیلر زیر اجمعه
 کونی خلق نمازده ایکن عظیم رعد و برق و باران ایلہ برلودوسی فورتنه سی اولوب قاسم
 پخشنبه کونی ایدی فورتنه سی اجر ایتدی قیودان منزور درة التاج سلطنته عزه حین
 العفہ عایشه سلطان حضرت تارینک زوجی وینق احمد یاشا دروزیر اعظم ایسه بواشارده
 کال استنشارندن عرض کوناری سیلہ دیوانه وار میوب طرف پادشاهیدن مؤاخذہ خوفند

ایندی لکن اوجاق اغاری و شیخ الاسلام و قضایه عساکر ایلہ اعتقادیتہ بناء مصاحف
 و قیقه قوت ایتوب قوت قلب ایلہ مصادر یه مشغول اولدی و کین سبت کونی دیوانه
 وارمد بغندن خلق بیغندن گفتگو اولغین بویکشنه کونی کال انقباضندن استعمال شربت
 مہانه سیلہ یه کتوب قوجه کنعان یاشا ایلہ قاضی عسکر لری کوندردی بوحالته روز برک
 احترام زدن دردیو السنه خلقه شیوع و فضلی یاشایی وزیر اید و زدیو محل جمعیتہ سپاهی
 لسانه کتوروب اگرچه فضلی یاشا اورته جامعه کلوب ابراء ذمت ایتشیدی اما بوقدرجه
 لسانه کلد بکندن وزیر یرامین اولوب فضلی یاشایه طمشوار ایلتنی توجیه و مستعجل
 چیق دیوب اولکون استانبولدن حیفاردی و خلیله سی سلطان عصمت نشان جله
 اتباع و اتواییله جینی شیرینه نقل اولنوب رجب یاشا سرایی تخلیه اولندی و پیشیر
 یاشایه اناطولی محمولی ولایتی ویریلوب بونی اگری محمد یاشا حلبه متوطن ایدی ابشیر
 یرینه سیمواس ایالتنه نصب اولندی اناطولی ایالتی محمولی لشکرک یک مہمانته کفایت
 ایتزدیو پیشیر یاشا سیمواسه مستقر اولوب در دولتہ عرض ایتسی شایعدر شهر
 امانندن معزول بولوی مجدی محمد افندی یه وزیر اعظم روی غضب کوستروب اشای
 محاسبه ده قبل الفراغ چاوش باشی اوطه سنه حبس ایلدی وایکی دفعه کندوی
 دیوانه کتوروب سوال و جواب ایتدی مزبورک حین عز لنه مہریتی الد قلندر برالتون مہر
 کوندروب یعنی خاتمی الیقومش ایدی وزیر کندویہ بچون اوطامی کوندرمیوب غیری
 مہر کوندر دیک دید کده سلطان اول مہر احمد بیک نام مہر کن مشهورک علی اولغله کوندرمد
 دیدی مکرقدیدن قاعده بواغش کدشتر امینی یا ترسانه امینی یا غیری اماندن بری معزول
 اولسه مہری النوب بر طرف ایچنه مہر لنوب حفظ اولنور ایش حین محاسبه ده برشی
 محسوب اولق لازم کلمه اقتضا ایدرمش اما صالح یاشا و احمد یاشا زانلوند امنه اوج دورت
 آید برتبدیل اولق ایلہ مہر لری التز اولمش ایدی بناء علی ذلک شتر امینی دخی مہر
 طلب اولنه جغین بلزدی بودفعه سوال و جواب بونجه زماندر قنغی شتر امینک مہری
 الندی انجق بزه عرض ایتدی کز دید کده وزیر غضبه کلوب بن صقالی امور دیوانه ده
 آغردم مہر الترق رسم قدیم ایکن سن بنی نکذیب ایدرسک و قارشوسو یلوسک دیو خیانتنه
 نسبت مقابله دفترین کتوروب قزل بیراقدن ایدی اسامه سن چالوب مال مہری یه
 خیانت ایتشدردیو شرح ویروب قیوجیلر اوطه سنه حبس ایلدی وکاه قتل وکاه
 قطع ید ایلہ تخویف ایدوب طقوز یوز یوک قدر اچہ استوب بالاخرہ یوز سکسن یوک
 اغار و مفتی شفاعت لریله قرار باغلیوب و میریدن ویریللق دیمتوقه و سائر خراج لری یه
 میریدن ضبط ایتدیروب عدل اوزن محاسبه صنی کورد میوب غدر ایتدی فی الحقیقه
 افراط و تفریط مقرر لیدی لکن احمد یاشا یورلدیسی ایلہ مہر لدیکی قبض تذکر لینه کد بنارہ
 مصروف اولمشیدی باقدی و باش دفتر دار اسمعیل یاشا ایلہ خیر مایه فساد اینی
 مصادن محاسبه جی صاری علی افندی یی کوندروب منزلی مہر لندی خیل ازیتلر اولوب
 او توز سکز کون حبس نہ بکرمہ یوز یوک مقداری اچہ سن الوب اطلاق ایلدی سائر

سائر امنایه دخی پووجهله جورومصان ایلدیلر و وزیر مرحوم احمد پاشا اوردی ابراهیم
 کتخدان یوز کیسه طایب ایدوب سکسنی تسایم ایتیشیکن یکریمی کیسه ایچون حبس
 ایتدیلو جنگ طوزله در کرید چون عسکر اسلام بیان سابق اوزن قندیه دن ال چکدیلو
 کفار دو تناسی سوده یه کلوب طشره بش بیك قدر کافر دو کد پلر طایبه محافظه سنه
 اولان مصطفی پاشا دخی موجود بولنان عسکر ایله طوزله یه واروب مقاتله و محاربه
 واقع اولدقه لغریه قریب ایکی طرفدن چکدی یار تکرار ایرنسی جنگ اوزن اصرار
 اید یجک بالاخره مغلوب اولوب ایدوب قدر پاش کسلیوب سرد اطفار شمعان خیر
 فتح ارسال اولندی رمضان و اخر نه قندیه اطراقنه باران و برف نازل اولوب بیرامن
 حصار غایت ایله دشوار نجه هولناک دن درکه دریاه وار نجه ممتد ایدی مارمئال پیچ دریج
 حصاری احاطه ایتیش ایدی باران نزول ایتدکه متر سطرطوب آلات مترس اکثر یا
 اول دن ده قالدی ضروری طوپلری چکوب خیامه ارام ایتدیلو و حایه قرینه اسفا کیه
 نام ناحیه که کفار زمانه دخی خاکی مطیع اولوب مکانلری صعو بننه مغرور ایدیلر
 اون جور باجی ایله روم ایلی کتخداسی قدوز علی اغا حصاره واروب عاصیلری فراتیمکه
 ضبط اولنوب رعایاسی قرین عفو و اغماز اولدی لکن حصاری هدم ایتدیلو سردار اکرم
 مزبور علی اغایه اعزاز و اکرام ایلدی و جلوس همایون انعامی کلوب انابولیدن حایه یه
 نقل اولندقه احبابنه توزیع و تقسیم اولندی سردار اکرم حسین پاشا رتبه و خارجده
 صوکارنده برجامع و برزایه بنا ایتدیروب لطافتده بریدیل اثر اولدی و یلوک سپا هیلرین
 حبیب اغایه قوشوب اسیمه قلعه سی فتحه کوندر وب ساحدار اغاسی اولان
 یواشجه علی اغای قری و نواحی محافظه سنه تعیین ایتدیلو شوالک بشنه حسین پاشا
 حصار ناظر سیمه اوزرینه نزول ایدوب ملازمان درگاه عسکر طفر پناه ایله اولقنامه
 قیام ایتدیلو برقیه عسکره موسم ریه اوردوی همایون خد متنه یفتمک شرطیلر
 اوطان مالوفه لرینه کتمکه رخصت ویرلدی اول قیش انده عیش و عشرت ایتدیلو
 لکن همکام شتاده قحط و غلام شتند اولوب جزیره یه مخصوص اولان اوج و قیه مودری
 دیدکاری اوج و قیه عثمانی دقیق اوج غرو شته بیع اولندی مقدم انا بولیدن حایه یه
 نقل ذخائر اولمش ایدی قره دن کلوب عسکره ویرلدی و روم ایلی بکیر بیکسی کوچک
 حسن پاشا سردار کامکار و تاغنه کلوب مشاوردن صکره اتنه بنوب منزله کیدرکن
 قلعه دن برطوب کلوب پاشای مزبورک ایاقلری بر مقارین مقراص کی کسوب حالتی تباه
 ایلدی خواص خدای منزله کتوروب اوج کیجه وجع واضطر ایدن بی تاب اولوب
 هوا رده برودت اولغله معالجه مفید اولوب بالاخره مرحوم اولدی روم ایلی ایالتی یقل
 مصطفی پاشایه توجیه اولندی بواشاده ایچرودن بر قاق یوز نفر خروات و سلتات ملا عینی
 چیتوب سرداره کلدیلر و مشرف اسلام ایله اکثری مشرف اولدیلو پاشا مزبور به
 انعام و احسان ایدوب یوز نفره بر قیودان باش و بوغ تعیین اولندی طوبالی محمد پاشا
 پونلرک تسویه احوالی و لوازمی خد متنه همایون اولوب هر پرنک استعدادینه کور و وظیفه

وتیار ویرلدی هریار قرب حصان واروب کفار ایله درونجه جنگ ایدرلر ایدی مزبور
 پاشا کفار طایبه سنه مقابل برطایبه بنالیتد یروب اثنای جنگ کد مجروح و شهید اولدی
 بعض وقایع در آستانه زمره سیماهک جمعیتند صاحب حل و عقد اولان صاری حسین
 کتخدا وقعه کونی قرار ایدوب مکرر عده بکناشیان قره مراد اغا منزلند ختفی اولمش ایش
 غره ذی القعدة ده مراد اغا وزیر رجایلدوب جبروا کراه ایله کتوروب دست بوس ایتدیروب
 اگرچه عفو و مظهر ایتدی اما وزیر زیاده متالم اولوب منزلند او تور مق و طشره چیتوب
 خلق ایله اولفت ایتیمک شرطیلر عفو ایلدی و صاری محمد نام سپاهی که ماده الفساد نامنه
 اولنردن ایدی حنق و دریایه القاولندی و حید راغازاده یه علائمه سنجای ویرلشیدی
 حا لا اغا التماسیلر آستانه یه کلسچون آدم کوندرلدی بوسنه بکیر بیکسی درویش پاشا
 اهلونه ده او توروب علی اغا نام برکسه بی سردار ایدوب کلیس طرفنه کوندروب یی یوز
 قدر کفار که سی کتوردیکی خبری و رود ایدوب ماه ذی القعدة ده عرضی کلوب مغلوج
 و عمل مانده اولدوغن اعلام ایتیمکه یرینه سرخوش ابراهیم پاشا و غلی حسن پاشا بوسنه
 بکیر بیکسی اولدی سلسله اوائل ذی الحجه ده مکة قاضی سی داود زاده مصطفی افندی
 معمره اوج منزل قاله حق صالحیه نام محله وفات ایتیمکین منقاری زاده افندی سلیمانیه دن
 مکة مکرر مه قضاسنه قالد یریلوب یرینه ابوسعید افندی بک پیوک خدومی احمد چلبی
 اسکدار و اهل سندن انک یرینه محمود پاشا دن بوشتاق عیسی افندی انک یرینه حکیم
 اعرج مصطفی افندی انک یرینه معید احمد افندی انک یرینه کورد عبد الله افندی انک یرینه
 کورائیدن حسین پاشا زاده انک یرینه سکبان علیدن سموز خلیل کذلک سلیمه ادرنه دن
 بیاضی زاده عبد اللطیف چلبی بالچی مدرس زاده نامنه شخص ادرنوی یرینه قلمه قاضی سی
 اولوب یری ادرنه با یزید مدرسه سندن یچی افندی نام کهنه پیر انک یری سندن نوعی
 زاده یه ویرلدکه قبول ایتیموب انک یریکه سندن مفتینک کوچک اوغلونه انک یریکه یچی
 افندی مدرسه سید رجا کراغازاده یه بالجهله بواوچی که خسرو کتخد بقعه سید رفاطمه
 سلطان تحریریکه آلهی زاده یه انک یری قبا قولاق زاده قانی اون که زاده احمد چلبی
 همشیره سی رجاسیلر اولوب یری دخی که یوقار و سلسله ده خلیل یرینه اسعد افندی
 دامادی برو سوی چاوش زاده سکبانیه یه واروب یریکه جانبازیه در تکفور طاعلی
 عبد اللطیفه و یریلوب یریکه کلیمبولی ثانیه نهضوح پاشا اسعد ارناشی عبد الباکی یه
 ویرلشدر رتبه وقایع عید اضحی ده خبر کلدی تا تارخان صقالبه دید کاری له طائفه سنک
 قرقدن زیاده قلاعن آلوب استیصال مرتبه سنه ایلنوب قرق بیك قراق که کندی
 عسکرید بر بویانه دنوب ققلغه سلطان طونه ساحلند کلی قصبه سنه قشلاق
 ایلدی و بعد العید حید راغازاده محمد پاشا آستانه یه وصول بولدی و کزیده روم ایلی
 بکیر بیکسی کو چک حسن پاشا انک فوتی خبری کلوب استانبول سم و زور و نقود و اشیا
 بیك کیسه مقداری مالی باش دفتر دار اسمعیل پاشا یازوب قبض ایدوب روم ایلی
 منصبی آستانه دن قیوچی باشی سورنازن مصطفی اغایه توجیه اولندی و سلخ

ذی الحجه ده یکپجری اغاسی محمد پاشا که مصطفی پاشا مرحوم کتخد اسیدر دیار بکر
ایالتنه قالد ریابوب یرینه احد عناصر دولت اولان قره مراد اغای یکپجری اغاسی اولدی
و موسی پاشا بعد اددن رفع و دیار بکر دن ملک احمد پاشا بعد اده نصب و بوقضا یا سیماقنه
هزار پان احمد پاشا کتخداسی بوسنوی صاری احمد اغا که موسی پاشا کتخد الغندن
احمد پاشایه مرتبط اولمش ایدی و قرداشی اورج اغا که آت میدانی کر بلا سنده یان لشم
ایدی ملک احمد پاشا بعد اده قالد رلد قبه مزبور بوسنوی احمد اغا دیار بکر ایالتنه اولمش اید
پوایکی کون ایچنده کوچک امیر پاشا مصر دن معزول اولوب ایالت مصر مزبور احمد پاشای
بوسنوی یه و یریاوب انک یرینه اغا لقدن محمد پاشا دیار بکر اولمش درونه بوسلج
ذی الحجه ده مراد اغا رجا سیله عفو صوز تنه قتلند مسامحه اولنان صاری حسین کتخدای
مراد اغا خلعت کیدکن صکره وزیر اعظم چاغروب سابقا تصدی ایندی یکی خراج
و خدمت محاسبه سن صورت تمسکات ابرازیند کد نصکره طشره چیقار کن عرض
اوطه سی طشره سنده خدام یقه سن الوب وزیر اعظم کتخداسی اغا زاده بالذات یقه سنده
ال اوروب بره طوتک شوزور بایی دید کد صاری حسین ایسه برکک اصغر مرد جسور
اولمغین بره سفینه اوغلان ستمی قالدک بنم یاقه ال اوده حق دیو خیر چوروب خدامدن
بری قولن طوتد قبه الی مجروح ایدوب هله ایچ اغاری و مهتر لیا سنده او شوب همان اول اراده
با صوب بوغزلدی و لاشه سین کوتروب دریایه اتدیله امانو نک قتلندن یکپجری اغاسی
قره مراد اغا چندان حظ انیموب کندی شفاعت کرده سی اولمغله و زیره درونی متکدر اولدی
و مراد اغا صاحب وجود شخص واستمدال صاحبی متعین کسینه اولمغله اگر چه ابتدا رده
هزار پان احمد پاشا خلج و جلوس وقعه لرنده جمله ایله بولوب محمد پاشای وزیر اعظم ایتمکده
و صکره آت میدانی وقعه سنده استقرارینه معین اولمشیدی اما واعا نئی محضاکند و دولتی
صیانت و بلکه دختری زیاده استقلال بولوب بهمانه ایله کسب تزیید رفعت ایچون ایدی
لکن وزیر دیو اگر چه اغا ره مغلوب اولدی اما ینه بعض امورده سوزلینه مخالفت ایدوب
بیلمدیکی کی حل و عقد ایدردی مراد اغا درنده وزیره متکدر اولوب اندون هما ینه
عمل ایله اغا اولد قده و زبردن بالکلیه امنیت کیدوب مقدمه زوز باباشی صاری
حسینی اولد و روب غیری احتراز و احتیاط ایله باشی تدارکنده اولدی و سلطان مصطفی
عمر نده وزیر اعظم بعده وظیفه تقاعد ایله کرارنده ایام اولان افکده لی مصطفی پاشا
واوائل دولت ابراهیم خاندن ساحدار ایکن روم ایلی ایالتیه چیقوب بعده والی بغداد
اولان داماد شهر یاری موسی پاشا ایکسی دختری سنه مزبورده رحلت ایندیله رحمت
حقه اوله لمظهر وقایع سنه تسع و خمسين والف محمدنه تقیب عبد الرحمن افندی یه
اناطولی پاییه سی اولمغله دانشمند لرین ملازمت قیدینه کوندروب قاضی عسکر امرینی
کتوروب مفتی خبرم یوق دیوب وزیر اعظم رئیس الکتاب صدق افندی یه سوال عتاب
ایندکده اولی کلدوکی اوزن بیورلمغین یازدم دیدکده امری شق ایدوب محمد دابلا پاییه امر
کوندردیلر بعده مراد اغا قول اوزن اغرا اقله قاضی عسکر دانشمند لرینی یازدم دیو تقیبه

آدم کوندردی تقیب شتم ایدوب لازم دکلدر ایسته م دیو جواب ویردی مراد اغا تقیبک
غضب و انفعالن کوروب پاشایه واروب نکرار پاییه امرین المدخه قالدیدی و حیدر اغا
زاده محمد پاشا اغا رجا سیله استانبوله کلوب تنبیه ایله قیوسنی قیابوب او توردی لکن
یکپجری اوجاغنده دوستلری و چراقلری چوق اولمغین بردولت لوندک جریمی ندر قیوسی
قیابوب مجرم لریکچون او توردیه کفتکو ایتمایله سبب جمعیت اوله جفا در خبری وزیرک
مسموعی اولد قده بیورلدی کوندروب قیوسن آچوب او تورمغه اذن ویردی غریبه
سورنازن مصطفی اغایه روم ایلی ایالتی و یریاوب قره دن کریده مامور اولوب یولده راست
کلدیکی تذکره ایله النان اموال عاملدن یوز بیکندن او تویسکنی الوب خرج راه ایتمکده بیورلدی
و یریاوب میریسی قیانتش عمال و جزیه دارلر پاشای مزبورک جورندن خوفه گرفتار اولدیلر
وقایع کرید عسکر اسلام اگر چه مترسدن چقمش لرایدی لکن ینه قندیه حوالیسنه
تاییه لردن حرب و قتال امر نده اشتغال اوزن اذکن غرض محرمه کفارک برکیسی کلوب
قلعه نک اوتیه جاتنه یانشدی اخشام اولد قده تفنگلر اتیلوب عظیم شتلکدر ایندیله
و صباحه دکل قاقوس و طبیلاری چالندی آدم لر تعین اولندی و یریرادل اخذ اولند قده
مزبورکی وندیکن کلوب مرده خبری کتوردیکه مقدمه افرا نجه واسپانیا مابین ایدی
حالا یریشوب مصالحه ایندیله روانلردن زیاده سیله امداد النوب معجلا کوندر ملک اوزن در
و بوشنلک انکیچو ندر دیو خبر ویردی جاسوس دختری کوندر لمشیدی اولدخی بوخبری
کتوردی محرمک بشنخی کوئی روم ایلی و اناطولی بکری وزعما وارباب تیمار سرداره کلوب
اوج سنه در جزیره ده محبوس کی قالدق امدادیوق کفارک امدادی کورسه حال
مکدر اولوردیو شکوی ایندیله پاشا دختری بونلره استمالت و یروب احوال تفصیلا عرض
اولمشدر و ینه عرض ایدلم دید دفع مجلس ایلدی ایکی ایالت قولندن اوچر آدم اوچاقدن
ایکی آدم کوندروب اغزدن دختری بومفهومی سپارش ایندیله که زه امداد کلدیکن غیری
بیکن اوچپوزدن مجاور یکپجری بی قالدردیلر فرار ایدنه نک دختری نهایتی یوق مراد کرا کردین دولته
خدمت و عرض سلطنتی صیانت ایسه جمله عسکر کلوب اتفاقله سی اولنر سه ایش کورلر
جزئی امداد ایله قندیله التماز بوند اولان مسلمانلرک طورمغه طاقنلری قالماشدر دیو
عرض ایلدیله یکپجری و سپاه طائفه سنه عظیمه سلطانی کلوب جبهه جی و طویچی و عرب جیه
کلیموب روم ایلی بکریکیسی حسن پاشا نک مالندن ویرلدی و کیر وده اولان عسکرک دفتری
طلب اولمغله اغا لری معرفتیه تحریر و ارسال اولندی اوائل محرمه قندیله التمه جنک
اشناسنده سکبان باشی اغا شهید اولدی محرمک سکر نده و ند بکن صلح نامه ایله آدم کلوب
کلامنده مال اولمغله ستر اولندی احوال آستانه اوائل ربیع الاولده درویش محمد پاشا که
تیمارض ایتمکده کندی و ینی بوسنه دن عزل ایندر مشیدی بکنتاش اغا رجا سیله کلوب آلائی ایله
استانبوله داخل اولدی وزیره بولشد قده نچون کلدک دین و دولته خدمت ایشک اولاییدی
دیدکده خدمت دختری ایندک اما فلج مرضنه اغرا شمس ایدم علیل اولمغله سرحدده طبیب
یوق علاج ایتمکده کلدم دیدی اما اغرا دوغش یرلده اتباعک غصب اطعمه و ظلم ایتمشدر

شکاتك در عقب كليور ايش نه جواب ويز رسن ديد كه حكم شرعه راضي يم مرافعه به خواله
 يوزك ديدى وزير مزبون قيام ايتيوب براخج خلعت كيدروب تحقير ايلدى و بوماه ايچمه
 و كچيرى نامنده اراذل واستقياز ياده دست دراز لك و مجاورت يوب عورتاره تعرض و فساد لري
 وقوع يولوب مراد اغا قصده مقدارن مساحه لرايلدى و ماه مزبورك يكر ميسنه كوش قوشاق
 مصطفى و چور با قاضيى نام ايكي قاضى كه حالاملا زمينه ايد يلبعضى ر عايشا شكو ايدوب
 مرافعه به دعوت اولند قلر نه بعضى خد متكار لري بكيچرى اولمغه سر خوش بولد اشتريله
 اناطولى قاضي عسكرى ديوانه شكاتى ضرب و شتم ايله كلى جرأت ايتاريله قاضيلىر حبس
 اولندى كذلك روم ابل قضا تندن يوسف نام قاضى لك ملازمى حاك اولنوب زندانه
 كوندردى و كليبوليم بكيچر يلر حرام باصوب نجه فساد ايتد كرينك خبرى كلى
 و ربيع الاخر ده كريدن سردار حسيان پاشا لك عرض و مكنوبلرى كلوب قنديه تك
 تفصيل احوالى و انده اولان غزاتك ضرور رنده مضايقه و ملائى اعلام ايتديكى جمله تك
 معلومى اولدى و قيودان پاشا يوز قطعه سفينه تدارك ايتك اوزن قول ايتشيدى وزير
 اعظم حالاسكساندن غيرى دواتم ديدكه قيودان پاشا بن يوزدن اكسك سفينه ايله
 دريايه چقم كى كوند ر سكر الله مبارك اتسون ديوزاع اولش ايدى و ربيع الاولك
 يكر ميسنه مفتى و قضاة عسا كر پاشا قيسنه مشورت ايچون دعوت اولنشر ايتش
 و اول كيجه بكيچر يار سلا حليله او طه لرنه ياتقى نيميه اولمى و كلاى دولت بيننده
 محنى مناقست و شقاقه مبنى حركت و فترت علماى اكسك دكل ايدى قتل جندى خليل
 پاشا پاشاى مزبور قيو اغاسى صاحب همت حاجى مصطفى اغا خدامندن اولوب حسن
 پاشا و طبانيصى محمد پاشا اياقد اشترندن ايدى اصل بولى سجاغندن برقرينه دن اولوب
 لكن دو بريجه ايچمه پروده اولمغه چتاق لقبى ايله ملقب ايدى بواشاده عيتاب سجاغنه
 متصرف اولمغه آستانه دن بوياجى حسن اغا نام قيوچى باشى كوند يلوب سكر تفراتباعيله
 واروب حضورينه كيروب بولشد قه سلطانه برامانت سوزم وارد در حوت بيورك ديدى
 اول دخى كال حقتندن ايچ اغا لرينى طشره ايدوب تنها قايحق بوياجى حسن كدولند لكن كله
 نكلنسى اغر مش بر جلا ديايك دست و آهنگل حريف ايدى كانه انلره بر مصاحبت و ارشاد كنده
 قيوده طوران كند و آدم لرينى ايچ و چاغروب كل پاشا افنديزك انكن اوب ديوب برينى پاشايه
 بولشدروب بوقولكر افندم فلان قولكر در شوييله بر مصاحبتى وارد ديو تعريف صد دنك
 اول حريف دخى بر جلا دديوز ادايش پاشا لك ائكنى او يكمه ياقلشوب در دمندك بوغازن
 آلوب حسن اغا ايله ايكيى پاشاى اشاغده باصوب قيودن قضيه به منتظر خيالى دخى
 سكر دوب فى الحال باشى كسديلر كند او او غلنلرى خبر اولوب پچره دن ايچ و تفنك
 بوشالتد قه حقتنه خط و اردر چكك الكرى ديكله اتبع مائ ايدوب كرىه و نوخديه
 مشغول اولد يلو كله سى آخر ربيع الاخر ده كلوب باب همايونه الاقاولندى مشار اليهك
 اصلا باعث قتل اوله حق برجرى اولدوغى كسسه تك معلومى اوليوب انحق وزير اعظم
 ايله ما جراى قديمه محول اولدى فساد قاطرجى اوغلى حيدر اوغلىنك سر قيتلانى

و مفاسد نه افواسى قاطرجى اوغلى كه اصلنه كمر حيد ائرا كند ندر خيد راوغلى جزا من
 بولد قد نصكره انك برينى طوتوب بر آلاى مفسد لاله كروب قطع طريقه مشغول اولوب
 حجاج و كاربان اوغرينه اينديكى خبر لري كلى كذلك اق يقالو بكر اوغلى نام شتى
 بر اينكيوزلو نديله رهز نلكه مشغول اولديغى مشيوع بولدى حبس باليوس وند بك ربيع
 الاخر ك اون التيسنه وند يك باليوسى روم ابل حصارينه كوند ر يلوب حبس اولندى
 مورخ سمين تفصيل ايدوب دير كه فرنك دن مسلمان بر نو مهندى قيودان بعضى تعامل
 سبييله متر ددايدى دوزديد كلى وند يك قرالى طرفندن اكا نامه كلد و كنى حص
 ايدوب خفيه و كيل السلطنه جانينه اعلام ايتد كه على الفقه چاوشلر كوند ر يلوب
 باليوسك بيشته لرى مع مافيهامهر لنوب متر جمله ترجمه ايتد ر يلوب معلوم و زير
 اولد قد نصكره مفتى افندى به كوند ر يلوب باليوسه شوييله يازمشكه نم روح نم
 دو ستم بوانه دك كوزل تدبير ايدوب دوتماى اسلامك عوقنه كوزل باعث
 اولش سكر بو خدمتك موقعى عظيم بولشد رز دخى بوانه دك تيش پان سفن حريه
 تجهيز ايدوب وايكى باوك ايدوب بر باوكى جزاير لوناك كندر كاهنه و بر باوكى تونس
 و مغرب كيلرينك مزلرينه ارسال ايدوب انلر يوللرين سدا ايتكه صرف همت ايتشدر
 حالا بر قاج كى حاضر لائق بر قاجنى دخى تداركه مشغول ايدى كركدر كه سن دخى
 انده تقيد ايدوب سلطانلر ياخود مصاحبه و ياخود سكر كارده اولان متعينان دولت
 اللرييله مى اولور نه طريقه اولور سته ديرسك ديوب نه ايدرسك ايدوب بر اى مقدارى
 دوتماى تعويقه صرف مقدم و راييله سن تاكه بو كينلورى دخى تجهيز ايدوب استانبول
 بوغازينه كوندن لم زير بوقيش انده طوران سفينه لر زبون اولوب اهل اسهال و ضعف
 و خسته لكدن ايچلر نه آدم قالمامشدر سن بو خصه و صبه بلد و كك كى تقيد ايليه سن وجوه
 رشوت و مصاحبه هر نه قدر مال صرف ايدرسك جمله مقبولر در همسان نيجه تقيد
 ايدرسن كوريم سى ديش بومكتوبلردن كفارك ضعفى و جزاير و مغرب غزاتك وصوله
 ئاخير لرينك حكمتى معلوم اولغيث باليوس دمور اور يلوب هر نه سى و ارايسه ميورى به
 قبض اولندى و ترجمانلرى بو غيلوب دريايه انلدى رفتن قيودان وينق احمد پاشا
 باد و نماى همايون در آق ذ كروند يك كافر ينك بوحيله سى چونكه معلوم اولدى سريعا
 دوتما لك اخراجنه اهتمام اولنوب مجد داد و نما ايچون بوستماى و عجمى اوغلانندن اوج
 بيك نفر قيو به چقار يلوب سفينه لره وضع و ربيع الاخر ك اون يديسنه فلان دن اصلديكه
 نوروز دن قرق كون يكمشيدى و ديوانه لشكره علوفه و ير يلوب قيودان پاشايه خلعت
 كيد ر يلوب ربيع الاخر ك اون سكر مى و نيسان رومينك يكر مى برنجى سبت كوئى التى قطعه
 ماونه و التمش بش قطعه قدرغه جمله تيش بر قطعه سفن حريه ايله قيودان پاشا ترسانه
 صامره دن قالقوب معتاد اوزن شتاك ايدرسك ستر اى بورتنه يناشوب يالى كوشت كنده
 حضور همايون كورك كيوب اولكون يدى قله او كنده لكراند از اولوب كيجه لدريلر غرجى
 پاشى دوتما اغاسى اولدى قيودان احمد پاشا جمله ماملكن اعتاق و عهاراتنى وقف و وصيت

ایندوب روئسای دونما و امرا به بن بودین مبدین او غریبه جان ویرمکه عزیمت ایشم کافره
طوقنرم موندن خوف آیدن برینه آدم کوندرسون جاتی پاك سوب صاغلاق استین بگا
ذقیق اولسون و بوندن قالدند نصبره صولنغه بریره یششم هرکس یکسما دو مالز مه سنی
هستونی جه السون دیوتیمیه اید ایشمیدی واقعا هرکس اگا کون تدارک برین کورمشان
ایندی قله اوکندن ایرتسی بازار کونی قلقوب مرمره لیا ته اشین کونی که روز حضور در
هرور ایدوب کلیه ولی به واردی وندیک قلیونلری که ایکی سمنه به قریب بوغازده اید یار
پا وجود ضعف حال و قلت رجال دشمن دشمنك حالي بلمك اعتقاد یله تجلد کنان حالا جه
اباد ساحلند کرته نام قریه التمه یا تورلایندی بناء علیه بوسنه یالتندن منفصلا آستانه به
گلان درویش پاشایه بواشاده سلسله ایالتی وریلوب دونمای هما یونی بوغازدن
چکورمك ایچون قره جانبنه تعیین اولنش ایدی مشارالیه واروب حصاردن کرته بایرینه
دورت طوب چقاروب کفار قلیونلرینه کله را آتقدن تدبیری موافق تقدیر دوشوب ملاعین
طوب التندن قلقوب اناطولی یا قه سمنه منتقل اولوب کپز لیا نندن اوتنه اسکی استانبول
اوکی نام ساحله تیمور بر اقدیلر دونمای هما یون دخی استانبولدن چقد قلیونك بشخی
کونیکه ماه مزبورک یکر می دور دیر قیودان پاشا باشته ده ایله جمله دونمك اوکته
دوشوب روم ایلی طرفندن قی صره چکلیوب بوغازدن طشره چقدیلر دونما کیلرینه
طوب التماق نسیبه ایدوب فقط کندی باشته ده دن برطوب اتدی قدرغه لردن یا اکثر
صفله بکی جکد برسی صیغ یره دوشوب اوتوردی ماعداسی جمله سالما چیقوب کفار
هجوم کوستر دیار کفار خا کسار بو هجومدن سراسمه اولوب کانه دونمك چقد یغندن
خنازیر عار ایدوب محضاً تهویل قصد یله آغاز مغلظه ایتدیله و دونمایه قارشویکر می
اوتوز یاز طوب آتوب هول جان ایله آلا نلرین کسوب موافق پوراز اولمغین قلقوب صانع
طرفه قزل حصار سمنه چکلوب فرار اوزن اولدیله قیودان پاشا دخی ملاعینی
بر مقدارت تعقیب ایتد کدن صکره یکر می مقداری بیک کیلرین لیلری تعقیبه نامزد ایدوب
خیلی طوبله شوب جنگ ایتدیله محمد الله تعالی موافقت یام ایله سقاین اسلام
هلبه ایدوب طوب ایله ملاعینك کیلرین بعض مرتبه مجروح ایدوب مغلوب و منکسر
چکلوب کتدیله بوجنگلر بر مقدار غزات مسلمان شهنید اولدی قیودان پاشا بوزجه اطه
اردندن طولاً شوب چکدرمش ایدی امراء بحیه ایسه فوجیه لیا نند یا تورکن قیودان ایله
خبر لشوب اولکون دونمایه مالحق اولمشلایدی کفاری بر مقدار قوغوب روزگار شدید
اولمغه قلیونلر قاچوب نابید اولد قله دونوب حقوق دونمایه مسارعت ایدوب
ایرتسی خمیس کونی جمله سی بولشوب شوکت مالا کلام ایله ساقولیا ننه داخل اولوب تیمور
پراقدیلر و سابقا از میر ده قلیونلر النوب قیودان انلری کر یه کتورمك فرمان
اولنش ایدی دونما بوغازدن چقمغه اوزرند مباحث اولان کور حسین اغایه آدم
کوندریلوب اول قلیونلر کراری ویرلیمه ویرلش ایسه دخی کیروالنه دیو امر کوندلیدی
چقرل پستنجی باشی ماه زیبع الاخرک یکر می کونیکه روز حضور ایدی یوزاچه تقاعد ایله

یوستنجی باشی ذوالفقار اغا طرد و اخراج اولندی تفضیلی بودر که اغای مزبور
قتل پادشاهه آو کد اسباب والد خصام مقوله سی اولمغین طردی چوقدن ملحوظ
جناب شهر یاری ایدی اما وزیر ایله اتفاق و اتحاد اوزره اولمغین اغماض عین قلنوردی
مصلح الدین اغا بکتاش اغا کتند ایک پاشا قولند بولنوب مراد اغا علی رغم الحصاد پادشاه
جهان ووالد سلطان حضر نلرینه اغرا ایتمکه حالاً دونما عسکری تکمیل ایچون برقاچیز
یوستنجی که بدرگاه اولمشلایدی مکر قانون قدیم بوستانیا نندن چقان یکپیر یله بیکراچه
صلاح بها وریلورمش بو دفعه چیقانلره یوستنجی باشی آلتیشریو ز اچه وریوب دور در
یوزینی باع ایتمکه یولد استار واروب دور در یوزی طلب ایتدیله یوستنجی باشی وزیره استناد
ایله استقلالنه مغرو را ویرمدی الخاح ایتد کندن اورک دیوب یوستنجیله دو کدردی
یونلرخ منهنم صورتند و نوب اغا قیوسند بشتکوا ایتدیله مراد اغا که درونی وزیره
بدخواه اولمشیدی الینه بهانه کیروب ایکی کون دیوانه وار میوب یکپیری به یومقوله
معامله ایدن حریف کرکز پادشاه قولنه ضرب و شتم نه دیمکدر دیوا یی و خبر کوندرد که
مراد پادشاهی تمشینه لطیفه غیبیه ظهوری سبب حاضر اغتمام اولنوب خط هما یون ایله
یوستنجی باشی ذوالفقار اغا طرد اولمشدی برینه یوستنجیله کتنداسی علی اغا یوستنجی
پاشی اولوب جزئی ترد دو طرف وزیردن تحویف اظهار ایتدین مراد اغا خبر کوندروب
الم چکمه یاغک مر دانه بص دیوتقویت ویردی بصورت وزیر بیک معلومی اولد قله
عظیم منفعل اولوب هله پادشاه منرسن باوغه وارد قله هر یجه بیلور سه اینسون
حالا بودر محنتلر و غوائل فتر نلر که اولمشلای و دن بی مشورت اعیان و بلا معرفت
ارکان تمشیت مصالح اولنسون ایچون ظهور ایتمشیکن بونه اصل حرکت در دیوب لا حول
گویان متالم و غضبان اولوب مفتی افندی ایله مشورت ایتدیله اما اکثر اموره رأیری
غرض آمیز اولدیغندن کلاملر نده چندان نفوذ قالمیوب برایشه قادر اوله میوب ناچار
سکوت ایتدیله و بعض خواص مقریندن مسعودر که پادشاه حضر نلری بدرجنت مقرلری
قتله سندن یش قد رادی دفتر و حفظ ایش اوله لر مغرب اوجا قلیونه دونمای
هما یونه امداد کیلری کلک ایچون مقدما جمله سنه یوزیکر می بیک غروش کوندلمشیدی
انلرخ کلک تدارکنده ایکن رهگذر لرینی سد ایچون وندیک ملاعینك کوندرد کیری
قلیونلره یشیه میوب چوقه اطه سی حوالیسنه ایرد کارنده جزایر لور انلره تقدم و مسارعت
ایتمکه امر برعکس اولوب انلر کفار کیلرینی قیادوب طوبیلیوب طالرین خراب ایتدیله کرید
سرداری حسین پاشایه کوندربلین خلعت و امر واروب قرأت اولند قله بوسنه مبارکه ده
دونما مکمل چقدینی و اوجاق کیلری دخی وارمق اوزره اولدوغی اعلام اولنوب قندیه
قتنه اهتمام ایدسن دیو بیورلش و وزیر اعظم مکتوبنه قرمان ایالتی و دورت سجاغک
عسکری و طشره ده اولان متفرقه و چاوش و کاتب جمله سی سفره تعیین اولمشلای و بطرفه
وندیک بالیوسی حیل ایله صلحه مراجعت و بعد سوزی صورت پذیر اولمغه و مراد لری
حیل ایله تعویق مهمات امور ایدیک متبیین اولمغه حبس اولنوب جمله مالک محروسه ده

اولان بالیوسلاری حبس اولمغه احکام کوندلدی دیوخی راوئش بوسوزدن عسکر اسلام
 بوز تقویت بولد یار زیر بالیوسلاری آستانه ده مرعی اولد قجه کید ده اولان جنرال سولتانه
 احتمالت و پروب بالیوسلاری آستانه ده صاحبه عمل ایله یور صلح اوله جقلر دردیوخی قجه اکاذیب
 ایله فریفته ایدوب رعایا بیله اضلال ایدرلر دی چاوش و متفرقه وزعمادن یدل فرمان اولنوب
 استانبولده عوارض اچیه سی دخی ترقی او زن جمع اولنوب بوسیلله ایله وافر اچیه پیدا
 ایتدیله مقدمه خروج کر جی نی وزیر کور جی محمد پاشا نیک اقر باصندن وادنه لی جعفر
 پاشا نیک برادر کور جی عبدالبنی دفتر لو سپاه زور بالرینک مشاهیرندن اولوب سلطان
 مراد خان مرحوم زور بالری استیصال ایتد کده من بو رقاچوب اختفای تمکله ارایوب
 اخذینه اتمام ایتیشلر ایدی اخر کور جی محمد پاشا ساحدار پاشا دن رجا ایدوب اولدخی
 تخلیه صحنه متعهد اولد قده برکون پادشا هک نشاطلری وقتله کور جی نبینک بوغازینه
 برچتال اورغان طاقوب کور جی پاشا برقولندن قراند اشی جعفر پاشا برقولندن
 طوتوب حضور پادشاهه بو صور نه کتوروب تسام ایتدیله یور او پوب رجا عفو ایله
 پادشاهه خیر دعا لایتدیله ساحدار پاشا پای شهر یاری یه صار یلوب شفاعت
 ایتد کده سکا باغشلدن برقیافتلی کافر در قیو حیلر کتخداسی ایله دیو یور مشلر ایدی دخی
 مقدم زور بالر زمانه ایوخذ متلر طوتوب وافر مال قرانش ایدی نکر اساحدار پاشا نیک
 اغارندن اولمغه پنه مصاحبه قاریشوب مایه دار اولمغه منتفع مایه خد متلر آلوب ویده لقا
 ضبط وقوت و مکت و توابع و لواحق صاحب اولوب نیک و یور اطر فلر نه چقتلکر و بعض
 هلاقه ایدنش ایدی ساحدار پاشا قتلندن صکره واروب نیک ده ممکن اولوب قوت
 هیالیه سی زیاده اولمغه آستانه ده ییلدی کی متعینلره مکتوبلری ازوب اچیه کوندروب استدی کی
 معتبر خد متلری و نافع و یوده لقلری کتوروب اتباع و لواحق ایله اتوب طوتوب جمع مال
 و نظام حال ایله تعیش ایدردی مزبور سپاه او جاغندن براغا ایدی جلوس وقعه سندن
 مقدمه صفد و یوده لغن یوز طقسان بیک غروشه آلوب یوز بیکن پیشین و یوروب
 یاقیسندن دخی او تون بیک غروش احمد پاشایه کوندروب هنوز دفتره کچم دین و تسایینه
 روز ناجیه صورتی الم دین تجد دولت وقوع بولوب حالا صدن کلنلر اتوز بیک غروشی
 طوتوب نکرار طلب ایتیشلر ایدی مزبور عناد ایدوب بوقدر اچیه جریمه و یرمه دیملکه
 خدمت معهوده اخره و یریاوب میری یه یکن بوقدر کیسه سی الغا اولندی آستانه ده وقوع
 یولان سپاه وقعه سی دخی مؤید اولوب بو وضعدن کندویه سو قصد حس ایتدین حرکت
 کلوب اول وقعه ده دوشن سپاهیلرک انتقامی وزیردن و مقنی دن المغه عزیمت فکرن ایتدی
 بعض هوا دارلری دخی سپاه غیری یو قید رسنک بو مرتبه نام و کامک واروب مصاحبه شروع
 ایتسک عالم سکا و یار استانبولده خلق سپاهیلری استهزا ایدر اولدیله بیکچرینک تفرانی
 و سائر اراذل سپاهی نی کوردیکه بری برینک بوینی اورمغه اللریله اشارت و سپاهیلره
 تعرض واذیت قصد ایدوب بزی کزدن اولدیله بیکچرینک تسلطی حد دن کیدی بونلره
 حد بن بلدر مک و سپاهیلک نجه اولور کوستر مک کر کدر دیوخی نیک ایتیکله بچان یار یه

آیدوب جمعیه آغاز ایلدی و اتباع و لواحق ایله نیکلر دن قاقوب چقتلکله کندی
 و دوند ارنام حملن واقع بر صعب تر قازه صغوب اطراف و کنافه اولان کتخد ایرلر نه و نفراته
 خبر لکوندروب کندویه ماحق او لیانلرک ضیاع و املا کنی غارات ایدوب جمعیت و خروجه
 مباشرت ایلدیکنک خبری کلدی محاربه دو تنمای همایین در فوجیه چون قیودان پاشا و تنما
 کیلر یله بوغاز دن چیقوب بر قاج کوندن صکره فوجیه لیمانه داخل اولدیله علی الصباح
 یکر می دورت پان کافر قلیو نلری کلوب بوغازی المشلر سا بقاموسی پاشا ایله جنک
 ایلین ملعون کیستی ایلر و سوروب کلوب قیودان پاشایه جنکه دعوت ایتد کده پاشا
 دخی موجود بولنان چکدری و فرقه ویدیکی ایله چیقوب عظیم جنک الیوب طوب و تنک
 دانه لری باران مثالی یاغوب ایچ اوغلنلرینک اکثری دوشوب پاشا و ابیعینک بری کفارک
 بیر اغنی قاپوب کی یه بیر اقد دیکوب عسکر دخی یور یوب فتح اوله حق حملن کفار انبان
 فرار اوزن ایکن احراق اچون اشارت طوپی انمغه باروت اسار نه آتش ایتدیله کافر
 کیستی یاغنه باشلد قده قیودان یدکی صیفه اول کی یه ایشمش بولمغه اولدخی یانوب
 اچنک کیلر دریاه دو کلدیلر کافر اوج یورتون و بر چکدری یدیکلیموب و بر قیودان که سابقا اسلامه
 کلوب کی ویش ایدی مرتد اولوب چکدرمه سیله واروب انره قاتلدی و بر و طرفدن
 طوب ایله کفارک اکی قلیو نی باروت خزنه سندن طوتشدن دیلر یاندی لکن قیودان پاشا یار
 بیک کیلرینی مدلولو طرفنه کوند رمش بولنوب بیکچر یاریک کیلرینه حسن اعتمادی و ارایدی
 بیکچر یار ایسه اصلا جنکه شروع ایتیموب درتی عسکر اولمغه زغر جی باشی سوزی ایله اصلا
 مضبوط اولیموب سفینه لرینک رئیس لری و قیودان لری محل جنکه حرکت مراد ایتد کار نجه
 تفرات بالته و حیاق ایله انره کیر بشوب ضربا کیلرینی الارغه ایتدروب ایراقدن پاشا نیک
 جنکنه سیر جی اولدیله بر ماونه دخی لیان اغرنه او تومغه اچنک ییچد جنک اولوب صکره کافر
 طرفندن احراق اولنوب اچندن امت محمد دریاه اتل دیار قیودان پاشا کوردیکه بیکچر یار
 دریاه یار اولدی و بیک کیلری حاضر دکل مقاومت مشکل متوکلا علی الله فوجیه لیماندن
 چیقوب کافر ایله طوپلر نه رق چکیلوب ردوس جزیره سنه کندی پاشا و ابیعین و جنکی
 لوند و کور کی دن محاربه ده شهید اولان دریاه دو کلنلر دن تلف اولان بشیموز قدر آدم
 اولوردی زیر اثناء جنکنه اخشام ایر بشوب پاشا درده لیمانه کیر مکله سفن محترقه نیک
 شعله سی متباسبیله ملاعین خاسرین پاشا درده پی طویه طوتوب بوقدر غزاتک شهادت
 سبب اولدی علی السحر قیودان پاشا چیقوب ردوسه وارد قداون چکدری و اون قلیون
 تونسدن کلوب مصر جاتندن اولان اون سکر سفینه دخی کلوب جمعه او توزدن زیاده مکمل
 کشتیلر دو تنمایه قارشوب اندن صالوب کیر یه غزیمت ایتدیله و دونا نیک بو خبر کدورت
 اتری آستانه یه منعکس اولد قده وزیر اعظم حقنه ایقاد اولنان آتش فسادک استعانه
 سبب اولدی عزل وزیر اعظم صوفی محمد پاشا و صدارت مراد پاشا چون بردولت صاحبندن
 رو کردل اوله اشباب زوال تعاقبه پاشا حضرت علی کرم الله وجهه و رضی الله عنه
 الرأی بال الدوله بذهب بنده هایم یورد قلی مؤید معنادر صدر اعظم محمد پاشا کند و لی ولی عهد

مؤید ملاحظه ایدوب هر خصوصه استبداد نام ایله یا بشوب عالمی تصحیح داعیه سنه اولغله
اندرون همایون خلقنک هر مراده مساعده ایتیموب خصوصاً والاه سلطان حضرت تارینک
طر فایز ن کلان نجه رجائی ردایدوب خلافت اشاردی اوجاق اغاری بالکیمه مساطر
ایکن بعض خصوصه انوره مخالفت ایتیمکه متغیر اخلاط راوشارایدی جمیع زمانه
امور دولته استقامت حقیقه ممکن او لماغله مشارالیه دن بعض مصداق غرض امیر
حرکت و طمع مبنی ما تجکر کور لکله اصحاب اغراض دخی فرجه بولوب هر راینک
خلافت جرات و حرکت ایدر اولدیلر ایراد و مصبر فاختلا لنی دفعه چالشوب قطع
تعیینات ایتیمکه حرم همایون طرفی از زده و زایلرینه ماسات ایتیمکه خاطر مانده اولد قلوبی
وزیر ک بدخواهوی فرصت عدا ایدوب دائمی وزیر ک کوردیکی امور لرده غرض
وجلب ماله متعلق تقیصه لری حرم همایون طرفه خبر ویرلایدی حاصلی بوشاکش
ایله برایش کور لیموب اورته لق کالاول فساد اوزن اولدی و مخالفی مزبور ک فکری
اگر کذب و اگر صحیح ولایت عهد ادعاسنک اولدیغنی جانب سلطنته انها ایدوب نهانی
ازال سنه تصیم اولمشیدی و بر سبب صوری حد و شه منتظر ایدیلر وزیر اعظم ایسه مقی
ایله اتفاقه فریقته اولوب اگر چه کندی حقنه اور تا لغت نقشی فهم ایتدی و مراد اغا
وسائر مخالفین بر طریق ایله دفعه ایچون مشورتار و نجه درلودر لوتد بیلر ایددی
و طرف سلطنتدن استنعار ایله اکثر یاد یوانه و عرضه وار میوب کند و سر اینده ایش
کوروب چار سازلغه چالشدی و هفته ده برایکی کره مقی و علمای و اغاری اکثر یاسر اینه
کا هیجه سرای همایونه چاغروب کند و ماحوظاتی منتهی غمناکی خیر خوا اعلق یوزندن
سوق ایدوب خصوصاً کور جی نینک استیصالنه یکچیری اغاسی مراد اغا کتمک
کر کدرو بو مهمی اول حصوله کتور مک ما مولدرد یورای ایدوب طرفداری اولان علامه
یلی معقولیه بو در بویه امر مهمه اوله بر صاحب وجود آدم کتمکه محتاج در دیوشهادت
ایتد یروب مراد اغایه البته چیق کیت دیو ابرام ایتدی حاصل عقلی ینشدیکی قدر مقدمات
بسط ایلدی لکن خصما قوی و طرف سلطنت کمال غیظ ایله بو نکل وجودندن مستغنی
اولغین هر حاله کندی و سکوت و حقوقد معامله سن ایدر لایدی و عرض ایتدیکی بو مقوله
احواله مساعده مطلوبه مساعت اولیموب مراد اغا وسائر بدخواه ایله استنشاریه
توقیف قانغله برایشه صورت ویرمک ممکن اولدی حتی وزیر اعظم یکچیری کتخداسنی
آخرت اوغلی ایتیمکه اعتضاد صورتی بغلش ایدی و یونندن اقدام مزبور کتخدایک ایله
قره چاوشی بینمنا قیل و قال و شکر اب و افق اولوب وزیر ایشار تیل طر فیندن ضیافتار
اولوب صورت ظاهرده سیننه صاف اولمشار ایدی قوجه مصیح الدین که دورت دفعه
تقلیب دول ایتیم که نه روباه و سیاه بریر صاحب انبیا ایدی بو نقشارک مؤداسنی
ملاحظه ایدوب پاشا ایله اتفاقدن ال چکمش ایدی مراد اغا نکل عنفوان دولتن و طرف
سلطنتک کندی و به التفات و رغبتن حس ایتیمکه وزیر طر فیندن ال چکوب مراد اغا جایتن
طوتمش ایدی مصیح الدین دقایق امورده ماهر بر صاحب وجود دیومدر اولغین مراد

اغایک میلنی غنیمت بیلوب کلی رعایت ایدوب هر خصوصه آنکله مشورت ایدر اولدی و مراد
اغایله قره چاوش ایسه بریرله اتحاد و اعتضاد ایدوب بری وزیر اعظم و بری یکچیری اغاسی
اولق اوزن عهد ایتیمش ایدی وزیر اعظم ایسه اگر چه یوناردن مستشعرا ایدی لکن نخوت
دولتله غافل بولوب کند و بی عزل ایدر جکرینه وجود و بر مزدی و بیانه سر تریش لوازم ثروت
و اذکار ماله جرات ایدوب کندی و کتخداسی علی بنالره پاشا یوب حساد الله سر رشته ویره جک
اشاردن محبت دکل ایدی بواشاده قیودان پاشا نکل اردنجه بوغازده یوز کیسه اچه کورد رمشیدی
قیودان بوغازدن طشره چقمش بولغله کیر و چوپروب باغ ایتیمشیدی دیر لرقضاء الهی دو تملک
فوجه وقعه سی حدوت ایدوب بو قدر آدم شهید و بر قاج سفینه یه کزید کفار ایشد یکمک
موحش خیری آستانه یه وصول بولد قهر مراد اغا عونه سیله فرصت بولوب والاه سلطان
طرفنه خبر کوندر و بولوب و کندی و چراغی بو ستانجی باشی و وزیر بیدن مجروح ساجد ار اغا و سائر
نافذ الکلم کسه لرله خبر لشوب وزیر و نکل ایدر کندی قصور ایدی بو غازه قیودانک عقبجه
کوندر دیک اچه هی کتوردوب اکل و باغ ایلدی قیودان یونده بو قدر فریاد اید کوردی طمعندن
مستوفی کیم ایدر میوب کاینغی تدارک کورمندی شمدی دو تملک احوالی بوکا مخر اولدی
هیچ بیندن غیری بهانه لازم دکلرد یوز وزیر عز لنه جهات اربعه دن ربط جبالیل حیل ایله اتفاق
ایدب حاضر باش و مترقب اولدیلر وزیر ساده دل دو تملک کلان خبر ملالت اثری ایشتد یکی کی
غیری وجهله تدارک قابل ایکن غفلت ایدوب بو مصیبتی استعظام ایدر ک قانقوب تیمور قیودان
ایچو سرای همایونه کیدوب مشورت ایچون علمای و اغاری دعوت ایلدی و و خاتم عاقبتی
کندی و به عائد اوله جق دو تملک فضیه سنی در میان ایدوب شو یله اولمش شمدی نه یایه لم بویه
ایشک معقولیه در دیو جالیوس مغلوبانه یه باشلدی مصاحبت ایسه یا بلش اطراف دوزلش
قوشلش بیجان نکل خبری یوق اول ساعت وزیر و اعیان جمله حضور همایونه دعوت اولندی
پادشاه جهان سلطان محمد خان حاضر ثلری تخت اوزن قرار ایدوب والاه سلطان حاضر ثلری
دخی یاننده طوروب سائر ارکان دولت قیام ایدوب اول محل پادشاه بالذات فتح کلام بیوروب
وزیر اعظمه عتاب کونه نچون دو نمایه اهتمام ایتد ک یونه شکل سعی در دیو خطاب بیورد قهر
وزیر احمد الله پادشاهم دخی بر تاریخنه دو نمایه بو قدر سعی و اهتمام اولتماشد رو بویه مکمل
چقار لما مشدردیو جواب ویرجک پادشاه قاشلرین چاقوب سن وزیر آدمیسی دکلسن کتور
مهری دیو بیورد قهر وزیر بریر چون غافل بولمشیدی حیرت و دهشتندن ارتعاد و پر زمان
پاش ایشانی نامل ایدوب اخر قضیه اتفاقیه اولدوغنی فهم ایتیمکه مرعوب و مرتعد مهری
چقاروب پادشاهه صوندی پادشاه مهری آلوب وار ایددی کیت دیو بیور محق وزیر غرق
عرق مجلسدن طشره چقمش قهر حسب الاشاره الیقودیلراندن خنکار مهری پر زمان الله
طو توب حضاری کوزدن کچروب کل اغا آل مهری سنی وزیر ایتدم کوریم سنی نجه خدمت
ایدرسن د بو مراد اغایه تسام ایتد کله اغا دستبوس ایدوب مهری الوب مقام صدارت
عظمی ده قرار ایلدی اول محل والاه سلطان سوزه کلوب بو نجه ماللر المندی مصاحبت بو شکل
کوردی و بنی اولدیرمک سودا سنه دو مثلدی محمد الله تعالی بن دورت دولت کورمشم

بوجه زمان در دولت سور مشم بن اولمکه نه عالم تعمیر اولورونه ییقلور بوتنه کاه بنی قتله
 قصد ایدر کاه پادشاهی بعضی سنه فرمان ایندی کیم اوکرتدی سکا جام دیویر پادشاهلر
 ایله بویله معامله استهز اولور می یا تعام اولنسه نه لازم کور قاضی عسکر عزیزه طعن
 و تهدید بیور دیلور فی الحقیقه جلوس همایون و قوعندن صکره والده حاضر نلری بعض
 امور مدخله ایدوب بو خصوصک معقولی شودردیواغتر اضلر ایدردی اکابناء صوفی
 محمد پاشا نک معین و همراز می عزیز افندی ایله والده حاضر نلری استنقال ایدوب اکثر
 اموره ریاستی حسن مدافعه ایله دفع ایدوب خلاف مرصمسی حرکت ایدر لردی
 وجلوسد نصکره جه بر عرض کونی پادشاه نو چاه عزیز افندی به خطاب ایدوب ایشتم
 آنچه ورشوت النور مشم چون رشوت آلور سزدید کار نده عزیز افندی پرده ابدن خارج
 وقاحت ایله استخفاف واستحقار پادشاه هیبت پناهی استصغار یوزندن جواب نده بقه جام سکا
 بونی کیم اوکرتدی دیوب بوجواب ناپسند و نامعقولک قباحتن دخی فهم ایتیموب بو مجلسی
 بالذفعات حضور نه کلان زین عمر و حکایت ایدوب پادشاه شویله دید کله بنی بویله جواب
 ویردم ایدوید می دیو قتل ماجرا و تفاخر کونه خفا بی مزه ایشید می ناقل قضیه ذیحنه
 قاضیسی چالاق عبد الله افندی دیر ایدیکه عزیز افندی مایه افتخاری بر بوماده بری دخی
 سلطان ابراهیم خان حاضر نلریه حین خلعه سویلدیکی کلمات ناشایسته اید بکه
 دائما مجلسنه ذکر ایدوب بویله خدمات جلیله به موفوق اولدق شکله ابتهاج ایدر ایش
 صکره والده حاضر نلری بونلردن روگردان اولدقارینی تحقیق ایتد کله نده خفیه بیملر نده
 غجه صحبتلر و مهملر علیا حاضر نلریه سو قصیدی متضمن مشورتلر ایشلر ایدی مراد اغا
 بونلره مخالفت سمته سالك اولد یغنه والده حاضر نلریه التجا ایدوب انلردخی مراد اغایی
 حمای حمایت قبول ایدوب وزارت وعد یله مسرور واعد اسی اوزن تسلیط ایتکه تعهد ایله
 قلبی محبور ایلدی مصلح الدین اغا و قره چاوش و سایر اعیانن غجه کسنه لر حقیقت حاله
 مطلع اولدقلا نه لکل جدید لذه مفهومی اوزن مراد اغایه اتباع ایشلر ایدی چون
 والده حاضر نلری مراد اغایی وزیر ایتیک خصوصی قوتدن فعله کتوروب خصما مغلوب اولدی
 حضور همایونده مافی الضمیر اطهار و سرزنش و تقریر ایله عزیز افندیین اخذ ثار ایله تشفی
 غیظ بیوردیلر عزیز افندی محمد پاشا نک معین و طرفدار ایله والده حاضر نلری نک خلاف
 رضالرنه اولدوغی تاریخنده اولان تفصیلاتدن معلوم اولورنه کم ذکر اولنسه کدر حضور
 همایونده اولان مفتی و قاضی عسکر لر و سایر لری والده حاضر نلری نک بوتهدیدن ایشتمده
 مبهوت و متحیر قالوب خصوصا عزیز افندی غرق دریای بخت اولوب هیچر جوابه قادر
 اولوب سلاملر و تحلیله قره چاوش که اوجاقده مشهور و نامدار کسنه ایدی بکچری
 اغایی اولدی و جمله ارکان دولت اوجاقدن اولوب امر تسلط بو نقش غریبی اقتضا ایلدی
 قول کتخد اسی که عونه وزردن ایدی مرعوب و متفکر قالدی مراد پاشا دخی بخر اصفاه ایله
 حضوردن چه مقوب خارج قصیده وزیر سالقه مبالغه ایله عتاب ایدوب دو نملیه کوندریلان
 اول اللی بیک غروشی چون کیر و کتورتد کدیو تقریر ایتد کدن صکره بوستانخی باشی

حیسنه قالدردی بیچاره بیرک اعوان و انصاری و انبا عنک تصور لری باطل اولوب عزلی قبول
 ایتیک محالدر دیو سانه کتوردکاری وزیر صاحب وقاردن دولت مستعار آتد زائل اولوب
 جلوسدن بوانه دک وضع یدایتدیکی اموال فراوان و مصدرات و بواسطیدن کندی
 و کتخد اسی الد قلردن ماعد ایدر می بیک یوک آنچه که خزاین خاصدن چقاروب وضع ید
 ایتشدر و قتل ایتدیکی هزار یار و جینی خواجده نک و کوچک حسن پاشا و حسین پاشا
 و حسین کتخد اوسا رمتو فالرک ماللری و جمله مالکدن جمع اولان ماللرک محاسبه سیچون
 کندی بوستانخی باشیده و کتخد اسی اغازاده محمد کتخد اقبو جیلر اوطه سنه حبسی فرمان
 اولندی جمادی الاولی نک طقوزنجی کونی ایدی که مراد پاشا مهری الوب سرایدن طشره
 چقد قله جمله اعیان و ارکان تهینه ایتدیلمر وزیر معز و لک خانه سی مهر لنوب عموما ماملکی
 میری به انلوب ایکی اوغللری دفتر دار قیوسنه حبس اولندی و مراد پاشا نک کندی
 سرانی اولماغله اغا قیوسنه اوتوروب تهیت ایتدی غریبدر که وزیر سابق اچروده محبوس
 قالوب مراد پاشا طشره چقارکن مفتی افندی دخی محبوس اولدی صد اسی منعکس
 اولمغله توابع فرایدوب انجی آت طوتان سراجی و ایکی آدمیسی قلمشیدی چقد قله مبهوت
 و متحیر سوار اولوب منزلنه کندی قاضی عسکر لر تیمور قیودن چقارکن بکچری اغایی
 قره مصطفی اغایی کسنی دخی مظهر عتاب ایدوب افندیلر کوزیکری آچک ایتد کله بکرمضی
 ماضی هله شمد یلک کورچی تدارکنه مشغول اولک بر خوشجه صاقمک هله دیو خطاب
 عنف ایدوب ایکسی دخی نیم جانله منزللریه کلوب و هن عظیم شامل حاللری اولدی وزیر
 جدید قماح اغایی عزل ایدوب اکر می بیون طوراق اغایی چاوش باشی و آیدین بکتراده
 حسن اغایی قیو جیلر کتخد اسی ایدوب قره مصطفی پاشا لیلری توابع ایدندی و کیلر
 طوتانوب کتخد ایلک دو نملیه مالحق اولق متعین اولوب تدارک شروع ایتدیلمر جمادی الاخره
 نصفه برج قوسه عقده نده خسوف کلی واقع اولدی ایرته سی وزیر معزول محمد پاشا
 مهملر یه نفی اولندی کتخد اسی اغازاده بکچری کتخد اسنه جار کتوروب امید خلاص ایله
 التجا ایشید می کتوروب تسام ایتد کله قیو جیلر اوطه سنه حبس اولندی حالا اورته چاوشی
 اولان عنبر علی چاوش واروب بقه کتخد ایلک سن شهر امینی محمد افندی بی و احمد پاشا
 کتخد اسی ابراهیم اغایی ناحق یره بونده قویش ایدک کور سن سنه مجازات غجه اولور دیو
 تقریر ایله اخذ انتقام ایلدی یواشاده قوجه مصلح الدین اغا نک اسماندن شیوع
 بولدی که پادشاه مهری طلب ایتدیکی ایچون جواب مسکت ایله دفعنه سعی ایتدی
 دیو مفتی عبد الرحیم افندی به اطاله انسان و طعن ایش اوله ماه مزبورک بکرمی ایکنی
 خیمس کونی دارالحلد بشدن اوزون حسن حلیه و التمثیل مدرسلرینک بری مغنیسیاه و بری
 صوفیه به قالدوب سلا نیک عبد الله افندی به نامزد اولق اوزن سلسله ترتیب اولوب
 غلطه بی فتوی امینی قدری افندی به و مصر اسیری محمد افندی به ویرلکه قرار ویرایش
 ایکن غلطه قاضیسی مفتی زاده محمد جلی ایشیدوب پدری مفتی عبد الرحیم افندی به
 واروب بو منصبی بکاسنی ویردک الورسنی اکر قدری به ویررسک دو کرم و دیلم دیمکه

پژده مقرر اولوب عصمتي وشيخ زاده و محرم زاده و كوسه يحيي ومنلا چلبی و مرجب زاده
 وشعرانی زاده و غیر یار مصر منصبی ایچون مفتی یه واروب منازعه عظیمه ایتدیله مرخبیا
 زاده اسیری قرقدن معزول ایکن بن از میردن معزول ایدم دیدی و هربری پرسوز
 سویلیوب کی استحقاق زمانی وکی استعداد ذانی ادعاسیله طلب ایدوب منازعه و مجادله
 ایتدیله چله دن زیاده مصری عالم روایده بکا پیغمبر علیه الصلوٰة والسلام ویردی و هرکیم
 صرف ایدر سه خانی بر باد اولور بکاغدر ایدن خیر کورمز دیوب موخشی ادایله معارضه
 ایتدین ناچار چله سی سکوت ایدوب چله سلسله نك رجه دك تا خیرینه باعث اولدی
 و برجه کون وزیر مراد پاشا قاضی عسکر له چله علما محضر نه خطاب ایدوب افندیلو
 علما ایچنده نجه جهلا یوکسک مرتبه له چقمشله نجه عالم و مستحق قلم متروک و پی اعتبار
 قلمشله بعد الیوم بونوره علم و فضل لرینه کون توجیه مراتب اولنسون دیوب قاضی عسکر له
 سکوت ایتدیله وزیر ابو قاعده اصلیه یه رعایت متعسر و سابق زمانلرده بویله کرکی کی
 مرعی اولسی نادراید و کنی بلد کبری ایچون سکوت عاجزانه کوستردیلر وزیر جدید مراد
 پاشا ایتدیله وزارت نه اغاق و سمنده آرام ایدوب کورچی پاشا سراسرینه نقل مراد ایتدیله عورتی
 لطیف زاده سیرانی و یرمکه کورچی پاشانی ارض و مدن عزل ایدوب قاوچی مصطفی
 پاشا که میراخور پاشا دید کلدیله رارض و مه نصب اولندی و هله اولی ده غرضی اجرا
 ایلدی دیوشیوع بولدی اندن قدرغه لپانده سیاوش پاشا و احمد پاشا سیرانی دید کلدی
 مرایه تقی مراد ایدوب اندن ات میدانی سراینه قصید ایدوب بالاخره جغاله زاده
 محمود پاشا مسکنی اولان اسکی مراد پاشا سیرانی یومی برالتون کرا ایل طوتوب تبرعا
 پتایه باشیوب کندی داود پاشا سیراینه کوچدی که قوجه فرهاد پاشا سیرانی دید کلدیله
 وطریق علمیه ایتدیله انصاف نامعقولی بولدی که خیر الدین پاشا مدرسی محضر باشی زاده
 فوت اولغله صاغر محمد انک یرینه وارمش ایدی انک یرینه کندویه متردد و بوشتاق
 قوچاس محمود دید کلدیله جاهله ویردی دیومورخ اعتراض ایشیدر وزیر اعظم رجب اغا نام
 مشهور اغاسنی استمال نامه ایل کورچی بنی یه کوند رمش ایدی بعض اجوبه و مکتوب
 ایل کلوب نه خبر ایل کلدیگی شیوع بولدی قتل وزیر سابق صوفی محمد پاشا
 و بعض اتباع او وزیر مشارالیهک جمیع ماملکی اخذ اولنوب کندوسی مغلغره یه نفی
 اولنمش ایدی و کتخداسی اغازاده محمد چلبی و کوچک دفتر دار شامی مراد افندی که
 پایله مراد پاشا عنوانی بولوب کتخداییک وزیر سابقک مستشاری ایدی ایکسیسه
 مجبوس ایدی کتخدا یه و شامی مراد افندی یه هر نه یه مالک لر ایشه سویلدیلوب خبر
 ویرد کلدی اموال اگر کند ولرک اگر پاشا لرینک اخذ اولنوب غیری برشی قلمدی دیو جواب
 یأس ویرد کلدیله جمادی الاخره نك التبی کونی کتخد اغازاده و شامی مراد افندی
 یوغیلوب جئه لری دریایه القا اولندی مرحوم کوچک حسن پاشانک جبه خانه سن
 و لو اب و مهمات وزارت تنی محمد کتخد اغصب و قبض ایشیددی کیر و میری یه قبض اولنوب
 والای سی و برادری ابراهیم اغا و کتخداسی حاجی احمد زیدانه قونوب دخی نجه اشیاط طلب

اولغله ایتنه کرفتار اولدیله میراخور سابق قیوچی باشی حسین اغا برغمه یه ارسال
 اولنوب اغازاده لک انده اولان ماملک و اشیماسی قبض و و دایعی تفیش فرمان بیوردی
 صوفی محمد پاشا قیوچیلر کتخداسی ایله مغلغره یه نفی اولنوب قد عقیجه کوچک میر
 آخور لقدن صکره قیوچی باشی اولان تلخیصی محمد اغا کوند ریابوب نه وقت خط قطعی المفاد
 وارد یغنه ازاله سنه شروع ایلنه دیو لسانا تنبیه اولنمشیدی مشارالیه تلخیصی محمد
 اغا نقل ایدر وار دقده محمد پاشانی یدی نفر خدمتکاری ایله مغلغره ده بولدم اوزرنه
 متعین سکر قیوچی وارا کتر اوقاتده بزمه مصاحبت ایدردی اما ایتدیله بندن خوف
 ایدوب وارد قچه کال احتراز ایله مشوش بولوردم صکره شبنه سن دفع ایچون اوزرنه تعین
 قیوچیلرک نفقه سی اهالی ولا یتدن جمع اولنقی ایچون ویربلان امر شریفی چیقاروب
 اشته بنده کزبو مصاحته کلدیم الم چکمک دیو وحشتی ازاله ایلدم و کال تعظیم و تودد
 اوزن معمله ایدوب تمام کندویه اعتماد کلدک جانی یرینه او توروب بزمه محرمانه
 محبته باشلیدی وزمان صدارتنه اولان احوالی سویلشوب برکون دیدیکه وزارت نه
 اغازاده محمد دید کلدی سفیهی کتخدایتمک معقول دکل ایش اوضاع ناهمواری ایل خالق
 بزه دشمن ایلدی عجب خطا ایشیزان شاء الله تعالی عن قریب صدار اعظم اولد و غمرده
 برابوجه آدمی کتخدا ایدر رز و بونک امثالی نجه خیال خامه دوشوب مال خلیا یه مشغول
 ایکن آستانه دن فرناک احمد اغا خط شریف ایله کلوب ایچرو حقه کیردک وزیر بر
 یوندن صحرایوب باشی اوزرنه اولان غدار یه پاشه یم دیرایکن کند آیلوب ایشین
 تمام ایتدیله ذکر اوصاف صوفی محمد پاشا فذلکده دیرکه سابقا دفتر دار نامدار اولان
 باقی پاشانک کتخداسی اولوب نجه زمان باو کده علوفه الوب کیدرک پاشاسی وفاتندن
 صکره بعضی خدمتده استخدا م اولغله در دولتده یکچیری اغالی ویریلوب بیك
 اوتوز سکر سنه سی اوائلنه وزیر اعظم خسرو پاشا بازار بی ارض و مدن اخراج ایلدکده
 آستله دن کلوب ارض و مه متصرف اولنمشیدی اندن دخی معزول اولوب یرینه صاحب دار
 موستاری چقد قد نصکره ایدین و صاروفان محصلی و قسط مونی پاشاسی اولوب قره
 مصطفی پاشا وزیر اعظم اولدینی اشاده دفتر دار بولنغله اخر عصرینه دك دفتر دارلق
 سوردی صکره عزل و جوله مبتلا اولوب نجه زمان یکی قیو قرینه باغجه سنده او توروب
 و کندی طوغانی ده ده درویشلرندن کچنمکه مولوی خانه ده اوقات کچروب درویشان
 ایله الفت و صوفیانه حرکت اوزن اولدی مولوی محمد پاشا صوفی محمد پاشا دید کلدیله
 اصلی بودر وقعه جلوسه مزبورک بیر لکنه و ظاهر اصلاح حالنه خلقک حسن ظنی
 و اعتقادی وارد دیو بعض عمل انضمامیله وزیر اعظم اولوب زمانه سابقا تفصیل
 اولنان فسادات ظهور کلدی چوق یکمیوب کندی دخی معزول و مغلغره یه نفی
 وانه قتل اولندی سنی سکساندن متجاوز ایدی منعبلر نه نجه ظلم و فسادات ایدوب
 صوفی لک یوزدن کورینوب خلقک مال و جاننه اضرارده ترحم ایتیب صلاح و تقوای سی
 دام تزویر و یالیدی مجرد فتوی ایله برینی کتور سه لر صوجل و صوچ سز الینه دو کیلور

و سیاست اولنوردی دکنک و یاسیاست اولنورکن خلق شفاعت ایتسون دیونمازه
 طورمغله افواه ناسیه استهم اربولش ایدی قره مصطفی پاشانک تجر و تسلطندن خوف
 ایدوب دفتر دارایکن جبلتینه اولان فساداتی اجرا ایدوب مدی لکن صکره وزیر اعظم
 اولدقد عالمی بربرینه قاتوب نفسنده صاقلنی دکر مننه اغرتمش تدبیر اموردن بی خبر
 معارف وادراگدن نهی رغنی قوجه ایدی امانه نرافندی ووجیهی و سائر امور خلوکاتب
 چلبی یه مغایر یا زوب پاشای مشارالیهی مدح و ثناید لر لر محله قدرمعلایه قدم باصمیش
 ایدیکم زمان دولت ابراهیمیه ده اولان پریشا نفقندن بیت ایتزدی جزرومدنی بر جای بحر نیله
 ایراد و مصرف اولمشیدی ضبطدن بری اجرای قانون قدیم عثمانی به رغبت و تحصيل
 اموال سلطانیه بذل قدرت ایدوب تدبیر صائب ایله زمان قلیلده خزیننه عامره یی
 مالا مال و یغما کران دولتک دست تعدیلرین کوتاه ایتیکله پر ملال ایتشار ایدی
 مزرع اماله تخم ارثشا الکت واستدکاری کی کسوب بچمک مراد ایلان دولتند لر مذکورک
 حکومت حکیمانه سنه راضی اولموب عزلنه اتفاق ایله تشییر ساق ایلدی لر اندرون هما یونده
 اولان خواص مقریینک میری یه مضرو قانونه مغایر جالرین دیکلمیوب قطع اسرافات
 ایتدیکی ایچون انلردخی عزلنی استر لردی طشره ده اولان بدخواه لریله متفق اولوب
 عزلنی رکاب هما یونه عرض ایتدکار نه طرف سلطنتندن مذکور له مخالفته امکان اولمغله
 عزل اولندی پاشای مرقوم قتی چوق اسرافاتی قطع ایدوب نامستحق لک وظایفن کسوب وقتک
 مساعد سی مرتبه مصرفی تقلیل و ایرادی نکثیر ایدوب کرید جانبنه امداد ایشدریمکله
 و مکمل دو تنما چیقار مقدره قصور ایتماش ایدی عزیز افندی تاریمچنده درکه
 پاشای مزبور برابکی سنه وزیر اولوق میسر اولیدی خزانه پادشاهی مال ایله ملو
 اولدقد تصکره دولت علیه نک مصارفی ایرادک نصفی مرتبه سنه تنزیل اولنق مأمول
 ایدی لکن نظام دولته ارادت علیه الهیه تعلیق ایتد بکندن اولیله بردست و نافع غدر حساد
 ایله ضایع اولدی عزیز افندی پاشای مشارالیهک عزلنه والیه حضر نلری سبب
 مستقل اولدوغنی یازوب کندونک یاوغار مسنشاری اولمغین مدحنه بر مقدار اقراط
 ایتشار درکاتب چلبی ایله مورخ نسخه شارج المنار زاده دم و قدحی طرفنه ذاهب اولمشلردر
 فقیر یرمکه وزرای عظامک و سائر اکابر حکامک جمیع اخلاق و افعال جمیده و توجیهات
 و تصرفات امورده هر حرکتی بسندیده اولوق محالدر مدح و ثنایه شایسته نیجه اموره
 موفق اولور سه اختیاری یا خود قسری نیجه اطوار مذمومیه ده لاحاله مصدرا ولور
 زیرا عدل صرف واعتدال محض عهد نبوی وعصر خلافتدن صکره کلینیجی اجرا
 اولنوب هر امور ماوضع له وجهی اوزن کور ملک قتی نادر واقع اولمشدر خصو صاکه
 اختلال دولت وقتنه تباین اهو و تسلط شرکا اولدهر مصالحتی کاهوه حقه کور ملک
 نیجه متصوردر مقتضای عصره کور احسن وجه اوزن کور لسه ده یینه طعن معترض و شماتت
 حساددن تخلیص کریان ممکن دکلد رپس بروزیرک انعام واجساتی کورنلر وعصر نه
 بعض مرتبه ایشه قاریشوب دولتندن حصه مند اولنلر محاسنی طرفن طوتوب مدح

و ثنائین ایدروسنر اوار مدح اولان احوالی یازوب الی انقراض الزمان خیر دعا ایتد رملک ایچون
 وضع اثر ایلر امداد و لتندن حصه مند اولموب محروم قلنلر بلکه مغدور و متضرر اولنلر
 دائما عیبی طرفنه ناظر اولوب اشاعت تقایص و معایب ایچون تقریر و تحریرده دم و قدحی
 جانبته ذاهب اولور لر والله اعلم کاتب چلبی مرحوم ایله مورخ محمد پاشا عصر نه طریقلرنه
 سودمند و دولتندن جزئی و کلی حصه مند اولدق لریچون طرف خلافتی طوتوب
 دم ایتشار درتیه کیم عزیز افندی مدحنه اقراط ایتشار تجا و زالله عنا و عنهم حرکت
 کورجی نی بجانب آستانه چون کورجی نی اطرافه آدم لرو آلای بکرنیه مکتوبلر کوندروب
 کندی دخی نیکلر دن چادر لر ایله طشره چقدی و نیکلر لی نوری بیک نام بر عتیق
 سیاهی یی و سائر اتباعی نیله قالدیروب منزل بمنزل قونیه جانبنه یوریدی اطرافدن سیاه
 دخی کروه کروه کلوب یوما فیوما از دیاد بولدی یمن و یسار سیاهی و سائر ارباب قریله
 سردار طرزنه آلای قوزوب شوکتله قونیه یه داخل اولدق قونیه سیاهی لری دخی
 چقیوب ماحق اولدی لر و اطرافه آدم لرو کوندروب جبر و قهر اخلقی قالدروب مخالفت
 ایدنلرک ماملکن غارت ایتد یرردی وزیر سابق صوفی محمد پاشا طرفندن بر قاج دفعه
 پند و نصیحتی مشعر مکتوبلر کیتیش ایدی وزیر جدید مراد پاشا دخی بر قاج دفعه
 نصیحت نامه لر ایله آدم لرو کوندروب لکن بروجهله قبول ایتموب کتدکجه جمعیتلری زیاده
 و عناد لرنه قرار داده اولمیرله نکرار وزیر اعظم کند و طرفلرندن مکتوبلر ایله قره مصطفی
 پاشا اغارندن مشهور رجب اغایی نه ارسال ایدوب بوجعیت ایله حرکتدن مرادک بدر
 خصمک اولان قوجه پاشانک حقندن کلندی شمدن صکره جمعی طاغدوب کیده سو
 دیو نصیح وینده متعلق جوابلر کوندردی رجب اغاوار دقده یکی جامع وقعه سنه
 یوقدر یولد اشاریز دوستدی و نمازی قلندی یوقتنه یه باعث اولان پاشا کتیش لکن سبب
 مستقل اولان مفتی نک دخی حقندن کلک ایچون دعوا مزری حضور یا دشا هیده
 کوررز دیو جواب و یروب و بو مضمونه متعلق مفصل عرض و محضر یازوب رجب اغا ایله
 کوندردیلر جمادی الاولینک اون التیسنه رجب اغا کلوب بوخبری و یروب کتر نلری
 سوبلش ایدی قاطر جی اوغلی دیدکاری شقی قطع طریق و غارت و خسارت مثالی
 نیجه فساد ایدوب بولا و ادین یاشدن کچوب جای قصیه سی اوزینه وارد قده قره حصاری
 مشهور عیسی اغا برادری انده اولمغله جمع رجال ایدوب مزبور ایله جنک ایدوب صندر دقده
 مکرر امر زاده کرما و والرنن جای قصیه سنه آتش اورمغله شاشروب بالاخره یوزوب
 قصیه بی غارت و احراق بالنار ایدوب اندن قشهره و اروب صوباشی باغچه سی نام جوزلکله
 قونوب بتون اعیان شهری طلب ایدوب وائمه و مشایخ کلوب بولشوب هزارینا ایله شهر لری
 شرندن تخلیص ایچون اوچ بیک دور تیوزریاله امان و یرمک اوزن کسیشوب مبلغ مزبوری
 تمام اجمع و تسام ایتشار ایدی اندن قالقوب کورجی نی نک خروجی استماع ایتد کله
 یوکروه ایله یا ساحل نجاته چیقارم یا نتیجه کان دک آتوب طوتارم جمعیتلوجه بولنق
 معقولدر دیوب کلوب دور تیوزمقداری لوندی ایله کورجی نی کروهنه ماحق اولدی کورجی

بنی دخی تلقی ایدوب جانب سلطنتیدن شفاعت و جرمائی عفوایله مظهر رعایت ایند رملکه
 متعهد اولوب بوتقریب ایله زمان انقیاده ربط ایدوب قوت و شوکتی بونا انضمامیله
 تقویت و تکثیر ایلدی مشورت بکتاشیان در آستانه جمادی الاخره نك اون یدنجی
 ائتمین کونی تریع نحسین واقع اولدی زخل جو زاده مریخ سنبله ده ایدی بواشاده
 وزیر اعظم مراد پاشا و زیر سابق محمد پاشایی و کتخد استی و دفتر دار مراد افندی بی قتل
 ایدوب دفع فتنه ایچون مفتی عبدالحکیم افندی نك دخی عزل نصیم ایشیمکن انطولی
 بکمر بکیمی بونی اگری محمد پاشانک کتخداسی منزل ایله آستانه یه کلوب حلالا کورچی
 بی اون بشن بیکدن متجاوز لشکر ایله وقاطرچی اوغلی محمد و قزاحمد و نجه بونلر امثالی
 سر لشکر استقیا ایله کوتاهیه قریبه التون طاش نام بحرایه نزول ایشملر تدار ککر کورک
 دیو خبر کتور مملکه مصلح الدین اغا و بکتاش اغا ایله وزیر اعظم سویلشوب اگر بونلرک
 هجومی سیاقده مفتی بی ویرسک بونلر خوفزه حمل ایدوب بزلی دخی استمه لری
 مقرر در دیوب عزل مفتی یه اولان غریبی فسخ ایدوب البته محاربه و مدافعه لری
 لازمدر دیوسفر تدار کتده قرار ویرلدی وحید راغازاده کتکر ارقبه التنه او تورمش ایدی
 سردار تعیین اولوب اولابکچریلرک اسکیمیری کتسون دیلوبینه سپاهی ایله اتفاقاری
 توم اولنغله یکی قبول لازمدر دیوبدر کاه اولنغی معقول کوردیلر جمادی الاخره نك اون
 طقووزنجی چهارشنبه کونی پاشا قیو سنده مشا و فرمان اولوب جمله وزرا و مفتی
 و علما و بکچری و سپاه و سائر طوائف عموما مجتمع اولدیلر اول کورچی بی طرفندن کلان
 محضر قرائت اولوب مضمونده الحمد لله بزه مسلمانلر و یادشاهک حرم خاصندن
 یحکمشنر اول ظالم و قاتل محمد پاشا ناحق بره بزی قروب خصو صابو نجه زمان حرم خاصده
 خدمت ایش جالب یکتلر نك قانون اوزن ایشملرین استدکار یچون قاتلرینه کیروب قتل
 ایلدی و حقمزده کافر لری واجب القتل در دیوفته و ایلدی اول فتوایی ویرن آدم قتی
 کتابدن و نه مقوله جرمه بنایدوب نه کونه مسئله ایله ویرا شد ربطا بزه بیان ایشسون و نه سبب
 ایله قتل ایلریمزک اوزر لینه نماز قلدر میوب کافر دن طو تیلان دللر کی قتل اولوب لاشه لینی
 عربلر ایله دریایه دو کدیلر و کفر و قتلز نه مسئله ایله حکم ایلدی شرع الله شرع الله
 شرع الله دیو از مشلر بو مضمون قرائت اولندی هیچ جواب ویرلیموب اولحل بکچری اغاسی
 قره چاوش فتح کلام ایدوب دخی سپاهیله توجیه خطاب جهل نصیب بیوردوب بقه
 سپاهی یولد ایشلر سز یچون اول عامی حربلر ایله مباطنه و اتفاق ایدوب بو مقوله کاغد
 کتور در سز علوفه نه سیله کلان سپاهیله منلر یکرده صقلر سز تا که بزنا نلر اوزر نه
 کتدی یکرده بوند خروچ ایدوب بزم بوند قلان یولد ایشلری قتل ایلیه سز دید کلام
 وجوه سپاهدن صالح پاشا قریداشی ذوالفقار اغا و روزنامه جی و سائر متعینلری بالاتفاق
 جواب ویروب حاشا که بزنا نلر ایله اتفاق ایدوب و خبر کوندن ووزو کاغدی بز کتورنش اوله یوز
 و سپاهیله اولی عزه صقلایه ووز بزم یوله ایشلر دن اصلا خبر ییز یوقدر بزنا دشا هک
 و کلا سنه مطیع عصیانم یوقدر اعتماد ایشلر سکر کلام اللهی کتورک که اللهک کسکین

قلجیدر زمین ایللم دیدیلر قره چاوش صورت غضب و جبر و تله سزک ییکر نه اعتبار
 بز سزک سوز یکره و ییمینکره انانمز دید کلام سپاهیله جواب ویروب اینانمز سز سز یلور سز
 الحمد لله تعالی بز مسلمانلر زاینانمز و زمین ایلر ز که اصلا انلر ایله خبر لشدن و بو دید یکر
 مهمتزدن خبر ییز یوقدر دید کلام قره چاوش باوک اغالی نه یوز طو توب یولد ایشلری ییزی
 ضبط ایدوب استقیاسی بوغوب دریایه اتار سز یچون یولد ایشلری ییزی ضبط ایشلر سکر
 دیدی باوک اغالی دخی جواب باصواب ویروب بزی و کلا یادشاه بو طائفه یه اغانصب
 ایندیلر کلانلر علوفه سین ویروب بوند حکم ییز التنه اولنلری ضبط ایلر ز طاغده حمراده
 کزن حربلری نجه ضبط ایللم و انلر سپاهی ایدی کی بدن معلومدر دیواسکات ایندیلر
 اولحل قره چاوش ایلدی بز انلر ایله جنکه کیدر سز دخی معا کیدر میسز دید کلام سپاهیله
 بردن اغرا جواب جمله کیدر زردیو جواب ویردی قره چاوش ایلدی اول سز ایلر واز نکمیدل و ارمق
 کمر کسز عقبکزدن بزدخی و ایز دید کلام سپاهیله بردن اغرا جواب یوق یوا و لمر که بز ایلر و کیدوب
 سزارد ییزی اله سز و کورچی بی سز و انقیاد ایشلر کیدر شدی افتر ایشلر یکر کی بزی انلر
 ایله متفقدر یومتم طو توب قفانز آلوب قره سز هر کیم سردار اولور سه بزم اغالی ییز
 ویراغمز سردار یاندن ایرلر نردخی بیو اغمز التنه اغالی ییز یا تده سردار ایله معا و بکچری
 یولد ایشلری ایله آت باشی برابر کیدر زدیو ختم کلام ایندیلر انلر اغا و نوب بکچریلر
 خطابا یولد ایشلر کیدر میسز دید کلام او طه باشلر و اختیارلر اغا یلدوب اغامز قده کیدر سه
 معا کیدر زردیلر انلر بکتاش اغا ایاغ اوزن قالقوب اللهمز برمی برود نیمز برمی برا کر ز شدی
 استدکارین ویردسک صکره نری دخی استیوب مراد لری اوزن عالیه و مناصبه مستولی
 اولور لر دیوب بر قاج مقدمات بی نتیجه و کلمات جاهلانیه نامفهوم سویادی اولحلده بخط
 همایون و رودایتدی علما قرائت اولند قده مضمونی بکچری و سپاهی قوللریمک بینلرین
 اصلاح اید سز یورلش کورچی بی و اتباعی حقمزده قریق اوزن مجد د اتسوید ایدوب
 حاضر لد قری فتوایی چیقاروب حاضر اولان علمیه امضا تکلیف ایشلر کلام قره چلی زاده
 محود افندی که دولت و وجاهت ایله بین العلماء منجم الجنان ایدیلر اعراض ایدوب هله کون لم
 حریفه نصیحت اولنسون شمدی امضا اولنمز دیو جواب ویردی عزیر افندی میدانه اتیلوب
 سز یومشورتی و فتوایی ایدر سز اما بر کوه خلقت افواهنه دخی قولاق طو تیک کورک نه سویلر لر
 اول طائفه شرعیه سوزیمز و ایدوب یوقدر جمعیت ایله کلور لر کن ویرفردک مالنه و عرضنه
 تعرض ایشوب کتد و طالریله مقید ایکن نجه جلالی اولور لر دیو بر خوشه فکر ایلک
 دیوب دیوان بوزلدی کاتب چلی فدلکه ده دیر که اوجاق اغالی بالجمله سپاه زمره سنده
 و باوک اغالی نه و اختیارلرینه خطاب ایدوب کورچی بی خروجنل سزک دخی صنع ویرا یکر
 وارمیدر بکچری و سپاهی سفر لده دو کشه چکشه کلشد رویکی جامع وقعه سنده مدافعه
 بالسیف اولوب بر قاج آدم دوشمکه انتقام قصیدی ایچون سزک دخی فکر یکر و قصد یکر
 وارمیدر و مجد دینی آشکان در مقصودلر بکر بویاسه سویلک دید کلام سپاه دخی
 مقتضای حال اوزن جواب ویروب دیدیلر که بز یادشاه مطیع امر یادشاهی یه اطاعت

ایتمیده قارشمن زوزم انلر ایله رای و تدی بر من یوقدر دیو جمله سی میمن ایدوب پس بوند نصبره
 کورجی بنی خروج علی السلطان ایدوب قاطرجی اوغلی دید کاری قطاع طرفی
 استقاسیله یانته آلوب فسادا اتفاق ایتمکله عصیان مقرر اولمشدر بعد الیوم ترک
 عناد ایتمز لسه کندینک و یانته یوللار ک قتلاری اچون عهد و اتفاق ایتمک لری حجت
 ایتمدیروب قاضیه عسکر لره و سائر علمایه امضا لیدیلر و جیهی دیر که سیواس بکلیر یکسی
 ابشیر پاشا بوضو صدمه مقدما سر دار تعین اولنوب اناطولییه اولان امر او بکلیر بیکلیر
 ایالتلری عسکری ایله ابشیر پاشایانته واروب کورجی نینمک جمعیتلری پریشان ایتمکچون
 مؤکدا و امر متعدد کوندرلشیدی مذ کوردخی اوزر لینه عسکر حواله اولندیغندن
 خبر اولد قه بروسه یه غریمتن مصمم ایدوب ذخیره جمعچون مقدم بر ایکی بیگ آدم ارسال
 ایتمدیکنی اهالی ولایت عرض ایتمک شهر مزبوری محافظه اچون ادوات حرب ایله بر مقدار
 آدم ارسال اولمشیدی شقی مزبور بروسه یه کلدن فراغت ایدوب اون بیگ مقداری آدم ایله
 اسکدر ان عزیمت ایتمدیکی مقرر اولد قه استانبول مشورته مشروع اولنوب سپاه
 زمهره سنه یمن و یریاوب معاهده وقوع بولمشیدی کورجی نینمک خروج علی السلطان
 ایتمکله عصیان مقرر اولمشدر دیه نفیر عام اولنوب شقی مزبور ک حقندن کله دیونکرار
 ایالتلره امر لر کوندر یلوب دردولتدن طاو قچی پاشا مستقلا سر عسکر تعین اولنوب
 اسکدر ان کورلدی و رجب اغاسیپاه اوچاغندن و سائر وکلادن نصع و پندی متضمن
 مکتوبلر ایله کیر و کورجی نی طرفه کوندرلدی جمادی الاخره ده سر عسکر اولان
 طاو قچی پاشا بر مقدار سوار و بر مقدار یکچیر یلر از نکمیده واروب یکچیر یلر یول اوزرینه
 خندق کسوب متر سار آلدیلر و کلان عسکری کورمک ملاحظه سن ایتمدی لکن
 کله جک عسکر آغر عسکر اولغله اوکته سد مانعت چکوب طور مق حماقتند دیو سر عسکر
 کیر و دونوب یکچیر یلر دخی طاغلد بار اول محله قاطرجی اوغلی از نکمیده بولنان یکچیر یلری
 قتل عام اتمکجه مصاحت تیمر دیو ابرام ایتمکجه نیکمیلی نوری بک و بعض اختیارلر مانع اولوب
 خلاف عاده کسنه نک قتلنه رضا و یرمدیلر ماه مزبور ک یکرمی بر جی کونندن قیو فرمان
 اولنوب اوج کون وافر یکچیری یاز دیلر و عامه یکچیری اسکدر ان کچمک فرمان اولندی و توقع
 و اتفاق دخی اسکدر ان کچوب معتاد اوزن طوغاچی میدانته نصب اولندی ماه مزبور ک
 یکرمی بر ننه وزیر کچوب کندی اتباعیله چامایجه یولی کنار ننه قوندی سائر اعیان وارکان
 و معزول بکلیر و پاشا دخی مأمور اولدی بکتنش اغا استانبول محافظه سنه قالدی
 اگر چه استانبول دیوان اولوردی اما صدر اعظم دیواندن صکره و تاغنه اسکدر ان کچردی
 الی بیگ مقداری یکچیری و سپاهی و سائر طوایف بالجمله اون بیگ مقداری لشکر ایله
 ضابطلر و یکچیری اغاسی کچوب و طوایف دخی کچوب مترس و خندق قلع قازدروب اوتوردیلر
 و یورلدی ایله غلطیه ایکی بیگ استانبول و ایوبه بیکر اتمک فرمان اولنوب هر یوم
 میریدن اسکدر ان بش بیگ اتمک کچردی عجمی اوغلنلری عرض حال صونوب اوطه با شیلر
 اوزر و شته بقال و حالی یکچیری ایتمدی لری بزوجه زماند رخد متک یوز یولر جه بدر کاه اوله ام

والاعجمی اولنلغی دخی براغوب واروب جماللق ایلیوب اوزر و ش پید ایدوب اوطه با شیلر
 و یرز و قیویه چقارز دیمه لر لیه بد کاه فرمان اولنوب اغا استانبول کچوب عجمی اوغلنلر دن
 یولجه بر مقدار انلر دن و غریدن یازوب اسکدر ان کچردیلر استانبول قوروجی و اوتور اقدن
 غیری بر نفر قالمیوب انلر اوطه لر خراسنه تعین و هر کجه هر محله دن اوز آدم اون بشر
 آدم محلاته یاسماللق اتمک فرمان اولنوب طشهره دن کلان مسلح جوان و مندره جی
 و عز با مقوله سی سلاح ایله شهر ده کرمکدن منع اولندی ماه مزبور ک یکرمی اوچنده
 بوستانجیلر سلاح ایله اسکدر ان کچمه سنه نقل اولنوب کورجی بنی اوزرینه سردار تعین
 اولنان حیدر اغا زاده محمد پاشا ایلر و قوغش ایدی خوف لیلر کورجی نی یه کیدر
 بریوستانجی طوتوب صوبوب مکتوبی بولیب کندی و یی باغلیوب بوستانجی باشی یه
 کوندردی و کورجی بنی یه اندرون همایون طرفندن مکاتب وار مشدر دیو ارا جیف
 چوغالدی مورخ دیر که اعجاب امور دند که ارض وروم والیسی طاو قچی پاشای از نکمیده
 مقدمه لشکر شکندن کوندروب دریادن سفینه لر ایله اون بش اوطه یکچیری دخی ارسال
 اولمشیدی یکچیریلر انده مترس آلوب خندق ایچره طور لر کن قاطرجی اوغلی
 دور تیوزر یوش اولد و بر قاجیوز سپاهی ایله کلد که یکچیر یلر تفنک آتمه با شلا یحق
 قاطرجی اوغلی آت سوروب آتک یولدا شلر زم سزکله جنکمز یوقدر سزکله عداوته
 کلد ک دیلر لیه یکچیر یلر تفنک لری سلکوب متر سدن چیقوب زمهره مخالفین ایله اوتوروب
 ساحه محرابه مجلسلر قوروب قهوه لرا اچوب سو یاشوب ضابطلر نیک و حکامک
 مساویسنه متعلق کفت و شنید د نصبره بر قاج یکچیر یلری کیروده قوتان کورجی بنی یه
 کوندروب اولدی بونلر یولدا شلر سزکله جنک کلد ک احق بونلری نه مسئله
 ایله تکفیر ایدوب قتلر امر لر کوندر مشلر سوال ایدوب شرع شریف مقتضا سجنه معلوم
 اید نمک کیشدر و الا سز زم دین قریندا شلر یوز یولدا شلر یوز سز سزکله عداوته کلد ک دیو
 تطیب ایدوب ینه کیر و سالما معزز کوندردی یکچیر یلر دخی برالای ساده دل طائفه بونلر ک
 سوزی معقولر زمله جنک کله مشلر ناحق یه بونلر لیه دوکشوب اولدرمک و اولمک بچون
 غالب کلوب نری قرار لسه بچون ناحق یه اولور ز دیوب جمله سی اتفاق ایله جنکدن
 ال چکوب بر آتد لشکر مخالف ایله قرینداش اولدیلر و قدرغه لر ایله کوندریلان یکچیر یلر دخی
 اولجلر کلان یاقا شوب طوب و تفنک اتمق مراد ایتمکله برو طرفه حدت و غضبی ساکن
 اولش یکچیر یلر دن بر قاجی سفینه لره قریب واروب اتمک انلر ک زمله جنکی یوقدر سز
 طوب آت سکر انلر جمله مزی قرارلد یو خایقرد قلندر انلر دخی زم مزه کر ک دیو الارغه اولدی لار
 طاو قچی پاشا قاضیه نک بویه اولدوغن کوروب مخیر ایکن کورجی نیندن کندویه خبر
 کلوب اوغر یزده طور مسون یا منصبه یا کیر و لشکر کاهه کنسون دیملکله طاو قچی پاشا
 ناچار کیر و دونوب کلد یکمک اصلی بولیش دیو نقل ایدرو کورجی بنی طرفنه نکرار نصیحتی
 متضمن مکتوبلر ایله کوندریلان رجب اغا جمادی الاخره نک یکرمی بشنده ایلر و کوندریلان
 عسکر ایله کلوب صدر اعظم و جمله ارکان دولته مکتوب کتوردیکه کورجی بنی نک مقدمه

دعواسی شیخ الاسلام و او غلینک قتل ایکن بود فعه عزله را ضایع و لوب بکچر پلایله بار شد ق
و باحوال مری پادشاهه عرض ایتمیزی رجایله رز دیو یازمش بو طرفدن ینمه مساعده و انیمه یوب
صول علوفه جیلر کنجی اسی طوبله باشی بلوکلردن برچاوش کوندی یوب شیخ الاسلام عزلی
طلبه ندن فراغت و جمعیتی بر طرف ایتمی سونلر دیو جواب ویرادی چون کورجی بی عسکری مال دیه
و طوبله بی کوب مایینده قاصد ل آمد شد ایتمیزی بکچری اغاسی البتله جنک اولنسون دیو
ایرام ایوب سپاهیله طوبله یازمجه بکچر یازمجه ایلمر و قونق فرمان ایوب عسکر
معهودی ایلمر و قونق روب بکچر یازمجه و قونق شلرایدی کورجی بی طرفندن جواب معقول
صورتلو سوزلر بکچر ینک مسعودی اولوب سپاهیله اتفاق ایوب جنک وقتالندن
اعراضه قرار ویرمیشلر ایکن اغاوو زیر خیمه اولد قلرند بر خط هما یون اصد ار اولوب
قرل و صاری بیراق اغاری چادر لرنه قرأت اولندی مضمونی بویایدیکه سز که سپاه
قوللر مسز اجداد مه خدمت ایتمیزی بکچر کی لالا مه مطیع اولوب مخالفلایله جنک ایلمر سز
بر حریف سپاهیله یازوب ملکمه لشکر چکمش بنم ملکمه علاقه سی ندر البتله حقندن
کله سز دیو یازمشیدی زیر اسپاهیله الیورمک عشوه سیله کورجی بی قرل و صاری
ایکی بیگ بیراق کسوب حاضر لایم شایع ایدی اما چون دونکی کونه دک حضرت رسول
الله صلی الله علیه وسلم علم شریفی رسن ویرمکه پادشاه امتناع ایتمش و بوامتناع والده
معظمه نک دسیسه سنه جل اولمشیدی حتی اشین کونی قییب زیرک زاده عبدالرحمن
افندی سادات ایله سرایه واروب والدینی تهدید تام ایوب رسم علم شریفی الوب
برواسکندن کتورمشیدی قرراغاسی قییب افندی یه صورت غضب ایله افندی
حضرت علم شریف کفار اوزرینه چکله کلشدر مسلمانلار اوزرینه نجه ویریا و بونه اصل اشدر
دیوخیلی ممانعت ایتمشیدی زیرک زاده سوزیلور بر زبان آورکسنه اولغله نه دیدی ایسه
دیوب آلوب کتوردی و کورجی بی اوائل حاله مراد پاشا ایله خواجه داسلر اولوب حتی کورجی
نیمینک میری یه یکن اچه سنک زوزناچه صورتن الیورمک ایچون صوفی عجد پاشادن
مراد پاشا اغالیکن رجایله یوب محمد پاشا نک اچه سنی هزارپان احمد پاشا الیدی مال قارونه
مالک بر زور با اصلا جغه یچون حمایت ایدرسن دیدکده مراد اغا سلطانم هزارپان نک دخی
جمله مالی میری یه کلدی بوازاچه دکدر بوقدر جریمه بی چکمه کورجی نیمینک یورجی
و صوبی ندر دیو وافر نیاز ایوب رجاسی قبوله قرین اولماغله ارالرنه اسباب برودتن
برپسی دخی بوماده ایدی و کورجی بی بوجه سپاه جمع ایتمدن اوزرینه عسکر تعیین
ایتمیوب حالیا بی تحاشی بوبله مضیق کلدیکندن قوت قلبی وزیر ایله اتحاد و مباطنه
محول اولوب بولایم قییلند وزیر مفتی بی تبدیل عزیمتن مؤید حال ایکن حالا جنکه مسارعت
اولند و غی دخی منطقه تهمت اتحاد اولغین اصحاب تسلطدن اولان اغالردن تحاشی
ایچون وزیر بر خط شریف کتورتدی اما خط شریف اولد و غی ندن معلومدر دیو اصحاب
اغراض معنالر ویردیله قره چاوشک اقدامیله وزیر اعظم بر قاج بیگ آدم ایله سوار اولوب
کورجی بی اوردوسنه طوغری یوریدکده حیدر اغا زاده قارشو کلوب دولتلو

عجله ییورمک صبر ایکن شاید خیره متبدل اوله دیو قتالندن منع ایلمدی وزیر اعظم
بر مقدار اولوایله الارغه دن مخالفلرک اوردولرین سرپا کتوب ینمه کلدی حقا که جمله سی
صحبکار اون بش آدمک بر سینس خانه سی وار کورجی نیمینک غیری صاحب قطاریوق
انک دخی قطارلری جمله خزینه و تقوایدیکه عورتنه نیکده دن طلاق ویروب حیاندن قطع
امید ایوب اون بش ییلدن بری جمع ایلمدی مالی هب تقوایدوب یوکلدوب کلشیدی
وبیله کلنره خر جلق ویروب اشاهراهنه نان و طعام و وسائرلری اچه سیله الوب قطعاً
فقرا یه تعدی ایتمدر مردی وزیر اعظم و اغا برو جانبه بکچری و سپاهی یه قیون اچه سی
نامنه بشر اوزر غروشته و ارجه ویردیله و خاصه بکچری بشر غروش تقدایله بیگ بشیوز
سردن یکدی یازلیدی و بولیلله اربعاده وزیر اعظم بعد العشایوز قدر فقیلاری ینار تفنک
انداز ایله شهری کتوب حراست و علی السحر ینه اسکنداره یکدی جمادی الاخره نک بکچری
التخی اربعه کونی کورجی بی یه کوندیلان بلوک چاوشلری کلوب خبر و مکتوب کتور دیلر
مضمونی بویایدیکه بکچر کلک بزی نکفیر و دمنری اباحت ایتمه نک و حقی ندر معلوم
ایلمک ایچون کلشیدک و بومفتی اهل غرض اولغله تبدیلان التماس ایتمشیدک چون بو
ماتمساتمزدن بری قرین قبول اولمادی باری شوقا طر جی اوغلی دیدکری حریمیکه قطع طریق
ایوب حجاج مسلمان و سائر ابناء سیله غرری مقرر ایدی استمالته یاغره الوب شرن
امت محمد دن دفع ایلمک و سن بر مهادریکنسن رهزک سکا عیددر پادشاهمزدن سنک
ایچون برشی رجایله لم دیو کتوردک حالا سوزمزد اولماق ایچون مزبون و غراز احمد بر
صنحاق عنایت اولنسون دونوب کیملم آن یرده قان اولنسون دیو رجانه کوندروب و کندرو
ایچون ترکان اغالغی عرض ایلمه یوب قره حصاری سابقا سپاهیله اغاسی جمه جی زاده علی
اغای و با نجه لی احمد بکی بیله کوندروب عظیم نیاز ایتمشوز وزیر اعظم بورجارینه مساعده
و تجویز ایتمشیدی کاتب جلای دیرکه اول منزلدن لشکر سپاه کوچوب دریا کار یله کلورکن
حسین پاشا اغالردن چاتره یا تره زاده علی اغایه بر قدرغه ویریا یوب دریا کار ندن چکنره
طوب اتق ایچون کوندرلشیدی انلردخی بعید بردن کوب بولغورلی قرینه
قوندیلر انجق مزبور یا تره زاده طوب اتق نامیله استنهار تحصیل ایتمی و برکون مقدم
روزناچه جی مرحوم ابراهیم افندی کنجی اسی اوزون علی اعاقوجه پاشا مانده تدبیر امورده
مستشاری واریکن حالا التفات اولماغله طرف خلافت و کورجی بی ایله متفقدر دیه تهمت
اولغین بوسمه یه وطنه نفی اولندی غرایبندر که مقدم ارنکیمید جانبه کوندیلان
بکچر یازوب بوستانجی باشی طرفندن کورجی بی یه ایکی خاصکی واروب عودت ایلمی
برکوردک دیو اشاعت ایتمیله و رسم علم رسول الله علیه السلام ویرمکه والد سلطانک
وقرراغاسنک ترددی مؤید اولغله اندرون همایون خلقنک مباطنه سن تحقیق ایوب
بکچر یازوب همه دوستوب اول کچه اصلا کوز یوماه شلرایدی کذلک اوردوده اولان سپاه
وقعه سابقه دن درونلرنه عقده مقرر و بکچر یازمک بر نومه استیاسندن انلردخی زیاده
مشوش اولوب کمال توهمه ایدیلر وزیر اعظم دخی سابقدن برو کورجی بی ایله دوستلغی

اولدوقنه شاه طالع مزبورك بنی پروانلی وزیرایله سراتفاق و مباحثه یه محولدر دپومظنه مهمت
اولوب باججا اوردوده واركان دولت اولان اغار مجلسنده بوكامتعلق اراحیف شیوع بولغله
وزیردخی وحشته دوستوب جمله دن زیاده اندیشه مند ایدی حتی دونکی بلثا کونی
فکر اولندوغی اوزن بنوب دشمن اوردوسن سیر و ملاحظه ایدوب دونوب اوردویه
کلدکه بکچیری و سپاه آلا یلر بغلیوب وزیرك سلامنه طور دقله وزیر اعظم کمال و همندن
یا بر طرفنه عطف عنان ایدوب بکچیری و سپاه اول طرفه سکر دوب ینه سلامه
طور دقله وزیر یکا دخی عطف عنان ایدوب بالجمله اوج دورت دفعه یلدن صاپوب سلام
مجلسنه وارمغه جرأت ایتیموب عسکری صاغ و وصوله انعاب و بالآخره آت قالد یروب طولو
دیزکن اوتاغنه واصل اولدوقه بکچیری و سپاه دشنام ایدرك دونوب چادرلینه کلسلرایدی
حاصل هر طائفه زمره اخرا دن خوف اوزن اولوب ارباب دولتک جمله سنه وحشت
وهراس مستولی اولمشیدی چون جمادی الاخره نك یکر می التجی کونی کورجی بنی طرفندن
ورودلین بحالره مساعدیه قرار ویریلوب لشکر سپاه دخی باغورلی دیه سی یا ننه قونوب
ایرتسی اسکدن کلوب بارش اولق اوزن هر کس چادرلنه فاغ البال اوترکن و بر و طرفنه
هرض اولنان سبحانقری و اغالغک امری یازیورکن بواکی طائفه نك اتحاد و اختلاقی
نافع دکلدر نلری بر طریقیله دفع لازمدر دیه مخالفراغوا ایدوب وزیر اعظم دخی بالکتر
مخالفته جرأت ایتیموب تردد و تحیر اوزن ایکن بروسه دن معزول بریک فریاده کلوب
جلالیر بنی عویدی و ملا قتاله شروع ایتمشلردردیه وزیر اعظمه شکوا ایلدی مکر کورجی
بنی بنی خبر ایکن قاطرجی اوغلی و قزاز احمد بنوب کله جمه صائم نیجه اولور کوستره یم
یارانه مضبوطه فشار یلک ایلیموب بر قاجیموز اتلوسکبل ایله اول طرفه واران پراکنده عسکره
اولا شوب مزبور بیکه صتا شوب صویوب قاجر مشلریک شکایت ایتدیکده وزیردخی
اول معهود امرارک طغر اسن چکیمکه مشغول ایدی مصاحب و محرمی اولان قیون اوغلی
و منجم باشی سلطانم ایشر سهولتله بتکدن قالدی و سیف قینندن چقدی غیری
لازم اولان جنکدر دیو پاشای قالدروب جنکدر دیندا اولنوب جمله پاشا و بیکار و عموما
عسکر بنوب ماه جمادی الاخره نك یکر می التجی اربعا کونی وقت ظهر ایدیکه جنکه شروع
اولدی آلا یلر بغلنوب چرخه سرداری حیدر اغازاده محمد پاشایه بیورادی واروب یاتده
اولان قارص پاشاسی مرحوم سفر پاشا زاده لرک بیوکی رستم پاشا کوچکی ارسلان پاشادر
و کتغری دن معزول کتاغاج مصطفی پاشا و طرازاده شوهری مصطفی پاشا و روزه لی مصطفی
پاشا و اوغلی محمد پاشا و نیره پاشاسی محمد اسحق پاشا و حاجی محمد پاشا و مؤذین حسین
پاشا و بولیدن معزول امیر پاشا و حمزه پاشا زاده و عریکیری سلیمان پاشا و عمر پاشا زاده
محمد پاشا و سائر امر اووزرا جمله آلا یلر ایله یلر یور یور بوجمله دن کیر و سردار حیدر اغازاده
طوبوب لک اردنجه قیو خلقیله وزیر اعظم باغورلی طاغی اطرافنده طوروب دلی با شینی
دلور ایله چرخه امدادینه تعیین ایتدی و بکچیری ساحله سپاهی بکچیری یاتده
قرار ایدوب شویله که منینه ده بکچیری و سپاهی و قلمده حیدر اغازاده و میسرده

وزیر اعظم اولوب و چرخه یه تعیین اولنان پاشا لر طوا و قچی مصطفی پاشا ایلر
مسارعت ایدوب قایش بیکاری نام محله وارد قلمده اوتله طرفدن کورجی بنی دخی
عبر دار اولمشیدی گروه گروه سپاه آلا یلر بن دیزوب قزاز احمد اغایی سکر یوز
اتلوا یله از نکمید ده دمیدار قومشیدی سائر اغار ایله صفار بزه یوب قاطرجی اوغلی
هور تیوز مقداری جوشن پوش مسلح اولند ایله ایلر و چرخه جیلره قارشتو چیمقوب
و تفنگ انداز سکیب نلری پیاده ایدوب اورمان اراسنه تعبیه ایلدی کندی چرخه چی
اولوب آلا ی کوستردی ابتدا طوا و قچی پاشا و سفر پاشا اوغلی قاطرجی اوغلی ایله
قارشتولشوب اللشدیلر و بر جانیدن پاشا لر جمله یه بد ایدوب جنکه اهنک اولندی
قاطرجی اوغلی النده خشت جمله لر ایدوب طرفیندن بر قاج کسنده مجروح و مقتول اولدوقه
وزیر اعظم دلوری و سائر چرخه جیلر هجوم ایدوب قاطرجی اوغلی عثمان کردان اولدوقه
پونلر غافل اولدیلر نه دو شوب اورمان اوکنه وارد قلمده اورمان ایچنده در کین اولان
سکبانلرک هر بری یکر میشر اوتوز درهم فندق اتارلردی دفعه تفنگلرینه آتش و یروب
چرخه جیلردن وافر آدم دوشروب بوز دیلر بش التیموز قدر پاشالی و دلور خاک هلاکه
دوشدیلر سائر عنان کردان اولوب کیرویه فرایتد کلرند قاطرجی اوغلی همپا یله
هقبیکر لک ایدوب کندی و سی طوا و قچی پاشای خشت النده اوکنه قاتوب اول قاجد قله
سفر پاشا و غلنه ینشوب جمله ایتدکده بر نامدار ویرار پاشا زاده سن جا بادیه اور میوب
خشتی بر آخر شخصه ایدی اگرچه پاشا لر و عسکر بوجنکه مردانه لک ایتدیلر لکن اورمان
اراسنده اولان استقیالک علی الغفله تفنگکندن متضرر اولدیلر بوجاریه ده اسپر بیک
اسمعیل بیک مقتول و عریکیری سلیمان پاشا و قراج پاشا لر و سکر مجروح اولدیلر اگر
قاطرجی اوغلی ولوند تعقیب ایتسه لر چرخه جیلرک اکثر بنی هلاک ایتلری مقرر ایدی
لکن بکچیری آلا یلری گروه اولغله کورند کلرندن بوجویه قونلش صانوب انلر دخی
کیرویه دوندیلر اول محل چرخه جیلردن بوزلدی دیو حضور وزیر فریاد جیلر کلد که
یکچیری طائفه سندن اغا با و کلری پاشا قولنه حکم فرمان اولنوب و پاشا جمله عسکر
ایله یور یوب چرخه یه امداد ینشوب وقت ظهر دنکه اول مباشرت جنکدر اصفرار
شمسه دکل جنک و حملات بنی در پی ایله عالم نك اولدی خصوصاً حر هوا وقت مادن
لشکره عطش مستولی اولوب استانبولدن سفار کتورد کلری قرق چشمه صوی ایله
تسکین عطش اولوب زحمت عظیم چکدیلر کتب چلی دیرکه برو جانیده اتحاد قلوب اولما غله
انهمز امه قریب اولمشلرایدی حتی سپاه و ساحدار قاضی کوی سمته سر عسکر ایله
طوروب بکچیری آلا ی باغلر ایچنده یا بلش ایدی سردار بکچیری آلا ی اوکنه اوغرا یوب
احتمالت ویر دیلر و بمر تبه قتال اولق انصافیدر دیو بعض سوزلر سولیموب وزیر و سردار
استماع اولندی چون اخشام ایرشدی کورجی بنی و قاطرجی اوغلی دینوب چون مرادیمزه
تعمیت اولندی بوجه یره مسلمانلر برلر بن نیچون قرار اولو الامرایله مقاتله نزدکلدر
دیو دونوب چادرلره پیله اوغرا میوب کیموزه طرفنه رجوع ایتدکده کوجه جمع اولوب کلان

طائفه بود که و بهانه کورجک پراکنده و پزیشان اولدیلر و لاجل اجلاف لشکر دن گروه گروه
سکر دوب مخالفین چادر و اثوابلرین یغمالیوب و عقباردن ایرشدن کورجی کسوب و طوب
باشلری و کورفتارلری وزیر کتوردیلر و طوب و تیلانلردن بر قاجی سپاه بولغله اغاری چادرینه حبسه
کوندریلوب اولوند مقوله سی قرق بش مقداری آدم طعمه سیف سیاست اولدیلر و باش
کتورنلره وزیر بخشش و بر مکه کیده رک باش چوغالدی باشاملا حظه ایتدکده باشک بری
کند ولوندن قاسم نام کسنه نیک کله سیدر بره قبه اوغوللری بوزم قاسمک کله سیدر دیو
برخوش نظر ایتدیلر کلان باشلرین اکثری بر و تابدن دوشنلرک باشلری ایدیکی معلوم
اولغله ارتق بخشش و بر میوب دونوب اول کجه آورد و کاهده آرام اولندی طرف مخالفدن
قتل اولنان علی اختلاف الروایات یوزه قریب و بر و تابدن مقتول اولنلری بیکه قریب ایدوکی
محقق اولدی فذلکه ده بیگ بشیموز قدر و تابدن قتل اولندی دیو بازار و مخالفلره ثبت
و اتفاق کله اولیدی و اول کجه طاغلیوب سحری قتاله معاودت ایدرلردی حال مشکل
اولوردی اما غنایت حقله مندفع اولوب کورجی بی و سپاه یولسزدن و دپه کیدوب
ککبوزه یه اوغرامیوب آخریه لدن ازیکمیه چیقوب قزاز احمد ملحق اولوب اول دیان
بر قاجیک ریال مال امان صالوب و اولوب بعد الیوم اناطولی بزم کوتاهیه ده او توررزوم
ایل سزک دیو بر و تابه خلطیاته متعلق اخبار کله کله وزیر اعظم و سر عسکر ایکی کون دخی
اسکدارده محافظه صورتلده او توروب چاذی الاخره نیک یکر می طقوز بی کونی وزیر جمه ایل
استانبوله کلدیلر و یو جنگ جمه باشالور ایل اولوب بیکچری و سپاهی قطعاً مباشرت
ایتدیلر کاتب چلبی دیرکه کورجی بی جمعینده اولان از نکمیدن قلقوب هریری ولایتنه
کندی کورجی نیکمیه قاطرچی اوغلی سکود طاغنه قزاز احمد اقشهره و سائر
دخی مکانلرینه طاغلیوب وقعه بوجله آخر اولدی بو خلافک ثمره سی بواولدی بیکه
سپاه طائفه سندن اوجاق اغالینک و اتباعنک یکی جامع وقعه سندن بروکاه بونلرک
دقتلرینی یا قوب اوجاق اغالینی سوبندرمک کر کدر و کاه سپاه بدل بیکچرین
یکرمی بیک اتلوعسکر ایتک مناسبدرید کوری لغو اولوب بودفعه ده سپاهی دفعه چون
عموم اوزن آل عثمان عسکری اسکدارن کچدیکن کوروب سکوت ایتدیلر و من بعد کنایه
و تعرض وادیلر بر طرف اولوب درد مند کورجی بی کرچه بوبولده باشی و مالی فداییدی
اما غله اچاقلره بو قدر جه خدمت و خلعه کوسستیش ایدوب خلقی سپاهیلکه میل ایتدردی
صکره حسن باشا جمعیتی بوکاتا کید واقع اولوب بیکچرینک طفره سن بر طرف ایتدیلر دیو
کاتب چلبی فذلکه ده بوبوله یازمش و سپاه اوجاغنه اسننهار ایل خیل طرفد ازلق ایتشدن
بو وقعه دتصکره ممالک محروسه ده اولان حکامه کورجی بی ایل قاطرچی اوغلی و قزاز احمد
نام شقیلهر قنغیکرک تحت حکومتنه وار رسه جزامن و یروب رأسن آستانه یه کوندره سز
و ماعد اسنه نعدی ابایه سز دیو موکد او امر شریفه کوندردی قتل قیوچ موسی پاشا و ایل
بعد ادادار السلام پاشای مشار الیه دولت ابراهیم خانی شهرامانی خدمتده ایکن شکر یان نام
مصابحه یه انساب ایل کسب شهرت ایدوب وزارت ایل بیکچری اغاسی بعد دفتر دار اولشدی

صکره قیو دالتق وریلوب بعد العزل صالح پاشا قتلند تصکره مهر وزارت بوکه ارسال اولتیش ایکن
هزار یان احمد پاشا علیه تحلف ایتدکده بغداد کوند رلشیدی برایکی کون روز کارده تحصیل
شهرت و شان ایتکله تعین کسب ایدوب مهر آرز و سیله دماغی مالاً مال اولوب استیلای
طمع د امانی ایله سر مست غرور و جور و ظلم ایله ادخار مال زیاده جسور اولدیندن بغدادده
ایکینوزدن متجاوز و متمول کسنه لری رافضیلک تمثیله و بعض بهانه ایله قتل ایدوب ماللرین
الدینی تواتره بالغ اولشیدی خصوصاً شاه بندر خواجه حسب الله نام عجمک برادر بیکه وزیر
مراد پاشا بغداد اغاسی ایکن قریب استغنی ایدی حبس ایدوب مراد اغا ایله اخوتی واردردی یوب
رجا ایدلری اسلیوب بالاخره قتل و اموال فراوانی قبض ایتشیدی و مقدمه بیکچری اغاسی
ایکن مراد اغا نیک یرینه برنجی زاده بی کتخد ایتدکده مراد اغا نیک بر مقدمه ارماندن مفارقتی
و قیو دالتق کلدیلر وارد قده مراد اغا یه بعض عتاباتی سبق ایدوب بیدلرند قدیمی کینه
و منافرت قلب مقرر ایدی مقدمه بغداددن قیو جیلر کتخداسی معمار مصطفی سنه
مکتوب کوند روب آستانه ده اولان اختلال معلوم اولدی مقدمه فلان شیخ
و فلا بنخاز بکا اغا و پاشا و لاجمعی خبر و یروب سوزلری کرچک چقدی و حال استانبوله
واردیغمزده صدارت عظمی به نائل اوله جغمی دخی نبشیر ایتدیلر غافل به نیه سن
اندرون همایه نده نافذ الکلام اولنلره تردد ایدوب سعی عملدن خالی اولیه سن دیو سودای
محال و باطل خیاله مبنی بومقوله خلطیاتنی قله کتوروب معمار مصطفی سی دید کوری دخی
بر سفیه سکاری سفیه بومقوله هر زو اتی کشف ایدوب پاشا سنی و کمد و نسلانه دوشردی
بغداددن مغزول اولوب اسکدارن کلدکده وزیر دخی کورجی بی مدافعه سنه مشغول اولغله
تمارض ایدوب وزیر وارمدی اندرون خلقی ایله قدیمی اختلاطنه مغرور استانبوله کوب
قیو جیلر کاتبی حسین افندی ایله خفیه مفتی یه و بعض یرلره واروب اندرون جانبینه موال
و هدایا عرض ایتدی دیان صدقاوان کذب شایع اولغله وزیر اعظم کورجی بی وقعه سن بر طرف
ایدوب استانبوله کلدیکی کبی غره رجبه مزبور موسی پاشای یدی قله یه کوندروب
و دیوانه حسین افندی بی حضور نه کتوروب قیو جیلر بچون تما ماعلوفه و پرلدی
دید بهانه ایدوب حبسه فرمان ایتدی و بن سکا موسی پاشانک اوکنه دوشوب قیو قیو
کزدردمی اوکرده عیدیه اقصای مافی الضمیر دخی ایلدی و جمعه کونی پادشاهی سلیمانیه یه
جمعه یه چقاروب شاه بندر حسب الله و بعض شکاکه حصیلر یا قوب رقععه لر صوب
قیو جیلر کتخداسی رقععه لری اشارت پادشاه ایله آلوب یدهما یونه ایصال ایتدی ایرتسی
سبب کونی وزیر اعظم اچ و پادشاه واروب ناخیس ایدوب خط آلوب بازار کجه سی
موسی ناشانی قتل ایلدی و حسین افندی بی مصادن ایله تأدیب و اطلاق ایلدی عزل
عبد الرحیم افندی و مفتی شدن بهائی افندی صدر اعظم مراد پاشا مهد علیا و الله سلطان
حضر نایله سوباشوب عبد الرحیم افندی نیک عزلنه قرار و یردکده یا کی مفتی ایدلم دیدیلر
بهائی افندی منجم باشی و ساطتیه مراد پاشا ایله محبت اوزن اولوب بیدلرند نهائی معامله
و داد سبقت ایتکله انلری سوق ایدوب حال این العالم فاضل هم وجود شریف مأمون

مأمون العائله كسند در جمله دن مناسب در نيكه ماه رجبك سكرنجي ائين كوني باي افندي
 اچره دعوت اولنوب پادشاه حضرت نري بالذات مبارك اللريله خط همايون يازوب منصب
 فتوايي توجيه يورديلر عبد الرحيم افندي معزول اولوب بكمي قدر چاوش ايله قوچي به
 قونوب طوچي لر قريبه اوغلنك چفتلكند كوندلدي وعقبجه حج شريفه كتمكه اجازت
 امري دخی ارسال اولندي مورخ شيارح المنار زاده عبد الرحيم افنديك مثالين يازوب قدحي
 وذي بابنه خيل تطويل كلام ايتمشد ربه محله تحريزي نامنا سب اولغله حذف اولمشدر
 خلاصه سي بوكه طبعي بر مقدار غلطات و فطاطت اون اولوب مخاديم و طر فايه مواسات
 ومدارا بيلز و حسن مدافعه به انعام نفس ايتيوب خاطر شكنل كند دقيقه فوت
 ايتمزدی وادعای فضل وصلاح ايله كنار لر دن كلان اهل علمه يوزور ميبوب استحقاق
 وسوم طريقه استعداد دن زياده رغبت ايدردی و محمد و ملری غلطه قاضيسي محمد چلبی
 مراسم عاميانه ايله احتشامه مائل وشمس سكسن آت و او تونوز قرق نو جوان خدمتكار
 صاحبي ذات شريف اولغين حسودلری تعرض و مذمت و غيبت ايدوب كا هيجه قوچي ايله
 مطنطن توابي ايله چفتلكند كند كچه سلطان محمد كچيوردیه حرف اندازلق ايدوب اوغلنه
 ابو قدر فرصت و بر ملك معقوليدرديه پد رينه طعن ايدرلردی جمله دن زياده سلطان
 ابراهيم خانك خلعه وولى نعمتى ايكن قتلنه سبب مستقل اولدى ديه طعن و دخل ايتمشدر
 واعداسى عزلتي استماع ايتد كند ذال البغيض ديه مسرور اولديلر چون بهايي افندي
 صدر فتواده متمكن اولدى شامدن معزول شيخ زاده افندي يى فتوى اميني تعيين
 ايتديلر اما بهر وجه مصالح الدين و بكناش وساير اوراق اغارلى معرفتيله اولميبوب
 عزل مفتيدن خبير اولد قلندر استشار وانكسار عظيم چكوب سلطان محمد واعظى
 شيخ ولى كذا غارلك استشارى اولغله ولى اغادرلردى انكله بريره كلوب سرا وضرا ده
 يارغار مزاولان عبد الرحيم افندي يى عزل ايتمكه سبب ندر و زميله مشورت ايتمكسرن
 بوامر خطيره جرأت ايتمكدن وزيرك بزه ده سوء قصدى اولق واردد بوسرا مشورت
 ايتد كاري شيوع بولدى و بواشاده بعض رايشلر شيخ الاسلام زاده محمد چلبى به ياشوب
 بعض مصالح تحتند ويدكاري اچيه يى استيوب و بوماه رجبك استانبول قاضيسى صنعى
 زاده افندي حضور نك مرافعه به فرمان اولغله دعوا لرين دكلوب و محمد و ملك الديني
 اچيه لرى اعجابنه رد اچون حكم ايتد كند محمد و محمد اغاز اضطراب ايدوب افندي بونه اصل
 حكمدردى صنعى زاده جواب و يروب بهي چلبى بوسنك بلد و كك مسئله دكلدروار شو
 مسئلنارك حق لر ينى و يرديو تجميل يوزندن طعن ايتد كند مفتي زاده قهر لنوب محمد الله
 او قود غمز بزه يتر هله ما بوناق ايله مشهور دكلدرديو قاضى به سرزنش ايلدى قاضى غضبه
 كلوب چلبى ما بونلر كند و عيبنى خلعه اسناد و افترا ايله نبرى اظهار ايتك اوله كلسدر مأيون
 اودر كه بكمي او تونوز زبردست دلير اوغلان بسليه ديوب غضبندن پاشا به واروب
 محمد و ملك خارج از ادب وضعنى عرض و شكايه ايلدى وزير تهو ايدوب بى عبد الرحيم
 افندي يى و محمد و نى و چوقه دارى مشهور مصطفى يى طو پال محرمك قليه سه قويوب

مكه قاضيسى منقارى زاده به رفا قتيله حج شريفه ارسال اولندي لر جبك نصيفه
 عصمتي افندي غلطه قاضيسى اولدى مقتولى كورجى نى و اتبا عش كورجى نى خاسرا
 اسكد اردن كير و ولايتى ستمنه كيدوب جهينى محل اولد قلعه قاطرجى اوغلى بچون
 وارميشكن جبك ايتيوب كير و دونك ديوانكده مناقشه و مفارقت ايدوب شوكت تام ايله
 سيلقه چكيلوب قطع طريقه مشغول اولوب مدرنى قريبه اطيه نام قصبه به قصد ايتد كند
 اول قصبه نك اترك بى ادر اكى مال و منال لر ين و اهل و عيال لر ين قلعه مثال بر قلعه ايجنه
 قويوب بى محافظه مجرد متانت بناسنه اعتماد ابر اغوب كند و لر طاغاه التجا ايتد كلر نه
 اول حرامزاده ايكوز مقدارى استقيا ايله كلوب قصبه يى او روب كند ايرين قتل
 و اوغلنى مجروح ايدوب قاجر و ب قتل و غارت و احراق و خسارت ايدوب و بى مدافع
 قلعه يى دلوب اموالى استقيا به بخش ايدوب ايكوز مقدارى عورتلرى لونداته توزيع
 ايدوب بخش عظيم ارنك كند نصيره ايكي حسنا قزلى ترانس ايدوب هيئت خلاصه آتاره
 بندر و بى سكوت طاعنه كيدوب بوشنا عتي شيوع بولدى و كورجى نى جنكند بيله اولوب
 وافر آدم قتل ايلان حرم همايوندن چقمه قز از احمد معركه ده بر مقدار مجروح اولمشيدى
 آقشهر ده كرفتار اولوب قيد و بند ايله آستانه به كتورلد كند پارمق قيو به صلب اولنوب
 برادرى دخی بيله اولغله سپساهى زمره سندن اولد و غي اچون يري پا لنوب كچه ايله
 زندانده بوغلدى چون كورجى نى و بيله اولان متعين استقيا نك حق لوزندن كلنك اچون
 حكام ممالكه و امر عليه كوند رلشيدى جمله دن مقدم قيو شهرى بيكي اسحق بيك
 جست ديره نوب قره بيكار قريبه اوز رينه واروب غافل ايكن باصوب اوق ايله براز جبك
 ايتد كند ن صكره هجوم ايدوب باشتى كسد يلو و تقرب اچون مزبور اسحق بيك كله يى
 در دولت كند و روب بر منصب اميد نك اولدى چندان مقبوله چكمه مكه مأمولندن
 نا اميد اولوب تصدور دن زياده ايلدى و جيهي ديركه مير مذكور خدمتى مقابل سنده فرمان
 ايلالى و يرلدى ديوب بازار اول شعبانده كورجى نينيك كله سى كلوب باب همايونه القا اولندي
 مشها ذت قيودان وينق احمد پاشا در كريد بوندن اقدام مشاير اليه احمد پاشا دونما ايله
 فوجه ليا نك كفار ايله چنكدن صكره جزا روتونس و طرابلس سفينه لرى و مصر دن
 نول ايله طو تيلان بور تيلار ايله بريره كلوب مجوعى قنديه الننه وارد قلندر قيودان پاشا
 كيملورى كنار يناشد ر ميبوب دريا طرفندن وساير عسكر قره دن اتفاق ايله قنديه
 قلعه سه قوشلق و وساير بوله قريب اولان بالبو ق سرون نام قلعه فتحه توجه ايدوب
 وارد قلعه رجبك بشي كوني بعون الله تعالى فخي ميسر اولوب حسين پاشا كير و مكاتنه
 عودت ايتد كند صكره قيودان طوب و اميد اطلب اولندي قلعه بزد ر يايه مأمور زرم
 مهماترا نجق بزه فا ايدرد بومساعده ايتد يكمن سردار غازى مغير اولوب زير مقدم
 سردار حسين پاشا عرض و محضر ايله دزدولته آدم لر كورند مش ايدى اول آدم لر كر يله
 واروب و زير سابق محمد پاشا نك مکتوبنده يازدىلان تسليتله مغاير اغزدن خير و يروب دو تما
 نه متكل چقد و غن سويلكده اعيان عسكر سردار يانه جمع اولوب سفره تعين اولنان امرا

و بکار بکلیه نگرار بر طریق ایله افاق اغا لینه مراجعت ایدوب قانقد قلیون و لغیجی ارسال
اولمیبوش بیک بکچری دفتری کوندری اوب موجودلی انجق ایکی بیک اولوب قندییه
محاصره سینه بکچری اغاسی والی باوک خلقی و جله عسکر کلوب زمه متفقاً متریس
کیریلورایسه نزدیکی بذل مقدور ایدو زدیو عرض اولمش ایدی شمدی ایسه بره قدر
خدمتکار و جیه لور انجق کلدی بو خدمت بونلر ایله حاصل اولمز دیو عظیم فریاد ایتدکن
سردار باوقار نکرار استمال و وروب ما بینکرده اولان گفتگو نك اصلی بقدر وزیر اعظم
مستوفی عسکر و لغیجی کوندر ووب دو نیا عسکری کیلردن چیقوب زمه متریس
کیرلر صبر ایدرک دیو دفع مجلس ایتشیدی بواننده قیودان پاشا مخالفت ایدوب و متریس
کیرمک دکل طوب و امداد یله ویرمیوب بزدر یایه مأمور زید یکندن سردار دکلیر اولوب
عوام عسکر اسلامه تغیر خاطر ووهن طاری اولمشیدی بواننده روی در یاده ده کفار کیلری
کور نکلر قیودان پاشا دونم ایله اوزرینه واروب برازطو یلشدن قدن صکره ایریلوب
رتبویه کندی ائله دخی قیودان پاشا دن امداد طلب اولند قندییه مقید اولمیبوش بوننده
عسکر و مهات لازم در دیوب بایسه کند ویرایش کورمک و نام کند بیک اولق سودا سیله
جزیره ده اولنلر امداد ویرمیوب رعونت ایلدی نکرار قانقوب حایه یه واروب بعض کیلر
صواتیکله قلعه اته مباشرت اولنوب اولمیلر قرق الی قدر قایقاره لوند یازوب کند و قردن
اماسیه بکی احمد پاشا نك یانه کلوب سوده قلعه سنی قایقار ایله تسخیر تصورند اولوب
قره جانبندن نزدیقلر تدارک و قلعه یه چقمق اوزن مته و رانه هجوم ایتدی قضا ایله قلعه دن
برطوب کلوب قیودان پاشا نك باشتی ککو تور ووب شهید ایلدی سردار خبردار اولد قده
برقیودان لازم اولماین ببقی مصطفی پاشایه امر ایدوب اول ساعت حایه یه کوندردی
وقیودانلق مزبور توجیه بیورلق ایچون در دولته عرض ایلدی تفصیل مورخ دیرکه وز ارتله
قیودان اولان شهید مشاور الیه هزار غرادی احمد پاشا که وینق لقبیله شهرت شعارد
فوجه وقعه سنندن صکره از میرده اجر تله طو تیلان انکلیز قلیونلری و سائر دونیا کیلری
ایله کیریلور ایدر قده کافرک دونمسی دریایه آچیلوب نابید اولدی دونمسی همایون
سوده ساحلنه قریب کلدکنر سردار پاشایه که بنوب قندییه لیانده یان کفار قلیونلریته
قرشو کلدکنر حسین پاشا البته واروب جنک ایدو لم دیوار ایدوب باشتدرده یه اوقار
اتدی هر چند که قیودان پاشا اکاسن قراسردار یسن چیق امور در یازره مفوضدر شمدی
جنک محل دکلر دیدکنر اسلیوب باشتدرده یه بنر نیمی ایدردی هله بر مقدار ایلرو
واریلوب جنک ایتدیلر کن قلیون جنکته طاقت کتور لیه مکلر یناشوب یکندن طشره
چقدی کفار قلیونلری دخی قرشو طایه یه واروب که لیانلری اندر دریانلر ایز ته سی
دریایه اچیلان کفار دونمسی طاهر اولوب اطه ده یان دونماری دخی انلره قاریشوب
اول محل قیودان پاشا دخی مقابله ایچون دریایه آچیلوب کیریلر ساحلنه انجق طومان
وعلو کورینوردی مقابله و جنک عظیم اولوب از میردن طو تیلان انکلیز قلیونلرینک
قیودانی قیودان پاشایه صندل ایله کلوب سز همان بزه دمپ اراولک بز جنس ایلر کورک

نجه جنک ایدو زدیو ایلرو واروب کرکی سکی جنک ایتدیلر کفار جان سینه اولان انکلیز
کیلری سوده ساحلنه یاتوب جنکه قرشیموب سیوانی اولدیلر اخر دونمسی همایون قلیون
جنک نك صعبوتن کوروب کیره حایه جاننه چکلدیلر انکلیز لوردخی جنک عظیم نصکره ناپار
کیره چیتوب نیچون نری بر اقد یکنر اجرت ویردیکر طقوز بیک غروشی الکر بزردخی طور مارز
دیو قیودانلری کمدین بره واروب تحاذل ایتدیلر زرا طاب قدری صورتلر کیریلر قلیونلرینک
ضرب طو بدن قردلر نجه چاک چالوب اعلام لیدرلدی کیریلر کفاری دخی آیین باطللری اوزن
کاه ایتدک دیو توبه لرایدوب ینه طوب اورد قلی ایچون انکلیز قیودانی زیاده متاثر اولوب
انک ایچون تحاذل ایتدیلر جزایر کیریلر صاری قوشاق نام سفینه ویردخی انکلیز اقد رمه سی
ایکیسی کدلک ایلر و چیقوب جنک عظیم ایدوب دلاورلک کوستروب بالا خره دوند کلرند
صاری قوشاق سالما کنان یناشوب عقبجه دوشن کفار ایرشیدیلر اقد رمه دخی ساحله
باشدن قره ایدوب اگر چه یناشدی اما کفار عقبندن ایریشوب ضرب طوب ایله تالان
ایدوب آخر ایچون بر یکیت که بر مقدار مالی واریش کافره قلمسون دیو باروت خزینه سینه
آتش وروب اقد رمه محترق اولدی بوند نصکره سوده قرینده ساحلنه دیه ایشند بالستره
نام قلعه یه قیودان پاشا هجوم ایدوب طو یلر واروب حسین پاشا دخی قره دن حواله اولوب
زبون ایتد کلرند ویره بیراخی دیکوب کفار دروازه اردنه قود قلی طاشلری قالدروب قیوی
آچمغه مشغول ایکن بکچری وروب ایل عسکری توقف ایتوب قانجه ایله آشوب اچرو
کیروب سکر یوز مقداری کافری قتل عام ایدوب دزدارلرین اسیر ایتدیلر سوده کفاری بو حال
کوروب مسلمانلر غدر ایدر لر ایش دیو زیاده تدارک کوروب تحصن ایتدیلر بالستره ضبط و فتح
اولند قدن صکره قیودان پاشا سوده قلعه سنی قوشادوب اثناء محاصره طوب ایله شهید
اولوب فتح میسر اولدی قننه عسکر در جزیره کیریلر وروب ایل بکیر بیکسی سورنازن مصطفی
پاشا قهرمان سردار حسین پاشا نك تحت ید حکمنده اولقدن متضرر اولوب نهانی
سردارلق تحصیل فکرند اولماین سکبان باشی محمد اغا ایله متفقاً دائماً ایفاظ قننه یه سی
وسردار کامکان محاوره اوزن ایدیلر زیرامشار الیه مصطفی پاشا وروب ایل بکیر بیکسی اولوب
کیریلر وارد قده البته ایاتم دفتر خانه سی بکاتسایم اولنق لازمدر لیا ائله دوشن محولاتی
بن توجیه ایدرم دیوب کندوی چراغ ایدن وزیر اعظم صوفی محمد پاشایه اسناد ایله
بومقوله اوضاع خام ایتدکنر حسین پاشا بن سردار محمولات و توجیهات بکا مفوضدر
سنک علاقک ندر ادبکله اوتوردیوب دفتر خانه صورتن ویرمیوب بوسیدن ارا لینه
مشقاق دوشمش ایدی حسین پاشا قهرمان زور کار اولوب سورنازن پاشا آشکان خالفتنه
آهنک ایدرم بد بکندن خفیه حیل و نفاقه شروع ایدوب دوشن محولاتی صا تار مستحقنه
ویرمز دیو عسکری طائفه سنی دائماً افساده سعی ایدردی چون قیودان پاشا نك شهادتی
خبر یله قیودانلق ببقی مصطفی پاشایه اولق اوزن سردارک عرضی در دولته کلوب مقرر
نامه سیله ببقی مصطفی پاشایه قیودانلق امری صدر اعظم اغا لیدن بری ایله کوندرلدی
وصولند دیوان اولوب اعیان عسکر محضر نك قرأت و مضمونه بوسنه دونمک مکمل

گوند رنشد رقتند به تسخير نيه سعي واقدام ايند سزديد و تهر مجاولنگله حضار مجلس
 براوغوردن جواب و پديدار که دو نمايله بزه نقد رچيد عسکرو مهمات کلدی آستانه يه
 دفعاتله عرض ايندک مادامکه بزه عسکر و جبهه خانه و لغه يی کلیه بزدن درمان يوقدر بر طریقه
 متر سه کیره مرز دو نمايزه عسکر کتون مد یکنندن ماعد ا کفار ايله جنکه بزدن عسکر
 انوب کو توردی دید یار سوزانن پاشا و سکبان باشی مجود اغا عسکرک بومر تبه خارج از ادب
 اوضاع و حرکاتی کوروب ایضا فتنه يه فرصت بولد یار و حسین پاشانک اچرو قند یه يه
 کید ر شاطرن طو تندق سردارک کفار ايله کیر لوسوزی وارد د یولشکره آوازه براغوب بکچری
 و روم ایلی عسکرینی تحیک ایند بلر ایتسی رجیک بکرمی ایکنی کجه سی اوردوی همایون
 استقیاسی غلوا یوب ایند اسکبان باشی قپوسنه واروب صورت معامله طاشلیوب
 یعد سردار سرانته هجوم ایند یلر مراد بکزنه ایسه یارین کور لسون بی وقت جمعیتی کیدرک
 دیونصیحت اولند قد د کلیوب سردارک سرانته آتش اوروب کند وی دخی قتل ایچون اچرو
 هجوم ایند کلر نده سردار دخی خدامنه اورک دیوان و یروب مقابله و دفع عائل ایند یلر اچ
 اوغلنلری اوق و تفته کله و افریکچری و تیمار سپاهیسی قتل ایدوب بالذات پاشایه قصد
 ایند بکچر یلر دن برنی سردار امو زدن قلیچ ايله شویله محرف چالیدیکه برامو زدن کجوب
 جانب آخره اولو غنه اینجه ایرتنوب ابکی یار ایندی حقا که بوضرب حیرت افزای ایلر ملوان
 جهان ایدوی مشاهد صغیر و کبر اولدی یوقدر جنک کرده جبهه وجوشن کیوب و هر وقعه ده
 یاشندن مقدم دستارین انوب و مار قودید کلری خنر پیل ندای شمشیر و دیوس و سلاحه
 ال صومندین قفاسنه بر مشق قهرمانی ضرب ايله آتمدن یقوب بنده چکد کارندن اعجب
 و اغرب بوفتنه متبادده اختفای معقول کوروب پیاده بر طرفدن چیقوب روم ایلی کتخدا سنک
 و تاقنده تحققی اولدی سائر عسکر دخی بوغوغای ایشیدوب کفار چیقدی ملاحظه سیله
 پاشا سرائی جانبته اولوب جمع انلرک دخی ارادل و استقیاسی بو شقیله منضم اولنله گروه
 عظیمه اولوب پاشانک اموال و ارزاقی بغمال ایلد یلر معرکه ده پاشانک بر قاج اوغلانی مقتول
 و بر قاجی مجروح اولوب و تازه یوللو اولنلرین ارادل عسکر برر بکیشتر انوب کو تورد یلر و اموال
 و استیاسنک غارت اولانی اولوب ماعد اسنی سرای ايله احراق بالنار ایند یلر اندن پاشانک
 کتخدا سی ولی اغانک و رئیس الکتاب و کیلی پاشا زاده نک و سائر توابع و لواحقنک منز لارین
 یغما و اموال و استیالرین تالان ایلد یلر بکچری و سائر عسکر ی زمره سندن اولان بی ادب یولیه
 برغازی و مجاهد وزیرک بوخچه خزینه و استیاسنی و غلمان و جوار سنی یغمالیوب فسق و فجور
 خصوصتک قصور قوم یلر بو جمعیتک که برایکی مفسد و منافق یولیه سپهسالار عرضنی
 یولیه هتک ایدوب بلکه ناموس دولتی بر باد اید کلسار در بعد سکبان باشی مجود عالمک هرج
 و مرجن کوروب ایلد بکی فساد نادم اولوب ناره فتنه نک دفعنه سعي اینمکه با شلیوب
 سرنازن دخی سردارلق خیالندن کجوب ایرتسی بشر اوز آدم ايله سردار ا کرم اولدوغنی حله
 کلد یلر سائر بکر و پاشا لردخی کلوب جمع اولد یلر و سکبان باشی دید کلری فتنه انکیر پاشا
 طرفندن بر قاج بکر بکیر ايله صلح صورتک طشره عسکره چیقوب یولد استلر مراد بکزنر

دشمن ایچنده عرض دولتی پایمالی اید سز دید کله جمله سی براوغوردن بزم شمدن صکره
 طور مغه در مانز یوقدر البته شمدی همان قالقوب کیدلم دیو فریاد ایند یلر مسلمانلر بوانه دک
 چکیلان زحمت و مشقت هبا اولور و قبضه تسخیر دکن مملکتلرده کافره و بر یلوب یوقدر
 جبهه خانه و طوپلر نجه اولور دیو وقت عصره دک جمعیت طوروب دفعاتله مصاحون واروب
 کلوب بالاخره جبهه خانه و طوپلر نجه سینه نقل اولنوب روز قاسمه دک بکلر زدنخی زیاده
 او تور مغه قادر دکلر دیو جواب و پدیدار و ایچلر نده معقول کوردکاری کسینه یی بو خبر ايله
 آستانه يه کوندروب واروب کلجه دو نما کسینه راضی اولور مید سز دید کلر نده روز قاسمه دکن
 مهل و بر یلوب هزار مجادله د نصکره بوقول اوزن قرار و بر یلوب دفع مجلس اولندی محک فتنه
 سکبان باشی دخی محسب الضر و ن تسکینه پالشوب یولد استلر بو جمعیتی کیدرک روز قاسمه
 سزنی استانبوله کوندرمکه بن دخی تعهد ایدرم الم چکمک دیره رک هرنه حال ایسه خلقی تسکین
 ایند یلر بوقول و قراری اوردی قاضیسی سچل و حجت ایدوب عسکر طرفندن چتال باش یلک
 ايله پر زین آلا ی بکیسی آستانه يه کوندر د یلر چون عسکر ايله سردار پاشانک مابین اصلاحه
 یوز طوتدی تفحص ایدوب جواری و غلمان یی بولد روب سینه و کردنلر نده اثار مص و تقبیل
 ايله پاشایه تسلیم ایند یلر عهد سابق اوزن مطمئن خاطر اولد قد نصکره پاشا طشره
 چیقوب جمله لشکری دعوت ایدوب اول وزیر غیور باوجود کمال جمعیت و شجاعت
 تغلب و سفها تختکده مقهور اولد و غندن زیاده متاثر اولوب رفع صوت ايله بکا ایدوب
 بره الله بدن حیا یتیز لر عرض دولت و ناموس وزارتک حرمت و رعایتن بلزلر بو ایند یلر کزنی
 ادبک ندر بن پادشاه اسلامک وکیل و وزیر ی و جمله کزک سرداری و مشیری دکلم بنم
 جرم و قصورم ندرکه بواذیت و حقارت مسخقی اولدم کافره شاطر کوندردی دیمش سنی
 طو تیلان شاطری کتورک کوریم یوقدر زماندر دین مبین او غریبه مال و جانله سعي
 و خدمت ایشر امکدار وزیر ایکن بویه فیج تمعتی بکا نجه اسناد و اقرار ایدر سز الله بدن
 قور قزمیسر اعدای دینه قار شو عرضنی پایمال ایند بکزن خالف دین اولان ملتوردن
 برزمره سردار و ضابطلرینه پورسمه اهانت ایند کلری هیچ مسموعیدر جمله مالی غارت ایدوب
 یتنه بندن علوفه استر سز بونه کونه انصاف سزلق و ادب سز ندر دیه زاری زاری اغلدی
 خیرمایه فساد اولان سکبان باشی مجود و خامت عاقبتدن خوف ایدوب پاشانک قلبنی جبر
 و اتفاق مهمتی ستر ایچون قالقوب ایاغنه دوشوب دولته و وزیر عسکر ی طائفه سی کندین
 بلزلر بر آلا ی دلوقا و قوللر کدر بلزلر کله ایند کلری قباحتلر نده جمله سی شرمسار اولوب
 عفو و لطف کزنی رجایدر لیه مقوله کست خاقلری سلفه و وزیریه بلکه ملوک دخی اوله کلد یکی
 معلوم دولته کزدر عفو ایدک بعد الیوم امر بکزدن خارج حرکت ایتیموب جمله سی او غریب کزده
 جان و یاشلرین فدایله جکربنه بن متکلم دیو ایغنی اویوب عظیم نیاز ايله سرداری خوش
 خاطر ایلدی و بکچری پاشایه معاون اولق اوزن تعهد ایند یلر بو جهله فتنه مندفع اولوب
 اول کون کجدی ایرتسی کون بعض فتنه انکیر لزر روم ایلی عسکرین تحیک ایدوب بکچری
 سردار ايله متحد اولوب جرم و مهمتی سزک اوزر بکزنه یقد یلر دیو ایاغنه قالد یروب بکچرینک

اوزینه هجوم ایتدی یلر بکچیری دخی سلا حلوب مقابله قصد ایتد کار نه بکچیری اختیار زدن
 سوزیلور پرقاج آدم واروب روم ایلی عسکرینه پند و تحذیر ایدوب فتنه بی تسکین ایلدی
 سردار اکر مدخی بوندن صکره بونلره برغیری سوز محالات ندر ونفعی دخی بوقدر همان رتمو
 قلعه سنه زیاده جه آدم قونوب جبهه خانه حفظ اولنه و عسکره اجازت ویریه
 معقولی بودر دیو در دولتته عرض ایدوب مرحوم قیودان پاشا نك خلفتتی تحری
 و دفترینی قاضی یه مهر لوب قیودان کتخداسنی جمله مترو کاتی ایله ایکی چکدریه وضع
 وارسال ایلدی محاصره قندیه تانیاجون زمرة لشکریان ادبسنرلک ایدوب سردارک
 اموال و اشیاسنی غارت ایلدی یلر و توسط مصباحین ایله فتنه مندفع اولوب حسین پاشا
 سردارلق مقامند مکن اولدی قره خواجه و دریا بکری بریره کلوب مشورت ایدوب
 قیودان پاشا دوشدی باری بوسفری زهبا اولوب بر خد متد بولنغه بزل مقدور ایدلم
 دیوسر دارا کر مه کاغد یازدی لر که زدریا عسکر یله طشره چیقوب سزه امداد ایتمکه
 متر یسه کیو سکر کی لوندی ایله و کور کچی و جزایرو تونس کیلری ایله بالیز طوی یلری چکوب
 سزه امداد ایدرز همان برایش کورمکه شروع و اهتمام اولنسون دیومکتونی صاری علی
 قیودان ایله کوند رذیلر وصولند سردان قوت قلب کلوب اعیان عسکری جمله چاغروب
 چون بی کافرله متحد در دیر سز سز قلعه الملق استر سکر متر یسه حاضر اولک کور کچی و جنگی
 امدادنه محتاج در سکر دو تما کیلر نه اولان کور کچیلر طشره چیقوب متر یسه معا کور لر
 و سفینه لر طوب قلعنه اعانت ایدر لر بوندن صکره عذر و پناه ایتسونلر دیو کوند رذیلر سکران
 پاشی و سائر روسای عسکر عناد و مخالفتته قادر اوله میوب جمله سی ناچار فرمان سردان
 اطاعت کتوروب قاسم اشاسی ایکن بی وقت متر یسه کیو مکه جمله سی رضا و یردی قره خواجه
 پاشا ایله ایکی بیک قدر بکچیری لوندی دورت بیک قدر کور کچی و اون قطعه بالیز طوب
 وزغری پاشی دخی بیک بشیموز قدر بیکت ایله شعبانک بکر منی کونی رودویه داخل و ایرتسی
 اثین کچه سی متر یسه کیو لندی دخی ایرتسی بکچیری متر بسیل طوی یلر او کتد بر لغم
 آتیلوب اول مغلطه ده اوج دورت بیک قدر کافر چیقوب متر سارک اوزینه هجوم ایتد کار
 بکچیری و روم ایلی و اناطولی عسکری حاضر بولنغله اوزرلینه یور ییوب بعون الله تعالی
 غالب کلدیلر کفار دن قرق قدر باش و دیل النوب ایتکیو ز قدری خاکه دوشوب منهر ما
 رجوع ایتد یلر و متر ساری سوروب طشره تاییه ل اوزینه وارنجه کفاردن یدی سکر لغم
 آتیلوب و هر برنده دشمن هجوم ایدوب جمله سنه اعدامق و روعسکر اسلام منصور
 اولدیلر سلج شعبانده کچه ایله متر س او کتد اولان ایکی متین طاییه به هجوم اولنوب کفار
 اوج دورت یردن لغم آتوب عبا حه دك عظیم جنک ایلدی یلر بعون الله تعالی عسکر اسلام
 غلبه ایدوب طاییه لر قبضه تصرفه کتوردیلر و ایچنه خندقه کیو مکه ده لیلر ل آچدی لر
 راوی ایدر حسین پاشا عسکرینک بی ادبکندن منکسر خاطر او لغین بلا زجه جبر
 و عنف ایله جنکه سوروب محاربه و مقاتله ده قطعاهل و نانی ایتزدی تاییه ل فتح و لنجه
 کفار تیش یدی لغم آتوب مالا کلام بکر می بیک قدر مسلمان تلف اولدی حی

پردغه بینه مشهور مارقونک تاییه سنه پرقاج اوطه نك بکچیری کوند ریلوب
 هجوم ایلد ایلر و یورد کار نه مکر ملعونلر برقیو تصنیف ایدوب ایچنی سوروی قاز قلا ایلد
 طولدروب اغزینه زنبور کلی کینک شکله قیاق یا پیشلر محشر دن غونه اولا یوریش
 گونی که عسکر خندق کارینه طوغری یور ییوب تاییه به چیقوب اشاخی ایند کار نه قیونک
 اوزینه اوغرایوب کینکه باصن ایچنه دوشوب بینه کینک قیانو ردی ایلر و یه کیدنه نه حال
 اولدوغنی عسکر بلیوب کیو و دن بر برین باصوب کلور لدی تاکه اوچیموز دن مجاوز آدم قیویه
 دشتوب قیاقی اچلر اولدی سائر غازیلر اوز زدن کچوب در تیوز مقداری بکچیری خندقه
 اشراق ایتدی لر سکران باشی کیو و دن امدادینشدر میوب غازیلر مختیر قالدیلر مارقوله عینه
 لغمی آت دید کار نه بن بوقدر بیک فلوری خرج ایدوب بولغمی دو زدم اوج در تیوز تورک
 ایچون نچون آتارم دیدی باری طشره بر مقدار لشکر کویسترک اوله که دخی زیاده تورک کله باری
 پرقاج بیک تورک جمع اولوب لغم ایتد و غمه د که دیوب اتمزدی حق تعالی اول غازیلری حفظ
 ایلدی لغم خبرین لوب جمله سی رجح القه قیری ایتد کار نه کفار لغمی آتوب و افرغرات تلف
 اولدی خبره دن ایسه بی حد کسنه تلف و سقط اولدی سکران باشی محمود اغانک
 پرایاغنی خبره اوروب یان لیوب غامکی حسین اغایانده بولنغله انک دخی خومه صدمه
 صدای خبره دن زهره سی چاک اولوب محمود اغا چادرینه کتورد که خرد اولان ایاقی
 طپوغندن قطع اولندی دورت بش کون ز نل اولوب فوت اولدی وینه اول خبره نك
 یوپان سی روم ایلی و الیسی سورنازن پاشانک الننه اصابت ایتمکه اولدخی مجروح اولدی
 سورنازن پاشا داتما سردار و باوقارک طرف خلافتنه ایدی ولی نعمی صوفی محمد یاشاقتلندن
 صکره بر مقدار اشاغه قیوب منکوب صورتته اولمشیدی سردار غازی روم ایلی ایالتی
 بالو کاله قیودان بیقلی مصطفی پاشایه توجیه ایدوب سورنازن زخمینک و منکوب
 قالدی کویاسر دارغازینک انکساری برین بولوب بونلر ایتد کلری نفاقک مجازاته کرفتار
 اولدی لر محمود اغا فوت اولوب بکچیری ضابطی اولما غله زغر چی پاشی باش و بونع تعیین
 اولندی قیو دان احمد پاشانک شهادتی خبری عرض و محضر ایله در دولتته کلد که شعبانک
 یدنجی کونی بیقلی مصطفی پاشایه قیودانلق مقرر نامه سیده او جاق طرفندن کیریده
 عسکر احوالی کورلک ایچون کور حسین اغا کربنه کوند رلدی ماه شعبانک بکر می
 اوچند کیریدن جتال باش بیک کلوب عرضلری و محضر لر کتورد که ماه مزبورک
 بکر می بشننه اوج بیک قدر بکچیری و بیک سیاهی یازیاوب کیریدن ما مو راولدی لر
 و مضلک التبی کونی مر قوم کور حسین اغا کربنه واروب خط همایون و امر شریفی
 سردان کتوروب وزیر اعظم مکتوبینه حایه محافظه سنه اولان بکچیرلردن و غیردن بیک
 بشیموز نفر بکچیری اخراج اید سز دیمکه حایه دن آنلر متر یسه کلوب و بیک کیلری
 غلوسه بکسماده کیدوب کفار کیلری سوده اطرافنه کز مکه قالدیلر و کیریده
 جمله عسکر غمقدار در عوماد فتر اولنوب دفتر ی حسین اغایه ویرلدی و سکران باشی شهید
 اولدی بکچیری بی اسخدا مه قول کتخداسنی و سائر اوجا اغالرینی کوندن سز زریو عسکر

بوقلعه نك كفوئى دكلردىوسر دار عرض ليدى آستانه ده ايسه اوجاق اغالريك تعين و تصليطى
 حد دن متجاوز اولوب تعين اولنسه لركر يك كتمك دن امتناع و عدم انقياد لرى نمايان اولمغي
 انجق كور حسين اغايه سكيان با شيلق و يريلوب كير و كيريه مامور ايتديلر عسكر متر يسه
 جان و باشله چالشور كن بر كچه الله بر جى جماعتك جمله نفرى واللى اوجاك نصيفى والتبجى و اون
 دور دنجى جماعتلى مقد مامانده اولمغله اون طقوز و او توز سكرت نقرى جمله كيدوب و قرق
 برنجينك دنجى بر مقدارى فرار ايدوب يدي سكرت اوطه نك يا لكر چور با جيلرى قلوب سائر
 عسكر ده فته وركلكن خد ممدن صغوديلر زير الحاصره و جنگ اثنا سنده متر سدن عسكر
 چيقاروب قالد رمق باعث اختلال و سوء تدبير ايدى سزدار پاشا هر چند رضا و يرميوب
 شمدى متر سدن يك بشيموز آدمى چيقاروب آستانه يه كوندركم خطا در ماعداسى دنجى
 كتمكه راغب و جستنه جستنه فرار ايدر لر ايش معطل اولورديه كوردى مفيد اولدى كور
 حسين اغا فرمان ايله مامور اولمغي اولمقدار بكيچرى چيقار مشدى سائر لينه دنجى
 باعث كلال اولوب قاچمغه باشلديلر بوند نصكره ينه اون دورت اوطه قالدريلوب
 عسكره ياس تام كلكه كند بجه خدمتده نكاسل كوستر اولديلر غراي سدنركه مرقوم كور
 حسين اغا كيريه واروب بوقدر بكيچرى اوطه لر ين متر سدن چيقاروب كانه كريد احوالنه
 مطلع اولوب كلكه سردار پاشا كند و سنده مامولى مرتبه رعايت و اكرام ايتديكندن
 دلكير اولوب آستانه ده عليه نه متعلق سوزلر سويلدى وزير اعظم مراد پاشا و سائر اوجاق
 خلقى متعينلرى دنجى حسين پاشا نك اشتها و نامدار لغنى هضم ايتيمه ب اراله سنده برهان
 ترقينده اولد قنندن كور حسين اغا نك لغوينه وجود و يروب وزير اعظم كريد ده اولان اعيان
 عسكرى بعضي سنده خفيه مكنوب كوندروب حسين پاشا عسكره جور و جفا ايدوب
 دوشن زعامت و ثمارى مستحقينه و يرميوب قلعه نك فتحى يابند نكاسل و اعمال ايدر مش
 و عسكرى اوضاع ناهموارى اناك سو تدبير نندردر لرا كرواق ايسه حجت و سبيل ايلوب
 كوندن سز ديه سپارش ايلش بود سنده يه حسين پاشا واقف اولوب بود كلوبل
 مقدور د نصكره خدمت بيلند يكندن الم چكوب بكيچرى اعياننى و روم ايلي و اناطولى
 و سائر ايلالترك امر او بلكر بكيچى و اختيارلر نى دعوت ايدوب ذكر اولمان احوالى جمله سنده
 تقرير و تفهيمد نصكره بجه اختصار و غرايه لدا شلرى نيم سعى و خدمتده قصورم
 و نا مستحقه درلك توحيمه ايتديكم و ارايسه سويلك كلام حق نه ايسه در بخت ايتك دنيا
 و اخر نه سزدن حق شهادتى استرم ديدك جمله سى براغزدن جواب و يرديلركه نرم
 بوخزيره ده اوج دورت سنده دن برو مكنر سكرت كوروب كوز تكمز ايله در و الا بمقوله بر قلعه
 عظيمه محاصره سنده ايكي اوج سنده ياز و قيش او توروب على التوالى جنگ و قتاله تحمل
 نه نمكند رز سزدن هروجه له خشنود زدن قدر رنجيده لكر بوقدر دوشن محمولات سيفى
 شهباز لره و يروب نا مستحقه و يرديلركه قلعه خصو صنده اصلا تقصيرات ايلد بكر
 ارامزده ظهور ايدن نا شايسته وضع دورت سنده دن برو آلام و شدايد محاصره و قتال دن
 ضحرت كلوب چاق كوكه طياروب تحملدن قالمغله و يروب قلعه نك كفوئى اولمغله من بعد

طور مغه طاقت قالدني اجلدن ظهور ايلشدر مقدم احوال عرض و محضر اولنوب
 كوندر لمشيدى و حالينه حقيقت حال نه ايسه تكرار عرض و محضر اولنوب كوندر زرد
 طاغلد يلسر در دنجى ايلالترك و اوجاق خلقندن باشقه باشقه محضر و موحينه حجت
 ايتديروب آستانه يه كوندردى وصول بولد قه احباب دولت ناچار سكوت ايتديلر و الا
 سو قصد مقرر ايدى احوال آستانه ماه شعبانك التبجى كوفى دفتر دار كوسه اسمعيل پاشا
 معزول اولوب منجم باشى حسين افندى سوقيله هزار پان احمد پاشا برادرى ابراهيم اغا
 دفتر دار اولدى و رمضانك سكرتده مصر دن معزول امير پاشا حيس و مصداق اولندى
 و اون اوچنجى كوفى اسمعيل پاشا خاصر ايله قبه نشين اولدى كذلك باب السعاده
 اغاسى عبدالرحمن اغا و زارتله طشره چيقوب قبه نشين اولدى اون سكرتده سلطان
 مراد قزى قيا سلطان حيدر اغا زاده محمد پاشا يه تزويج اولنوب دفتر دار ابراهيم پاشا
 صاغديج اولدى يكرمى بشنده دفتر دار لقدن معزول قبه نشين اسمعيل پاشا نك بعض
 عمل و حر كن طوباغله برسونسكى يه قونيلوب بوزجه اطه محافظه سى ناميله نقي اولندى و زو
 اعظم شيخ الاسلام بهاي افندى يه سلسله يه متعلق بعض امور تكليف ايدوب منلا
 ابا ايتمك مابينه نوع شكر اب حدود ايدوب وزير اعظمك همراز و مستشارى منجم
 باشى و وفاق زاده محمد اغا و طامد افندى و بعض كسسه لرى مراتب و الا يه تقديم تكليفن
 ايدوب و والده اغاسى طواشى حسين اغا بوستنا خيالر خواجه سى اشك حسيني موصله
 مدرسه سنده كتورمكه اقدام ايدوب كد قوصره ديمكه ملقبدر منلا ممانعت ايدوب
 بو طريق ايله مقرران و وزير دنجى منلايه كران خاطر اولد بلسدر روم عزيز افندى
 ايسه فتوايه طالب اولوب كاملا قاضيه عسكر ايتكن و يرديكى منصبلى مكاره در تكرار
 و يرسون ديويلدروب و روم ايلي قضاتن پاشايه چيقاروب انواع حيله يه مشغول اولوب
 يو اسبابه مراجعتده قصور ايتيموب از قالمشيديكه بهاي افندى نى دفع ايدوب صدر
 فتوايه ككه صدر اعظم اگر چه خاطر مانده ايدى لكن ايكي آيدى بر شيخ الاسلام تبديل
 شتاعتندن اعراض بيوروب عزيز افندى يه غيرى مسبوق المثل اولمشرف قوئى پايه سنده
 قرار و يريلوب وزير كند و يه ديركه افندى بوخصوص بركره مصاحبتد رز ايتمز نهايت مانع
 اولميه لم وار خط هماين ايله آل ايجرو و الله اغاسى طواشى حسين اغايه لسانا خبر كوندركه روم
 ايلي افنديسى ياد شاهدن پايه رجاليكده حصونه مانع اولميه سزنى الحقيقه بو طريق ايله
 عزيز افندى يه پايه قنوى اولوب بر سنده يه دك صدر روم تقريرى وقوع بولد يكه اولزمان
 اول مايجد ثر پايه امرى كلكده صدر اعظم تبديل شكل ايله كلوب تهنيت ايدوب جميع
 اعيان و علماء اذ اوزن تهنيت ايتديلر عزيز افندى تهنيته يه وارانلره هم قضاة هم موالى
 و مدرسين احواليله تقيد ايدوب طرفينه خدمت ايجون راى و اختيار اولندى ديواعتدار
 و مباحات ايدردى عزيز عالمه اوله مبارك پايه قنوى مصر اعنى جوهرى چلبى تاريخ ديمشدر حق
 بودركه تاريخ غرادر سلسله شعبانك نصيفنده او زون حسن حليه عبد الله چلبى
 يكي شهمره مورخ شارح المنار زاده پرويز افندى مدرسه سنده محمود زاده عثمان چلبى والده دن

سلاطینکه و مکاریدن معدوداران و دجولاق حسن ملغره ده قصاب محمود مد رسته سنه اولدی یار
 ورمضانک بشنده نعمان محمدن قیصریه قاضیسی اولوب مکّه پایه سیله اعزاز اولندی برینه
 بیوک حسام زاده محنه واروب حامد حضوریه به محک جزری قاسم پاشایه اولدی یار
 هاشم رمضان و والد اغاسی طوایشی حسین اغا که جمیع امون مسلط و نافذ الشفاعه ایدی
 فوت اولدی بواشاده مغربله بخارجی ظهور ایدوب شهر تونسسه لشکر عرب ایله قصد
 ایتدی وکی خبری کلکین دونمای همایوندن تونس کیلری مفارقت و کریدن و لایترینه کتدی یار
 وقعه غریبه رمضان شریفک اون بشخی اربعا کونی وزیر اعظم عرضه کیردکله قاضیه عسکر
 هنر زافندی همان وزیرک عقبه ساعه روزایه تقدم ایدوب کیدرکن کنعان پاشا اموزلیوب
 افندی قاضیه عسکر ایسک اشاغی اناطولی افندی سنک یانسه واریوق اگر مفتی ایسک بوند
 ایسک ندر بزوزارت رتبه سن اله کتور نجه نجه کیره کله مزاور تایه قویوب مهلهکه لپکور مشر
 بوسنک ایتدی یکک ندر دیوب اموزی ایله کیر و سوروب ایلر و تقدم ایلدی عزیز افندی
 صغیر الحنه وجود ایدی کنعان پاشاک اموز قاقه سندن متر لزل اولوب کنعان پاشا
 ایلر و یکدی سائر وزرادخی بوضعی کوروب انلردخی اموزلیوب جمله ایلر و تقدم ایدوب
 هنر زافندی حرکت قسری ایله تاناطولی افندی سنک یانسه کوب قرار طوتدی بو طرفه
 حالت ارباب دیان جمله مختبر اولدی یار مسبق بالمثل اولیان اموری احداث و دولت علیه حائنه
 سوق معقول اولیوب نتیجه سی بویه فضاحتیه مؤ دیدر دیدیلر مکرکه پادشاه عالمیناهک
 قریحه لرندن صاحب مسند فتوی اولان وجود فاضلک مختاری بذات فایق الاقران اولانه
 عنایت ملوکانه اولسه اولوقت چون و چرا قلندر کنعان پاشایه تهاسنده بعض محرملری
 سلطانم دیوانه محمل بیوروب عزیز افندی بی تحجیل ایتسکر معقول دکلیدر زمان سابقه
 اسعد افندی امر پادشاه ایله تقدم ایتیش ایدی دید کلر ندر کنعان پاشا جواب ووروب اسعد
 افندی امر پادشاهی ایله تقدم ایتیش اسعد افندی کی بر مفتی بولسونلر ایغنی او په یم اما
 بونه مقوله افعال ایله مشهور در و بومراتب نه کونه حیلله ایله واصل اولدوغی معلوم دکلیدر
 دیدی غره شو الله عید دست بوسنده کذلک عزیز افندی صدر اعظمین صکره توجه
 ایتدکده نینه کنعان پاشا اموزلیوب تقدم ایدوب و سائر وزرادخی تقدم ایتیک وقوع بیلدی
 غریبه بروسه و مکّه قاضیلری جمیع اولسه لرحسب الطریق مکّه قاضیسی تقدم ایتیک قانون
 ایدوکن مکّه دن معزول اسمعیل زاده افندی شیخ الاسلام و وزیر و قاضیه عسکر لایله
 سواشوب بیانی به تقدمه قرار ویرلمکله بیانی افندی دعوت اولنماق اوزن قرار ویرلش
 ایکن بلا دعوت فضولی دیوانه واروب ایوب قاضیه عسکر قطع نظر پایه سنه حکم ویر مکّه
 پاشا شدقه اسمعیل زاده دخی کلد کله بر لرینه اطاله و مشائمه دن صکره شیخ الاسلامه خبر
 کوندردکله وزیر معرفتیه اسمعیل زاده تقدم ایتسون دیو جواب کلد کله بیانی محزون
 اولوب ایدی بزکیلم دیوانه استیذان ایتدکله جهنمه دیو جواب کلد کله سلا ملیوب کتدی
 شوالک اوچخی کونی حیدر اغا زاده محمد پاشا قیودان اولوب سکبان با شلیق ویریلان
 کور حسین اغا ایله معا کریده مأمور اولدی یار زیر اخیدر اغا زاده یه سلطان ویریاوب

شانی ترفیع اولندی وزیر اوله جقدر دیو اراجیف شیو عسکر وزیر اعظم مسند شاعر اولوب
 قیودان اغله دفع ایلدی ماه مزبورک سکر ندر قیودان پاشا ایکی قدرغه ایله توجه ایتدی
 و مقدمه عسکر طرفندن آستانه یه کوندریان پرزین آلا ی بکیستی کیریده واروب خط
 همایون و امر و مکتوب ابراز و قرأت اولند قله مقدم عرض اولنان امورک جوابنه متعلق
 اصلا تعرض اولنمیوب الحق قلعه فتنه مقید و عسکره لزومی قدر خر جلق و ذخیره
 ووروب متر سدن ایرلیه سز دینلش و وزیر مکتوبنده چتال باش یک ایله دورت بش یک
 قدر عسکر کیریده امداد و ذخیره کوندریلایوب یک کیلریله بر قاج قطعه بورتون اول عسکر
 یکور مکّه کوندن سز دینلش خلاصه کلام قلعه بی تسخیره سعی و اقدام ایلر اگر فتنی
 میسر اولنر سه بر قدم کیر و چکلایوب پر لندر بر قرار طون لکه امداد لری بری بری آردنجه
 پشندریلور بر شیشه ضرورت چکلر لندر دینلش امر او اعیان محضر ندر قرأت اولند قد نصکره
 جمله سی سمع و طاعة دیوب زیاده دقتله خندقه وار نجه کفار الیدن متجا و عظیم لغمه
 آند یغندن غیری باشقه اون اوج لغم حاضر ایدوب هر کون بر فیتلندن دورت بش لغمه آتش
 ایتیکله بکچری او طه لرندن بر قاج او طه تقراتیلر و بر سنجاک دخی نصفی قدر عسکرینی
 با صدر و بقی چوق آدم شهید اولغله سائر لینه دخی خوف دوستوب جمله بریره کلدیلر و پاشایه
 دیدیلر که مقدم ویرندن زیاده چالشوب دقت ایتدک بروجهله ظفر میسر اولیوب خبر و لغمه
 چانغره کار ایتدی دخی متر سلرده طور مغه قدرت قالدی با خصوص ایام مشتاقرب اولوب
 متر سار طولا رالبته چیقار زوار ایزدن بشنه بر یز خر جلق بیلری کوندروب باقی قلندر ایله
 بر مقدار آلا رغده اولوب مقابله سنه بر قلعه بنایدوب جبه خانه و طوپلری انده قویوب
 وجدید عسکر ایله بر مقدار یز اول بهان دک بکلایوب سائر یز و نمانیله کیدر ز د فعا تله
 احوالیزی عرض ایلدک طرف سلطنتدن اصلایزه مرحمت و اجازت اولدی من بعد طور مغه
 قادر دکلر دید کلر ندر سردار فرمان همایونه مغایر وضعه قادر دکلر دیو جواب ووروب تکرار
 البته نری اخراج ایله والا روز قاسمه دک متر سله طور رسق باقی قلندرک کریده سی دخی
 تلف اولوب مصاحبت کور لندر دیو فریاد و ابرام ایتیلر یله دفعی ممکن اولیوب کندورک ابرامیله
 چیقار لینی سچل و حجت ایله جمله سی متر یسندن چیقوب بشنه بری خر جلقی تعیین
 اولنوب دونمایله کوندر لندی باقی روم ایل عسکر سی سنه سابقه ده قشلا دوغی کورری
 طرفندن بر قاج طوب قویوب حسین پاشا اناطولی عسکر یله نظارتیه سمتنه طوپلرین قویوب
 دو کلدن خالی اولیوب ویر مناسب یرده بر قلعه بناسچون طاش و کیرج احضارینه مباشرت
 ایدوب حجت و محضر لاجه حصار آلا ی بکیستی و تر حاله دن بر چری باشی الله ووروب عسکر
 و لایترینه واروب بر مقدم اردنجه لوب کلنجه بر دخی محاصره یه قادر دکلر در دیو واقع حالی در
 دولته عرض ایدوب کوندردی زیر اقلعه استوار قندی که اوکی دریا اوج طرفی خندق عمیق ایله
 محیط یمین و یساردن دریا و قره دن حراست ایچون ایکی متین تاییه ایله منسد اولوب
 ویشکاهنده اولان حصار فضاده دخی بش بیوک تاییه سی وارید بیکه هر بری بر حصار دن
 متین ایدی یکن سنه هزار اوزار ایله ایکی بیوک تاییه سی النوب حلول مشتاق نصیب

متر شدن چقدر کفار فرجه بولوب کبر والد قد نصکره نکرار اسخکام و بروب اولکیدن
 زاده متین قلمشیدی بوسالده اون برمتین تاییه سنک برسی نسخیر اولنوب پیشگاه حصارده
 باقی تاییه اردن کجوب قلعه خند قنه وارمق میسر اولشیدی لغ و خیمه کثر شدن عسکر
 مضطرب اولوب ناچارال چکدیلر والک سکرند روم ابل قاضیه عسکری عبد العزیز افندی
 معزل اولوب ملک زاده پینه کجی قبه قولاق زاده بوضعدن دلکیر اولوب ملک زاده بکا تقدم
 ایتسی قبول ایتیم دیوانه و ارمافله اونجی کون طوابعی زاده عبد الرحمن افندی یه
 انطولی قاضیه عسکر لکی توجیه اولندی بواشاده علوفه طلبی ایچون سپاه جمعیت ایدوب
 اغارین طاشلیدیلر سپاه اغاری وزیر و واروب سپاهیلر بی پان لر لرباری دولتی بزی سن
 قتل و یاغزل ایله دیو فریاد ایتدیلر کله علوفه ایچون دفتر دان تقاضا و اقدام اولنغین خزینهک
 ضرورتی نالخیص ایدوب عوارض جمعی فرمان اولنوب غلطه واستانبول حوالیسندن
 عوارض مالی بوجه استیججال جمع اولنوب علی خلاف العاده دفتر دان تسلیم و سپاه مواجهه
 توزیع اولنق ایچون مؤکد فرمان جه انطاع اصدار قلندی مورخ غلطه قاضیه اولغین
 غلطه نوا حیسبله بیک بشیوز طقسان بر خانه درمال عوارضی بش کون ایچنده جمع و تسلیم
 ایلد و کنی یازمشر سائر مواضعدن دخی بوجهله عاجلا جمع و سپاهه علوفه ویردیلر ختان
 سلطان محمد خان ماه مزبورک اون بشیخی جمعه کجه سی پادشاه جه انطاع سلطان
 محمد خان حضر ثلرینه ک سورختانه مباشرت اولنوب هب سنت محمد جمع اولسون امتی
 معبد اقبجه ارکان دولت سرای عامره یه دعوت اولند قدن صکره مرتبه لجه تشریفات
 سلطانی و عواطف خسروانی یه منظم اولوب لیله جمعه ده اوج شهراده آ زاده ایله معا
 مسنت اولوب امر ظهور و ختان اتمام اولندی ماه مزبورک اون یدنجی کونی قزل اغاسی جلالی
 ابراهیم اغامصره نغی اولنوب اسکی سرای اغاسی محمود اغا دارالسعاده اغاسی اولندی والد
 ماجده ترخان سلطان حضر ثلرینه ک باش اغاسی اوزون سلیمان اغاباش قیو اوغلانی اولوب
 سلفی اسکی سرای اغاسی اولدی بعضیه لردن منقولدر که جلالی ابراهیم اغا پادشاه حضر ثلرن
 بعد اختان آغوشنه موضع ختانی طووب محافظه اوزن ابکن قضایله قان روان اولوب پادشاه
 لایعقل اولق مرتبه سنه و ار نهجه تان اقوب اغا انک اعداسی و بیوک والد بخصوصلری
 اغا انک عمل قصور واهاننه حمل ایدوب عزل ونفی ایتمشلدر عفو قاطرجی اوغل ماه
 و معلمان اثنا سنه بکشمیری حوالیسنه اندن سیدی شهری نه واروب ایکی بیک غروش
 مال امان طلب ایدوب کتخا یری بقله مصل رضایه میوب اما قاش بیکاری فرار بیلندن
 جبهه جی اوغلی محمود اغا و طاعلر دیسی اوغلی محمد اغا واروب بر طاع انکنده قاطرجی اوغلنه
 بولشوب کلوب مال مرقومی تسلیم ایتدیلر قدن صکره حمید ایل سبجی متصرفی
 طوپال محمد پاشا قاشقلو طرفندن اکیوز آدم ایله کلوب قاطرجی اوغلنی باشنه بجمع
 ید بیوز جلالی ایله حصارده بولوب حرب و مصاف ایدوب اکیوز مقداری شقی قاطرجی
 اوغل اتباعندن و وافر آدم محمد پاشا اتباعندن دو مشوب بالا خره قاطرجی اوغل اتباعیه
 سیلا سنه طوغری فرار ایدوب قره جه اورن نام قریه یه ایردکنه حمید لشکری عقبندن

ار شیکله چیقوب بر حمله ده انلری محرایه سوروب قاشقلو بولندن حمید طوغری کندی
 طوپال پاشا ایسه سیدی شهرینه کلوب سز قاطرجی اوغلینه مال ویردیکر دیوتمت ایدوب
 ایکی بیک غروش جریه لرن الدی بعد قاطرجی اوغلی خوف و خشیتله کوه و دشتله آوار
 کز مکدن بیزار اولوب چای قصبه سنه کلوب عیسی اغا انک چفتلکنه قونوب البته یا کلسون
 بنی عفو ایتدیرسن والا خاتمانی یا قوب دیار عجمه کیدرم دیسیله عیسی اغا اینن لایعین بر معتبر
 آدم ایدی استانبولده مزبورک عفو بن ترو بیایدوب وزیر اعظمه سلطام مزبور برارم سادر
 خبیثدرا وزیرینه بوقدر امر او عسکر تعیین اولنوب فقرایا مال و عباد الله اتعاب اولندی
 ظفر بولنق دخی معلوم دکلدر بومقوله علم افراز شقاوت اولنلرک نهجه سی اخذ اولنوب
 جزاسی ویرلدی زمان دولتکرده هارینک جرمی عفو اولنوب سائر لرینک استیمالتنه سندن
 اولسون صعوبتلی خد متلرده استخدا ام اولنغه لیاقتی واردر متتصح اولر سنه صکره حقندن
 کلنک دخی اسهلدر دید که موجه کوریلوب صدر اعظم مراد پاشا بن مکتوب ویرمزم اما ارکان
 دولت مکاتب کوندر سونلر دیکله مدبران دولت خصوصاً بیکجری اغاسی و مخم باشی
 حسین افندی و بوداق زاده و قره کوز و بونلر امثالی معتبران وقت و علمان شیخ الاسلام
 و قاضیه عسکر لر و غیر یلر استیمال نامه یا زوب عیسی اغا مکاتبی کتوروب چفتلکنده
 قاطرجی اوغلی شاه محمد تسلیم ایلد که اولدخی بسم الله دیوب یوله کیدر دی بندی که کلد که
 سردار کامکار حسین پاشا اغارندن چاتره باتره اوغلی طوب اتان علی اغایی استقبالنه
 کوندر دیلر کتوروب وزیر بولشدر دبلر کندویه بر کورک کیدر یلوب قوناق
 تعیین اولنوب بعد پادشاه حضورینه کتوروب استنه قاطرجی اوغلی دید کوری خیزر
 بودر خنکارم عفو رجاسیله درگاهنره یوز سورمکه کلدی دید که زمین یوسه اشارت
 اولنوب یرا ویدی پادشاه عالمپناه کندویه بکشمیری سنجاقن احسان ایدوب خلعت
 الباس و اون سکر آدمیسنه بلوک سپاهیلکی ویروب آق یقالو اوغلی اول اشخاصندن
 منصبنه منسلیم کوندروب کند و استانبولده بر قاجکون استراحت و کاهجه وزیر اعظمک
 و سائر وزرا و اعیانک جرید انداز اغاری ایله جریده چیقاردی وزیر و جمله اعیان سیر
 ایدر لردی مزبورک آت قوللنوب جرید و مزراق اوینادوغنه حیران اولور لردی هر کیمه
 جمله اینسه البته جرید اوروب دکه شخص کندویه جرید اورامزدی مزبور شیخ الاسلام
 افندی یه و قضایه عساکره واروب انشای مصاحبتله اکثر یا پادشاهک حضورینه
 واردوغنی سوبیلوب سعادت او خنکاریمک غراجه غراجه کوزلینی کورد بکم کی اودم صده
 یازدی پاشا دوش دیدی یوزم او سننه دوشتم امه دوش دیسه همین دوشیکه طوروب
 ییقلوردم الله خنکارمک یاشن اوزون ایلسون دیویرا ویدم دیدی اگرچه بویه نرکه باز تورک
 ایدی لکن امور خارجیه بی اکثر و محله کون استعداده بجه جواب ویرمکی کوزل بیلور مشن
 غایت باطل واشک ترک اولغله ذکر اولنان تعبیر ایله سوبلدی سوززی مورخ عینیه
 یازمش مرحوم وزیر فاضل احمد پاشا کرید فتحنه وارد قن قاطرجی اوغلیله بر کون بر محمدن
 کچرکن احمد پاشا کریدک سرباند طاغیرین کوستروب پاشانه کوزل بکلیه جک

طاغلو در دیوب حرامیلمکنه گایه ایندکه افندم ایوطاغلردر اما کاربانی اشکر دیو جواب
ویرمش ذی القعدة واسطنه دك استانبوله اكلنوب ارباب دولتك ضیافت واکرامیله
ملتفت اولوب بعد اسكندن پكوب مشایعه سیچون روزیرا غاسی تعیین اولنوب بالقوب
منصبینه کندی وقعه بونی یاری محمد پاشا بوندن اقدام قاطرجی اوغلینك اخذینه
مأمور اولان امرایه اناطولیدن معزول بونی یاری محمد پاشا سرعسکر تعیین اولنشیکن
خدمت عهد سندن کلمه استعدادی اولدی یغندن ماعداسر عسکرلک مهانه سیله
رحا یا فقرا سن رنجیده ایدوب قضا اردن جمع امواله مشغول اولغین بر قاج دفعه فقرا
در دولته کلوب اظهار تظلم ایشلر ایدی بناء علیه قتلی ایچون خط همایون صادر اولوب
گوپر یلی محمد پاشا تعیین وقاطرجی اوغلی و بر قاج امرامعما موراولمشلر ایدی صیانت جان
ایچون بونی یاری دخی اتباعندن وغیریدن وافر لشکر جمع ایدوب مقابله یه متعی اولدی
حتی عصیان ایلدی دیو آستانه ده تواتر بولدی کوپر یلی محمد پاشا اول پیرروشن ضمیر
عاقلا نه یویله بر نازك تدبیر ایلدی بونی یاری به خفیه بر مکتوب یازوب بنم سلطانم
بز طرف پادشاهیدن اوزر یکنه مأمور زسرك دخی لشکر جمع ایتدی یکنه مسموم عز اولدی
پادشاهك قایچی اوزند رعصیان ایدنلرك عاقبتی نه مخرج اولدی معلوم کردو ورطه دن
نجات استر سکر بو پد ریکترک نصیحتی ایلد عامل اوله سرهمان بر کجه علی الفغله جمعیتکنر
اراسندن فرار و بر قاج آتلو ایلد استانبوله جان آتوب والده سلطان حضر ثلینه داخل
دوشوب جراییدن استغفار اید سزان شاء الله تعالی قرین عقی اولمکرده شمه یوقدر
فکر صحیح ایلد تفکر اید سزم مقصودم سزمه خیر خواهلقد سزاعلم سزدیوب مکتوبی بر شخص
مجهول ایلد کوندر اولدخی اوقیوب فکر ایدوب واقعا بوندن معقول رأی اولدوغن
ادراك ایدوب کون یوزی نام محله بوئش ایدی همان اول کجه آت یوبنه دوشوب
سیکبازاری پولندن ایغا رایلد استانبوله کلور وکلدی کی کجه مهد علیا والده سلطان حضر ثلینه
هر حال ایدرنی پادشاهه جلالی اولدی دیو یا کاش اکتشملر ایشند یکنم کی کدم قتل ایدر لسه
بوئم قیلدن ایچنه دردیو نیاز ایدوب بر قاج بیك التونلق جواهر دخی اهد ایدوب کوندردی
بعد اوجاق اغا لرندن نافذ الکلام اولنره دخی دخیل دوشوب هدایا و بر مکه شفاعت
اولنوب قیلدن خلاص اولدی اوزرینه مأمور اولان کوپر یلی به وسائر لرینه منصب لرینه
کتمه لر یچون اوامر شریفه کوندرلدی حوادث شمالیه تاتارخان له لایتنه سفرا ایدوب
مصالحه دنصکره عودت ایتد کارینك رمضانك اون سکر نه خبری کدی بوسال واسطنه
اون ایکی شایقه تن صویندن چیقوب بالقلی یانده تات ایل نام ساحلی اوروب و دونشده
بر سفینه واثواب ایلد مملو بر شراب سفینه سی الو بینه تن صویندن مسقوه کندیلو
ایدی بناء علیه تاتارخان له سفرندن کلوب بوقضیه دن آگاه اولدقد مسقو چارینه خبر
کوندروب بوشناعت و بی ادبلك ندر وقتکه حاضر اوله سن عموما طائفه جنکریان ایلد
اوزر یکنه وارلق مقرر در دیوب مسقو اوزرینه سفر تدرکی اصمارلندی و دو بر کجه و نیکیبولید
نه اولنوب مسقو اوزرینه وارلغه تدارك عظیمه یه شروع ایتد یلر ذی الحجه بوندن اقدام

چند را غارزاده یه قیودانلق ویریوب یدی سکر یان چکد رمه ایلد آق دکره چیقوب ساقزه
وارکجه بعض امراء بحر یه یه قاشو شغله یکر می مقداری سفینه اولوب قزلحصان واروب
دور بر اقد قلرند مکر سردار اکر مک غرضی موجیجه روم ایل ایالتی یقلی مصطفی پاشایه
ویریوب بالوکا له قیودانلغه حالادوتمانی آستانه یه کتوروب کند وایالتک اولان روم ایل یه
کین سن دیو صدر اعظم مراد پاشا دن امر و مکتوب و رودینه بنا یقلی دخی حسب الامر دونمانی
ساقزه کتور دك قیودان جدید قزلحصان واردیغنی دو یغله واروب اند ملاقات اولماغین
وکندو خلا ف اشارت روم ایلنه کتیموب استانبوله کلدی صدر اعظم تهر ایدوب
ایکی کون ملاقاته اذن ویریوب بعد زمان ویریوب کلدکه یچون سوز طوتمدک ایالتکه
کتیمدک دیدکده اول دخی دفتر خانه بکا تسایم اولندی مضمونیه جواب اعتذار ویریوب
معقول اولدی عید اخچی دن مقدحجه قیودان حید را غارزاده دخی استانبوله کلوب سابقا
ردوس پاشا سی اولدقد نصکره مقتول محمد پاشا اراده سیله نکرار ترسانه کتداسی اولان
جغاله زاده قره خواجه ابراهیم کتدایو غا زدن ایچره کیدر کده مرحوم اولوب قیودانک یدک
وئسی صاری علی مرد تندر خوی ترسانه کتداسی اولدی و بوندن اقدام بیوک میا خورلقدن
چیقان حسین پاشا میرمیران حلب اولدی تته اطراف مملکتک و استانبوله حدو ث ایدن
بعض غوائل هائله بر مقدار مند فاع اولوب وکلای دولته نوعا استراحت وقتی اولغین صدر
اعظم مراد پاشا و یکچیری اغاسی و کتدایک و منجم پاشی حسین افندی و بوداق زاده امثالی
یاران لر ایلد اکثر اوقانده با یچنه رده و فرح فریالیه لوده سیر و صحبت و انبساط و عشرته مشغول
اولوب امور دیوانیه و مصالح عامه یی کور دیکند نصکره و تعطیل کونلرند اکنساب زهت
ایچون اما کن دلکشاده ضیافتلره کیندرلر دی لکن حکام کرام خصوصاً وزرای عظام بومقوله
صحبت و معاشرت بر ایکی یازغا رصادق ایلد در میان ایدوب همراز لری چوغا التیق مناسب
دکل ایکن و افلاطون الهینک انبساطک عورده من عوراتک فلا تبدله الالم مؤن علیه
حقیق به کلامی مفهومی اوزن صحبت خاص الخاصه داخل اولان یاران اول صحبت ایلد افتخار
ایتر اسرار خفیه یی کشف ایلر کتوم السرو صین العرض احوالی مجرب اولمق لازم ایکن وزیر
اعظم یکچیری اوجا غندن کلش اخلاق ناسه مطلع اولماش ساده دل ایی دولتلر اولغین
اوجاق اغا لرندن یچه مشاهیر ایلد و قیدیدن کندی ایلد ادنا مناسبی اولان نامستعد لر
ایلد صحبت اولوب مراسم حرم و احترامه قطعا رعایت ایتیموب حتی یکی اوطه لر قریبده صوفیو
تعبیر اولمان محله ک مؤذینی محن چلی نام شهری طریف ایلد معارفه قدیمه سی اولدیغنه
بناء اول محمدن یکد کجه عنوان و زارت ایلد خانه سینه اوغرا ییب اکل فطور و شربت و قهوه
ایدوب مؤذینی بر بار کیره بندیریوب کتدوکی ضیافتلره سیله کتوروب بومقوله بی تکلفانه اوضاع
ایتد کارینی کورن عقلاطعن و تشنیم ایدر لر دی بوسیا قد لایالی صحبت و عشرته کثرت
توغل حسادلسانه دوشوروب شیوع بوله رق اعداسی جانلندن عیاشلق افتراسی حرم
هماینه منعکس اولدی بر کون بر خط همایون ورود ایدوب مضمونیه بن سنی باغ ویا یچنه رده
عیس عشرت اولمق ایچون وزیر ایلدم امور مملکت ایلد بر خوشجه تعید ایلد بر دخی عیاشلک

پادشاه به پسرش پادشاه سنک باشکی کسر م دیو پور مش پاشا از یاده منتقل اولوب رئیس الکتابه
 بووقته دنگ نه کونه امر مهم و مصاحبت لازمه تعطیل اولندی بوخط ارباب نفاق القاسمیدر
 دیوب رئیس افندی دخی سلطام اعلمدرد خواهان نفاق اولدی قتی ظاهر دریدی وز
 اعظم آدم کوندروب پادشاه خط تعاینه معین اولان مصاحب بشیر اغایی که مدینه دن
 کلوب پادشاهک یازی خواجه سی اولش ایلی چاغروب خطی کوستروب بویله ادایی
 پادشاه نه یلوردی بوکیمک تعالیمدر ظاهر سنک تعالیمدر دیو واقر عتاب و تهدید ایتد که
 بشیر اغا قسم ایوب اگر چه باشک کسر م لفظی اغاظ ساثره بحسب الاقتضا خط همایون
 یازلغه کلان الفاظک نیچه یازیلان جغنی سوال بیورد قیبه بنده املا سنک تعالیم ایتشمدن اربابوخط
 یازلد یغندن و کیمک تعالیم والقاسی اولد یغندن اصلا خبر م یوقدر دیو بین ایتد که پاشا
 تعنیف ایوب بردخی پادشاه مشق ویر میوب بلکه سر اید دخی طور میوب یکی قبوسر اینه
 صاکن اولسنی امر ایتد که بشیر اغا امر و زیره امتثال ایوب طواشیار دن برغیری اغا خط
 تعالیمه تعیین اولندی وینه بوماه ذی القعدة ده ظهیر ایدن امور دند رسایقامیر لوا اولوب
 مجذوب میند شکل اولمغه معتقد بعض ناس اولان پیک سابقا مراد انایز کرید جزیره سنک
 وزارتله تبشیر ایوب استماع اولمغه وزیرک و بعضی یارک معتقدی اولوب و بوشاده بحسب
 الاتفاق مدرس حامد افندی سنک خانه سنک ساکن اولمغه پاشانک قرناسی حامد افندی دن
 اخذ مال کایمغی ایتد کد نصکره ظرافت ایله حامدک عراضحالی مجذوب مذکور ایله پاشایه
 ویروب مضمونی مفشک منصفین التماس اولمغین قرنا مذکور دخی مقام تربیت و تعریف
 قیام ایتمایله حکمی افندی معزول و حامد افندی مفش اولدی حامد افندی بر مقدر اعبوس
 الوجه و صلابت ایله متصرف اولمغین طرفا بکائی نسیمه ایوب دیمشرد زیت چو تقشش
 از دست حکمی برست بکائی همانا بجایش نشمست و او اخر ماه مزورده صول جمله جیلقدن
 مقدم مایله اوله اوله باشی اولان علی خواجه نام بوستنجی اوله باشلغندن صکره
 متفرقه اولمق صد دنده اپکن مالدار اولوب مراد پاشایه استنادی سببیله صاع جمله جینک
 یولن آلوب اوله باشلغندن خلاف قانون خاصکی اولمشیدی بو محله بوستنجیلر
 کتخد الغنه قصید ایتد که بوستنجیلر غیبه کلوب بیو بی انصافی یان لرزدیو جمعیت واحوالی
 پادشاه اعلام ایتد که یوزاللی ایچقه تقاعد ایله خاصه کیلکدن اخراج اولندی اما
 صقل قومق معمود ایکن وزیر اعظمه استناد و قوت مالیه سنه اعتقاد ایله تکرار تراش
 ایوب میرا خورلق وعذیله مطیب اولدی نتمه استتله ده کرید سفر همچون مشاؤون اولنوب
 سرداردن کلان عرض و محضر لر مو جببجه قندیه قرینه قلعه بناسی معقول کورلدی
 و ذی القعدة و اخر دند کرید سفرینه مأمور اولان کنعان پاشا و سکبان باشی کور حسین
 اغا الوجه و زقدن یکچیری ویشس سکسان قدر سپاه ایله واروب کرید ده اوردویه داخل
 اولد قده دورت بش بیگ جدید در بجه هسکری دید کوری لاف و کدافه چیقوب
 سردارک و عسکرک جکر لری خون اولدی وزیر ساچان پاشا واروب رتمو محافظه سنک
 و حید پاشا حایه محافظه سنک قالدی قندیه ده اولان کفار نقد ارادم امده که جکین

صافر کفره سندن خبر المغه تقویت قلب حاصل ایوب هر بارینه طشره چیقوب تجاوزدن
 خالی اولوب دریادن امدادی اکسک اولمغه کتد کجه قوت یلدی ذی الحجه نک یکر می
 برند کفارک پیاده و سواری قرمری مناسر تعبیر اولنور محله چیقوب و بر مقدر پیاده سی
 دخی عسکر اسلامک منزله لری سمته خروج ایتد که سردار اولطرفه سکر دوب براز
 جنک ایله کفاری دوندروب خند قرینه طقدی اول جنکک سردارک صاع قولی تفنگله
 مجروح اولوب بعد جراحت قور شونی چیقاروب کوه که ضرر اولدی و آخر ذی الحجه ده
 قیوچی باشلردن کرید کوندریلان شیخ زاده ابراهیم اغا و صول بولوب سردار کوندریلان
 خلعت و خط همایون و مکتوبی ویروب مفهومند قلعه بناسنه اجازت بنا اولمغه بر محل
 مناسبه ایکی اوج یره قلعه لری اولنوب و جدید عسکر وارد قده اول قلعه لره کیروب
 محافظه ایدلر و دورت سنه دن بره زحمت چکن عسکره اجازت و یریه دیو فرمان اولمغه
 جمله عسکر مسرور اولوب دعالر ایتدیلر و قایم سنه ستین و الف ذکر احوال بناء قلعه
 جدیده در کرید فرمان همایون اوزن و وزرا و امر اوعیان عسکر بر یره کلوب قلعه لری سچون
 مشاؤون ایلدی لر تحمین اولند قده بری قاستره دیمکله معروف کوچک قلعه قرینه و بری
 قندی به طرف شرقی سنک نظار ایه نام محله و بری دخی قندیه مقابله سنه ایتد اقولن قری
 یوردیه نه طوب ایشور محله یا یلق اوزن قرار ویر یابوب کوچک قلعه قرینه اولانه
 مباشرت و کوچک بر قلعه یا یابوب جبهه نه نک اکثر بی محل مزین نقل ایلدی لر و سردار
 دخی دورت بش سنه دز عسکر اسلام ایله بو قدر آلام و شداید کوروب ایکی اوج دفعه
 یان لنوب عسکر دن دخی نیچه جور و غیر چکوب مجروح اولمغه عسکر جدید کلد که
 جزیره دن قاقوب برغیری خدمته استخدا م اولمق ایچون کمدوی عرض ورجا یلشیدی
 قالد رمق معقول کور لمیوب قالد رلدی و یوردی رنده تحمین اولنان قلعه یرنه پاشا لر
 و اوردو قاضیسی و سائر امور دید مهند سار ایله واریلوب جرمی و ارتفاعی تحمین
 اولند قده ایدکیوزاللی بیگ غروش ایله انجق حاصل اولوردیو اوردو قاضیسی امضا سیلله
 دفتری و قلعه نه شکل اوله جقدر تصویرینی قیوچی باشی شیخ زاده ایله کوندریلان
 کلد که ارکان دولت مشاؤون ایوب وزیر اعظم حایه دفتر داری مح پاشایه کرید مالندن
 ادا ایلمه دیو امر کوند رلدی محرم ملک احمد پاشا بغداددن عزل و نوغای پاشا اوغلی
 ارسلان پاشایه توجیه اولندی مزبور ارسلان پاشا عقل و کیاست و شجاعت و شهامت ایله
 بی اقران ایدی منقولدر که سابقا وارد ارعلی پاشا اوز رینه ایشیر پاشا سردار تعیین
 اولند قده مزبور ارسلان پاشا دخی سائر مأمور اولان پاشاردن ایدی واردار ایشیر
 ایله در میان اولان حقوق سابقه و عهد ماضیه و توقی سببیلله بشیر طر فندن غافل
 بولنوب عاقبت ایشیر لاندن قتل اولدوغی بالاده مسطور در اولوقت ارسلان پاشانک دخی
 قتلی ایچون ایشیر پاشایه امر و وزیر مکتوبی خاصکی یدیه وارد اولمشیدی اما نوغای اوغلی
 بر مرد دلیر و آگاه و متبصر اولمغین غافل بولنوب قات اندر قات مسلح و مرتب عسکر ایله
 دائرة اوردوی ایشیر ده هر کون بر رده قونوب محافظه اوزن دوران ایدردی ایشیر

پاشا منیری ملاقاته دعوت ایدوب کلد که عسکری خصم و صاحب اوغلناری زره و سلاحه
مستغرق قفسا سینه قات اندرقات کندی دخی کذلک زره پوش و مسلح ابشیر پاشا تانک
سیا بیانه نزول ایتد که زانویه زانو او توروب ارسلان پاشا قبضه شمشیر بدن الی ایرمیوب
النه قهوه فجائی ویرد کمر نه ایکی خسوه قهوه چکوب ینه قجائی اوغلانک الیه ویردیکی
کبی سلطان اذن و بر سر زده قلقوب قفاسنده الی حاضر سوار اولوب اغلاری قفاسنده
چکیلوب کتد که ابشیر خاصکی به باقوب شو کیفیت ایلده حرکت لین آدمی اولدر مک
قیه قایلدرید که خاصکی انصاف ایدوب به نجلین ارسلانی هلاک قصد ایدن دین و دولتک
دوستی دکلدر دیش ایدی اول وقعه دمنصکره ابشیر پاشا سیواسده قرارطوب
سنة سابقه او اخر نه شام ایالتنه کوندر یلوب بوسان اولندن ارسلان پاشا بغداده واردی
ومیلاد عیسی علیه السلام کونی بالیوسلرک التماسیله اغماضا اذن ملا بسه سیله
یوم مزبورده غلطه او کندی فرنگ قلیونلری عظیم طویلر اتوب شتد کمر ایتد یلر
و بواسطه سابقه کراولنان بوسته انجی علی خواجه نام ممول وزیر اعظمه استناد ایلده
قیو جیلر کتخد اسی اولوب بونوا شله صفالنه دستور ویردی وخیل تعین بولدی وسنة
سابقه او اخر نه بوسنه پاشاسی سرخوش اوغلی حسن پاشا یا منده اوج بیگ قدر کفار
چیقوب اهلونه قصه دینه پرداوغ ستمنه کلد کمر نه مکر سرحد قلا عندن بالاتفاق رایکی
بیگ مقداری نفر چیقوب نکایت اعدا قصه دینه جمعیت اتیشلرایکی کیف ماتفق کفارک
قفا کاهنده بیلنوب جنگ ایدوب طقوز یوز مقداری زننه اسیر و بشیوز کله آلد یلر
و بوفخ جلیل حسن پاشا ک یمنندن بیلدی لر حقا که مزبور حسن پاشا مکارم اخلاق
وعقل وشجاعت ایلده موصوف اولوب حتی نکه لوزمان ظلی سببندن عصیان صورتده
چلبی بازاری ناحیه سنده غلا سیسه قریبده واقع قوتیش نام قریه ده تغلب ایدن دلی
همود که نکه لونک قره مطره جیسی بولونه کلد که باصوب اتباعن قیروب کندونی
قاچروب آتی وایکیوز غروشتی آلا ندر هیچ بر بکربکی به سرفرو ایتیموب تحفظ
اوزن ابکن مزبور حسن پاشا ذوالفقار اغا نام قیوجی باشی سنی کوندروب برادر مدلی
مجدو دعوا ایلده معنون مکتوب یازوب دعوت ایتد که دلی مجود دخی کلوب اهلونه ده
حسن پاشایه بولشوب خلعت کیوب بر سریه سرحد او ایلده سرحدده کوندر دکل
واروب اووز مقداری باش و دل کتوروب مغر زومکرم ینه مکانه عود ایتد کد نصکره
مزبور ذوالفقار اغایی بولونه کوندر دکل دلی مجود کندی مالی جمع ایدوب کوندروب
حسن پاشا تانک محبت رئی و حسن عهدی کالشمس فی وسط النهار معلوم صغار و کبار
اولدی کذلک طاهر سلک پاشاسی حاجی می زاده که دفتر دارمصلی بیگدر تدبیر وشجاعت
ایلده متصف اولمغین هر سکی کوزل ضبط ایدوب ارناود عاصیلری پوتورلرین حسن
التفات ایلده کتوروب اطاعت ایتد یلوب اولطرفلر آسود دصال اولمشدر و ماه مزبورک
او اخر نه شهر امینی مجدی محمد افندی موقوفاتی محمد افندی کد بیه سن تزویج ایدوب
قیمودان پاشایه ضیافت ایدوب صدر اعظم و سایر ارکان دولته بو عچه لرویروب احسان

اگر املینه مظهر اولدی و بیاضی افندی عزل و قدری زاده امیر خطا ط بروسه قاصصی
اولدی مفتی بهایی افندی منحرف المزاج اولوب بعض معالجات ایلده ینه صریحاً و صحت
میسر اولدی صغیر اخیر ده سردارا کرمک عرضی کلوب کزیده عسکر مواجبی کرید
مالندن ویرلکه کلی عسرت چکلوب قلعه مصر فی دخی تدارک اولنق بروجله ممکن دکلدر
پاخصوص بزم برایکی بیگ قدر آدم ایلده او توروب پنجمه مزبور جزیره نک جزئیاتند
جزیره نک جزیه مالندن الحق او توی بیگ غروش اولوب سائر اعمار و جرایم محمولاتی
یکچیریدن غیرینک وظایفه بحق کفایت ایدردیو اعلام ایشیدی بروطرفه اصفا
اولتا معله ضروری شروع و اتمامی ملزم اولمغین اسکی یوردیون قلعه بنا سنده رعایا سوریلوب
حایه ورتو ناحیه لرک ایکیوز طاش کسبی کتور یلوب تلمنه بعضی طاشر چقمقه
کسلدی و یوزاللی نفر دخی کورج یاقغه تعین اولنوب اون بیگ نکه واون بیگ سمیت
کتورلدی و عسکرک هر برینه حاللوحا لجه طاش سالیانه اولنوب صفرک بکرمی کونه
وارنج طاشک نصفی قدری یغلدی و اطرافدن بخارلر سوریلوب ربع الاخرک بکرمی بشنی
اشین کونی تل براغدی دورت حصه به تقسیم اولندی بر حصه سن سرده و برینی روم
ایل و برینی اناطولی و برینی یکچیری یایق اوزن قرار ویردی بش ایدن ابجی تمام اولور دیو
تخمین ایتد یلر عسکر دخی آزا قلوب کاه و بیگاه کفارده طشره چیقوب تعرضدن خالی
اولر لرایدی سردار غازی او ردوی همایند بر جام و درون چهارده طبقه و زقبلی برجام
ونجه ابنیه خیره احداث ایلدی ربع الاولک اونجی کونی صدر اعظم حضور لری بیگ مکتوبی
واروب قلعه لری عسکری بنالین کلشدر سرزدخی انلر یابدوب طرف میریدن خرج
ایتد رمیه سزدیمکه ابجی بخاریه حایه ده اولان محمد پاشادان الندی و مزبور محمد پاشایه
کرید جزیره سنی تحریر ایتد فرما اولندی و ماه مزبورک بشنی اشین کونی قریانلر کسیلوب
دعا و شایله وضع اساس اولندی هر نفره یوز طاش صالنوب جمله سی ارقه لریله کتور دیلر
ونه مقدار آدم موجود اولد و غنک دفتری طلب اولمشیدی پاشا لرویکلر و سایر لری
دفتر اولنوب قیوجی باشی ایلده دره ولته کلد که تصدیق اولندی وزیر اعظم مراد پاشا
سیاوشر پاشا سرائین او توی بیگ غروشده بوشاده مرحوم اولان سیاوش پاشا زاده
مصطفی پاشا ترکه سندن اشتر ایدوب ابنیه عظیمه احداثه مشغول اولوب وقفه سی
بولند قد نصکره مقید اولوب ینه متصرف اولوب آکانقل و کتد و سرانی قیودان پاشایه
ویردی ربع الاخرک اون ابجی کونی آق دکر بغازینه بکرمی قطعه قلیون و سکر چکدری
وایکی ماونه ایلده کافر کلوب لکرا انداز اولدوغی معلوم اولد قد و زرادن عنکبوت احمد
پاشا بوغاز محافظه سنده تعین اولندی اون یدجی کونی معتاد قدیم اوزن طو پخانه ده طویلر
دو ککه وزیر اعظم اعیان طو پخانه یه واروب او تور دقلری کی توج اوج غنک مجراسی اچیلوب
قالبره صالدر لرایکی قالب کمال مرتبه قوریش اولوب عجله سبیلده مرطوب وضع
اولمشلرایش ماده آتشن خلاف مقتضای طبعی اولان بر مقدار طوبت و برودی کورد که
ککریوب هوایه صعود ایدوب اطرافنه آتش فشان اولغله حضار مجلسی پریشال ایلوب بعض

اشخاص مقصود اولد قلعه دفع مجلس ايتديار و باشنده و دو تنه سفينه لری با بلفه تعيد و اهتمام
 گوستر ديوار و سرحد ده خدمات مشكور سي سبق ايدن حسن پاشا بوسنه دن عزول
 و منهي ارض و مدن معزول پروزي دفتر داراوغلي محمد پاشايه و يرلدی و خاصكي الياس
 اخايه اداغاسي اولوب انده اولان بکچر يار گلش ایدی بکيدن بغداده کتلي نذيه
 اولندي بغداد قاضيسندن کاغذ کلوب اهل بغدادك نافرمان نغدن اضطراب و احوال ندين
 شکايت پاشا ایدی و بوماه ايجنه موسقي شناسلرک اشهر و اعلي مولا ناواقف خانجالی که
 قامی نصر الله در تنه در ناديلالی ديه زک وفات ایلدی ماه مزبور ايجنه غلظه ده عرب سوقی
 عتوق اولدی غریبه ايکی والده محترمه بریده امتراج ايتيموب دارالسعادة خلقه باعث
 فقره اولغله ايکيسنگ اغاری بيننده عظيم مناقشه و محاور ظهور ايدوب نه يوزدن
 تدبير کرکدر ديو صدر اعظم اچرو دعوت اولوب بعض آثار ضرر حيس اولغله
 صفای پاشا کوشکندن ايلرو کتکه جرأت ايتيموب اعتداليله کوشکدن طاعلديله
 و بر قاج طواشی نفي اولوب فتنه منفع اولدی ظهور بدل تمار خزينه نك مصارفی
 ابراده نصف مرتبه غالب اولغله تدارك لازم کلوب ممالك محروسه نك عموما رباب
 پيماينه بيکده بشيوزاچقه بدل فرمان اولوب قیوجی باشلردن بويایي حسن اغا
 اناطولی به و نضوح پاشا زاده عمر بيک ارض و مایالته کوندرلش ایدی بويایي حسن
 اغا و اروب مباشرت ايتدی که حد دن افزون ظلم و تعدی ايدوب کريده اولان ارباب
 تيمارک بدل لرینی دخی رعایان المغله شکايت اولوب آسقانه به احضار اولند قلعه اغار
 هر رجعت ايتکله معاف اولدی ماه مزبورک يکرمی اوچنده التي کی ايله طو رنجی باشی
 بوغازه کوندرلدی مفتي سابق محمدن قفول ايتدی مقرر اولغین قدس شريفه بوجه
 اربه لقا اسکانی اچون فرمان اولوب قارشو کوندرلدی جمادی الاولی بشنده قیودان پاشا
 دو نغماليله چيقوب آتی ذکره روانه اولدی لکن کفارد و نغمالی بوغازی سد ايتکله چقمق ممکن
 اولوب حصار لده لنگر انداز اولدی و قوره دن کفار کيلرینه بعض طو یلر حواله اولوب
 لکن چندان کار ایلدی ماه مزبور و اخرنده بر و طر فدن حرکت او لمانغله کافر جرأته
 کلوب ايجلرندن بر قلیونی حصان طوغری یوز یوب یقین کلد که وافر طو یلر آتوب برایکی
 یکن دوشردی و کپودوندی و بواغاده بکچر يار کيلردن چيقوب پراکنده اولغله ينه اوجاق
 چاوشلرندن تلکی اوغلی فریاده کلوب کافرک جرأتی و عسکرک قتلن نقل و امداد طب ایلدی
 اون چور باجی نفراتيله اولطرفه ما مور اولدی و کريده ما مور اولان عسکر دن کسه کچموب
 اذنه اولان قلععه بناسنه دورت قولدن اهتمام گوستر ديوار برجا بدن سکیان باشی و زغر چی
 پاشی ايله بکچری و برنده اناطولی و برنده روم ایل و برنده سا تر بکار پاشا لایله سردار بودکو
 شدت و آلامدن صکره جانلرینه جبر ايدوب نه حال ايسه بناسنه اهتمام ایلدی و سابقا
 کريده ما مور اولان سپاهیلر کلوب اولطرفه ذخیره و خزينه به زیاده مضایقه اولدوغن نقل
 و قلععه حالی تحقیق ایلدی و چونکه سپاه سا بقاذ کر اولنان وقعه لر دن راز سیکوب بکچری
 قصلطه اغار قوتيله یوز بولشیدی اللی بیلک قدر نفر و اون بیلک اغار علوفه لی نامستحق

اوراق قلاع و سقرده اولان نفراتدن غیری هر علوفه آستانه ده طقو زبوزو کاهی بیلک کيسه
 ویرلکله سا تراصناف علوفه یوزین کورمکدن قالوب سپاه باوکری دخی ایکی علوفه ده
 بر دور اولنرایدی بودفعه کريدن کلنره علوفه کز کريدده درد یو جور کلی اولنوب انلردخی
 دور اوب ایدوب اطهار نظم ايتدی که بونلر بیلک نفر ما مور اولوب یوز بکرمی نفری انحق کريد
 وار مشلردر د یورد ایدر لدی جمادی الاخره ده مشا و اولنوب هر اوطحه دن ايکيشر نفر و برایکی
 بلوک باشی وزیر خادم عبد الرحمن پاشايه قوشیلوب بوغاز امدادینه کوندرلدی و روم ایل
 و اناطولی یالی سمنلینه چاوشلر کيدوب اهل تيمار و بلوک خلقنی بوغازه سورمک اچون فرمان
 اولندی عتکبوت احمد پاشا روم ایلندن خادم عبد الرحمن پاشا اناطولیدن و اروب کافر کيلرینی
 برکان قالدر ديلر لکن دو نغماله سکری پراکنده اولوب اکثر کيلر بوزلغله يکرمی بشر قدر غه انحق
 دو نغماله دل لرند اسيله کافر اوزرینه و اروب جنک ايتک کوجدر ديشلر کچه کير و اقدام اولنوب
 توقف اولنوب بالاخره چقمق بر طرف اولندی تعین اولنان خادم عبد الرحمن پاشا و عتکبوت
 احمد پاشا هر چند که قیودان پاشایي و امراء دریایی از عاچ و بوغازدن طشره اخراج اچون ابرام
 ايتدیله مفید اولموب و نفسنده چقمق حد امكنه اولدوغی متعین اولمشیدی بالاخره
 قیودان پاشا و عبد الرحمن پاشا و سائر وجوه دو نغمالدن و اعیان ولایتدن عرض و محضر لار کلوب
 ايجنه حالایق نامنه دو نغماله قوشلان بکچر يار زیاده نامضوب طلق ایدوب خايچک ایکی
 طرفندن تالان ايتدی کوندرن ماعد الستک بولله و هر طرفه تسلط ايدوب کورکی فقراسی
 و لشکرک مقدار قلیل انحق کيلرده قالمشدر کفار ايسه او تو زایکی قلیون ویدی چکدیری
 وایکی ماوریه جمعا و توز طقوزیان سفن حریبه در حقلماغه بوجه لکه امکانی یوقدر اکر البته چیق
 دیو فرمان اولنورسه چیقار زوجه هلاک اولور زوجه فقرک قاتی یو بیکره الور سز و اکرانده
 طورک دیر سکر ذخیره کوندرن سکره یوسو اخلان غدا مقوله سی قالما مشدر و اکر کل دیر سکرانده
 و ان لم ناکه هر نه بیور رسکر اید یزدیو مسطور اولغین وزیر اعظم منقبض اولوب دو نغمالر ایشه
 یان مد یغندن متالم اولدی و سابقا بو غاز حصار دن طشره يکیشم بر یوزی ايله بابا یوسف
 با نچه سی که بو غاز نه بانید رایکی طرفندن اول محله قلععه لر بنا اولنسه کرچه طوب ابرمز لکن
 ارقریدن کی یکمکه ده مانع اولور دیو مشا و اولمشیدی دو نغمال ترسانه دن چقمق
 اونود یابوب حالایق بناسی لازم د یو اولد طر فندن فریدون اغا کوندر یابوب قیودان پاشا
 دخی قره دن و اروب بیلک کيلرینه مه مات نقل ایدوب ممکن او لدوغی مرتبه کريده امداد
 کوندرمک فرمان اولندی ماه مزبور حواد شد ندر که هزار یان احمد پاشا برادری ابراهیم
 اغا که دفتر دار ایدی یر قاج تازه اوغلانی قاجوب نافذ الکلام وقت کتخدا بکه یناشد یار
 دفتر دار دخی بن حالا پادشاهک مال وکیلیم وزارت یایمده وار بکچری کتخدا سی بنم
 خد متکار لریمی ایلار دوب پاشه الملق نه دیمکدر عرض مقام یوقیدر دیو وزیر شکايت و سائر
 مذمت ایتکین کتخدا بیلک طویوب اوجاق اغار یله اتفاق ایدوب جبر و تسلط ايله وزیر
 اعظمه دفتر داری عزل ايتدی و یوب قاسم اغا دامادی روم ایلندن معزول سورنا زن مصطفی
 پاشایي جبر ادفتر دار ايتدیله مشاهیر دن باشی باقی قولى قره عبد الله سورنا زه نك سو

معامله سن کوروب استعفا ايله عزل اولوب کاتب پور تورعلی باش باقی قوی اولدی رجب
والله سلطان طرفندن کوندریلان متبور فریدون اغاواروب بعض امور دین کسینه
ایله قلعہ یاپله جتی پری کوروب روم ایلی طرفندن طامله ختی نام موضع بن اولتیق
مناسب کوریاوب بنادن مقدم عظیم تاسیه لروا ورتوب قونق لازم اولوب لکن بنا اولندی
تقدیده ایکی طرف بعید اولغله چندان نفی یوقدر دیوخبر کتورمکه فراغت اولندی
انجق صوغان دن سنه طویلر قوریاوب کفار کیلری صویه برادر وگلک تدبیرن کوردیلر
قیودان دخی حسب الامر کیلر دن چیقوب قره دن بکر کیسینه کیروب ممکن اولدوخی مرتبه
پراز مهمات ایله کریده توجه ایتدی چون بوسالده دونما خروچندن یاس کلدی اول بهارده
مکمل دوئما تربیی اسبابنه شروع اولوب ماه مزبورک بکرمی او چنده یکرمی طقوز
قطعه قلیون و برورتون یا بلق ایچون قره دکر سواخلندن چای اغزی و سائر مناسب
یرلر قیوجی با شیر ایله مؤ کدا و امر کوندرلدی هر چند کارد انحرالیا قلیون یا یله جتی
کر استه مقدم مقطوع و قرومق کر کدر شمدی کیسلان تازه کراسته ایله یا پیلان قلیونلرک
تخته لری چکیلوب قلفات کتانی طشره آتاردیلر مفید اولوب وزیر اعظم طرفندن
اقدام تام اولندی مصارفی بعض ممالک ساحلیه مثلا طربزون و سینوب و کونیه
مقالحاتی و جزیره لر دن سالیانه و حواله اولندی که حصولی متعذر مقوله سفدن ایدی
بواشارده کراس فصلی اولغله اعیان وارکان بوغاز محاصره سی قیدینی اونودوب بوفاز
در دینه دوستیلر وزیر اعظم و اغا و کتخدا بک محایب و یاران ایله باستقه وادی و درین عالم و خیل
طاقی و صولاق زاده امثالی مشاهیر مطربان ایله هر کون بریالیده دلکشا کوشه لده عیش
و عشرت و ذوق و محبت ایدوب سائر خلق دخی حصان او شوب عیش و عشرت نه انهمائی
غایتیه ایر کوردیلر بوفصلیه اولان حد اعتدال دن خارج ذوق و صفا فتح حاقیندن برو کورلیدی
دیو اتفاق اولغله عقلا علامت خیر دکلدر دیدیلر بوسالده وزیر اعظم و اغا و والی بلوک اغاری
عموما کریده سفر ایدوب قره دن دخی شرع سکر کوندرلده کر کدر دیومالک محروسه
قاضیلرینه ایکیشرفات اوردو اچیه سی جمع و تحصیل بایده او امر کوندرلدی و بوماه
حوادثند که هر سنه ترکان حقله ترکان ویده سی عینتابه وارد قله اول دیارده دیدیوز
تفنگ اندازلوند که صارمجه نامیلر مشهور در چومار بلوک باشی نام ویده یه قوشیلوب بعد
اداء الخدمه و اخذ الاجره قرا و قصبانیه خاصه عینتابه و توروب مظالم بی پایان ایدوب
کسینه منعلرینه قادر اوله میوب بلوک بلوک قطع طریق و غارت اموال دخی ایدرلر قاطرچی
اوغلی و قعه سندن صکره خود چومارک بعض فساداتی اناطولییه شیوع بولمشیدی
عینتاب ارپه لغنده موسی افندی بک بررار نائی و اریدی مزبور صارمجه لشره
کیر مسون دیو یساغ ایدوب عباد الله شرنن امین و اول ملاعین متاذی اولشر ایدی
اول سبیدن صارمجه طائفه سی کین بغلیوب اول ملاعین اخذ انتقامه متر صد فرصت
اولشر ایش بوا شاده نائب محمول ایله عزم استانبول ایدوب دیوس مقاطعه سی
ویده سی دخی التی بک مقداری غروش و دیلی بک نام کسینه ایله استانبول کونر روب

نائب افندی ایلر رفاقتا کاربانه قوشیلوب عزم راه ایتد کاربانه صارمجه لربونلری کوزه درلایش
بریده اوکربنه اینوب ولی بکی و نائی پان لیوب یکر می بیک غروشه قریب تقودا خند
ایدوب سائر کاربانه ضرر ایتیموب چکلدر بوماه اچنده یکیشهر دن عبد الله افندی
معزول اولوب برینه تر حاله دن معزول شیخ الاسلام برادری احمد چلبی اولدی کذلک محرم
زاده برینه حسن افندی اوغلی شام قاضیسی اولدی بوا شاده علماییننه تفاق و شقاق و خلعه
تخیر و اضطراب حدی تجاوز ایتدی و استانبول خلقی اینده سودا سنده دوستوب اولقدر عالی
منازل و کوشکلر نایدیلر که برتاریچنده کورلما مشدرختی مهم باشی دخی بر عالی سرای یاپردی که
کویا طالع سنده ده مشتری و تدار بعه بولما نك مدلولی ایدی بوا شاده وزیر اعظم قیوسنده
دفتر دار سابق هزار پان برادری ایلر دفتر دار جدید مصطفی پاشا بر خصوص ایچون مشاتم
ایدوب اول اکبره سرخوش قتی اون بیک بیک اچیه حظ نفس کتلف ایتد اولدخی اکبره جاهل
ادبستر دفتر دارلق سوزنا چالمق دکلدر وار سن سوزنا کی چال بوا سلوب ایلر سن نجه دفتر دارلق
ایدرسن بن یکر می کون دفتر دارلق ایدوب جمیع اموری صاحب دولتک فرماینله کوردم سنده
اولان التی یوز بک مال میری بی سن نجه ایلدک دیو سابقا دفتر دارلق ایدن حاجی حسن زاده و قره
حسن اید حاضر لایکن بونلر برلرینه نجه مالایعنی شتوملر ایدوب انر و سائر بولنا نلر سیرچی
اولد بولنا لآخره چاوش باشی ایکسینه ده عییدر دیوب منرلرینه یوللیدی صیب مشاتم بو
اولدی که وزیر اعظم کتخدا بیک ایلر مابین اولغین دفتر دار خط همایون اصدار اولش
ایدی که دفتر دار سابقک محاسبه سین کور سن مال میری لالامده افسه دخی تحصیل
ایده سن سور نازن دخی کتخدا بیکه استناد ایلر ابراهیم اغا نك محاسبه سن کورمک
استیوب ابراهیم اغا ایسه وزیر اعظمه منسب کتخدا بیک ایلر تعرز و دلال مقتضا سنجه
جواب و یروب نزاعه مؤدی اولش ایدی شعبانک دورنجی ثلثا کونی بامر الله تعالی
قران محسین سر طائی واقع اولدی بوا شاد صدر اعظم ایلر کتخدا بیک بیننه شقاق
دوستوب حیرا دفتر داری عزل و سور نازن دفتر دار ایتد روب دخی نجه تسلط و تکلفندن
پاشا متضجر اولوب کتخدا بیک برداخت تدار کنه دوستوب بویله رأی ایلدی که بغداد
اغالغندن معزول طوچخانه لی مصطفی اغا که کندویه منسوب و الیاس اغا بغداده
وارد قله اول بغداد دن چیقوب آستانه یه متوجه ایدی انی کتوروب کتخدا ایلر
خفیه اکابر کونر روب مسارعتا اشارت ایتش ایدی اول دخی اغراهن براغوب ایاغارا ایلر
استانبوله کلشیدی پاشا دخی مزبوری زغرچی باشی ایدوب وقرنی اکا نمر ایدوب
کتخدا لغه تمام استعداد بر مشیدی بوسیا قله کتخدا بیکه یکچیری اغالغی تکلیف ایتد که
کتخدا بیک بوالتهات کندویه سوء قصده مینی اولدوغنی بلکه اغالغی قبول ایتدی در عقب
وزارتله بدون ایالتی کتخدا بیکه توجیهی مشعر خط همایون اصدار ایتدیدی کتخدا بیک
قبول ایتیموب نیم بدینه نه ایشم واردر وزارت نه حد مدر دیو جواب ایدوب مخالفت
اظهار ایلدی وزیر اعظم کوردی که بر طریقه دفع ممکن دکل جریدم بانه سنه طشر چیقوب
چله اغاری معتاد اوزن جرید دعوت ایلوب اثنای جریده کتخدا بیک پان لیکه قرار

ویروب ایچ اوغلتارینه حاضر اولغی ننبیه ایلدی مکر وزیر ایچی و سنده کتخدا بیگ طرفندن
 دائما احسان الورجاسوسی واریش خبر کوندر بوند بوند کتخدا بیکی آگاه ایلدی یار خیر اولوب
 خبر بیک و ارمدی و او طه با شیلرله خبر لستوب کندی و با و که چیقاردوغی اوچیز قدر سیاهییلار
 چو اغاریلر اغر برایدوب و سائر علوفه الامیوب سرگردان کترن سیاهییلار طائفه سنده دخی
 دسیسه ایلدوب شویله قرار ویردیله که صالی کونیکه یوم قران تحسین دردیوان قبوسنده وزیر
 یاره لیه لروا کر خدمت وجوده کاور سه جمله علوفه لری ایقالولنوب سرگردانلقدن قور تله
 و انعاملردخی ویریلرله بوخصوصی خو دکریددن کلان عریان و سرگردان سیاهییلارک
 یکنایه منه منت ایلدی و طوطیخانه لی مصطفی اغار قائل بنی رحدر سابقا نیچه بیگ یولداش
 یوغسدر حلال وزیرانی کتخدا بیگ ایتمکدن غرضی اوجاق خلقی قیردر مقدرانی کتخدا بیگ سنده منر
 دیودیانلر شکر و ایتمکی و چور بایمه ملک تدبیرن تعلیم و تفهیم ایتمک یار کدورت سابقه برودت
 لاحقه به منضم اولوب کتخدا بیگ دخی وزیرک علیهمنه بوند ارکاری کوردی و اوجاق قلم مراد
 پاشا چراغلوی دخی چوق ایلدی بو قضیه بی وزیره اعلام ایتمک کارد ه صالی کونی ترسانه
 مهماتی ایچون دیوان یوقدر دیو اصمیر لنوب دیوانه وارلدی اولکون معهود سیاهییلار جمع
 اولوب علوفه مزدیوشخ الاسلامه وار دیلار اولدخی وزیره خبر کوندر بوند برآلای مخرون
 و مجروح الفواد آدمیری ارضا کند ولر اتقعدردیمکله انلره بر قاج کیسه ویریلوب دفع
 اولندی غرایب ندکره بکتاش اغا و یکچیری اغاسی وزیر اعظم ایله کتخدا بیگ اراسنه
 کتروب توفیق و اصلاحه سی ایتمکله مع الکراهه رضاشکلی کورنمش ایلدی لکن والله
 کتیر وزیر طر فنده والله صغیر کتخدا بیگ طرفنده بولمغله ایچ خلقی دخی ایکی فرقه اولوب
 بر جاب غالب مطلق اولمغله مدارای صوری لازم کلوب منبرورلرک توسطی ایله اصلاح
 ذات البین اولور شکله کتیردی هر نه وقت که دولتله خصوصاً قرب یاد شاهید غلبه
 و نفا ذرمتعین واحد محصور اولوب اشتراک و اختلاف بولنه فتنه و فساد اکسک اولوب
 نظام امور خلل کلور وزیر امور دولت شرکت قبول ایتمز بر معنادر ماه مبرورک التخی کونی
 یعد ادوالیسی ارسلان پاشا نلک فونی خبری کلکله وزارتله بغدادی استر می دیو کتخدا بیگه تکلیف
 و ابرام اولند قدر قبول ایتمکله ملک احمد پاشایه ویرلدی فراغت مراد پاشا و صدارت
 ملک احمد پاشا چون اوجاق اغارلی امور دولتله بالکلیه مستولی اولوب رتق و فتق و مصالح
 جمله انلرک یداسته قلا نلله ایلدی خصوصاً کتخدا بیگ جمله دن زیاده نام و شان صاحبی
 اولوب قبوسنده جمله علما و زراملازمت ایلدوب اکثر مناصب انلرک رانی ایله ویریلوب
 رضاسی اولمادوغی صورته ویرلک یکن اولوب و کوچک والیه امینی اولدوغندن کترن
 ایرشدرمک متعصر و کیمه رک دولت و احشامی خدن تجاوز ایلدوب کوکبه و دارائی وزیر
 اعظمه برابر کلکله هضم اولنق رتبه سندن افراط ایله یکمشیدی و مراد ایتمک کیری مواده
 وزیر اعظمک عدم مساعده سی مصاحبی و ندیلاری اولان محرم پاشی حسین افندی و بوداق
 زاده محمد اغا دن ملاحظه ایتمکله بولوننی یلد اولنسون یا خود یا نندن تبعید ایشونلردیو
 و مراد پاشا چون اسانندن وزیره خبر کوندر دکر نلله کللماری قبول اولمغله بینلرینه بالکلیه

برودت دوشمش ایلدی و وزیر اعظمک کتخدا بیگ حقه تدبیر ایلدی مکی کارکر اولوب
 کتخدا بیگک ترتیب ایتمک فتنه و فساد دخی وزیرک معلومی اولوب دیوله وار میوب طرفین
 کینه ایله مترقب فرصت دور لر دی اول یوم ثلثاده کتخدا بیگ طوب قیو سنده
 اولان با نیچه سنده جمعیت ترتیب ایلدوب یکچیری اغاسی و بکتاش اغا و مصلیح الدین اغا
 و یکچیری کتبی دلو قاسم زاده واروب صورت ضیافتده جمعیت ترتیب ایتمک وزیر اعظمک دخی
 اصلی اوجاقدن اولمغله بینلرینه توسط ایمن مصاحبون یدیلر ارالرنه آمد شد مراسلات
 مکرر اولوب بالاخره بکتاش اغا وزیرک جاسداری و سار اوجاق اغارینک دخی اسن و اختیاری
 اولغین اصلاح ذات البینه سعی ایلدوب سوز بولنه قرار ایلدیکه کتخدا بیگ ینه منصبنده
 قرار ایلمه اماطو بخانه لی مصطفی اغا ایچون بغدادده یتمشدن زیاده یکچیری
 یولد اسلرنی بی کنه بوغوب صویه اتدی قتل چوقدن یکمش ظالمدر دیو اتفاق
 ایلدوب بالاخره اتی قاجروب دغدغه سندن امین و آسوده اولدیلر اما بومعنی وزیر
 ضایت کران کلوب وزارتدن بیر ار اولدی و قول کتخدا بیگ صدارته آرزومند اولوب
 والله قوتیلر مهری الوب کندوی صناع قومیه جفتی دخی ییلوردی نقل اولنور که
 یکچیری اغاسی و کتخدا بیگ و مصلیح الدین اغا البتمه مراد پاشا قتل اولنسون دیو
 اول مجلسه اتفاق ایتمک کاردن همان بکتاش اغا رجا کونه سوزه کلوب بهی آدمیر
 مشو آدم نیم خممدر جمله کترک رضاسیله وزیر اولدی استمر سکر حسن رضاسیله مهری
 صاحبنه تسلیم ایلسون قتل ایتمک یچوندرانک قوشجه جانی البتمه بکا باغشار سکر
 معقول کوردیکر وزیر اولدی استمدیکر کروزاتی براتر سه اولوقت بیلدیکر اکثر کرده در
 دید که بوسوزه جمله سی راخی اولوب سکون بولدیله اکامنه بکتاش اغا مراد پاشایه خبر
 کوندروب بعد الیوم سنک وزارتکده رونق قالمدی همان مصاحبت وقت اولر که مهری
 کوندروب طایعاً پادشاهه تسلیم و تخلص کریبان و دفع بیم ایلمه سین دیدی شعبانک یدخی
 جمعه کونی مراد پاشا ایچی و پادشاهه واروب سئو کتلو خنکارم بر مملکتده دورت وزیر اعظم
 اولنراشته مهرک برقلو که دخی ویرین قو لکه دخی بر نان پان احسان ایله خیر دعا که
 مشغول اولیم اما زهار مهری یکچیری اوجاقدن کسنه ویرمه زوال دولتکزه سبب
 اولوردیو تخت برایدوب مهری تسلیم ایلدی بر قاجکون مقدم وزیر مشارالیه کندی
 ناحیه احوالنه ضعف و سقوط مشاهد ایتمک صدارت صد دنه اولنلری تفریق
 قصیدن ایلدوب جمله دن بری ارسلان پاشا فو نیله بغداد محلول اولد قدر قیه سلطانک
 خلیل جلیل ملک احمد پاشای ایالت بغداد ایله معجلا اسکدان یکورمش ایلدی
 سلطان دخی پادشاهه استقامت ایلدوب یقینه کلشیدی شعی نجون کیدریاری بک طلاق
 ویرسون دید و کمنه بناء ملک احمد پاشا نلک بغداده کتشی خلاف رضای هیان اولمشیدی
 چون اوچخی کون مهری طوعا کتوروب تسلیم ایلدی یا کاش حساب بغداددن دور مثنی اوزره
 پادشاه حاضر ثلری ملک احمد پاشای دعوت ایلدوب مهری تسلیم ایلدوب صدار اعظم ایتمک یلر
 و مراد پاشایه مسؤلی اوزره بدون ایالتی ویریلوب کورک و خلعت کیدر دیلر منجم پاشی ایله بوداق

زاده اختفا ایدوب بادورودتلی مضحل اولدی فذلکه تحریری اوزن مراد پاشا مهری
 تسلیم واستعفا ایتدکه بدون ایالتنه خلعت کیدریاوب چقد قد نصکره بنوب سراینه
 مسروراکوب اولکون اتباعیه طشره چیقدی شیخ الاسلام وقضاة عسا کر و سائر وزرا
 واغالر حضور همایینه دعوت اولنوب وزارت مشورتدن صکره ملک احمد پاشایه ویرلکه
 قرار ویرلد که پاشای مشارالیه قبولدن ایا واستعفا ایلدی اوجاق اغا لرنیک تسلطی و مراد
 پاشایه اشلد کلرین و کندویه وزارت ایتد رمیه جکرین بیلدیکی اچون کانه شرط
 استقلال پولند قچه قبولدن امتناع ایدوب ثبت کوستردی ابرام اولند قچه دفع صد دتاه
 اولوب بر ساعت قدر ابرام ونجه کلامدن صکره اوجا قدن بر فردامون مداخله ایتسون
 دیو شرط اولنوب اوجا قلعه کسسته مداخله ایتد دیو بار کران امانت عظمای تحمیل ایلدی
 اول دخی بو قول اوزن ناچار قبول ایدوب بر اویوب طشره چقدی قوله بنوب شهری
 کزدکن صکره سراینه وادی اعیان وارکان تهنیت ایتدی یلر مورخ دیرکه تسلیم صد ارتک
 ایکنی کونی وزیر جید قبل التهنیه شیخ الاسلام بهانی افندی یه واروب کال خلوص و محبت
 معامله سین ایتدی یلر و صدیق افندی عزل اولنوب مصر دن کلان موقوفاتی محمد افندی که
 خراج محاسبه جیسدر رئیس الکتاب اولدی و صاری علی بابا عزل اولنوب یولوی محمد
 افندی باش محاسبه جی اولدی و طریزونی کاتب غنائی باش تذکره جیالک خد متنه
 استخدا ام اولندی ایکی کونله اکثر مناصب دیوانیه تبدیل اولنوب جائزه لری بحسب الضمرون
 خزینه یه ایراد قید اولندی شعبانک اون برنجی ثلثا کونی شیخ الاسلام وقاضی صکره لری
 واغالر جمله حضور همایونه جمع اولوب مشورت ایلدی یلر که مو اوجب ویرلکه مجال قالدی
 مضایقه کاله ایردی میری سال هر کیمک ذمتنه وارایسه تحصیل اولنوق کرکدر دیو
 دقتدار سابق ابراهیم پاشا قیو جیلر اوطه سنه اندن یدی قلعه یه وضع و مال طلب
 اولندی و چا قرچی باشی شیخ زاده شیخ الاسلامه اطاله ایدوب امون مداخله ایدر
 شتر پردیو حبس اولندی ماه مزبورک اون دور دتاه صنعی زاده عزل و خواجه زاده
 علی افندی استانبول قاضیسی اولدی کذلک عصمتی غلطه دن عزل و شامدن معزول
 فتوی امینی شیخ زاده ادرنه پاییه سیله غلطه قاضیسی اولدی و سعدی زاده ادرنه
 قاضیسی اولدی و اواسط شعبانک حیدر ار حسین پاشا دن دلی بیرام نام کسسته کلدیکه
 سابقا ساجدار پاشانک چاشنکیکیر باشیسی ایتمش مکتوبلر کتوروب مضمونله زادن دن
 قندی یه اوج بیک مقداری کافر یحوب سردار دخی عسکر ایل قندی یه مقابله سنه
 یکی بنا اولنان قلعه اوکنده که ماینلری دروت بیک آدم که تمام بر میل شرعید راو توررکن
 قندی یه کفاری دخی اول ملا عینه منضم اولوب برکون چیقوب اور دویه قصد لری
 مقرر اولد قلعه سردار تیقظ ایل اوج کون تمام آتلا کر لوئنییه اولنوب جمله عسکر ایل
 بکلندی تا که برکون وقت غروب له ملا عین چیقوب تابور دوزمه که اشتغال ایتدی یلر
 علی الصباح جنک و مقابله اولنوب بعون الله تعالی ملا عین منهنم ونجه سی مقتوا اولدی یلر
 اتشی دیل طویلوب بقایا سی قلعه یه قاچد یلر و عسکر البتد و طنیزه کیلر رزیک عسکر

کلسون دیو ابرام ایتد کلر دتاه سردار روز قاضیه ایکی آی قاله رق اجازت ویرمک اوزن
 قعده ایله تسکین ایلش حالا محمد داغسکرک کله سی مهندردیو تحریر ایلش قره چلمی زاده یه
 کلان مکتوبله مسطور اولان بودر و تودن قلعه سی احوالی سوال اولند قلعه مزبور دلی بیرام
 متوبله جواب ویردیکه سابقا فتح اولنان قلاعدن مذکور تودن قلعه سیکه دونمای اسلام
 آسایش ایدر جنک لیان اغرنده واقعدر مکمل نفرات و مهمات واریکن وزیر مراد پاشا
 خاصکی لک اعتبار یله مانیه اغا لکنه کوندردیکی احمد اغا نام منسلط و نادان یکر می
 مقداری فرقه دوزوب لوند ایله دونادوب قورصانلغه کوندردکن که حربی و معاهد
 ویرلکه مسلمان کیلری بیللله لری نه کیر سه صاریاوب آلورلدی و پیدا ایتد کیری طویلقدن
 کندویه حصه کتورر لایش مذکور تودن قلعه سی نفرا تی دخی اول فرقه لره کیروب
 قلعه خالی قالد یعنی کافر طویلقده کیلر کوندروب بر هجوم ایلل استیلا ایلش و حالا کفار
 کیلری کیرد اوکنده کزوب قطع طریق ایدر لردیو خبر ویردی موأخذة اتباع مراد پاشا
 ماه شعبانک منجم باشی و بو داق زاده منکوب اولوب بالاخره منجم باشی چاوش باشی
 منزلندن قالدیری اوب یدی قلعه ده محبوس اولان شیخ اوغلی عبدی اغا که چاقرچی باشی
 ایکن مفتی بهانی افندی یه اطاله لسان تهمنی ایلله موأخذة و حبس اولان بی اد بدر
 اسکدار قاضیسی هاشمی افندی یه تسلیم اولوب بیورلدی وارد اولمشید بکه ابریمه مفتی
 اولنه لری ابریم عفو اولنوب نهایتی ایکسیسی دخی بودیاردن طمان قالدروب و بی
 نشان اوله لرتوبلکه بر دخی بوحوالیده ظهور لری استماع اولنه حقلرندن کلنک مقرر در
 دیو بیورلش پس منجم باشی حج شریف بهانه سیله و چاقرچی باشی مسقط رأسی اولان
 انقره ار زوسیلله نابید اولوب بو داق زاده دخی مراد پاشا ویردیکی پیاده بیککی نزع
 اولند قدن صکره باش چاوش اولان عنبر چاوش حبسند قرار ایلدی قصه نامه
 همایون بجانب چا سار نجه مقدمه نجه یه محمدید مهاده اچون ایلی چقارلغه
 کیدن آدم ایلله نامه همایون ارسال اولنوب عادت قدیمه اوزن سنکه نجه ایمپراطور یسن
 یازیله کلکه به دفعه دخی القاب و خطاب غیر مفرد صیغه سی اوزن سنکه دیو یازلد یغندن
 غیری ایمپراطوری دنیوب قرال الفاطی زلد یغندن نجه قرالی متکدر و برو طرفک
 ضعف واختلالی ملاحظه سیله منشر اولوب قرال تعبیری و سنکه لغظی کافره کران
 کلکه ایلیجیسی بچدن حرکت ایتشیمکیر و دوندروب واران ایلیجی دخی بولشد رمیوب
 معاهد مطلوب ایسه نامه یی سرکه نجه ایمپراطوری القایله یازسونلر دیوب نامه ایلله
 ایلیجی یی کیر و عودت ایتدردی قاصد دخی چیقوب بدوند سیواوشن پاشا دن وادرنه
 حوالیسنده مراد پاشا دن مکتوبلر اکوب اعلام حال ایتدکه مشاوه اولنوب عصر مدارا
 عصریدر دیونجه استرسه نامه یی اوبله یازوب کوندردیلر کیفیت وصول امداد یخیره
 کیرد قیودان حیدر اغا زاده بوغازدن کیلرله کیریده ذخیره و امداد کتورمکه مامور اولمشیدی
 شعبانک اون سکرچی کونی بکار ایل قندی یه مقابله سنه اولان کوچک قلعه التنه واریدی یلر
 اوج یکچیری چاوشی دورت چور باجی یوزاللی قدر نفر ایل طشره چقاروب یوزیکر می یدی

کیسه اوج بیك اوتوزیدی چوقه قرق اوج چفت مشك یوز تیش اوج ارقه قریه سی بر مقدان
 هماتی عجله ایله طشره بر اغوب دریا طرفه برایی کافر کیلری کور مکه عقالری باشلارندن
 گیدوب عجله در آلوب کیر و سا قز با بنه چکن یروب کتدی یار عسکر ککی کیلرده قالوب
 چقه میوب طشره چیقانلردخی ذخیره و نعمه لوق و سلاحتی اله میوب بر مرتبه خوف ایله
 قالقدیلر که جزیره ده اولان عسکر جمله سب و لغی ایتدی یار غلبه سردار کفار کیرید ماه
 شعبان خلافت قندیه چنرالی طرفدن دفتر دار کفار مثابه ستم اولان ملعون ابدی
 بر نیجه بطارقه اخیلاک ایله چیقوب سردار بولشدیلر سردار شجاعت شتاردخی ایاب دشمن
 ایچون مزین و مسلح لشکری صف اندر صف دیزوب اوردویه ترنپ و آرایش و پروی اخیلاو
 بولشد قریه نتیجه شقاوت بولیدیکه نیجه یهدک جنگ و آشوب اوله حالاسر ده مقدمه اخن
 و محبوس اولان جنرال اوغلی ایله زده اسیر اولان ایا مور بکنی و سائر سزله طوتساق
 اولانلر ایله زده اولان اسارای مسلمانین مبادله ایدوب بعد الیوم قاعده مقننه
 اولسونیکه طرفیندن هر کیم طوتیلور سه اوچر یوز غروش بهایه کسیلوب سزندن
 طوتیلانلر یوز غروشتی و یروب ایکی یوزی بنه نرم ایامار قومالندن تکمیل اولنه ایا مارقه
 دید کلمی قندیه ده عینی ایله مالطه ده سنجوان دید کلمی پرستش ایتد کلمی صمد رکه
 ملا عین اکا اموال کشیره وقف ایدب انکیچون خزانن انجا ایتیشلر ایدی سردار نامدار تمامه
 کلامرین استماع ایتد کلمی نصمکره بر جنرال اوغلی اطلاق ایتمزو ایا مور بیکی خلاص
 اولوق قطع امر ایتد کلمی روژدن اسیر اولنلر ایچون دخی قطعاً آزرده خاطر اولمز زباز
 بوند لوجه الله غزائیتنه کلشنر شهید و اسیر اولنلر اجراری علی الله در اگر با جمله
 قلعه بی نسایم و با لکلیه جزیره دن قصیرید ایدر ز سکن سزه امکن و یروب مامن
 و مسکن کتره ایصال ایدر ز غیری طریق ایله مصالحه قبولنه امکن یوقدر دیوب اسکات
 ایلدی اخیلر جولبرین آلوب اسکات اولند قد نصمکره ملعونلر کمرادی اردوده اسلامیاتی
 بر خوش تجسس ایتیک ایش اطراف و جوانی بر خوش کوزدن کروب بر کجه علی الغله
 چیقوب سنجون ایتیک تدبیرن ایتیشلر اتفاق اول محله و ندیک دوری طرفندن برنامد او
 خروات بیکی ایله بر قاج بیك کافر امداد کیلری ایله کلش ایشی انلر ایله استمه ایدوب
 اردویی با صحت خیالنه هر وقت اختیار ایدوب اول وقتیه ایکی قیودان براوغردن چیقوب
 اوردویه هجوم ایتیک اوزن قول و قرار اولنوب اتفاق بر کافر بعض سبب ایله ملا عینه
 بغض ایتیش ایشی قلعه خند قندن خفیه چیقوب سردار کلوب کفار که نه وقت
 چیقاققلرین خبر و یردی و اسلامه کلوب وزیر اول نو مسلمان وافر رعایت و لشکری
 مهیا ایدوب یوم موعوددن مقدم چیقوب عسکری ایکی بولوب صانع طرف که روم
 ایل اوردو کاهیدر پیاده و سواری عسکری جرار خصو صا بکچر لری ایله کور حسین اقا
 سکمان باشیدر اکا اعمار لوب باقی عسکر کزیده ایله کندوسی صول جانب که جانب
 بحدرد آجیلوب اوردوئی خالی قودیلر و قلعه دن چیقاق اعدا کتر کاهلر نه کینه کیر دیلر
 شعیم نلک اون التی کونی کفار دخی مسلح و مرتب اون بیك مقداری ملا عین ایکی

۲۵۱ باوک اولوب ایکی قیودن چقدیلر واردویه هجوم کوستر دیلر بوصو اولان عقالری
 یکد کلمی کبی سردار غازی بوصودن چیقوب آذرلین اوب سکمان باشی دخی چیقوب
 قفازندن جمله ایدوب سیف قودیلر کفار بر جمله ناکاهی کوروب ایلر و سی اوردوی اسلام
 قفازری شمشیر خصم انتقام مقیر اولوب هر چند قاجقه هر طر فیه جان ایتدی یار غازیو
 اطراف اطراف ایتیکین نجاته یول بولوب مجموعی سیفدن کوب انجق سکمان باشی
 بوصودن کزیک حرکت ایتیکین دشمنی صکره جه تعقیب ایدوب اول کروه مکر و هندن
 اوچوز مقداری کافر افتان و حیران ایلرودن ایلر یوب طاعیلوب خلاص اولوب سائر
 طعمه تیغ بی درین اولدی لاشه کفار ایله دشت و دن طولوب ووجه ارض تن بی سر
 و سر بی بدن و خون سرخ دشمندن کورنر اولدی غزات جناب حقه حمد و شکر
 ایدوب سردار رؤس قللا دن قلله لری ایدی بو غزوه کبری و هجمه عظمی وقوعی
 خبری اوائل شواله استانبول کلدی رمضان اوائله قریه خانی عسکر تاتار ایله برادرینی
 بغداد غارتنه کوندردیکی خبری کلدی و تاتار تابع اولان قزاق طائفه سنک باش
 خطمان برادرینی در دولت کوندروب عرض عبودیت ایلدی احوال بوسنه مورخ دیر که بوسنه
 سرانی اهالیسی معافیت مقابله ستمه نفره ما مور اولد قلمی ایچون مقدمه ماکه لوا ایتد
 و حسن پاشا زمانه شهر دن مقدار کفایت سکمان جمع ایدوب امتثال فرمان ایتیشلر
 ایدی سرخوش ابراهیم پاشا اوغلی حسن پاشا میران ایکن ملکنی بوسنه مسترچ و آسوده
 اولوب حسن خلوک مقابله ستمه بوصیف ایا ستمه بی سبب عزل اولنوب ایالت بوسنه
 پروزه لی دفتر دار مح پاشایه و برایش ایدی حراست سرحد ایچون معتاد اوزن شهر دن
 تفننک انداز طلب ایدوب شهر لودخی هر تقری بشریک اچیه ایله که مایلنلرند
 جمع ایتیشلر در سکمان طوطوب پاشا اوردو ستمه کوندر لر بر کیره پاشای مذ کورین
 بو آدمی استم بشریک اچیه بی جمع ایدوب نقد کوندرمک کر کسزید که نکلیف
 مضاعف اولغین بو غائله نک دفعی بایده مشورت ایچون اعیان شهر و ائمه بلد جمع
 اولد قلمر نه اچیه جمعنه کسمنه رضا و بر میوب امکنی اولد یغین پاشایه انها ایتد کلمرند
 بعض مفسدلر القاسیله بر باوک باشی سی ایله صا ریجه لرین کوندر رکه شهر لونک
 جهیتلرین طاعیده اول لوندات دخی کلوب تفننک اتغله شهر لوبی طاعیدوب بر قاج
 مسلمانلری قتل و جرح ایتدیلر حتی سرائیک مدرسلرین هر سکی حسن افندی معتاد اوزن
 بلا چقه کارند مطالعه به مشغول ایکن ایاغندن مجروح اولور پاشا بو حدی حال
 بوسنه قاضیسی عز زاده حسن افندی به اسناد ایدوب عرض ایدر قیو کتخدا سی اوزون علی
 اغا دخی صدر اعظمه یلد یروب حسن افندی نک عز لی فرمان ایتد کلمرند قاضی زاده
 افندی دخی بالقوج زاده وغیری اعیان کلان مکاتبی شیخ الاسلامه کوندروب محمد پاشا نک
 و قیو کتخدا اسنک قولی الغا و ما هو الواقعی بیان ایله منلای عزلدن خلاص و پاشای عزل
 ایتدیلر اما کاتب چلبی فد لکه ده دیر که بوسنه ایالتی سالف الذکر دفتر دار زاده محمد پاشایه
 توجیه اولند قریه بوسنه شر برلرین دفتر دار سابق مصلی بیك وغیر یار امور و لایته

مداخله ایدوب حکومته قاریشوب فسادده ساعیلرد دیوازاله سیچون امرویرلش ایدی
 مزبورلر واقف اولوب جمله سی بریره کلوب جبهه اولوند ماده سنی بهانه ایدوب شهر
 خلقنی دخی کندولره اوید یروب جمعیت ایندی یلر یاشا طشرده ده بولمغله دفعه ییچون
 آدم کوندرد که براییکی لونک فی قتل ایدوب شهره قومازلر یاشا دخی بواحوالی در دولته
 هر ض وکندوسی بهیکه سمتنه محافظه یه کندی بو طرفده بوستوی الاصل بعض کبار یاشلک
 قیو کتخد اسنی اسکات وقولنی ابطال ایدوب اول ولایت شریر لرینک طرفنی طوتوب
 بالاخره یاشایی عزل ایندی ر دیلر غریبه بواشارده خزینه ده ضرورت واردردیو منا صبدن
 النان رشتوتی یاشا قبول ایتیموب روزنامه یه ایرادومصرف قید اولمق بد عتی ظهور ایتدی
 یقین زمانلره دک مرتشیدرد ییتمت ارتشا ایله یچه وزیر و یاشا قتل اولوب یچه لر دخی
 معزول و مخدول اولمشیکن ضعف حال و اختلال احوال بر مرتبه یه واردیکه اول تهمت عد
 اولنان مصاحبت مزار امور دولت قیلندی بواحوال بادی نظرد کچه یاشا نک صلاح
 وعفتندن عد اولندی لکن یدر شوت و کارکن ازان مصاحبت اولنلر الدقلری مالک عشرینی
 انجق دفتره کورمکله صوکی فسادده راجع اثار حماقت ایدیکی معلوم اولدی قتل منجم یاشی
 حسین افندی فذلکه ده دیرکه مرقوم حسین افندی اصلنه استانبول خاکی اولوب
 صابقار رئیس منجمین اولان شاعرزاده ساعتی سی محمد چلبی یه مقارن اولمغله فن نجومی
 برازندن کوروب اوائل حالنه مالدار جریه امینی امیر سعیدی خد متنه کاتب ایله تهریس
 ایدوب استادی و فائز نصمکره رینه رئیس منجمین نصب اولندی یکریمی سنه دن متجاوز
 تقویم چیقاروب اظهار ایدردی و فن احکام برار و قوف تحصیل ایدوب قلت بضاعت
 ایله تقویم انشا سنده یچه فقره لر کوستر و عوام پسند اولمشیدی صکره سلطان مراد
 خان مرحوم بعض وقایع مزبور ایدوب استخراجی درست کلکله التفات
 پادشاهی یه منظر وادرمیدار یه لغی تعیین ایله امثالنه نسبت قدری برتر اولمشیدی
 وقتنه مهارت کسب ایتشدردیخیل استمه بار بولمشیدی سلطان مرادخان وفاتی سالنک
 تقویمی حسین نامرادلغی ایله استخراج ایتمکله مصطفی یاشا زامنه خصوصاً صکره لرده
 مرجع اصاغر و اکابر اولوب ارکان دولت ایله لغت و اختلاطی عادت وهرشید وکیل
 کائنات اولغی کندویه خدمت قیلوب عدنی تجاوز ایتیش ایدی سلطان محمد خان جلوس
 سالنک تقویم احکام شهروال لر نه القاب پادشاه اولان الفاظ لوده بر حرف تعمیمه سی
 طریق اوزن تقویم سال جلوس و فات ابراهیم لفظی درج ایدوب بعد الوقوع موالی
 عظامدن برینک مجلسنه سزیه وقعه یی تعجب اشارت ایتدی کوردید کلرته تقویمی
 کتوروب طریق تعمیمه یی کوستر مکه مهارتک کالنی اثبات ایله شهره ولوله و برمش
 و کمال اهلیت ایله استمهاری طمین اندازجه سان اولمشیدی لکن بومقوله اسرار الهیه یی
 کشف و افشاده یمن اولوب بعض فن قواعد ندن استدلال و استخراج ایله وقوف حاصل
 اولدوغی تقدیرده دخی کتم و هضم لازم اولدیغنی بلیوب افشای اسرار ایله مباهات و افتخار
 ایدردی و بوندن صکره کندویه عظیم وجود و یروب کاری اولیان امون مداخله ایلدی

مقدمه اوزر اوو کلانک مستشاری و خلقت مصاحبت کندی اولمغه اوکرنش اینک قوجه
 محمد یاشا و زراولدی چند ان التفات ایتیموب صوفیانی انکار یوزندن بعض مرتبه ستم وجود
 دخی ایتمکله اندن روگردان اولوب اوجاق اغا لرینک سرافرازی اولان مراد اغا نک عرقه
 کیروب قدیم دن استناری اولان بالته جیلر و سرای عامره اتباعی و سلطنتیه مراد اغایی
 ایچرو والد سلطان طرفینه تعریف و توصیف ایدوب اولابکچیری اغاسی بعد وزیر اعظم
 اولمسنه وسیله مستقله اولوب مراد یاشا یانته خیل وقعی اولمغله هرامورنک مستشاری
 ویاتندن بر آن منفک اولمزدیم و یارغاری ایدی کا هیجه بهایی افندی ایله کور شوب
 سابقدن الفت و معاشرتی اولغین وزیر اعظمه سکا منقاد اولور و هر خصوصاً متابعت ایدر
 بومفتی لازمدر بهایی افندی بر اهل کیف کندی و ذوق و راحتنه مقید برآمد رانی مفتی ایله دیو
 عبد الرحیم افندی کی بر فاضل دهری عزل ایندی ر دوب کندی قتلنه قنوی و برن بهایی افندی نک
 مفتی اولمسنه سبب مستقل اولدی سائر مناصب و توجیه هاند حل و عقد اکثر مزبور کرائی
 ایله اولدوغندن خلق یاشنه اوشوب کندی و یی شاشوردی و خانه سی یانته بر خالی بیر عظیم
 بنا قالد یروب هدف نیر طعن اولدی و مولیدن کینی قاضی عسکر و کینی قاضی ایتمکله سائر لرک
 کوزنده دیکن اولوب اشاغی پاییه ده بومقوله امور معظمه یه مداخله سی خلقه خصوصاً علمیه
 غایت کران کلوب درونی عدوت ایتیشلر ایدی بونا معقول حرکتلر ستر و هضم اولمق
 ملاحظه سیله اصلنه بکچیری اوجاغندن زمره بکتاشیانندن اپکن کندویه مدینه منور
 پاییه سی ایتدردی لکن لباس مستعار کی اصلاً یا قشیموب حددن تجاوزی علامت زوال
 ایدی کورنمش ایدی کندی بر رند و قلاش بکنه و رکن توجه دولت و اقبال و وفرت مال بصیری
 باغلیوب غفلت دریا سنه طالیدی ظهور ایدر جلک قضا و قدر حکمی رأی و تدبیرین یوزوب
 عیج استخراج و کند و در دینه علا جدن عاجز قویوب کند و اهلیت نه پندار و اعتمادی اولمغه بوسال
 احکامنه خطای فاحش ایدوب بوسنه نک تقویم نه دخی اسلوب سابق اوزن القاب حروف نه
 علی طریق التعمیه وفات محمد لفظی درج ایدوب جلوسی تحقیق ایتمکله خطای عظیم
 ایتدی قاعده سی اولان طریق تعمیمه سنی کند و دن تعالیم ایدر تقویم ندن بومعنائی چقاروب
 اشاعت ایتمکله خضم اننه سر رشته کیروب دیله دوستدی همجواری اولان قره چاوش
 بکچیری اغاسی بولنوب خد متنه بولنوغی بعض افندی لر تحریر کیله مراد یاشا عزلند نصمکره
 اغای مرقوم کتخد ایشک ایله معا درد مندی اخذ و حبس ایتد کلری ذکر اولمشدر منجم
 یاشیلق بهایی افندی تعیینی اوزن حسن کفریه ویرلیدی بر قاقچکون حبسند نصمکره عمل ایله
 اطلاق اولنوب مملکتندن چیقوب آخر مملکته اذن ویرلشیکن بیجان اجل کلوب بصیری
 بغافلله بیره کیله میوب انجق یارقدیمی ساحدار کاتبی سر خوش اسمعیلک استنبه ده
 اولان یالیسنه واروب اختفای ایلدی ینه حالی اوزن مختفی اولوب کند و یی شایع ایتسمه ضرر
 ملحوظ دکل ایدی اندرون همایونه اولان انساب قدیمه سنه مقرر اولوب لذت دولت هنوز
 دماغندن کتیموب مهد علیا حاضر نلرینک اعانتی ایله ینه ظهور سودا سنده اولوب کاه بیوک
 والد حاضر تلرینه کتخد ایشکدن شکایتی و کاه کند سر کد شمتی مشعرتد کوره لر کوند ر مکه

کند و بلا سینه سعی ایادی تذکره لری خصم الله کبر دکن قنده در دیونفخص اولوب معلوم
اولد قله بهایی افندیین قتلنه استیذان ایتدی یارانلردخی اوله حدن بلز بی ادبک ازاله سی
معقولدر دیوب فرصتی غنیمت سیلوب اغماض ایتد که رمضانک بکرمی سکرچی کونی عسس
باشی نفر اتیله ازاله سینه کوندرلدی مزبور حسین افندییک خزینه داری شکننده شا کردی
اسمعیل نقل ایدرمش اکثر یاطالع مولود فی الله الوب مطالعه ایدردی قتل اولنه جفی کوندن
مقدم اولان اخشامده دخی ینه طالعنک زایچه سن الله الوب تأمل تام ایتد کد نصکره
دیدیکه طالعمرک نسیمیری یازن برنخس قاطعه کلک اوزن در یوقطوعدن غافل بولنوب بویالیله
قالدق آخر ره کیده مدک بلیم نیچه اولور حالزم قلمده بونی مؤید وهم وخشیت استیلا سی
واردالبتیه یازن سحری برقایق کتوردوب قارشتو اناطولیله برایکی آت حاضر ایله قارشتو
یکوب باشمز آلوب کیده لم دیو ننبیه ایلش قارشتو اناطولیله آت تدار کچون سحری آدم
کوندروب لیمانده اوج چفته برقایق دخی مهیالیدی آت حاضر لند و غنک خبری کلجه
صبر ایدیلر خبر کلد که حسین افندی قایقه بر خد متکار ایله کوروب اناطولی جانبته توجه
ایلدی قضای ربانی یرین بوله حق ایمش اول وقتدن مقدس عسس باشی دخی نفر اتیله
صندله بنوب استنبیه طوغری عزیت ایمش ایمش تخمینا حسین افندی دریا
اورته سنه وارد قله قی جانبندن بر عظیم صندال استنبیه بوغازینه طوغری معهودیالی
طرفنه کتدی یک کوروب خوف سابق اوزن قلبنه رعب وهراس مستولی اولوب کوبخیلره
بره مدد عجله ایله چکک تیرجه وارالم دیو ابرام ایدردی صندال یالی یه یناشوب عسس
باشی نفر اتیله ایچرو کوروب منجم باشی قنده درد بویالیله اولملری تحویف و تهدید ایتد کارنده
یالی صاحبنک آدماری خوفلندن شمیدی قایقه بنوب حصان طوغری کندی بانه دخی
وارما مشدر دریا ده بولور سز دید کلر نده ینه صندله کوروب حصان طوغری چکک یروب
حسین افندی فقیرک قایقی هنوز حصان وارمزدن اول برق خاطف کی ایشوب قایقجیلره
طون بره دیو خایقروب یناشوب دردمندی قایقندن چیقاروب صندله آلدیلر کله شهادت
واسنقفار ایدنجیه دک بوغوب اثوابی صویوب جنه سنی دریاه آتدی لیر قراج کوند نصکره
موج بحر میشتی کلر آتوب آشناسی کوروب تشخیص ودفن ایتدی لیر ایتسی کون دفتر داروباش
محاسبه جی وقسام الی یرمق واروب جمله اموالی تحیر و قبض ایتدی لیر یوزاللی کیسه مقداری
انجق میری یه آلنوب ایدکیوز کیسه لکدن زیاده التونی غار تکران ییغنه منجمش قلندر ی
اولدی حکمران حواله واقف بعض کسینه لوزیر اعظمه بهی سلطام بر شخص بکرمی سنه یه
قریب نام آور اولوب دایما جلب و تحمیل ایددی خصم صاجلوسدن بروا شتهاری عالمکیر
اولوب حرم همایوندن ووزاردن آلدی صره وکیسه لردن ماعد الیاب مصالحن و مناصب
و توجیهاتدن آلدی ییدی سکر یوز کیسه اولور یونک مالی نیچه اولدی دیمکله غالباشا کردی
اسمعیل قالمشدر دیوانی حبس ایتدر دبلز جبر او توز کیسه سن آلوب اطلاق ایتدی لیر
کاتب چلبی دیرکه تجاوز الله عنه مرحوم قدر شناس تود و الفته مائل خلقک
مصلحا حله بولنقه ساعی طالب معرفت کسینه ایدی دولت علیه منجملاردن یونک دولتی

کورمش و فن منجمدن بهره یاب اولوب بوقدر دولت و عزت شعور مشی کسینه معلوم
دکدر امامورخ شارح المنارزاده دیرکه دولته تعین واستیلا سی و طمع وارثا سی
یومر تبه ده ایدیکه منجه ایلسی کلوب معتاد اولان محالده هدایسن توزیع ایتد که
مزبور ترجمانی چاغروب هدیه استر لری دخی بزم بلدیکمز ارکان دولته معتاد قدیم
اوزن اولانی دفتر موخبنجه و بر مشر سزیه مرتبه نک صاحبی سر معلومر دکدر دیو خبر
کوندر دکنه ایلینک جمله اموری بزم رأیمر ایله کوریلر جکدر بزم شان و مقامیزی خلقدن
استماع ایتدی لری دیو خبر کوندروب چونکه فتق ورتق امور شدی سزک الیه کترده ایمش
چاسان اعلام و جنب بکبره هدیه و یرلک خصوصه استیذان ایتد لم دیوب قرالنه
بلدر دکن اولوقولعه حادث سفله یدیه حصوله کله جک مصالحن استغنا مزوارد ردیو
وافر طعنی مشتمل مکتوب کلش بوند نصکره قرالنه سن لفظی ایله نامه یازلق منجم باشینک
و آئی اولوب اول دخی نامه و لپی بی قبول ایتیم صلح مطلوب ایسه سز کدروما امیراطوری
یازلسون دیو نامه بی کبرو کوندرمک فصیح سنه سبب اولدی دیر لکاذ کونه بوندن
ماعد انکله دن بر کافر بیکی بالیوس نامه کلوب بولشوب علی العاده دیوانده او تورمق
استد که اسکی بالیوس فریاد ایدوب بوکلن کافر انکله قرالنه ایلسی دکدر انک
ملکته بزارچی ظهور ایدوب برایکی ملکته استیلا ایددی نک آدمیدر الله اولان نامه یه
نظر اولسون بده اولان نامه لک مهرینه و نشانیه بکتر می بن عزل اولما مشم بو که یوز
بیر لیموب الیقونوب قرالردن فحش استعلام اولسون دیه کوردی مفید اولیموب
منجم باشی جلد بالیوسی تمام خفلیوب دیوانده ایدکیسی معاو تورمغه اصد افرمان
ایتدردی له و بغداد قیو کتخارندن و نصارا بطریقارندن خود مبالغ عظیمه مال آلوب
اول طائفه لک جمله مصالحی کند و یدیه کور یوردی بولوردن قطع نظریکلر یکیلر ووزرا
مصلحنه قاریشوب جمله دن روم ایل سوا حلی محافظه سنه اولان فضل یاشایی استانبوله
کتور تمک ایچون خلایه سی کوچک سلطان حضرت ثارندن که دختر ابراهیم طاندر مجوهر
یساطلو بر مکمل دولتش آت رشتوت الوب بعد السمکینه سلطان طلب ایدوب آت
والا تی استرداد ایتد که زیاده مذموم اولش ایدی قناعتی اولیموب مال قارون اضرایتمکیش
یوزدن مفتحه صایتیلوب او جوز قورتلدی مراد یاشا بر ساده دل امی آدم اولغله سن قرق سنه
وزیر اعظم اولور سن دیوب اولدی یونک اصابتیله فریفته اولد و غندن آلدنوب کندویه
غرور و غفلت کلشیدی حتی قیوچی وزیر موسی یاشایی ینه بغداددن کلد کدی یدی قله یه
قوبوب قتلنه مباشرت ایتدی بعض مقربلری رجالیوب سلطانم بودنیادر بروز بر آدمی قتل
معقول دکدر برره نفی ایله اکتفا یوزک دینلد کدی بن قرق سنه وزیر اولسم کر کدر دیو رفع صوت
ایلدیکنی نقل ایدر تجاوز الله عنه اشهر رمضان شریف وقایعندنرکه عشر آخرده بیرام
یاشا سرائینک ایچروسی محترق اولدی و خان زاده سلطان اسکدرده خسته ایدی بوشاده
مرخومه اولدی که زوجی مصطفی یاشا دیار بکروالیسی ایدی و بیوک میراخور مطعون فوت اولوب
چاوش باشی بیوک میراخور اولدی ولایه القدرده مقلب الدوله سر حشمه متغلبان

الدین اغا که مدد العمر کاری مکر و خیل و محرک فتنه اولوب دورت دفعه تقلیب دولت ایتیم
بر داهیة عظیمة ایدی ذات الجنب مروضندن فوت اولوب اقتضای تبدیکه لشکری تحریک ایدر
مهبلحت وجه مطلوب اوزن حصه وله کلد کد نصبره بینه ارازی زمان انقیاده ربط ایله برخوش
ضبط ایلمرافراط و تفریط طرفلندن تحاشی دائمی بخت قوی وید غالب صاحب تک رفیق
و بولد اشی اوتیه سی چقمز یوله کتمز مصالحتی غیر الیله کوروب کندوسی ایلمو سکر تزدانما
خیر خواهلق یوزندن ایشی بتور و جملیه صورت حقندن کورینور بکتاشیلرک پیری و جملهدن
زیاده علم و صاحب تدبیری ایدی اکثر امورده یکچیریلر ایله متفق الرای اولوب سائر غالب
کلمه استهبار بولد قلمی بو قوجه نک رأی و تدبیری ایله ایدی فوتی ایله او جاغک نظامی
حد اعتدال دن چقمغه باشلوب اختلاف ار ایله عاقبت کاری بینه منجر اولدوغی علمده
ذکر اولنسه کر کد رشوالک اون برنده قیودان حیدر اغا زاده معزول اولوب پیری ردوس
بیکی علی پاشایه ویرلدی حدوت برودت درمیان و زیر و اغایان او جاق بکتاشیلان
یوماه شوالک واسطندن صدارت عظمی طلبنه متعلق حرم خاص طرفنه کوندلش
برتن کره طوئله باش دفتر دار سر نازن پاشای صدارت عظم عزل ایدوب سابقا یکچیری
اغالغندن بولی سجاغنه چقان میر مهبطی پاشای باش دفتر دار ایلدی اما سور نازن
مخصوص کتد ابکک نصب کرده سی اولغله جمله او جاق اغالری بو خصوص دن
متالم اولدیلر و مخصوص و سائر امور کلیه و جزئیة ده وزیرک مشیرلری اولان کتداسی
دیار بکرلی غده کتد ایله رئیس الکتاب موقوفاتی محمد افندینکدر دیوب ایکسینه ده غرض
ایلدیلر و شاهه باش خاصه کیلکدن همکصونچی باشی اولان عمر اغا برکون رئیس افندی یه
وارد غره شهره و مو اسیمه متعلق بر سوز آچیلوب رئیس پیشخته سی اوزرنده تقویم
واریش اولوب نظر ایدوب غره فلان کوندرومدا کره اولنان فصل نه ایسه جواب
ویروب همکصونچی باشی عمر اغا اول ترک ابرتر مجلسدن قلقوب طوغری صاحب ظه و رزمان
کتد اییکه واروب بهی سلطاننه او تور رسن مخیم باشی دیه لندی دیو آسوده می اولور سر
حال رئیس افندی مخیم باشی دکلئ التده تقویم فلان اولور فلان اولور دیو خبر لویر مکده در
دیمش اصحاب بصیرت یوندن عبرت الملو در که جهال او کنده بی محل بر حرف سونلک
واحکام و تقویم دکل روزنامه مقوله سندن بیله بر کاغذیان کوستر مک خطای عظیم دیو فنون
مشهورنک اعداسی چو قدر و اکثر خالق اول بابلرده نادان اولغله احکامنه اسات ظن
ایده ک محل تهمت اولدوغیچون قول و فعللا احتراز واجتناب لازم در چون دفتر دار عزل
اولندی خلق اغالردن دکتیر اولغله وزیر ایچیزدن بر یکچیری اغاسی چیقاروب اغایی و کتد
بیکی دخی معزول ایده جکدر دیو ارا حیف پیدالیندیلر اغالر ایشیدوب مستشعر اولوب
کیجه ده و کوندزده اکثر بره جمع اولوب نصف شوالک که یوم ثلثا در دیوانه چوریا یه مک
تدبیرن ایتد کاری وزیرک مسعودی اولد قده اول کون دیوان اولدی هر وجهه کبراء دولت
پیننه شقاق کیروب ایرتسی اربعا کونی جمله سی اغا قیوسنه جمع اولوب مفتی کتداسی ابراهیم
اغایی دخی انده کتور دیوب گفت و شنیدلیندیلر سلسله شوالک اون ییسنلک صدر دروم مک

زاده عزل برینه قبه قوالق زاده وانا طولی صدری حسام زاده معزول ویرینه قدسی زاده
نصب اولندی ویروسوی اسیری محمد افندی مصر دن عزل و حسن افندی زاده شامدن
مصره نقل اولندی و شام بستان زاده بلند احمد افندی یه ویرلدی و سلیمانیه دن
ابوسعید زاده احمد چلبی سلانیکه و ابوالسعود زاده چلبی حلبیه قاضی اولدیلر و محمدن استاضه
سلسله نأ خیر اولندی صوفیه قاضی سی نفس زاده مرحوم اولدی و التمثلی مدرسلرندن
ارضرومی ابراهیم افندی که جانبولا زاده خواجه سی دیملکه معروف و ملهمی مخلص
ایله متعارف فضل و علم و حسن خلق و کمال درویشلک ایله موصوفد رجوار رحمته انتقال
ایلدی علوم عقلیه و نقلیه ده یکنه و بی ثانی خصوص صاریا ضیاعه علی قوشچی یه مدانی
رجل فاضل ایدی مفصل تاریخ نأ لیف ایدوب ملوک روم و افرنجی بیله درج ایتمشدر او جاق
اغالری نک اتحاد و جمعیتلری و تسلط و قوتلری کماله اولغین وزیر اعظمی عین اعتبار
الدر میوب کندی ذوق و صفالرنده دادوسدادرینه مشغول اولوب هر کون برره
عیش و عشرته کیدر لر دی شوالک اون یدخی کونی طوب قیوسنده کتد اییک
یا نجه سنده بینه بر عالی صیافت ایدوب مشورت ایتدیلر مورخ دیر که بو قطعه نک مضبوطی
روز و شب حسب حاللری ایدی قطعه چار چیز است دردماغ مفیدیه زاک و از مرغ خوش کفتار
غلغل جام و چک چک زرو سیم چب چب یوسه کاترک تک شلوار اما صدر اعظم اغالره ظفر
بولغی متعسر کوروب بالضر و نه علملر پینه سعیدن فارغ اولوب مابینلرینه توسط ایدن
مصاحبونک کلامنه کوش قبول طوتمق سمتی کوستروب انلرده اصلاح ذات الیینه
سعی ایدوب مصافاته مؤدی اوله حق سوزلری بسط ایدوب نیازلیند کلرنده وزیر و قورانه
خطاب ایدوب بهی آدم بر انلره نه ایشلدک نامعقول نه وضعیز صدور ایتدی بریزه
طالب اولان رقبتمری انلرک خاطر یچون قتل ایتیموب عزل ایله اکتفا ایتدک دخی حسن
معامله و مواسات نه شکل اولور یچون نادانلق ایدوب مجامله قدرنی بلر لر دیو روی
التفات کوستر دی وزیرک بو قدرجه لطف معامله سی اغالره فی الحال ایریشوب اراده
واسطه اولان آدم لسانیه صاحب دولت بزم افندی بزد در دایما انلره خیر اولانی استیز
بومقاملرده بزدن معقول خدمتکار بولوب استخدام ایتک ممکنیدر و بزه لازم اولان انلرک
رضا سیدر دیو وافر مدانه و نفاق آلود خبر لرینی کوندردیلر مابینلری اصلا حیه یوز
طوتمقین ایرتسی که شوالک اون سکر نجی سمیت کونیدر دیوان اولوب صدر اعظم
دیوانه یکچیری اغاسنه و کتد اییکه تطیب خاطر معامله سین ایدوب اغا و کتد اییک
وسا ئلری دکتشملک احتمالی یوقدر بونی معنی سوزلر ایشد لمسون همان بر خوشجه
خدمت مکزده اولوب بعد الیوم بومقوله ارا حیف اولسون دیملکه شقاق صوری مرتفع اولوب
اغالر دیواندن مسرور چقدیلر همان ایرتسی کون کتد اییک طوب قیوسنی باغچه سنده
ضیافت ترتیب ایدوب وزیر اعظمی دندوت ایدوب وزیر دخی کلدی و سائر اغالر دخی جمله
اندیه یوب ایچوب امر نکری اتمامندن صکره وزیره آلات زرینه مستغرق آت چکدی
وکیل السلطنة العظمی قول کتداسی ضیافتنه وارمق و قول کتداسی وزیر دیو

ایتمک غیر مصبوب المثل بر غریبه در که بود و رعجب خصما یصنندن اولمش در دفتر دارلقدن
 عزل اولنان سورنازن مصطفی پاشا در نه یه نفی اولمشدی قیو جی باشی بویاجی حسن اغا
 عقبیجه کوندرد که اوجاق اغازی قنل ایچون تعیین اولندی ظن ایدوب خیل خوف
 واندیشه چکه مشر ایدی مکر روم الله اولان اموالک محصلی امرن کتور مش وزیر اغار ایله
 بارشد قده شفاعت اولنوب بویاجی کبر و کوندردی سورنازن پاشا ایسه شیخ ابراهیم افندی یه
 آدم و مکتوب کوندروب حقینده سویلنن سوزدن نهری کوستر وب ایچ و کوندردیکی کاغد
 ساخته در دیوان غلاظ ایدوب وزیردن استعطاف ایلدی شیخ ابراهیم دخی پاشایه اکوب
 عفور جالید که پاشا ملایت کوستر وب بزه اول مقوله بر تذکره سن کتوردیلر لکن اعتماد ایتدم
 یعنی دفع اراجیفه بناء ایدی دیش شوالک یکر می دور دن قیودان جدید علی پاشا استانبوله
 کابو واصل اولدی ذی القعدة نک سکر نه اوج سنه کربد محافظه سی شرطیله ابتدادن
 التیشرا حجه ایله بیک نفر سیاهی یازیلوب قیودان پاشا بوجدید سیاهی ایله قیشرا حجه
 صائر مامور اولان عسکر ایله کرید و اولمشدر مق فرمان اولمشیدی او ن ایکسندن مأمور
 اولان عسکر که مصطفی پاشا زماندن پرو اولان کتاب وز غما و چاوشان و یکچیری اوجا غندن
 دورت اوطه تفری ایله وصاع وصول علوفه جی بلوکاری تخمینا دورت بیک قدر عسکر کیاره
 کیروب مهیا اولدیلر ون سکر جی کونی اون سکر قدر غه طو نایوب قیودان پاشا کندینک
 بیک کیسی ایله آق ذکره واته او لدی طشره بیک کیلری دخی بریکوب ساقز اندن کرید
 واروب بوقدر عسکری برکنان چقار دقد نصکره سنه آتیه او ائندن سلامتله دوندیلر قیش
 فصله نه جله بر هفته ایچنده بو وجهله سر یعاد و نما چقد و غی معهود اولوب وزیرک نقد
 و همی سیمیله نسیر الهی تسهیل ایلدی مورخ دیر که قیودان علی پاشا ردوس سنجا غنه
 متصرف و امر ابحریه دن اولوب شوال آخر نه استا نبوله کلد که کندویه وزارت ویرلک
 مراد اولنوب توغ جائزه سی قرق بیک غروش ویرلک مقتضی اولغین وزارتدن بالطوع
 اعراض و همان زی قدیمیه قالمق اوزن التماس ایدوب تعیین اولنان عسکر و ذخیره ایله کرید
 کوندردی وقعه از میر چون بواشارده هر بر طرفه بر طرفه تسلیط ظلمه منافع دولتدن عد
 اولنوردی از میر و اطرافنده اولان سوا حله کغان خنطه بیع ایدر لر دیو حالا و زیر اعظم کندی
 چرا غلزدن انقره پاشاسی ابراهیم پاشای لوند اتیله از میره وار غه و بو احوالی تفتیش تعیین
 واول دخی واروب شهر لویه قوناق زحمتن ویروب بویانه ایله شهر دهنه مقدارانبار و اریسه
 مهر لوب اصحاب غلالی حلق مثالی و تعدیلر ایتد که مشر خلقی جمع اولوب از میر قاضیسی
 سمرولی یه کوب بونه اولمز ایشدر دیو دفعی التماس ایتدیلر قاضی دخی یان سازلقدن عاجز
 اولغله جمع اولان خلق پاشا قوناغنه دوغری یور ییوب بعضی سوا حل لوندلری دخی
 بونلرک کروهنه واروب قاتلد قلدن مکالمه و مجاویه محاربه یه مؤدی اولوب طرفیندن بعضی
 سقطلق اولغله پاشا و قاضی بر برین عرض ایلدیلر وزیر اعظم نیم متعلقا تمک اوزرینه جمعیت
 ایتدیروب آدم لرین قیودر مش دیه قاضینک عزلنی مراد و اتمام ایتدی مغنی بهائی افندی
 قاضی نک بوبان جرمی ندر دیو ممانعت ایدوب بالا خره دفع نزاع ایچون عزل ایلدی و بو

پاشا ده وزیر مقاطعاتن زواید و غیری و طیفه خوارلری غیر بهانه سیمله قطع ارزاق قیو
 هنریت ایدوب سورلدی سوز ویر لیه دیو امنایه نیمی اولندی وقعه ایشیر پاشا یاد روزیان سابقا
 شام سوا حله صید و بیروت مقاطعاتی اویاق طرفندن جمع و تحصیل ایچون یکچیری
 اغاسی طوب قیولی مصطفی اغایی کوندر مشیدی وارد قده جمعنه مباشرت ایدوب
 اکثر محصولات معن او غلی متعلقا تمک ن میر ملهم و علی بیک یدنه اولوب و بویاکی
 شخص دعوی جاهلیت ایله بر برینه خصم اولغله علی بیک ویده جان بنه واروب ملهمندن
 شکایت ایتدی ویده ملهم فتمنه اولان مالی طلب ایتد که خبر کوندروب مع زیاده سوز
 بوقدر مال ویریم خصم علی بیک بکاتسایم ایلک دید که طوب قیولی رضار ویر مینه اوجا غه
 اتجا ایتشد ر تسایم ممکن دکدر ملهم دخی مغیر اولوب حربه اوجیله بر مقدار مال ویروب
 اکثر ندن تغافل کوستر مکه اتباعی یا نه جمع ایدوب مهیا طور دی ویده احوالی اغار
 عرض و اعلام ایلد که آستانه دن بالفعل شام بکریکیسی ایشیر پاشایه امر لکوندربلوب
 شام عسکر ایله چیقوب میر ملهم اوزرینه سفر نامه جمیت ایدوب کندویه آدم کوندروب
 مالی طلب اید سن ویر مکه تعدیل ایدر سه اوزرینه واروب حقندن کله سن دیه مأمور
 اولغله پاشای مذکور دخی پیاده و سوارا اتباعیله شهر دن چیقوب شام قوللری دخی
 آلوب ملهم اوزرینه توجه ایتدی بوندن اقدام یه اغار سوقیله چول بیک عساف کد با عن
 جد چول بیک و ابوریش نسلندن ایدی عزل اولنوب یری اگر ادن راجنی یه ویردی
 عساف دخی قبیله سفدن کندی اتباعیله ملهم طرفینه واروب متفق اولمشرا ایدی
 ایشیر پاشا نک حرکتی خبرین شام با سوسلری مقدحه ملهمه کورتور وب اکاه اولد قده
 دورزی عسکرین سوروب یل اوزر نه واقع بر صعب محله یه صویه قویب نفکی و پیاده لرین
 بالای کسان دیزوب حاضر دور دی ایشیر کال غرور و شجاعت ایله دورزی بی کوزه صالدر میوب
 مقدحه تجسس و احتیاطا قصور ایدوب شام قولی دورزی ایله یکدلردیه صو ظنه
 بناء کیر و دمدار تعیین ایدوب اغر لغنی ایلر و سوروب آر دجه اتباعی و مرتب و مکمل
 قیوسی ایله کند ویروب کیدر کن دورزیرک کین کاهلری اوکنه وارد قلری کی بالای جبالدن
 تفنک یا غدیروب ملهم کندوسی کینه اولان دورزی خیمشرا ایله چیقوب ایشیر عسکری
 غافل ایکن اوزرینه دو کیلوب اغر لغنی لحاطه ایتدیلر جنگ پیوست اولوب تیغ و خنجر ایله
 یقه یقه یه کیردیلر شام قولنک پاشایه غیظلری اولغین اهرام صورتنه دونوب
 کتدیلر و دورزیر ایشیر پاشای اطاه ایدوب جنگ ایدر کن شیوخ دورزیه دن شاهین
 نام بر خیش بی پروا بشیرک اطرافنی محیط اولان عسکری ایکی یولوب اتیانه ایر بشوب
 الله اولان عقو خنجر ایله حمله ایتد که ایشیر پاشا ایله خنجر طو تند قده اوج پار مغنی
 طوغرایوب خنجر اینوب ذانوسنه قریب بوطنه زخم آچوب اگره میخلمدی ایشیر وزیر
 مشد تیله اتندن دوشوب نکرار آتینا شدر دبلرینوب کال دلاور لکه اول مملکه جان
 آشوبدن کان چیقوب لشکر منورم و اغر لغنی یغمانوب منور ماشانه عودت ایلدی ایشیر
 پاشا بوسورتدن زیاده مقام اولوب واقع حالی در دولتته عرض و حلیب و شام اطراف ممالک

هنگامی که مأمور و کد و سردار اولی اوزن اعلام ورجا آید که مساعده اولنوب قیودا نماندن
 و یازمکر والیسی اولان حیدر اغازاده محمد پاشا ایالتیله و حلب پاشاسی مستاری مصطفی
 پاشا و سائر اناطولیله اولان اصحاب تیمار جمعه ابشیر پاشا معاً و نفعه مأمور اولوب
 گندویه شمشیر و خلعت و مقررنامه ایله سردارلق امری کوند رلدی اما بضمیمه بود بیری
 تزییف ایدوب عقلاً نجه قیایچی بولد یلر صکره قوتدن فعله کلیوب منافع اولدی تفصیل
 بوکه ابشیر پاشا و سائر امریه او امر علیه و رود ایدوب تدارکده اولد قلوبی میر ملهم استماع
 ایتدکه او جاق اغالینه ییاز نامه لریازوب نقود بسیمار ایله آدم کوند زوب بنم یو بایده
 مجرم یوقه را وزیریه کلوب تعدی ایتدی ذمتده اولان مالی زیاده سیله و مردم دیوبندل
 مال ایله مراجعت ایتدکه بکتماش اغا و کتخدا بیک و غیره ابشیر پاشایه شفاعت نامه لر
 یازوب تلب اولان مالی تضمین شرطیله ارا لینی اصلاح ایچون چور باجی دروزی مصطفی آغا
 تعیین اولنوب و او جاق خلق و یکچیری قوللرم رجالتیکله صلح و صلاح اولنده دیو او امر شریفه
 دخی اصدار قلندی تعیین اولنان اغایدیله امر عالی و شفاعت نامه لر ابشیر پاشایه
 وصول بولد قیود ضروری فارغ اولدی غارت و تلف اولان اشیاسی دفتر اولنوب جمعه دن
 اللی عدد دا و ذی زنه ملوکانه و سائر اشیایوکه کون جمعه سنه قیمت تعیین اولنوب
 مباشر مر قوم ایله ملهمه کوند رلدی که اول مالی تحصیل ایلیه و یوده طوب قبولی و مباشر
 مزبور او جاق اغالری جائینه حددن افزون مبالغ آلوب کند و لرا ایچون دخی اون بیک غروشدن
 متجاوز نقد و هدایا آلوب ابشیر پاشایه ویریلجک مبلغی تدارک ایدوب ویره چک اولدی دیو
 پوش سوز ایله کلوب کتدی لرفقط ملهمدن پاشایه بر قاج آت کتور دیلر ابشیر قضیه نجه
 اولدوغن ییلوب اوصاف اغالریک تسلطی فهم ایتیکله ناچار هضم و سکوت ایلدی غریبه مقدمه
 یازیلان بیک نفر کزیده کرید سپاهی لریک سلحدار بلوکنه کتخدا اولان الله ویردی کتخدا سردار
 پاشادن عرض ایله بوماه خلافتده در دولتیه کلدی مضمونی بوکه مزبور کرید جزیره سنه دورت
 پش سنه دن بر و واقع اولان جنگلرده الی التمشدن زیاده باش و دل کتور و ب محاربه لده
 اون بشدن زیاده اثی و شدیکندن غیره نجه دفعه یان لنوب ایکی اللری تفنک ایله
 اور یلوب مجروح اولمغله و جوده کلان خدمات کثیره سی مقابله سنه یومی او تو ز انچه
 وظیفه تقاعد احسان بیور یله دیلمش نفسنده مزبورک صانع یری آقامشیدی وزیر و اروب
 عرضی ویردکه اظرافدن ابرام کونه رجالتیله کوجله بشی انچه ترقی ویردی لری با خصوص یکچیری
 او جاغندن اون بیک قدر نامستحقک اکثری قرق لیشرا قچه تقاعد لری احوال کرید
 جزیره مزبور شر قیسنده استیفه نام حصا ره نور کفار الله اولوب کر چه طشره قرا
 و نوا حیسی مقد ماحیب اغا ییله ضبط اولمشیدی اما قلعه فتح اولنوب بو آنه دک
 قالمشیدی قلعه بناسی تمام اولوب عسکره اجازت ویرلد کد نصکره سردار غازی بالذات
 توجه قصد ایدوب شعبانک اون او چینی کونی قندیه یه بشی پان سفینه ایله یوزیکرمی
 بش آت و سکر یوز فرنگ و خروا ت امداده کلوب طشره چقمغله کیر و توقف اقتضا
 ایلدی اول سمته محافظه ده اولنله امداد ایچون اشچی علی افایه براز یکچیر قوشلوب

کوند رلدی

کوند رلدی حبیب اغا ایله علی اغا حصار مزبور جوار نده نجه جنگلر ایدوب جمعه سنه غالب
 کلدیلر و قلعه بی محاصره ایتدیلر لکن کفار دن امداد کلوب رمضانک ابکچی کونی پره بتره حصاری
 اوزرینه دوشمکله وار و شتی جنگنده مزبور حبیب اغا شهمید اولوب بلوک اغالنی محمد
 کتخدا یه ویرلدی بالاخره بیک قدر کافرا سنه قریبده جنگله منهنم اولوب صعب
 و سنگستاندن محاربه ایتد کیری حینه غازی لری قلیچ قویوب عصر دن عشا یه د کین بشیوز
 قرق اسیر و یکر می قیودان و بر خنالی قتل ایتدیلر و مادرین پادروید کیری ملعون دخی
 یان لنوب بالاخره هلاک اولدی و طقسان قاچقون در زنجیر اولنوب بشیوزناش ایله
 منصور اکیر و دونلیدی عید اضحی عرفه سی کونی محمد اغا بود کلو اسیر لرو باشلرو بیر اقلر
 ایله سراردن کلوب التفات ایله بهره مند اولدی ابتداء شکار سلطان محمد خان مورخ دیرکه
 ماه ذی القعدة نک یکرمی برنجی جمعه کونی پادشاه جهان میر اخور کو شکنده وارد بیکه مهر کاغد
 خانه کارنده در بوستانجی باشی حاضر اولمش طو شانلر و دکتور قویو و پروب آرد نجه تازی لری صالوب
 تماشا ایتدیلر اساق بر خر کوش آرد نجه بر تازی صالد قلدن خر کوش ایلر و قچیموب کند و یی
 بهره بر تاب ایدوب یوزه رک جانب آخره کچوب تازی اسیمندن خلاص اولدوغن کورد کلدن
 بوستانجی لری کدر عقب نجه کلب صالمق مراد ایتدیلر پادشاه خر کوش ازاد اولسون دیه تقید دن
 منع بیور مشلریکن اتفاق ییاجی بر زغریر و جاننده بیلنوب خر کوشه صالیدی طو شان سمیت
 خلاصه دخی دشمنه دوچار اولد قده دونوب نه کند و یی عوییه آوب زغر دخی بنشوب طو شانجی
 طو تب کو شک او ککه چیقاردی بوستانجی لری اوشوب زغر طو شانجی بر اقدروب حضور
 هما یینه کتور دیلر مقدم مظهر نظر عفو خسراونی اولمغله برینه آسیب جراحات ایر مامش
 کرامت پادشاهه جل اولنوب حسب الامالی طاع با شنه صالیو بر یلوب نجات یلیدی
 و بو قضیه او کتاخان ایله کرک گرفتار قضیه سنک خلا فی او لمغله پادشاهک عمر و دولتی روز
 اقزن و بر خور دار لغنه استدلال اولندی و نه برقره قوشه طوغا نلر صالیدیلر با شنه
 اوشد کلدن اولدی هوا ده هر برینه حمله ایدوب یولیرین یولارکن طشره طوغا نجه لردن بری
 بر شاهین صالوب هوا یه چیققد قریب صاعقه مثل قره قوشی اوردی و بغلندن نمن ایکی
 یان ایدوب بره ایدردی پادشاه بیوردی اول حریفی ارضایوب شاعنی اچر و آلدیلر
 و طوغا نجه لری کر کسنلره طوغان صالمق استمد کلدن پادشاه مانع اولوب مرغ کم ازانی زباند
 انجمنک دیو بیوردی بو حرکت شاهانه سندن دخی هنرمند اولنله رغبتی و بی زیانلره
 شفققی ظهور ایدوب کمال عقل و کیاستنه اوضح دلائل اولدی سابقا جوان قیوجی باشی
 محمد پاشاک ایام صدارتنده بغداد بکیمک یونه نام دختری آستانه یه کتور لمش ایدی بعد
 کفار استدی که کوند رلدی ترد اولمش ایدی مراد پاشا و وزیر اولد قده بکتماش اغا ایله رأی
 و اتفاق ایدوب پاولا کی نام بر کافردن ایک یوز بیک غروش آلوب مزبوره دختری مجار قر الله
 تزویج بایده اذن و بر یلوب قری کوند رمشلر ایدی پاولا کی مبلغ معهودی تسلیم ایدوب
 قری آلوب مجاره کوتور رکن تاتار خانه متابعت ایدوب اول طرفه کزن قرق بیک قراغک
 خطمانلری او غرنیه چیقوب پاولا کی الندن قری آلوب تزویج قلدیغنک خبری کلدی

دختر قزاقه نصیب اولد قه بغداد بکی استانبوله بر مقد ار مال کوندر ووب پاوالا کینک قتلانی
 رجا ایوب کتخد ایلیک اغفال رایتدر مشد رذی الحجه ده ابشیر پاشا ایله وقعه مندر اولان مله مندر
 اعتدال نامه کلوب بویه عذر ایتیمیدی که ابشیر پاشا بزدن سکر بیلیک غروش الله حق
 خصوصدن سکسان بیلیک غروش استیوب زده او تو بیلیک غروش ویرید دکن صکره محضدا
 ینه بزم امارتزه طالب اولان علم الدین اوغلی دیمکله معروف بی ادبک اغوا سیله اوزرینه کلوب
 رب جرم صورتده دفع صائل اولتمشیدی بو خصوصده مشورت اولنوب بالاخره اگرچه
 اقرض دکل امام سنشاز دولت اولان بکتاش اغا نیک را بی اختیار اولنوب موسستاری پاشا
 شامه ابشیر حلبه نقل اولنغه قرار ویرلدی وروم ایلی بکار بکیسی بیقلی مصطفی پاشا
 کرید ده مرحوم اولوب روم ایلی ایالتی سامیان پاشایه ویرلدی ارض و مرده کتخداسی اولان
 قوجه بکراغا که مشهور در کتخداسی اولدی و ذکر ی سبوق ایدن از میر غوغاسی ایچون
 قاضی از میر سموزولی با فرمان وزیر عزل اولنوب کلورکن مسقط رأسی اولان بروسه یه قریب
 بازار کوینده وفات ایتدی ارباب طریق بیننده کوب لقبی ایله مشهور بر طبعی طریف جلدی
 ثقیل آدم ایدی از میوهاشم زاده یه ویر یوب قوجه عیسی اسکندر اولدی و شیخ الاسلام اراده سی
 ایله دفتر دار زاده محمد پاشا بوسنه دن عزل اولنوب ایالت بوسنه طالا استانبوله بولنان داماد
 پادشاهی فضل پاشایه ویرلدی و سابقا بوسنه آلائی بکیسی ایچکی زاده علی بیلیک هر سگ
 اولدی وزیر اعظم اوجاق اغا ایله مدارا ایله مشغول اولدی وقایع سنه احدی وستین
 والف محرمک طوقوزنه در دولتدن کوندر یلان دونمای همایون اللخی کوندر کیردک ایا قصره
 نام لیانته واروب عصر وقتنده لنگراند از اولد یلرا خشنامه دک جمله عسکری طشره چقاروب
 قیودان پاشا کیملر ایله ساقزه عودت ایلدی دیو سردان خبر واروب کلجه طشره دو کیلن
 عسکر اول محل وحشت انکیزده اون برکون او توروب سکر غروشه بار کیرل طوب اکتزی
 پیاده لوازمی ارقه سنه اون کون کیدوب ماه مزبورک یکرمی برنده اوردویه داخل اولد یلرا و اخر
 شهرده مصر دن کوندر یلان اون قطعه قلیون دخی کلوب حانیه یه ذخیره دو کدی بعونه تعالی
 ما کولات و مشروبات مستوفی ییغلوب کیرد خلقنه رفه و غنا کلدی و کفار دخی عظیم تدارک
 کوروب جمله قلیون و چکدری التمش پانکی چقار مق اوزر اولد و غنک خیری کلدی بوماه
 ایچنه صاری احمد پاشا مصر دن عزل و قیوا اغا لغندن چیقان خادم عبدالرحمن پاشایه
 ویرلدی دور تیوز کیسه تقد جائزه التوب اوچیوزی قول مواجبنه و یوزی صدر اعظمه ویرلدی
 یواشاده عدم نظام بر مرتبه یه واردیکه ساحدار لغندن محمد پاشا وزارتله چیقوب ایالت
 شام منصب و خاصلور دخی توجیه اولنوب قبه نشینلکه خط ویرلشیمکن اصفا اولتمیوب
 بعد اللتیا والئی یالکتر بو مقدار خاص ایله بشخی وزیر مقامنده او تورمغه قرار ویرلدی
 آمدن الچی و تجدید صلح باعجه ماه مزبورک یکرمی التیسنه نجه نیک اغراچیسی کلوب
 مکمل آلائی ایله استانبوله داخل اولدی ماه صفرک طوقوزنه الچی مزبور دیوانه واروب
 پیشکش چکدی و سابقا مرتضی پاشا مرحوم و ساطنیه عقد اولنان صاحبکه بالائی تاریخده
 تفصیلا مندر کورد اول شرط اوزر محمد داعقد نامه یازلدی مجادله وزیر اعظم ملک احمد پاشا

باسیاوش پاشا چون بواشالده صورت اجتماعی دولتله علایم هر نمایان اولوب مشابه شبیه
 اولان کثرت شهرت انحطاط قوته مشابه ترک اسفار و اختیار قعود و راحت رؤسای
 لشکره مستولی اولوب رعایانک حالی خراب و بزین و طشره ده مالکک احوالی دیگر کون
 اولد و غندن تحصیل اموال اکثر یا مصر و بغداد و قیودانلق و سائر مناصب جواثریله اهل
 دیوان صالغونه و اصناف و اهل حرف تکلیفاتنه منحصر ایدی قیودان دلی پاشا وزارت
 جائزه سندن قاجوب پاشا الغله اداء خدمت شرطیله قیودان پاشا اولوب برشی و بر مشر ایدی
 حالا کتوردیکی عسکری کرید براغوب کندوسی کلتمیوب سریعا کلوب ردوسه اوغلنه
 صور ختانه مشغول اولمش دیو راجوفه پید ایلدوب بواشنادوا کاذیب ایله عزلنه نصیم ایتدیله
 وزیر اعظم سیاوش پاشا دن مستشعرا ووب قیودانلق ایله دفع ایلک تدارکن ایتدک
 سیاوش پاشا جواب اعراض و یروب قبول ایتدی وزیر اعظم بکچیری اغاسی قره پاوشی
 سیاوش پاشایه کوندر ووب کلوب وزیر اسانندن سلام کتوروب قیودانلق قبول بیورسونلو
 دین و دولت خدمتده او لماری وجوه ایله الزم و انفعدر دید یلر دیو تبلیغ ایتدکک سیاوش
 پاشا طلاق لسان صاحبی سوزه قدر و زبر اولمغین جوابه تصدی ایدوب اغا حاضر نلری
 معلومدر کد بر کسینه شمدی وزارتله طالب اولسه یا حرم خاص طرفندن ثله یا خود طشره ده
 ارکان دولت اولان اغا لره مراجعته محتاجدر اگر اچر و دن حرکت او اسه صاحب دولت کند ولره
 داماد در وایچ خلقی کند و اللرنده در هر حال واقف اولور لر و اگر طشره دن حرکت اولنسه
 اغا لردن بری جناب کزدر بزم طرفزدن کتابا و خطابا بر حرکت صدور ایتدی ایسه سو بک
 او تالم و هیچ عصرده وزیر ایله نیک نقد و راحت و برکتی وارد معلومکزد کلید رحال بومنونال
 اوزر ایدیکی مقرر اولیحق بزه صدارته طلب تممتی اولنوب بوفصل شتاده و طنزدن از عاجلک
 اصلی لئه اولمش اولور صاحب دولت ایله بوا نه دک بریر دن نشأت ایدوب بینزده صداقت
 و اخوت اصلی حقوقی ثابت اولد و غنه بناء و حالا کند ولردن لطف امید ایدر کن بلا جرم
 جفا رینه نظم را و لایق لایق میقدرا اگر البته از داج مقرر در دیر لرسد لا دین و دولتله دامن
 در میان اولان قیودان که امور در یانک اهل و صاحب اختیار ایدر آنی دزل و بزى جر حیرت
 واضطراره صالقی ییغیندر باری مالک بریه دن بر سنجاق عنایت اینسونلر کیدلم تک خاطر
 شریفلری جمع اولوب توه ماتدن بری و خلاص اولسونلر دیوا غازی الزام ایتدکک اغا امنه بوس
 واعتدال ایدوب معاذ الله نه سزک اچر و یه علمکتری ایشتمک و نه هر کز بزه و غیره خبر یکنر
 کلدی وانیمو مقد ماتى پاشایه تفهیم ایدیم دیوب وزیر واروب ایشتمدیکی جوابلری
 سویادی اما سیاوش پاشا مضطرب اولوب یوز بوزدن او تانورد یوبنوب وزیر اعظمه واروب
 بومقد ماتى شفاها بسط ایتدکک وزیر اعظم استخیا و تعظیم معامله سن ایتدی سیاوش
 پاشا قالدقه مجلس و زیده زانو اوزر قعوددن بر یا غنه عذر اصابت ایتمکن قالدقارکن
 الم شدید عارض اولوب بنوب سراینه کلدی بو قصه یا یسوک والد جنابنه منعکس
 اولد قه صدر اعظم و قیا سلطان حاضر نلرینه خبر کلدیکه سیاوش پاشایه اختیمه سز رضام
 یوقدر و یاغی اغرا عیش خاطر بن تطیب ایدر سز وزیر ایکی شیشه چچک براغاسیله کوندر ووب

خاطرینی سوال ایند که سیاوش پاشا لشهاج و تکریم بولندن اول ریاحین کتورن اغایه
ارقه سندن بیک غرو شلق شور کور کنی جیقاروب کیدردی صدر اعظم و سلطان مکرم
سیاوش پاشا ننگ طمت کریمانه سندن منفعل اولوب کندویه مخفیجه بیک التون خرجلق
گوندروب خاطرینی تطیب ایندی یلر صفراک التبی کونی کفارک التمس بان کیسی دریایه چقدی
دیو قیودان پاشا دن خبر کلد که ارکان دولت مشورت ایدوب ایچ خزیننه دن ایچ طلب
ایندی یلر و اطراف و جوانبه تکالیف شاقه اوامری پراکنده قلموب خصوصاً اهل حرفه حدن
زیاده صالحه و ثواب فقرا ننگ قریادی آسمانه چقدی و کسه دگلزدی ماه مزبورک
خسکرنده استانبول قاضیسی خواجه زاده غارناز علی افندی مسلول فوت اولوب اسعد افندی
استانبول قاضیسی اولدی بوستان زاده استانبول قاضیلغنه بحسب الطریق احق و متممی
ایکین رئیس الکتاب اعانه اسعد افندی اولدوغندن اینکینه سنه دخی تقدیم ذاتی ادعا
ایدن رجه الله افندی که ادرنه پایه سیله ممن اریه لغی ویریاوب تطیب و اسکات قصص اولمش
ایدی پایه واریه لوق امرینی کتوروب مفتی بهایی افندی ننگ اوزرینه آتوب حدن ارتق رطب
ویا بیس سویلد که منلا دخی قبول ایتمز سک جهنمه پاشا ک دیوب امری او باغه آتوب ممن
اریه لغی بطه نوز احمد افندی په ویردی و بوم ماه حواد شندند که قدرغه قووشلغی نامنه
بهر سنه از نکمید و قازطاغی سمتلرین جمع اولنان کر استه خدمتی که میترسی بیوزون بش بیک
ایچ ایدی قیودانلره خدمت دیو تحصیلنه کیدنلر اوز بیک غرو ش تحصیل ایدر لر لیگی
سویاوب تفتیش ایچون قاضی زاده افندی قازطاغنه کوندلر دیکه نکر فی یدی قاضیلق
یردرو حاسبه دن مغزول صاری علی افندی از نکمید تعیین اولندی و شیخ عبد الاحد افندی
بوماه ایچنده مرحوم اولدی احوال کیرید کوندربان عسکر ماه صفر غره سنه سردار ملاقی
اولوب ال اویدیلر عسکر اسلام حسن حال و صحت و کفارده فلاکت و نکبت اولوب کالاول
قلعه ده محصور روزبردست غزانه مقهور ایدیلر ایچوده قحط و غلا استیلا سندن ارالیه
تفرقه دوشوب پاشا لر اولان جنالی قتل ایندی یلر و سابقا جنک کله طو تیلوب برطریق ایله
فرار ایدن مارقونی رینه کچر و بختل ایندی یلر اچلقدن الم واضطر ایلری زیاده ایکن
گریه امداد کله عناد لرند مصر اولوب طوردیلر زیبع الاول اوائلده قیودان پاشا یدی
قطعه قدرغه ایله کلوب بعد اداء اخلاصه آستانه په کلدی کفارک عظیم دونما جیقاروق
تدارکنده اولد قلمینی و سائر احوال دریایی خبر ویردی وزیر اعظم ایله اینکیسی ترسانه و اروب
دیوان ایدوب قدرغه قیودانلرین جربین شعبان وایکی قیودان دخی کور کچیلری اکسک
بولنگله صقاللری تراش اولنوب کورکه قوندیلر بعض قلیونلر اشتر اولنشیندی و ناتمغه
و محمد ایا پیلان قلیونلری دخی دونما نغمه اشتغال ایدوب کندویه ساقز ستمنه الیقودوغی
بقیه دونمایه الحاق ایچون مقدم تدارکه مشغول اولدی وقعه فضیحه زیبع الاولک اون
یونجی جمعه کونی روم ایلی قاضی عسکری قبه قولاق ایله بوغوق مصطفی اغا ننگ مشائمه سی
وقوع بولدی طمع و ارتشا و اغراض فاسد لرینی اجرام منی قضایه عساکر عصری بودرجه په
ایله نیکه بولنه قضاایای قضیه صورت بولور اولدی قیامیه الاسلام ویا کر به الدوله

وقله الاعتصام تفصیل قضیه بوک سنه سابقه خلانده کیرید سقرت قوت اولان بقی
مصطفی پاشا سفره توجه ایند که بش بیک فلوری بریکسه ایچنده بعض حواری سندن قویوب
معتد علیه و ناظر اتخاذ ایند کلمی قیو کتخداسی مشهور بوغوق مصطفی اغایه خفیه
بلد رمش پاشای مذکور فوت اولد قله بوغوق مصطفی صلبی اوغلی عبد الفتاحی ایچو عورته
گوندروب پاشا ننگ وضع ایلدی کی فلوری بی استر که دفتر قسامه داخل اوله عورت کیسه یی
مهر سرتسلیم ایند چلبی باباسنه کتوروب صاید قلندر اوج بیک سکریوز کور بوغوق
عورته کوندروب بو بش بیک التون ایدی و بونی بدن غیر کیسه بلزدی هم پاشا ننگ
مهری ایله ایدی دید که عورت انکار ایدوب مهری اچدی ایسه اوغلاک اچدی ویزا و غلونه
اون دورت بیک فلوری ویردک دید که ادعا ایدوب ورته صغار و صیسی دخی عورته همربان
وروم ایلی صدری دخی لامر ما بونلره همد استان اولوب برکون پاشا دیوانده مرافعه
اولد قلندر بوغوق انکار ایدوب التون اون دورت بیک اولدوغن اثبات اینسونلر بونک اصلی
بش بیک ایدی اون دورت بیک التون بر آدم کتورمک نجه ممکنه بیک اینکیوز التونی چالوب
آنی هضم ایتمک ایچون بوشرته سلوک ایندی یلر دید که قبه قولاق ابوالار شاد حضر قلمی بر
استماع ایتمشز التون اون دورت بیک ایدوکی مقرر در دیو پاشایه خطاب ایند که بوغوق فریاد
ایدوب افندی سز بزه خدمت ایدوکی سز دریدی ابوالار شاد غضبه کلوب بواسلا جغک
قتلی کچمشیدر دیو شتم غلیظه متعددده ایند که بوغوق دخی هر شتمه حاشا قبول ایتم
الکلام صفة المتکلم دیوسن سن لفظیله رد ایدوب قاضی عسکر لک عرضی بر باد ایلدی بوغوق
اکر شرعا جرم وارا یسه اولدرسونلر حلال اولسون دیدی وزیر سیرجی اولوب بالاخره
منلانک ایاغن اوب دیو بوغوقه امر ایدوب بالغرون بوغوق امتثال ایند که نص کره رایحه
عرض ایله دیوانخانه مالامال اولغین پاشا مدعیلری انا طولی افندیسی اوککنه وارک دیو
قدسی زاده دیه حرف ایندی کی عجبه در والد سلطان کتخداسی ارسلان اغا بوا شاده وفات
ایدوب قدمای متمولیندن قوجه معمار قاسم اغا که حرص دنیا ایله عجوبه دهر در بعض
شفعایه بر قاج کیسه ویروب و منلا حضر نلرین نیاز ایله بر تکره آلوب کتخدالغه طالب
اولد قله والد سلطان حضر نلرین منلا په برم خدمتکار لیمز واردانلر و غیر کیسه لر بزه
کتخدالوغه نجه محذورات وارد دیواعتذار جوابی کلوب فریدون اغای کتخدا ایندیلر
وقیودان پاشایه بواراده وزارت ویریاوب دیوانه واردی منلا و قاضی عسکر لری علی العاده
زیارت ایلدی و ترسانه امور ننگ کمال تقید ایدوب دورت آتش کیسی یا پیردی اوستلری
طوانلی اولطه کی اولوب اشاغی سندن سو راخاری وارلیدیکه کفار سفینه لرینه یناشوب
یا قوب ایچنده اولانلر اول سوراخلردن طشره چیقوب کندولرین دریایه اتغله خلاص اولر
بومقوله تدارک کورلدی و امور غریبه دندر که بوماه خلانده قندیه کفاری تمام ضعیف
اولد قلندرین محاربه و قران سبکبار اولق داعیه سیله اهل و عیال لرین و نفایس اموال لرین
برسوک قلیونه طولدروب و ندیکه کوندرد کلرند امر ایچیه دن محمد پاشا قلیونی اوب بوجیه
غنایم و نبات و زمین اعدا لله کیردی کی خبری کلدی حوادث شرقیه مقدمه اوان طرفندن

فتنه و خلاف خبری گشتیدی حالیا بغدادی قریادچی کلوب قزلباش اول صوبه حرکت
ایتد و کن خبر وید که هر اوطه دن بر مقدار یکچری بغدادی و بواشاده بغدادی
معزول بوسنوی سامان افندی ایله کورشد که بویه خبر ویردیکه حالیا بغدادی الیسی میر
آخورلقدن چقمه حسین پاشایه البتد قلعه یی ذخیره سز قومه دیو ارام ایدوب اون ایکی
بیک غرو شلق ذخایر اندروب داخل انبار ایتدردم و بومحمد بغدادی اغاسی الیاس اغادن کل
مکتوبی کوستردی مضمونی بوکه حالا اوج خان اوج بیک سرخسرایله نفس هویزه یه قونوب
عقبلمرجه اون ایکی بیک قزلباش ایله اوج خان دخی که کور حسین خان اوغلی بوجله یه سالارد
هویزه قر بنه کوجه نام صواوزینه قومشادر درمادلری نه ایدوکی کلن تجارتدن استغفار
اولندقدن صکر مجاسوسلریزدخی واروب کلوب او بویه تحقیق ایتد بیکه بونلر خارج بغدادی
اوروب جمله ذخایر و سادری قبض و خسارت ایدر و شاه قندهار طرفنه حرکت نامیه عظیم
جمعیت و یغناق تدارکنده در قصدی قطع خر ماموسمنده که حد و دشتواله مصیاف دوشروب
بغداد اوززینه کلکدر باجمله بواحوالی وزیر اعظمه بلدروب کلی تدارک و امده مسارت
ایتد و سز دیو مسطور ایدی بروجانبند ایسه انجق التیوز قدر یکچری وایشیر پاشا
سردار و دیاربکر وار ضرورم پاشا لری مصحوب اولمق اوزن تدارک کوردیلر و وان بکدر بکیسی
شمسی پاشا اوغلی محمد امین پاشا که جائزه عظیمه سی النوب نصب اولمشیدی بودفعه یرینه
آدم تعیین اولندقدن مخالفتدن غیر یچار بولیوب وان قوللریله متفق اولوب منسله ضبط
ایتد و میوب اول اشناده وان اغاسی حسین اغا و خوشاب حاکی و حکاری حاکی بینلرنه دخی
فتنه اولمشیدی محمد امین پاشا وانی فضولی ضبط ایدوب او توردی و نصوح پاشا زاده عمر
بیک که قیوچی باشیدر ارض و ماما لکنه بدل جمعه کشیدی قسطنطونی آلائی بکیسی شاطر
نام ظالمه دخی اول اطراف کبدلری اصبر لنوب عامللری کزوب عباد الله ظلم و بویه ایله
تعدیلر ایدوب فرار ایدن یا بولتمیان اهل تیمار کبدلرین انلردن استیوب امام وقاضی کی
پولور لسه درزنجیر ایدر حتی افلا فی قاضیستی قید و بند ایله کزدیروب عرضی یا مال و وافر مالی
اخذ ایتد کین قاضی منور عرض و محضر لایله استانبوله کلوب وزیر حضورنده مراجعه محله
یا که اولان حضرت حسن و حسین اولدی دید که اصول جانبند اولان تذکره چی مزبور عتاب
ایدوب حسن و حسین اولدر دیر سنی نه خوش اولدر مدیلر کفته خور دیدیکی غریبه در
قاضی بی قوری سوز ایله صا ووب شاطر ظالمه کج نگاه بیلر ایتدیلر کذلک روم ایله محصل
گوندریلان اوزون یوسف که جلالی و ظالم شخص ایدی یوزاللی مقداری آتاو ایله کزوب
روم ایله ایدوکی مظالم و تعدی بی حد ایدی بیجان ار باب تیمارک بوسالده هم بدلری النوب
هم بینه سفره مامور ایتدیلر اکثری خاندان استعلال ایدوب سفره کتمکله مدیون اولدیلر
حدوث منازعه و فترت در میان اهل طریق و تبعه قاضی زاده مورخ بومحمد قاضی زاده
اخوانندن اولان مشایخک جمله سنه طعن و تشنیع ایدوب حرف اندازلغی دائرة اعتدال دن
تارج ایدوکنه بناء نامعقول اولان سوزلری طی اولنوب علی طریق الاتتقال تحریر
اولمشدر قاضی زاده اتباعندن ایا صوفیه ده درس عام اولان اسطوانی که مورخ نقل

اوزن شام شریفدن عربی الاصل اولوب قتل نفس ایمکله قصاص خوفندن جلای
وطن ایدوب استانبولده ایا صوفیه ده دیرک دینیه تدریس شغلی ایله مشغول اولوب
دائما اول ستون سباقی یه استناد ایله اسطوانی تلقیب اولمش ایدی اما ظاهرده اولان
اداب شرعیه یه زیاده راعی و فضیلت و بضاعه سنی تقریر و نفهیه قاهره مکمل و جری
اولمغین حلوا جیلر و بوستانجیلر و دخی اندرون همایون خدمه سنک او قور یازار قسمتی
او قودوب غلمان خاصه و اغایان دار السعاده طرفلینه صیت فضیلتی منتشر اولدرق انلردخی
دل بسته اولوب بینلرنده اتحاد ظهور ایلدی علی الخصوص معلم پادشاه اولان خواجه
ریحان اغا قدر مشترک فقه و عربیت و قرأت و کاتبه مثالی جزئیات معرفتدن
حضه مند و متعصب اغا اولمغین بالطبع تعصب و ادیسنه راغب اولدیغندن اسطوانی یه
محبت ایدوب اهداوا کرام ایله معا مله قافله اندرون و بیرونه رغبت و شهرتیه سبب
اولدی حتی کیده رک خاص اوطه یه واروب قافله مغایر کرسی وضع اولنوب وعظ ایتدیکه
باشلیدی پادشاه شیخیدرد یه شهره و لوله یروب حقیقی اگر جعلی تعصب و اظهار
تقوی سلکینه مائل اولمشیر شیخ منورک دائره سنه جمع اولوب مرید خنقه بکوش اولدیلر
کذلک بوز مردن اوجاق اغا لریک مستشاری سلطان محمد با معنک واعظ صاحب
استهاری شیخ ولی افندی که عامه ایله کثرت اختلاطندن و اهل دنیا اولدوغندن
مورخ کاه ولی اغا و کاه ولی بشه دیو ذکر ایدر و خورشید چاوش اوغلی که صکره معمر
اولوب خیل زمان وعظ ایدوب چاوش زاده دیو مشهور اولان شیخدر و کوسه محمد
وعشاقی اوغلی معجونچی حمزه که متبیل جهاندر و ایلر اوغلی خواجه سی سامانی و اعظمی
شیخ عثمان واردیلر نکیه سی شیخ محمد افندی اوغلی چلبی شیخ واورته جامع واعظی حسین
افندی بونلر جمله اسطوانی ایله اتحاد و اتفاق ایدوب طریق اولیا یه اربابینه کرسیلر ده
طعن و تشنیع بلکه نقیب و تکفیر باشلدیلر و طریق صوفیه مجلرندن یکچین بعض اشهر
فضوللرک بیک مصطفی اغا برادری کاغذ امینی حسین و زهکیرچی سامان و مضروب
عرب عبدالرحمن دخی بونلر امثالی غوغا قیاردی اشخاص که طوغری شرایط اسلامیه
ولوازم دینیه سنی بر خوجه ببیلدن ذکر اولنان شیخ افندیلرک مجلسلرینه ملازمت و محبت
و محصل کیمینوب کتد کبری ضیافتلر بیلر کیدوب ایرلر و مشایخک اهل طریق حقنه
ایلد کبری طعن و طعنی اشاعت ایدوب طریق شیخلرک دخی کرسیلرینه واروب
انلردن دخی بعض تنک حوصله غیرت کشارک دید کبری جوابلری استماع ایدوب برینه
اون قاتوب شیخ افندیلر کتوروب دائما مابینی افساده سعی ایدر لردی ثقاتدن بری
ایدر عشاقی زاده فصیحی چلبی ایله برکون سلطان محمد جامعده مرحوم خورشید چاوش
اوغلی و عظمه حاضر اولمش ایدک مفتی وقت یحیی افندی حضور نلری اول اشناده بر غزل
سویلش ایدی مطایع بوییت مشهور در بیت مسجد ده ریایشه لایسنون قور یایی
میخا نه یه کل کیم نه ریوارنه مرایی چاوش اوغلی کرسی اوزرنده خنقه خطاب ایلدوب
امت محمد هر کیم بوییتی او قورسه کافر اولور زیر بوییت کفر صر محمد ایدی حاضرین ایله

فقرت کنان قالقوب بونی پروالی ومفتی عصری تکفیر ایمانیه دیمکدردیویشان اولدی
والعجب که بوقضیه عظیمه ایله موأخذ اولندی یحیی افندی حاضر ناری کمال علم
وفوق عقل ایله غایت وقور و محمل دولتلر اولد بگندن بویله برده بیرون حرف اندازلق
ایندلرک نادینه اهتمام ایله اتعاب وجود ایتزدی بناء علیه کیمه رک اطال له لسان ودخل
وتعوضه فوق الحد سویلر اولدی یلر عصمتی افندی اصلنه مرحوم برکلی شیخ محمد افندی
فلسفدن اولغین نقل ایدردیکه مرحوم یحیی افندی حاضر ناری کندویه احیاناً خطاب
ضتاب آمیز ایدوب عصمتی جدک صورت صلاحه بوعالمه نه کونه تخم نزاع وشقاق
اکمشدر یلور رئیسین دیرلایش حاصل اسطوانی و ذکر اولنان شیخلرک اتحاد و اشتیاق لری
کتدی که افزون وبوستانی اوجا غی و اغایان خرم جانی وسائر اوجا قلرک اکثر اعیانی بونلره
دلبسته ومفتون اولغله اصحاب طریقه چهاراشتم وضربه باشتلر ومقدمای مفتی بهایی
افندی دخالت حلقه بر فتوی ویردکاری اجلدن بونلر جناب منلایه عداوت ایدوب اخذ
انتقام ایچون بیجه جمعیتلر و کزلو مشورتلر ایتدیلر بواشاده معتقد و طامیلری یدیه
صدرا عظمین بر فرمان آلوب دمور قیو قریبده اولان خلوتیار نکیه سن با صوب
دوران ایدن صوفیلری دوکوب طاغیدوب هوای نفسلرین صورت صلاحه اجرا ایدوب
سائر نکیه لری دخی بومنوال اوزن باصوب صوفیلرینی طاعت غفقه قرار ویردیلر بعد اکل
نکیه سی که مصرلی عمر افندی شیخیدر بر احیا کیجه سنده ایدخی باصوب فکرند اولدقلری
شیوع بولدقه مصوبی باشی عمر اغامرحوم عمر افندی نیک مریدی اولغله اول کیجه اون بش
مقداری قایلچی چوقدار ایله کلوب نکیه بی حمایه ایدوب کندوسی ییله ارقه سندن
کورکنی چیقاروب علی رغم المنکرین دیوب خلقه ذکره داخل اولندی متعصبان اول نکیه یه
وان مدیله قول کتخداسی مشهور و خلی کتخدایک دخی شیخ عمره معتقد اولغین طریق
صوفیه یه اعانت ایدوب دوران و ذکر و مراسم طریقه ییله تعریف او لنیمه دیو
صدرا عظمین فرمان آلوبروب برکلی و قاضی طریقه ویریلان بیورلری الغا
اولندی بونلر بمقدار سکون بولوب اوجا قلدن مطرود قوز بکیمسی پوطور حسیین نام
شخصک منزله جمعیتلر و مشورتلر ایدوب مفتی افندی قنوی آلوب بهاء خصومه
قرار ویردیلر ومقدمای کمال پاشا زاده و ابوالسعود افندی حرمت رقص ودوربانده
ویردکاری فتوی مضمونی اوزن بهایی افندی دخی بر طریق ایله فتوی آلوب
مکرارایقاظ قنیه سمته سالک و تحریک فساد و تمشیت اغراضه متمسک الکل اولدیلر
جمله سی اسطوانی نیک باشنه جمع اولوب ایتداسیمواسی افندی طریقه ییله شیخ عبدالکریم
چلبی یه اسطوانی لسانندن کاغذ یازوب کوندردیلر مضمونی یوکه سن رقص
ودوران ایشیکله منعک واجب اولمشدر و نکیه کی باصوب سنی و اتباعکی قتل ایدورز
ونکیه کلک بر قاج ارشون تملنی قازوب طیراغنی دریایه دوکه زرکه تابومرتبه اهتمام
اولمجه اول موضع اداء صلوة جائز اولمز بونلر یی شیخ کریم چلبی یه کتورب
شیخ الاسلامه ویردی منظوری اولدقه غضبه کلوب برورقه یازدی سنکه اسطوانی سن

ورقه وصولنده کله سن مخالفت ایدرسک ضرر چکک مقرر دردیو درج ایدوب برآدمیسی
ایله اسطوانی یه کوندردی اسطوانی منلایک تذکره سندن خوفه دوستوب بزخا کبابلرینه
واریزدیو کلان آدمی صاوب وزیر واردی ومفتیدن کندوی عفورجاسنی التماس
ایلدی وزیر دخی ایچ خلقنک خاطر جویلغنه بناء رئیس الکتابی منلایه کوندردی کلوب
وزیردن سلام کتورب خاطر ییچون اسطوانی افندی یی عفویورسونلر دیو تبلیغ
پیام ایتدک منلایرئسه خطاب باعتبار ایدوب بقه افندی حالا دولت علیه ده رشتولر
آلنوب مناصب بیع من یزید ایله صاتیلوب منا کروقا یچدن بونجه مصالح مذمومه
تمشیت اولنورکن دن ایجاب ایلدیکه بومقوله فتنه انکیز اصلا جقلم حمایت اولنلر
بودوران متصوفه وانکار فقها براسکی حکایه وقدمی قضیه در بزدخی اکابنا ظاهر شرعیه
حرمت رقصه فتوی ویرمکه اسلافه ملایت وموافق ایتدیلر بومقرر درک بیجه معظم
پادشاهلر و کندودن اول بونجه صاحب وجود وزیر لر و بزدن اعلم واحکم مفتیلر کلوب
اگرچه دولتی صیانت و ظاهر شرعی رعایت ایچون بوفتوالر ویرلشیدی یینه کسه صوفیلری
ضرب و قتل ومنعنه اقدام ایتدی اون یاشنده معصوم یاک پادشاه اسلامی بر باوک
خییت النفس فتنه جویلر احاطه ایدوب بددعای فقرایه اوغراتق دن مهم اولدی
البتد یا اول اسطوان تأیید اولنور والا صقال تراش ایدوب کورکه قورم دیوب شیخ
کریمه کوندردیکی کاغدی رئسه صوندی رئیس افندی اعتدار ایدوب متعهد اولدی
کتدی منلا حاضر ناری استانبول قاضیسی اسعد چلبی یه سیار ش ایلدی تاکه اول
شیخلری واحد ابعد واحد یا غروب کرسیدلر اوراق ناس او قومقدن ورقس ودورانه
متعلق سوز سوبلکدن منع وتمید ایلیمه بواشاده ملایک همشیره سی که ابو سعیدک
خلیلله سیدر خسته اولغله منلا عیادت وار دقه ابوسعید افندی کندویه اصمیرلیوب
پوانه دک بزم خانه دامنر مشایخ واعز طریقت خیر دعا سیله رونق بولشیمکن اصل ندرکه
صزک نوبت افتاکزده بومقوله فتنه لره جرأت ایدلر منع لری نه تقید ایتیمه سردید یکنه
بناء منلا نکرار استانبول قاضیسیینه مؤکد خبر کوندرد کله قاضی دخی شیخلری بررور
پاغردوب تنبیه ایدلر بوننیمه نصکره سائر لری لسانلری بمقدار طوبو الحق
دلی شیخ اوطاق اغالرینه مستند اولغله جسارت لیدوب یینه کرسیلرند طعن ایدوب
رقص ایله ذکر اینلر مبتدع و تفتی ایله کله شها دتی چکنلر کافر لر دردیو پیاده لر سدوروب
ذم وقد حدن فارغ اولدی یوم نلشاده سلطان محمد جامعنه وعظ ایدن ذاکر زاده افندی که
اسکداری محود افندی قدس سره خلفا سندن بر عزیز کاملدر کرسیدلر جولیه تصدی
ایدوب شونله چاوش اوغلی نامنه بوکستاخ ترهات سوبلش اعز دین مبین اولان
اهل تقوی وار شاد دوران ایله ذکر الهی ارکان طریقتدن اولق اوزن توصیه ایلدی
ناحق یره اهل توحیدی اکفرا ایدلر کافر لر دردیو ایفاء کلام ایلدی بومر تبذر نصکره
شوکت مصنوعه لری بمقدار سکون بولدی حی بواشاده اردبیل زاده شیخ که معتقد
جهور ایدی جدن کلوب دامادینی از ایدوب دوران صوفیه حقنک سوزی اولان

صوبایسون و بزدن جوانی السون یوبایده جولبه نصب تقس ایتمیشز دیدیکی محالقلک
 مسجوعی اولدقه عزیزمذکورک جلالت قدری معلوملری اولغین اسطوانی به خبر واردقه
 جواب کوندردیکه کندولر اهل حال عزیز اولغله نرم کندولره سوزیمز یوقدر حالدن
 خبر سز اهل لهو و هو اولنلره درسوز دیو اعتدالایش حاصل کلام یومموال اوزن اهل طریق
 بیننده کشاکش عمتد اولوب تا کویریل محمد یاشا وزیر اولدوغی سنه یه دیک مجادلدن
 خالی دکلدر اول سنه حدلری تجاوز ایتمک ایله وقتاله مؤدی اوله حق فتنه تحریک ایتمایله
 اسطوانی و بزقاج مشهور لری نفی اولنوب فتنه سکون یولدی تنه کیم محله ذکر اولنور
 مشورت برای ضرورت خزینه و امور غریبه جمادی الاولی علوفه یه خزینه پتشمیوب
 الشمس ایکی الشمس اوج سنه لریک اموال میریسی دخی استسلاف اولغله ایکی سنه تداخل
 سببیلک کال حیرتدن مشورت ایچون جمله یاشالر و اغالر وزیر و واروب سوزلری بو اولدی که
 وز را خاصلری جمیع عارف اولنه تاکه دفتر دان ایراد حاصل اوله اول محل کورچی یاشا فتح
 کلام ایدوب بز بو آستانه ده رتبه وزارت نائل اولوب خاصلری تصرف اید رکن دخی
 مسلمان اولیان اوغلنلر کافر دیارندن کلوب وزیر اولوب صد ارته نائل اولوب جهانک مالی
 تصرف ایدوب بزه بورتبه یی و بو قدرجه ناب یارنی چوق کوردیلر بر تحمیل ایتد کدونوب
 صدراعظمه خطاب ایدوب جمله دن جناب شریف کز که کالاصدر اعظم سزادی بر منصبی اللی
 کیسه یه بیع ایتد یکیزده یکرمی کیسه کید یکیز ایچون آلور سز خاصلری یکیز کیسه و طور سه
 متضمر اولور سز سائر روزرا که معاشلری یا لکتر خاصه مخصر درانلرک احوالی ملا حظه سیورک
 خاصلری الموق مراد ایدر سکر دیوانه وزر لازم دکلدر بز دخی بود یارندن کشیمه پا اولور زیددی بعده
 یوسف یاشا ایتدی نیم اون یوک اچیه خاصم وار بیرام پیشکش ایله سلطان مصارفنه بیشتر
 خاص رفع اولور سه ظاهر بو مصرفن دخی مرتفع اولور دیدی کنعان یاشا سلامت نفس
 ایله مسلم بنی آدم و سوزیلور بابای عالم ایدی سکوت ایتدی اکاده خطاب اولنوب یاشا
 حضر لری سزده بیورک دید کلر نه بکتاش اغا که عمده اعیان ایدی اکا خطاب ایدوب
 صاع الین فال دیروب اوچی یوموب جهان بو سبتون اوجیه کزده هر نه دیلر سکر ایدک
 یکچیری مواجی اوجیوز بیگ غروش ایله قیانور کن سکر یوز بیگ غروش اولور اوجیوز سکر کن
 ماعداسی سزک یا نکره قالور یومقوله ماللری الانلر علوفه یه امداد ایتمک کرک یوخسه
 وزر انک یکرمیشراو توزر کیسه لک خاصندن هر یکک یوقدر ایم اوغلانی و اتباع و عیال ایله
 اکامتحصر درالند یی صورته میری به نه نفی اوله حقد رونه کونه یاریمه مرهم اولور دیومردانه
 جواب ویردی کنعان یاشا انک یوجواندن اغالر دهشت کلوب مخاطی بکتاش اغا انلغم
 ایدرک نیم در تیوز اچیه یومیه علوفم وارد دخی سائر امورده مدخل یوقدر دیدی ساکت اولدیلر
 پس مصالحت هیچ قرا ایدوب طاعل دیلر یوسیا قده سپاهی طاعفه سندن علوفه یه وارنره
 سفر لیسز کزیده یوجواب ایتد کلر نه سپاهی یاشا قیوسنه واروب بزیر اقسز و اغاسز قنده
 کیده زبر آلای فقیر علوفه لریمز تمام ویرمز لردیز دبان یا غنم غوغا ایدوب چاغر شد کلر نه
 وزیر اعظم عجل اولغله اورنه قوشاغله پرندن محرابوب یا بوجسز زردبان باشنه وازجه

سکر دوب زبره حریر لری آلای پادشاه عاصیسی حریر لری سز هب اولد وون جگر سز نه مغلطه
 ایدر سز دیدوب بلند آواز ایله حایقر مغه یاشلیدی انلرده استاغیدن جواب ویروب دولتی
 بزیر اقسز اغاسز سفره کیمکه قادرد کلر دیو فریاده یاشلیدی لری زبر ابیر اق و اغالر کیمک وزیرک
 کیمستی مستلزم ایدی وزیر عجله طبعی مقتضای سجه خفت ایدوب پادشاهک سفرینه حاضر اولک
 بندخی کیدرم دید کلر جمله سی نه کوزل سز کیدر سکر زده کیده زدید کلر نه کانه سزک کیمکز
 محالدر سکلنه سپاهی لریک مسمتنر بانه نوله کیدر زدید کلر نه وزیر دخی غصبتناک اولوب بن البتده
 کیدرم اگر کیمز سم کافر شبقه سی باشمه اولسون لفظی تم و راز اسنده سویادی انلر دخی جمله مز
 کیده زدیدوب طاعل دیلر وزیر سفره کیدر دیو توغلی یا بلق اصمیر لوب جمله محال تدن اولان
 ایشه شروع اولندی زیر اوزر کیدر نجه اغاو کتخدایک و سائر لری کیمک لازم کلور دی
 اول ایسه محال لاجرم وزیر کیده یورار جوفه سی شایع اولدی عزل شیخ الا سلام بهایی
 افندی و نصب عزیز افندی جمادی الاولینک اون بر نه مفتی بهایی افندی عزل وقره
 چلبی زاده عزیز افندی مفتی اولدی مورخ دیر که یوقضیه بی تفصیل ایدوب مشارالیه
 عزیز افندی خیلی زماندن بروفتوایه طالب اولوب حتی مراد یاشا ایمنه پایه فتوی
 ویرلدیکی مذکور در د ائمانه ناصر دولت و اخلاط اربعه مثابه سنه اولان اغالرک سر چشمه سی
 بکتاش اغا ایله اختلاط و استرضاده غایت جهدی مبذول ایدی حتی قاضیه سکر لکی
 زمانه بهایی افندی کت توجیه ایتد یکی مناصبک اکثرینه مکروهات نامن اطلاق ایدوب
 اولقوله قاضیه قلمروی دفتر ایدوب بهایی افندی بی بو واسطه ایله مقاومت قلع وازاله یه
 تشمیر ساق ایتمیشیدی لکن الامور مره و نه باوقاها اول زمانلر بهایی افندی بخت مادرزادی
 مکاید حساده غالب کلوب فرصت بوله مامشیدی عزیز افندی مدارایه سالک اولوب
 بهایی یه ضیافت و الفت مهمسانی در کار و درونی عداوت و حسدنی اخفا و تود و تملق
 اظهار ایدردی و العجب که بیه مرتبه مجاهره عداوتد نصبر کرم بهایی افندی ثغافل و عدم
 مبالا قیومر تبیه ایرشد رمشید یکینه منیرورک ضیافتنه واروب و اصلا متغیر اولموب سو
 قصدین کالعدم فرض ایتمیشیدی یوند نصبر کرم بینه منتهم فرصت اولموب بکتاش اغا
 دخی منلادن مشتمز ایدی انکله اختلاط طاعل مبالغه ایدوب دائما تقب زن مقدمات حصول
 ایتمیشیدی تا که بهایی افندی طر سوسی به قدس پایه سیله مولویت رتبه سنه نائل
 ایدوب ادرنه قضاسن مع مضافاتا اریه لوق ایدوب خدمت امانت فتوایی اصمیر لری اکا
 مراجعت ایدلر دن نیجه سی سهولت ایله بر مراد اولوب کذلک قهوه جیسی محمد چلبی نامی
 مد مخ و موزعی احمد کفخارج پایه سنه عارج ایدی قاضیه سکر لره تحکیمار جا لرایدوب نیجه
 منصبلر ایتد یروب و کنار مدرسه لرین خود استد کلر نه الیوروب کار فتنه لرینه و مدرسه لرینه
 تسلط ایله بالکلیه منلای زبازرد اعدا ایتمیشلر ایدی بد خواهلری یومقوله موادی دفتر
 ایدوب عزیز افندی یه کتوروب کفته کوودخل و طنر لرا ولد قچه بهایی افندی اول سفهلک
 کلر ملرینه کوش طوعندن فراغت و مغفلکدن عالم نحوه کلوب مد افعه اعدایه مبادرت
 ایدی و بو ائشاده مص دخالک حل یابنده فتوی ویرد کلر خود متصلا و مرانیلر حرکت

ایدوب بگفتاش اغا و سائر دغان ایچمین بی مذاق عزیز یافتندی ایله همد استاز اولوب
بوفتوایه جراً فی جمله قبایح و مثالب بدن عدایتد یل حال بوکه فتواده ذکر اولنان ملایم طباع
سایمه طیمیاندن اولوب حرمتنه دلیل قطعی دائم اولد قجه استیاده باحت اصل اولغی بیان
ایدی حرمتنه دلیل بولان کتورسون دیو صلا ایشلر ایدی خالف دلیل بولقدن عاجز
ایکن محضاً بوانه دک بر مقتی بویه فتوی ویرمه شدردیو تجمع و نصب ایدوب فتنه لر
قیباتشلا ایدی ذکر سبقت ایدن قاضی زاده لیلر و اهل طریق غوغالرنه دورور قص
حرمتنه فتوی ویرمش ایکن اسطوانی و سائر مشایخ اتفاقیه نکیه باصوب بولد قاری
صوفیلری سوکوب دوکوب حدی تجاوز ایند کترنه عتاب ایچون اسطوانی بی دعوت
ایدوب وزیر رئیس الکتاب موقوفاتی بی کوندروب شفاعتی قبول ایتیموب مناصبی بیع
ایدوب رشتو تالوب بونجه قبایح ایدرسر بر کلی وقاضی زاده لیلرک ییوب و کید کاری جمله
اموال محرمة دن ایکن پاشا دن اول کلان وزرا و یزدن اول کلان مفتیلر زمانه صوفیلرک
دورانیه کمسنه منع صد دنه اولماش ایدی بانکه ویردیکمز حرمت دور فتوا لری
ینه ویریاور ایدی اسطوانی دید کاری فتنه انکیر نجاتی بدن اقتضا ایلدی دیو وافر عتاب
ایتیشیدی بودخی علاوه قدیمه اولوب وزیر بواشاده بالیوسلرک اراده سیمله قیودان
پاشایه عزل تخمین ایلد کده بهانی افندی انکار ایدوب دین و دولت اوغرینه دامن در میان
اولان بونجین لایق مقام ادمی عزل دین دولته عین خیانتد تعیین اولندیغی خد متی
کجا و الواجب اتمام ایتدی بالیو سلرک رشتون الوب ناحق یره غزل نه دیمکدر دیو
مانع اولمشیدی وارکان دولت اولان اغارک محکماندن دلیکیر اولوب هرته بجا ایدر لسه
دکلیوب کلان ادملرین بوش کوندردی اول سببدن اغارایله مایینده منافرت عظیمه
حاصل اولوب جمله سی کندویه دشمن و مثالب و مساوی اسنادنه عقد مجلس ایدر اعدای
پرفتن اولمشلر ایکن ینه کندوسی کال تغافل و لا قید لکندن اصلاتد ارک فکرینه دوشیموب
مقید اولدی اذ اراد الله شیاً هیأاسبابه بواشاده بر امر غریب و عجیب دخی حدوث ایتدیکی
نتیجه مقدمات مذکور و غیر مذکور اولدی تفصیل اجمالیسی بوکه چون طوایف افرنج
بالیوسلری کار دان دوامه بذل مال ایتکله هر ماتمسلمینه مساعدن بو وقتلده مباحه
اولتیموب ملا عینک خصوصاً انکتره بالیوسلرینک دماغ عظیمی مقر ایدی عهد نامه قدیمه
مقار و الرنجه نیجه مواد عهد نامه لینه اخلق واحداث ایدر لایش بواشاده انکتره لوردن
برینک از میرده انکتره بالیوسلر ایکی یوک اچیه دعواسی اولوب از میر قاضیسی هاشمی
زاده به بالیوسی اخصار و تقریر دعوا ایتد کده بالیوس عهد نامه چیمقاروب
من افندی بودعوانی دکله مأمور دکلسن دیو خشونت ایله عناد ایلدی عهد نامه یه
تطر ایتد یلر واقعا مسطور اولان بوکه انکتره لوردن برینک ینه انکتره لوردن بریله ایکی
یوک اچیه دن ناقص دعواسی اولد قل بوند قضایه اسلام فصل ایلیه اگر ایدموز بیک
اچیه دن زیاده اولور سه بوند استماع اولتیموب انکتر ملکتنه حواله اولنه دینامش
عهد نامه ده بویه مندرج لکن بالیوسک معقول ایله سویلیوب خشونت اظهار ایتد یکندن

قاضی متالم اولوب بره ملعون شرع شریف مقتضایسی اوزن بیچون دکلم دیوب جبراً
استماع قصد ایتد کده بالیوس خدام محکمه بی سلکوب چیمقوب مکانه کندی بووضع
ناهموان و شرع شریفی استخفاف مثالو بی ادبک اظهارندن هاشمی زاده ده عز حکومت
و مقتضای شریعتدن ناشی حجت و علو عرق هاشمیت جمع اولوب قونسلاوس
مخوسک خلاف امر یاد سناهی اعدایه سفینه لرله بغدادی الیور دیکندن نیجه قبایحنه
واقف اولمشیدی شیخ الاسلامه مکتوب یازوب بونجه بی اعلام ایلدی شیخ الاسلام
دخی عرضی وزیر کوندروب بالیوسی مؤآخذه و قونسلاوسی عزل و رفع ایتد یره سردیو خبر
کوندردی چونکه وزیر اعظمک اولدن خاطر مانده لکی و درونده مخفی کدورتی وار ایدی بوامر
مخطوری ینه کندویه تکلیف ایدلم حدت مشرب و استیلا غصب ایله برایش احداث
ایدردیو حیلله کارلق ایدوب عرض و مکتوبی ینه منلایه کوندروب بزم اشغال کثیره مژ
وار در لطف ایدوب بوقضیه ده مقتضای حال نه امری ایجاب ایدر سه تمشیت و اجرا سینه
کندولر تقید بیورسونلر دید کده غیرت اسلامیه غلبه ایدوب بونه اصل سوزدر شرعا
لازم کلان اموری تمشیدن اعراض نه دیمکدر دیه رک دین و دولت اموری قرین اختلال
اولدی دیوب حدت غیزدن عاقبت اندیشک محل اولماغین آدم کوندروب غلطه دن
انکتر بالیوسی حضور ینه کتور دوب از میرده اولان قونسلاوسک قبایحی ذکر ایدوب
البتنه اول ملعونی قالد رمق کر کسن دیم ابرام بیور دیلر انکتره طائفه سی اخذ واعطا
و معاملاته سوزلری اوزلر ینه ثابت وقولی اوزن باش کسدر سوزندن دوغز معاند
اولد قاری کبی کردار و گفتار لرنه دخی دعوت مقتضای طبیعتلری اولغین جناب منلایه
غشونت ایله جواب و پروب ائی قرالمز دکشدر بن قالد مرغنه قادر دکلم دید کده منلا
حضر تلی آتشی اولوب بره دیشلر ملعون سرنه کونه معاهد کخنور سرنه دائما دین و دولته
خیانتدن خالی دکلسر ونیدیک کافر ینه بیچون قلیونلر و امداد لر ویررسر سرنه مقاسد کتر
پاندمی طن ایدرسر دیو بیور دقه ملعون انکار ایتیموب بزدن هر کیم قلیون و سولتات استرسه
اجان ایله ویریز سرنه استر سکر ویریز بومر تبه ایله عهد نامه مزبور لزدیو جواب ناصواب
ویردی منلا حضر تلی غضبه کلوب کوندربک بوملعونی پاشایه حبس اینسون دید کده افندی
سن نی حبسه قادر و ما مورد کلسن دیوب حندن زیاده عناد و خشونت اظهار ایتد کده
منلانک تمالک و تماسک الندن کیدوب بره قالد رک شو ملعونی دیوب خدام بالیوسک
یا قه سننه یاپشوب یومرق اورن رقی آخون کتوروب حبس ایتد کلرنه نصکره پاشایه خبر
کوندروب البته بوملعونی قلعه یه کوندرسون دید کده بالیوس اتباعی اغار و پاشایه کوندروب
اطلاقنی رجا ایلدی اغار کخدا بیک خانه سننه جمع اولوب بوخصوص ایچون کفتک و جمله نک
لسانندن ابتد آلتی پرمق ابراهیم چلبی بی که مؤصله مدر سیدر منلایه کوندروب بیچون
یومقوله خفت و حرکت بیورلر بالیوسی اطلاق اینسونلر دید بلمر مزور تلمیغ پیغام ایتد کده
منلا غضبه کلوب اغار دیدیکک حر یفلرک بوتسلطی ندر بویه قالدورحی طن ایدر لر والله
اغار لریکی دخی قتل ایدر لر دیو تعنیف و آزار ایتد کده الی پرمق برعاقل آدم اولمله دونوب

تاویل ایله جواب ویردی صکره کتدایک مصاحبی مسخره صاری کاتی بالا تفاق بوجواب
ایله کوندردیلر اغارل حضور عز ته دعار ایوب دیدیلر که بوقدر سنه در که وند یک دید کیری
بر بالقی کافریله محاصره اولوب بوجیه مال و جان تاف اولوب هنوز کیری
غلبه وحقندن کتک میسر اولما مشدر انکثره قرالی خودملوک فر نکستلک اعاطمندن
مال و لشکر صاحبی وسفن والات حریسه دن شی کثیره مالک قرالد که اگر مسالمه
اولنر سه مفاسد عظیمه و مضرت جسمیه قادی در انکله نقض صلح اولوب عسکر اسلامه
یکی ایش اچمق جنایارینه مناسیمید دید که منلا حضور نلری اولاحسن وجهه مسخره یه
خطاب ایوب بقیه کاتب افندی اول انکثره دید کیری ملعونک صاحبه رعایتی اولسه
لحد لیه امداد ویرمزدی بوند نصکره بوقدر سو ادب ایوب شرعیاتی رفع لازم کلوب
امور دین و دونه جانب شرعدن استشاره و تقیاد لازم ایکن بوقوله سوز اسلامه دوشرمی
دیرکن عمار کاتب رخصت یلوب بهی افندی قنقی مفتی خانه سنه یالیوس حبس
ایتدی شو ملعونی اطلاق ایدک سیاقمه خارج از طر و ادب سوزلر سویلوب منلای
اغضاب ایتد که بقیه به اصلاح بواغارک اولاجق حریفله نه دیمک استر لارنرک
امور دین مد اخله لری ندر بچون حد لری بلر لر عالمی رشو تله خراب ایوب حد لری
تجارت زده افراط ایتد یلر شمد نصکره بوشورده اجرای شرع نیجه ممکندر دیه نیجه فضیحه لری
ماده مساهذ کر و مذمت ایوب صاری به او بقدر عتاب ایتدیکه چهره سی کاه
قرار دی و کاه بوزاردی زمره مدرسیندن شروانی احمد افندی که حاضر بالمجلس ایش
نقل ایدر که انطولی قاضی عسکری قدسی زاده اول مجلس بولوب منلایک تهورین
کورد که عاقبت اندیشلک یلندن منلایه راجیه خطاب ایوب سلطانی بونلرک
کنایه بوقدر بونلر تهور یورمک دیو صاری کاتبی در خواست ایتد که منلا اکاده مشترا
خطاب باعتبار ایوب بقیه افندی سن قاضی عسکر میسن حمایت کفار ایدن حریفله
ایامته نه مصالحت اچون دیوانه واررسن بارین منزلندن چقمه و دیوانه وارمه دیو آزار
ایوب بعد صاری کاتبه حیق دیو ازار ایله کوندردی صاری خبیث دخی هر سوزه بیلک
برک و شاخ استلیوب اغارل ایرشدردی بوقضیه سبت کونی وقوع بولدی احد کونی
اغار ات مید استل ابراهیم پاشا سرا یلک جمعیت ایوب قره دکرده یاسلوب کلان کیلری
کورمکه وزیر اعظمی کوندروب واندن بهایی افندی که مثالیه متعلق مذاکره و عزلی بانه
جمله سی اتفاق ایتد کلرند نصکره اچر و خبر کوندروب بهایی افندی یلک عزلی طلب
ایتد یلر اچر و دن رخصت اولیوب جواب منع چقد قل صکره نکر اچر کوندروب
ایاق باصد یلر بعد مانعه به مجال اولیوب وقت عصرده عزیز افندی اچر و دعوت اولوب
مفتی نصیب اولندی محل عبر تدر که عزیز افندی رئیس الکتاب محمد افندی به و دامادی
یوای محمد افندی به مراجعت واندن دخی مفتی افندی به شفاعت و الحاح ایتدیکه راضی
ایوب صدر اعظم ملک احمد پاشا به ایکی دفعه ناخص ایتد ردیلر که عزیز افندی به
مکرر اصد دروم احسان اولنه عزیز افندی بهایی افندی یلک علیهمنه دامن در میان ایکن یتد

بهایی مشرب کریمانه لری مقتضای نسخه فی صدر رومه کتورمک اچون مکرر عرض ایلدی
بالاخره و الله سلطان حضور تلرندن عزیزم قائلر و دوشمن دو لیمز در دیو جواب کلوب
التماسارینه مساعده اولما مشیکن حالاتش غریبه که تهور بهایی حدوت ایوب فوق
الما مولی ایکن مفتی اولدی حدت و غضبک شامت و مضرتی بوحکایه دن ملاحظه
اولنق لازمدر بهایی افندی حضور نلری و رود ایدن فرمان اوزن حصارده اولان یالیسنه
واروب جمادی الاولیسنک اون سکرنجی کونی دریا جاننندن اولان اریه لغی برغمه یه نفی
اولند یلر سفینه یه کیررکن حصار دن بر بار غارینه دیشکه پاشا الحق بی غیرت بزاجق
غیور ایدک افلر حق ساز جدن ضرر چکمیبوب بلای غیرت ایله بزمه ضرر اولنق مرحوم
جوری چلبی عزیز افندی یلک مفتی اولسنه بو تاریخ غرایبی سویلیدی ع ایلدی حق عز ایله
مفتی عزیز عالمی و بهایی افندی شاکارلرندن اولان شعر ایلر قطعیه بی بهایی حقندن دیشدر
قطعه ترجمانی اید یلک شرعله ضرب و نادیب ترجمان فلنک اولدی بهایی خا موش
دولت و دینه سنک ایلد بکک خدمت اچون هر جوابک یاز یلوب عرشته اولوب در منکوش
وعزیز افندی یلک فتوا سنه دخی مصراع نامعقولی تاریخ دوشور دکر بی مورخ ذکر ایتد بکینه
بناء ضروری یازلشدردرم بالیوز ایله اولدی عزیزم مفتی تاریخ دیکر بالیوز مفتی سید رحیم
العزیز بهایی افندی ایله بیلرندن مبیانت و معادات اولند یغندن اشای مصباح حبتن اکلد قچه
بالیوس مفتیسی دیر ایش حقیر بر تقصیر دیر مکه حکام کرام خصوصاً علمای عظام امور دنیویه
واغراض فایده اچون بر لرینه عداوت ایتد لایق اولیوب تنافس عز و جاه مقتضای نسخه
عداوت ایتد کیری صورتنه باری کینه لری فرصت انتقامه دکن سکینه و وقار پرده سی
تحتنه در کین اولوب عجزه کی غیبت ایله تفسی غیظ اچون بر لرینی ذم و قدح ایدرک عرض
علمانی کسر و معالم علی هدم ایتدک علوشان لرینه موافق دکلر تجا و ز الله عنهم بهایی افندی قایق
ایله کلیمه ولی به وارد قلرندن انا ساکن نیمکبولیدن منفصل قوغه جی زاده عبد القادر افندی یکه
اشراف قضایان ایدی ایلک منزله نزول بیوروب بر قاچکون آسایش نصکره بعد الاستصواب
لابسکی ناحیه سنه برغوش نام قریه به نقل و فخی چلبی زاده محمد افندی مرحومک منزلندن که
حوض سلسبیل و قصور عالییه بی مشتمل بر منزلدر اکا نزول ایتد یلر مزبور قوغه جی زاده نقل
ایدر که بهایی افندی اثناء کلام اغارلانه اولان متعلبلرک بویه وضع نا هموان جرأت ایدر جکاری
دخی چوقدن ماحوظم ایدی زیر اصد رافتایه قعود ایلدن بروبی حدوبی پایان مکروهات
تکلیف ایتد یلر برینه مساعده ایتد م عداوت لرینی متحقق ایتد یکم اچون ایکی دفعه حرم
همایونه التماس نامه کوندروب امر فتوادن استعفا ایتد شیدم بومتعبلرک سوز لرینه امثال
ومکروهات لرینه مساعده و اتباع مشکل مصالحت درین بونلرک مراد نجه حرکت ایدم و بونلر ایله
باشه چقلمق دخی محالدر دیوب فتوادن عزلی استد کچه و الله معظمه سلطان حضور تلرندن
مدار ایله حسن خلق ایله کجنوب بر زمان تحمل ایتد سونلر دیو جواب کلوب التماس مقبول
اولماش ایدی پس بالضرور عاقبت حال بوکه منجر اوله جغنی یقینا یلور دم دیه یور مشلر
حقیقت حال دخی بویه اولق عند العقل موجه در قطع ارا قق بوماه اچنده ظهور ایدن

هوادند ندر که وجوه اقلام و اموال اسرافات متغلبان بدفعاله صرف اولوب وظایف
 سپاه امثالی اخراجات لازمه یه خزینه ده مضایقه متعین اولغین اناطولی محاسبه سی
 دفتر نده دعا کویان متقاعدین و سائر وظایف ضعف و مساکنین یا جمله وظایف عباد الله
 اکثری مستحقین خصو صاعلم و مشایخ و سادات و در و پشان و ایام و ارامل و عیاند
 یوزیتش یوک اچیه سنوی مال اتمکله بیک التمش برسنه سی ایرادی تمام امیری یه التمش
 یابنده دفتر دار امیر پاشا و سائر و کلا وجه و حیه کوروب ناخپص و عرض ایندی یل
 ییوک و الله حاضر تلی و کلا یه خبر کوندروب دفعه او توز بیک قدر آدمنک ارزاقن قطع
 ایدوب محروم اید یورسنر یونلرک بد دعا لرینی قنقه کزده علاده ما فی الاعناق اید یورسنر
 دیکر کده منجم باشی حسین افندی بیک پرینه مستشار امور دولت اولان صاری کاتب دید کلمی
 لاخیر مطایبه یلندن اغاز کلام جدا ایدوب به جانم بونجه زمه سا ندر قلاع عالم که فتح اولور
 هیچ منلا فلان درویش فلانک دعا سیمله فلان قلعه فتح اولمشدر دید کلمی ایشد لمشیدر
 ینه قلعه لری آلان کفان قاچاقچا لان کیمی سرخوش ابراهیم پاشا کیمی ظالم فلان پاشادر
 یومالک و قلعه لر یوم مقوله بکتموالی ایله فتح اولمشدر اول مقوله غم فلانک دلیل نه ایش کوریلور
 و ییب مطلقا دعیه مستجاب فقرانک بی طائل و خیر دعا و بد دعا لری بی حاصل اید و کن کندی
 اعتقادی اوزر بیان ایند کله معکاران دولت و مغروران سر مست قتنده یو قول باطل
 هر وجهله موجه کوریلوب عمومابونجه ارزاق دفعه قطع و وجوه اسرافاته امداد اولندی
 مانند سخاک مغرورینی کاعان عالمی غدا ی مارایتدی چوق یکمدین غیرت حق و بطش قهار
 مطلق ظلمون کلوب عامه فقرانک کوزیاشنی آلان مغرورلرک عموماباشلرینی خاک هلاکه
 هلاطان ایدوب دولت لرینی قمع و شجره وجود لرین قلع ایلدی نته کیم محلبده ذکر اولنسه کرکدر
 و یوماه حوادشند ندر که یکچیری اغاسی و کتخدای بیک انماسلویه روم ایل صدری قبه قولق
 زاده مغرور اولوب پری اناطولی دن مغرور قدسی زاده یه لک پری ادرنه دن منفصل شعبان
 افندی یه ویرلری و قعه کشتی صدر اعظم ملک احمد پاشا بوندن اقدم دو نهای همایون
 یحون قلیونلر پاشای فرمان اولوب صدر اعظم مخصوص بر عظیم قلیون یا پله سنی مراد ایدوب
 یا نجه قیوسفه قور مشید بی حد ذاتله بر عظیم قلیون یا پله تمام اونجه کدر کا هد اولغله
 خلق دلنه دونشوب یونلرک قلیون یا پله دکلدر دیولاف و کداف اربابی اوچوروب یجه
 بد نظر لوقبیج فاللر ایدرلر دی بالاخره تمام اولیحق جمادی الاولینک نشیجی اشیز کونی وزیر اعظم
 و شیخ الاسلام جدید و سائر اعیان و ارکان جمله دارات و عنوانله اروب قلیونی ایندیمکه
 حاضر اولدی یلر صفره پرینه عمله و سیرجی دن ابکیوزده قریب آدم ایچینه طوملش ایدی مکر بعض
 اسباب و آلات قصه ورا بملش لریش عامه خلق قاتلدرقات سیره حاضر اولوب شیخ الاسلام
 دعا ایدوب ال یوزده سور دیک کی فلنکار آلنوب معتاد اوزر قزاق ایله دریاه سالندی اول التمش
 ذراع یونی اولان عظیم و مهیب قلیون صویه اینرکن یانی اوزر دوریلوب خلق برو طر فیه ایرکد کده
 مفید اولوب دلو کاردن ایچینه صوط و لوب انبارملو اولغله باطوب دریاه اینوب کندی
 ایچنده بولنا لوردن سعادت لولو اول کسه ایدی که شتا و راک بیله بار طر بق ایله کند و نی طشره

براغوب نجات بوله انبارده بولنان و غيريدن اللى مقدارى آدم ثلف اولدى ديرلوز
 بوحالى كوروب اغلغه باشلادى سائر خلق دخی حين تندن هريرى بر سوزديه رك پريشان
 اولديلر اكثر ناسك سوزى ظلم ايله ياپلان كينك حالى بودر سائر نيك حالى نه اوله جفى
 بوندن معلوم در ديو فال بد اينديلر لكن نفس الامر ده بودر كه قطع ارزاق ايله عمارت و مرمت
 لشكر ايدن مدبران دولت كه خير دعا بود دعا نك نفعى و ضررى يوقدر ديو اعتقاد فاسد
 ايتشار در اكناب بوضو صده كند و لره تقريع الهى ظهور ايلدى مقطوع الرزق مظلوملر
 صرصر آهى نتيجه پذير اولديغندن بوتارنجى سويلشد راه ايله باتدى وزيرك كيسى دريايه
 بالا خرياشنه طولاب كيلرى چكيلوب محكم باغلندى و هر چند كه صودن چيقار مغه بدل
 مقدور ايتديلر اماكان اولدى بجه سعى دنصكره مأييس اولوب اوزرندن بر طبقه بوزديلر
 بوزنسر و قولقنسر قلين شكمنه قويوب ترسانه يه كوندرديلر عباد اللهك نشأم ايتد كلرى كى
 سائر ليشك باشلر نه دخی خير كلدى تنه كيم ذكر اولنور رئيس المنجمين حسن بهايى ديركه
 وزيرك مژبور قليمونى دريايه ايندن جكي كوئى غايت محس ايدى بروقت اختيار اولسون
 بكون تاخير ايتلك لازم در ديدك مفيد اولدى تاريخ وقت سرطان زخل اوند و رابع
 ميزان مريخ اوند و قمر برج عقرب طريقه محترقه مخوس ايدى بارى بر مقد ارض
 ايدك ديدك وجود و يرليوب عجله ايله ايندر ديلر حكمت الهى اول ساعت دريايه غرق بعد
 جتكم محترق اولدى كاسچى ذكره ماه مزبورك سالخنده اغار را ايله عبد الرحيم افندى
 قدس دن كتور لكه قرار و يريوب بكلر بكلمه امر و مكتوبلر يازلد يكة دست بدست
 اغراز ايله كتور لرمضى عزيز افندى دخی بالضرور بومضمونه موافق مكتوب يازوب
 قدسنى سايمانيه دن صوتى چلبى يه ويردى و تقديم اقامه قاعده سى اوزر سلسله لر ايلدى
 بواشتاده روم بطريقى بعض تهتمه بناء قتل و مالى ميرى يه قبض ايتديلر تفصيل وقعه
 وان بوندن اقدم ذكرى سبق ايتدىكى اوزر محمد امين پاشا كه كتخد ايك معاونتيله وان
 بكلر بكيسى اولمشيدى و وافر جائزه سن المشايردى حسن سلوك صاحبا و المعين وان خلقى
 حسن سلوكندن خشنودايديلر اتفاق وزير اعظم بكتاش اغا ايله متفقوا و ايا لىنى وافر
 جائزه ايله قره مصطفى پاشايى بوستانجى باشى ايكن قتل ايدن ابراهيم پاشايه و يرديلر
 مشغلى وارد قده وان اغاسى حسن اغا و بكچرى اغاسى سنان اغا و سائر چور باجىلار
 واعيان بربره كلوب امين پاشا حسن سلوك اوزر ايدىكى عزله موجب بوغيكن و هنوز
 و يرديكى جائزه سن چيقار ميوب مديون ايكن عزله نه مناسبتي وارد در تكميل مدت
 ايد نجه احوالى آستانه يه محضر ايدرز ديوار ابراهيم پاشا نك مسلمان روبراه ايدوب بواحوال همچون
 آستانه يه رجاء نامه صورتند بر محضر يازد بلى ابتدا محضره بكچرى اغاسى سنان اغا مهر
 اوروب بعد چور باجىلر بعد وان قوللرى اغاسى حسين اغا و جملة سى مهر ليوب امين
 پاشا نك نفعكچيسى مصطفى بشه ايله آستانه يه كوندرديلر بومرتبه دنصكره سنان اغا
 و سائر چور باجىلر بكچرى نفر ايله قلعه ده اولور لردى مابيننه بر منافع سوز براغوب
 ابراهيم پاشا نك ماميسى بكتاش اغا در سربو محضرى مهر لى بكنزه خطا ايتديكنر ديمكله

یونلر اندیشه ناک اولوب مشورت ایتدیله شمدی بکتماش اغازمه مغیر اولوب عداوت ایتدی
 پادشاهک ایالتند بزم مدخلنرد یویشیان اولوب البته محمد امین پاشاواندن چیقوب
 کئسون ابراهیم پاشا ناک متسلمی قنده ایسه کسون دیو حسین اغا وسائر وان اعیانه
 شهر کونردیله حسین اغا وقاضی وسائر اعیان انکشت بدندان نجیب ایدوب سنان
 اغایه خبر کونردوب بورانی ایتداسر ایتدیکنر واولا محضره سزمهر اوردیکنر شمدی بوزنه
 اصل سوزدر بوملعه صبیانیمدر دیدکرنده سنان اغا قلعه دن جواب ووروب بوز
 یوقضیه ناک قبحی صکره ملاحظه ایلدک حالامین پاشا کیدوب ابراهیم پاشا ناک متسلمی
 کلمه ودر والا سرعاصی اولدیکنر دیوب شهره طوبلری طوغرلدوب جنکه شروع ایتدیله روان
 قوی دخی عتاد ایدوب امین پاشا ایله متفقاً صاحب قدم اولدیله قلعه دن شهره وسرايه
 طوبلر و تفنگلر آتیلوب بردفعه مکتبدن کلورکن ایکی اوغلا نجفی و برکیه انده شمه
 واغوشنده معصومی بر خاتون بیٹی حولیسنده کزکن معصومی تفنگ ایله اوروب نیچه آدمی
 قتل و مجروح ایتدیله و نیچه ابنیه ویران اولدی شهر خلقی وحسین اغا بواحوالی کوروب
 مبادا بر طرفدن بر هجوم اوله دیو حسین اغا ایله مصاهرت ایدن حکاری حاکیمه خبر
 کونردوب یکچیریدن قورغوق ایچون وافر اکراد کتوردوب قراونو اچاقی و قصباته طولد ووروب
 یوللر بوجال اوزن مسدود ایکن چون یوقضیه آستانه یه منعکس اولمشیدی سابقا
 کوجک میر آخور و حالا قیوچی باشی ناخیزی جندی محمد اغایی وزیر اعظم چاغروب جانمچند
 اغا سن بر کار کد اراک مسن مقدم مابعد ادفته سنی اختیار ایلدک کورنیم سنی سهولت ایله
 یوغا ئله یی دخی منع و دفع بابنده نیچه خدمت ایدرسن طریقک مقتضایه حقه چوق
 عنایت مقرر ددیوب کونردی جندی محمد اغا دخی شدة ستاده بدلیس قلعه سنه واروب
 بحسب الضمرون انده بر قاج ایام مکث ایتمشیدی وان اختلالی سهولتله مندفع اولرسه
 واروب فتنه یی دفع ایدرسن دیود یاربکر والیسی حیدر اغا زاده یه امر کیدوب مامور اولغله
 دیاربکر خارجنه چادرلر چیقاروب خبره مترقب اولمشیدی جندی محمد اغا بدلیس خانی ایله
 مشورت ایدوب انکرائی اوزن وان قولنه و یکچیری یه مکانیب نصیح آمیر یازوب فتنه و اختلال
 دفع اولتمق مقدماتی تمهید ایدوب بر کون بر کورد ایله وانه کونردیله وصول بولد قلعه مشورت
 ایدوب حسین اغا وولایتی تمادی اختلالدن بیزار اولغله تعصبندن فارغ اولوب محمد امین
 پاشای قرق الی اتا وایله واندن چیقاروب ارضرومه کونردیله و جندی محمد اغایه مکتوب
 یازوب بز عاصی دکلر انجق امین پاشا و لا یتزده حسن سلوک ایتکله دینلرینی ادا یدنیجه دک عزل
 اولمسون دیو ابقار جاسه اولمش ایدک چون سوز کمدی امر پادشاه کدر بزم ولایت پادشاهیه
 علاقه مزیدر کیمه توجیه اولمش ایسه کلوب ضبط یاسون دیو خبر کونردیله روان قوللرینک
 اعیانندن رهن شکندله بعضیلر بدلیسه کلوب و امین پاشا ناک کتدیکنی خبر ووردکرنده
 محمد اغایه اعتماد کلوب ابراهیم پاشا ناک متسلمی دخی بدلیسه منتظر ایدی یانه آلوب
 وانه واردی ابراهیم پاشا ناک متسلمی ولایتی ضبط ایدوب قلعه دن یکچیری اغاسی نفرات ایله
 پیچوب جندی محمد اغایه بولشوب حسین اغا مفاصل سابقه سنه بئامین ولما غله حکاری

عشیرتیه قاجوب فتنه مندفع اولغیت دیاربکر والیسی دخی فسخ عزیمت ایله مامور اولدی
 وقعه وان قذ لکه تحیری اوزن بویه درکه وان پاشاسی محمد امین پاشا خوشاب حاکمی سلیمان
 عرض ایدوب وانه تابع امق وار جیس و اخلاط و عا دلجو از رعایا سنک اون بش یکدن
 زیاده مواشیسنی سور و ب غارت ایدوب و عجمدن کلن تجارک یولن کسوب خسارت
 ایتدیکندن غیری وان قوی و حاجی ایچون تعیین اولغان جزیه کفره سنه اغوالیه جزیه لرین
 ویرمکه مانع اولوب سنه ده یکرمی بش سیک غروش نقصان اوزن ویرمکه قول مواجبه کسر
 طاری اولدی دیو ایلدوکی عرض و محضر معلوم اولد قلعه ایالت مزبور فکر فاسده بئان وان
 واکر اد حکاری ایله عهد لشوب ابراهیم پاشای قبول ایتد سوزمور سلیمان بکدن سنک انکله
 انتقامی الوب کمرک مالندن او توزیش سیک غروش مواجبه یز تحصیل اولند قچه سنی
 صالیور مز زدید کلرینی عرض ایلدوب صباغ قول اغاسی حسین اغا وسائر قول ضابطلری
 مکتوبینه بدلیس حاکمی ایله اراده وقوع بولان یرودت محبته مبدل اولدی و میر عزیزی کندی
 اوغلی زینل حبس ایدوب عشیرت اتفاقیه پینه کیدی انجق خوشاب حاکمی سلیمان عصیان
 اوزن اولغله قاقوب اوزرینه وارلد قلعه حکاری حاکمه داخل دوشوب صاحبه طالب اولغله
 طرفین صلح ایدوب لکن کیره عهد و شرطنه طور میوب چومار شتی یی یانه الدی دیو اعلام
 ایتشار ایدی بواشارلرده وان قول ایله نوبتی یکچیریلر اراسنه خلاف و ستقاق دوشوب یکچیری
 ایچ قلعه یه قیانونب باعث فتنه اولان محمد پاشا و صباغ قول اغاسی حسین اغا ایله بر قاج کون
 محاربه ایتدیله حسین اغا حکاری یه داخل دوشوب امدادینه برار تفنگ اید اکتور مشیدی
 ظفر بوله میوب کیر و حکاری یه کتد کله صباغ وصول بولور و عزب وقاضی یکچیری اوغا غنه
 دوشوب محمد پاشادن روگردان اولوب اعتماد ایتدیله خوشاب بکی دخی سنجاقی عسکر یله
 یکچیری امدادینه کلشیدی قول ایله انلار اراسنه دخی فتنه پید اولوب او توز قرق کورد ویدی
 سکر یکچیری دوشوب بعد بارشدیلر و دولتدن وان ایالتی ویریلان ابراهیم پاشا وارلد قلعه محمد
 امین پاشا و حسین اغا حکاری یه فرار ایدوب وانی اراسنه صلح و صلاح واقع اولدی و ابراهیم
 پاشا شهره کیروب ضبط ایلدی محمد امین پاشا ارضروم اوزرین استانبوله کلوب حسین اغا
 وسائر فراریلر صکره اله کلوب قتل اولندیلر وفات چوی زاده فی جمادی الاخر چوی زاده
 افندی ناک سل و اسنسقادن ایکی کونلک عمری قالمشیدی ینه بزم با نجه ده ستادروانه فلان
 جنس رخامدن بر قوج واردرانی الوب قوسونلر دیو یورردی علم و عرفاندن خالی بر غریب
 محمد و مایدی سابقه انا طولی صدری ایکن براوغلان ایله لواطه ایدوب کونن دریده ایتد کله
 اوغلان طمان خون آلودین الوب اناسنه باباسنه وارلد قلعه انلر دخی طونی و اوغلانی الوب
 مفتی محی افندی یه کو تروب شکوی ایتد کله الله الله شو آدم بوفنده دخی جاهل ایش دیدوکی
 مشهور در صکره مزبور غلام کون دریده ایلر و کلوب دفتر دار اولدی که کوریل زاده احمد پاشای
 فاضل عصر نده دفتر دار احمد پاشا در صکره مصرده صاحب وقعه اولشدر الشی بالشی یز کیر
 احمد پاشا ناک دفتر دارنی وقتنده اجزای مجلسندن بر لطیفه کوی قاضی و ایش بوحکیمه یی
 اشتیش لکن اول اوغلان احمد پاشا ایدوکنی بلزایش بر کون انشاء مصاحبه چوی زاده

فكر اولنور پاشا يه ديركه سلطانم ايك حقنه يحي افنديك بر لطيفه سي واردر ديوپ
 قضيه يي نقل ايدركن پاشايه نجات وچهره سنه حيرت عارض اولوب كيدرافندي ديوجين
 جبين و صورت عصب كوستر قاضي منفعل اولوب اصلني باز طشيره چقد قهر حضاردن
 بري الله انصاف ويره سي دل قيردك اول اوغلان پاشا كند وسيدر ديدك قاضي فقير دني
 زياده منفعل اولوب بردني پاشا نك مجلسنه وارميوب محجور اولش لكن بوقضيه شهرت
 بولوب بغل افسار ك شيوعني اوتندردى نعوذ بالله من الفضيحة مزبور چوي زاده صنع الله
 افنديك دامادي يكن غني زاده كذالك دامادي ايدي بكيسي بر مجلسه حاضر ايكن بر مسئله دن
 بحث ايدر لر چوي زاده قنده يازارد ديدك كتاب الطهان ده يازارد ييلر مجلس ثانيه بن جمله
 كتابخانه يي قارشدر دم كتاب الطهان نام كتاب بوله مدم ديد وكي غني زاده افندي صنع الله
 افندي يه سويلدك عظيم تفرع و تحصيل ايتشدر ديو نقل اولنور غريبه سلايك اميني جهود
 يحي استانبوله كلوب مظالم مانع اولد و غيچون تحصيل مال ميرى يه مانع در ديو سلايك
 قاضي سي اوسعيد محمد ومي احمد چلبى يي دزل ايتدر دك مزبور يحي يه قيوچي با شيلق
 ويريابوب علوفه نعييني لازم كلكدك وانه كيدن جندى محمد اغا نك علوفه سني و يرمكه قرار
 ويريابوب صكره رئيس الكتاب مانع اولوب وان كى بر سرحد عظيم اختلالى دفعته كيدن
 وسهولت ايله خدمتي وجوده كتورن آدمك بن وجه علوفه سي آخره و يرمك نه ديمكدر ديد دفع
 ايلدي صكره محمد اغا كلكدك خدمتي حسابيه صابليوب خير خواهلر اقد اميله كوچله برخلعت
 كيدروب مواعد عرقويه ايله شوباجه قالدى بعه محمد امين پاشادني استانبوله كلوب
 كئيد ايكك زيركنف جاييندر آسوده اولدي جمادى الآخره نك اون طقوزنه كريدن آدم
 كلوب قند يه شتر قيسنه كارد اسنه يانام حصارى كفار براغوب ضبط اولندي ديوخبر
 ويريابوب كير ميسنه كريد سفرينه سپاه وساحداردن سكرتوز سپاهي يازياوب يكرمي دورت
 اوطه وانا طولى بكار بكيسي احمد پاشا يالتي عسكريله وسائر موراوان بكار وياشار كلوب
 عسكرلى قليمونلر يرلشدي و تاتار عسكرى له ولا بننه هجوم ايدوب قزاق ايله اتحاد يته بناء
 ارقه لنوب قنجه نام شهرى غارت وله ولا يته كلى خسارت ايدك كاريك عرضي كلدى دونما
 توجهي ماء مزور ك يكرمي اوچيچي اتنين كوني او تونز قليون و او تونز سكر قدرغه والتى بورتون
 والتى ماونه و بر مقدار آتش كيسي مرتب و مكمل آلاي ايله طوننوب ترسانه او كندن قلقوب
 شملكار ايدرك سراي يورنى او كنه كلوب قيودان على پاشا جمله قريز يركوب صفت جلال
 اوزن ال اوپوب سلا مليوب بشكطاش او كنه واروب ييمور ايدك بكار يكرمي وسائر جنگ
 حوايله ملو و انواع آلات ايله مهيا جمله دن كى ياقه جق شيشه لى طوب دانه لى و چنگاللى
 شيشه لى بومقوله اعجوبه تدارك كورلش ايدى ايكي كوندن صكره اندن دني قلقوب
 يحي سفينه طوغرى روانه اولد ييلر وزيرك يايدي كى دني ممكن مرتبه ترميم و دونامش ايدى
 چهارشنبه كوني كليبولي يه واروب انده دكلنوب ماه رجبك دور دنه ساقزه واروب جمله
 ييك كيلرى دني انده كلوب جمع اولوب مجموعي يوزاللى قطعه كى اولوب رجبك اون ايكني
 كوني كيربه صالديار محاربه دونما بر موافق روزكار ايله كيدوب نقشه يان اطه لى قريبه

وارد قلندر دكر مانك بوغاز نك الشمس يان كافر دو نك اسنه راست كلد يار طوب پاشينه
 با شيلوب عسكر اسلام غالبانه خيل جنگ ايدوب كافر كيلر نك سرن و دومن و آلانلرين
 شكسته و خراب ايدوب اخشامه دك دو كشد ييلر اخشام اولد قهر ايريلوب محل جنگدن
 كريد يوزميل مقدارى مسافه اولغله جنگ اقتضايي درسه كيدورده عسكر صودن صقلق
 اقتضايي ايدوب كير وده قلان نقشه يان اطه لى نه دونيلوب كچه يور يوب مزبور اطه لك
 ليمانه كيروب يات ييلر كفار كيلرى اردلر نه دو شوب ليمان دن طشيره كوزه در ايش دونماي
 هميون كيلرى كچه انده صولنوب على الصباح غفلتله بر ايكيشر چيقار كن ملاعينك
 كيلرى دونما و زرينه هجوم ايدوب جنگ عظيم پيوسته اولدي قيودان پاشا عسكره
 استمات و يوب دونماي ايكي قول ايدوب بر يابوكيله كندوسى و بر يابوكيله ترسانه كئيداسى
 بوسله جي اوغلان باش ايدوب دشمنه جمله ايلد ييلر قيودان پاشا با شتر داسيله و اوغلى و بعض
 انباى و چراغلرى اولان سفينه صاحبلرى جمله اون بر يابوكيله سفينه ليله كندوربه متعلق
 ايد ييلر محكم جنگ ايدوب كافر كبر قاج سفينه سني ياقوب خراب ايلد ييلر كفار سفينه سنك
 برى صاغ جانبنه يقين طورردى او توردى ملا حظه سيله قيودان پاشا با شتر ده سيله
 اوزرينه واروب محكم جنگ عظيم ايدركن كافر كيلرى او شوب با شتر ادره يي اور تايه الديلر
 صاير بكار بو حال دهشت انكيز ايله يد كرنده اولان قليمونلرى براغوب قيودان نه دني امداد
 ايتيموب دريا يه اچلد ييلر قيودان بو حالى كوروب كافر سفينه لرى دني با شتر ادره يه صارلمغين
 مختير ايكن اوغلى يئيشوب با شتر ادره يي يدكك الوب تحليلص ايلد ييلر ترسانه كئيداسى وسائر
 بكار و جمعا بكيچرى قدرغه لرى الارغه اولوب بايردك ايتد كرندن قيودان مضطرب
 اولوب ييك كيلر نه و بكيچرى قدرغه لرينه بيورلد ييلر يازوب بو تحلفك سببي ندرالته اقدام
 ايدوب جنگه كير سونلر ديو صند اللرايله ترسانه چاوشلرين پراكنده ايتد كرنديك ييلر كيلرندن
 تفنكار طوغرلدوب يئاشمه بزدن آتش ايچنه كير يو قدر ديو اوغر ايتد بيلر و بر قدم ايلرو
 جنگه وارمد ييلر پاشا بو حال دن سراسمه اولوب كير بلا جنگه يالكر اتباعيله كيروب وسعدن
 زياده اهتمام ايدوب امامقاومت ممكن اوليموب روزكار دشمن كيلر نه موافق اولغله با شتر ادره
 كفار اراستدن تحليلص اولند قد نصكره غيبي هجوم ايتدى و زير اعظمك ول وقعه مند
 قليمونى وسپاه ملور قليمون دني محترق اولوب جبه جي كيلرى آلا تسر و مهائسر ميد انده
 مضطرب و بر قاج قليمون اور تاده قالمغين تحلف ايدن بك كيلر نه و بكيچرى قدرغه لرينه
 مو كد بيورلدى كوندروب البته شوميد انده قلان قليمونلرى يد كليموب چيقار سونلر ديو
 ثنبيه ايدك كوردى مفيد اوليموب برى سي ياقشمدى روزكار دني اولغله اول جنگ يرنده
 قلان قليمونلر كفار او شوب اناطولى بكار بكيسي احمد پاشا قليموننده جنگ ايدرك شهيد
 اولدى حاصل اللى يان قليمونك عسكرى ملاعين سويندروب قليمونلرى يد كلدى و برايكى
 قليمون دني كنار قريب اولغله ياقوب عسكرى قره يه دو كلدى و بر ماونه دني چكدروب
 كفار ملحق اولدى برايكى بكيچرى كيسي انده بر اطه يه با شتر قره ايدوب طشيره دو كلد ييلر
 قيودان پاشا ناچار انهم صورته بو حالته چكيلوب اول مختلره كال غضبندن اطه يه

دو کولناره باقیوب ردوس جزیره سنه طوغری کندی بعد کفار اول اطیه به دو کلان
مختلری دیوشور ملک ایچون وافر صولتات دوکوب جمله سنی اخذ واسیر ایتدی یلر قپوژان
ودوسه وارد قده نجات یولان کیمیلر کلدکن صکره دیوان ایدوب جنگدن روگردان اولنلری
مجرم ایدوب وامرلیه قهر ایلوب ترسانه کتخدا سنک صفالنی تراش ایدوب کتخدا سی ایوی
قره قاش اوغلی علی اغا نی مکتوب و عرض ایله آستانه یه کوندروب بعض امرانک و عامه
یکچیر یلرک تخلف و نافرمانا قلمون اعلام ایلدی استانبولدن قوردچلی ترسانه کتخدا سی
تصعب اولنوب کوندردی فذلکه ده دیرکه قندیه خلقی بوشاده کال ضعف لرندن قلعه نی ویرمک
تخمیننده ایکن دو تمارینک الد قلی الی قلیونی سرنگون بیر اقلریله کتورب قلعه اوکندن کچرب
عظیم شتاک ایدوب استندیل اطیه سنه لنگراند از اولغله بود کلو جبهه خانه و دورت یوز قدر
طوب و مهمات و ذخیره اللری نه کیروب قوت یملغله قلعه ده تمکن تام کوستروب کالاول جنگ
وجد اله با شلد یلر قپوژان پاشا اللی قطعه سفینه ایله ردوسدن کر به توجیه ایدوب خزینه
واشکرو ذخیره و مهمات نه ایسه تسلیم ایدوب سرداراکرمدن سند الدی غوغا بر ای علوفه
یشه ماه رجب حوادثند ندر سپاهیله علوفه اسلیوب اغا لری طاشلیوب اندن دفتر دارک
سرانیه وارد یلر و فامید ایتدی بر توپا شاسر اینه اولوردی دفتر دارقپوژی قیامغله هجوم ایدوب
طاش یاغدر دیلر بر سپاهی تحنجر چکوب دفتر دارک اوغلانلری ایله عربله و بخره
و جاملرین شکست ایدوب طاشغل دیلر اول خنجر چکن و دخی جمعیت اوکمه دوستلر بر قاجی
اخذ و اول کچه بوغلدی و سپاه اغاسی عزل اولنوب شعبان اغا نصب اولندی بوند نصکره
سپاهیله اسکنداره جمعیت ایدوب اول بوغیلان یولد اشک قاشی استرز دیوغلغله
ایتدی لکن برایش کون مدیلر مقدمه خروج حسن اغا سابقا حرامی حیدر اوغلنی
طوتوب کتوردک خد منی مقابله سنه یکی ایل ویوده لغی اوج سنه بر تحویل ایله
زمره ساحد از اندن مزبور ابازه یه توجیه اولنمشیدی ابتدا توجیه ایتاسنده اغا ل
هیری کسنه یه مراد ایتد کلر نه صوفی محمد یاشا لایق باصوب ترکانی اوج سنه ضبط
ایلیه دیو خط همایون اصدا ایتدیروب حسن اغا نفسنده یرار هماد آدم اولغله صاحب
چیقوب چراغ ایتشد بر سنه ضبط ایلوب الله اولان خط همایون موجبجه انقا
ریا سیله میری یه وافر اچقه سی کچوب وزیر وارکان دولته عظیم هدایا ویرمش ایدی
لکن ایمان دولتک تسلط ایله جمله یه غالبی افراط اوزن حرص و طمع صا حبی کتخدا بکک
اتباعندن دلی برادر دید کلری احمد اغا نک دامادی اق علی یه ویرلدی ابازه حسن اغا
اوجاق اغا لری رانی و کتخدا بک اراده سیله ویوده لق مزبور آق علی یه ویرلدی ابازه حسن اغا
اغارک هر برینه واروب دولتلور خد متم مقابله سنه احسان اولنان خط همایونه عل
اولنامق لابق دکلدر میری یه یوقدر بیک غروشم کچوب ابواب سائر یه بوقدر هدایا ویردم
یکاغدر ایلک انصافیدر احسان ایدوب بزه جور و تعدی ایلک دیوا ظهار تظم یوزندن
نجه معقول سوزلر سویلادی مفید اولیوب سنک ویوده لغی وزیر ویردی بزم علاقه مز
نردبو مغرورانه جواب ایله ردایتدیله حسن اغا بونلردن مایوس اولوب مال و جان

احسانیه و زیره واروب سلطانم سزدن ینه سزده شکایت ایتدی بکا اولان ظلم و تعدی
روامیدر حیدر اوغلی که اوج طوغلی روزری قتل ایدوب وانا طوغلی یی خرابه و یروب الندن
هاجر قانمشیدی باشمی میدانه قویب دولت یاد شاهیده طوتوب کتوردم خد متم مقابلی
ویریان بر ویوده لقی پان سنه کوزدیکد یلر حال بوکباخی مزبوری طوتدی یغمه قاجوب المدن
کوجله جان خلاص ایدن قاطرچی اوغلنه اوج توغ ویر یلوب ایالت اصمردیلر اکا چوق کورلدی
بزم جزیر بنو خاندان علیه نک بنده سی و قدیمی پرورده سی اولد و غنر میدر حال میری یه التمش
بیک نروشم کجدی دیوقدر خرج و مصرف کندی ینه ویوده لغی آخر دیسانک مالان جمع ایدوب
طویمان طمعکار لروب بنی خاکله یکسان ایتک استر لردیوب وافر سویلادی دلی برادر دخی
اندی بونقله جواب ویرمک صد دنه ایکن حسن اغا جرب چالوب وافر محاون و مشاتمه ایتدی لار
وزیر کتخدا سی غلام محمد حسن اغایه عیبد روزی بر حضور نه بویله سوزلر سویلنور می شکله
تعنیف معامله سی ایتدکده حسن اغا خنجره ال اوروب بزه باز رکان قیامتلو قومسار باز
وکیل السلطنه یه احوالی سو بیلک ندن عیبد رعیب اولد رکه مغلوب اولدی یغنه آدلره بنم
کبی خد متکاری پایمال ایتد رکه غدر و حیف از نکاب ایدر سزدیواز قلد یکده غده یی زخمناک
ایلیه وزیر دخی بوکا غدر فاحش اولد و غنی ییلور نه ایشلسون عز صد ارتله صورت غضب
کوستروب حسن سوزی اوزاتمه وقتی ایکی ایله کون لم احوالده بر صورت ویریلور دیو دفع
مجلس اولندی طشره چیقدی یی کبی اردنجه بر ریاض یورلدی کوندردی که بکون بوشهرده
طور میوب و لایتنکه کیده سن اول ایسه حضور ویزردن چیقدی یی کبی غیری بالکلیه مایوس
اولد و غندن غیری غلام اغا لریله یکدل اولغله حسن اغا نی اخذ و قتل نیتند اولد و غنی طویب
اول ساعات اسکندار کچمش ایدی عقببنجه فرمان وارد کون لم یوندن اجرای حق ممکن اولمسه
کیمد رزد یجواب ویردی مقدمه دفتر دار سرانی طاشلیوب بر قاج نفر لری بوغیلان سپاه
زمره سی که علوفه غوغا سندن کینه قدیمه ایله درونلری مجروح ایدی مشاهیر سپاهدن
قونیله خادام علی اغا قزینداشی حسن اغا و کورد محمد و جندی یوسف اعادخی نیچه بالو
باشلور لوسا تر نفرات ایله حسن اغا نک با شنه جمع اولوب هوادار اولدیلر و صاری کاتب
ودلی برادر غلام و دفتر دارک از اله سی با شنه معاهد و اتفاق ایدوب خبر کوندروب بونلرک
باشلورینی استمد یلر اوجاق اغا لری کوکره یوب باش چاوشی یونلره کوندروب دیدیلر که اول آدم ل
اوجاق حمایه سنه در بری سیله یرلک احتمالی یوقدر بود عوادن فراغت ایدوب طاشلورنلر
الاضر رکور دیر چاوش بوخبری تبلیغ ایتدکده انلردخی جواب ویروب بآت میدانی دکلدر
شیدن صکره ارامزی قایچ فصل ایدر اغا لر کلسونلر یونانلر کوروشه لم دیو معارضه جوانی
ویردی لرقضیه اغا لرک مسجوعی اولد قلد بونلرک دماغلری فسادده درتد ارکری کورملک کرکدر
دیو وزیره ابرام لریوب حسن اغایه کوچوب کیده سن دیویورلدیله چاوشلر کوندردیلر حسن
اغاده ویوده لغی بقایا خود میری یه و سائر یه کن اچم ویریلور و الا کتم دیوا یاق با صد قلمزده
میری یه کن اچقه سندن ناچار اوتوز کیسه کوندروب البته قالی دیو ابرام ایتدی لر حسن
اغاینه خبر کوندروب بزی محزون و مغدور یوللا یوب اول و لایتنلری احباز لری دیدکده بوندن

قالقوب كنسونلر استر لسه انا طولی فی آتسه یا قسونلر دیو جواب ویردی یار حسن اغاده ناچار
 قالقوب و بالی بوینکره دیوب جمعیتی ایله کوچوب اوکلرینه کلان بلوک خلقی که علوفه یه
 کلورلردی دوندروب اطراف واکاف سپاهیله یینه آدمکلر کوندردی لر ضرر باوقهر آت سوروب
 کلیمنلرک ماملکنی غارت ایدرک جبراکتور دیلر از نکمیده وارد قله بکچری سردارین استیوب
 قرار و اختفای تمکله سپاهیله کتخد ایرین اتباعیله قالدروب کند و یه مصحوب ایدوب اندر
 برمقدار سکبان یازوب اندن محرابیه چیقوب خیمه لره قونوب و توررکن انقره دن عبد الکریم
 نام قاضی برمقدار تجارت ایله کلوب بر قاضینک دخی قریب اسندن برنوجوان ایکی بیک صوف ایله سیله
 ایدی کلورکن حسن اغانک چادرلری ووزینه اوغرا یوب سید کلر ندر ناچار بازه یه بولشورلر آدماری
 سلا حارین الوب صورت احترام کوستر لر قالقوب از نکمیده کلر کلر ندر اول تازه جوان
 یکدی صقلار لر بازه آدمکلر کوندروب ارایارق اوغلانی بولوب یوکلر ایله کتور لر اوغلان چکدیکی
 شایع اولیق خلق و همه دوستوب احترامه باشلدر بواشاده بکتاش اغانک میراخوری
 احمد اغا کلیمس ترکمانلرین حقلیوب و بکتاش اغایه متعلق بعض خدمتلردن جمع اولمش
 او توزیک غروش ایله ویر قاج طاووله ارا تلو ویر قاج قطاردوه ایله کلورکن بازه خبر الوب کره ده
 و بولی مایه ندره آدمکلر تعیین ایدوب طو تدروب اول او توزیک غروشی و آت و دوه لری الدی
 میراخور احمد خشونت یوزندن سوز لر سو یاکله طو توب انی قتل ایلدی و رغابو خصوصی
 کند و سبی اغاره یازوب اعلام ایتدی بواشاده بولی سنجاغندن خروج ایدن کوله اوغلی
 نام شخص که بولی پاشا سنک بالدفعات آدمکلرین و صوب باشلرین باصوب قتل ایدوب وافر
 اتباع جمع ایدوب کلوب بازه یه مالحق اولغله سلسله جمعیتی متر اید اولدی اندن قسطنطنیه
 واروب افلاقی ناحیه سنک قوتوب راست کلدیکی بکچرینک بورن و قولاغن کسوب قتل
 و غارتیه مشغول اولدی و حالا وزیر اعظمک اتباعندن ایکن کند و یه فرار ایدن شاهین
 اغا نام بر شخصی بر بلوک ایله انقره یه کوندروب بکتاش اغانک چفتلکنی غارت اصمردی
 چفتلک کتخداسی قسراقلری کیجه ایله انقره قلعه سنه قومق استمد کلر ندر قاضیسی کدر
 اوغلی که مشهور سادات علماد ندر راضی اولیوب بوقسراقلری قلعه یه قویوب بونک
 خاطری ایچون بزم و سائر مسلمانلرک قراومزارعی خراب ویر بادی اولسون دید کد نصیحه
 بعض ملاحظه یه مبنی ینه نکر اراچرو الدی اما بوتعل بکتاش اغانک مسعودی اولوب کدر
 اوغلینک قتلنه امر چیقاروب کوندردی کدر اوغلی اتباع و لواحقن جمع ایدوب قتله رضا
 ویر میجک اکاهمیا و معین اولملر که کتخدایری و قضایه واعیان ولایتدن بعضی لدر انلرک
 دخی قتللری بایسته امر چیقاروب کوندرد که بومقوله اغراضه مبنی اشخاص متعدد قتل
 قضاحت صریحه اولغله تنعیمه مجال اولیوب قالدی اغارک بومقوله رسوایقلرینه
 نهایت یوق ایدی حتی رجب شریفده چیقان علوفه فی المغه وارد قلدن بکچری
 اغاسی قره چاوش کمال اسنشعار و سقا هتندن بکچر یاره سلا حله کلکی ننبیه ایدوب
 عومایکچری مسلح دیوانه واروب علوفه فی اوله قالدردیلر بوضع کستا خانه جمله یه
 منکر کورینوب طعن ایلدیلر پادشاه عالمیناه مفتی عزیزی اچرو چاغروب بکچری بوکون

چون سلا حله کلدی دیو سوال یورد قلدن اصل معلوم کلدرد یوسکوت ایلانی
 شعبانده مفتی سابق عبد الرحیم افندی بروسه جانبندن کلوب استانبوله وصول بولوب
 کتخدایک القادیم یازو رسنه متابعهت کوستروب بر ساعت قدر تنها مصاحبت ایتدی لر
 یوار القله کند و یه فتوی تکلیف اولنوب شهیدی بزعته قاء الله بدن اولدی بو لوٹ امور فارشیز
 دیو امتناع کوستردی بواشاده بولی ده ساکن سلیمان اغانام مرد شجیع که شمشیر پاشا زاده
 هتقاسندن در صاحب شجاعت و جنگ آورایدی مترقب فرصت اولوب بولیده طغیان ایله
 مشهور جهان اولان کوله اوغلی واروب بازه یه اتباع ایدوب بولی اطرافنه ملعنمه مشغول
 ایدی یتاقلندروب بر قریه ده باصوب ایاغندن قورشتون ایله اوروب مجروح ایدوب بش آلی
 آدمیله بنده چکوب قرق الی قدر تابعی قاچیدن بکچروب اخذ ایتدیکی شقیملری استانبوله
 کتوردی وزیر چیمقارد قلدن کوله اوغلی جواب ویروب شهرلر و مدق کار بان باصمدق
 الحق ظلم دفعنه چالشدق اما چون تقدیر بولیده ایش امر الله کدر دیو اتباعنه تلقین ایدوب
 کله شهادته استتقال ایتد کلر ندر کند و یارمق قیوده اتباعی اسواق استانبوله صلب
 و سیاست اولندی بواشاده بولی سنجاغی ویریلان جان پولاد دلی حسن اغا که بکلر و حسندر
 هنوز اسکدر احرار سنک او توروب اتباع جمعنه مشغول ایدی بر کیجه بر ایکی آدمیسی توغلرین
 قالدروب قاجوب بازه یه فرار ایتدی لر شهرلو استانبوله کونه آبکلی حسن توغلرچیه اولدی
 دیو ترکیلر چاغرا غله خنده فرمای شیخ و شاب اولدی لر ماه شعبان اوائلنده بازه نک
 قضاحتلری و بکتاش اغانک اموال و دوابن الوب آدمیسی قتل و بکچر یلرک انوف واذانی
 قطعه جر آتی اغارک مسعودی اولد قله مشورت ایتدی لر بوندن اقدام چاوش اوغلی محمد پاشا که
 بازه ایله قدیمی دوستلخی و ارایدی دیار بکدرن معزول بولغله بکتاش اغا و ساططیه یوزا و توز
 کیسه سی النوب سیواس ویرلشیدی اول دخی اهل اولان سلطان حضر نلرینک حواهر
 و بیرایه لرین رهنه قویوب برمقدار اراچه تدارک و ابشیر دخی شامدن معزول کوکسون
 ییلا سنه کلوب منصبنه منتظر ایدی حیواسی چاوش اوغلی رفعدن ابشیره کوندری یوب
 آکاشهره زول ویرادی شهره زولدن بومقدار مال حصولی محال اولغین چاوش اوغلی مکدر
 و مدیون مختیر قالمشیدی بواشاده سیواس والیسی ابشیر پاشا بازه استیصا لنه سردار
 و سائر ولایتلرک امر او بکلر بکیلری اکافدار اولوب اطراف واکافدن عسکر سوروب
 اوزر لرینه وان لر و اشقیانک حقندن کله لردی و صدر اعظمه ابراملر یوب ممالک محروسه یه و امر
 یازوب عسکر سورمکه چاوشلر ایله کوندردی لر و جان پولادلی سابق الذکر متفرقه بکلی
 حسنه ده بولی سنجاغی بو خدمت تعهد یله ویر یوب اسکدران بکچر مشلر ایدی لکن اغارک
 تسلطی و ظلمی حد دن خارج اولغین خلق کند و لر دن روگردان اولوب بکلی حسن نجه ایام
 اسکدرده او توروب کند و یه و یار توابع پیدا سفدن عاجز اولوب بالاخره ذکر اولندی فی اوزر
 طوع غلری چالنبوب عجز ایله رسوای عالم اولدی و بو خصوص غرض فاسده مبنی اولدی فی جمله نک
 معلومی اولغله پراکند قلدن او امر موجنبه بازه نک اوزرینه وارهقه کسه مقید اولیوب
 برلرندن حرکت ایتدی لر سردازی قاطرچی اوغلی چونکه اغارک دولتی کلن بولوب

زواللری قریب اولمشیدی بعض اغراض دنیویه ایچون بینلرینه تفاق دوشوب تدبیر لری اکثر حالده تقدیریه موافق دوشمز اولدی مثلا کتخد ابکک مرکزی که اوجاق اغالی بک مطمح نظری انده در کتخد ابکک اولان دولت اووالده معظمیه به استناد ایلده دولت استیلا ایدوب اول مقامدن ایریلماسی محالات قیلمندن اولغله مقدمه کیرید ده وفات ایدن کور حسین اغاد نصکره علوا و سفلا هر کجه تکلیف اولندی ایسه قبول ایتیموب کتخد ابکک ایلده اغالی بینلر شفاق معنوی سزوح ایتیشیدی وابشیری ابازه اوزرینه سردار نصیب ایتد کیرندن صکره ابشیر ایلده حسن اغا قدیمی دوستدروغیرت ترایه سیبیلده مقدر اوزرینه سردار تعیین اولغله غلط اولدی دیودونوب قرمان بکار بیکسی قاطرجی اوغلی سردار اولماسی معقول کوروب سردارلق امرینی اکا کوندردیار وابشیری بغداد ایلده تطیب فکرندن اولدیار هر یه وزیر اعظمک شاهین اغا نامنده بر اغاسی قاطرجی اوغله سردارلق امرینی کورتورمکه تعیین اولنوب اخشام اسکدر ان کوب سوار اولدوغی منزل بار کیر لری توانا اولماغله اسکدر وراسنده چادر لره قونوب جمع انباعه مشغول اولان معهود بکلی حسنک اوردو سنه اوغرا یوب بعض توانا آلری چکوب نمک مر ایتد کور اصحابی مانع اولوب بز بکلی حسن یاشا ایتادن این نه سبب ایلده اتلر غیری الور سردیو ویرمد یلر شاهین اغا بر سفیه کوله من اولغله بن وزیر اغاسیم یونلر نه یابانه سویلر لر دیودال قاچ اولد قهر بار کیر اصحابی دخی ان بنی عمک فیهم سیوف دیوب قاچلرین چکوب شاهنی جیمینی عرضا ایکی شق ایتد یلر یله اولان تاتارک دخی قولی چالوب آللرین قور تار دیلر یونلر مجروح دونوب استانیوله کلد کندن شاهین اغا اول جراحندن هلاک اولوب خد متکار لریله تاتار ووزیره شکوی ایتد یلر و اغامری بکلی حسن یاشانک میرا خوری حاجی عثمان چالیدی دید یلر ووزیر دخی حاجی عثمانک احضار یله فرمان بیوروب بکلی حسن میرا خوری حاجی عثمانی کوندردی مرافعه اولد قلر نه تاتار ایلده خد متکار لری کاه بوایدی کاه بکزر ایدی وکاه آت اوزر نه اولان ظاهر میرا خور در بو اور مشدر دیک یولندن شرعه ناموافق ادعای ایتد یلر در دمنند حاجی عثمان معاذ الله سلطام نیم یوندن خیرم یوقدر بن اول کچه اخشامدن نصف اللیلده ک حسن یاشانک یانده ایدم و معرکه بزم اولد و عزم چادر دن ایکی ساعت قدر بعید یرده بابانام محله وقت عشاده اولش امر شرعک دیدی یاشانک ووروبطش ایلده غضبه کلوب بره جلا دیو چاغروب یرندن قالقوب عیسایره کتورک شونی دیوب اول حال ایلده باب همایون اوکنه دکن پیاده کیدوب نیر قتل ایدک دیور قع صوتله چاغرمغه باشلیدی زیر اوزرا کندو سر ایلر نه آدم اولد رملک قانونا منوع و موجب تهمت اولغله خفت ایدوب کندوسی یله پیاده یوقدر خلق اوکنده باب همایونه وارجه کندی در دمنند حاجی عثمان اوج دفعه زیارت بیت الله ایلده مشرف سنی قرقه وارمش بر معقول و موؤدب یکیت ایدی هر چند فریاد ایدوب بقه دولتل ایکی الم روز محشر ده کریبانه کدر ناحق یره قائمه کیر مه بنی حبس ایلده بر خوش تقیتش ایدوب مطلع اول بوجر ملک صاحبی ایسم بنی امان و یوم یوب اولد رتمور ایلده عجله ایتمه صوچم یوقدر دیه کوردی مفید اولیحق شهادت واستغفار باشلیدی جلا دکلوب خون ناحقنی اهراق ایلدی کتابن مصطفی افندی نام بر حاضری ایدی اولکجه حسن یاشا چادر نه اخشامدن

نصف اللیلده قریب اکندک حاجی عثمان بیله ایدی معرکه ایکی ساعتک یرده اولوب صکره بزه خیری کلدی ناحق یره قتل ایتد یلر اوزر سرعت غضب و حد تله موصوف اولغین کندویه ماهو واقعی بیانه کسنه قادر دکلدریدی حق بودر که وکیل السلطنه اولان کاه بومقوله سرعت غضب وجوه ایلده نامعقولدر خصوص قتل نفسه نائی و تحری لازم ایکن ترک شرع واحتیاط بی معنیلمکدر احوال قاطرجی اوغلی وابشیر و حسن اغا یوندن اقدام ابازه قسطمونی به واروب والیسی علی یاشانکوه مخالفت کوسر مکه بوزیاوب کار وباری گرفت اولمشیدی ابشیر یاشایه دخی سردارلق امری کلد کدر امتثالا عسکرله ابازه نک اوزرینه وارمق نائی ایدوب حقوق سابقه سندن غیری قول طائفه سیله یک باشه چقمیه جغنی ملاحظه ایتمکه تردد اوزر ابکن سردارلق امری قاطرجی اوغله کتکه مکه مغیر اولوب بودکوف سر رسته اله کیر مشیکن ماینلرینه کیروب توسط و صلح ایتک نامیلده ابازه نک جمعینه واروب ناحق اولدی وقاطرجی اوغله مکتهوب کوندروب یوقضیه سهولته مندفع اولور یرکده اوتروب حرکت ایتیه سن دیوننیه ایتیشیدی مزبور عامل اولیوب جمعیت تدارکنده اولدی ابازه یاشا قاطرجی اوغله تدارک اشتغالنی ایتشد کلد زله قیرنه اوزرینه جنکاور یلو ک کوندروب قاطرجی اوغلی دخی خبر اولد قهر موجود عسکر یله چیقوب آقسر ای سمته مقابل اولد قلر نه در جنک اول قاطرجی اوغلی یوز یلوب قونیه به رجوع ایلد یکنی برو طر فده اغا لریشتد کدر غایت منفعل اولوب حیرت واضطر ایه دوشد یلر بو اثناده بغداد قولی ایلده بکار بیکسی مابین اولوب اراده یاشانک قتل خبری کلد کدر بغداد ایالتی دیار بکرو والیسی حیدر اغا زاده به توجیه اولمش ابکن نکرا ابشیر یاشایه عرض ایلد یلر که جمعیتدن ایریوب کیده لکن ابشیر یاشا قبول ایتیموب کیر وحیدر اغا زاده به قرار ویرلیدی وقعه داسنی میرزا کردستان بکرنن داسنی میرزا یاشا که موصلدن مغرول ایدی اصلندن مرداسنی عشیرتی بکرنن شجاع و بیاد در کسنه اولوب شرق سفر لر نه خاصه بغداد سنه سنه یدی سفری سواری کور دایله بر قاچیمو زقرلباش جمعیتن طامعیدوب بی حد باشلر و دللر المغله یرالغی ظاهر اولغین شجاعتنه اعتناء مراد یاشا صدار تنه موصل ایالتن و یروب میرزا یاشا عنوانی بولمشیدی بعد عزل اولنوب بر منصب نافعیه به نائل اوله میوب بو نجه توابعیله رزالت و ایتدال چکوب بو اثناده آستانه ده ایدی نجه زمان وزرایه با خصوص اغاله تردد و اغلا یوب جائزه تدارکنه قدرتی اولماغله کسنه یوزینه باقیموب بر منصبه همت ایتد یلر قرق الی آدم ایلده اسکدر ده اولوردی استانبوله کچمکه قایق اچیه سنی یله میوب اشیا سن صاتوب کچنوردی حتی نقل لیدر لر میوه زمان ایدی انباعنه میوه المغه قدرتی اولیوب قهوه ابر یغنی صاتوب قانون وقار یوزالوب انباعنی اطعام ایلش بر نان یان بر جاسنه نجه دفعه عرفاللر و یروب مساعده اولند و غندن مأیوس قالمشیدی کذلک قرمان دفتر دارلغندن مغرول نسیمی افندی و ایدنلی یکن بک نام سپاهی که کورجی یاشا یکنیدر یونلر ده ار باب خد متدن اولوب اغا لک تسلط وار تشا سندن نه بر خد متنه نائل اوله یلر نه باشلر نه اولان سپاهلرک علوفه لرین المغه قادر اولد یلر اسکدر ار خانلر نه خور و ذلیل بو نجه زمان بکایوب جمله

ماملک کرین صابوب یوب یاس تام کلد کد نصیحه اتباع کرینی و بعض سیاهیارینی یا نارینه
 آلوب آه چکرگاه ایدرک اسکند اردن قالقوب اناطولی یه طوغری چکدیلر او اخر شعبان
 ایدی اغالریونلرک مجروح و محزون کتد کارینی طوید قله های یونلر بزدن مجروح و متلاً ملورد
 یتلری باغی اولوب ابازیه کتد کدر دیوتد ارک فکرین ایدوب کتد ایسک اول کون اون
 یسک غروش قدر صرقله بشیموز تلو جمع واسکند ان پکوردی وارنا ودلق امر اسندن
 اوخری بیکی فختاریسک اغالردن شاه سلیمان مصطفی سی ویولوی دلی دلا و راغا
 و وزیراغلاردن بوزناز شاهین یونلر امثالی نیجه کتد لک جملہ سی کتد ایسک چراغلریدر
 حاضر لنوب ینه کتد ایسکه متخص واندن معزول محمد امین پاشای جملہ یه باش
 و یوغ تعیین اولنوب مزبورلرک عقب کیرلکته کوندر دیکه هر قلعه یتشورلر سه جملہ من
 دپه لیه لودیلہ چوریا جیلر کوندلدی من بعد کسنه یی پکور میهلر اما چور باجیلر و انجه
 مزبورلر جملہ عبور ایدوب کتد ایسک امین پاشا عسکر ایلہ وارد قلرند راهد ارل مانع
 عبور اولد قلعه هر چند بزا اول فر ایلری تعقیبه مأمور زدیہ کوردیلر اسلیوب بزه کسنه
 پکورمه دیدیلر پکور مززد یوغ نادایتد یلر ضروری توقف ایدوب استانبوله آدم اوچوروب
 راهد ارلر خط با بایورلدی کتوروب پکدیلر اول یی چانلر دخی لفکته یی کوب چاتکلک
 ایچنه قوتوب قضای ناکه نیدن غافل کتد و عالمی نه مشغول اید یلر عقب کیران
 یی امان اخشام اوزری ایریشوب قلعه کیدرسر طوتک دیونلرک اطرافن احاطه
 ایتدیلر انلر دخی جواب و یروب بزولای تیزه کیده رزا کر ابازیه کتد یی یوله کلیوب
 صبا نجه اوزرینه کیدردک دید یلر مفید اولیوب یونلر جملہ یه باشلیدیلر داسنی میرزا
 خاقل بولنوب آتک کرین المش ایدی هول جان ایلہ چوللی اته سوار و مزراغنی قاپوب
 حاضر اولدی شاه سلیمان مصطفی سی دید کاری توردک داسنی میرزایه تیزه حواله ایتد کده
 دفع ایدوب بقه مصطفی اغایغدادیلر یی بر سکا پونجه ایلکار ایدوب سنی قاج کره قزلباشلر
 النندن قورتاردم و سکا خر جلقلر و یروب مؤتک کوردم ایسک مقابله سی یومیدر
 دید کده اول نادان اسلیوب اوز با بام ییلہ اولسک افندی یسک نیمیهی اوزر سنی قتل ایدرم
 امان و یرم دیو جملہ یی تکرار ایتد کده داسنی الندر اولان مزراق ایلہ کرگاهنه شویله
 اوردیکه اوتہ جانیندن بر قارش یلمان کوستروب هلاک و بر قاجنی دخی اقطاردی اتباعی
 اولان کورد پکتلری دخی سل سیف ایدوب دوکشه رک وافر آدم قتل ایدوب کتد و لردخی
 کشته تیغ غدر اولد قلعه داسنی بر جانب طوغری تحلیص جان ایچون تنها فران یوز طوتدی
 ایکموزدن مجاور آدم اطرافن الوب تیزه و قتل ایلہ دوکوسته رک عقبه دوستد یلر داسنی یوقدر
 آدمی ملوث شهید ایتد کد نصیحه اتی برتاغ با توب ناچار قالد قلعه محمد امین پاشا و دلاور
 اغا که یان نیشلرد داسنی نک اطرافنی الوب واللہی سکا ضرریمز یوقدر سنی صناع و اسن استانبوله
 کتوروز ایلک چک دیو عهد و عین ایتکله داسنی دخی لاعلاج قلعین تسایم اولدی طوتوب
 ینه چکدیلر نسیمی دفتر دارو یکن یسک دخی معرکه ده زخمناک اولشلر ایدی انلر ده طوتیلوب
 ینه چکدیلر کوردیلر که کوردلرک چوغی معرکه ده تلف اولوب سائر طوتیللری امین

پاشا سیفدن پکوروب داسنی و نسیمی و یکن یسک یواوچنی قید و بند ایلہ آتله بند یروب
 یونلرک جملہ آت و اشیا لرینی یغما ایتد یروب استانبوله فتح نامه ایلہ آدم کوندروب
 کتد و دخی معاودت ایتدی استانبولدن کتد ایسک رأی ایلہ وزیر طرفندن بیورلدی
 اصدا را ایتدیلر که هر نه یرده وصول بولور سه اول کرفتارلرک کله لری قطع اولنوب روس
 مقطوعه لرینی کتور لرمال دپه حوالی سندن فرمان و صول بولوب انده ککاو با مزاری جوارنده
 اوچینک دخی یونلرین اوروب انده دفن ایتد یلر فقیر لرمفته صا تیلوب بو وضع خلقه
 قایت کوج کلوب یاب همایونده اول باشلری سیرایدن یونلر یی چانلرک جرملری نه ایدی
 سبب اولنه حق بلا و یرسون عنقریب جزا لرینی بولور لرد یوغ عامه ناس اوجاق اغالرینه سب
 و لغنه باشلیدیلر یونلر ایه اصلا الدر میوب نعدی و تجاوز دن وغروریت و فرعونیتدن
 ال چکمدیلر ایلکه دخی نیجه خلقه چکرگاه اوله حق استلر استلیدیلر جملہ دن علوفه نامنه
 الدقلوی خزانسک اکثرینی اکل و بلع ایتد کلرندن ماعد امنصاب و مر ایتدن الدقلوی
 رشتولر قناعت ایتیموب مال قارون ادخارا یتشلر ایلکن ینه طومیموب کتد ایسک و بکتاش اغا
 تجارت صورتده اطرافدن نیجه امتعه و اشیا کتوروب میری طرفندن طرح شکسته اهل
 سوقة اغرهار ایلہ تحمیل ایدوب ایچنه سنی بیورلدی و اوجاق چاوشلری مباشرتیلہ تحصیل
 ایتد یروب هریری کمال حرص ایلہ عالمک تقدیرین جمع ایتکله قارون وقت اولوب عباد اللہی
 زار و ذلیل و مقهور و عویل ایتدیلر وزیر ایه یونلر عخالقته قادر اولیوب مراد ایتد کلری
 مصباحی خواه و نا خواه دکلدوب اجرا ایدر لردی دولت علیه نک وجوه منافعنه
 استیلا ایتشلر ایلکن ینه قناعت کلیوب لقمة فقرایه دخی طمع ایدوب نرخ امورینه
 قاریشوب لحم غنمک و قیه سی سکرانجه یه ایلکن اون اوچرا نیجه چیقارد قلرندن
 ماعد جملہ جلب کشانه بساغ ایتد یروب ارضرومه و سائر اناطولیدن کذالک
 روم ایلندن و افلاق و بغداد سمناریندن قیون کتورمکه آدملر کوندروب اول اطرافلرک
 حکامنده و ارباب خد متنده اولان ایچنه لک جملہ سی اغالرک ایچنه سی ایدی قیونه
 یوز یابوب کلوب زننه مرده هر نه ایه مراد لری اوزن صا تیلوب ایچنه لری فائده زائده سیله
 کتد و لره عائد اولوردی بروسه دن ساقردن حریر و دیمی و ساقز و بقدر ادوشا مدن
 سرحد اغالری یدیلہ مره و خلای یوک یوک کلوب اوچر قات قیتی ایلہ اهل سوقة
 توزیع و ایچنه سی تحصیل اولنوب یوکار لری غیره ایتد مز لردی خلق لحم و سائر ماکولات
 خلا سندن شکایت و عرفحال و پردکار نیجه دکلیوب بو شهر اغنیا شهریدر فقر اشهری
 دکلدن خرچندن عاجز اولان و اروب طشره لره ساکن اولوب باغور بوله ماح یسون دیو
 تنغیر قلوب ایلہ چوک چوق ترهات سویار لردی دخی هوادار لری صدق الامیر مضبوطی اوزن
 یارد اهلوق ایدوب بهی سلطائم برآلای اتراک چقتلرین یوزوب کلوب یویله تازنین شهرده
 ذوق ایدوب ات و سائرشی ایاقلرینه کلوب اون بش ایچنه یه المغه عارمی ایدر لحظی اولمیان
 اسکی یرینه کتسون دیرلردی بو ائشاده بعض فضول القاسیلہ جمیع استانبول خلقی تحریر
 اولغنی مراد ایدوب صالح پاشا تذکره جیسی حسین افندی محررین اولدی مباشرت

صد دندانه ایکن خلقدن گفته کو پید اولوب فتنه حد و شنه مزاج خلقده استعداد اولغین
جاثر کورلندی حتی بکنتاش اغا دید کمری ظالم حلب مولوتی پایه سیله انقره قاضیسی اولان
کدر اوغلی که ساداتدن ذی قوت صاحب مکنت آدم ایدی ابازه شتریدن اتاری انقره به
قاچد قده قلعهمیه المقده تعلل ایلدک دیوعداوت وقتلنه فرمان کوندروب اجراسی ممکن
اولمغله دروننده کینه قالمشیدی بو ائشاده عبد الله بیگ نام اگر ادن برجهول مردجسون
انقره پاشا لغنی کدر اوغلی قتل ایتیمک شرطیله الویروب کوندردی اولدخی واروب
شهره کره جک کون استقبال ضیافتنه بعد الطعام کدر اوغلی بی پروا قتل ایدوب
کیروب انقره بی ضبط ایلدی بوکده بکتر احوال لرینه نهایت یوغیدی سبب خروج اهل
سوق سابقا بکی جامع وقعه سندن صکره سپاه منکسر اولوب یکجیری ضا بطاری
دخی کندوکارلری سوداسنده اولمغله قولک مواجب خصوصنه اعتراض احتمالی برطرف
اولدوغنی وکلاء مال کوردکده میری به سکسانه الینان غروش کیر و مواجبه سکسانه ویرلک
جماعتدر مثلاً بر مواجبه زیوفه تبدیل اولنسه بیگ کیسه دن اقل مرتبه او حیوز کیسه
فضله قالور بو عظیم کاردردی بوکته یو دیلر و صرافلر یله تبدیل ایدوب وکته ارناد لقه
واقع بعض یرلده کم عیار اچه کس دیروب کتوروب مواجبه ویرلکله مال قارون جمع ایتیمکی
عادت ایتیملر ایدی بو ائشاده علوفه زمانی قریب اولوب خزیننه نک مضایقه سی
کماله اولمغله دفتر دار امیر مصطفی پاشایه وزارت ویرلوب اچه پیداسنه اقدار ایچون
قدری ترفیع قلندی دفتر دار پاشا مشالیه اغار ایلد بریره کلوب خزیننه تدارک نه بوز ای
نامعقولی ایتدی لر که باقراده و بوسنه اطرافنده اغارک الی التنده اولان بعض اهل خدمتک
کس دیروب کتورد کمری زیوف اچه بی و میخانه حیلردن جمع اولان قزل قریق یار و اچه لری
جمع و اصنافه طرح ایدوب هر یوزاون سکز اچه به برالتون اولق اوزن مقبله سنده یوز
یوزیکری بیگ التون جمع ایده لر بعد اول التونی جه ودره ایکیشری یاله طرح ایدوب بو طریقه
ایکیوز قرق بیگ ربالی پید اوعلوفه به ویره لاطمع من الاستعب اولان اغار بو خیال محالی
پسند ایدوب بو آنه دک استدکاری کی خلقه جور واذیت و جمع مال نه نجه دور لو مکروهات
و ملعتی اید کلد کرندک سنده ده مخالفتنه جرأت و مدافعه به قدرت یی قدر ملاحظه سیله
بو کار مکروهی دخی تمشیت ممکنه رطن ایتدی لر اغار طرفندن وسائر یرلردن وجه مزبور اوزن
مجمع ودر کیسه اولان ملعون زیوف اچه دفتر دار پاشانک سرایتنه یغلنوب اهل حرفه
عموماً لرنجه توزیع اولتق ایچون نراستان کتخاسنه ننبه اولنوب کیسه لر نراستانه
طاشتمغه باشلندی رمضالک دور دخی کونی ایدی نراستان کتخاسی اول اچه بی اهل سوقة
عرض ایچون سراج خانه کتخاسنی و اختیارلرینی و سائر اصنافک کتخا و اختیارلرینی
چاخر دوب اچه بی کوستر و ب قضیه بی تبلیغ ایتدک خلق بو تکلیف مضردن اورکوب
معاذ الله تعالی بونه اولمز استدر دیوب هر صنفک سوز صاحب لری و اختیار لری بریره کلوب
جمهر عظیم ایلد وزیر اعظمه واروب اظهار تظلم یوزندن دولت و وزیر یوز بیل اون دورت تکلیف
چکدک کساد ایه جا نمره کار ایتدی عوارض و سائر تکالیف معهوده دن غیری اغارک

قره دکردن گله سفینه سفینه باقر و شب وفندق و طوز و از میر و آق دکردن کدالک
گتورد کمری شایقه شایقه صابون و دیوی و ساقز و دو غاصی و فلان فلان بو نجه شیلری بزره
طرح ایدوب اضعا ف مضاعف بهالین آ لوب بو قدر ضرر چکدر دبلر حا لمز دکر کون اولوب
دکانلریز کراسندن عاجز ایکن بویه زیوف اچه نک یوزاون سکزیننه برالتون استمک نه دیمکدر
بروجهله قدرت و امکا نمر یوقدر دید کرندک چونکه ملک احمد پاشا حدث و سرعت غضب
اوزن مجبور ایدی تعبس ایلد فقر لیه ازار ایدوب سورک بونلری طشره ییقلوک بره کافر کدیلق
وارک تدارک ایدک ویرک دیو تعنیف لیتدکده بونلر ده حاشا قبول ایتمز نراهل اسلامدن ایزدیو
قریاد ایدرک طشره اولوب جمله دکانلری قیایوب عظیم جمعیت ایلد داود پاشا محکمه سی
یانتنه شیخ الاسلام عزیز افندی خانه سنه وار دیلر و احوال لرینی ییلدروب سز شیخ الاسلام
سز یوزم حیفمزی کوروب بونلای پاشمزدن دفع ایتیمک کر کسز بو ظلمک دفعنی بالذات پادشاه
اسلام حضر نلرندن رجالد رزوزیره واردق بزه کافر کدیلق دیو شتم ایلدی و کلا سندن امین
قالندی قالح احوال نری پادشاهه ییلدردید یلرمفتی جوابلرند بویه خصوصه قارشتمغه قادر
دکلمینه همان پاشایه وارک دیو دفع جوابی ویردکده سراج خانه کتخاسی رمضمان دده و بر قاج
صوز بیلور آدم لر چاغریشوب کند و کزدن کور کار استندکده ایاغه قالقوب سلطان ابراهیمی
ووزیری قتل ایتدیکز یا شمدی بزم احوال نراپ چون نه عجب قارشتمز سز البتده امر شرعک یا قالح
اوکومزه دوش یا همان نه اولملو ایه اولسون صورتنه رفح اصوات ایلد مفتی نک اوزرینه
یوز و دیلرمفتی حسن مدافعه به سالک اولوب مرادیکز شونکلیفک دفعی ایه بن پاشایه
شفا عت نامه یا زوب دفع اولسنه نکفل ایدیم دیدکده اول امر دن خلق راضی اولوب
طاش خلق اوزن ایکن ارا لرنه بعض کار دانلر بواشیش ایش دکلر البتته مفتی اوکومزه کیدوب
بو حال پادشاهه اعلام لازمدر دید کرندک کروه ایلد دونوب افندی دفع ممکن دکلر البتته
قالح اوکومزه دوش دیو ابرام ایتدی یلرمفتی هجری کوروب بز کتمز دیمک مرادیکز معقولی
ملاحظه ایدی آت اگر لسنون نوله کیملم دیوب آت اگر لرنور کن افندی ایدست بهانه سیله
بر اخر اوطه به کتدکده بره افندی بی قاجردق طوتک های صداسیله اردینه دوستوب
کستخاننه دامننه یا پشوب چکه رک اته بند یروب اطرافن لاطه ایدوب سرای همایونه عزم
ایتدی لر اوکار نجه بری دلال واری ندا ایدوب امت محمد بزه اولان ظلم ندر و ارامزه قایچ کیردی
قیایک دکانلری کزی دیو چاغریدی جمله استانبولک دکانلری قیا نوب اون بیکدن متجاوز
آدم مفتی بی قوشا دوب اول حال ایلد یا صوفیه به واروب مفتی حضور همایونه خبر
کوندروب وارلق لازم کلدیکنی بلدردی اجازت اولد قده بودک و اصناف و سائر جنسندن
نجه اجلاف شیخ الاسلام ایلد کیروب سرای عامه ده باب السعاده به وارنجه طولدی لر
وداد پادشاهم دادد یو غریو و فریاد قویار دیلر پادشاه تخت اوزنه قرا ایدوب ندر و عباد
اللهک شکایتی دیو سؤال اولند قده بوییل اون دورت تکلیف چکد کمرینی و حال زیوف
اچه تکلیفنی علی التفصیل عرض ایدوب پادشاهم بوظلمه طاقتمز یوقدر لالا که واردق بزه کافر
دیو شتم ایلدی حال سا کلدک خلیفه روی زمین سن حقمزی حق ایدوب اوزریندن ظلمی

دفع ايله ديوقرياد ايتد يلمفتي دخی مقصودلرين تفهيم ايلدي پادشاه حضرت تلي سز بويله
ظلم اولد غنه نيم رضام يوقدر بيوروب وزيره حاصكي كوندرد بلكوب بونك اصلي بيان ايله
وزير هجوم ناسدن خوف ايدوب جلية الحال نه ايسه نلخص يا زديروب كوندردى
ناخيسى سرايه داخل اولد قده بره اورك ملعونى ديوير پرتاش و خيخرايله ناخيسى
محكم دوكوب يان ايدوب نيم جان ايله كوتورديلر نكليف مزبور عفو اولنوب مرحوم سلطان
سليمان قانوندن ماعد اولان نكليف محدثانن معفو اولنوب بابت خط همايون صدور
ايتيمكين مفتي اقمدي كتوروب خط شريفى تسليم ايدوب استه عفو بيورلدى دخی مراد يكرنه
ايسه ايدر لطاغالك ديد كه خط همايونى كوب قونلرينه قودقد نصكره اهل سوقك صاحب
وقوقلرى باسقه بختلره كيروب باسثلرينه طپراق صاوروب فرياد ايدوب پادشاهم ظلم ايله عالم
خراب اولدى سكايلند زمز روزيك كتم ايدر حال اون النى نفر كسمه وار دركه سكا پادشا هلق
ايتد زمز لبيت المال وميريه عائدا موالى جمله اكل و باع ايدر لره جمله دن قره چاوش و بكتاش
اغاكوتخد ايسك وصمصوى صيارى كاتب ودلى برادر وفلان وفلان بونلر ظلم وتعدى ايله عالمى
خرابه ويروب دولتكه مستولى اولد بلر ع آل عثمان دولتى دوشمش اوجاغه يانه يورد يوزارى
كنان ناله و افغان ايدوب مادامكه بونلر قتل اولنوب جزالرى ويرليمه پادشا هلق ايدم مرسن
وملكتكه فتنه و فساد من دفع اولنريد بلر وزيرك عزلى و اوجاق اغالرينك قتل باينه
اياق باصوب ابرام ايتد بلر عزل ملك احمد ياشا و صدارت سياوش پاشا اول كون شهرلى
بو جمعيت ايله مفتي يي بيله اوكرينه قاتوب سراى عامره يه كتد كارنى اغال ايشند كه
اوطه لره واروب نفرانى جمع وات ميد اننه جمعيت ايتشرايدى سراى همايون وزيرك
عزلى و اغالرك قتل باينه عباد اللهك الحاح و ابرامنى پادشاه ايشيدوب قرب همايون نه
اولان اصحاب كلام و اغوات ايله مشورت بيورد قلدن والده كبره طرفندن اوجاق اغالرينك
بعض هوادرلرى سوق كلامه فرصت بولوب يكچرى اغاسى قره چاوش وزارتده دعوت
اولنوب مهر همايون ورياور ايسه ايش بتر وانلرك دخی جمعيتلرى منحل اولورد يه تدبير
احسن اولق اوزن عرض ايلدى قضاء الهى حكمنى اجرا ايدجك ايش طرف پادشا همدن
آدم واروب صدارت ايجون اغاني دعوت ايتد كه كلكدن اجتناب ايدوب مهر بوندن
كلك بجه كيد ملك محالدر ديو امتناع كوستردى دين و دولت خير خواهلردن بعضيلرى مهر
وزرادن برينه وير ملك معقولدر ديو سوق ايتمكه پادشاه عالمپناه مهر شريفى احمد پاشادن
كتوردوب لالاسى اسكى سايمان اغا و ساثر خير خواهلرى ايله استشاره نصكره سياوش
پاشاني جمله دن اليق كورملريله دعوت ايدوب مهرى ويروب وزير اعظم ايلدى بوقضيه
وقوعندن اغاله نأثر و تفعال عظيم كشيدي چون بيوك والده تقصان عقل مقتضا سجه
اغالرك طرفنى طوتوب اغاله قبو كتخد الق ايدن مكار و حيله كارلستويله اعتقاد ايتد مشاور
ايديكه دولتى طوتوب طوران اغالدر اكر اغال كيد رسه عالم هرج مرج اولور اول فتانلرك
صورت حقه سوياد كبرى بومقوله افسونى والده حضرتلرى كرجك صانوب اغالركيد رسه
دولتكه الى نجه اولور عالم اطاعتدن چيقر اعتقاد نه اولد و غيچون اغايان ديد كبرى انصاف سز

متغلبه به صاحب چيقوب انلره بر ضرر كلد يكنى استمزدى دالما حاجت ايدردى اول كون جمله سى
بر طرف اولق ممكن ايكن وزير جديده ومفتي يه رخصت و پريموب شمدى بومقدار ايله اکتفا
اولنسون جمعيتك دفعى ايله مقيد اولك ديمكه انلردن دفعه چالشيديلر مورخ و كاتب چلبى
وعزيز افندى على الاتفاق ياز دقلى بودراما حقير بواشارك و قايعنى مذا كره صدق نه
معن اوغلندن ايشتمس ايدمكه بيوك والده اكر چه اغالرك معين وظهيري ايدى لکن يوم
معهودده عقلان دن برى ديمسديكه اكر اوجاق اغالرينك ازاله سى خلقك بوجله طلب
وجعيتلردن اولور سه صكره اجلاف يوزه چيقوب ضبطلرى مشكل اولور بر حال دفع
مجلس اولدركا بناء والده حضرتلرى دفع اوله لرين مراد ايتد يلرد يونقل ايدر لردى
زينه صده ككلم وزير جديد ومفتي طشره چيقوب جمعيت باشى اولنور محالا وقت
فر ويدر بو كچه هر كس مكانلرينه واروب افطار ايلسون بومبارك كچه سر كردان اولسونلر
ويارين سكرى كيرو كلسونلر باقى اموردن كور ياور ما موللر يكر حكمتى اجرا ولنور بو
خصوصه بزنكفل ايدر زديملريله طاغالك بيجان لرحون قالدى ديوان ايرته يه ديو چيقوب
هر كس اولر نه كتديلر والده معظمه وزير جديد ومفتي يه نعيمه ايدوب وارك اغاله استمالت
ويرك ديو كوندردى انلردن خواه و ناخواه ميدانه واروب اغاله بلو شوب استمالت
ويرديلر ويكون كه قضا هر ارجد وجه ايله صاولدى يارين تدبير سز كدر ديو احوالى
ييلدرديلر انلردن كچه ايله سلا حلى نفرانى اول سمته سوروب هر طرفه چور باحيستى
ايله بر قاج اوطه تعيين ايدوب يوللرى محكم بكتند يلر اويلر ايدر اغالرك استر ضاسى ايجون
چيكانكه وزير سياوش پاشا ومفتي عزيز افندى اورته جامعه وارديلر اغال بالضمرون وزيرك
استقبالنه قيام ايدوب جمله دن مقدم بكتاش اغال اول نادان ارناودايلر واروب وزيرك
سلامنى آلدقد نصكره عبوس وجهله وزيره عتابكونه خطاب ايدوب لسان شامت
بيانندن بولكه عجب صدار اولد يكه بقه پاشا قرداش اكر چه سن بوايشى ايتدك اما كيم
ايوايتمدك ديدى پاشا متعجب اولوب بزنه ايتدك ديدكه بكتاش بزم مشاوه مزاولد يي
بچون مهرى آلدك سكا وزارتى كيم ويردى ديدى وزيرى پروانكا وزارتى سعادتلو پادشاه ويردى
بن طالب و راغب اولدم حتى برايكى دفعه امتناع ايتدم اما چون فرمان ايلدى امرينه مخالفت
اولر قبول ايتدم ديدى بكتاش دونوب كنه رضا صورتى كوستروب خوش ايدى بويله
ايسنه كوزل الله مبارك ايله اما اكر بزم مشورتمز اولنجه برايش ايدم يديرسك وزيرلرى
ايدم مرسن ديدكه پاشا ايتدى پادشاه حضرتلرى نه بيورر ايسه انى ايدم قمرمانه كور
حركت ايدم فرمان پادشا هكدر بزم وسزك بو نيمز قلدن انجه اولق لازم وجهله مزك اوزر نه
واجبدر ديو جواب صواب ويروب بنوب سراينه كلدى وزيرك بوعاقلانه جوابى اول يليلد
الفهم مغرور لرك تقارب اعضا سنده لرزه دهشت صالدى محترقه وسوقه يينه على السحر هر
طرفدن سرليه متوجه اولد قلدن زقا قلد ياشنه و كوجه بند لره تعيين اولان يكچرىلر
قاچ ايله قورقدوب دكك ايله دو كوب دفع ايتد يلر نجه آدم يانلنوب كيسنى دخی قتل ايدوب
خلقى سرايه وارمقدن منع ايلدى يلر عسس باشى عراغا كه ذكر اولنان طواغينك بريد نفر ايتله

مسلح كوستك التمه تعيش اولمشيدى اتفاق بزا ستانجى على نام بر سوق اول محمدن جانب
 سترليه كيمك استمدكك عسس باشى منع ايلدى حريف بن اويچ طلاقه اند ايچشم طانت
 اولماق اچون سرراى قيو سمنه وان عي نه دونه يم ديد كك عسس سار چاغري شوب دون
 حريف قانكه صوصمه ديد يلز حريف وقوع طلاق خوفندن اسايوب يوريدكك
 عسس باشى اشارت ايلدى عسسك برى قاچ ايله چالوب حريف الينى قريشور دكك
 الى كسيلوب بر قاچ دخی اوروب قتل ايتد يلز ولا شنه سنى دريايه اتد يلز بوجله بر قاچ كسنه
 قتل اولندى ضرورى هر كس طاغيلوب اول كون واپرتسى نصف نهان دك بونلر بکچر يلز
 ايله چوربا جيلز كروب جمعيت احتمالي بر طرف ايتد يلز بکچرى اغاسى قول ايله سراج خانه يه
 واروب اهل دكانه دكانلر كزى اچك ديوننيمه وجبر ايتد كك بالضررون سراج خانه قبولر ينك
 بر رقنادلر ين اچد يلز اماد كاكلوى اچد يلز اغا منادى قيو بوب دكانلر اچلسون ديوند ايتد ركك
 بعض اهل سوق منادى يه شتم ايدوب اغا يسانه سو پاش خط همايون سز دكانلر آچلر
 ديو هجوم ايتد كك منادى قاچوب كوجله جان قور تاردى بوجله عالمه حيرت وقلوبه
 دهشت مستولى اولدى بالاخره وزير جديد ومفتى سعى ايدوب اهل سوقه نصح ويند ايله
 جمعيتلر ين طاغند يلز بکچر يلز دخی او طه لر يته واروب فتنه باصلدى اما بوجيله خلقه
 زياده كوج ككوب بکيدن بر عداوت جكر كاه دخی اولوب تحت القهر فرصته مترقب قالد يلز
 اغالردخی كويا استمد راجلرى كاكلن بولوب زواللرى قريش اولمشدى من بعد يرلى پيره لنوب
 هر كون بر ضيافت بهانه سيميله جمعيتلر مشورتلر ايدوب باشلرينه كك جك بلاني دفعه چان
 ارارلدى واهل سوق حضور همايونده اچقه نكليفندن شكايت ايتد كك رنده اچقه نكليف ايدن
 صورت ظاهرده دفتر دارووز يرلدى اغالرك علما علاقه سى بوجيكن اغالرى لسانه كتوروب
 شكايت ايتد كك رندن زياده متالم اولوب چون اهل سوقك اكثرى بکچرى وصولاق مقوله
 لرى ايدى اغالرك كمينه ايدوب اولفتمنه يه چالشانلر وكنند لرى لسانه كتور تلر اچون ياب
 ياب حقكر دن نچه كلوزر كور يكر ديمككك عيب مستولى اولوب بزا ستان كند اسى وسرا حجه
 كند اسى وسائر متعينلر مختفى اولد يلز بونموال اوزن بر قاچكون كچوب ديوانلر سورلدى
 توجه عسكرك مجانب آستانه چون سابقا ابازه قسطنطينيدن دونوب اون بيك قدر آدم ايله زيله
 اطرافنه كلدى ابشير ياشاوسا ثر بكدردن وياشالردن ستم ديدلر وجر وحر دخی انلره
 قاريشوب طيار مجيد پاشا زاده و طوپال مجيد پاشا و معزول كنار دفتر دارلرى بر عظيم جمعيت ايله
 آستانه يه توجه ايتد كك لرى اوجاق اغالرينك معلومى اولد قك مشورت ايدوب مجدداون
 بيك نفر قيو يه چيقار يوب كوندرك اوزن مابينلر نده قرار وريدلر وقعه آنكسار بكتاشيان
 اوجاق اغالرينك خلاصه مشورتلرى اولان اون بيك نفر آدم قيو يه چيقارلق تدبيرين
 ايدوب عمر اغا ايله وزير اعظمه خبر كوندروب اعلام ايتد كك رنده پاشاى كامكار نه
 مصلحت اچون ديوب مساعده ايميو بياس جوايى كوندردى اغالرك زياده متالم
 اولوب بو وزير خود راى بزه يار اولمزه غير تدبير لازم ديدو بينلر نده مشورت ايدوب
 اولاحرم همايونده كندولرينك طرف خلافتنه بولنان بر قاچ كسه لكه ترخان سلطان

اغالرك

اغالرك بن واتباعندن ايد يلز انلرك ازاله مى اسمانه مباشرت ايتد يلز كاتب چلى عجرى اوزن
 صياوش پاشا صدارته كچوب مهرى بکچرى اغاسندن تخلفه باعث اولوب اوجاق خلقه
 صورت مخالفت كوسترن بر قاچ مقر بان طواشى اغالرك حقندن بيوك والدهنك تذكره سى ككوب
 ستر بونلر اچرودن طلب و قتل ايتنجه مراد كره نائل اوله مر ستر ديوب اغالرى فتنه يه حريص
 ايتككك اولابكچرى اغاسى قره چاوش مصطفى اغاوب بكتاش اغا وكند ايتكك وعمر اغا
 وسائر لرى رمضيانك اون التخي سبت كوندلر اغا قيو سمنه واروب جمعيت ايدوب مفتى
 وقاضى عسكركلر و تقيوب زرك زاده و بر قاچ متعين موالى وولى افندى دعوت اولنوب والى
 طرفندن مخفى تعام و تعين اولنان طواشى اغالرى دفتر ايدوب اچر وكاغد يازوب استمد يلز
 تفصيل احوال والده سلطان مورخ بو خصوصى زيا ده تفصيل ايدوب استماعندن
 طباعه حزن وملا ل ككك جك نچه احوال ذكر ايلشدر يازلق مناسب دكل ايدى لكن
 تازيچدن مقصود احوال عسا لك نيك وبدى ودقايق و حقايقنه و اتف اولمقدرد
 وهر قصه دن ملاحظه عاقلانه ايله حاله مناسب حصه المقدركا بناء اول حكايات غريبه
 خذف اولنوب بعينه تحيروا نمشدر موخ سنا راج المنار زاده احمد افندى ديركك
 غلمانان خاصه ومهدا حبلر و جملة ايج خلقى اغالرك بو مرتبه طغيانن بيوك والده كوسم
 سلطان طرفندن اولدوغنى بيلشدر ايدى زير اسلطان مشار اليها للى ميل
 دولت وسيلطنت ضرور وب جمع امورده تصرف صاحبه سى ايدى سلطان وقت
 سلطان مجد خان جلوس ايتد كك انك والده سى ترخان سلطان دخی والده لك رتبه سمنه
 نائل اولد قك دولتمه استرا ك غائله سى بحسب الاقضا ظهور ايدوب لاجرم انك دخی
 نوظهور تواني پيد اولوب جملة دن باش لالا اسكى سليمان اغاومعلم پادشاه خواجهر ريجان
 اوغام صاحب اسمعيل اغا امثالى طواشيلر وسائر اتباع و حواشى صاحب نام وكام اولد قلندلر
 بيوك والدهنك اتباعنه وجود و ير مز اولد يلز انلر دخی بونلرك دولتمه حسد ايدوب بيوك
 والده ني اغوا دن خالى دكلر ايدى بيوك والدهنك دخی طالنه مناسب اولان صبر وسكون
 وعبادات وطاعاته ركون ايكن ان الانسان لطيفى ماصدق اولمغين دولت وتعيندن
 ال چكميوب ترخان سلطانك طرف خلافتنه اولوب ايكي والدهنك تواني بينندن
 بالذ فعات مشاجره اولمشيدى وطرفين بر يرلندن خوفه دوشوب خصوصى
 بيوك والدهنى قوت وصاحب مكنت اولمغين ترخان سلطان اتباعنك سترلندن خوف
 جانه دوشوب ضرر احتمالاچون طشره ده اوجاق اغالركله استظهار ايتمشيدى وانلرك
 بقاء دولتن كندويه باعث راحت بيلمشيدى واقف اسرار اولنلرك روايتى بود قك
 ترخان سلطان اتبا عى انتقامنه تشهير ساق عزيمت ايدوب مشويله تدبير ايتشكك
 اغالرك بکچرى ني تحريك وسلطان مجد خانى ارادن قالد يروب ترخان سلطانى اسكى سرايه
 سوروب اتبا عى قتل ايدوب سلطان مجد برادرى سلطان سليمانى جلوس ايتد يره
 سلطان سليمانك والده سى دل استوب سلطان بر صافى دل مجذوب مشرب بر خاتوندر
 والدهنك مقامنك حكمتى وير ملك سواد سمنه اولنر حل وعقد امور كا لول كندولرك ي

استقلالند قالور دیو عزیمته قرار و پروب طواشیلرک هر حشبه سی باش قیو اوغلانی
 بوستانچی باشی علی اغا و کرچی باشی دخی بو خصوصه همراز و تمشینه دمساز اولمشلر
 ایدی پس اغاره تذکره یازوب سزک علیه کمره سعی ایدن مارالذ کردورت نفرطواشی
 طاب و قتل اید سز دیو تحریک ایشلر یو جمعیت ائنا سندن کجه ایلده دمور قیوینی و بعض اوغرن
 قیواری اچق قودروب اول کجه بکچری ایلده اغار کلوب سزایه کیروب ترخانیانی ارا دن
 گو توروب محمد داخلوس ایتدیرمه لردیه خلاصه تدبیری بر محرم ایلده اغاره خفیه اعلام ایشلر
 هیپات رب امنیه نضیک منه المنیه فخوا سجد بوا مروخیم العاقبه یه شروع ایلده کندودولت
 وعاقبتلرینک زوالنه سبب اولدی یلر چون حکم قضا و قدر یو بهانه ایلده ظهور ایتیک مقدرایش
 یورای و تدبیری ایتد کار نایه بو کونه فکر فاسله دخی ذاهب اولمشلر که سلطان محمد خانی
 قمیم ایتیکله ایش منهلته بتوب قتال وجداله حاجت قالمیه پس حلواچی باشی اویس اغایه
 ایکی قواوس مسجوم شربت ویریاوب پادشاهه اچر مک ایچون نیمیه اولنوب عهد سندن
 کله یلور سه منصب ونجه احسان وعد ایشلر یو ک والدنک جاریه لرندن ملکی نام کنیزک که
 یوسره واقف ایدی وقعه دن برکون مقدم ترخان سلطان واروب کندوینی اله ویرمک
 اوزن عهد الد قد نصکره شربت مسجوم حکایه سنی سویلر وقعه دن نصکره یو جاریه ترخان
 سلطان یا تنه ملتفت اولوب اویس اراند قله فرار و بعد زمان ظهور چقمشدر ترخان
 سلطان بوکده واقف اولد قله اولدن دخی امنیت قلبی یوغیدی پادشاهی یو قضیه دن آگاه
 ایدوب باش لالا سلیمان اغا و ریحان اغای چاغروب ماجرای سویلر یو محلدن ایدیکه
 طشره دن اغارک تذکره سی کلوب دورت نفر اغای استمشلر بو نلر دخی قیو جیلردن
 بر محر می طشره یه جاسوس سلفه کوند رر قیوچی کلوب اغارک جمعیه میباشر تلونی اخبار ایدر
 سلیمان اغا بر عاقل و صاحب و جو دایدی استمشلر سابقه بناء اطراف بر خوش تجسس
 و تفحص ایلدی والدنک کبیرنک اغالیه اتفاقی تحقیق یلور بر کسنه کندویه خبر ویروب بو کجه
 سزایک بعض قیواری اچق قله جقدرد و اوجاق خلقی کلوب شو و جهله سو قصه جرأت
 ایدر جکر دردی اولدی ترخان سلطان سو یلیدی ریحان اغالا ابرهم اغا اسمعیل اغا علی
 اغا با جمعه اون دورت نفر کسنه بورائی در میان ایدوب والدنک کبیرک اعدا منه عهد و میثاق
 ایتدی یلر و احشامه قریب متجاهلان سزای خویسنه چیقوب اطراف نظار یه آلد یلر یو ک
 والدنک اغالینک اکثری توخیلردن زیاده اضعا ف مضاعف قانچ و آلات حاضر لغه مشغول
 اولد قلرین کوردیلر قضیه تحقیق اولد وغنه شمه قالمیوب سلیمان اغا مقامنه واردی
 و زلفی کتخداسی و بر قاج اسکیلری و ما بینلر نایه کوچک مجدیر لر عاقل و پهلوان
 و شهپاز وار ایدی یونلری چاغروب پادشاهک اتمکین نه کون ایچون بر سر حال و قضیه
 سویله در معصوم پاک پادشاهه یوغیدن راضی میسزدید کجه سنی حاشاهمان بیورک
 بر خد متنه بنل جان اید لم دیو عهد و میثاق ایتدی یلر سزای عتیق تبر دارلرینک یکی
 سزایه یتوت ایدن یکی سزایی تعبیر ایتد کمری امکدار لر خود اغارک کندی سنی
 و بیوک والدنک قوه خانه سندن او لار دن ماعد اسی مطیع و افکنده اید یلر زلفیلر تمام یوزنکر می

یکتدر جمله سی بواتفاقه داخل اولد قد نصکره سلیمان اغا بونلردن بعضیسی ایلده
 خاص اوطه ضابطلرینه و سوزا کمر اسکیلرینه خبر کوندوب حکایه یی تفهیم و اتفاقه
 ترغیب ایتدی یلر چونکه خاص اوطه لی کندولرک مطلب اعلالی اولان یکچری اغالنی
 رتبه سنه اوجاق اغالری مرة بعد اخری واصل اولوب انلرک نسلطی بلا سندن سائر
 منصب ودر لکه دخی نائل اولیموب خاص اوطه ده شویله معطل مانده انصراف عمر
 ایدوب قالد قلرندن جکرلری خون ایدی بوخبری ایشتمد کجه جمله سی اغز لرکی ایلده
 یو اوغور جان و باش قویمشز همان والد سلطان حضرتلری ولالا افندیز هر نه فرمان
 ایدر لر سه حاضر و اماده یوز دیورد جواب ایتدی یلر چون بنای مشورت استحکام تام بولوب
 دللر متفق و ناطرلر متحد اولدی یلر همال اول کجه اخشام افطار اولنوب و تراویح قلنوب
 هر کس مقاملرینه کیدوب عا دتا نوم وقتی برایکی ساعت کچوب مغفالت عالم راحتد ایدکن
 ترخان سلطانک سز اغاسی سز اغالریله اللرینه یالین سیف آلوب کندولره تابع اسکی و عجمی
 اغاره جمله سیف قوشادوب سلا حلفدی یلر زلفیلر خبر کیتد کمر انلر حاضر و خبره منتظر لر
 ایش سیف لرین قایوب طشره چیقوب جمله خا ضر اوطه اوکنه وار دیلر و اغارنه یا تور سز
 پادشاهنر الدن کندی دیو چاغرشدی یلر خاص اوطه لی دخی عموما سیف لرین قایوب سیل
 خروشان کبی سلیمان اغانک اولدوغی محله کلدی یلر سلیمان اغا و سائر اغا را تابع لر یله
 چیقوب اوکرینه دوستوب سرای قضا سنه وار دیلر صاف باغندیلر زرا بیوک والد
 اتباعی و اغالری که اوچ یوزدن تجاوز ایدی انلرده سائر کجه ده ییله غافل بولنیموب
 مسلح تیغ درد ست والدنک سنی طواف ایدوب یاسمانلق ایدر لردی خمد و صا که
 یو کجه لیله موعود اولغله جمله سی سلاح قوشانوب زوایاده محقق طور رایدیلر اول
 محل قیو اغاسی غوغایی ایشیدوب جمعیه سکر دوب ندیولد ایشلر دید کله پادشاهنر دن
 بیوک والدنی استرزدیو التماسه جرأت ایتدی یلر و انیم پادشاهه عرض ایلدی یو قیو اغاسی
 خنکان کیدوب بر زمانه نصکره کلوب پادشاه هریری اوطه لرینه طاعل سونلردیو امر ایلدی
 دید کله هریری امتثال ایکی آدم کیر و چکیلوب بعد ینه بنیان مرصوص کبی ایاق بر کیدوب
 البته والدنی استر زویا خود جمله منز قیو یلور ز دید یلر خاص اوطه باشیکه بیوک والد ایلده
 متفق اولوب پادشاه یکچریلر غوفیلر قلقوب خاص اوطه یه صورت صیانتد قودبع
 قلند قله مزبور نسیم ایتیکه متعهد در دیو جمعیت اربابی یلنندن سویلروردی و خاص اوطه
 باشی غلمان خاصه نک ضابطی اولغین قضا ی ناکهانی اول معارکد ارا سندن الدنک دکنک
 ظم و رایدوب خاص اوطه لویه نصیح یولندن اغار عیمدر هیچ ادم ولی نعمتی اوزرینه خروج
 ایدرمی طاعیلک دیه رک کلدی هیچ سو یلدی یلر تا جمعیت اوکنه کلوب ضرب و نادیینه
 آ لشدی یی اغاره طاغالت صورتده دکنک ایلده اشارت ایدر کن همان خاص اوطه لی
 براوغوردن یور ییوب خاص اوطه باشی یی اورتایه آلوب تیغ بیدریغ ایلده پان ایلدی یلر
 بعد سلیمان اغا اول طائفه نک اوکرینه دوستوب بیوک والدنک مکانه طوغری یوزید یلر
 باش قیو اوغلانی برکروه مجوزه لی طواشیلرله مسلح قیو اوکنه طور زرلر ایش مانع اولام

ضامن یلوسایمان اورک شونلری دیمکه باش قباوغلانی پان لیدیلر و سارلینی دوکوب کینی
 یان لیوب قچر دیلر تاکه والدی معظمه نك اوطه سی اوکمه کلدیلر سالیمان اغا ایچر و کتدولر
 توجه ایند کده والدی طشیره ده ایاق صداسنی و جمعیت همکده سنی ایشند کده چونکه
 یکچریلرک هجومنه منتظر ایدی آوازیند ایله نوبتچیلره چاغروب کلدیلر می دیو دغدغه
 ایله سوال ایند کده سالیمان اغا هنوز قیودهلینینه کیرمیشیدی بلی کلدیلر طشیره ییورک
 دیو جواب ویردیکی کبی والدی کلنلر کیم اولدوغنی بیلوب بوطالت ناکه ظه ورندن حیران
 وخوف جان ایله اوطه لرا یچنه کرزان اولوب نهانخانه لک برینه کیروب طولا ب اوزرنه
 برنجی غرقه ده پنهان اولدی اما لایتنفخ الحذر عن القدر اول جمعیت عظمی سالیمان
 اغا نك آردنجه سیل خروشان کبی ایچر و کیروب ارلیه رق ملکه قید افه شعاری بولوب
 دامن والحر افندن کستانه طوتوب اشاغه ایند دیلر زلفیلردن کوچک محمد نام بر مرد
 دیو هیئت ضربات پی در پی ایله بی حرمتلک ایدوب حوالی کاشانه ده آویخته اولان پرده لک
 برینک اینی کسوب همان اول ساعت حلقومنه کچروب بغوب شهید ایلدی اخذ و حنق
 اثناسنه فم وانفلرندن خون روان اولوب مباشر قتل اولان کوچک محمد دست
 ولباسی بقم اندود غرق عرق چیقوب مکانه بر زمان اضطرار ایدوب شدت غضب وهول
 واقعه دن مشغول اسایش اولدی والدی نك کاری تمام اولد قد نصبره اول طائفه والدی
 مرحومه نك اوطه لرین یغما و غارت ایدوب چیتدیلمورخ دیرکه الی سنه دن برواد خار
 و جمع ایلدیکی اموال بسیار و تحف ونو ادر مقوله سی ذی قیمت اشیاء و جواهر که محاسبه
 حسابنه عاجز ایدی جمله سی خاصه همایون ایچون ضبط اولندی مرجان چار شومنه
 بنا ایلدیکی خان که والدی نك فی دید کلری معظم خاندن یکر می صدیق فلوری سی بولندی
 آنی دخی میری یه آلدیلر والدی مرحومه نك سائر عواندن ماعد ابش خامی واریدیکه
 اناطولیده منن وزنه وغیر از و کلیس وروم ایلنده از بدیند رشید و یوه دلالتزام ایدوب شاکیلری
 استماع اولنما غله هر برندن بطریق الالترام الیشیر ییک غروش انچه حاصل اولوب هر
 سال خاصلرک مجموعندن ایکموز الی ییک ریالندن متجاوز حصوله کلوردی والدی کتخدری
 دخی اموال بیحد اقتنا ایدوب بمالک محروسه رعایاسی کثرت تکلیف وعوارضاتن نیجه
 شد ایدوبلا چکوب احوال لری کتخدرلک خوفندن والدیه وغیری یه ییلدر مکده قادر
 دکلدیلریدی بومحله کلنجه مورخک تحریر و تقریرید که شیخ الاسلام عبدالعزیز افندی دخی
 تاریخنه بومعنائی تفصیل و تأیید ایلشد اما بعض وقایع ضبط ایدنلرک آثار قلندن کوریلوب
 بعض احواله واقف لک اسانندن ایشد ایشد که والدی حضرت نوری رحما الله تعالی خیراته
 و صدقاته مائله اولوب مرجان قرینه بویه بر عظیم خان واسکندزده بر عظیم جامع و عمارت
 ودخی نیجه خیرات جلیله بنیاد ایتیشلر ایدی و سادات علوفه سی که اول صاحبه الخیرک اثر
 جلیل در آل محمد صلی الله علیه وسلمدن ایکموزدن متجاوز رجال ونسوان خلال شهر مبارکده
 انک وقفندن متعین اولان علوفه حکمی آلوب روحنی دعا ایله یاد ایدر لر هر سنه شهر
 رجب کلن کده بالذات کندیلر تیدیل قیافت عربیه ایله زندانه واروب مدیونلری رأی العین

کوروب دیونلرینک دفترین الوب جمله سنک دینلرین و یروب آزاد و قتل نقص مثل و جرایم دن
 ماعد اتمت ایله محبوس اولنلری آزاد ایلک عادت حسنه لری ایش بومقوله خیره بنفسها
 تقید ایدوب خدام طمعکارلینه اعتماد ایتیلر ایدی وبالطبع چراغ ایتکه مائله اولوب کندویه
 خدمت ایدن جاریه لری ایکی اوج خدمت لرنده اولانی اعتاق ایدوب قایامت واستعداد لرنه
 کون جهاز و جواهر و نقد و بر قاج کیسه انچه و یروب سرای عامره امکدار لرنه یاخوده
 طشیره دن بر مستحقینه تزویج ایدوب زوجن دخی ناله مناسب در لک و منصب ایله
 قایروب ایام مبارکده و اعیاده هر چراغنه یلاق و صبره احسانیه کوزدردی بونلر دن ماعد
 سائر عباد الله عیالندن یتیم قالمش یکس قزلری ارایوب تزوجه قدرتی اولیک نلرک جهاز فی
 کوروب ولوازم بیت مقوله سی مهماتنه اسعاف ایدوب تزویج ایتدردی حرمین محتر مینه
 نیجه خیرات و اثر ایتیشلردر که هر سنه الان سقا با سنیسی ایله کیدر عیم الخیر بر همتلر و دولتلر
 ایدیکه رجال ونسوان وطواشی دائره سنه منسب خدمت ایدنلر بلای فقر دن قور تیلوب
 قنایه ابریشوردی حی بدنن اقدام حتف انفه وفات ایدن باش اغاسی حسین اغا نك دولته
 خیل نعینی وار ایدی قهوه چی محمد خلیفه که اموالی تحریر ایدنلر ایله تعین اولنما غله نقل ایدردی
 اشیاسندن ایکی ییک ییوز عدد کارخانه ایشی شال لری چقدیکه الی ییک غروش قیمت
 تقویم ایتیشلر ایدی سائر نقود و تحف بوکده قیاس اولنه دیردی لکن مورخ بو ذکر اوانسان
 محسناته اعتراض ایدوب خزینه ده مضایقه کالده و اموال رعایا کمال مرتبه ضعف واختلال
 اولوب مال و کیلاری قول علوفه سی تدار کندن غریب حیل ارتکاب ایدوب وزیر و دفتر دارلرک
 چانلری بورتیه کلورکن خلاف طبیعی جمع وانظار و دولته لوازم حقیقی سندن ایلیمان یرله
 بدل و مکارم نیجه محسناتدن عد اولنوردی و افر حرف اندلر ایدر اما خاطر فقیره لایح اولورکه
 والدی معظمه حضرت نوری طوبه لم جمع مال و بدل مکارم و وضع خیراتدن قصید ایدوب
 بر شیشه قارشماش اولسه طشیره ده منافع دولت و ایرادات محدته متصرف اولنلر اولمقوله
 متغلبه و طماع اغالز ماننده ایرادی مواضع طبیعی سنه صرف ایدر حکاری ندن معلوم ایدی
 چونکه اغالرک قهر و استیصالی و متغلبین جمعیتلرینک انحلالی بویه بروقه فضیحه یه
 موقوف اولق مقدر ایش فلا جرم بر مقتضای حکمت خفیه ظهوره کلدی و والدی
 محترمه کبی بر صاحبه الخیرات دولته اول بی انصاف منسلط لک اوغرینه شهیده اولدی
 لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیور مشلردر که ادر واقع
 رسوالله صلی الله علیه وسلم بیل عندکم مهیبتکم بو کلام حکمت انجاسک فحوا سی اوزن
 خلفاء راشدین خصوصاً نور دیده خاتم النبیین حسن وحسین رضی الله عنهم اجمعین نیجه
 حکم خفیه و اسرار الهیه یه مبنی منازعات دنیویه اثناسندن شهید اولد قلوبی فکر
 ایدوب دخی نیجه سلاطین عظام و اکابر بنام دولت زائله و اغراض فانیه ایچون حدوث لیدن
 فتنه لر سیمی ایله مغرور و مقتول اولد قلوبینک سرینی ملا حظة صحیحه ایله ادراک ایدنلر
 بومقوله حوادث مرعجه دن مضطرب و متألم اولنلر بودخی قلب حقایق شناسله خفی
 دکلدر که دولت علیه ده هر زمان نفوذ کلام استقلال بر طائفه یه دوشوب اراده ربانیه

معلق ایند که استعداده و عین اول زمره دن زائل وزمره آخر ایه منتقل او نجه ده دگر هری
 سایه سلطنته آتوب طو تمق و دخره اعلی اوزنه تصدیر قاتله کامیاب اولق امور طبیعیه
 مشابه سندن بر معنادر انحق شوقد روا که بومقوله اقبال خاص الخاص ایلد عزو اختصاصه نائل
 اولنلرک هر قنغیسی نظام عقل اوزن حرکت ایدوب حقل و خلقک حقوق وحدودنه رعایتله
 قصود ایتیمه انک کیلر طاهر اوابطنانوفیق ایلد موید و مکاید عالیدن صون ایلد زمان دولتری
 عتد اوله کلمشد رانلر که افراط و تفریط جانبازینه کیدوب هر امرده حق اعتدالکه نظام وجود
 کائنات اکامینیدرنه اید و کنی بلیه یا خود مرعائتله قصود ایلد لایدمیران اعتباری بر جانه
 هایت و منزلت عزتندن زمان قلیله ساقط اوله کلمشد رجعتنا الی ما کافیه ترخان
 سلطان توابی و اندرون خلقی بومصلحتله شروع ایتد کیری کیمه انک اخشامنده وزیر اعظم
 میاوش یاشایکی قاضی عسکر که قدسی زاده و شعبان افندی بی افطار و ضیافته دعوت
 ایتشیدی اثناء طعامه ایچ اوغلنلری و مهمتران و چاشنکیور لر برلینه باقشوب بر مو حش
 وضع ایلد اشارتاشوب ارباب مجلسه دهشت مثالو حال سنوح ایلدی مکر اغارک جمعیتی
 اولوب اندرون همایوندن طلب ایتد کیری کسمنه لک بردقتر نی دخی مصمونی عمر ایلد وزیر
 کوندر مشاوه مصمونی دخی بکیره بکچیری ایلد دیوانخانه یه کلوب اتباع بر لرینه اشارت لرنیک
 اصلی یویش هله طعاملر نیوب قهوه لایچلدی مصمونی وزیر بولشوب بیورک اغار اغا
 قیوسندن سزی واقفیلری استر لید کده وزیر حیرت استیلا ایدوب قاضی عسکر له افندیلر
 صر بیورک دیوب جمعیتله وارملرینه اشارت و کند و ایدست آلمغه کیدوب اثناء وضوده
 مسلحدار و غیر خواه بعض خدمتکارلری زهار جمعیتله وارمیه سز مرادلری سزده قصد بددر
 دید کار دن وزیر بیوش و مخیرنه اید جکئی بلیوب متعجر اولدی بعد الوضو رئیس الکتاب
 ایلد مشورت ایدوب جمعیتله می وان لم یوخسه سرایه می کیدلم دید که جمعیتله وارمز سکر
 جمله یی خصم ایدینور سز بونلر له نیجه مقاومت اولور دیه جواب ویروب ضنجا جمعیتکا هه
 وارمغی ترجیح ایلدی بعد زمان بسوق بی ملاحظه رئیس اقوای اسباب نکبت و خذلانی
 اولشد رننه کیم محله کلمه کر کدر خلا صه کلام وزیر جمعیتکا هه وارمدن اعراض
 ایدوب مصمونی بی حضورینه چاغروب بزی طلبیدن مقصود ندر البته سوبلک کر کسن
 والا کیمک احتیالیم یقدر دیو ابرام ایتد که مصمونی چونکه اغارک هر امورینه محرم
 و فساد لرنه همراز و همدم ایدی سزده ضرر احتمالی یقدر نهایت بدورت عربک باشلرین
 استر اروبودن فراغت ایتزلر سزامن خاطر استر سکر بوخده متنه شمشیر ساق همت ایتک
 کر کسز دیوب دفتری النیه و یردی وزیر ایلدی بو خصم می تاخیر مناسبدر و جمعیتله دخی
 وارمنک مناسبتی یقدر همان سنکله معا کیدلم حصولنه امکانی مرتبه سعی ایدلم دیو سرایه
 کتدی لر باب همایوندن فوجی قهوجی باشیکه قیو جیلر کا بی حسین افندی نیک دامادی اصم
 حسین اغا ایدی اورته قیو بی آچدروب ایچی و کیروب دیوان کونلری بلوک اغاری او تور دقلری
 تخته اوزرینه اوتروب همان اولوقت رئیس بیوروب یادشاهم اوجاق اغاری و یکچیری قوللر که
 بالاتفاق فلان و فلان دورت اغایی طلب ایلد یورلدیه ناخیم یازوب ایچی و کوندردی

ناخیم خلال لیلله پادشاهه واصل اولوب اغار ایسه اولجه خبر اولوب تدارک آماده
 اولشار اول ساعت قایچلر غلافندن چیقوب اچروده غریبه عظیم قویدی اول جوش
 و خروشدن وزیر و مصمونی نیک پای قرار لرنه ارتعاش کلوب اورته قیودن طشره جان
 آتدی لر مصمونی اردینه باقیوب جمعیتکا هه طوغری دولی دزکین قاجدی ازین جانب اغار
 بومصلحت ایچون اغاقیو سندن جمعیت و اول دورت اغایی طلب ایدوب اچرویه خبر و وزیر
 اعظمه دفترونلر و کوندر و افطار ایدوب اغاقیو سندن نیکلی کوشکنده اوتوروب امیر انصبت
 ایدر لردی اول محله سرای همایون قضاسی کور نمکله اول شتب به العجیمه سرای همایون ایچند
 بی وقت شمع لرضیا پاش اولوب کثرت تردد و ترحم بکچیری اغاسنک منظوری اولدقه
 بکاش اغایه دیر که برادر بو کیمه سرای ایچند قتی چوق موملر کنیور الله ییلورنه ظهور ایتشدر
 هله باق دیو کوستروب اولدخی باقوب کورد که قور دقلری دام تزویرک طویلد و غینه
 استدل لال ایدوب جمله سی اندیشه یه دوشوب عجبانه اولدیر کن سرایدن بو خوف ایلد چنان
 مصمونی باشی عمر مرعوب القلب کلوب اغارک قولاغنه ایش اشدن یکدی قضیه
 طویلوب الله اعلم والد نک ایشی بتدی اچروده قایچلر عربان طوت قاب صداسی آسمانه
 یتشوب بزباب همایوندن طشره کوجله جان اتدق دیو سنو یلد که اغار سر اسمه اولوب
 حیرت ایلد مشورتله باشلدر یلر چون وزیر اعظم ناخیم ایچی و کوندر و ب صدای غلغله دن
 دهشته دوشمکله جو انی بکلیوب طشره کتمش ایدی سراینه کلدیکی کبی عقبجه طرف
 یاد شاه غالمینا هیدن آدم کلوب استدی لر عل جناح الاستعجال دونوب بیک خوف و اندیشه
 ایلد حضور همایونه متوجه اولدی لاسایمان اغا وزیر یناشوب وقعه یی تفصیلا افاده ایدوب
 قوغانک اصلانی و والد نک ماجراسنی نقل ایلدی وزیر اعظم حضور همایونه وارد قد لا لا
 احوال معلومک اولشد صد ایتد ایلد خدمتکده قائم اول دولتیه خیانت اوزن اولنلرک
 جزاسی ویرلسون دیو بیور دقلرنه فرمان پادشاهم کدر پادشاهمک خیر دعاسی و همی
 برکاتیلد بدخواه لر جزا سن بولور دیوب چیتدی و سرای عامره نک اطراف و جوانین کزدی
 بعض اوغر ن قیولری اچق بولوب بکچیمسنه سوأل ایلدی بوستانچی باشی یه بیوک والد
 طرفندن تنبیه اولمغله اچق قودق دید یلر جمله سی قیانبیوک والد انباعدن اول تهمت
 ایلد بر قاج کسمنه دخی اول ساعت قتل اولنوب بوستانچیلر و بالته جیلر و سائر سرای
 خدمتانه تنبیه اولنوب جمله سی سلا حله دی و صیباحه دکن کوزله خواب کیر میوب بکلدیلر
 و اول متغلبلرک خوفندن سرای عامره بی حفظ و حراست ایتدی لر بوستانچی باشی علی اغا
 اول وقتنه طشره کتمش بونمغله علی الصباح چاغریلوب حضور روزیره وارد قد قتل اولندی
 کذلک کر چچی باشی و سائر همد استانلره امان ویرلیوب حقلرندن کلمدی وقت سحرده
 هلم ووزلیه و بلوک اغارینه و سائر اعیان و ارکان دولته آدملر کوندر یلوب طرف پادشاهیدن
 دعوت اولتدی لر علادن سابقا قیصریه قضاسنه مولویت ایلد متصرف اولان نعمان
 افندی جمله دن اول سرایه واروب لا لاسایمان اغانک یانه کچوب بعض اموری القا و تعالیم
 ایلدی ملتفت و مستشار اولدی بعد حقی افندی و خواجه زاده مسعود افندی بعد

بالی زاده افندی کلدی ابو سعید افندی آدم کشیدی مجمع همگامه سندن دست کشان
اولق معناسنه کلدی شمس عالمتاب طلوع ایدوب دیوانخانه فیروزایتد کله طشره تحت
همایون قوریابو پادشاه حضرت نوری عز و اقبال ایله چیقوب قرار ایتدیلر وزیر اعظم ایانغ
اوزن طور ووب ال باغلیدی خاص اوطه لی و سائر ایچ خلقی عموما مسلح صف اندر صف
دیزیابو اغار ووب داران و بوستما نچیان کذلک سلاح ایله قات اندر قات سلام یرنه
قیام ایتدیلر صاحبه المقام والده سلطانک باش اغاسی لاسالیمان اغاوزیر اعظمک یا ننده
طور ووب بر عالی دیوان مرغی عنوان قورلدی اول محل خواجه زاده وحنفی افندی ایلرو
کلوب شوکتلو پادشاهمک الله تعالی وجودنی خطادن صقلسون سن خلیفه سن سکا
مخالفت ایتدیلر عاصیلرو باغیلور در قتللری واجبد رنبر بر آلی متغلبه واجبه نینک حیثیت
و مقداری امر ایله علم رسول الله صلی الله علیه وسلم چیقاروب نصب اتسونار شهره
منادیار کوندرا اولوالامر اطاعت ایدن مسلمان کلسون کلینلر جزاسن یولور و حاله منصب
افتائی وقاضیه عسکر لکی برر مستحق دعا جیکره احسان ایله انشاء الله تعالی مخالفلرک جمعینه
انحلال کور دیوار ایتدیلر پیرس پادشاه عالمیناه فرمان ایدوب علم شریفی چیقاروب
نصب ایتدیلر اغارک احواله کله لم مقدماذ کرا ایتدیکمز اوزن اوجاق اغارلی جمله یکچیریلری
جمع و علمایه خبر کوندروب بوقضیه یه اتفاق ایله شروع ایتشلر ایدی وزیر مجلسندن
قاضیه عسکر لر کچه ایله قالقوب اغاقپوسنه وارد قتللری الیقویب سائر لینه دخی آدم
کوندردیلر ع این وان اساس نیست که کرد خلل پذیر زعمیه اوجاق اغارلینک عقد
جمعیتلرینه انحلال کسنه نک خاطرینه کلامکله علماء وقت اکثریا اغارک خوفندن اغاقپوسنه
وار مغی ترجیح ایدوب نجه سی خانه سندن صاقلنوب یوقدر دیدردی بر جانه کنکه جرأت
ایده مدی صدرین اخشامدن دامه طو تیلوب نقیب زیرک زاده واستانبول قاضیسی
بوستان زاده وادر نه طالبانیدن اورمانی مصطفی افندی وقره چلبی زاده محمود افندی یونلر
جمله اغاقپوسنه واردیلر مفتی عبدالعزیز افندی یه اغارندن بر قاج دفعه آدم کلوب کتمک
فکری ایله صباحه دک متردد اولد قله سرای عامره یه دعوت ایچون آدم کلوب مختیر
پیش الامرین قالد قله بعض خدام ایله مشورت ایدوب آدمیسی تریاکی صولاق احمد نصح
ایدوب حالا پادشاه طرفه دعوت اولنشمیکن جانب آخره وار مق نامعقول بلکه متضرر در
وارد سکر سرای عامره یه وارک دید کجه افندی قصور ملاحظه دن اما اغارک خاطری وارد
شمیدی یونلرک یدغا لملری مقرر در جمله اوجاغی خصم می ایده لم دیو جواب ویردی احمد اغا
پهی افندی خاطر محل دکدر هر حاله طرف پادشاهید بولنقه سلامت وارد بوزمر نک
پیمان نه اقبالی طو ووب حد لرنی تجاوز ایتشلر در یونلرک باشلرینه خبر کلز علامت زواللری
قتی ظاهر در زهار طرف پادشاهه وار مقدن غیری فکره ذاهب اولمیه سزدید کینه بو غالب
حریفارک خاطری قدالوننر جهور علماده اول طرفه کتمشلر دیوب اغاقپوسنه واردی مفتی
کلد کله اغارک بیغی بالته کسمر اولوب یوز کلندیلر اما سرای عامره ده اندرون خلقمک
جلاد تلرنی ووالله کبیره واتباعنه اولان حالنی یقینا معلوم ایتد کدن صکره قلبلرینه رعب

ود هشت دوشوب اما تجلد جهالت مقتضا سنجه الدرمیوب دعوالر نه صورت ثبت
کوسنر دینر و اغاقپوسنه او تور مغی مناسب کور میوب اورته جامعه کتمکی قرا ویردیلر اغاقپوسی
لوکی تاعایمانیه نک جوانب اربعه وحوالیسنه وار نجه مالا مال یکچیری تفنکلیر ایله فتیلاری
ینار قاپچلری بلر سلاحه مستغرق صف اندر صف دور لر پادشاهه دعوت اولنوب کتمین علما
که اسامیلری مسطور در یکچیری اغاسی جمله سنی عرف و اضافتلیر یله ایکیشرا یکیشرا اوکنه
قنوب جمله نک اردنجه مفتی نک اردنجه یکچیری اغاسی بیاغی آلی ایله اطرافلرنی مسلح یکچیری
احاطه ایتمش اورته جامعه طوغری چکلدیلر راوی ایدر اغابنک طاسنه چیقوب آتته
سوار اولورکن ماده دعوانی خلقه استماع و اشاعت ایچون بومصاحبلمو مقررلرک ایتد کیری
ندر امور دولته مدخله ایدنلری استمر زدید یکمز ایچون والده سلطانی اتباعیلر قتل ایتدیلر یونه
اصل ایشدر بعد الیوم والده نک قاتنی استمر زدید کله جمعیتک ارا سندن بری سن والده سلطانک
وارنی می اولدک دیو جوانی اغایه ایشندر یوب سائر اصلا بر حرف سویله تمش زیر اغارک بو
وضع نا همواری عامه عالمه کوچ کلد یکندن غیری اوجاق خلقمک عقلا سنه دخی قبیح کورنگله
تهانی مذمتلر ایدوب و خامت عاقبتدن تحذیر و ترغیب ایله یکچیرینک قلوبنی یونلردن تنفیر
ایتشلر ایدی اگر چه ضابط اولق حسیمله دعوتلرینه جابت و جمعیتلرینه اطاعت شکانده
کلدیلر اما استکراه درونلری وضع و حرکتلرندن معلوم ایدی پس والده نک وارنی می اولدک
سوزنی اغایه ایشندر دکیری عدم موافقتلرینه دلیل واضح ایدی یکچیری اغاسی و سائر اغار
جمعیت ارا سندن خلاف مأمول بوجواب مو حشی ایشدر کارنده باشلرینه کله چکنوعاملا خطه
ایتدیلر لکن نه یایسون شروع ملزم غیوت جاهلانیه مقتضا سنجه عزیمتلرندن دوشوب تجاهل
وقاحت ایله اورته جامعه طور نه قطاری کتدیلر یکچیری اغاسی و کتدایک و بکتاش اغا
و سائر اوجاق اغارلی مصدونی و عسس باشی عمر و باش چاوش غنبر علی و غیر هم باجمله اندر
ایتدیلر علما نامه اولنلردن دخی مفتی وقاضیه عسکر لر وقره چلبی زاده محمود افندی و نقیب زیرک
زاده جامعه او تروب اوطه باشلر و چو رباحیلر مسلح یکچیریلر ایله جامع قوشادوب آت میدانی
لشکر بر سلاح ایله متموج اولدی مجلسه حاضر اولیان متعین علمایه که نیک نام ایله
معروفلر در چاوشلر کوندروب دعوت ایتدیلر جمله دن استانبولدن معزول رحمة الله افندی
و یولوی و غیر هم زمعزوللر ایزدیو امتناع ایدوب کلدیلر اغار کلین علمایه نکر از آدملر کوندردیلر
ازین جانب سرای همایونده چون علم رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم چیقاروب
پیشگاه پادشاه عالمیناهه نصب اولندی و مفتی وقاضیه عسکر لر واستانبول افندیسی اغار
جمعیتلر بولنوب کلدیلر وزیر اعظم مقربان ایله کی شیخ الاسلام ایدلم دیو مشورت ایدوب
لالاسالیمان اغا و ترخان سلطان اتباعلرینک نظری ابوسعیدده اولوب شهرت خاندان
وثبت و تعین شانن ذکر ایدوب اول مفتی اولسون دیدیلر وزیر حیرزه بهایی افندی
اندن یکدر زیر ابوسعید افندی کجه محاقدر بهایی جری الحنکان و حدید اللسان
بی پروا در دیو امتناع ستمنده اولدی چون ابوسعید افندی ابتد دعوت اولند قله کلامش
ایدی حاضریندن حنفی افندی بریر جهان دید و طریق اسکیمی اولوب وهم اول کون

سرایه گلکده جمله سینه سبق ایدوب کندویه مفتیالك ویرلك امیدند اولغله شعار
منلایانه ایله بریاض صوف کیمش ایدی همان وزیر خطاب ایدوب پاشا حضرتاری
حضور هما یونه گلکده جمله یه تقدیم و پادشاهز اوغرند بزل مقدون ثبت ایدوب
محمد الله تعالی ذاتا و زمانا لیاقت محقق ایکن خدمت افتا نك بزدن تخلفند نه نائده
ماخو طدر دیوالتاس ایتمکین وزیر اعظم پادشاهه مفتیالك خطنی یازدروب حنفی افندی یه
احسان ایندی یار حنفی افندی ال اوپوب مفتی اولدی و روم ایلی قاضیه عسکرلکی حضار
هلم دن بالی زاده افندی یه اولق اوزره خط هما یون یازیلوب ویرلد کده خطی الوب تعفف
و خلوص یوزندن پادشاهم بزوب مجلسه منصب امنیه سیله کلدك طائفه باغیه نك
جهت یلورین دفع وظلمه بی منع ایچون کلدك حالا بکا لازم دکلدر برغیری دعا جیکزه ویرك
دیوب خط شریفی اوپوب تسام ایند کده روم ایلی قاضیه عسکرلکی خواجه زاده مسعود
افندی یه ویردی یار مکر نکرار سایمان آغانك تنبیهی ایله ابوسعید افندی یه خاصکی
کیدوب سنجاغك چقد یغنی تبلیغ و دعوت ایتمش اول محله جیقه کلوب دستبوس
ایند کده تعیننه بناء حنفی افندی دن تراجم اولنوب ابوسعید علوشان ایله صف علما نك
صد رنه طردی تکرار افنا خطی یازیلوب ابوسعید افندی یه ویرلدی مفتی اولوب دستبوس
ایند کده روم ایلی قاضیه عسکرلکی خطی یازیلوب حنفی افندی یه ویریلوب افتا خطنی
استد یار یانم دکل اوه کوندر مشیدم دیوب ویرمدی و تبرکا و تقالا کندوده الیقودی
لاجرم انا طولی قاضیه عسکرلکی خطنی یازوب خواجه زاده یه ویروب روم ایلی خطنی
استد یلر خواجه زاده بره جلم بونه عجب تسنه دریاشمدی با کاروم ایلی صدری ویرلش ایکن
در حال تحویلک معناسی ندر دیواضطراب کوسهتر دکه وزیر اعظم تسلیت ایدوب افندی
شمیدی بویه اقتضا ایلدی ایش یئسونده صدر روم دخی اولور سن الم چکمک دیوب روم ایلی
خطنی الدی مفتیالك خطنی حنفی افندی یه قالد یغنی صکره ایشند کده یازندن روم ایلی خطنی
المنك معناسی ندر دیو افر تا سف چکدی با جمله او مجلسه بولنان علما نائل مرام اولوب
استا نبول قضا سنی دخی حضار علما دن بیاضی حسن افندی یه ویردی یلر بعد شهره منادیلر
کوندر یلوب هر کم مسلمان ایسه زیرلواء رسول الله علیه وسلم کلسون اولوالا مره
اطاعت ایتمیوب طرف خلا فله بولنانلر اوزره جامع جمعینه وارنلر باغیلرد دین و مذهب
وسنت و جماعت دن بیگانه اولور لر قتللری ایچون فتوی ویرلشد و امت محمد دن اولان
سرای پادشاهی یه واروب علم شریف سایه سی التمن بولنسون دیوکوشه
بکوشه محله بخله ندالر اولدقه اغاری تحکمی التمنه مقهور اولان اهالی شهر جمله
وطوائف عسکرلکی جیه و جوشن و سلاحه قادر اولنلر سلا حلوب اکثر بر قایح الوب
سلاحه قادر اولمیانلر بر طویقه قایوب فوج فوج کروه کروه سرای هما یونه چکلدی یلر الله
اکبر کبیر اول ساعت خلقه بر غلغله دوستدی کورنلر مختیار اولوردی عامه خلق جدا اول انهار
کبی باب هما یونه توجه ایدوب بر ساعت سرای عامره نك ایچروسی و طشره حویلیسی
ودخی طشره میدان مال بر کونه مزد جم اولدی که ایچ باغچه سندن صووق چشمه یه دك

باب هما یون اوکنده کی میدان و یا صوفیه حریمی و اطراف ایله سلطان احمد و اشانی آخور
قبویه و ارغجه زقا قراط و بطلو اولوب کیر و ده اولان ایلر و تقدیم ایدوب چکمک محال ایدی
جمله علما و ائمه و مشایخ و شهرده اولان اعیان دولت و اغوات مسلخ انبعا لریله و زمرة سپاه
وجیه جیلر و سائر اوجاق نفراتی ضابطلریله مستغرق سلاح جمله کلدیلر اسکی اوطه لرك
یکچیریلری اوزره جامع جمعینه وار میوب کون نه ظهور رایدردیومتوقف ایلیار علم
رسول الله صلی الله علیه و صلی چقد یغنی و دلاللر کندن اسنی ایشند کدی کی سلا حلوب
قایوب عوماسرای پادشاهی یه توجه و خلقی یازوب باب هما یون دن ایچرو اولان حولی یه
طولوب فرمان بردارلقوبن اعلام ایستد یلر وزیر اسکی اوطه لیلرک کلدکربنی کوردکده
سایمان اغا ایله سویلشوب خفیه پادشاهه خبر ایدوب پادشاهم مخالفلرک جمعینه لرینه انحلال
کلدی محمد الله بن همتکزیله مقهور و منهزم اوله جق لری مبین اولدی دیو نبشیر ایلدیلر
خروش و غریبه ناس قبه فلکه جیقوب سنجاق چقد یغنی و عوما خلق سرایه جمع اولدی یغنی
علی الخصوص اسکی اوطه لیلر طرف پادشاهی یه کتد کربن استد یلر و سائر محلات و زوایاده
اولان یکچیریلر اغا لرك توابعی اولیلر دخی عوماسرای هما یونه کلدیلر اغا ل اوزره جامع
توابعلریله قلوب مختیار اولدی یلر بر قایچکون مقدم شهرلی وقعه سندن اغا لر نفرات یله بلوک بلوک
استا نبول زقا قلوب کتروب شهر لونك کینی قتل ایدوب سرایه وار مغه مانع اولمشلر ایکن بوکره
سقط فی ایدیم مظهری اولوب قهار منتمقم قلبلرینه رعب و هراس بر افغله حرکت مجال لری
اولوب نه اید جکربن بلدی یلر ابوسعید افندی نك رأ ییله اغا لری دیوان هما یونه دعوت
ایچون بر خط یازیلوب اوزره جامعه کوندر دیلر خط هما یون کلدکده علانیه اوقتیوب الحق
وؤسای لشکر بر ره کلوب اوقودیلر مضمونی سرکه یکچیری اغا لردن یکچیری اغاسی و قول
کتخداسی و بکتاش اغا سز کدر که حضور مه کلوب ایاق دیوانه حاضر اوله سر مخالف
ایدر سز حقکردن کنوردینلش قچمکه بو خط اوقندی اغا لرك بکرتنه قان قالمیوب
کوردیلر که نه جای ستیزونه پای کریر لساناری ابکم اولوب بر جواب ویره مد یلر
اول محل یکچیری اغاسی قره چاوش دید کدی احق ایاق اوزرینه قلقوب بویه جواب
ویردی که بزدن انده وارر یوقدر بزبونه طور و زوپادشاهمه عاصی اولنر اوزریمزه کورلر سه
مد افقه ایدوب دو کوشتر زیدی هیهات تم هیهات اول مغروران دولته که اول روز کار ختاله
الد انشلر ایدی و یکچیری طائفه سن کندولریولند جان و باشی فدایلدلر صانوب قضا
و قدرت قوت مالیه و اتباع و اشیا علری صیانت و حراسته قادر اولورطن ایدر لردی باده
دولت ایله سرمست اولوب چاشنی ادبار و نکبت خیمه در بلر لردی و کمال جهل
و غفلت لردن وقت فرصته عاقبت احوالی فکر ایتمیوب اعتدال ایله حرکت و عباد الله
شفقت نه اید و کنی ادراک ایتمیوب طبیعت وجودده مد سوس و مینوث اولان مجازات
اعمال مقتضا سنجه قهر الهی ظهورندن غافل اولوب مکافات و انتقام ندر اکثر لردی
تصور ایتمز لردیکه اکثر کثرت مال و وفرت اتباع مفید اولسه هیچ بر صاحب مکنت و عالی
عزت رتبه سندن دو شهر و دولت دن ایر لردی دائما اقبال و ادبار قچانکه یکچیری اغاسی

خط شریفی که در نه بوجواب عجز اشتهالی و پردی به نلک ضعف و ادباری اطراف نده اولان
یکچری یلرک معلومی اولوب اولدن دخی طرفد ارلقدر سوخ قد ملری اولما مغله تابع اولمیان
یکچری و اوطه باشی و چور با جیلر برمهانه ایله طرف طرف چوزلدیلر و ان لم سنجاق شریف
التمعه بولته لم و میا نری لوٹ عصیاندن تظہیر ایدلم دیب سرائی همایونه جان اتعه پاشلیدیلر
انجق توبع نامنه اولان چور باجی و اوطه با شیلر نفر لیلہ قالوب انلر دخی خاتمه کارنه اید و کن
فہم ایدوب پای ثباتلرینه اندھاش و دست جبارت لری نه ارتعاش حاصل اولوب هریری بریکا
کتمکه حاضر و فرصت کوزه درلر دی یکچری اغاسنک جواب عاجزانه سنی خط کتورن
خاصکی حضور همایونه عرض ایتد کده دفعه وزیر اعظم قصد ایتدی که تغییر عام ایله اوزرینه
یور یوب جزالری و یروب زبروز رالیله ابوسعید افندی زھادتن بریدر جهان دیله اولمغین
وزیر اعظمه سہاجہ صبر ایدک انلر شمدی بالکلیہ طاغیلوب اغار یالیکتر قالور اراده قتال
اولدن سہولتله ایش بتز وجود بکتره و خلقه زحمتہ محتاج اولر دیمکله صبر اولمشید ی اغارک
پوشاده اولان حالی ثقات حضاردن بری نقل ایدوب دیرک اغار جامعہ قرہ حسن زاده
حسین اغایہ تاخیم صورتی بر عر فحال یازدروب سابقا استدکاری دورت طواشی ایکن
سائر مصاحب و زلفیلر دن اون آدم دخی ضم ایدوب بواون دورت آدمی یاویر سرزویا
بر سفینه یه قویب مصره ییلر سرزدیو اچر و کوند ر مشلر ایدی انک جولانی ایدی که اغاری
ویرمز و یلر ونقی اولمتر ایاق دیوانه کلوب هر نه سوز بکتر وار ایسه حضور همایونه
سویلیه ستر شکمنه خط شریف کلشید ی خط شریفک ورودندن اغار منزل اولوب
یکچری اغاسی اوطه با شیلری و چور با جیلری چاغیروب اوطه لر قیوسن حراست ایلک
طشره دن کلن یولد اشلری اچر و والک و اچر و دن طشره کسنه صالیویر مک دیونیمیه ایتد کده
اوطه با شیلر دن بر پیر بهی اغاسن نه سوز یلر سن اوطه لرده یولد اش قائم دی هب سرائی
همایونه کتدی لری کی ضبط ایدلم دید کده عقلاری پریشان اولدی جامع ایچند صفه اوز رنه
یکتاش اغا و صفه کارنه کر اکه و خر تاوی دستار ایله چلبی کتخد لک او توروب بلند قلیچ اغا
ایسه دیرک دیند یاتوب حیرتدن اسایش ایدر دی مفتی و علما ایسه کاه محفلده و کاه
صدر جامعہ یکوب عجب انچه اولور احتمالدر که شویله اوله دیو کفت و شنید ایدر لری اول محل
مصنوبی عمر دید کلری تورک قول کتخد اسنه خطاب عنیف ایدوب بهی سلطانم
نه طور سرزونه او تور سرز چون یاد شاه مزری بر قاج طواشی یه دکشدی همان بوساعت
قالقوب بر قاج یردن شهری آتسه ویر لم و یکچری یه شهر لیلک اوزرین یغمایه رخصت
ویر لم جمله سی نرم طرفه دونر لر بعد دونهایه و سر حدلره آدملر او چوروب جمله سفرده
اولان یولد اشلری بوند کتور لم خنکار یز بالکتر شهر لیلہ نیه قادر اولور دید کده همان یکچری
اغاسی یاتدیغی یردن قالقوب مجلسه کلوب دخی مصنوبی یه چاغروب بره عمر بره اشک
بوسنک سویلد یکک سوز نه اصل سوز در صوص اولقوله ترهانی اغز که الله بر قاج کونلک
عمر ایچون دین و دولته اعدا و کفار کی اها تملی ایدلم و جهان طور دفعه سیر لغت و او جانرک
حمل منہدم و منسحل اولقه سبب و علانی اولم محمد الله تعالی مسلمان نزاع و غوغا منر

دولت دنیایه متعلقدر سوز یز اولدی نه کوزل اولدی امر الله کدر قضایه رضا ابتدائی
وبعد سز ی اولدر لر بر جان ایچون دولته و عباد الله سوء قصد لایق مید ردیدی بکتاش
اغایسه واللہ یوق بوش یره اوله مرز کلور لسه دوکشور زدیوب هدیان ایدر لری آخر
قرار ویر دیر که مال ایله خلقی اغوا ایدلر کتخد ایک آدم کوندروب جمال لرایله التون
و غروش کتوروب میدانه یغوب کند و تابعی التون و غروش استین بر و کاسون دیو اطرافه
اعلان ایتدیلر هر چند ند اوفر یاد ایلدیلر بر فرد کلمدی امید لری منقطع اولوب کتخد ایک
یکتاش اغانک یوزینه باقوب تو یوزیکه الله بلا ویرسون بره طمعکار آناودنه ایلد کسه
ایلدک بزمه مال لازمدر باشمزه نه حالت کلور دولت یوز چور دکه ایچہ هر دردمزه در مان
اولور همان مال جمع ایدلم دیوب بزی کند ی حالیزه قوم یوب افساد ایلدک و جمع مال
ایچون دنیا نک فساد اتن ایتد یروب بزی با شدن چیقاردک دیدی امدی کون لم یوقدر مالز
وار بر آدمی یا نگره میل ایتد ون ییلور مسن کون لم ایچہ نه اشمز یان دی دیوب حرارتندن
بی حد شتوم ایلدی و کینسه لری یه جمال لرایله یا نچہ سنه کوندردی اول مکر دنیا ایله مکرور
اولش مغبونلر بلز ایدیکه حقیقتده مال و بضاعه شفیقه جان اولدو غی خیتہ تندن عزیز
اولوب صاحبنک ضرورتی دفع و مشکلا تنی حل ایدر بشرط آنکه جمع واد خار حد اعتدالی
تجاوز ایتیمه اما هدف سهام طعن و حسد اوله افراط اوزن جمع مال جهات معقوله دن
دخی اولور سده صاحبنه بغض و حسد ایتمک هوای عوامک مقتضای طبیعتیدر
سابقه خلفا و اصحاب کرام و بعد هم عقلای سلاطین و حکام کرام جمع مال دن اجتناب
و زحارف دنیائی نفس لریچون افراط اوزن ادخاردن اعراض ایتد کلرینک بر حکمنی دخی
پودر ادخار القلوب و انفاق قلیه افتتای اموال دن مضرشی اولدیغنی بلد کلر یچون منافع
دنیویہ نک اکثرینی بیت المال مسلمینه ایشار ایدوب کند ولر دفع ضرورت مرتبه سنه
قناعت ایله رضای حق و خلقی جالب و محبوب القلوب اولوب وقت هیئت اجتماعیه یی
نشئت ایدر جک امور دن غایت صاقتور لری قندہ قالد بکه جمع مال تسلط و تغلب
یوزندن و جهات غیر طبیعیه دن اولوب حد افراطی تجاوز ایلیمه و صفات کرم و سخا ایله
دخی اتصاف اولیمه اول مقوله لک معال عرو جاهی منہدم و حقارنده خلقت رغبت
و شفقت لری منہدم اولوب عامه ناس زواللرینه مترقب و برواهیه دهیا ظہور ند
اسنیه صاللری باند یی رحم و متعصب اوله کلشدر بومقوله لک مالی وقت ضرورتده
در دینه درمان اولمز و رغبات قلوب منقطع اولد قد نصکره خزینہ لر بدل ایشسه لر دن قدر
نعم ویر مز نعوذ بالله من بعد الممکور بو محلد بری اعتراض ایدوب دیرک چلبی کتخد ایکک
بذل و کرمی مشهور عالم ایکن نجب بو وقتده آثار نفی کور لیدی مورخ جواب ویرر که کرم و سخا
و اعطایا ینبی الی منی بنیغی قاعده سی اوزن مستحقینه بدل دیو خسه اول چلیپنک قوللقلری
و اغاقلری ایکی بهاسنه و یروب فقر لیه جور ایتد بکن براوغلانی چور باجی ایدوب لوازم نه
اون بش یکرمی کیسه ایچہ ویر می و مستحق طالبلری اولان مناصبی قاضی عسکر لر دن فیچہ
قالله آلیو یروب فقراء قضاتک بد دعا سنی الورکن همشهریسی برار تا و دلوق قاضی سنک

چه ازین ایکی بیك النون احسان ایتیش کریمیدر مجلسنه ملازم اولان بعض مسخره له
 بوکون طالعکه نه کورسه سنک اولسون دیوب حد نندن خارج مداخله ایلدی یکی
 امور دن رشتوت مقوله سی هدایا اول کون نه کورسه اول مسخره یه ویرلک سخاوت
 عدا ولنورمی بومقوله مبالغه عظیمه ایله کرم کسترلک ملوک ووز رایه یاقشورمی غیریلو
 ایتدکاری صورته اکر منصبک ایراد طبعیغندن ایدر سه نه کوزل کندوما لندن ایتیش
 اولوروالا استیلا ایله سائر اعیانک ایرادلرینی قاپوب صاحبینی اغلدوب کرم کسترلک ایتیش
 باعث فساد در بومقوله یه نهاب وهاب دیر لر خلاصه کلام دنیاده باعث نشر ذکر جمیل
 یا خود اخر نه مستوجب اجر جزیل اولمیان ویرکیله کرم دیز لرینه صدده کلام چون اغار
 اچیه قوتیله خلقی ایار تمقدن مایوس و اچیه لری مکانرینه کوندروب پریشانغه یوز طوطی یلو
 منقولدر که اول زمان قدسی زاده اغار هله بر مقدر صبر ایدک کون لم چیه اولور دیش شیخ
 ولی که اغارک بو قدر زماندن برویا رغاری و مستشاری اولوب کرملرین کورمشکین کندوی
 خلاص اچون همان یلکنی چوپروب اغار خطاب ایدوب بقه سرنه اولدم ظن ایدر ستر
 سترک هر بر بکر بر فرعون اولوب عالمی خرابه ویرد بکر زلر سکوت و قیولر بکر ملازمت ایلدی بکر
 اضطرابی صیانت عرض اچون ایدی ستر نصیحت قبول ایتیر ستر سترک ارا کرده بولنق خطادر
 دیوب سلک نوب قاقوب سرایه جان اتدی بکتاش اغا عامیانه تعریضلر ایدوب قوزغون
 صوخته کور کرمیزی کیوب کیسه لرله اچیه لری آ لورکن ستر لر بودولته لازم و دولت سترک
 اتفاق و تدبیر کرایله قائم دیر ایدک شمدی روز کاریو زچور مکه سنک یا نکه دخی یازمی
 اولدق دیدی شیخ ولی ایسه ع در مع الدهر کیف مادار مصر اعنی لسان حالله اوقیه ررق
 سرایه توجه ایتدی شعبان افندی و صنی زاده دخی سرایه کتدی یلر قدسی زاده و مفتی
 یا لکر قالمغه وحشت کلوب کتمک ار دجه اولدی یلر چلبی زاده دخی دیوانه واردی قعیب
 سترک زاده سرایه واروب اعتدال را ایتیکله ینه تقریر قلندی صنی زاده یی نلک اعتدال را
 ایتد که مراد پاشای عتیق مدرسی قوچاش محمد و عظیم تعریضلر ایتدی قدسی زاده
 حجاب نندن سرایه وان میوب خانه سنه کیدوب قیوسنی قیا دوب منزوی اولدی مفتی
 عز زافندی دخی کمال حیرت و خالت ایله قاقوب ساحل بحر واروب قایق ایله یالی کوشکنه
 واروب ابحر و عرض اولند قله بوستانچی باشی یا شمه قالسون دیومناعت اولند قله اعتدالات
 بی نکه اشتغال ایلدی یعه سمیلی تخلیه اولوب حزن وانکسار ایله صماتیه ده اولان
 با چیه سنه واروب قیوسن قیایب منزلته مفتی اولدی مورخ ظریف دیر که اغار جمعینه
 بولنا نلرک و خالت شامل حاللری اولوب هر بری کامر اقصی طرط فی ولیمه النساء ماصدی
 اولوب ذیر حجابی قالدیلر سهولت مدافعه با حسن تدبیر چون بروجانبه اغار بالکر قلوب
 پریشانغه قرار ویرمشلر ایلدی یکچیری اغاسی اول مجلسه ابو سعید افندی یه خفیه ضراعت
 نامه یازوب بن سلطانک قدیمی بنده سمی حنی مرحوم محمد پاشانک زمان صد اترنده محضر لک
 خدی متنه لکن سلطانه خدمت و قوللوغم سبقت ایتیشیدی دیو حقوق قدیمه یی یاد
 و تعهد ایدوب وقت یاسه چار سازلق طریقلرینه تشبث و اغالق منصبین پادشاهن

هر کیمه دیر لسه ویرسون به قوللرینک عفو بیجا ایلمه سزدیو نیاز ایلدی کذلک کتخدایک
 لالا سلیمان اغایه برتد کمره یازوب بمضمون عفو التماسن ایتدی زیر لالا سلیمان اغا
 مقدم کتخدایک عظیم محبت و مودت اوزن اولوب بینلر نه مهادات و موالات قاعده سی
 مرعی ایدی لکن بووقعه ده بکتاش اغا ابر امیله طواشیلرک باشلرینی استمک خصم و صند
 شریک بولندی اچون سلیمان اغا کندویه عدوت ایتیشیدی تذکره سنه سلیمان اغایه
 یلواروب جمله مرنه منصبلریندن کچدک قوشجه جاتری بزه باغشالک حاشاکه بز پاشاهه عامی
 اوله یوز حضور هما یونه وار مقدن امتناعزدخی کثرت بتقات کستما خانه مرنه بناء سو
 جزا ایتیمندن خوفادردیمشیدی و چون هنوز هر برینک مخصوص خدمتکاری و اوجاقدن
 چراغاری اولان هوادارلری کندولری و منزللر نه اموال فراوانلری حفظ و حراسته قائم اولوب
 هر بری قارون وقت و ضرب دستله جبراله کیرملر نه نوع عسرت بلکمه مدار الزنه نفع و سهولت
 مقرر ایدی شیخ الاسلام ابو سعید افندی و لالا نلک صولبدیدی اوزن حسن تدبیر چایی
 اختیار اولندی مثلاً یکچیری اغالی ساجدار شمریاری یه ویرلکی وزیر مراد ایدوب اوجاق
 خلقنه اعلام اولند قله چون به وقعه سمیه جمله سی مرعوب و متمم ایدیلر روی
 ضراعتی خاک نیازه اوروب التماس ایتدی لکه شمدی اچرودن اغا چیه قمرسه اوجاق خلقنک
 عقلی تازومار اولوب وهم عظیمه دوشلر حالا مضاحت و معقول اولد زکد و حشتری مندفع
 اولنجیه ده کینه اوجاقدن بمأمون الغائله آدم یکچیری اغاسی اوله ابو سعید افندی
 و سلیمان اغایه رأیی وجهه وجهه کوروب ینه انلرک رجا لرینه مساعد صورته اغا لق
 و سنا ترکد کلر اوجاقدن بعض اختیارله ویریلوب اغار له دخی برر مناسب منصب توجه
 اولنجله غائله یی دفع ایدوب بعد اسهل وجهه اوزن جزا لری ترتیب اولنه جقارک حقلرین
 کلنه دیو بعد المشور اتفاق ایتیلر ینه انلرک مختاری قره حسن اوغلی سکبان باشی
 حسین اغا حضور هما یونه دعوت و اغالق احسان اولندی و بعد اداغالغندن کلن سابقا
 زغرچی باشیلقدن معزول کوچک قاسم که بر اختیار آدم ایدی قول کتخدایفی ویرلدی
 و هزار یان زمانده محضر لقندن عزل و طرد اولما مصطفی اغا منصوبی باشی اولدی
 و اغا لقندن عزل اولنان قره چاوشه طمشوار ایلانی و قول کتخدایغندن چیقان یادگار
 وزرات ایله بوسنه ایالتی و سرچشمه طغات بکتاشه بروسه سجاخی ویریلوب امرلری یازیلوب
 بحال کتملر چون خط همایون اصدار اولوب یوینی پاره لی مجد پاشا جمعیتکاه لرینه
 کوندرلدی محمد پاشا واروب صدر مجلسه او توروب شوکتلو بادشا همز اوجاق
 منصبلرینی ینه یا نکرده معتبر و مقبول کوریلان اختیار مستحقینه ویروب خلعت
 کیدردی دیدکله جمله سی الله مبارک ایتسون دیدیلر بعد هر برینک فرماتی چیقاروب
 پادشاهن سزر له فلان و فلان منصبلری احسان ایتدی دیوب امرلری او یوب اللرینه
 ویردکن صکره قیام ایدوب خط همایونی چیقاروب او قودقنه جمله سی بوزیاوب
 بالاضرون فرمان پادشاهن کدرد یوب مجد پاشا کلوب کتدی انلر دخی اولرینه کیدوب
 منصب تدار کند اولدی لکر کوچک چاوش احمد اغا باش چاوش اولدی باش چاوشلقدن

همه بر علی اغایه یا بیگلرکی ویرلدی و چون با جیلر دن ری غسش باشی تعیین اولنوب قائل
جخی لنی جهو دحسین شهر سو با شیمی اولدی اول کیجه که لیله الاحد ایدی وزیر اعظم
ومفتی و سائر اعیان جمعیت ایله سرای هما یونده قلوب احتیاطا تحفظ و انباه اوزن
اولوب کوزله خواب کیرمدی و اغای جدید و کتخد اییکه قول کز مک وضبط و ربطه
تقید ایلیک نثیمه اولندی اول کون والد شهبه بک جنازه سی حرم هما یوندن اخراج
وسرای عتیقه کوند ریابو انده تجیه و نکفین اولنوب سلطان احمد مرحومک تربه سنه
دفن اولندی حرم هما یونده مقدار جوارسی واریسه همان اول کون جمله سی اسکی
سرایه نقل اولنوب مرحومه مالندن بر مقدار غایتی اون ییک اچیه ده دک و ریابو ایکه شهر
صندوق اسباب و اشیا لر ایله جمله سی طشره اخراج اولندی لر و حالینه مناسب بر
مسلماننه تزویج ایندی لر مغزول اولان یکچیری اغاسی و کتخد اییک اول کیجه ماللرین
پانجه لرینه طاشیوب ایرتسی بحسب فرمان منصب بلزینه کتک اوزن! اتباع لر یله نبوب
شهر دن طشره اولوب چکجه حوالیسه چادرلرین قوروب کتخد اییک همان یوزیکرمی
میک فلوری استصحاب ایتشیدی دیوینه محرملرین منقولدر قتل بکاش اغامزور
بروسه منصبینه کتکه عارایدوب موأخذه دن دخی خوفی اولغین سلوری قیوسندن خارج
چفتلکنده مفتی اولدی یینه امن خاطر کلیوب اندن قاقوب زنگنه مأمن اتحاد ایندی یکی
اوجا غه دوستوب اصلنه کند و منشی اولان مصصوب جیلر او طه سنه اختفا و انلره
الجاب ایندی انلر دخی نبری کوستروب سکام نصب ویردی لر اطاعت ایتیبوب کتخد اییکه
صورته بز سکانه صاحب جیقه یلور زاطاعت اولو الامرا تماش اولور سر حاصل سنی
قورتر امز دیدیلر انلر دن دخی مایوس اولوب تبدیل جامه جراح با معی یانده کندو
دوستلرندن الی پرما غک خانه سنه واردی خد متکار صاحبی مدرس آدم اولغله
صاقلغه جرأت ایدم میوب یینه اولخله تر لکچی محمد چلبی دیرلر رحزوی خانه سنه واروب
صاقلندی واسکی امکداری بر بازان کیدن اوغلانن غیری اول مکانه کلد یکن کسه
پیار مش بکتاش روسیه کتیبوب غیبت ایندوکی شایع اولد قده طرف سلطنتدن طلب
و چفتلکنده و خانه سنه بولنا بجه قیوجی با شیلر دن بویاجی حسن اغا اخذنه مامور اولوب
دلالرند ایندر دیرلر مکر بازان کیدن بکتاش اغایه قوزی اتی و خاص اتمک و بعض اطعمه
نفیسه و میوه آلوب اول متر له کتور رایش اوغلانی ییلوب اهل سو قدن بری
آردنجه کیدوب اول نواله بی طاشید بی منزلی کورمش بویاجی حسن اغا وافر
اتباعیله ازایه رق جراح سمتنه واروب الی بر مق اکام منسوب اولغله اوینه کیر وب نفخص
ایدوب بولدی اولخل دلال بکتاش اغای بی بولوب خبر و بر مته دیرلک و احسان و ریابور
دیو چاغر ردی شخص مزبور بویاجی به کلوب بن قنده اولد غن ییلورم وعد اولنان شئی ویر
کوستره یم دید که حسن اغامته هد اولوب اولمزله وارد یار بکتاش او با صلد و غن کوروب
خوف جان ایله طولا ب آردی ماسدی بر مضیقده صاقلندی هله ازایه رق بولوب جیق
هید کارنن چقمیوب اطراف دن قایم اوجیله دورته رک چیمقار یلوب رضاسیله تسامیم اولما غله

مشت و لکد ایله باشن و بعض اعضا و جوارحی مجروح ایدوب آق صفالی و جمله جسمی قانه
مستغرق اولوب قوی و جسم شخص اولغله کوجه زبون ایدوب بنده چکوب واللری باغلنور کن
بقه بویاجی حسن کل همان اغز مدن بر کفر سوز جقمه دین بی یونده اولدر دیمه سی هذیانات
بامالانه عد اولندی حسن اغا بر طاشی اشکی کتور دوب دیدیکه بندیره اول محل حاضریندن
چره چاوش نام بر مرد دیر بویا جینک قولاغنه دیدیکه اگر چه بکتاش مغضوب یادشاهی
وانواع جزیه سز بر کشیدر فاما اوقاق مناصبتدن بر مرتبه قالمامشدر که و اصل اولیه
شمیدی سن یونی حمار بند یروب کوتور رسک جمله یکچیری سکاکینه دار اولوب بروقت
ایله سنندن انتقام الورلر نیم بار کیرمه بندر کوتور دیمکه حسن اغا کوردیکه خیر خواهانه
نصیحتدر چاوشک بار کیرینه بندر یوب قوللری باغلوا تک قارنی التندن بو قاغوا وروب آق
سرلیدن سرای هما یونه و ارجه علی ملاء الناس تذلیل و تحقیر ایله کوتور کن اهل سوق بره
بادشاه خینی طالم اشته جزا کی بولدک دیو یوزنه قارشو تودییه رک تفریح اوله رق و تحته
تشنیع قاقوب طعن و لعن ایله دشمنی ایندی لر بکتاش اغا ایسه مکشوف الید مربوط
الرجل بار کیر اوزرند با شندن بر سیاه قاقو دستار یوق چهره محاسنی آل قانه بویانمش
مغیونیت جهلندن ایمان یأس مقامندن پار مغین قالد یروب کله شهادت اعلانه
مشغول ایدی اهل سوق جهالته طعن و تشنیع لردن الیدن تجاوز اطفال و مراق
اوغلا بحفلار دینه دوستوب بره اور کیدی فلانی قنی بوفلانک شبقه سی دیو چاغر یسوب
ییله کیدر لردی شبقه نک اصلی بودر که وقعه دن بر قاج آی مقدم مزبورک اهل سو قد
اولان جور و تعدیسی و سو قدن بقال و سارژ ذمیلره سرماییه و یروب خلقه اکسک
صاقلر مغه سبب اولد و غندن عباد اللهک جاننه ایری شوب بعض ستم دیدظر بفر قیوسنه
فر نک شبقه سی میخلیوب بی رحم و بی دینلکنه تعرض ایتشیلر ایدی اتباعی علی الصبح
قیو اوزرند شبقه بی بولوب خبر ویرد کوزنه مغرورانه خنده ایدوب بزم الی بر مق ابراهیم
چلمینک کیجه لکیدر اکاو برک دیمش ایدی الی بر مق یوسنوی ابراهیم چلبی که مدر سیندن
ایدی اغالره منسوب و چراغری اولغله مجلسلرند لا ابا لی لطیفه و کفر یاته متعلق شقالر
ایتد بکندن بومقوله مزاج مستهجن لر یله آلوده اولمشیدی هر چند قیو جیلر اهل سو قدن
هر ف اندز اولنلری از ایدوب اطفالی دک ککرایله اور کور لردی یینه خلق جروب و شتوم
ایدوب اطفال عقبنده آل قاقوب باب هما یونه دک کتندیلر محل عبرتدر که زمان غزنه
یانجه واردنجه قرق الی نفر سقر لا ط پوش یگی قوشا قلی لردن ماعدایکرمی قدر
بالا یلند خنکاری صار قلی چوقه دار لر یکی جانندن ایکی مکلف یولدش اللرنه بر توغ
ریشه سی رنگ آمیز مذیه ایله آتک کوزن و بورتی و قولاغن و طشاغن تزویج طرد ذهاب
ایدرک و خلق ال باغلیوب سلامن النلر افتخار لدر لردی بوالعجب که اقبال دنیا ادیان منقلب
اولیحق توغ مذیه یرینه قچیلر ایله بندیکی بار کیری سوروب کیدر لردی نعوذ بالله من
مجازات الاعمال و سیئات الافعال بکتاش اغا بوالله سرای هما یونه واروب عرض اولند قده
جواب چیقجه قیو ازار سننه الیه قوندی اولوقت سابق الذکر قوشی محمد که والد کیرمک

قاتلیدر بکناش. اغانك قريشوسنه كلوب بره خاش ظالم بن سكا نه اسكند مكه بنی دفتره
يازوب باشی استه دك ديوتوبنج ايدوب بکناش اغانا شاشن چا توب بره پوت قيا قتلوقا نل
يقل شوندن ديونعنيف ايندكك قوشجي محمد باق شوملوعولك وضعي بوت ديمك
چوقدن كندی ديوتوب فرشتم ولعن ايلدي بعدا حضور همايونه كوتوردكك قتلنه اشارت
اولنگله يوغوب جشه سني ميدان سياسته القايتديلر اندن برکليه قويوب حما لارايه
هنرانه كندرلدي نمازي قيلنوب طشره ده دفن اولندي اموال فراواني ميري به قبض
اولنوب جمله دنمكره اوغلمك دلالتيه منزلنه اولان حوض آب قلع اولنوب التمه
بحوض مثالي محزنه دوكره بال واپكي مرصوص كوكم فلوري ونجه اشياي ذبقيت
بولنوب اخذ اولندي مورخ ديركه بكتاس اغانا رناود جنسندن ظهور ايدوب ابتدا لاله
سكبان باشی دلي قاسمه خدمت بعدا بکچري اولوب يوليله اشجي واطه باشی
وجور باجي اولدق قاسم اغانك دامادي اولدي بغداد فخرانه يوليله كند ايبك اولدي
وجلوس ابراهيم خانيد مصطفي پاشا وقتنه تکه لورينه بکچري اغاسی اولدي كندوسی
صرف ابي ایدی لکن سيمواسی شيخ دن بيعتلي اولمغله اهل تصوفه عاميله تقليد ايدردی
هئي عصر نه حمزه ويلك ناميله متهم ایدی فاما خست طبعی ودنات و طبعی حددن
زياده ایدی او جاقده مال فراوان قزاقوب تا بکچري باكي خالندن برو مراجعه و مضاربه به
اچمه و يروب مسكن و ماكل و ملا بسنه تفریط و تقصير صاحبي اولمغله مصرفي غايت
قليل اولدوغندن كندكجه مالي زياده اولوب سرمايه عظيمه به دسترس بولوب بعدا
يوزاللي اچمه تقاعد ايله مستريح اولوب دولتي كالد ايكن سلطان ابراهيم خان وقعه سندن
صكره صاحب نام و كلام اولوب امور خاصه و عامه به مداخله و ارتشاده اقرانه تفوق
ايلدي مناصب و خد مات رايالتمه مداخله ايدوب و مولويت و مدرسه قارشد يغندن
ماعد اكثر جلب كشان و ذخائر و ماكولات كتورنلر و غير برلره كتورنلر كند و سرمايه سني
قوللا توب كذالك اتكمچي فرونلري و بقالار و سائر صناعات اربابندن سرمايه سي اولوب
احساب نا ئبلري بلكه استانبول قاضيلري قول كزدكك بونلر ك فروشه و دكانه و علاقه سي
اولان سوقه به تعرض ايدم مژدي فرضا بقاله اين اشاغی ديسه لبقال كافري سزني
دوكره مژ سز سلطانم سرمايه بكتاش اغانك دردي خنده كان اولدق حاكمه راه مساحه به
اطلاق غلندن غيري چان بوله مژدي عاقبت سوا فعالنك مجازاتن كوروب بوقدر حرص
وتعب ايله جمع ايتديكي مالي غيره نصيب اولدي طوتوب كتورن بوياجي حسنه خدمتي
مقابله سنده قيوچيلر كندالفي ويرلدي قتل اغاء سابق قره چاوش ديدكلري مصطفي
اغانه طمشوار اياقي و يرياب يوم معهودده شهر دن از عاج و اخراج اولنشميدي طشره ده
چكمجه قريبنه چادرلرين قوروب اندن قالقوب سلوري قريبنه برعاز نام قريبه ده واقع
چفتكند قرايدوب و كتمك تداركند ايكن قبودانلق فرماتي كوتورديلر فرماتي كتورن
وزر اغاسنه ييك غروهر و خلعت و يروب مسرو راوشيكن در عقب بوياجي حسن اغا
التش مقداري تفريله واروب اراز خط هماين ايدوب امرياشا دشبك ديو

گريه بانه ال اوردق طائفه سني ممانعت مراد ايتديلر حسن اغا نهره اوروب چكك الكري
جمله كز قاچدن كچر سزديكله مرتدع اولديلر هله مژبوري بنده چكوب براته بند يروب
سلوري اسكند سنده قاينه قويوب سرای همايونه كتوردی حضور همايونه كير دكك
حاضر يندن آخور خليفه سي حضر ييك نقل ايلدي حضورده دامن بوس ايدوب بحالت
برله طور دق پادشاه حضر نلري بالذات خطاب ايدوب بکچري اغاسی سمنسن
ديويوردق بلي پادشاهم ديوييراويدی پادشاه ايتدی نجون بوقدر فتنه لرقالدر دك
جواننه حاشا پادشاهم نم صوچم بوقدر دیدی پادشاه يابونجه فتنه لري كيم قالدردي
ديدكك بكتاش اغا و قول كند اسي قالدردي ديوجواب و يردی پادشاه نكرار خطاب
ايدوب ياسن اغادك كيدك ديدكك پادشاهم انلر متغلبه دن ایدی بن انلر ك ضبط و سوزلرينه
مخالفته قادر دكل ايدم دیدی پادشاهم سكا بر قاج كره خط كوتروب دعوت ايتدم
نجون كلك و شمدي نه عجب كلك ديدكك برك سيدكي خطاب پادشاهيدن لرزان اولوب
كلكمه انلر مانع اولورلردی خنكارم دیدكك پادشاه قالدرك ديواشارت ايتكله طشره چيقاروب
بوستا جي باشی به تسليم ايتديلر اغاوار القه طور مژ اغار و على الاتصال چشم حسرتدن
اشك ندامت دوكردي اول محل بوستا جي باشی طعن ايدوب اغا حضر نلري بو اغلق اول
كرك ایدی صوك پشيمانلق فائده و يرميه چكي مشهور در اولوا مژه مخالفت في الحقيقه
جانندن ال يومقدر و دولته اسنيلا ايدوب بي پروا آتوب طوتمق كشي كندوني بلا و هلاك
در ياستنه اتمقدر وقت فرصته مخاطره به بي پروا جرأت ايدنلر جان بازارنه دخی مردانه لك
كوسترمك كركدرديوب بوستا نجيلره اشارت ايتدی ايكي اسير كتوروب في الحال بوغديلر
رمضانك يكرمي سكری ایدی ميتي امير بخاری جامينه غسل و مقابر مسلينه دفن اولندي
اغانی مژبور نجوان شمتلرندن تراكمه اوغلان ایدی بعض شرق سفر لر نه كتوريلوب نجه
آواني به خدمت ايدرك بکچري واشجي بعدا يوليله چاوش اولوب سلطان ابراهيم جلوسنه
باش چاوش ایدی جوان قيوچي باشی صدارتمه محضر بعدا يوليله كريدده كند ايبك
بعدا كلوب اغا اولمشدر سوزا و جاغه دوشدكك جمله نك سرداری اولوب تعين و طمع
سودا سيله حالي بوكه منجر اولدی ييك بشيوز كيسه قدر تقودی و اكاكون تحف
واستياسی ميري به النوب مجهول يرلده برنجه اموالی دخی غائب اولدی قتل چلبی
كند ايبك قول كند اسي مصطفي اغليه بوسنه ايلتي و يرياب و افرالتون و نقودا مستصحب
اولدخ يوم معهودده استانبولدن چقمش ایدی همراه اولان اتباعنه وفادار اولمق زعيمه
آوج آوج فلوري بدل ايدوب كاروبان عظيم ايله نكفور طاع غندن ملغمه به طوغری
كندی مقدم بكتاش اغانك قتلني ايشته كده منصبه كتمكدن اجنتاب و فرار ايتديكني تهتمه
حمل ايدوب و سوسه ده ایدی قچانكه قره چاوشك قتلني استانبولدن بعض احسان ديدلري
يازوب بادركك صاغ قالليه جفتي تحقيق ايدوب بارونيكاهن اول محلله براغوب بره كيه
التون ورمقدار جواهر مقوله سي الوب برايكي محرم يرارامكدار ليله فرارا ختيا رايالدي
اغالري و سائر انباغی جمله قلان اشيا و نقودی يغما ايدوب بي نام و نشان اولديلر فراري

استماع اولند قده اطراف وجوانه او امر پراکنده قلندوب بوجه اریه لق مون سخاخی ویریلان
دفتر دارزاده محمد پاشایه بای حال اخذی ایچون امر شریف کندی کتدی ایکن ایسه فره جگ
قصه سده طوغری کشیددی در عقب اخذینه تعیین اولنان شیخ اوغلی دخی فره جگه
واروب قوند قاضی یه واروب فرمانبرین او قودنجه کتدی ایکن فره جگه قوغیوب یچوب
اورخان صوبی سمتته متوجه اولدی فره جگدن و اطرافدن رعایا سور یلوب یولن آلد قلندوب
بلند اولان ترکشی بوشالدرنجه خیل جنک ایدوب وافر آدم مجروح ایلدی اشاء جنک کندی و سبی
قولندن مجروح اولوب هر نه حال ایسه طوغوب باغلدی یلدر دفتر دارزاده مشارالیه محمد پاشا
ایلروده فره صوبه کچه سنه ایدی اکادخی آدم اوچوروب بنوب سر عتله گلشیدی کتدی ایکن
مغلول الیدوز مرشارالیه نسایم ایتدی یلر اول محلله زخمین مغلوب و حیاتین مایس اولغین
پاشا حضر نلری لطف ایلد بخی صاغ کوندر مه بوند قتل ایلد دید کده بزده اولمباحته
ما مورزدیو جواب ویردی رخصت رجایتمکله ایدست آلوب نماز قیلوب توبه واستغفار
و کله شهادت نصیره کندی کندی الیه بیاضی و قارالیه صفالنی قالدیروب بوغازنه
یچروب شهادت کتورن رک تسایم اولدی باشی کسبلوب شیخ اوغلی ایلد آستانه یه
گوندرلدی مورخ دیرکه ثبت وشجاعت و کرم و سخاوت صاحبیلرندن اوله گلشدر
هر قلندوب خسیس و دخی واریسه محنت و جبان اولور لر بکتک شاش اغا و فره چاوش ایکینی
دخی بنتی حمید کی خست و دناوت ایلد معروف ایدیلر اخذ اولنوب نجالتلری محال ایدوکن
ینلور لر انکن کریان و نالان اوله رق حمیت شجعه بی منافع جزع بی فائده ایلد رسوای اولدی یلر
اما چلبی کتدی ایکن نفسنده کریم الطبع اولغین و سغنده اولان مرتبه مجادله و مقاومت
ایدوب ترکشی تهی اولد قده یار لی طوغیوب بدل جان دخی اخسای سبک مغز کی
لر زه ناک اولدی اما حقیر دیر مکله جان طاسا تلور در غیری شیه بکزه مزاححق بوسوزک
منشی حکماندن نقل اولمان بولکلام حکمت انجامک مدلولی اولق و ارکه دیمشدر در عاقل
و کامل بر بلیه عظیمه دوشد کده خلاصه بر حیلد تدارکی ممکن ایسه و سعی مرتبه سی سعی
اینسون عقل صحیح عندند نجات متصور دکل ایسه جزع بی نفع ایلد مقنات صبر شرفی ازاله
ایمه ملک عقل و روحک قوتنه دلیلدر دیمشدر سقازاده مصطفی اغا نقل ایدرکه وزیر
اعظم سیاوش پاشانک حضورند ایدم وزیر مشغول کلام ایدی اکسوز بن بر طبقه ایچنه
یونش و صفالی طرانش کتدی ایکنک رأس مقطوعن اوکنه کتوردیلرنا کهانی کتورد کلرند
مشترک اولوب حضور همایونه کوندر دی و نأسف صورتنه باش صالوب ارالزنده شو
آدمدن معقول یوغیدی ینه کریم ایدی خوفندن فرار ایتمسه واروب بوسنده ده او تورسه
رجا و تخلیص مراد مزایدی اما حلی گلش دیو وافر آجیدی کرم نه کونه صفت مد و حه درکه
اهد الزی بیلد کرمانک ذکر جمیل ایدر لر کتدی ایکنک باشی باب همایونه بر کون طوروب بعد
احسان دیه لری الوب عز می زاده مرقدی خطیره سنه دفن ایتدی لر وایت ایدر لر که وزیر
اعظم دولتش بر قاج سنه لک ایرادنی و مصارفی یوقلیوب و اغا لک تسلط ایلد مد اخله
ایتدی کلامی اموالک محاسبه سین کوروب کتدی ایکنک ایکی سنه زمان تغلب و طغیانده اون بش

کیسه مال میری یه دسترس ایدوب بوجمله دن بش بیک کیسه اسراف و اتلاف ایتدی کی
متین اولدی بونک دخی ایکی بیک کیسه قدر تقودی و حددن افزون تحف و اشیای
میری یه اخذ اولندی اوچینک اموالندن و بعد هذاکر اولنه حق اتباعلرینک مهادن
لرندن النان بوقدر بیک کیسه باجمله اندرون خزینه سنه داخل اولوب طشره دفتر دان
تسایم اولندی چلبی کتدی افرار ایتدی بکنده جمله اموالی اتباعی یغما و تالان ایدوب اطرافه
پریشان اولمشلر ایدی باشی کلد کد نصیره دفتر دارزاده یه اموال پریشانک تحصیل ایچون
امر شریف کوندر لیدی اولدی خی اطرافه آدمی پراکنده ایدوب هزار تقید ایلد قرق یوک
اچیه لق التون جمع و تحصیل ایدوب آستانه یه کوندردی لکن ثقاتدن منقولدر که چلبی
کتدی انک بیک کیسه قدر تقود و اشیای تاراج کرده اتباع اولوب اله کیر نلری دخی جاچا
صقلنوب هضم و کتم اولمشدر حاصل کلام برایکی سنه عالمه ولوله و یروب دولت علیه یی
قبضه تصرفلرینه الان اغا لک عاقبت حالی بوجمله ختم یلوب کان یکن اولدی یلر
وسا ترا باع ولو احقری دخی مضمحل اولوب بونلرک قوتیلد حد دن تجا و زاید نلر
جزالین بولدی لر تنه کیم تفصیل کلسه کر کدر طوغری دخی تجا و زایدن باغیلرک حقند
هاده الله بویه جاری اوله گلشدر نفی عزیز افندی شیخ الاسلام عزیز افندی ابتدا
اغا لک قوتیلد شیخ الاسلام اولغین انلر ایلد اختلاطه مبالغه و کلام نلری تمشینه
مساعده ایتدی بکندن غیری افضل مراتب بشریه اولان مشیخت اسلامیه مقامینک
توقیرنه مختل کاه و سیکاه اغا لک زیارتنه واروب انلری نکریما صق صق دعوت ایدوب
لا ابالی لک یوزندن اظهار خفت ایدردی انلرک رضاسی جانبی ترجیح ایتدی بکیچون سلطنت
علیه نظرند اعتماد و اعتقاد خیر یه دن ساقط اولمشیدی خصوصاً جمعیت اخیرده علم
شریف چیقدی کون اغا قیوسنه اندن آت میداننه واروب عیالی و اتباعی فریاد ایدوب
پادشاه طرفته کیت اغا لک جا نندن ایشک ندر دیه کوردیلر مفید اولیوب چونکه سلطان
ابراهیم خلعه اطلاله لسان ایلد شهرت بولوب بومقوله جمعیتلر ده سوز سولیلوب ایلور
اتفاق تعیینه سبب اولدی بوجمعی دخی انلر قیاس ایلد اغا لردن ایریلد میوب سر اید
ایوسعیدک مفتی اولدیغنی طویقد نصیره تحیر و محالت ایلد دامندیر اولغین ایش
بتد کد نصیره ضروری واروب لاجرم قلوبک تنفیرنه سبب اولدی رمضانک اون ییدنجی کونی
فرمانله خانه سندن قالدیر یلوب صماتیه دن بر قایغه قونوب اریه لق اولق اوزن ساقزه
کوندرلدی فائده سبحان القادر علی مایشاء و لا یجری فی ملکه الا مایشاء بوسال عجیبه
الا حوالک طالعند که برج میر اندر جرم مرغ ایلد رهین و بال و تریعه بیت عاشرده جرم
زخل خانه هبوط ایلد دلیل اختلال بولنوب آفتاب عالمتاب و قد سابعین شرفنده فر سادسه
ساقط زهره خامسه عطار دیت سادسه که حوتدر بولنوب مشتری بیکه دلیل علما و مستعلی
قران وهم ساخده واقع اولمشدر بیت ثالثه تریع عطار دده بولمشدر ثالث برج انتهد
بو صورنده استدلال اولنان حوادث غریبه بر مقتضای ارادت احکام الهیه عینی ایلد ظهور
ایلدی اولو و تد رابع برج جدیکه حاکی و بیت الشرف پیرامدر مقابله زخل ایلد مغوس

اولوب چون موضع زحل برج سرطان و فی الاصل طالع قسطنطنیه در استانبول و سلطنته متعلق اولان اضطراره دلیل ایدی تریع مرغی دخی مقوی و هیچ اولوب اولان و اخر شعبان زلزله و هفته سنده که خامس مضامند رولوله حدوث ایدی اغا لکه مرغیان دولت و تصرفه متکلم بلکه معنی باطن سلطنت و صورت ظاهر دولت اید بفر فساد عاشرو تربیع مرغیدن و مقابله مرغی و شمسدن طرف سلطنت ایلر و سالی لشکر اولان ارباب شرو و شقاوت هایبینه خلاف و شقاق ظاهر اولوب طبقات زخیدن طواشی اغا لعین عز و دولته ایکن مرغیان انلرایله خصومتی هلال امر ایدنگ وقوع بولدی و بعینه یابو صورت تربیع اثارندن بحسب القدر و المربیه مقدم عاشریان بلکه مدار امور سلطنت مقامه صاحب نامه نام و شان اولان و الیه سلطان حاضر نرینه مضرت اصابت ایدوب خصوم صاصورت زایجه ده نور بیت ثامن بولنوب بیت اخر صاحب ثامنه که طالع در جرم مرغی و قوی مؤید اولان لاجرم برج عاشرو هم بیت سلطان و هم بیت مالداران اولمسی دخی حکمت صریحه دن تخی اولوب و الیه سلطان اتباعیه قتل و تنکیله مظهر اولدی یار و مرغی بیت طالعده تربیع زحل ایلر مخفوس اولمسی مشتری برج انتها ده بولنه سی مؤید اولوب متعینان و مالدارانه زوال تربیع ایدوب مرغی منزه از اغا لکه مقتول و انظر طرفه بولنان طبقات مشتری متخیر و مخذول اولوب ثانی لکه برج انتهاد رز و جسدین بولنسی ذکر اولنان اشخاص و مواد و مراسلات و حتی جمعیتلر ده بیلر موجب و مقتضی تعداد اولدی و مرغی طالعده بولنغله گوکب ظفر در لشکر عوامه یار اولوب نفیر عام و تجمع تام واقع اولدی کذلک تعدات جله سندن ایکی مفتی دکشمک که مدولت مشتری و بیت ثالثند و وقوع بولدی و صاحب ثانی لکه دلیل مالدر طالعده بولنوب مستولی عاشرک تربیع و تسدیس مشتری و ثلث زهره ده بولنسی باذن الله تعالی دلالت ایدوب لاجرم مقهور لکه اموال قهر و تسلط ایلر و هیجان عوام سبی ایلر مقبوض پادشاه اولدی بوجه یه شمس بیت سابعده بعد مقابله مرغی و تربیع زحل بولنغله دخی باذن الله تعالی دلیل قوی ایدیکه قصد و خاصیه مرغیان و کندو مشرفه انلر و بال و هبوط اولوب کندو تسدیس زهره و ثلث مشتری بولنسی سلامت و مضرت سلطانه دلیل عجیب اولدی کذلک عطا ردکه بوصوله صاحب ثانی عشر و دلیل اعدا و سادسه که حوت در خانه و بالنده بد حال بولنوب چون سال قرانه بیت نکینه که ثامن در هم محترق هم محاسد ذنب بولنشدیدی و هر ییل بر کونه اثری ظهور ایتشدیدی بوسال دخی بوحال اوزن مطالع و عاشر شمس و زهره و مستولی عاشردن ساقط بولنوب بوجه ایلر بیلر تربیع مشتری یه که دلیل وزیر صاحب دولته در بولنسی سقوط و نکبت اعدای دولته دلیل واضح اولدی عطا در منسوب بلرینک اشراقی دخی متضرر اولغله دلالت ایتشدیدی و اکثر دلا لکه بروج منقلبه ده بولندی یوقضیا یا براوغوردن از مدته صورت بولسنه دلالت ایدوب رمضانک اون آلتی کوندن ایکی اسبوع قدر مدت اراسنه بونجه حوادث ظهور ایدی و برج اسد که شمس بیت حادی عشر در ثنیت آفتاب و برج جیه و تسدیس مرغی بولندی

قوت پادشاه و وزیر مفتی زمانه دلیل و لشکر و عوام ایلر مصافا نرینه علامات واضح ایدی تنه کم بیت حادی عشر مقابله زهره ده وزیر سابقک عزانه و بعض مقر بلرک نکینه دلیل اولدی و شمس بیت الشرفه و مرغی ناظر بولنه سی اگر چه نظر عدوت ایدسه ده عامه لشکرک و عوامک طوعا و کرها پادشاه انقیاد لرینه و میل و اطاعت لرینه دلیل اولدی که خانه سنده کور مکه نظر قبولدر لاجرم سلطان و قته ضرر اولوب اعدا و شرکاء دولتی مقهور اولدی و برج دلو مسعود اولدی دخی بعض زخلیانه دلیل قوت اولدی و بوجه یه سابع شواله اوله جق قران مرغی و مشتری دخی دلالت عجیبه ایدوب معتاد اوزن آثار و لاتی وقوعندن مقدم ظاهر اولدی کذلک قران نحسین سر طانی با حکمت بواتصالات خاصه مقابله مرغی و شمس و قران مرغی و مشتری سبب ظهور اولدی تنه وقایع سائر و تبدلات جزئییه بیت کیجه پروانه لکه جمعی کرما ایدی شمعک سحر کوردم نه شمع مجلس آراوار نه پروانه چون اغا دولتی منسحل اولدی خلق عالم کویا کاپوس نحو سندن قورتلادی شکله اکابر و اصاغر نوعا امنیت و راحت بولدی و قعه منفذ اولدی کونک ایرتسی وزیر اعظم و مفتی ابوسعید افندی و قاضی عسکر لوسا تراعیان خانه لرینه کلوب تهینه مسارعت ایتدیلر مفتی افندی بروسه قضاسن صاری عبد الله بن قالدروب فتوی امینی التي یرمق عبد الفتاح افندی یه و پردی صدر اعظم سیماوش یاشاکال استقلال و مهابت ایلر صدر و زارانه قرار ایدوب دولت برکشته خواشینی نفحصنه باشلیدی جمله دن صاری کاتب دید کلری فتان و مشو م که اختفایتمش ایدی احباستدن نکفور طاعلی عبد اللطیف چلبی محرم اولوب شومقدارشی ایلر سنی عفو ایتدر مکی فلان ایلر سویاشدم دیواغفال ایدوب وزیر خبر و یرمکه اخذ و قیود و جبارک اوطه سنده حبس ایتدیلر عبد اللطیفک بوخند می مشکور اولوب محمود یاشایش و یردی صاری کاتبک ماملکی میری یه قبض اولنوب کندوسی حبس قالدی مورخ تفصیل ایدوب دیرکه مزبور مقدما ابراهیم خان زاده ننگ حید و دنام برشتی کوله سمنک ولد ناخلفی اولوب دفتر دارا تنکی زاده ننگ قره قولغی یو کرک اولاغی ایدی کمال ملعنندن برایکی دفعه ولی نعمتنه قاچ چکمش ایدی ملعون بر مضحک مسخره اولغله کیدرک اکابر مصاحب بعد کتخا بکه پاتوب کتخا بیک جاهل اولغله بونی کندویه قرین و کاتب السر ایدینوب لاف و کذافنه الدانوب بونی عاقل ناصح ظن ایتشدیدی حتی والد سلطانن کتخا بیکه و اغاره کن تذکره لره بو محرم اولوب جواب یازردی دیوان همایون کاتب لری عدا دندن اولغله اغا لکه قوتیلر اناطولی محاسبه جیلکنی قائمش ایدی لکن منافق خبیث اولغله اغا لکه بازار اقبالنه کساد علایی کلد کلد کن تذکره ل جواب لری یازد قد نصیحه جز دانک حفظ ایدوب خفیه ملاک احمد پاشایه و بعد سیماوش پاشایه کوسر و ب سر لینی افشا ایدردی کانه بویوزدن دولته و وزیرایه خیر خواهلک صا توب اغا لکه بر طرف اولور سه بوضع صاد قانه سی کندویه سبب نجات اولور ظن ایدردی و اقا بوی وضعنه سیماوش پاشا فریفته اولوب محرملرینه شو صاری کاتب برصادق آدمه بکتر دیر ایدی و حبس ایتد کلد جمله مالی آلوب کندوی اطلاق ایتک فکرینه مصمم ایش لکن کلمه الشر

یکدیگر کاسک و بطیر را سگ مفهومی منجه خبیثک حجه لسانی قتلنه سبب اولدی
تفصیل بوکه مزبور اناطولی محاسبه جیسی ایکن دیوانه اولان وزرانک اکثری قول جنسی
واقع اولوب سیاوش پاشا کورجی پاشا و کنعان پاشا و غیرهم دیوانی صاوبو و اغارک
محاسبه معضره لقا ایتمکه کیدردی اغارک و کاسوآل ایدوب صاری زره دن کورسن دید کارنه
اسیر یازاندن کلورین دیوب دیوان همایون کنایه ایدردی اول مغرور لر دخی بو خلط فاحشدن
حظ ایدوب قهرمه ایدر لردی بو ادبسنر لکی سیاوش پاشا یه نقل ایتد کارنه اطلاق
ایتمکدن فارغ اولوب لقا بو کجه قتل ایدک دیونیمیه ایلدی بو نیمی هک خبری کندویه
واروب نجاتدن مأیوس اولد قهر مجا غیلله اوروب کندوی ذبح ایلدی هنوز جان چکشورکن
بروجانبه خبر اولد قهر واروب کارین تمام ایتدیلر لاشه سنی دریاه ایتدیلر و نفسی قتل اکثر یا
بد خوی روس کوله لرینک عادتی اولغین العرق نزاع فحوا سنجه باباسی اولان یازنک خصمائی
گندوده ظهور ایلدی دفتر دار پاشا جمعیت انقضاسندن صکره سرایه واروب قول
مواجین تمام وجه اوزن الترام ایتمکدن دفتر دارلق محاسبه دن معزول صاری علی افندی یه
تخمین اولنشمیکن یفه اسکی دفتر داره مقرر قلندی و عسس باشی عمرا غاخیل مدتدن
برو اغارک استناد ایلد متول اولوب قوری قواقد سرای آسار عظیم خانه بنا ایتمشیدی
اخذ و حبس و مصداق ایلد اطلاق اولندی و کتخدا بیک و اغارک توابعی اولنلردن خارج
ازادب وضعله لسانه دوشن دوه جی باشی کورعلی و مهر دار و امشالی عزل اولنوب نجه لری
قرار اختیار ایتدیلر متموللرک استیجی دلی برادر قرار ایدوب بولانه بیک التون جعل
وعد اولنوب منادیلر چاغردی بولندی مالدارک معینی چوق اولور خفیه کورجی پاشایه
اوتوز کیسه و انک یدیه وزیر اعظمه یوزیکرمی کیسه و ایکی بیک التون فیتلی بر قوشاق
و یروب کورجی پاشا برحامیلله عفو اولندی بو شخص اگرچه اغارک وارردی اما بر منصبه
قارشدی بوق بیع و شرایه مشغول خدمت لور صاوتر کار یله تعیش ایدوب بر اهل عرض
آدمد رانی انجتمک لایق دکلد دیوبیاضه چیقار دیلر رئیس الکتاب موقوفاتی محمد افندی
بیوک والد آتیمکدن اولد و غندن ماعد اسبقا قهر مصطفی پاشا عصر نه ساجد اپاشا لور
اولغله سیاوش پاشا ککندویه کینه قدیمه سی واریش و جمعیت یکپیری کجه سی کندو
ایله استشاره ایتد که اغارک جانبی ترجیح ایتدیکدن دخی دلکیر ایمش رمضلک اون طقوز نه
اغارک ایشی بر طرف اولد قد نصکره وزیر قار شوشو سنه طور رکن همان بلا باعث پاشا کندویه
قاش چاتوب بقره مقد ماساحد ار پاشا کک قتلنه دخی سبب اولان سن دکلید ککل و ارکیت
مشور دن دیوبخا تعریف ایتد که موقوفاتی بو قضیه بی سببدن متخیر اولوب طشره
چیققد قلا چاوش باشی حیسنه ویریلوب مطالبه امواله استتقال ایتدیلر و صد ارتدن معزول
ملک احمد پاشایه سلسله یاللی ویریلوب درویش پاشا اناطولی یه نقل اولنشمیدی حالا
ملک احمد پاشا دوندیریلوب ملغره یه نفی و اسکان فرمان اولنوب کتخدا سی غلام محمد دخی
آستانه یه طلب اولنوب کتخدا سنک کتخدا سی حیس اولندی منصب ریاسته بکاکی شامی
زاده حسین افندی اسعاد اولندی و باش محاسبه دن محمدی محمد افندی عزل اولنوب

منصبی صالح پاشا تذکره جیسی حسین افندی یه ویرلدی و اناطولی محاسبه سن وقوعه دن
ایکی کون مقدم صاری کاتب رضامیلله بر نفس ایدی شمدی اورفه لی قره باقی افندی یه
ویرلدی استانبول و نواحی سنه اوقاق اغارک و بکتاش اغارک قیونلری سیمی ایلد لاون اچیه یه
واون بشه دکل صااوردی بعد الوقعه سنکره ایتدی تکرار در عقب اون اچیه یه چقد قله
کمرک امینی و قیون امینی اولان ارمنی حسن وزیر دن ایکوز دکلد یکله یه سنکره تنزیل اولندی
زیرا اغارک بکتاش اغارک ایدی قیونلری زیاده یه صااوردی ایچون سلطان محمد و سلطان بایزید
حولیلر نه و بعض میدانلارده اولان قصایلر که چیرکی تعبیر اولنور انلرک دکانلری قلع ایتد رمشا
ایدی لایله اذن ویریلوب هموزا تار سنکره راکان اولوب خلق دعاء خیر ایتدیلر و مدرسمیندن
اغارک منسوب الی پرمق یوسنوی ابراهیم چلبی چاوش باشی حیسنه ویریلمشیمک شینگ الاسلام
صاحب چیقوب علما حبس و مصداق اولد موجه دکلردی یو اطلاق ایتدردی شوال عید
شریف علوفه سی چیقوب نفراته توزیع اولندی هر علوفه ده اللی بیک غروش اغارک
حصه لشوب اسامی و توابعات و سایر جنایاتدن ماعد امان اللی بیک غروش اغارک کتخدا
بیک و سایر اغارک و کاتب و خلیفه لر علی مراتبهم نجش قلنوردی استنبوعید شریف علوفه سنه
اولمقدار اچیه ارتوب میری یه قالمغله مقتوللرک خیانتی اظهر من الشمس اولدی و معتاد اوزن
چوقه چیقوب صالحتی قورمق و سایر ملاعب وضعنه اذن ویریلوب عامه سرور ایلد عید
ایتدیلر ماه مزبورک دور دخی کوفی بهائی افندی حضر ناری استانبول کلوب سعادتخانه لر نه
قرار ایتدیلر زمان افتاسندن سیاوش پاشا ایلد ییلنلر نه مراسم محبت و واد مرعی اولوب حتی
ملک احمد پاشا وزیر مشاور الیه ایالت و یا خود قیودانلق نامیلله استانبول دن ازعاج قصد
ایتد که بهائی افندی اول معامله بی استقباح و انکار ایدوب منعنه جهل ربن غایت مبذول
بیوردی غندن پاشا جناب منلایه زیاده محبت ایدوب حضور و غیبتنه تعظیم و اعتنا اوزن
ایدی حتی احیاناً افندی نیک زیارتیه کلد که طرفیندن دلجویی لور اولوردی حتی ذکر سی سبقت
ایدن چچک و کورک قضیه سنه پاشا ایوبه کیدرکن زیارت محمد و ام العلیله عطف عنان ایتد که
عبد الباقی افندی بو محله مناسب دکلدر اعدا کر معنا ویرلر دیکله امدی سن وارزدن الی اوب
دیوباقی افندی بی کوندروب عرض خلوص ایتمشیدی یو جهندن دائما محبتنه ثابت قدم اولوب
نفینه غایت دلکیر اولمشیدی و عبد الرحیم افندی استانبول کلدیکی اتاده وزیر مشاور الیه
عالم زیاده کندوی بر سفره نعمته میر مجلس و بهائی افندی و عبد الرحیم افندی بی دخی اول
سماط اوزن جالس کوروب بورو یایی مزبور باقی افندی یه سویلوب لطیفه غیبیه ربانیه
ظهور نه مترقب اولمشیدی حالا قد صدقت الرؤیا بالحق مضمونی عزنی پرده غیبدن رونما
اولوب قتل اعدا کند و یوزندن صورت بولد قله سمساط دولت و صد رصد ار نه ممکن
اولد قله رؤیایی یاد ایدوب بهائی افندی نیک کله سی باینه درونی عزیمت بیوردیلر ظاهر امفی
وقت اولان ابو سعید افندی یه آدم کوندروب امضاء عزیمته اجازت استد که جناب منلا
بین الاعیان ساری اولان منافست و محاسبه مقتضا سنجه عم زاده جانبیه غلط ملا خطه
الله قضا طاعت کوسر و ب هله بر قاچکون طور سون شمدی بحالته انلرک کله سنه چندان

مناسبت یوقدر دیوب دفع معاملہ سن ایند کہ جناب وزیر منقبض اولوب استجازہ دہ معا
 معاودت ابرام ایند کہ جناب مفتی بالضر و مع الکراہ رضا شکن کوستروب معقولتی
 گندولہ یلوردیدی وزیر دخی دعوتی چون امر شریف و مکتوب کوندروب و اواخر رمضان
 امر عالی بہائی افندی یہ وصول بولدی اغرب حالاً تندرک اول ایام اغترابہ کندولر کہ
 پرغوسہ کاکلیبولید ساکن شیخ المولویہ اغازادہ شیخ محمد افندی ایلہ ملاقات
 و محبتلر ایدوب جناب شیخ کندولرہ ان شاء اللہ تعالیٰ رمضان شریفہ وطنہ عودا ایچون
 سزہ نشارت نامہ کور نہایت عید شریفی معیت ایلہ ایدوب بعد عزیمت بیوردی بکتر
 انسدردیو نبشیرا تیمککہ عینی واقع اولد قہ شیخ کا ملک نفس انفسارینی اضاعت
 بیوردی میوب عیدہ کک معا کلببولید قیام وعید خلانہ متوجہ وطن اولوب حالاً استانبولہ
 وصول بولدی عامہ علماء و احباب بہائی افندی یہ خیر مقدم تہنیتہ مسارعت ایندی لرقبہ
 قولاق زادہ ابوالرشاد محمد بن علی الحمیدی کہ سابقار وم اہل قاضیہ عسکری ایدی شوالک
 بشخی جمعہ کونی فوت اولوب جامع سلطان محمد دہ نمازی قلعہ بجلہ علما حاضر اولدی لرو عمر
 اغا کہ بکتاشک کتخد اسی ایدی غیبت اینمشیدی برکون جملہ اموال موجودہ سی میری یہ
 ایندی جملہ دن سکسان عدد نفیس سمور کور کار و قرق جاریہ کہ بری ترپوش رنگارنگ
 اوزرنہ جواہر دیکشمش آل صوف فرجہ لرایلہ جملہ سی میری یہ قبض اولندی احراق جرنی
 یوانار دہ قران مرغ و مشتربن برکون مقدم شوالک التیسی ایدی دلیل برج قوسہ
 اولمکہ کہ قرانہ و تدرابعد رجف الہ زادہ سرای سمندہ حریق جزئی وقع اولدی
 دارالسعاده اغاسی محمد اغا عزل ولا لا سلیمان اغا دارالسعاده اغاسی اولدی مشار الیہ
 سلیمان اغا پادشا و والدہ حضرت نرینہ نسبت خدمات پسندیہ وجودہ کتوروب
 یوقایعہ جملہ حل و ربط ایتک انک را ییلہ اولوب جملہ نک پیشواسی ایدی لاجرم انفات
 نام واعزاز و اکرامہ مظہر اومسی لازم کلد یکندن دارالسعاده اغا لای ایلہ کامیاب
 ایتدیلر و ذکر سیبقت ایتد یکی اوزن چون ہر زمان دولت علیہ دہ بر تافذ الکلام
 صاحب وجود کسنہ ظہور اید کیشدر و ہر عصر دہ متعینلر نیک دولتی زائل
 و تعین جانب دیگرہ منتقل اولق فترتہ مصالحت کیمک الندن بترسہ اول کسنہ صاحب
 شہرت و شان اولوب نوبت آتیہ دہ زمام تدبیر و تصرف انک ید استقلالہ منحصراً اولق
 قاعہ کلیہ دندر اکباء اوجاق اغاری طرفندن اقول ایدن کوکب عزو تعین لا لا سلیمان
 اغانک جبہ سندن طلوع ایدوب دارالسعاده اغاسی اولمکہ خاصۃ استقلال کا
 منحصراً حل و عقد امور کیف مایشاء متصرف اولمکہ با شلدی قدسی زادہ اغار ایلہ
 اتفاق تہمتندہ داخل اولد و عیون شوالک التخی کونی نفینہ خط ہمایون صدور ایدوب
 منزندن قالدیریابوب براتہ سوار و تابعی یا بختہ اوزرنہ مامور اولان چاوش اوکندہ خط
 ہمایون الندی باشی بربری رفق ایدوب بوطرفہ حالت ایلہ قرہ دن یدی قلعہ یہ کتوروب اندہ
 قایغہ قویوب یوللا دہلر بوضع تشنیع کہ علمانی تحقیق وجوہ ایلہ معقول دکل ایدی غالباً قدسی
 زادہ احد اسنک مکر و سوقیلہ اولمشدر کذلک تعیب الاشرف سیرک زادہ عبدالرحمن

افندی نیک دخی نیمی مراد اولمشیدی صدر اعظم رجالیوب یادستام یونلر کوزی یاشل
 دہا جیلر کدر انرا عیاللر ندن محبوب اولد قمری کافیدر عفو بیور بلق معقولدر دینککہ
 عفو اولندی و عبد الرحیم افندی چونکہ اغار طرفندن عمل واعانتلر یلہ کشیدی باغراد
 قضاسی اریہ لوقفتو اسی دخی کندویہ مغوض اولوب کوچک اوغلی ییلہ کتمک فرمان
 اولنوب کتمشدر قتل جلالی ابراہیم اغا سابقا جلوسہ دارالسعاده اغاسی پلنن ابراہیم اغا کہ
 جلالی دیککہ معروفر قدر سلطان ابراہیم قتلہ سندن اولدیغندن ماعدایوک و اللہ ایلہ
 متفق اولوب اوج دفعہ پادشاہ معصومہ سو قصد ایندیکی شایع ان صح وان کذب جملہ
 سرای خلقی لسانہ مشہور ایدی دیرلر کہ اولا پادشاہ سنت اولدوغی کیچہ معتاد اوزن
 آلت رجولیتی دارالسعاده اغاسی طومق فرمان اولنوب ابراہیم اغا بوخد متہ مامور اولد قہ
 حد دن افزون قان اقوب بشرہ ہمایونہ تغیر و مزاجہ ضعف ظہور ایدہ جک مرتبہ دم
 صیلان ایتد یکندن عن قصد طومدی پادشاہ اہانت ایتدی دیو عظیم غلغلہ اولمشیدی
 صکرہ فرنگدن مسلمان اولش جراحلق بیلور رلیع اوغلا فی علاج ایدوب قانی طومشدر
 ایکنی دفعہ سابقا سلطان جم مرحومہ امذکور اولان حیلہ کی برزہ رناک اوستہ حاضر لیوب
 اغار متفطن اولمکہ استرہ فی آلوب بر آدمی تراش ایتد کمر نہ باشی متفح اولوب مشاہدہ
 ایتد کار نہ دخی عظیم غلغلہ ظہور اینمشیدی اوچخی دفعہ ذکر اولنان وقعہ درکدہ خواہلرہ
 سبب زوال اولمشیدی دیرلر مصرہ آدم کیدوب مزبوری قتل و اموالی میری یہ قبض ایتدیلر
 جدید دارالسعاده اغاسی سلیمان اغا شوالک اون برنہ عظیم دیوان ایدوب زحام عظیم ایلہ
 تہنیت اولندی و از میردن قبریس ایا لٹنہ کیدن دفتر دار سابق وزیر اسمعیل یاشک
 آستانہ کک سی بایندہ دارالسعاده اغاسی رجالیوب کک وزیر اعظم اول کوسہ بر حیلہ بازوقتنہ
 کار حریفدر کاورسہ فتنہ غائلہ سی بونیو کہ آلور میسن دید کہ سلیمان اغا تہد ایلدی وزیر
 دخی بالضر و کتورمک ایچون فرمان و آدم کوندر ملک اوزرہ ایکن اسمعیل یاشک فوتی خبری
 کلوب اتی امر اللہ الایہ عالم غیبدن رونما اولدی و حکایہ سی سبقت ایدن جلوای باشی اویس
 بیک کہ سباقپور غہ بیکی اولد قد نصکرہ نکرار کلوب جلوای باشی اولمشیدی وقعہ
 مشہورہ دہ اسکی والدہ را ییلہ غد پادشاہ نصیم و عزیمت نسیم ایتد کار نہ شربت مسمومی
 مرقومک یدینہ ویریلوب اول امر محظوری تعہد ایتک تہمتیلہ عزل و طرد اولمشیدی وزلفلیار
 کتخد اسی دخی بر قاج زلفلی ایلہ مناسب دیر لکرا ایلہ اخراج اولندی لزل فلیار کتخد اسی میر علمک
 ریاسنہ عرضحال و یروب اوزرنہ قانون اوزرہ دیرلک بیوریلوب لاجرم متفرقہ لایلہ حیقوق
 مامولی حصولہ کلد یکندن آہ جکر کاہ ایدرقی احوال ابازہ حسن اغامومی الیہک کیفیت
 خروجی ذکر اولمشیدی رغبتہ و رہبتہ یانندہ فحہ الوف مجتمع اولدی مقدم مایسہ بکتاش اغا ابراہیم
 طیار اوغلنہ و چاوش اوغلی محمد یاشایہ و سیواس بکر بیکسی طویال یاشایہ با شقہ با شقہ
 ابشیر یاشای قتل ایچون امرلر کوندر لاش انلردخی بوکون سزہ ایسہ یارک بزہ درد یوامر لری
 ابشیرہ کوندر دیلر و کندولر دخی ابشیرہ ماحق اولمشلر ایدی ابشیر یاشایہ دخی ابازہ نک
 قتا ایچون امر کیدوب سردار اولشیکن جنسیت حسیلہ اتفاق ایتلری خوفندن قاطری

او غلغی سردار ایتمدیله باشیردی مئالم اولوب باشان اولان پاشا عسکرله مصالحه و نصیح ایتمک
 نامیه واروب بازه یه مالحق اولمشیدی و آنکله بولشوب عهد لشوب بیلله قونوب کوچدیله
 حاصل کیله رک باشیر و بازه نیک جمعیتی ازدیاد بولوب اطراف و کنافدن برسیب ایله آزرده
 خاطر اولسور اول کروهه جان آتمه باشیلدیله بازه اوزرندن ترکان و یوده سی اولان آق علی اغا
 سنه سابقه ده ترکان اوزرینه وارد قلدن ترکان دخی بوفتر نلری کوروب علی اغایی و غراتمدیلر
 علی اغا حسن تدبیر ایدوب هنوز بازه ایله مجمع اولدین باشیره واروب جمع مال بایند اعانت
 رجالیوب وافر هدیه و پردی ابشیر پاشا مزین روی دل کوستروب ترکان متمینلرین دعوت
 ایدوب مقررده سن سنین سابقه اوزن هر نه ایه اسی بایند ندیمه والنزام ایدوب علی اغایه
 دخی رعایت ایلک دید که ابشیر پاشا کی قوت غالبه صاحبی وزیردن خوف ایتمدیله کار و اجلدن
 له وال مقرر لرین بانجام ادا و علی اغایه سنین سابقه دن اون بیک غروش زیاده ویرمکه ارضا
 ایتمدیله علی اغا دخی اون بیک غروشی ابشیر پاشا یه خدمت ایدوب عائد مقننه سیله قانعا
 ابشیرک اوردوسی جانبیه پاد لرین قوروب بازه خوفندن و سائر غائله دن امین اولدی ابشیر
 پاشا و بازه نیک جمعیتی کتدیله افزون اولوب بونلرک انبای خصوصاً اطرافدن مجمع اولان
 ارازل بونلرک نامیه قرا و قصبات اهالیلرینک اموال لرینی غارت و خسارت و اقتصاد صابکار
 و هتک اعراض مثلاً و جوق مفاسد و لعنت ایتمدیله و سپاهیلر ابشیر پاشا یه بزمکامهری
 کتور و تمک ایچون اسکدران دگ واروب مخلفلری قتل ایدوب سنی وزیر ایتمدیله و روزو سندن
 خند متلریمز و و و لک شلریمز و الوردی و یوزدن تمشیت مرادات انفسلرینه عازم ایتمدیله
 ابشیر پاشا نیک ایسه قضیه جانیه مفت و بیجه بیئی فرصت بیلوردی لکن ینه و خات عاقبتدن
 خند ایدوب نه بلایه کرفزار اولدق جمعیتله بولندق بونلر بزی دللدیلر دیولسانله و مکتوبله
 شکایتدن و قساددن ابرای ذمت ایچون مغلطه دن خالی دکل ایدی او توزیک قدر آدم جمع
 اولوب اطراف و کنافدن ذخیره بها و سلامت ایچیه سی شکلمه غر جلق و ذخایر جمعنه
 ها مو مباشر لایله یورلدیلر یوزدی شوال غره سنده انکوریه بولوب عید شریفی اند
 ایتمک اوزره اول جانبیه متوجه بهر آستانه یه کلک اوزره عازم اولدیله ایچارندن مکرها
 همرا ایدن کلرندن اون قدر قاضی و ابکی مفتی و ارایدی انکوریه مفتیسی شرمی افندی
 مقد مجه استانیله فرار ایدوب شلرندن قورتلدی قچانکه ابشیر پاشا و بازه عسکر یله
 انکوریه یه واردی کدر او غلغی قتل ایدن کورد عبدالله بیک که بکتاش چراغی حالا انکوریه
 پاشا سی ایدی بر قوناق استقباله واروب ابشیر پاشا نیک رکان اوبد که ابشیر کندی و به زهر خند
 ایدوب سنک صوچلرک چوقدر هله شمدی عفو ایتمک و اوزریم و بیه جک و قوناق تدارک ایت
 دید که احقی مسروراد و قوب ذخیره تدارک ایتمدی ابشیر پاشا اول عسکر عظیم ایله انکوریه یه
 قوروب عبدالله بیک چاغروب و اعیاندن مصلی بیک و دزدار قلعه کتخداسی و سردار و
 اعیاندن بر قاجنه آدم مرتعین ایدوب اول اند قلدیروب کتورتدی دیوان ایدوب عبدالله بیک
 و اعیاندن بیک سکر نکر کسمنه یی لاری باغلو میدان سیماسته کتوروب بهه سز ایچون بکتاش
 دید کاری متغلبه نیک تحریک و افسادینه بشاء احمد ارا و لشمس امری بیلورکن کدر او غلی که حلب

پایه سیله علما دن بر متعین منلا ایکن قتلنه جرأت ایتمدیله یکر دیوب خطاب باعتاب ایتمدیله
 دخی ناعتم ایله جواب صد دند اولدیله جلاده اشارت ایدوب کس شونلری دید که
 عهد الله بیک ایتمد اچو کتدی نیا زایدیم دیدی پاشا چاغروب سویاتمه ملعونی اور بونتی
 دید که عهد الله بیک باشتی قالدروب هی پاشاهی اور بونتی دیر سن اور لر امان اشکمی
 یا غلزدن اول سن دخی کورسن دیدی ابشیر پاشا دجواب ایدوب کدر او غلی اشکمی یا غلنه دن
 امشته سن واری یورسن دیوب اشارت ایلدی جلاد بیکه بعد اول اعیاندن اولنلرک
 کله لرینی نا که غلطان ایتمدی نظر انصاف ایله باقلسه ابشیر پاشا کدر او غلنه ک حیفی الملق
 ایچون میر مذکور ی جزاء قتل ایتمدی بیک معقول دیه جک بر ایشدروب بونلر یلکد ورعایا یه
 منسلط اولان بر قاج کسمنه یی دخی صلب ایدوب بعد انکوریه بیکچیر یلرندن اون بش بیک
 غروش امان ها استندی یا ویر لر یا جمله سی قتل اولنور لر دیدی انلور دخی بدل مالی تلافیانه تقدیم
 ایدوب ویردیله اسکی شهره و بعض یلره طرفندن منسلط منصب ایدوب اطرافه یورلدی
 و طغراکش سردار و امر کوندردی خالفته کی قادر جمله سی تنفید و اجر اولنوردی دولت علیه
 طرفندن نظام تدبیر و اتفاق رأی اولد بچچون خلق دخی مختیر اولوب خوفلرندن مطاوعت
 کوستر لر دی مقد ماسیاوش پاشا هنوز وزیر اولوب اغا لر دخی قتل اولنوب رتق فتق امور انلور
 اند ایکن سیماوش پاشا حسن اغایه بر مکتوب یازدی مضمونی بوکه حسن که حسن اغا حسن البته
 بچچینی طاعیدوب سنی بر ایوب منصب ایلم واکر بویه جلایک ایدرسک مقدم ظهور ایدن
 جلایلرک حالی ینه منجر اولدی ملا حظه اید سن دیو یازمش ایدی وزیر اغا سی مکتوبی
 کورتوب بچچ سپاهیه اوقند قلد جلایک ذکر نه بره فلان بز جلایموزاللی التمش سپاهی
 برا و غردن قلیچ چکوب رسائمه مکتوبی یان لکه هجوم ایتمد کلر نده بازه کندونی اوزرینه
 برا غوب یولد اشلر چکک الیکتری بونک صوچی یوقدر روزیرک دخی بوباید کنایه یوقدر سیماوش
 پاشا حاضر نلری هم قردن اشتر هم اقدیمزدربو ادرا اغا لرک ابرامیه یازمشدردیومنع ایدوب
 جواب نامه ایله دفتره سکر آدم یازوب یونلرک قتل مراد مزدردیور و براه ایشلر ایدی اول
 سکر آدم بکتاش اغا و قهره چاوش و کتخدایک و صاری کاتب و دلی برادر و غل کتخد او مصصوبی
 غمرو تکره جی غناییدربو جواب نامه وزیر کلد کلد پادشاهه و مقربینه کوستروب اغا لر
 محرم ایتمدی و ابشیر پاشا بازه ایله متفقاید قدر جمعیت ایله آستانه یه متوجه اولمق
 اوازه سیله آستانه ده اراجیف چوغالیدی خواص مقربین الله فرصت دوستوب شهرلو
 دخی اغا لر دن روگردان اولمغه اسباب متعدد ده نیک اجتماعی قوتیلله اغا لر غائله سی
 بر طرف قلعهوب حقلرندن کلندی بواقیش بتد کدن صکره انلور غائله سنی بر طرف ایتمک
 تدبیر ینه شروع اقتضای تمکین وزیر مفتی ایله مشورت ایتمدیله مفتی شویله رأی
 و تدبیر ایتمدیله مشایخ استانبولدن بری کوندریلوب وعظ و تند کیر ایله منع ایلمه وزیر
 رضا ویر میوب اکا مشایخ کوند رملک شان تعظیم در عونت و نکیرین ارترا کاهمان بر آدم
 کوند ررم متنبه اولمزه غایتی بودر که بر خط همایان کوند ررم دیوب بر مکتوب یازدی امشته
 قتل لرین التماس ایتمدی بکتاش اول سکر آدمک متعینلری قتل اولندیلر بعد الیوم جمع وقتنه دن

ال چکوب طاعنه سردیو تصحی مشعرایدی وزیرک اغارندن تاتار سلیمان اغالیله کوندرلدی
اغارک قتلنی ایشتمد کونده شغای صدر حاصل ایندیله اما ابشیر پاشانک ملهم و دروزی به
وقعه سابقه اچون غیظی اولغین غایت مقصودی اندن اخذ انتقام ایدی اکابناء یالت شام
گندویه و طرابلس دیدلر بکی آدمه والویه شام کند و توابعنه ویرلیکی التماس ایتدردیکی
اتفاق ایله واروب ملهمک حقندن کلوب انتقام آله لربو رجاری قلمه کتوروب در دولتته عرض
ایدوب کلن آدمه کتخداسی بیرام اغایی قوشوب کوندردی اوائل شواله کلوب وزیر اعظم
تکرار مفتی ایله مشورت ایدوب ینه جمعیتی طاعنه سن ما مولکه مساعده اولنوردیو
وعدو وعیدی مشتمل خط هما یون ایله خاصکی اغاو وزیرک تاحیص حبسی بیرام اغایه
قوشیلوب کوندرلدی ابشیر پاشا بسفرلری استحقار ایدوب بکابوستانی و ناخیه صیدن
غیر کوندرن جک ذیشان آدم یوقمدر دیواسلیوب خاصکی و ناخیه و بیرام اغایی کیر و
آستانه یه دوندردی انلردخی کلوب دخواه اوزن ایش تندی بیرام کتخد بودفعه وزیر اعظمه
بولشد قده دولت و سلطانه والله یی پاشا قرد اشکر سلطانک خاطر بن کوزلو مقام صد ارته
و غبت و طلب کویستر دیک یوقدر انحق یانده اولان سپاه البتده مهری سکا کتوردور زسن
قبول ایتلوسن دیو ابرامرا ایند کیر یچون ارارنده بولنش اولدی بالضروری صورت طلب
گوستر مکه انلره مدار ایدردی وزیر اعظم جوابنده طاعنه پاشا بنده مهر استنرا کرم بر دطالب
ایسه بوند کاسون دیو جواب ویردی بعد وزیر و مفتی و سائر اعیان و ارکان حضور هما یونده
بو خصوص اچون مشورت ایدوب بونلرک جمعیتلری حسن تدبیر ایله دفع اولنق اچون
مرتبه لرجه بعضنه مناصب و بعضنه خدمت ویر یلوب سهولت ایله بر طرف قانلری
معقول و موجه فهم اولنوردی و منوال اوزن خط هما یون ارسال اولنسون والا ینه مخالفت
ایدوب عناد لنده اصرار ایدر لر سه غیری وجهله حرکت اولنوب جزاری ویرلک امر سهیلدر
دیو قرار ویرلر که رضای هما یون صدور ایدوب انطولی بکیر بکیسی بوتی اگری محمد پاشا
وساخذ ارغاسی پر مقسز حسین اغاو و طاقدن مصدوبی باشی مصطفی اغاو جمله طرف
سلطنتدن اصلاح ذات البین ایله جمعیتی دفع اچون کوندرلدی علمادن بری دخی بونلره
همراه اولسون دینلر که مفتی افندی رضا ویرمدی اما بواشاده ابشیر پاشا جمعیت ایله
بروسه اوزرینه کلک خبری شایع اولوب و جمعیتلرندن بر سپاهی قاچوب استانبولده
وزیر حضور ینه چقاردیلر وزیر جمعیت احوالندن سوال ایلدی بن مفارقت ایندی یکم زمان
ابشیرک او تاغی اسکی شهر حرا سندن قورلدی دیو خبر ویردی و بروسه اوزرینه توجهلری خبر بن
تصدیق ایلدی وزیر کاجون ابشیرک جمعیتنه واردیکر دید که حریف جوابنده سلطانه طرف
سلطنتدن ابازه اوزرینه ابشیر سردار تعیین اولنوب انطولیله نقدار سپاه و سائر ایالت
عسکری و ارایسه ابشیرک یاننه جمع اوله لردی و امر شریف کلشیدی اکابناء اطاعت فرمان
ایدوب واردقدن صکره قا طرحی اوغلی سردار اولد قده ابازه ایله ابشیر برره کلوب من بعد
جمعیتلری طاعنه یو غوغا یودی دیدی واقعا اغار زمان قضا یه بویه اولد و غنی وزیر اعظم
پیلوردی الی دیزینه اوروب سوو تدبیرک نتیجه سی بویه اولور سقط ایش ایدی دیونا سف

ایتمی و احتیاطا بروسه اطرافی محافظه سی اقتضای ایدوب سلسله دین مغزول درویش محمد
پاشایه انطولی ایالتی ویر یلوب کلیدولی معیندن عسکر ایله بروسه یه کچوب محافظه ایتلک
فرمان اولندی و اون بش اوطه یکچیر بکه اکی سیک نفر دن زیاده اولوردی کبه جی علی اغایه
طور ناجیلق ویر یلوب اوزرینه ضابط تعیین اولنوب کوندرلدی درویش پاشا دخی بروسه یه
واروب اوج سیک مقداری کوکلو یازمغه اشتغال بهانه سیله شهر و قراخانه لرینه اوزر ووش
صلوب جمع ایدوب بروسه اطرافنه خند قرقازمش بواشاده بولی سنجایی پاشا سی که معمود
یکلی حسن خسته ایش تدکره ایله ابازه حضور ینه کتورد کمری معین اولغین بولی سنجایی
شمسی پاشا زاده یه ویرلدی بوداسنی میرزانی قتل ایدن شمسی پاشا زاده محمد امین پاشانک
غیریدر که مزبور محمد امین ایدنلی شمسی پاشا زاده درامابو بولوی شمسی پاشا زاده در کذلک
انکوری سنجایی مشهور محمد زمان بکه توجیه اولندی جانیک سنجایی طویل ابراهیم بکه
ویرلدی انفاع جمعیت با حسن تدبیر و سهولت طرف سلطنتدن کوندریلان بونی اگری
محمد پاشا و سائر سفیرلر ابشیر پاشا جمعیتنه واروب خط هما یون و مکاتیب تسلیم اولندقدن
صکره بر مناصب ایله قایلوق و اغار ماللر نجه بر خدمت ویرلک و مهمامکن سپاهک دخی
ما مولرینه مساعده اولنق اوزن تطیب خاطر مقرر اولد قده اسکی شهر قریبه ایدیلر
ابشیر پاشا بر عالی دیوان ایدوب ابازه قولنده بمقدار نامدار سپاه اغار و کتخد ایرلری و ارایسه
کذلک ابشیر جانقنده اولان متعین اغار جمله حاضر لنوب جمعیتلرینه عنفا مستصحب اولان
قضاه و اطرافدن قاضیلری کتوروب بر عظیم مجلس عقد ایتدیلر یکچیری اوجاخی طرفندن
مصدوبی و سپاه اغارینک جمله سی حاضر اولغله بوقدر زماندن بروسه یه یکچیری بیمنه
تفاق و نزاع دوشمش ایدی حالایکی قول یینی اصلاح اولنشدردیو شروط متعددده اوزن
بر حجت طویل الذیل باغلدیلر مثلاً بعد الیوم یکچیری اوجاغلندن مناصب و خدمات
و مقاطعات و تولیتلره مداخله اولنیه و سپاه قدیمدن اوله کلان خدمتلی ویر یلوب
ولد شاری احسان اولنه و علوفه لر یکچیری یه ویرلدیکی اوزن هراوج آید ویر یله حاصلی
هر خصوصه سلطان سلیمان مرعومک قانونی اوزن عمل و حرکت اولنه دخی نجه شروط
وقیود و ارایدی مادامکه بو شرایطه رعایت اولنه سپاه و یکچیری مایینندن نزاع وجدال ظهور
ایتمیه اگر طهور ایدر سه ایدنلرک حقارندن کلنه دیو حجت یازلدی و مشاعر سپاهدن
ایکیموزدن متجاوز صاحب نام کسغه لر که اکثری کتخد ایری و سپاهک عمده سی ایدیلر و هریری
عظیم اتباع و اشیا و قوت و مکنت صاحبی کسغه لر اولوب بررولایتی تحریب ایتلک لارندن
کاورداهیه لر ایدی جمله سنک اسمی بو حجت درج اولندی صکره بو حجت قوجه کویریل
محمد پاشانک الیه کوروب صقلا مشیدی وزارتی و قمتندن بن سزه دولت علمیه ایله محاجه
و منازعه نجه اولور کویستره یم دیوب حجتده مسطور اولنلری برراییکشر اله کتوروب قتل
ایدوب اول و شقه ده مسطور الایسم اولنلرک بریسنی صانع قومدی حق تعالی بوتار محک
تکمیلنی میسر ایدر سه محله ذکر اولنوب اعدا و متغلبه یه نه رنگینی تدبیر ایله غلبه ایدوب
حقارندن کادیکی تفصیلا تحریر اولنسه کر کدر و حلب ایالتی ابشیر پاشایه و ابازه یه مطلب

قدیمی اولان ترکان اغالی و طویال محمد پاشایه قرمان و کورد محله قونییه بی و خادم قورنداشته
وسا اوزور باره باسرم حالینه کون بر رویوده لق و خدمت و پریمک اوزر درج اولند قد نصیحه
پاشقه عرض اولندی و بقیه ر جال ثمانیه غلام محمد و دفتر دار پاشا و دلی برادر و غیر ی بونلر
دخی قتل اولنق شرط حجتدن ایدی حاضر اولان قاضیلر بوجتی امضا ایدوب اور تالق
بارش کورش اولوب استانبوله کلد کده مقبول اولوب دفع فساد مبنی اولغله قاضیه سکرلر
و شیخ الاسلام امضا ایندیلر و صورتی استانبولن قلوب اصلنی ابشیره کوندر دیلر و وعد
اولنان حلب فرماتی ابشیره و ترکان اغالی ابازه یه ارسال ایندیلر و کخن سنه لرده هنگامه لر
اشاسمده ترکان دن جمع اولان مالک و والیه شهیده اوقافنه عائد در و بوده لر یدینه و پریمک
قیصریه قلعه سنه مضبوط ایدی ابشیر پاشا و ابازه طرفندن کورد محمد کوندر دیلر مال
محفوظ طلب اولند قلعه قیصریه لی تسامیدن امتناع ایند کار نه قیصریه سکا نندن چرکس
دلا و پاشا که مال و جاه صاحبی معتبر آدم ایدی تعهد و تکفل ایتمکله قرق سکر بیگ ریال
عروش کورد محمد تسام اولوب ابشیر ک خزینه سنه گلشیدی چون امر مصالحه تمام
اولوب مصافات اولندی بونی اگری محمد پاشا و معا اولنر آستانه یه معاودت ایند کده
ابشیر پاشا اول مبلغی کتخداسی بیرام اغا ایله معارکاب همایون طرفنه ارسال ایلدی سابقا
دارالسعادة اغاسی جلالی ابراهیم اغا و جانشینی اولان محمد اغا بومال ایچون خیمازه آرزو
چکرلردی انور زمانده وصولی میسر اولوب حالدار السعادة اغاسی سلیمان اغانک
قوت بخنی برکاتیلله وصولی نصیب اولدی قرق سکر بیگ ریال قنطار ایله وزن اولوب
حرمین دولانه کیردی لکن بعد الیوم مقدمه ایلدکاری مظالم استماع اولوب
جبر اغارت و خسارت ایندکاری اموال وارزاقک دعواسی خصوص سنه حکام ممالک
استماع ایتمه لر و اصحابه رد و نضیم بانه تقید و اتمام ایلیه لر دیومو کد خط همایون
شوکت قرونه طالب اولوب دردولته عرض و اعلام ایندیلر و خواهلری اوزر فرمان
همایون اصدار و ارسال قلندی و حلب و ترکان اغالی امر لری ابشیر پاشا و ابازه یه
و بر قاج امضا اغالره بر رویوده لق امر لری کوندر دیلر و وصول بولد قلعه منصب صاحبی
اولنرک چونکه ایشی بتدی خفیه سوز برلکی ایدوب سپاه جمعیتی دفعه حمله ایندیلر
دیدیلر که هر نه دیدک ایسه مشاهد اولندی شمدی کروه ایله مجتمع قلوب
کنسک بونلرک دماغی فسادده درد یوزه سوء ظن اولوب دفعه عسکر تعیین ایدلر
فساد اقتصا ایدوب صلح و عهد منزه اولور ایشی تمیز معقولی بودر که بزبوه محله مکث
ایله سز کر وه سپاه بلوک بلوک عادتاً علوفه المغه کندی کتر کبی استانبوله طوغری
چکیملوب کبدک تمام ستر واردندن صکره بزدخی بروجا بندن یور یوب شروطک
ماعداسی دخی وجوده کلسون دیو خبر ارسال ایدرک برودن وارورز تو جه منر قوتیلله سزده
استانبولن جمله ایشلری بتورر سز بزم و ارمه مزده حاجت قانز ایشی بتد کدن صکره
منصب بیزه کیله رزدیدیلر سپاهیلر بوسوزله الدانوب فوج فوج استانبوله کلدیلر آردیزجه
زور بار و ابازه و ابشیر حرکت ایدر امید یله امسکدارده و استانبولن بر قاج کون بکلدیلر

اصلا انلردن خبر یلور مملکه دورت آدمک باشتی طلبدن فراغت ایندیلر و خدمت
و غلامیه دن نا امید اولوب انجق ولد سترین رجا ایدوب وزیره عرض حال و یر دیار ابواب
آگاهیه واردیلر مساعده اولوب با لآخره سزک طلبکنر ایله یوایشی تمیز علوفه ده
صبر ایدک بر قاج ایامد نصیحه قریحه پادشاهیدن اولنق اوزر طهور اینسون دیو
حسن مدافعه ایندیلر صکره فقیر لانا امید اولوب علوفه لرین بیلله اله میوب کانه
جمعیت ایدوب اغالری و دفتر داری طاشلغله کوچیلر بر قاج کیسه اله بیلوب مکدر
الحال قالدیلر وقوع اختلاف و شقاق در میان وزیر اعظم سیاوش پاشا و اغا دارالسعادة
الشریفه یوقاروده ذکر ایندیکمز اوزر اوجاق اغالری کتلی و متغلبه لرک دفعی
مصاحبتی چونکه سلیمان اغانک شروع و جراتی اوزر حصوله کلدی اول جهتدن والیه
سلطان و پادشاه جهان یاننده تعین تام بولوب مستقل بالرای اولوب هر خصوصه
مداخله ایدردی سیاوش پاشا دخی وزیر اعظم و صاحب خاتم اولنق حسبیله
اغالرک استیصالی و ابشیر پاشا و ابازه جمعیتلری بیک اندفاعی کندونک حسن تدبیر
و همتی سمبیله وجوده کلدی ملاحظه سیله مستعد بالرای اولوب هر اموره مقام
و کالتک حکمنی و یرمک اوزر حرکت ایدردی تا که ابشیر پاشا و ابازه طرفلندن دورت
آدمک دخی باشتیری استمک خبری کلدی اول دوردک بری دفتر دار امیر پاشا ایلدی و زیرک
امیر پاشایه غیظ کلی اولغین ابشیر طرفندن کلان طلب خبری بهانه ایدوب حقیقت
حال دفتر دارک عزل و مصداق سی لازمدر و یرینه بر مستحق آدم دفتر دارلق اتمک کر کدر
دیو امیر پاشایه حبس ایدوب حالیحی اوغلنی دفتر دار ایلندی دفتر دار محبو سلک ماننی
جمله قبض ایدوب اتیرنی کتوردوب تمغاله مک مراد ایند کده امیر پاشا مکدر دارالسعادة
اغاسنه اتجا ایدوب سلطام بنی قتلندن نه حاصل برصاحب و قوف امکدر ایند لری یم
اطلاق اولور سم اوج آیه د کد و رت بیک یو ک آنچه مال پاشا دهی تحصیلنه
متعهدم بو جمله دن بشیر و زیو ک آنچه ملک احمد پاشا ذمتمده در بنده دفتری وارد و حالیحی
اوغلنی بردخی دفتر دار ایندیلر خدمت کوردی ینه بنده کز استخدا م اولند و غم اوقانده
میری یه اولان سعی و خدمت جمله نک معلو میدردی و تیکاز ایله نذکره کوندر مشی
اولدخی مزبور صاحب چیتوب اول ساعت وزیره بالته جیلر کتخداسنی کوندر و ب
امیر پاشا بنی انجمنسونلر بر مستقیم آدمدر مالنه نه عرض ایتمسونلر دیو اتیرنی تمغاله
قوم یوب امیر پاشایه قورتردی وزیر اعظم منفعل اولوب کمال تهورندن بونه
اصل وزارت درک بن بر عریک مغلوب و محکومی اولم دیدی منفعل بوسوزی در طال
اغایه بنشدیلر اول اثناده خلق لسانده وزیر مقتول اغالرک بقدر بیک فلور یستی
کتیم ایلدی دیو سولنوردی وزیر اندیشه ایدوب شاید دفتر دار کند و یه دخی افترا
ایدوب ملک احمد پاشایه ایندیک کبی دفتر و یره دیو و همه دوستوب دفتر دان سو
قصمد دن فراغت ایلدی لکن وزیر ایله اغا بیننه شقاق دوستدی ذی القعدة عزل
سیاوش پاشا و صدارت کورچی محمد پاشا وزیر مشاور ایله هر اموره اظهار صلاحیت

والدرون خلقه عرض وقوف صداقت ایلدی یکی کوجا نینه گمشدی دفتر دار پاشا
 ماده سندن اغانا ک حقه سوید یکی سوزاری دخی منعکس اولد قده مایینه عداوت
 دوشوب وزیر قتلنه متشیر اولدی امامورخ دیرکه سیاوش پاشا غرور و طمع ایله متصف
 اولوب مفاسدی بیع ایدوب جایزه دیوالدی اموال مکر و هه بی قرار دن زیاده الوی حرص
 تام ایشید و خیر تدبیر کیر اولان بواش که متغلب لری برداخت ایتدی یکی کی اغای معهودی
 و سائر مقرب لری دخی برداخت ایدوب ارادن قالدیره بعد بعض عسکرایله ایشیره دخی
 جزاسن و یروب کندوسی دولته علم افزانا ولاغیری اوله هیهات الفلک ادور والد هرا جور
 ان بیقی لاحد نعمته حتی یوجله دن بری سوء تدبیر بوکه ایشیرک جمعیتنه انحلال کلزدن
 اولجه ایشیر پاشایه بر مکتوب اچکنده بی نکافانه الفاظ نامعقوله یازمشیدی مثلاً بنم قریب ایشم
 نه عقل و هوس ایله طالب صدارت اولور سن و مخالفت و شقاق دن نه بولور سن بومهر
 صدارت بنی و سنی دخی نجه لری یوق ایتسه کر کدر سندن بوکه واصل اولور سن عجله ایتسه لالا لزم
 اولان صبر در بولنه تها لکن نه حاصل ایدر سن مادامکه بوند مقرب لروارد بر کسینه صدارت
 سورمک و خاتم و کالتک حکمن و برمک نجه متصور در اولاسنکله متفقاً انلری برداخت ایدر لم
 بعد مهره سندن دخی واصل اولق ممکنه دیو نصح ییلندن یازمشیدی بومکتوبه رئیس شاهی
 زاده و تذکره جیلرک بری محرم اولوب مخفیجه مهر دارینه یازدروب کوند رمش اول جاهل
 اوشاق دخی بونک قبحی بلیوب بومعقوله مکتوب طویور سه ولی نعمتک زوال دولتنه باعث
 اوله جغین اکلیموب همان پاشای ساده دل هر نه سویدر یسه یازمش ایشیر پاشا دخی جوابنده
 اگر بوسوزاری دولت پادشاهی یه و یابک و فادارلق و خیر خواهلوق اچون اولسی محالدر اما
 مقرر در که از اله دن صکره بنی صباغ قومیوب دولته تفرد حاصل ایتک استر سن بوند بر
 یانمیدی دیو تحقیق ایتسه سن دیو جواب نامه یازوب کوند رد کدن صکره وزیرک
 بومکتوب بنی بیرام کتخد ایله دارالسعاده اغاسغه خفیه کوند ردی اول دخی وزیرک
 مکتوب بنی کوروب سوء قصد بنی تحقیق ایتد کد نصکره تحملدن قالوب والد سلطان
 و پادشاهه قضیه بی اعلام و بوجه مال صاقلیموب و خیانت اوزر اولدوغن افهام ایلدی
 و ذی القعدة اولندن دارالسعاده اغاسی اراده سیله والد کتخداسی حسین افندی عزل
 و معمار قوجه قاسم اغا والد کتخداسی اولمش ایدی احواله واقف برمد بر قوجه مان
 اولدوغندن والد سلطان مزبور قاسم اغای چاغروب خلوت ایدوب قاسم اغاسیاوش
 پاشا ناک عزلی لازم کلد که کورجی محمد پاشا وزارتیه لایق میدرمعقولی کی وزیر ایتد کدر
 دیو مشورت ایلدی قاسم اغا طوغری سوزلی کسه اولقله دولته و سلطام کورجی محمد
 پاشا بادی الرای بر ابله آدم در بو خدمت عظیمه ناک عهد سندن کله مزاکرانی وزیر ایدر سکر
 سیاوش پاشا هزار مرتبه اندن رشید و مقامنده طورمه سی معقولدر یوق اگر عزل
 اولنق مرادیکز ایتسه باری سیاوش ندن رشید بر صاحب رأی سدید کسینه بی ایتک معقولدر
 دیدی قاسم اغا ناک مرادی یا سیاوش ندن رشید کم وارد دیو سوزل ایدر لسه کورجی محمد
 پاشای سوق ایتسه کرک ایدی اما والد سلطان حضرتلری دارالسعاده اغاسنک خاطر دن

یکم زایدی و اول کورجی پاشای سوق ایتکله ناک تدبیر بنی امضایه عازم ایدی اکامتعلق سوال
 ایتیموب قاسم اغاشمد یلک کورجی بی ایدر لم عهد سندن کله مزسه نینه تدارک قابلدر یوب
 مجلس امانت اولدوغنی بر بر لینه توصیه دن صکره قاسم اغا طشره چیقدی قاسم اغا نقل
 ایدر مشکله والد ایله بومشورتی ایتدیکم زده طشره بنم یا تده برد لسن دن غیری کسه یوغیدی
 اول اندر بو خبر و وزیره منعکس اولمش سیاوش پاشا قاسم اغاسی بالطبع سومیوب والد
 کتخداسی اولدوغنه هیچ رضاسی یوغیش بوسوزی ایشند که قاسم اغای خلوتخانه سینه
 چاغروب کلد که قلقوب صقالی او یوب سن بنم پد رم اول سن نه صادق ایش سن بن سندن
 بو آدمی امید ایتد دم دیوب اگر ام ایش قاسم اغا بونوازشک اصلنی سوزل ایتد که والد ایله
 اولان مشورت مسوخی اولدوغنی سو بلش قاسم اغا جوابنده بنم افندم دولت خدمتکاری
 اولناره واجبدر که دائماً خیر ایشلری سوق ایلیه لکن چونکه بوقضیه سزیه منعکس اولمش
 کل سر حاوالاتین شاع مفهومی اوزر البته یوطویور دارالسعاده اغاسنک دخی مسوخی
 اولق رخصه صا کورجی محمد پاشا وزیر اولور سه بوسوزک جزاسنی چکسک کر کدر امر الله کدر اما
 سز دن رجام بودر که بوسوزی کتم ایدوب کسه یه سو بلیه سز نینه بنم کز مادام حیائنه ییم
 خدمتک زده بدل مقدور ایدرم دیو معاهد ایدوب کتمش واقعا قاسم اغای کلتک و خامت
 انجامنه مبتلا اولدی نته کم ذکر اولنسه کر کدر اما دارالسعاده اغاسی والد و پادشاهه سوز
 کوروب کورجی پاشای وزیر ایتکله اذن الوی طشره مقامنه چیقوب آدم کوندروب
 سیاوش پاشای دعوت ایتدی پاشا کلد یکی کی عاداتا وزیرانه اولان تعظیم و توقیری
 ایتیموب پادشاهه بولشد رمیوب همان قبولدن اچر و کیرد یکی کی ویرمهر شربی دیو خطاب
 عنیف ایدوب ان اوزانیدی بو وضع غریب دن سیاوش پاشا مد هوش اولوب بنم موجب عزلم
 تدر حضور پادشاهه و ان لم کور لم بونک اصلی تدردیو تعطل کوسر تدکه اغا مقهورانه
 یومروغن دوکوب الفاظ شنیعه ایله بره فلان ویرمهری یوخسه سمنک اغز یکی قرارم دیو
 اوزرینه هجوم ایتد که سیاوش پاشا اغانا استقلانی ییلوردی عزله مأذون اولدوغنی
 یوجرات نامعقوله سندن ادراک ایدوب مهری چیقاروب تسلیم ایلدی اغا مهر شربی
 الدون صکره بونی بوستانچی باشی یه کورتورک دیو حبسه کوندروب کورجی پاشایه
 آدم کتشدیدی اولوقت گلش انی حضور همایونه کورتوروب مهر همایونی تسلیم ایدوب وزیر
 ایتد یکی ذی القعدة ناک اون بشیخی کونی ایدی بوستانچی باشی سیاوش پاشای دفتر دار
 امیر پاشا اولدوغنی محبسه کورتورمش مکر امیر پاشا هنوز اطلاق اولیموب بونی دخی اناک
 یانسه کورتور دیو تنبیه ایتمش ایتمش سیاوش پاشا محبسه امیر پاشای کوروب حبیل اولوب
 پاشا قریب ایش ایل سوزینه اویق سوء قرین القاسمه حرکت ایتسه ناک شامتنه اوغراق
 دیو اعتدال ایش راوی ایدر سیاوش پاشا ناک قتلنه جلا دایله مباشر تعیین اولنمشیکن والد
 سلطان رضا ویرمیوب بر سر حدده کتسون خدمت بولنش وزیر دقتلی بوجهله لایق
 و معقول دکلدر دیو رضا ویرمدی انحق ماملکی اخذ و مصادره اولوب کتخداسی محرم اغا
 ایله معاملره یه نفی ایتد یلر بعد بوسنه ایالتنه کوندرباوب بوسنه دن فضلی پاشا استماله یه

کوشه‌ای دیبا پارچه لریله مزین ایدی و مشک و شمائل کندویه مخصوص بر طرفه
قیافت دوله‌او اولوب امور خارجه و احوال حکومتی بلك دکل مجلسه عامیانه
مصاحبتی بیله بلیوب هر ایدی سوزنك بری فرضالفطنك پینه پره سادیردی فرضالفطنی
نکله قادر دکل ایدی انکیچون بونی اگری چاك چاك اولوب سئویله آدمه شامی ویردیلرینی
مخروم ایندیلر دیو فریاد ایدردی تتمه معزول دفتر دارامیر پاشا عفو اولوب حبسدن
قورتلدی و دلی برادر کورچی به او توز کیسه و یروب انک ییله سیاوش پاشایه یوزیکرمی
کیسه ویرمکه معفو اولوب خانه سننه آسوده او توررکن کورچی پاشا وزیر اولقله قایلوق
اقتضا ایدوب نکرار الی کیسه سی انوب چنکانه بکلکی ویرلدیکه اسکی منصبی درابشیر
پاشا اولان زور باغال ایله حلیه متوجه اولوب ابازه ترکان و یوده لغنی ضبطه کندی و قرمان
طویال محمد پاشایه ویرلش و قاطرجی او غلنه شهر زور اولشمیکن قاطرجی او غلی خفیه
استانبوله آدم کوندروب عونه سی قوتیله مقررنامه کتوروب قونیه ده او توردی فرصتن
دوشر سلك قاطرجی او غلی قتل ایلنه سن دیو ابشیر پاشایه امر کشیدی قاطرجی او غلی
حسن ایدوب قونیه نك خند قلمین قازوب تحمین تدارکله اولدی ابشیر پاشا منزل بمنزل
اقتشهره ایددی و آستانه ده غله کتخد امجوس و رئیس الکتاب موقوفاتی محمد افندی مخفی
قالدی و جوان قیوچی باشی وزیر سابق محمد پاشا نك او غلی میر علم سلیمان بلك که بر تازہ جوان
ایدی مرحوم اولوب پینه سابقا کنعان پاشا کتخداسی کوچک میر خور احمد اغا میر علم اولدی
و غلطه لوبیقلی محمد که قر راغاسی سلیمان اغا نك مسخره سی ایدی اغا حضر ثلری آلی
کوچک میر خور ایلدی ذی الحجه بکتاشک کتخداسی کورچی عمر که مخفی اولوب جنسیت
حسبیلله وزیر صاحب چیقوب ظهور کلدی وانی کند و قیوچی باشیلرینه الحاق ایلدی
هنکام اختفاده صقالن تراش ایتمکه حال صقال صالوب بر اعجوبه هیئت اولشیدی
و مخفی اولدوغی زمانه قیوچیلر کتخداسی بویاجی حسن اغا یوزاللی کیسه می الدی دیو
دعوا ایلدی بوندن مقدمه ایسه بکچیری اغاسی قره چاوش مانندن دخی بره کبه فلوری
اکل و باع ایلدی دیو شیوع بولدوغی بودعوائی مؤید اولغین بویاجی حسن مظهر غضب
اولوب طمشوار ایلتنه کوله سنجاغنه نفی اولندی دارالسعاده اغاسی انک پینه کوچک
میر خور بیقلی محمدی قیوچیلر کتخداسی ایلدی و مصدر دن معزول صباری احمد پاشا که
طر خوبی دیمکه مشهور در ابشیر پاشا هنکامه لرنه قونیه به دك کلوب شامدن معزول
بوستان زاده و حلبدن معزول صادق چلبی پاشای مرقوم ایله همراه ایدیلر ابشیر پاشا نك
خوفندن قونیه ده قیامتشر ایددی بعد الصلح چیقوب ذی الحجه هفته سننه استانبوله
گمشوار ایدی مشار الیه احمد پاشا دن بقیه مال طلب اولوب کندودن مقدمه مصر والیسی
اولان امیر پاشا دن بقیه الی کیسه طلب اولند قده احمد پاشایه نسایم ادعا و جتلمه اراز
ایتمشیدی حالا اول کیسه احمد پاشا دن طلب و بوندن ماعد مال میویدن یوز کیسه
طلب اولند قده کرید مهماتی الی بلك غروش صرف ایلدم دیو او امر اراز ایلدی اما اصلا
اعتبار اولوب انی دخی مطالبه به ضم ایلدی قله ده ترسیم اولندی عید اضحی ده

مخدوم العلمایانی افندی به میریدن عیدیه بیک غروش خر خلق و ابکی طواوم
سمن ساده وایکوزکیل پرنج و قهوه و شکر کوندی یوب پرشش خاطر اولندی و سابقا سرای
جمعیتی کونی ابتدا سرایه واروب دارالسعاده اغاسنه بعض تعایم ایله انتساب ایدن شامی
نعمان افندی که قیصریه دن معزول ایدی اغا آلی بر لطفله قایمق خصوصه مفتی به
ابراملر ایدردی و عید اضحی کونی یوم الجمعه در ایچرودن خط همایون ایله کند ویه ادرنه
قضاسی ویرلدی معمار قاسم اغا که والد کتخداسی ایدی سابقا سیاوش پاشا عزله
کورچی پاشا صدارتک حقندن کله متر دیو والدیه سویلیوب کند و سنی چراغ ایدن
دارالسعاده اغاسنک خلاف مرضیسی اولقله اغانک و کورچی پاشا نك معلومی اولد قده
ایکیسی معمار قاسم اغا بی استئقال ایدوب فرصت کوز درلردی اولدخی غافل بولوب
والدیه حضر تریله کاهیجه احوال دولته متعلق مشورت ایندیکه والدیه کند ویه قاسم اغا
دولتک ایرادی از مصرفی چوق بیحال نیه منجر اوله جقدر کورچی پاشا دن دخی بر خدمت
وجوده کلدی دیو استجواب ایندیکه قاسم اغا فرصت کفتار بولوب دولتمو سلطاتم مرحوم
خسرو پاشا خزینه دارلغندن چقمه کوپر یلی محمد پاشا و دروزیر اعظم اولوق ممکن
ایسه کاینجی بوایشک عهد سنندن او کور غیر بر فرد یو مصاحبت مشکله نك حقندن
کله جکئی بلم دیدی والدیه جواب و یروب هنوز خلق بیننده نام وکامی اولین آدمه مهر
نچه ویریلوردیکه سلطاتم انک اسهل طریق یودر که ابتدا اقبه نشین ایدر سز بعد
خد متکرده استخدا ام ایلک آسانلردیدی قوجه قاسم کوپر یلی ایله قونشوب محبت ایدردی
و عقل و فکرین و حرکات و تدبیرین غایت استخسان ایدردی نفسنده یو مقوله امور
مشکله نك حقندن کله جکئی بیلدیکی ایچون سوق ایلدی والدیه حضر تری یوسوزی
پادشاهه سویلدیکه پادشاهلرک مشرب عالیمری معلوم کسنه دن احتراز و احتیاط
انلر ایچون متصور دکل قزل راغاسی پاغروب کوپر یلی محمد پاشا دیر لر بر آدم و ارایش دولت
علیه به خدمت ایتمکه قادر و آبی و تدبیر ده ماهر ایش آلی قبه نشین ایدلم دید که
دارالسعاده اغاسی معقول پادشاهم انجق بن قولکه صوروب سوال ایدیم دیو طشره
چیقدی و اول ساعت کورچی پاشایه خبر اوچورب بور آلی القا ایدن پینه قوجه قاسم
کتخد ادر نیز ایکستی دخی یوللاسون دیمکه اولکون کوپر یلی محمد پاشای کوستندیل
سنجاغنه نفی ایندیلر و دارالسعاده اغاسی کورچی پاشا ایله متفقا والدیه واروب بهی
سلطاتم خلق بیننده کتخد اکر قاسم اغا مهری کوپر یلی محمد پاشا ایچون آلیویرمک ضمنده
سلطاتم بشیموز کیسه اقیه ویرمش دیو سویلیوب مهر شریفی مزاده ویرمش دیو شیوع
بولش لسانه دو شمکر معقول دکلدر استدی بککزک برینی کتخد ایدوب قاسم اغا بی
بر قاحکون تبعید ایدک شوبی معنی اوازه لر باتسون دیو مغلطه و ترهیب ایندیلر و والدیه
ایسه صاف دل حیلله و مکر ایله مصنع سوزلری کرچک صانوب ایدی ققوه جی محمد کتخد
اولسون قاسم اغا اوند او تور سن دیدی مزبور حاجی محمدی کتخد ایدوب بی چان قاسم
اغای اول ساعت قاپدروب زندانده قانی قیویه ایندیلر و جله ماملاک و خانه سننه وارنجه

مصادره اولندی مراد لری قتل ایدی اماینه والدین خوف ایستد کیری ایچون قتل جرات
ایتمیوب بعد خانه سی عیالی سساکن اولق ایچون رد اولنوب کندوسی قبر یسه
نقی اولندی محل عبرت رکه قوجه قاسمک مرادی دولت علیه یه نافع اولانی سوق وخیر
خواهلق ایدی لکن انخلصون علی خطر عظیم فحوا سی اوزن صدق و خلوص قتلنه
متبب اوله یازدی افلاطون الهی نصایحده دیمشدر که اذا خدمت خاد ما مستبد بر آیه
فارضه فی اسخاط جاسئینه و اذا خدمت ضعیفا مغلوبا فی حکمه فاسخطه فی رضاء اتباعه
یوکلایم حکمت انجامک مضمونی اوزن ملوک ووزرا واریاب دولت واغنیایه خدمت ایدن
حاقله لازمدر که مخدومی اولان دولتو کند و امورند مستقل و آینه مستبد ایسه
هر حاله اکا خیر خواهلق اظهار ایدوب اتباعنک مخط و عداوتارندن خوف ایلیه لکن
مخدومی ضعیف الرأی عاجز و مغلوب اولدوغی صورتده خیر خواهلق ایچون کند وینی
میدانه اتمیوب اتباعنک رضاسنی زیاده کوزتمک ککرکدر یو قاعده مهمه یه رعایت
ایمین قاسم اغاکی کرفتار محن اوله کلشدر و معمار مصطفی سی دخی قیوار اسندن حبس
و مصادره دمنه کمره اطلاق اولندی یواشاده وزیر اعظم سابقا اوچاق اغا لینه منسوب
القی برمنه نازستان قسمتن ویرمش ایکن اناطولی قاضی عسکری مانع اولوب جواب
صواب ایله منع ایلدی وادرنه قاضی سی اسمعیل زاده سلائیکه نقل اولنوب عیسی افندی
معزولا استانبوله کلدی خلاف عاده بوسالده شاه عجم له قرالنه الهی کوندروب قرال
طرفندن دخی پورسکه نام بر معتبر کافر نامه ایله شاه طرفنه کندی ذی الحجه ده اشاخی
پاوکار کریدن کلوب اسکری ازیلان سیب اهیلقایاسی دخی محافظه دن رفع اولنوب
آستانه ده علوفه لری ویرلدی سنه اثنین و ستین والف محرم الحرام وزیر کورجی پاشا
مصدر دن معزول طر خونجی احمد پاشای دیوانه احضار ایدوب قاضی عسکر لر حضورند
یوزاللی مصر کیسه سی مال میری بی مطالبه ایدوب سابقا مصر قاضی سی حسن افندی
زاده نک بر تقریر جتن ابراز ایلدیکه الترامه نقصان کتور میوب فلان قدر مالی متعهدم
دیدیکینی مشتمل ایدی بالانکه حسن افندی زاده نک اول جتی برای دفع مجلس بر تقریر
جتی ایدی انکه برنسنه لازم کلز دیوب طور ردی صدر روم حنفی افندی حکم ایتمکه
عزم ایتمک صدر اناطولی مسعود افندی شرعا بوجت ایله بکا مال نیجه لازم کلور
دیدکده حنفی دیوان اور تاسندن العبد و ما یملکه کان لمولاه حدیثی تفوه ایلدی مسعود
افندی قاضی بن چاتوب برکده طیقروپ های افندی بوحدیث ایله بوماده نکده مناسبتی
وارد برینه اصل سوزدرا کر قانونا طلب و تحصیل اولنور دینور سه حضور شرعه مرافعه سز
عرفا تحصیل ایدر لر دیوان هماینده شرعه کوریاوب احقاق حق مطلوب ایسه ملتزم
مقبوضندن مسئول ایکن غیر مقبوضی محض الترام ایتمدیم سیله نیجه حکم ایدرسن بوماده
بوحدیث شریف مفهم و منه مسامحه وجهله در بونه سوزدر دیوب میداند ازلق ایلدی احمد
پاشا دخی امر شرعک دیوب طور دی چون مسعود افندی نک سوزی حق ایدی حنفی افندی
مسکوت وزیر اعظم تعیس ایدوب اشارت ایلدی احمد پاشای قالدردیلر دیوان بوزلد قد نصه کمره

پاشای ایدی قله یه ویکرمی قدر اتباعی بابا جعفر زندانه بلاوجه شرعی کوندرباوب حبس
اولندی حاجی زاده عزل اولنوب باش محاسبه دن معزول صاری علی افندی باش دفتر دار
اولدی ویکچری اغاسی قره حسن اوغلی حسین اغا که ضعیف و علیل اولمغله کبار بیننده
مومیادی کله ملقب ایدی عزل اولنوب رکابد ارسلان اغا غالق ایله چیقدی سوؤتد بیر غره
محرمانه کرید امدادی ایچون اوج سنه محافظه شرطیه ایجاب واقف ایدر بر حال یوغیکن
ایکی ییک نفر سیاهی یازیوب خلاف قانون التیشراجه ایله دفتره قید اولندی مقدم
یازیلان اوج ییک نفر دخی بومغوال اوزن اولدی سلفه سرحد اتوللر ییک قانونی باشقه
دفتر یازیلوب ادای خدمت ایتمک نصه کمره یوقلنوب موجودی اصل دفتره یکردی دولت
علیه نک سازقا نونلری بوقلمزده اغا اولندی بی کی بوخصه و صله دخی بش ییک نفری کرید
بهله سیله قانون قدیمه مغایر دفتره قید ایتدیلر و اکثر ییک بو معنا لر مفهومی دکل ایکن
واضطرار یوغیکن وجهله اشاخی پاوکاره قائل ایکن اوون سنه بکلکم تکلیف اولنسه
جانلرینه متت ایکن بونلرک بری خلقت خاطرینه کلدی وامور واقف اولان عقلا دخی
بونلرک زماننده منزوی اولوب حرف ستو پلک دکل دائره لری نه بیله اوغرامدی یلر ساثرامور
دولت دخی بوک قیاس اولنه که جمله مختل و مشوش انکچون نظامه خلل کوردی زیر قانونه
رعایت خلقت غارت و خیانتنه ال ویر میوب تک کلکله و وکلده وقوف و شعور اولد بغندن
غیری کندی مناصب لری حمایه سندن مهملری اولیوب اندن دخی عاجز و مختیر بر قاجکونلاک
امانتکار شکنده و قتمری خوش یگون لم فساد عالمی بزمی اصلاح اتسک کرک اولور یله
کون لم دیه رک احوال عالم بوشکله کیر دی فرانجه لول دن یدی سفینه استیجار اولنوب
محرمانه یکر می بشنه مزبور سیاهی لری یه کیروب بشکط اسندن صالوب سلامته کرید
وار دیلر مدار سه دن مرادیه و مهتریه محلول اولد قله مفتی سلسله ایدوب مثاله یی محنه
چاکر زاده یرنه التمشلی اعتبار ایدوب بالجمله یدی رؤس توزیع اولندی سفر مواجی
اواخر محرمانه چیقوب انجق یکچیری یه ویرلدی اولد دخی زیوف اچه ایدی سیاهی لری غره
صفر ده علوفه طلبیچون کاه اغا لینه کاه پاشایه ترددو فریاد ایلر رک اخر الامر دفتر داری
سکنتسار و مغلطه ایله منزلان یاشنه طار ایتدیلر رئیس الکتاب سابقا و وقواقچی محمد افندی
ایله خواجه پادشاهی رحمان اغا نک معارفه قدیمه سی اولد و غنه بناء کندویه بر کتاب یازمق
سیارش ایتدی و اول وقت محمد افندی خانه سنه مختفی اولوب بر فردایله کورشمز ایدی کتابدن
برایکی جز یازیوب اوغلیله رحمان اغایه کوندردکده های ملک احمد پاشای وزیر ایتدر ملک ایچون
رئیسک اوغلو و اخی و تردد ایدر یور دیوار جوفه پید اولوب وزیر کورجی پاشا قزلر اغاسنه خبر
کوندر رمر بور محمد افندی اوغلیله صله سی اولان مدلی یه نفی اولندی معزول خانه سنه
مختفی ایکن ینه اعد السانندن رها بولدی قیاس سلطان کتخدا سی پیا له چاوش اوغلی مصطفی
اغاکه کالاد دفتر امینی ایدی صله سی اولان مغنی سیاهی و موقوفاتی پاشا زاده کذلک نفی اولندی یلر
مذکور پاشا زاده حاجی پاشا اوغلیدر که اسکدرده صرای مثال خانه موروثه سیکه حوض
وشادروان و صفاح رخام ملون و بنیان عجیب مقرنسی و مصنوع بی مثل ایدی میراث خوران

سفرها کاران قاعده سنجه سرایار انداخته اسرافاته مصروف ایندی یکند نصمکره بعض ولات
 مصر ایله مصره واروب اندی دخی مبالغ بی قیاس جمع وجهه سن اسرافات غیر لازمه و مراسم
 شهرت کاذبه به صرف ایدوب حتی کندونک طور اعتدال دن خارج اطوارن و الی بغداد
 اولان مرحوم نوغای پاشا زاده ارسلان پاشا کورد که قاضی بغداد بوسه نوی سلیمان
 افندی به بالدفعات خطاب ایدوب افندی شوسفیهک عظمت و وقاحتی کورر میسن
 ستونی قتل اینسم کر کردید که قاضی مذکور لطایف کلمات ایله تسکین ایدوب هی سلطام
 چلبیایک باشه بر بلا در دردمند نه یا بسون عزت قدر و علوشانی مقوله شهرت کاذبه ایله
 تحصیل اولنورطن ایدر آدمیت و کمال نفس ایله اولدوغن بلزبکا آدم دیسوندیورالای
 سفرهای باشنه جمع ایدوب اون اون بش حدله ایله آته بنوب کرمکی وسیله شاه و جلال
 اکلیس سزینه جهالته ترجا عفوایله معاملة ایلاک دیومع ایدر مش منلا و پاشا بر قاج
 دفعه نصیح و پند ایند که ینه مرتدع اولم یوب کسببی صرف اسرافات قلد قد نصمکره
 مقولان بغداد بر قاج بیگ غروش دخی دین ایدوب مغرولا استانبوله کلوب سو حاله
 گرفتار اینکن اتفاق مصاحب خواجه رحمان اغا ایله حقوق قدیمه سی اولمغین موقوفاتی
 الیورمش ایدی بودفعه اولکیدن زیاده عرض احشام ایدوب دیوانه و وزیر سرانیه وارد قعه
 طور ندن زیاده اظهار شهرت و مصرا و وضعه خدام نامنده بر جماعت طرفه قیافت اون
 بش قدر و اراتک الحرفن آلوب رخس وزیرانه کر رخت زران و دو عبا یی ایله مزین بویه حرکت
 ایدردی فرضا اسواقه راست کلان بو محشم حریف کیمدر دیو حا حتی دکل اینکن صورردی
 پانلر بلیملره تعریف ایدوب احشامنه حسد انا معقول وجهه اوزن بوفلاندر دیوسو ذکره
 سبب اولوردی اظهار شهرتدن مرادی کسب وقار و عزت اینکن سو ذکر سببیه باعث
 ذات اولدی رحمان اغا طرفندن کندیویه عنایت کونه بوطنطنه یعنیندن فراغت ایتدکی
 بواوضا عکندرا و تافزمیسن دیو ثنبیه اولند قه بن حاجی پاشا اوغلیم بورخت و بخت
 واحشامی بن احداث ایتدم بابا مده یویه ایدی بنه کندم بیله لی بویه محشم کرم
 بو موقوفات منصبی ایچون نزی قدیمی تغییرمی ایدیم دیوب جواب ناصواب ویردی
 اما ملا حظه ایتدیکه پیر عزیزک شرفی بحیب اولمیان ولدک ذل و سقوطنه سببدر
 وزکی ورشید اولان ولدک پدری و ضیع اولق شان و شرفن از تور ولدنا قص جد کامل
 ایله افتخار ایتیک صائبک آن ناکسان که خیر با جداد میکنند چون سلک با استخوان
 دل خود شاد میکنند دیدیکی کی اولور مستعد کمال اولان ولد یا کیره خصایلک بو شعر
 لطیف حسب حالیدر شعر انا بنی نفسی و کنیتی اولی من عجم کسب اومن العرب ان الفتی
 من یقول ما انا ذا ایس الفتی من یقول کان ابی بو جمله دن قطع نظر دولت علیه ده هر مقامک
 اصحابنه و هر طریقتک اربانه مخصوص بر حد محدود واردر که انی اتحا ایدوب
 اصاغر اکبره ادانی عالی به تقلید ایتیک فساد نظامه سببدر ته کیم تفصیل مقدمه ده
 مذکور در و مدققو قتل ایه فی الاصل استعداد ذات و لیاقت حقیقی معتبر
 اولمغین زیاده دورانیش اولان عاقلار رتبه سنک مقتضا سی اولان

دارات واحشامی بیله کاینی اظهار تیموب خساست قدن مؤدی اولیه حق رتبه
 نوعا احتضار ایله دولتی هضم وعین الکمال اعدایی دفع اید کلشور درو حقیقه الحال بودر
 اظهار شان و شهرت دولت علیه نک خدمت نافع سنه بولمانک اجر تید بویه ایکن
 خدمت و صد اقله متعین المشوار بلالو عاقلار که کورینور انقراض اقران ایله تعیین کندویه
 مخمصر اولد قچه شهرت ایله ظهور دن تحذروتولی ایدر لرفکیف که حدنی بلز اشخاصک
 شهرت کاذبه ایله وزرا و اعیانه تقلیدی هضم اولنه عوام طریقه اکثر یا بومقوله لظهور
 ایدوب جمع ماله وسیله ورتبه سی اولمیان مناصبه اعتلا ایچون شهرت و زینت عرض
 ایدر لکن طور شامخ و جیل راسخ مثابه سنه اولان اعیان دولت بومقوله نوظهور لری
 لامر بعض ایشارده قولانوب بضاعه مزجاتی رأس المال دولت رجحه منقلب اولنجیه دیک
 رعایت ایدر بازار اعتبارینه کساد کلد کد نصمکره وجهه التفاتی طرف آخره تحویل ایدوب
 فقرای مقامنه تنزیل ایدر لرحاصل کلام کبار دولت و اعیان سلطنه تقلید ایتیک جمع
 زمانه جائز کلدرباش دفتر دار صاری علی افندی به سپاه هجوم ایدوب کندوسی فرار
 ایدم یوب بر محله یا توب خدمتکار لری اوزرینه سجاده و احرام لراور توب انلرایسه مترله
 طاشلویاغدر دقد نصمکره دیوانخانه سینک طوغله سنی سوکوب اوزرینه یاغدیروب
 هزار بلا ایله تسکین اولندیلر بعد دفتر دار وزیر و واروب کندو عزلی التماس ایتیکه عزل
 اولندی جمله مدتی قرق طقوز کون اولدی علی افندی به بر محرمی بیچون عزلکی طلب
 ایتدیک دیو سوال ایتیش جوابنه مستبد بالرای متصرف اولینه دولت علیه نک ایراد
 و منافعی اکثر یا متولیلره عاید درود دفتر دار سو بلکه قادر دکل مدبران مملکت اول منافعی
 حصه لشوب بری برینک معا پینی ستر ایله مقید هر بری اخرک خاطرینه کد رویه جک
 گلایمی سویله مزل میری احوالی بیکس و بویه و قعه دفتر دار لغی عقلی اولان نجه استر
 دیو جواب ویرمش هزار باره بری دفتر دار سابق ابراهیم پاشا اول وقتنه استانبوله
 گلش ایدی علیل و مستسقی اولمغین حرکت قدرتی یوغیدی ذمتنه سابقا ایکوز کیسه
 اچه حیقار مشلرایدی مطالبه اولند قه او توز کیسه اچه پیشین ویر یلوب دفتر دارلق
 کندویه ویریاور سه اول ایکوز کیسه بی نسایه نعهد ایتیکین بعد العرض رای اغای
 دار السعاده ایله دفتر دارلق کندویه توجیه اولندی مستسقی دولت و اطامه معالجه سندن
 مایوس عربه ایله وزیر و واروب خط دسنی ایله وزیر و اغا به تسکیر ویروب
 خلعت کیوب کادی وزیر اعظم اردنجه بوسقیه حریف ایکوز کیسه به متعهد اولدی
 بحبا ویره بیلورمی یوزی و کوزیده شیش بلم حالی نه مجر اولوردیدی بکرمی اینکچی کونی
 فوت اولمغین دفتر دارلق ینه اغا آسله سابقا معزول امیر پاشایه ویرلیدی متوفلک مکروافر
 نقودی واریش موجودندن یوزالتش کیسه میری به دینی مقابله سنه اند قد نصمکره سائر
 ماملکی دخی دور تیوز کیسه به تقویم اولنوب میری به قبض اولندی ماه صفر حواد شند در که
 کوچک قاسم اغا که سابقا دلوقاسمک چوبانی اینک مالا مقتول چلبی کتخدانک رینه قول
 کتخداسی اولمشدر کمال جهلندن سلفی احوالندن انعطای تیموب مصر دن کلان تر خوچی

احمد پاشای وزیر و سوزناز مصطفی پاشای دفتر دار ایتک داعیه سنه دوشنبه اوراق
خلفندن الدبی مال فراوان که جور با حیل قاری سکر کیسه به صارت دی هضم اولور کن
یوبله بر فضو لفته اغاز ایتکین عزل اولندی زیر او زیر اچرو و اروب مزبور دن شکوی
ایدوب مقتول اغارک خصوصاً چلبی کتخدانک تعین و تسلطی خاطر ندن کندیمی بو حریفک
دخی سلوک و حرکتی ائله و دایسنه کتخدانک بمقوله فضوله یوز و یروب اوزرینه تسلط
ایتمک معناسی ندر یوکون بزم عزل و نصیبه قاریشوب یاربین دخی بیوک ایشلر شروع ایدر
دیملکه نیجه بیلمورسک ایلده دیوان آلوب قاسم اغایانیه لی اولغله یا نیه سبجانی توجیه
اولوب کوتور مکله خط ایلده کوچک چاوش مأمور اولدی کوچک چاوش کیجه ایلده خطی
گوتورد که اغلیوب بزم صوچم ندر دیوب بالاخره کوچک چاوشک نصیبه عمل ایدوب
صبح اغایه واروب یاغنه دوشوب آغلدی بکچری اغاسی بهی آدم یاد شاه یوبله فرمان
ایتکین بزمیه قادر زامتمثال فرمان ایت بعد سنه کیچون اعتداله مشغول اوله لم امید در که
قانون اوزن تقاعد الیویره لم دید که فرع و جزعه باشلیوب بالاخره منزلنه کلد که
کوچک چاوش قالد یروب شهر دن طشره اولدی کذلک ترخونچی پاشا و سوزناز
پاشا بوقضیه ایچون نفی اولندیلر کتخدانک ایلده کوچک چاوش حکمجه قریه واد قلندر
هقبیلر دن ایکی بکچری چاوشی آت قالد یروب کلکین حریف قور قوب الن قبضه
شمشیره اوروب آتی یولدن طشره دیوب الارغه بره دیو یقیر مغه باشلدی هر چند
چاوشلر قسم ایتدیلر اعتقاد ایتیموب یاغنه کلک سزی دیه لرم دیوب کاه طبعه و کاه تفنکه
یا پشدی بومنون اوزن خلقه لوطرفه صایوب اخشام اولد قده ایکی آدمیسیله آت
قالد یروب ائله یوکرک اولغله چاوشلرک کوزندن غائب اولدیلر چاوشلر نهی دونوب
کلد یلمز یور کیجه ایوب انصار یلمز بردوستنک خاسنه اینوب ائله ی خد متکارینه و یروب
غیری موضعده اختلافیه کوندردی کندوسی ایرتسی اخشام وقتی تبدیل شکل ایلده بر
پره میه بیغوب استانبوله کلوب محتقی اولدی وزیر مزبوری عزل ایتد که طور ناجی باشی
کیمه جی علی اغایه کتخدانی و یروب بجاناخی محمد اغا نایا طور ناجی باشی اولدی وزیر او کیجه
بکچری اغاسنه بقه اوغل طقسان دورت یاشتمه یم دولته بدن اسکی او باقده
یوکبه جی علی اغادن اسکی آدم یوقدر سز و سائر لازم اولان بیلر کمز حرمت و سوزنیزه
اطاعات ایتمکدر دیونعماچ ایلدی و معزول کتخدانک غیابنه بره هی ملعون بن سکانیلدم که
منزله چالشک قانون بودر که کتخدانک بکچری اغاسنه وارلر و معاویزه کلور غیری پره وار منلر
سنک ایتسودنصکره مفتی قیوسنه و سائر بیوک لرده ایشلک ندر دیدی صاف دل کورجی
پاشا بلز ایدیکه کندوسی فتق و رفق امورده کلیل الرای بر یلر اولوب بوقته دولتک ایرادی
مصرفک نصفی قدر وایکی سنه یه دکتدا اخل سبیلده دخی خزینهنک حالی مکدر اولد و غندن
غیری مضمحل اولان اغارک تعین و استقلال حرم جانبنه محصور او لب شرکا غالب
کندوسی رطاوت و طمع بلا سبیله این الجانب کوردیکی مصاحبت غیری نک اعانت و تقیدی
ایله اولغله محتاج پس بو حرکت مد برین دولته الویر منر یا ایدر اسیمله کندوسی مهلکه یه

القا ایدوب بر قاجکون اثوب طومق یا خود کرکی کبی مردانه دیره نوب تقلیل مصرف
ایله امور نظام و یرمک اهم لوازم دن اینکن خلاقی اولغله محرمان دولت و مدبران سلطنت
ملاحظه و کنزوجه سویلشورلردی و بوندن برایش مأمول دکل کم و وزیر اولور سه بزه بر آدم
اولسه هم یوایشی کورسه وهم بزه ضرری اولسه سنکله تفقد و مشورت ایدر لردی
دارالسعاده اغاسی اگر چه حامیسی ایدی اما بونک و قته بله مایلغ اغار ایتمکه ایشنی
پاشه چیقاروب بریده حدت ظهور ایتک و فالیه و یرمک اولور سه کند و دخی
حجایت بلا سبیله متضرر اوله جفنی بیلدیکی ایچون التزام مالایزم ایلده کند و یی ورطه یه
اوغرا تمق استمزدی انکیچون بواشالده کاه والد خلوتنه و کاه مفتی و قاضی عسکر لر مجلسنه
مشورتلر اولوردی کتخدانک دخی بواستشاران له محرم بولمغین مفتی یه و بیوک لرزه
وارمسی و طرخونچی و سوزنازنی سوق ایتسی بهوده دکل ایدی لکن هنوز بو مشورتلر بر
صورت و یرلزدن مقدم طویلغ و بالفعل خام و کالت الله اولغله کورجی پاشانک ابرامنه
طیبا تلویب یوقدر آدمک نفینه ضروری مساعده ایتدیلر یی پان کورجی کندی حرکتندن
و مقتضای وقت اولان مصاحبتدن بی خبر اولغله کاه قاسم اغایانیه کاه ترخونچی و سوزناز
پاشا یور کتخدانکی و غیر یلری نفی و طرد ایتد ر مکله صیانت منصب دعوا سنه دوشمش
ایدی حتی قول کتخدانسنک عزل و نفینه اگر چه خط هما یون اصدا ایتدردی اما یولدن
فرار و پروفته دکت اختفایلیه دیو مفتی و دارالسعاده اغاسی طرفندن مرخص ایدی درلر
مورخ دیر که وزیر مشاور الیه ناحق یره صیانت منصب ایچون چوق آدم سوردیکی اجلدن
ظرفای استانبول حب السلاطین نسیمه ایتدیلر ربع الاول بواشاده بعض علما ن خاصه
دارالسعاده اغاسنه سو قصدا اوزن اولد قاری شایع اولغله بیوک او طه دن اون ایکی
اوغلان سپاهیک ایلده اخراج اولندی برایکی کوند نصکره ساحد اریاد شاهی مصلی اغا وزارت
ایله چیقوب مصلی پاشا عنوانی بولدی اولاملا بسه ایلده یوز نفر علما خاصه ییلده اخراج
اولندی ایشیر پاشا بواشاده حلبیه واردی و طوپال محمد پاشا سیواسدن قالد یر یوب ارضروم
حدودنه اوج سنجاق کندویه اریه لق و یر یوب سیواس سرحدندن کلان نکه او پاشایه
ویرلدی قارص پاشاسی کورجی سفر پاشا مقدم مامرحوم اولد قده منصبی اوغله و یرلش ایدی
کورجی پاشا و یر اولد قده بعض کینه قدیمه یه بناء عزل ایدوب قارصی سفر پاشا قریزاشنه
و یر مشیدی حالا سفر پاشا اوغلی کورجستان بیکرین قالد یروب قارصی عی سندن آلمغه
نشی ساق ایتدیکی مسجوع اولغله سیواسدن معزول مزبور طوپال پاشایه چلد روا خشنه
ایالتی و یر یوب سفر پاشا قریزاشنه معاونتنه مأمور و سفر پاشا اوغلا و یرینه سردار تعین
اولندی واسطه ربع الاول و وزادن قوجه کنعان پاشا که قبه التمه وزیر ثانی ایدی وفات
ایدوب وزیر اعظم ایلده همجنس اولد و غنه بناء جمله علما مفتی ایلده و وزرا و اعیان جنازه سنه
حاضر اولدیلر و کذلک تقیب الاشرف سابق زیرک زاده یونس افندی مرخوم اولدی
بوماه مبارکده معتاد اوزن سلطان احمد جامعده مولود شریف جمعیتی اولوب خواجه زاده
پایه روم مقدمه واصلی اولعین یقده لی صوف کیموب بالفعل صدر روم حنفی افندی یه

تهدید ایلدی و بوماه او آخر نه وزیر کورجی پاشا دیار بگردن مغرول وحید راغازه محمد
 پاشا دن صد ارته طلب توهمنه دوستوب محض اسنش عار دن ناشی جفا ایلدی و مال مصر
 بقایا سفندن اصلی یوقدن یوز کیسه دمتکه در دیو نصیقات ایدوب روزنامه بی حسین افندی
 ایله محاسبه جیی کوندردی حید راغازه بن محاسبه می کوردم خط همایون دخی جکدر مش
 میری یه بنم یوز کیسه دن مجاویز یکمشم وارد فترده مسطور در بنم براچه ویره حکم یوقدر
 یاشم و مال پادشاه کدر دیدی بوجوایی وزیر تبلیغ ایند کله نکرار مذکورانی کتوروب
 دیدیکه کندونی چوق حمایت ایندک ارتق حایه یه محالز قالمدی بواجبه فی یاور ریاحود حبس
 اولنور وزیرک بوجوایی سوید کله نکران پاشا قول اولی اعاده ایدوب بورجم اولمبجه نه ویره بن دیو
 جواب کوندردی بوا ثناده دیار بکر ایالتدن بر میلی کوردی کتخداسی یدیه حید راغازه یه
 اوج ییک غروش جائزه و یروب بر عمه تولی ایتشیدی بانکه عادت اوزن ضبط و تصرف
 ایتشیکن یو محله شریقه قاقوب کتخداسی وزیر حضورینه چیقاروب دعوی ایتدک چونکه
 وزیرک غیظی وار کتخدا یه عتاب و تهدید ایدوب بره قبه وارویزوخسه نه سنی قور
 و نه طماندوغک فلانی قورم دیو علنا شتم ایتسی اعاجبدنر اما بومر تبه جفا و غیظک
 اشهر اسمانی بوا یش که حید راغازه دیار بکره کتمزدن اول اغار وقتند قبه نشین
 اولدوغی ائشاده که کنگن پاشا ثانی یوسف پاشا ثالث کورجی پاشا رابع سیاوش پاشا
 خامس حید راغازه سادس او تور رابع سیاوش پاشا رعایت قصدند کورجی پاشا ثلث
 و راعی پندن دست مزلی دراز ایدوب یوسف پاشا ثلث پهلوسن دور تر وال چکر یوسف
 پاشا کندونی کیم دورندی دیو محاسبه مشغول اولجوق حید راغازه خفا ایدوب کورجی پاشا
 ایچون پاشا حاضر تلی شقا ایتدی یلر دیر ایدی شقا دیار و مد لطیفه و مطایفه معناسنه در
 اما کورجی پاشایه وقار غالب بولمغین شقالفطین معناسنه الو بشتی وزیر لرده اولنر
 یکچیریلده اولور هر زمان شقی اوجاق خلقندن قویار دیوب حید راغازه نیک اوجاقدن
 اولمسنه نعرین ایدر قارشوده اولان محضر و سائر اوجاغه متعلق کمنه لریوسوزی
 یکتاشه و سائر اوجاق اغالی نه ایشدر دکه اندر دخی کورجی پاشا بزه ایتشیدیش دیار عاسه
 و تحریفه با شلر کورجی یه منعکس اولد قله بر قاقیموز غر و شلق هدایا و اعتذار نکلفن
 اختیار ایله اغاری کوجه تسکین ایدر شلرندن امین اولور یوسوزی اغار ایشدرن
 حید راغازه در دیو بیهوده غیض ایش حال بوکه حید راغازه خلاف توهمنه ایمان
 غلاظ ایدردی بو حال اوزن ماینلری برودت اوزن قالبوب تاکه ربع الاخره وزیر حیدر
 راغازه نیک کتخداسی که محود راغازه بور ناز مصطفی چلبیدر چاغروب البته اچه دیو
 نصیبیق ایتدک چلبی دخی جوابند بنم دولتهو سلطنت بن اچه بی قنده بولهیم سز
 بنم پدرم ایله یوقدر زمان نان و نمک یدیکرمی افندی سز نیچون بن فقیره جفا ایدر سز
 دیدک پاشا بی آدم جفالی سوز اصل بکا ایچرودن کور دیوب بالاخره حید راغازه وزیر
 واروب بولشد قله وزیر بره می پاشا یا اچه و ریاحود چالش بنم صد اتم آل بنی قور تاردیوب
 اولدخی مناسب وقت جواب و یروب بالاخره حید راغازه بعض خمدوس مستور

ایچون تدارک ایتدیکی هدایایی وزیر یله ایچرویه و یروب هم وزیر و سوسه دن قور تلدی هم
 اول هدایایه حسرنکشی آرزو اولنر راضی اولدی حید راغازه نائل مرام اولمغله تدارک ایتدیکی
 اشیایی دفع شر ایچون فد ایدوب خلاص اولدی بوا ثناده مقتول قره چاوشک عورتی عجزه
 متوفیه اولوب مال بسیاری میری یه الندی بوا ثناده لحم بولمبوب قصابلر رخ استدر کارند
 وزیر قصاب باشی یه خطاب ایدوب ات بولنر و سکره صانلر دیو مفتی بنی اولدر نیک استدر البته
 ات بولمغه محتاج در دیو اغلاظ کلام ایلدی کچند کتخدایک ایچون مفتی قیوسنه نه اررسن
 دید و کنه نظیره ملا یه نسبت ایدوب بو کونه اظهار مافی الضمیر ایلدی ربع الاخر احوال سرحد
 بوسنه خرو ات بکی زرین اوغلی ونیک قلیونلر دن نوه ساحلنه دوکلن ملا عین ایله
 اول اطراف غارت ایدوب زادن قلعه سی اوزرینه دوستوب ویره ایله الو ب اول حوالی بی
 غارت و خسارت ایدوب اولامو سقار اوزرینه قصد ایتد کله نکران موستار قیما تندن سکر یوز
 قدر جوان دلاور اول طرفه مسارعت و جنگ ایدوب اگر چه کافر اتم زام بولدی اما دور تیوز
 مقداری موستار بکته لری شهید اولدی سیاوش پاشایه فریادی وار دقده سرای وغیردن
 اوج ییک آدم ایله نفیره مسارعت کوسق دکه و استدر شقا اولمغین اوجیوزمقدار آدمی
 مجید و هلاک اولوب و احوالی آستانه یه عرض ایدوب موستار یلر کندویه و رود ایدن
 خون آلود فریاد نامه لری بیلر کوندردی ربع الاخره وصول بولد قله حضور پادشاه یدیه
 عقد مجلس اولوب مفتی افندی کورجی پاشایه بزرگ بوضعه تدارک کورک دیوز میدک
 دیو عتاب و تقریر ایتدک پاشا جوانلر دیدیکه الد قلی بر معتبر نسنه دکل پرانغه ایشکه
 نه انلر نه بزه پر ایش دیو جواب و یروب بالاخره ونیک بالیوزی پاشایه اول قلعه بی ینه سز
 الیور مکه متعهد بنم بولنر الم حکمک دیه سی مصباح عد اولنوب مصائب سرحدی
 کالعدم فرض ایتد بلر عجبیه بوا ثناده یکچیری اغاسی که مع الوزان ایچرودن چیقان سالیان
 اغادر مقدما باقراده مقتول اولان قیودان جعفر پاشا نیک خسرو پاشا خلفه سی حضور
 پاشا قزندن تولد ایدن دوستیز دخترین تزویج و عظیم ولیه ایدوب جمیع اعیان دولتی اغا
 قیوسنه دعوت و اوچکون ضیافت و زفاف ایلدی اناطولی قاضیه سکر می مسعود افندی بی
 دعوت ایچون کتخدایکی و باش چاوشی کوندروب اندر دخی صورت اجابت کوستر مشیکن
 اغاقله ایچرودن چیققد قلم بزم زیارتمز کلدی دیو حال انلر سور و ارم قزندن ماعد مفتی یه
 خبر کوندروب بزارم ز مناسب اولان بودر که البته سزده وار میه سز دیدک مفتی جوابند
 اذاعبت فاسحیم و امرینه اتباع اعدو نلرینه اجابت ایدوب وار ز انلر استر لسه وار سونلر
 استر لسه وار سونلر دیوب مفتی واردی و غریب حالات سلو کیلری بومصر عدن فهم اولنه
 ع افعال من تلد الاعاجم الحکم موصل بکلیکیسی فوت اولمغله دیاغ محمد پاشایه و یروب منسلان
 کوندرک اتفاق عثمان چاوش زاده محمد نام بر مردج سور که سابقا حلبه تابع بیاس سنجایی
 بکی بعله مغرول اولوب استانبول کلوب بصره حاکمی علی پاشا مرحوم اولمغله بصره بی
 استیوب کورجی پاشا ویرمد کله کندوسی اهل قلم و استاد کاتب اولمغله بر ساخته اولاق
 امری و ساخته موصل منشوری یازوب واروب موصلی ضبط ایش و بومنعصب بکا ون

التي بيك غروسته درديوب دورت بيك غروستى موصل خلقندن تحصيل ايدوب بعد
استانه به عرض يازوب موصل خالى بولمغله ضبط ايلدم واون التي بيك غروسته مقبول در دورت
بيكي حالا كوندلدى قصه دورى دخی ارسال اولمورد يوب ولايتدن پيداليتديكي دورت بيك
غروستى عرض ايله كوندردى و كندوسى تحصيل ماله مشغول اولدى كورجى پاشا غصبه
كلوب نه بيانه سويلر بوتاميس شونك احضار نه آدم كنسون ديدى بروجانده دباغ پاشا نك
منسللى وازجه مزبور اولمقدار مالى موصلدن تحصيل ايدوب طشردده چادرلر ايله خبره
منظر اولدى دباغ پاشا منسللى واروب فرمانى ارازو ولايتى ضبط ايتد كدن صكره مزبورك
چادرته واروب ولايتدن آلدغي مالى لائق تداركته دوشد كده پاشاى مزبور غدا ايله چالوب
منسللك قولن دوستوروب اتباعيله بنوب يوله دوشدى مكر مشايح عربانندن برينه التفات
ايدوب كندونى قاجر مغه قوللا و زحاضر ايتمش ايتمش لك دلايليله چولدن بصره به فرار ايدوب
قورتلدى تفصيل بعض اخبار كفارك بوشاده طغيانى سويلنوب بناء عليه اون براوطه بكيچريكه
اوج بيك نفره قرييدر بو سنه محافطى وزير سياوش پاشا طرفته مامور اولوب سابقا باش
چاوش و حالا خاصكى اولان حسن اغا ضابط تعيين وارسال اولمديلر مقدم كفا رخصت
كليس قلعنه سنه مستولى اولد قلر نه آب چئينه ماوراسنه كه جانب شماله سد اسلام
سمتند كنين قلعنه سى وراسنده بر كوه عظيم چيقوب غرب وجنوبه جريان ايدوب
خليج البنادقه به منصب اولوب كنين ولقه وسد اسلام و او دونه وزمونيك ووزش وغير ذلك
بوجه ممالك كه بر قاج سجا قدر وكنيس و مسن جمله اول صوبك ماواراسيندر جميعا كفار
استيلا ايدوب طولاسكر و عرضادورت كوناك مملكت جمله كافر اندك ايتكن بريل زرزن اوغلى
جنرال ايله مصاهرت و بربريله مظاهرت ايتمكه زرزن اوغلى اتاوعسكر كو ندروب چئينه
صوبينه وارد قلر نه جنرال لك قليو نلرى دخی اول صوبه يناشوب صاغ طرفلر نلر غلبه و
منصب آب تر قوه صول طرفلر نلر آب چئينه بلاد اسلاميه به يورسوب سابقا تالان ايتد كرى
اموجه ناحيه سنه اوغرا ميوپ كه تر قوه صوبى سمتنه درياكه اول يلا غل جانب غريب سندن
كجوب موستان قصد ايتد كرنده موستار آب تر قوه كنار نلر واقع در اهالي سى جنك آور آدم لردر
سكردوب ملاعين ايله جنك ايدوب اوزلر نلر رفع ايتديلر اما چوق غازى شهيد اولدى
ملاعين نلر محمول اولوب سابقا بر دفعه تالان و خراب ايتد كرى زاده قلعنه سنه هجوم
و محاصره ايدوب مكر دموردن اينوب نقلى آسان كجه طوب تصريف ايتمشلر كه و رعونت
طريق دفعه طوب نقلنه مانع در اوج دورت طويي كجوب قوروب تصديق ايتديلر قلعنه ده
اولان اوجيوز مقدارى مسلمانلرى استيانه دعوت ايتد كرنده امداددن ما يوس اولد قلرى
اجلدن قلعنه يي تسليم ايدوب چقد قلر نه ملاعين غدر ايدوب ديلد كرنن كسوب
واطفا للرين باجغندن ايكيشريان ايدوب مادرينه قارشتو آتوب بعث اطرافى غارت
وذكور وانا ئى جميعا اسير ايدوب قليو نلر طولدر ديلر قلعنه به التيور تفنك اندازم لعون
طولدروب كندولر اطراف غارتنه ال اوزا تديلر سياوش پاشا به خبر اولد قلعنه سرعتله
واروب قلعنه مزبور ايله پروزر ناحيه سى ييننه آورد و قوروب جمله ايلات بوسته نغير عام

چاغروب جمله قضاوايالت وساير خلق اول طرفه متوجه اولد يار خلق مجمع اولد قلع
كافر زادن يي تحريب ايدوب فرار ايتديكي خبرى كدى احوال انا طول بوشاده بغداد اخاسى
الياس اغا بغداددن كلوب يوله صاريجه طائفه سى بكيچر بلره تعرض ايتمكين التي نقرين
تفك ايله اوروب التيسن دخی قازيغه اوروب انلره سوال اولند قلع احمد پاشا نك صاريجه لريوز
ديوجو اب و يرمليله مطلقا صاريجه نامه اولان استقيا به قتل عام اوله جقدر ديو
ارجوفه پيدالدى وقاطرجى اوغلى لار نلر دن محلوله متوله سرا بلى يي بعض اتباعنه خطبه
ايدوب امتناع ايتد كرنده دورت بيك قدر اتباعيله واروب لار نلر يي محاصره ايدوب عظيم
فسادات ايتمش كذللك سوخته محود پاشا كه سابقا سوندك پاشا نك كند اسى بعد قزوين
تروج ايدوب مال و املا كن قبض ايدوب اذنه پاشا نلر اولمشيدى كريد سفرينه كند كده امير
نام كسنه يي كه اولد دخی سابقا سوندك پاشا نلر كند الق ايتمشيدى اذنه به منسل قويوب امير دخی
محاسبه خوفندن مقتول كند ايكه مراجعت ايدوب عينتاب بعد اقسراى سنجان آلوب
بعد اذنه پايه سى اميرين كتوردوب امير پاشا عنوانن بولمغله پاشا سمنه قارشتو قومق تداركند
اولمشيدى محود پاشا كريدن كلد كده دفتر لره راخى اولمچق اذنه ظاهر نلر ايكيشر بى كدن
زياده عسكر قونوب محاربه ايتديلر آخرايكي سى دخی طرسوس سى ساكن اولمغله اعيان ارايه
كجوب بر مقدم ايتي اليوروب اصلاح ذات البين ايتدروب يمينلشد بلر اكر چه ظاهر امصالحه
ايتديلر اما اميرك عسكرى ايل اري اولمغله اطرافده كوي رينه و بر لور رينه طاعلديلر اما محودك
بيك يديوز مقدارى كند و مخصوص اتباعى اولمغين اميرى كوز حبسنه آلوب بيله قوندروب
كوچروب واحد واحد اول قريه لرى احراق بالنان مشغول اولدى اذنه پاشا سى قره
حسن پاشا دن عرضلر كلوب محود و امير ايكيسى دخی جلال لير در ديو اعلام ايلدى ايكيسيمه
متمم دحر يفلرايدى لكن محودك قوت مال و بواله مكنتى زياده ايدى خصوصاً سنه ۱۰۳۶
وقايى اثنا سنه ذكر اولمشدركه سوندك پاشا طرسوس ناحيه سنه بر عظيم دفينه
بولان توركى الدادوب دفينه يي يودوب عزل اولند قلع در دولته نعل بازكون عرض ايدوب
زيت ياغى كى اوزرينه حقمش ايدى تفصيل سنه مزبور ده مذكور در بعد سوندك
روانده فوت اولوب بو دفينه عظيم بو قدر مال محوده انتقال ايتمشيدى حال بو قدر قوت
ماليه ايله اول طرفلر استيلا ايلدى ومقدمه اباز به پاشا حلب پاشا سى اولد قلع همشيره
زاده سى ابشير يكه دخی طرسوس سنجانغى اليوروب اول زمان ابشير طرسوس بعض
هقارات و طواحين ايدنمش ايتمش بو دفعه اباز به حسن جمعيتندن ابشير پاشا حلبه توجه
ايدوب انده اوغرا قلع محود پاشا قرشو كلوب هديه ايله بولشمش ايدى ابشير پاشا مكممل
قبوسى ايله حلبه وارد قلن اهالي سى استقبال ايدوب ركابه يوز سورد كرنده التفات ايتمكين
مشا هير اعيان نلر كند ايرى صالح محمد و بكيچرى سردارى قره سلیمان استجلاب قلب
ايجون عظيم هدايات دارك ايدوب اول صالح يكرى كيسه نقد غروش وقرمزى قطيفه به قبيلى
قياجه كورك سمور كه دكه لرى ذهب مينى كارى برطوب عنبر خام ملفوف كيسه لر اوزر نلر
اهدا ايدوب مقبول اولمچق قره سلیمان دخی يكرى كيسه نقد ورمكاف آلانلى آت

پیشکش چکوب ایکسی دخی اختلاط شبان روزی به قرین دوشیچک سائر اعیان حلب
دخی اون کیسه دن بشیو زغوشه دك حالینه کون نفود و تحف هدایا وروب علی طبقاتهم
پیشکش چکوب مظہر التفات اولدیلر ایشیر دخی و هله اولدیلر فقر لیه روی حمایت کوسنروب
صاف دل عربلریا بالفقر ادیومدیجه کوی اولوب نیکنامی اطرافه مننشر و در دولته منعکس
اولدقد نصکره پاشا حاضر نلری اعیان دن الدینی هدایا مقابله سنه د لجویلق قصد یله
خارج حلبده بر عکراده اوتاق و چادر لر قوروب عامه اعیان ولایت بر شاهانه ضیافت ترتیب
ایدوب متعینان حلب واصناف عسکر مقوله سننن کیم واریسه بقدر المراتب کلوب جمع
اولدیلر ایشیر اول جمعیت حاضرینه خطاب ایدوب جمله مزبور دولت ساینده خوش حال ایکن
وکلائی دولت تفریط فراوان ایتلریله غرض و طمع لرین افزون و دولتی ضعفه دوشردیلر
بر مرتبه یه واردیکه ایکی قول مایعنه عداوت بر ایدوب جنح دولتی بری برندن ایردیلر
بمرتبه د نصکره ولایت و امر او قضا و سائر لرینی متعاقبا تبدیل و تکمیل ایتلریله رعایا و بریا
بر باد اولوب عالم ظلم ایلر طو لدی و انلر مال فراوان جمع ایدوب ولایه و قضاة فقراسی د بر عالم
خراب و مملکت زیر و زبر اولدی حالا هر بریزه اللری ارسه امان و بر مرز لر عهد و امانه طور مرز لر آمدی
مادامکه رشتوت عالمدن رفع اولغیه کسه راحت بولنور رعایا معمور اولنر بر و ایشیه نصب نفس
ایتشیر کرکدر که سز دخی امن در میان اوله سز و الا سز که سپاه و یکچیری طوایف سز کرکدر که
یکچندن کوب بارشته سز دیوایی عسکری او پوشدرب بارشدردی اندن سلطان سلیمان
قانونی اوزن عمل دستور العمل ایتکه خلق دعوت ایدوب استانبول کاغذ لرندن بر طومار ایدوب
بر قانون نامه یازدیلر شول منوال اوزن که هیچ بر منصب نا اهل و بر لیه و کاشامن کان رشتوت و جاره
الغیه و امر او ولایه و قضاة او چر سنه دن مقدم عزل اولغیه و سکه نسیج و امور دین و دولت
شرع و قانون اوزن تنقیح اولنه بواسلوب اوزن شروط و قیود ذکر اولنشدیدی بومنوال اوزن
بوامری تمشیتدن رجوع و نکس ایتکه ایمان تکلیف ایدوب جناب الله تعالی و رسول الله
صلی الله تعالی علیه وسلم و طلاق و عتاق و کتاب کریم اوزن طرفیندن سپاه
و یکچیری یمینه توجه ایدوب میدانه بر مصحف شریف و بر قیام و نان و نمک قویوب ایمان
و موافق ایتدیلر اندن دیار بکر و بغداد و ارض روم و سیواس و قرمان و سائر اناطولی
ولایتلرینه مکتوبلر کوندروب سنه ۱۰۶۲ روز حضرتن مرعش چایرند انلر عز چایرلد برز
انجمنکاه اولور هر دیار دن قول طائفه سی کلوب و امر او بکر بکیلر بوجه اوزن قانونه مطابق
اصلاح عالم ایچون جمع اوله لر تخلف و ابایا دنلرک اوزرینه واریا وروب بعد انقضاء المصاحه
حقندن کلنور دیومکاتب کوندردی استمانه دن طرابلس شام ویرلد کله ضیطنه ایشیر
شردن قادر اوله میوب مرعشه اندن قرمانه کلان عمر پاشا ایلر قاطرجی اوغلی مجلسنده داخل
اولان حاجی بیرام صوفی که ناقل قضیه در دیر که قاطرجی اوغلی مجلسنده پاشا ایلر بر محله داخل
اولد قکه ایشیر پاشا نك اغاسی اکاده بوکونه دغوت مکتوبی کتور متش قاطرجی اوغلی بر یاغنی
اول بر یاغنی اوزرینه قویش صایرغنی اکش کلان مکتوبی هنوز او قومش عمر پاشا نك اوزرینه
آتوب باقی ایشیر پاشا دن کلان مکتوبی دیدی اندن صکره ایشیر پاشا اغاسنه بویه جواب

ویردیکه باقک به هر بقا پاشا نك اوزرینه اولد رملک استندی اولد و مندی صالابویه صورت
صلاحه طغیان ایتک استرغی طاع باشنه بر حرامی ایکن حق تعالی بکا بویه بر سو ک اتمک
ویردی هر کز پادشاه نصرتدن دوزم و اوزرینه کورسه الی سیک بر ارسکر م وارد بر ندلری
قیادوب باصوب قرارم و سز مکتوب دخی و بر م جوابم دخی بودر وارک استند یکیکر کی
صوبلک به خجبه عورتی کیندیلر دیوب طشره ایلدی بوندن مقدم ذکر اولنشدیدی که لارنده ده
بر سپاهی فوت اولوب استانبول دن کتور دیک اعلی بر متوله سرائیل محلوله اولغله قاطرجی اوغلی
آباغنک برینه استیوب عورت و لارنده لی ابا ایتد کلرند عسکر یله واروب لارنده بی محاصره
و عورتی کوجه آلوب نیجه فضیاح و شناع ایتشدیدی لارنده خلقی بو اشداده عرض و حضور ایلر
استانیه کلوب مفتی به و وزیره شکو او عرانی رجالتد کلرند مفتی پاشا یه حواله ایدوب
پاشا عرضلری الیقویب جواب شافی ویرمدی منلا نچون شوطالمی امت محمد ک اوزرندن
قالدر مقدمه مساهله ایدردید کد و وزیر جوابنده ول روسی اوغلی ایچون صاقلیوب مساحه ایدرز
دیوایشیر کویا سز سزید اولسنه تلخ ایلدی بو اشداده ایشیرک اطرافه بوجه لکه مکتوبلر اکنده
ایتدیک ایشید کد صد ارتدن معزول بوسنه محافظی سیماوش پاشا نك تعالیم و تجربه یکه در
دینا حق یره فی متهم طو توب قتل مراد ایتد بلو آدم نغین اولنشدیکن بعض عقلا منع ایتدیلر
مصباح و قته بناء خیر معقولدر دیکله روم ایلر ایا لئینه قالدیر اوب روم ایلنه متصرف
قصدی پاشای بوسنه یه کوندر دیر حمادی الا ولی بوماه ایچنده دو تمایه زیاده جه اهتمام اولوب
پادشاه عالمینه حاضر نلری ترسانه با نیجه سنه اوتوروب البته قرق یان قدرغه تجریر
اولنسون دیواقد ام ایدر لدی حال بوکه قدیم دن مرحوم مصطفی پاشا زمانه کلجه استانبول دن
انجق اوتوز یان قدرغه استانبول و سائر اطراف سواحلک استانبولدی مصطفی پاشا علو
همت اظهار ایدوب قرق قدرغه اشداتش ایدی اما عوارض بلاد انجق اوتوز قدرغه کورکیمسنه
کفایت ایدوب اوز کورکیمسنر قالد قدرغه غنفلر استانبول و اطرافه بولنن سائر لری و یککار لری
طولدر مشیدی و استانبول ترسانه اختیار لرندن مسموعد رک اوتر مانلر ده بر قاج مقدم
نامه کسنه لرو ایلدی چار شوی بازده اناطولیدن و سائر بلاد دن هنوز کلش ایلر و کورک
یانی ایش سز مغفل لری ارایوب شکار ایدر لدی اول امر دن اشداتق و حالنه کور دوسملق
عرض ایدوب کل شهبازم کل بریا با چور باسی ایچم دیوب خانه سنه یا خود بازده بر کبابچی
دکانه صوقوب اطعام و اسفاد نصکره و افریانه مصاحبت ایلر منزلنه کتوروب خد متنه
اولان خذله اشارت ایدوب اول بیچاره بی قایوب منزلک ایچنده اولان اسیر زندانه
طوبار لوب پرتقه یه اور بوجه لکه هر مقدم دو تما قالقچه و افر کورک یانی پیدا ایدوب
سفینه لر قالقه حق وقت کیجه ایلر اول بیچاره لری چیقاروب سفینه لر طولدر لر کیجه شکایت
ایتسون دو تما و دتنه دکن کورک چکوب عودنه صانع قلا نره کورکی اجر تی دیو بر قاج
قروش و بر لر ایش بوظلم قبیح مرحوم کوریلر محمد پاشا و قتنه دك متد اول ایش الله رحمت
ایلیه وزیر مشار الیهک اثار حسن لرندن بری دخی بقاعه سیه فی محوایدوب مقدم نامه
اولنلری رفع ایتد کلریدر حتی اول دامه دوشن بعض اتراکک نیجه حکایات غریبه و تعلیقات

و مخکله لری یاران بیننده الان سويانو چون پادشاه عالمينه حالا قرق قدرغه اولسونه
 دیوارام سوزدیلر عوارض اچمه لری مواجب لشکره وسائر وجوه صرف اولنوب اوتوز قدرغه
 نیله هزار زحمتله طونا نرایکن اون قدرغه یه خیل مضایقه کوریدی چادرلر قوریلوب میدانه
 اچمه دوکیلوب ینه کسسه رضا نیله واروب کورچی یازلنرایدی و کوریدی دخی خزینه کوریدر ملک
 امرهم اولوب خزینه ده مضایقه مقرر واستا نیولدن تدارکی متعسر اولغله درگاه عالی
 قیوچی باشلرندن زحجفی اوغلی کبی مسخره بی حیایي محصل اموال نعیین ایدوب ایکی سنه دن
 پروروم ایلنه جمع مال نامیه تخریب دیار و تفریق رعایایه مشغول اولان اوزون یوسف
 و توقاق عمر نام محصل لک اوزرینه حواله ونعین ایدوب کوریدیلر و قیودان پاشایه بوجواب
 خرکوشی ویردیلر که سن فلان ساحله واروب یناشد قله زحجفی زاده محصل لردن شو قدر
 یوز کیسه بی آلب کتوروب سکانسایم ایتک اوزن اصغر لشد رستوم مقدارینی کریدم کورتور شو
 هقداری سکا ویریه جکدر دیدیلر قیودان پاشا اوزیره واروب دولتلویونه سوزدر بوش لقلایه
 ذونماچمه کیدر زحجفی اوغلیمک زحجفه فلان اینسونلر اولقوله حریف اچمه ایرشد رستومیه جکی
 اشکان در دیوستان نیوله اچمه ویرلک امید ایتد که وزیر خلوت ایدوب سن بویرق قولیسون
 صکانه دیرلر سه اویله ایله بوجحاجه نکل محل دکلردیدی قیودان دخی سویلیمه یصاندی وزیر
 یتیم ویر ایدوب سنک باشن کسوب چونله یه اصارم وسوزنی دکلر برآدمی قیودان ایدرم
 دیوب مکالمه قیوسن قیادی قیودان ناچار سکو ایدوب کندی غریبه بومه ایچنده مرحوم
 مصطفی پاشا قری خیابانوغ دعواسن ایدوب شاهد لری کتور دکله استانبول قاضیسی
 میاضی افندی بلا خصم حکم حتی ویروب بعده روم ایل صدری حنفی افندی اعتراض ایدوب
 پاشا دیوانده خواجه زاده مسعود افندی ییاضی به نصرت ایدوب ایکی قاضی سکر مقارعه
 ایدوب چکشیدیلر خواجه زاده حنفی به بره قزلباش قوجه اول دخی اکابره دیوانه سفیه دیوب
 آپکیسی دخی بو نامعقول وضع ایله تشهیر اولوب کفته کویه باعث اولدی چاوش اوغلی محمد پاشا که
 سیواسدن معزول ایدی بو اتمارده دارالسعادة اغاسی سلیمان اغایه انساب ایدوب قبه
 نشین اولدی حیدر اغازاده محمد پاشا کورچی پاشا دیله هدایای عظیمه ویروب دارالسعادة
 اغاسنه عبودیت و دفع شر ایچون وزیر اظهار بندگی ایله مراجعت ایتمشیکن کند و زلزلنی حس
 ایتکله مشار ایله برنامد ارا دم اولد و غندن اعدا مننه قصه بی طویغله حیدر زاده بالضرور
 اختفا ایلدی کتخداسنی دخی صاقلندیلر دیار بکری مجتم حسین چلی که مرد میه مد رسیدر
 حیدر زاده نکل اجرای مجلسندن اولغله اول اتماده خسته و صاحب فراش اینکن وزیر طرفندن
 اوزرینه مباشر قونوب پاشا کتده در البته نه خبره ویردیکور خیسنه آلدی احوال مصریه
 و مشورت عجیبه جمادی الاخره نکل بشنمه مصر دن سابقا مصرک چاوشلر کتخداسی سید
 جعفر اغا نام کلوب عرض و محضر و دفتر کتوروب حضور همایونه مجلس مشاوره عقد اولنوب
 مفتی و وزیر و صدرین و دارالسعادة اغاسی و سائر حاضر و والد سلطان دخی ورا پرده ده
 حاضر ایدیلر کلن کاغذ لرفع و قراءت اولنوب نتیجه سنی بوایدیکه بو سنه مال مصری طلبنه
 قضایات اولنور طلب اولتان بقا یا مقدمه معزول اولان طارخوچی احمد پاشاده و بعضی دخی

حالا والی مصر طواشی عبد الرحمن پاشاده در که دست غالبه در و بعد الیوم ارساله بحال
 یوقدر زیر مصرک مالی انجق مصرفنه کفایت جیب خرجلنی اولان مال کشفیه لکه التیوز
 کیسه درعالا اوجیوزدن زیاده یه بحال یوقدر اکثر مال اولطرفه تقاعد ایله کوریدیلر
 ایچ اغالری و طواشی اغازک علوفه و جرایاته مصرفه دراکر مال لازم ایسه کشفیه
 و ولایه مصرک عوائد سائر لری و طواشی و سائر لک جرایات و علوفه لری و سائر هدایا
 قطع یا خود تقلیل اولنوب والی مصر اولنور عوائد نامنه بر شینه دخل ایتیه یا خود بروجه
 ثایید متصرف اولق اوزن احسان اولنه کر یوجیهله اولور سه جیب خرجلنی اولور و الا
 لایم شلر پادشاه حضور تلی نه دیر سز دیو توجیه خطاب ایتد که وزیر و حنفی افندی
 معقول دیوب مفتی دخی یورایی بکنوب معقولینی ثایید ایتدی پادشاه دخی دوات طلب
 ایدوب خط یازمه عازم اولد قله خواجه زاده مسعود افندی که هنوز جرف سوبلیوب
 ساکت ایدی همان باش قالد یروب پادشاهم بود عاجیکره دخی سوبلکه اذن وارمیدر دبد که
 پادشاه کندویه توجه ایدوب سویله افندی سویله دیو یور یجق پادشاهم بونلرک اوجیه
 مد اهنه ایدر لولات مصر حالا اوچرودور دریک کیسه ایله معزول اولوب کاورل میری طرفه
 عاید اولان موادی کتم و اخفا خصو صغه خلق متفق اولق اسکی بلیه دربرو عرض و محضر
 و دفتر والی اولانک رای و تعلیمی ایله درو الیرک عایدی قطع اولسون دید کوری مصری ثاییدا
 آملق ایچون اطماع شکندن برکلام و اهیدر مصر ثاییدا اولنور سه مستقل سلطنت اولنوب
 الدن چیقار سترک حرمن شریفینه حکم کزول اولدوغی دیار مصریه الله اولعله در دیدی
 اشدن کی افندی نه سویلیدی دید که والد حضور تلی کر چکدر سوز بکنکدر دیو سوز دیلر
 قزل اغاسی دخی جواب معقول بودر دید که اصحاب مجلسک مد اهنه لری ضاهر اولیجق
 وزیر عز صدر اتله مسعود افندی یه چین چین کوسرتوب افندی صوص بیله سوز سوبله
 دید که همان مسعود افندی بی پروا جواب ایدوب بونله ده می صوص دیر سترک
 بو حضور هما یوندر حق نه ایسه انی سوبلک کر کدر بونله کذب و مد اهنه دین و دولته
 خیانتدر دیدی مجلسه و حشت دوستوب بو خصوص بردخی کرکی کبی مشورت اولنوب
 مجلس اخرده جواب متافی ویریه دیو قطع کلام اولندی بعده شورا حوالی مذاکره
 اولنوب پادشاه حضور تلی لحم سکر ره صاقلوب یینه بولند یغملک اصلی ندر دیو سوال
 پیور دقترنه وزیر و منلا و سائر حاضرین پادشاهم ات و اتمک و هرشی دولتک کزول و اوند
 مضایقه یوقدر دید کلر نه یه خواجه زاده میدانه آتیلوب معارضه ایدوب ایچون بویله
 مد اهنه ایدر سز دیوب پادشاهم شوکتلو خنکارم حالا ترخ امور یه تقید یوقدر شهر ده
 لملک وجودی یونلرهما سی سکر راچیه در لکن سموز ایلر کزول جه اوزلر او ایکی شراچیه
 صاقلور فقر ابابله مضطربدر دیدی وزیر و منلا خواجه زاده نکل بو مقوله جرات و معارضه
 سمندن زیاده دلکیو اولوب مجلس طاغندی خواجه زاده دن ماعداسی باجمعهم مفتی نکل
 خانه سنه واروب کونه کونه کفت و شنید ایتدیله خواجه زاده کند و خانه سنه واروب
 عالمده اصلا یونلر قار شهیدی ایتسی خواجه زاده تنها حضور هما یونه دعوت اولنوب

امور دولته متعلق بجه کلمات خفيه اولدى اما ابو قضيه لخلق بيغنه شيع بولوب
 گاه وزير عزل اولنه جقدر گاه اغاچقا جقدر ديار احييه باشلد يار وزير ايجروا غايه واروب
 اكر بنى عزل ايدن جك ايسه كز عزل ايدن نفى ايدن جك ايسه كز نفى ايدن بنى بولنه تشهير
 ايتمه نك فائده سى ندر خلقك كيمى عزل و كيمى بنى و كيمى قتل اولنه جقدر ديد سوز لر پيدا
 ايدوب لسان نه دوستدم بويله حكومتدن موت اهوردرد يوا فرسويابوب و الله يه دخی
 تشكى ايلدى اما اغا و سائر مقررين تنها لر نه برمد بر وزير لا زمدر دير لر سوء مجازات
 خوفندن بر بنى اختيار ايدن مد يار مصالح دولت مشوش اولد و غندن الم چكر لر
 فكن كورجى پاشا كند و له انفع و اهون اولد و غيچون اندنه كچه مرلر خريص متخوف ناصح
 متصنم كى مردود بين الامر بن قالد قريچون ينه وزيرك خاطر بنى كوزه دوب دفعه اراجيفه
 و خلقك لسانى قطع اچون نأيدن اصدار ته متصرف اولق اوزن بر خط شريف و چچر
 و خلعت اصدار نه همت ايدوب مشورتك ايجن كوفى ارسال ايتدرد يار احوال دوتما جاذى
 الاخره نك او ائله قبودان على پاشا دوتما ايله قلوب اق دكره متوجه اولدى لکن سفاين
 كفار بوغازدن طشيره كلوب اون طقوز قليون اسكى استانبول اوكنده ياتمش ايدى قبودان
 دوتما ايله كليولى يه اندن بوغازه واروب طشيره عسكر دو كوب كفار دن طوئينه ايله
 صوبه كن ملا عيندن بر دل طوئوب سويلدوب استانه يه كوندردى وصولده استنطاق
 اولدق قن بواون طقوز قليون كفارك قره غوللريدرد و نغاسى دخی كيروده در مراد لرى بوغاز
 حصارينه صاريابوب تحريب ايتمكدرد و دبانلر دخی تدارك ايتمشلردرد و خبر و يرمكن بوغاز
 حصار لرى محافظه سچون بر قاج او طه بچچرى ايله يوسف پاشا سردار تعيين اولنوب
 كوندردى بوسيا قن بر ارجوفه پيدا اولد يكه قبودان پاشا مغربه قاشمشد بر كون مقدم
 ايسه كند و دن مکتوب كلوب مضمونده كفار قليونلرى بوغاز اوكنده ياتوب آشكار
 دوتما يي چيقار مق متعسر در ديو دفعه سفينه لر بو غاز ايجنه متفرق اولوب دوتما
 چقميه جق ديوا شاعت اولنه بو خيله كفار منعكس اولغله حسن تدبير ايله چقمق
 ممكندر ديو اعلام اولنشميدى بورا يى ارياب دولت و مفتى تزييف ايتمشلرايدى حالا
 فرارى شيعو غندن حيرت مستولى اولوب و اندن معزول شهباز پاشا دوتما يه تعيين
 اولنوب فرار قضيه سن تحقيقه كوندردى و يوا تپاده خاصكى اغا دخی قبودان پاشا يه
 البته چيقاسن ديو امر ايله كوندرلشميدى كلد كده شويله خبر كتور ديكه قبودان استنه
 دوتما كيمه ديگر لر سه و ير سونلر بكا قيو دائق لازم دكل اچچه و ير مد يار مصنم سوز ايله ايش
 كور لسون دير لر دى سكر كى يه مالكم قورصا نائق ايله كچينورم كچن سنه بو قدر خسارت
 اولدى حالا قليونلر مزبور بچچرى بگا و اغالرينه انقياد ايتنلر و دو كوشنلر كفار اوزرينه نجه
 و ارياور بزي عفو ايتسونلر ديو ب مکتوبنه دخی بويله يازمش وزير بو خبرى معلوم ايدن كده
 قبودانك مکتوبنى يره چالوب جهنه باشى بن قبودان ايدن جك آدم بولورم اما ان شاء الله تعالى
 كند و نك دخی حقندن كلورم ديدى جمادى الاخره نك بكر مى ايكيسنه قبودان پاشا دن
 وزيره تکرار مکتوب كلدى بوو جهله تدبير ايتشكه چون كفار بو غاز خا رجنه انا طولى

جانبينه اسكى استانبول اوكنده ياتور لردى باشد ارده يي قوب يدك خوب سكر يان بيك
 كيمر يله بر ليله مظلمه ده روم ايلي كنار دن صد ايتيموب فنار يا قيموب چاقق بيله چا قدر يوبوب
 كفار خبر دار اولدن بوغاز دن طشيره اولمشلر بعه قبودان دوتما كيمر بنى كليبولده قوبوب
 قره دن مدلولو قرشوشنه اول سكر يان كيماره مهمات يو كلدوب سكر كيمر يله ساقره
 توجه ايلدى اول ائشاده استند يل اطه سنى اور مق صد دننه اولطرفه توجه ايلدى
 بزوده كفار كيمر ي صبا ح اولد قن چكدرد يلك بوغاز دن چيقديغنى خبر الد قن ديدن بانلر يي
 صلب ايدوب دوتما عقبينه كتد يار حكمت خدا فور ته اولغين كفار كيمر ي مضطرب
 اولوب لنى اطه سى اوكنه لكر بر اقد قنلر ملا عيملك ايكى معظم قليونى و اوج ماونه سى
 پان لنوب متضرر اولمشلر قبودان استند يلى اور مق قصديله توجه ايتد كده كفار دوتما سى
 عقبندن ايريشوب روز كار نامو افق اولغله قبودان پاشا نكر ارساقره معاودت ايلدى
 قره بتاق بيك كير و ده بولغله مائنه كيمر ي او كين آلوب اسير ايتد يار صكره بر يوك
 كفار ايله مبادله اولندى اق دكره قورصا نلر دن يلان دلى نام قرقنه جى دورت بش پان
 قرقنه ايله كه جنك آور لوند ايله ملا مال ايد يار اطه لارا سنده كز ركن اتفاق كافر قليونلر دن
 برى بر آطه نك رعا ياسندن مال جمعنه گلش ايجنه اولان سولتائرك اكثرى چيقوب
 اطه ده كند و عالمر نه قليون نه يكر مى قدر كفار ايجق و ارايدى كنده ياتور كن مزبور يلان
 دلى هجوم ايدوب قليونى فى الحال فتح ايدوب يلكلر يي اچوب از مير جانبينه چكلد يار
 ايجنه بولنان اموالى اغتنام و اقتسام ايتد كد نصكره قليونى از مير ده اوج بيك غروسته
 صا توب اچچه سنى پياشديلر كذ لك بوغاز ده يتان كفار علوفه كتور ركن بر قليونى دخی
 قورصان غاز يارى آلوب اغتنام ايتد كبرى خبرى كلدى جمادى الاخره نك بكر مى
 اوچنه حيدر زاده محمد پاشا يه عنایت پادشاهى اولوب انا طولى جانبينه بوغاز حصارى
 محافظه سنده مأمور يتنه خط همايون صدور ايتمكين چيقوب محل مأمور مسارعت
 ايله وزيرك استئقال و تضديقتدن قورتلدى و بوغاز حصارينه كوندربلان يوسف
 پاشا آجه اباد طر فلر بنى محافظه يه مأمور اولدى و مير علم حسن پاشا قبودان ايله
 چيقان سفينه لر ده ايدى محافظه سنده مأمور اولد و غنى بوزجه اطه يه وصول بولدى بعد
 قبودان على پاشا كريند واروب مهماتى اولشدر دى و لكن بوسالف كندى ايله چندان
 مصاحت كوزمكله عزل اولنوب قبودانلق درويش محمد پاشا يه و ير لردى قبودان معزوله
 مور و يرلد كد نصكره قيد و بند ايله استانه يه احضار و حبس و يوز كيسه سى مصادع
 اولند قد نصكره اطلاق اولندى و اسير لكدن چيقان قره بتاق بيكه سنجاق و ير لردى
 منفى اولنلر جمله استانبوله كلسونلر ديو طرف همايندن ننبه اولنوب وزير ممانعت
 جانبين طوئد قن پادشاه ابرام ايدوب البته كلسونلر اكر صوچلرى و ارايسه قاضيه سكر لرم
 استماع ايتسونلر يوخسه بر الاى مسلمانلر نچون غربت چكر لرد يوخ خط شريف اصدار
 ييور مغله جمله سنده اطلاق امر لرى كوندردى بعض عقلا بوخصه سى خواهه
 زاده القاسيدر ديدى بووقمه دن نصكره كورجى پاشا نك كو كى اقبالى همو ط

ایوب رونق یعنی کتب که از حلاله یوز طوئی یاد مشاهد عالیه دو نما
 چیتقد نصبره اسکند ارباعه سنه واروب کراس قصبله اندا کلند یلو پر کون مفتی
 و تقیب و صدر بن و دفتر داروزیر ایله اسکند ان کجوب حضور همایونده دو نما خصوصی
 ایچون مشاور اولدی حتی یاد شاه بالذ فعات دفتر دار عتاب ایوب سن بونجه تسایام
 وارد در دیشیدک دفتر له نظر اولندی اصلی یوق یچون کذب سو یلر سن وایشتم
 پیش رده بالورک واریشید دید که دفتر دارخیر یاد شاه فوت اولان دفتر دارک سرانی
 یوقو لکه احسان ایشیدک ناتمام اولغله اکابر دیوار چکندم دید که کذب ایدر سن
 التولی اوطه لریا یارمشی سن بالیورده باغچه بنالیدر مشی سن نیم مالی کند و هوا و هو سنه
 صرف ایدر سن خزینه ده اچه یوقدر دیر سن دیو وافر عتاب ایلی فی الحقیقه اغالز مانده
 الی هذا لان خزینه ده اولان مضایقه دکه زمانده کورلمشی ایلی مال میری متغلبه
 و خونه یغماسنه کیدوب میری به تسلیم اولان اچه لردخی هزار حیلله ایله و مصنیع تمسکات
 و حج ایله مغموش الحاسبه اولدوغندن خزینه ده اصلا موجود بولنر ایلی حتی اغالز
 زمانی موصول مانندن اون الی یوک اچه میر میر ان قره احمد زاده دن طلب اولند قله
 صلح داستی میر زاده در دیو بکتاش قوتیلله داسنی اوزرینه در ذمت قیدایتی یروپ اقرار
 علی الغیر شکند بر حجت مزور دخی یازلمشیدی در دمنده داسنی اول بلادن فرار ایوب
 قتل اولمشیدی کذلک طرابلس شام مال مقطوعی که طرابلس عمر یاشاده ایکن
 بالذ فعات میر میر ان اولان ارنا و محمد یاشایه ویر یابوب عمر یاشاکلد که الی ملک
 غروش طرابلس مالی طلب اولند قله خلفم ارنا و محمد یاشانک زمانه مصادف اولوب
 قبض ایلی دیو اکاحو اله ایوب هر چند قانون قدیم حساب قسط الیوم در دیو
 محاسبه مطالبه ایتمکده قسط الیوم دکل موشدر موسم اکادوشدی دیوب مقتول چلبی
 کتخدا یه بعض هدایو و سیایط ایله التجا ایوب آخر ملک احمد یاشا صدر تله باش
 محاسبه جی بولوی محمد افندی یه کتخدا ییک طرفندن اقدام اولغله بالاخره بقول خود
 دیوشرح ویر یابوب و محاسبه سی یاز یابوب اول اچه ارنا و داوزینه حاله اولندی محاسبه جی
 افندی هر چند یو اقرار علی الغیر در شرعاً و عقلاً معتبر دکلدر دیه کوردی محال
 اولمیوب کتخدا ابرامیلله محاسبه تن کره سی مهر لنوب تسلیم اولندی بعد ذلک که
 کور جی یاشا ایلمده یه طرابلس عمر یاشایه ویر یابوب ارنا و داوزینه زنجلی اوغلی مباشر
 کوندر لیدی اون بش قدر کیسه و یروپ سائرین انکار ایوب مرافعه ایچون استانبوله
 روبراه اولدی عمر یاشادخی ابشیر خوفندن ضبطه قادر اولمیوب بلکه دخوله قادر
 اولمیوب بولده صوب یابوب مرعشه چیتقوب انده وزیر اعظمک اوغله ملاقات ایوب اندن
 قونیه یه کلوب انده قاطر جی اوغلیمنه ملاقی اولدی بی اجمالی بیان اولمشیدی الحاقه
 غنم استانبوله کلوب ارنا و دایله بالذ فعات مرافعه لر اولوب فیصل بولمیوب سائر احوال
 میری بوکه کور مختل و معطل اولدوغندن خزینه ده مضایقه کورندی و با جملله داره
 معاشی ناسی هر کون تنک اولمایدی وزیر کورجی یاشانک ضعف رأی و تدبیری

و متعینان و مقربینه مغلوبیتی مقرر اولغین تحصیل واستقلاله عجزدن ناشی مستعد
 صدارت اولملوی طردونفی ایوب اظهار غرض سببیلله عقلا دن برناحی و اعیان دن
 دارالسعاده اغا سندن غیر طهری قالمایمشیدی اغا استیفای حظا یمکنه حایثه فتور
 کلوب پاشای مذکور مضطرب الحال اولمشیدی علی الخصوص لاطولی صدری خواجه زاده
 حق کو یاغله معروف اولوب وزیر و مفتینک لمصاحبه بعض مداهنه لینه ماسات مرتبه لینه دك
 جرأت ایشیدی وزیرایسه اجوبه مسکنه ایله الزامه قادر اولمیوب همان بیر لکله
 افتخار ایوب بز صقلمزی دین و دولت اوغورنده اغارتدق سن نیم اوغلم یرنده سن دیکدن
 غیر ی سوزار ادایه مدیکندن خواجه زاده نک کلامی اصوب و نفس الامر و حقه اقرب
 مشکند واقع اولوب وزیر بونجه دفعه ملزم و مقیم اولغله حضوردن تجلت ایله چقمشیدی حتی
 یردفعه والده سلطان حضر ثری و راعتق عصمتدن وزیر بیر اختیارلق ایله افتخار صد دنه
 عتاب ایوب بقیه یاشانک اقساقل قره صقال حساب دکل تدبیر اق صقالله اولمر عقلا
 اولو رافندی نه دیرسه همان آئی ایشله و جمله اموره انکله مشورت ایوب زما ر آیدندن
 تجاوز اینه دیسمیلله مسعود افندی نک نشو و نماسی خلدن چکدی حتی سلسله اموری
 انک رأینه تفویض و حواله اولنوب بومعنی اوزن شیخ الاسلامه خط ورود ایلی اولدی
 قرینی مسعود افندی یه کوستر دکه بعض موادده اعتراضلر و نقض و ابرامر ایتیمکه قره رجبه
 دخی سلسله اولمیوب شعبانه تأخیر اولندی مفتی یه و حنفی یه سویانده کجه شعبان دور
 اینسون بعد دیو جواب ویر لر دی مسعود افندی نک بواسباب ایله تعینی زیاده اولوب ارباب
 دولته اکثری علی الخصوص دفتر دار یاشا و میریدن متعیش اولمر کال احتر اولیله کندویه
 قعظیم و توقیر معامله سن ایدر لر ایلی حتی سالج جمادی الاخره ده مرقد ایوب انصار بیه دعا
 اولنوب بعد الد عامورخ دفتر دار اسکله سنه مسعود افندی یالیمسنه وارمش نقل ایدر که
 دفتر دار یاشا طرازانی صند اله نمشی کمرک امینی حسن اغا اوکنده یالی اوکنندن یکرکن
 مسعود افندی یه سلام و آشنالوق انتظار یله قفسلی بخیره یه طوغری متوجه اولدی
 افندی باش کوستر دکه همان دفتر دار یاشا و امین صند له قیام ایوب دست بر سر رکوع
 واری سلامه قدرین حمیه ایوب یالی اوکنندن کجه قیام ایتدیله افندی اینه اشارت
 و أسله سلام آلوب یردن حرکت جزئی کوستردی و استانبوله ارا حیف پیدا اولوب
 کاه ابشیر یاشا حوادی کاه کفار کیلری بوغا زه کلک غائله سی سویانک ایله محترم لانه
 فرصت دوستوب هر شی غریز و ذخائر ک قینی زیاده اولوب خصوصاً الح غم قلت اوزن
 اولدوغندن مسعود افندی زیاده فرجه بولوب یار غار قدیمی طرخوبی احمد پاشائی وزیر
 ایتیمک ایچون دائماً کورجی پاشانک طرف خلافت اولوب اگر حضور همایونده اگر جمعه
 دیو انلر نه وزیر ایله معارضه و مشافهات و معاتبات و مخالفات ایدر اولدی
 مایمنلر نه بوجمندن کدورت و عداوت حددن کجوب وزیر اکثری مجلسنده اه
 لاطولی قاضی عسکری چلبی بی اته طور امدم بو اوشاق ایله طالز بجه اولوردی و حضاره
 شکایت ایدر لر دی یوسو ز مسعود افندی یه منعکسی اولدق اولدی بهی طمعکار متعنه

عن اصنافی و اهل حرفتی تمام حقار سن یا شهر دات و یا عیسی شیخه بولسون و زیاده
 بهاره بخیه صانسون اکبر بن خاش اسم بود دولتته بخون خدمت ایدرم اگر سن خاش ایست
 جزاکی بولمق کرکسن دیردی مسعود افندی والده سلطان و پادشاه جهانک نظر التفانلر نه
 اولغله کیمه رک بوسوزلی وزیرک مواجهه سنه سویلر اولدی حتی وزیره سن هنوزاده
 دیون ایتمدم دیر سن حال بوکه خدمتکده اولنلر تذکره چی و کتخد اصراری دلاور و سائر
 بومثالو آدمک دولتته استیلای عام ایدوب هر بری یوزبیک غروشدن زیاده جمع وادخار
 ایتیشلر در سن غمقدارشی ادخار ایتیک اگر کسن دیو خارج از ادب بخیه سوزلر سویلیدی
 وزیرک برکستناخ خزینه داری وارلیدی یانته مقبول القول و نافذ الکلام اولغین
 امور استیلا و افراط اوزن ارتشا ایدوب بشیموز کیسه پیدا ایتدوکی عالمک معلومی
 اولغله سمع همایونه ایریشوب خزینه داری چقان سن دیو بر خط همایون اصدار ایدوب
 بالضرور خزینه دارلقدن چقارمیش ایدی اما پاشانک خزینه دار حسن ظنی و ارتباط
 قلبی اولغله کچه میوب بواشالرده دارالسعاده اغاسنه رجاوانک و ساطتیه شفاعت ایدوب
 یه یانته الوب خزینه دار ایتیشیدی مسعود افندی بوماده یی دخی ذکر و تفریح ایدردی
 رجبیه پادشاه اسکدر ابا غیجه سنه کراس فصلی وقتنه اندلر سراسر ای پیشگاهنه
 واقع جامع شریفه هر کون ات ایله چیقوب اوقات خیمه یی جماعتله ادا ایدرلر دی و ابازه
 حسن اغا که بود قدر جنگ وجدال ایله مطلبی اولان ترکان اغالغنه نال اولمشیدی ترکان
 مالندن ارسالی لازم اولان خزینه یی تماما کو ندروب والده شهید و وقفنه عائد اولغله
 اسکدرده دارالسعاده اغاسنه تسلیم ایتدیلر پادشاه حضر تری اسکدرده برقاچکون
 مکث ایتد کارید نصیرکمره عزتله قدیللی باغچه سنه نقل بیور دیلر مقدما نفیدن فرار
 واختغالیدن کتخد ایک که چوبان قاسم در اطرافه یکر می کیسه پان لیوب ظهور یادی
 و مصممونجی عمری ایسه پاشا و مفتی رجا ایدوب ظهورنه خط الیلر لکن مسعود افندی دن
 امین القلب اولمق قوری اجلدن مرحوم عبدالاحد افندی ینک جانشینی سیواسی ابراهیم
 افندی یه رجا ایتدیلر مسعود افندی ایله اختلاطی و محبتی اولغین نیاز ایتد کمر نه مسعود
 افندی جواب وروب والله اگرچه خط آشملر اما انک صوچی قاسم اغاماده سی کبی
 دکلدر حریم خاصه خصوصی چوق مقتول اغاری اضلال ایدن اول ایدی دیرلر هله
 بن چیتسون دیوسری تفریر ایدم چیقارسه کند و بیلور اخذ اولنور سه بزه عتاب
 ایتمه سزدید دفع ایلدی غره رجبیه قدسی زاده نفیدن کلوب خانه سنه او توردی
 جمادی الاخره ده قره چلبی زاده عثمان چلبی وقات ایتیشیدی اوائل رجبیه سایمانیه
 مدرسلرندن علی یار افندی دخی فوت اولدی وززادن پاوش اوغلی محمد پاشایه ملاطیه
 سنجاغی اربه لق ویرلیدی متسلمی کتدی و قاطرچی اوغلی کثرت شکاتنه بناء قرماندن
 سلفکویه نقل اولنوب قرمان سورنازن مصطفی پاشایه ویرلیدی بواشاده کریددن خبر
 کلدیکه کفار متعینلرندن برملعون اسلامه کلکله سردار غازی اکاظم التفات ایتیش
 سردار بره هی دولتو یکا یکی بیک غازی قوش سکاکی طایفه یی فتح ایدم دیر ایش

سردار بره هی قبات سیانه سو بله آق طایفه بخیه فتح اولور که جمیعاً تحت الارضی لغمد رذرا ایش
 مکرملعونک حیلله سی وارا ایش حیلله سی کار کر اولما غله برکون اتباعیله مرتد اولوب
 قلعه یه قاچش بواشاده برقاچ بیک کافر ایله چیقوب اردو بی باصمیش غزاة غافل بولما غله
 خیل جنگ اولوب بخیه غازی شهید اولدی لکن یوکر وهدن کسنه قورنایوب ملعونلر جمله
 طعمه سیف اولمشلر عزل کورجی پاشا و صدارت ترخونجی احمد پاشا پاشای مشارایه
 مصردن عزل اولنوب مصر طواشی عبدالرحمن پاشایه ویرلیدی عبدالرحمن پاشا
 کندویه جفا ایدوب قصه یو سفه حبس و واقفیه لای الدقدن صکره شوقدر مال
 متعهدم دیو اکراه شکندن غنقله بر حجت دخی ایتد یروب آستانه یه کوندرمشیدی پاشای
 مرقوم آستانه یه کلد کده سلفی امیر پاشا ایله دخی محاسبه سن کوروب بیا بجه موقوف ایکن
 کورجی پاشا وزیر اولد قده ترخونجی احمد پاشانک رشدا یله اشتها یی و تعینی اولغین هضم
 ایدم میوب اضلال و ازعاج قصد یله بالدفعات دیوانه مرافعه لر اولوب بالاخره کندو یی
 یدی قلعه یه و اتباعی با با جعفره قویوب برکون کندو یی یانته سنجاغیله طردونقی ایتیشیدی
 اول دخی منکوب اسلانیکه واروب اندلر اسایش اوزن ایدی دگری سبق ایتدیک اوزن
 کورجی پاشا قفق وروی امور ده کلایل الری اولغین عجزی سیمی ایله مصالح مهمه عاقل
 و نظام دولت مضمحل اولمق علایمی کورن کده رغبتدن سقوطنه سبب اولوب خصوصاً
 خواجه زاده نک تقریرات و تشنیماتی ایله بالکیمه ایش کورمکدن قالوب خدمت
 صدارتی مشکون اولما غین تبد یلنه عزم و حزم ایله مشورت ایتدیلر مفتی و نقیب زیرک
 زاده البته یه سیاوش پاشا کلسون قزل اغاسی سلیمان اغایه دخی زهر حالنه متکفلر دیو
 ایمان و تعهدات ایتد کمر نه سیاوش پاشایی کتورمک مقرر اولحق حالا والده حضر تری نک
 پاش اغاسی حاجی ابراهیم اغا والده ایله بو خصوصی درمیان ایدوب مفتی و نقیب ایله سلیمان
 اغا اتفاق ایدوب وزیر ایدر لر سه بر دخی سزک دولتته حکم کمر و نفوذ کلا مکر قانلر جمله
 یو امور دولتته بواج حریف استیلا ایدر لر جمهرک امور انلر رأی و رضاسنه وابسته اولور
 ایدی بهر حال انلر ایله مشورت اولنق سزین وزیر سزک مختار کز کز کردید کده رأی و سوق
 و لنشین واقع اولوب بو خصوص مسعود افندی ایله درمیان اولد قده ابراهیم اغانک تدبیرین
 ئا پیدا ایدوب مد بروکار دندر دیو احمد پاشایی سوق ایلدی اولده مذکره سی و خفیة
 سوق و تعریف ایتیشیدی اول ساعت ترخونجی احمد پاشایی علی الاستیحال کلک اچون
 خط شریف اصدار اولنوب موجباً امر ویره سن دیو وزیر دخی آدم کوندریاوب اول
 دخی امر یزدیروب مأمورا و لنه ویردی لکن عجیانه مصباحنه کلور دیو شبهه یه دوشدی
 لدی الوصول احمد پاشا سلا نیکدن ایلغار ایدوب رد و سنجغه کلد کده بو غازه مأمورا
 چیقوب اندلر ارام ایدن وزیر حیدر اغا زاده ایله آنده ملاقات ایدوب ابکیسی دخی کورجی
 پاشا دن چکد کری محن و شد ایدی سوباشدی یرو بر لر یله کمال مودت و مضافاته
 عهدلشدیلر اندن احمد پاشا استانبوله کلوب سلیمانیه جامعنه صلاة عشاءه نیدیل
 صورت مسعود افندی ایله بولشدیلر و برکوشه ده لازم اولان احوالی سوباشدی یرو

مسعود افندی والد حضرت نرینه خفیه احمد پاشا نك خبر و صولان اعلام ایلدی
 کیفیت عزل و اخذ مهر همایون علی التفصیل مسعود افندی و سایر حضاردن بوجه
 منقول که مورخ نوعی زاد مدین استماع ایشک که کورچی پاشان احمد پاشا نك کلسیون
 لمر طلب اولوب اصدا رو تسلیم ایتدکن صکره و سوسه یه دوشوب صیانت منصب
 و دفع تدارکنه بویه تدبیر ایشک که بوقدر پاشا لری بوغاز محافظه سی نامیه از عاج
 و اخراج ایتدین اناطولی قاضی عسکری و حالا وزیر اعظمی دخی عزل و بوغاز نفی ایشک
 تدارکنه بر قاج آیدم روزیر دکشیک نه قبیح ایشد و قاضی عسکرک وزیر عزل و نصبند
 علاقه سی ندر دیو سپاه طائفه سمنه تعلیم و جمعیت تحریک ایدوب اغالردن و سائر لریدن
 بر قاج استمبارینه بر مقدار اچقه و یروب قاضی عسکری بر طرف ایدرسکتر سزده شومقدار
 می و یوبه دیو ایقاف فتنه یه منشر اولمشک سپاه ابرامیه مسعود افندی بی ارادن قالدیره
 اما مسعود افندی نك دوستی چوق خبر ایدر لر اول دخی والدیه خبر اوچروب احمد پاشا
 کلدی کی کبی دخی به وجهله رأی و تدبیر ایتدیلر که ماه رجبک اون ایکخی اربعا کونی وزیر
 بر خط همایون کوندرلدی مضمونی یاربین بوم خیمسه صره چقا جقدر و احمد پاشایه
 شام منصبی ایچون خلعت الباس اولنه جقدر و سفر همایون ایچون مشاور و اردرکله سن
 دیو یوریلوب مفتی و صدرینه و یکچیری اغا سمنه و سائر اعیان دولته بلوک اغا لرینه
 و اچقه آدم کوندریلوب ذکر اولنان وجه اوزن جمله سی حضور همایونه دعوت اولندی
 هنوز مهر کورچی پاشا نك ائنه شاید بر فتنه احداث ایدر دیو صره بی بهانه ایدوب
 احمد پاشایه شام صداسی اشاعت اولمغله حسن تدبیر ایتدیلر علی الصبح و زیر
 و مفتی جمله سی یالی کوشکینه واروب عظیم دیان اولوب صره آلائی قیوچی با شیلر ایل
 چیقاریلوب اللی یلک التون نقد و محفل شریف کوندریلوب بعد ذکر اولنان ارکان حاضر
 اولوب حضور همایون طشره ده بریره قعود ایلدیلر اول مجلسه دو نهای همایونه متعلق صد
 آچمغله مسعود افندی ایل و وزیریننده مهمانده تقصیراته متعلق مشاجره لر اولد قده یکچیری
 اغاسی وزیر نهضت ایدوب افندی هیچ سن دریا سفری ایتدکی قلیون اولمغله قلی نه غجه
 واریاوردید که مسعود افندی جوابنده اغایه به پاشان دریا سفرینه و ارمدام او روب
 ایش کورمش آدم لرله چوق سولشدم دولته اولندن بو آنه کله آل عثمانک دونمائی
 قدرغه اوله کلشد رحیمی قلیون قوللندی یی یوقدر محفل کوزلیوب سکون هوا قدرغه لر
 قلیونه چاتوب فتح ایتدی کی غجه کوه وقوع بولشد راما بود دولتی جنکچی و کورچی ویرمدی
 متمنع الحصول برارده مال تحصیل وفلان ساجده دو نمایه ارسال ایلده دیه زجفلی اوغلی
 دید کاری کذاب تعین ایدوب و بوش لقلقه ایله قبودای با شدن صاوب و دو نمایه کورتورم
 و معطل بولادی و شمدی قیودانی ای وکل دیو دو نمایه دعوت ایدرباری اول طشره دن
 فرصت کوزلیوب ایچوردن دو نمایه کاینفی مهمات ویراسه مصاحت کورلک متصور ایدی
 دیدی او محل دفتر دارا شاسوزده کلوب وزیر اعانت صورت افندی حضرت نرینه چاق بود کلو
 صاحب دولت افندی نرینه پاشا سویله دیه بن صاندی بر کره دفتر دارک یوزنه چا غروب

بیانه سوبله سمنک نه حد کن رسن بر حد متکار رسن خد سمنک ایله مقید اول دیوب
 دفتر دار کمال خالتندن اجرار وجه عارض اولدی بوشاده خاص او طه باشی بر خط همایون
 گتوروب وزیر صوندی وزیر آلوب بن او قومنی بلم رئیس چاغر سونلر دید که مفتی یا نرینه
 او تورردی زاقویه لم دیو آلوب او قودی دیشک سمنک وزیر مسن مهریمی ویره سمن
 او محل پیرک اللری دتره مکله با شیلوب نیه اوغرا دیغن بیلدی مهر کیسه سنی قوبلندن
 چقار مغه شروغ ایدوب غیطانی دو که یه بند اولمغله چیقار مقدن عاجز اولوب شونی
 چوزی ویرک دید که خاص او طه باشی او کنه او تروب چوزوب الله ویردی اول دخی آلوب
 او طه باشی یه تسلیم ایلدی مهر ایچر وکتدکن صکره هر کس باش اشاخ ایدوب
 سکونه واریدیلر کورچی پاشا فتح کلام ایدوب بو غجه یالاق قوللغ که جمیع سفر لرده و سر حد لرده
 عمر کوردیم بواق صقالی دین دولت خدمتده اغا رتد میندن مهری آلق پادشاهه لایقمیدر
 کور دیکر می خدمت غجه بیلنو رمش دید که نیه هر کس سکوت ایلدیلر همان مسعود
 افندی قاش چاتوب ارکان مجلسه خطاب ایدوب افندی یلر پاشا سویله سکونه
 نه طور رسر مکر پادشاه من مین بو معنوه دن آلمغله ظلمی ایش اولدی بره معنوه
 سن تدبیرات مصالح دولته عاجز و قاصر اولدوغکن غیر خیانتک دخی ظا هر در
 یکن کونلرده اناطولی قاضی عسکری واریکن بکا وزارت کرکر مهری آلسونلر کیه ویرلر
 ویرسونلر انک زمانه وزارت ایشک قابل دکلردیمه دکی اشته بومهر اول آلسونلر
 دیو استغنا ایتد و کلک مهر در نجوب نظم ایدرسن اتباع و لواحقکله دولته از می خیانت ایلدک
 نشووردید که پاشا و سائر لری مبهوت اولوب بر حرف سوبلیدیلر اول محل خاص او طه باشی
 چیقوب جمله ارکانی ایچر و دعوت ایلدی عومما قلیوب متوجه اولد قلدن کورچی پاشا
 دخی قلیوب جمهر ایلله معا یچر و کتمک استد که بو ستانجی باشی اغا کوکسینه وضع ایدوب
 سز او تورک پادشاهک حبسی سز و مجوزه بی چیقارک بویه فرمان اولمشد دیو منع ایلدی
 اول دخی او توروب مجوزه بی چیقاروب دستار بی کتوردیلر کیدی بونلر اچر ویه حضور همایونه
 کیر دیلر قزلر اغاسی و سائر اراج اغالری ایاغ اوزن طوروب پادشاه تحت اوزن او تورردی
 ورا پرده ده والد سلطان طورردی اول محل پادشاه خطاب ایدوب وزیر کیی ایلد لم نه دیر سز
 دیو سوزدی مفتی افندی اسلوب حکیم اوزن مدح و ثنایله سوزا چوب شوکت و خنکارم
 عجب اثر حسنه و خیرات جمیله یه موفق اولوب مثوبات عظیمه احر از بیوردیکر که حر میت
 شریفین فقر اسنه نقد فلوری صره کوندر دیکر اکثر مصدر دن کوندریلوب بون دن نقد
 فلوری کوندر لزیادی بوجه پادشاهک کمال همنی ایله وجوده کلوب خصوصایو خدمت
 نکمیلنه بدل دقت ایدن اغا قوللری دخی حقا که پسندیده اوله حق مصاحت کوردی
 سیاقه پادشاهه خیر دعا و صره استغسانه متعلق اغایه دخی شاء و والدیه اطرا ایشکی
 مدار تطویل کلام ایلوب یارم ساعت قدر سامعینه کلال کله جک مرتبه اطناب ایلدی
 پادشاه نکرار اعاده کلام ایدوب وزیر کیی ایلد لم دید که جمله سی اطرافه نگاه ایدوب
 پیچود طور دیلر پادشاه نکرار سوال بیورد قلدن نیه مفتی جواب و یروب فرمان پادشاهه کدی

هر گیمه احسان ایند رسه امر کند و لیکند دید که والد حضرت نوری و راء پرده دن سوزه کلوب
 یو مجلس بو خصوص ایچون عقد اولمشدر یچون سوزیلر سز البته کیمی وزیر ایشک کرکدر
 جواب و بیکزدید که بونلر زمان اطراق ایدوب بعد مسعود افندی سوزه کلوب سعادت او
 پادشاه حضور هما یونکرده بی ثانی سوق کلام مشکدر امر که طشره چیقوب بو خصوص
 مشورت اولسون دید که ایدی وارک سویاشک دینلدی کروه ایله جمله سی طشره
 چیقوب وافر کفکتو و مشورت ایتدیلا کرچه مرادها یون معلوم ایدی اما هیچ برسی فلان
 اولسون دیکه جرأت ایتدی تا که وقت طویل پید اولوب اکندیلر خاص او طه باشی
 کلوب نکرار ایچ و دعوت ایلدی وار دقلر نهینه سوال یوروب جمله سی سکوت ایتدی
 پردخی طشره چیقوب سویاشوب نه حضور کیروب مفتی جوابه نصدی ایدوب پادشاه
 فلان بنه کزی وزیر ایله دیک حدیث دکلر نهها بت نبرکاو تیمنا سز برنی بیورک مبارک
 لسانکزدن صدور اینسون بعد انک لیاقت وعد ملیاقتن بزسوق ایدوب احوالی بیان
 ورده قبوله موجه اولانی عیان ایدوب کورلم دید که پادشاه بالذات ایدی بن مهری
 گریده سردارم ارلان حسین پاشا لالا مه کوندیرم دید که نه مفتی جواب و یوروب
 امر خنکار مکدر حسین پاشا برمدی و راء آد مندر و هر وجهه عنایت کره لایق امتد اربنه کردر اما
 مهر اکا کند که ظاهر ایو نه بر قائم مقام لازم درقنی قولیکری نعیین بیورر لر دید که استه
 احمد پاشا لالامی قائم مقام نصب ایلدم دیو بیور دیلا احمد پاشا حاضر ایدی یراویدی جمله
 مبارک یاد دیدیلر اندن پادشاه نه دیر سز حسین پاشا ایچون نه کویه رای کورر سز دید که
 مسعود افندی سوزه کلوب نه استشان ایچون طشره یه اذن آلوب چقد یار کفت
 و شنید د نصکره دفتر دار پاشا و یکچری اغاسی و بلوک اغاری سوزه کلوب اگر مهر حسین
 پاشایه کید رسه یو نیک عسکر کریده وارمق لازم کلور والی موجب کیده اولان غزایه
 ویره جک واردر یونلر دخی ادنی مرتبه بریلاق موجب تقد کتور منجه کتزلر بوضور نه
 بوجه تقد دورت بیک یوک انچه کر به کوندیرلک لازمدر و یکچری یه پوستال بها و سائر
 مهمات دخی بقدر شی لازم بو اوله حق ایش دکلر دیدیلر نکرار کیروب استجواب اولند قل
 جمله سی سکوت ایتدیلا اخر مسعود افندی حنفی افندی یه خطاب ایدوب بهی افندی
 عجب الگ واردر بونجه سوزلکه سویلر نه طشره و نه ایچ و ده سن بر سوز سویلر سن لسانک
 یوقی پادشاه من جواب استرل جواب نه کونه قرار ایتدی ایسه بیان ایت دید که حنفی افندی
 دخی سکت الفانطق خلفا و اسفجه لسان جرأتی تحیک ایدوب پادشاه حسین پاشایه
 مهر کید رسه اند اوللره الی موجب ویره جک وارو حال کید جک عسکر دخی یوزیکه قریب
 انلرک موجب لری و سائر مهمات دورت بیک یوک انچه یه قریب خزینه لازمدر دیدی مفتی
 و سائر دخی و کلامی تصدیق ایدوب کویان همزان اولدیلا اول محل و راء پرده دن صاحب
 مقام حضرت نوری نطقه کلوب یکچری اغاسن و بلوک اغالین مخاطب اتحاد ایدوب حال دولته
 خزینه مضایقه سی جمله ک معلومیدر و اول دورت بیک یوک انچه بی شمدی استمک شمدی الی
 همان شویاچه کید لسون بعد کوندیرلسون نک همان فتح میسر اولوب کیرید غایله سی

بولسون دید که حضار جواب و یوروب دولتلو سلطانم عسکر اول دورت موجب المفسرین
 کتمکه بوجه امکان یوقدر طو تالم شمدی بوند اغار امر یکزه امتسالا نوله کیده لم دیشلر
 و کتشلر قول کتزلر کیدر لر سه ده اول آدم لری قنایه و یوروب فساد ایدر لر ایش بتمز اول
 خزینه بی نقد کوندیر مکدن غیر یچار یوقدر دیدیلر اند نصکره با جمله حسین پاشایه
 مهر کتیکه بویله بر محمد و رومانع قوی واردر دیدیلر بعد اعاده سو ال ایدوب ایدی
 غیر ی کیمی تدارک ایدر سز دینلد که نکرار طشره مشورته اجازت اولوب مشورنگاه
 اوله عظیم کفت و شنید ایدوب جمله سی عقلی یئشد یکی مرتبه سو یایوب
 تر کشلرین یوشالند یلر اخر مسعود افندی سوزه کلوب بیک کره مشورت اولنسه
 ایش بتمز پادشاه من جواب استر بوش سوزایله مصاحبت کورلر حلا نصیب وزیردن مراد که
 مهمات سلطنتی تمشیتدر اولاد و نیا احوالی ثانیا کید احوالی ثالثا یونلر اولان مواجبات
 و مصارف احوالیدر هر کیم بواج مهمی تمشیت ایدوب کور رسه مهر اکا ویرلک کرک حسین
 پاشا مهر صاحب اولدی بی تقدیر چه دخی بوند هر کیم قائم مقام اولور سه بومهم لک تقید نه
 مربوطدر چون قضیه بو منوال اوزن در دیو مشاقه محمل اوله حق حالا قائم مقام اولان
 ایشو احمد پاشا حضرت نوری همان تعهد ایدر سه مهر بوند ویرلک اولی در دید که مصرع
 سخن آینست که این نادن کومیکوید دیو جمله سی رضی الله عنکم غایت کلام و نهایت مراد
 یودر دیوب احمد پاشا به دونوب نه بیورر سز بوجه اوزن ذکر اولان مهمات ثالثه بی
 کاهو الو واجب تمشیت و ادایه تعهد ایدوب بو بیکزه آلور میسز دید کلر نه چون قضیه
 اتفاقیه ایدی احمد پاشا دخی آلورم و تعهد ایدرم دیو جواب ویر یجک بالاتفاق حضور
 همایونه کیروب استه پادشاه شول شرط اوزن شول رای اولندی و غایت شادر
 و تدبیر بوسوزده قرار ایتدی دیو عرض و تبیین ایتدیلا پادشاه دخی احمد پاشا بی تحت
 پیشکاهنه چاغروب پاشاه دیر سن بواج خصوص که بری کیرید بری دونما و بری
 یوند موجب و مصارفه مال یتشد ر مکه تعهد ایدر میسن دید که فرمان پادشاه همکدر
 تعهد ایدرم دیو بی تردد قبول ایتدی که امدی سنی وزیر ایلدم مبارک اوله دیو چیقاروب مهری
 ویردیلا اولدخی دستبوس ایدوب اول محل اذن الله اکبر دیوب حاضرین ین و استقامت
 امون تفال نیتنه فایحه اوقو دیلا اول وقت پادشاه عطره واقع اولوب حضار
 بالاتفاق الحمد لله دیدیلر مورخ دیر که پادشاه عالمیناه مهری الینه آلوب احمد پاشایه
 ویره جک وقت بو شروط ثلثه بی تعهد ایدر سن دیوب اولدخی تعهد ایدرم دید که پادشاه
 مفتی و صدرینه یوز طو توب بو تعهد ایتدو کی مواده استقامت اوزن خدمت وجوده
 کتیر مکه سزلر کفیل اولور میسز دیو بیوروب مفتی جواب پادشاه کفالت کو چدر
 فحه کفیل اولور نهایت امور نده خیره دلالت و هر خصوصه معاونت ایدر زو اتحاد وفاق
 ایدوب سوق خیر و نصیحت ایلر دید که وزیر مهری و یوروب امدی جمیع امور که افندیلا یله
 مشورتدن خالی اوله دیوب اولو جهله فایحه اوقندی بعد پادشاه وزیر خطاب ایدوب بقه
 هر وزیر معزول اولر صقین اگر تقصیرک ظهور ایدر سه باشک کسرم بیوردی وزیر دخی

بر او یوب پادشاه هم نم دخی ابکی التماس واردیدی ند زدنل کد اولامال میری بی هر کیمه
 پولورسم تحصیل ایدیم کسه مانع اولسون ورائی و تدبیر یه کسه قارشیموب معارضه
 ایتیمه بری دخی کورچی پاشا قوت دافعه و امساکی اولما غله افراط اوزره علوفات و محدث
 و مضر توجیهات ایتمشدر انک توجیهاتی الغا اولنه دیدکده بوا یکی مادده ایچون باشقه
 باشقه خط الیدی و هر خصوصه مستقل بلر ای و مستبد اولق اوزره بر خط ویرلیدی لندن
 خلعتار الباس اولنوب طشره چقدیلر و عوم اوزره وزیر ایله لاجل التهنیه سراینه کلدیلر وزیر
 مفتی و سدرین و سائر حضرات خطاب ایدوب بن و مقامه لایق دکل ایکن الله تعالی لایق
 کوروب احسان ایلدی ایلدی یا بودرکه هر نه دیلرسم ایدرم تا که دولت علیه به بر نظام
 ویریه یم یا بودرکه کله بی ویریم سائر لری کی اولم خوفی و ایل خاطر کی کوزلرم رشتوت و شفاعت
 ایله منصب ویریم دیدی غافل احمد پاشا اخلصون علی خطر عظیم نکتته سندن ذاهب
 اولوب اصلاح دولت و نسوبه مملکت غائله سیکه سلفه نیجه سلاطین عظام و وزرای
 نخانی عاجز و مختیر ایتمش بر امر متعذر در عهده سندن کلمک دعوا سنه دوشوب بویه
 بر بار کیر انک التهنیه کیردی اگرچه توفیر خزینه و تقلیل مصرفه خیل خدمت وجوده
 کتوردی لکن اعیان و مقریینک خاطرین سلب و بطالین ردا تیمکله عاقبت بوبولد کله سن
 ویردی ابتدای کلامی یا ایش کوررم یا کله می ویررم دید یکی سوز روح بولوب وجوده
 کلدی تنه کیم محله ذکر اولنور کشتی کندویه بد فال تلفظی ممنوع در کورچی پاشا یکی کون
 بوستانچی باشی حبسنه قالوب بعده یدی قله یه کوندلیدی کنخداسی دلا و راغا اگرچه
 مال فراوان جمع ایتمشیدی لکن وزراء عظامک خاطر زینه دکه جک ایشده بولما مقله
 عفو و بر مقدار مالی التمهله اکتفا و بین الخلق عرضی ایله ایقا اولندی اما خزینه داری
 اولان سفیه که ارشاده شهر تشعار ایدی انی زندانه قویوب بولنان مرتبه اموالی الیدی
 کورچی نیجه مدت یدی قله حبسنه یا تدقد نصبره اوخری سببخانی ایله اطلاق و بعده
 طمشوار ایالتی احسان اولندی بی ذکر اولنسه کرکدر کورچی پاشا لیل الخائب خواص
 و مقریینک تطیب خاطرینه راغب بر پیرو اولغین زاید علوفه لر و محدث و ظیفه لر و سائر
 اسرافات مقوله سی تعیینات و توجیهات قلم درین ایتیموب ایراد و مصارفینک محاسبه سی
 کورلد کده سلفی زمانه اولاندن بهر یوم اوج یوک انچه زیاده اسراف متین اولمشیدی
 امانه استلسون خاطر حواشی به رعایت اولند قد بومقوله اسراف ایله مال میری بی ائلاف
 بر امر ضرور یدر غریبه اتفاقا تندرکه زمان وزارتتی ایکیوز اوتوز اوج کون اولوب شهر
 اسماسی اولان کورچی عدنه موافق دوشمشدر کیفیت شروع احمد پاشا در امور چون احمد
 پاشا وزیر اولدی وقت تنک خزینه ده مضایقه مقرر جمیع علما و اعیان کلوب تهنیت امری
 تمام اولد قد نصبره مؤمن اغایی کنخد اولی افندی بی تذکره اول و بوقوق اوغلی عبد الباقی
 چلی بی تذکره ثانی ایدوب رئیس الکتاب شاهی زاده یه بعد الیوم اولکی کی حرکت
 استم نم برای خاطر ایشم یوقدر همان شرع قانون اوزره حرکت و بیت المالی معمو راید جک
 مصاحبه در ده دقت و توجیهات قانونه رعایت اولنودر سنه دخی استقامت اوزره خدمت ایله

دیو تنبیه ایله منصبتند ایقا ایلدی بعده منا صبه و سرکارده اولان کبار و دیوان
 خواجه لینگ جمله سنه حاللرینه کون کسه لر صالوب متواللرندن آمد اخزینه شکله انچه لر
 استیموب ابتدا سکبان باشی قاسم اغا زاده دن باشلیوب عجله الوقت ایکیوز کسه دن
 متجاوز انچه پیدا ایلدی و زندانلرده کور کده اولان کسه دیلری مجرملردن بر قاج آدمی کیه
 ایله چقاروب کنار لی کومالک و طون و صرملی اوچقور کید یروب کیه ایله چقاروب
 بیونلرین اوروب جمیع ناس اولان مواضعه القا ایلدی و خلق قاپچدن قورق غیری شیدن
 قورقزدیور آلائی فقیرک قاننی دوکدی اما طرفای شهر مقتولک طبانی آلقنه و اوچنه
 و خشونت جته سنه نظر ایدوب بوبدنلری بر مرده زندان کشیده فقیر لر یو اکابر
 بیراهن الباس و مشاهیر دن قیاس اولنسون ایچون ندر بکه تخویف ناس دیرلر دیو
 سویاشورلردی و مطبخ و ترسانه و طوبخانه و سائر امانه ک حسابین کوروب علوفه
 خواران و عسکری دفترین یوقلیوب اسرافاتی امکانی مرتبه نازل و مصارفی تقلیل
 ایله میرینک اختلا لنی رفع و نظام دولته متعلق مهمات تقیدی تقدیم انفع ایکن پاشای
 مرقوم خود رایق بلا سیله تقدیم اهمه موفق اولمدی بعض عقلای وقت دیدیلر که اهم
 امور ابتداء بومد کور اولان مصاحبه شروع ایکن مطلقا خلقی تخویف ایچون ناحق یه
 بر قاج فقیرک قاننی دوکدی مصاحبت عدا ایدوب وهله اولی ده مصادق اموال و قتل و بانلی
 از نکاب مشومدر خیریت عاقبت دلاله ایتزدیوتشأم ایتدی لر واقعده اولیه اولدی وزیر احمد
 پاشا بکونکه نصف رجیدر مقدمه صالح پاشا لوتوردی بی مجود پاشا جامع قرینه اولان سرایه
 نقل ایدوب ممکن اولدی و بکون ایدیکه مفتی وزیر ی زیارتیه واردی آق صوفه قیلویوزاللی
 غروش قیتلور اخرج سور کیدردی معتادینه کور کی طشره ده چقار مق ایکن جناب
 مفتی چقار میوب اول کورک ایله بنوب سرای قیوسندن چقد قد نصبره چیقاردی
 و اولاق حکمنه بساغ اولوب مالک محروسه ده قطع منزل بار کیری اولسون دیو اطرافه
 احکام پراکنده قیلندی علما و اعیان وزیر تهنیتند ایکن کرک امینی حسن اغا کلوب
 دامنه بوس ایتد کده حضاردن مفتی تعریف ایدوب سلطانم بوقولکر کلا کرک امینی قولکر در
 بر معقول خدمت مند مقدم آمدردید کده وزیر اعظم یلورم دیوب دونوب حسن اغایه
 مطبخ و قیون امانتی دخی سنه دکل دیو سوال ایتدی حسن اغایی بوقولکر دره در دید کده
 وزیر جین پرچین ایدوب یا استانیولده ات بولنماغه سبب ندر و بولنان دخی لاشه یه
 بکر زینر بونک اصل ندر دیدی حسن اغا جوابده سلطانم قیون کلدی دید کده به ملعون
 بی سلا نیکن کله یوله اولنلا قلدره و بیلا قلدره بی حد و پیا یان قیون سوریلرینه راست
 کلام هر قنغیسنه صوردم ایسه کرک امینی و قیون امینی حسن اغا نکدر دیدیلر قیون
 کلدی دیمک نه دیمکدر دیو یوردی حسن اغا بر عذر بارده سالک اولوب سلطانم
 حالا یو شهره کلوب ذبح اولنان اول کورد کلا بکر در و قصابلره بوغاز لاق خصوصه
 ضعیفی و سینی مساویدر قیونک سموزی اولنسه اروغی نجون بوغازلر نوردید کده وزیر به
 محکم ملعون زبون قیون بهان و عیغه قالس فلاح بولموب قریاور سموزه ضرر اولمز

همان تلاف اوله حق زبون و مريض قیونلوی بیشنجه خرجه سور لم دیو عبا دالله لاشته
 یدر رسن سیموزلی صاقلوسن تی بیلتری قیاس ایدرسن ایدی البته یاسموزلومی رایکان
 ایدرسن والا سنی چارپان ایدوب چارپان لک شهر قیولینه آیره ایدرم دیوننبیه اکید
 و آزارشدید ایندی مفتی افندی اعتذار و تریسه یی زندن سلطانم حسن چلبی قولکنر
 فرمانکره امتثال ایدوب وسعنه اولان مرتبه خدمته بدل دقت ایدر قولکنر درو بعد الیوم
 پسندید کنر اولو خدمت وجوده کتورر دید که افندی ییلورم تعریفه حاجت یوقدر دیویم
 التفتات شکله حسن اغایه یوز طو توب کل برودیدی حسن اغا کلوب نکرار دامنوس ایدر که
 بزم کفتار ایله ایدی و اربعه الیوم عباد الله لم طم ضروری چکدرمک اوزن خدمت ایله
 و یوساعت اوچیموز کیسه کوندر خزینهک مضایقه سی و ارامور مهمه ایچون خزینه لازمدر
 همکره سنگله حساب کوروب سویاشموز زدید که اوچیموز کیسه صداسین ایشند که حسن
 اغا نک عقل یاشندن کیدوب ایاغنه دوستوب دولتلو اوچیموز کیسه یی کیسه نه یکدر بروجهله
 قادر دگلم و سم مرتبه سی قیاللق ایدرم دیو اعتذار تشبث ایلدی وزیر زهر خند ایدوب یوق یوق
 قادر دگلم دیو دگلم اعلمی ییلورم سن کندوکی حمایت ایدر لک قیولرین طولاستوب بیشکشار
 و یرمسن سن انلردخی حمایت و شفاعة تعهد ایدوب قادر دگلم دیو بزمی حمایت ایدوب قوتاررز
 دیمشدر در انکچون سینه بزه بویه عذر یار دعر ضایر سن اصلاح کورک آج حمایت زمانی کندی
 و اریو کون نقد اوچیموز کیسه یی دفتردان نسلم ایدوب حومی رایکان الله والا سنی دورت پان ایدرم
 حقیق دیوب حضور نین طرد ایلدی حضار مجلس وزیرک بوحدت و حلا دتن کوروب مختیر
 اولدی یلورمن بعد یوندن برشی شفاعة اینک وصولتندن آدم حمایت اولمق محال ایدوکنه
 جمله سی جزم ایتدی یلور اول مجلس وزیر در کاه عالی قیوچی باشلرینه خطاب ایدوب اغا لر سنر
 پادشاهک رکاب اغا لر سنر اما بوشهر ده همان مقبله جی اونده و نرس سنر سزک احوالکرایله تقید
 ایدوب سزده مخصوص اولان خدمتانه بعد الیوم سز لری استخدا ام ایدر زالم حکمک دیدی
 استنه شتر کر به اوضاع بوکده یرلر کرک امینندن انچه یی حکیمانه المق ممکن اینک سن اعیانه
 رشتوت و بر دیک دیو علنا نفضیح ایله مفتی وقضاة عساکری و سائر اعیانری بنجید خاطر ایدوب
 خدمتکار مقوله سی قیوچی باشلری تطیب قیدنده اوله حسن اغا و اروب خوف جان ایله
 اوچیموز کیسه یی پیدا و نسلم ایلدی و کورچی پاشانک توجیهاتی اغا و یی کورلی قطع اولمق
 ایچون وزیر جیدیه خط و یرلشیدی حالا اگر جمله و یی کورلی دوزسه و یردیک یالتر و سنجاقله
 و سائر منصبلر دخی دونهک لازم کور بو ایسه سبب شورش و دغدغه اولوب استرداد
 و انتراع مثلوا لاتی مستلزمدر دیو بعض کارکنارلر پادشاهه افاده ایتکین کورچی پاشانک
 جمله توجیهاتی نقر یروانشدر برینه معارضه و قبل حلول الوقت و حدوث السبب عزل
 و تبدیل ایله مدخله ایتیه سن دیو وزیره مو کد خط شریف و رود ایدوب وزیر سابقک
 توجیهاتی فسخ ایدرم دیو احوال سرحد بو اثناده تاتار خان احوالندن مخبر سلسلتره
 و تیکبولیدن ملک احمد پاشا طرفندن مکتوب کلدی خان تاتار اسلام کرای خان قراق انفاقیه
 له اوزینه سفر ایدوب عظیم محاربه و غز ایدوب او تویزیک مقداری کافر مقتول اولوب یی

اسیر چیققدوغنی یازمش و بدون محافظی مراد پاشادن مفتی یه مکتوب کلوب قنیره پاشا سی
 شیخ اوغلی اسمعیل پاشا واکره پاشا سی سلیم پاشا که کارند استنه همج حریفلر اولوب کذلک
 طه مشو و الیسی احمد پاشا که ام کلثوم سلطان زوجید رغافل بولنار لیه مجار طائفه سندن
 برکروه چقه یه چیقوب تنه یوللردن و کوهساردن علی الغفله کلوب ایکی سنجاقلق منازل کلوب
 کسینه خیر و ایدوب ناکاه باصوب چنات بکین طو توب زنده کتوروب و افر قتل و خسارت
 ایتیشلردر دکر اولنان ایا لملری برر مستحق و کاردان کسینه لره توجیه اولمق ماملردر دیو تحریرو
 اباش ماهرجیک یکر می یدنجی خمیس کونی مسعود افندی سوقیه لیک جامعده بر قاعده مولود
 او قندی سلسله چون بواشاده مسعود افندی تمین کسب ایدوب بی تأمل و تفکر نیجه
 کفتار جرأت ایتکله اعیان دولت کندودن حذر اوزن اولمقین کتد لکه جسارتی افزون
 اولمشیدی بوا یام قبیلنه مفتی افندی سلسله یی تا خیر ایتد یکنه متا لم اولوب مواد
 وار تشایه متعلق بر دفتر یاز دی سلسله علمای تاخیره سبب سلا نیک و حلب و شام
 و مصر و غیره مناصبه اولنلرک یونده قیو کتد الزدن مقطوع مبلغی ماه بیاخذ ایتکله عزل
 ایتیموب کند و تابعی تولیتلر و قضا لر و خدمتلر صا توب قضاة عساکره و خاصه روم
 ایله بوقدر شفاعت و تحمیلات ایدوب طریق علمه و آخر طریق متعلق خصوصلردن
 نقد از رشتو تلر اندوغنی علی الاسامی مفصل یازوب حرم همایون طرفنه کوندر دی
 و بر صورتی دخی وزیر و یروب احوالی ییلدر دی وزیر خود ساقا و یر احمد پاشا صد ارتنه
 اولان ایکی ییک التون دعوی ایدن کافر ماده سنده دنیا یه ارتباط و انهما کتی ییلوردی کرک
 امینی حسنک دخی هدایاسن آلوب حمایت اولدو غندن متکدر ایدی مفتی افندی
 خواجه زاده نک بو مقوله سیسه و جرأتی خبر آلد قله سلسله ایدوب مصری منقاری
 زاده یه مکرمه یی شامدن نقل طریقله خا غم زاده یه بروسه قدری زاده افندی یه
 اولمق اوزن ترتیب ایتکین قاسم پاشا لی عبد الله چلبی بن یکیشهر دن معزول مکرمه پایه سیله
 یکر می سکر ایدر عزل چکر م جمیع پایه لره مقدم ایکن اوج آی سایمانیه ده بکا تقدم
 ایتکله بروسه نچون قدری یه و یرلدی چون انک اوج آی زمانی عبد الله اوفق دوشدی
 یا نچون سکر طقوز آی عزله منقاری اوغلی یی کب نم اوغلم رینه درین طور رکن قرق
 دورت یاشنده آدم مصر اولدی دیو مفتی ایله عظیم بحث وجدال ایدوب حد دندن زیاده
 اطاله لسان ایله کسته خلق ایتدی و مدر سیندن سکر کسینه حرکت ایدوب میسر
 زاده حافظ پاشایه بور کچی زاده حسن فقیه اسپخان عثمان زاده فیض الله مقتول حسن
 پاشایه صدر الدین زاده فتح الله کور کچی باشی یه مورخ شارح المنار زاده احمد پاشا ده
 ملک زاده ام الولد ده محو دتوقیه عید یرلر نده داخل اعتبار اولوب مفتی ابو سعید افندی
 مکتوب محیسی صاری عبد الله حکبان علی مدرسه سنه داخل اولدی شعبانده
 خبر و رود ایتدیکه اون بش پان تن قراغهک قایقاری با لچق قصبه سن اوروب اها الیسی
 قتل و اسیر و اموال لری غارت ایدوب اندن برایکی بغدای سفینه لر یله جنک ایدوب
 اله میوب بعد مسوره و شله و تر قوز سوا حلقه قصید کزید ایتد کبری خبری کلکله وزیر

بوغازه قوریچی و او تراق حراس کوندردی عزل اغا دارالسعادة مشارالیه سالیان اغاوالیه
سلطانك باش لالاسی ایکن صاحب تعین اولغین اغا لر ووالیه شهید ووقعه سنه
مقدم و مدبریه لائق واسطه سیله وجود عظیم پید او بعد دارالسعادة اغاسی اولد قده
سیاوش پاشایی عزل ایتدروب کورجی محمد پاشایی وزیر ایتمک عمت مستقر اولوب کورجی
پاشا دخی حمایت مخصوصه سنه اولغله هر خصوصه سنه انک رجاسنی وکلانی اصغاورجاسی
اوزن حرکت ایتمکله اغای مزبور قتی چوق امون قازیشوب مال عظیمه بلکه خزینه مثال
نجه دینه پیدا ایتمشیدی ترخونجی احمد پاشا نصیبی مخصوص والیه سلطان طرفندن
وخواجه زاده و بعض مقربلر سوقیله ظهور کلوب دخواهی اوزن نصیب وزیر خصوصه سنه
مستشار اولد و غندن مکدر اولمشیدی و صاحب وجود و متعین اولد و غنه بناء پادشاهه
خصوصه والیه الم و خاطر مانده لك اشعار ایدر و ملال انکیز اوضاع ایدوب بزم کی صادق
خدمتکار قدری بالتمزایش بندی شمدی سوزیمز دگلنر شکله ناز و دلال کوستر مکله
باشلیدی اکا برو حکام علی الخصوص پادشاهان بلند مقامک طبیعتلر نه بعض اوضاع
ناهم و ان صبره امکان وارد الا ناز و استغنیای قبول ایتمز لر زیر النرک نفوسی عزیز و شریف
اولغله مورت ذل اولان حمل ثقیل نیازم دارایه تحمل ایلز لر نظام دولتمه باعث و مجد دانگین
سلطنته سبب حادث اولان نافذ الوجود کسسه لر کبیله نازی چکمر لر عقد سابقدن
بووقته کلجه وکلا و مقربیندن ملوک ناز و دلال معامله سن ایدن لر ک دولتی قرین زوال اوله
کلد و کنی اغای سخیف لر ای ادراک اید میوب غافل بولندی تا که بوشانده طوغانچی
باشیلقدن وزارتله چیقان یوسف پاشایه کنعان پاشا خلفه سی عانکه سلطانکه والیه
پادشاه جهان حضرت نرینک مرینه سید رنار مرد اولوب بو هفته ده نکه اولند قده مجلس
نکاح بولمان وزرا و علمایه خلعتلر و معتاد اوزن صبره لر ویرلک لازم کلکله تدارکی دارالسعادة
اغاسنه ننبیه اولند قده نه التون وارد نه کورک وارد که ویره عیدیه مضایقه کوستر دی ابرام
و ازار اولند قده والیه حضرت نرینه حد دینن زیاده کلام و طور دینن خارج جواب خسارت
انجام ایتمکله عزل اولنوب قانون اوزن اسکی سرای اغاسی بیرام اغا دارالسعادة اغاسی
اولدی مزبور سالیان اغا انک بوندن مقدمه برایکی خججه سی دخی یوایدیکی یکچیری کاتبی
حسین افندی سالیان اغا انک چراغی و نصیب کرده سوادیدی احمد پاشا ویر اولد قده مسعود
افندی مزبور حسین افندی بی عزل ایتدیروب وفالی شیخ زاده چلبی بی ثانیایکچیری
افندی بی ایتدرد که سالیان اغا که تعین و استقلالنه مأوف ایدی حسین افندی نیک
عزلندن بیخضرو اولوب مکرراتقریر قصیدله وزیر ابرام کونه تذکره لر و خبر لر کوندروب
خاطر لرین نکدیر ایتمشیدی بر خججه دخی ترخونجی پاشا انک وزیر اولدوغی کون چونکه
اغاه مزبور ک رأینه مخالف ایدی بعد الیوم کندویه سقوط احتمال ویروب دماغنه مصر
هواسی دووقه ویر مصرده دخی کند و تسلطنه تمهید و توطئه تدارکنه دوشوب احساو
ناسدن ایکن کند و تربیه سی ایله قیوجیلر کتخداسی اولوب حاله عزول اولان بقلی محمد که
غلطه لی کل حسن اوغلی دید کیری بی حیا در البته مصر والیسی اولسون دیوزر و والیه

ابرام و اخا حلالیدی وزیر مسعود افندی ایله سوب یاشوب بونه قبیح تکلیفد رنوجه
مساعده اید لم دیواظهار تضجرا ایتد که ایکسی متفق والیه حضرت نرینه اغادن بٹ
شکوی و عزلنی رجا ایتمشلر ایدی اغا دخی بونا معقول رجالی قرین قبول اولدیفندن
متأ لم اولوب ذکر سبقت ایتد یکی اوزن والیه ناز و دلال معامله سن ایتد که عزل
اولندی بعد العزل مصره کتمکله اجازت ویر یابوب تدارکنی کورنجه کوند زدمور قیوده
اولان قوناغنه کیجه اسکی سراید اولوردی مناقشه نصف شعبانده خواجه زاده مفنی یه
واردی مکر اول کون عصمتی افندی منلایه واروب ذاتا و زمانا مدلل سوز لر ایله کند و نیک
استانبول قضا سنه لیا قنن یسان ایدوب بعد رحمة الله افندی واروب وروم ایلی
قاضیه عسکری حنفی افندی واروب اثناء کلاما خواجه زاده بزه قاضیه عسکرلک ایتد رنر
دیو بٹ شکوی ایدر کن مسعود افندی داخل اولوب مشافهه وقوع بولند قده منلا
خواجه زاده یه کند و حقنه سو ذکرین ایشتمکله عتابه اغا زایدوب منز لکرده او توروب بزی
قدح ایدر سوزنجون بویه ایدر سوز دید که مسعود افندی بزمی قدح و ذم ایتد ک دیچک
منلا انکار دخی تویه در بعد الیوم بمقوله سوز لر اولسون دید که خواجه زاده یوق بزم و حلی
اولد قده تویه اید لم سویلد یکمز سوزی انکار ایتمز بزه سلطان بزه سویاسک خیر خواهلق
بولندن سویلر ز و خلق سزی ز بازر د ایتسونلر دیر دید که منلا خلق سویلیه کلندر
بزی رشوت آوردیر لر خلقه قولاق طوتمق اولمز و انلرک اغزی طوتمق خیر خواهلق یوزندن
منز عیوب و قیامچ ذکر ایلک زیر ازم و قدحک زیاده قبی خیر خواهلق ادعاسیله
سویلمندر دید که خواجه زاده بلی سلطان یا تصافیدر خلق بویه دیه لر انلری سو طمه
دو شورمک مناصب دیریدی منلا یاز نه اشلد ک دید که مسعود افندی جوابنده اولوب
مساعده ایتدیکر اکثری نامناسب اولدی هم بزمه مشورت بیوردیکر صکره ب خلاقی
ظاهرا ولدی منقاری زاده یه مصر و امینی یه قلبه بزم مشورتی ایل می اولدی دیدی
منلا منقاری زاده براهل علم صالح چلبی در بزاکا مصری ویر دیکمز اچون حق تعالی دن اجور
و ثواب رجا سنه بوز دید که خواجه زاده جوابنده ایکیشری بلاق مستحق لر ایکن پرسنه لك
آدمه منصب ویرلک ثواب تصور اولنزدیدی چون خواجه زاده کند و سی علم و فضیلتدن
بهره دار دکل ایدی اکاباء استحقاق ذاتی یانسنه معتبر اولمیوب فقط زمانه اعتباریه
اسکیسی تقدیم اولنق کر کدر دیو ظاهر طریقه نظر ایدر دی منلا حضرت نلری سز بوقد و
جرات ایتک ترک ادب دکلیدر سز بزم المز می اوپه کلدیکزمی دیوب مسعود افندی بلی
سلطان اوپه کلد وینه ده اوپه رزو بوسوز لر سز خیر خواهلقدن او تری سویله رز
شمدی خلق دیر لر که منلا حضرت نلری بو آته دك اللی بیك غروش رشوت المشلر در دیر لر
بویه سوز لر استماعندن متأ لمز دید که منلا خلق بیانه سویلر لر حسد و غرضه مبنی
سوز لر کیلک حقنه سو بلز لر بزم سزک مشورت نکردن خارج ایش ایتمز حالا استانبولی
اشته رحمة الله افندی حاضر بالمجلس در طلب ایدر بیهان ایکیز ویرک معقول کور رسکنر
فندی ویره یم دیدی مسعود افندی یوق استانبول پایه سنه ایرن اناطولییه استحقاق

حاصل آید و گندوم و سرسب سینه کان آمدن را چون شوی و برگ دیه مرز سلسله بی نجه آید دیگر
 ایسه انی دخی آید که دیو وافر گفتگو آید بیلر بعد مسعود افندی منلا به دیدیکه وزیر کرد
 و دو تنه و استانه مواجینه آچه بنشد رملک اوزن حضور هما یوننه متعهد اولوب بزر دخی نوعا
 متعهد آتیشید که حالا یوننه اولان علوفه بی وردی و کردی دخی مواجب کوند رملکه اقدام ایلاک
 دیدیکه معنی افندی یوننه ویردیکه مزواجی دخی کینه مزدن ویردیکه شمدی قنده بولالم
 تدریجاً دارک وارسال اولنسون دیو جواب ویردی بزر دخی یوق پاشا حاضر تالی اوکصدوک کوندن
 بیکسره همان انی دخی یا نکردن تدارک و معجلاً کوند رملک کرک دیدک که حالا سلطانم دخی
 کند ویه بز خبر کوند رملک کرکسره بومصباحه تسم اوله دیدی منلا جواب آید ایمنی همای بزم
 اغزیزدن سویلاک دید که مسعود افندی نه عجب بزم کند یز سویلیه لم وهم سترک اغزیز کردنه
 بزمی سویلیه لم باری استنه روم ایل افندی بسی سترک اغزیز کردن سویلیه و دیوب مجلس
 طاعل دی بوسیا قدم امر عجایب استماعند عقله مخیر اولمشایدی قره دکرده قزاق استقیما
 سنک نادبی لازم اولغین دونما نظارتنه کیدن شهباز پاشا اون پاره قدرغه ایله کتور دیوب
 قره دکره سردار تعین اولندی کتخد ایلاک کبه جی علی اغاد و نما کیمیله قیودان پاشا ایله
 مقدمه ما کریله ما مورایدی قیودان بوغازدن چقد قد نصبر که کتخد ایلاک کبه جی علی اغاد دخی
 قره دن چیقوب بر موجب فرمان بو غازک طشره سندن کی به کتوب قیودانه مالحق
 و معاکریله متوجه اولمشایدی بروجانبدن حالا معصومی باشی محمد اغا که مر حوم مصطفی
 پاشا زمانی عسک باشی ایلی عسک محمد دامادی دیرلردی حالا کتخد ایلاک نصب اولندی
 بحسبه بوسیا قدم بعض اناطولی قاضیلری قاضیه سکرلری خواجه زاده دن نشکی اظهار
 آیدوب بزی امتحان آیتکه قادر دکره و اوقومق بلز بزم حضور هما یوننه علما و کتده امتحان
 اولوروز هم تکیه و تعظمی حد دن یکدی دیوانه غایت کیم چیتار بیزار اولوروز دیوکه منلا به وگاه
 واروب وزیر شکر و آیدیلر دیوان چاوشلری وزیر عزیمال و یروب دولتلو علوفه لریمزی
 الامورز کچه کوند زتوب ایله خدمتله یوز دیو یغیره لیدوب عموما حضورینه کیرد کار دن بچون
 چله کز ایچر و طر اید بکره کافر کید بیلر دیوار ایدوب طر ایدیلر چاوشلر مفتی به واروب فتوی
 آید یروب بزه شویله دیدی بعد الیوم دیوانه کیر مرزوا نقشلرزدیو عشو به جل آید بکر نه
 وزیر قاجی طوب محکم دکنک چالوب نادیب ایلدی عثمان چاوش بی کنه دکنک یدی چالقی
 احمد بی کنه فرار ایلدی رمضان اوائلده سپاه و چاوش و متفرقه و قیوچی و غیر طوایف
 لشکر دن قتی چوق کسینه به علوفه دکیوب اخیریک قدر سیاهی دفتر دازامیر پاشا لشکر
 ضرر محاله اردنه مجد دانتقل آید یکی مسکنه هجوم ایدوب عربی قبولی ضرب سنک و تیر
 ایله قیوب ایچر کیروب اند بولمان حریق قانجه لریله هر طرفی تخریب و اوطه لرین غارت حتی
 صد و فکاری پیشخته و دولا برین پاره لیوب شاطرلار اوطه سنی و خزینه سنی غارت ایدوب
 اوج بیک غرو شلقدن زیاده امتعه سنی یغما ایدوب کند و بی قاچر دیلر بوند نصبر که دفتر دار
 تحصیل و تدارک میر به عاجز در دیو عزل اولنوب قرمان ایالتنه نامرد اولان دفتر دار
 حایبق سوزنازن مصطفی پاشا بی الا مغنیساده و الیسنه محصله ایلدی اولاق کوند روم

ثانی پاشا دفتر دارلق ایله نامن بحیل آید بیلر قره دکر طرفندن به اشداده مکتوب کلدی مکر
 شهباز پاشا اون چکدری ایله روم ایل سوا حلقه کجوب قزاقی ارارکن قزاق قایقلری سینوب
 یقاسنه کجوب اول حواله آق لیان نام حلقه قریب بر ساحلی باصوب بر مقدار اسیر الوب اند
 یا تورلایمش اتفاق سینوب طرفندن بر صندال کلکه خبر الذوب شهباز پاشا سفینه لر ایله
 اول طرفه چکدروب دورت پاره قدرغه فور تنه دن صولغین ید که الوب کیدر لر دی و کفار
 ایسه شایقه و قایق اون التی پارچه ایله آق لیاندن برواستیفان لیانی بورتنه کلوب اند
 قدرغه لر کورد که اول سوا حلقدن آلدی اسارای مسلمینی جمیعاً قتل ایدوب بعد جنکه
 حاضر لنوب دریا یوزینه چیقدی اول محل پاشا دخی چاشتقلری فور ایدوب جنکه متهی
 اولوب حاللرینه کور سفینه لری ترتیب ایدوب هنوز طوب محلقه یا قشمدن یکچیری
 کیمیلر هجوم و سردارلرینک سوزین طویموب ایلر و سوز دیلر کفار بولر هجوم ایدوب بر
 یا لیم طوب و تفنگ بو شالیدی کبی قیقلری طیایموب آلا رغه اولدی چون شهباز پاشا
 یقین ایدی ایریشوب جنکه پاشا قدرغه اولان قدرغه لره خبر کوند ردی کلوب امداد
 آیدیلر کفار شهباز پاشا قدرغه سنی و رتایه الوب خیل جنک اولدی اخرا بکی کافر
 شقیقلری پاشا ک سفینه سی طرفینه یناشوب ایچرو دو کلک فکرین آیدیلر پاشا
 چکدر سنی ابتدا اصاع جانبنه یا تروب شقیقه بی باتردی صکره صول جانبند اولان شقیقه بی
 باتروب ملاعین دریاه دو کیلوب حرق و غرق یفند جان چکشیدیلر اما سائر شقیقه لر
 دخی هجومدن خالی اولیموب بوال ایله اخشام ایرشدی ظلام لیل حائل اولغین هر گروه
 سلا متجوی اولوب کفار دریاه صالوب بولر سینوبه کلدی اند شهباز پاشا اول نافرمانانق
 ایدن قدرغه قیودان معاتب و چون به صلب مراد آید که حریف بن یکچیری یدیمکله
 یکچیری ضابطی تعین اولنل چور باجی الوب قور تاردی شهباز پاشا بواحوالی مکتوب ایله
 بیلدرمش تبدیلات رمضانیکی کونی روم ایل قاضیه سکرلری معزول اولوب یری طو لجمی
 حسام زاده خطاط عبدالحمز افندی به ویرلدی و اناطولی قاضی عسکرلری دخی معزول
 اولوب یری بالی زاده به ویرلدی مسعود افندی نیک عز لته سبب هم مدتی وافر اولمشیدی
 وهم والده سلطان التفاتیه حدت لسانی افزون اولوب وزیر مفتی به هر اموره اعتراض
 و مباحثه به جرأت آیتکه پاشا شدی اگر چه احمد پاشا به مهر و بر لکنه مساعد لسانی
 واعانی اولمشیدی لکن امور صد ارند شرکت مرتبه سی فضول لغندن وحدت لسان ایله
 هر ماده به دخل و نخرضندن بکضور اولد قلیچون وزیر مفتی اتفاق ایدوب شائبه غرضدن
 تحاشی ایچون ایکسینی بیله معامعزل آید بیلر قعه شبح الاسلام ابوسعید افندی و جمعیت
 علمار مضانک سکر بی اثنین کونی اسمان بولدن معزول اسعد افندی مفتی به واروب همان
 فتح کلامه به الله دن قور قازره مرتشی ظالم اناطولی نم حقم ایکن بچون آخره ویردیک دیو ترک
 حرمت واد بسنه اغاز آید که منلا کمال غضبندن شعوری کیدوب به جاهل ادب سز
 حیا سز سن قچن ادم اولد که بکر نه کستاخلقه جرأت ایدرسن بوزبان درازلق نه حد کدر
 سن سنبل علینک قهوه اوغلانی دکلیدک و بورتیه ره بشتوت ایله حمایت ایله کلد کی

حسن کند و کی آدمی صانور سن دید که اسعد دخی زاده ستویا یوب شتوم صریحه ایند که
منلاره قالدرك شونی نیز فلقه دکنك كتورك دیو خد متکارله حایقروب خد متکارل
اسعدك قولتغه یاشوب قالدق هی افندی دیو چکدیله اسعد سلکوب عناد ایتکین
منلا حضرتلری بنفسمه قالدقوب یاقه سنه یاشوب یومرق ایله باشنه و کوزنه کیپشوب
یاشندن صاریغی یوار لنوب بر مرتبه رسوای اولدی که نعوذ بالله تمام الغضب جرة
الشيطان حکمی نمایان اولدی اول حال ایله اسعدی ضرب ایله رک موقوفه ایندردیلر
فلقه حاضر بولمغله وافر مشمت اوردیله مکر اسحق یاشا ایله کتاغاج یاشا بحسب الاتفاق
اند بولمغله بوقیامت کوروب هریری بر طرفه کز لشمایمش منلا نك تهوری حد دن
یگد که چیقوب منلانك ایاغنه دوشوب اسعدی لندن الووب بعد وارفندینك اتکنی
اوب دیوب صاریغی کیدروب اول سراسمه بی دامتوس ایچون پیشکاهنه سوردکارند
منلانك غضبی هیجان واسنشا ط ایدوب دخی اسعدك یاری یقه یاری صقالندن
طوتوب بره خبیث بره اوغلان دیه رک سلکوب باشنه و چکه سنه و چهره سنه بر مقدار
مشمت و سله دخی اوروب بعد هزار بلا ایله یاشا تخلص ایدوب اول حال ایله اته بنوب
ات خورده و لا بعقل وزیر و اوروب شیر ایکن روباه شکلمه کوروب باری نفی اولنماق
رجا سنه تذلل ایند که وزیر دخی بهی افندی کشی مشایخ اسلامه بویه ادب سزلک واطاله
لسان ایله کستاخلق ایدرمی بونه اصل ایشدر دیو بر مقدار عتاب نصکره منزلنه
کونروب منلا یه خبر انقیاد و تقویت اظهار ایندیله مورخ دیرکه نومکره قضیه ده
اسعدك کوتک یه سیله جناب منلانك بالذات کوتک اورمه سی تقیصه شان
علما اولقد برندن چوق دور دکلد چون بوقضیه حدوث ایندی مفتی بومقدارتعزیر
ایله اکتفایسنه غوغا مندفع اولق محتمل ایدی لکن جناب منلا کمال تهو ندن البته
اسعد افندی نفی اولنمادور دیو وزیر نکرار الحاح خبرلری کونردی وزیر دخی چاوش باشی بی
بر قاج چاوش و بر قاج محضر اغایولداشی کونروب ساقزه نفی اولنق اوزن فرمان ووروب
بواسلوب ایله قایغه وضع ایدوب برایکی چاوش ارسال ایله دیونیمیه ایلدی چاوش باشی
اسعدك خانه سنه کلد که اسعد اختفا ایدوب توابعی بوند یوقدر دیو جواب ووروب قند
کتدی دید کارند بهایی افندی یه کندی دیو جواب ووروب افندی نیلر سزدید که چاوش
باشی صاحب دولت استر دیدی توابع اغا وار چکل کیت بوند اولسه دخی سنکله کتمز
جمله علما ایله حضور هما یونه وارردیه تعریف ایند کارند قننه و غوغا احتمالی اولغین چاوش
باشی دوندی اما اسعد اولکون اول کیجه آرام ایتیموب کمال افندی زاده یه و بهایی افندی یه
وساثر علمیه کندی و اوغلی و اوروب اغلا یوب فریاد ایله یوظالم بزی صاع قومزدیوب صادرات
افعال و اثر کون و واقعات کونا کونن مذاکره و جمله سی جمعینه دامن درمیان ایلدیلر اندن
قره چلبی زاده محمود افندی یه و اوروب باشمزه شویله حال کلدی دیوب بشت شکوی واعانت
واستمداد رجا ایندیله محمود افندی مال وجاه صاحبی متعین آدم اولمغله سلا متجربلق
جهتن کوستروب بویه اولماق کرک ایدی اولش بر سهولت ایله مدافعه قایلدرالم چکیمک

دید که اسعد فریاد ایدوب عرض علما یو قید رسن بویه دید کدن صکره زه کیم صاحب
چیقار دیو وافر معقول عتابلر ایدوب قالدقوب منزلنه و اوروب مختفی اولدی و کیجه ایله
اوغلنی و ملازم لری و خد متکار لرینی تذکره لایله جمله علما یه طاعیدوب صباح جمع اولمیری
التماس ایلدی انلرک ایسه حاللری بلا و اکثری مفتی یه حاضر ماند اولمغله بویهانه بی غنیت
بیلوب صباح تحربه و عدل لرویدیلر ایتسی علی الصباح کمال افندی زاده و بعض علما
اسعدك منزلنه کلوب اسعد دخی بکا ایدرک نقل ماجرایه مشغول ایکن چاوش باشی
ینه یدی سکر چاوش ایله که جمله دن بری آریزجی حسین چاوشد رکلوب زردباندن چقد قلدند
افندیله خبر اولوب کمال افندی زاده همان غضب ایله چاغروب اصلا چقرا چر و کلسونلر
بیقلوب کنسو نلر جمله علما ایله وارمق اوزن یو زید و کنی چاوش باشی ایشندی و اتباع
دخی ایچر و کیر مسنه مانع اولد یلر آریزجی حسین چاوشکه آریز مخادم پایه سنه علما ایله
ادعاء لر و مدن خالی اولماغین چاوش باشی یه سر وارک کیدک مبادا که بر عرض اکسکاک
اوله بن قاله یم شاید سهولتله کتورمک ممکن اوله دیو چاوش باشی بی یوللا یوب کند واد ایله
ایچر و کیردی افندیلرک اللربین ایدوب مدا هنه لره اشتغال ایدوب صاحب دولتک مرادی
سنری بارشد بر مقدار و سنری تطییب خاطر ایتمکدر دیو ایمان غلاظ ایلدی لکن آریزجی
دخی اغرنندن کلان تطییب خبر ندن رایحه کریمه فایح اولغین وجود ویر لمیوب معقول
بر شمدی جمله مز واریز دیدیلر چاوش باشی ایسه آریزجی بی آند بر اغوب کند و سی بهایی
افندی یه و اوروب تحیرنی تبلیغ نبی ایله سلطان محمد طوغری کتمشیدی جامع قیوسنه وارد قله
مشهوریندن کچ دهان دامادی عبدالله افندی یه راست کلوب سلام ووب کشید
هنان اولد قلدند عبدالله افندی چاوش باشی یه اغا قند کیدرسن اسعد افندی حقند اول
سنک ما مور اولدو غلک ایش اولنری معنی زحمت چکمه دید که چاوش باشی انکار ایدوب
واعذار بسطنه مشغول اولوب اولحل اسعد افندی و اوغلی سید سعید چلبی دخی
اولحل چیه کلوب چاوش باشی یه و غیر یلره شتوم یه یاشلیوب عرضنی کسرا ایندیله چاوش
باشی بهایی یه وارد قلد افندی یه شمدی بولشملز یه ل ویردیله دنوب کتدی عبدالله
افندی قره چلبی زاده محمود افندی یه و اوروب اندن یقید لک وضعنی کورد که سن حالا جمله نك
اقدمی رئیس العلماء کلیسن بونه فضیح ایشدر علما نك حالی ینه مؤدی اولور قیام سنک حقل
دکلمیدرسن مقید اولنرسن بز کیمه و ان لم البتله او کومزه و شمل کر کسز دیه لچ ایدرکن
اسعد افندی و اوغلی و جمله خانه سنک اولان علما کمال افندی زاده شیخ زاده عبد الرحمن
چلبی بولوی مصطفی افندی شعرای زاده و سائر تذکره ایله دعوت اولنان موالی
و مدر سیندن یکر می نفر دن زیاده آدم و سائر قضاة و مدر سیندن ابکیوز نفر دن متجاوز
گسنه لرحمود افندی نك خانه سنه کلد یلر اسعد افندی مقام شکوایه قیام ایدوب اوغلی ایله
کریان اوله رق ماجرای سوبیلدیله و بوری صاع قومز البتله قالدقوب اوکره دوشوب بزمه
یاد شاهه کیدرسن دیو زبان آورلکرایدوب هر یابدن کفت و شنید ایندیله تا که ملک زاده
دخی کلوب مجلس طولدی هریری کورد کیری اذیتلری و دخواه لرینه مغایر اولان وضع

وحرکتاری جوړو ستم اولنق اوزن ایرادایدوب مناصبدن النان رشتونلری و توجیهات
مدخوله سنی و مثال کونا کوننی یا دایلیوب بومعقوله مواد متعددده بیانی ایله محضر
یا زوب محود افندیك الله ویردیلاولا امضادن اباایدوب کاغدی الدن اله کتردریلو
بالاخره عك زاده جرأت ایدوب بره شونی امضادن قتل ایجاب ایدر بزکاده راضی اولدق
دیوب امضا ایلدی بعد محود افندی و سائرلری امضا ایوب اسعدك او غلی بدیلده حاضر
اولیان عك نك منزله لرینه کوندر دیلر جمله امضا ایدوب خواجه زاده یه وار دقه
امضا برینه مداد قلملوی دماء شهادت افصل اولان علمانی ضرب و استحقار ایدن
مفتی نك عزلی واجب دردیوب یازوب بعد محضر برینه مجلس اوله کلدی جدید صدر روم
اولان حسام زاده و خواجه زاده مجلسه دعوت اولند قلرند آتلمر حاضر در پادشاهه عزیمت
ایتد یکمیزده زه خبر اوچرک بزخی بنوب یولده ماحق اولور زدیوب جواب کوندر دیلر
هنوز محضر امضالری تمام اولمزدن اول وزیر طرفندن باش محاسبه جی محمد افندی
کلوب بویه پیغام مکر انجام کتور دیکه صا حب دولت جمله کتره سلام ایلدی رجا ایدرکه
اسعد افندی یی مفتی ایله بارشد یوب مرادی نه ایسه تمشیت و رضاسنه جمله کتر
سعی ایله سز بویه جمعیت و فتنه مناسب دکلر لطف اینسونلر فلان یوللوسوی بلند کده
بونلر دخی محمد افندی یی اور تابه آلوب سن بر سوز فهم ایدر عاقل آدم سین کلدیکه مناسب
اولدی بونک کار و کرداری شویله در بویه دردیوب جمله معایب و تقایصنی تعدا ایتد کدن صکره
صا حب دولتک بزدن النی او یوب بز بونک ستر ندن امین دکلر بعد الیوم بزدن فردا نك
قیوسنه وار میوب ورئیسمر درد یونکا پواتیمز آنی زم اوزریمزدن دفع ایدوب کمی معقول
کورر لسه انی شیخ الاسلام اینسونلر کند ولره انقیاد ایدر ز صاحب دولت
بود ایه یی اوزریمزدن دفع ایتمه لرین رجا ایدر زوالا بار شقی نه دیمکدر اکامکان یوقدر جمله منی
حضور هما یونه واروب احوالتری ییلد پرز جمعیت مخمل اولسنک طریق بودر غیر وجه
متصور دکلر البته سن واروب بوکلا منری تبلیغ ایدر سن و زه جواب کتون سن سن
کلجه بو محضری پادشاهه کوندر میوب تأخیر ایدر زدیوب محاسبه جی یی عهد و میثاق ایله
کوندر دیلر لکن غمی و قتی یکلدی وزیر طرفندن خبر کلدی اخر مصر دن معزول بروسه لی
محمد افندی ایله شعر او ی زاده یی بر تکره ایله سرایه کوندروب کلام سابق اوزن عزلی
رجا ایتدیلر ایلر دخی واروب کور دیلر وزیر سر ایدن چیقوب مفتی یه کتمش دونوب کیر و
کلدیلمر مکر وزیر و شورشور کند و دولتته دخی بلکه سرایت ایدر دیو خوفندن جان تدارکی
ایچون مفتی یه کتمش و علمادن تقیب زیرک زاده و قوجه رحمة الله افندی و سعدی زاده
وصنعی زاده و عبد الفتاح افندی و سائر اوسعید لیلر جمله انده کفت و شنیده مشغول
ایشلر اما عصمتی یوایی کرو هک برینه دخی حاضر اولیوب و کذلک حنفی بزدون معزول
اولدق دیو کنان چکلدی بالی زاده مفتی مجلسنه واروب حسام زاده ایکی دفعه چاوش ایله
دعوت اولنوب تعلل و اوخچیلر کلدو کی ذکر اولمور اول حالده وزیر مصاحبت ندر دید کده
مفتی جواب و یوب ایلر برآلای نکبئی حریملر در همان یکچیری اغاسی طرفندن بر قاج

چورباچی نفراتیه تعیین اولنوب جمعیتلری اطرافنده کورند کتری کبی ایلر طرف اولور زدی
وزیر دخی بوتد بیره قرار و یوب اولایوم معنایی کند ولره استعارایله لم شاید تخویف و توهیم ایله
طاغیله لر دیوب کوندرن جک برآدم آرادیلر ایاصو فیه ده صالی واعظی تورک احمد نام
یو الفضول کبر خد متده بولنوب صیت عنوانن ارتور مق ایچون دانداد امن در میان ایدی
مجلسه حاضر یولغله بزوان لم دیوب یاشا ایلرندن برینک غدان لی اتنه بندروب جمعه
کوندر دیلر ایلرندن منلار کاب همک یونه برعرحال یازوب بویه لهما ایلدیکه نتم شوکتلو
پادشاهم بود عاجز ایلر ایلر جند پادشاهمک مستقیم و متشرع دعا جیسی اولوب دخل
ایجاب ایدر حال یوغیکن محضا هوالینه متابعت ایتدیکمزاچون اسعد نام راشی و مرتشی
کلوب بز شیخ الاسلام ایکن ترک ادب و هتک حرمت ایدوب زه مشافهه طالم و دینسر
دیوب بومعقوله الفاظ قبیحه ایله اطاله ایدوب وصفا لزمه یاشوب بز ضرب ایدوب
مجلسدن اخراج اولند قلر سائر علمانیله اولان زور بالیکه مرحوم بابا کتری قتل جرأت ایدن
مجهر یلر دریاغه قالد یوب تحزیب و جمعیت ایدوب برآلای اهل غرض زه اذیت اوزن درلر
واصل مراد لری بویه نه ایله تجمع ایدوب پادشاهیه هجوم و سوز قصه در بونلرک حقلرندن
کلنوب تأدیبلری واجب اولمشدر و لایینه فتنه عظیمه ایقظا ایلر مقرر در بو کاغدی
وزیر و یوب اغزدن دخی بومضمونی سیارش ایدوب اگر بونلر فساد لرین تمشیت ایدر لر سه
سزک دخی صدر صندارتدن از عاجز کتره قصه لر مقرر در همان یکچیری اغاسنه خطا با
بونلری طاغیته فرمان عالی اصدارینه سعی ایدر سز دیو وزیر خنکان کوندردی
و علماء عظام مفتی افندی حاضر نلرند در ایلر برآلای بی ادب زوبا کستما خلر در دیمک
یولندن تعلیم ایلدی و حال والده حاضر نلرینک خزینه داری ملکی قادین نام جاریه که
اول سمته جانیدار ایدی اکا و والده حاضر نلرینه تذکره لری یازدی وزیر واروب منلارک
کاغدن یوب و یوب طامیلر دخی تعریف ایتدیکن علمانی تأدیسه جواز کوسر دیلر و یکچیری اغاسنه
ثنیه اذن هما یون صدورو حصوله کتور دیلر و سوق وزیر ایله جمعیت کتری طاغیدوب
احوال کتری اولر یکردن عرض ایدر سز دیو مفصل خطالوب خاصکی ایله محضرینه
کوندر دیلر ازین جانب ترک احمد ایسه محود افندی خانه سنه کلوب وزیردن سلام
کتوروب الحمد لله تعالی سز لر هر یکر مفتی اولغه لایق کبار علماسز بویه جمعیت و ایقظا
فتنه یه پادشاهک رضاسی یوقدر دیو سورمه لریله اگر طاغی سزک یکچیری اغاسی
طرفندن چورباچیلر تعیین اولمشدر کلوب احاطه ایتد کارنده حال مشکل اولور دید کده
حدت غضبندن هریری پراتش اولوب جمله دن مقدم بولوی مصطفی افندی واعظه
عتاب ایدوب نه یوخ بریو ملعون بره خنر برز خر و جی ایتدک که اوزریمزه باو کتر
تعیین اولمور باق خبیثک یدو کی هرزه سن و سنی کوندرن فلان و فلان دیو شتوم
شنیعیه کیروب واعظی مجلسدن سب و لعن ایله طارچیکا ردیلر حریف اتنه بتر کن
علی افندی زاده بره بو ملعون انک جاسوسیدر و نه فتن تور کدر قنده قیو و بررسر
یولجه ایله وزیر وار دقه نه فساد انکیز سو زلسو یلر فتنه عظیمیه مؤدی اوله جفتنه

شك يوقدر اليقوك خبيثي شونك قازقلا تسون ديد كه نكر اراتدن اينك روب خلق
 اراصنه كوز حبسه الوب توقيف ايتد يار بعاد سويلاشوب بزه ويزدن وغير يند
 درمان يوقدر بو مقامه قالورسه بزم جمله مزي قير ديرنه طور درستر قالك پادشاهه
 كيمه لم ديوعني ايتد يار مونج ديركه اول مجلسه سپاهيان دن ويكيچر يازدن آدم كلوب افند يار
 استرل سه سلاخله الوب وارلم خدمتده بولنالم ديويخير لكوندروب افند يار جوابلارنده اغاره
 زدن سلام ايله بزم هجوم وسره متعلق ايشم بوقدر انجق مفتيدن خشنه ودد كلزلنك عزلي
 التماس ياد شاهه مرصالح ايتك ديلوز كلسونلرد يواضاح ايتد يار كللك چار شولوز نازستان
 طرفندن دخی آدمار كلوب بيور رستكرد كانلري قينا يوب نصرت ايله لم وسرايه ييله
 كيمه لم ديد كلرنه يوق زهار بزم فتنه وغوغامز يوقدر ديومنع جوابلري وير مشلر
 ايتدي بوسوز بعيد دكلد زير خلق فتنه وفساد دي بالطمع سورلر خصوصا
 سپاهيانره وغيري طوايف عسكريه يه علوقه لر ويزلكنه جفا اولنوب مضايقه
 سببيله جانلري بورونلرينه كلشيدن بوييله فتنه خدو ثي اللهدن استرلدي قره
 چلبی زاده محود افندي ايله ملك زاده همعنان و سيارى جمله عرفلر يله بنوب سرايه
 متوجه اولوب اسكي اوطقه لر اوكنه وارنجه قضايه وعوامدن اولقدر الوف مجتمع
 اولمشيد يكه اول شاهراهه كنجائش بولماق مرتبه سنه وار مشيدى عسكري يه
 وشهرلى يه بزم جدا لمز يوقدر كلسونلر جوابي ويرلشكن اكر اول اسلوب ايله دخی
 ايلر ووارلسه تحقيق دكلنر خود بخود قيا نوب جمله شهر ياغه قانقوب سرايه
 وارنجه عالم دريای ادم اولق مقرر ايتدي اسكي اوطقه لر اوكنه وارلد قن قارشدون
 قمر مزي چوقه دولامه وسراسر قوشاقل خاصكي قرشوكلوب النامه مفصل خط همايون
 باشنه برابر احق كتورردى بار كيرندن اينوب محود افندي نيك ركان اوپب الله صوندي
 جمله سى آت باشن چكوب محود افندي ملك زاده يه ويروب رفع صوته قراءت ايدوب
 خلق استماع ايلدي مضموني بعينه بوايدى عزتلى علما افنديلر بزم اباغن جد دولت دعا جيلري
 علماء دولتمسزون بزم سزه ظلم وجور اولندي غنه واك ادنا نرك خاطري زنجيد اولد وغنه
 قطعا رضاي همايون يوقدر وهر يكره عنايت مراد همايون دكلر چكميه سز ايتدي
 خط همايون وصول بولد قن جمعيله برقد م دخی ايلر وكيوب منزلكره طاعله سز
 و مراد يكرنه ايسه يازوب بلدن سز ورايكي كون صبر ايله سز مراد كرنه ايسه بر حال ايدرز
 زها مضمون خط شريفه مغاير ايش ايتيمه سز و السلام جمله سى پادشاهه خير
 دعال ايدوب امر ياد شاهه مرصالح ديوب دونوب خاصكي اغايي ييله جمعيله يله محود افندي
 وثا قنه كلد يارندن شكائيلري نه ايسه تعين مو ادايدوب ظلم وخور عد ايتد كلري
 نه قدر خصوصا وارايسه وارتشا نسيمه ايتد كلري نقد ردمت آويز وهدايا المشر
 ايسه توجيها ت مدخوله ولو ضاع نا معقوله هر نقد ارشي خاطر لر ينه كلش ايسه بر رقيه
 مفصله يازوب استا نبول قضاسندن مغرول علماء عظامدن براد مى ناحق يره ضرب
 ايدوب يوزنه توكروب تدليل و تحقير ايتمشدر بوجر اتي سلاطيندن ييله كسه ايتام مشدر

جمله علماء حاجكزه مرصالح ايدوب اني غرل وهر كيم اولورسه اولسون بر دعا جكري مفتي
 نصيب بيور لمز رجا ايدرز ديويي بون خاصكي اغايه ويرديلر و خاصكي بي اور تايه آلوب هر يري
 متعجرا ولدوغى قضيه بي مبالغه ايله نقل ايتد يار خاصكي مختير اولوب ايتدي كي مفتي
 استر سز ياد شاهه مر سوال ايدوب جواب استرل سه جواب لازم دريد كه بالاتفاق معاذ
 الله فلان كسنه بي استر زديكه بزم نه حد يمز وازدر همان به ني عزل ايتسونلر غيري كي
 مفتي ايدرل سه فرمان كند ولر ينكدر قبول ايدرز وارب اني او پر زديدلر خلاصه كلام
 هر يري دخواهي اوزره ادا امر ايدوب خاصكي به ايمان مو كد ويديلر كره قعه بي پادشاهه
 ايصال ايله ولسا نا استماع ايتديكي سوزلري سوييله ومباد بور قعه مزي مفتي ووزير طرفندن
 سنك الكدن الله ياد شاهه مر وصوله مانع اوله لر سنكده بزدن برايكي آدم همراه اولسون
 ديد كلرنه خاصكي به غيرت غلبه ايدوب بهي افند يار بونه سوزدرين پادشاه طرفندن كلام
 ينه افندي كيدرم ومأمورا ولدوغم خدمتي مستقلا ادا ايدرم بزم المدين كاغدى آلفه كم قادر در
 يابن باشمندن قوز قازميم ديوتام اعتماد ايتد ياروب رقهه بي آلوب كتدي وپادشاهه ايصال
 ايتدي مضموني معلوم اولد قن وزيرى چاغروب بچون سن خلاف انها ايلدك ويونلر قتنه
 قالدردى قصد لري شودرديدك حالا امرى طوتمشرو مترلار يينه طاغيلوب حاللرين
 عرض وفرمانه امثال ايتمشدر ديدوب بر مقدار عتاب ايتد كه وزير خوف ايله مبهورت قالوب
 بزم بويله ايشتمك شكنه تلعثم ايتدي وقت عصرده و زير طرفندن مزبور له خطا با
 يرتد كره كلدى واروب منزللر بكنره طاغله سز اوج كون صبر ايله سز البته بر حال اولوردى
 انلر دخی اخشام اوزرى طاغيلوب خانه لر ينه كتديلر عزل ابو سعيد افندي ومفتي
 شدن بهاني افندي ثانيا علما منزللر ينه كيدوب ايرتسى خيس كوني سكون و انتظارا يله
 كچوب دخی ايرتسى جمعه كوني كه رمضانك اون ايكنجى كوني در بهاني افندي اچريه دعوت
 اولنوب سبورالباس ومفتي نصيب اولندي جمله علما ووزرا تهنيه سنه واروب مفتي سابقه
 دكلير اولنلر امن وسرور حاصل ايتديلر تيمه بواشاده سورنازن مصطفى پاشاد فتر دارلق
 مقامنه قعود ايدوب وايلت قرمان سابقاروان سفر ينه كيدركن قيصر يه ايله سيواس ييننده
 كشته تيغ سياست مراد خانى اولان اقشهر راود يوانه بكك اوغلى درو يش مجد پاشايه
 ويرلدي وقاطرجى اوغلى قرماندن مغرول يلو اجاهه وبر قاضينك خلفه سن الوب اند او توردى
 يواشاده تركان ويوده سى مغرود بازه حسن توكابه زياده تعدى ايتمك ين شكاتى كلدى وزير
 سابق كورجى پاشانك جمله مالى ميرى يه النش كندوسى بووقته دك يدي قله ده محبوس
 ايتدي وحبس خانه ده باشي عقرب صوقوب مزاجي منحرف وضعيف الحال اولمشيدى مفتي
 جدي ايله قديمي دوستلغى اولمغله رجا ايدوب حبسندن اطلاق واوخرى سنجاغى ويرلدي
 معن زاده حسن بك مرحوم نقل ايدركه كورجى پاشا قوجه معمار قاسم اغايه غضب ايدوب
 سن والديه قوجه كوپريل يي مدح وسوق ايدوب كورجى پاشايي ايكي او كوزه صمان ويره منر
 ديك ديودار السعاده اغا سيله متفق والديه كند الغندن چقاروب زندانده قائل قيوديد كلري
 چاهانگاهه ايتد ركله قاسم اغا خوف جان ايله هجوم غوم بي اماندن خسته لنوب اول اثناده

یورتی برعقرب صوقوب اگرچه الم لدغ دفع اولدی اما بوزنك ملدوغ اولان طرفنه بر ماده
ایوب جرات باغلیوب آکله مثال بر طرفی چور و دوب بعد مند فاع اولش قاسم اغانك
یونك بر طرفی پریشیدی الحازات من جنس العمل شكنند کورچی پاشانك دخی صدردن
عزل ویدی قله به حبس اولان قله باشتی عقرب صوقوب طبیعت وجود دده مکنون اولان
مکافات اعمال عینی ایله پرین یولدی بوشاده مجد دامنایب و مرانیه نائل اولش نودولتارچوق
ایدی کره کره استانبولده کزوب احشام عرض ایدرلدی مثلامون پاشاسی کوردجد
نام مردن پیداکه سابقایره جک سنجاغی یکینک کتخداسی اولوب بیرجک خلقی میرمزوری
کثرت ظلمدن طردایتد کلرنده کتخدای مزبور انکچون مهمسارلغه آستانه یه کلوب ولی
نعمتی نامیلله پیدالتد یکی اچیه وهدایایی و یروب کند و ایچون بیرجک سنجاغی پیدالیدوب
واردقنه کندودخی کثرت مظالمه بناءطردو آستانه یه کدکدک بض وسایط عجیبه ایله
برمالدارسرایاوعورت الوب اکا اعتمادوبرقاج کیسه مال ایله اعتضادایدوب وافردارات
واحدشام پیداسندن صکره مراجحه جیلردن التمش کیسه مقداری اچیه یی یکایک فایده
ایله الوب ایکی توغنه نائل ومون ایالتن بر طرفی بقله حاصل اییدی کذلک شام والسی آق مجد
پاشا وجدید کتخدایک و مصوبی وطورناچی ودخی نیجه نوظهوراغالر فوج فوج زیارته
کزرلادی عصمتی افندی یه رمضانک یکریمی برنده بیرامه دک توقیله استانبول قضایسی
ویرلش اییدی شوال غره سنه عید شریف دستبه وسنه عصمتی استانبول قاضیسی مقامنده
ال اوپوب شوالک دوردنچی کونی سلائییک مولایینه کوندلدی ویرینه سعدی زاده السید
سیف الله افندی استانبول قاضیسی اولدی ابوسعید زاده فیض الله افندی غلطه دن عزل
وغلطه قره چلی زاده ابوالفضل مجود افندی یه کدرئیس العلماءیدی اریه لق اولوق اوز ویرلدی
ونیره قضاسی اسعد افندی یه اریه لق ویرلایوب خاطری جبر اولدی واستانبول قضاسی
سعدی زاده دن صکره رحمة الله افندی یه ویرلک اوزن ارداف اولندی وروسوی مجد
افندی یه ادرنه قضاسی ویدی قره دکره تعیین لولنان شهباز پاشا ایش کورمیوب اون
قدرغه ایله منهنزما کلدکه وزیر ترسانه یه یکوب دیوان ایدوب احوالترین سوال ایتدکه
شهباز پاشا اظهارتشکی ایدوب معتمد محک اوغلی قیودانکه سفینه سنه یکچیرلر وار
ایدی کفار اوزرینه علی التمله کیدرکن سوزیمی طوتمیوب ایلروسکر دوب بعدبعیدیردن
طوب التمله کفاری آگاه ایدوب محل جنکه واردیغمز ده الارغه ایدوب معاونت ایلدی
سینوبده حتمدن کلک مراد ایتدیکمه یکچیری عید یو یکچیرلر المدن الیلر یاهنامه سبب
مستقل اودردیو واقعی بیان ایتدکه وزیر معتمد اوغلنی ترسانه دیوانخانه سی مقابلنده
صلب و سیاست ایدوب وشهباز پاشا بعد العتاب جسم اولدقدن صکره یه اطلاق
اولندی ودفتر دارک مستقیم سورتزن کلشیدی حالاسورنازن مستقیم ظهور ایلدی
نکته سی انک شاننده درقلت اموال و خزیننده اولان اختلا لدن شکایت ایتدکن وزرا
ومفتی وصدور علما حضورهمایینه چاغریلوب مال میری خصوصچون مشورت ایتدیلر
خلاصه مشاؤون واولدی که ارض ومو کا تقری وقسطمونی و مغیسا و سائر ایللرک

صاحبزادی تحملنه کون شومقد اراچیه یه قناعت ایدوب قصور شومقد اراچیه سال بسال
آستانه یه کوند رملک اوزن هر منصبه حالته کون مال ارسالیه باغلنسون وبومنصیلری الان اول
مقدار مال معینه سی کوند رملک اوزن التراما السونلر بعد الیوم یونلردن مصرکی مال کلسون
وزعامت وخواص و بشمقللردن دخی برمقدار کفایتدن زیاده سی میری یه باغلنسون دیو
قرار ویدیلر و زکند و خاصلردن یکرمی بیلک غروش میری یه باغلدی بوتد بیردن مهر سنه
یدی یوز بیلک غروش خزیننه یه نفه حاصل اولور دیووز ریجینندن بر دفتر چیقاروب حضور
همایونک قمرآت واصحاب مجلس وافر کفت و شنیددن صکره تمشیتنه قرار ویرلدی کذلک
همالک محروسه ده عومامقد اردکرمن واریسه مهر سنه هر دکرمندن برریال رسم طواحین
التیق اوزن اوامریا یلوب یوندن دخی سنوی یوز بیلک غروش حصوله کلک اوزن وجهه وحیه
کورلیدی وبلاد اسلامیه ک هر منزلنه بررایکی شرغروش صالوب جمع ایتدکی مناسب کورمشا
ایدی اولاسکداردن بدأ اولند قله اسکدار خلقی غلوی عام ایدوب بالضررون فراغت
ایتدیلر مراد ایتد اسکدار و بعد غلطه وایوب و بعد استانبولدن جمع ایتدک ایدی هجوم عام
خوفندن فسخ عزیمت اولندی یوبدعت و نکلیه ک مآلی فوری غوغا وله جفی متعین اولوب
صحافت تدبیرلری آشکل اولدی بانکه دکرمن حقی نامنه جمع مال ایچون تعیین ایتدک لری
عاملردن بشراوز بیلک غروش پیشینلری النوب اللرینه اوامرو یلوب کوند رملشیدی
اسکدار فتنه سی سببیلله حالافسخ اولنوب خصوصاسیاه طائفه سی بز علوفه المزایکن
دکرمنلر یزدن اچیه التیق وقری و مزارعزدن رسم اثمار نامنه نکلیف التیق نه دیمکد ریداموزان
دولت و بومقوله مظالمی رکاب همایونه عرض ایدن اهل خیانت جزالین بولمق اچیه اولمزدیو
بریر کفتکویه باشلشرایدی و مشور رنه بومظالمک تمشیتنه قرار ویردکده مفتی یایی
افندی راخی اولیوب لکن ضرورت خزیننه سببیلله ایللر مال باغلتیق وخواص
وزعامتدن میری یه نسنه التیق خصوصه سکوت ایدوب رسم طواحین و منزللردن
التیق بدعتنه رضا ویرلش ایدی بعد منزللرینه کلدکه رسم طواحین ورسم اثمار نامنه
بدعتلری قرارداد اولوب اوامرو ویرلدیکنی ایشتدکه اشدانکار ایله انکار و بومقوله بدعت
احداثیه مالک تحزیننه سی ایدنلرک حقارندن کلک ککرکردیو بیوردقلری
شایع اولش ایدی یوبدعتلرک موجودی و بومفاسدک خیرمایه سی تورک مضطفی
خلیفه که موقوفات قلنک باش خلیفه سیدر علمادن وعسکریدن بو وحشت انکیرانکار
صدالرین ایشتدکه احداث ایتدیکي مظالم ثبوت بولیه جغنی ادراک ایدوب
تریب جزا خوفندن وزیر و واروب دامنموس ایدوب دولتملوبکا برقاج اچیه تقاعد
احسان ایله حج شریفه واروب دولته و سلطانه خیر دعار خدمتده اوله دیدکده
بومانه ایله تخلیص کریبان واموردیوانیه دن قورنلق ایچون حیلله ایلدیکنی وزیر فهم
ایتمکین زهر خند ایدوب بهی تورک اصول ایله قورنلق می استرسلک اجازت دیمک نه دیمکد
براشدر ایچنه کیرمش اولدق و سنکله بیلله جه بولندق یاودرکه ایشی باشه چیقارر زیا سنکله
برابره باش ویرزدیو اذن ویرمدی کذلک محاسبه خلیفه سی مجد افندی دخی بومکر

و هائیکه محل تهمت ایدی اولدخی بر طریقه صیریلغه اذن استدی وزیر آکاده بوجوانی ویردی
 و بواشاده اسعد اردن انچه النوب وزیر ایتد او زارتنه امو رنرخ و احوال فقر ایله نقید
 گوستر مشیدی مکر اول اهتمام برغایش اولوب مقصودینه جلب مال ایدی یکی محقق اولدی
 مثلا شمع روغن ماده سیکه امور عامه فقرادن ایکن یاشار ای ایله بعد المشوره موجیلره نرخ
 معین اولان یکر می انچه به صاعق ال ویرمز و قیه سنی یکر می سکره ایتیمجه ال ویرمک محالدر
 دیوب مداعله ارایه کیروب شویله تدبیر بدعت ایتدیلر کینه مو ملک و قیه سنی یکر می
 ابکی به اوله فاما و قیه عثمانیکه در تیو زدرهم در موم ماده سنه تنقیص اولنوب او جیوز
 قرق درهم موم برو قیه اعتبار اولنه تا که دور تیو زدرهم یکر می سکره ایتیمجه ال ویرمک محالدر
 هیر مسبوق المثل ایش سخره روز کارا و لوب کمی یاشا و قیه سنی کمی سعدی زاده
 اوقه سنی دیوسو یلینوب بر کسه بر نسبه الملق قصه ایتسه خد متکارنه صاقن یاشا
 اوقه سنی یاسعدی زاده اوقه سینه المسون دیرلر دی بواشاده که واسطه شواله کافر قلیونلری
 بوغازدن قالقوب کیدوب پرچم کیلری کلوب دو نمادخی اجازت ایله بوغاز محافظه سندن
 کلدی یلر اولجانیه اولان وزرایه دخی دستور اولوب حیدر زاده محمد یاشادخی استانبوله کلدی
 و تاتارخان او تویزیک مقداری له کاری قریغی خبری محقق اولدی قبول دانلق توجیهی
 ایچون درویش محمد یاشادخی استانه به دعوت اولمشیدی مشار الیه جمله عسکر یله
 کلیمولی به کوب او اخر شواله اسلامبوله وصول وسلوری قیوسندن عظیم آلا یله کیری
 حقا که کوچک احمد یاشا مرحوم نصکره بویه مکمل قیو صاحبی کورلمشدر طشره ده
 یدی بیک آتیم صیدی محقق و حالا آلاینه تخمینا ایکی بیک پیاده و سوار ی مردان
 کارار و ارایدی جمله جبهه و جوشن ایله مستغرق و مکمل ایدی اما سلسله و برومه
 و اناطولییه ایتد یکی مصادرات و مظالم دخی یقین زماندرده مسموع اولما مشدر زرا
 اتباع و لواحق کثرتی ظلم و جلب مال از نکابنی اقتضایه کلشدر ذی العقول خلایق
 چنکی زاده علی یاشا هر سکدن معزول اولوب برینه دیکر علی یاشا کوندرلری نزاع
 سپاه و یکچیری بر ای قصاص کتد ایری قوم قیوده صمان آلو رکن بر یکچیری ایله چکشوب
 اولمده بولنان قوللق چیلره چور باجی بره اورک دیمکله سپاهی ی اوروب قتل ایتدیلر قورنداشی
 میثنی قالد یروب ساحد ار اغاسی قیوسنه علوفه و پر یلور کن کتوروب یکچیر یلر اولدردی دیو
 بر افغله نفر غیرت جاهلیه مقتضایه غوغا قالد یروب آغالین طاشلیوب حصو صاسپاه یلر
 اغاسی محرم اغانک یاشنی یاروب علوفه فی المازند یاسکداره کوب جمع اولدی یلر و البته چور باجی
 قتل اولنق کر کردیود و ایتد یلر شرعله کورلک فرمان اولنوب شاهد کبری یاز یلوب برینه
 قالد قید اوجاق طرفی مراجعتیله تقید اولنق ثبوت بولد یغی تقدیر جبه دیت حکم اولنور دید کلر نه
 یود عوایه مباشر اولنلردن جندی یوسف و عرب سلیم و غیر یلر یوق البته قتل اولنق کر کرد
 دید کلر نه نفر تابع اولیوب بروجانه یکدی یلر انرا سکدار ده یا لکر قالد یلر و صباح
 اغالره فرمان اولنوب اول متعصب لری اخذا ایچون اسکداره واردیلر مزید لر فرار ایتمش
 بولمغله سارلری طاشیلوب کتد یلر آدم تعیین اولندی جندی یو صفی اسکی شهر ده

یا صوب قتل ایتد یلر عرب سلیم یچرایوب حلب جانیبه کتدی وزیر و جوه غریبه دن وافر انچه
 تدارک ایدوب علوفه یی کند و سرانیده و یروب دفتر دار یاشادخی جمع مالله خیلی ید طولی
 گوستردی ذی الحجه غره رمضان قاضی سابق حسن بیاضی نک تعصبینه بناء بر کون مقدم
 اولوب جمله تقاویمه غره یوم تلشادن ایکن بازار کونک اششامندن التجی ساعتی ایکی
 متعصبیلر ایله زهلالی کوردک دیوب بیاضی به وارد کلر نه بی هنکام کجه نک سکر نچی ساعتی
 منادیلر یچا غروب قند بللر یاقدر یروب ایتسی یوم اشین غره رمضان اولمشیدی بانکه منجم
 یاشی و سار صاحب و قوقلر یوم احدک وقت غروب نه هنوز قرشمسک جرمی تحتنه محاقه
 ایدی و ریت محالات قیلند ندر دیو اتفاق ایتمشلر ایدی حتی تلشاکجه سنی یله هلال غایت الحق
 و خفیف النور کوجه شخص اصحاب اولمشیدی اصحاب نخیم و اهل هیئت مطلقا مخالفت ایچون
 رمضان بر کون مقدم ایتمشیدی حالا استانبول قاضی سنی سعدی زاده غلط اولد غنه ارقطع
 حزم ایدوب غره ذی الحجه یی یوم احد دن طوئد و یروب حساب تقاویمه اویدردی غرائب
 امور دندر که یکچیری اغاسنک ظاهر اعزلنی موجب حالی یوغیکن مفتی مانی افندی به صقچه
 صقچه کلوب کیدوب بینلر نه معامله و داد و ارایکن منلا طرفندن اولق اوزن اچرو خنکان
 برورقه و اصل اولوب مضمرنی بویایدیکه اغازل اولنوب سکبان یاشیلقدن معزول
 طوپخانه لی مصطفی اغا یکچیری اغاسی اوله زرافالی شیخ اوغلی یکچیری کابیندن عزل
 اولنوب منلایه انیسانی اولان حسین افندی یکچیری کاتبی اولمشیدی یوقضیه نک
 دسیسه سنه حمل اولنوب بوورقه یی والد حضرت نری اغایه کوندر یروب احوالی بیلدر دکه
 اغاضبه کلوب بزم موجب عزل نه جرمنز وارد که مفتی تذکره یازوب کوندن دیومنلایه و ازوب
 تذکره یی کوستروب معاتبات وقوع یلد قند منلا تذکره یی انکار ایدوب مهری یوق امضاسی
 بزم خطمزد کلدر لسانمزدن ارباب حیلله نک دسیسه سیدر طوپخانه لی طوئلسون کوره لم
 یوتد کره یی کیم یازوب ویرمشدر دید که طوپخانه لی محتفی اولدی یوحیلله به همد استمان
 اولان اسکی باش چاوش و برایی اوجاق متعینلری نفی اولنوب اغایه استمالت و خلعت
 الباسیلله اغالق تقرر اولندی طوپخانه لی غیبت ایتسه کله سنی کیدردی اول وقت عقلا
 ایکی فرقه اولوب برکروه یوتد کره دن ملانک خبری اولدی یغی واقع در طوپخانه لی و معینلرینک
 تزویر دید یلر اما اغلی بوکه ذهاب اولدی لکه مفتی اغزلدن والدیه تذکره یازمق خصوصاً
 یکچیری اغالی کی بر امر عظیم تبدیلی بانه حیلله و تزویر ایتکه کیمک جرأتی وارد انحق منلا بو
 مصاحت سهولته حصوله کلور امید یله تذکره یی یازدی لکن والد حضرت نری مساعدت
 ایتیب تذکره یی اغایه کوندر دیکندن اغانک حمایه سنه راسخه لاقدام اولد قلیونی بلدیکی
 ایچون تذکره یی انکار ایتمشدر دید یلر ظن غالب دخی بودر العلم عند الله تعالی بووقعه دن صکره
 منلا ایله اغانک بیننده عظیم شکر آب حاصل اولوب انحق منلا کاغذنی انکار ایتکه صور ناغا
 مطیب اولوب دروندن قضیه نک محکمه جازم اولمغله مغیر خاطر ایدی حتی عید شریف
 زیارتنه منلایه و ازوب کک اشائی صورتدن معامله ایتد یلر بقی علی و انی علیه
 وفی القلوب صعابن فحوا سی اوزن کا هیجه کوریشوب دو مستلقدن حالی اولد یلر کولو

و فرصت گفتار بولوب ابوسعید افندی اغایز پله پادشاهه ایتکیوز کیسه و زوب مفتی
اوله حق ایثس اوازه سنی چه قار دیلرد خان اچرک ایکی شخص کستاج آلائی کوشکی اوکندن
چکوب خنکار حضر تلری بالذات قفسدن کورمکه حریفلوی طوتد یروب قتل مراد
ایتد کارنده بر مقرر دکنک ایلده تعزیر دندمکره عفو اولندیلرود خانه یساع ایدوب بعد الیوم
خان ایچن اخذ و سیاست اولنوردیومنادیلرند ایتدردیلر احرار ذی الحجه نك اون سکنرچی
چهارشنبه کیجه سی باذن الله تعالی اسیر خانندن نار ظاهر اولوب روز کار غایت شدید اولغله
طاووق بازاری و جمیع بازارستانک اطراف محترق اولوب کورچی پاشا سرائی والد جمائی والچی
خان بالجهل محود پاشا چار شوسی تاپیک خانه یه وارنجه و مرجان جامعی اطراف کیدوب اسکی
مصرای دیواری سلطان بایرید جامعی دیوارندن یور یوروب عور غو چیلردن قالیباچیلردن مصطفی
پاشا تربیه سی اطرافندن والد حمامنه و شاه قوی مدرسه سنه کنججه صد فکار یار پارتوسی
جهله یانوب کدک پاشایه یور یوروب کیجه دن صیاحه و صیاحدن اخشامه دك حائل اولنه میوب
قدرغه لیما نه وارنجه احرار عظیم اولدی زایچه تقویم برج انتهار اربع قران برج حمل و رابع
طالع سال بولوب مرغ و زهره انده محترق و سال قرانده موعج مرغ بولنان برج جدی که
توبیل برج انتهار طالع بولوب مشتری انده مقابله دخل ایلده مخوس اوله سی دلائل عجیبه دن
اولوب خصوصاً صاحب بیت خسوف سوالی که عطار درمادی عشره ده که خانه عقر بدر
یویله بولنق مؤید دلائل ایدی و بوعید شریف اثنا سنه مفتی مشورت انجون حضور همایینه
دعوت اولنوب وزیر و صدرین جم اولمشلرایدی نتیجه مشاوره مال پیدا سنه متعلق اولغله
آثار مشورتدن محمدی محمد افندی که خواجه کلندن و زمره اماندن ایدی یدی قله یه کدندر ملک
نظم و ریایدی و سیواس پاشاسی نکه لوپاشانک شکائی اولغین سیواس طاووقی پاشایه
ویریاوب نکه لونک احضارینه آدم کندی سلسله منلانک بودغه ایتدیکی سلسله کیجه که
ایکجی زاده لر سلیمانیه دن قدسه قالدروب سلیمانیه ده کور قاسم زاده نوحی زاده عشاقی زاده باقی
زاده بر ایندن اسبق علی الترتیب مستحق و اراکن برینه ویرمیوب عبد الرحیم کوچک اوغلی
خاصه کیجه مدرسی جامی یه ویرمشیدی کذلک عوفیه یی پشمقچی زاده افندی یه ویروب
برینه موزع احمد افندی یی برلشدردی کذلک قوجه و لیجان مرحوم اولغله مدرسه سین دائما
کند ولری ذم و قدح ایلدر طرب المسمان اولان کامران زاده یه اسکات ملا حظه سیله ویردی
طوغانچی باشی یوسف اغا قبه و رازی ایلده احرار اولوب شرف مصاهرت ایلدیکی
ذکر اولمشد رویه غار حصارنده محافظه ده اولان خاصه کی محمد پاشایه مصر احسان اولنوب سلفی
خادم عبد الرحمن پاشایه بحاله آستانه یه کله سن دیوار کوندردی زیر اوزر اعظم ترخونچی پاشا
مصدر دن عزل اولنوب عبد الرحمن پاشا مصره وارد قله احمد پاشانک ماملکن الوپ جور عظیم
ایتشد راول سبیدن دروننده عقد قلوب حالا عبد الرحمن پاشای اعدام قصیدله آستانه یه
دعوت ایلدی تنه کم تفصیلی کاسه کدر وقایع سنه ثاب و ستین والف محرم الحرام اثنا سنه
ستوج ایدن احوال دندر که بوستانچی باشی صمه مبتلا اولغله دیار بکر ایالتی ایلده چقوب
برینه بوستانچیلر کتخداسی نصب اولندی ویدی قله یه حبس اولنان بولوی محمد افندی نك

محاسبه سی کور ملک فران اولنوب دفتر دارک منزله کوندردی صاری علی افندی و بعض
محاسبه حسابیه پاشایوب اخشام ایرشیمکه طاعلده قلندر باش باقی قوی دخی منزله کتشی
بولنغله محمد افندی دخی اتیه بنوب منزله کلوب مختفی اولدی دفتر داراعلا میله خانه سنی
مهرلدیلر و بعض محرملوی یدیلده وزیر عر ضحال ایدوب دولته و حسابیه راضی لکن بکاقدیدن
هداوتی اولان صاری علی اوزریمه تسلیط اولنوب غیر بر اهل حق محاسب تعیین
نیورلسون دیو اظهار قظم ایتشی ایدی محمد افندی مالدار آدم اولغله طمع مبنی سکوت
معامله سن ایتدیله احوال شمالیه بوماه ایچنک مفتی یه قزاق خطمانندن مکتوب کادی
گتورن شخص شویله تحقیق ایلدی که خطمانله تنهاسویاشدم اذدرونن بکا کشف ایلدی
مقدما قاسم پاشاده ساکن ترسانه رؤسالرندن برینک اسیری ایش یاراروتوانا
و عقالو قزاق اولغین فرصت بولوب ولایتنه بر قاج اسیر دخی ایلردوب فرار ایلش اصلنده
دخی بریوک خنزیرک صلبندن ایش برار لفی حسبیله وارنق خطمان اولش لکن
بروده اسیر لکی حالده اسلامه گمش و محبت دین محمدی قلمبند جاییکیر اولش بولنغله
دین و دولت طرفنه عرض خلوص اوزن بیل باغلیوب لکن باشتنه مجتم اولان ملا عین
قوتیله برخدمت وجوده کتوریم دیو اسلامنی انلوه بیلدر میوب تقید ایلده قزاق زمره سنی
استخدام ایدرمش بعد احوالی خانه بیلدر یروب کورشد کارنده خان اعتماد ایتما مکتی
نماز مغربی خان ایلده ادا ایدوب قرآن عظیم الشان تلاوت ایتمکه خان دخی اعتماد ایتشی
هکره توابی اولان قزاق مزبورک اسلامنی طویوب اوزرینه خروج ایدوب قلمنه
قصید ایتد کارنده هزار حیلله ایلده الایوب زغلونجه عین ایدوب و کند وله
مخصوص بر کلیسا بنا ایدوب معتقد اولان آیین باطله مشارکت و اعتماد ایتدیره جک
خصوص صله مسارعت ایتمکه قزاقلری کرکی کبی اینک اندر مش و حریفه نتیجه
سپارش و مکتوبنک مفهومی بوکدا لا اوجیوز بیک قدر قزاقه مالک اولوب پادشاه
اسلامک قوللوغنه بیل باغلامش همان بکا خد مت یور سونلر جان و باشله سعی
ایدرم دیش و قاصد مزبور شویله تبلیغ پیام ایتشکه خطمانک اوغلو که حالا افلاق
ویوده سنه داماد اولمشد رقرق بیک تفنک اندازه مالکدر و چون مقدما افلاق بیکلرندن
برینک قزی آستانه سعادتده رهن ایدی افلاق بیکی قزی طلب ایدوب مال عرض
ایتد که اعد الیه سبب اتحاد اولوردیوم ساعده اولنوب حتی هزار پاره احمد پاشا حرص مال
ایله بونجه نازستانلو با صغی و اهل سوق و اغنیادن غصب مال و اشیا آلفی تجوز ایتشیمکن
ینه افلاقدن مال آلوب قزی کوندرمکی روا کورمه مش ایدی کذلک مولوی محمد پاشایه زمان
وزارتده قتی چوق مال عرض ایتدیله قبول ایتمشیدی بعد مراد پاشا وزیر اولد قله افلاق
ویوده ده سی کیسه لر عرض ایدوب قزی اسنوب مراد پاشانک مستشاری بکتاش اغا وافر
مال باطل ییوب قزی کوندرد کمری مقدما ذکر اولمشیدی وارد قله قزی خطمان اوغله
ویروب افلاق ایلده قزاق مختدا اولغله اگر افلاق ویوده سی و اگر خطمان بکتاشدن ممنون
اولوب دلتا عیدیه لری کلوب مکتوب باشلردیکه کوپا بکتاش اول ملا عینک قیو کتخداسی اولق

صورتش باغش ایدی حالا بومکتونی کتورن شصت و شش اشعار ایندی که خطمان دولت علیه نیک
خدمت و عبودیتنه بیل باغش اینک بکتاش اغلک قتلن ایشتمد که بچسور اولوب طلب
وارد و اسنله اولدی یغنی تلمیج ایلدی و بوندن مقدحجه تا تارخانه میر علم احمد اغا ایله قایچ قفتان
گوندلشیدی بو آماده احمد اغا کلوب شویله حکایت ایلدی که قایچ و قفتانی خلتک نظرینه
ایلتد که قوت و شمشک صول یکن کیوب صاغ یکن یقه سیله منکبندن و ساده اوزن براتش
او توردی هر کتر قیام و التفات ایتیموب قوت و شش اموزینه بیله آلیوب روی نعظیم و التفات
گوسترمدی قایچی اوکنه قودق باقدی و بزه خطاب ایدوب بنم قلعده ایکی متعین کافر اسیر لم
وار ایدی قلعده دن قاجوب سفینه لیه استانبوله واروب غلطه ده مختفی اولد قلدن و کلا و دولت
خبرین آلوب طو توب شومقدار کیسه یه کفار بیع و اطلاق ایتدی یرووضع مناسبیدر که
اسیر لرنم ملکم اوله صا توب انچه سن انرا لالر خصوصاً بنمجه متعین میرالرم کافرده طو تساق
اولوب اول ایکی اسیر ایله ایکیوز متعین مسلمان اسیر لکن تخلیص ایچون کافرله خبرلشش
ایدم حالا بونه وضعیتر که ایتدی لرنم و دستاغیز و خد مقرر و قدر منم یانمک لازم ایکن بزه غدر
واها تنک معیاسی ند ر بن قز اغی منع ایتسم قزاق عالمی خراب ایدردی دیو یقینه
پش اون شیقه ایله بر قاج مردار کافر چیقوب یالیلرده بونجه فساد ایتدی حقلندن کلکه
قادر اولدی لرنی یابن بونری ضبط ایتسم اوج درو و تیوز ستایقه لقره دکره چیقسه ل حالری
نجه او لوردی که عد و لری بی نه بایه طائفه در ایددی البته بنم اول اسیر لم که صا نلشد
کفر و دوب بکا کوند رسونلر دیککه ختم کلام ایدی و معذور اولسون حاضرده اسیر یزیر لیمغله
بود فقه پادشاهه جواری تدارک اولندی دیوب انحق احمد اغایه بنش الی قزاق باغشلیوب
هنا ب ایله کبر و کوندردی مزبور احمد اغا ایدیکه قلدرون نام محله انجن ایدوب قزاق
و افلاق کندویه رام اولد و غندن ماعد اما لا کلام ایکیوز زیلک تا تار کندویه فرمان بردو
خصوصاً جمیع زمانه خانلره انقیاد ایتین قالموق طائفه سندن قرق الی یکندن زیاده
شیاطینی برو طونه حوالیسنده کوروب رعایت اوزن در اورغون و تاراج استین لوندات
خبر اطرافدن در نکنه الحاقده درو بوغدان و نی انجیمه سن دیو استانه دن واران اوامره
اعتبار ایتیموب بغدادی اورمق سود اسنله اولد غین اشعار ایدوب طونه مخمد اولور سه
مشرو خطر احتمالدر خصوصاً اسیر لر خصوصاً صنی دفعاتله سیارش و تنبیه ایلدی خلتک
خاطر مانده اولدوغی اسیر لراحوالی بو که صقالبه ملک زاده لرندن ایکی اسیر تا تار ایله
جنگ اثنا سنده کر فنار اولوب خان بوا سیر لری سوا حل قلا هتک برنده چیس ایدر
و کفارده اسیر اولان میر زاو غیری دن وافر مسلمان ایله استبدال ایتک اوزن خبرلشملر
بو اشناده مجد رئیس نام یکچیری اول قلعده لیماتده سفینه سیله یا توردن حیلله ایله
او غور لیوب سفینه سیله استانبوله کتوردی یکندن کار د اتان دولت اکاه اولد قلد در غمانده
بزول ایدن کفار اچیس اریله کوروب وزیر ترخونچی یه انعهده علی الراوی ایکیوز کیسه و یروب
مابینده اولدره دخی و افر اچه بزل و خفیه اطلاق ایتملر بغضیلری دیر که اول رئیس
و افر اچه اقرار ایله اسیر لری او غور لیوب کتورمک عن اصل اول اچینک شیطنی ایدی

طویلده اولمقدار مال بزل ایتمکه و کلایی اسکات ایلدی اسیرلر قاجوب بغداد نه
وارد قلد بغداد بیکی خاندن خوفا اسیرلر بوجانبه کادیکی خبر الندی دیو خانه مکتوب
یازوب خان دخی یوللری سد ایتد که ینه بغداد بیکی حیلله ایله اسیر لرم مجاهله نه یول
و یرمش اما اول اسیر لرنم سدر اه ایدن تا تار لرم شکار اولور لرنلر دخی بونلر بزم شکار یز
دیو هجوم و بینلرینه اختلا ل دوشمکین خان منکدر اولوب و کلا و دولتده اوت ایتد و کنه
سبب یو ایش و دولتدن واران احمد اغا نظرمه کلد که قتل ایدیم دیو عهد ایشش اما خان
قیو کتخداسی جمشید چاوش مقدحجه خانه مکتوب کوندروب نه دعوا کتر و اریسه مانع
دکدر دولت ایله مابینکتر توفیق اولنور لکن ایلیچی یه زوال یوقدر واران آدمه بر ضرر فکرند
اولمه سزدیمش و خانک حرکاتی بویه در دیو دولتیه بیلدر مشیمکین و زرا و و کلا نه جواب کتوردک
دیو احمد اغایه سوال ایتلری اغریدر ماه محرم حواد شد ندر معزول دارالسعاده اغاستک
چراغی یقلی محمد فوت اولوب سنجاغی آخره ویرلدی و بروسه دن معزول اورمق
مصطفی افندی دخی فوت اولدی قییل و فائده قره چلبی زاده محمد افندیک خانه سنه
وارمش که لا حرمینده مجاور ایکن فوت اولان تقیب خواجه زاده عثمان افندی دن ورثه سنه
منتقل منزلدر محود افندی یه سلطام با نچه کزی سیر ایدلم دیش اولدخی مزبوری
با نچه یه کتوردوب تماشا و مصطفی افندی مزاجه مائل اولعین بهی سلطام با نچه کزاورمان
اولش دیدک محود افندی اوت بزه سزی اورمان اولد و غیچون کزدردک دیش اناطولی
قاضی عسکری بالی زاده افندی ماه محرم الحرامک یکرمی اوچنده عزل اولمغله ادرنه
قضاسندن شامی نعمان ایچ خلق قوتیله برینه طالب اولد قلد منلا دفعه و بحسب الطریق
کمال افندی زاده ابراهیم افندی یه ویرلدی علوفه سلخ مرمندن چیمقدی باعث تأخیر
قلت مبلغ ایدی بالاخره پید اولن ان التیوز کیسه انچه یه وزیر اعظم یه زالی کیسه ختم
ایدوب ویرلدی دفتر دار سوزن ان پاشا اسحق صال طیارانه ید طولی کوستروب خصوصاً
شمع خانه اماتش مارتدن مقدم برآی اچره محود چاوشدن قلدروب دولت اوغلی نام بر مفلس
وراشی ارمنیدن اون بش کیسه الوب اکا ویردی ارمنینک باشنده الچه مفیدیل یانه باقی
قوللری قوشوب او توردوب محود چاوش دخی وزیر و واروب فریاد ایتد که فرمانده بقا و بعد
دفتر دارانی دخی حقلیوب و برهفته دنصکره ارمنی قیو طول و لا شمله تکرار الوب وزیر لیدیسی
الغا اولندی بوکشا کشد نصکره ارمنی ضبط ایلدی اما قهوه و شمع و سکر استین سلاطین
عصمت پناه بالته جیلری کلوب تعیینات طلب ایتد که ارمنی تدارکندن عجز کوسترمکین بالته
جیلر ارمنی بی دو کوب قاجر دقلرنده علی بیلک نام حریف پیشین ایله الوب او توردی بومقوله
حیلله که طولاندر جیلر کاید مال پیداسی سودا سیله بد نام اولدی کذلک طله دن قیو چی
باشی طو فقی عمر که سابقا بو ستانچی ایدی و ظالم یوسف که مور و بعض روم ایلته محصل نامنه
کزوب مقدم مابعد الصمدان سیماوش پاشا و مابل والیسی ایکن ایکسینی دخی عرض ایدوب
احضار لرنه امر صادر اولمشیمکین دفتر دار وزیر نه اشلسن یا صکره بزه مال کیم کتوردیمکه
منع و سیماوش پاشا سلسله یه نقل اولمشیدی حالا طو فاق کلوب مظالمه بناء حبس

او تمشیکن او توبش کیسه و یروب یوزه تکمیلنه متعهد اولوب دفتر دار حمله سیله
اطلاق اولندی صفر غره سنه طوقاق عمرک بشیوزدن متجاوز شاکیری کلوب وزیر
شکایت ایتد کندن مایینکر اصلاح اولنوردی دفع صد دنده اولدی طوقاق ایسه حقلموب
اطلاق اولند قد نصیحه دفتر دارو بوستنجیلره استناد اشاکیری اسکات وارضایه
تقید ایتدی یکندن ماعد انکمیلنه متعهد اولدوغی کیسه لری ویرمیوب ینه محصله
کوندرک کتورن دیو ملعون نکرار تخریب بلاد امنیه سنه دوشمش ایدی شاکیری مایوس
اولغین پادشاه رفیع رقععه ایتد کندن پادشاه فقرا یه ترجایلا سوال قتل ایلدی ملعونک
شرندن عباد اللهی تخلص ایتکله نجه دعار الکیلر جوری چلبی ع داد سیغز ایلدی توققه
اول امتحان دیو تارنج دیدی لکن ظالم مزبور بخاذه اخذ و قتل اولغله بش التیوز کیسه دن
متجاوز کیسه سی امانت قودینی دوستلرند ضایع اولوب مترلند نقودی یولمادی
انک مالی ایله جوق آدم مکنت صاحبی اولدی معقول حیاته ما ملکی آلتوب قتل
اولتی ایدی بر جمعه کون مفتی بهایی افندی جوارنده اولان مدرسه ده وضع منبر ایدوب
جمعه قیلندی شیخ ابراهیم اقسرای نکیه سنه مذاکره اولند قد جوری حاضر ایدی ع
صلوة جمعه قیلندی بو کون بوجامعه دیو بدیعی سویلیوب حساب اولند قد تمام
تارنج دوشمکه بر قاج بیت یا یوب منلایه ویردی ملا پسند ایدوب حاضر بندن بعض
حاسد قیلندی لفظی یاسز اولیدی کوزل تارنج ایدی دیو دخل ایتد کندن منلا اصل املا
یا ایله اولدیغنی بلیو رسر دیو اول حاسدی تحجیل ایتمشلر مصر دن اون اوج کونده منزل
ایله اولاق کلوب عبدالرحمن پاشا مصر دن معزولا چیقد قد یرینه وارن محمدا پاشا
حدود شامه خسته لموب مصره محمدا یر شمه کله جر جملگی مشهور علی بیگ
ایکیوز قدر جریم ایله نیلدن کلوب مصری ضبط ایلد و کتی خبر ویردی آمدن
ایاچی و ندیک مقدم کورچی پاشا وزیر ایکن انکله بالیوزی توسط صلح ایدوب انک
استصوابی ایله کورچی پاشا و ندیکدن ایایی طلب ایتشیدی حالا طقسان یاشنده
باشی واللری رعشه ناک بر کافر حیلله ناک ایایی اولمق اوزن صفرک اون طقوزنده کلوب
غلطه یه قوندرلدی کلا منک مالی دعوتنر ایله کلدک هر سنه قند یه دن یکر می
بیگ غرش جزیه نامنه ویریلوب درتوز بیگ غروش دخی و نئاخرچی کوندر یابوب صلح
اولم طرفین آسوده حال اولسون دیکله کلامندن رایحه مکر و حیلله و نعویق استشمام
اولغین وجود ویریلوب الله بر طموز ویریلوب ادرنه یه کوندرلدی تعقیبا آدم کوندر یابوب
ادرنه ده حبس اولندی و صفرک اون طقوزنجی اثنین کونی ایدی خلال بهارده زلزله
یسیر اولدی و پواتنده حیدود استقیاسی بشکطاشده برخانه باصوب صاحبی قتل
واموالنی غارت ایتدی لری بکچری اغاسی قارشو یکوب تقید ایله بش التیستی طوتدی لار
بر مقدراری بار کیر جمال لری ارمنی ملعون لری وایکیسی یدی قله ده قصاب کافر لردن ایش
رفقاسنی سویدوب اله کیرنرک حقلمدن کلندی وقعه ابطال شرع طریقه بوندن اقدم
قاضی زاده لیلر سیواسی اتباعنه عداوت اوزن اولوب اراننه تعصبندن ناشی نزاع جد اول

اکسک اولیوب اگر ادعایا سفندن منلا محمد نام کورد بودیان کلد کده تحصیل معاش ایچون
والد کتخداسی ارسلان اغایه انساب وانک قوتیله بعض وظیفه ره دسترس بولغله
سایمانیه ده در سعام اولمشیدی مزبور ارسلان اغانک دنیا مصاحتی ایچون خلوتی شیخ لریله
اختلاطی اولغله کورد دخی ولی نعمتی مناسبتیه مشایخ طریق ایله اشناق ایدوب دائما
انرا یله قونشوردی سیواسی خلفا سفندن عبدالاحد افندی نکیه و مرید واحدا صاحبی
عمرک شیخ صاحت استهاری اولغله دعوی تعصبه اولان قاضی زاده لیلرک اعتراضاتی
دفعه و سماع و دورک تجویزی بانبه رسائل یازمش ایش برکلی محمد افندی نیک تالیفی اولان
طریقت مجدیله که اکثر قاضی زاده لیلر او قیوب و او قودرلدی و عبدالاحد افندی اول کتابی
ترتیب مراد ایدوب طریقت لری اولان او قور یازار کسه ره اول خصوصی تکلیف و اول زمره دن
بری کتاب مزبور ک حدیث لری تخریج طریقیله ترتیب قیدنه دوشوب فنی دکل ایکن عظیم
دغدغه یه او غرادی مزبور کورد دخی شیخک سوق و رغیبه بقاء شرح شکله کتاب مزبوری
رد و جرح ایتک قصد ایتدی و طریقت کتابنده اولان احادیث ضعیفه فی بیان و بعض موضعنه
دخل و تعرضی مشتمل بر رساله یازوب عرض معلومات ایچون مناسبت ایله الرحمن علی العرش
استوی آیه کرمیه سنک تفسیر ینه متعلق بعض مباحثه درج ایدوب اصحاب کشف
و شهودک مزاقنه دائر نیجه تحقیقات و عاھر انا و یله محتاج تدقیقات بسط و تخریر ایتدی
کذلک محمد اغا جامعی امامی تاتار امامک بین العلماء خلی بضاعه و فضل ایله معروف ایدی شیخ
عبدالاحدک احباس سفندن اولغله اولدخی طریقت کتابنده اولان احادیث موضوعه فی چیقاروب
طریقه شرح شکله ترتیبی متضمن باستفاده کتاب یازوب ابوسعید افندی عزل اولنزدن
اول کتوروب عرض ایتشیدی مورخ و المجلسه ایش اتفاقیات غریبه دن عصمتی افندی که
برکلی زاده در اول محل منلانی زیارتیه کلمه شیخ الاسلام تراکت ایدوب تاتار امامک کتابی عهتی یه
صوتی اولدخی نادانسته کتابی آچوب جمله دن ان العجب لیفسد العمل کایفسد المالح العسل
حدیثی کلور معناسن تحقیقندن صکره سلطانه بو حدیث موضوع اولمق اوزن یازمشلر
دید کندن منلا حضور تلری هله دخی نظرایدک بلکه موضوع اولدیغی بو کتابنده دخی مذکور اولمق
گر کوردیدی عصمتی اشاغی طوغری نظرایدوب کتاب باجمله طریقتک احادیثی ضعیف
اولدوغنی بیان و مباحثی ترتیب قصص یله تالیف اولندوغنی بیلوب نوع بحالت غضب
آمین ایله کتابی قیایوب منلا نک او کمنه قویوب ساکت او تورد قد ابوسعید افندی خنده
تراکت ایتمشلر خلوتیه مشایخ و ارباب طریقه اولان او قور یازار قسمی بو کتابی و کورد منلا نک
رساله سنی مکرر یازوب نسخه لری خلقه نشر ایتدی لری که رک بونسخه لر مشهور قاضی زاده لی
زمره سفندن محاف عوض و دلو احمد اوغلی و بعض بوالفضل و اغطال الله دوشوب جمله سی
بریره کلوب اراننده اهل علم اولنره عرض ایتدی لری اسطوفی و سائر لری بونسخه لری مطالعه
ایدوب ایتد کورد منلا فقیرک رساله سنه استوی علی العرش تفسیر نه تجسیم اشعار
ایدر بعض سوزلر بولوب بوسوز لرا اهل سنت عقاید نه مخالفدر بونی یازان قتل اولتی
گر کوردیو غوغا قالدروب اندرون همایین خلقندن او قور یازار نامه کندن و لر معتمد کسه ره

بلدروب وخواجهریحسان اغایه و امثالنه اعلام ماجری ایتد کارندن صکره مفتی ایلیه کروه
ایله واردیلر البته منلا محمد رساله سی اللرنه بحث و مناقشه ایدوب بر حریف جناب حق
حل شاننه ایچون مکان اثبات ایدنه چون قتلنه مسامحه بیورر سرقتلی واجب اولمشدر البته
قتلنه قنوی ویرک دپه لیه لم دیه ریحان اغا و امثالی عونه لرندن دخی منلایه تذکره لرکوب
ایرام اولنغین منلا حسن مدافعه صورتل معامله وروی مسامحه کوسر توب ظاهر شرعه مصادم
ثاویله محتاج مباحثه جرأت ایدن تأدیب اولنق کرکدر قتل نفس نامعقولدر نفی ایدلم
دیو بونلری ارضا ایلدی کورد بیحان خوفندن محتفی اولدی جمعیت طاغلد قد نصکره
کورد رساله سنی قویینه قویوب منلایه واروب ان اوپوب سلطان بن بوسر ساله ده ذکر اولنان
آیت کریمه نك تفسیر نه یازدیغیم تحقیقات تفسیر کبیردن و امام فخر و غزالی و راغب و نجم
وانك امثالی کبارك سوزلرندن قلم ندن ایجاب ایتدی دیدکده منلای عارف کمال حل ایله
عتاب ایدوب بهی منلا آیت قرآنییه دن تفسیرینه شروع ایدجک برآیت کریمه و برمیخت
سایه بوله مدکی که منشیام ایدن اولان مشکلات قرآنییه تصدی ایلدک بلی بوسوزلی
کبار سویلوب کتابلرنه درج ایتیشلر درلکن مزایای کشف و شهوده مبنی اولان تحقیقات
غامضه که ارباب حال مذ اقلنه دائر در احباب فکر و نظر اولان اهل ظاهریننه شیوع
یولوب موضوع بحث اولق جائز دکلدر نچون لا کل مایلم یقال نصیحتی ایله عامل اولیوب
لکل مقام مقال و لکل مبحث رجال ادبیله مؤدب اولنر سن دیدکده بیحان منلا محمد جرمنه
اعتراف ایله رجای عقو و الطاف ایتد کده جناب منلا تطف یوزندن بو حریفلر شرفندن
برقاج کون وار بر طرفه کیت دیو بیوروب حریف خرج راهندن عاجزم دیدکده منلای کریمی
فلوری ووب دارا لاعترا ف ستر الله مضمونه عمل ایت دیمکله فقیر کورد ترک دیار ایدوب
وظایف و جهاتی آخره توجیه اولندی بیحان بی بورطه یه القا ایدنلرک فن قدر فائده سی
اولدی خلقک کلامنه مغرور اولوب کشی حدندن زیاده امر مخطوون جرأت ایتک فنی الحق
ایشدر چون قاضی زاده لور کوردی قاچروب غالب کلمکله دلکرم اولمشلریدی نکرار منلایه
کلوب طریقت محدییه احادیثه موضوع در دین و مباحثی تزییف ایدن تاتار امام دخی قتل
اولنق کرکدر دیو جمعیت ایله ابرام ایتد کارنه ملازکت ایدوب تألیفی کور لم موجب
قتل و بیاعت تأدیب اوله حق بر سوزی وار میدردیدی نچه قیل و قال نصکره طاغلد قلرند
تاتار امام منلایه واروب سلطان قاضی زاده خلفاسی افندی تصدیع ایتیشلر کرمطلقا
انلرک اراده سیمله قتل لازم کورسه امر حقیق والا بن کورد منلا دکل که اختف و فرار ایدم
اول موضوعات بیانی مشتمل کتب احادیث بنده حاضر در اول جامع سلطان محمد کلوب
پوینده بی الزام ایتسونلر بنده امر شرعه راضی یوز دیوب دخی منزله واروب بر قاطره کتب
احادیث و اول فقه متعلق نسخه لر یوکلدوب جامع سلطان محمد کلوب استه میدان دیوافر
اوتوردی و او قور یازار قسمندن وافر سیرجی جمع اولوب حریفله خبر کوندردی لکن اقتضاج
خوفندن باش کوسر مد یلر اول متعصبانه من عند الله خیل کسر حاصل اولدی اما کاتب
چلبی قونجه چون قاضی زاده ایملر آشکان بحث و نزاعه شروع ایدمد یلر که احادیثک ضعیفی

بوت بولغله کتاب طریقت تزییف اولق اقتضایدر پس حرم همایون طرفنه مراجعت
ایدوب برکلی کی صالح و مقدرین فاضلک اثری پادشاهنرک زماننده تزییف اولق خصوصاً
صلاح و تقوی ده و علم و زکاده برکینک شاکردی رتبه سننه اولمیان بر امامک سوزله اولیله
اهل حال دولتلونک تألیفی مدخول اولق علامت خیر دکلدر و طو تالم نقل ایتدیکی احادیث
پیننده ضعیف و موضوع واریش تحسین اخلاق و تشویش عبارات ایچون اول مقوله
احادیث لاجل الترغیب والترهیب ایراد اولنمده باس یوقدر پادشاه حاضر نرینه لازم
وواجبدر که اول کتاب مستطانی عبار طعن و تعریضدن پاک ایتمکله ناموس شرع شریعی
صیانت و عرض علما و صالحای طعان حدید اللسان اولان معتز ضلردن حمایت ایلیه دیو
بوکه بکتر نچمه سوز لر سوزیلر بالآخره طرف سلطنتدن بهایی افندی یه شرح مزبورک
ابطالی ایچون اشارت علیه وارد اولدقه ماه صفرک اون برنجی کونی عقد مجلس عظیم
اولنوب وجوه علمادن برقاج کسنه و شارح مزبور حضور منلایه کلوب شرح مزبورده اولان
اعتراضات مردود اولق اوزن بحثلر اولندی اوزرینه ابطال امضالرن یازدیلر بعد الیوم
کبار اسلافک تألیفات و آثارینه دخل و اطاله لسان تیممک اوزن تاتار امامه تنبیه اید
و بومقوله بی ادبکله بردخی جرأت ایدر سه حقندن کلنکی مشعر و عید ایله تشنید ایتدیله
برکلی مرحومک صلاح و خلوصی برکاتی غالب کلوب شرح مزبور مجروح اولدی فائده
کبار سلف دیشلر در که امور دینییه و مباحث علمییه ده کتب و رسائل تألیف ایتک بلکه خلقه
بر فائده مهمه ییلدیروب سوز دکلک صلاح و تقوی ایله معروف و دیانت و استقامتله
موصوف اختیار صدقته کارک ایشیدر علیه عامل ایدوکی مشهور آفاق اولمیان شخص
فاضل حدادتنده سلفه کلان مفسرینک اکثرینه متفوق و تألیفی صحیح و کلامی صادق
اولور سه ده خلق اکا چندا اعتبار ایتیوب کلامنه وجود و برمز لر زیر خذ العلم عن تراه
یعمل به بیورلش در علم سز علم روح سز جسد کبیر علم شریف ایله عمل ایسه ابتداسی
الله تعالیدن هر حاله خشیت و زهد و تقوی اوزن حرکتدر بوصفات مدوحه ایله متصف
اولمین منحصین دنیا فضا یلنده یکانه عصر ایسه ده تألیف شهرت بولسون و معتبر
اولوب کلوب ناسه سوزم تأثیر اینسون ادعاسننه اولق محالدر و نتیجه سی نزاع وجداله
مؤدیر بومقوله لر حقندن صائب نه کوزل دیشدر بیت سکه خاصان نداری معرفت
کم خرج کن فتنه هادارد بنام پادشاهان زرزندن خلاصه کلام خلقک قلوبی جواهر
علویه قسمندن لطایف قدسیه در حضرت واجب الوجود جل شاننه ایله معامله خلوصی
اولمیان کسنه لرک کلامنه جواهر نایاب مقوله سی ایسه ده رغبت طبیعی ایله مجذب
اولنلر اثر طمع و حماقت بواشاده بر شخص دیوانه کلوب دیار بکرده بر عظیم دقینه واردر
یوقدر زماندر حکام استغراج واکل و بلع ایدر لر دیو عرض مرام ایتدکده ضدقی احتماله
قیو جیلر کتخداسی دیار بکره کوندریلوب برشی ظمور ایلوب شخص مزبورک عقلمنه
خفت اولدوغندن غفلته هواله اولندی بوندن اقدام مراد پاشا زماننده دخی بر عورت
کلوب چقور بوستان دیوانه بر دقینه واردر کیجه ایله موملر و بعضی شعله لر کورینور

ویمکه آدمو تعیین اولنوب کار کیر دیوار هزار تعب ایله بر مقدر ای یقلوب اثری ظاهر
اولمغله اترطمع و حقاقت ظهور ایلیدی مزبور عورت مولوی قوجه محمد پاشایه دخی
گلش ایلی عرض ایلدیکه وجود ویرمش ایلی بومقوله اشیا دن خبر ویرنره وار چیقار
صنک اولسون دیمک یاک ایکن آدم تعیین ایتک ویموده یره تعب چکوب تشهر اولقی
نامنا سیدرماه صفر و اخرنده سعادتو پادشاه اوق ایله بر قری بی اوروب اشاعت آتار
مقدمات جلادت و زور بازوی قوت ایچون وزیر اعظمه کوندر دکرند رسائنده یره
بخشیش فراوان و حضور همایونه عظیم پیشکشلر تقدیم ایتدیله بومقوله تیا شینجابت
سلطین باند منقبت سیاقه بلعای عصر موجه تاریخی و مناسب قصیده لیسو یلمکه
هیوان ثنای پادشاهی آثار بلاغت ایله توشیح و نظم بلیغله مهج شجاعت و سماجت و اخلاق
جمیده که بهر حال لازمه ذات سلطیندر تلخ معتاد قدیم اولمغله سلطین ماضیه
فضل و شعر السانندن کلچین ریا حین مدایج اوله کلسلر یکن قرناء اندونی غواچه ریحان
اغواغیری بومعیندن تحاشی ایدوب نبردان و حلوا حیان و خدام اصطبل خاصه
مقوله اردن نکرله ویش سو یلمکه قادر بعض شاعر لینه بو باده دیش رشمجه
اگرچه وزن ندارد ولیک بمعنیست و فقهجه کلام مقفاسو یلدوب عرض همایونه
ایر کوروب قائل بی طائنه جائزه تاریخ نامه وافر بخشیش الیور دیلر حتی خاص
اولمغله اغا اردن بعض قانن شناس عقلای غلمان بمعنی به اعتراض ایدوب مناسب
اولان اجداد کرامتری کی فضیله دهر دن بو با به التماس تاریخ ایدوکن اشعار ایتدیکه
پادشاه معصومی کندی محررینه تخصیص ایدن قرناء بیرونلری مقارن پادشاه
ایتمکدن وکلا ملزندن اشنا ایتمکدن بوجه اولی و اخری در دیو جواب ویرمشو
حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه بیور مشردر که المعرفه اناس بها و یصواب العدل
وضع قانون سلطنتدن مراد عدل و عدالت اولوب عدالت ایسمه معرفت احوال ناسه
مورفون ایدکی مقرا و لغین شاید عالمه ادم کی اولم و سوز دیه جک سوزوار ایدوکن یللوب
فضلا و علمایه رغبت بیور مغله و تبه قرناء محط اوله دیو خوفلرندن اول ذات ملک
صفاتی بو و حله حجر و دولت مقارن کنی دور حصر ایتیشلری ریم اول خلایق
مقدما حایه اغا لغندن کلوب کچه جی اوغلی خاصکی محمد اغا یره که سو اخلاق ایله
یقداد دن مطرودا کلان احمد اغا حقنه امر کوندر یلوب حنقاقتل اولنوب یرینه قره
حسن اوغلار ینک کوچکی مصطفی اغا نصب اولندی وینه بوماه اچنده بکچری اغاسی
سایمان پاشا دن امداد میری نامه یه زالی کیسه طلب اولنوب ویرمکن عزل اولنوب
یرینه اچ و دن خاص او طه دن مصطفی اغا بکچری اغاسی اولدی وقوع شقاق در میان
وزیر طر خوبی احمد پاشا و قیودان درویش محمد پاشا حضور همایونه نکره بر لریله
منازعه و محاور لری کجوب قیودان پاشا ترسانه مهمانی و دوغما الوازی ایچون اچیه ویرلیدی
دیو پادشاهه اعلام و پادشاه دخی وزیر عتاب ایتدیکه وزیر پادشاه اوجا قلقلردن ماعدا
شو مقداری حوالات و شو مقداری تقدیردم لکن کفایت مقداریله قناعت ایتنر

مکر مال میری بی عومالکا تسلیم ایدم دیدیکه حضور همایونه مرافعه اولدیله
صدر اعظم قول اولی تقریر ایتدیکه قیودان پاشا بالوا چیه شو کتلو خنکارم حضور یرنده
یلان سویلنور بکاشو مقدر دن زیاده اچیه ویرمیدی دیچک ویر غصبه کلوب ازار سیاقنده
قیودانه شد تله جواب ویرمچک قیودان پاشا کو کره یوب وزیر سن کیمن و قجن وزیر
اولدک بن فتح بغداددن برووزار تله اوغور همایونه خدمتیم سن بکایه یله دیه جک وزیر
دکلسن دیو متهورانه جواب ویرمشیدی من بعد ییلنور یرینه برودت و خلاف دوستوب
صورتا کوریشور لیدی لکن درونلرند بری یرینک اراقه دمنه فرصت کوزه دیرلیدی قیودان
پاشا دوغما مهماتنه اقدام مفراط ایله تقید ایدوب قضایه ممالکدن کورچی بدلی که مقدما
تقد جم اولمق فرمان اولمغله و غنه بناء قضایه دخی تقود جمع و کتورد کورند قیودان پاشا
تقدودی المیوب البته کورچی دیو تضییق ایتکیکن قضایه کورچی پیداسنده عظیم زحمت
چکوب بر اولقدرا چیه دخی جم ایتمکه کوجیمه مطلوب اولان کورچی بی تدارک ایلدیله زلزله
و خسوف ریم اولالک یکر می بشنده کوز لخصارده بر زلزله عظیمه اولوب بر خطه ده قصبه ناک
اکثر بناسی یقلوب اللهم عافنا نجه سرای و خانه لیره کجوب رجال و نسواندن اوج
یک قدر آدم و صبیان هلاک اولوب بر اولقدردخی مجروح و منکسر اولمش طاملو
التندن چیقاریلوب و نجه بیک حیوانات دخی تلف اولوب مساجد و جوامع و سائر دن
سالم بقالمیوب بوندن صکره قرق کونه دک آهسته زلزله مقدا اولدی با مجاری لریار یلوب
سیما و ملون صولر چیقوب کیر و کسلیدی کویا وجود ارضه خطیئات ابناء ناسوتدن
متر اک اولان دیله رده قوت مرجفه قهریه ایله متفجر اولوب سیلان صدید فاسد ایله
دفع طبیعی وقوع بولوب اول قهار ذوالبطش الشدید عصاة عبادینی کوشمال حکمت
مال ایله تحذیر و تهدید ایلدی اللهم اجرنا من عذابک و احفظنا من قهرک و عقابک
کوز لخصار اعیانک جمله دن استبھی اوینس پاشا زاده نک سرای برجه محلات ایله یره
کجوب سرایک بامامی سطح زمینیه برا بر اولوب سرایک صابی بر قری ایله جان
قور تاروب ماعد اخلقی جمله هلاک اولدی بوزلزله نک شدتی کوز لخصار ده بوجه
اوزن اولوب نیره و نازلی و کوشک و دکرلی و سلطان حصاری و قویو جق و ازینه قضا لرنده
جمیع اخقت اوزن اولمشیکن انلرده ده نیجه ابنیه یقلوب التنده ییجد نفوس هلاک
اولدی طیراق التنده هلاک اولمش اوج بیک قدر انسان چقاریلوب نماز لری قیلمنوب دفن
اولندی بوقضیه در دولتدن مسموع اولدقده دفتر دار طرفندن اول تحت الاروم قلا نکر
بلا وار ثلرینک اموال و استیاستی میری یه قبض ایچون مستقل مباشر تعیین اولندی
انا طولی قاضی عسکری طرفندن دخی قسام طلب اولندقده معقول دکلدر دیو تردد
وبعد ابرام اولمغله اول دخی بر آدم تعیین ایلدی سلسله مدخوله مورخ دیرکه مفتی بهانی
اقتدی خدامنک مغلوب اولد و غنه بوقهر کی احسان دیر سی غمکن اولوب کندولر ایسه
مغفلانه ترفه حالندن خوشنود ویدماع و متنز نازک مزاج و تفریح دماغ و ترویج
قلب و فراغه مائل اولمغله امور ظار جیه ده اعمال فکر دقیق ایله اتعاب عقل ایتیموب

مقرر بزرگ سواق اينديكي امور بلا تأمل وجود و بر رلدي و بواشاده ايه زاده بي حايه
 قضايه موليوت ايله ترفيع ايدوب ريني رحيقيدن يوك سربندي زاده يه كه نشانجي التي
 مر مرد توجيه ايلدي انك رينه قرقدن غلظه سرايي خواجه سي مصطفی افندي اولوب
 بو ترفيع ايله كند و آدمي سي موزع احمد كه مقدمه مامثليه اعتباري ايله خسرو كند آمد رسي
 اولمشيدي رينه داخل اولدي بواشاده اعرج مصطفی افندي و فات ايدوب سخن محلول
 اولمغه بش لحالب بينه منازعه ظهروايتكين كند و لر برندن ريني رحيق ايتيويب يا تراضي يا
 مقارعه يا امتحان ديو بيورديلر بواشاده استانبول قاضي سي سعدي زاده عزل و رحمة الله
 افندي ربيع الاخر نصفه استانبول قاضي سي اولدي نصف ربيع الاخر ده ليله جمعه ده
 صباحه قريب خسوف كلي واقع اولوب بواشاده استانبولك حالي مكدور و خلقك اضطرابي
 مشكل تراولوب اتمك نادرولوب حلك وجودي يوق اسعاردن زياده اچيه رالتمغه هرشي
 زياده بهايه چيقوب اهل سواق ايسه بزدن شو قد رمال الديلر ديه علناسويوب ديلد كاري
 بهايه صا توب برسويور غيدي دخی بچه اسباب و اعانت ايله نفود اچيه نيافت خلقه و ميريه
 ضرورت مقرر اولمغه عالم حيرت ايددي احوال سماليه فرداش قراغي ناميله مشهور اولوب
 الا تاتار خانه متابعت كوستن خطماندن دورت نمر ازق العيون واصفر للون اچيلر كلوب
 خطمان پادشاهك بنده سيدر ره رنه خدمت بيوريلور ايسه دامن درمبلد رافلاق و بعداندن
 قوتي و لشكري زياده ايدكي مقرر در و الاض ايله سفرينه متوجه رالتاس ايدركه كندويه
 طبل و علم و بعدان حد و دندن بر مقدار بيرايالت ناميله برات ايله توجيه واحسان اولنه
 ديواتماس نامه سن كتوروب بر سبت كوني بعد المشا و دورت ايلچي سنده دخی خلعتلر
 كيدر يابوب مأمولنه بوجهله مساعده معقول كوزلد يكه ايلالت ناميله واصلند
 يته كند و مسكني اولان يرلر توجيه اولتوب بغداد ان طبر اغمه تعرض مقول كورلمدي
 بوجهله ايلالت براتي و طبل و علم و بر ملكه تطيب و انجلين ار در هلك انقيادي فوذ عظيم باندی
 و مقدمه اسمعيل توليتني خان كند و اتباعندن رينه و بر ملك رجاسنه عرض ايتد كه توليت
 منزله دار السعاده اغاسي نظار تنده اولمغه حالا دار السعاده اغاسي بيرام اغا بذراندن مراد
 ايلديكي بر كسنه يه و يروب ظلك عرضي شق ايلديكي شايغ اولدي خله منع من اولد قده
 رجاسي قرين قبول اولديغندن خشمه كلوب اسمعيل قاضي سنده بر يليم كه نذرديكه اول
 توليتي نم فلان آدميه ضبط ايتد يروب قزلر اغاسي طرفدن نصب اولدان آدمي طرد
 ايله سن اكر خلافت ايدرسك برودن بالذات چاپوب آند و اروب هم متولي بي هم سني صلب
 ايدرم بلش اوله سن ديش قاضي دخی بر يليمي كند و عرضي اچيه قويوب بالاده مذكور
 خطمانك اچيلر يله كوند رمش ايددي اچيلر خلعت كيوب ايلالت براتي الد قد نصكره عرض ايله
 يرليمي وزيره و بر ديلر وزير دخی كور لم ديوجواب و يروب بر صد اظهروايتدي بواشاده امداد
 ميری و بر ملك ته تيله عزل اولدان پكچري اغاسي سايمان پاشا ندرن همايه بهر اچون
 بشيوز كيسه عرض ايلدي لکن رجلي اولد و غندن مساعده اولندي اغا مرقوم ميريه يوز
 اللی كيسه و بر ملكه اظهار عجز ايدوب وزارت اچون بشيوز كيسه وعدي غويدي روز و برلادن

بقية صمصومي عمر بزل مال ايله ظهور كلوب ملتفت اكار اولدي اكثر يامفي حضر تاريه
 واروب نظر لطفارينه قرين اولوردي احوال اناطولي مقدمه مابشير پاشايه حلب و بازه يه
 تركان ويوده لغی وقونيه لي خادم قزنداشي حسن اغايه دخی يوز اولوس ويده لغی
 وير يابوب دفع قتنه اولمشيدي يوسف نام تركان متعيني آستانه يه كلوب خادم
 قزنداشندن شكابت ايمكله بهانه عد اولنوب سابقا چاوش اوغلي محمد پاشا كنداسي
 رضوان اغا كه حلوه خانه دن چقمه اولمغه اوسته رضوان لقبيله ملقبدر بر قاج كيسه يه
 مالك اولمغه بيشيني انوب رفعتندن اكاوير لدي حتى چاوش اوغلي محمد پاشا كه قبه نشين
 وزراندن وزيره وافر تخذير آمير سوزلر سويوب بوز رضوان نم خدمتكارم ايددي حاوا خانه دن
 صكر و عمل سر قه سيله سرمايه نائل اولمشي برز هر زقوم خيميدن تركاني اكاوير سكر
 فتنه احداثه سبب اولور ديش ايكن اسليموب وير ديلر رضوان دخی اوچيوز قدر آدميله
 متوجه و مسلم شكند كوند رديكي آدم قونيه يه و ارد قده مقدمه مافر مان بكار بيسي قوشجي
 حسن پاشا مر حوم اولمغه ايكي آي مقدم رينه والي اولان چوالجي حسن پاشا كه
 مقتول چلي كند ايمكك خلفه سن الا كسنه در قونيه ده بو انيوب منسلي اند ايش
 رضوانك آدمي سي تركان ضبطنه تصدي ايتد كده خادم قزنداشي قاضي و مسلم واعيان
 جمع ايدوب تركان ويده لغی اوج سنده يه دك كندويه توجيه اولند و غن مشعر خط همايون
 ايرازيدوب رضوانك آدمي سي امر شريف ابرار ايتد كه خط شريفه اعتبار اولنوب رحر يفه
 حق القدوم ركيسه لك آت واشيا باعشليوب ارجاع ايتد كده برو طرفدن رضوان دخی
 صوروب يقشديغی خادم قزنداشي خبر الد قده اور تانجه اوغلي ايله بر مقدار صا روجه
 ربر قدر تركان كوندوب حيله اچيدن مقابله و جنگ اولوب رضوانك يوزاللي قدر آدمي سي
 قريابوب كندوسي زحمدر افرار و كوچله تفر يه دوشوب انده ييكدن متجاوز آدم جمع و احوالي
 آستانه يه اعلام وينه حر ككه اقدام ايلدي خادم قزنداشي دخی مزبه رك جمع رجاله
 اشتعالی اوشند كده ابشير پاشا و بازه يه آدمير اوچر ب پياده و سوار و افرلوند كتر رروب
 تركاندن دخی جمع كتر حاضر ايلدي رضوان اون سكر بيراقي اچوب بهر بير افند يوز نفر وار ايددي
 وقره حصان اوغرا د قده صاريجه لر عا يايه ظلم و خسارت ايدوب قونيه يه بير ديلر ارالند
 جنگ مكر اولوب طرفينندن وافر آدم دوشدي و آستانه دن ايكي بلو كدن بله خادم
 قزنداشنه چاوشلر و مكتوبلر كوند ر يابوب و خامت عاقبتدن تخذير اولنوب قاطرجي
 اوغلي كه حميد سجاغند درال دخی رضوانه نصرت اچون حسن اغا وزيرينه سردار
 واستيصالنه مأمور اولوب بر فتنه جد رين ايفاظ اولندي بوسبب ايله صا روجه
 واشتيا ياغ اوزن اولمغن لاس حجاج مسلين وسا ثر ابناء سبيل خيل اضطراب چكوب
 يوللر قينلدي مشورت براي امور دولت بواشاده خزينه ده ضرورت و اختلال امور مملكت
 مقرر اولمغن ربيع الاخر ك اون طقوزنجي چهارشنبه كوئي وزير و مفتي و قبودان و فتر دار
 پاشا و صدرين وسا روجه دولت دعوت ايله ترسانه يه كچوب پادشاه ترسانه يا نچه
 صند و لمغه حضور همايون عقد مجلس مشورت اولنوب پادشاه حضر تاري وزيره

خطاب ایدوب بابام مرحوم زمانی ودخی اولارده دولتک ایرادی مصارفنه کفایت
 وبلکه دخی زیاده سی ارتدی بم ایسه مصرف بابام قدریوق ایرادینه اولکیدر شمدی
 ایراد بنشیموب ترسانه وسارمهماته اچه تدارککنده اظهارعجز ایتمکزک سببی ندر دیو
 سوال بیوردیلر وزیر جوابنده پادشاه دولت علیه نک اخراجات ومصارفی شمدی اولکیدن
 زیاده در انکچون کفایت اینر دیدی هربری برسوز سو یلیوب نتیجه مشورت بوفله
 قرار ایلدیکه بر قاج سنه لک ایرادومصرف محالرندن یوقلنوب حضور همایونه عرض
 اولندقد نصبرکه چار سنی نه ایسه اکاکون تدارک اولنه بعلی اناطولی ودریا احوالی وله
 و تاتار خان احوالی سویا شلوب مقتضای حاله کون جوابلر ویریلوب طاغلدیلر ایرتسی
 دفتر دار بر خط شریف وقرمان وارد اولوب خزیننه نک اختلالی احوالی کوریلده دیو
 بیوریش اهل دیوان دفتر دار پاشا سراینه جم اولوب خارجدن کسندنی قومدیلر بعلی
 دفتر دار فرمانی اوقویوب جمله ممالک محروسه نک سنوی ایرادی یکریمی دورت بیک یوک
 اچه اولوب التي بیک یوک قدری در دولتته قیسی سائر مملکتند در حالا ایراددن مصرف بیک
 ایدکوزیک اچه قدر زیاده اولمعه بر سنه تداخل افتضالیدرسنه آتیه مالی پشین آلوب
 خرج اولمشدر بوکسیر لثوب تداخل بر طرف اولمه نک علاجی ندر دیو مشاؤون ایلاک
 هدید کله هر کس برسوز سویا یوب نتیجه بونده قرار ایلدیلر قره مصطفی پاشا عصرند کد بیک
 الکی اوج سنه سنه ایراد و مصرف برابر اولوب حتی ایراددن برازمبلغ ارتش ایدی صکره
 کسرنه سبب اولدی هر قلمدن اون بلایق وقایع چقسون معلوم اولدقد نصبرکه علاجی
 نه ایسه کوریاوردیو هر قلمه دیوان تذکره لری یازیلوب چقمق فرمان اولندی کتاب هر
 قلمدن وقایع یازوب ویردیو دفتر دار دخی هر قلمدن استخراج اولنان دفتر وقایع لری وزیر
 ویردی وزیر دخی خزیننه نک ایرادومصرفی قره مصطفی پاشا زمانه نیجه ایدی و حالا نه
 وجهله دروکسرو نقصان طاری اولمه سبب ندر با شقه پاشقه دفتر ایدوب تفصیلا حضور
 همایونه عرض اولندی لکن بر نتیجه ظهور اتمدی زیر انفس الامراوزن حساب کورملک وایراده
 کون مصرفی تقلیل تدارکی ایله دولته نظام ویرمک سوزایله ته جک انیش دکل مسبتد بالای
 بر قاسر قاهرک شروطنه مربوط کار مشکل ایدوکن بیلد کار بچون انماض عین ایدوب قیوی
 قیادیلر مزاج عصره کون مداراوتسهیل سمتنه ذاهب اولوب سکوت ایتدیلاولزمان
 فذلکه صاحبی کاتب چلبی دیملکه مشهور حاجی مصطفی خلیفه دخی عقلای کتابدن اولغین
 مجلس مشورته داخل ایدی اکابناء دستور العمل فی اصلاح الخلل نام بر رساله یازوب بمصباح
 مهمه نک تدارکی نه طریق ایله قابل ایدوکنی بیان ایتمشدر لکن عصرند کلام حق اصفا
 و موجبی اجر ایله مستعد قابل خطاب کسندیه قرین المدی فندن رساله فی اظهار ایتمش
 فذلکه دیرکه صکره حسام زاده مفتی ایکن اول رساله فی طلب ایلدی یازوب ویردم حضور
 همایونه عرض ایتمش رساله کزی پادشاه منزه اوقتدق دیدیلر لکن موجبی عمله کلیه جکن
 فقیر یلوب اصلا مقید اولدم بلکه زمان ایله پادشاه اکاه اولوب انکله عمل ایدوب فوائدی
 مشاهیر ایله دیتمشدر نفسی الامرد رساله منزه بر مقتضای رأی سدید تدارک نافع فی

مشتمل بر کتاب مفید در حقیر مطالعه ایدوب درو شمه مندرج اولان فوائدی اشوب
 تاریخک دیباجه سنه بتما مهارج و تحریر ایتشمدر عزل وقتل ترخوبی پاشا و صدارت
 درویش پاشا وزیر مشار الیه بروقت مخوسه وزیر اولوب خیر خواهلوق یوزندن
 دولت علیه نک بعض خلایق اصلاحه سعی ایدوب اندرون همایون و دارالسعاده وایچ
 اغاری طرفندن کلان رجاله وجود ویرمیوب میری یه انفع اولین دخلواهلرینه مساعده و تردد
 اوزن اولغین جمله سی کندودن روکردن اولوب پادشاه یکوب حسنیاتی دخی قبیح
 ایتمشلر ایدی و طالع صدارتی دخی قطوعه ایرشدیکندن ماعد اسنه سابقه نوروزنه
 برج انشهادی و مشتری اولند بولنش ایدیکه برج انشاده بولنان کوکبک اعظم منسوباته
 موت وزوال ایرشمک قاعد احکامیه دندر دخی نیجه دلائل واریدی و یوزوز قبیلند
 خود مقابله علویین که بری اختر وزرا ویری سالخواه اعتبار اولمشدر کذلک وقوع خسوف
 کلی آیین مرآت اولوب بر موجب قضا و قدر ربانی قتلنه دلائل متعدده زمین و اسمانی اهل
 بصیرت و عرفان قتلند نمایان اولمشیدی ربيع الاخرک یکر میخی یوم الجمعه ایدی وزیر مزبور
 ترسانه یه واروب قبولان پاشا ایله بعض امور کورکن طرف پادشاهیدن بلا موجب دعوت
 اولنوب خیردر دید کلرند بن رؤیایمی کوردم دیو حلالا لشوب تصدیق ایدرک با نیجه خاصه یه
 وارد قدق قرار اغاسی قارشو کلوب مهری الوب اشاغی بوستانجیلر او طه سنه کوندروب قتل
 فرمان اولمغه بو غیلوب قبولان درویش محمد پاشا دعوت و مهر اکویرلدی تفصیل مرقوم
 طرخوبی احمد پاشا اصلند ارناود دیارندن قویوب حرم خاصه داخل اولوب مخدومی مرحوم
 موسی پاشا ساجد ارلقدن مصر ایله چقد قد بودخی سیاهیالک ایله معاجیه قوب خدمتندن
 منفک اولوب بعلی کتخداسی بولنوب بدوند و آستانه ده کتخداسی اولمغه موسی پاشا
 کتخداسی صاری احمد اغادیو شهرت بولمشیدی بعلی هزاربان احمد پاشا کتخداسی کندی
 قریند اشیر ابراهیم اغایی عیاشلق تهتمیله عزل ایتدکله مزبور احمد اعانی کتخد ایدوب خپلی سیر
 مرضیه و اقرائنه نسبت صلاح و دیانت ایله معروف ایدی آت میدانی وقعه سنه قریند اشیر
 اوروج سپاهیلا راسند قتل اولند قد کندی وسی عبد الرحیم افندی ایله دوست اولمغه اکا التجا
 ایدوب ازار کورمه مش ایدی صکره راوغوردن دیار بکری بکری کسی اولوب بعد الغزل حج
 شریف ایله مستعد اولمشیدی ثقاتدن منقولدرکه بعد اداء الحج روضه مکرمه زیارتن
 ایدوب مدینه منوره کورکن اول حیند مکه مکرمه قاضیسی بولنان اسمعیل زاده محمد
 افندی ایله مرافقت ایتدکله بر کون افندی یه بزم سزدن بر رجامز و اردرا لاروضه مطهره
 نبوی یه جبین سای اولوق میسر اولد قد حضرت حبیب اکرم صلی الله علیه وسلمدن
 یو عبد عامی اچخون شفاعت رجایند سز امیدم بودرکه سز علمادن اولمغه اولدر کا هده بزدن
 اقرب وانسب اولدوغنکره رب یوقدر التماسکنر مردود اولماق مسؤلدر اولوب عبد مذنبه
 شفاعت لرین رجایند سز ثابا بو آستانه یه بر خد مت خاطر دن پکر اول امینه حصولینه
 وسیله اولوق امید یله ایالت مصر یو فقیه میسر اولغی التماس اید سز دیدی حین وصولند
 اسمعیل زاده فی تقدیم ایدوب کند و آرد نیجه مواجیه شریعه یه ایرد کلرند اسمعیل زاده

دعایه ال قالد یروب دخی خطاب القساس ایله یار سوا الله امتکدن یوعبد مذنب احمد
حضر نکدن رجا ایدر که روز محشر ده کند و یه شفیع اوله سن وعالم دنیا ده حرمین خد متنه
وسیلله اولق امید یله کند و یه ایالت مصر میسر اولق اچون روحانیت شریفه دن استشفاع
ایدر دید دعای خیر ایتدی و سائر حضار آمینه مشغول اولد قده احمد پاشایه بر حال عجیب ال
یروب دخی افندی الکی یه زیکه سور مزدن دعایه مقبول اولدی دیدی اسمعیل زاده ال یوزه
سوزوب دو نوب ندن معلوم کتر اولدی دید که یاقار شوده ظاهر اولان اخیچه امثالی استباح
تورانیه بی کو رمی یکر می الله الحمد بن معایه ایتدی و دیو عظیم اینهاج واسنیشار ایلدی یکندن
حضار بر حال غریبه استیلا یلیدی اللهم یسر لنا حکمت الی در عقب مصر و الیسی
اولوب ایامه حرمین شریفین خد متنه حسب الوسع تقید اظهار ایدوب جمله دن روضه
مطهره حرمه واقع بر ساحه ملسا که ماتحت القباب اول وقتیه دکل رمل و تراب ایدی
مر مرصفه لر نقل ایدوب بر فرش رخام بسط ایلدی و قدرتی ینشدیکی مرتبه اثار وضع
ایدوب غلال و جریا تنه حبه قدر طمع و کتم ایتدی و مدی مصره امیر پاشایرینه واروب
خیل مستحسن سلوک ایدی انحق مصر خلقنی ایکی صنف بولمشید بکه بر صنفی امیر الحاج
رضوان بیگ توابعی و بر صنفی جرجه حاکمی علی بیگ هوادار لری رضوان بیگ ایسه یکر می
سنه دن تجاوز میو الحاج اولوب تعین بولمغین ولاد مصر آئی اکر ام تام ایله معامله ایدردی
حتی مقصود پاشا زمانی موقوفاتی محمد افندی حبس اولوب مقصود پاشا عزلت نفسی
دید و کی ماده لرده مدار عسکر مصر رضوان بیگ اولوب فی نفس الامر عاقل و سخی و فقرا
و مستحقیندن مال کلام ایکی بیگ آدمه پیر سال نفقه و جامه وادارات کند و اموال
و متوجها تنیدن بدل ایدردی حتی مصطفی پاشا زمانی استانبول کلوب حبس اولوب قتل
قرار داده ایکن مرحوم سلطان مراده کونا کونا اسمان ایله کچمشلرا یکن بالآخره عنایت
یاری یاری قیلوب احواله اطلاع تحصیل اچون حضور همایونه دعوت اولندی رضوان
بیگ داخل مجلس همایون اولد قده سلام اچون قدین خیمه آیمکه اکتفا ایدوب رسم
زمینبوس ملوکانه فی ترک ایتدی که پادشا غضبه کلوب بره ملعون بونجه اعظم عالم بنم
حضور مله پیر اوپر لر سن نچون پیر اویمدک دید که لسان طلاق آچوب سعادت توختکارم
بن نه ظم که زمینبوسدن استنکاف الیم سنک حضور همایونکده زمینبوس مایه مشرف
ملوک و افتخار و زای نامدار در نهایت بونده ده بر حال غریبه وارد که حالا اول رسم عبودیت
اجر اسنه مانع اولمشدر بوناچیز قولک اوتوز سنه یه قریبدر امیر الحاج اولق تقریبیله
هر سنه دامن بیت الله یه سوزوب حجر الاسود دی تقبیل ایتشم حالایت شریف و حجر مکرم
تقبیل ایله مشرف اولان محلی کلمه شهادتک زمینبوس ایله تذللنی روا کورمدم و یومعنائی
مرجهتو پادشاهم کمال دیانت و تقوا سنه و قوف ایله عین خدمت و محض دیانت عدا ایلدم
دید که پادشاه بوجوابدن مختیر اولوب غضبی بر مقدار سکن اولدی اندن یایره ملعون
ایشتمدم سن زور بالق ایدر مشی سن و مصرده بر سرای ایایدر مشی سنکه قیوسی بنم سرایم
قیوسندن بیوک و کمری یوکسک ایش دیو عتاب ایتدی که بل پادشاهم بیوکدر و یوکسدر

زیرا امیر الحاج اولق تقریبیله علم رسول علیه السلام اول قیودن کیروب چقمق معتادر
علم شریفی سر و سرافراز کی راست یوزر کن مهجه رزیه میل نشیب ایتدرمک اچون
قیوی اولوجمله بیوک یایدمد دیدی بومعهاده مطمح نظر سعادت توختکارمک دولتمده تعظیم
شعاردین اسلام و تفخیم رایت سید الانامد دید که و جوانی دخی پادشاهی اعجاب
ایدوب عفو و عنایت و خلعت ایله امیر الحاج خلق خد متنه مقرر و مصره ارسال یورمشیدی
صاری احمد پاشا مصره والی اولد قده رضوان بیگک حسادی کونا کون غزل ایدوب
عزله بلکه قتلنه نشیر ساق اینشیر ایدی تا که علی بیگ جرجه دن کلوب امیر الحاج خلقی
اکاوردی و العجب که سلفی امیر پاشا والی ایکن بونجه اوقاتی ذوق راحت و عیش و عشرته
صرف ایدوب شرب عبوحه مشغول و تفریطا تنه نهایت یوغیکن مزبور رضوان بیگه
بابا غیرت سنکدر منصب و عرضم سکا الله امانتی دیمکه سائر دن زیاده منتفع اولوب
عزله دخی ولایه سائر نک کرفنار اولد قلی حبس و مصداق دن مصون اولوب
رضوان بیگ تدبیری و معا و نذیله سالما و راه اولمشیدی و یوقدر هدایا و انلر و کیسه کیسه
التوننه قوش ایدی مزید احمد پاشا مفرط و متعصب اولمغین رضوان بیگک کیسه کیسه
اموالی و هدایای عظیمه سنی ایش ایکن تعین و استیلا سنی هضم ایدوب عاصد سوزیله
سوق قصد ایلدی رضوان بیگ دخی بچدن کلوب یارین مصره دخول صدد نک بر حمله
نزول ایتدی که هوادار لری کلوب کند و نک عزلتی و علی بیگک امیر الحاج اولد و غنی بیلدر دیلر
رضوان بیگ حقه متوکل و عبور و متثبت اولمده ایقاط فتنه یه ده شروع اتیمه ب کور لم
حق تعالی نه صورت کور ستر دیو اول کیمه عظیم اندیشه چکدی ایرتسی ایکی امیر الحاج
معالار ایله مصره کیروب پاشایه بولشقی لایب ایدی رضوان بیگک حسن صنیعی و خیرات
و حسناتی بر کایتله الطاف الی ظهیر ایدوب اول کیمه عبد الرحمن پاشا بیگک منسللی کلوب
دفتر دار منزلنه قوندی ایرتسی عظیم الای اولوب رضوان بیگ بی پروا لشکری پر سلاح ایله
مزین کلوب علی بیگ ایله همعنان معزول پاشا نک کتخداسی و عبد الرحمن پاشا نک منسللی
حاضر اولوب احمد پاشا مصر دن طشره چقمق دی منسلل جدید رضوان بیگک عزله رضا
ویر میوب علی بیگ اعتد ارکان جرجه یه چکیلوب کتدی احمد پاشا بعد مصر دن کلوب
کورچی پاشا مغالطه سی ایله مرافعه و حیسه مبتلا اولوب بعد مهره نئل اولمش ایدی مشار
الیه قتلنه سبب اولملرک بری بودر که درویش محمد پاشا استانبول کلوب قیودان اولد قده
دونما تدارکنه اقدام زیاده اولمغله و زور و قیودان و دفتر دار اکثر اوقات ترسانه یه کلوب
تمشیت امور معیت اوزن مقاصد صورتی کور ستروب اهتمام ایدر لردی قلت ماله بناء
مهماته مقدار کفایت خرج تدارکندن مضایقه لر چکوب قیودان اچمه استد کچ بیلان
مرتبه بی بنشد یروب و هر هفته سیاه علی فیه سنی کند و یروب یارا القده قیودان پاشاده
مال تقاضاسی اولوب ابرامدن خالی اولد و غندن غیری قیودان کند و مقامنه لایق
واقدمیت و مکنیت ایله صدارته مستحق کورمکه خوفدن خالی اولوب قیودان دخی
اقدیمینه و جلالت قدرینه اعتناء خشونت امیر معا یله ایدوب بیلر نده توافر کالده

ایدی و دفتر دارپاشا دخی قیودانی استیصال و وزیر ایله تعاضد ایتیمکه قیودانك طرف
 خلافت ایلی برکون ترسانه ده بواج دولتلو ماییندن مورث شکراب کلمات مرورایدوب
 قیودان دفتر دان البته آنچه بول یولندن تحکم ایتدکه دفتر دار خشونت ایدوب ساکه
 آنچه بی طاشدن کسه جگ دکوز خزینه نك احوالی معلوم ایراد و مصرف مضبوطدر
 نیچون امکان وقته کور سهوات ایله ایش کورمکه راضی دکاسزدیو جواب ویردکه قیوان
 پاشا ویرایدوب بیاضی آدم از اراید رکی از ازلدی اولدخی اشاغی قومیبوب خشونت ایله جوابی
 ووروب مشاجره بر مرتبه یه واردیکه دفتر دار پاشا قیودانه سن و زیرایسک یابن نیم
 دخی پادشاهک وزیر و مال و تیایم سن نیچون بکا عظمت صاوتوب تفوق معامله سی
 ایدر سن خدمتکارک کبی از اراید رسن بر جلالی ظالمسن کردیکه یراده عالمی خراب
 ایتدکی دیدکده همان قیودان درویش پاشا پراش اولوب نمی جلالیم سلطان مراد کبی
 بر صاحبقران زمان بغداد کبی دارالملک عراقی دشمندن استخلاص ایتدکه بکا صمربوب
 ایران و عراق و عربستان سرحدلرینک نظام احوالی نیم عهدمه تفویض بیوردقلرین
 محمد الله تعالی دولت پادشاهیه اول ممالک عظیمه یه کرکی کی نظام ووروب دین و دولته
 خدمت واولکوندن پروان بش یلدر وزارتله قدرم بلند ووار دیغم ایالتلرده سیرت
 وحرکتیم مدوح و دلپسند در بی یادکار اولرمانده سن دودک چلارک باق شوکاشمدی
 از قوریدن کاوب وزیر اولوب جلالی دیبشمنه دیوب کمال غضبندن اندامنه لرزه دوستدی
 آخر وزیر اعظم پاشا قورنداش عیبدر بر بریکره نیچون بیله نامعقول سویلر سر عرض
 وزرا عرض پاشاهی دکلیدر معقول ایله هر ایش بتر دیو نسکین جانینه سی ایلدی اما
 درویش پاشا دوستمک اری و قایق احواله واقف مردجری ایدی وزره جواب ووروب
 پاشا حضرتلری سزنی استیصال ایلدی بکرالله الحمد موأخذ اولنه حق برجرم یوقدرکه
 خوف ایلیم مرادیکرا کر قیودان سابقه کرجی پاشا ایتدکی حیلله کبی حیلله ایه دویتما
 مهماته نقد ویرمیوب ممتنع الحصول یرلردن حواله ایدوب آنچه یرینه تذکر مصنعه ووروب
 زنجفلی اوغلی دیدکری اصلاحی محصل نعیین ایدوب فلان ساحلده سکا شوقدر مال
 ایصال ایدر دیودر غنی فروغ ایله خواه ناخواه آلدایوب دویتما بی قیودانلر قیودانه
 واصل اولمافله کیلر تدارکسز ولوند سز قالوب فقیر یوقدر نام وکام ایله برایشه یرامیوب
 متهم دوشوروب بکا آنچه ویرمدیلر نیچه ایش کوریلر دیو فریاد اید کوردی هیچ کسه سوزنی
 دکلمیوب قید بند ایله آستانه یه کتوردیلر عتاب وحبس ایله نذلیل و اموال مصداق
 ایله تنکیل وبعده بر سنجاق ایله یوللیوب عرض دولتی بریاد ایتمشلرایدی بکاده بویله دام
 تزویر قوروب مضحک ایتدک ایچون آنفا قکر واریسه بونیتی قولاغکرذن اخراج
 بیورک که دویتما نك تمامام ماته اقتضالین آنچه بی قصور ووجه نقد المادچه فلاندریه
 اصماتی احتمال یوقدر قدیمدن متعین اولان اوجا قلدن ماعد ابرغوش بیله حواله قبول ایتیم
 اکسک کدک دویتما ایله چه قوب رسوای اولوب مظهر عتاب اولمقدن ایه بونک اولورم
 خلاصه کلام مکر اعد ایله سخندع اولم دیدی امانفس الامرده وزیر و دفتر دارک قیودان

پاشایه بوجیه سو قصصدلری واریدی اگر چه خزینه عامره نك مضب یقه سی دخی
 کمال ایدی لکن دویتما مصارفی اخراجات سائریه نقد و اولنوب سائرینه لردن زیاده
 نقد ویرمقدار حواله ایله ارضایمکن ایدی لکن رتبه امکان ایله مساعد ایتدیلر فقط یکریمی
 کیسه نقد و اوجیه و کیسه یه وارجه حوالا ت ذکره لری ویرایوب امفادن جمع و تحصیل
 مباشرلر کوندرلک اوزن قرار ویرلش ایدی قیودان ایه راضی اولمیوب بوجیه بالذ فعات
 منازعه و مشاجره لری کچش ایدی تاکه حضور پادشاهیه اوجی بیله مناقشه لرایتدک
 پادشاه وزیردن سؤل ایتدکه پادشاهم کفایت مقداری مال ویرلدی ویرمقدار حوالا ت
 دخی ایلدی حصولی اسل نقد حکمتنه در دیشیدی وقعه آخره ده قیودان پاشا
 حضور همایونه واروب پادشاهم عمریمی دولت خدمتانه افنا ایلد بر بیر قولکم هرینه
 مالک ايسم دویتما همایون مصرفنه و دین و دولت و پادشاهم اوغرینه بذل و فدا
 ایتشم نهایت شمیدی و نیکه دویتما سی و کرید غائله سی سائرینه لره قیاس اولنیر
 نیم مال کفایت ایتنر لالا که بیور عادتا ویره کدکری قدر مال ویرسون دیدکده پادشاه
 یاسکا اوجیه و کیسه ویرمشه دید کلدن قیودان قویندن حواله تذکره لری چیقاروب
 دولتلو خنکارم نقد بکریمی کیسه دن زیاده ویرمش ایه باشم شرط اولسون ویردیکی
 یونذکره لردر که قیودان سابقه بوماللی حواله ایتدیلر تحصیل ممکن اولمغله برایش
 کون میوب پادشاهمک غضبته گرفتار ایتدیلر بکاده اوله اهانت ایتیک استرلی
 یو آنچه لک بعضیسی ممکن الحصول اولدینی صورتده تحصیل اولنوب کچجه وقت کچر دویتما
 زمان کچدکد نصرکره ایشه یرار امکارینر ضایع اولور همان مراد لری بی اعدام ایتدکدر
 دیو اغلدی وزیرک امساکندن خاطر مانده اولان مقرر بلر خصمت یوایوب یوایبده قیودانی
 قصدیق و وزیرک کذب و خیانتی تحقیق ایتدیلر نکر اربادشاه وزیر ی چاقروب یوایبده تنبیه
 اکید ایتدکده پاشاهم اول حوالا تدر بکا نقد آنچه تره دن تدارک ایدم حوالا تدر کچجه
 کندوسی مالد اردر مالندن صرف ایدوب بعدینه کدکد پینه قویسون پادشاهمه مالا ویدنا
 خدمت ایتسون دیمکه قیودانه سوء قصدی اولدینی یو سوزدن پلندی وزیرک
 قتلنه درونلرند نسیم ایتدیلر وزیر دخی ایراد و مصرفی ضبط و امور دولتی تحکیم ایدرم دیو
 بر اولر دعویه دوشوب کبار و اعیان خصوصاً مقربین و خواصک رجاسنی طومغله جمله بی
 و نیچیم خاطر اید و کن یلوب کند و بی پادشاه کدکری و درون همایونه کند و حقده
 ایمان قصد مضمحل اولدوغنی بعض آثارندن حس ایتشیدی و بواشاده عظیم و همه دوشوب
 گوندلر زده سکون و امنیتی و کچه لده خواب و راحت ترک ایدوب انامل حیرت ایله تحریک پروت
 وریش ایلیه رک برآن اندیشه دن خالی اولر ایدی و لکن رفع مضارده ام والزم اولان
 تدارک ممکنه یه تشبث ایتیب نیم مرادم نظام دولتی تحکیم رکرو کردارم پادشاه
 وعباد الله خیر صانع اوزن دریا شیمه یازیلان کور خصوم یلدر کلدن قلسونلر باحق
 یه اولورسم شهید اولورم شکله تصور عامیانه و خشونت زاهدانه وادیسمنه حرکت
 ایدوب مراعات اسباب بدن عاری تو کل سازخ ایله تسلیم ایله یانه یه توطین نفی ایتشیدی

دخی قیودان خدیو و بیرون آخر مجلسه پادشاه خضر تلوی کند و به عتاب ایتد که پادشاه
 بنم مقصود مامور دولت که نظام ویرمک و ایراد و مصر فی هیچ اولمر سه تسویه ایتد ایدی
 استقامت اوچندن جمله فی کند و مه دشمن ایتد سعی و خد متهم بیانیوب عذر م مقبول اولماور
 مالا عاجز و فرمانده قالمش مهر شریفکی کیمه دیلرسک و پرونی اخر اولدر سن همان برکون
 اول اولدر دیوب قیودانک تکلیف مالا یطاق مهامله و مشا قنبدن شکایت ایتد شیدی
 راوی ایدر نوروزدن بر ایکی هفته مقدم منجم باشی حسن بهایی فی چاغروب ایکموزالتون
 یاغشلیوب بنم حقه برورطه کوی نورمی طوغری سویله امر حقکدر باری تدار کچمه
 بولنه لم دیو وافر احسانلر وعد ایدوب تنایح دلائل فلکیه دن استکشاف احوال
 ایتد که منجم دخی چونکه مهری آلدیغی وقتی بیلوردی طالعی مضبوط ایدی والله
 سلطام شمدیالک اوله برشی یو قدر انجق نوروزا شاسنده طالع وزارتک بعض قطوعات
 و محدوداتی وارد نوروز کونی سکون و صد قاتله تقید بیورمکر مناسب دریمسی خلقه عجب
 گلشیدی اما فن مذکور دن فی الجملة حصه سی اولنله ظاهر در کد نوروز سابقه
 دلائل قاطعه نک مقتضا سی اثناسنده ظهور ایکن چونکه نوروز ایاام قبله قالده
 سوال ایلدی نوروز کونی ایله جواب مقضای فن مزبور در ریثس الکتاب شامی زاده دن
 و بعض مقر یارندن مقبولدر نوروز دن دورت بش کون مقدم کند و به بر سمور قیلو
 خلعت زیباور مجوهر خنجر کرانبها عطیه خسروانی ایله بر خط هما یون ورود ایدوب
 القابنه وزیر اعظم مشیر انجم نظام دولتم دیو حد دن زیاده مخالف عاده توقیر یازمش
 اتباعی اولان کوته بینلر اظهار مسرت و به التفانی کمال عنایتته حمل ایتد کلرند
 کندوسی زهر خند ایدوب انلری تحمق یوزندن بره هی احمق لر سن پادشاهلرک معامله
 قهر و انفعالی نی نه بیلور سن یو حد دن زیاده نوازش و اعز تم قلم مقدمه سیدر دیمه سی
 غرایبند حق یو در که ملوکک معامله سی سائر ناسک احوالنه قیاس اولنر لا جل
 المصاحبه تو قیرلرینه مغرور اولوب التفانی قدر هر حالک احتیاط اوزر اولق و کلا
 مقریمنه واجبدر به که مناسب نه خوب دیمش لر بیت چو محرم شوی از خود اندیشه کن
 که محرم بیک نقطه مجرم شود و رم ابل صدری حسام زاده نقل ایدر که نوروز دن مقدم
 وزیر و رود ایدن کورک و خچرک تهیتی اچون کند و به واروب مراسم تبریک صد دنه
 کندوسی اظهار انفعال ایدوب بهی افندی مزاج سلا طینی بلر و احوال عالمی اکلر
 د کلسر به التفات بنم قلمه دلیلدر یو خزن و ملال کو ستردی حسام زاده دخی چون
 بویله بیورر سن سلطام بیت کسی در عشق فال بد نکیر دو کر کیر دجبان خود نکیرد
 کند و نره بویله مو حش تشام ایود کدر افندی بن پادشاهه برانق اچون جمله ایله
 بوزو شدم جمله به مخالفت قوت خطادن ایدوکن ملاحظه ایتدم اکد بکم تخم نه مقوله
 مریور به چکنی بیلورم دیمش وینه نشانچی پاشا که صلحاء و زرادندر نقل ایتد بکه قبیل
 نوروزده یوم شاده وزیر مشارالیه دیوانه کلوب وزیرایه سلام ویرد که پاشا قردن ایتد
 یو کون صوک دیوانه کلشنی در آخرت حقنی حلال ابلک دپو و داع معامله سن ایتد که

بعض وزیرانچون بویله بیورر سن سلطام الله تعالی چچه بیلار عمر ویره دید کلرند صرف کلام
 ایدوب صالی کون اولمعله بوکون اخر دیوانه زردیمک استرم دیوب صفحات احوالندن
 تمام اثار و حشمت مشاهد اولنوردی مورخ دیر که صاحبای اخوانزدن بزم محمد افندی
 بو قضیه قبیلنه رو یاده کورر که وزیر مزبور بر اغاجدن کهنه سر بر اوزرینه او توروب
 اوکنه دستمال پایمش خلق باشنه او شمش هر کان دستماله بر قزل قلوری براغور محمد افندی دخی
 الطراد اللباب برالتون برانقش و کندودن بر منصب رجالتیک نیتنه اولمش اتفاق بر درویش
 کلوب دستماله برالتون برانقدیکه نصفی اکسک کویا مقراضله اورتادن کسلیش یارم
 التون ایدی بعده اولدر ویش برانقدوغی ناقص التونی ینه الدی و وزیر سریردن اشاغه
 اینوب کیدوب کوز لرندن غائب اولمش بورو یایی معبر لره عرض ایتد که بویله نأ و بل
 ایتدیلر که سریر مقامدر خر جلق و اچه کلام متد اولدر یا بلش دستمالی منصبنه
 اولان حال و شانیدر خلقک برانقاسی حقنه ذهب یعنی کندی دیلریدر و سریردن اینوب
 کتشی مقامندن زائل اولمسیدر کوزدن نهان اولمشی عالم شه و ددن انتقالیدر و صورت
 درویشنه کور بن قیودان پاشا در اسمی درویش اواق ملاسه سیله اول صورند جلوه کر
 اولمش ناقص التون برانقسی اول دخی پاشای مزبور حقنه کندی دیمه سیدر و فعل
 نقص انک کلامنه بولمش یعنی وزیرک وجودی سریردن اکسملک انک سوزی ایله
 صورت بولمسیدر اما در ویش اول ناقص التونی کیر و کند و المسی دلیل عجیب در که
 کندوزو الله دخی علا مت غیبیه در دیو تعبیر ایلدی لر اذات حق ایله بر هفته مریور ایتد بن
 واقعه نک تعبیری عینی ایله ظهور ایلدی سبحان الله العظیم پاشای مرقوم نفسنده
 صالح و متد بن آدم ایدی بعد القتل اتباعندن بعض موثوق القول کسنه لر دن
 استماع اولندیکه بواشالرده حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلمی خوابده کورمش
 احمد سنی استمر لر یتر طور دک شمدن صکره بزه کل دیو مبارک اللریله اشارت
 و دعوت بیورمشلر قتلنی محقق بیلوب لا ابالی حرکت ایتدیکنه سبب بورو یا ایدی
 دیو نقل ایتدیلر چونکه قیودان پاشا ماده سندن طبع پادشاهی متکدر اولوب
 غیظ ایتدیلر و خواص و مقر بیندن د لکیر اولنلر دخی عقلاری ینشدیکی مرتبه
 قبایحن تعداد ایدوب حقنه قلب پادشاهی فی تحویل و نکدیر ایلدی لر مراد هما یون
 بواید بکه صدارتن عزل و بر سرحد نفی ایله اکتفا ایدر لراما بدخواه لر ییره کلوب بویله
 مشورت ایتدیلر که بو وزیر جمع امورده طرف پادشاهی به انفع اولق اوزر حرکت ایدوب
 جمله مزک خاطرینی بودعوا ایله سلب ایلدی دولتک ایراد و مصر فی احوالی معلومدر بوتک
 یرینه اولان وزیر جمله مزک خاطرینه رعایت ایدر سه ینه برایش کور میوب بوتک صداقتله
 خدمتی اولرمان بلا و اولسه کر کدر شمدی بوصاغ قور نیلور سه اولوقت اولویت طریقیله
 ینه وزیر اولوب تعینی شمدیدن زیاده اولسه کر کدر شبهه یو قدر که جمله مزدن اخذ انتقام
 ایدر مناسب بودر که جلوس تهتمیله متهم ایدوب پادشاهه قتل ایتد یروب شری
 خوفندن امین اوله لم بو فرصت هر زمان دوشمن پادشاه کند و به مغیر اولمشیکن مصالحنی

پاشه چيقان لم ديو اتفاق ايتد بيل اول اللهم قور قور زفر صرت دوستوروب پادشاهم لالاكي
 قيود ان پاشايه اچيه ويرمك ديه نجيخ و آزار يبور ديكر قيو دانه حسن نظريكري
 كوروب حسدايلى ميري بندين الوب بوكه ويره جكدر ديه پادشاهمدين ما يوس اولوب
 برادر يكر سلطان سايمانى اجلا سه عزيمت ايتمشدر حيله كارار ناو دشايد پادشاهمه
 برغدر واهانت ايد ديو عقلنر باشمزه يوقدر حقمنن كله جك ايسه كز لطف واخسان
 ايدوب كندويه غضب صورتني كوستر مكر التفات ايله اغفال ايدوب هر نه مراد ايدرسكر على
 الغفله ايدك ديو پادشاه معصومي توهم ايتد يلو واغالفدن چيقان سايمان پاشايي بوقضيه ده
 معين اولمز ديوعزل ايتدردي نيتي اوجاق خلقندن هوا سنده تابع برقوقونوسي اغا ايتك ايدى
 اما پادشاهمك عيري چوق اولسون اغايي اچي و دن چيقار ديكر اعتماد اولمز سه سايمان
 پاشا دن سوال ميور لسون و بوا غا جلد رهنو زاحوال بيلاروا جاق اختيار ليله سوز
 بر ايتديكي صورته اغا نك روحي طومرديد يلو ومغزول اغايي عزل ايتدرمك وزير دن بلك
 ايله عداوتى اولوب وزارتته دخي طاب ايدى اول فتنا نلراكا مقدحه خبر نهاني كوندروب
 استه كندويه مهر توجه ايد يور لكن احمد پاشايي اتمق كو جدر قوت قريمه به كلى لکن
 خنكاري بز توهم ايدك احمد پاشا نك كيفيت حالى سزدن صور ياور سه پادشاهمه سوء
 قصدي وار ايديكه بزي انكچون عزل ايتدردي دير سكر ايتش بتر هم سرك صد اقتكر
 ثابت اولمش اولوب بيله دير سكر مظلوم بكره نائل اولور سرك صد ايتك غيري طالبي
 وارايسه ده بعض محذورات بياني ايله بز دفع ايد زديو تعليم ايدوب وسايمان پاشايي
 اطماع ايله زور شهادت نه قوللند يلو پادشاه خفيه بر آدم كوندروب سوال ايتد كه سايمان
 پاشايد كلى احمق دخي حرص وزارتله احمد پاشايه اول تهمني اسناد ايدوب ير ايتد ك
 كلا ميري نيتي تصديق ايدى بوندن غيري بر قاج كسسه يي دخي بو افترايه همد استان
 ايدوب پادشاه معصومي ايناندر ديلر بو تهمنه اعتماد توهم ايله نوروزدن مقدم بلا موجب
 كورك و خنجر كوندروب حد دن افزون تعظي مشتمل خط ايله وزيرك خاطريني
 قطيب ايتد كلى اول غدار لك نفاقي كار كير اولدوغنك اثر ايتش تاكه نوروز كوني
 هديه نوروزيه و كلادن پادشاهه تحف ايله مملو بو عچه لرو معتاد اوزن پيشكش لرو آتار
 كوند ريلوب خميس كوني كه على السحر و زيرده تدارك ايتديكي پيشكش لرى كوندردى
 حضور هما يونه عرض اولند قده قبوله قرين اولوب رساننده خلعت كيدر يلوب
 تحسين اولندى آدميسى كلوب پيشكش مقبوله كروب صنوف عنايت صدوريني
 نيشير ايتد كه وزير دخي بوفر ج ايله ترسانه يه واروب قيودان پاشا ايله تمشيت امور اشتغال
 اوزن اپكن سر ايدن برو بر خاصكي كلوب احب السلطان فرماني تبليغ ايتد كه پاشاهم
 مختير اولدى وهم خنده زهر آلود ايدوب ابد ست طلب ايتدى لکن ايريق كتورد يلو توضح
 ايدوب سزى الله اصمير لدق اخرت حقوقنى حلال ايلك انحق بزه غدر ايليندرده معمر اولمز
 ان شاء الله ديد كه جمله سى ساطاع حير سويلك بونه كونه فالدر ديد كلر ننه بن رويايى كوردم
 ديوب بر قاج ركعت نماز قيلولوب توبه واستغفار ايدوب بزل صدقات ايدو رك سراي هما يونه

چكيلوب كندى كوچك ند كره جيسى بو غوق اوغلى وجدى چايي شخند ان و ممتك
 اولغله انى زاده سورمش كند و ايله بيله سرايه كشمس سرايه قريب اولد قده اكل خطاب
 ايدوب باق چايي شمدي بنى اليقيوب قتل اينسه لر خوف ايدرميدك ديدك كه وجدى
 چايي دخي الله حفظ ايلييه سلطانم بونه اصل سوز در بويله توهم لره وجود و يرمك ديدك
 پيجان احمد پاشا جواب و يروب والله العظيم اكر حا لاني قتل اينسه لر اصلا مضطرب اولم
 شهادت چا ننه منتدر بن بر بلايه كرفقار مكه اولومدن غيري قور تولش يوقدر صد ايت
 واستقامت اچون بكا دشمنى اولان خاينلرك سوز لرى مقبول اولوب بنى ناحق يره
 مبعوض ايتد يلايه و بدوقع و ضرر معلوم اولوب سعي و خدمت بانجه بويله حياتن ممت
 هزار بار اوليدر ديوب كمال المندن شهادتته رغبت اظهار ايدى ديه وجديدن منقولدر
 احمد پاشا اوضاع نا هموار دن تقدر متالم مضطرب اولمشدر بوندن قياس اولسون
 الحاصل حضور هما يونه وارد قده پادشاه عظيم عتابلر ايلوب قالدرك ديدك كه پادشاهم
 صن بنى شرع له اولدر ميور سن بنم موجب قتل صوچم يوقدر ظالمه اولدر رسك ايكى الم
 روز شمرده كرى بيا نكده در ديو ب بو ستانچي باشي يه اشارت اولندى آلوب على الرسم
 بو غوب ميني تمور قيودن طشره بر اقد يلو بو ستانچي لردن برى بر غيظ ايله بر مقلدن
 يا غليوب يونه زينه بردستمال اورندى بعد الاذن مخدومه سى اولان مرحوم موسى پاشا
 خليله سى آدم كوندروب ميني قالد يروب انده موسى پاشا سر اينده غسل ايدوب
 اسكدر ان قتل و دفن اولندى رحمه الله عليه معن زاده مرحوم حرم خاصه ايكن اكثر وقايي
 ضبط و تاريخ صورتته كندى خطيله بر مجموع يازمشرده كه بومقوله بعض تفصيلات اندن
 منقولدر مرحومك روتني بو كه احمد پاشا مرحوم بر صالح و متعبد و غرور و متكبر دن خالى
 اخذ و اعطى و معاملاتنى طوغرى كسه ايدى هر خصو صله ميري جان بنه انفع
 اولانى اختيار ايدوب ميري يه نه كند و طمع ايدردى و نه آخره يدرردى اكثر اوقاتي
 قول مواجبه و ايراد و مصرف قيد نه مصرف اولوب تقليل مصارف اچون مقدوريني
 مصرف ايتش ايدى اچرودن و طشره دن بفرده بر اچيه ويرمك و ترقى ويرمك وزارت
 ويرمك قدر امر عظيم و عسير ايدى قانده قالد يكه وزارت و ايالت ويرمك طقوز عقي آي وزير
 اولدى سياوش پاشا و كورجى پاشا نك زمان صدر ايتد اوليكلان مصرفدن كوند
 بر محق يه ك اچيه نيزيل ايتشيدى خنى يازوب پادشاهه ويرديكي ايراد و مصرف دفترى
 دخي اول مجموع ده مسطور ايدى لکن بحكمه الله تعالى تكميل مصالحه موفق اولمشي مقدر
 دكل ايش يه يزدن آفته اوغرا دى مورخ دخي بوكلامى نأ بيد ايدوب ديركه اسلاف نه
 نسبت تواضع و سهولت مأخذ مثالا يوحا للرى وارايدى و مؤمن معتقد و متواضع
 وخلق آدم ايدى وسنى الشمس اوچده ايدى انحق بخل و حسد دن خالى دكل ايدى قليل
 الكرم و كسسه نك فقر و احتياج نه رآفتي يوق سنك دل بي رحم ايدى غريبدركه نيتي صورت
 ظاهر ده خير محض و سعي جميل ايكن من لا يرحم لا يرحم حديث شريفك مضمون منيفي
 فالب كلوب حسن طبيقي ايله مهلكه بلايه دوستدى و كسه رحم ايدوب احيادي

تتمه چون قیودان پاشا و زوالدی ایکی کوند نصیر کرم قیودانلق قبه نشین وز رادنه
 طوش اوغلی محمد پاشایه ویرلدی و دفتر دار پاشایه غیظی مقرر ایدی لکن میرینک ضرورتی
 ظاهر و دفتر داریش بیلور ایچیه پیداسنه قادر اولغین اخذ نادر و انتقامه شروع ایتدی
 و کندوسی قیودان ایکن وزیر شهید و دفتر دار ابراملر ایدوب ایچیه دیو ایکی ایاقلرین
 زیاده قویتمیشیدی شمدی ایش باشنه دوستوب اور تالغک مضایقه سنی کرکی کبی
 اکیوب خزینه تدارکنده طالع نجه اولور دیوشاشدی بالضرور و دفتر دار پاشایه استمال
 و منصبی بقا ایچون خلعت کیدروب علوفه بی تکمیلده سعی و همت ایلاک دیومعامله
 هودت کوستردی وزیر مقتولک کتخداسی مؤمن اغای حیس ایدوب ایچیه طلبیه
 اشتکجه فرمان ایلدی بیجان صیانت عرض و جان ایچون قرق کیسه ایچیه ویردکد نصیر کرم
 ینه طلب اولوب جلادالنه ویرلدی قوللری و بونی چیقار یلوب بالجمله ماملکی طقسان
 کیسه مصداق سنند نصیر کرم ینه تعذیب الیه گرفتار اولوب ایچیه ویردیو ابراملر ایتدی یلو
 بیجان مؤمن اغایزم پاشا مژ رشوت آلزدی عالم بیلوردی انک وقتند بر ماده لی مصاحبه
 و نقره لی عزل و منصبه قارشم بودولته بر کسه به بر ماده عظیمه دن مبلغ جسمه عائد
 اولوب دولتمق محالدر وزیر کتخدارینک بلکه جمله مناصب اصحابک ایراد طبیعی و منافع
 قانونلری معلومد ایراد و مصرف حساب اولنسون ایراد طبیعیدن خارج هدا یا و باد هوا دخی
 مراداری اوزن برشی فرض اولنسون اکا کور بندن مال مطالبه اینسونلر دیو فریاد ایدیه
 کوردی مفید اولوب تیز کدی ایچیه چیقاریو خسه سنی دپه لرز پولندن جور وادیت
 ایدرلر دی اللهم عافنا تذکره ثانی بوغوق زاده وجدی چلبی ملتقی اولوق حسبیله
 حبس اولنوب رئیس افندی و بعض متعینلر شفاعت لریله بر قاج کیسه سی آلدند قد نصیر کرم
 معفو اولوب قورتلدی لکن مؤمن اغا حبس و عذابده قالدی و کثرت تبدیلات احتمالاتنه
 بناء اقوام ناسیه کلمات کونا کون چوغالدی و هر مرتبه ده اجه اباد اترکنک قالدی و تماچی
 کقور طو تماچی مثلی ضرب اولنغه باشلدی تبدیلات اشبو جمادی الاولی غره سنه
 مصداق دوشن ابتدایینسانده دفتر دار پاشا عزل اولنوب طمشوار ایلدی ویرلدی اگرچه
 وزیر مصاحبه روی دل کوستروب تفریخلعت کیدروب کوریم سنی نه اصل خدمت
 ایدرسن دیو نوازش ایلدی لکن سوز نازن بیلوردیکه تاطف و اکرامی برای مصاحبتدر وزیر
 شهید زمانده ترسانده چکشوب بر لرینه سویلد کلمی کلمات که امر من الزوم ایدی
 خاطر دن کتمه مشدرو صداقت ایله خدمته نه مرتبه دامن در میان اولسه واجب
 تکمیلند نصیر کرم اخذ انتقام ایدیه جکی ادرک آیمشیدی اکابناء نیروی تدبیرنده عجز و قنور
 کلوب احمد پاشا وقتند ایدیه کلدیکی شعبده بازلق ایله برایش طو تمادی همان مبهوت
 و متعیر مقام عجز و تسلیم و قوف ایلدی وزیر دخی انک سعی و خدمتندن مأیوس اولوب
 طمشوار بوللادی طمشوارده اولان دفتر دار سابق امیر پاشای قنیریه کوندردی و دفتر دار
 زاده محمد پاشا و حاجی زاده محمد پاشا دفتر دارلغه طالبلر ایکن عدول اولنوب حال باش باقی
 قوی موی لی مصطفی اغا که کرک امینی علی اغا کلا غلاملرندن ایدی دفعه باش دفتر دار

ایلدی جمادی الاولینک اون ییغی خیمس کوز علی السحر و وزیر خراچی طوب قبولی
 مصطفی اغای کوندروب و ارباش باقی قولی چاغردیو فرمان ایلدی اولدخی واروب کتوردکده
 دفتر دارلغه خلعت کیدروب اوغل کوریم سنی پادشاهه نیجه خدمت ایدرسن دیوب کندو
 متفرقه و حاشنکیر لرین و سایر اسباب احشامنی قوشوب دفتر دارلره لایق بر مزین
 آت چکوب بند یروب منزله کوندردی و امیر الامرالقی پایه سیله مصطفی پاشا تلقیب
 اولندی رئیس الکتاب سابق موقوفاتی عنوانیه مشهور اولان محمد افندی که شراح
 و مترجم ملتقی الاجی درباش محاسبه به جی اولدی ایکی کوند نصیر کرم دامادی بولوی محمدی
 محمد افندی که موأخذه و مصداق بلا سیله مقدم کنج خولده ایدی جزیه محاسبه جیسی
 اولدی و پاشا ناده جدید بکچیری اغاسی دخی او جاق سلسله سی ایدوب عسس باشی
 دامادی کتخدایکی سکبان باشی و زغر حیلقدن مغزول نیره لی محمد اغای کتخدایک
 و مصممونجی محمد اغای زغر جی باشی ایلدی وزیر درویش پاشا قیودان ایکن سکبان
 باشی اولان قاسم اغا زاده علی اغا دن قیمتیله ییک غروشه برات طلب ایتدکده غرور
 و سفاهت مقتضایه دروغ ایتدیکندن ماعد اول آتی پادشاه ایچون صاقلرم قیودان
 کیمه آتی یلزدیو سفیرانه بعض کلمات بی معنی سوبلشیدی بو دفعه وزیر اولدقده کندویه
 ندامت کلوب اولاتی و اون اولقدیر پیشکش ضم ایدوب وزیر کوندردکده رد ایدوب
 قبول ایتدی و کندویه باباسی ولایتی اولغله اواخری سبحان توحیه و طورمه نیز جق
 دیو فرمان ایلدی چلبی صد هزار کوشش و بذل ایله دفع ایدوب مغزول و مرعوب قالدی
 دفع ایچیه یکریمی کیسه دن متجاوز ایچیه سی کندی لسانی بلا سنک جریمه شن چکوب
 وزرا حقنه سوز سوبله ناک ضررئی اوکر ندی و اغالقدن مغزول سلیمان پاشا که احمد
 پاشا مرحومک و اخرنده صریحا مهره طالب اولوب بعد صدارت طمعیه احمد پاشا
 حقنه کذب اختیار ایدوب اسناد مالم یکن ایله حمل ثقیل وزر و وبالی پیننه ایش ایدی
 و مهر درویش پاشایه ویرلکه کندوسی که نکار خائب و طاسر قالمشیدی مهره طلبی
 وزیر بملکه کندوی کریمه تعیین ایلدی مزبور ک انکلی طو توشوب اندرون همایونده
 کندوی تغیر ایدن حامیلرینه دوستوب انصاف ایدرکده بی آلد ایدوب مصاحبت بند کد نصیر کرم
 اغراض عین ایتدیکندن ماعد اجی وزیرک نیجه سنه تسلیم ایتدیکنز کریدکی کرداب
 محنته صالوب بی اعدام ایتیمک الله ورسوله باری صاحب چیقوب بوورطه دن تخلص
 ایلاک بلا منصب استانبولده او تورمه راضی ایم دیو تذکره ایله نیاز ایلدی بر کون
 ناکهانی وزیر برخط کلدی سلیمان پاشا لالامی کریمه کوندرمیه سن بوند او تورسون
 دیو بیورلش مکر مقدمات ضرورمدن و حالاروم ایلندن مغزول بر سلیمان پاشا دخی
 واریبی وزیرک ضمیرنده آتی دخی کریمه کوندرمک مصمم ایش اغالقدن چیقان
 سلیمان پاشا ایچون اصدا را ایتدیکی امرک خلافنه احتمال ویرمیوب خطک ورودنی اول
 بر سلیمان پاشا ایچون طن ایش اول کون سلیمان پاشای ثانی وزیرک زیارتنه گلش وزیر
 اکا خطاب ایدوب سزک ایچون برخط همایون کلدی اصلی ندر دیو سویلد کده سلیمان

پاشا ایمان غلاط ایله اظهار ایت ایدوب بود اعلی مدیة العمر ایچریه تکره کوندر ملک
 ووراء پرده دن مصاحت کور ملک واقع اولمشدر مراد اتر اولیحق وکیل السلطنه یله
 انهار الناس ایدرز اول بزد کوز دید که جلب سلیمان پاشا ایدو کی مقرر اولیحق وزیر
 پادشاهه ناخیس یازوب سلیمان پاشا قولک اغالقدن چقمقله یکچیری بینمه علوشانی
 وارد کریده شروغ ایتدیکی خدمته عسکری استخدام خصو صمنه مزیتی مقرر در
 وهنوز سفر کور میوب جنک امورنده مبتدی در سردار اکرم حسین پاشا نکه یانه حرب
 وضریه متعلق احوال کوروب وزیرایه اهم اولان جلادت وشجاعتده مهارست تحصیل
 کندویه ده انفعدر بنودن قطع نظر بر مالدار قولکدر رشیدی عهد ستباده قوت بدینه و ثروت
 مالیه سی اولغله اغور دینه خدمت ایلسون دیو اعلام ایتد که قطع کریده کتمسنه
 خط همایون صدور ایلدی وزیرینه لطفاملا طیه سبجانی خاص و یوب کریده کوندردی
 کذلک مرحومه خان زاده زوجی نقاش مصطفی پاشا و سیمو اسدن معزول نکه لو پاشا
 سلیمان پاشا ایله معا کریده مأمور اولدی لر کخدا ایک نیره لی احمد اغاوز غرجی باشی هب بونلو
 جدیدا کریده تعیین اولدی لر مقدمقار داش خطما سدن بر قاج قراق کلوب بغداد
 حد وندن بر مقدر ایریر ایله طبل و علم رجا ایتشیدی احمد پاشا زمانی خلعتا کیدیر یوب اسکی
 طیراخی خطمان مسفون ایاالت نامیله ویر لکله قرارداد اولوب هنوز فیصل ویر لکله مشیدی
 درویش پاشا وزیر اولدقد ملا حظه ایدوب افلاق بیکی قرینی اوغلمه آلیو یوب
 مصاهرت ایدن قزاق کافرینه ممالک محروسه دن یور ویر لک مملکت یادیق قومق
 اولوب قباد و حارث قضیه سی کی ضعف دولته دلالت ایتکین التماسی رد اولوب
 جوابده بوآه دکن سن خان حضر ثرینه متعلق سن لهدر اندوغک یرلر سکا کفایت
 ایدر رعایتکینه خان طرفندن اولوق کرکدر یوجا بدن مملکت اسمک نامناسب در طور دوغک
 یره قناعت و مرا جعتکی غان طرفنه ایدسن دینه جواب ویرلدی ابتداء دولت
 وزیر اعظم اولان امور دندر که چاشنکیو باشتیسی که برنی دین مجار کوله سی ایدی
 مجارو لایتنه اچیلک ایله تعیین اولوب اللیدن متجاوز منزل ایله کوندرلش ایدی قرین
 آباده اوغرا دقد مفت مالات طلب ایدوب امرنده اچیه سیمله یازمغین قرین آباد
 قاضیسی دولکر موسی افندی نام اختیار که ثلث افندی نیک لام برادر در بر صالچ پیر
 اولمغین قرین آباد کندویه مؤبد ویرلش ایدی چاشنکیو ک ظلمه مساعده ایتما مکه
 خاطر مانه اولوب مجاردن دونوب ینه اوغرا دقد قاضی نیک محکمه سنی اتبا عیله اعاطه
 ایدوب بقیه بره قاضی سن مجون بکاذخیه ویرمدک دیوب قاضینک دخی التماس اولان امر شریف
 علی ملا الناس قرأت اولندی ایچنده اچیه سیمله لفظین خلق استدی بن کیدن سکا
 واللی قدر آدمکه مجاشی الیوین مکه قادری بم بونه کونه معامله در دید کیمکر ملعون
 بر خد متکارینه بر دسته چوب ویرمش کتور شون دیوخد متکارندن التماس الوب بنفسه
 پیرک باشنه وسائر وجودینه کیریشوب همان بانه اوج ضرب اوروب بن استانبوله
 وار نجه اوج قاضی دیه لکله عهدم وارد ایتداسی سنسن ضربات پی در پی ایله قاضینک

حالی تمام اولدقد کوجله اندن قاجوب حرمته قرار ایتد که عقبجه اتباعیله حرمته کیروب
 استیاسنی غارت لیدوب کخدا سی ویرانکی آدمینی دخی وکوب مجروح ایدوب چقوب کندی
 اهالی قاضی ایله آستانه یه کلوب شکایت ایتدی لر استغفا اولندقد استد عقوبت دیوب ویرا یوب
 استانبول قاضیسی رحمة الله افندی مولانا نصب اولندی زیر اقا ضیه عسکر صاحبه سی ایتدی
 دیوانی مولی استشار ایدی وجهه مشروح اوزن ضرب ایتدیکی اثبات اولندقد رحمة الله افندی
 قتلنه حجت یازدی مفتی دخی استد عقوبت ایله قتل دیوفتوی ویرمکه اول مجاری کرداری
 چیس ایتدی لر اماندر ون همایون خلقی وساحدار شهر یاری جلیک غیری قووب حریفه
 صاحب چیقدی لر مفتی یه خبر کوندر وب سلطانک موزعی وچلی قهوه جیسی رشوت ایله
 جهانی بر باد و طریق علمای افساد ایتشیمکن انلرک جزا زدن انماض اولنوب بوماده ده اراده قتل
 نفس اولیحق قتل فتوای نه دیمکر در یوهنگ حرمته ایدوب جک مرتبه ترهات ایتدی لر وزیر
 ایسه عرض علمای صیانت اوزن لیدی البته قتل اولنوب مضمون فتوی اجر اولنلودر دیایق باصدی
 وزیر اون کیسه اچیه وقاضی نیک ضایعاتنی کند ودفتری موحبجه نضیمین ویدل صلح بشیوز
 غروش ویرمک اوزن صاحبه طلبکار اولدی اماوز برضا ویرمدی بالاخره اندرون همایون
 خلقتک اعانت و تعاضدی ایله بوجله مصاحبه قرار ویرلدی الله الحمد شمدیکی عصر یرنده
 علم شرفه رغبت و علم و حکام شرعه حرمت و رعایت بر رتبه ده در که بومقوله زجر و اهانت
 بر مبتدی سوخته یه ییله اولغله وزراء عظام و مفتی حضر ثرینک رضاری یوقدر علمای عظام
 علی الخصوص صدور عالییه ده حکام اتباعنه چندان رخصت ویر میوب چرکاب دنیا ایله دامن
 عفت و وقار لینی آلوده ایتما مک کرکدر که بومقوله وقعه لده اجرای حق و تنفیذ حکم شرعه
 کلامی سیف صارم کی تأثیر ایلیه بر آلا ی عوام ناس افضل عباد اولان علمای تحقیر
 روامیدر علما جمع اموال بی حساب ایدوب هر نه قدر زخارف دنیا یه میل و محبت ایدر لر سینه
 انلرک اگ زیاده مرتبکی عوامک صغیف ویر هیز کارندن افضلدر دیمشلا اما خلق بومعنادن
 غافل اولوب علم شریفک غرتنه و علم نیک شرافت قدر و رفعتنه اطلاع رتبه سندن
 عاجزلر در ساده دللر فقط متاع دنیا یه اولان میل و محبتنه نظر ایدر لر مال دنیا ده
 استعناسی مرتبه معتقد اولور لر بوغریب تماشا در که تحتنه نجه اباحت دقیقه وار دریمایی
 افندی بوقضیه ده سوینن خلایات حساددن متکدر اولدی لکن در عقب اخذ انتقام ایله
 انلری تأدیب ایلدی که بوقضیه عقبنده ساحدار شهر یاری وزارت ایله طشره چقمق مراد
 ایلدی مفتی افندی نیک حقنیه سویلیدیکی مالایه سوزلر مضبوط اولغله جناب مفتی
 ایچر و خبر کوندر وب ساحدارلر وزارت ایله چقمق او توزیل حرم خاصه طور مغله اولوردی
 حال ایدی سکر سنده ده ساحدار اولور لر وزارتله چیقار لر رعایا پرا کند وضعیف ممالک وایالتلر
 خراب وزرا چوق مناصب یوق وزارت دخی مجرز و موقر اولوق وزرا قلیل و معدود اولدنی زمانده
 اولور بالا آستانه ده وزرای کلدن چوقد بویه ایکن ساحدارا غلک وزارت ایله چیقملرنده
 نافع دولت نه کونه مصاحت متصور در ییله امحق والیق اولان بودر که اکرو وزارت ایله
 چقمقه رغبتلری وارا پسده مدیه مکث ایدر لر طول عهد ایله امکد اروو عنایت

منز او ار اولد قلوی زمان وزارتله کامکار اولورلر و اگر عجله ایله چیقارلسه متفرقه لق
 و قیوجی باشلیق ایله قناعت ایدرلر مقتضای استحقاق یو دردیو مانع اولد یلر کبار
 نظام خصو صا مشایخ اسلامک حقنه سوز سو بلك کشینک دولتنه مانع فو اند
 و سعادت قی قاطع درید کاری کلام حکمت انجامک مضبوط ظهور ایدوب ساحدارا غاول
 مهین علما حجار کافرینی تخلص ایچون مفتی حقنه سویلدیکی مالایعینک شامتیه نیل
 وزارتدن محروم اولدی حکمای سلف بو محله مناسب نه کوزل سو بلسلر در من عادی
 امعان اعدامهانا ولا تعاد والدول المقبله تدیرو باقبالها و بو محله بالته جیلر کتخداسی حاجی
 احمد متفرقه لق ایله چیقوب ایکی آدم آشوری اخراج ابراهیم نام متمول بالته جی یکریمی
 گیسسه ویرمکه کتخد اولوب حاجی اسکندر او طه باشی قهوه جی باشی شعبان یازجی
 بلوک اغا لغنه نائل اولدی و سپاهیله اغاسی معزول اولوب کورانیل شعبان اغا بلوک
 اغاسی اولدی و مؤمن اغا که وزیر شهیدک کتخداسی اولغله حالاحسنه کرفتار و طقسان
 کیسه سی اند قدن صکره یته اشکنجه التند زار و نزار ایدی استیو جمادی الاولی و اخر نه
 تانی سیاوش پاشان وزیر شفاعت نامه کلوب یازمشکه انشته مزمو من اغا الان حبس
 و جفاده ایس معلوم کدر صدارت رتبه سنه نزدخی نائل اولدق کتخد الرکنه جرمی وارد حال
 بوکه قتل و ایمان احمد پاشا مرخوم اول صدن خود سزدن و زدن و سائر اسلافندن افضل
 و اعدل ایدی نظام دولته نه کونه استقامتله دامن در میان ایدوکی سزک وجهله نک معلومیدر
 یته مقابله سنه بو ستانجی جلا داری النده اول خوار لغله قتل اولندی عجب بو خد متلو مقابله سنه
 جناب شریف کتر نه کونه لطفه مظهر اولق ملاحظه سنه سز بالجمله زمه قرانی معلوم
 ایکن بواذیت و جفایه او غرامسی ملحوظ مژد کل ایدی حالا غویو رلسی رجا اولنور دیو افر
 قمر یضیات ایشیددی ابشیر پاشان دخی عینی ایله بو مفهومی متضمن بر شفاعت
 مکتوبی کلش بالاخره طقسان کیسه یی یوز او توزه یئشدر مک اوزن جریمه سی قطع
 اولنوب قصورینه کفیل ویرمکه اطلاق اولندی ، و من اغا نک جرمی بوایشکه چون که
 پاشاسی احمد پاشا نظام دولته صرف مقدور دعوا سیله حسب الامکان قوانین رعایتنه
 توازش ایدی مؤمن اغا افند پسندک مشربینه کور حرکت مجبور ایدی قتلندن مقدم والد
 سلطان قهوه جی باشیسی شعبان خلیفه یوز او توزه اچجه تقاعد ایله طشره چقمق فرمان
 اولنوب بو خبر ایله شعبان خلیفه کتخد ایه کلد کتخد ادخی بهی آدم بالته جیلر کتخداسی
 دخی دون سکسن اچجه ایله چیقدی سکایو او توزه اچجه یی صاحب دولت چوق کور مزی الله
 ویرسون بن مناع اخیر دکل لکن دولتلونک مشربی مضبوطد رقانونه مغایرت فاحش ایله مبلان
 ایشی ایتیمه جکئی یلورم دیوب معاویز بر حضورینه واروب عرض ایلد کتد بر مقدار سرفرو
 ایدوب صفالان قارشدروب سکوتدن صکره شعبان خلیفه یه یوز طو توب بقه یولباش
 دولتلو عققلو والد سلطان افند یز و شوکتلو و خنکار یزیه قوللرینه تعلیل مصارف ایله تنظیم
 امور خد متنی ثنیمه ایله فرمان یوز دیر نو یابده سککا غایت مرتبه لطف و احسان سندن
 پیش آتی آی اقدم رفح اولان بالته جیلر کتخداسی چیقدی و غی علوفه که سکسان اچجه در

اولقدار ویرلکد رطالایله ایکن دولتلو سلطان افند یزدخی یوز او توزه اچجه یه رضا ویر مزلدیو
 والد و قزلر اغاسنه بویله خبر کوند رمشیدی انرا کرچه برای مصاحبت معقولدر دیوسکوت
 ایشد یلر لکن عالم درونک بو حریف نه یبانه سویلر زاکامیری بی امساک اوزن طوت ایرادی نکشیو
 مصارفی تقلیده سعی ایت دیدک ایسه یزدن دخی در یخ ایله امکد ارلیری و مراد ایشد کاریزی
 قایر مق تکلیف ایشد کچه سوز یزری دکل شفاعت یزری رد ایله دیدک بواله آوجه صغمدن قالدی
 دیوب بوتک کبی بر قاج ماده دخی اولمشیدی بالجمله حرم همایون جانبی کندودن رو کردان
 اولد قورچون اعدا منه سعی و ناحق یه قتلنه اتفاق ایلد یلر و بو حکایه بی یاد شاهه یلدر
 سرای عامره امکد ارلرینه طر بقچه دیرلک و رعایت تکلیف اولد قچه مخالفت ایدوب و دیر
 ایشکه اور تالی تبدیل ایتد کچه بزواله نک و اغانک ثقلندن قورنلا مریز خوش ایدی دیو
 مافی الضمیرندن بعض غلام اعلان ایشد دیو شعبان خلیفه بی استیهاد ایشلر اولدخی
 شوکتلو پادشاهم کندونک و کتخداسنک حرکتلری باشقه در بودولتی نهم صاعشر همان
 سوز قصه لرندن الله صغلیه دیوب ساجیان پاشا و بو مقوله بر قاج خاطر مانده لر همد استان
 اولوب بچان بی قتل ایتدر دکدر نه کتخداسنی دخی بوبلار کرفتار ایدوب کویا انتقام
 الدیر مؤمن اغا اولدن متمول و مصدر ده کویلری و استانبول املاک و عقان مالک مکتلو آدم
 اولغین محسود عالم ایدی احمد پاشا دخی بویله مستغنی آدم کتخد اولق مناسب در دیو استخدا م
 ایشد کله جمله الماک اولمشیدی حسادک بلیه سنه کرفتار اولوب پاشا سنه اسناد اولمان
 کاه مو هو مه تشریک اولوب شکجه حکوب بو قدر مالدن ایرلدی وینه بوم ساه ایچنده ظهور
 ایدن امور دندر که مقد مامر حوم فاضل حسین پاشا نک بعضی سرار یسن تزوج ایدن
 ابراهیم پاشا نام ظالمی کورجی پاشا زمان صدر اتنه بر مقد ار شتوت الوب کند و قریداشی
 جعفر پاشا و زردن اد نه بکار بکیسی ایشیدی وارد قه یچه ظلم ایدوب آدنه قاضیسی
 بالته زاده طوسیه لی مصطفی افندی نصیح و پند ایدوب فقرای مطالمندن صیانت
 سمته اولغله رالزنده شقاق عظیم حاصل اولوب آخر ابراهیم پاشای ظالم صار یچه لر بلوک
 باشیسنه البته وارقاضینک باشی کسوب کتوردیه اقدام ایدوب بلوک باشی مرد عاقل
 اولغین سلطان سن نه دیرسون قاضی باشی کسپیلورخی اول حاکم الشرع در انک باشی پاشا
 کسه مز مکر استا بولدن قطع علاقه ایدسن ایتدی کک صورته قند کیدرسن جلالی
 اولورسن دیدکد پاشا مزبور غضب ایدوب نهم امری طو تمزسن ییقل ستودن بره
 ارکان سز قور قاق دیو شتم و بر غیری از غونه فرمان ایلدی اول خبیث دخی نوله دیو صورت
 اطاعت کوستر دکد اولکی بلوک باشی اول حریفه بقه عاشق نه ایشکه کیدرسن پاشا مز
 اولش اوله حق هج حاکم الشرع قتل اولند و غنی کوروب ایشتمس و امیدر شو فساددن
 فراغت ایله یوخسه جمله مزی و لا یقلودیه لیوب آستانه دن جزا رتبه الیقومه زلر دیوب
 صائر اتباعی دخی هجوم ایله منع و دفع ایتدی لر قاضی رئیس الکتاب شای زاده نک اقرارندن
 ایدی مکتوب یازوب اکا بواحوالی ییلدردی رئیس دخی پاشای مرقومه بر عتاب نامه یازوب
 سن کندوکی نه اولدم صانور سن قاضی افندی ایله بر خوش یحکمک کر کسن والا بش غیری

اولوردیوتهدیدایتمش بواشاده منتهوی کر خدا خواهد که پرده کس دردمیش اندر طعنه
 پاکان نهد و منجه غیرت حق ظم و رایدوب پاشا ناک اتباعندن بر ملعون شرع جناب
 رسالت پناهه دار لا صرافا ولا عدلا توبه سی مقبول اولوب قتلتی مستوجب بر ناسر اسوز
 سویلیوب خلق های کافر دیو هجوم ایند کاردن قاجوب پاشا سینه صغینوب خلق نصیر عام
 ایله سرای قوشادوب حربی شرع اطلب ایند کاردن ویرمد یکندن ماعد اکام مشایه بر کفر
 قلیط دخی کند و تلفظ اید یچک خلق عموما جمع اولوب بره بونک کند یکه توابعید کافر دیو جمع
 اولوب هم حربی هم پاشانی الی مقداری توابعی ایله قتل ایدوب پاشا ناک ایاغنه ایب طاقوب
 سور یوب آوده چرکاب ایند کدن صکره بر کافر مقبره سنه سر نکون القایتیلر نعوذ بالله
 تعالی ناموس شرع شریفی حرق ایتک دنیا و آخرت باعث قهر و نکال اولد و غنده شک یوقدر
 بوخیر استانبوله منعکس اولد قهاده ایالتی ادریس اغادامادی پاشایه ویرلدی و کورچی
 پاشا بر اداری که دانه ده مغز لا او تورردی استانبوله کله سپچون امر کندی وفات اعرج
 مصطفی افندی و سلسله جزیه مولانای مزبور و سوسی محمد نام بر امامک او غلیدر مقدمات
 فنونی تکمیلند نصکره استانبوله کلوب بر زمان یار حصار او طه لند طلمبه یه افاده ایدوب
 غنی زاده مزبورک علم و فضیلتی کوروب رغبت و التفات ایتکله اعرج دیو استهار و پردی اناطولی
 قلندره نجه مناصب ضبط ایلوب نازلی قاضیسی ایکنی ساجد ارپاشا ناک متسلی شکایت
 ایتکله سلطان مراد ازاله سنه فرمان ایتمشیکن اعیان وارکان مزبورک عالی بیلدر مکه عفو
 ایتدیلر اول ورطه دن خلاص بولغله معلوم پادشاهی اولق شهرتی نام و شانی افزون
 ایدوب معروف افاعل اولدی قضادن فارغ اولوب بیک قرق سکرده درس واقاده یه شروع
 ایدوب مشهور منلا چلبی امتحانده رساله یازوب ازینجه سلیمان پاشا مدرسی اولمشدی
 رفیق اولان معید احمد افندی شیخ الاسلام اولد قده سنن پاشا خارجه کتوروب
 حرکت محکمه قرار ایلدی اشبو سنه ربیع الاخر بیک اون اوچینی یوم الجمعة ده انتقال
 ایدوب کمال پاشا زاده افندی قریب ده دفن اولندی کاتب چلبی مرحوم فدلکده دیرکه
 صنی سکساندن متجاوز ایدی مرقوم بحر محیط علوم معقولات و منقولات کثرت استحضار
 واعطه سی مسلم علوم عربیه ده ماهر خلوق و متواضع آدم ایدی اون بش سنه متوالیا
 درس واقاده یه مشغول اولوب مخادیم و طلاب مسافریندن قابل تعلیم اولغری مستفید
 ایتکله در بی یوق استانبوله وجودی برکت و عامه یه نشر علوم ایله سبب رحمت اولمشدر
 و کاتب چلبی بر قاج سنه در سنه ملازم اولوب معقولات فنلرینی ایدن استفاده ایتکله
 محبتندن مستفید اولد یغیر علما ناک اعلی ایدی دیومدح ایتمشدر فاضل اعرج محمولندن
 محن مدرسه سنی مغنی صوفی قیوده پیری پاشا مدرسه سندن چراچی زاده یه انک
 یرینی شاه خواندن قبه قولاق دامادی چای یه انک یرینی سید حسن پاشا مدرسه سندن که
 زنجیرلی قیو حمانه ملاصقه در حسین پاشا زاده ابراهیم افندی یه انک یرینی قوغه چی
 ده دن الیا س دده زاده یه انک یرینی سابقا درنه ده میر میراندن معزول جلب موسی
 افندی زاده چلبی یه ووروب ابراهیم بیک ماده سنه برغوس مشهور ایکن شاه خوبانه

خوبانه اولما سندن یاران کفکته کو قویاروب کذلک عاشق پاشالی شیخ زاده امیر چلبی
 ایله چومز احمد کتوز محله حسب الامر رساله لیا زمشیکن چراچی زاده یه اولد و غندن معنار
 ووروب سید حسن پاشا تحلفندن سر بندی زاده کو چک چلبی قاس لسانله کسر اعراضه
 مشغول اولوب بیاضی حسن افندی یکه بوسنوی الا صلدر مشهور و روز نامچی ابراهیم افندی یه
 انتساب ایدوب نائل مرام و خواجه عمر افندی دن ملازم و مدرس اولوب والده سلطانن
 مکه مکرمه و روسه و ادرنه و استانبول قاضیسی اولمشیدی جمادی الاولینک دیکرمی سکرچی
 کونی فوت اولدی اهل علم و متدین آدم ایدی بر قابل وجود ایغلی قالد بیکه صکره بیاضی زاده
 دیمکله شهرت شعرا اولوب حلب و استانبول قاضیسی بعد اناطولی و روم ایلی قاضی عسکری
 اولمشیدی خالف معرف و ادیسنه مائل متعظم بذات فاضل ایدی بیک طقسان بر سنه سنده
 صدر روم ایکن حضورند بر خاتونک برهودی ایله ناسی ثابت اولوب حجتی ویرلمکله آت مید انده
 پادشاه ووزر وارکان و عامه ناس جمع اولوب خاتونی دیم و یهودی قتل ایتدیلر عصر نیویدن
 بوانه کله مثل حدوث ایتین وقعه مزبور منلای مرقومک حجت واقدا میله وجوده کلدی
 شه کم تفصیلی ذکر اولنسه کر کرد قیودان چاوش اوغلی محمد پاشا سلخ جمادی الاولیه کدروز
 حضوردن بش کون مقدم ایدی دو نما ایله ترسانه دن قالحوب شنلک ایله بشکطاش اوکنه
 لنکراند از وایرتسی یدی قله اوکنه وارد قلندره بوجاق باغنده و بر اعظمه ضیافت وهدایا ووروب
 بحر سفید روانه اولدی جمادی الاخره او اخرند اچ محمد پاشا شامدن عزل ویرینه سابقا باش
 دفتر دارا لعی زاده محمد پاشا نصب اولندی حلب اعیانندن بواشاده صالحم محمد اغافوت
 ویکرمی بش بیک غرشته قریب رسم قسطنطنیه ایتدکله ابشیر پاشا که حلب والیسیدر
 قاضی عسکره بیک غرورش یغیری دیوب قصورینی کندوسی یلع وصالقمک میراثه دخی شریک
 دخی وارث اولوب کندویه یازاین سمور و دواب و رخت و سیوف مقوله سی تحفدن قتی جوق
 شی مزایدن الوب بیک غر و شلق شی ایکیموز غر و ش قیتمیله براغاسنک اوزرینه دفتر
 و دکرین دکره بومنه وال اوزر الی الشمس کیسه لک شی الد قدن صکره صورت ظاهرده
 الان اغا محکمه یه واروب ورثه میتی و صیسنی کتوروب صاتون الدوخی استیالارک هاسنی
 بیقهصور الدق دیو دیو ابرام ایدوب و اندر دخی ابشیر پاشا ناک قورقو سندن اقرار و صورت
 مشرعه قویوب بر حجت الدی ابشیر پاشا اول ایتامک بو طریق ایله وافر استیاسنی یو دوب
 قدر ایلدی بو دن صکره عدالت ایله دنیا یه نظام و دولته انتظام ویرمک دعوا سنده
 اولق نه دیمکدر بونکله قناعت ایتیموب صالحم ایله تعامل ایدن تجاری خبر الوب دفتر
 ایدوب وصی و ورثه سنی الدایوب سزه انردن وافرشی الیویر بر طرفره ایلد بککر خد متک
 نلا قیسی اولوردیوب انکرده کر چک صانوب خصومه قیام ایتلریله اول تجار و اغنیایی اخضار
 ایدوب سن صالحمه شوقدر کیسه قرض ویردکن صکره شوقدر سنه ده بر سال شوقدر
 مراجحه المش سن اصل مالی بیله تجا و زایتش الدوغک خلاف شرع در دایدک دیو حکم
 ایدوب حریف عرضی بلا سله صاحبه راغب و اوج کیسه بش کیسه جریه شکنند ویرب الله
 حجتی آلوب عرضی صاتون آلوردی کنندن مراجحه کنندن مضاربه نامیله تجاری تمام

مقلد قدن صکره قراونزارع احبابی اغنیایی و منتظم الحال رعایای احضار ایدوب سزده
 صالحم محمد سلم آنچه سی و مال میری بقیه سی و فلان فلان دیوانه ییلدوکی کی
 حقلیوب بوارالقه ابا ایدنلری مو آخذة ایدوب من صالحمک مالی ییوب بر الای
 ایسا مه غدرایتیک استر سن بره طمعکار ظالم سنک حققدن کلنک کرکدر دیو
 مغلظه ایلده متهم ایدوب اوند جسمنه و یروپ بالغام بالغ جریه سن آلوردی حتی اعیان
 حلهدن بری ثقل ایدوب بنم صالحم ایلده بر حبه علاقه م یو غکن طوتوب سنده سکر بیک
 غروش مال مضاربیه سی وار ایس دیب حکم ایلد که ائکه دوستوب سلطانم ابکی بیک
 غروش ویره حکم وار در زیاده دکلدر احسان ایلک دیو بعد الا نکار مو آخذة خوفندن
 ضروری اقرار ایتدیکمه و ارایدی کتخد ایلده سویاش دیو طشره یوللادی بعد النزاع
 والجدال خواه و ناخواه دورت بیک غروش می الدیلر خوفلرندن بر فردضو یلکه قادر اولیوب
 هر نه بیورر سه صدق الا میره ضمونه ایلده در سوز سزکدر خلق حقنه راضی دکلدر
 دیرلر ایدی حله ایشیرک اوچموزا بچ و غلانی یوز قدر قطار واسکمله صاحبی امر اقدردارات
 واحشامه مالک اغا نامه ولایت یقچیمی و صار وجه سکمان و پیاده ایکموز قدر بیراخی
 و ارایدی که خدمته کیدن ادا ناغاسی و اردوغی قضادن دورت بش کیسه المده قچه کلزوانی
 دخی بکنزدی و بوجمله ایلده پاشا حاضر تری صلاح و تقوی دعواسنده اولوب خمس و اشین
 کونلری صائم و هر کیچه ثلث اخیره تاجد و عباداته قائم حریر لباس کیمز التوز خاتم و قوشاق
 و ساعت طاقین دغان ایچن یاننده مذموم قهوه و یرینه اسچوق سوداچر لر دی دائما بیاض بزوشالیر
 کیوه مشایخانه طرز کوستر زدی انجق سواد خوانا فقه قادر اولوب نهها مجلسلرند توارنج طبری
 و سلف صالحین حکایه لری اوقدوب دیکار و تحزن و تحشیع ایلده اغلو و قیامتیه حاملز نیجه اولور
 دیو مصنع کریر لرایردی اگر چه عاقل و لیب اولان بونوعه ظلم و تعدی ایلده نصوف و زهدک
 مناسبتی ندر دیو نیج ایدر لر لکن بونوعه بر ملا حظه خفی و سر د قیق و اردر که حلب ایالتی ایشیر
 پاشا زمان کوردوکی جوری بروقتنه کورمش و لک الدینی مالی بر والی المامشیمکن اول عصر دن
 قلمه بعض اختیار لو کو یاد کر مننه صقال اعر تمس امور دیدنه کبار نامه یاد کار لر کورد کاری
 و چکد کاری جور و ضررک اجیسنی اوندوب ایشیر پاشا کندوسی اولیادن بلکه متصرف
 اقطاب مرتبه سنده ایتیمادن ایدی دیر لرتابعی رامت ایدی کند و لک ظلمر ضاسی یوق
 ایدی او این و اشراق قیلر صائم و تونون ایچمز صلاح و عباداته مداوم ایدی آباعنی
 برای مصاحت صیانت نفس ایچون صقلاردی بهی جامه هله کور تیمور کی خار جیلرک بیلده
 اردوسنده قطب الاقطاب بیلده ایش کاه اسکچی صورتنه کاه دوه جی و اشچی صورتنه
 فلان شیخ فلان ولی کورمش یا ایشیر بوقدر صلاح ایلده صاحب کرامت اولق بعید میدر
 دیو مالایعنی سویلیوب ایشیر اسناد کرامت دعواسنده دوشمشلر طالعوام عربستاندن
 قتی چوق حمار لایفهم آبا و امهاتندن استماعله بواعثه داده درلر امدی ارباب بصیرته
 خفی دکلدر که شارع علیه السلام طریقه ایتد او اثر شریفنه اقتفاده مرتبه نواند
 خطبه واردر که صورت صلاحدن کورینوب حیل ظلمی ایلده عالمی تخریب ایدن حاکم

مرایینک بیلده فساد اتنی صلاح ایلده توجیه و قیامتی حسن تعبیر ایلده تأویل ایدر لر تصنع
 و تقلید احکانه یو مرتبه حسن ظن مقرر اولیق فی الحقیقه ورع و تقوی اربانه
 قلوب ناسک انجذ ابی نه وجهله اولق کرکدر ملا حظه یریدر رجعتالی ماکنافیه
 مقدما تر خوبی پاشا و زور ویش پاشا قیو دان ایکن ایشیر ایلده قدیمی دوستلغنه بنه
 درویش پاشا بر نصیحت نامه یازوب حلب منصبنک تحملندن افزون اوندات
 و توابعکروار ایدیکی بو طرفه شایع درحالا پادشاهمز نجابت ایلده کمال فراسته بالغ
 اولوب تیقط و انتباه اوزن درلر بونوعه دکلدر روز را خوفندن احتیاط ایچوندر دیو عذر
 ایدر دیکتر شمدی اول محذور وارد دکلدر نامکتر یوزدن سویانک هیچ مناسب
 دکلدر معقولی بودر که تفریق حشرات ایدوب سائر روز را کی دائرة اعتدال
 و انقیاده مستریخ اوله سن سزده محبت قدیمه مز اولمغله اسانه کلد یکنزری معقول
 کور میوب خیر خواهلر یوزندن مراد نصیحتدر دیو ییلدر مش ایدی اولدخی جوابده
 سز سز مابا مزر سز سزری حقمنده غدر ایلده متهم ایتمز زیور دیکتر جمله ککرچکدر اما باازه
 حسن و قعه سندن برو کلان وزرازه سو قصد دن خالی اولمیوب بزه خروج هم متن
 اسناد ایتیمکه اعدا مزی مراد ایتد کاری جمله نک معلومید رکوز کون اعدایه تسلیم
 گریبان ایتیمک و ناحق یره اولمک کو چدر باش قورتر مق ایچون بوقدر آدم اوزر یمنزه
 مجمع اولمشدر انلرک دخی هر یری تغای اعدایه معرض قتل کلمکه خوفلرندن یانزه کلوب
 تحلیص جان ایچون اجتماع ایتمشدر دیو کیفتمه مستوحش اولان عسکر تفریق قبول
 ایتمز لر نهایت مکر سز صاحب صدر و مالک خاتم اولاسز سزده اعتماد مز مقرر در اول وقت
 عسکری طاعتق مراد ایدر سکر طاغیدر زکل دیر سکر و اریزهر نه فرمان ایدر سکر
 انقیاد اوزن اولور زوالا شمدی اسفشار یمنر و ارایکن ممکن دکلدر دیو یازمش ایدی چون
 حالادرویش پاشا و زور اولدی یو مکاتبات و مجاوباته مبنی ایشیر مکتوب یازوب رضا کر
 و ارایسه حلبی اخره توجیه ایلده یوغیسه اوزر یکنزده قالسون کمدیکتر آستانه یره
 گلمکه مسارعت و عتبه علمیه پادشاهی یره روعال ایلده مراسم عبودیتی تجدید و دخواهلرک
 اراجیفنی ابطال ایدرک صدق و استقامت معامله سنی نایید ایدر سز دیو عشو سابقه
 یشاء استانبوله دعوت و سورسور و زرف ایچون ایشیر مو اصلت ایلدی فامع سواد
 جهان پوردستان سام قولنج ایشیر پاشایه اعتماد کلیموب درویش پاشا نک کندویه
 حقیقی محبتن ییلور کن کمال حزم و احتیاطندن ناشی بونوازش مردم قریب ایلده متخضع
 اولمیوب لیت و لعل ایلده تسویف و تویق متضمن جوابلر کوندردی دفتر ادمونلی
 تدارک و تکمیل مو اجبه ید طول کوستر و بوجه ییلدن پروسیاهی یره بلوکاری
 کجاینبی دور ایتدر بلکه امکان اولمیوب بر علوفه زمانی دخی کلد کله نیجه سنک
 علوفه سی باقی قلو ردی دلا دفر دار مز یوراشبور حج مواجینی تمام دور ایتدردی
 و وزیرک چراغی ایکن انک مقام رضا سنده اولمیوب نوظهور و متحرک آدم اولمغله اندرونه
 انتساب ایچون هدایا و خفیة صره و یروپ حاملر پید ایلدیکه وزیر اختیار آدم اولمغله

و حال اولور سه انك مقامنه كچمكه حاضر لنوب خيالنه افنديستك يرينه مقهي
اولدي رشتن واستعدادني پادشاهه بيلدرسونلرد يواندرون جاتنه بزل عبوديتار
ايدوب موجب اخراجنه وسائر خصو صارد بزل مقدور ايلدي بوشاده پادشاه
هاليتا ه برادر لري شهزاده سلطان سليمان وشهزاده سلطان احمدی سراينه واقع
چشمير لكه حبس ايدوب كندولري اسكدار با نچه سنه كندی غالبا وزير شهيد
اسنادايتدكلري اسناداجلاس تهتمندن نشأت ايتك كركدر بوشاده دفتر دار سابق
صاري علي افندي دامادی احمد خليفه سبكسر لكندن ناشي ابراهيم خان زاده او طه سته
لاله بحني ايدركن مودلي دفتر دارك ظهوري واون ييلدن بروقره مصطفى پاشا مرحوم
زمانندن برواولماشميكن زمان قليله سياه علوفه سن دورايتدريكي ذكر اولند قه
احمد افندي اغاز خفت ايدوب التمش التي ويدي خدمتارين صا توب ماللرين
پيشين آلدقن صكره علوفه دورايتدركمك برهنميد رسته دفتر دار اولسم بو طريق ايله
دورايتدردم هنري وارايسه حاضر حلوا مثابه سنه اولان سنين آيتيه دكيوب رأي
حكيمانه ايله اچيه پيدا ايدوب دورايتد رسون ديدي علمادن صنعی زاده اول مجلسه
حاضر ايش قالقوب وزير واروب التمش التي ويدي سنه لرينك خدماتي صا تلبني
واقعهيد رديكده تقوده اقرب اولنلري صا تلبوغي محقق ايكن وزير افتضا حدن
قور قوب انكار ايديجك يا بو مقوله اكاذيب خلق بيننده سويانك رواسيد بر سفيه شويله
ديدي ديوتقل ايتدكده وزير دفتر داري پاغروب افاده دفتر دار مزبوري اولدن دخی
سومز ايش قهريس دفتر دار لغني فرمان ايله توجه ايتد يروب بر سفينه قه قوب دفتر دارلق
فاميله قهريس نفي ايتدردی ديل اسن باش اسن غريبه جمادی الاخره اوسطنه اولان
اموردنكده روميه شينج مرحومك خواهر زاده سي شينج دنام صاحلي كسسه استانبوله
كلوب خلوت واربعين چيقاروب اول اشنا سنه كندويه كشف اولان اموردن اولق زعيمه
نقيب الاشراق سيرك زاده عبد الرحمن افندي يه واروب بوسوزه ما مور اولمشونكدين ودولت
خريله يوزطوتوب مسلمانلر محنته قالدوغنه سبب شرع شريف ترك اولنوب امراء
دورات مدار امور اولدوغيدرمادامكه واليه سلطان واتباعی تمشيت امون مدخله ايدرلر
فته وفساد چوغالور كرك اولان بودركه واليه سلطانی برآدمه تزويج وسراي همايوندن
اخراج ايله لرديو ابرام ايتدكده عبد الرحمن افندي وزير ايله خبرلشوب شيخه ننيهلر
وصا قن بوييله بي معني سوزلر سويله صكره ضرر چكر سن ديور دغ اولند قه مفيد
اولموب ما مور زديو مصر اوليجق بيورلدي ايله شيخ ديوانه اولمشدر اخلاق عقلنه
هلاج اولنجه دارالشفایه وضع اولنسون ديوسايمانيه بیمار خانه سنه قوديلر اولدوغی
بحر ميني اول كون خدایي واخوان واصد قاسی بساط لطيف ايله دوستيوب احباسندن
كوند بر قاج طبله نفایس طعام كلوب زواری واروب بولسورلردی كندوبو غازنده زنجير
حق سوز سوياديكمر اچون زنجيري بوغاز غره طاقد يلد يكدن غيري جنونه متعلق بر
وضع صدور ايتدی اما خلق اراجيف وكفتمكويه نه استرلر بیمار خانه يه بر شيخ قونش

صير ايله لم ديكره كروه واروب قضيه يه واقف اولد قننه هر بر عقل سقيي مقتضا سجه
صويلوب واه واه استه حق سويلين بويله اولور شيخ الهك امري بيورمشی يا واليه تزويج
اولنسه نه اولور دخی بو كركر خلطيات ككتر ته سبب اولد ينجون وزير شينج بیمار
خانه دن چيقاروب ولا يته يه لادی واليه حقنه تزويجك جوازي صويلينلر مراسم دولت
هسبنجه امكاني وارميدر اولدوغی صورته دولت عليه يه منافع ومضار دن ملا حظه يه
كلن وجوها تي فكر ايتز لودولتك ايتد اسندن بروسلاطين عظام واليه لرينك حقوقه
توجهله قيام ايله كلكلري آداب ملوكانه يي بيلزلر حق بودركه سلطنت عظمی ومهد
عليا مقاملرينك قدر حرمقن بيلينلر وصيات ناموس دولت وحد نجه هر رتبه نك نزه
وتعززي نيه مربوط ايدوكني اكليمانلر مزاج وقت وطبع نظامي خل بعض خصو صلك ضرري
ندر نيچون شويله اولمزدن فكر سز لردر بتم يانله ديار بكرلي شيخ مزبور كي تيمار خانه يه
لايقدر شيخ مزبور مقوله سي مدعيانر نفسنه مكاشف ايسه لرده ماموريت دعوا سنه
اولد قاري صورته قلبنه لايح اولان معاني غيبه يه دواعي نفسيه ايله ملتبس كشف
ناقص نسيه ايله يورلر كه نفس الامر نامطابق رسته كيم فتو حائنه مكاشفات اوليانك
تفاصيل محله مسطور در احراق جمادی الاخره نك يكر مخي احد كچه سي يدنجي ساعت
اودون قيو سي خارجنه باش خانه دن آتش ظهور ايدوب عجمه صغرايه دك سيرة خانه
ويش اسكله سي وكناجيار وزندان قيو سي خارجنه جمله دكا كين وحصير اسكله سي
ياقوب جمله جنجيلر تا ككيرا يره انبارنه وار نجه محترق اولوب ميدانه غزويلر ايله
طوران پرنج وحبوباتي احبابي سفينه لرينه چكوب الارغه ايتكله قورتاروب دكا كين
محر نلرده بولمان جمله يانوب حبه قورنلادی انجی چلبی جامعی و محكمه سي ويار طاق
و خارج سورده اولان با جمله نابود اولدی بوقدر پر نچ و ذ خا ثريا نمش ايكن بامر الله
سفينه لرككله ينه على العاده اعلى پر نچ قرق اچيه يه رايكن صا تيلوردی قاما مرجك
بولموب كيله سي ايكي غروشه دك صا تلبوغي غراي سندن صدر اعظم درويش پاشا
بو بازار كوني قادر غه لمانده اولان سرايدن كو چوب ملك احمد پاشا اولدوغی ارسلان
خانه اردنه بيرام پاشا سراينه نقل ايدوب قرار ايلدي مقد ما كورجي پاشانك وزارت
مور پاشا لغنه رشوت ايله نائل اولان ظلمه دن كورد احمد پاشا موني يه واروب طر اياچيه
محصل اولان قيوچی باشي اوزون يوسف ايله ولايته دخول قصد ايتدكده انده متمكن عمال
ذی قوتدن خليل اغا نام بر آخر ظالم مانع اولوب لوند جمع ايدوب پاشا اوزون يوسف
قارشوقو دقه بعد المقابله منهنرم واخذ اولند قه پاشا ديوان ايدوب بش اون سنه دن
برومون مفتيشي اولان اوزون ابراهيم كه اصله موم مزور لندندر كتوروب خليل
اغانك عا يايه ظالمين اخبار وعرض و حجت يازوب اوزون يوسف مزبورك محاسبه سن
الوب آستانه يه كوندن سز ديويو يريلان امري ابراز ايتدكده پاشا مزبور خليل قيرنداشيله
حسبه آلنوب اول كچه اكسن دخی بوغوب ما ملكرين قبض وميتلرين چار شويه
القا ايلدي مقتول خليلك يورلر داشي آستانه يه كلوب هنر يانلر يله وزير ومفتي حضورنه

پاشا دن واوزون يوسفدن وقاضی اوزون ابراهيم دن شكوى ايدوب ميترك كو كسلرينه
 حاج جزديلرو ناحق يره اولدر ديلرو صباريجه لري عورنلر يره تسليم وارنك اب فحش عظيم
 اينديلر ديو فرياد ايند كده مزبور لك ظلملري اشهر اولغين احمد پاشاقويو جيلراوطه سنه
 ظالم يوسف دفتر دارده مجبوس اولدى وقاضى ابراهيم دخی شكایت خوفندن قبل الاحضار
 استانبول له جان اتوب شيخانه هيمت ايله عبا پوش چقه كلدى قتل بوياجى حسين مزبور
 قيوچي ايكن خدمتار وجوده كتورمكين قيوچيلر كنجدا سى اولمشيدى بعد مغمضوب با كوله
 سنجاغنه آتيلوب بعد ينه كلوب قيوچي با شيلق ناميله بوسال صره اميني اولمشيدى
 نفسنده واجب القتل خبيث ظالم اولوب مباشرت قتل فراوان ايدى بدل جعنه
 چيقد قهر عالمي برباد ايدوب ارلري بولسه عورنلري بيله زنجيره اوروب ذكور و نانات امت
 مري زنجير ده كتر ديردى حال مفتي افنديك لسانندن مورخ استماع ايتمشكه ظالم
 مزبور لك زنجير نره اولان عورنلر دن بعضيسي اول محنته تحمل ايدميدوب جان و يردكه
 مينك كرتنى زنجير دن تخلص اچون كليم مفتاحنى خدمتكار لري استيوب ملعون
 جانلري چقسون ديو اولوي بيله طاشيوب معذب اولسونلر كه انچه بي نيز و يره لر ديردى
 خداى بالضررون ميمته عورتك با شنى كسوب جته سنى زنجير دن اوله چيقار لر دى ديو
 ثباتن استمد كلرين قتل ايدر لر ايتش بويقينه خود سابقا مقتول اولان ابراهيم افنديك
 منزلن الوب قنوت مسلمينك صوبنى ملكا و وقفا غصب ايدوب جامنه و شادروانه
 كتيوب اوجق پسند و ايله قريب اولق اچون طتلوق قيو مقابله سنه منزلى كو شنه سنه
 بر چشمه يا معغه دخی باشلش ايدى كويكه احق ظالمك چشمه يامه سى حيراتن اولغله
 عباد اللهك صوبنى غصب ايتديكنه دخل و اعتراض ايتمه لر صويك احجابى مفتي يه
 تشكى ايتدكلر نره چاغروب منع و نصع بيور دقه سلطانم عباد الله اچون بن بر چشمه
 اچون الدم بر آلاى حريف اولدنده اولقدرده صوبى نيلر لر صو عباد الله اچون دكليدر
 ديو جاهلانه جواب و يردكه منلا غصبه كلوب بره هى اصلا حق خلقك شمي ايله خير اتمى
 اولور عباد الله صوبنه تعرض ايتمه يو خسه سن ييلور سن ديو ازار ايلديلر متنبه اولدى
 حكمت خدا عالا قتلنه خاطر ه كلز بسبب حدوت ايله كيفيتي بوكه بوندن اسبق انا طولى
 و عا سندن برى فوت اولوب صبى اوغلى آستانه يه كلوب پادشاهه عرض حال و يردكه
 نادشاه خط ايله اول صبى يه باباسى زعامتنى احسان ايتمشلرايتش بعد شهيد ترخوي
 پاشا و ز يرايكن بوياجى اول زعامتى استيوب براوشا قده در سفره و خدمته قادر دكل بكا
 احسان ايلك ديمسيله بعد المانع بر طريقيه و رمشيدى مال اول صبى كلوب اسكد ارده
 پادشاه جامعه چيقر كن رفع زقعه ايدى پادشاه بچا نيت سن و سال منا سبيله اول
 كو دكي خاطر نره بواو غلا بحق بن زعامت و يرديكم چراغم دكل ديو مراد بن صورت قهر
 يل پادشاهم بواو غلان اودر زعامتنى بوياجى ديدكلرى ظالم آلوب غدر ايتش ديو خبر و يردكلر نره
 بنى توقف وزيره بر خط يازوب شمدى بوياجى حيسنى قتل ايدم سن و زعامتنى يته صبى يه
 احسان ايلدم و يره سن ديو فرمان ايتديلر وزير درويش پاشا بوياجى بي چاغرتدى

كلدك خوش كلدك ديو قهروده اذن و يروب عباد اللهك صوبنه تعرض ايتمه ضرر
 چكر سن ديو نصيحت كونه سوز ايله اغفال اولدخى وان يم سلطانم يوللريني بوزوب فراغت
 ايدم ديو طشره چيقد قهر عقبجه پاوش باشى يي قتلنه تعين ايدى اردنجه
 چيقوب سنى پادشاه طلب ايتش ديو سراى هما يونه كتور دى بعد العصر ايدى
 قيوچيلراوطه سنه حبس و قتل اچون و يرلان فرمانى كو ستر دكه صلوة عصرى
 قلدرد ديو ابدست الوب نماز قيلوب استغفار يأس ايله قبله يه متوجه و تسليم اولدى
 جلا در بو غوب ميثنى باب هما يون پيشكاهنه القايتديلر جمله ماملكى ميرى يه قبض
 اولنوب بر كوچك اوغلى وارايدى حرم هما يونه الهى كذ لك بوياجى حسنه مانند
 ملا عين ظلمه دن قره شاطر فاجر كه بوده بدل جعنه مزبور بون تبعيت ايدوب كندو
 قسطنطينى آلاى بكيلى اولغله قسطنطينى كاترى و اول حوالى سنجاقلرينى خراب ايتمشيدى
 بو ائنده استانبولده بو لغين اخذ و سياسه قتل اولنوب جزاسى و يرلدى سابقا جوان
 قيوچي باشى مجد پاشا لك شاطر لك كنج افندن نشأت ايتش بر واجب القتل ايدى
 رجيمه سابقا صوبنى باشى او چاق زور بالرينك مصالحت كنارى تورك عمر اغا كه بجه زمان
 محتنى ايكن بعض كسمنه ره رشوت و يروب ظهورينه لمصاحف اذن صدور ايتدكه حماقتدن
 ظهور و لا ابالى او چاق اغا ليله كوريشور دى بر كون بعد العصر اغا قيو سنه دعوت
 اولندى مكرور مزبورى چورباچى ايكن سيلوب نه مفسد خبيث اولدوغنى اكلامش ايدى
 يكيچرى اغاسنه فرمان و يروب حيا در يايه غرق ايتدر ميسنى نيميه ايتمشلرايتش قيو يه
 كلديكى ساعت بوزجه اطيه به تقي ناميله آخور قيو سنه كوندروب لذن قايقه وضع
 ايدوب وزيرك قصرى مقابله سنه كلدكه وزيرك كوزى قرشو سنه اللرين با غليوب
 بلا حق در يايه اتوب نابو دايديلر خلفائى ميرى يه انوب خانه نيميكه سوخته موسى
 منزليدر قيوچيلر كنج اسنه و يرلدى قتل خادم عبدالرحمن پاشا و الى مصر رجيك اون
 برنجى سبت كوفى صره چيقوب بعد پاشاى مرقوم طرف پادشا هيدن دعوت اولنوب
 وارد قده قتل اولندى تفصيلى عبرت انگيز ميثار اليه يولى ايله خزينه دار باشى بعد قيو
 اغاسى و الوب اول ائنده كه وقعه هائله سلطان ابراهيم خان ظهورن گلشيدى كابدن رئيس
 زاده مجد افندى مورخه نقل ايتش اولكونكه سلطان ابراهيمي خلع و مجسمه وضع ايتديلر
 دور دنجى كون ولى عهد تغلب ايدوب وزير قوجه مجد پاشا ديو اندن كند و مسكنينه كلدكه
 آتدن نزولى محله بحسب الا قضا ائنده حاضر ايتش در عقب بر قبه صقال قيوچى كه مزبور
 عبدالرحمن پاشا لك بابا لنى ايدى بر چاقويه بنش سر عتله كلوب وزيرك بك طاشندن دامن
 الوب او يوب سلطانم قيو اغاسى دعا لر ايدر نيز كلوب پاشه سز سلطان ابراهيم محبسن
 يوشاندى ديدكه وز بر اتدن ايتش ايكن دى حال ينه بنوب سراى هما يونه كال استعجال ايله عازم
 اولدى و مفتي يه دخی استبحال اچون خبر كوندروب وار دقلر نره قضاء سابق وجود و يردى
 حتى حين قلمه جلا دقره على ابا و فرياد ايتدكه عبدالرحمن پاشا بر حسيم توانا آدم ايدى جلا د
 اكسه سى كو كنه يومرق ايله اوروب نيز بره ملعون ايتش كورد و پرام ايتدكه قهره على يومرق

صبر بندن یوزی قوی زمینه قیاموردی صکره وزارت ایله طشمره چیقوت چلی کخذ انکه
 اللی کیسه وسائر بره رشتوت و یروب او چیوز کیسه مال بدل ایتمه که مصر ایالتن آتش ایدی
 بعد الصد ان قتل اولمان ترخوچی پاشانک اوزرینه مصره وارد قله طمع یلا سیله محاسبه ده
 جور ایدی احمد پاشا طوغری حسابنه راضی اولوب دفتر و بیحد محلات کوستر دکله
 حقه قائل اولوب مصادره مراد ایدی احمد پاشا دفتر لرم بودر واروب آستانه ده حسابم
 کوررم دیو مقابله ایدی عبد الرحمن پاشا طلب ماله مصر اولدی کیده رک یمنلر ده یمنلر ده
 سببیه برودت و شقاق دوشوب آخر مجلسلر ده عبد الرحمن پاشا حدی تجاویز ایوب
 بودولنک حالی نیجه مختل اولسونکه سنک کبی غیطان باشلی سیاهی به وزارت و یروب
 ملک مصری اینانورل دیو احمد پاشایه طعن اید کله اولدی حیوانیه سپاه پادشاهک
 خالص قوللریدر سپاه او چاغندن امر اووزرا ظهور اید کلسدر اما نظام دولت محل اولان
 جنابه نرماندی ناقصه العقل مثابه سنه بی خیاری وزیر ایتمکدر دید کله عبد الرحمن پاشا
 چونکه بالفعل حاکند رفوذا نک کلامنه در غضبه کلوب احمد پاشایه قالدروب حبس
 ایوب جمله ماملکن آلوب عربان و حقیر آستانه یه یوللادی و محبوس ایکن اوزرینه وافر
 مال دخی بندروب حجت و دفتر نی آستانه یه کوندردی اول حجت و دفتر بلاسی ایدیکه احمد
 پاشا کرچی پاشا زمانی سوال وجوابه ویدی قله حبسنه بعد نفیه کرفتار اولدی حکمت
 خد احمد پاشا وزیر اولد قله ابتدا مصری خاصکی محمد پاشایه و یروب عبد الرحمن پاشانک
 عجله آستانه یه کلسیچون امر کوندروب اخذ انتقام سوداسنه ایدی عبد الرحمن پاشا
 احمد پاشانک صدارتن ایشند کله عقلی کیدوب بیت چوبد کردی مشوایمن زلفات
 بدی راید بود آخر مکافات مضمونجه اکالایدیکی غدر و اهانتک مجازاتی خوفنه دوشندی
 خاصکی محمد پاشا حدود شامه حسته لنوب منسلی مصره کلد کله جمله اتف اقیله
 عبد الرحمن پاشایه یوسف کوشکنه ایندر دیر مذاقی سایمان افندی که صکره کویریلی
 زاده فاضل احمد پاشایه تذکره چی اولمشدر اول وقت دیوان افندیسی ایش عبد الرحمن
 پاشا کمال حزن و غمندن مزبور خطاب ایدوب افندی اسلامیه مصر و الیاری بمقامه
 ترسمی اولند فچه کاتیلری و سوزا کلارا آدمیری حاله مناسب برشی یازوب نظم و نثر ایله در
 و دیواری تحشیه ایتیشلر سنه خی حاله مناسب سبیلوب شود دیوان یازدیش اولدی خی بالمر اده
 بویکی بیتی یازمش نظم غم دولت ایچون عزیزان مصره مناسب دکل اضطراب نأسف
 مذاقی ازندن بودر حال عالم کهی تحت یوسف کهی قصیر یوسف چون عبد الرحمن
 پاشانک هنوز اجل کلیوب بر قاج کونک عمری واریش حبس اولند و خی کوندن
 برهفته صکره کندی نک آستانه یه عجله کتسی باند صد و ایدن امر شریف مصره واروب
 قیو کخذ اسندن و احباسندن مکتوبلر کلدیکه وزیرک حسن همتی وارد سزی عجله
 طلب ایتسی خیر محمد را کتیبوب کله سزیدیشلر مصر لیا و متسلم جدید مسامت
 اید میوب عبد الرحمن پاشا آلای و انشامی ایله کادخل الی مصر و یا بجه اعزاز و توقیر ایله
 همان اول کونک ایرتسی چیقوب آستانه یه متوجه اولدی برهفته دنه صکره زیاده صادق پر

دوشتمدن مکتوب کلوب یازمشکه سز مصرده احمد پاشایه نه اشد یکنیزی ییلور سز
 یوز مبطن آدمدر صور تاسره محبت عرض اید یورلکن صاحب البیت ادری بالندی فیه
 مضمونجه قضیه سابقه خاطر یکنزدن کتیا مشدر اخذ انتقام مقرر در یاق سور و یوب وقت
 چگون سز اوله که بر لطیفه غیبیه ظهور ایلیه بویله اوزر یکنزدن مند دفع اوله دیو نصیحت ایش
 عبد الرحمن پاشا اولدن دخی خواب و راحت ترک ایتشیدی بالکلیه مستشعر اولوب
 مصر دن بروایکی اوج ساعت یور یوب بر قصبه و شهره کلد کله کاه انحراف مزاج کاه
 غیری بهانه ایله بر قاج کون اوتراق ایدوب یقدم رجلا و یوخر اخری کال بطاعت اوزر
 کلاک بره باند ایسه وزیرک کوزی یوللر دهنه زمان کوردی انتظار ایله هفته ده بر اولاق و مکتوب
 کوندروب نیم قرینداش عزیزم نیچون عا جلا کلز سز سز خیر محضه متعلق عنایت
 خسروانی مصمدر دیو یازاردی تاکه قونیه یه یا قلاشدی غیری ایلر و جرأت اید میوب چارک
 ابتدا ظهوری وقتی ایدی قونیه ده اتلرین چارلتمق بهانه سنی تدارک ایدوب اتباعی اولان
 اغار که پاشانک موت و حیاتی یا نلرنده مساوی بر کون اول آستانه یه وارسق یور منصبه
 قائل اولور سه نه کوزل اولتر سه قویروغن دوکوب بر آخینه طاقلسق دیو ایلرویه جان
 اتن مقله حی اصلا جقلری بره جانم یوکیدی نیچون کتیز دیو هر کون کفتمک و ایدر لردی
 پاشا قونیه چارینه کله جکی کون صد اقت امید ایتدیکي اندرون و بیرون اغاری و بانک
 پاشیلردن بعضیلرین تنه پا غروب وزیرک کندویه سو قصصی و ماجرایی ییلد یروب
 یا و انچه یا نجات بولجه نی بکلمر میسر دید کله بعضیلری راضی اولوب الی انقراض
 العمر اغورنده سعی ایتمه نعهد ایدی قونیه التنه وارد قله دیوان ایدوب جمله اتباع
 و اغوات و لوندات و ساری قار شوسنه پا غروب بن یوربع فصلندن اتلریمی بوند چایره
 قویوب آستانه یه کتم بعد پادشاهمزه احوالمری عرض ایدوب یار منصب یا تقاعد رجا
 ایدرم بی بوند بکلین بکلمر المدن کلن رعایتی ایدرم یکلمیوب کتمک عجله ایدن و ارسون
 صاغلوق ایله بندن اذندر دید کله اول معاهده ایدنلردن ماعداسی اتک او یوب انصرافه
 اذن الدیلر دخی بعضیلری قالوب اسکی توبعه منضم اولدیلر چون دیرندی عسکر
 طاغیلوب منتخب امکدار و اصد قاقالیدی پاشا اول فلانلر ایله عهد لشوب ایمان غلاظ
 ایندر دکل نصکره نقد ایکوز اللی بیگ سنکه حسنه التونی واریش اینکیشر اوچو
 بیگ بشرا و نریک کر و کو مالک دکل یروب حاضر ایش اول صد اقتکار اغارک هر برینه
 توزیع ایلدیکه نیم اوغلم او شغام ییقدر اگر بی قتل ایدر لسه بولتونلر سزک اولسون
 روحی خیرلندن فراموش ایتک اگر صاغ آستانه یه واروب یوقضایی دفع ایدر سم جمله
 بومالری باکه ویر سزینده لایق اولان احسانی ایدوب مدة العمر اوغلم و قرینداشم کی
 سز رعایت و چراغ ایدرم دیو قول و قرار ایتدیلر و یوز کیسه لک التون خزینه دارنده
 خر جلق الیقویوب قصوری نفسنه معتمد و مجرب اولان خدام و اغواته توزیع اولندی
 و قونیه ده آتلیری چایره وضع ایدوب بر مفرح یره اوتا غنی قوروب کیجه و کوندز
 مذاقی و قونیه اعیانی و سوزا کلر اغار ایله محبت و عشرته مشغول اولوب آستانه

طرفندن آینه ظهور اید دیو قولا ق قبا ر دو ب هزار و شصت و سه ایله انتظار ده ایدی
بر کون ناکاه علی السحری بر تاتار کلوب سرعتله اوناغه کیروب هموز باشا خواب صبوحیه
ایکین قالدیروب قیو کتخد اسندن کتوردی کی مکتوبی اننه ویردی پادشاه احمد پاشای قتل
ایدوب درویش پاشای وزیر ایدی دیو یازمش و تیر ایش دیو تاتاره بر کیسه مرده اقرار یله
بوللا مش تاتار یوللا رده ایکی بار کیر چا تالدوب ایکی کون اوج کیچه ده قونیه به کلس
بیت دل نهادن پر حقای دشمنان خون خور دنست خصم رادین چو خاک افتاده جان
پروردنست مضمونجه عبد الرحمن پاشایه سرور و امنیت قلب و نشاط حاصل اولوب مذاقی
وسا نند ما و اتباعی چاغروب قضیه بی یلدر دکه مصائب قوم عند قوم فوائد خواستجه
اندر دخی فرط حبور ایلر مسرور اولد بلر پاشا طعام اوزرنده مذاقی به خطاب ایدوب انصاف
یوزندن بهی افندی مرحوم احمد پاشا اگر چه بزه عداوت اوزن ایدی لکن حق عاجد رکه قتلانی
استمردم الله عظیم الشان دن عزلی استر دمکه کند و ایلر رو بر و اولد قده بزه ایلدی بکنر سو
قصه لایق می ایدی بزم جرمنه ایدی دیو استدی کم کی عتبه امکان اوله ایدی دید که مذاقی
بهی سلطانم نیچون بویه بیورر سز دوشمنک دیرسی ایله سویا شمکدن ایسه اولوسی ایله
سویا شمک یکدر قلله الحمد حفظ ربانی سلطانم صیانت ایلدی خوفزدن جانم از مزه
ککشیدی قور تران اللهه چوق شکر دیو مزاج کیر لک قاعده سنجه وافر مد اهنه ل ایلدی
حاصل کلام باز چجه چرخ غداردن غافل عبدالرحمن پاشا متوهم اولد و غی قضادن
زوال خصم ایله نجات بولدم دیو فرحناک اولوب بیت پیش و پس اوراق خزان نیم
نفس نیست خوش دل چون بعمر خود مرک دکرانی مفهومی اوزن دشمن عدا ایتدی کی
وزیر جدیدک النده قریب مقتول اوله جفنی بیلمیوب فرط سرورندن کویا که عید
ایندی کان تاتان موعود بر کیسه بی و یروب اتباعنه توزیع ایتدی کی فلوری پیر اهنلری
و کمر لری جملة آلوب حاللر نجه احسان ایله صد اقلرینه مکافات ایلدی و ایتسی کین کوچ
ایدوب استانبوله توجه ایلدی و جمادی الاخره ده استانبوله کلوب تیمور قیونک قرینه
اولان سرایه تزل و زیره پادشاهه بولشوب هدایا سن ویردی و دیوانه واروب
قبه نشین اولمقلقی وزیر سویلد که طشره منصبه کتکران سب بوند او تور متزده باس
بیق معقول اولانه مساعده ایدر دیو عاقلانه جواب ویردی چون افر اطغنا مطلق و کثرت
مال خارج از حد جسارته مؤیدر عبد الرحمن پاشا کند و طالی ایله تک دور میوب کثرت
مالنه اعتماد او قیو اغالغندن چغمق مناسبتی ایله حرم همایون مقربارندن بعض همراز
همینلری بولمغین صد ارته عمل ایدوب مهر کندیه ویر لکه پادشاهه بشپوز و والیه یوز کیسه
عرض ایلدی بلر اولوقت ایه حال معلوم خزینه ده مضایقه مقرر مزبور ک قیو کتخد لری بو
خصم و صی والیه سلطانه تبلیغ ایتد کندن کوش قبوله قرین اولوب کون لم دیو جواب ویر مکله
قوت قریبه کدی اما وزیر مزبور دن کال اسنشمارده اولمغین احوالی تجسس ایدی حرم
همایون جانبینه انجار ایچه سنی اسنشمام ایدوب لکن صدارت طلبنه چرات احتمال
ویرمزدی عبد الرحمن پاشا تک عقبه مصردن محاسبه دفتری کلوب ذمتنه وافر مال اولقی

اوزن مسطور ایدی وزیر نادیب و کوشمال ایچون مصداق به عازم اولوب کندوی دعوت
ایلدی وزیر و دفتر دار عبد الرحمن پاشا بر لوطه ده خلوت ایدوب دفتری چیمقاروب
پاشا قنداش ذمتکرده شوقدر مال میری و ارتسایم خزینه ایتک کر کسز دید که انکار
ایلدی دفتر دار دفتری اننه الوب بهی سلطانم اعظم مواددن بری فلان قدر جرایا که
پار تعبیر اولنور سلفکتر احمد پاشا ممسک وزیر اولمغله محلول دوشد کجه کسه یه
ویر میوب شومقدار پان مجتمع اولمش سزک زمان حکومتکرده دخی شومقدار محلول
دوشمش بونک جمله سنی سز توجیه ایتمش سز دید که وزیر اعظم خطاب ایدوب بقه
پاشا مقابله توجیه ایتدی اموالی حالا پادشاهه ویر مک کر کسز دیدی عبد الرحمن
پاشا جواب بی معنی و یروب بن اول پان و جرایا تی مستحقینه مجانا ویردم مقابله سینه
پراچه آلمدم دیدی وزیر معامله لطف ایدوب هله وار فکر ایله یو دفتر بکونی تمام اولن
ایسه ده نصفی مرتبه ویرمد کجه اولنر دید که مزبور نهند ایدوب نیم اچیم یو قدر زه دن
ویریم دیوب بیروا قاقوب کتدیکندن وزیر ایله دفتر دار بونک وضع دکلدر
دیوب پر خوشجه تفقد باشلدی بلر مزبورک عقلای اتباعی که حرم همایون جانبینه عمل
ایتد و کنی یلور لردی وزیرک طلب مال ایله تعجیزدن خوفه دوشوب کندویه دیدیلر که
سلطانم صدراعظم لریوک آدمدر در انلر ایله سویا شمش سزی استثنای ایتدی نستر
و تحفظ ایچون بر مقدار مال فدا ایدوب بنی البته طشره مناصبک برینه کوندر دیو
یا وار مقبل مجد و لکه شرنندن امین اوله سز ماد امکه سز طلب منصب ایله انلری
اغفال ایدمز سزایش مشکل اولور دیو هر سیاعت نصع ویند ایدر لردی ایدر جک اولور دی
وزیر و اردقه ینه قبه نشینک طلب ایدر دی کتدی کجه مستنقل اولمغه باشلدی ساده
دل طواشی بلاهت و غیاوتدن ناشی حرم همایون طرفندن کلان وعدی نقدیلاوب
احوال روزگار دن غافل و راه پرده دن عاقلانه مصاحبت کور مکمل مبتدی و راجل اولمغین
بو امر عظیم طویلر و سز لری و بوقدر اچیه وعدی ایله قوت قریبه یه کلان ایش و دخی بزلنر
زعمنه دوشوب حرم همایون جانبینه مستعجلانه خبر لرو وزیر رعوت ایله جوابلر کوندر مکله
سر رشته ویردی مقربان حضرت شهریاریدن بر متعین غلام خاصکی اصلند وزیرک
چراغی ایمش قضیه دن خبر اولوب وزیر بر تذکره یازار افندم غافل نه طور رسن خادم
مهری آلدی دیو اعلام ماجرا ایدر کذا لک والیه سلطانک باش اغا سی دخی وزیرک
خیر خواهی ایمش اولدخی واقف اولوب بو وجهله بر تذکره کوندر اول ساعت وزیر
تاخیص یازوب پادشاه عبد الرحمن پاشا لالاک ذمتنه حالا مصر مالندن ایکی ییک
کیسه واردر مصردن دفتر کلدی بوقدر کوندر دفتر دار قوللریله طلب ایدر زور مکله
هناد و مخالف ایدر مقتول احمد پاشا مانده محلول دوشن جرایا بی صاندی اچیه سن
استر زین انلری مجانا مستحقینه ویردم مقابله سینه اچیه آلمدم حالا پراچه یه مالک
دکلم دیوب مال میری بی کتم و عناد ایدر یورسینن سابقه دن شوقدر قول زیاده ایدوب
خزینیه مضایقه ویردیکنی تهمت ادراک ایتمیوب مستحقینه مجانا محلول ویردم دیو

جواب ایدر عمر و والد جنت مکان سلطان ابراهیم متعین قائل گردن اولوب اولوقت
قبو و اغاسی بولمغله بنفسه قتله مباشر اولدی الان سلطان شهیدک خون ناحق ايله آلوده
اولان قهتانی صندوقه سنه تیرک زعمیه صاقلیوب بعض معاشرینه اظهار اختیار ایتدی وکی
مقرر در اول ایام فترت اموال عظیمه ایتدیوب طشره چقد قتل پادشا همک تیغ
قهریله جزا رین بولان اوصاف اغالینه بر قاجیوز کیسه ویرمکه بلا استحقاق مصری
انلرک تغلی ايله تحصیل ایتدی وکی معلوم همایونلریدر مصرده دخی خزینیه کلی ضرر
اولوب حالا بوقدر یسک غروش میرییه مدین ایکن دینی ویرمیوب مهر ایچون پادشاهمه
بشمیر کیسه عرض ایلش دیو کندی ولسانند ن شیع بولشد بوقه مواظاتی و بی عقل
کسمه نی حاشاکه پادشا همزه خدمت شریفارینه لابق کون لر زور بالق وادیسندن
ظهور ایتش بونک کی فساد مائل کسه یه رخصت ویرمک ضمنه نجه محذورات
وارد در تغلیب دولته آلتش خیانت ولی النعمه مألوف اولش بوقه محذورات لک
و نام امور تسلیم اولنق دکل وجودی ازاله اولنق دولت علیه لینه منافع عظیمه مقرر در
قتل اولنق قچه پادشاهمه اولان ایکی بیگ کیسه دینی ویرمک احتیالی بوقدر نصح
ویرمک ایتمکن عاجز اولنق حقندن کلنوب جمله مالی طرف همایوندن اخذ اولنه دیو
عرض ایدوب کوندردی و اولد سلطانیه بر تذکره یازوب نیم دولتلو افندم بر زور با
تا تمک مالی ورتبه عقل واد راکی نه اولسه کرکدر پادشاهمه ایکی بیگ کیسه دینی
وارایکن بش التی یوز کیسه سنه رغبت بیورلق رو امیدر طرف همایوندن روی دل
کورمکه دینی ویرمکه عناید ایدوب بش التی یوز کیسه عرض ایلدم مهری السه
کرکدر دیو عرض دولتی تشهیر ایلدی کیمک مالی کیمه ویرمک قدر دینی واریکن تحصیل
اولنم یوب جزئی شی ايله مهری آلوب دخواهی اوزن خیانت شروع اینسه کرکدر
بونک معقولی قتل اولنوب جمله مالی قبض اولنق قدر دیو تصصیلا بیلدی ویرمک مصر دن
کلان دفتر ی دخی کوندردی ناخیس و تذکره و دفتر وصول بولد و غی ساعت قتل
ایلیه سن دیو ناخیس کلان اوزرینه خط یازلدی خط همایون کلد کلد ویرمک مستریچ اولوب
تکرار بر ناخیس دخی که مزبور چونکه وزر اندر حضور همایونه دعوت اولنوب جزاسی
اندر ویرمک کرکدر دیو یازوب حاضر ایلدی و عبد الرحمن پادشاه آدم کوندر ویرمک چاغروب
کلنک یه کالاول رتبه سنه لازم کلان توقیری ایدوب پادشا قرنش دمتکرده
اولان مال میری بی نچون نسایم ایتدی بکر دیوب صورت عتاب کوستر دکل غافل
عبد الرحمن پادشا قضیه دن خبری یوق یه کالاول انکار ایدوب نه نیم ذممه مال میری
وارد رونه ویرمک بر اچم وارد دیو مغرورانه جواب ویردی وزیر بر زهر ناک چهره ايله پادشا
قر داش مهر طلمنه ایچریه مال عرض ایتمکه اچم بولور سن بورجکی ویرمکه تعجب بوقدر
دیو عناد ایدر سن روی تمید کوستر دی یه اصلا منفعل اولم یوب بزه افترا ایتش لاقچه م
یوقدر دیو عناد ندر مصر اولدی وزیر باش صاللیوب خوش ایددی مال پادشا هکدر
دیلر سه السونلر دیلر سه یاغشله سونلر غیری یز قارشماز دیو سکوت ایتدی عبد الرحمن

پادشا وزیرک بوضع عجز ویا سنه حمل ایدوب قلعوب سراینه کتدی عبد الرحمن پادشا
کتدی کی کی پادشاهم سرکتر دوب قتل ایدم سر دیو یاز دینی ناخیس وزیر ایچرو بولادی
عبد الرحمن پادشا سراینه کلوب مذاقی وغیری ندیلر یله ماجرای در میان ایدوب ایچروده
مصاحبت سویاشن قیو کتخدا سنه تذکره یازوب قضیه نجه اولدی بومرتبه دنصکره
تاخیرک معناسی ندر وزیره حکایه منعکس اولش بکون بزه سرزنش ایدوب عجز ویا س
علامتی کوستر دی بکون البته حصوله کلکه سی لازمدر دیو با سوسیه کوندردی
اول جانبدن دخی جواب کلدیکه انشاء الله تعالی بکون یارین ایش بتر الم حکمه سونلر
دیش بوخبرک وروند ندر بیت امور تفرح السفهاء منها و یجشی من عواقبها اللیب
فخو اسجنه عبد الرحمن پادشا منون و مسرور مجلسند اولان محرم لک عقلاسی ایا بوامر
محظورک عاقبتی یه منجر اوله جقدر دیو ظاهر اشادان و باطن متفکر و محزون مصباحیه
مشغول اولدی لرم غزیه کواذب الامال جزیه جواذب الالجال دقیقه سندن بی خبر عبد الرحمن
پادشا مطمئن خاطر آب و تاب ايله مصباحیه و بعض سرکد شتی حضار حکایت ایدرکن
آنی کور دیلر که بوستانیانن قوز بکچی دید کاری بوستانی بر پا بونه بش سر عتله سرای
حولیسنه کیروب یوقارو جیقوب کلوب پادشا ناک اتکنی ایدی پادشا ناک اول آن چهره سی متغیر
اولوب ندراسکی بیلداش خیر اوله دید که خیر در سلطام سزری پادشاهم ستر دید که باش
اوزرینه شمیدی واریرم دیوب بوستانی یه یز غروش و چوقه و فاش ننبیه ایلدی بوستانی
احسان ایلغله طشره کتد که مذاقی و کتخدا اسی و ندیلر ندر بعضی قرشوسنله
ایدیلر انلره نأ سف کونه خطاب ایدوب صانع النک ایهام وو سطاسی فسکه و داع
شکلنله تصدیق ایلدیوب کتدی عبد الرحمن پادشا آخرت حق حلال ایلک دیدی انلر
دخی کرچه ایش بکه منجر اوله جغنی ملا حظله ایدر لردی لکن تسلیم کونه جواب ویرمک
سلطانم نچون و همه طالب اولور سز پادشاهلر وزرانی علی الخصوص مصر و الیرینی
چاغروب بعض سوال و جواب ایدم کلشادر ووزم ما موانر غیریدر نچون بد فال ایدر سز
دید کلر ندر آه حسرت چکوب بره هی احمق بن بشور دیکم آشی بیلورم اوزرینه صوق
صوق و دیلر بکا بوندن صکره نجات متصور دکلر ردیوب آت اعمار لدی مذاقی کوکلندن
بزاجق دکلر بویه اغزه صغیمه جق آشی بشور ویرمک ایش پادشا ردم دیو کندی و آتش
حرمانه القالیدن احمق در دیدی اما بهر حال ولی نعمت غی ايله مغموم اولق لازم پادشا
آبدست آلوب برقاج رکعت نماز قیلوب توبه و استغفار دنصکره خزینیه اوطه سنه
کیروب اوغلی شکلمه دینی رایکی مهمان اوغلانی واریادی انلر ظاهر بر مقدارشی ویرمک
بعده اینوب دارات ايله اته سوار اولدی مذاقی و محرم لردن بعض ثقاتدن استماع
ایتمک اوزن معن زاده مرحوم دیر ایدیکه مصر ده بیگ برالتونه برکیلان آت آلتشیدی قبل
کی براسب کوه قیافت ایدی کندوسی افراط اوزن بالا قد عظیم الجثه شخص تنومند اولمغله
اول اتدن ماعد ابر دابه رکونه تحمل ایتدی بکندن دالما اول اته سوار اولور مش اولوقت سراج
باشی اتی بک طاشنه چکوب پادشا ناک نزولنه منتظر ایدی بامر خدا آت سهیل چکوب

فریاد ایدوب اوک ایا قلمیله زمینی حفر ایدوب کوزلیدن قطرات اشک دوکوب انسان کی بکا
 و جنر ایش پاشا ایدوب انی بوسالده کورد که بکانولدی دیو صودی سراج باشی سلطانم اوج
 کوندر بوات یم یز کیجه صباحه دک بویله سهیلی چکر بکون یک زیاده ایدی خسته لکیمه یوق
 اصلنی بلم دیدی پاشاده اغلغه باشلیوب غا لیا اجلر کلدیکی حیوانک بیلده معلومی
 اولمشد ردیوب کوزنی سیلهر ک سرایه متوجه اولدی بوا لندن اتباع بیننده بر غریو
 و فریاد قویدی که تعبیر اولنر پاشا تیمور قیودن اچر و کیردیکی کبی بوالقوی قیما دیلو
 اتباع جمله قیواو کنده منتظر او تور دیلر پاشای حضور هما یونه کتوردیلر بیر او پد که پادشاه
 خشمه عتاب ایدوب بره سن ذمتکه اولان مالی نچون ویر من سن دید که شتو کتلو خنکارم
 جمله ما لم سز کدر ویره یم دیدی سن نیم خزینه می اکسلدوب قوللرمی چوغا لئش سن
 دید که خیر پادشاهم توجیهاتم و حسام کورلسون دیمکه قلمدی پادشاه قالدرك شتونی
 دیو خشم ایله اشارت ایتد که بوستا نچیلر حاضر لئش ایش پاشای حضور دن چیه قاروب
 قیوار اسنه کتوروب بو غدیلو نقل ایدر لکه بکرمی قدر توانا بوستانی بو غجه یه دک کوجله
 ظهیر بوشلر بویله بر توانا طواشی ایش لباسنی صوب مینتی بر حصیر اوزرینه وضع و طشره
 بر اقد قلمده جمله اتباعی بکا ایدر ک طبا غلدیلر مکر کندوسی سرایه متوجه اولدوغی کبی
 دفتر دارو نائب واروب سرانی جمله اوطه لرینی مهر لشلر بوقدر ییک کیسه لک التون جانب
 پادشاهی یه انوب ماملکی میری یه قبض اولندی مذاقی افندی ک سععی ایله مینتی
 قالد رمغه اذن ویر یابوب غسل و تجهیز و تکفین اولنوب عاد تاجوزده ایله جنازه سی قار شتو شاه
 قوی انکه سنه کوندر یابوب انده دفن اولندی مذاقیدن منقولدر که پاشای مرقوم آق
 خادم لک اشجع و اکرمی خوش طبع و سخندانای ایدی علما و شاعر قدرین بیلوب مستعدینه
 احساندن عالی دکل ایدی لکن حب مال و جاهه زیاده منه ملک اولغله اه مقام صدارت دیوب
 مهر دیر مهر ایشیدر دی ویر کره اه وزیر اعظم اولسم بر اید نصمکره اولدو که غم یز م دیدی
 و مد العمر حرم پادشاهی پرورده اولغله مکاید روزگار دن غافل ضعیف الرأی ساده دل
 ایدی حرم همایون و عد صدارت عدد ورنه خود کمال حرص و شره بلا سیله اولانجه
 رأی و تدبیری دخی فراموش ایدوب حیله اعدایه و جود ویرمز اولمشیدی من نام عن
 عدوه ایقظه المکاید مفهومی تمام حسب حالی اولدی افراط شوق و شغبندن سرینی
 دخی گتمه قادر اولوب اتباعنک اکثر نبی بوا مر محطون محرم ایتد یکندن ماعد اظهار تملق
 ایدناره فریفته اولوب کشف راز ایدردی مثلاً قضایان برهم شهر یسی و اریدی قتلندن
 بر قاجکون مقدم کندویه کلوب بر قضا با سنه قاضی عسکره بر تذکره نیا زایلیدی
 تذکره نبی ویر میوب الم چکمه وارد عاده اول بر قاجکون صبر ایله انشاء الله تعالی ایشنک
 تذکره سز بتر دیو نچیلر ایله سرینی عالمه طویر میس ایدی بومشربله وجود ایش
 واکرچه طواشیدن ایش لکن نزاکت طبعی مقتضا سنجه بعض محایب معصومی
 توبه ایدوب حسن خداداده عاشق و دست نوازش ایله ملاعبه یه محب صادق ایش
 بوا شاه حبس اولن ان سالف الذکر اوزون یوسف که اظم الظالمین ایدوکی مجمع علیه در یوز

اوتوز کیسه سید ایدوب مون لی دفتر دار حایه سیله اطلاق اولندی شاکیلری مون لی اق
 حسن نام قاضی و بعض بکچری لکن ولدن مصادره ایتد یکی ماللرین طلب ایتد کورنه
 بزه حر یفلرم و ارایسه میری یه الدیلر سزه نه ویره یم دیو خشونت کوستر دی
 دفتر دار التماسیله بکچریلری اوطه باشیلری ایقویوب مباد آق حسن ایله رفع رقعده یه
 مبادرت ایدلردیو منع و تخویف ایتدیلر آق حسن قاضی عسکر حسام زاده یه واروب سلطانم
 شکات ردع و زجر اولنور می احقاق حق رحا اید زدید که قاضی عسکر دفتر دار خبر کوندروب
 بو شکات اسکات اولند قجه اولنر صکره سکاس قطلق ظهیرینه مؤدی اولوردید که
 مساحه ایتدیلر اوزون یوسف ایسه شمدی ویردیکی یوز اوتوز کیسه یم و مقدم حاصل
 اوله لی کوندر دیکي جمعا دورت یوزیک غروش آلدوغی دفتر ایدوب بعض محایب
 بکا ظالم دیر لر بندن بوقدر اچمه اندی بن ظلم ایتسم بوا قجه یی کیدن الیم دیو عرض
 دولتی محل سوز لر سوبلد یکی وزیرک مسیحی اولوب کندونی چا غروب بر مصاحبت
 بهانه سیله طشره یوللادی در عقب چاوش باشی یه قتلنی امر ایلدی ایکسی معا
 نود بان دن اینر کن اوزون یوسف متفظن اولوب دال خیر و فرار سو داسنه دوستد که
 چاوش باشی بزه اورک شوملغونی دیمکه خلق او شوب یقوب نردبان ایاغده بو غوب
 لاشه سنی جبه طانه اوکنه القا ایتدیلر شاکیلرک حقوقندن غیری بویقینده تخلیص جان
 اچون استقراض ایلدیکی یوز کیسه قدر مال قتل ایله تلف و خلق بوقدر ضرر چکدی لکن
 عباد الله اول بلیه ناک شرن دن قورنلق ایله تالنه دعاء خیر ایتدیلر بوا شاه آسقا نه یه شکات
 زیاده کلوب سیاوش پاشا دن شومنی و غیری ولایتلر و سلسلستره یالینسنده اولان مواضع
 اهالیسی شکوی ایتدیلر کذلک خاص سیمواس ترکا نلری نکه لو پاشا کتخداسی صانلشدن
 شکایت ایدوب بزر که ظاهر سیمواسه ساکن بدیو زخنه ترکا نلر بوش غروش بزدن زحاری
 آلوب واولی کلان رسوماتدن زیاده آلوب ظلم عظیم ایتشدردیو فریاد ووزیر دیانته چقدیلر
 خصمکر ایله کلک دیو دفع صورتن کوستر دیلو نکه لو پاشا ایسه استانبولده و صانلش
 غمتی ایدی ترکا نلر فریاد ایدوب بهی دولتلو بر صانلشی شمدی قنده بولای پاشاسی بونددر
 سز ننبیه ایلک احضار اولنسون دید کورنه تعنیف ایله ترکا نلری طشره ایتدیلر انلرده
 مفتی یه واروب احوال لرین بیلدر دکر نکه افندی دخی بر زمان مختیرانه سکوتدن صکره
 ابواصل احوال جمله معلومزد در بزدخی وزیره خبر کوندر لم دیو دفع مجلس ایتدیلر ملک احمد
 پاشا روم ایلمده خسته لئش ایدی قیاس سلطان رجا ایدوب خط همایون ایله آستانه یه
 کلبسته اذن الیو یردی روم ایل ایالتی مقدم محرم خاصدن چیقان مصلی پاشایه ویرلدی
 ماه رجب نصیفند علی افندی زاده عجم محمد افندی واسطه سیله مفتی افندی ایله
 باریشوب کورشدیلر زیر مقدم ما یوزیشوب مفتی حقنه قتی چوق ناسر اسوز سوبلش
 ایدی شمدی بعد المصافات واروب ادرنه یه طالب اولد قده منلا بومقدار کلمات قبیحه سنی
 تقریر ایتد که اعتذار صد دنه سلطانم معذورا له اسیری محمد کی شخصه بوداعیکر
 طور رکن ادرنه ویرلد بکندن مسلوب الاختیار اولدق اول حریف اول من اشتی الکعبه

دگلیدرونجاتی اوغلی اول من اشتری المدینه دگلیدرمکر بروسه یی کند و له
ویرمک اوزن بارشلوب مقدما اول وجهله سینه صاف اولمشلر ایتمش منلا حضرت نوری
لطیفه یوزندن بلی اولنر اویله در اما اول من اشتری البروسه دخی واردرد یوب مخدوم
مزبورک وصف حالی کایه ایلدی بروسه امری مکر مخدومک قویندن ایتمش چقاروب
پشتخته کنارنه قویوب سلطانم بروسه یی صایمک همان بزی سلیمانیه ده فرض بیورک
القی سنه سلیمانیه ده قنقی مدرس مکث ایتمشدر دیوب ینه زبانه رفیع صوت عزم بالا
قلدقه ایلدی سزی دورت آی ایله ادر نه قاضیسی ایتمکدن قایچرز اویله جه ایلده لم
دیوتراضی بولندی شعبانده اولان اعاجیبند ندرکه قهوه جی شعبان یازیجی که مقدم محرم
خاصدن نه کیفیتله چیقوب انک علوفه سنی استکثار بلا سیله احمد پاشا تاف
اولدوغی مسطور در حال پادشاهک مقبوله دادیسی ملکی قادینی الدی مزبور ملکی
والده شهیدک مقبوله سی ایکن پادشاهه سوء قصد بنیلدروب اگر صدق و اگر کذب
مخدومه سن افتایه و پادشاهی حفظ و انقایه سبب اولمشیدی حالا مزبور شعبانیه
ویریلوب مکر پاره یه قریب شهرت پیدا ایلدی و قوجه سی شعبان دخی تعین
کسب ایدوب مرجع انام اولدی حتی ینه مزبور لر زمره سندن برسرایی طوتان سیواسی
عثمان چاوشه یشل بیراق اغالغن الیوردی آمدن ایلی هندیه ندن اقدام طرفی سلطنتدن
نامه هما یون ایله سید محی الدین هند پادشاهی طرفه الحیاک ایله کوندولمشیدی حالا هند
پادشاهی شاه جهان دن دخی سید حاجی محمد نام مکلف ایلی هدایای کرانه ها ایله
کلوب اواخر رجیده آستانیه وصول بولمشیدی رجبه یکرمی اوچنی کونی رجج
علوفه سی اخراج اولندوغی کون دیوانه واروب پیشکشنی عرض ایلدی جمله اوچدی
قیمت تحف که مجموعی اوچبوز بیگ غروش تخمین اولندی بری برسر غوچکه اوزرنده
برالماس مواجهه شریفه ده اولان الماسک چرمندن راجع بر قلیچ و بر خنجر ایدی و کفن
ایلی علمادن اولغله وزیر ومفتی وقضاة عسا کروسا رازکان دولت بر رعالی ضیافت
ایدوب مجلسنده فضلا و عرفادن آوازه کلامه و تزیین بحث و مقاله قادر ادیب و کامل
کسه لری حاضر و ایلی ایله مباحثه علمی و مصاحبت لطیفه ایتدر لر ایلدی و هر ضیافتی
بردلار ایلده و عالم ارا قصر لده ایدوب استانبول اولان اما کن غریبه یی سیروتاشا
ایتدر دیلر حق بودر که بر ایلی یه یوقدر رعایت و توقیر اولندوغی مسموع دکلدر ایلی یه
اکرام تام اولندقدن صکره هند پادشاهنه جواب نامه یازیلوب زمرد قبضه لی
برخنجر و یکرمی جاریه حسنا و بر مکمل بساطلی آت که جمله رختی طقسان کیسه تخمین
اولندی بوجله هند پادشاهنه هدیه و ایلی یه الی بیگ التون و بر کورک و بر مکمل آت و وروب
یا نجه بر ایلی قوشلق خصومی مشورت اولندی معتاد قدیم علمادن یا خود کتابدن بر مرد
کاردان یا خود عرفا و ابدان بر متکلم سخندان کوندولمک ایکن اول شرط لازمه تقید
اولندوب صالح پاشا برادری ذوالفقار اغا الحیاک طالع اولوب بن خرقه استه تم
کند و کپسندن خرج ایدرم دیگله استه تم یوقانده لوهم مناسب دیو اوچوز کر مناسب

بولد اش شکنده اول خر لایفهم پوشناغی ایلی تعین ایتدیله با انکه پادشاه حضرت نوری هند
ایلی سنک فضلنی و واردی مجالسده او لنان مباحثه و مناقشه یی استماع ایدوب خصوصاً
یهایی افندیکن یا لیسنده ضیافتی مجلسنده استانبول بوغازی نه غریب واقع اولمشدر صددی
آچلدقه ایلی دخی استخوان صورته ملهمی مرحوم یوقطعه یی نه کوزل دیمشدر حق تعریف
بولدن زیاده اولندوبو ایراد ایتمش قطعه شعب و غوطه و ابله وسعد در جهان شهرتی
جنان دارد هر دو بوغاز شهر استانبول در جنان شهرتی جنان دارد بو مجلس
و قطعه عینی ایله پادشاهه نقل اولمش ایتمش اکا بناء پادشاه بر عالم و کامل ادم ایلی تعین
اولنسوزن زیر ایلی پادشاهلرک آب روییدردیه بیورمشلر ایدی کی تعین ایلده لم دیوزیر
ومفتی مشورت ایدوب بعض اهل معارف سوق اولندقدن بعضی دیگله شمه یی بر وقور
یازار سوزا کلام آدم تعین ایدر سکرو یریه جک خر جلقدن ماعدا کلدکه بر تعین کسب
ایدوب دعوی استحقاق و استیجاب ایله رعایت اچون ثقلته باشلر اولدخی باشنه بر عمل
اولوردیو ذوالفقار اغاده قرار ایتدیله و اکادیدیلر که واریایلی یه بولوش بعد سنه بر عالی
ضیافت ایدوب اختلاط و الفت تحصیل ایله اما مجلسه ساکت طور بر سوز سولیه یمدرکن
خلط ایتمه دیو تعایم ایتدیله اول اشک دخی احتشام مالا کلام ایله واروب ایلی یه
بولوشوب ایلی تعین اولندوغی افاده ایتدی و ضیافته دعوت ایلدی معن اوغلی
مرحوم نقل ایدر که سوزا کلام قسمندن کسبه یی دعوت ایتیموب شعرادن فقط جویری
چلبی یی وقاضی زاده لیلر طر فاسندن ابواحمد اوغلی چاغر مشیدی بواکیسی ایله دوستلانی
اولغله یونلره اعتماد و مجلس محرم ایلدی که یونلر ایلی مصاحبت و کندونک سقطاتی
اولورسه حسن تدبیر ایله مرمت ایدلر جورینک حالی معلوم ابواحمد اوغلی ایسه طالب
علم زینه مشابه عوام قیافته متمول تولیتلر طور حانجه او قور یازار و مفرط تعصب
ایل شهرت بولش اما خفیه طرفا محبتلر ینه داخل اولوب لایالی وردقیه فتنه زهد
وصلاحی روپوش ایتمش همراز طرفین بر متعین حریف ایتمش ذوالفقار اغا بر عالی ضیافت
ترتیب ایدوب اطعمه متنوعه ییغندلخنه دن ایکی اوج نوع طعامکه زنجبه انفس نفایس اولق
اوزن طبع ایتدر مش ایلی کلوب او تور دقه فضیاح صحبت قنی چوق هله طعام دوستندی
لخنه میدانه کلدکه ایلی یه خطاب ایدوب هند اقامت لخنه وارمیدردیو سوال ایتدی
ایلی دخی ذوخاصه اولیان نباتات بارده اقالیم معتدله ده قنی آریونلور دیدی ایلی سنک
نه دیدوکنی اکلیوب سلطانم یون نافع شیدر روحه قوت و بر دیدی ایلی خنده ایدوب بر ماده
و یچ اولدیغنه شمه ییوق تقارب حر و قدن غیری روح ایله مناسبتی معلوم دکلدر دیدی
نه ایلی سنک نه دیدوکنی اکلا دی و نه خنده سنک سبب بلدی همان احمقانه متابعتله کندوسی
دخی قهقهه ایدوب سلطانم لطیفه خوشدلر اما یوق تحقیق قدر که ارناودلرک غدا سی جکر اولغله
عقلاری زیاده در بوشتا قار لخنه یدکلر یچون توانا و همادر اولور لر دیدک ایلی یه بر غضب
دقیق مستولی اولوب بیور دیگنر قاعده اوزن ارناودلر جکر دارو بوشتا قار مستریم
روزکار اولق اقتضا ایدردیو منقبض اولدی جویری و ابواحمد سوزا مانی اکلیوب قهقهه یی

بی اختیار ایله لبر تراولوب طعام اوزرتده کولمکن دخی استخیا ایدر لر خنده خجالت آلود
 کلو اینی سید ایدوب طعام بیله نیمدیلر هله هر نه حال ایسه سفره قالقوب اوزم نکرم
 تکمیل اولندقد نصبره کیمه جک وقی ایلحی به انشاء الله تعالی جنبه نر ایله یوللرده ذوق
 وصف ایدرک کیمه رزیدیکه ایلحی دخی اوت سیر و سفرده چوق اعاجیب غریبه تماشا سیه
 کسب نشاط اولنور همان الله تعالی هر طالع سلامت و یره دیوب قالقدی و سبحان من خلق
 الیقر علی صورۃ البشر صحتیه مغتنم اوله چوق نه کوزل رفیقمز واردیه رک مکانه کندی
 مجلس صاولد قدن صکره جوری یی و ابو احمد اوغلی الیقویوب شوکدی ایله ایو
 مصاحبت ایتدی می انلر دارچین قرنفل ایله افتخار ایدر لر متاعلرینی بزالماسق عجباً کیمه
 صاتر لردی زده ولا یتزک یاد کاریله افتخار ایدر ز اوبکاهب اصطلاح سویلدی بن
 قباتور کجه ینه کسویاشمدیم دینی چونکه برمتعین مالدار حریف و ایلحی که انتخاب
 اولنش وقتک ملتفتی تحجیل لایق دکل تفهیم و تعامیه قابلیت یوق نه چاره سته ت
 ایندی لار اما جوری تحمل ایدم میوب سلطانم بویه مجلسلرده مصاحبتنه سزاند ابلک
 و صد دکلانی سزایچمه هوس اینک محله مناسب برصدی البته اول ایراد ایدوب سوز
 اچار اولزمان سزمناسبتنه کون سویلک یاخود سکوت ایدوب دیکلک البته اول مذاق
 حاضر ینه مناسب شی سویلر سز دخی محله کون یا سویلر یاد کلر سز دیو نصیحت ایلدی
 باز بر خطای ایتدک دیو منفعل اولدی خیر خطا ایتدیکر لکن مناسب اولان بودردیوب
 کتدی لار ابو احمد اوغلی معن زاده ایله کرم الفت ایش واروب ماجرای نقل ابلش عین
 انصاف ایله نظر اولنسه علما و کتاب و عرفای جمیل الادب و ایلحی عوامدن بویه آدمیری
 مطلقاً مالنه رغبت ایله ایلحی که کوند رملک لایقمی و بومقوله فصیحیه عرض دولتی صیانت
 موافقمیدر عقلای استانبول عموم بو خصوصی استقباح ایدوب بهای افندیلک رضا
 و یروب موجه کون دیکنی غایت مرتبه استعرا ب ایلدی لره هند لچیمی بدین صکره وزیر ایله
 کورشد کد نصبره سزک ایلحی کتر بزمه معاننده و اصل اولمقد صعبوت عظیمه واردر
 زیر بزمه او غرار از امام بزمه دوست اما سزکله دشمند راما بوضو و رن ایلحی کتر بزمه ینمه
 او غرامق مشکدر مکر مکرمه ده مفارقت اید یوزدیوب لسان حاله ایلحی ک
 استصحبانه عدم رضاسنی اشرا ب ایلدی امار و جانبک اول مقوله قایق حاجتی دکل یک
 معقول دیوب حجازه دکل سزکله رفیق اولسون دید کلر نده ایلحی دخی ناچار راضی اولوب
 حجاز بولندن چکیلوب کتدی لار بر قاج سنده نصبره معن زاده مرحوم ایلحی که ایله هنده
 کوند رملشد ایلحی استمه اول مقوله سوزا کلر ادیب و لیب اولمغه محتاجدر که هنده کیدوب
 کاورکن اولان سرکد شتی و هند یاد شاه ایله اولان صحتلری و حکیمان مکالمه و مجاوبه یه
 متعلق لطایف حکایتلری ان شاء الله تعالی محله کله کسه کرکد راسته کمال تاریخه موفق
 اولور سق بتفاصلها تحریر اولنسه کرکد راحوال دونهار و زحضرده قیودان پلوش اوغلی محمد
 پاشا دونما ایله چیقوب بوغازی خالی بولمغه آق دکره رولنه اولمشیدی کرکد واروب حاینه ده
 دورت کون ارامد نصبره اون ایکی پیک کیمه جنبه خانه و مهمات قویوب جزیره نیک

جنوب طرفنده کناره سلسله نام حصارک خلقی اطاعت صورتده سرکش کفار اولمغه
 دورت پان طوب ایله محاصره دنصبره شعبانک یکرمی دوردنجی کونی فتح ایلدی بیک
 یشیموز قدر اسیر النوب بر اولقدر دخی طعمه شمشیر اولدی سردار طرفندن اجازت
 اولمغه مزبور قلعه خلقی مطیع خراج گذار ایدی دیواعتراض اولندی قیودان پاشا
 اورادن دونوب یوز قدر کیمه ردوسه وارد قدر التمش پان قلیون و چکدری و کفارد و نماسی
 کلوب طشره ده لنگراند از اولوب بر زمان لیانه محاصره ایلدی قرق کون قدر بکیوب کاهی
 قلیونلری کلوب لیانه طو بلر اتاردی کفار روز کارا و زنده اولمغه بری طرفدن چقمغه اقدام
 اولتمیوب بالاخره قیودان پاشا بر قاج چکدری ایله جزیره اردندن طولاً شوب زاکلیسه
 سمتنه رولنه اولحق کفار دخی کیدوب سائر کیمه اخر ساله یول بولوب قیودان پاشا در دولته
 کلد کد معزول اولمشدر رمضان شریفه ایا لت بغداد مقدم مارضرومدن معزول مرتضی
 پاشایه ویرلدی خلیله سی عنتر خاتون که بود دخی ملکی کبی والد مقوله نیک جاریه مقبوله سی
 ایدی حرم همایون طرفنه رجا ایدوب زوجه بغدادی الیو یردی بد کول فرصت بولوب
 یننه طائفه نسوان تصرف ملکه باشلدیلر دیدیلر بواشاده بشیر پاشانک و ابازنک باشقه
 پاشقه جمعیتلری و اطهار خلاقه سوء نیتلری و موخس حرکتلری سویلنوب واستانبوله
 کلک ایچون زمره سپاهی یی جمع ایدوب دولته بر وجه مداخله یدنلری پرداخت ایتک
 تدارکنده درد یوکونا کون اراحیف شیوع بولمشیدی شوال و قایعند ندر زمره سپاه علوفه
 ایچون فوج فوج استانبوله کلک اوزن ایدیلر بازه حسن جمع کتیر ایله کله جکدر دبو اکاذیب
 شیوعندن وکلای دولت مسنشر اولوب سپاه زورباری بقیه سمندن یوسف اغا و ابعلیه
 کلوب اسکدرده بر منزله قوندی مقرر اولحق قزل بیرق اغاسی شعبان اغا بلوک چاوشلری
 و اوچیوزه قریب بر سلاح سپاهیلر ایله کوند ریاوب کیمه اخره واروب قوشادوب باصوب
 یوسف اغای طو توب وزیره کتوروب بوغوب دریایه اندیلر بازه حسن اغا دخی او چنی کون
 یالیکر کندی توابعیه کلوب استانبوله داخل اولدی جمعیت عظیمه ایله کلیمور دیو اولان
 اراحیف لغو اولدی وزیره بولشد قدر اعزاز و اکرام و تلفات مالا کلام ایله معزز و مکرم
 اولدی اگرچه ترکاندن قتی چوق شاکیلری و ارایدی لکن وزیرانه وجود و یرمیبوب حسن
 اغای زیر جناح حمایتنه الدی مزبورک مقدمه ما نقره التند جمعیت ایتمه سی خنجه عظیمه
 صورتده برامر جسم ایدی لکن فی نفس الامر بوجعیت ایدوب استانبوله کله سی احتمالی
 اولسه یکچیری طائفه سی بکاش و چلبی کتخد او امثالی اله و یرمز لرایدی بونک جمعیتی
 غائله سمندن اول زوربار مقتول اولغین دولت علیه یه بوجهتدن خدمتی مقرر ایدی اکا بنه
 جرمی اغماض اولنوب اکرامه مظهر قلندی والد کتخد اسی اولغی بعضیار معقول کوردی لکن
 نه والد قبول ایتدی نه ابازه رضاوردی و زیننه ترکان و یرمک مراد ایتدی کندی قبول ایتدی
 حالی اوزن مقرر قالدی سلسله و حکایات عجیبه رمضان شریف او اخر نده مفتی بهائی افندی
 سلسله ایدوب حلیدن خواجه زاده امیر احمد چلبی معزول و یری سلیمانیه دارالحدیثندن
 کوچک شعر او ی زاده یه ویرلدی و یعقوب افندی یکیشهر دن عزل اولوب یری سلیمانیه دین

و حمدی زاده امیر جللی به انکیری اسکندروالدی سفندن توخی زاده ویرلدی مصر بروسه
 و شام اوزون حسن و کردها دما دی عبد الله افندی و منلا برادری احمد جللی مابینارنده
 کشاکشه دوستوب منلا مابینارین توفیقندن عاجز فالوب برادری احمد جللی شعر وقد
 بنی الدارانی مثلها لم یکن ملک الروم و الفارس ماصدق منزل بنا ایدوب دیونی او تو زیك
 قروشی تجاوازند یکنه بناء مصر کند و به مقرر اولوب قولاق مرثه سی مرتبه سندن نصرکه
 منلا یاد شاهدن دخی استجازه ایتشیدی انک مصر ایچون اوزون حسن کفتکو و الحاح
 و منازعه دن خالی اولوب فتوای امینی شیخ زاده ملایه مصر ماده سیچون یاد شاهدن نکرار
 اسفندان یورک زیر اعدا کز چوقد زهمت و تخطه دن کند و کزری صافنک دیمه سیله متردد
 اولوب احمد جللی امین مزبون عتاب نامه غریبه یازمشیدی بالاخره بروسه اوزون حسن
 مصر عبد الله افندی به شام احمد جللی به ویرلدی بعد حمدی زاده امیر جللی یکیشهره
 کیدرکن سپروزه وارد قده که باباسی مرحوم حمدی افندی ک مسقط رأسیدر لون کون خسته
 و مرحوم اولدی مکر و الله سی دخی اند مدفون ایمنس یاننده مدفون اولدی اهل و عیالی
 ماتم زاده استانبوله کلدیلر بواشاده علی افندی زاده ادرنه ایچون ابوالسعود زاده مصر ایچون
 منلا ایله مفارعه مقامنده اولوب مصر عبد الله ده قرار ایدوب ادرنه اسیریدن قدری زاده
 امیر افندی به ویرلدی بونلر یاد شاهه رفع رقعہ صد دند اولغین یاد شاهه اسکندارده اولغله
 اگر اسکندار کچر لر سه اخذ ونفی اولنده دیه اسکندار جاسوس لر وضع اولندی بوسیاقده علی
 افندی زاده منلا به واروب مقدمه ادرنه بی وعد ایدوب هنوز نتیجه سی ظهرو رایتد یکندن
 الن او یوب البته بکار حاله قضاسن ویرک دیویلاردی منلا هلز ایتمه دیدکجه والله هلزل دکل
 جد صبر یحدر دیدی طو تالم بروسه قاضیسی اولدوغری عدا یتمز سز سائر طریقه یز دخی الغا
 ایدک اما ملازم اولالی او توراکنی سنه درباری انی اعتبار ایدک تر حاله به مستحق اولدقی دیویکی
 دفعه النی ایاغنی اویدی ملاز می استهزایتمه سزدیو جواب ویردکده اغلیه رق قالقوب ایدی
 بعد الیوم بردخی بونلر کلز زنه ایت بردخی یاد شاهه رفع رقعہ ایدر زغیری حرکت ایتمز رد یوب
 قالقوب کندی بو محله حمدی زاده نک خبر وقاتی کله کین حل الی اولوب یکیشهری مذکور
 علی زاده به ویروب اسانندن قورتلدی او اسط شوالده رحمة الله افندی استانبولدن
 عزل اولنوب پری امین فتوی شیخ سنان زاده محمد افندی به ویریلوب وزیر واروب ال او یوب
 چهارشنبه کون دیوانه واروب کلوب خانه سنه کتاب و نواب ایچون تحفه پندلر ایدوب
 اول کون قوله بنوب اسواقده اوزومه نرخ ویروب اگر یار مق و اگر غیری ایکی الحقه به صاتک
 دیوننبیه ایدرک کیدردی مکر مزبورک عزل اوله جغنی وزیر قیوسندن قول اوغلنلرک
 و محضر لک مجموعی اولمش ایش اول پرهیز اوزملری ایکیشهره ننبیه ایدوب کیدرکن اردنجه
 کیدن قول اوغلنلری طرفاسیله اهل سوقة خنده کان بیانه سویلر سورینی دیکلکینه
 اوچره صاتک یارین معزول اوور کندنک خبری یوقدر دیوهزل و تزیف ایدرادی
 علی الرسم عرف و صافت و کچه لی چوقه دار ایله و محضر باشی و منتار عمامه لی کتخ اوچرزه لو
 محضر لر عنوان تمام و شهرت مالا کلام ایله تمام قول کزوب بعد خواجه زاده مسعود

افندی به واردی قهوه و شربت و عود و عنبر صفا سنه وزیر دیوانه دعوی استماع
 ایتد یکن آب و تاب ایله نقل ایدوب اولکون بروسه دن ایکی قطاع طریق کلدی بروسه
 و اینه کول قاضیلرندن بخت و عرضلر واریدی بزمضمون بخت ثبوت بولمغه محتاجدر دیدک
 وزیر افندی بزه شاهد لازم دکلدر بونلر اسکندن بلدیکم حرامزاده لرد زانا طولی ایالتغه ایکن
 چوقق تقید ایتدم الله کتور مدم ایدی کیفیتلرینی یلورم حالا ع ثابت اولدی مدعی
 تزویره حاجت قالدی دیویوروب حریرلر یکچیری اولملر یله بوغدروب دریاه اتحق
 اوزن محضر اغایه ننبیه ایددی هله بزاوزه ریمزه لازم اولانی سویادک دیو نشوق ایله نقل
 ایدوب واسعار احوالیه تقیدین در میا ایدوب شویله ننبیه ایدک دخی شویله اینسک
 گر کدر دیو بوالفضولانه مجلس از لغه مشغول ایکن ناکهانی بیت برکشی کلدی سمت کدروندن
 بر خبر و پردی چرخ کچروندن فحوا سنجه مسعود افندی ک قیوسنه خدمه دیولندن بر حریف
 کلوب حالا بولوی مصطفی افندی انا طولی پایه سیله استانبول قاضیسی اولدی شمیدی
 وزیر قیوسندن ال او یوب خانه سنه کندی دیو خبر ویردکده جمله مجوزه لو محضر لر قول
 اوغلنلری گروه ایله بولوی قیوسنه مسارعت ایدوب افندی ک آتیاننده اسکی خدای
 د ورت آدم قالدی پری یوقار و چیقوب قضیه یی تبلیغ ایتد که حزن و بحالت بحرینه غرق
 اولوب اول مسلسل کلام ایله بسط مقال ایدن افندی استیلای عم واندوهدن ابکم ولال
 اولوب قالدی و خواجه زاده قیوسندن اول طمطراق ایله دخول ایدن افندی بلا محضر
 ولا محضر برایکی خدام ضرر و انفعال مضرایله سوار اولوب سعادتخانه سنه کلدی
 نائب و سائر قضیه یی بلزلر افندی آلا ایله کندی یا لکتر کلدی شاید کند و طاغندی
 شکنده سلطان شورا به نائب شورا به فلان پری اشته به یا حجه یا یددی فلان دیه یم صاندیلر
 افندی کمال غضبندن بیقلاک کیرک بره ملعونلر قضینکده نائیکده الله بلا سنی ویرسون
 دیو آزار ایدوب یوقار و چیقوب او طه سنه کبار علمادن بعض دوستلری بولنش بو مسخر افه
 عزلندن زیاده متالم اولوب ملایه کمال غضبندن بی شعور اولغله حاضرینه کوردیکرمی به بنماز
 ملحد منکر حشر شاتم ائه بزه نه رنک ایلدی دون استانبول قاضیسی ایلدی بو کون عزل
 ایدوب بزی عالمه مسخره ایلدی دیوب مجلسنه کلوب کیدرله منلا نک ذم و قد حن و معایب
 و مساویدن بخته باشلدی کمال المنندن باشنه بر ماده تورم ایدوب خسته اولدی جناب
 منلا دخی مزبورک کندن ولحقنه سویلدیکی سوزلری ایشیدوب تنک طمع و ناصبور ایدیکنی
 تیقن اینمکه کندودن مشتمر اولوب امانت فتوای کندودن نزع ایدوب مقابله جیسی صاری
 عبد الله جللی که سکبانیه من رسیدر فتوی امینی اولدی مورخ بواشاده مذکورک زیارتنه
 وارمش اکاده منلا نک صد دین آچوب تمام فصل ایتد کد نصرکه جللی افندی قرآنده
 مذکور اولان اسکندر ذوالقرنین کیمدر و قاجدر دیش مورخ دخی اسکندرک بری رومیدر که
 قیلقوس اوغلیدر اما قرآنده مذکور یانی سد اولان صعب ابن الحارث الیرسدر که ملوک
 قبیله چیردندردید که و ان ایناندر اول بی اعتقاد و میدن غیری اسکندر یوقدر دیو
 منکر در هنرک واریسه اعتقاد ایتدردیو مثالبی نقل محاسن ایتشیدی شوال و قابعدن ندر

حسام زاده و کمال زاده صدر بنیدن معزول اولوب ممك زاده روم ايلي و روم ايلي پايه سيلاه
 امام زاده دفعه رابعه ده اناطولی صدری اولوب منلا نك صنعی زاده ايله قدیمی دوستی
 و طفولیتدن برو الفتی اولدوغنه بناء اناطولی صدرین بالذ فعات کندویه وعد ایتشدی
 خصوصاً و سه وی سر که زاده ابراهیم چلبی نقل ایدر که دورت آی مقدم حسن افندی
 زاده منلا یه ضیافت ایتد که اثناء صحبتده اناطولی صدری کمال زاده قاضی عسکر لکی
 بشاره مدوغندن ادا ن بحث اولند قده حاضر بالمجلس یاران صنعی زاده و امین فتوی شیخ
 زاده ایدر فتح کلام ایدوب هله بودفعه اول حریف اولمش اولدی بزم تحمیت انشاء الله انك
 بیته اناطولی بی ستره توجیه ایتد که رعیت بزمه مجزومدر تحلف ایتد مقرر بیله سزد یوصنعی
 زاده یه وعد ایتشدی صنعی زاده دخی مطیبه دعایه آغاز ایدر محک امین فتوی صنعی زاده یه
 قاقوب دستبوس ایدک وعد جمیل پیور دیلرد یواشارت و افصاح ایتد که صنعی زاده قاقوب
 زانولرین بوس ایدوب حضار مجلس افندی یار مبارک باد دیدیلر به مرتبه دهنه کمره ققیور سرکه
 زاده یه بر منصب وعد ایدوب بعد واروب انتظارده اولدوغن بیان ایدد که ع سز روی دلی
 وعد صانور سن مسکن پیور دقاری کی صنعی زاده دخی بی محابا وعد لری ع نکلف سزد دلیل خلف
 اولور بیماں البتة مضبوط نتیجه نتیجه پندیر اولوب امام زاده بی اناطولی به یکو رد کلرندن
 صنعی زاده زیاده متالم اولوب بردخی قیوسن انلامغه قسم ایلدی مقدمه مدخی بینلر نه برودت
 و ارایدی سببی عصمتی یه اریه لقی اولد قده صنعی زاده متدکد اولوب یارانه کوردیکرمی دولتیه
 کو چکدن بریده پیور بوب مایه بده بود عهد و موثیق و ایدکن زمان فتوا سنه ذن قدر
 ترفیع شان ایدر جلک همته نال اولدق شوی و فالغه نه پیور سزد یوشکایت ایتشدی
 مورخ ایدر حاضر ایش سلطان بینکره ارباب نفاق کیمه مشه بکر ردید کد بل حقارنه بعض
 سوز سوز ایدی دیه بعض حساد بزه اسناد ایدوب تبلیغ نفاق ایتشله دیدی مورخ نصیحت
 ایدوب سلطانم سز واروب اعتذار و ابراهیمت ایتدیکرمی دید که خیر ایتدک دیدی
 یا افندی سز سرکشک ایدر سز ادعایتدیکر حقوق قدیمه نك مراعاتی مروتة منوط
 مروتة مبنی اولان محبت ایسه مجددا مکافات اوله حق تواضع و خلوص معامله سنک
 عدم انقطا عنه مروتة و فلان زمانه شویله دوستلغمز عهد و قولر و ارایدی دیوب
 شمدی انلام مقام عالیله سز اول عهد و اعتماد اموال لری اولان معامله بی ایتد سز یکانه لک
 اوزرینه الزم اولان ذکر جمیل و اعیاد و تسلیم معامله سی که سزک اوزرینه دخی زیاده اهم
 و واجب ایدکن استغنا ایدوب قصور ایدر سز هم دوستلغ ایدر لطفی کورمدک دیوب سبب نفرت
 اولان وضع کلرندن بیخبر سز کندویه نه حاجه وارک والی اوپوب سلطانم یوقدم دعا جکر مقام
 صداقت کزده کالاول ثابت قدیم ارامزده اسناد مال یکن ایدر منافق وار بکرر حساد طریقک
 احوال لری معلومدر منافقینک اغراضنه مبنی سوز لینه وجود و یرمیه سز اذا جاءکم فاسق
 ببناء فتینه و الیه عمل پیور بوب حقمه سویلتن سوزک غورینه اطلاع دن مقدم قلب شریفکر
 هقمه مغیر اولسون دیو نیاز ایدوب بر جرمنر و اریسه ده عفو بجا ایدر ز بعد الیوم مالا یعنی صدور
 ایتدک اوزر عهده و عین ايله استعفا عرض ایتسه کز ما مولد که آریده اولان عقد

صنعه محل و مظهر غنایت اولور دیکر دیدک صنعی زاده بهی افندی بو اعتدار و بیازی
 دفعاتله ایتدک بزم سزه خاطر مانده لکمز یوقدر دیرینه قایی حقمزده صفوت یذیر اولر دیدی
 مورخ دخی ظاهر اکذور که شعر جراحات الصنان لها التیام و لا یلتام ما جرح اللسان
 مضبوط نتیجه حقارنه قابل عفو اولیه حق بر دم شنیع و قدح و جمیع ایتسه بکرر سز لکن یه ضرر
 و یرمز همان بعد الیوم لسانکزی ضبط ایدوب وجه سابق اوزر نبوی و نیازدن خالی اولماک
 ذکر جمیل و دعای خیر لرین اشاعت ایلک تقدردر و نلری قاسی او لرسه یه طرفکره میل
 مقرر در دیش اما محمد و مکرین سموم مغابط تحری عنه مالوف اولما مش تنک حوصله و نیز
 امر اج اگر چه مورخک نصی ايله عمل ایدوب بر قاجا کون زیار نرینه مد اومت ایلدی منافرت
 بر مقدم ایدوب اولوب اریه لقی دخی حصوله کلدی اما امام زاده اناطولی یه اولوب بولوی یه ده
 پایه اناطولی اولد یغندن بی اختیار اولوب کالاول زبان طعن و لغی دراز ایدوب
 وحشت و منافرت حد سابقی تجاوز ایتدی و ابو سعید افندی فتوی طلبنه
 اولوب والده سلطان طرفدار ایدر دیوشیوغ بولدی عصمتی عزل او لنوب بیوک
 محمدوم ثانیانیک قاضی اولدی ذی القعدة احوال افلاق و یغندن بالذ فعات
 ذکر ایتشدی که یغندن کاکنک علی طریق الرهن استانبول اولان دختری
 طلبیچون و زریله نجه دفعه اموال عظیمه عرض اولوب برخصت و یرلما مشیکن مراد
 پاشا و زارتمه منجم باشی مد بر مملکت او ایتن انک طمععه مبنی رأی بیله و افرمال التوب
 کوند ریشیدی بعد قدش قرانک خطمانه و یر یوب یغندن قزاق طائفه سنک
 مصاهر تیله استظهار ایتشدی اتفاق یغندن بکنک خد متندن یاز عیسی اولان
 ملعون قاجوب افلاق و یوده سی اغاتاتی خدمته واردی براسکی قوجه کفر ایدی
 بعض اسبابه بناء یاز یی مایه نلری اول قدرافسا دایله بکه اغاتاتای یغندن اوزرینه
 عسکر چکوب مقاتله یه قرار و یردی و اگر چه یغندن بکنک قزاق وله بیکر بیله
 قرابت و مصاهر تی و ارایدی لکن شمدی له ايله قزاق بیننه خصوصت و ارایکن یغندن
 ظفر ممکنر دیو طمععه دوستوب یغندن اوزرینه یوریدی یغندن بیکی دخی بیکر دن برنی
 سردار ایدوب عسکر قوشوب تعیین ایلدی مکر اغاتاتای خفجه اول سردار تعیین اولمان
 بیکه مکتوب کوندروب یغندن بکنکه ظفر بولور رسم سنی بیک نصب ایدرم دیو وعد ایلد کندو
 طرفنه میل ایتدروب اول دخی بیکک طمعیه افندی یسمنه خیانت عازم اولوب بو وجهله
 بر قاجا دفعه مکتوب کیدوب کلوب خبر لشمشله مکتوبک بری یغندن بکنک اننه کیروب
 تعیین ایتدیکی سردارک و اوج کافرک دخی اسمی مذکور او لغین خیانتلرینه مطلع اولوب
 سرداری چاغروب مکتوبی کوسرتوب الزام و بلا امان قتل ایلدی و من کورال اسم اولنلری
 دخی قتل ایلدی و افلاق عسکری و افر عسکر در وهم ولا یتیم اغیانی بیننه نفاق دوستدی
 مختلف الرأی عسکره اعتماد ایلد جنک مناسب دکلدر دیو جمله خزان و اموالی قالدیروب
 اثباعی ایلد له ولا بنه کیدوب خوتنه دکل و اردی اغاتاتای دخی عسکر بیله کلوب بیکک کتد و کتی
 گیتد و کتی خبر الحق متدکد اولوب افساد مابین اید اولن یاز یی بیک نصب ایدوب دوندی

واستانه يه مکتوب کوندر ب بغداد و پوده سی سزه و زه عامی و مضرایدی مالا خان ایله
 معادات اوزن اولان له طائفه سیله یکجهت اولغله خیما ننه بقاءله فرار ایتدین پینه بر نافع
 و مطیع بنده لینی نصب ایتمشرد دیو عرض ایدوب نشانده سنه برات واسکف و علم رجا سنه
 اولدی بغداد و پوده سی دخی دامادی قزاق خطمانه التجا و قرق بیک قزاق عسکر یله خطمان
 اوغلی بیله قاقوب بغداد کلد کده نشانده اولان کافر قاقوب یته بغدادنی اسکیمی ضبط
 ایلدی یا ش قصبه سی و سائر بلادندن افلاقلی بیضربا و قهر الخراج ایتدی و سبجار قلعه سی که
 سابقا سلطان سلیمان مرحوم فتح ایلدی شهر معظمدر دامادی خطمان اوغلنه ویردی
 خطمان اوغلی دخی عورتی که آستانه دن کیدن معهوده در جمله اموالی ایله اول قلعه یه قویوب
 کند و قزاق عسکر یله افلاقی تحزب قصد یله یور یوب اوغرا دینی افلاق کوبلرینی یا قوب
 یقماغه مشغول اولدی اغاتا تایی دخی کند و نشانده سنک طردین استند که نکر افلاق
 عسکرین جمع و قارستو کلد کده سرحد لرند محاربه عظیمه و قوع بولوب بالاخره اغاتا غالب
 کلوب قزاق بیک قزاقدن همان سکنر بیک مقدارین اسیر ایدوب و اکثرین قیرو ب خطمان
 اوغلی کوجه جان قور تاروب فرار ایتدی اغاتا تایی مجار و افلاق لشکر یله یاشه کلوب یازیچی
 یته بیک نصب ایدوب جمله بغداد بویار لری ضروری تابع اولوب سرکش لری قایچدن
 کلوب تماما بغدانی قوت قاعره ایله ضبط ایلدی اندن سبجار اوزینه کلوب خطمان
 اوغلنک عورتی و اموال و اشیا سنی استیوب ویرمه لریله محاصره ایلدی خطمان اوغلی
 دخی الغار ایله بغته کلوب محصور لری تقویت اچون قلعه یه کیرمش ایدی بابا سنه
 له سفری اقتضا ایتدین امداده مجال اولیوب ننه کیم تفصیلی کلمه کر کدر خطمان
 اوغلی عیالی ایله محصور قالدی افلاق و مجار ملا عینی قلعه نکر و اروشنی یا قوب خارج
 سورده بولنان لری قتل و غارت ایدوب صاع قلان لری قلعه یه قاقوب بویامه دکر
 محاصره متمادی اولدی و غرایبند ندر که رادول و پوده نک اوغلی استانبولده ساکن زی
 مسلمین ایله کزوب مرد اولان بابا سنک منصبنه طالب و رادولک کند و دن غیری
 ولدی قالدینی معلوم ایکن سلسله مره محافظی وزیر سابق سیاوش پاشا اوزی صوفی
 حید و دلرندن بر کافر مجبور رادول اوغلی اولق ادعاسن ایتدوکن ایشتمد که مزبوری بانه
 کتوروب لاهل المصلحه رعایت ایدوب کید یروب قوشادوب وقع ویردی بو حکایه بی اغا
 تاتای ایشتمد که کند و بغدادنه نصب ایتدینکی یازیچی کافر معارض اولوب بابا سی ملکیدر
 دیو بغداد و پوده لغنه طالب اولورده بغداد امور یته دغدغه ویردخو فندن سیاوش
 پاشایه سکنر بیک غرو شلق التون و وافر سمور و هدا یا کوندر ب اول مدعی بی طلب ایتد که
 سیاوش پاشا زاکت ایدوب بر آخر حید و دکا فرین ملبس و مکمل رادول اوغلی نامه
 کوندردی لیدی الوصول اغاتا تایی تفحص ایدوب اول کافر طوغری سولیوب حید و
 ایدوکنی خبر ویرد که طرد ایدوب پاشایه خبر کوندر ب دوزمه کافر کوندر مک روامیدر دیک که
 پاشایه طرافت ایدوب اصل رادول اوغلی بزم یا نکرده در اول کوندر دیکم زده رادول اوغلا فنی
 طاساردی طلب ایتدیکنر اودر قیا سیله کوندر دکر عن اصل رادول اوغلی کوندر بیک

دیو مکتوب یازوب مایینه واسطه اولان کسنه یه ده مکتوب یازدردیکه پاشا حاضر لری
 یاتده اولان رادول اوغلی لندن المی مشکدر مکرکه وافرجه شی دخی کوندر یله دیو
 توسط ایتدردی اغاتا تایی دخی بش بیک غروش کوندر مکله پاشا اول کافری دخی کوندردی
 وصولند انک دخی اصلی تفحص و اول دخی رادول اوغلی اولدینی استکان یه چیمقد قده دعوی
 دروغ ایله یوقدر اچیه سی کتد و کتد غضبیلوب واران کافری قتل و اغاتا تایی نشانده سی
 اولانه اسکف و علم رجا سنه در دولتته عرض حال کوندر مشیدی دولت علیه طرفندن کونلم
 اول احوال یته منجر اولور دیولا و نعم جواب ویرلمشیدی بواشاده رجا سنک تمشیتچون
 در دولتته یکر می بیک فلوری کوندر ب قیو کتخدا سی ید یله سرکارده اولنره توزیع اولندی
 معقول وجه اوزر رجا سنه مساعده ایدلم عجله ایتدردیه جواب و یروب اول فلورجکاری
 وکلای دولت بخش قلندر ی ایدوب یو تدیلر مال کافر هست بر مو من حلال مضمونی
 اوزر عافیتلر اوله آدم افندی که غلطه ده مولو یخانه شیخی ایدی بوسالده حج شریفه عازم
 و مصره وارد قده وفات ایتدی کی خبری کلمکه مشیختی قادری محمد دده ویرلیدی قره چلبی
 زاده محمود افندی کذلک بوماه ذی القعدة ده وفات ایدوب مدرسه سنه تهیه ایتدی کی مدفن
 مکلفه دفن اولندی منزلی جوارنده بنا ایتدی کی جامع و مدرسه مذکور دن ماعدا
 اون قیانی جوارنده قدیمی تخته مسجدی قلع و کار کیر و قورستونلی مکلف جامع
 شریف یا یوب اندن ماعد محترقات بقایا شدن سمتند بر مسجد دخی بنا ایتمشیدی
 قاما بونجه بقاع خیرلندن هنوز برینک و قفیه سن تعیین ایتدردمشدی ایحق مدرسه یه
 ملا صق بعض کار کیر د کا کین که بنا ایتمشیدی مکر یا رحصار و قفندن غصب
 اولنش د کا کین یری ایش یار حصار و قفی متولسی مرتزقه ایله استانبول قاضیسی
 بولوی افندی یه واروب ابراز و قفیه ایتد بلرحتی مدفن اتخاذا ایتدی کی موضع دخی
 مقصوب در دیدیلر عظیم نزام اولنمشیدی الله رحمت ایلیه بعض اخوان طریقدن
 استعاره طریق یله غصب ایتدی کی کتاب لری دخی وقف ایدوب اوزرینه و قفیتی تحریر
 ایدوب مهر لاش بوجامع و مدرسه اچون علی کتخدا سنه او توز بیک غروش تسلیم
 ایتمشیدی دیو دعوی ایتدیلر سو ال اولند قده علی کتخدا نعم یکر می بیک غروش
 ویرمشیدی امینه اون بیک غروشی کند و استر داد ایتمشیدی دیو اثبات ایلدی اوقاف
 واثاری مستقر اولوب منتظم و انجیه دکر چوق منازعه کیدی سلیمان پاشا که یکجری
 اغا لغندن چیقوب صدارته طمع ایله احمد پاشای مرحومک علیه نه زور شهادتی ایدوب
 افنا سنه باعث اولد قد نصکره کندوسی محروم قلوب درویش پاشا ویر اولد قده خواه
 نا خواه کند و یی کیرید جزیره سنه تعیین وزر ایله استانبولدن اخراج ایتد بیکدر
 بخل و خسته سهل بن هراون و کثرت مال منالده ثانی قارون ایدی استانبولده پرمق
 قیو جوارنده مرحوم قوجه دفتر دار عمر افندی نک منزلن اشتیری و اوزرینه معتمد لرو بنال
 قویوب طرح و رسمتی تعلیم و تفهیم ایدوب اول وجهله یکیدن تعمیرینی سپارش ایدوب
 کندوسی کیر یله کتمشیدی غرابت بونکه که اول منزل معللا بعد الیوم یوز یله دکر ارباب

دولته مسكن اولغه صالح واعلاهم و نعيمين ايجاب ايد رحا لي يوغمكن شهر وني بناء
 اخالد بن وانما يقادك فيها الوعقت قيل مضونندن غافل ودينه بصيرتي مقتول احمد پاشا لك
 قونوه چفتلكند و سائر اما كن متعدده استخراات ايدوب تمامنه بنشيد يكي ابنه شادايه بك
 صورت حالندن كليل وزاehl اولوب اول لطيف منزل اسامندن هدم ويري حفر ايدوب
 وسيع سردانلو و كار كير محزن نردوزوب اوزرينه وضع سلاطين اوزن نصب اسلاطين
 وعود وكر اوزن ابنه شاد ادين ياپدروب مدوزقبه لي التي اوطه وقات اندرقات طبقات
 وغرف متعدده وديوانخانه كه جمله زرانند و دو كاشي ايله مزين قلوب هنوز تمامنه سعي واهتمام
 اولنور ديكه نادر دمندي سايمان پاشا كلوب سنين متطاوله اول سر ايدوب عز و دولته عمر
 يگونه هيها تهمباب حالا مشاراليه منكشده محوم اولوب آستانه طرفندن البته كريد
 يكه سن ياقتل اولنور سن ديوارام امر لري وارردى باوجود ناتواني حسب الامر الحاقاني
 كمي يه ينوب كريد عزيمت اوزن دريايه آجلدى لكن هوا موافق اولماغله ينه منكشده يه
 رجوع ايتد كره اجل مسمى ايله وفات ايدوب اشبه ماه ذى القعدة ده خبري كلوب
 مون لي دفتر دار وايچ خزينه دارى واروب جمله ماملكن قبض ايتد بلو خزينه دارى مراد برچار
 ابرو جوان ايدى حبس و جمله مالى خبر و ير نجه وافر جفا ايتد يار مراد پاشا كه وزير سابقدر
 بدون محافظي ايكن يرشه جلب كنعان پاشا كوند ريلوب مراد پاشا آستانه يه دعوت
 اولندى حنى مراد پاشا لك كلفه سى خصوصي نكلم اولند قده قيوكند اسى قره كوز محمد
 افندى وكوسه اسمعيل اغاسى كلوب بر مجلسه ايكن رئيس الكتاب شامى زاده مراد پاشا كى
 پروزي بدون كى بر سر حد دن قالد رمق وانلر بوارايه كلك مناسب ايش دكلدر ديد كره قره
 كوزا كاعتاب ايدوب بقه افندى مراد پاشا يي بلز دكلسر اول سره كلاك ايتدى بومعامله
 سرده و شرعى اول و ز راحقه سو رسو يانور مى ديوبياغى مناقشه لرايشلرا ايدى
 ذى الحجه سابقا قيودان اولان حسام بكزاده على پاشا لك مواخذ و محبوس اولنسى
 ماده سنك تفصيل بود كه سنه شابقه ده دوتمايه چشم زخم و تقصير چرات تهمتيله
 اول منصب ذى شانندن عزل اولنوب مونده باليه بادن ده اختيار سكون و قناعت
 ايتمشيدى ولايت مون زعيم زاده لرندن عېدى بيك نام شتاب مقول حالا دفتر دار اولان
 مون لي يه همشهر بك سبيله انساب ايدوب اول دخي اكاستمالت و اول ولايت خراجلرين
 امير لوب و كند و يي قارلى ايلي سنجاغى بيكي ايدوب طبل و علمله عېدى پاشا عنوانن
 و يروب اول طرفه كوندرد كن اكاسپارش اولنمشيد يكه على پاشا يي هر حال اله كتون
 اولدخى واروب لوازمزورى ضبط و خراجلر جمعنه زور بالرتعين ايدوب انلردخى تحصيل
 ايدرك باليه بادن رعيا سندن دخي جمعه اشتغال اشما سندن على پاشايه متعلق بعض رعيا يي
 قصده مقارن زياده جه رنجيده ايتد كار نده على پاشا توايغندن بر جمع كوندروب اول كروهي
 اول حواليدن ازعاج ايدوب عېدى بيك بيلزى كه بو حوالى رعيا سى بزه متعلقدر اديله
 طور سون خراج مهانه سيله تعدى ايتسون يوخسه كند و ييلور ديدى عېدى بيك دخي
 جلي پاشايه بر مکتوب يازوب شاطريله كوندردى مضوننده بن فرمانله حقوق ديوانيه

چعنه ما مورد منعك معناسى ندر ديش ايدى شاطرواروب مکتوبى قراة ايتديكي
 گي تهورايه شاطرى ال اشاغى ايدوب برايكى وزد كنك ضرييله ناديدى نصيكره سنك پاشام
 ديديك كه نه اوغلاندر كه حدين بيليو بومقوله خبر لكوند رومقدار يي كندويه بلدر يه يه
 يو دائره يه اوغر امسون يوخسه بلاسن بولو رديوار جاع ايتد كد نصيكره پياده بر مقدار
 اولندايله چيقوب حمايت رعيت صورتند اول حواليله ضرب خيه ايتديكندن عېدى
 پاشا اكاه اوليحق بر كروه سوارى لوندات ايله انلار ايدوب غافلان باصوب خيه سنه
 يار انى ايله شطرنج اوينار كن طوتوب قيد و بند ايله آستانه يه كوندردى عېدى بيك اگرچه
 تازه بكيت ايدى لكن خيلي رشدى وارايدى فرضامون يه كيرديكي كى بي وجه هجوم ايله
 اخذ ايتسه اگرچه ممكن ايدى لكن چندان مناسب دكل ايدى يوليله حركت ايدوب
 ابتدا هتك حرمت على پاشا طرفندن ظهرايد نجه يه دك صبر ايدوب بعد فرصتن
 دو شروب اخذ وارسال ايتد و كندن اول ولايت رعيا سى بيمنده خيلي نام و كام حاصل ايدوب
 اول بلز رعيا قيود لائق ايتمش بر آدم كندويه قارشو قوماغله طوتوب استانبوله كوندردى
 ديوشانى تعظيم و كندودن خوف ايتد بله مون دن بر خزينه قدر مال تحصيل و بر فرد
 مانع اوله مدى عامه نك طاهر بينلكى قتي عجايبدر چون على پاشا استانبوله كلدى
 و حبس و تهديد ايله ايكى وز كيسه طلب اولنوب سنه جد يد حرمه نك نكميل مصا دن
 اچون محبوس قلمشيدى تاكه حرمه اوغلى بر حرنى قليون الوب كتوروب خدمت مشكون
 وجوده كتور مشيكن ينه تخليصنه امكان اولما مشيدى تفصيل بو كه مون سوا حبلدن
 باليه بادن سمنه بر حرنى قليون ينك شوب ارميه ده دمورر اغوب خلاف رضاي
 همايون ارميه دن بغدادى آلوب قليونيه طولدر كن على پاشا لك اوغلى خبر دار اولوب
 هجوم و قليونى آلوب اچنده اولان كفارى دمورلر يوب و قيودانندن تفحص و تهديد ايلد كره
 اول ديارها ليسانندن تيموراغانام كسنه دن بغدادى آلدوغى متعين اوليحق على پاشا زاده
 تيموراغايي اخذ و خلاف بساغ همايون اعدايه بغدادى وير دپكندن عتاب ايلد كره
 تيموراغاشته بوماريله ويردم ديوفرمان اراز و مضوننده ساقر ملا حرنندن اندون نام زمى
 اولديان وار دقه مراد ايتديكي قدر سفينه سنه بغدادى بيع اولنه اگرچه بوميهانه ايله
 حرنى يه وير ملك احتمالى اوليه والا شد عقوبت ايله حق كز دن كنورد بنلش رسيدى
 و طغراسى صحج عقلا بوننه حيران اولوب جزيره لرده اولان سفينه رئيسلرى ذميلر
 بيكر ايكيشريك التون بدل و برطر بقيه نافد الكلم برزدن عمل ايله ا خود ساخته بويله
 بر امر تحصيل ايدوب ايكي قات مها سنه حرنى يه صا توب انلردخى بي محاباينا شوب
 استد كرى قدر برايكى دفعه قليون نرينى طولدر لرايمش طويلاز سسه خوش طويلاور سه
 ابراز سندن ايد رلردى حرنى قليون اچنده مسلمان اسير لرى بولدى پاشا زاده
 قليونى اچنده بولنان كقره سيله و تيموراغايي قيد و بند ايله كيسنه آلوب سندن
 اولان امريله آستانه يه كتوردى دقايق امور عامه دن بي خبر بيك كويا برايش كوردم
 شكند تيموراغايي و امرى و سفينه قيود لائق وزيره چيقاردى وزير خود اولد يه بر خلعت

کندردی قلیون اسیر لیل ترسانه یه ویرلدی امری رئیس افندی یه کوندروب دیوان طرفندن
 بومقوله امر ویرلدی دیوسوال اولندی خیر ویرلدی کی یوقدر ساخته دردیو جواب ویریاوب
 غوغا با صادی تیمور اغایی بیله وزیره چیقار میوب حبس ایند بلیش اون کیسه عرض ایلدی
 انوب بعد ای صائمق خصوصه سنندی کند ویک ترور بیله اولق تمهتیه محبس
 بوغیلوب دریایه ایلدی قیودان چاوش اوغلی محمد پاشا روز قاسم دن بش کونصکره استانبوله
 وصول بولدی ایامغه کفار منکشه یه اولاشوب لکن ملاعین مغلوبا یوز قرانی ایله دوغمنس
 ایلی ایماونجه خسار نلری مقرر قیودان پاشا ایسه جزایروسواحل مالکندن مال فراوان
 جمع ایتکدن غیری بر مصاحت کور میوب بر مختصر قلعه غارتیه اکتفا ایدوب کلورکن
 بر مسلمان ما و نه سنی خطا یا نوب ایچنده وافر کور کی تلف اولوب خدمت مشکون
 وجوده کتور ممکن تلقین صدر اعظم اوزن حضور همایونده معاتب و معزول اولدی ذکر
 استیلاء تاتار بیلادله قریم خانی اسلام کرای خانه له احوالی استعلام ایچون اتالی سفر
 اغایی اوزی قراغی خطمانه کوندروب اولدخی لهند النان دیل خانه ارسال و اعلام
 ایاد بیکه قرالی پکن سنه دن بروکند وولا بنده یازدیغی عسکر دن غیری نفیر عام ایدوب
 نجه دن دخی وظیفه ایله یکر می بیك تفنگ انداز کتور دوب بی حساب عسکر ایله البادر
 دیمکله معروف قلعه سنه کلوب یوقله ایتد کتور دفتر ایله یوزاللی بیك قدر عسکری موجود
 بولوب جمله سیله البادر دن چیقوب اوزرینره طوغری یه ریوب حالا قارت قسطنطین
 نام قلعه یه کلندر بالذات خان عایشان چیقوب امداد ایتزمه ولایتی خراب
 ایدر قار شوطو رمغه قدر تمزیو قدر دیمکله اول ساعت خان دخی شیرین بیکرینه
 ومانقط و سنجون یکنه و سائر قراجی میرزا ره الغار ایله آدم کوندروب بعد المشاؤون
 اون کونه دک چقمق مقرر اولد قلعه مقدم بر مقدم عسکر خانک توجهن اعلام ایچون
 کوندربک مهم اولغین بیك قدر تاتان عثمان اغسا سردار اولوب اوراق اوغلی میرزا لندن
 اسلام میرزا ایله قوشیلوب کوندردی اردنجه خان دخی شوالک یکر می ییجی کونی با عجه
 صرلیدن چیقوب بشخی کونده کند ویک سرحدی اولان فرنگ مان قلعه سنه واصل اولوب
 خندق ایچنده قوندی ایکی کجه آرامد نصکره ذی القعدة نك دور دنده چیقوب اون
 اوچنخی ساعتده نهر اوزی اوزرند دیوان پکندن اسلام کرایه کلوب ایرنسی اوزی صوبینی
 پکدی وقری التبحی ساعتده اق صوبیه نزول ایدوب طرف پادشاهیدن قاج قفتان ایله
 بکر اغا کلوب استقبال و نکریم ایله کتوروب تسلیم ایلدی سحری کوچوب اون دردیجی
 ساعتده صادران ایچنده دموکده نام یانقه قرینه نزول اندن نچیلک نام یانقه یه کیملوب برکول
 کنارنده طاغ ایچنده قونلدی اول محله خطمان عسکرندن عثمان اغا کلوب ایرتسی نهر بابایچه
 اوزرند مار قوصقه و معوکوشکی نام یانقه ره قار شونزل اولند قلعه بر مقدار اتاوا یله خطمان
 کلوب و سابقا بغداد و یوده سی اولوب معزول اولان لپونی بی بیله کتوروب خانه بولشدی
 ال اوپوب بیله کلان قزاق بیکلری و اختیار لری قفتانلر کیدیلر و دوتوب کیر و عسکرینه
 کمدیلر و قونه کوچه احوالی مناکره اولوب نهر تورلیدن چیقان بابایچه و او صو وافر نطق نام

انهارکه کنار لری قلعه لرویانقه اردر قرینه لردن پکار و قدیمدن خطمانلر بیك قرار کاهی اولان
 پا رقلعه سنه و نچنه یه وارنجه واقع اولان ولایتک عمارتی تعبیر اولنریو زیسکدن زیاده تاتار
 عسکر بیله هر طور لری طرفندن خان کوب و قوجا یولی جانفندن قزاق عسکری کوب بوقدر
 بیك بی حساب عسکرک اتارینه ایکیشر کونلک یم ویریاوب اوغور لینه کلان قلعه و یانقه
 وقریه لری اوروب حد و حصری یوق قویون و بال و یاغ و سائر د خا بردن آلوب مغتم اولدیلر
 امیر اسیر الدرمیوب والد قریبی دخی قیو و یروب یه ایچنه قونه کوچه تخریب ایدرک یار
 قلعه سی قرینه کلوب وصول بولد قلعه له قرالی دخی دانکونام قلعه قرینه کلد کتور تاتار
 عسکرندن خیر دار اولغنه بروجله قران محال لری قالیوب فرار ایتمشلر بوخیر اند قله دل
 ایچون دورت بشیوز تاتار عسکر بیله عثمان اغا اردلر نجه کوندرباوب قرال البادر
 وار شاده اولان عسکرینه یازدیغی مکتوبی کتورن آدم لری طوتیلوب سوال اولند قلعه
 قرالک مرادی سزک کلدیکر معمور ولایت ایچنه کیروب اتلرینک یملرین آلوب و ذخیره
 انوب بوقیش قزاق اوزرینه ییروب قشلاق ایلی عسکر تاتار دن بی خبر کیدرکن
 ایشتمک لری کبی عقالری کیدوب کیر و دوتوب نهر طور له کنارنده حوتن قلعه سی
 قرینه اوزنجه نام یانقه یه واروب صغندیلر ذخیره لری یوق اتلری زوندر دیو خبر ویردیله
 اول محالک مری نفحص اولند قلعه بروجله آدم واره حق رد کدر انحق بریولی وار دبر طرفی
 نهر ویر طرفی طور له و قوما نجه دن اتان نهر عظیمه درو قلعه نك آردی طاغدر احتمالدر
 صولر طو کور دیو جمله اطرافنه ایکی قات خندق کسید یروب متر سلیا پایدیلر یول
 اوزرینه طو یلر قور دیلر کند و لردن امید کیمشله در اولرینه مکتوبیلر یازوب تدار کیمز یغینکن
 اوزرینه تاتار عسکری کلدی بوقیش ایچنده ذخیره سز قالدق حالمزینه نهر اوله جفی
 معلوم دکدر دیمشله مکتوبیلر دللر لندن انوب مفهوم معلوم اولدی خان مشورت
 فرمان ایتدی قارت قوجه لراوزرینه وارلغی معقول کور مدیلر مشورت بوند قرار ایلد بیکه
 اطرافه اولان قلعه و قصبه لری احراق و تخریب ایدوب ایراقدن ذخیره سنی کسه لر
 بو طریقه حرکت ایتک رای اولوب طابور لینه قریب و یسلاتن قلعه سنه واروب محاصره
 ایتدیلر ذخیره و اولتوغه چیقان ملاعینی تاتار اسیر ایتکله دشمن عسکرینه کوندن کونه
 ضعف کلوب اتلری و عسکری قرلغه باشلیوب جانارینه کیمکله اسیر لکه رضا و یروب
 بلوک باوک قاچمغه باشلیدیلر یکر می بیك نچنه دن بش بیك کافر قالیوب کمی اسیر و کمی
 هلاک اولدی نجه سی قاچوب یاغیله تاتان کلوب اسیر لکی اختیار ایتدی بومر تبه دتصکره
 صیره مجال اولدیغنی ییلوب دامن عفو و اعتذار باشلیدیلر عقد مصاحفه در میان تاتاروله
 بوقدر زماندن برومال و خزینه و مملکت کتر تنه معزور اولان کفار ضروری ترک ناموس و عار
 ایدوب جرم و کناه لری عفو و اتمق رجاسیله خانک وزیر سفر غازی اغایه مکتوب کوندروب
 و صلح باندن توسط رجا ایدوب قدیمدن ویره کلدیکر خزینه دن غیری تقدیر مال طلب
 اولنور سه ویره لم دیو سفر و ایتکله سفر اغا خانه عرض ایدوب خان دخی صاحبه رضا ویردی
 بوندن اقدام ار یزاد قلعه سنه قبادوب محاصره ایتدیکمیزده اولان صلح بزم طرفندن

نوزلدی نقض عهدی کند یار ایدوب گن سنه او توز قرق بیك عسکری طعمه شمشیر
اولوب بوقدر نامدار سیکری دوشمشاد در زینه اول عهد اوز زینه یوز چونکه مجد طالب
صلح اولمشاد امت محله نافع ایسه مشورت اولسون بیورلغله مشاونه ده امر او اعیان
گیمی صلیح معقول کوروب بعضی فرصت غنیتی بیک کر کدر کامل یتیمش کوندر
بوعسکر زیر زمینده قیام آج و ذلیل اولوب جانلرینه یکمشد رلاق بودر که برقا چگون
دخی محاصره ایله بالکلیه طغر بولمه یا خود بونلر بونلر طوروب عسکر قلعه لرینی وولایترین
آلوب یغما و احراق ایله اقتضایدرسه وارشاه دك واریاوب قشلا نه بویه
خالی مملکت بردخی اله کیمزده هر کس برستوز سویلدی تکزخان اهل دل و حلم و مرحمت
صاحبی مزبور لری اسیر کیوب بر اوجا قدر امان دیلد کد نصیحه کافر ایسه ددسونیدرمک
لایق دکلدر خصوصاً کبار سلف اضرا لا شیا محاربه من یطلب الصلح دیو بیور مشاونه
دیوب اسان و یروب صلیح ترجیح ایلدی بیکر و اعیان فرمان سز کدر چونکه صلیح
معقول کور دیکر له ولایتنک ضبط و ربطی بیکر الله در جمله بیکر اولولردن ایکی
آدمک اوغلاری رهن آلنوب هر سنه خزینه کلد که ایکی رهن کوروب تبدیل ایله
دیو قرار ویریاب کلان آدمی کوندر دبلر وارد قلع عموماً امر او عسکری قرال یانه جمع اولوب
مفهوم معلوم اولد قلع هر نه طلب اولنورسه و یروب مصالحه اولنق کر کدر والا عسکر
اسیر لکی اختیار ایدوب چیقوب اول طرفه وارملری مقرر ددیو قریا دیند کلد نه ناچار وکلای له
طابورلردن چیقوب قنایچه قلع سنه کلوب سویلشمکه بر آدم استدیله سوزا کلان
علمادن ملاغنی اغا کوندر یابوب بعد سفر غازی اغاوشین بیکی و سائر امرادن بش التي
بیك آتلوجیه وجوشنه مستغرق فحیه واریابوب ایرتسی له عسکری قلعه دیبته آلا یلرین
دیزوب وکیل اولان قتلا زیوش و سائر امراسندن اون نفر آدم چیقوب برو طرفه
دخی عسکر اسلام آلا یلرین قوروب سفر اغاوشین بیکی و اغاوردن اون نفر ایله چیقوب ایکی
آلای اورتاسنده بر لرله بولشوب احوال صلح مذاکره اولند قلع نجه معقول سوز لر ایله
خصم الزام اولنوب نطقلری طوتلدی بالاخره ایتدک ایسه بولنق دیو معترف اولد قلردن
صکره زمه بار شمشق استر سکر هر سنه خزینه کزی وقتی ایله و یروب و پادشاهک زیو
دسنده اولان مملکتنه اطالید ایتیمه سز و قزاق ولایتنه قصه مضرنه اولیه سز
وبکر یکنزدن ایکی آدمک اوغلاری رهن ویریابوب دوست استمزایله دوست دشمن مز اوز زینه عسکر
طلب ایتدیکمزه عسکر ویره سز حالا بوقدر تاتارونوغای عسکری خرج و زحمت چکوب
کلدیله بونلر مال غنایمدن محروم دونمز لر ولایتکرا یچنده استد کلدی قلع و پلنقه و قریه لردن
طویلق الوب کیدر لر بوکارضا ویر سکر بار شمشق اولور والا یوز سیکدن زیاده تاتارونوغای
عسکری و سکرسان سیکه قریب قزاق عسکری وارد و لا یتکره کیروب البادر دن وارشاه
دکین چپار لر یاقوب یقار لر دید کلدن ملاعین جوابه قادر اوله میوب احسان ایلاک
بوکیه لک قونوب آرام ایلاک بر دخی ببنزده بوموادى مشاونه ایدوب و صبح
جواب ویره لم دیو دونوب قلع یه کیدر یلر تاتار عسکری دخی قونوب اختیار لری

کفار بومر سه زبون اولد قد نصیحه بار شمشق معقول دکلدر همان رهن الد قلدی غنی اغای آلوب
ولایتنه اقین ایله لم لازم کور سه قشلیه لم دیو ابرام ایتدیله قیطاس اغا و قان محمد میرزا
ایچرو کوندر یابوب منلا غنی پی ویرسونلر شمد نصیحه صاحبه رضامز یه قدر دید کلدن
له بیکرینک عقلاری کیدوب نه وارا احمد لله بوقدر اولش ایشی بوزوب خشونت ایتدک لایق
دکلدر بر اوجا غزنی سویندرمک کلوب بردفعه دخی سویلشک دیو بری آردنجه بیار لری
کلوب تضرع ایلدیله بعض اختیار سویلشمکه ضرر یوقدر دیو تکرار واریابوب عسکر
تاتار قار شولردن آلای قوروب سفر اغا کیر واون نفر ایله میدله چیقوب سوال وجوابدن
صکره اسلوب سابق اوزن بردخی نقض عهد ایتامک اوزن و تاتار و قزاق یوللردن اولان
ولایتی اوروب طویلق آلق اوزن رضایر سز دیند که اندر دخی جمله نکلیه یکنزه راضی
اولور لکن قزاق قلع و پلنقه لر غارت ایتدیکنه رضامش کلد براری ولایتنه عسکر بکری
معتاد اوزن چاپوله کوندر رک عجز و قراده بولد قلرینی آلسونلر والا بز کندی ممالک مزک
تالاننه حسن اختیار رمزایله رضا ویرمکن اولک یکد رلطف ایدوب بومالا یطاق
مکلیفی ایلاک دیو عظیم منت ایدوب یلوار دبلر بر مقدار ملایمت کوستروب همان
رهنه کزی کوندرک دیند که حالا سر دارینک اوغلانی و برویوده اوغلانی و یروب و هر سنه
تبدیل لازم کور سه ایدوب من بعد نقض عهد اولنوب شرط سابقه اوزره
محرمک یکرمی بشیجی کونی صلح منعقد اولد قد نصیحه ده نیلوب اولکجه و سلا تن
دید کلدی قلع یه کلدیلر طانه بولشوب ایرتسی عسکر اسلام کوچوب بر عجزاده
هسکر چاپول مراد ایدوب دفعی ممکن اولیموب خان و میر زال و اعیان بریره کلوب مشورت
ایتدیله کیجه ایله علی الغفله بر آلای خلق کیده یولر کتمسه لر نفی جوق ایدی لکن خلق
یونی ادراک ایتمز لر مال غنایم سز کیرویه دونمک کو چلیسه کور دیو بوند نصیحه
ضبطک دخی فائده سی یوقدر دیوب خان حضورنده موجود بولنان عسکر دعا
و ثنا ایله محرمک یکرمی یدنجی کونی چاپوله قویو و یروب دوبنه دید کلدی حصار ده
بصاد دو کمک اوزره قرار ویرلدی خان حضر تکرى بصا دده قلان عسکر و اغراق
ایله کوچوب نهر دشتنویه زول ایتد که لدوس اسوب یغمور یاغوب صولک طوکی
چوزیابوب بر وجهله عبوری ممکن اولیموب مشاونه اولند قلع بونهر عظیمه آتلی اورمق
معقول دکلدر طورلی واقصودن چیقان صولر ایله اوزیدن چیقان صولک ارانی
جورنه اسلاخ یولی دیکله معروف بر عظیم یولدر طرفینی پلنقه لر و کویلدر خان
یوللردن کیدوب عسکر غنایم آله لر چاپول دخی کلوب ایریشور دیو اول یوله کید یابوب
ایکی طرفه ایکیشر اوچر کونلک یزه دك عسکر تاتار بحر امواج و آتش و هاج کی
یا یلد یلر نیچه اسیر و طویلق آلوب قارت قسطنطین نام قلع یه کلد که سفر
غزای کند و اوغلاری اسلام اغا و غیری بر مقدار سکبان ایله مزبور قلع یه کلوب
بر متین قلع در واروش خاکی قار شوقومغه قادر اولیموب عسکر قلع ایچنه کیدر یلر
ونجه غنایم آلوب اخشامدن صکره کلدیلر بعد چاپوله کیدن میرزا لردخی کلوب وافر

طوبیاتی که در دیار بوسفرده مهر صید کردی محله دك غارت ایدوب بر زمانه اسلام
ایاخی یا صمد کل ایدی و ماه صفرده دونوب ولایتلرینه کتدی لر رفع ارداف قضاة
اشبوسنه رجینده مفتی بهائی افندی به خط همایون وارد اولوب یاز مشرکه سز که
داعیز مفتی افندی یسز قضاتک منصبی بشر التیشرفات اولدوغی مسجوع همایونم
اولمشدر بوطال غایتله موجب اختلالدر اجداد عظام زمانه اولمغله بوکه رضام یوقدر
انجق بر قاضی نك غزلنه دورت آی قالد قده براخر مستحقنه یوقدر توقیت ایله توجیه اولنه
یوندن عیری من بعد اذن و رضام یوقدر قاضی عسکرله بیلد یروب محکم ثنیه اید سز که
صکره ندامتن چکرلر و مناصبی امتحان ایله ویره لر خط همایون موجب عمل اولنوب کسمنه به
خلاف رضای شریفم برایش ایتد رهنه لر یوندن اقدام ملازم خصوص صنه ثنیه
همایونم اوزن نقید ایله سز یسز مفتی دخی قاضی عسکرله موجب خط اوزن ثنیه
وارداف قضاتی دفع ایتدی لر سنه اربع وستین و الف قیودان شدن وزیر سالف مراد
پاشا سنه جدیدی محرمی اولنده بدوندن دعوت اولنان مراد پاشا آستانه به وصول
یولدی منجم اسمعیل کندویه منسوب ایدی خبر کوند روب اختیار وقت امر ایتدی
چهارشنبه کونی التجی ساعتده وقت دخول مبارکدر دیوب غره محرم سبت اولمغان بشخی
چهارشنبه کون قول مجسمه رعایه کوچک دلبند ایله شهره کیدیلر اولوزره واروب وزیر
کند و ارقه سفدن سمور کورکنی چیقاروب کیدروب نعظیم و نکر یمن صکره پادشاه
گوتوروب ال اویدروب قیودانلق توجیه و خلعت الباس اولندی وقت مفتی بهائی افندی ماه
صفرک اون اوچینی جمعه کونی بهائی افندی علت حفاقدن وفات ایدوب ایرنسی سبت
کونی بجامع سلطان محمد ده نمازی قیلنوب وزیر و سائر ارکان و علما جمع اولوب یوم مشهود
اولدی منزلی مقابلنده استعدا ایتدی یکی جنیننه کوشه سنه دفن اولندی فذلکه ده دیر که
مولانای مشارالیه خواجه سعد الدین افندی نك محمدی عزیز افندی زاده محمد افندی
معتاد اوزن مدارس قطع مراتب ایدرک سلیمانیه به لندن سلا نیک و حلب و شام قضالینه
وبعد ادرنه و بیک اللهی بشده استانبول قاضی بعد ایکی دفعه اناطولی و روم ایل قاضی
عسکرکی اولدقد نصکره عبدالرحیم نصکره مفتی اولوب بالیوز ماده سنه اوجاق اغالرنیک
ایر امیلده رفع و برغمه اریه لغنه کوند رلدی بعد یینه استانبوله کلوب اوسعید افندی وقعه سنه
ایکینی دفعه مفتی اولدوغی ذکر اولمشدر سنی التمشه قریب ایدی منلای مرقوم سرخیل
قوابل روم صاحب حیثیت و شاعر طبیعت شعر و انشاده ماهر ذهن و قاده و طبع نقاد
صاحبی بوجود ایدی اگرچه برفی کانیغی اتقان اوزن تمام کوروب قانون تحصیل
اوزن شغل ایتمش دکل ایدی زیرا صحبت یاران و لغت مکلفات ایله اوقاتی استغراق
اوزن اولد یغندن غیری زمام اختیاری دست مرفه و مفرحاته و پریشی و اعتدال
مزاج حد و دندن طشره کشید ی لکن قوت طبیعت وحدت زکا و فطانتله
ملکه استخر اجه مالک اولوب هر وادیده امثالنه مساوی کورینوب شرکت ایدردی
تقصیل مورخ درکه قبل الموت علام زوال و انتقالدن امارات عجیبه به مظهر اولمشدر ایدی

چله دن تبدل اخلاق ایدوب مشربلری لطف و سماحت و مکارم و رأفت اوزن ایکن
انتقاللرینه قریب اوقانلرده طبیعتلرینه خبروت و قسوت غالب اولوب جزئی امون تهور
و غضب نابعمل کندولردن صدور ایدردی و صوفیه مذاقندن چاشنی مند اولمغله مشایخ
و فقر اوزره درویشان وضعفایه عطیه لر نامق طوع و ادخار مال و طمع ذمیمه سی مقتضای
طبیعتلرین مرفوع ایکن طمعان اتباعه رخصت و یروب کندولردخی ابنیه مفرحه
نعمیرینه تقید و افراط ایدوب لطفنه مألوف اولان محتاجلر دایدوب عرض حاجاته
جرات ایتد کرجه چین جبین ایله قهر و نهی معامله سی ایدوب بر حبه احسان ایتد کارندن
ماعد اول مقوله صاحب و اصحاب ربانک کلد کارینه ییله رضای یوغیدی اوائل حاللر نه
اصحاب کاله بذل مقدر ایله سماحت ایدن دولت و امساک و ظنت ایله اظهار قسوت
ایتمکه بشلا مشیدی و یونوبته اولان مفتیلکی اکثر توجیهات اغراضه مبنی اولوب
مستعدینی چراغ ایتد داعیه سبکه مقتضای طبیعتلری ایدی مرتفع اولمشیدی
بواشاده مورخه دیشی که سزه درونی توجهمز مقرر در فاما راذل مزاجمه سفدن قایره مدق
الم حکمک دیشلر و برتنها مجلسه مورخ ایله تحقیقاته متعلق بعض مباحث مذاکره سن
ایدوب بو وحدت وجود مسئله سی عجبا بیغمبر علیه الصلاوة والسلام و اصحاب کرام عندننه
دخی بو وجهله محقق و یواعتقاد اوزن می ایدیلر دیوسوال ایتمشلر مورخ دخی سلطانم وحدت
وجود مسئله سی قدر بر مشکل بحث اولدوغی معلومدر و اصحاب کشف و کراماتک
وحدت وجود دید کیری کتب کلامیه ده مردود و مرجوح اولان وحدت وجود دکدر
زیر انا فانا متبدل اولان عالم خلقه وجود حق دیک خطای بدیهیدر انجق الاعراض ما یبقی
زمانین مسئله سی متکلمین یا تده محقق اولدوغی کبی اهل کشف و شهود یاننده بو طالت
جواهرده دخی ثابت اولوب ظهور و بطون بیننده فاصله اولد و غندن سرعت و حرکت
سمبیه شعله جواله شکلنده دائره وجود بدید اولمشدر کائنات مستقل وجود
بولد قلرندن اسفل و اعلا جمله عوالم وجود واجب تعالی شاننک آثار اسما و صفاتی و جمله
اشیا اول عالم محیطک صور مشئوناتی اولدوغنی مشاهد ایدنلرک دید کیری وحدت
وجود با شقه معنایه درکه اول معنای مؤید آیات قرآنییه واحد پت نبویه قتی چو قدر
کمالیغنی و مار میت اذ میت آیتی ایله استدلال اولنچق شبهه قائم و مشایخ عظام مثل
حسن بصری و جنید بغدادی و داود طائی و سیری بوسری خاندان نبوتدن تلقی ایتد کیری
هند الاهی متعین نهایت انلرک عین الیقین مرتبه سنه رسوخلری بحثه محتاج اولد یغندن
اولر مانلرده بوسر واجب الستردن بحث یوغیدی بخاریه ک بحث ادبیه ابوهریره رضی الله عندهن
مروی علم الباطن سر من اسرار الله تعالی یقذفه قلوب من یشاء الله لایکره الا العزاة بالله
حدیث شریفی وینه ابوهریره نك حلت عن النبی صلی الله علیه وسلم دعائین من العلم اما الواحد
فبثلاثة فیکم و اما الاخر فلو بثلاثة قصع منی هذا البلعوم یوردیغی اما زین العابدینک شعر یارب
جوهر علم لویج به لقیل لی انت من بعد الوشا و لا رجال مسلمون دمی مستقل یرون اقبح مایا تونه
حسنادید کیری چله بو علم خفی به اشارت در دیر لر انجق کیدرک محبت دنیا قلوبه مستولی

و حجب شکوک و ظنون مترک اولغله مباحث متنوعه حدود ایدوب سنوز جوغا لشدر
اما حقیقت حال بود که بوعلم نفیس کشف و مشاهد علمید بحث و مقاوله فی دکلر بوسره
محرم اولان عین الیقین اصحابی نوامیس ظاهره و خدود شرعیه آدابنه علمای رسمیه دن
زیاده رعایت ایدوب مرتبه احسان عبادت اتمکله قرب نوافل و قرب فرایض مراتبی قطع
ایتمکله مظهر انوار ذات احدیت اولور و بودقیقه یر ادراک ایدن عارف جمع و فرقک باشقه
باشقه احکامه راعی اولوب مقتضیات اسما و صفات اولان مراتب عالم فرقی احکام
حقایق عالم جمع ایلر برینه قارشدن مق کرکدر که فرقت جمع الحاد نسیمه ایدر لر و فرق
هالته قلوب سر جعدن خبیر اولما مغه ده جهل عفت دیر لر و عند الشرع عالم فرق
جمع صرفه قلندر دن خیر لودر دیر لر اهل اللهک جمع و فرق دیدکری ایکی مجری ساحلدر که
بینهمما برزخ لا ینغیان منطوقی اوزن ارالری ح جز اولان عدل محض اوزن حرکتدر که
طرفینه دخی کما هو حقیر عایشدن عبارتد رایکیسنتک دخی حکمی و پروب سنت ربانی
اوزن پورین مرد کامل جمع الجریته بولغان حضور وقت اولسه کرکدر رتبه کم اهلنه معلومدر
دیو جواب ویرمش کبار علمانک اکثری اواخر اوقائده تسلیت یاب اولمی اچون کتب
اولیانی مطالعه ایدر کدر کبری اجدلدن بهایی افندی دخی بو وادیلر دوستوب اکثری اشیم
اکبرنا لیفاتنه توغل ایشلر ایدی لکن چونکه بوعلم قال ایلر اولمز حال علمیدر بوند شرط
اول تهذیب اخلاق و صفات کامله ایلر اتصافد رطب و سلسو کبری طریقندن اولدیغی جهندن
برخیال سازخ ایلر متلذذ اولوب قالمشلر ایدی و کویا سوز ایلر مال مطلوبه واصل اولدق
مشکله سابقدن ایدر کدر کبری مالی و بدنی خیرات و صدقات ایلر تقرب الی الله تعصیرات
ایدر اولدیلر توحید و تصوفک ایسه مبناسی اخلاق و اطوارده صفات کامله ایلر متعصیف
و معصود خیر محض اولمده حضرت واجب الو جوده حسب الطاقه اقتد او تقریدر که بوقریه
کبار تشنید بالمبدء الاول دیر لرسعادت اخرویه و لذات عقلیه نکه مبناسیدر قول بی فعل
و گفتار بی کرد ارا ایلر نجه حصوله کلور مع ذلک مولانی مشارا لیه جمیع امورده کندو
عقلی ا حاطه ایتدوکی مرتبه دن تجاوزه جو از کو سترمد کبری کی کتب صوفیه ده
دخی مطالعه لری اولوجهله ایدی حقلر نه اقاویل مخصوم کثرت اوزن ایدی جمله سی ذکر
اولمان اتموز جدن استمدلال ایلر معلوم اولور و فائزندن یکرمی کون مقدم درویش حسین
نام بر مجذوب که اصحاب جذبه دن بر مکا شتف درویش ایدی ابوالسعود زاده صادق
چای یه نا کهای کلوب قالدق بنی مفتی یه کوتوردیچک اولدخی باش اوزن دیوب کتوردی
قبود ان اچو وکیو دیککی کی بقه قضایه متوجه اولدی قورتلانه فرین دیو فتح کلام
ایندی منلا خواب غفلتدن او یانوب ددهم بوکه چان ندر دیچک درویش بوکه چان
بو قدر بلایر دو عمری زیاده ایدک ییجی اموری ستر تعلیم ایدرکن وقت رباده
تاجر والله ترجوا قاعده سی اوزن شدت تدارکنی کورمکدن نه عجب غفلت ایدر یکتر تدارک
وقتدر کرک ایدی حلا فرصت فوت اولدی یول تدارکن کوردیوب بر عاقلانه جواب
ویردیکه دهشتدن منلا نکه شعوری کیدوب استیلا ی خیر تدن درویش هله اوتورک

دفعی بایش توجه درون ایلر لطف ایدک دیدکدر درویش کاه ایتدیکم زده لطفدر
دیوب فرار ایدرکی مجلسدن چیقوب کندی درویش احوالی مجرب بر مجذوب اولغین
بووضعندن منلا متاثر اولوب اول ساعت تنکیده اوده اولان فقرایه و اولدن بلد یکی صاحب
وضعفایه صدقات و قربانلر و پرنج و یاغ و برلک اوزن دفتر ایدوب کتخد اسنه و موزعنه
و پروب بوکون بونلری توزیع ایلک دیو تنبیه ایلدی اما منلا نکه راحتی کیدوب خوف موت
ایلر بی حضور قضای ربانی اول کیجه واقعه سنه کورکدر کندی عریان ایدوب بر حریر
ایضه صاروب خانه سی قارشدن سنه اولان باغچه سنه بر اغاج التمه کوچک چادر
قوروب بوند او تور دیشلر ایسی پیدا اولدوغی کی بو موخش واقعه درویشک کلامی
موید ایدوکنی ادراک ایدوب اوچیموز فلوری چیقاروب تصدیق اچون موزعنه ویردی
اول سفیه مغرور اتباعی اولان دیکیر افندی و سوسه یه اوغرامش انجق دیوب اول التون
و قربانلری و سائر صدقاتی مستحق و محتاجینه و بر میوب هوا دارلری اولان شهود و زور مقوله
قوز غولدره بذل ایدوب بویله شیلدره دخی تجارت درنده دوستوب بعضیسنه اکل و یاغ
ایتمشلر یوناز مصطفی سی نقل ایشلر افندی نکه ظاهرده برعلتی یوق ایرسی کون سبت
کوتی کچوه ییلور سک ایدر دیدی مکر منامه عینی ایلر بویله دیشلر واقعا ماه صفرک
اون برنجی چهارشنبه کونی جز نجه جماعه معال ایلر باشند بر نازله خان یوزانه منصب
و حناق حدود ایدوب چهره سی بادنجانی لونه کیروب تنفسه قادر اولدوکی اطباء کلوب
قوللرندن فصد ایدوب معالجه قیدند اولدیلر کندولر هنوز شعور لری و ارایکن اطباء یه زحمت
چکمک بونک درمائی و قدر دیدیلر کتب طیبیه ده خیط ارجوان دید کبری ایدرک رشته سی که
دیار مصر یه دهه واقع بیمار خانه لده تریاق بمان حناق اطباء طوتدروپ تریاق اچون طبع
ایدر جکری یلانلر اسنه کلان افی بی و قرمزی ایشلر نلینه بوغوب شروط و قیودنه رعایت
ایلر بر بزه اصار لایش اول افی اولوجهله بوغوب اولد کد نصکره بووجهله بینلر نه معلوم
اولان قدر افی بوغیلوب بعد بوایشم تلنه خیط ارجوان نسیمه ایدر لایش بونک خاصه سی
حناق علته مبتلا اولان آدمک یوزانه باغلنه اول ساعت اند فاعه باشلوب محکمه الله
تعالی یکرمی دورت ساعت مرورینه دک حجت پذیر اولورمش و بوناً ثیر خواص مقوله سنندن
اولق اوزن مطولات طبع مذکور ایشلر مد العمر اول رشته بو مرضک انواعنه
علاج اولق اوزن صاقلغور ایشلر وجودی نادر در مصر و الیسی یاخود منلا سی مراد ایدوب
پیدا اینه محتاج ایشلر اطباء دن بری بونی صاغلوق و پروب اتباعی نفخه کیدر روز بر ترخونجی
باشام صردن بر رشته کتورمش و خزینه دارنده قالمش رشته بی بو لوب کتورنجه
افندی نکه رشته عمری کسمسته اولوب حکم قضایرین بولدی اوچنجی جمعه کونی غیری
پنجود دوستوب حین تلقیه نه شهادت کتورد کار نجه ایکی کره باز مقبرین والی قالدروپ اول
اشارت ایلر تسلیم اولدی جالاغله لرینک مقابلنه قریب کوشه ده دفی اولندی دل حیاتلر نه
اول کوشه یه اعتنا ایدوب بر سبیل خانه احداث اولانسه باغچه حقه واقعه بیتر عذبتدن
طوبیه احد ایلر صوچیقار مق قابلدر دیو تعمیرینی دوستلرینه استیشار ایدردی حتی

بویقنارده مدفن اولوق دخی انسد رگله سنی زبانه نندن باری اولوب انطلاق حق ظهور
ایتمشیدی حالا اول کوشه جکه آسوده ریاض جنت اولوب یا تور رحمة الله علیه حقا که
ذات بی معادل هر فنده بکانه وقت ایدی وفات ایتد کبری کونک ایرتسی خصوم فرجه بولوب
قره چلبی زاده محود افندی موتنه پیری صدر الدین زاده پدیده دورت بیگ التون ویر مشهور
ایمیش عرخیال ایدوب تحصیل ایچون چاوشلر تعیین ایتد دیر کذلک قیودان حمیوس
علی پاشا تخلصی بایده شفاعت نیازنه دورت بیگ التون هدیه ویر مشن ایمیش آئی
دخی دعوی صدر نه اولوب شفاعتی ایله خلاص اولمشیکن طلب وتضمیق ایتدی
معهود قهوه جیسی وزیر قیوچی باشی اولدی و غلغانن حییه تعیب نعمین اولدی مفنی شدن
ابوسعید افندی ثالثا ابوسعید افندی ثالثا مفنی اولوب ینه قیوسی مرجع انام اولدی
پهانی افندی بیگ اریه لغارندن مدلی اطه سی مخدومی فیض الله چلبی یره اریه لق اولوب
استانبول پایه سیله اعزاز اولندی و قیودان علی پاشا الطلاق اولمش ایدی النان سفینه لری
وجمله اسباب و اشیا سی ینه کند و یره رد فرمان اولندی و مذکور علی پاشای باغلیوب کوندرن
مورن پاشای بیگ قدر رسوار رو پیاده ایله خراجلر جمعنه مشغول اولوب دفتر دار پاشایه
استناد اسپاه و رعیت وقاضی دیمیوب اضعاف و مضاعف جمع مالک و کفره بی ضرب و حبس
و مصادره بروجه ظلم ایتدی بکه مقتول ظالم یوسفه رحمت اوقوتدی مورن رعایا سی کروه کروه
استانبوله کلوب رفع رقبه متهی اولدی لکن خامیسی دفتر دار مورن لی تعیین تام و اقتدار
مالا کلام ایله مستقل و حتی طمشواره نقل اولنان دفتر دار سابق سورنازن مصطفی پاشادان
یوزاللی کیسه طلبنه بدون وزیرنه خطابا فرمان ایله مباشر کوندرلدی خراج محاسبه جیسی
بولوی مجدی محمد افندی اناطولی دفتر دار لغی رجاسنه اون کیسه و یروب وعد اولند قده خراج
محاسبه جیلکی قبوری زاده یره و یرلدی کندوسی تهی وعد ایله انتظارده قالدی ماه صفرده
پیکیری اغاسی عزل اولنوب رکبدار شهر باری کورچی سلیمان اغایه وزارتله پیکیری اغالغی
و یرلدی و سابقا بوستانچی باشی لقدن دیار بکر و یریلان صاغر محمد پاشا عزل و دیار بکر کورچی
پاشا برادری جعفر پاشایه و یریلوب منسلی وار دقه صاغر محمد پاشا وفات ایلش ربیع الاخرده
کرید طرفندن خبر کلد بکه حسین پاشا تکرار کافر ایله محاربه ایدوب اوج بیگ مقداری
کافر کشته تیغ ایدار اولمش و ینه بوماه و قایمغندر کسندن اغاسی قایمچی محمد اغا که قایق
خانه بکجیسی دیمکله مشهور بوستانچی لودن چقمه حاجی و مالدار و طالب علم فقه و بعض
مقدمات کورمش بوستانیان بیننده خیل صاحب استهوار کسینه ایدی صلابت و اقدام
اصحابندن اولمغله قوت مالیه ایله چوق خدمتله و مصاحبتله قارشمغله محسود اولوب اکابر
دولتدن نیجه کسینه لک خصوصاً مورن لی دفتر دار کینه قدیمه لری اولوب برپالنه ایله
کندونی اعدام و مالی التقامه فرصت اراردی بوندن مقد مجه مورن یالیمسندن تیمور اغا
کفاره یغدا ی صاتمق تمهتیه اخذ و قتل اولمشیدی بعینه مزبورده بو تمهت اسناد
اولنوب طوغری بولدن زمان قلیلده بوقدر مال نیجه پیدا اولور برنی بشه کافره ذ خیره
صاعغه قارون وقت اولدی دیلرله قتلنه فرمان چیقوب وزیر اغارندن عبد الکریم اغا

مباشر تعیین اولندی مکرر قوم مجد اغاده استانبول کندی حقه بومغوله گفتگو اولدی
ایشیدوب و بعض دو عسکری دخی مکتوب یازمغله کسندن دن قالقوب قیویایق و حساوی
اسکات سودا سیله استانبوله کور ایمیش مباشر مزبور اثناء طریقه راست کلکله حسب الامر
طوبوب باغلیوب استانبوله کتوردی حبس و بوغلیوب قرق الی بیگ غروشر تقودی و وافر اشیا سی
میری به النوب دفتر دار و ساری احد انتقام ایتد ک دیوشادمان اولد بلر چوق یکمدین دفتر دار
دخی بلا سن بولدی نه کم کسه کر کدر و بو خدمت مقابل عبد الکریم اغایه سلحدار اغالغی
و یریلوب بوملا بیه ایله سپاهی لر اغاسی شعبان اغالک منصبی اخره و یرلدی سابقا وزیر اعظم
مراد پاشا بولندن کلوب قیودان اولوب امور ترسانه بالا مستقلال رأیه مفوض اولوب وزارتله
تذکره جیسی صکره قیو کتخداسی اولان قره کوز محمد افندی بی کتخدا ایدمشیدی زمان
صدارتنه کی اوجاق زور بالینک استیلاری هنکامی ایدی جمع ایتدی بکی خرائش عظیمه بیاضاعت
ایلزدن مقدم مهربدن قصید ایتکله تخلص کریبان ایدوب اول مال بی پایانی کزید و مصادره دن
قور تارمنس ایدی بوقدر زماندن بروید و بولندن دخی اموال عظیمه حاصل ایتکله بش الی بیگ
کیسه بیه مالک اولدیغی تو اترتیه سنده اولوب عموم اتباعی علی الخصوص کتخداسی مزبور دخی
اوج یوز بیگ غروشه مالک متول روز کار و قوجه نشانی کریمه سن زوج ایدوب برهفته شبناموز
سورس و یرلیدوب عموم ماورازار کابه علی الترتیب ضیافت ایلدی اطهار غنا و عجمه مائل کسه
اولمغله کتخداسی احمد چلبی نقل ایدر طبقه سان عدد سمور فاخر کور کبری اردر سروپ بونلری
هب کیه مزبوعه دخی عرضیز تحمل ایتد دایما سرک مشکلی طور مغله ضایع اوله یورد یرایش
و مالک اولدیغی رخت و بساط و سیم و زلات دیوانید اوج وزیره کفایت مرتبه سندن افزون
ایدی دیو نقل ایدردی زادن سرحدنه سابقا عارت و احکام اولنوب ایچنه لوازمات
و مستحفظین قونیلان کین قلعه سی اوزینه اون ابکی بیگ کافر کلوب حی ریم یا پالمعون
سردار ملا عین اولان کین دینه قره می چوقد تاج و کند و صورت نهو سه سیله منقش
بر سر غوج و بعض نسنه لکوندر مگاه کا اعتبارا افرنگ و نیجه و محار و طوت و غیریدن اون ابکی
بیگ کافر کلوب طور چکوب کین قلعه سنک محاصره سنه هجوم ایتد کارنده بوسنه والیه سی
وزیر فضل پاشا بنالوقه ده بولنوب ایالت عسکری نفیره مأمور ایتد بلر بوسنه اوجاق زاده
لزدن علی بیگ مشافهته پاشایه کلمات صعب سوایوب بالنفس کند و ک نقید ایتیموب
سندخی نکه لو پاشا کی مملکتی کافره می و یمک استوسن اگر ایتدین دیره نورسک ایوا لمر
بولندن تهدید آمیز ادا لیدوب بی پروالک کوستردی فضل پاشا بولنوب ایالت عسکری
ولوندا تیله کافرک ماعرا سندن واروب محاربه عظیمه اولوب همان شاهین پاشا اوغلی
حیدر بیگ بنفسه اون کافر اقداردوغی مشهور اولمشدر کفارک یکر میدن متجاوز باش
قیودانلر یله بیگ ایکیموز کافرک رؤس مقطوعه سی و اوچ یوز زننه کافر النوب ملا عین
منهز مافرا ایتدیلر حتی اثناء معرکده باشلری اولان اول سرغوجلی ملعونی غازیلر
ملعوننی احاطه ایدوب اعتقاد فاسد ینه بناء کندونی ریم یا کوندر دیک طوبک
اوزینه براغوب محکم صبارلدی زننه اسیر ایتد ایچون طوبدن آرمغه چالشدیلر

ایرلاق مکن اولم یوب قانچ او شروب یار لای یار باشتی و سر قو جی الوب آستانه یه کوند زدیله
 اواخر جمادی الاولی ده بیک ایکیوز کله و اوله هلاک اولنلردن ماعد ایکیوز یکرمی زند کافر
 بوخجه طبل و سنجاق و نجه تحفه جبه لکوب وصول بولد و غی محله ذکر اولنور حتی نقل
 ایدر لک اول معرکه ده اولان ملا عینک اکثری جبه وجوشنه مستغرق کونک دمور اولمعه
 آلات حرب کارا تیموب همان غازیلر پنجه جلادت ایله خنازیرک کریمانیته یا بشوب
 زمینه چالار قارند نصکره میچ و خیزوغدار بی دبر لینه صوقوب اوله قتل ایلمش جمادی
 الاولی تک ایکنی جمعه کونی نوروز ایدی طالع سنه اسد زخل طالعده مرغ زهره عاشرده
 و شیمی قرع طارد تا سعه مشتری رأس ثانیه ایدیلر یوب سنه ده بر کسوف سلخ رمضان
 اسد ده طالعی عقرب مستولسی مرغ و بر خسوف نصف شواله و آخر سنه ده ذواله
 هلایم مهوله در آسمان و زلزله عظیمه احکامتی یاز دیلر و قیش ایچنده ربيع الثانیه دلوده
 اولاجق کسوفی ثانی احکامندن اولق اوزن استخراج ایشلرایدی و قعه خادم قرینداشی
 حسن اغادر قو بیه مومی الیه قو بیه اعیانندن و مشاهیر سپاهک نامدارلندن اولوب کمال
 تسلط و استیلا سنی بکریکی محود پاشاهضم ایدم یوب مقدمه ماحضی اولان حلواجی محمد که
 دینارنده عدوت و ارایدی آستانه دن خدمات اوامرا یله واروب مزبورک اوغله و آدملرینه
 اولشیدروب حیلل ایله یاندن طاغته قد نصکره محود پاشا فرصت بولوب کیجه شهرلی بی
 ایاغه قالدروب اولنر اتیلر واروب اوینی باصوب وافر جنک اولدی حسن اغا دیار دلوکندن
 چیقوب فرار ایلدی اوینی تحریب و غارت ایتدیلر بر قاج آدم دوشوب صکره نجه دفعه
 قیل قاله سبب اولشیددی وزیر درویش پاشا مخصوصا استمالت نامه یازوب در دولته
 کتوروب قبولی باشیلایق ویرلشیکن قبول تیموب کتور و اسامه سی فتح اولنوب ترکان
 اغالی ویر یوب معزز کوندردی قتل دلی سپاهی سیمواسه اسکی سپاهیلردن نیکسارلی
 دلی سپاهی نام قوجه سپاهی در دولته ووزرا قیورلده مصالحت کدار اولوب بعض جمعیتلرده
 نفاق ایدر دیو حسن اغا و غیر یلری کندودن مستشعر ایدیلر مزبور دلی بعض خدمات التزامیلر
 تعیش ایدردی ابازه حسن اغا استانبولده ایکن اولدخی کلوب نجه دفعه حسن اغا یله مناقشه
 واقع اولشیددی حتی بود دفعه اثناء محافقه ده مزبور دلی ابازه خطاب ایدوب سنک حالک
 معلوم و کارک چوقدن تمام اولوردی وارصدراعظمه دعایله دیش ایدی ابازه حسن
 ترکان اغالی خد متیلر معزز و مکرم اناطولی یه حقد قله حین و داعیه مکر و زیره واروب
 صیطانم کیلا زجی دلی و منافق حر بقدر شونک وجود بی قالد یریم دیواسنیدان ایدوب
 استمالت مساعده اولنمش ایدی صالادلی نیکسارده ساکن ایکن حسن اغا بولک تعین ایدوب
 قید و بند ایله کتوردکده سب بی یه متعلق بعض سوزا ثبات اولنوب حبسه کوندلش
 ایکن سلیم عرب قانچ ایله چالوب بوسباب منافقی حیس ایتمک نه لازم دیر قتل ایلدی
 حالا نک ایله مناقشه اوزن اولان حاجی احمد اوغلی عمر بیک زاده محمد بیک که بابا باسن کوچک
 احمد پاشا حلبده قتل ایش ایدی حالا ایشیر پاشا حلبده مزبور الی کتوروب ابازه
 حسن اغا یه دوستلای یوزندن آستانه یه کوندردی و زو با لردن اولق تمهتیلر پادشاه

پادشاه عالمناه بر کون بعد العصر کوشکه چیقوب چشمه اوکنده یونی اولدی ایلحی له
 جمادی الاولی حوادثند ندر که سقلاب طرفندن کلان ایلحی دیوانه واروب بعض مدایای
 جزئیله بر کومش آت اوسته بر کومش آدم نقد عبد الد نبی رمعی منز عین الکفر
 بالاشترک بالوثینه کنایه سن اشعار در واصل اولدی سلسله بوماه ایچنده شیخ الاسلام
 ابوسعید افندی سلسله ایدوب مطلع دولته قوجه باش محود افندی بی سلسله وانی علی
 افندی ایله بطریق المبادله یکی مراد پاشادن محنه کتور مشلرایدی حالا یکیشهر قاضیسی
 صاری علی زاده یکیشهره وارد قله اعیان شهر ایله مزاج ایدم یوب خاصه نامه متمکن قضایان
 یوسف افندی نام بر مرد بیر که متول و اعتبار ایله صاحب استهارد در بعض قراده حیدودلر
 رعایا اولرین باصوب بر مسلمان عورتیلر شیشده کباب ایتد کارنده منلا آدم لرتعین واله
 کتور یابوب غارت ایتد کاری اموال و استیادان الارنده شی بولنما غیلر معین اولدی دیو قازغه
 اورد قله مکر اول حیدود لر قاضی مزبور یوسف افندی بیک چوبانی ایش منلایه بوسبیدن
 غرض ایدوب خلقی ایاغه قالدروب نجه اسناد ایله اوزرینه هجوم ایتد یوب قاضی جلای
 اولدی دیوند ایتدروب عامه خلقی باسنه او شوردی علی زاده افندی ناچار کیجه ایچنده
 قاجوب الا صوفیه یه اندن سلا نیکه واردی استانبولده کلد کلد یکیشهر دن شکو و اجیلردخی
 کلوب پاشاد یوانده استانبول قاضیسی حضور نده مرافعه اولوب بر ماده ثبوت بولماغین
 مشا کیلر طرد اولندی یکیشهر سالیانیته دن حمار قبان افندی یه یری سلطان سلیمدن اواره
 زاده مسعود چلبی یه یری چشمی زاده ایله طاعستانی مصلی چلبی بیمنده منازعه و مشاجرت
 اولوب پوئاده شام قاضیسی عز زافندی زاده احمد چلبی اطوارنا هموار ایتمکه شام والیسی
 دفتر دار زاده محمد پاشا عرض ایدوب البته قالدرب یوخسه قتل اولنوردیو تحریر ایتمکه حلبه
 نقل اولنوب حلبدن شهرانی زاده مکیه ایکیچی زاده برینه واروب و سنه زاده دارا خدیشدن
 شامه قالقوب ایاصوفیه دن شروانی احمد دارا خدیش کلوب چشمی زاده ایاصوفیه دن دخی
 ابایا تمکله مقاولات و منازعات چو غالدی بالاخره مصلی چلبی سالییه یه چشمی زاده راغا
 علی الانف ایاصوفیه یه اولوب بوتقر بیلر تذکره جی عبدالله چلبی ادریه قیوسی مهر ماهنده
 اللی انچه ترقی ضمیمه یرندن التمشلی اولوب صحنه ردوسی ولی چلبی اسکی علی پاشا مدرسی
 نکفور طاغلی مدرس زاده وعاشق پاشا شیخی اوغلی ایله برو سه لی مفنش چاوش
 زاده که اسکی مراد پاشاده در محنه واروب کوچک چشمی زاده ایله مبادله ایتدردی
 ولفظ مبادله ده ایهام قبیح اولمعه ملا حضرنری مسافه نسیمه ایدوب اصطلاح جدید
 وضع ایتدیلر موصله لردن ایکی سلسله ایاغی اولامفنش احمد افندی یری محمد اغا
 و خضر زاده یری سنان پاشا محلول قالدی و بروسه سینو بی عیسی افندی یه محن
 ایکن توقیف اولندی غرابت بوند اسم یری ییاض الیقونش بروسه امری قید
 اولندی بی رئیس افندی طرفندن نقل اولندی و بوماه ایچنده موله آق حسن روم
 ایل قاضی عسکری ملک زاده یه نیم فصلم سندن قالدورمی سنکه امخانه قادیرم
 استه کتاب دیو تحقیر متعلق سوزلر سولانوب بر قاج قاضی بی دخی اویدروب

مخاضه وشكوى صد دند اولغله ملك زاده وزيره واروب شكوى ايتدكه آق حسن
وهوادرلرى نغى اولغدى جمادى الاخره غره سنده كردهان دامادى عبدالله افندبكه
مصر پاشا سيله امتزاج ايدى ميوب عزلى باند مصر واليسندن عرض كلىدى وزير
غرضي كتورن كسسه يى منلايه كوندروب مصرى بزم چلبى يه ورك ديلسانا خبرارسال
ايتدى مفتى دخی بيوردقلى قنغى چلبىك ردید كه ابو السعود زاده محمد چلبى دردیه جواب
گكه كه اكاتوجیه ايتدیلكر كند ولسانندن مسعودر حسام زاده افندی بزی وزیر تعریف
ايدوب كند ومقامزه لایق بر خردوم كرسندردیه تر بیه لرا ايتشیدی اكابناء صاحب دولت
بزه التفات و محبت بيوردیلردخی اولدن معارفز بيله یوغیدی حتى صدر اعظم بالذات
ياكه خطاب ايدوب حالامو رمصر مختلدر سزدن غیری مصری بفرده اينانه مرزديو
بيوردقلى بى نقل ايدردى امادستبوس هماينه كيردكه پادشاه حضرى عتاب آمیز
خطاب ايدوب مصره بوندن اختيار آدم یوغیدی بقه برخو شجه سلوك ايله والاه سنى
ونه مصرى سكاویرمكه سبب اولانى صاغ قورم دیته دید بیوردقلى ثقا تندن شیوع
بولدی ومحمد ملك وزیره سبب انذسابى صكره معلوم اولدی نته كیم كاسه كركدر محمدوم
كزین خاله سى غمیغه قادین دلالته ملكى خاتونه روى نیاز كوسترمكى سبب بقاء دولت
بيلوب بى معارفه سابقه ایدوب ساكن معهود شعبان خلیفه زیارتنه عرف ووصوف
وطمطراق ايله واروب شعبانك صقلدوغى مقرر قاما بغدادى زاده محمدوم مذکورى حین
وداعه شعبانته نیاز ایدوب سلطانندن بر و جام وارديوپ شعبان دخی استغفرالله همان
بيورك باشی ازریته دیدكه سعادتلى قادین افندی بزم حضر تیرینك بزدن اللربن اویوك
الله اماتى دیو سپارش ایلدی شعبان كال بخالتدن سرخ رنگ اولوب نه جواب ویرسون
تاعثم ايله باشی اوزریته دیهرك تودبع ایلدی وفیه من الحسنی ملا یخنى یوسنه سرحد دند
فضل پاشانك كك وندردیكى باشلرودلر وغنائم جاذی الاخره نك یكر میسندك كلوب
و صول بولوب كتورنلره خلعتلر و احسانلر اعطا اولغوب یو خبر طفر اژدن پادشاه وجهه
امت محمد مسرر وراولدیلاحوال دو نماروز غضر دن بش كون مرورنده كافر قلیونلری بوغازه
كلوب تمشالى او كنده یاتدقلى خبری كلى قیودان سابق علی پاشا لوح قدرغه ايله ایلرو
كوندرلر ديكه مغرب کیلیرنی بر موضعه جمع ایلیه و ككارك احوالندن خبر الهوقدی امراه
دریادن سویدان اوغلى محمد پاشا معزول ومدیون قلوب خیل زساندن مقلول ایدی
ترسانه طرفندن كندویه ویریلان قدرغه و كند وفور صله لیه سینه سفره مأمور اولدی حالا
پادشاهك خواجه سى طواشی ریحان اغامرحوم سویدان اوغلو قوللرندن اولق تقریبيله
مزبور سویدان زاده استدانه ايله وزیر كخداسى علی اغایه مراجعت ایدوب ریحان اغایردخی
شفیع ایدوب ترسانه كخد الفغه شدت طلب اظهار ایتدكه قیودان مراد پاشا نغند
ایدوب ویرمدى سویدان زاده یه اكر بكاعرض نیاز اینسك ایدی ویردم چونكه آخره مراجعت
ايتدك انكچون ویرمزم دیوب ترسانه كخداسى جغاله زاده مصطفى كخدا متمكن اولدی
پواشاده سویدان زاده نك میردن اوتوز كوركى طونلق ایچون ویریان اچه سيله برمقدى

قراییدوب سویدان زاده بوفلاكت محله واروب قیودان پاشایه اعلام حال ایتدكه خصم
چانی اولان ترسانه كخداسى قیودان پاشایه كچوب كذب ایدرا خچه یی هوا سینه تاف ایدوب
مقد مى كند وقاچر مشدر دیو غمز طریقيله سویلد كه پاشاد كلیوب سینه سفره مأمور سن
دیو سویدان اوغله ترسانه طرفندن چاوش كوندردى اولدخی بن قادر دكلم سفینه یی
السونلر ترسانه دن بر قاج اچه علوفه مزوارانى دخی استد كرینه ویرسونلر ككندو
قرصه لیزدن دخی كك
شترندن نچه امین اولورم دیوب تکرار قیودان پاشا طرفندن نصح واستیمالت اولوب
كخد ايك كك
پاشانك كوندردیكى اسیرلر كك كك قیودان پاشا كخد ایه امر ایدوب اوتوزینى سویدان
اوغله تعیین ایتدكه تسلیم اولوب علتی ازاله قلدندى سویدان زاده قیودان پاشایه
مسرر واروب دستبوس تشكر ایتدكه بر طونلق سایه چوقه احسان ایدوب استمالته
قطیپ ایلدی چون یوسنه مباركده عموما عصا كر بحریه غزای جره مأمور اولمشلر
ایدى طریاب سندن یدى بان معظم ومكمل جنكجى ملوقلیونلر كلوب طوب شنكر بيله
واصل اولدی طریابى اغاسى محمد اغا نام اختیار كاردان و قلیونلر قیودانى كوچك محمد
نام مرد صغیر الجنه وكثیر التجربه زیاده اكرامه مظهر اولدی بقر قیودان پاشادو تمام مشورتنه
یواكیمستى مستشار ایدوب بومعنى ترسانه كخداسینه سبب حسد اولمش ایدی بركون
طریابى داییلرینى پادشاهه دستبوس ایتدردیلر یو کیفیت ايله پادشاه ترسانه باچه سینه
ساحله براسكمله ده اوتوروب وزیر حاضر اولوب قیودان مراد پاشا سلبی ايله اردنجه
مارالذكر محمد اغا اردنجه كوچك محمد بر قاج معتبر داییلر ايله وقیودانلر ايله زانوى ادالى زمینه
قویوب بعدال قاوشوروب طوز دیلر پادشاه خوش كك كك كك كك كك كك كك كك كك كك كك كك كك كك كك
ییلوید بلر اول محل كوچك محمد ییلو یوب دعا ایدوب شوكته یول پادشاهم یو نجه ییللرد خزان
وعسا كرضایع اولوب كاینقى دشمنندن اخذ انتقام اولمى حالا دولت كك مكمل قلیونلر
ومستوفى غازیلر ايله ككشز در تا كه هر حال یانا ئل شهادت یاباعث فتح ونصرت اوله وزدید كك
الطاف همایون پوروب اولحل دوات وقلم اسنیوب بر خط شریف ویردیه طریابى قلیونلرینه
هر نه لازم ايسه كند ورك تعیین و طلملری موحبجه بالتمام ویریه مهمات وآلات مقوله سى
ترسانه دن بكسماط وزیتون وحبوبات ومأ كولات مقوله سى وزیر طرفندن ویرلك اوزن
قنبیه بیوریاوب خط ویردیله بونلردخی یكى دفتر دوزوب قیودان پاشایه ویردیله وزیره عرض
اولند قه تمام اویریه دیو بیوردیلر دغا بومهمات وآلات دفترى ترسانه كخداسى جغاله
زاده یه وارد قه العجب كه اون دورت بلك غروش دین ايله ترسانه كخد الفغه نا ئل اولوب
ایكى سینه دن برو نچه بلك غروشه واملاك وعقاراته نا ئل اولمشینكن سن شیخوخته بویه
برغزایه توجه محله طمع و غرض تمشیتنه اغاز ایدوب اولا باروت وسائر مهمات هر نه
تعیین اولمش ايسه مناصفه ناقص ویروب حتى هر قیلونه لازم كلان قنایه تعبیر اولنان
برالت كه طریاب و سیهلره هرات یكرمى بشرقنظار اولق اوزن تعیین ایتشملر ایكن اون بشر

قنطار قنانه لروپ سائر اسبابی دخی بویه ناقص و قلیونلرک طوبلری دمو رطوبلر اولغله
هر قلیونه دور در عدد طوب ویرلک یورلغین اسکی و سقاط طوبلردن عمل مازده لکه
یا قلیونلر دور در طوب ویردی بومعدان منفعل و کتخدا یه رنجیده اولدی لر حتی اولکون که
پونلر حضور همایونه کیروب زمین بوس ایتد کیری مجلس اولده سوال و جواب تمام
اولد قنانه پادشاه اشارت ایتدی داییلره بر خلعت و اون بش کیسه نقد غروش احضار
واعطا ایدوب شو یله یوردیلر که هر قلیونه ایکیشر کیسه که یکسر غروشدن قلیونلر اولان
غزاة مسلمان و ماحضه لشوب و برکیسه محمد اغا یله کوچک محمد کبریا رجه تقسیم ایدلر
داییلر خلعتلری و کیسه لری قیودانه قلیونلر کو توروب چینه وضع ایدوب جمله سی جمع
اولوب شکرانه عطیه و التفات عطیه طوب شکرلری ایتد کدن صکره پادشاهه خیر
دعای ایدوب کلبه لک ثنا چکدیلر محمد اغا غیری یرد کیدوب اول محل ترسانه کتخدا سی مزبور
قیودانه قلیونلر واروب هنوز اقسام اولنمغین عطیه دن برکیسه قلدیروب بیده ترسانه
کتخدا سیوز جمله سنک ضابطیوز بزمده حصه مز بودردیوب کیسه نک برینی قالدیروب
خد متکار نه ییکلدوب کتدی محمد اغاده کلوب کیسه لری برکسک ولوب سوال ایتد که
اصلی خبر ویردی لر صندله بنوب دیوانخانه سنه واروب بقه سن کیسه بی محون الدک دید که
ظاهر از ترسانه کتخدا سی و جمله کزک ضابطی دکلوز حصه مز یقیدر دید که محمد اغا
جواب مسکت و یروب ترسانه کتخدا سی ایسک کتخدا الغک مقننن سالیانه وعوایدی سنک
تکه بنشمن سن ترسانه تقراتی ضابطی سن دین اوغری نه بدل جان ایچون کلش برالای غازیلره
قان مہاسی ویریلان پادشاهیه سنک علاقه کندر بو طمع سنک باشیکه خبر کتور مز
کتور شوکیسه بی دیوچهره سن اذروب کیسه بی الوب قلیونه کلوب تقسیم ایتدی لر بو طمع
شمنعندن بالکلیه کتخدا یه تقرین ایتدی لر و نقصان او زن کو ندر دیک مہمانی بالتمام کندویه
کوندروب بردخی طلب حرفی لسانه کتور میوب استغما کوستر دیلر و بومعنیلری تخرج
ایدوب اعلا قیودان پاشایه وغیری یه دیدیلر اتفاق پادشاه حضرتلری طرفندن
دارالبعاده اغاسی مہرام اغا بالذات بر قاج مقرب مصاحب لایله طرابلس قلیونلرینه واروب
واحد بعد واحد کتوب حتی انبارلرینه اینوب آلات و جبهه خانه و مہمانلرین تماشا ایدوب
اتفاق طرابلس نفراتنک اوطه باشیلرندن بر رجل اسود ایله مصاحبت ایدوب محانست
مناسبیله دیارین و قچان چقدوغن و نه زماندن بزوطر اباسه قالدوغن و نه غزاده بولندوغن
مویلدوب جنسیت حسبیله او طه باشی بی الوب با عجه یه کتوروب اول کیجه الیقویوب
ضیافت و انواع امور دن مصاحبت ایدوب جمیع احوالی سویلتد کربن اوطه باشی ترسانه
کتخدا سنک عطیه کیسه لرندن برین الدوغن و مہمانی جمیعاً نصفیت او زن و یروب
قبول ایتد کیری تقریر ایلدی صباح عرب اوطه باشی یه برسمور خلعت و برکیسه اچیه
احسان ایدوب قلیونه اجازت و یروب و بومعنیلری قنار اغاسی پادشاهیلد یروب قیودان پاشایه
عقاب آمیز خبر کتدی حتی کوچک محمد کیسه ویریلان دورت طوبیک ایکیشی سنک محله
چاتلیوب ضایع اولدی مقدم مال اول ایکی طوبی کوچک محمد بکنیوب سابق مزبور کوچک محمد ک

خد متکاری اولوب بعد استانبوله کلوب ترسانه رئیس اولان عربی الاصل علی رئیس
کوچک محمد سلطانم اگر سرزه ویریلان طوبلر سقاط ایسه بنم سفینه مه میویدن ایو طوبلر
ویرلشدن اول ایکی طوبی سنه که کوندک ایکی ایو طوبله مبادلده ایدلم دید کد جاسوسلر بو خبری
ترسانه کتخدا سنه ایرشدن مشرک کتخدا علی رئیس چاغروب بره اصلا حق سن میوی طوبلری
ویرمکه برالای صکادک اراذلہ براسکمی کرکدر دیه عظیم از ایدوب حتی سفینه سنی الوب آخره
ویرمک مراد ایلوب بیجان علی رئیس شفعار جاسیله کوچیله قورلشیدی طرف پاشا هیدن
خبر کلد که قیودان پاشا کوچک محمدی چاغروب کتخدا نک وضعی صوروب فرمان یوریلان
شیلری نقصان ویردوکن و عطیه دن برکیسه الدوغن خبر ویرد کد کتخدا بی چاغروب عظیم
عقاب و از ایدوب قالدک بوغوک دیه قتل مراد ایتد کد یه امر ایدر ایلا غنه دوستوب تخلیص
ایتدی لر کتخدا عل رعیم الانف قایغه بنوب واروب یکرمی بش قنطار ایدی عدد قومانه و سائر
مہمان لازمہ بی بالتمام تدارک ایدوب کتوروب قلیونلر ه تسلیم ایلدی قیودان پاشا
مجلس مشورت عقد ایدوب دیریا جنکی احوالی طرابلس قیودانلری و ژوساسیله استشان
ایتد کد کوچک محمد سلطانم محل جنکدر رسم قانون قدیم بودر که ایلرویه چرخه جی کیلری و کما
هوا رسم میمنه و میسر و قلب و جناح ترتیب اولنوب بوجیه سفینه لر دن مادامکه بری صاعد
پاشا درده طوب اتمیوب بلکه بساخته بر قاعده کلوب ظفرلشکر اوله جعفر پاشا قیودان
ایکین کسندن او کمان کفار ایلد ایتد کندوسی پاشا درده ایلد هجوم و نقدم ایلدن بوقاعده
ضمانی احداث ایتدیلر که جمله دن اول پاشا درده ایلد قیودان جمله ایدر و ایسه سوء تدبیر
و قانون قدیمه مخالف بدعت و مخاطره درباش کید بجه ایاق پایدراو لار اول اجلدن سنین
سابقه ده موسی پاشا و بجه قیودانلر جمله اولیدن تلف اولوب مرتب دونما ایشیه برامیوب
منہزم اولدی لر کرک قره و کرک دریا سفر لر نه ایتد اسالار عسکر چاتوب بر خطا واقع اولسه غیری
لشکر دنیا قدر اولسه برایشه برامز بودعت که عین تهور مذموم ایدوکی عالمه معلومدر
ترک اولنوب بر قاعده چرخه و قراغول و میمنه و میسر و قلب و ساقه ترتیب اولنوب
اول وجهله وارلق کرکدر دیدی بو تدبیر جمله نک یانده مستحسن دوستوب پادشاه
حضرتلری مجلس سنه دخی بو وجهله افصاح اولمشیدی و کوچک محمد اشاء مشورته بزم قلیون
طوبییلر بزدن ایکیشر طوبی و دو نمای همایون قلیونلرینه ویریاوب انلردن بزم قلیونلره
ایکیشر طوبی الیه تانلر بزم یاردی و بزم طوبییلر انلره کارفرما و له لر بو وجهله اون دورت
طوبی اون دورت طوبیله مبادلده اولنه حقا که بو تدبیر دخی غایت مستحسن کورینوب بویه
قرار ویردی ویکرمی اوج پان استانبول قلیونلر که عسکر اسلام ایلد ملو و سیواس والیسی
طاوچی مصطفی پاشا و چتال باش ابراهیم پاشا و قره حصار صاحب بکی جان میرزا که فرط
شجاعتله ظهور ایتمشیدی حتی ملک احمد پاشا و وزیر اینک مزبور ایلد مناقشه ایتد کد وزیره
چاغروسن یلور میسن سنی بازه دن اوغریلر چیمقاروب صائدوغنی دین پیرمہادر درواندن
ماعد قره حصار شرقی بکی بوجله امرایا تلتلری عسکری و تنمک انداز لوندات و اتباعیله
قلیونلرده ایدیلر و قول کتخدا سی مصطفی اغا و طوز ناجی باشی کجه جی اوغلی محمد اغا

و باش چاوش و دو جیلر ایله الی بیک بکچری دو تمانیه مأمور اولمشلایدی بکچری غایت چوق
اولمعه بشیموزی عمل مانده اولوب دوت بیک بشیموزی قدرغه لره کیر مشیدی فاما زخام
عظیم اولمعه دور تیوز بکچری دخی چیقوب قایقلر ایله کلیبولی به واروب اندر بیک کیلرینه
گیر مک فرمان اولندی وقوع شقاق در میان قیودان مراد پاشا و صدر اعظم درویش
چچر پاشا چونکه وزیر اعظم دریا ده کاینیغی برایش کوراسون و عدودن انتقام آلنسون
دیو دو تمانیه تقید و کندوسی قیودانلقدن کلوب هر احواله واقف اولد بغندن لزومی
مرتبه تدارک مهمه یه صرف مقدور ایلدی و بوقدر عسکر ارژدر مثالی کاینیغی استخدام
صاحب وجود قیودان جلالت عنوان لزومی بیکله مراد پاشای کتوروب قیودان ایتدی
لکن مراد پاشا تعین واستقلاله مالوف مالدار و صاحب استهوار خصوصاً مقام صدارته
اوتورمش دستور عظیم الو قارو وزیر اولمعه بود دفعه دخی کندویه ویریلان تعین وجود
مقتاسبه شان عظیم کسب ایوب وزیر ایله اقران معامله سن ایردی دو تمانیه مهمه
متعلق بغض شیلری حکم یوزندن دفتر دار کوندسون شویله ایدسون بویله اینسون
دیو خبر کوندردی حاصلی بوقوله اوضاعندن وزیر کوجلنوب استهاله با شلدی حتی
مراد پاشا چونکه غزیه کیده یوز جمله قوللرینی آزاد و بعض حقوقی ادا و زوجه سنک ییله مهر
مؤجلنی نقد و نسایم و متوجه الی الله عزیت و اولم اری اولق یولندن حرکت ایلدیکه
دو تمانیه قلمغه قریب بر خصوصاً یچون بر قاج کیسه لازم کلد که ترسانه ده وزیردن طلب
ایلد که وزیر شدی مضایقه وار ایکن دخی اچه قنده یولنور کند و مالکتردن صرف و خرج
ایلاک بعون الله تعالی یرینه پیدا ایدر سرزدید که مراد پاشا جوانه بن کند و ملدن
کاینیغی بلکه زاید خرج ایلام حالا زده مال قالمدی اچه استند و کنه یچون رحیمه
اولور سن بر زمان بن دخی سنک مقامند اوتورردم و قیودانلق خدمتند اولنلر مهمات
لازمیه استدکاری قدر اچه ویرردم هچ انجندم بیت المالك امور غزادان اهم دخی نه اصل
مصرفی وار و بابا به ستمک معناسی ندریدی بینلرند چوق سوز کچوب حتی وزیر اشاء
کلامه سلطان ابراهیم وقعه سنی نامچ ایوب اولر زمان بن سنک ییله دکلدم دیب
ارالنه شکراب زیاده اولوب دفتر دار دخی مجلسه ایتمس وزیر کا خطاب ایوب پاشا
دخی اچه لازمدر دیوبش کیسه اچه ویرد که دفتر دار مصارف و مهمات دفترین
چقاروب علی الاسامی مهمانکه یولنرد معتاد اوزن بومقدار مال ویرلشدردخی ویرناجک
اچه یوقدر دیدی وزیر یوغیسه سن یانکدن ویردیوب بش کیسه بی بولدروب
ویرمکه ازاحه علت اولمشیدی بومرتیه دنصکره برکون مراد پاشا ترسانه ده
متفکر ایکن سوزنا زن باشی احمد اغایی کوردیکه قدیمی دوستلرندن ایدی چاغروب
تنها غرقه بالاخانه یه چیقوب احمد اغابو حریف بزی پادشاهه کچمکدن خالی دکلدر
ایچا غارندن لالا ابراهیم اغایه زدن سلام ایله الله تعالی کوز قو لقی اولسون بن
جانمی پادشاه او غرنه فدا ایتشم اما قور قورم بو حریف بر شیطنت ایوب نبی بومجلسه
بر طرفه اتوب غزا یچون اولان تدارک و امکار هب اولمیه دیو سپارش ایلدی زیر اوزیر

مراد پاشادان تمام نفرت ایدوب استنقال ایتشیدی و بوقیمینه کربله سردار ایوب دلی
حسین پاشای کریدن کتور دوت قیودان ایتکه قرار ویر مشیدی اما خیر خواهری منع
ایدوب دولتو بوسو تدبیر ذر حسین پاشا مراد پاشا دن استدر بونله کورسه او هیچ
اوچکره کیر مز صکره قضیه مشکل او لوردو تمانک جمله احوالی کورلدی شلدید
متکبر هر نه ایسه مراد پاشا نک ایشی بتوب کتمک او زن در غزادن یا صاغ کله یا کلیه
جزئیات یچون مغیر اولوب شمدی عزل ایتمکه بر یوک ایش اچق نامنا سیدر هر نه
حال ایسه بر قاجکون دخی تحمل ایدوب دو تمانیه یوللامق معقولدر دیو دفع ایتشیلر ایدی
مراد پاشا نک مهتر احمد اغایه دیدو کی بکه مبنی ایدی مهتر احمد اغا دخی سلطانه علم الله
یوکون سزنی اچر چاغر لر دیدی واقعا اول کون پادشاه مراد پاشای استیوب دو تمانک
تدارکی کورلدیمی حاضر میسن دید که حاضر پادشاهم دیدی و تونسلر ایله اولان
مشورتی جنگ یه زندن اولان عادت قدیمه اوزن مقدم میمنه میسر و قلب و ساقه
ترتیب اولمق اوزن ایتدکری مشورتی عرض ایلدی پسند ییله اولوب کورک کیوب
اکرام واستمالتدن صکره ایددی دو تمانی قالدرد یوننیه یورلمغه بیر اوپوب چیقدی
جمادی الاخره نک یکریمی برنجی احد کونی دو تمانیه همایون عظیم شملکرایله چیقوب پادشاه
سیر ایدوب اول کون اسکدار با نچه سنه نعل ایتدی و دو تمانی بشکطاش اوکند یاقوب
عموما جمله یه خلعتار و عطیه لر احسان اولندی قیودان پاشا طرفندن هر برینه خلعت
وانعام پادشاهی ایصال اولنوب استمالته جمله سی تطیب و علتری ازاحه قیلندی
ایرتسی دو تمانی بشکطاشدن قالقوب قزقله سی اوکند وارد قلرند اسکدار سیرایی طرفندن
مطلار زان و زقایق کلوب باشدرده یه طوغرلدی جمله کیمتر یوقف کوستر دیلر قیودان پاشای
پادشاه استمس کلن قایغه بنوب ادا قایدک صدرینه اوتور میوب بر کارینه قعود ایتدی
حضور همایونه وارد قله عظیم التفائل و استمالته دنصکره یینه باشدرده یه کلدی اولکون
یدی قله اوکند وارد قله ترسانه کتخد اسی البته معتاد اوزن بویکجه بونله قالنسون دید که
قیودان پاشا آزار ایدوب یا تمیوب کلیبولی به صال دیلر و مقدم قیودان سابق علی پاشا که
اوج یان قدرغه ایله طشره کوندلر مشیدی و کیلرینه بشیموز جبهه جی تسلیم اولمشیدی
کلیبولی به وارد قله کندوسی طاغه چیقوب دورین ایله کفار کیلرینی سیر و ملاحظه ایدوب
بعد قدرغه سنه بنوب بوغازدن طشره صالیدی قلیه نلر ایله طوپاشوب کافر دن ایتلان
برزنجیر بونک اون ایکی اسیر و دروت لوندنی تاف ایدوب بونک آندیغی زنجیر قلیه بونک ستوتی
کسوب بالاخره علی رغم الاعد اسلامتله کچوب کتدی انجق دورت لوند و اون ایکی فرصه سی
تاف اولوب بوزجه آطه سنه واصل اولدی بو خبر ایله قره دن استانبوله بر آدمیسی کلوب
خلعت کیدی و مصر دن رجب اغا میاشر ییله چیقاریلان اون بش مصر سفینه سی ایله بیک
کیلری بوزجه آطه یه کلدیلر علی پاشا کیسنه اولان بشیموز جبهه جی اندر بوشا لندی
قیودان پاشا کلیبولی به وارد قله عسکری طشره قیو ویر مدیکه بر آلا ی محنتلرک سوزین
استمکه مرعوب اولمیه لور بشکطاشدن قالقو قارینک بشیخی خمیس کونی بوغازدن طشره

چقد یلر جنك قیودان پاشا باسقاین کفار چون دونما کیلری بوغازدن طشره جیقوب
اعد کیلری مقابله سنه واردیلر اول کون جمعه ایدی جنك اولوب ایکی دونما برین
کوردی علی پاشادخی بوزجه اطه ده بولنان سفینه لری ایله کافر کیلرینک اردلرین آلوب
مد لار و ساقا طرفند اولان ییک کیلرینه دخی قایقار ایله خبر اوچو رلشیدی کذلک
تونسدن کلان دروت پان قلیونه دخی خبر کتشدی مسازعت ایدوب کلدیلر دونمای
همایون کفار کیلرینک اوز رینه وارمغه قرار ایدوب صفایین و قلیونلرده اولان غازیله
بو وجه اوزن ثنیه اولوب فاتحه اوتوب غزات اسلام لباس زر مه کیروب جنك تدارکن
کوروب دلیرانه حاضر و آماده اولدیلر ایرتسی سبت کونی علی السحر صلوٰه صبح ادا
اولوب کلبانک الله الله آسمانه پیوسته اولوب کیلر ترئیب معهود اوزن دیزیلوب ایلرودن
پیکار کیلری وایا لت عسکری اولان قلیونلر صاغ قولده طرابلس قلیونلری صول قولده
کذلک بعض قلیونلر صف باغلیوب عقبلر نجح ماونه لیشکاه قلمده یکچریلر اولدوغی
سفینه لر و قدرغه لر و قلیونلر باشترده ویدک و کتخدا کیسی دایر امداد امر اسفینه لری
وحددن بیرون قایقار طوطو تفنك انداز عسکر ایله بوزجه اوزن آلا ی باغلیوب طلوع
شمس وقتی دریانک تنفس صبحو حیسی اولان روز کار ایله کفارک اوز رینه یوریدیلر او ی
ایدر مکر معلولر کمال غرور لرندن سنین سابقه ده دونمای همایونک اهم مصالحی انحق
کر بده لشکر و خزینه ارسال اولغین هر سنه بو طریق ایله سالما جیقوب کتکی مقصود
ایندر کاری اجلدن بود قغه دخی او یله طن ایدوب اوزر لینه هجوم و افتحام اید جکاری
احتمال ویرمن لر ایدی و کوب کیندر لر زعمیه ملاعین جمله صف واحد بر لرینه چاتیلوب
پیرلی قیا کی لنگر انداز اولوب سلاسل ایله مربوط دمور اوزر ندر ایدیلر کفار دینلری کوب
کید راعتقاد ایله سیر ایدرکن اسلام کیلری موافق هوا یله عتقا مثال پر کشا اوله رق اوزر لینه
هجوم ایتد کده ملاعینک عقلا ری پریشان اولوب صاغ و صول جنا حیندن قلیونلر اطرافن
آلوب مقدمه ده اولان کیلر چا توب براوغرودن طوب و تفنك آتش ویرلد کده و د کپودلری
روی دریایی قایدی جمله دن اول قلیونلردن قاسم پاشا سالی امیر قیودان بر قلیونه چا توب
ارد و کوب قنال عظیم ایله فتح و ضبط ایلدی کذلک طرابلس غازیله دخی صار یلوب
بر قلیونی ضبط ایدوب علی الفور ضرب دست ایله ایکی قلیونی اقنار دیلر کذلک بر قلیونه
بر ماونه چا توب وافر جنك ایدوب ایچنده اولان کافر لر مایوس اولد قی کی ی آتسه اوروب
ایچنده کیلر دریایه دو کیلوب صندلر ایله دو شرب اسیر ایتدیلر اسکندریه لی محمد قیودان
دخی بر کافر قلیونه چا توب محکم صاروب اوج ساعت قدر شویله جنك ایتدیلر که تعبیر اولنر
قیودان و عسکر اسلامدن چوق کسنه شهید اولوب قلیونلر اولان ملاعینک اکثری
طعمه شمشیر اولد قن صکره عاجز قالد قلیونه آتش ویردیلر محمد قیودانک کیسی ایرلق
قابل اولوب ایکیسی ییله یاندی دریایه دو شن امت محدی کفار دن آتیلانلری فرقه لر
صندلر ایله دو شروب الوردی قیودان مراد پاشا ایسه باشتنه فس کیده جست چا پککه
هانع اولیان شک و قصیر لوندانه لباس کیوب انداز نیر و کان بر فرقه ایچنه کیروب علی الاتصال

سفن اسلامیه اراسنک کروب فریته یناشوب اسمالت ووروب مجروحلره احسانلر
وکیویه چکیلان مختلره تهدید ایدوب اوق آتوب ایلر و جنکه سور مکه اشتغال ایتشیدی
برو طر فدن پاترونه قلیونی کفار قلیو تنک قیودانه سنه هجوم ایدوب ملعونلرک
قیودانلری کور فوس قیودانک قدرغه سنک یدکنه ایدی پاترونه یه سائر کیلر دخی
امداد ایدوب ملعونلری روم ایل کنارینه صقشدر دیلر کور فوس قدرغه سی قیو دله لرینی
چکه رک قان یه قریب کوروب دمور براقدی بزم پاترونه مز قان یه یا قاشمندن
احتر از ایدوب ایرلدی سائر کیلری طوبخانه کندی ماونه لریمز دخی کفارک ماونه لرینی
اردندن طوبخانه رق برینک نکه سنی شکست ایتدیلر و در حال چا توب اردنجه یدک دخی
امداد ایدوب ضرب دستله ضبط و تسخیر ایتدیلر من بعد کفارک قران طاقتلری
قالیموب هوا یو یراز اولوب کتد کجه استناد دیو لغلر ملاعین یلکملرین دو کوب فران یوز
طوتدیلر قلیونلرندن بری ضرب طوب ایله مجروح اولغین کیدرکن دریایه غرق اولدی
قیودان پاشا باشترده ایله قادر غه لره فرمان ایدوب کماره قریب دمور براغن قیودانه
قلیونلک اوز رینه یوریدیلر باشترده ویدک و ییک کیلری اطرافدن قوغوش طوپنه
طوتوب کور فوس قیودانی قدرغه سن ویدکنه اولان قیودانه قلیونن پان ایتدیلر
ایچنده اولان خنازیر مایوس اولوب قدرغه یه آتش وروب یا قلدیلر قیودانه ضرب
طوبدن غرباله دونوب بالضرور دمور ین کسوب روزکا راکنه دو شوب قاجدی
مکمل فورصه لری چکد یلر یلکن کورک آردینه دو شوب عقبند اکیوز طوب دخی اوروب
یلکن والا تنی و قلیونک قتی ریزه ریزه ایتدیلر اول حال ایله فرار ایدوب کوجله قور تادی محمد الله
تعالی ملاعین منهنزم اولوب قتی چوق کافر کشته و دریایه غرق اولدی مرد اولنلردن
ماعد ا کیلر دن و دریان سنکریو ز قدر اسیر الندی کفار دونما سی بگرمی التی پان
قیون ایدی سکرینی اخذ و احراق ایله کسیلوب ملاعین اون سکر کی ایله منهنزما
امروز جابنه چکیلوب کتدی عسکر اسلامدن نامدار کسنه تلف اولیه ب قیودان
پاشانک ایچ اوغلنلرندن دروت نفرو سب ر غزاتن دروت بشیموز مقداری دلاور
نائل شهادت اولدی جنرال دو شوب اوغلی و کاتبی اخذ اولما اسیرلر ایچنده بولنوب
پاشدر ده ده راتقه یه اورلدی و النان کیلرک دیننده صفره رینه بش پان یوک طوپلر
بولندی دونمای همایون اسکی استانبول اوکنه واروب تونس و مصر قلیونلری دخی
اندکلوب دونمایه مالحق اولدیلر اندن بوزجه اطه یه واروب پوراز لیمانده اوچکون
اکلنوب شهدایی دفن ایتدیلر قیودان پاشا کتخداسی قره کوز محمد افندی لی خبر فتح ایله
استانبول کوندروب مال و مهمات طلب ایلدی زیرا باروت دو کونوب طوپلرک قالیملری
آچیلوب عسکرک دخی نجح سی یان لشمیدی وزیر محمد افندی یه خلعت کیدر ووب باروت
وسا ئر مهمات ویریلوب مجروحلرک قیودان پاشانک عرض و دفتری موحجه تقاعد
وظیفه لری ویرلدی بشیموز یکچری و بشیموز جیه جی و بشیموز طوپچی جمعیلک بشیموز
قدر عسکر و اوتوز قرق کپسه نقد و سا ئر مهمات لازمه ویریلوب مسازعت اوزن ارسال

اولندی و پو فتح و ظفر بشار شدن حقه حمد و شکر ایندی یلر دو نیا ساقز و وارد قلعه اولدی
بر جزایر قلیون کلوب مالحق اولدی و ند کلو دو نیا لرینگ منعکس اولدوغنی خبر الدقمه
نکرار اون سکر چکدی و الی ماونه و بکرمی ایکی بورتی دو نادوب مجد داجترال نصب
واطه لار اسنه کوندردیکی خبر الندی دو نیا ساقز دن اسکر ی اطه سنه اندن اغریوز
طرفنه متوجه اولوب کفار کیلری دکر منلکه اولدوغنی خبر آلفله استمدیله عودت
اولندی غارت جزیره استمدیل مقدمه محاربه دمنکره لیغور نا قورصانی قلیون
اردنجه بیگ کیلری سوروب جزیره متر بون کارنده یا تمش لرایدی اخشامه قریب جزیره یه
وارد قلعه دو نیا کیلرندن بر آزعسکر چقوب سیدی احمد یاشا باش بوغ تعیین اولنوب
نصف الیه حصاری محاصره ایندی یلر و قریه لری غارت ایچون اطرافه عسکر طاغیلوب
ایکی کون ایکی کجه احراق و تخریب ایدوب و افرمال آلوب او چینی کون کیلره کیروب
روانه اولدی یلر جنگ ثانی قیودان یاشا کفار دو نیا سنک دکر منلکه اولدوغنی خبر آلمشیدی
دو نیا ایله دکر منلکه وارد قلعه عایا استقباله اینوب روی عبودیت کوستوب کفار
دو نیا سی جزیره نک الی یاشا اولدوغنی خبر آلفله اول کجه الار غه در یاده یا تیلوب
ایر نسی رجبت یکر می التخی کونی علی الصبح کفار دو نیا سی کور یلوب وقت ظهر دن
مقدم مقابله اولندی عظیم طوب جنگی اولوب روز کارک شد تندن چاقمق ممکن اولما مغله
اخشامه قریب ایر یلوب بر طرفه کندی یلر سیدی احمد یاشا نک اولدیفی قلیون جنگه
یاشا نک ارامیله کفار دو نیا سنک ایچنه اوغرا یوب طرفینه طوب یاغدن رق یکوب روز کار
شدید اولغله کیر و دو نیا یه دو نیا ممکن اولوب روز کار اوکند و شوب منکشه جانبیه کندی
قیودان یاشا ساقز اندن فوجه یه واروب قلیون نری ماونه لری آنده براغوب الی قدر
قرصه قدر غه ایله روم ایل کانی صیردوب اغریوزده سیدی احمد یاشا نک قلیون زده
کلوب چوقه اطه لری و کفالوینه اطه سی غارتیه کتک قصد اولندوغنی کفار طوب مغله اول
سمتلی محافظه په کندی یلر اندن فراغت اولنوب کیر و استمدیل اطه سنک شرقیسنه
کلوب شعبا نک یکر می التخی کونی اردو کوب تخریب ایندی یلر بوتاده قیودان یاشا وقایع
مزبور یی دولتیه یازوب کتخداسنی ینه مهمات واقچه طلبیله استانبوله کوندردی کلدک
وزیر اعظم تحسینه سز ایش اولدی یغندن ندر بوستغاعت ایکی کوند بر سر کردوب استانبوله
کلوب مهمات واقچه دیوزی جانمزدن بزر در رسن بمقوله بشلره بر ترسانه چاوشی کفایت
ایدرکن سن کندی کلمه مناسبتی ندر اوتانتر میسن بوقدر مال و مهمات ویردک
هنوز نه مصاحت کورلدی ادبکله اوتور بر دخی یاشا که کتبه یوخسه سن یلور سن
دیو تهدید آمیز عتاب ایندی یلر کتخد اخوفندن مخفی اولوب دو نیا یه کیمه مدی میدانه
چیقمه مدی قیودان یاشا استمدیلدن ساقز دنوب اندن تونسدن بش پان قالیته
ککش بولندی بعد قره جه فوجه ده کی یاغلد یلر و نکرار چیقوب مدلی و امروزدن
سلانیکه و امروزه و اسکر و یه اوغرا یوب شوالک اون دور دخی کونی ساقز کلوب مغرب
کیلرینه اجازت و یروب او چینی کونی کیریه توجه اولندی نقشه بان اوزرندن کیدرکن بر قلیون

خبری النوب طقوز یار بیگ کیلریله عبدی یاشا اوزرینه کوندردی صانتورون قریب بر شراب
کیمی یلنوب الندی و مقدمه کیدن کیلر قلیون یلوب صاریلوب آلمش لرایکی جانبین
یکرمی اوتوز کسنه دوستوب بوقدر دخی مجروح اولوب کیری ییدکده کتوروب ایکنی دخی
بودوم حصاری کوندروب ایر نسی قاستوری حصاری اوکند واز لدی عظیم شکر
ایله جای اوکند دمو بر اغوب اخشام اوزری کیرید سرداری حضر نری کلوب قیودان
یاشا ایله کورشدی یاشا سوزمانی قیودان یاشا کیر و یاشا درده یه کیروب کیرید سمتنه روانه
اولدی ذی القعدة غره سنه ددوسه واروب مصر یکی مصر دن فلانک کیمی ایله کلورکن
ایکی قورصان قلیونته راست کلوب صارد قلعه ایکی ساعت جنگ ایلدوکی خبر الندی قیدی
پان بیگ کیلری ارسال اولنوب مزبور قلیون ییکه آلوب کتور دیلر ایچنه طقوز آدم
قالوب قصوری دوشمش و قلیون طوبدن غرباله دوغش عبدی یاشا اون قدر غه
ایله اطه لار اسنی دونه کیدوب قیودان یاشا ذی القعدة نک یکر می برنده ردوسدن
چیقوب سیسام و ساقز جزیره لری اوزرندن از میرده بیر امی ایدوب کلیمولید امرآ
دریا یه اذن و یروب ذی الحجه نک یکر می کونی ترسانه عامره یه کلوب یدکنه الی
پان اقدر مه منکوس اللوا اوزرلر نه بوغازی رنجیر لی مکشوف الید اسیر لصف اندر
صف اولو جهله آلا کوستوب عظیم شکر ایله داخل اولمش ایدی النان اسار نک
خمس اولق اوزن سکر یوز اسیر در زنجیر دیوان پادشا هی یه عرض ایدوب دامنبوس
ایله مشرف اولد قلعه پادشا حضر نری التفات تام یوروب غزاک مبارک اولسون
لا لا دیدک ییرو یوب غزا پادشا همکدر بن ادنی قولکم دیوب اوج سمور کورک بری بری
اوزرینه کید ییرو یوب توقیر عظیم مظهر قیلندی اول محله کتد و ایله دریا سفر ند بولنان
یاشا و اغار و سائر ز و سانک منصب لری ابقا و مقرر رجا التیمین مساعده اولنوب خط
همایون ویرلدی بروا نده اولان مناصبک مشیر یلری جائزه لرین پشین و یوب
کلسونلرده بزرده خلعت منصب کیمه دیرکن حریر قیودان یاشا رجا سیه مقام لری
برقرار اولوب انارک عمل و انتظار لری هوا یه کندی بو خصوص بن العقل غایت مدد و ح
و مستحسن واقع اولدی نتمه در نکاسل والی مصر و حکایت عجیبه در اشاء عزل
قاضی مصر بوندن اقدم مصر والیسی محمد یاشا یه مشهور اولاق رجب اغا فرمان
ایله کوندربا یوب دو نیا همایون ایچون مصر طرفدن دخی اون بش پان مکمل
سفینه یاغله ولودات ایله دونانوب دو نیا یه کوندرمک فرمان اولنمشیدی رجب اغا
واروب تبلیغ و مباشرت ایدوب سفینه لری دونادوب دو نیا یه خوقه کوندردکن صکره
کندوسی آلا کیلری تعبیر اولنان بعض قلیونلره جنوب کلورکن اناطولی سواحلنه
کفار راست کلوب طوبلشوب محکم جنگ اولوب شدید فورتنه اولغله مصر قلیونلری
پراکنده اولوب انحق رجب اغا بندوکی قلیون برکارده کز رکن کافر کلوب اوزرینه طوب
یاغدر مین آخر الامر قلیون زیاده متضرر اولغین باشندن قره ایدوب رجب اغا و سائر
مسلمین چیقوب مال متاع لرینگ دخی اکثرین چیقما روب بعد مجروح اولغله قلیونلر

باتوب کفاره فائده حاصل اولیوب رجب اغا کنار سلامت جیقوب اندن استانبوله کشیدی
 قیودان پاشا ایسه کفار و تناسیله جنگ ایدوب ظفر بولد قد نصکره ساقز طرفلرینه
 وارد قده مصر دن مطلوب اولان قلیونلر کشیدی پاشایو قلیوب ایچلرند نه مهمات
 ونه مالمول مرتبه جنگی وار همان نهی نکهه لاولغین استانبوله عرض ایلدیکه رجب
 اغامصره کوندریلوب مرتب و مکمل یوقدر قلیون فرمان بیورلشیدی و میرین شوقدر
 بیگ غروش اول قیونلرک مهمات عسکرینه مصرف نعتین اولنوب مصره الیسی طرفندن
 کلان مکتوب و دفترده دخی شوقدر یوز کیسه اون بش قلیونه صرف اولندی دیویازمش
 قلیونلرکادی ایچینه نه عمله یار طوب والالت و باروت و مهمات وار بر قاج درمه و چاتمه عمل
 مانه آدم لوقومش همان بر قوری نکهه کوندرمش حتی هر برینه یکر میشرا و توزر
 جبهه جی بز قویق بونام ایله یوقدر یوز کیسه بی یوقدر خیانت عظیمه سی ظاهر اولمشدر
 هر حال مصر والیسنگ حقندن کلنوب اکل و بلع ایتدیکی یوقدر اموال تحصیل اولنق
 عدل محضدر دیمشیدی بوندن اقدام ایسه مصر والیسندن مصر منلاسی عبدالله
 افندی نیک علیه نه عرض کلوب بوملانی عزل ایلک والا مال میری تحصیل اولندن
 قالدی دیوشکایت نامه سی وارد اولد قده وزیر مصری بزم چلی به ویرسونلر دیو السعود
 زاده ایچون تنبیه ایدوب عبدالله افندی عزل و چلی مصره نصب اولندوغی
 بالاده مذکور در ابوالسعود زاده نیک یو کرک نایبی عجالة منزل ایله مصره واروب
 اعیان و اعلیٰ مصر بریره کلوب پاشانک منلا حقندن اولان عرضی غرضه معنی در
 یوبابله ملا مغرور در قبل حلول الوقت عزلی بغیر سکین ذبح ایتک کبیر دیو جله نیک
 لسانندن عرض و محضر و مکتوبلر یازوب اعلام ایتدیله مصر لیلرک یو کاغذ لری قیودان
 پاشانک مصر پاشا سی حقندن یازوب کوندردیکی عرضک ورودی اشناسند وصول
 بولوب مکتابلر نیک تفصیل اجمالیسی یو که عبدالله افندی علمانک جسور و معظملرندن
 اولغین مصره وارد قده اجرای احکام شرعیه ده نثبت کوستر مشیدی اول اشناده
 مصر مقبوللرندن بر مشهور کسه قوت اولور مصر والیسی ورثه سنه النفات ایتیبوب
 قراودیر لکلرندن ماعد انقود و املاک و جمله ماملکین بیت المال نامنه قبض ایدیک
 مصر سیکری و اعیان قاضی به واروب ورثه وارا یکن مخلفات بیت الماله نجه قبض اولنور
 شمدی بز دیسک پاشا بر جبار آدمدر جائز که بزه وضع ناهموار اید و زور بالق تهمتن اید
 رفتنه به سبب اولور سز اهل شرع اولق حسیله حق سوبلک وظیفه کر در سوبلک
 کرکسن دیدیلر ایرنسی دیوانه ورثه پاشا حضورینه کیروب عرضحال ایتد کلرند عبدالله
 افندی دخی بومالندن بیت الماله نسنه عائد اولنر حق یودردیدوکی ایچون پاشا ته ورلیدوب
 مادامکه بوا دم قاضیدر بندن مصر خزینه سی طلب ایتیه سز بندن خزینه استر سکر
 یوقاضی بی عزل ایلیه سز دیو خلاف واقع عرض ایتشیدی اکا بناء عبدالله افندی
 معزول و وزیر اعظم اراده سیله ابوالسعود زاده مصره موصول اولمشیدی لطیفه
 عجیبه در که مورخ ابوالسعود زاده نیک تهنیه سنه وارد قده بی تقریب سوال واقف

گونه بسط مقال ایدوب صدر اعظم حضرت نوری عمر لری چوق اولسون اصلا کند ولریله
 معارفه سابقه مزبور عینک مصری بزم چلی به ویره سز دیو مصری یوقوقت اختلال
 غیره ایما نرزد یومعنی به خبر کوندرد یار الله بیلور که کند ولره تردد مزبور عیدی
 انحق الله راضی اوله حسام زاده افندی قاضی عسکر ایکن براییکی مجلسه کند ولره بزی
 تعریف ایدوب مقامزه لایق بر محمد و فاضلدر دیمسیله بزه یوقدر محبت ایتش لرایش
 شمدی ثمره سی ظهرون کلدی دیمش لودی محمد و موی الیه غریمت مصر ایله اسکدران
 یکد کلر بر قاجکون مکث اشناسند معتقد اکابر زمانه شیخ سالم دید کلری دکا دوران
 اسکدرانه محمد و ضیافت ایدوب اشراق ظرفادن نجه عرفا و نصوح پاشا زاده عمر
 بیگ وانک امثالی نجه محادی دعوت و جمع ایدوب چمنکانه احمد قولی و خاندن لرکتور دوب
 ساز و سوز ایله ذوق و صفایه مشغول و رقص اوغلنلرینه دوردریشر فلوری یا پشدر مغله
 هیش و عشرتده ایکن شیخ سالم دید کلری احمق عرب چونکه کبارک اجزای مجلسندن
 و اکثر احوال لری نه مطلع عمر ازو چلیسار بندن ایدی محمد ومه اکرام و دلجو یلق سیاقده
 خاطرینه خوش کلور زعمیلر یا سلطانم چلی افندی سز صاحب دولته ویر دیککرتالتون
 رخت امانه کوزل عجایب رختدوبن انده ایدم یک حظ ایتدیله دیدی اهل مجلسدن
 بری دخی اسکیدن محمد ومه منتسب اخوانندن ظرفت بیلر ایتدی محمد ومه خطاب
 ایدوب سلطانم سز حلبه بیگ بشیور غروشته ایشلند یکرکرتالتون رخت دکلی ایدی
 دیو استفسار ایتد کلر ظرفای مجلس خرده بی طویوب سبب معارفه و همت صاحب
 دولت آشکار چقدی خنده پنهانی ایتد کلرند بلا معارفه سابقه همت وزیر ایله افتخار
 ایدن محمد ومه اولیه بحالت و انفعال عارض اولدیکه تاریخه یازیله حق نوادر روز کاردن
 عد اولمشدر استه قباحت ناهم اولان دوستلر کاه اولور که من غیر قصد سوز اولق
 اوزن بر خلط قبیح ایدر که طهن اعدادن زیاده بحالت چکیلو و عقلای سلف دشمن عاقل
 به از نادان دوست دید کلری کر چکر در مزبور شیخ سالم مغربی که کرامت و ولایت صا توب
 علوم غریبه به واقف یکنوردی اکابر دولت مذاق یوزندن مصدع رغبتلر و لطیفه لایله
 مترج توقیر و رعایتلر ایتکله و ام و جهال بیننده خیل شهرت بولشیدی و انواع حیلله ایله
 مناصب طالبی اولان ساده دللری حقار دی بر کون طولی حسام زاده عبدالرحمن افندی به
 دخی اکثر تردد اوزن اولدوغنه بناء واروب پیشختنه سی یانه او تور عبدالرحمن افندی
 نازک مشرب تعلیق نویس خطاط و محف و یاد کارشیلر مالاک وجود ایدیلر
 پیشختنه سی اوزرند بشم خطای قبضه لوبرالتون ذی قیمت بچاق کوروپ
 حرب طمعده دو شوب ال اوزادوب نو بزم اولسون یا سلطانم دید که قاضی عسکر
 حسام زاده خنده غضب آلود ایدوب یوق یا شیخ سالم کرم ایله بزی حقله
 عامه بی حقلیور سن یتر بزی حقله بزی بر کونه صقله که سکا کرک اولور
 دیدی سالم دخی یا افندی بر بچاق سز بزه ویر مز میسز یا قن بزم مصاحبه کرک
 اولور سز دید که حسام زاده ملایمت ایله جواب ویروب بقه جانم شیخ بوند بر کون

اولور که خاق غلوی عام ایدوب ایاغه قالفارل شونده شیخ سالم ذیرلوحیله باز اصلاحی عرب
وارد رحیله و کذب ایله عالمی حقیقوب اورتالی قورتدی برحر امزاده درالبته قتل اولوق
کرکد ردیو سنی طوطی قلمری محله بو فقیر شفیق اولوب یاز قدر بر درمند عربی رقسام
تقدیر زنی بو یوزدن کذب و حیله ایله سوق ایلمش قاننه کیرمک ولا بننه طردیایک دیو
منع ایلمک اچون بزی صقلار دیشار شیخ سالم افندیگ بولطیفه سنه کرچه خنده ایتدی
لکن درونی آتش نجا لته یاندی بردخی حسام زاده یه وارمدی واقعا بونطق ضایع اولسون
گوپر یل محمد پاشا وزیر اولدوقه وظایف یه قلمه سنه شیخ سالمک بشیموزا قچه وظیفه سی
قطع اولتوب کرکدن یوز بکر می اچه واقفدن یوز بکر می اچه ایله ایضا اولمشیدی
اولدخی عا میلورینه اعتمادا کوپر یل حقیق اطاله لسان ایتدی که طوطوب مخفیچه آخرته
کوندردی شته کیم تفصیل محله کسه کرکد رازین جانب مصر والیسنک علیه نه قیودان
پاشا نک عرضی کلوب اول ائشاده مصر دن دخی عبدالله افندی مغدورامعزول اولدی
حق سولیدیکندن غیری صوچی یه غیدی دیوایمان مصر دن محضر کلدی وزیر مفتی
وزیریس و دفتر دار بعد المشور مصر دن کلان رجب اغایی حبس ایتدیلم مصر پاشاسنی
هزل ایدر جگر می شیوع بولدی امالو السعود زاده اوزرندن مصر مرلوتی قرار قلدی
پواتشاده ظهیر ایدن وقایع دند رسابقامر زیفون مفتیسی مرحوم عبدالله افندی یی
کچن سنه شهید ایدن دلی سلیمان و رفیق دلی محمد و صاریجه بلوک باشیسی بوخیلار
مکر سابقا وزیر درویش پاشایه خدمت ایتمکه احوالدرینه مصلع ایلمش و حالند کورل
الاجه خنده برکار بان اوردوب سکنسن بیک غروم شلق قدر تقود و متاع آلوب مایه دار
اولمشور عا مصلی پاشایرینه روم ایل والیسی اولان حیدر اغا زاده محمد پاشا که بنفشه چایرینه
قونمش ایدی ذکر اولنان حر امزاده لر پاشای مرقومک قپوسنه یناشوب تستر ایلدیلم
دلی سلیمان دیدکری ملعون وافر مال عرض ایدوب حیدر اغا زاده یه مناسلم اولوق
سودا سنه ایلمش که رفقاسی اولنلری دخی معا کو توروب بر زمان کند ولرین اونوتدورل
وزیر چونکه بولری بیلوردی اولجانبه از لد قلمی خبر آلوب اوزرلینه ارضروملی
حسن اغا نام بهادری تعیین ایدوب کوندردی واروب قوناقلرند لاطه ایتدی که حر امزاده لر
چنکه قیام و طرفیندن نجه کسه لر مجروح اولوب مباحث حسن اغا بلوک باشی
مرقومک اوزرینه جمله وقایع ایله قولی کسد که بلوک باشی دخی هول جان ایله حسن
اغایی چا لوب شهید ایدی بالاخره هجوم ناس ایله بلوکباشینک سربدی دولتی بدندن
جدا دوشوب باشلری اولان دلی سلیمان اون مقدار تقر رفقاسیله ودلی محمد طوتیلوب
بنه چکلدی یوزد قلمی کاربانک تقود و تحف جمله صند قلمی ایچنده بولموب قبض اولندی
بلوکباشینک باشی دلی سلیمان ودلی محمد رفقاسیله درز نجیر و یانلرند چیقان اموال
وزیر حضورینه کلدی دلی سلیمان سابقا مرز یفون مفتیسی مرحومی شهید ایدوب
اون دورت یا شنده بر مهبان اوغلنی یا ننه آلوب الی الان خدمتده اسیر ایلمش
اخذ اولند قلمی دخی اوغلان بیله کلش اول فاسق فاجر بی مرحمت کافر هرنه ایتدیسه بزه

پو اوغلانک آهی ایتدی دیو اعتراف ایلمش وزیر چونکه سابقه لرینی بیلوردی جمله سنک
پیونلرین واروب لاشه لرین اسواقه القایلدی و مفتی زاده یه رعایت ایدوب ملا عینک
اموالندن وافر شی اعطا ایدوب وطنه یه لادی الحق بوغزای معتبر اچون عا مهنگ
دعا سن الدنلر موسناری مصطفی پاشا و زرای معمر بندن برپیر ایدی وفات ایلدی
شعبان اواخرند حلاط مشوار والیسی وزیر سابق کورچی پاشانک ایوب اولان سرایی
محترق اولوب خلیله سی لطیف زاده نک یوز بیک غروم شلق اموالی و جواهری یاندی
واواخر شعبانده مفتی افندی سلسله ایدوب مجاهدن قرق خارج مدرسه سی وریاوب
مناصبتن برینی آچموب غریب سلسله ایتدیلم حوادث شمالیه ماه شعبان اواخرند
تاتارخان مرض شیر پچه دن مرحوم اولمش خبری کلد که ردوسدن محمد کرای خانی که ور مکه
آدم کوندردی بوشاده تن قراخی قره دکره چیقوب ارکلی و وارنه مثالی سوا حله طوقند قلمی
خبری کلکه ترسانه ده حاضر سفینه بولما مغله بر قاج پان اسکدار قایقیرینه بیکچر یلر
طولدیریاوب قمر مادن معزولا استانبوله کلوب بدل مال ایله خادم قمرنداشی محاصره سندن
معفو اولان سوندک کتخداسی محمد پاشا یو قایقیره سردار اولوب قره دکره کوندردی
قراقلمر یالحق حدودینه تعرض ایتدی که سلسله دن سیما وش پاشا بلذات سکرده ب
قره یه چیقان کفاری باصوب بر شایقه ایله بر مقدار کافر طوطوب بقایا سی دریایه قرار
ایتدیلم سیما وش پاشا طوتیلان کفاری آستانه یه کوندروب کورکدورلدی بر و جانبند
کوندریان محمد پاشا قایقیرده اولان بیکچر یلر ایله ارکلی یه واروب سوا حله اولان قصبات
وقراخلقنه بر نوعه معامله و نوازش یور دیلر که بره مدد قراق کلسون انلرک کلسنه
وغارتنه راضی اولدق دیوامت محمد فریاد ایدوب تمام یالیمورده اولان یلری حقیقوب بنه قی
صره کلدیلم فورتنه اولمغله بر قایت ایچنده چور باجیسی ایله براوطه تقراتی ضایع اولدی
آه فقر اکر دانه کرتار اولدی سائر قایقیرایله محمد پاشا کلوب سرای یورنی اوکنده عظیم
مثانک ایدوب کانه برایش کورمش کی طوب و تفمکر ایتدیلم چور و تعدیلرندن شکوایه کلان
فقر اکند و لردن اول کلوب اسکدارده واستانبولده فوج فوج کزوب بولنرک ظفره بیجا ایله
مثانلرین سیر ایدوب اذالم نسختی فاصنع ماشئت رمضان ایتداسندن دفتر دارمورلی
مصطفی پاشا قرق کیسه جائزه ویر مکله پایه وزار تله اعزاز اولندی سادس رمضان
پاشا قپوسنه سیما هه علوفه و بریلورکن وزیر ترستقانه ده ایدی دفتر دار وزیر کتخداسی
علی اغا بلوک اغا لر یله علوفه و بریلور دی ویرد کلمی سمدجی و میخانه جی اچه سی کی قلب
وقزل اولمغله سپاهیلمر توقف ایدوب بزوب مقوله اچه یی المنز دید کلرند دفتر دار الک
یولداشلر خرج ایدر سز نیرجه دورا بنسم کرکدردی سیپاه دخی رضا وروب چونکه نیر
دور ایدر سز نه کوزل نه کونه اچه اولور سه اولسون الوب انتظاردن قورنلام دیه الدیلر
یش اون کیسه پان لنوب اوتیه سی یوق شمیدی طاعناک یارین کلک دور ایدر ز دیدیلر
همان سیپا بره اغور دن فریاد قوپاروب بونه قلا باق و کذا بقدر هم قلب اچه ویر سز
هم بزی الدایوب دورا بنسز دیو هجوم ایتدیلم علی کتخدای مخفیچه دفتر ان سولیدیکه

غوغا قیاردی بوزنه طورمه نیر قالدق اردق قیودن طبانی قالدرد بیوب دفتر دارکورکن جیقاروب
 آیدست بهانه سیله اچر وکیروب اوشتا قورکورکن کتور دیلر مخفی قیودن آتیه بیوب قاجدی
 سیاهیلر دفتر دارک فرارینی طوبوب منزله کتدی قیاسیله کوره کوره دفتر دار سرانیه
 چکلدر دفتر دار ایسه باغچه قیوسندن قایغه بیوب ترسانیه وزیره کتشدی دفتر دار مزبور
 ایسه بلبلان مسجدی اطرافنده مسجد دن ماعد اجوارنده اولان اولری طوعا وکره مالوب بنای
 عظیمه احداث و بر سرای عالی بناسنه شروع ایتشدی سیاهیلر هجوم ایله منزلی طاشا بیوب
 قیوسن قیروب اچی ووصول بو لوب جاملرین و درود یارین و کاشیلرین قویاروب بولنکن
 اشیاسنی ووردولایند اوج کیسه تقد اچیه سنی بغمالر دفتر دار بو حرکتی ساحدار کاتبی
 یاندورچلمیدن سیلوب وزیره شکایت و ایتسی یاندوری کلیبولی به نغی ایتدردی پینه قلندر
 محمد افندی نصب اولندی و بور مضانده افلاق و پوده سی ایکن هالک اولان اغا تاتای خنیریک
 ید یوز کیسه خزینه سی کلوب داخل خزینه اولدی دور تیوزاللی سی مواجهه ویرلدی
 رمضانک بکرمی سکرنجی کوفی برج اسوده عقده زنده قرص شمس کلی به قریب منکشف
 اولدی طیلونی مصرینک تقویمنده یازیلان کسوف اسدیده طالع عقرب مستولی مرغ
 و بوشوالده خسوف جزئی و مقابله مرغ بامشتری وزهره و ثالت ذی القعدة ده سنبله ده قران
 تحسین و شوالده احتراق زهره و ربیع الثانی آینه کسوف دلوی بوجمله نك احکامنده متغلبان
 دولت و مقربانن بعضینه نکبت و بعضیسنه قتل و نغی و خاصه برجل کبیرک قتلنه و کثرت
 و تبدلات و وقوعه و علمایینده منازعات و مجادلات ظهورینه و برینک زوالنه و برینک
 ظهورینه و کثرت سفک دما و حروب و فتن و ترس و بیم و ازعاجات و تنقلات حدوشنی
 تحقیق ایلمش و کسوف دلوی احکامنده اسمانن علایم ها ثله و ذکر آفاقه منتشر
 اوله حق زلزله عظیمه و قتل و حرکت دیو یازمش لکن پادشاه عالمیهاک وجود شریفری
 محفوظ و دولته استیلاء ناحق ایدن متمسلطه نکبت ایریشه دیشیدی شوالده
 عید شریفه معتاد اوزن اهل دیوان اعیان و ارکان دستبوس ایله مشرف اوایب خصوصاً
 عرفه کونی پادشاه عالمیها سنان یاشا کوشکنه چقوب معتاد اوزن هیزمندلر و یازیکران
 لوب و هیز عرض ایدوب سباع سلطانیه دخی عرض اولوب خاصه ابشیر یاشا طرفندن
 کلان بیوک ارسلان عرض اولندی اختلاف جزئی برای عزل اغای دارالسعادة قزل
 اغاسی بهرام اغا که سابقا ملقب افندی بی شمنی قضاسندن شام شریف قضاسنه
 نصب ایتدیروب ظهورینه باعث اول اولان دولتمیدرخالا اغالق مرکزنده استقلال ایله
 صاحب فتق و رفق وزیر و مفتی و سائر اعیانک اکثری اکامتی وزیر حمایه سننه محی اولغله
 جمیع مصاحبه ید طولای کوستر مشیدی کرم و همتنه نام ویرن قزل اغاسی حاجی مصطفی
 اغا طول عهد و تمادی ایام ایله اتابک دولت شکنده تعین تام بولغله اندرون و بیرونده
 اولان کبار و خدام اکثریا کند و چراغی اولوب صاحب چقدوغی آدمیره استعداد زانه
 کور صاحب چیقوب یالکتر هدایا و رشوتله نامستحققره صاحب چیقمردی اولقولاره
 فقط دفع ضرر و بلیاتدن قورتر مق ایکنی ایدردی لطف و کرمی برکونه کسهله

ایدردی که ذکر جمیلی خلقه نشر ایتکه قادر اوله لوبولندوغی مجلسه مدد و حنه اواقدر
 محاسن و خصائل جمیله اشاعت ایلیه که سوبلین بدخواهلی بیله چار و ناچار مدحه قدر
 اوله راسته حاجی مصطفی اغا نك قولند بویله بر قیاح کامل آدملر وار ایدی که الی الان
 مدح و شناسی عالمده داستاندربیرام اغایسه بواسرار دن غافل ویه تدارک ملاحظه سندن
 ذاهل اولوب یالکتر جمع ماله رغبتی زیاده اولدوغندن بذل هدایا ایدن مالدارلی و التجا
 ایدن اهل رجا نی هرکیم اولورسه اولسون ایله و تقدیم ایتدردی بو طریقه تعین تام
 حاصل ایتکله آق اغا رجا نی و اندرون همایون اغاری مغلوب و مقهور اولوب اغا نك
 استیلا سندن عجز و یأس جانلرینه کچمش ایدی و وزیر و والد سلطان حضرت نرینه منسوب
 وزیر حمایه لرنده اولوب مونلی دفتر دار ایسه اچیه بذلی قوتیله اندرون همایون رجا نك
 بعضیسنک و ساططیله دارالسعادة اغاسنه منسوب اولوب مهر صدرته مشتری اولغله
 وزیر و دفتر دارینه نفاق دوشمش ایدی تفصیل بوکه مونلی اغا رجا نی یدیلد و الله
 سلطاننه انساب جدید تحصیل ایدوب مهری بکا ویر لر سه بویله خدمت ایدرم دیوب
 و الحاله هذه التیوز کیسه بذله مسارعت ایدرم دیو بر تذکره یازوب کوندردی مهاد علما
 حضرتلری و وزیر عزله راضی دکل ایدی زیرامونلی کرچه مصاحت کذار و مقررک
 و خلق ایله امتزاج و جلب مال و ادیسنی ییلوردی لکن غایت حیلله کاروبی و فلوغدار
 و مکار اولوب فرصتی دوشدکله به نینه مرحمت ایتز فرصت اسیری برستمکار اولدوغن
 یلد کار یچون لافنه وجود و برمیوب تذکره سی خفیه وزیره ارسال اولدی و مونلی به لا و نعم
 جوابی و برلیوب مسکوت قالدی مهاد علما طرفندن وزیره خبر نهانی واردیکه بزرگدن
 یکم زاده سوزنه و ارا حیفه وجود و برمیوب سوز بعض مزخرف کلام یچون کسه یه ده
 خاطر مانند اولیه سوز بر ترتیب مجازات و قی دکلدر بیوراش امد دفتر دارک تذکره سی وزیره
 کلدیکی کی دفتر داری چاغردوب بجم اوغلم مصارف چوغالدی اچیه بوق همان بش التیوز کیسه
 اچیه کتور مهاد لازمیه صرف اولنسون مهر شریفی حسن رضام ایله سکا بقا ایدرین
 بن تقاعد ایلیه بم دیدی مون لیمک انکری طوتشوب یاقه سلکوب معاذ الله سلطانم
 بونه سوزدر بن اچیه نرعدن بولیم خلقی طولندروب کتمکله دفتر دارلق ایدن آمدده
 بوقدر اچیه نه کذر سن بجم ولی نعمتم افندم سن قولکده یچون سوء ظن ایدرسن دیدکده وزیر
 تذکره بی چیقار اولقدار اچیه بی کتور بن طیب خاطر له صداتی سکا فرغ اولورم
 دیه بمن ایلدی مونلی اغایوب یاغنه دوستوب بنی سن چراغ ایتدک بومقامه کتوردک
 من نیچه سنک مقامه طالب اولوب کافر التعم اولورم دیه ایمان غلاط ایدوب قرآن جلیله
 ال اوروب وزیر اینا ترکی اولدی صکره مهاد علما طرفندن ارا حیفه اعتماد ایتیه دیوتد کره ده
 کلدی شاید دفتر دارک تذکره سی دوزمه اوله دیه شبیه لنوب اطمنان خاطر ییچون
 دفتر دان کورک کیندردی و نوازش ایلدی بونک کی خصوصاً احداث ایدوب طشره ده
 اندرونه دفتر اقل کله و بر لرینه خالفت و علیهمه سی ایتک و ادیلری ظهور ایتشدی و ارا حیفه
 واقع و اگر غیر واقع خاص اوطه و سائر اوطه لرا غالی نك بیننده بر نهانی کتمک و ظهور ایتدیکه

بهرام اغا و سایر مصاحبان و حرم همایون طرفینک متعینتری فتنه ظهوری خوفند
 امین اولیوب مکنت و اقبال از سبب بیله محسوده و امر بر فتنه ظهور اید رسه ابتدا هجوم ناس
 بزه اولور شوکتلو پادشاهک برادر لیکه شریک در اندازد اعره وجوددن مفقود اولسه
 استقلال طرفه منحصر اولور دیوبد خواهلک فکرین ایتشله خاص اوطه باشی حسن
 اغا و اندرون همایون اولان ایچ اغا لری نهانی بونک فکرین ایدر اولدی لر غالب احتمال بونک
 اغا لری استقلال دولتی هضم ایتدی کلری اجلدن بواقترانی و یاقشقلی تهیتی پید ایتشله
 اوله لاتفاق اولوقته عید شریف کلدی سلطان محمد خان عرفه کونی علی العاده سنان
 پاشا کوشکنده هنرمندان و لعب باز لک صنایع غریبه لرین تماشا ایدوب سبوع و وحوشی
 سیر ایتدی لر اندن خاص اوطه یه واروب اندرون اغا لری دخی معارف و هنر صاحب لری
 آثار کالبه سن سیر ایدوب عید کیچه سی خاص اوطه لیلر و سائر اوطه لری اغا لری
 مثلاً و شادمانی قلر اظهار ایدوب پادشاهی اکلندر مک و هر گروه حانجه احسان
 پادشاهین حصه مند اولوق دایرین اولوب و پادشاهلر عید کیچه سی خاص
 اوطه ده اکلندر غلمان حاصه نك نشا ط و سرور ایللر اکنسای حبور ایتک جون قانون
 قدیم ایدی و اغایان لطافت عنوان بیننده البسه نظیفه و شما ئل لطیفه ایللر ملبس و مزین
 مخدیم صاحب عصمت و دلاوران خورشید طلعت کیمی علم و عرفا نله نادان زمان و کیمی شعر
 و انشایه قادر سخندان و متکلم فصیح اللسان و هر بری برهنده کامل غلمان جنان کبی
 بی نظیر و بی عباد لر در هر حال پادشاه دخی انلرک صحبت لرندن متلذذ اولوق مقرر در انلر ده
 باری بیله برک و علی نعمت لری نظرنده اظهار هنر ایللر اثبات وجوده حسرت نکش ایدیلر اکا
 بناء پادشاه جهان بو عید کیچه سی خاص اوطه ده اکلندر تاب و صبحاح انلرک جمعیت
 پر لطافت لری له کسب شوق ایتک ایچون مربع نشین تحت آرام اولدی لر اما دارالسعاده اغاسی
 بهرام اغا چونکه حرم طرفی تقلب بیله امور دولته مستولی ایدی همز لر لیه بومعناز مشورت
 ایدی خواهجه ریخان اغا که علم و معرفت صاحبی چوق بیلور طواشی ایدی اغایه دیدیکه
 پادشاه هنوز بر شاهزادشتم دوخته و غضب منفر شکار نیاموخته در نرم ضبط مزه مألوف
 اولمعه هنوز طریقه ذوق و انبساطی بلر خاص اوطه لیلرک و سائر اغا لری بیننده حسن ادا
 و ملاحت لقایه مالک صبح اوجه اغا لری اردر که طلعت لری آینه صنم ربانی و شکل
 و صورت لری نمونه سر تاسب روحا بندر اولمقوله لری ذات پاکیزه لرینه انجذاب و مودت
 و الفت و محبت لرینه صاد قانه میل و محبت ایتک دواخی طبیعیه دن و شیم نفوس ذکیه دن
 اولد و غمنازاع یوقدر پادشاه معصوم بو کیچه طشهره ده قالوب انشراح سرور ایللر انلرک
 دلفریبانه حرکت و سکنا ثلرینه فریفته اولوب بعض عقلا سندن غفلتدن ایضا ایدی
 سوز لر ایتدیوب رشد و سدادار باندن برینی مقرب خاص ایدرک اولور رسه لاجرم تعین
 اول جانبه دوشوب نرم بازار اقبال از سد و متاع رخمت کاسد اولور زیر انجبت مؤثر در
 و طبیعت سار قدر پادشاه هنر ایه عفو ان شهاب ایللر دائما ترقیه و قطع درجاة و لطافه
 ملائم مدرکات ایچون اشد کلری سوزی حفظ و تلقیه در استیفای حظوظ و لذاته

مودی تعین و استقلاله متعلق شیرین سوز لر مثال شعر واقصون قلب میال انسانی بی
 البته مفتون ایدر زلایسه دائما ضبط و تحذیر ایللر تحفظی التزام صور تنه مذاق طبعه
 آجی و مشرب ملوکانه یه کوچ کله جک نصیح و پنده متعلق سوز لر سوبیلوب خیر خواهلک
 یوزندن تصرفات زمام تدبیر نوع مشارکت کویستر دیکمز ایچون صورتا و سیرتا کند و لره
 موخس و مستثقل کوزندیکمزده اشتباه یوقدر معقول و مناسب اولان بودر که پادشاهی
 بو کیچه خاص اوطه ده الیقومیوب علی العاده حرمه اله لر دیدی دارالسعاده اغاسی
 بو کلام حکمت ارتسامی کوش قبوله منکوش ایدوب موجه بیله عمل ایلدی اما اینسو نمازی
 ادا اولد قدرن صکره هنوز پادشاه تحت اوزرنده اغا لری ملاعب و سرور لری سیرنده ایلکن
 دارالسعاده اغاسی مجوزه و هیئت ارکانیه سیله حضور همایونه کیروب پای تحت طوری
 گویا لسان عالمه اچر و بیورماز مسرتشکنده کوزندی پادشاه معصوم نیلمسون طبع شریفی
 سیر استر اما اغا لک تصلب و استیلا سندن والد سلطان حضر نلری سبب بیله اندیشه ده
 ایدر هم ملوکانه هم طریقه خطاب ایدوب اغالا لاجرا د عظمای عید کیچه لری خاص اوطه ده
 اکلندر کلرینک مکر اغا لری بومقوله سرور و نشاط ایللر و هنر کویستر دکر ایچون ایشی
 ینه خطی وار طبیعت اکلنور وافر زمان اوچو کتور مز دیشلری یعنی بو کیچه بونده اکلنور زمانع
 اوله کلامنه تلخ ایتشله اغا لیه خنکارک اچی و کتیمه جکنی بیلور فرط حرص ایللر ولی النعمی
 قسقا تمق غیر تنه مغلوب اولوب سینه سی طبل شاهی کبی کور لیه رک طشهره اولوب والد
 حضر نلرینه واروب زمین بوسدن صکره رفع صوت ایللر دولتلو بو کیچه پادشاه هنر خاص
 اوطه ده قالملک معناسی ندر ایچ اوغلن لرین بلز میسر قولاغنه سوز کتیر مصاحب لری پید
 اولور صکره اوغلور کز اقیاددن چقار لیش اولور سز اعلم سز دید کلد والد حضر نلری رفق
 معامله سن ایدوب بهی اغا بو بیوم کیچه سیدر ارسلانم دخی معصومدر بو کیچه اغا لری لعب
 و هنر لرین سیر ایتک قانون قدیمدر نصف الیلدر نصکره یه دک اکلنسونلر صکره
 دعوت ایللر مقام بیته و تلرینه کلسونلر دیو بیور دبلر اغا حدت ایدوب بو قدرجه سوزی
 فرصت عدا ایدوب سرعتلرینه خاص اوطه یه واروب بیروید کد نصکره ایچر و بیورک دیدی
 پادشاه اسکندر شیر صلابت چین جبین کویستروب بو کیچه بونده اکلنور زدیدیلر در عقب
 خشم و غضب استیلا سیله والد حضر نلری استیور بیور ملوسر دیب حرمت ملوکانه بی
 هتک ایلدی اغا لک یه یله جرأت ناما لحوظندن پادشاهه دهشت تحیر کلوب والد یه کمال
 اقیاد لری اولد و غمنازاع بونا کید شدید غالبا انلر طرفند ندر دیو ملول اولوب برزنان
 وقار ایللر سرفرو رده تحیر اولد قدر نصکره قیام و جانب حرمه خرام ایتدی لر لسان لرندن
 غیری بر حرف صدور ایتدی ازین جانب قیو اغاسی و سائر آق اغا لر و غلمان خاصه اغا لک
 بو وضع جسورانه سندن دلکیر اولوب سابقدن درونلرند اولان بغض و عداوت
 بو حالت سبب بیله ققت اولوب نگاه حسرت لرینه لیللر عید کویا لیه ماتم اولدی چونکه
 پادشاه اچر و کتدی اغا خاص اوطه لیلرک و سائر لرینک خاطر لرین جبر ایتک
 فکر لیه کیرو قالوب لعب و هنر اظهارندن و سیر و تماشا دن غرض التون اصحاب لیلر

انی بر ویرم فکر یله النون کیسه سنی چیقاروب بنده شروع صد دهنه ایکن همان خاص
 اوطه باشی حسن اغا و اکامانند بر قاجی کلوب اغایی اور تاه الوب بره ظالم و جبار و ایند بکک
 پی ادبک ندر ابتدا دولت عثمانیه دن بر وزیرک مقامنده اولان خدمتکار لر پادشاهلرک
 خاص الخاص بنده لری دکلید رملوک سالفه هر استند کمری و قتمه علی الخصوص عیدلرده
 خاص اوطه ده کلنگک قانون اید و کنی بلزمیسن کمال حسدن دن ناشی پادشاهمزی ایکی
 ساعت اکلندر میوب قالدردک عالیه تسلط واستیلا کی شاید سویلیه یوز دیو بی قرب
 ملوکانه یه تقریب ایتمز سن یوندن قطع نظریادشاه روی زمیننه بیانی آدمه اولان خطاب کی
 گسته اخلق ایدوب کل سنی والدک استزدیو خواه ناخواه قالدروب هتک حرمت سلطنت ایتک
 دکلید ربوقدر تسلط واستیلا یه راضی اولیوب عالمی قبضه تصرفه الموق ایچون خاندان
 سلطنته اهانت فکرنده اولدوغکی طویدقی قیاس ایدرسن دیوشه زاده لره سوء قصد
 افترا سنی صراحت لسانه کتور دبلر ضابطلر یوله سویلیدیکی کی اطراف و جوانب اولان
 فکر سرجه تازه و غضبناک اغا لردخی یرردن آتیلوب هر یری لسانه کلیه جک ذکر ی
 مستهجن عتابلر ایله عظیم شیمانت ایتدی لار لردن یری مکر زیاده غضوب و بخار تمه و یاشنه
 چقمقی جسد و ایش همان دال خنجر اولوب بز یوله باشمزی قویق یا انتقام الور زی قتل
 اولور زدیو اغانک اوزرینه یریدی الله تعالی یاری قلدی دارالسعاده اغاسی چایک و توانامرد
 دلیر ایدی خاص اوطه قیوسندن بر جانبه سحر ایوب نبر دار لر اطراف الوب بونلره بر حرف
 سویلیوب چکیلوب کندی و نطق ایتدیکی سببی ایله عجایب عاقلانه حرکت ایتدی
 اما بر ذراع قدر قالمشیدی که خنجر اغانک وجودینه ابرشته حفظ حق ایله چایک دپره یوب
 قورنادی چونکه ایرتشی عید شریف ایدی سرور عید مشغله سی و شهزاده لره سوء قصد
 مهمتی خوفندن اغا اصلا شکایت اظهار ایتدی مضی ماضی شکلمه سکوت ایله حسن معامله
 کوسمتردی و غوغا قبار مسون دیو کیجه ایله اولان وقعه فی اصلا لسانه المیوب کند و نبر دارلری
 قعاقل اظهار ایلدی لار اما اندرون خلقی چونکه بومر شبه جرات ایدوب دارالسعاده اغاسی
 کی بر صاحب وجود ایلر و بر و محاوره یه وسل خنجره اقدام ایدوب قلبنی رمیده ایتدی لار
 بعد الیوم مکریدن امین اولیوب اغا لردن حقجه یه دین بری بریله اتفاق اوزر اولغه
 عهد و پیمین ایلدی لار و پیمانی باشه چیقاروب بر صورت ویرم اوله که اغانک دفعنه
 وسیله اوله دیو ایکی تذکره یازوب برنی اورته جامعه و برنی مجمع سپاه اولان خانه بر اقدردیلر
 مضمون بوکه دارالسعاده اغاسی دولته تسلط ایچون شهزاده لره سوء قصد تدبیرینه بنیاد
 اوردی حرم همایونه بواشی دفعه قادر کیسه یوقدر بونک دفعی خدمه دولت واعیان سلطنت
 اوزرینه خصوصاً ضوابط لشکره واجبات ندر غافل اولیه سز دیو یازمشلر ایدی عیدک
 اوچنی کونی تذکره لالقا اولوب بومر مت مکروهه عوام لسانه دوشدی نغرات تذکره لری
 اغا قیوسنه کتوردیلر او جاق اشبهلری اغا قیوسنه و سپاه اغالری منزلنده جمعیت ایدوب
 خفیه خاص اوطه یه خبر کوندردیلر و بوندکره لک اصل وارمیدردیو حقیقتی استکشاف
 ایتدی لار انارده بل واقع حال بودردیو تصدیق ایتدی لار طشره ده جمعیه مؤدی اوله حق

مشور نار اولغه باشلدی و فتنه جوی نجه مقصد اکا برک منزلنه شکر کار جمع اولوب
 شویله ایش بویله ایش دیمکه باشلدی لار دارالسعاده اغاسی تذکره لر خبرینی
 و طشره نک قار شقلغی طویدقه سا بقا ظهور ایدن اغا لرو قعه سندن داغ بر دل
 ایدی وهم دولته ایشی تمشیدی و جوانی معبور اولغین عاقبت اندیشلک ایدوب
 مفتی ایله اتحادی اولغه انلر ایله مشورت ایدوب پادشاه و والد سلطان حضر نلرینه
 یاواروب بنی ازاد ابلک واروب مصرده خیر دعا خدمته مشغول اوله یمیدی
 و الله سلطان حضر نلری شیخ الاسلامی دعوت و حضور همایونه بومناز عاتمه متعلق
 مشورت اولندی مفتی ابوسعید افندی ثبت صاحبی مدبر و وهمدن خالی دولتموایدی
 هر حاله دولته درست و رضای پادشاهی تحمیلنه ساعی اولوب دارالسعاده اغاسنک
 نجه لطفی کورمش خیر خواهی ایدی سوزه کلوب خاطر و عا طرولی النعمه کدر کلسون
 دولتک حالی بودرتزع و کفتمکوا کسک اولمز سهولته و حسن تدبیر ایله دفعی قابل اولان
 خدمت مضررت یوقدرواغایه خطاب ایدوب مصره کتمک شمدی رغبتکتر مناسب
 دکدر اعدا افترا سنی تصدیق اولنور مقامکرده صاحب قدم اولمز مهمدر خاص اوطه لیلر
 طرفنی بر تسلیت و ارضای رز طرفین ادب و حرمت ایله معامله یه رعایت ایتسون استطاله
 و آخری تحقیر و محروم ایتمکه متعلق ناهموارلق اولسون انشاء الله تعالی شقاق و فاقه
 عدوت مودته متبدل اولور دیوب پادشاه و والدی تسلیت ایدوب اغایه مقامنده استحکامه
 عظیم خدمت ایددی اندن قالعوب خاص اوطه یه واروب ساحد ار اغا قیوسنه و سائر
 سرکارده اولنلره لسان خلوص ایله نصیح و پند ایدوب بعد الیوم اغا طر فندن مأمون الغائله
 اوله جقلمری مقدماتی بسط ایدوب خاطر لرینی ارضایلیدی جزا و انتقام توهمندن قلملری
 تحلیله اولندقدن صکره دارالسعاده اغاسی مقامنده قلدی بعد طشره ده دخی تذکره
 بناء کفتکویه مشروع ایدنلره نیمی یوزندن اول تذکره لک اصلی یوقدر ایچورده مقریین
 دیننده جزئیاته متعلق شکر آب معامله اولغه کانه رغایو یله ناهموار افترایه شروع ایتشلر
 بومقوله سوزندن خاطره کلور بویله خلطیهاته وجود و برلسون اشخاصی ضبط ولسانلرینی
 قطع ایله مقید اولک دیو ضابطلره نصیح و پند اولنوب کفتمک و سکون یولدقدن صکره اغایه سل
 خنجر ایدن جری و ایکی حدینی بلزدخی لدر و نلن نان یار ایله چقاریلوب مصره یوللندی
 اغا مقامنده ثابت قلدی اما ایکی طرفه کین و غضب درونلرینه مختفی قالوب دارالسعاده
 طرفنه منسب لار شعبان خلیفه ملکی خاتون برو خاص اوطه لیلر و مایینلرندن طشره چقانی
 و جالب بر لره ظاهر دوست امامعنی دشمن جان اولق اوزر ایشی ایدوب سوز کلینی با صلدی
 و مسکوت عنه قلدی تاتار خان اسلام کرای فوت اولدوغی بالاده مسطور در برادر کهتری
 محمد کرای که مقدمه اشار الیهدن مقدم خان اولمش ایکن دولت ابراهیم خانیله معزول اولوب
 ردوس قلعه سنده ایدی برادر لری یرینه خان اولق ایچون دعوت اولنوب شوالک اون برنجی
 کونی استانبوله کلوب نزول ایتمشیدی دسنبوس شهر یاری ایلله شرفیه باب اولدق
 پادشاه حضر نلری بالذات مرصع خنجر و سرغوج احسان ایددی وزیر امر یله بنفسه بر

گورگ کیدروب نکرارال اویدرلد کیم پادشاه بالذات توجیه خطاب التفات بیوروب
 قزداشک زمانه اول جانلر اختلا لدن آسوده اولغله خاطر هما یوم اول طار قلردن مطمئن
 ایدی غایت کوزل استقامت وصادقانه خدمت ایش ایدی لایق بودرکه سن دخی زیاده
 خدمت ایلمه سن یوردقن خان سرفروایدوب پادشاهمز حضر نارینه دخی زیاده خدمت
 ایتکه اتمام ایدرم دیوب طشره چیقدی مطلا ومفرق آلا تلو براسب خاص احسانیه
 سرافراز قلندی شوالک اون التخی کونی خان حضر ثلری قدرغه یه بنوب کتمک تدبیرین
 ایدوب حسن پاشا زاده حسین بکه که درگاه عالی قپوچی پاشیلر ندر باباسی جانبک
 خانی نصب ایتدی کبی بودخی بوخانی کوتوروب مقامنه نصبه مأمور اولدی کرک امینی
 حسن اغایکی کوی جوارنده طرایبه نام ساحله معلایر اید بنوب مکلف بنالری ایشیدی
 انله خانه ضیافت ایدوب وزیرود فتر داری دعوت ایدوب مکلف سباط ولوازم عیش وانبساط
 تربیت ایشیدی و تخمین بویادی که ضیافت نصکره خانی قدرغه یه قویوب کوندره لر
 اتفاق خان قدرغه یه کیروب هنوزیوللا ننه دن مقدم قره دکرزن بر خیر کلدیکه قویم
 دیارنده میوزار بنه اختلاف دوشوب قلغه سلطان هوادار لریله باشقه باش چکوب
 خدمت و صامسقولی لهه زیاده نکایت واکثر مما لکنه استیلا ایدوب خان فوتد نصکره
 ایلیس فتنه انکیز بعض دماغله بیضه شیطنت وضع ایشیدردیه دریاطرفندن خان کلجه
 قریم ملکی خانسرتور مق امر صعبدر مباد ابرفته اوله دیوین جدید اتباعندن استعجال
 خبری کلدی بواشاده خان جدید ک قدرغه ایل کله سی مجهود اولغین خانی صید ایتک
 هوسیه دریایه روس شایقه لری وقایع لری چقمشدر دیه بر خیر شیوع بولوب وسوسه ایراث
 ایتدی خا قدرغه دن چیقوب مرحوم اسلام کرای کبی قره دن ایلغار ایل کتمک مناسب
 مصاحبتدر دیومشورت اولدقد نصکره وزیر ک اقدامیه مکث ایتدر لیوب خان قره
 طرفندن ایلغار ایله روانه اولدی بواشاده قدری زاده امیر افندی ادرنه قضاسندن
 عزل اولنوب یری بوسنوی عیسی افندی یه ویرلدی وآلای کوشکی التمه واقع اسکی
 خلیل پاشا سرائینی پادشاه عالمیناه وزیر هبه وتعلیم ایدوب برقاج آی ایدیکه ایچنه
 معمارلر قونوب تعمیر و ترمیمه سعی اوزن ایدیلر شوالک اون بشنه اسکیدن ساکن اولدقلری
 بیرام پاشا سرائندن اول سرائه نقل ایتدیلر اعیان دولت جمله تهنیت منزل ایچون واروب
 مبارک باد دیدیلر غرابت بوند که نصف شوالک خسوف سبقت ایتدیکندن ماعدا
 تقرنحو سه متصل اولدوغندن غیری سرائه دخول وقتنه صاحب طالع وصاحب رابع
 بیت الموند بیت الموت صاحبی صاحب طالعه تربیعاً ناظر بولندی اصحاب فن جمله اتفاق
 ایتدیلر که دولتلر تک بو وقتنه سرائه دخولی مقبره یه دحولتک عینیدر حفظ حقه اوله
 دیدیلر واقعاً خوق یکم دین وفات ایدوب سرائه دور دراز مکث نصیب اولدی تنه کم حلقه
 ذکر و تسبیح کرکدر ذی القعدة تک اون ابکیسنده ملک زاده روم ایاندن وامام زاده اناطولیدن
 معزول اولوب قدسی زاده روم ایل صنعی زاده اناطولی قاضی عسکری اولدیلر ایکیمیه
 یشل عرف ایله دیوان هماینده جم اولملری نوادردن ایدی اول کون محرم زاده غلظه دن

هزل اولنوب حضرت منلائک محمدوم کزینی فیض الله افندی دفعه ثانیه ده غلظه قاضیسی
 اولوب روم ایل پایه سیله سنائی نجیل اولندی واستانبول قاضیسی بولوی مصطفی افندی یه
 روم ایل پایه سی اولوب حتی دفع ویا ایچون بواشاده جمعیت ایله دعلیه چقلدقل بولوی بحسب
 الیایه صنعی زاده یه تقدم ایلدی حکایات غریبه وحدوث منازعه واختلاف درمیان موالی
 ومغنی ونفی بعض از علمای طریق مورخ دیرکه صدر بن معزولین ابکیسی بیله اوضاع نامعقوله
 ایله نشهر اولنوب سلوک لری عوام قبول ایتیمه جک مرتبه مذموم و ارتشالری فاحش
 ایدی خصوصاً روم ایل تذکره جیسی تریاکی قوشباز که زنده قاضیلرک منصبلرین بیع
 ایدوب فوتندن محلول نامیه صاتون آلان حریف واروب ضبط ایتدیکه سابق
 دردمند کلوب بن صائم اولدم دیو تظلم ایتدیکه سبحان الله مسلمان ثقه دن دورت بش
 مسلمان فوئکی خبر ویردیلر همان صانع اول بد قدر زجت ضرر ویرمزدیوتسل و یروب خفجه
 بر مقدار اچنه سن الوب خلاف انهایش دیو بقا کاغذین و یروب علو لدن آلان دردمند
 دخی کلدیکه الم چکمه سکاده بریرید ایدرز دیو اسکات ایدوب برقاچکوند نصکره برینک دخی
 منصبن اکا قایدوب نکرار حق لری قضیه فقراسنی دور دائم بویه دولاندروب
 جمع مال ایچون بوکه بکتر کونا کون شیطنتلر اختراع ایشیدی اناطولی تذکره جیسی الهی
 زاده خود اکار حجت اوقمتی اوزن سلوک عجیب ایدوب هرری افندی یار یله بومقوله ارتشادن
 قارون وقت اولدیلر حتی صدین مزیه بنک عزلرندن مقدم بویه بر سوا لوق اولدیکه سابقا
 باش باقی قولی بعد موقوفاتی اولان فره عبد الله که بیروامتکم وعصیرک نصر الدینی
 سوزابه سی اولوق اوزن معروفدر برکون دیوان وزیده صدرین مزیرین او تورکن بر خصوص
 ایچون دیوانه کیروب مصاحبتی عرضد نصکره مطایبه یولندن حضور روزیده ال قلد یروب
 وزیر خیر دعا بعد صدرینه افراط اوزن شا ایلدی وزیر چونکه حرف اندازلقن ییلوردی
 و صدریندن خشنود اولدوغین اکلا مشیدی تبسم کان بودعائک اصلی ندر دیدیکه
 سلطانم بزجر کوشم قولکتر و ارایدی محوم اولدی هزارعلاج ایتدم مفید اولدی اخر
 حمایه خطاب ایدوب برماستقه اگر شواعلانی صالیه رمزسک بود دفعه اناطولی افندیسی
 امام زاده تک قراندوغی کاعلری سنک نوبنوکه اولسون دیدم همان اول ساعت اوغلان
 کوزین ایچوب لافقت بولدی دیدی بولطیفه شنیعه دن کویا وزیر حظ ایدوب خنده ایتدی
 یا نجیب صدر رومک کاعلرینی حواله ایتماش سن دیدیکه قره عبد الله جواب حاضر ایله
 یوق سلطانم نلری بویه جزئی شیلره صرف ایتیم انی اوغلانک طاعونه صقلارم دیدیکه وزیر
 وحضار دیوان جمله قهقهه ایتدیلر حتی بولطیفه قضیحه ایله اهل دیوان اراستنده رسوای اولان
 افندیلرک ابکیسی بیله خنده ناک اولوب او تائمه دن خلقدن زیاده گولشدیلر و اخریه الاسلام
 و قلله الحیا صدور علما اولان دولنولر حرص وطمعله بومر تبه تشهر اوله لکه غیب بلرند
 زم وقد حدن غیری مواجهه لرند خصوصاً دیوان عالیله حدید اللسان عوامدن برینک
 طعن و تزییفیه مدخول و مطعون اوله لر چون بویکی شخص صدریندن معزول اولدیلر
 صدرینه کلان قدسی زاده و صنعی زاده اریه لقلرک توفات ویرا ویدر بونلره اریه لقل ویرا یوب

صد رینه کلان قد سی زاده و صنفی زاده اریه لقلریکه توقات ویر اوادی ربوناره اریه لقل
 ویر یلوب منلا حاضر ناری دخی یوار القمه کله ربالقدن خالی اولمغین اریه لقل امر لری کلوب
 آلسو نلردیو کند و لره خبر کوندری امر لری چون ایانمزه کوندر لمر دیوار یه لقلری بکنه مک
 بهانه سیمله جناب منلا یه وافر جروب و شتو م باصدی یلری بوند نصکره بروجهله هضم لری
 قابل اولمه حق اوضاعه باشلد یلر مک زاده یه یز اوادی ادر نه دن معزول بروسه لی اسیری یه
 ایاز مندر اریه لقل اولمق اوزن امر لری کوندر لمر کله ابکیسی دخی قبول ایتیموب جناب
 منلا یه خارج از ادب اطاله لسان ایتدی یلر خصوصاً اسیری محمد افندی مفتی یه بر تکره
 قبیحه یازوب کوندری توجیه ایتدی بک مک ص ب جمله مدخوله و معلل بالا غراضدر
 فلان منصبدن فلان قدر رشوت فلان دن فلان الدک فلانی ناخق یره فلانیه تقدیم
 ایلدک دیوتش نیعات ایله ملوایدوب کوندر کد نصکره بومر تبه ایله قناعت ایتیموب
 کندوسی واروب شفاهاز سنک عصر کله مایوس اولمشدر در زه لیا قتمز مرتبه اریه لقل
 ویر میوب بوقدر قضای ایلدک دیوتد کزده یازدیغی موادی بر لسانا سوبلدی بوجرات
 وناهمو ازلق اعلاجیب روز کاردن عد اولمشدر چونکه دائره ادب دن خارج و حیطة اعتدال دن
 بیرون حرکت جبارت ایلدر لمر حال کوشمال ایله نأدب اولنه کلشد روکند و دن بیک کسنه یه
 حرف اندازاق ایدوب هتک حرمت ایلدر لمر ک پرده عرضی چاک اولوب آب روی اعتباری
 زمین زامته دوکلوز بوشاده مک راه واسیری والی زاده واسمعیل زاده و نجانی و هوادار لری
 بر قاج افندی لمر که هر رینک دعواسی استحقاق زاتیه دن هزار مرتبه زیاده و سرعت حرکت
 ایله آرمانه مفتی مک مقامه وارمق سوداسی هر رینک دماغنه قرار داده اولمغین جناب
 منلا یی کوزه صالندر میوب غیابه و مواجیه ده طعن و ذم و قدح و شتم ایلدر ک افضل
 مراتب بشریه اولان مشیخت اسلامیه مک عرض و ناموسنی هتکه جرئت ایلره رک جری
 وید آموز اولدی یلر بورتبه بی ادب لکه قناعت ایتیموب جناب منلا مک قبا یحیی مشتمل
 بر کاغذ یازوب خزینه دار اوغلی دید کلری سفیه و لایعقل ایله علمانک خانه لینه کوندروب
 امضا ایتدر مک ایچون کزدر دیلر حسام زاده دوراندیش اکابر عقل امضا ایتیموب یه
 کند و لرامثالی متعالک و متجاسر اردن اون ایکی آدم امضا ایتدی یلر قضای نا کهای همنوز بومحضر
 ایچو کو ندر لمر دن بر غیری کاغذ پید اولدی و بر مجبول طرفدن پادشاهه ایصال اولوب
 بومحضر عاطل قلدی بو کاغده زنه خطنه مشابه مختلط نسخ خطله مفتی ابوسعید
 افندی مک طریق علیه ربالنه ایتدی یکی غدر و آلدیغی رشوتلر و سائر قباچه و توجیهاتی تزییف
 و بیکه یکرر کونا کون تمتملر و تقیب عبدالرحمن افندی ایچون زیرک زاده دکلدر سیرک
 نام بر شخص مک اوغلی در منسبدر کذلک صدرین معزولین مک زاده و امام زاده مک
 قبا یحیی اباعلریله آلقلری رشوتلری ماده عماده یازوب رجال دولتک اکثرینی سوتد کیر
 ایله درج ایتسار و مقام معظمه صاحبانیه و آنچه اخدر رشوت ایله اتهام ایتسار بومخرفات
 ایله ورقه مالا مال اولوب امارت فر دك مهر و امضاسی بوق مجبولا حضور همایه ته
 بر طریقله اولاشدر و مشایر پادشاه حاضر ناری اسکندر اربا غچه سنک ایلدر کاغدی او قود قمر

بمحضو ز اولوب وزیر و مفتی و وزیر او صدور علما و سائر اعیان دولت کلوب حقیقت
 عالدن بحث واستکشاف اولنسون دیو فرمان یوردیلر وزیر و مفتی واروب و سائر لینه
 دخی خاصکیم کوندر یلوب اسکندر ان جمع اولدی لمر روم ایل و اناطولی قضاتندن دخی بر قاج
 اختیار کلک ییور یلوب مفتی افندی افتلاری ایامنه اکثر قضاتک خصوصاً روم
 ایامنه بعض متعینلر مک منصب لری شقیع مجر سینی ایله دید کلری اشخاصه توجیه
 ایدوب ذاتا و زمانا مستحقلر دن بعضیسی محروم قالد و غنه بناء هر رینک در و نه
 کینه خفیه و ار ایدی جائز که حضور همایونه کیر دکنه نیعات سابقه یی یاد و شکایت
 ایلدر دیو چان اندیش اولوب اناطولینک تحنه باشیمی چالق عبدالوهاب که مک
 ایامنه ید رشوت و مرجع قضات بر یز ایدی انی استمالت یرله قوله الدی و بورایه
 قرار و بردی که اناطولی قضاتی شیو خندن سکه صورت مشکل القیافه آق صقاللر
 ایکی شخص که خواجه مکتب مثال احق لایفهم اوله لرو اعط بی معنی کبی همان بیولا کورینه لر
 یه یله ایکی آدم ایچو انوب غیر یلر حسن مدافعه ایله منع اولنه لرو روم ایل قضاتی که
 اکثر یا جسور و یدز باند راندن بر فرد ایچو انیمه یوتدی بری منلا مک ناخیس جیسی جملوز
 خدی ایله یه ستاجی باشی اغایه باند یروب نثیمه ایتدی یلر وزیر و مفتی و سائر لری ایچو کیروب
 مختار اولان بر قاج اختیار قاضیلر دخی ایچو کیروب سائر قضاه که قضیه یی ایشیدوب
 کلش لرایدی جملوز خدی قیو او کله بو ستاجی باشی اغانک یا نده طوروب افندی بر صبر
 ایلک محل سوال و مجلس استفسارده جمله مر حضور همایونه چاغر لاسق کر کدر دیوب
 گروه قضاتی نأخیر ایتدی یلر اندره قیو او کله دی یلوب خبر طلب و اذن دخول و رودینه مترقب
 طور دیلر بو ستاجی باشی اغادخی مفتی مک نثیمه بناء افندی یلر صبر ایلک نثیمه بو یله در
 دیکله نچار متوقف اولوب طور دیلر چون وزیر و مفتی و اعیان حضور همایونه وارد یلر
 مجلس بو وجهله اولمش که پادشاه حاضر ناری معهود کاغدی چیتقاروب صنعی زادنک
 اننه صونوب افندی شو کاغدی او قویو بر مشلر اولدخی قرأت ایدوب مفتی افندی مک
 توجیهات مدخوله و رشایه متعلق تقدیر مواد و اریسه واقع اگر غیر واقع ماده عماده
 صریح بیان اولنوب کذلک وزیرک احوال عالمه تقید ایتیموب ترتیب اوغاد و اطراح
 تصدیقات و تقریطات ایدکن و کذلک چقان صدرین مک زاده و امام زاده مناصب
 قضاتی جمله رشوتله صائد قلری و سائر کار سازان دولتک دخی کمال طمع و خیانتن
 علی الخصوص دفتر دار یاشیقین زمانه باش باقی قولی تازه سی بر مورده اوغلانی ایکن رشوت
 ایله وزارت نائل اولوب مال میری به غدر و خیانتدن غیر یی ظلم و غدر ایله عباد اللهه نلر ایتدی یکنی
 و اطرافله و خفی یراده قلب و زیوف ایچو کسند روب عربیه کتوردوب مواجیلر ده قوله
 ویر مکله غوغا لره باعث اولد و غنی و اندرون همایونه اولان خواص مقرینک طشره امورینه
 مداخله ایتدی کلری و بیکه بکتر استمع و اقبح ترها نلر که حذف اولنوب بو محله یازما مشدر
 جمله ذکر اولنوب بومقوللرک جز لری ترتیب اولمق مهمات دولتدن رو خد مانه مستقیم
 آدم لمر نصب اولوب ظلم و رشوت رفع اولمق اریسه جمله دن امن و راحت منعدم اولوب

زیرا بعد از آنکه بولندن بیزار اولش در خوف اولنگور که بکن فتنه لردن است و انصر قش
 عظیم حدوت ایدوب دولت علیه به تزلزل کله پادشا عا لپناه حضر بلری تیفظ
 و انقباه اوزن حرکت پیور و بواحو اللرك حقیقتی صادق و خیر خواه اولنگور دن استفسار
 پیور لر سه سختی اوزن هر احوال معلوم دولت بلری اولور دیو خیر خواه خلق صورتند کاغدی
 نقایص و معایب ایله مالامال ایتمیشل صنفی زاده بوجمله بی علنا اوقیوب اندرون همایین
 و مقربین احوالنه کلد که نأد با سکوت ایستد که اول معلوم استا غیسن اوقودیدیلر
 استا غیسنی دخی بالتام قرأت ایستد بلر جمله سی وجه مشروح اوزن ثفاق و کست خلق
 ایدی بعد الا تمام پادشا حضر بلری بونک اصلی ندر دیو جمه و نه خطاب ایدوب
 هفتی ابو سعید افندی که بلند آواز و اداره بحث و کلامه قادر متکلم بلاغت پرداز ایدی
 جوابیه شروع ایدوب شوکتلو پادشاه حق سبحانه و تعالی عمر دولت بکری افزون ایدوب
 و ایجاب خواه بکری مقهور و بر نگون ایلیه بوزورقه معتقل اعدا و حساد دوزمه سیدر
 سرکار ده اولان قوللر بکری قدر منصف و عدله ما ثل اولسه لده یتنه خلقک نصی
 کند و لردن خشنود و لما مق قاعه مقرر در خلقک اکثری استعدا و استحقا قلی
 مقتضا بجه راضی اولوب حقه قائل دکلدر در جمله نک رضاسنی علی مراد هم التزام ایتمک
 و قایم مق و سع دولندن خارج اید و کی محل کلام دکلدر اغراض فاسده صاحب لری نک
 حسد دن ناشی مذمت و قد قلی کلور کور بوزور طالا مناصب عالیه ده خدمت شریف کرده
 اولان قوللر بکری قنغیسنندن قلم موآخذه کله جک بر جرم صدور ایدی بومقوله
 مهمت ریات باطله و اصلی و فصلی مجهول اسنادات مجرده ایله بیکنما هلی رمی ایتمک حسود
 و قنار ک دآب دیرینه سیدر طالا دولت علیه ده جمله عزل و نصب و اخذ و اعطا و سایر
 امور مهمه و مصالح دیوانه کلی و اگر جزئی جمله سعادت و پادشا همک فرمان شریفی
 هر بجه تمشیت اولنگوب تفصیلا و اجمالا جمله سی معلوم سعا دنگرد زنا موس دین
 دولت و شان و شوکت سلطنته محل مضمر بر فعل و وضع بزدن صدور ایتمک و دینی و عرضی
 و مالی بید فی ضرری مشاهد بر وضع و حرکت ظاهر و متبیین اولد قچه و کلا قوللر بکری نک
 حقیقت نا حق یره پنهان ایله پادشاه می اغضاب اچون برالای مفسد لرك مزور و صانع
 قول مجرد لینه نه اعتبار و اردر مناصب و قضایا توجیهاته دخالری اغراضه مبیند رمولویت
 و قضایا توجیه اولمان دعا جیلر بکری جمله سی ذاتا و زمانا استحقاق صاحب لری لکن بویه
 فتنه کارلک هوا سینه تابع شریر لر ما موللری مرتبه شی ویرلد بکنندن اول مستحقاری
 جرح ایدر لر و آنچه انمشدرد بیهتمه تلویت عرضه سعی ایدر لر جمله دن حالا حامل امانت
 و کالت لکن اولان وزیر اعظم لالا کز کی بوزور اجداد عظام و اسلاف کرامتدن مالک
 اولنگور نادر و معدود در عمر نی دین و دولت او غورینه صرف ایتمش احوال عالی حقایق اوزن
 اکلامش فتح بعد اذن بروم الک و مناصب تصرف ایدوب و اردینی و لایتره نظام ویرمش
 مد بر قوللر در نائل مهر شریف اوللندن بر و اوجی اقتضا ایدن مهماته علی الخصوص
 و ونهای همایونه کابینی اهتمام ایدوب سرحد اسلامیه نک جمله سنه نظام ویردی و بویه

قلت ایراد و کثرت مصارف و قتل و مواجب خوارلک مواجب لری و ساء مصارف لازمه بی
 تدارک اید طول و لا کویستروب مضایقه چکدرمه ملری و حسن تدبیر ایله آستانه نک نظامی
 معلوم طشره ممالک کذلک معمور و رعایا آسوده و سعادت و پادشا همک هیبتی کو کلرده
 راسخ و هرشی فراوان و ارزان بویه وقت رفاهیت و زمان امنیت سا بقده بویه قنی نادر واقع
 اولمشد در فرمان دولتلو پادشا همکدر دیه ختم کلام ایلد که وزیر دخی نطقه کلوب دولتلو
 پادشاهم آق صقالمی دین و دولت خدمتند اغارتمش قولکم بر قاقچو نک عمر بی دخی
 صداقتله شوکتلو خنکار مک خدمتند صرف ایتمک پیل با غلشم قوشجه جاتم افندی مک او غریبه
 فدادر بو پیر لکن مال و منال ادخارینه رغبتیم به قدر همان مقصودم او غورهما یونک
 صد اقله خدمت ایلمکدر قوللر دن خشنود و اولر لر سه مطلوبی و هوا لرینه مساعده
 کورمد کلر بچون خشنود و اولر لر حی علی الصلاح قله کلور بر جرم اثبات اینسو نر مفتی افندی
 دعا جکر که اباعن جد فضل و استقامت ایله معروف اجدادی اجداد عظام بکری حضر اتمه نه
 کونه صداقت و خدمت اولد بکری معلوم آقا قدر حق بودر که بونلر کی خیر خواه و دیندار
 و متقی و پرهیز کار مفتی به ملوک اسلافه نائل اولمش قتی از در بحق مشرب بلری نه صلابت
 تقوی و خشونت حقایق غالب اولمغه احقاق حق و نکلم صد قد مجبور اولمغین
 حدینی بیلرید اخلاقه ملایمت و مبدارا ایتمک بکچون اولمقوله لکند و دس مخطوط دکلدر در
 احباب اغراض حسد و عداوت ایدر لر علی الخصوص طریق اربابی که بیلرندن وفاق
 و و داد معدوم و ذاتا و زمانا زبیه لیاقت و استحقاق لرینه قانع اولد قلی معلوم مدر
 مطالب غیر مناسبت لرینه مساعده اولمغه خاطر مانند لکری نه بناء بومقوله اسناد لر
 جرأت ایدوب توجیهات مقبوله لرینه زعم لر بجه بار دعا عراض ایدر لر حسد فتنه
 کار و خصمت و یریلوب اغراض ایله معلل سوز لرینه کوش قبول طویلر لر سه بیت
 چون حسودان دینه مشر و حیار هم نهند تهمت آلوده کی بردامن مریم نهند مضمون بجه
 هر کسک حقه کذب و افتراء دن قاچر لر لکن بومقوله مفتری لرك سوز لرینه وجود و یر لکن
 محذورات کثیره اولد و غی پادشاهمه معلوم ردیدی بعد قاضی عسکر لردخی شاهدین
 عا دلین قدسی زاده و صنفی زاده طلاق لسان و فصاحت بیان ایله و سخن علی دلاله
 من الشاهدین که صدر اعظم لالا کز هر وجه لیه پیر و دیندار و ممد بوزور بوزور کار دتدارک
 مهمات دولت و نشر مراسم عدالت و تنظیم مملکت نظیری کلامش در شیخ الاسلام خود
 اباعن جد خیر خواه دولت اولوب دولت علیه عثمانیه خدمت ال حسن جان ایله طراوت
 پذیر و کند و لردن زیاده عفت و تراحت ایله شهر اولد قلرندن شبهه یوقد ربو خاند لک
 خلوص ایله خدمت کسه ایتمش دکلدر استقامت و دیانت بونلرده ختم اولمشد در نقیب
 افندی خود جسم نازل و دفع هائل صاحبی صحت نسب و متانت حسبیه معروف تقوی
 و پرهیز ایله موصوف داعی کز در بکاغده یازیلان سوز لرافترای محض در دیدیلر کیر و ده طوران
 ایکی قوجه قاضی لردخی اخفش کچمیسی کی با شلرینی تحریک ایدوب اوت اوبله در زده ایله بیلور
 دیه رک قاضی عسکر لری شهادت حسنه لردن تصدیق ایدر لر باخبار و شهادت حضور

همایون که قبوله قرین اولد قده نکر ارمفتی افندی نطقه کلوب سعادت لو پادشاهم یو رقه
 صاحب اغراض اعدا دوزمه سی اولدوغنه شاهد کاغده مهر و امضا اولدیغندن
 و ایچینه قله کاور بر متعین ماده اولوب علی العموم بحال دولتک ذم و قد حیله مالا مال
 اولدوغیدر بواش صدریندن معزول ممک زاده و امام زاده و بروسه لی اسیرینک
 دوزمه سیدر علی الخصوص ممک زاده و اسیری تعیین اولنان اریه لقلری بکنیوب داعیه کز
 شوو جهله تذکره یازدیغندن غیری کلوب لسانا شو مقوله ترهات ایله هتک
 حرمت ایتدیله و دخی بعض مفسد و هوادار لر وارد اما جمله سنی محرک ممک زاده ایله
 اسیر یدرئا دیباله ما و تبیه لالغیر بهر حال یولر نفی اولنغه محتاجدر که جسور اولان
 ایتنه جویونرک لسانلری طو تیله والامد کور لر زحمت بولوب نفاق ایله اراقله شقاق
 احداث ایدیه جکر نه شک یو قدر دیو اظهار نظم ایتد که ایکیسینک دخی نفینه
 خط همایون یازیلوب پوموال اوزن مجلس آخر اولوب نزاع با صلدی بیت فکاک
 ایتزسه پرتاب اوزنلک امینک ایلار و یکر دوزنلک فحوا سنجه عالم خوش حال و مرفه
 البال یومقوله مزخرف سوز لر دما ایقاع اختلال اچون اصحاب فساد دن حدوث
 اید کلش در دیو ختم کلام اولنوب حضور همایون دن طشره چقد بلر صدر اعظم
 یتش حد و دند بر بر ضعیف المزاج و قولنج علتته مبتلا ایدی بود و رادور مجلسه بر قاعه
 بر قاج ساعت ایاق اوزرینه طور و ب مزاجیه ضعیف مهابت پادشاهین دخی
 متاثر اولغین هزار رب و تعب ایله طشره به جان اند قله بر آه سرد چکوب مرمر صفه
 اوزرینه بر حصیر و ایدی آنک اوزر نه او تو ردی مفتی و سائر لر دخی اطرافنده آرام ایتد بلر
 یارم ساعت قدر اول صغه ده او تور و ب نفیس ایتد پلر امام مرک برودتی دخی در و نه
 تمام نثار ایتش اییش سر ایه و ایدی کی خسته لندی را وی اید روز یرو مفتی و نقیب
 بوغانله فی صا و ب آنلرینه سوار اولد قده قاضیلر که تلخیص جی جلوز عبدینک فرینه
 آلد اوب بو ستانجی با شینک تبیه ایله سر ای قیو سنه قالمش لرایدی و شمیدی دعوت
 اولنور ز دیو منتظر اید پلر و هر بری سر مجیب تفکر اولوب منلا حقنه شو یله سویلسم
 قاضیه سکر حقنه شو یله سویلسم دیو تصورات باطله یه مستغرق اولمش لرایدی
 انی کورد پلر و زیرو مفتی برابر سوار اولمش کورو صدرین و نقیب دخی بر دارات ایله
 کلور لر و اطرافدن قیش قیش اولوب او غور لرین تخلیه اید یور لر بو ستانجی یا شی
 جلوز عبدی اول فقیر لره جواب و یروپ افندیلر مصلحت بتدی اچ و دخوله حاجت قالمدی
 طاغاک دیوب سیرجی قوار شکسته قیش قیش دیه رک زجر و طرد عصا سنی حواله ایتد پلر
 عبدی سکر دوب افندی سنی ملانک رکانه کیردی فقیر قاضیلرینه او غراد قیرینی بیلوب
 مخدوع و مغبون اولد قله منتهای و مخرون اولوب باب سرلین ایریلوب اید اولد پلر اما بعض
 اختیار و اهل علم آدم لو و اید یکه انلر مستحق لراید پلر و مغدور اولمش لرایدی یور کاری یا نقی
 لسانلری یا س ایله منطلق اولغله جا مجار هکذا رده طور دپلر ملا و زیلر کمرکن اطاله
 لسان ایدوب بره آق صغالی قانه بویانه سی ظالم امت محمده بوا یلد بکاک مکر و خدعه

زند سنی جناب الله حواله ایلد ک دیو چهار استوم وید دعا ایتد پلر جناب منلا یسه
 عاقل متغافل اولغله وزیر ایله ات باشی برابر لایالی و قورانه مصاحبت اید رک و شو کملو
 پادشاهم رک بوکون وجه شریف لر نه اولان بشاشت و صبا حته نه یور ز سر عمر لری افزون
 اولسون دولت علیه امورینک دقایقنه اطلاع لری انکار اولنور می بو قدر و قوف و اطلاع
 کرامته حمل اولور بحق معنادر دیه رک و التفات شهنشاهی ایله مباحات اید رک چکیلوب
 کتدیلر یونرک مصباحی و سر عتله آت ایاقی صداسی و خدامک ایاق او اوزه سی
 قضاتک جرونی با صید یروپ اصلا ایشد لمدی شکسته قول قله یه کیر میوب تغافل کانک
 واسطی مثل مشهوری ایله کار بند ظرافت اولدیله وزیر و مفتی سر ایله یه کلد کاری کی خط
 همایون موجب جبهه چاوش لر تعیین ایدوب ممک زاده ایله بروسه لی فی نفی ایتدیله اول وقتد نعمان
 هر بکه استانبول قضاسی طلائندن ایدی دینی ایله بر قلدان آلوب هدیه و یروپ بعد
 هدیه سی کیر ورد اولنوب قیچ و رسوایلی ظهور ایتشیدی بولوی افندی نعمانک
 قضاحتی و منفیله ایلد یکدل و متفق اولدوغنی منلایه خبر و یرد ک منلا اولدن دخی
 نعمانی سومزدی مزبور لر ایله اتفاق معلوم اولدینی کی معهود و مزور و قعه ده بونکده علی
 اولق کر کردر دیو اصحاب و قوفدن تجسس ایتد که ممک و اسیری و هوادار لری مقدا
 یازوب امضا اچون علمایه خزینه دار اوغلی ایله کزدر دکاری کاغذ قضیه سنه نعمان
 داخل ایدی بو کاغده دخی صنعی اولق کر کردر دیو خبر و یردیلر ملا اول ساعت حضور
 همایونه اعلام و اذن اصدا ایتد یروپ نعمانی ساقره و خزینه دار اوغلی منی جزیره سنه
 نفی ایتدیله بوند نصکره فتان متجس سر لر با شلرین خر قیه چکوب منلا نک کال
 تعیین و استقلالی رسید صماغ عالمیان اولدی علامت سماویه سنه ۱۰۶۴
 ذی القعدة سنک اون سکنجی چهارشنبه کونی بعد صلاة المغرب علام سماویه دن
 نیازک قسمندن بر مرزاق قدرندن اوزون قول قالکغنده بیاض و براق اتش مثال شعله
 بین المشرق و الجنوب نازل اولوب کوند زکی دنیایی روشن ایلدی عید فطر دن برو
 علت طاعون ظهور ایتشیدی اسرار ملا حندن غافل بعض خلاط بو علامت طاعون
 زیاده لکنه دلیلدر بعضلر دخی اند قاعنه دلیلدر دیدیلر لکن محرب ملا حم نسخه لر نه بر
 عظیم القدر کسنه نک جمهور ناس ید یله هلاکنه و دولت روم اختلال و سیف ایله اعدام
 اراذل دیو یازلشیدی نه اوله ظهور ایتدی قیودان سابق حسام بیگ زاده فی مقدمه
 طو توب قید و شد ایله استانبوله کوندن مون محصلی بور ناز اوغلی دید کاری عبدی
 پاشاکه مون لی دفتر دارک بر کشید لرندن اولان مفسد اطلد رد فتر دارک قوت حمایه سیمله
 مون بی ظلم آتشنه یا قوب فقراء رعایایی خراب و بیاب ایتشیدی شاکیلری استانبوله
 قوج کلمین ظالم مزبور قید و شد ایله آستانه یه احضار و قیوار اسنه حبس اولمشیدر
 تخلیصی باند مون لی دفتر دار نشیر ساق اجتهاد ایتشیدی مغلوچی وزیر درویش پاشا
 وزیر مشارالیه چون ترخونجی پاشا مر حومی ارادن قلد یروپ کندوسی نائل مهر و صدارت
 اولدی اچوروده و طشره ده نافذ الکلم اولان حل و عقد رجانه مد ایتدی و سر کشلری

استمالة كندويه بنده ايشمیدی و دفع شبهه ایچون ضرورت خرنه بی پهاله ایدوب
مناصب و خد مانی جمله بیع من یزید ایلده صا توپ النان اچیه بی و سابقه کزلوجه
و شوت نامیله الفه کلان مبلغی اشکان جه دفتر دان الد یروب بو طریق ایلده میری به
خدمت اظهار ایشمیدی و طریق علمی مفتی به و قضاتی صدرینه و او جاقاری ضابطلرینه
حواله ایدوب فضولی مداخله ایلده کندویه زحمت ویرمیوب سرکارده اولنلره مادامکه
سوزدن برتبهت ظهور ایتیمه طرف یادشاهیدن بکا عتاب اوله حق والسنه ناسه
دوشه جک یز قبا حتمه نمایان اولیه هیچ بریکری عزل ایتیم دیو سرکارده اولنلری مطمئن
الطایر و انلر دخی عزل خوفندن امین و وزیرک حمایه سنل کمال تعین و استعلاال تحصیل
ایتدکاری ایچون کرکی کی استقامت ایلده خدمته اهتمام تام ایتدیلر یوزورن کثرت اشغال
رجالنه و اهله حواله ایدوب کندیوسی عالمنه آسوده دل اولمشیدی یادشاهه ویریلان
رقعه شکایت اسکدر ایاچیه سنل اوقه ورن کن حضورهما یزنده زیاده جه قیام ایدوب
یوزغون طشره چقد قیام مرمی صفت اوزرن یازم ساعت او توروب برودت تاثیر ایتمکه
سراینه کلد کیه خسته لنیدیکی ذکر اولمشیدی اول کچه مزاجی مخرف اولوب طعام
یرکن غلطه دن کله فاخر مزعفراتی چو یاسنی وافر تناول ایلدیلر اصلنده دخی باغمی
مزاج و قولنج خفیفه به مبتلا ایدی شیخوخت برودتیلر دارطراحی ویدنی اسبابک تزدافت
مزاج اختلاطه فساد کلدی ایرتسی دیوانه واروب مقام حکومتیه او تورورکن جا ایلده برترمه
حادث اولوب سراینه کلد کیه باشدن بر باقنه ماده منعوب اولوب بالی برایاخی حرکتدن
قلدی نعوذ بالله تعالی فالج دیدکاری مرض عظیمه مبتلا اولدی بالضروره فراش
نا توانی به باش قویوب امور دیوانیه یزیه صف پاشایه سپارش ایلیموب احوال پرملانی
فاخص ایتدی یادشاه حضرتلری حکیم باشی به فرمان بیوروب فن طبعه ماهر حکما ایلده
واروب معالجه به تعیین ایلدیلر و خاطرک خوش طوته سن دیو تسلیت کونه خط
شریف ایلده خاطرلین صورتیلر وزیر خسته اولدی بی کی سلخ ذی القعدة ده یادشاه
اسکدر دن استانیوله کوچوب سرای جدید عامره ده قرار ایتدیلر و وزیر خسته لیمکه
توعا اموره اختلال دوشوب کلاب سلوکی اولان سوقیاز زخی ابطال ایدوب یلدکاری
کی آوب صاتمغه باشلیدیلر ذی الحجه او ائله وزیرک صحیح اولان یرینه بر ماده دخی نزول
ایدوب طرفینی عملدن قلدی مهر وکالت بهر حال آخره ویرلک اقتضا ایتمکه وزرادن
قندیسنه ویرلک معقولدر دیو کونا کون مشورتلری اوله باشلیدی بالاخره عید اضحی
قرب اولغین وزیر مفلو جدن معتاد اوزن بیوام پیشکشی التیق ایچون اول وقتیه دك
تاخیر مناسب کورلادی و پو ائشاده یادشاه وزیرک عیاد سنه وان جقدر آوازه سنی طرف
اندرون دن جانب وزیره اسماع ایتدیلر و محرم اسرار بعض کارکنارلر سوقیله عید پیشکشی
قدر عیادت پیشکشی فاخر جواهر سرخوج و قوشاقلر و نیجه ذی قیمت شیلر حاضرلندیکه
مقدم همایونه حین نشر یفده اهدا اولنه اما مدبر خیرخواه لری عیادته وارلغی
مناسب کور میوب خاطرلری سوال و قلب علینلر تسلیت ایلده جک التفات تانی مشعر

برخط همایون یازیلوب مقریندن بر عظیم القدر کسه ایلده وزیره کوندر دیلر وزیر قرائت
ایتدکی تشریف ملو کانه قدر خطوط اولوب سوق مدبرین ایلده اول تدارک اولنان عیادت
پیشکشی جواب خط ایلده حضور همایونه ارسال ایلدیلر عید هدیه سی دخی وقتی ایلده ارسال
اولندقد یادشاه حضرتلری وزیره برخط شریف کوندرمش مضمونی مهر دارندن منقولدر
مفهوم بوکده نیم لالا جقم الله رضا سیچون بکا طوغری جواب ویر خسته لک قابل علا جیدن
دکلیدر وزیر ادین و دولت اموری تعطیل قبول ایتیز علاج قابل ایسه مادامکه سن حیانه سن
سکازل یوقدر علاج قبول ایتیز سه اعلام ایلده سن دیو شلر صدارت عزیز اولدین معنی
چقمقد جانل امید وارد وزیر بوکونه جواب تحریر ایتیشلر نیم شوکتلو کرامتو
خمنکارم مزاجم درست و عقل و فکر من اختلال و تغییر یوقدر اما بر الله برایاغم حرکت
ایتیز و عافوت خسمیه لری وارد اما کرکی کی تحریر ایلده هم حکما فاجدر دیر لرکن بعض
حاذق طبیبلر قابل علاجدر دیدیلر طالا معالجه به مشغوللردر فرمان یادشاه همکدر
دیش دارالسعادة اغاسی حکیم باشی بی حضور همایونه کتوروب سوال بیور دقلرنه
یادشاهم فلج زیاده صعب و بی علاجدر تازه لرده اولسه دورودر از تدبیرات صحیح ایلده بلکه
علاج اوله اما پیرلک هنگامه خصوصاً یکی طرفه ده اصابت ایلده بروجهله علاج قبول ایتیز
تدبیر ایتدیکمز معالجات بقیه رمق شکلنده بر قاج کونلک حیانه قلب دماغه ممکن مرتبه
قوتیجک ویرمک ایچوندروالا خلاص امر محالدر حق تعالی یادشاهمزه طول عمر و پره دیدی
پواستخباردن صکره مهر آخره ویرلک تدبیرینه قرار ویرلدی فرستادن مهر بابشیر پاشا
پو ائشاده مهر کیمه ارسال ایلتمق مناسبتدر دیوانه رون بیور ووند کونا کون مشاوران
اولوب کیمی سیماوش پاشایه و کیمی مراد پاشایه کیمی ملک احمد پاشایه کیمی مونوی
دفتر دان کیمی ابشیر پاشایه ویرلکی مناسب کوروب کار دانان دولتک هوا دارلری مخالف
ایدی موره لی به استکثار ایتدکاری محقق اولیحق وزیر مفتی بی دعوت ایدوب افندی
یادشاهمز اگر مهری بنه لرندن محقق الوریسه مراد پاشانه کونه مغرور و متکبر اولدوغنی
ملور سنر و کند و ایلده اولان ماجرا من معلومدر اکا ویرلماک خصوصاً سنه سعی و اهتمام ایلده سن
دیو سپارش ایلدی پو ائشاده مفتی حضور همایونه دعوت اولنوب بو خصوص ایچون
مشاوران اولندی منلک دروشتن سیماوش پاشاییدی اما وهله اولید ایراد مافی الضمیر
ایتمیوب نعل باز کونه طریقه کاه مصر والیسی کاه غیری وزرائی یاد ایدوب هر
یرینه نه احتمال دیو جواب همایون ویرلدی منقولدر اول مجلسه مقر باردن بری
سیماوش پاشایی یاد ایتد کله والده حضرتلری جواب ویروب سیاوشک عظمتی نیم
ارسلا مدن ارتقدراویله متکبر آدم نیجه قوللق ایدرونه خدمت وجوده کتوردر دیشاه
دارالسعادة اغاسی و سائر طواشیلر که سیماوش پاشایی سومزلردی اوت سلطام
اولیه در بیور دیغکتر مرتبه دن زیاده دردیو تصدیق ایتدیلر مصاحب لالا ابراهیم اغا
پو حله دیو شکه سیماوش پاشا یادشاهمک مقربلرینه عدوی جاندر اکر دیوارده
یازلش بر طواشی اغا صورنی کورسه بر مغیله یوزمد قچه اول موضعدن کمنز

اوله آمدن امانیت بجه متصور در دیدی حاصل منلا مقربانیدن نفرت و استنشعار
 صورتی کور و سیاهوش نامنی یوتدی اندرون ویر و نه اولان کار سازلک طبعنه
 موافق ملک احمد پاشا بر مقتضای وقت جمله دن اهون کورنمکین اتی جمله یه ترجیح
 ایتدی یلر خصوصاً مور لی دفتر دارمراد پاشا دن و سیاوش پاشا دن زیاده خوف اوزن
 اولدوغندن وقت مشورتن طرف سلطنته عرض ایلدی که یوقدرمد تدبر موجب تدارکنه
 و سائر مصارفه بیل قدرت ایلد خدمت ایدوب ایچ خزینه دن برجه المینی مضایقه
 و ضرورت چکنرمدم اگر ملک احمد پاشا وزیر اولور سهینه کالاول خدمت ایدرم
 هیر یسی اولور سه خدمت قادر کلام پادشاه بر نان پان احسان ایدوب یوقوللرینی
 عفو یورسونلر دیدی دفتر دارلک طرف فکیر لری بو کلامی پادشاه و والد جنابلرینه تبلیغ
 ایدوب مور لی به هودار اولدی یلر و ملک احمد پاشا لک صد ارتتی تصویب ایتدی یلر اما ملک
 احمد پاشا عداسی بیننده عقلا وار ایدی انک صدارتتی استمرلردی یوقمقوله برسوزیدا
 ایدوب اور تالعه نشر ایتدی یلر که ملک احمد پاشا دیش اوله که مصادمکه بیوک والد کی بر
 صاحبه اخیر اتی شهمید ایتدی یلر اول جرم عظیم ایدنلر صاغدر و هریری الان دولته مسلط
 نافذ الکلام دروزیر اولانلر بجه صدارت ایدیلور لر فرضا نلرک حیانتده بکام بر تکلیف اولنسه
 ایتنرم و تعاهد و نفی اختیار ایدرم دیو بود و زمه خبری مناسب آدم اسانیه شعبان
 خلیفه و زوجه سی ملکی خاتون سمعنه القوا و اسماع ایتدی یلر ملکی و شعبان و انلر ماحق
 مصباحین و مقربین یومو خوش سوزدن خوف ایدوب ملک پاشا دن قطع انسان ایتدی یلر
 اگر چه ظاهر حاله توجه صدارت ملک احمد پاشایه قراردادده مرتبه سینه و اردی لکن
 احباب دل و عقد و مقربین صدراعظم خارجدن کله ککند ولرک نشاند سی اولوق
 صترغوان اوفق اولدی یغنی مشورت ایدوب خاص اوطه لی و سائر یوجه مشروح اوزن
 ملاحظه ایدوب وزیر جرم خاصدن چقمه اولدی یغنی استرلردی و عایشه سلطنتلک نامزدی
 اولان حلب والیسی ابشیر پاشای اخیلارده اجماع ایتمشلر ایدی و عایشه سلطنتلک باش
 اغاسی مرجان اغا سلطان مشار الیها طرفندن دارالسفاده اغاسنه و مصباحلر خفیه
 آمد شد ایدوب ابشیر پاشای اختیار ایتک بانه ترویج تعریفه سعی اوزن اولدوغندن
 اولطر فیه میل متحقق اولمشیدی ابشیر پاشا اولر سه بالا قضا مراد پاشایه ویرلک
 پادشاهک و والدنک درونلر نه مضمر اولدوغنی درویش پاشا طویغله نکرار مفتی یی
 حاضر و بای حال مهر قیودان مراد پاشا دن صرف اولنوق ایچون ابشیر پاشایه
 ویرلکی تصویب ایدوب پادشاهه تبلیغی امانت ایلدی نکرار مفتی ایچرود دعوت اولنوب
 مرجان اغا لک علی اوزن ابشیر پاشایه ویرلک مخصوصی استنشان اولندی ملادریش
 پاشا لک صواب ایدی و وصیتی بودر فید که استصواب اولنوب ایرتمی ماه ذی الحجه انک
 اون ینچی اربعا کونی مهر درویش پاشا دن کتوردی اوب ایرتسی پنجشنبه کون میراخور
 کبیر محمد اغا ایلر ابشیر پاشایه کوندری اوب بر هفته ده وار مق اوزن تنبیه اولندی و ملک
 احمد پاشا استانه ده قائم مقام نصب اولندی بوشاده بکچری اغاسی بولنان کنعان

پاشا که سابقا طوطوچی حسن پاشا قتل اولندقد ایچر و النان ماکمندن ایدی کورچی
 الاصل بر توانا کسینه ایدی حالا وزارت ایلر بکچری اغاسی اولغین قول کنز رکن اخور
 قیومتمند شادروان اخوری غلامندن برتی دخن ایچرکن طوتوب دکنک اوردقه اصطبل
 شادروان غلامنه خبر اولوب جمله سی برصویه قاپوب کروه ایلر سکر تیلر اما اغاکمش
 یولنغین کیر و دوندی یلر اغا ایسه میخانه لری قسط شهریه ایلر حقلیه و ب منکرات عظیمه یه
 حد یوغینکن دخن فروشلرک دکانلرینی باصوب دخانلرینی یا قوب دخن ایچنلری افراط
 اوزن ضرب ایدوب وزجر ایدردی کویاضا بطاک اعظم ایلر ردی بوشاده آت میداند
 سلطان احمد جامع خانه اوغرایوب علوفه یه گلش سپاهیلر دن بعضیلرین دخن ایچرکن
 طوتوق استند که سپاهیلر خان ایچنه قاجدی لر خان قیومتمند توتون ولوله و چموق
 صاتان فقرانی عاج ایدوب استیلرین احراق مراد ایتد ککخانه اولان سپاهیلر بر دکنک ایلر
 بوشتوب کارخانه لیلر و موخیلر ایلر مطرا فیلر شکند مضارب ایدرک سپاه غالب کوب
 اغا لک قولی توسکر دیلر واردلرینه دوشوب طایفه نک بر قاجنی محکم دوکوب و اغای
 قاجر دیلر بعد قوللر بیلر کزن سپاه چاوشی سپاهیلر دعوت ایدوب واراغایه سویله
 ادیلر اولسون عجمی اوغلنلرینی ات اولملرینی ضبطه قادر دکل بزدن نه استر بوز خانه
 و میخانه لردن زهر دقوی آلور اوتنه لغی سرخوش نعره سی قاپلیدی انلری کورنر بکند و
 حالمزده اوتورکن توتون ایچدی کز چموق عما دی کز دیو بوزاری انجمنک استر بر دخی بورایه
 هجوم ایدر سه ارامزده فساد اوله جغنه شک یوقدر کندوسی ییلور دیز یلر طوش بوخبری
 اغایه ایصال ایتد که برایکی چاغردی ازارلدی اما ادیلر اوتوروب اولطر فیه اوغرامدی
 استمه دقایق حکومتی بلین آدم امر نهی خصوصاً عاقلانه حرکت ایتیب اراذل ناسی
 یوزه چیمقار مقدم بویله محذولر وارد یساع طوتور مق و بر مکروهی خلقه ترک ایتد رملک
 یا خود اخفالتد رملک پک تراکت لازمدر کاهیجه تجاھل عارفانه ده ایشه یارار بو ماجرا
 ظهورندن صکره اغا لک مهابتی ساقط اولدی جرجه لی علی بیلک که امراء مصریه نک
 عمده سی و مال قارونه مالک متعین وزیر سی ایدر که بوسالده وفات ایتدی وارث اولغله جمله
 مخلفاتی میری ایچون قبضه کوچک میراخور رسال اولنمشیدی اموال و تحف و تقاریتندن
 قنی چوق شی استانه یه کوب اضعا فی مرتبه تحف و نوادر مصرده بخش قلعدری اولدی
 معن زاده مرحوم نقل ایدر دیکه مزبور علی بیلک قوت مال و جاهله نادر الاقران بر میر
 جلیل العنوان ایمش املاک و عقارندن ما عدا الی قدر حصولدار قریه مالک ایمش
 هریری بر قصبه عظیمه درشن و ابادان اولوب فایضلرندن سنوی بشیوز کیسه قدر عایدی
 وارا ایمش جمله دن رکوب و حمل ائصال ناس ایچون فلا حلیرند مکاری دورت بیلک قدر جاری
 وار ایدر یک یومیه بشر یاره اجرت ایلر معظوعا ویرلش و زمزم معدنی سعید جبالنه
 چقمق اول عصر ده کند و یه مخصوص اولوب سنه ده بر کره تدارک راه و قطار قطار جمال ایلر
 ذخائر و صولوازم سار هرنه ایسه کتوردوب یا نجه معدنچیلر لوب غلام و توابعدن
 بش التیوز تهنک اند از عسکر ایلر و اولقد اراده کفایت ایدر جک ما کولات و مشروبات

ایله کیمدرمش اول جبال مهیبه ده که ذی روحدن اثر بوق ویه جگ مرتبه خالی برلدر
 چادرلین قوروب لیل و نهار معدنجیلری اشلدوب ذخائر و صو تحمیل ایتد کیری دوه لک
 ذخیره لری ینوب خروارلینه زمر دطاشلری یوکلدوب ینیه معین وقتنه شملکه ایریشه جگ
 قدر ذخیره ایله معاودت ایدر مش استا نیولدن و فرنگساندن جوهر تراش حکاکلر
 کتور دوب سر اینده او طه ویروب رعایتله صقلارایمش کتوردیکی ذمردی علی الدوام
 اشلدو مش کاه بیکاه دولت علیه طرفه و مصر و الیرینه واکا بر اخوانه زمر اهدا
 ایتدیکندن ماعد امعمول و غیر معمول زمر داجا زدن فرنگ تجارینه و سائر سنوی بیگ
 کپسه لک قدرشی فروخت ایدوب مصارف راه و اعالدن هزار مرتبه اقرون فائده ایدر مش
 متروکاتدن بچفت ذمرد کایکه بر طفل رکابی اولق اوزن و جر می عادت مرتبه سی اوج
 قطعه خنجر قبضه سی و بر قاج زهکی و قازیه ضمه سندن یوجک ابکی عدد یکپان طپوزنا شافی
 و غام و کویه و نسیمج و بمقوله متفرق قطعه لردن وافرشی مباشر مزبورید یله کوب خزینه
 پادشاهی یه داخل اولدی لکن اول وقتک مصر و الیمسی و منلاسی و اعیان و کباری مباشر
 ایله متفغانه دیره و بقی وافر تحف و نوا درادن حصه مند اولمشلریند نصبره زمر د معدینه
 جرجه لی محمد بیگ واروب جوهر چقارمشدر اند نصبره اشکان کسه کیدوب علنا
 جوهر کتور دیکی مسبوع دکلدر یه وقتکه دک بعض امراء عرب اشبهلرینک یله خفیه جوهر
 خام کتوروب افریجه فروخت ایدر دیرلر اما معنی معلوم دکلدر کتب طبیه ده و خواص جوهره
 متعلق معتبر کتابارده ابکی قیر اطلی سم مهلکدن نجات ویروب خلاص ایدر دید کیری
 زمر د سعیدی زمر د درکه تقریحه لو لودن و ذهب محلولدن اعلا و الطف و سمومات
 مهلکه یی دفع و قطع اتمکده پادزهر یات انواعنک جمله سندن زیاده مؤثر و نافع و اشرف
 اولدوغی مطولات مفرداتند مصر حدرمعن اوغلی نذکره داوددن و بعض کتبدن
 یووجهله نقل ایدوب دیر ایدی شمعی سعیدی زمر د بولنخراتم و کوشوان و بعض
 مرصحاته موضوع مقوله سی اکا برده بولنورسه ده نادر در اسپانیه مملکتند جدید
 زمر د معدنی بولنشدو حالا فرنگ تجاری صندوقه لایله کتوروب فروخت ایدر لرتلردخی
 صغیر و کبیر پارچه لایله قوتیلر ترتیب ایدوب مثقال ایله فروخت ایدر لری زمر د لرحله اسپانیه
 معدنندن چیقان جدید زمر د درکه آراسنده زیاده آبداری ورنکی قیوسیمه بولنورالان
 خلق ایچنده کوربلان زمر د عموما بونوعدن لرلونی قیو و ایدر اولاننه اسکی معدن دیرلر
 رنکی آجق و صوبی مساوی اولمائه بکی معدن دیرلر حقیقتند جمله سی یکی معدن دراسکی
 معدن سعیدی زمر ددن غیر ییه دیزلر و میمر قوم دیرلر بیکه بوزمردک غایت خالصی معق
 ایدوب دفع سمومات ایچون استعمال ایتدک طین محتموم قدر نفی کورلیدی یازدقلری زمر د
 طاعنه سی چندان مشاهده اولندی دیدی سعیدی زمر د قلی بوسبیلده در که سعیده
 مخصوص بریشک و اروب چیقارمز اولدی مدت مدیده دن برو بولنان زمر د ایه ممالک
 سائر یه نقل اولندی هند و عجم و افریج دولتارنه سلاطین واکا بر سعیدی ذمردی آلوب
 ادخار اتمکده رغبت ایدر کیری ایچون تجار آلوب و لایترینه طاشمغله دوکتشدر حالا وجودی

نادر و عزیر در معدن جدید زمر دی هر نه قدر ایدر اولورسه ده لونی حضرت جنگاری
 مشابه برنکدر اما سعیدی زمر د رنکی حضرت ریحانی ایله صفره خالصه ذمیدن
 همترج زبانی اللون بریشلدنرکه جوقند شمع مشتعل کبی برلعه تابید اروه هر نه طرفه
 چوریلر سه کویا ایچنده صوبی میل و سیلان ایدر برضیای ابدار واردر یکی معدنلرده
 ته قدر عال العال اولورسه ده وارالرنده ریحانی و زبانی رنکندیشل بولونورسه ده بذهبی اللون
 ایله همترج شعله براق بولنق محالد رو قطعاً کورلیمشدر و سعیدی زمر د بومرتبه ده براق
 و شفاف و ایدر ایلکن ینیه بللور کبی صفوتی یو قدر اجزاسی مصمت و غامقدر بر طرفدن
 بر طرفی کورنر و جمله جواهر نامه لرده مصر ح و جوهر شناسلریننده متفق علیه قاعده درکه
 الماس و یاقوت و زمر دولعل بمقوله جواهر هر نه لوند اولورسه اولسون بریق و شفاف
 عقد از زیاده اولورسه بللور کبی ماوراسنده اولان شی عینی ایله کوستر مز خنقنده اولان
 تراکم مائیت و تلاصق زانت جوهریت یوازته مانعدر بللور کبی بر طرفدن بر طرفی کوستر
 ححرک اجزاسی ملایم هس و جسمی خفیفدر جوهر حکمنده دکلدر هر قنقی بحر که شفافیتی
 ایله تحتند اولان شی بللور مثال عینی ایله کوستره جواهر دن معد و دکلدر یه قاعده کلیه در
 جوهر التمه وضع ایتد کیری فویه نیک نمایشی انعکاس پرتو ویندر ارات نقش و اطها ماتحت
 دکلدر خلاصه کلام سعیدی زمر د خواص عظیمه صاحبی بر معدن جلیلدر وقایع سنه
 خمس و ستین و الف احوال دیار مصر یه مصر و الیمسی خاصکی محمد پاشانک سلام چاوشی
 یوشناق مصطفی چاوش معتاد اوزن وافر مبلغ ویروب حبش بیکلر بیکسی اولمش ایدی
 ضبطه کتخداسن کوندروب سواکن نام جزیره که مقر ایلت امیر الامراء حبشدر کتخدا
 واروب مقام حکومته او توردقه جور و ظلمه آغاز ایدوب حددن تجاوز ایتد کده اهل
 حبش مزبوری طرد ایدوب بعده پاشا کند و وار دفعه حبشیشلر ملک حبش اولان
 مصرانیدن استیجاد ایدوب بطارقه حبشیدن شیخ مر نام نصرانی وافر عسکر ایله حبشی
 ضبط و اغاز عصیان ایدوب پاشایی دخی طرد ایدوب اوغراتدیلر مصر و الیمسی امر و اعیان
 مصری جمع ایدوب مشورت ایدیلر جون حرم خاص طواشیلرندن آزاد لوانمنه او تزدن
 متجاوز خادم اغارکه مصرده ممکن اولوب هر بری آستانه دن کتورد کیری مالدن ماعدا
 مصرده قریه و جرایه و یار مثلاً جهت همیشه ایدینوب سایه پادشاهیده خوشحال
 و اتباع و لواحقلر یله مرفه البال اولدیلر بعض سبیلده مصر عسکر یله ینلرینه شقاق
 دوشوب وارد قیج برودت زیاده اولمائه بر متقضای حسد اغارک اقبال و نعمتی زمره
 عسکری یه زکران کلمشیدی حبش جانبنه عسکر کوندرلک لازم کلمکین مصر قولی
 یکر زبان اولوب بز میر الحاج خدمته مأ مور و خزینه کتورمکه خدمتدن خالی دکلر
 و طواشیلرک نعمت و دولته مستغرق بوقدر قوللری واردر بو خدمته انلر وارسون دیو
 وای ایتدیلر اغارنه تکلیف اولندقه اولی گلش معنی دکل نه احتمال دیوب امتناع ایتدیلر
 بوسبیلده مصر قوللری ایله اغار و اتباعی بیننده اولان حسد و شقاق اشکان اولوب
 مجادله مقاتله هو دی اولوب اره یرده بر قاج آدم تف و بالاخره دفع فساد ایچون ینیه

والی مقرر قتیله اغا اردن و اتباع اردن بعضیهای ابریم نامیده طشره گوید یلایوب سابقا
 دارالسعاده اغاسی طاش یا ترعلی اغا ایله مصباح مقصود اغا نازکانه مصدردن چیقوب
 سبکبار شامه کادیلاردن منزل ایله آستانه یه کایوب احوالی سده سیننه شهر یاری یه
 اعلام ایدوب عسکر مصدرك کستنا خانه وضعندن شکایت ایتدیله بوقعه ناملا ییدن
 جمله مقرین و مصباحدارالسعاده اغاسی و سائر لری متکدر الخاطر اولدیله لکن
 عصر مدار عصری اولغله مضی ما مضی شکنجه ضروری سکوت اقتضا ایلدی اما
 فوفساده جرأت مصدروالیسینک تغافل بلکه تحقیقچه تحریکی اولدینی مقرینک معلوملری
 اولغین یو کین درونلر نه در کین قلوب عاقبت خاصکی محب پاشایی شمشیر قهر سلطانی
 ایله تدبیر ایتدیله نعوذ بالله من سوء الافعال و مجازات الاعمال تفصیل احوال و صول مهر
 پاشیر پاشا وحدوث اراجیف مورخ بواحوالی بر مقدار تفصیل ایدوب دیرکه
 دارالسعاده اغاسی بیرام اغا و مقرینک رایله مهر شریف ابشیر پاشایه توجه
 ایتدی وکی مذکور در آستانه ده قائم مقام کیم اولوردیو اسنشان اولندقد ملک احمد پاشا ملکی
 خاتونه ملک بر منزلنی تملیک ایدوب بیع و قبض ثمن حجتی کوند ر مشیدی بحسب الشفاعة
 قائم مقاملق اکا توجه ایلدی مفتی افندی که لسان عصر و مقتضیات دولته عارف
 اولوب والدینا قبای و نحن مع الراجان نکتله سنه واقف ایدیلر توجیه صدارت
 استصوابه دارالسعاده اغا سنه و درویش پاشانک وصیتنه هم زبان اولدینی کبی
 ملک پاشانک قائم مقاملقن ترحیمه دخی همد استان اولمشیدی و میراخور اولکه مقتول
 موسی پاشا برادرزاده سی هم دامادی اولوب دباغ پاشا بجا نغید راندرون اغاری قوتله درویش
 پاشانک محنتی حاله بیوک میراخورلق منصبین خط ایله الوب سلفی اازه احمد اغا صفر ایلدی
 قالدقه درویش پاشا من یون تهید و عتاب ایدوب شکر یار مالی سزنی بویه قورتدی دیو
 ازار ایتدی که موکد خط همایون کتوردوب میراخورلقی ضبط ووزیر غم ایتمشیدی وزیر دخی
 ناچار میراخورلقی اکا ضبط ایتدی یروب احمد اغایه وزارت الیور یروب قبه نشین ایدوب صاحب
 چقمشیدی میراخور مزبور بر مخترک و طمعکار اولغله میراخورلقک بقدریک غروش
 سنوی عائد سنه قناعت ایتیموب مهر ابشیر پاشایه کتمک محقق اولدقه دورت بیگ
 غروش بل ایله شفاعت ایتدی رملکه انکه ارسال اولمشیدی الی نهر ایله منزله سوار و حلیه
 واروب باشنه قمری مقدم باو کباشی هیئتله یول لباسیله ابشیرک حضورینه کیروب
 مهری نسایم ایتدی که ابشیر پاشا استقبال ایدوب انبساط وجه و تعظیم ایله مهری الوب
 قویینه قوبقدن صکره مقامنه قهو دایدوب قاشلرینی چاتوب وزارت طاقندی
 میراخور اغا قارشو سنه ایاغ اوزن طور دی شمدی او توردیوب التفات ایدرو حمرمانه
 محبتله داخل اولور زامید یله انتظار ده ایکن همان ابشیر پاشا باشا قالدیروب
 میراخور غصه ویا نه خطاب ایدوب معتاد قدیم مهر شریفی سر بوابان درگاه عالی
 قرق نهر اسکفل قیوچی ایله کتور ملک ایکن بره خوارده ساین سن کند و اقرانک برقاج
 اراذل ایله منزله بنوب بولون قیافتیله مهر کتور ملک ندن اقتضا ایلدی و با شکه

صادق افک قمری مقدمی ولون لباسی چیقورمدن بو هیئت ایله حضورمه کلکدن
 نچون خوف و حجاب ایلدک دیو وافر زار ایلدی میراخور اغا نکفسرک فکر نه
 اولوب مهر کتوردم دیو کال سرورلندن قصورمه نظر ایتیک دکل کونا کون اکر ام والتفاتیه
 مظهر ایدرلر ملا خطه سنه ایکن و هله اولیده بو آزار عظمت اثار ی کوردک عقلی
 باشندن کیدوب کندویه رعشه کایوب خوفندن بر جوا به قادر اولوب یوطقندی
 طور دی بر زمان دخی وزیر و قور سرفرو ایدوب بعین باش قالدیروب طوغری
 سویله مهری کتور ملک خد متن نجه یه آلدک طوغری سن سویله مر سک سنی قتل
 ایدرم دیدک میراخور اغا برک سیدکی دره یوب سلطانی سکر کینه ویردم دیدی
 ابشیر پاشا دخی کر جکسن سندن اول بکا خبر کدی دیدی بابا نجه بی کیمه ویردک دیدک
 ویردیکی بری سویلیدی نکرار خطاب ایدوب یانیم خصمک منصبی که میراخورلقدرانی نجه یه
 الدک ایدی انی دخی طوغری سویله دیدک یکریمی کیسه ویردم نکرار بر مقدار اعتدال صکره
 بر ساده خلعت کید یروب اشاغی رتبه ده اولان اغا لرنیک برینه قوناق تعین ایدوب
 پردخی حضورینه کتورمدی و رجوعنه دخی اذن ویرمدی زون و محقر یا نده
 الیقودی ابشیر پاشا در دولته مکتوب یازوب بوجا نبره قی چوقدن صاحب مهر وزیر
 چقمه مغله بودیارلرک احوالی زیاده فخل و مشوش اولمشد یروب طرفله نظام ویرلک اهم
 مهماتند ربنا علیه بوا طرافک اختلالنی دفع ایدوب نظام تام ویردکن صکره آستانه
 طرفنه وارزدیونعلی حرکتی مشعر کلمات مصدحه ایله اعلام ایتدی ابشیرک کاغدی کلدک
 کار دانان دولته وحشت و خشیت و مهر کوند رلدیکنه پشیمان و ذامت کایوب طرف خلافت
 اولنلر ایه بونله مراد پاشا کبی وزیر ذیشان طور رکن ابشیر مهر کوند رلنک نه مناسبی
 وارلیدی مقرین ایله مفتی افندیک اتفاقریله اولش برسوتد بیدر کیم ییلور عاقبتنه
 نه فضاحت اوله جقدر دیو کفتکو چوغالدی و اقعادارالسعاده اغاسی و مفتی اضطرار یه
 دوشدیلر نکرار مشورت اولنوب بحال کله سن تا خیره پاشا ایتیه سن دیومو کد
 مخط شریف ایله خاصکی اغا کوند رلدی مفتی و سائر ابشیرک طرفدارلری دخی مکتوب
 یازوب بر ساعت مقدم تشریف کز اهدر عومام مالک محروسه انتظامی اچون بوجانیدن
 تدبیر و تدار که مشغول اولنکر مناسبدر نظام اطراف نامیده صاحب مهر بیوجه طشرده
 کرمک بروجه لایق و موجه معنی دکلر و ملا خطه دیگر ایله طبع شریفه و سوسه کلسون
 دیو مطمئن الخاطر اوله جق سوزلایله یینلری یازوب کوند ردیله خاصکی دخی واروب اسنسرار
 ایتدک ابشیر پاشا برعالی دیوان ایتیش ایدی جمله مواجهه سنه خاصکی یه عتاب
 ایدوب بقه بره بو ستانجی سترنی سائر کی قیاس ایدر سز عجله ایله استانبوله وانیم وانه
 کار ساز اولان حواشینک فرمان بری اولیم او توردیه لراو توره یم قالدیه لرا لقه یم چون
 مهریکا کوند رلدی یه کون وزیر اعظم بونله مصدروغده وارجه حلب و شام اناطولی و سائر
 بلاد عومایر فتنه و اختلالدر بواختلاللری دفع ایتیمجه استانبوله وارمنک قائم سنی ندز
 بونلره کرکی کبی نظام ویروب بعین واردم ایشتمد پادشاهمک دولتمه اچرودن و طشره دن

نچه کسه لر مستولی اولمش و عرض سلطنتی نخل اطوار چوغالش جمله مناصب و خدمتی
 رشوتله و بر رایش چور چوب صوباستیلغنه وار نجه رشوتله وریلوب نظام دولته مضمر
 حرکت نهایت یوغیش بو طرفه اولان اختلال دفع اولنوب علی مهمل وار زاول طرفه دخی
 تکمیل نظام دولته سعی ایدرزاد بیله اولمیانلری نادیب و هر کسه حدین ییلدیرزدی و افرلا ف
 و کذاق ایدوب ینه کالاول انشاء الله تعالی بو اطرافک اختلالنی دفع ایتد کدن صکره و ایز
 دیو مو حش خبرایله خاصکی اغانی یوللادی خاصکی دامنبوس ایدوب چقدی میر اخور
 اغایه واروب استانبوله مکتوب و بر میسر دید که میر اخور یقه سلکوب قاج باشم واردر که
 مکتوب یا زیم نیم حالی و ذلتی کورد کوار کوردیک کبی سویله دیدی بوندن صکره
 ابشیر یا شاکند و ایله معاهد و مو انست ایدن طوایف سپاه والای بیکره
 و امرایه و کتخد ایرلینه و یکچری سردار لرینک مشاهیر لرینه آد ملر پرا کنده ایدوب
 دعوت مکتوبلری کوندردی و سویله ننبیه ایلدی که جمع حکرای قوینه در هر بریکر
 بشر اور آدم ایله سبکبار اول نجه کلوب زه ملاقی اوله سر رفع رشوت و دفع مظالم
 و نصیح امور دولت اچون مشورت مزواردر سویله معلوم اولسون که سیاهک چالقلربی
 نصیح ولد شلربی عنایت ایدوب و غلامیه لرین دخی الیوریرم و اما خدمت
 و ملازمت و بریم اول مرتبه ایله قناعت اینسونلو و یکچریلره دخی کاهو القانون قوللقلربی
 و بریرم و النونی یوز بکرمی اچیه یه و غروشی سکسنه اولق اوزن و اونی بر درم چیل
 اچیه ایله علوفه لرینی قسط بقسط ادا ایدرم منسا صب و کد کلر رشوتله صائله سنی
 هالمدن فالدرم دیو خبر لکوندردی ز برامهر ابشیره وار دقله اتباع و خدمتکارانندن محرم
 اسراری اولان مستشار لری کندوبه نصیحت ایدوب دولتلوسن یوقدر سنه در مناصب
 عالیه ده زور بازو ایله کزوب حسن و رضا ایله عزل قبول ایتدیک یوقدر مسند صدارته
 کلان وز رادن خوف ایدوب صیانت نفس اچون حددن افزون یوقدر بیک آدم بسلیوب
 یقه مزای اله و بریمیه لم دیو چیمتلولو جه بولنه رق جلایلیک نامیه مشهور و پادشاه یانه عدم
 اطبا عتله مذکور اولدو غز ده شک یوقدر عدل و عدالت و رفع رشوت و نصیح
 مملکت آوازه سنی اشاعت ایدوب و یولاف و کذاق ایله و فریب ایله عوام کاهو امک عقلربی
 اوغور لیوب و اوله کاذبه ایله اجناس حشراتی اوزریمزه اوشوردک ترخونچی پاشان صکره
 کیف مایشاء متصرف مستقل بروزر کلدی و کلنلرده مقامند چوق اکلندی و کاه آستانه ده
 و کاه طشره ده و اطرافده امور ها ئله مو انعی ظهور ایتدیکله زه تغافل و امهال معامله سی
 اولندی و الا مساعده وقت و جمع خواص دولت اولیدی مدبران سلطنت استیصالنراچون
 نه داملر ترتیب ایدک جگر نیی الله یلموردی بوانه کلنجه صدون کلان اطواریمز مسوم
 همایون اولمشدرو طرف دولته اولان کرک صداقت و کرک سرکشک و خیانت دن قدری
 فراموش اولنمز ولو بعد حین مکافات و مجازاتی ترتیب اولنور محمد الله تعالی شمدی فاک
 مراد کراوزن دور ایدوب برفتنه احد اشدن احراز طوتک سهولته سزای آستانه کوروروب
 دامه دوشور مکه مبنی طوتک اعیان دولتن طرفدار لیکر سو قیله جرایم کذشته معفو

اولوب سزدن دعوا کزده مو افق خدمت نافع ما مول ایتد کلدی اچون طوتک الحاله هذه
 مهری ایاغزده کوندردیلر شمدی اهم والزم اولان بودر که طرف دولته احداث شر و ایصال
 مکر و ضرر مصدر اولان مو انعی حسن تدبیر ایله دفع و رفع ایتدیکه استانبوله داخل اولمیه سر
 و طرف پادشاهی یه کمال خلوص و اتقیاد کویستروب مصباحه صدق نیتله یا شوب وضع
 سابق ترک ایدر سز که زور و غرور ایله طوتیلان ایش نتیجه و بر مزیدیلر خارج حلیله شیخ ابوبکر
 فکیده سنک شیخی مصطفی دده که بر بر صاف نهاده و مرد پاک اعتقاد ایدی پاشانک کندوبه حسن
 ظنی اولغله عکره معا آستانه یه کتور رمش ایدی عزیز مومی الیه و اعیان حلیمدن بر قج عاقل
 ر و ز کاردید پاشانک اتباعندن یونصیحی ایدنلر ایله متفق اولوب به یاچه نصیح ایشلر ایدی
 اگر چه مستشار لک کلامی صادق و خیر خواهلر یه زندن پاشانی ایقباض ایتد کلدی نفس
 الامر مطابقی ایدی لکن مشیر و مستشارک امور دولت دقایقنه اطلاع و فراستلری و لازمه
 مزاج عصر وقایع اصول تدبیر ده حد اقلنلری اولمد و غندن بو خذ و رانک تدارکی نه ونه
 حرکت ایله اوله جفن متفطن اولامیوب لایقی اوزن تدبیر ایدم مد یلر و زمام تدبیری یکاش
 طوتوب طرفه قون و نجاه کیده مد یلر ته کیم استاغیم ذکر اولنسه کرکد رابشیر پاشانک ایسه
 احوال و خصالی بالاده بر مقدار مسطور حق امیانه رعوتی ایله زهد بار دعا میانه کسافتندن
 مختلج بر مشرب غریب صاحبی اولوب کمال غرور وزارت ایله دنیا و مافیها یه نظر استمها تله
 یا قادیغندن کندوبه حسن ظنی استعدادن زیاده اولوب هزاروزرای عظام رستم دستارک
 یا زوی بختنی شکست ایاین کان سخت دولتی زور بازو سنه نسبت کپازه قیاس ایدردی
 و حرکات افعالشک نتیجه سی بالجمله قهر رجال و جلب اموال و تربیه خونه و تسلیط طلبه
 ایکن ادعا و اقوالی دفع رشوت و اجرای حق و عدالت متعلق اولوب قولی فعلنه اویمز
 بر دولتلو ایدیکه جور و جبروت ایله دنیای خلایک با شنه تنک ایشلر ایکن بودنیام معور
 اولور سه یزم الیزله اولور دولته نظام و بر رسک یوریر زدیوب کویالسان حالله مهدی آخر
 زمان و ایدسه بز دعواسنی ایلیموب خلقدن او ناندوخی حیرت افزای عقلا در هله
 کندوسی کفتای کردادن فرق ایتد برای دولتلونه سویلر سه سویلسون انک اکثر احوالی
 طرف دولته اولان مدبر لرو پادشاه یلدور لردی و مهری برای مصاحت کیندر مشلر ایدی
 اما کندو قیوسنک و حلیله و استانبوله اولان خلایک اکثری بمقوله اطوار ظلم آشاری
 کوروب طوررکن ابشیر پاشا صاحبان بلکه زمره اولیاد ندر بر مصاحت کلور ایدسه
 یونک لندن کلور دیو اعتقاد فاسده یه دوشوب اندن ایش اومان کسه لک غیاو نلری
 غریب تماشا ایدی حاصل کلام یومقوله طبع و مشرب مقتضای سنج خود ر ایلای ایدوب
 سابقا معاهد ایتدیکی اسرا و سپاه و سایر کروه متغلبه نی تمشیم مصاحتنه آلت و کنندی
 جمایه و تحفظ اچون قفادار ایلک دعوت و مساعده سنه دولت علیه نک تحملی اولیان
 مواعید عرقویه ایله بر آلی حشراتی با شنه بر کد زوب و عدل بلا و فاعداوت بلا سبب
 مضمونک و خامت عاقبتی ملاحظه ایدم مدی و شام و حلب و بغداد ایالتلربی دخی
 کندو هوادار لرینه و بر مشد رنه کم تفصیلی کلسه کرکد رازین جانب خاصکی اغامر عویا

ابشیرک یابندن چیمقوب آستانه به کلوب پاشانک کاغذ لرینی و یروب کوروب استند کربنی
تقی و قطمیر تقریرایتد کیم کارداران دولتک جان باشلوینه سحرایوب انک مرادی بنی
وطغیاندر دیو قرار و یردیله دارالسعاده اغاسی و مقر بان هنوز احوال عالم دقایقنه
برخوش مطلع اولد قلرینه بناء و جوقلق تجربه اری سبق ایتدیکندن کندولر تلون
واضطراب دوشوب مفتی افندی به سن دفتر دان صد ارته اولمز مهری اکا خلق چوق
گور و دیوب ابشیری استصواب ایلدک و معقولدر دیک استنه شمدی اطاعتدن چقوب
پایه عظیمه اولدی بزلرینه بوخصوصه کندوکه تابع ایلدک دیو عتاب ایلدیله امامنلا
برمقدار محرب و زکار توارنج کورمش سابقا دولترک دقایقنه و قوف تحصیل ایتمش پیر
ثبت شعار اولغله درونده مختفی اولان خفقان اضطرابی قطعا اظهار ایتیموب دارالسعاده
انسانه اوغلم الم چکمک پادشاهک حرم خاصندن چقمه بوقدر سیلاق وزیرعالیشان
خصوصا مهربانله اکرام اولنه عامی اولق احتمالی بوقدر و مسبوق المثل معنی دکادر کلمه
میسارعت ایتدی دیو خلقک اراجیفنه وجود و یرمیوب تکین و قارایله معامله ایلک دولت علیه
پرکرداب جاذبدرکه صدر اعظمی بوقدر قیوایله طشرده اکندر میوب خواه و ناخواه بواجبه
جذب ایدردیوب تسلی و یردی اما سوز بر فردم منحصر دکل شرکای دولت و اغر خلقک
اغزینی طوتمق متعسر بودلک احوالی فچه اولور ایشته مهر و یردکاری آدم دخی عصیان
ایدوب کلدی بونک چارسه شوایدی بوایدی دیو وظیفه سی اولمیان قاسوز لره ریشوب
بولفصول چوق اولغله کونا کون اراجیف شیوعنه سبب اولدیله بواشاده سرکارده
اولنلرک عده سی مور لی دفتر دارک فتن و رتق امور انک رآینه مقوش ایدی اولدخی حالا
پاش محاسبه جی اولان رئیس سابق موقوفاتی محرفندی به افتد ایدوب هر اموره انکله
استنشان ایدردی کذلک قائم مقام ملک احمد پاشا دخی موقوفاتی ایله مشورت ایدوب
انک صوابیدی اولان اموری دفتر دان تفویض و انک یدیله تمشیت ایدردی حاصلی مدار امور
موقوفاتی انک رای و تدبیری ایدی و بو محرم علوفه سنی اختلال احوال سببیلله ایفادن عاجز
اولوب ایچ هزینه دن ایکموزاللی کینسه طلب و اخذ ایتدیلر عاقل بکنور بعض غافل کینسه لر
موقوفاتی به اناطولی الدن کیند ابشیرک حرکتی یماندربوکه علاج بودرکین بوقف بغداد و شام
و مصر و سایر ایالتلره امر لر کوندریوب ابشیر عاصمیدر انک طرفندن هر کیم کلورسه ایچرو
قومیه سز و سز می معزول ایدرسه معزول دکلسر ایالتلری بکتری ضبط ایدرسر دینلندر والا
توابعی ایالتلره نصب ایدوب یرلشدر رسنه حال مشکل اولور دیو بوقدر بهی عجاله تمیم واجبدر
دیو بوقوفاتی اسنانله بوقدر بیر ملک پاشایه عرض اولند قلر پاشا جواب ویوب بن سوزی
کیمه سویلیه یم که سوز سویلیه جک برشات صاحبی آدم بوقدر سویلیه سم دخی سن مهر
طالبه سن دیو غرضه حمل ایدرلر دیوب کمال عجز و خیر متدن توهمات باطله به تمشیت ایدر
اولدیله رحتی منلائک اعداسی اولان بد کولر بوار القدر فرصت بولوب مرجان اغا ابشیری
وزیر ایتد رملک ایچون مفتی به اون بیک التون رشوت و یردی استنه وزیر ایتدردیکی آدم
چلالی اولدی کورنه نه استلرلر دیو ترهات و خلطیاته باشلدر پیر امامنلا نثبت کورستروب

شیوع بولان اراجیف عوامه قطعا قولا ق طویموب اضطراب درونی کسه به اظهار
ایتدی و مجلسند وزیردن غیری فتح کلام ایدلره طمطراق بی محابایله جواب
ویروب اسانلرند راحرفی تکلمه عسرت اولوب غین غنه ایلد یرلردی شمدی فی نفس
الامع طشفه ده نجه اختلال امونع واضطراب و اغدغ بو عصغه مهغ شغیفک طشفه ده
بولندوغی معقول اولدی اطغافه اولان امونع کوغوب بعد کلوغله دیکدن غیری سوز
صوبلدیلر چون خاصکی اغاورودند نصکره ابشیرک عجاله کلمه جکی و سیاه و امرایه
خبر کوندروب قونیه بجهنه دعوت ایلدیکی و ایالتلری کندو هوادار لینه توجیه
صد دند اولدیغی محقق اولدی مهرک اکا کوندرلر سینه باعث و بادی اولان مرجان اغا که
هایشه سلطانک باش اغاسی و جمله الملکی و ابشیرک آستانه ده قیر کتخداسی شکند
طرفداری ایدی و اندرون اغارایله و طشرده اولان اعیان و ارکان ایله اختلاطی اولغله
امور دولت مدخل عظیم صاحبی و دارالسعاده اغاسینه معادل وقع و اعتبار مالک طواشی
ایدی ایچر و دعوت اولنوب پادشاه حضرلری و والد سلطان کندویه روی عتاب ایلد
خطاب ایدوب بونه اصل ابشیر مهر کوندر لد کدن صکره پاشاک طغیان پاش
دیدکمر جانک جان باشنه سحرایوب خیر دولت او پادشاهم ابشیر پاشا لالا کز عصیان
ایلرینه پادشاهمزه نافع بعض خصوص ایچون عوق ایتشد رکن کسه لر مبالغه ایدوب
مخالف سویلر فرمان پیور رسکنر قولنر واروب کتوریم دیدی و ارایدی کتور دیو
قنیه بیوردی تعهد ایلد مرجان اغا چیمقوب یکرمی قدر نبردار ویدکی ایله منزله بنوب
حلبه روانه اولدی ایکی کوندن صکره صفه بکچسی دخی کوندرلدی نه در عقب
استبحال ایچون خط همایون ایله خزینه دار مصاحب علی اغا کوندرلدی ازین جانب وزیر
ابشیر پاشا خبر کوندروب کورری قصیده سنندن ترکان اغاسی ابازه بی کتور دوب معاهد
سابقه به بناء یاتمه الوب معتبر و جمله الملک اتحاد ایلدی و کتخداسی صالح اغا و پاش
تذکره جیسی خیرالدین زاده محمد افندی و صاحب صندلی پهلوانلر مقامنده کورده محمد
و بکراده علیسی و امثالی مشاهیر سیاهدن نجه نامدارلر مقام خدمتند او اخر محرمده
حلبدن حرکت ایلدی اولا آستانه ده باش دفتر دار مونی طرفندن اناطولیده اولان
اقلام مقاطعات با جمله بیک التمش بش و التمش اتی سنه لری تدخل سببیلله فروخت
و یشینلری انوب اکثرینک اموالی تمام قبض اولنوب بقا یاقلان دخی دیونه حواله اولنوب
حقالتش ایدی صانعیه مقاطعه دن بعضیلرینک بیک التمش یدی سنه سی یشینلری
بیله التمش ایدی و بوجمله واردات خینلر دفتر میو ججه مارده لی بازارلو مباحات
و مواجبلره و سایر مصارفه صرف اولنش ایدی مالوز راعظم حضرلری حلب و شام
وارضر و مودیا ربکر و قرمان و غیری بلاد دفتر دار لرینی احضار ایدوب بیکدن بیک التمش
ش محرمی غره سنندن جمله اناطولیه واقع مقاطعاتی مالدار و متعین آدلره فروخت
و یشینلرینی و بلکه اکثرینک تمام مالی الوب قبض ایلدی و تدخل نه دیکدر برآلای
طمعکار میری بی مدیون ایتشار خدمات پادشاهی لیرندن قورلر اولدی دیوب

بمعنی سیدی و در دولته عرض ایندی که حالا بزیر طرفه جمله مقاطعاتی صاغ ادمه دره دره
 ایدوب التمش بش محرمی غره سندن ضبط ایتک اوزن فروخت ایلدک ویشناری الدق
 اول طرفه مقاطعه توجیه ایتیمه سز ویرمش بولنور سکرده الدیغتریشناری اصحابه رد
 ایدوب سز مد اخله ایتیمه سز دیمش بوقدر خلقک میری به چکش اموال فراوانی هوایه کیدوب
 یالکتر ابکی سمنه لک تد اخل که بوقدر بیک کیسه انچه ایدر آچقه قالمغله خلقک بوقدر مالی
 ضایع اولق مجذوری که ذائقه من و شرون باعث اوله کیشدر بحسب الاقتصار کلوب
 کوزندی بوقضیه ده همان غله کتخدانک خدمات ایچون دفتر دان و پردوی بشیو
 کیسه سی و دلی برادرک سکر یوز کیسه سی و طوب قبولی و معمار مصطفی سی و ترسانه
 امینی صالح ایتدینک و غیر یلرک بیکه بکتر اموال کثیره سی ضایع اولدی که مقدمام واجب
 و مصارفه صرف اولمش ایدی بخصرودن دفتر دار پاشا و اموال میری اعیانی اولان اغالر
 و خواجه کال مالدارلری و ملتزملری زهریه تمشه دونوب و ساویس و فتن غلیاننه سبب
 اولدی لر بندن ماعد امقد مادردولته بعض مناضب توجیه اولمشیدی جمله دن اناطولی
 ایالتی چتالک باش احمد پاشایه ایکموز کیسه یه ویرلش و مرعش دونمادن کلان سیدی
 پاشایه دیار بکر سابقا بغداد والیسی حالخی زاده مصطفی پاشایه مرعش و سیواس
 طاوچی پاشایه ویر یلوب هر بندن تحملندن افزون جوائز التمش ایدی و هر بری منصلینه
 کوندر یلوب وارک مرتب قیو کنرایله حاضر و آماده اولک آستانه دن نه خبر و ارایسه اکاکون
 حرکت ایلد کزدیو تنبیه اولمش ایدی سیدی احمد پاشا حقوق سابقه یه بناء ابشیر پاشایه
 اوغرا یوب بولشد قه سنک کی وزیر دیلره مرعش آزدردیوب اناطولی ایالتن سیدی یه
 توجیه ایتیمه آنی دخی قوله لدی چتالک باشک منسلمی ابشیره بولشوب سلطان بن پاشایه
 بوقدر آچقه بولندم و منصب در دولندن ویرلدی شمدی ینه سیدی یه ویرلدی بن قولک
 نه ایشله یم حالمه مرحمت بیورک دیدکده جوابنده بن ملکته معمر ایتک استرم دعا یا
 قالدی سز دین ایلد مر اجه ایلد ایکموز کیسه رشوت و یروب بیققم ایچون ولایت الورسن
 آچقه یی کیمه ویردک ایدسه وارندن ال چیق به اصله جق دیو طرد ایلدی زواللی چتالک باش
 آچقه قالدی مرعش اکا ویرمک انصب ایکن ویرمیوب آخره ویردی قدیمی یار غاری طیار
 پاشا مر حومک اوغلی مصطفی پاشایه حلبی و یروب سکر یلک فلوری یاد شاهه و ابکی بیک
 فلوری و الله سلطان به یشمق بها جمعاون بیک فلوری جائزه اولق اوزن کوندر یلوب خط
 هما یون ایلد توجیه رجالیوب حلبی طیار اوغله ضبط ایتدیمشیدی ابشیرک آدمیله اون
 بیک فلوری درولته وصول بولد قیوم مکر حلب منصبی قائم مقام و دفتر دار یوز کیسه پیشین
 قصودی منصبندن کوندر لک اوزر یوز بیک غروش جائزه ایلد سو یاشوب ویرمکه
 قرار داده اولوب امری یازلشیدی بوقش غریبک دخی ظهورندن زیاده دلکیر اولوب حلق
 ابریق مثل مشایه سنده قالدیلر و ابشیر پاشا نازن مصطفی پاشایه یا نجه شایخی ایدوب
 طویخانه لی صازی محمودی چاوش باشی و هر مرتبه یه بر آدم استخدا ام ایدوب ضبط و ربط
 و عزل و نصب و استماع ظلمات ایدرک حلبدن انطاکیه یه طوغری آهسته آهسته کله حلب

حلب قاضیسی عزیر زاده احمد حلبی معتاد اوزن براییکی کونلک پول مشایه ایدوب کیر و
 حلبه دونمشیدی حلبه و طشره ده دوشن دعوالری انرا استماع ایدوب حکومنی ابشیره
 خوش کلمشیدی انطاکیه دن بروکلد کله اطرافدن چوق شکایتچیلر کلوب دعوالرک کترتی
 اولمغین مخصوص امر کوندر یوب احمد افندی بی دعوت و تکرار آستانه یه کلهجه مر افقنه
 الزام ایتدینک اولدی خلی حلبه اوغلنی ونا بنی قویوب کندوسی ابشیر اوردوسنه ماحق و دعاوی
 استماع ایدرک کوزلردی خلی شکاتی اولان قاضیلرک منصبلرین اوردوده بولنان قضات
 معزوللرینه ویردی بوحال اوزن کله ایدیلر امار و جانبده ابشیرک کله سی استماع اولوب
 ذکر سی سبق ایدن اوضاع و حرکات دن انواع اراجیف حدوت ایتیمکه سبب اولان طرفدارلره
 و غیر یلره حیرت مستولی اولمشیدی خصوصاً دفتر دار پاشا زیاده خوفه دوشوب
 کمرک امینی حسن اغا و دلی برادر و امثالی بر قاج متعین اغالر که جمیع مقاطعات و جزیره لر
 بونلرک اللرنده ایدی اقتضایندیکه هر بری میری یه یوزر ایکیشریوزر کیسه پیشین
 و یروب ضرورنده امداد ایدر لر و دفتر دارلره معان ایدیلر توجیه خدمات وقتنده
 دیلد کمری مقاطعه لری الوب خدمتلرند پرورده اولمش اغا یوللو خدمتکارلرینی
 کوندر یوب تحصیل ایتدیرلردی بوطر یلکه خدمت فایضندن ویردکاری آچقه و دفتر
 حسابنده اولان خفیات انتفاعندن کندولر و اتباعلری ثروت و مکننت صاحبی اولمشلر ایدی
 چونکه ابشیر پاشا سمنه ابتداسندن جمله خدماتی غیر یلره ویردی مزبور اغالرک میری یه یکن
 آچقه لری مضحک اولدی جمله سی حرارت یأس ایلد مسن شعر اولوب دفتر دار ایلد اتفاق
 و ابشیرک زوالی تدارکنه عقد مشورت و جمله سی به خصوص بیل مالیه توطین نفس ایتدیلر
 و دفتر دان دیدیلر که بزم و سارک مالی هوایه منقلب ایدوب غدرایان آدم یارین کلور
 جائزه ده سوء قصد ایدر همان سن مهری المغه سعی ایلد جمله مزمال و جائزله خدمتکده
 طور میشز دیوب معاهد و دفتر دار پاشا دخی عماله شروع ایدوب ابشیر کلز مرادی
 اناطولی یه استیلادر مهر بکا ویرلسون بن واروب قاطرجی اوغلنی چرخه جی ایدوب
 فلان ایدرم و حقندن کلورم دیدی بولکلام حضور هما یونه تبلیغ قیلندی چون ابشیرک
 بطی حرکتی و وجه مشروح اوزن بوالفضولانه وضعی طع هما یونی مغیر ایتمش ایدی اکا
 بناء طرفدارلرک سو قیلد دفتر دارک صدارتنه نوع رضا صورتی کوسترلدیکی
 قیودان پاشا بیک مسجوعی اولد قده مراد پاشا اگرچه دروندن ابشیر پاشایه سومزدی
 و ابشیر اندرونن چقمه مراد پاشا و جاقدن کله اولمغله بیملرند تضاد کلی و ارایدی اما
 بحسب الظاهر ویرمقضاای مقارنت وزارت مکاتبات و مراسلات ایلد دوستلقلری و ارایدی
 و مراد پاشایه عرض وزارت و سلطنتی صیانت ایدر جز یجه عاقبت کلری ملاحظه ایدر
 دشمن عاقل ایدی همان بلاد دعوت حضور هما یونه واروب بیر او یوب سعادت تلوی یاد شلیم
 بونا بد زنه راری محمدان رجوع ایتیمه سز ویرمقوله سوزلری یاد شاهمه القاید نلره بن لالامی
 کتوردیم مهره نائل اولنلرده عصیان اولمز دیوب تحویل خاتمدن احتراز بیون سز
 والیه لالا لک کوز بن کله چکنه متعهدم اول طشره ده ایکن صدارتی آخره توجیه

ایدر سکر و قوعندن احتراز اولنان فتنه ماحوظه اول زمان ظهور ایتک محمدر زریا
کشی مایوس اولد قجه افندیسنه و غیره سوء قصد ایلمز و بدخواه اولزدیوب مقدمات
معقوله ایله پادشاه و والد حضرت نیرنی فسخ رأیدن تقریح ایلدی مراد پاشاینه حدیجه
کاردان وزیر اولدیغی بوئندن معلومدر که کندوسی مهره طالب ایکن ابشیر پاشانک عزل
واسطه صالی ظاهر اکندویه انفخ کورینورکن دولت علیه بی اشغال و عباد اللهی اتعاب
ایتمامک ایچون وظمت عاقبتی فکر ایدوب رضا و یرمدی ابشیر پاشا بوقدر کثرت
رجال و قوت جاه و مال جمعیت اوزن ایکن عزل بیهنکام ایله سرکشاک ایدوب حقندن
کلجه یه دکن قتی چوق زحمتلر کلمک بلکه بر قاج وزیر تلف اولق مخدوری امر مقرر
ایلدی و ابشیر پاشا بوجبروت ایله استانبوله کلد کلدخی پرایش کون میوب بوقدر
عباد اللهک اموالنه غدر صرچ ایتد و کچون جمله متولین کندویه عدوی جان اولوب قفادار
اتخاذ ایتد و کی ارادل و اشخاصک مأموللری مرتبه قایلرلی ایسه دولتک و سمنده دکل
بر معنی ایدی قلت ایراد و کثرت مصارف غائله یسنه خود هیچ چان بولنمیوب کثرت شرکا
و تخالف احواسی بیله وقت قریبه بر بلایه اوغرامسی عندالعقل ظاهر و بدیعی ایدی
مراد پاشا عقل عوام پسند ایله بومعانیلری ملاحظه ایتد و کندن پادشاهی تبدیل وزارتدن
تحویل ایله ابشیره صورت داد و مستلق ایدوب واقع حالی مکتوبلر ایله ییلد یروب خیر خواهلغنه
اعتقاد و اعتماد ایتدردی بعده آستانه یه کلد کلد بود و مستلق برکاتنه جمله اولید شرندن امین
اولوب ابشیرک رداست تدبیر اتمک مؤداسی اولان علامات فساد ظهور ایتد کلد اول وقت
مراد پاشا فرصت بولوب خفیه عسکرک جمعیتنه و ابشیرک قتلنه باعث اولوب اسهل
وجه اوزن مطلوبه نائل اولدیغی محله کلسه کرکدر مراد پاشا تمناعتی ایله بویصوصه
دفتر دارک سعید باطل اولوب سنا و یکجهتلر ایله متفق و والد حضرت نیرنه ملکی قادین
و شعیان خلیفه و ساطه یله ییلد عبودیت ایدوب حمای حمایتلرینه دخول ایله استظهار ایتدیلر
یوئشاده ابشیر پاشا شام و الیسی دفتر دار پاشا زاده محمد پاشایی دخی عزل ایدوب شامی
شهرسوار اوغلی شاه غازی پاشایه و یروب تنفیذی ایچون خط همایون رجاسنه ناخیص
ایتد کلد قراء سلطنت استقباحیلله مقبول اولیوب بویصوصه و سائر توجیهاتک
تقریرینی کند و نک آستانه یه وصولنه تعلیق ایتد کلد مکرر الحاج اوزن ناخیص ایدوب
مرادنجه خط اصدا ارا ایتدردی شهرسوار زاده نک باباسی مقدمادور عثمان خلیفه قلغای اولان
دولت کلد اریک غلام خاصلرندن بر جوان چرکس ز ادا ایدی بعده سنجاغه چیقوب بعض
اسفارده یارلقلری ظهور ایتکله کاتقری بکی اولشیمدی بعده الوفات اوغلی مزبور دخی
سنجاق بکی و بعده کاتقری میرلواسی ایکن مقدما انقره جمعیتنه ابشیر پاشا رفقا سندن
اولغله تقرب و تعین کسب ایتشیمدی وزیر مشاور الیه مزبورک هادرا نه اطوارندن زیاده خشنود
اولغله حالاهمت ایدوب حلبی طیار اوغلمه الیو یردوکی کبی شامی دخی وزارتله بوکه الیو یروب
شامدن عزل ایتد بکی وزیر محمد پاشا علم و معرفتدن بهره ور وزیر معتبر ایدی لکن عجب و طمع
غالب اولغله مقتضای عصره دخی مامشاة محرک طمع اولوب شام خلقنه افراط اوزن

جور و تعدی معامله سی ایلدی حتی بر قریه دن بر قاج بیک غروش جریمه انوب رعایا دخی
تجاردن مراجع ایله آلوب و یروب اداده عوق ایتلر ایله قجه صاحبی عرفحال و تحصیلنه
پراغاسنی مباشر الدقه بعد التحصیل مبلغ معهودی اغایدندن ینه پاشا آلوب شمیدی بزم
ضرورتلر واردر خر جلق ایللم باز کانه صکره یردن حواله ایدر زدیوب سپورردی بومقوله
اوضاع نامناسب سببیلله ولایتلی ایله مایین اولوب او زرینه جمعیت ایتشلر و قلعه دن
سراینه طویلر آتوب بر قاج آدمینی مجروح ایتشلر ابشیر بوخیری ایتشد کلد عزل ایتش
ایدی ابشیر خلیدن قالقوب انطاکیه یه اندن ادنه یه کلوب ادنه پاشاسی محمود پاشا
برایکی قوناق استقبال ایدوب ذخایر وهد ایا بدلنده و تکریمه تقصیرات ایتدی بعده
محمود پاشایی ذخیره تدارکی ایچون ایلر و ادنه یه کوندردی ادنه یه وار دقه اوتراق
ایدوب ظاهر اکثر شکاتنه بناء و معنی حلق ایچون محمود پاشایی حبس ایتدی و سابقا
استانبوله احساب اغاسی اولوب بعده خادم قرنداشی حسن اغانک خدمتلرینی الوب
نجه دفعه انکله منازعه و مشاجره ایدوب بالاخره خادم قرنداشی قونیه دن اخراج و ازعاجه
باعث اولان بوسنوی صاری محمد که حلواجی محمد دیمکله مشهور ایدی و مرابطه جیلرک
چسوروی ادبلرندن بر مرتشی شخص ایدی یوئشاده قرمان دفتر داری بولمغله کثرت
شکاتنه و خادم قرنداشیلله نزاعه مبنی عثرائنه بناء قونیه دن احضار اولوب ایلغنده
حضور و زیده بونی اورلدی و دفتر دارلغی سلفی مراد افندی یه و یرلدی و قبریس
پاشاسی قبه صقال زین العابدین پاشاکه مستشار یردیر لرایدی آنی دخی بومانه ایله
حبس ایلدی و ابتدا مهری کتورن میراخو راغایه اذن انصراف و یرمشلر ایدی آخر صرفده
دولت علیه یه کلوب کیفیت احوالی بتفصیلها اولمای نعه اعلام ایلدی ربیع اول اول
اوائلنه ابشیردن برکاغدخی کلوب حالایوللر قیش و دعوی و شکوی قتی چوق اولغله
مسارعه امکان یوقدر حال قونیه ده اول بهار دک مکث نصیم اولنمشدر اذن عالی رجا اولنور
دیو عرض ایش و وصولنه قونیه ده جمعیت نصیمی سابقا استماع اولند و غنه بنک ارجال
دولت زیاده متالم اولوب نه قشلاق التماسنه مساعد جوابی ونه استعجال فرمانی کوندر دیلر
مفتی و یکچیری اغاسی و دفتر دار و سائر اعیان دولت قائم مقام پاشا و قیوان مراد پاشا و بونلوه
هوادر اولنلر ابشیر پاشانک متغلبانه وضع و خشونت آمیز کلام و حرکاتی موضوع
بحث ایدوب چون مطیع و منقاد در بوانه دک نیچون کلدی دیو مفتی افندی بی معاتب
شکلنده مخاطب ایتدیلر و مقدماسزک رأیکز ایله اولش معنادر ایتدی هر نه
طریق ایله ممکن ایسه استمالت نامه لریازوب کتور تمسینه دخی اهتمام ایتک کرکسزد یو
منلانی خیل نصیبیق ایتدیلر منلار رأی سابقدن سر مو انحراف و انقلاب کوستر میوب
البته کلورلر قشلاق التماسنه مساعد جوابی کوندرلرسون استعجال ایچون کیدن قوز
یکجیمی کلجه صبر اولنسون دیو ثبات قلب ایله جمله سنه تسلیت و یردی ابشیر قونیه یه
داخل اوله جنی کون امراء اگر اددن برظالمک بونی اوردی و طرابلس شام پاشاسی قره
حسن پاشانک کتوز اسبی صاری اسمعیل اغا طرابلسدن هدا یا ایله کلد کلد قبل الصبداره

گند و فرستاده ریشه اهانت ایند کارینه جزاء لك دخی بوبنی آوردی و قوسه دن لادق و بولوا دین
 سمته توجه ایندی بواسطه اوراق محضری سایمان اغاوزیرك استقبالیته کوند رایش
 ایدی قره حصاری یکوب ریح الاولك اون سکرته چوبانی نام موضع و وزیر ملاقی
 اولدی خلاف قانون کندویه کورکلی خلعت وادی کیسه احسان و بولد استلرینه برکیسه
 بخشیش و یروب عظیم التفاتلر ایندی اما بروجانه کوریل مجد پاشا اول وقت معزول کورری
 قصبه سنه ایدی وزیر استقبالی و کوتاهیه قریب بولشد قله پراختیار مد برآمدردیو
 عظیم التفات ایدوب طرابلس ایالتی و یروب خلعت کیدردی و ازینقه دك بیلکه کتوروب
 عظیم محرمانه محبتلر ایلدی و کندویه چوق شی دانشدی اما اجر اسفه موفق اوله مدی
 طرابلس مقام طاعانی محرمی اولمغه تداخل سببیلله ولایتك عالی منزل اولمش ایکن
 تنظیم ولایت ایچون کوریل یه مارتدن توجیه اولنوب ریح الاولك دو دنده ازینقدن
 مفارقت و طرابلس روانه اولدی کوریلینك اوغلاری احمد یك افندی و مصطفی یك
 کوریلدن اغراق ایله قاقوب بدرلینك عقبینجه طرابلسه کتدیلر لکن منصب برقرار
 اولوب ابشیرك دولتی برکشته اولد قله آستانه دن ینه محرم دن اولق اوزن اخره
 ویریلوب کوریل نئی قالدی و عین ارسلان نام محلدن کره کورری یه معلودت ایتشردر
 وزیر کوتاهیه ده برقاچکون اوتراق ایدوب بعد کوچوب آستانه یه متوجه اولدی
 سلسله ابتدای ریح الاولك محمول مدرسه لردن سلسله مدرسن واقع اولوب مورخ
 شارح الممازاده عشقی حسن افندی برینه که پری حسن چای مجلو لندن سیف علی
 پاشایه واردی پری نقیب زیرک زاده دامادی علامه زاده یه ویرلدی کرید جزیره سنه امداد
 ایچون بواسطه زغرچی باشی یوسف اغا ایله برقاچ قدرغه ملوکچیری کوندردی وفات وزیر
 سابق درویش پاشا مشارالیه فالج عارضه سیله خسته و عمل ماندا و لمغه مهر النوب
 ابشیره کوندرد کله الم عزل شدت مرضه سبب اولوب ماه ریح الاولك بشنجی کونی
 وفات ایلدی نفود و اشیا قنی جوق جمله دن طقسان بش یك فلوری و سکر برکیسه
 اسدی غره ش و سائر نفود و جواهر و آلات زروسیم و تحف و نوادر که مدت عمر دن جمع
 ایتشیددی بوندن ماعد اکتخدا سی علی اغا پادشاه بولشوب دفتر امور الی تسلیم
 ایتد کله خارج از دفتر جنا یا دن اولق اوزن جواهره متعلق تحف ناد ن ایله مالا مال
 ایکی صند و قه بوندن ماعد ایکی مرصع خنجر که مبالغه طریقیله بیکر کیسه اچیه
 قیمت تقدیر اولندی دیرلر پادشاهه تسلیم ایدوب بعد افندی اظهار ایلدی بوندن
 ماعد اسائر اجناس اموال و اشیا و کورکار و قماشلر خصوصاً جبه خنه سنه زرنشان
 تفنگلر و سیوف کونا کون دکه خرینه ده نظیری بولنر نوادر ایدی جمله سی خاصه همایین
 ایچون قبض اولندی وزیر مشارالیه چرکسی الاصلدر طبانی بصی مجد پاشا لك اکتخدا سی
 ایکن وزارتله شام ایالتی ویرلش ایدی تا اغالی زماندن برو مالدار و ذی قوت اولمش
 ملتزمه و پاشا له و سائر اصحاب خدماته اچیه و یروب اعمال ایدردی دائما از مرقده
 ایدی و طرف دولت علیه ده تعینی اولمغه اچیه سنه جفا اولنوب وقتی ایله ادا اولنوب

رج عظیم حصوله کوردی بطریق ایله ایکی یك کیسه دن زیاده نفود نائل اولشیدی
 شام و الیسی ایکن قیوسی مکمل اولد و غفه بناء بغداد فتح اولند قله ایالتی حسن پاشا دن
 صکره بولک ویریلوب دیار عراقک عماری کندویه سپارش اولشیدی برقاچ سنه متوالیه
 بغدادده اولوب کرکی کی شن و آبادان ایتشیددی بصره سمتدن هند و عجمه نفود کوندروب
 تحف و امتعه و لو اول کتوروب مناسب محله کوندوب حصول ایالتدن ماعد اسنوی
 یك کیسه قدر تجارتدن حاصل ایدردی بوندن ماعد بغدادده زعفرانیه و ابو غریب
 و رضوانیه حورلین که اراضی حوران دن زیاده منبتدر قوت و عشرت صاحبی بعض
 شیوخ عربان ایله بوجه مشارکت اکر یروب مجد یروب تبار له صغماز محصولات پیدا
 ایدردی و عجم مملکتدن بیلاق ایچون شهر زورحر الرینه جیقان اولوس طائفه سیمکه
 قنی وافر قیون تربیه ایدرلر کارلری اودرانلردن قیون اشترا سغه براغاسنی تعیین ایدوب
 وافر اچیه ایله ارسال ایدردی اوجوزها ایله برقاچ یك قیون الوب بغدادده کابخیه دك
 لطیف مرعاه توزیع ورعی ایتدردی و بغدادده برقاچ یرده قصاب دکانی یاپد یروب
 ککند و غنای ذیح اولنوب تعییناته ویرلد کد نصکره زخندن پراچیه اشاغی خلقه دخی
 فروخت ایدرلردی ککلك برقاچ یرده فرون یاپد یروب اولد وایع اوغلانی
 و اغوات اون یك آدمه اتمک ویرلد کد نصکره خلقه ده فروخت ایدرلردی برقاچ سنه
 بوسیاق اوزن بغدادده اکتوب کندو مطبخه و اتباع و لوندادنی تعییناته و دله لک علف
 و علیفنه خلقدن اچیه ایله شی الیوب کندوشینی و یروب و زیاده سنی فروخت ایدوب
 اموال عظیمه پیدا ایدردی بغداددن عزل اولند قله یوزیک غروشلق غلالی در انبار
 بولشیددی کلان منسله و یروب و ولایت اعیانك کبارینه توزیع ایدوب جمله غلالی
 نقد ایتد کد نصکره بغداددن حقمشیدی کذلك اتباعنه ویردیکی بلایق ملبسات
 دخی بیلله تدارك اولنوب چوقه یی حلبدن و سائر متاعی هنددن کتورمک ایچون هر
 سنه تجارت و امتعه احوالی بیلور اغالردن برنی حلبه و برنی بصره یه و برنی هند بندرینه
 کوندروب فلاقل هر برینه یوز کیسه سرمایه و یروب کوندردی مثلاً حلبدن پیشین اچیه
 ایله سایه چوقه نك ذراعنی اوج یحقی غروشه الوب پاشا سنك فرمانی و علیطاعی قوتیلله
 بولکدوب دیار بکره کتوروب اندن کلکیر ایله بغدادده کوردی کرک و سائر خرج راه
 و تکالیفه احتیاج یوق بغدادده اول چوقه نك ذراعنی یدی اسدی یه ویرلردی
 کندویه و اتباعنه اقمه ایدن عینیه قطع اولند قله نصکره قصوری تجاره ویریلردی
 و مصر وفك بهاسی بیع ایتدی کیمنك فائده سندن حصوله کله جک مرتبه فائده لایتمشرد
 کرک قاش و قطنی کرک دستار و سائر هند متاعی دخی بوسیاق اوزن کوردی خلاصه
 کلام بوقدر یك عسکر ایله بوقدر سنه ملبس و شبعان و مرفه و پر عنوان وجه آسان
 اوزن یکنوب ولایتدن کلان فوائد و عوائد خرینه سنه قالوردی وهم زمانده ولایت
 معمور و آبادان و رعایا آسوده و شادمان اولوردی کتخدا سندن منقولدر سلفمر حسن
 پاشا بغدادده والی ایکن ایام صیفیه لازم اولان قانون و قاپور وکیل خرج یدیلله

النوب بهر قانون اوج و بهر قاری و در دوت پان به اوزم و سائر میوه که پاشا ایچون
 انمش بویله دفتر اولنوب خواه و ناخواه بش کیسه میوه آنچه سنی النوب وکیل خرج
 ایله ایجابیه مقاسمه ایتمشایر بعد اده ایسه شطط طاشوب صکره حالت اولاسنه کلوب
 شط کتارنده بمقدار برلری بصدرایسه اوززل نه قانون قاریوز و سبزه یوستانلری ایدر لر
 یوستانلره اذن و یروب عشر نامنه رسوم الموق خدمتته شاطی مقاطعه سی دیر لر حسن
 پاشان بکچریلر مقاطعه بی آلوب بش کیسه یه الوب و ویردکاری میوه بهاسی
 قامیله یینه بش کیسه بی حسن پاشان المشراماد رویش پاشا مقاطعه مزین بی
 بر آدمیسنه ویردی و قرب بغداد ده اولان برلری مخصوص آدم قویب کندوسی
 اکدردی کندویه و اندز و نه لازم اولان ندن افزون میوه حصه و نندن صکره طشره
 اعواننه ورنجه سائر تعینات کی قانون قاریوز تعینتی ویرد کردن صکره شهر ایچنده
 فر وخت ایلدی کی میوه دن اول آدمه بش کیسه دن متجاوزا نه حصه کلوب مقاطعه
 رسوم مدن دخی میزی به اون بیک غروش حاصل اولدی و برحالی دخی تجارت خدمتند
 اولان اعاسنه وریلان رأس المالك هر یکرمی غروندن بر غروش قانده دن ویرلک
 اوزن اجرت تعین ایشیدی مزبور اغا دخی پاشا سنک نام و شانی ایله وقوت
 وجاهی ایله کند و مالی و غیرین مضاربیه ایله ادرینی آنچه بی دخی بشقه خه اشیا به بوزوب
 بسایه ولی النعمیه وافر تجارت و انتفاع ایدر مش درویش پاشا صکره مرتضی
 پاشا دخی به طریقیه سلوک ایدوب قوت مالیه ایله به یاجه ایدر مش لکن بالطبع جور
 و تعدی به مائل اولغله درویش پاشا مرحوم کی منتظم و مدوح اوله مدی تنه کم
 تفصیلی کاسه کر کرد و نقل ایدر حکم کلام قد مای حکمان منقولدر بعض عقلای عوام
 درویش پاشان نقل ایشلردیمشکه کتساب مالک وجوه طبعیسی ذراعت و تجارت
 و امارت و اوج شینه منحصر در اکر چه صناعات متنوعه دخی بروجه عد اولمشدر
 اکاکون دورت قسم اولمق اقتضا ایدر اما اصحاب صنعتک اکثری تدارک معاشلرندن
 عاجز اولمله صنعتلرینک قانده سندن کندویه انحق سدر مق مرتبه سی. قالب
 قاندر لینه فغله سی اول صنعتک تجارتوی ایسارنه عائد اوله کلکله طریقه کسبی وجوه
 ثلاثیه به صحر صحیح اولور و قوت جاء و علونام نه مرتبه ایسه تجارت وزراعتدن اولمقدار
 انتفاع اوله کلشد و زراجه و نام صا خبنه خلق تقرب ایچون و بعد زمان حصه کلوب کلک
 منافع ملا خطه سینه خدمت ایدوب مالا و بد نامسماعی انتفاعنده بولور لاجرت عاجله
 استمرار خلقک بر قسمی دخی شرنندن و تسلطندن خوف ایدوب منافعدن حصه مأموله سن
 استقاط ایدر بلکه انتفاعی ایچون اولدخی شعیله اولریش به یکی وجه ایله خلقک اجرت
 خدمتیه ربع مساعیلری صاحب جاهه عاید اولوب زمان قلیلده ثروت عظیمه به نائل
 اولسه کر کرد هر قیانه که بروالی و کام تجارت و ذراعت ایله اصلاح مال و توفیر ایدر اکر مهمات
 لازمه یه قادر اولیه ایکی نوع بلیه عظیمه به مبتلا اولوب دنیا و آخرت خسارتنه اوشار بری برکه
 خلقک المذله اولان تقو و اموالنه مستولی اولوب ظلم اعباد اللهک اموال و اشیا سنی غضب

آنکه محتاج اولوب زمهره ظلمه دن اولو انکیجیسی بو که ظلم و قهر اخلاقدن آلدی
 مالی ادخار ایدر میوب ضرور یا بدن اولان ماکولات و ملبوسات و سائر بمقوله لوازم
 ایچون صرف ایدوب تحصیل یینه اصحاب احتکا روزمرانی تجارتدارلرینه عائد اولوب
 کندوسی سوادوجه اوزن معیون قانده کر کرد و معنی به محتکر لر و مرا بی تا جر لر ایچون
 قرانمش اولور کندویه سوا اعلالک و زرو بالی قالور به صور ثلثا کم تخیب مملکتدن
 و تفرق رعیتدن غیری ایشه برامرد ریاش و بعض اخلاق کتابلرندن ملوک و وزرایه
 و حکام و امرایه تجارت و زراعتی لایق کوز مشلر و بو صنعتلر ده تعالی و اشتغال ایدر لر
 دخی ایلق و ردیل الطبع اولور لر دیو طعن ایشلر کرینک اصلی بو درکه و زرا حکام یا لکن
 جمع و ادخار اسوال ایچون بو صنعتلری دایما کندو لایشلیوب غیری کسبه لری زور بازو ایله
 منع ایلوب عباد اللهک کار و معاشلرینی تضییق ایدر جک مرتبه اشتغال ایلک
 عدالته مخالف و بلکه جور صرفدر و مقصد دی کند و ضروریاتی تدارک و محتکر لرک
 ذین و حیل سندن قوز ثلث حق مرتبه سی اولوب مطلقا ادخار مال ایچون چالشقی
 ایسه اول صورنده مروت و سماحت و واجب اولان مکاری ترک ایدوب سوقیلر کی مشرایف
 انسانیتدن منسلخ اولمش اولور مبد موم اولان بودر و الا امر و احکام مضارب لازمه لرینی
 تدارک ایدر جک مرتبه ضرمایه لرینی اعمال ایدوب ظلم ایله جمع اموال ارنکانه محتاج
 اولمیه جق قد زراعت و تجارت ایله مشغول اولملری. حرقه محضه و ضاعت
 مذ مومه ذکدر علی الخصوص لوازم اتباع و عیالنی کورد کردن صکره انشای
 خیرات و بذل احسان و مبرات ایله کر مکارلق ایین کبار نه قدر انصب و احسن
 و عمارت بلاد و زرقاه عباد نه باعث نه کوزل کار مستحسندر سلفه انبیاء عظام
 علیهم السلام و خراض اولیا و صالحا و ائمه مجتهدین و سائر اکابر دین بو صناعتنه طریق ایله
 صلوات ایدوب و نجه تعیش ایشلر در سیر و اخبار کتابلرندن مستطور در برینه صده
 رجوع ایدر لم مزبور درویش پاشا بغداد دن صکره اناطولی و یوسنه و سلسیره
 ایالتلرینه متصرف اولدقدن صکره قندهار اولمشیدی مالد اولمغله ترسانه
 و قیود اناق مهماتی کندویه چکدر ملک ایچون ترخونجی پاشا وزیر ایکن چوق تراکت ایشیدی
 اما ممکن اولوب قوت مال و جاه ایله ترخونجی پاشانی ازاله و کندوسی وزیر اولمشیدی
 بعد الصدار کندوسی عدم احتیاج سببیلر بی نیازلق واد یسنده مستر یج اولوب هر
 ایشی مستقلا صاحبنه سیارش ایدوب و وزیرله عائد اولان غواید و رشوت و هدایا
 هر نه ایسه جمله سنی میوی به ایراد قید ایدوب اعدا و حسادا فتر اسندن امین اولدی
 و او قاتنی ذوق و صفایه صرف ایلدی فالج اولد قدر روح اضافیسی اولان
 مهر دخی النوب ابشیره ککوندردل کده مرتبه صدا رتدن مفارقت غمی استداد
 علته سبب اولوب امانت حیات مستعارین صاحب حقیقی سنه تسام ایدوب متوجه
 دارالنعیم اولدی سنی تیشه قریب بر بر ایدی طالا والد حامی قریب اولان دیکلی طاش
 پاشا علی پاشا باغی خرمند دق اولمشدر مزبورک خزینه دار لغندن حقه حبله

ساکن مرتضی اغا که کلیس و عزز و بوده لقلری ضبط ایدر بر پاك مشهور جندی روش اغا
ایدی نقل ایدر دیکه وزیر مشارالیه سفر و حضرده پاك مجلسه و لطافت لباسه مائل محشم
و موقر کسه ایتمش طعامه و نفیس و لذیذ ما کولات و مشروباته اهتمامی زیاده و تواج
پرورایش صقالی کوسه مثال غایت از اولوب بیقلری تا کریماتدن اشاغی ایتمش هر یفی
ایکی صقال قدر و ارایدی ذاتی لوندانه مشربی زندانه لطیفه یه مائل محشم و مترفه
بروزیرایدی دستاری بر اعجوبه شکل ایدی طرزی سیاه پنهان خرتاوی قیافتند امام عصر
میکرینک دستارینه مشایه قفسی مثال و کورل زنده نظام و مساوات یوق یوبله بوزق دوزن
طارطاغن صارردی مز نور مرتضی اغاده یاسانه تقلید یوبله بر اعجوبه بوزق دوزن
طارطاغن صارر مشرحم الله بعض احوال ابشیر یاشار بیع الاولک و اسطمنه ابشیر یاشا
مورلی دفتر دان التفات نامه کوندروب نیم اوخلم زوار محجه سیادک علوفه لرینی و یروب
باوکارینی دوایتدر اچیه لازم اولور سه بن کوندروم دیوار مشیدی بوقته کنججه اهل استانبول
اراسند اراجیف و مساوی چو غالوب خصو صادق دولت متعینلری مثل دفتر دار یاشا
وزیریس الکتاب و شعبان خلیفه و صاری محود که پاوش باشی ایدی و کرک امینی حسنی
اغاولی برادر و صالح افندی و طوب قبولی و من خدا احد هم و غی نحو هم و غیر هم زیاده
اغطرایه دوشوب دورابواب و کونا کون مشور نلردن عالی دکل ایدر وزیر کلر کور سه ده
خبر اتیمزگاه یکجری استقر دیر لایکن خزینه دار عل اغا و مرجان اغا طر فندن که جکی خبری
کلد کبر بمقوله اراجیف پیدا این بدخواهله قهر قالد یلر بودند نصبر که غیری دورلور اراجیفه
باشلیوب یا نجه بعد لشکر و ارایمش ارکان دولتی مستولیان امور سلطنتی عوما
حضورینه طلب ایدر ایش فلانی عزل فلانی نفی فلانی قتل ایدر جلک ایش دیو خلطیاته
مشغول اولد یلر و اشتهاده عقلا دن بری مفتی افندی یه سلطانم وزیر حقنه یو کا ذیب باطله
شیوعی و خلقک بو که اشتعالی ندر سلطنت و وزارتیه تعلق کفتک و یساع اولوب
لسانه لئلردن بر قاجی ثادیب و نفی اولنسه قابل منع دکلیدر دید که جناب متلاعاتلا نه
جواب و یروب هتوز کلام بر آدمه منحصره تدین بر جنبه مخصوص دکل که خلقه اسپکات
تد برینه متعلق خصوص تمشیت اولنه بمقوله اراجیفک مبد اینه اعیان دولتدن کچینش
لسان اضمحبوط بعض نادانلر که نلاش و اغطر ایلرینی الهار ایلر خلقه سر رشته و یروب بوقدر
کفتکه یه باعث اولد یلر دیش حقا که حکمتیه مبنی کلام محمدر روحل و عقد اربانی اولان رجال
دولت تجرع معایض و کتم رازده ثبت صا حبلری اولوب عوام هوا مه سر رشته و بر مرز سه
اراجیف شرنندن امین اولور ابشیر یاشا کک قیو کتخد اسی خالد اغا و روزنامه جی حسین
افندی قرشو کیدوب سائر متعینلره دخی حرکت کورند که رئیس الکتاب شامی زاده
افندی اچره جنبه عرض التجایدوب رئیس الکتاب شامی زاده آستانه دولتم لازم اولغله
کتمنه رضای همایو نم یوقدر چاوش باشی ایلر ابکیسی اسکدرده استقبال اینسونلر دیو
خط همایون اصدار اولندی رئیس افندی بعض دد ایلر بو خط شریفی وزیر قرشو
کوندروب عرض اعتذار ایتدیکی شیوع یولدی سابقا استعجال اچون کیدن بوستانی

قوزنیکجی کلوب وزیر بیع الاولک آخر جمعه سنی یکیشهرده ادالیه چکدر دیو خبر عجم
کنوردی مؤمن اغا امثالی و عجم محمد افندی استقبال اچون کتدی لر بیع الاخر و اشتهاده
دفتر دار بر موجب فرموده وزیر علوفه چقروب و یردیکی اچیه زیوف اولغله المقدن امتناع
وطاش یاغدیروب زیاده تضییق ایتد کلدن اوقاف حرمین مالندن یوز کیسه
استقراض ایدوب بحالته بو لوکلری دور اتمکله بر مقدار فتنه سکون بولدی قاطرجی
اوغلی یاشاده حمید سبخا غنه متصرف اولوب ابشیر یاشا ایلر قدیمی عداوتی وارایدی
شمیدی وزیر اولوب کلورکن حمید دن بعض رعایا واروب قاطرجی اوغلندن شکایت
ایتمش لایندی قیودان مراد یاشا قاطرجی اوغلنک حامیسی اولغین کندویه مکتوب
یازوب شمد بک اول رعایا دن الدوغک اچیه لر ی و یروب و نعدیدن فارغ اولوب واروب
کند و قریکه ساکن اوله سن دیو یازمغلله قاطرجی اوغلی دخی موجب مکتوب ایلر عمل
وقریه سنه کتمش ایدی بعد مراد یاشا ابشیر ده قاطرجی اوغلی حقنه شفاعت
نامه یازوب رعایت خاطریمز اچون جرایم سابقه سنی عفو و لطفله معادله بیوره سن
یننه ایشه یار اقولکدر در دیورجا ایتمشدی و قاطرجی اوغلنه دخی مکتوب یازوب وزیر
اول حوالی یه قریب کلد که مناسب هدیه ایلر واروب ایاغنه دوشوب تذلل ایلر بندلک
گوستره سن دیو تعلیم ایتمشیدی مورخ دیر که قاطرجی اوغلی حرامیلکدن نشأت
ایتمش طاع آدمیسی ایکن انک طلمی سائر ولاتدن اقل ایدوکی مجمع علیه در بو وقت
حیات مملکت نامنه اولان ولاته مقوله اولمق کرکدر قاطر الطریق انلردن اصلح
ایدوکنه اتفاق اولنه نعوذ بالله من فساد الزمان قاطرجی اوغلنک وزیر ملا قانی بووجهله
اولمشکه حمید سبخا غندن عسکر فراوان جمع ایدوب وزیر ایساقلی منزله ایکن واروب
عسکرینی بر طاع اردنه قویوب اللی قدر کزیدن اتلوا یله اولان ایازه نک خیمه سنه ایتدی
اندکه کوریشوب اوکجه دلیل و شفیع اتخا نومهاوز بره واروب ویدل بساطی و سلا حتی
چیقر میوب او یاجه کیددی و پیشگاه اوتاق بارگاهندن سکر دوب وزیرک ایاغنه یوز
سوروب ابتد ابا شندن توغلخه سنی چیقروب بعد کند و سیفنی وزیرک اوکنه قویوب
دولت و وزیر جریمه معترف بر قولکم یوز بره قویوب سکا قوللوغه کلد م استنه سیف ایشته
یونیم استر سگ قتل ایلر دیلر سگ عفو ایلر فرمان سنکدر عفو ایدر سگ بوکلرینی اوغر که
فدا ایدنجه خدمت ایدرم دیوب تکرار ایاغنه دوشدی وزیر عالی جناب متعظم اولغین
پوتنل و اعتد اردن خط ایدوب خوش کلدک الم چکمه دید یلر و سیفنی دفع و توغلخه سنی
لبسه اشارت ایدوب خلعت کیدردی و عفو و لطفه مظهر اولوب معیتنه مأمور
و معجوب اولمشیدی بو معامله ادبانه یی قاطرجی اوغلنه مراد یاشا تعلیم و یازمشیدی
وقعه غریبه درسرای عسمره برای ابشیر یاشا و زراعظم از نکمیه یا قشیدی خبری
کلوب ذکر اولنان اوضاع و اطوارندن خوفناک اولان کار دان دولت علی الخصوص
دفتر دار واکا هوادار اولان مغدورلر که کمال خوفنندن بی حضور و بیقرار اولمشلرایندی
بر مصیحت کورمکه تکرار هجوم و شروع ایدوب مقربین و مصحابین و ساطتیه

دارالسعادة اغاسنه يازيدوب ابشيري ازاله و يرينه دفتر داري نصب ايند ر مکه متعلق نه
 ديد يازيدوب ديد يازيدوب عالميناي تحويل و خاتم صدارت صدرينه ايند يازيدوب بريس الاخره
 ايند هفته سنده مفتي و قائم مقام ياشا و قيو دان مراد ياشا و سائر اعيان وار کان حضور
 همايونه دعوت اولنوب عقد مجلس مشورت اولندي يادشاه بالذات مفتي يه و قائم
 مقامه خطاب ايدوب ابشيري رضاي همايونه مغاير حر کتي و بعض علا ماتدن سو
 نتي معلوم اولدي مهري اذن الوب دفتر دار ياشا لاله و بر مک مراد ايدرم زير اطوغري
 قولدرو صداقت ايله خدمتي معلوم اولمشد رسنه دير سزديو بيورد يازيدوب قائم مقام
 يادشاه اعلمدرد يوب ساکتاسر فروايتد يازيدوب دونوب مراد ياشا يه لالا سنده
 دير سن ديد کلر نه مراد ياشاي پروا جوابه شروع ايدوب دولتو يادشاه ابشيري لالا کتر
 طوغري قولدرد يالاکوب ياقلشد ي بر قاج کونه دک بونده در احباب اغراض
 سوزيله بلا موجب عزل لايق دکدر انا طولينک قار شغلغه سبب اولور مملکت قار جاشور
 شايد خاطر همايونه کدر ويره جک ايش اقتضاسنه سبب اوله لالا کتر کوب
 خا کيايه يوز سورد کد نص مکره هر نه مراد بيورد يوز سه اول وقت سهولتله اجرا ايدرسنه
 معقولي بودر فرمان يادشا همکدر ديد يادشاه تکرار مفتي و قائم مقامه باقوب
 سز نه دير ستر واقع بوميدرد يک ايكيشي دخی کمال حيرتدن سکوت ايدوب فرمان
 يادشا همکدر ديمکدن غيري بسوزه جرأت ايد يازيدوب دارالسعادة اغاسي و سائر
 مصاحبين که دفتر دارک طرفدار لری ايد يازيدوب ياشا ک اضطرار دن ناشي سکونلريني
 کدور ايلريني تصويب اچون نأ ييدن حمل ايدوب همان جمله سي مراد ياشا يه نظر
 قهر آلودايله کوزد بکوب حضور همايونه کلمات ناسزا يه اغاز ايدوب يادشاه سز مراد
 ياشا ک سوزينه قولاق طوتر سز پدريکز سلطان ابراهيم قتلنه سبب اولان بو ظالم
 دکليدر ديوب مجلسه مشافهه و منازعه ايله هولناک اولوب بالاخره يادشاه
 حضور لری بخصر اولغله و ارك کيدک ديواجزت و پردی حضوردن چقد يازيدوب
 طشهره ده مراد ياشا ک اوزينه او شوب سناک تجر و نسلطک بشهر صکارک برجلالي يه
 صاحب چيقوب يادشا همزه بر تدبيری ابطاله سعی ايدرسن ديوجا و ن ايدرد غوغا
 قز يشوب مراد ياشا ک اوزينه خنجر چکد يازيدوب و يانلرنه اولان نبرداران و اتباعه اورک
 شوني ديمکله مراد ياشا ک اوزينه پانلق نيتيله هجوم اولندي مراد ياشا مضيق
 عظيমে دوشوب دفع صائل اچون کمدودخی قبضه خنجره ال اوردی و طشهره يه
 طوغري کندوني قورويه رق مسارعتله چکيلوب کندی اغاز ايسه مراد ياشا ک اردندن
 بوستانچيلره حيقروب بره قوماک اورک پانلک ديد يازيدوب مراد ياشا ديوهيت پهلوان قياقت
 بر مردتو مندايدی ال خنجر قبضه سنده شاطر و چوقه دار مقوله سي يانلر بولنسان
 آدميارد نجه قهقار اولوب کيدرو کور يوب بلند آواز ايله يادشا همزي طوغري يولدن
 چقاروب خلاف شيلر سوق ايتينک جراسنی عن قريب کورر سز نه واجب اولان حقی
 صوبلمکدر يادشا همزديلر سه طوتسون ديلر سه طوتسون ديه رک مسارعتله کتد بکنی

بوستانچيلر کوروب واصلی بيلر لار کيلوب طور ديلر و مراد ياشا يه صومقندن خوف
 ايند يازيدوب حال بوستانچي ياشي ايريشيوب بره ارکانسزلر اليکزي چکک ديمکله چکد ياز
 مصاحبيلرک اتبا عندن بری مراد ياشا ک ارقه سنده برتير زين حواله ايتيمکدن بوستانچي
 ياشينک تهديدندن اولدخی ال چکدی مراد ياشا يه سالما چيقوب سز اينه کلدی
 اولدن اياغله بر مقدر تقریب شکلنه وجعی وار ایدی انک استداديني بهانه ايدوب
 ابشيري کلدکجه ديوانه وارمدي فرستادن خواجه ريحان اغا باستمالت ابشيري ياشا و زير
 اگرچه از نکميه کلدی لکن اولدن د رونه خوف اولوب حالا کندو حقه خواس
 و مقرين روگردان اولوب دفتر داری ويزايتک استمد کريني و مراد ياشا يه هجوم
 قصه سنی استماع ايندک بالکيه متردد اولوب از نکميدن برو حرکت ايتدی و مفتي يه
 مهاني مکتوب يازوب بونه اصل ايشد سزای يادشاه يه وزرايه خنجر چکلمک و مهر
 همايون تحويلنه مدخله اولدق نه ديمکدر ديووافر معاتبات ايندي مفتي خواجه ريحان
 اغا ييله والديه اعلام حال ايدوب خوف ايدرم ايش غيري کونه اولور يازيدوب ابشيري مدارا
 واستمالت لازمدرديو ترغيب ايتيليله تکرار مجلس مشورت عقد اولنوب وزيرک اعتماد
 ايدجکی کيم کوندرلک مناسبدرديو سوال و جوابند نه مکره يادشاهک خواجه سي
 ووالله حضرتکينک معتمد و مستشاری و اغازک علم و تقوی ايله معروف و مشهوری
 ريحان اغا کوندرلک مناسب کور يوب استمالت و نوازشي متضمن خط همان و بر سمور
 قبل خلعت و بر مرصع خنجر ايله جانب ويزه کوندر يوب هر نه دير سناک ديوب اعتماد
 ايند يوب عجلاله کتورمک ککرکسن ديونثيمه اولندي مزبور ريحان اغا فقه و تفسير
 استخراجنه قادرايات و محاضراتدن معلوماني وافر سوز ييلور والزامه قادر بر کامل
 اغا ايدی ماه ربيع الاخره سکزنده ريحان اغا از نکميه ياقلشوب وزير خبردار اولدقده
 بر قاج معتبر اغاسني بلوک باشيلر ايله استقباله کوندر يوب کوب حضورينه داخل
 اولدقده ويزا و ج قدمه قدر استقبالی ايدوب دونوب کندوسي صنده لي ضد ارند
 قرار ايدوب قار شوشنه بر صند لی دخی قور ديلر ريحان اغا خلعت فاخره يي ايله
 لباس و خنجرى مياتمه طاقوب خط همايونی ويز خط همايونی الله آلوب او يوب قوينه
 وضع اولنان اسمکله اوزرنده قرار ايدی وزير خط همايونی الله آلوب او يوب قوينه
 قويدی بعد ريحان اغا يه خوش کلد يکتر نعيميله التفات جزئی ايدوب بعد خلعت
 کيد يوب کند و کتخدا سي صالح اغا يه خطاب ايدوب اغا يوز غوندر چادر يکه کوتور بر مقدر
 دکنسون ديمکله اغا قاقوب کتخدا ايله چادن کتد ييلور يزد قاقوب اچوروده نه انجمله سي
 اولان اوبه يه کيدی و مستشاری ابازه حسن اغا و کورد محمد اغا و کاتب خيرالد بن زاده و امثالي
 بر قاج محرمليله بره کلد ييلور و خط همايونی و قيو احوالريني سويلشيد يازيدوب مستشارلرينک
 خلاصه کلامی ياشاي تحذير و طرف خلافت اولنلری ازاله يه متعلق تدبير ايدی بعد
 وزير ريحان اغاي محل نه يابه دعوت و کيفيت احوالدين استفسار ايندک ريحان اغا يسط
 کلام ايدوب سلطانم شوکتلو يادشا همزک ضمير نه سزک حقه کزده ذم قدر نه يور و نکدر

یوقدر سزیدن خدمت نافعہ مأمول ایدر بعض احوال یلمز لک دهشتلرندن احداث
ایند کیری کفیلگی و وجود و بر میده سز جنانکیرگی صحت یلند صاحبی منبع الجناب وزیردن
حواشی و خدام خوف ایدر کلمشدر اولمقوله لاکثر یا تبعات سابقه لینه مجازات تربیندن
قورقور اولمقوله هرزه دازلره طرف سلطنتدن رخصت کفتار و یولمشد رو خاطر
شرفکری خوش طوتک دیدی ابشیر پاشا تکیق ایدوب بقه اغاخان دولت برآلای
احقر القاسمه بنم قتلیم ضمیر پادشاهیده مصمم ایدو کئی یقینا ییلورم انحق بنم مرادم
حسبه لله تعالی دین و دولتک خدمتکده یولمقدربن صدق واستقامتله خدمت
کونیم انلرده شان ملوکانه لینه لایق نه ایسه انی اینسونلردید که ریحان اغا و زیرک
خوف و وسوسه سنی دفع ایچون کلام الله کتور دوب حروف ثلثه قسیمی ایله ایمان
مغلظه ایدوب پادشاهک و والدهک کندویه سو قصد لری اولم و غنه ایناندردی بوندن
صکره وزیر مطمئن خاطر اولوب ریحان اغایه احسان و انعامله توقیر و اکرام ایدوب
بعد الیوم پادشاهمز و والده یانده قیو کتخدا سی و طرفاداری اولمق اوزره معاهد
و موافق ایدوب طرفیندن برشی کتم و تقصیرات اولنماق اوزره عهد و بین ایله ربط
شرایط الفت و صداقت ایتدی لر بر و جانیده اهل دیو انک خوف و خشیت ایله جانلری
اغزله کشید ی خصوصاً رئیس و چاوش باشی اسکدارده قار شولیوب ایلر و کیمه لر
دیو خط همایون اصدار ایتدر مشار ایدی حالا انکیسی دخی وزیر طرفیندن طلب اولنمقوله
وسوسه عظیمه یه دو شدیلر حتی چاوش باشی مراد پاشایه واروب سلطانمزلردیوان
پادشاهی خدمتکار لری یوز کیمه یوب اسکدارده استقبال ایتک بابنده خط شریف
اصدار اولنمشیدی موجب خط ایله بوندن قالمقه همت ایدر سزیدید که مراد پاشا جوابنده
قالمق قابل دکل در سزری طلب ایدن صاحب مهر در قالمق ایچون خط اصدار ایتدر دیککتر
معقول لیش دکل ایدی شمدی سز لری الیقومق سزده مضمر دریدی ایدی باری منصبیلر
اوزریمزده قالمقه و ابقا خلعتی الباس اولتمق رجاسنه مکتوب احسان ییورک قرشوکیه لم
دیویاوردی مراد پاشا دفع بالئی هی احسن ایله عمل ایدوب شمدی توجیه و انعامقوله سی
امور ایچون مکتوب ویرمز ترک ادبدر شمدین امور مد اخله یه باشلد یلر دیو طعن
و تشنیمه سبب اوله حق رجایی ایدر مرزان مثاله تعالی بو طرفه کلدکار نه شفاها کلد و مز
رجا ایدوب جمایه کزی الترام ایلکده بآس یوقدر دیوب وعد کون ایله حسن مدافع ایلدی
رئیس الکتاب ایله چاوش باشی صاری محود بالضروره استقباله کتدی لر ایرتسی کرک امینی
مشهور حسن اغا ایله باوک کاتبی قلندر محمد افندی دخی معا کتدی لر کرک امینی ذی
قیمت مناسب هدایا و فلوری ایله ملوکیمه جکر کوندر و وهله اولمده انازه حسن
اغایه اسکدارده اون کیسه لک بر ملاک مکلف سرای هبه ایدوب بیع و قبض ثمن حجتی
اوکنه قویدی کذلک کورد محمد و بیکنزاده علی سنه براطلس کیسه ایچنده ایکیشریوز
فلوری نهانی و یروب استکان امتعه یه متعلق مناسب هدیه لرو سائر کلد کلد اولمده
وزیر مشار الیه ک حضور نه تکلمه و بعض کیفیت واقع اولور سه عرض و افاده یه قادر معتبر

و مقبول و نافذ الکلام یولم انلره علی مراتبهم و اقرالتون اشیا بزل ایلدی اوتیه یقه دن
کلمه لوند و خزله مقوله سی برآلای طمعکن و هدیه الملق لذتیه و مراجعت یونیا ز خلا و تنه
مفتون اولان دنیا برست غدارلر که دولت دنیا مکرندن غافل و دولت نه دیکدر
و هدیه و مراجعت نه خصوص ایچوند رو عاقبتی نیه منجر اوله چقدر خاطر لینه
بیله کلز برآلای بواطل ایدیلر برو دن واران ایمان دولت و خدمه امور سلطنتک
تملق و تبصیر یی کوروب بزل مال و تواضع و نکریات بد نیه ده بر لرینه تقدم
ایدرک عرض خلوص و عبودیت لرینه الدانوب پیمانه غرور غفلت ایله مست و لایعقل
اولد یلر بویه جهالتلرندن قطع نظر انازه حسن و کورد محمد و بیکنزاده و امثالی مفسد لر
وزیرک دولتکده باشمزه کون طوغدی فرصت غنیمتدر شمدن صکره توسیع دائره ایدر لم
و رجال دولتدن اولنلری زیر جمایه مزملوب مأکل ایدر لم دیو هریری برینه صاحب
چیتقوب بر سوادی باطل ایلر بر لرینه کیروب مایه لرند حساد عدوت قیوسنی آجدیلر
هنوز دولتمده کلدو لر عرضی ایلر حمایت اولنه حق نامی و شانی ییلنه جک جزئی شیشه
نائل اولمزدن اول رجال دولتدن اولان داهیله لری زیر جناحه آلوب حلق سوداسنه
دوشمک نه قبیح حماقت اولد و غین اکلدی لر و افندی یلرینک بوز تبه یه نائل اولد و غی
گوکبه اول اراذلک اجتماع و اتفا قیلله اولد و غین ییلور لر کن انک استحقاقی و مقامنده
دوامی صورت پذیرا و لمزدن اول خلقی جاقلمق و اقچه قزاقق سودا سیمه لری بر لرینه دوشمک
و تفرقه یه باعث عدوت ایتک معنی افندی یلرینک زوالنه علت و افندی یلرینک زوالی
کند و لرینک مضحک اولم لرینه سبب ایدو کئی ملاحظه ایدر مد یلر ابشیر یاننده وقع
عظیم صاحبی جمله دن زیاده انازه حسن بعد کورد محمد و بیکنزاده اولمقوله واران طرفا
ایند ابوتلری حلوای رشایله خلوص مذاق ایدوب و سا طبلر لیه ابشیر بولشوب ملتفت
اولور دی مزبور لر کرک امینی حسنک اوکنه دوشوب وزیر بولشدر دیلر اول اغر
هدایا سنی ویر دیلر مقبوله کچوب بری بری اوزرینه ایکی خلعت کیدردی و الم چکمه بن
سنک کبی خدمته پرارادی اول خدمتدن قلدرم و ارهمان بشیموز کیسه حاضر ایلد دیوب
مسرو و اعودته اذن ویردی دفتر امینی الا کوز محمد افندی که قیودان مراد پاشا انک
کتخدا سی و جمله الملکی بر مقول آدم ایدی پاشا سنک وزیر ایلر اولان دو ستملقنه
مغرور اهدیه تدارک ایتیموب کمال خسته تندن الی پوش و ارمقوله بولشوب دامنبوس
ایند که اصلا بر حرف سو یلیوب خوش آمد التفاتی دکل کوشه نگاه ییلر ایتدی بر مقدار
قیامدن صکره تعریض کونه بعض عتاب ایدوب بعد طاش قران باوک باشی
چاغر سو تلریدی صاری بجه لر دن اول اهر من هیکل حضورینه کلد کتد قلدر شونی
چادریکه کورتور مسافر کدر خوشبجه کوزت دیو اول بجر دن یابس مقصیری طاش قرانه
تسلیم ایتدی کویا لسان حالله سن قلمد فیه تناول اولنمک سنک نکته سنی ایراد ایتدی
چاوش باشی صاری محود و اردقده اصدار ایتد و دکاری خط خصو سیچون دلگیر اولمش
ایمش عزل ایدوب عایشه سلطه کتخدا سی احمد اغایه نصب ایتدی غرایبندر که

اول موضع النی بولک اغالینی جمیعاً عزل ایدوب کند و توان بختن معتمدی اولنلری نصب
 ایندی استانی بولک اغاسی عثمان اغا که ملکی و شعیان چراغی ایدی چاوشتلر واروب
 معزول اغالین طوغلری آلوب منصوب اغالره کتور دیلر مزبور عثمان اغایه وارد قدّه
 طوغی ویریموب بن سار اغالره می بکتررم بن معلوم شهر یاری اولش آدم هنوز واروب
 دیوانه اوتورمدن پادشاهه استیذان ایتدن بنی غجه عزل ایدر دیو وافر احقانه و عناد
 ایندیکی طرفه مسخره لوق ایدی چاوشتلر بونکله چکشوب بره حریف سین دیوانه می
 اولدک عالمی قبضه سنبه انش بر و زیره قرشومی قوسک کرک سنی و سکا صاحب
 حیقانی عالمه کلامشده و دندر باق شو و جنونک عنادینه دیوب خواه و نا خواه طوغی الدیلر
 و رئیس الکتاب شامی زاده که هدایاسی مقدما کوندر مشیدی اولدخی بولشده ایاغ
 اوزن طوغدی اکافقط خوش کلدک دیوب بر مقدار فاقی مصاحبت ایله مطیب ایدوب بلا
 خلعت انصرافه اذن ویردی خلعت کیدر لم بکندن شامی زاده عزلنی تحقیق ایدوب
 حکیمت واضطر ابده قالدی ادله عبرت آمیز کمال قدرت مسبب الاسباب ارباب عقول و البابه
 هیان اولدینی مؤادندره که چون تحقیق احکامیان اوزن برج انتهاء قران مشتری خله ایدن
 اوله خروج خارجی به و اول سنه ده متغیبلرک و مدعیلرک ظهورینه دلیل اولدینی دفعاتله
 تجربه اولنشین بیگ اللی ایکی ذی الحجه سنه واقع اولان قران اصفرانته سیکه مشتری
 نوعاً مستعل و مرغ جدید که خام سد رقیو الحال بولوب اسد ثانی عشر حمل ثامن بولنشدی
 برج انتهاء قوس اولدینی سنه که الشمس بر سنه سی ایدی انقره ده ابشیر پاشا و طقسبان
 بیگ سیاه جمع اولنشین ایدی برج قرانکه حوت در استوبیگ الشمس دورت ذایحه سنه ثامن
 بولوب مشتری ایدو و طالع سنه قرانکه سنبه ایدی هب بواج برج ذو جسدین
 اولغله دلیل نکر ارمداولا تدر بوسالده برج انتهاء حوت واقع اولوب امر موعودک غایت
 ظهوری بوسالده اولق کورندی که هم خانه مشتری هم برج قراندر لاجرم ارکان دولته
 لامرید بره الرحمن بصیرتلی باغلنوب مهری ابشیره کوندر دیلر و منزل ایله کورد امید یله
 بولله ایتدیلر کین سنه لره ده باسنه جمع اولان و کتد و ایله عهد و پیمان ایدن عسکرینه
 باسنه جمع اولور دیو خاطره کتور مدیلر انحق مشتری ثامن بیتنه قوی الحال بولغله
 ضررونکت کلی یدافع بولنشیندی اکباء ظهوری جلالینکینه صورت اطاعت دولتّه
 تعرض و اشترکی صورت اقتیاده اولغین اقتضایتمشدر یو اشناده کوریلان عجیب
 و غریب رویالردن بری کورمش که آسمانده بر قویقلی یلد زطوغوب در عقب آسمان دهان
 پناه کی آچیلوب ایچینه ایکی جسد لامع بری بری اردنجه بره دوشر سابقا بکچیری اغاسی
 قره حسن زاده حسین اغا کورمش که شرق طرفندن ایکی قمر طلوع ایدوب کیچه کوندر
 کی و لمش بعد اول ایکی آبی بری بری اردنجه بریره دوشوب عالمی ظلمت قیلار اول محل ده جمله
 منار لره آدمیر چیتوب اکاه اولک حلق سزه غضبی واردر جامع شریفه واروب تضریغ
 و سازه مشغول اولک دیو خلقه ندیلر ز قافله فر لایله مالامال اولوب خلق عالم
 مساجده طولوب صباح غارنی قیلوب دعا ایدر لر صباح اولور بولله کورر بری دخی

کور مشکه بر اردر هادر یار ایکی شق ایدوب باشی چتلادی قیوده قوروغی عانی قیاسینه
 کویا استانبول خلقنی یتیمک ایچون دریادن بر ویر یوب کلور استانبولک ایچو سوسمارل
 ایله مالامال اولوب بوسو سمارل چکر که کبی پرتاب ایدوب چکر اولر بواته لک جمله سی
 ابشیر باشلک سو نیتی و قریبازوالنه اشارتی متضمن ایدوکی تعبیر شناس اولناره معلومدر
 و بوند نصیحه اولان وزیر دخی ثابت قدم اولوب ارباب فتنه و اهل هوا افساد اوزن حرکت
 ایدر چکرینه دلیل واضح ایدی خلاصه کلام بولله دلائل غیمیه چوغا لدیغندن
 واقف اسرار اولان عقلا متحیر اولوب کوشه کیرا زوال و ایشلر وزیرانکیمیدده بر قاج کون
 آرام ایدوب اندن قاقوب هر سکه و کیموزه یه و طوزله و مال دیه یه کدی ریح الاخرک
 اون یدنجی کونی آلائی ننبیه اولندی استانبولک اولان سیاه انلریله و یکچیری جمله
 اسکدان یکوب وزیر کر و همک اولی دخی اسکدان واصل اولدی و ریح الاخرک اون
 سکرنجی خیمس کونی مال دیه دن وزیر ی استقبال ایچون قول کتخاسی ارمی مصطفی اغا
 اغاقیوسنده موحیلره خطاب ایدوب یارین جمله کر مسلح اسکدانردا آلایه حاضر بولنه
 حاضر اولیان کلیان و الله بو غارم دیو ننبیه لرایندی کذلک اوطه باشی و جورت باخیلره ننبیه
 و حکمکه باشلدر و وقت عصر حلولنده والده سلطاندن یکچیزی اغاسنه بر بالته چی
 ایله تذکره کلوب مضمونه زهار یکچیری دن برفردی اسکدرن کرمیه شن رضای
 همایون یه قدر دیو ننبیه خفی مسطور اولغین اغاو کتخد ایگ متحیر قالوب انلره جمله
 یکچیری یکد کد نصیحه خیمس کیچه سی سکرنجی ساعت کیمک فکر خله ایدیلر نقش
 اخر ظهور ایتکین اسکله یه آدمیر ننبیه و هنوز یکمیان چور باجیلری و سار نضرانی
 اسکله دن دوندروب کینلره دخی آدمیر ننبیه ایدوب برو جاتبه کور دیلر کیچه شهر قیوسی
 آحق قالوب کین یکچیری تا صبحا ده ک برو جاتبه طاشنوب اسکدر ایدر بر یکچیری قالدی
 آلائی ننبیه اولنشین کین به یکچیری یی چوریمکینه سبب اولدوخی معلوم اولدی انحقینه
 قیو خلقندن ایشیدیلن بوکه سرای همایوندن مال دیه جاتنه بر خاصکی ایله خط همایون
 کوندر یابوب حضور نه ننه اگله سن سنکله مکالمه اولنه حق امور واردر دیو وزیر دعوت
 میو ریش اولدخی خوفیه بناء عذر ایدوب یارین آلائی ایله حضور خاک درگاه یوز سورهرم
 دیوب بعض محذورات بیانیه کله مش اوله دخی بوکه بکتر احوال ضعیفه شیوع بولدی
 ایرتسی خیمس کونی اوطه باشیلر و اوجاق اختیارلی باشقه جه مشورت ایدوب بونه اصل
 وزیردر که آستانه یه یکرمی بیگ آدم ایله کلور یونک مرادی بزی سیاهه قردیروب
 آت میدان انتقامنی المقدرا استانبولک یکر سه آلائی ایدرزوالا فر شو کتکز دیو اتفاق ایدوب
 جمله یکچیری اوطه لره ننه مسلح حاضر اولوب طور سونلر دیو اغاقیوسنده ننبیه اولندی
 آمدن وزیر ابشیر پاشا باستانه بیگ الشمس بش ریح الاخرینک اون سکرنجی پنجشنبه
 کونی وزیر مشارالیه مالدیه دن حرکت ایدوب خواجهریحان اغا لبرو کلوب بو طرفدن
 یالکتر یکچیری اغاسی موحیلر و کارخانه لیر ایله و کتخد اوز غرجی و حصو نی و طور ناجی
 و خا صکیلر و ککرک صا حیلری ایله استقباله مسارعت ایتدیلر نقرات کتدی و مفتی

نقرات آمدی و مفتی و وزراء صدرین و سایر اعیان اسکنداره کجوب بوستنجی باشی
 کو پرستنه طوقی و اردیلر ابتدا درگاه عالی قیوچی باشیلری واروب بولشد بلر بعده
 بکچیری اغاسی کهمان یاشا حرم همایه ندن چقمه اولغین ابشیر یاشا انی سوردی واروب
 بولشد قده کهمان یاشا اتندن اینوب وزیردخی اینوب پیاده کورشدیلرینه سوار اولوب سائر
 جمله سیله آت اوزرنده کورشدی آلاک ایلر و سمنه قیوچی باشیلر آردنجه اوجاق اغاری اردنجه
 صدرین اردنجه و زرا تریب اوزن کلوب و زرادن قوجه یوسف یاشا ایلده دلاک مصطفی یاشا و
 زریک طرفیننه یاشوب مصاحبت ایدرک کورلدی تا که شیخ الاسلام افندی بیاض لباساره
 مستغرق اولوب جمله دصکره کلوب و زیر ایلده آت او زردن کوریشوب همعنان اولوب
 مصاحبتنه یاشلد قده یوسف یاشا و مصطفی یاشا ایلر و یه استدی یلر وزیر اعظم مرغزاری صافی
 سرخ لباساره مستغرق اندامندن آثار جلالت نمایان اولمشیدی وزیرک اردنجه قفادارلی
 ایازه و کوردی و بیگزاده علیسی و غیر هم عامه سیاه ایلده صف اندر صف اولشلر ایدی
 اسکنداره نصوص یاشا سرائی که عایشه سلطان که ابشیر یاشا منکوحه سیدر عظیم ضیافت ترتیب
 اعیان ایلده ایندیله عایشه سلطان که ابشیر یاشا منکوحه سیدر عظیم ضیافت ترتیب
 ایشملر ایدی مفتی وزیرک ضاغنه و قائم مقام ملاک احمد یاشا صولنده او توروب بره قدار
 اسنایشد نصکره نامدار زو ربا اغار که زرین کلاهه مستغرق حضور وزیرده ال باغلیوب
 ارسلان واری طور ردی وزیر نطقه کلوب اولایا ایزه بی مفتی یه تعریف ایدوب افندی
 بو حسن اغا پریرامه هادر کسمنه در بیلور میسر دیوب دستنوسه اشارت ایدی ایازه بعده
 سائر اغار علی مراتبهم کلوب منلائک الینی او پدیلر منلائک مناسب سوز بولغی بیلوردی
 مقتضای حاله کونهم صورت مدح و هم واقعه مطابق کلام بولوب سلطان بو شهباز
 اغارک شجیع و بهادر اولد قلینه سلطانک شهادتی کافیدر بویه ملتعت و منظوریکز اولد قلی
 استعداد لرینه دلالت ایدر همان برخوردار اولسونلر دیوب نازکانه جواب ایلده خاطر لرین
 تطییب ایدی بعده سلطان حضر نایبک ترتیب اولنان سماطی چیقوب طعام تناول
 اولند قد نصکره ارکان دولت جمله استانبوله کچیلر غرایبندر که ارکان دولت اذن ایلده
 استانبوله کچیلر کله دفتر دار یاشادخی کلوب کشیدی بعده العصر وزیر قنی دفتر دار نیز
 چاغزک دیوبور مغله چاوش باشی پیانی اوج چاوش تعیین ایدر دفتر دار ایسه خوفناک
 و بیرون هنوز سراینه کلمش دولتمندی چیه قمارش غلمانز یلیازه ضالر لاندی یوزلوصو ایلده
 هلو یارد افکه عادی اوزن اصلا نندن دوشمزدی نوش ایدرکن چاوشلر اچر و کیروب اجب الوزیر
 فرماتی تبلیغ ایدر لر خروش خوف ایلده جان باشنه سحر ایوب بنوب سرریعا اسکنداره کجوب
 حضور وزیر و وزیر مونسینی کوردکن نه خبر دیر سلطانم استه مش سزدید که بن سنی
 پوند ایسه کلسون دیدم غلط اولمش دیونکر اراذن ویر بر مقدار عقلی باشنه کادی چاوش
 یاشی یه چاوشلره جرب چالرق قایغه کیردی یتسویه قریب سراینه کادی لکن وزارت
 طالب اولدیغی و ابشیرک ازاله سمنه سعی ایتدی کزلنور و فراموش اولدو معنی اولدیغی
 بیلوردی صبا حه دک کوزینه او یخو کیر میوب ناراضطرا به کیاب اولدی ونه طریقه تخلص

کرسان ایدجکفی اصلا ملاحظه ایدم مدی مفتی افندی اخشامه دک وزیرانده قلوب
 سبت کونی استانبوله دخول ایچون هر طائفه یه عظیم آلائی نیمی اولندی ایرتسی جمعه
 کونی عل الصباح وزیر و مفتی صلاحی اسکله سندن همان بر قاج خدمتکار ایلده مختصرجه
 بر قایغه سوار اولوب سرای همایونه چقدیلر و مخفی پادشاه ایلده ملاقات ایتدی یلر وزیردخی
 مقدم تشریف بر سمر کورک کیدرلدی یینه اول قایق ایلده اسکنداره کچیلر بعده مفتی افندی
 اذن اولوب کدوم منزله کتمکه حرکت ایلدی وزیرک خوفنه بناء تعلیمله اولمق کرکدر
 اغار دیدیلر که افندی سلطانم سزک وجود کز زه بر نوردر سز کیمه یور سز باری افندی یزی
 یالکتر بر اقه محمد و مکر افندی بی افندی یزک یانده الیقوک دیوب فیض الله چلی بی اسکنداره
 الیقودیلر بوکه خلق معنی ویردیله که امنیت قلب اولدیغندن محمد و فیض الله چلی بی رهن
 الیقومش اوله ر منلا ایسه ابشیر یاشا ناک تمسیت امورینه و مقام صدرانده استخکامنه
 پیک جان ایلده سعی و اهتمام ایدی ایرتسی علی السحر سبت کونی مفتی و صدرین
 و معزوللردن بالی زاده و خواجه زاده و حنفی و امام زاده و کمال زاده و عصمتی و شیخ زاده
 و مولی و مدر سیندن التمس اوج نفر علماء عظام و وزای ذوی الاحترام کمال زینت
 و طمطراق مالا کلام ایلده آلائی عظیم اولوب علی السحر طو پلر اتیلوب وزیر اعظم
 کمال زیب و وزیر ایلده اسکنداره ابواب انصاری یه کجوب اندن عمو ماو جاق خلقی و سائر
 طوائف عسکر ایلده آلائی عظیم اولوب ادر نه قیوسندن کیریوب سرای همایونه دک و آلائی
 اولمشدر که سیر و تماشایه چقمق ذی روح قلمیوب عهد قریبده نظیری کوزلما مشدر
 بریم مشهور اولدی عمو ما بکچیری اوجاخی ترتیب غریبلی ایلده کجوب بعده سائر طوائف
 کجوب وزیر ایلده مرافقت ایدن دلا و لر قاطرچی اوغلی پاشا وسیدی احمد یاشا و ایازه حسن
 اغا و امثالی که هر بری ز منجه رستم داستانه ر خلری طرح ایدن لعبت بازلدن یکنور لدی
 پاشا لریسمه سمر کیوب غیری استبهار یولا دیوش ایدیلر کچیلر بعده علماء عرف و اضافت لرله
 بعده نقیب الاشراف بعده صدرین بعده دفتر دار یاشا آلائی مخصوصی ایلده بعده و زرادن
 یه سف پاشا دلاک مصطفی پاشا بعده قیودان پاشا عجیب العنوان مراد پاشا و قائم مقام پاشا
 آت باشی برابر جمله سی اخشام تام ایلده مر و رایتیلر بعده جانب عین صدر اعظم ابشیر
 پاشا جانب یسارده مفتی ابوسعید افندی ایکسی دخی بیاض لباساره مستغرق و اوکلرند
 ستر نفر بکچیری شاعر لری باشلرند کیجه وارقه لرند بر قیلان پوستلری سینه لرند طبل
 واری چوکلرین چله رق قد و قامت صاحب دیواند ام حر یقار صد لری بر ساعتلاک یردن
 ایشیدیلر و آواز بلند ایلده تور کبلرین چاغراق و هر بری نوبته رعایت ایلده تور کیسنی طایق ارق
 باجمله سرای همایونه واصل اولجه به یلجه کتدیله وزیر قفا کاهنه ملون بیر ایلر ایلده
 سیاه باوکلری حد و حصر دن افزون ایدی و وزیرک صاریجه ولونداتی عمو ما بکچیری
 احاطه ایشملر ایدی وزیر استانبوله کلز کور سه ده کیمز و فلان فلان ایدر دینار و مفتی یه
 یونی سن ایتدک ایشته جلالی اولدی دیه طعن ایدن لر جمله تحیل و شرمسار اولوب جناب
 مفتی که هر وجهله رأی متینی بخت قویسی کی غالب کشیدی بود بدیه و طنطنه ایلده

وطنه ايله وزيرى كتوروب معاملات سلطان جهان فائز اولد يار شمه وزيرى
مهريله ايلدى تسليم قصر هماين پيشكاهنه وارلدقه ميدان آجيلوب وزير اعظم
وشخ الاسلام آت قالد يروب مسارت ايله كچر يلو معتاد قدیم علما فند يلو وزير اعظمك
سراينه كوروب افده دستموس ايكن وقت احوالى غيرى كونه تنك اولمغن چاوش باشى
سراى وزير قيو سنده طوروب افند يلو ايجر وسى طاردر صفاكديكز بيورك ديوب انلر
دخى تارج بابده آت اوزرنده سلا مليوب طاغليد يلو زفاق وزير اعظم ايرتسى ماه ربيع الاخر ك
يكرمى برنجي احد كوفى وزير اعظم نامردى عايشه سلطان حضر نلر نك عروسى اولوب
ليله اثنيته وزير اعظم زفه دخول ايتدى شروع وزير اعظم بنديلات مناصب وغدر
ومعاهدات متمولين ربيع الاخر ك يكرمى ايجرى ائين كوفى ابشير پاشا تمشيت امور شروع
ايدوب ابتدا مهره طلبكار اولان مورلى دفتر دارى حضورينه دعوت ايدوب علوفه ايجون
مال طلب ايلدى مال يوقدرديد كچه يامهرا ايجون پادشاهمه زه بشيوز كيسه عرض ايلش سن
اول اچقه قنده درواز كتور مواجبه ويره لم ديوعقاب ايلدى مورلى صورت انكار دن
كلوب حاشا سلطانم بوبكا اسناد دردي انكار ايديجك وزيراغلاط كلام ايدوب به
سفیه خاتن بوكلامى پادشاه جهان حضر نلرى مبارك لسان يله بيورد يلو هر پادشاهلرده
كذب واقف اولورمى ديوعبوس الوجه اولدى وقالدرك شونى ديومر ايتديلو وزير كنداسى
صالح اغا نك حيسنه كتورد يلو اول ساعت آدمير تعيين ايدوب سراين مهرلد يلو جمع
ماملكين قبض ايدوب دار دفتر دارى كاسه زبانه دو ندر ديلر سابق امور پاشاسى
اولوب اوزون يوسف ماده سنده عجبوس بعد اطلاق اولنان كورد احمد پاشانى وزير
اعظم ابشير پاشا حضورينه چاغروب سن اهل وقوف سن مورليه وار دفتر دارك جمله اموال
واشياسنى قبض ودفتر ايدوب برادر لر نى واتباعنى اخذ ايدوب تفتيش ايله اكر اخفا
ايتد كارى شى وارايسه ظهوره كتور ديو مو كد نديه وسپارش ايدوب ياننه آدمير قوشوب
همال اول كچه مورليه ارسال ايتدى راوى ايدر بر قاچ هفته مقدم كه شدت شتادن
اورته لاق بوزطوكش ايدى وهجوم برودتن بر فرد طشره چقمغه قادر دكل ايدى دفتر دار
مزبور در درآت چكر يكرمى اللى عربيه كه زروسى ايله مالا مال ايدى جوف ليله چيقروب
مورليه كوندرد يكي شايع اولدى وزير اعظم احمد پاشانى مورليه كوندركه باعث بومعنا
ايدى اول اشاده وزير مرحوم درویش محمد پاشا نك كنداسى على اغايي چاغروب خلعت
ديدى على كند الباسنه توقف ايدوب سلطانم نه خدمت ايجوندرديد كده هله كى بعده
يلور سن ديدى على اغاينه لبس خلعتدن ابا ايدوب دولتلو افندم نه ايجون ايدو كنى
قولكتره بيورك لياقتم اولان خدمتيدرييله يم ديد كده البته كى ديوب ابرام اولمغن خلعتى
هلى كند نك دوشنه وضع ايتد يلو الله مبارك ايليه پادشاهمه سنى باش دفتر دار
ايلدى ديد كده على اغا يا غنه صاريوب دولتلو سلطانم لله ورسوله بن عهد سندن كل كده
قادر دكل بر صالح و متدين وزير سن مالا يطاق تحمیل ايتنوسن بو خدمتى عهد سندن كل كده
قادر بر اهلنه احسان ايلك قولكترى هر نه خدمته استخدا ايدرسك قولل ايدرم ديو

کمال مرتبه اضطراب ايله استعفا و اظهار عجز و بگايلدى وزير غيرى جواب ملوم بولوب
مكبره صورتن كوستروب وغضب آلود قاشلرين چاتوب يعنى عناد ايله سكا دفتر دارلق
مشوكتلو پادشاهمه زك قريحه ليدن ظهور ايلدى سنى بو خدمته لايق كورد يلو راز استقامت ايله
خدمت كده مقيد اول ديوب يوزنى طرف آخره تحویل ايلدى على اغانا چار كير و چكيلوب
طشره چقدى على كند ايكن باش دفتر دارلق ايله على پاشا عنوانى بولدى حكایت
اسرار دولتن بختبر اكابر دن بر قاصر النظر موقوفاتيه ديش كده بى افندى دولت عليه ده
بنى آدم نوعنه قحطى واقع اولدى بوقدر اعيان محترم وامور ديد احوال كورمش اسكى
آدمرو اريكز وزير جديده على اغا كى حادث آدمى دفتر دار ايلك قى اغرب وعلى اغا نك
بوقدر ايلوا واستغناسى اندن اعجب دكلمدر موقوفاتيه عاقلانه جواب ويروب سلطانم
بودولاب متعسر الادواره ياتكز اطلاع واهليت ايله دونغزلده سرمايه اولد قچه قورى
بوش سوز ايله ايش تميز فى زمانتا على اغا نك سائر لره بر قاچ وجهله مزيتى واردر اولو
پاشاسى درویش پاشا نك قارون قدر اموال واشياسنه نقيير وقطيره وارجه دفتر نى
بلا جبر ولا برام پادشاهمه ويروب ذن قدر كم واخفاسى ظهور ايتدى بوندن ماعد
خزينه دارى وجهله محرملى مطلع اولد ينى تحف وجواهر صند وقه لر نى چيقارب
برنسنه كتم ايتماكله استقامتى ثابت اولدى بو طوغريايى حسميله كندونك اموال فراوان
وسرمايه بنى حسبانى محفوظ قالدى وبوجهله مستقيم وقوت ومكنت صاحبي اولدوغندن
تمشيت امور و تدارك مهمانده عسرت چكميه جكي بلندى دفتر دار اولنلر هر حال ذى قوت
وصاحب يسار اولغه محتاجدركه ميرى يه صورت نظام وير ياچه يه دك احتياج
ظهورنده مالدار لر كندويه اعتماد ايدوب لازمه افلايس اولان طمع وخيانتى خوفندن
جمله سى امين اولوب تعاطى وتعاملدن اجتناب ايتمه لر تاكه حسن ظنه مبنى اولان
معاملات دائره سى نسق نظام اوزنه دور ايليه لاجرم كند على اغا نك دفتر دار لغه صورى
ومعنوى لياقتى كلدى كوردى ديوب اسكات ايلش موقوفاتى خوفندن رأى وزير اعظمى
نصوب ايلش والا حق بودركه على اغا نك سرمايه سنى خرج ايتدر ملك ايجون دفتر دار ايتديكى
على اغا قبالندن امتناع ايدوب فرياد ايتديكندن معلومدريس دفتر دار جديده منزلنه
كند كده دفتر دار سابق مورلى نك حيسنه كوندرد يلو وكتاب اقلام جمع اولوب دفتر دارك
حسابنى كورمكه شروع ايتد يلو ملك احمد پاشا كه سابقا وزير ايكن بگاش اغا و اوق اغا لر نك
تسلطى ايامنه اول كشيملر ايله متفق اولوب ابازه نك تركان اغالغى آخره ويروب ابازه مكر را
ديوانه وار وب شكایت و اظهار قلم ايتد كده وجود ويرومىوب بالاخره ابازه نا چارمايوس
قالوب حضور وزير اعظمه اطاله لسان وياوه كوياق ايله وزير كنداسى غلاميه خنجر
چكروكى بالاده مسطور در بوقدر مالى مصداق وغدر ايتد كدن صكره اغار ابراميله ابازه نى
قتل واعدا مكارم اولوب بومكر دن صراف يهودى ابازه نى اكاه ايدوب اسكدر اودهش اون
كيسه مدخى واردر واروب كتونيم ديوبهانه ايله سراى وزير دن صير يلو ب طوغرى
اسكدر ان يكوپ بردخى استانه سعاده مورو ايتدى نزاع طوبل وياسدن صكره آت

باشنی انقره انجمنکا هنده چاکوب ابشیره مغد وریشندن عظیم شکایتلار ایتیمشیدی
 بو خصوص ایچون ابشیرک ملک پاشایه خاطر مانده لکی مقرر ایدی بوندن ماعد ادرویش
 پاشانک مرضی ایا مانده و غاتنه مهره طالب اولدیفی و طر فدارلری وار قوتی با زویه
 گتوروب حصوله قریب سعبه اولدقلری و بعد مهر ابشیره کوندلرل کک کارها
 هفتی به بعض معاتبات و تعریضات ایلدیکی و صکره دفتر دار پاشا صدر ته عمل
 ایتدکده اختیاراهون قاعد سنبجه دفتر داری تقدیمه رضا و یروب اول عملده رأی بیله
 اولدوغی مقرر ایدی بوجمله دن قطع نظر مقدمه وزیر اعظم قره مصطفی پاشا عصر مراد
 خانیه صدارت ایچون بغداد دن کلبه قائم مقام اولان دلی حسین پاشا بوقدر مقبول
 پادشاهی و صاحب نام وزیر منیع المقام ابکن اصلا توجیهاته قارشیمیوب معظمت امور
 متعلق دفتر لری بیله ایچوب بعض خصوص مهم دردیو کندویه الحاح اولند قچه
 امانت صاحبی یا قنشدی انلر کلدکده کورلسون بز بر عارتی آدمز دیوب عباد اللهک
 دعوی شرعیه و امور جزئیه دن غیری بوشینه قارشیدی غزل و نصب و توجیهاته
 اصلا وضع قلم ایلدی بویله او صلوق واد بانه حر کنی ایچون هم پادشاهک و هم
 وزیرک هم جمله عقلانک یا ننده مقبول و مدوح اولوب قره مصطفی پاشا وقتنه قطعاً
 استئقال اولندی و ملک احمد پاشا ایسه قائم مقام اولدوغی کی وزیر کلبه صبر
 ایتیمیوب جمله مصالحه قارشیدی و سابقه صدر اعظم اولمش دولتو تعین وجودنه اعتناسی
 اولماین کیف مایشاء تصرفات ایدوب خواص صدارتدن اولان معظمتات توجیهاته
 وار بجه مداخله ایتیمشیدی بعض عاقل محرملری سلطانه ابشیر پاشا بی بلور سز نه
 مرتبه غرور و جبروت صاحبیدریو وجهله مستقل نصر قائمکره شاید مغیر اوله لر
 دیدلر نه بره آدم بز نه یه زنده بر زمان اول مقامک صاحبی وکیل مطلق دکلیدک پاشا
 قرنده ایشز کلدکده پسندیده اولین ایشلریمزی مرا ملری اوزینه تبدیل و تحویل
 ایلسونلر وزیر کلسون دیهمان بوستان ایغی کی او توروب بقالمی دیو جواب ویرمش و هر
 اموری اهتمام ایله کورمکه شروع ایدوب مال جمعده دقیقه فوت ایتما مشیدی وزیر اعظم
 ایله هم مشهری و نو عاقیوبه لداشی شکلمه هم طمینت ایکن بومقوله اوضاع و حرکاتلرندن
 دکلیر اولوب وزیر کلدیکی کی جواسیمس العیوب اولان فتانلر قائم مقام پاشا جزئی و کلی
 هر نه الممش ایسه مکر دفتر ایشلر اول دفتر وزیر ویرمشلر ایش برکون وزیر ملک پاشای
 چاغرب و ان ایلتی توجیه ایدوب و سرانیده کتمکه افن ویرمیوب همان وزیر سرانیدن اسکداره
 چکوردی و عقب سنبجه دفتر ایله مباشرت تعین ایدوب قائم مقاملقد تحصیل لیتدیکی اتمش
 کیسه اچیه بی بالتکام اول کون تحصیل ایتدیلر و او کیچه چاوشلر ایله ککبوزیه طوغری
 یوللیوب اتباعی تدریجاً عقیبتن ایرتسونلر دیو تنبیه اولندی موقوفاتی محمد
 افندیکه سابقا رئیس الکتاب و طالاباش محاسبه جی ایدی دفتر دار محبوسک نصب عینی
 و سن پرده ده معلی و مرشدی اولق اوزن مشهور ایدی و ملک پاشانک قائم مقاملغنده
 اولان امورک جمله سی انک رأیله وجوده کلسدر دیو مظهر غضب اولوب وزیر سلام

چاوشنه قالدیرشونی کورتور او طاکده حبس ایله دیدی سلام چاوشی بر تورک سترک
 ایدی منقفا جی افندی کل دیوب قالدروب اوطه سنده حبس ایلدی ربیع الاخرک
 یکرمی بشیجی جمعه کونی ایدی موقوفاتی حبس اولندوغی کی دفتر دار سابق ایدی قله یه
 گوندلرل کذلک رئیس الکتاب بولنان شامی زاده دخی عزل و حبس اولنوب جمله اموالی
 تفتیش اولنوب قبض اولمغه فرمان یازلدی و روم ایل بکربکیملکی پایه سیمله سابقا
 رئیس الکتاب اولان صدق افندی نکرار مقام ریاسته اعاده اولندی و طوب قبولی
 مصطفی اغالیکوز کیسه ویرمکی تعهد ایتمکین خلعت کیدریلوب خدمتده تقرر اولندی
 و باش باقی قوی ابراهیم اغا کذلک یکرمی کیسه ویروب منصبی مقرر قلندی امدادی برادر
 و دامادی قبلی جزیه داری آق علی محبوس اولدیلر و ترسانه امینی صالح چلبی مقرر قلندی
 سابقا ترسانه امینی اولان معمار مصطفی سنی استدلر نه خوف اوزن اولماین تختی اولدی
 غره محمد کتخدا ایسه حبسه قالدردی سائر ارکان دولت یوظالمانه بی پروا حرکتدن
 عموماً و هم و خوفه مبتلا اولدیلر و زیر ایسه دولتی تحکیم سودا سنده حرکات و سکناتی
 کمال وقار و عظمت یوزندن اولوب دائماً دیز چوکوب کسنه یه التفات ایتیز اصلا سوز
 سو بلر و زلوعلما و سائر مراتب صاحباری که علی حد هم اکرام و احتراملری شرعی
 و قانونی ادا بدن ایکن هیچ بر فرده التفات ایتیمیوب شاید بر رجا ایلله لو یارشی استنه یه لر
 دیوانه ساط وجهه کوستر میوب منقبض و متعصب او تورردی عل الخصوص هدیه سی
 اولماین و حصول نفع ملا حظه ایتدیکی کسه لر تقدیر عزیز و محترم آدم ایسه دخی اصلا
 آشنالقی ایتیمیوب چهره غضب و چین چین کوسترردی و خنده ایلدیکنی کسنه
 کورمشمیدی بومو وحش و باردا اوضاع اوار ایلله خلقی تحت القهر استخام ایدرم زعمله
 خواص و عوامی تخویف ایچون بویا بجه بر وادی طرح ایلش ایدی مجلسنه کیرنلر
 معامله مغرورانه سندن البته متکدر و منکسر چیقاردی و غروشی سکسان اچیه یه
 ند ایتدردی اما تقو و مختل اولمغه لغو محض اولدی و سکه بی تحکیم ایتزدن اول بومقوله
 تنبیه و منادیسی علامت حقه دردی یلر قتل دفتر دار سابق مونلی و موقوفاتی محمد افندی
 و غره محمد کتخدا مونلی دفتر دارک تفصیل احوالی بوکه مقدمه بار قاچکون وزیر کتخدا سی
 حبسندن چیقوب بر قاچکون دفتر دار جدید علی پاشا حبسندن یا توب صکره یدی قله یه
 کوندلش ایدی صکره یوار القند حسانی کوریلوب هر نه مالک ایسه خفی و ظاهر
 جمله سی انوب دخی مال مطالبه اولند قچه غیری بز اچیه قلدی دیو جواب ویردی
 بالاخره کثرت جرایمه بناء قتل مقرر اولحق والد سلطان حضر تلری طرفندن وزیر
 خبر کوب دفتر دار سابقک جمله مالی مصادن اولندی کندو بی قتل ایتسونلر بریره
 اجلا ایلله اکتفا ایتسونلر قله رضامن یوقدر دیمشلر وزیر بوشفا عتدن دکلیر اولوب آشکان
 قتل رغما کورمکه قره دن قهریسه نفی ایچون ناخیمس ایدوب خط شریف اصدار ایتدردی
 جمادی الاولی اوایی ایدی بر موجب خط هماین امر یازیلوب کیچه ایچنده چاوش باشی بی
 یدی قله یه کوندروب قهریسه نفی نامیله چیقاروب کندو خانه سنه کتوردی علی الصبح

بفر وقتنه يانته سكر نقر چاوش قوشوب اسكدان كچوروب قره دن قهر يسه كوندرك
 امرى اشاعت اولندي مورلى دردمند ارقه سندن سمور فراجه سن چاوش باشى به
 ووروب سفره مناسب برناقه كوركى آلوب كيدى اسكدان اوتنه حركت
 اولند قه چاوشلر اول نافه قوتوش كوركى آلوب برخد متكار چوقه سى كيد يروب
 بر جمال دابه سننه بندر ديلر يانته برخد متكار الله يم ديونياز ايد كوردى رضاي و يرم ديلو
 ونه بيه بويله در ديوب قاچ قوشا نغنه و جزمه كيمكه بيله اذن و يرم ديلر دل معبرنى كچدكه
 ارقه سندن اول چوقه يي بيله الوب ارقه سننه بر آرداود كبه سى كيد ديلر بومر تبه تحقير
 واز در آخرت سفرين ايتكه علامت اولدوغنى بچان مورلى ادراك ايدوب اغلامغه
 باشلدى مال و متاع دولت دنيا و اعوان و انصار بي نفع و بى و فاهب لغو اولوب دنياسى
 بي بقا نك افتخار ايد جك شيمى اولديغنى اولوقت فهم ايلوب آه جكر كاه حسرت ايدرك
 هر سكر قريه سننه و ارديلر روستا ييلر عير طه بشوروب كتورديلر چاوشلر يوب پاشايه
 نكليف ايلديلر برلقمه اكل ايد ميوب نيم ايشم بتدى ديوب اغلردى اندن كچوب قرق
 كچرط اغلرى ايچنه روانه اولد قلرند انا طولى به خدمته كتمش توبعدن برى كيف
 مالتفق قارشودن كلور پاشاسنى اول حاله كور يچك اياغنه دوشوب هاى افندم بوحال
 ندر ديو كريه يي اختيار ايدوب ارقه سندن كوركى و يروب كبه يي براقدردى پاشاسنك
 ارقه سنده قطنى اولغين دفع بردايچون حريفك قيامه سن استدى حريف صوبوب
 و يركنى چاوشلر صبر ايتيوب بره نه قيامه در دنه سن هايد كيدلم ديوب بار كيرينه
 قاچي باصوب كنديلر كويالسان حاله شمدى قره طوبراق التغه كيره جك وجوديكه
 قيامه تداركنه حاجت يوق كلامنه تلج ايتديلر طاع ايچنه چكيلوب كيدر لرايكن
 عقبلرندن ايكي بي امان تاتار ايلغار ايله كلوب ايرشديلر چاوشلره بر فرمان ابراز ايتديلر
 چاوشلر مورلى بي تسليم ايدوب كندو لركير و عودت ايتك بيورلش دفتر دارغوى
 ماجرايى تحقيق ايدوب قويننه بر حسن خط مذهب كلام الله و ايدى انى و جوهر
 بچاغنى و خاتنى و ذى قيمت اشپادن قويننه و قولتوغند هر نه و ارايسه تاتارلردن كز لو
 مشو ظالمه نصيب اولسون ديوب چاوشلر ك برينه و بردى و سكا و صيتم و اردرديه تها
 ره كوتوروب تسليم ايتدى لكن رفقاسى و تاتارلرشى و يرديكى فهم ايدوب
 استانبوله كلكه چاوش باشى به غمز ايدوب فقيرى سوال و جواب بلا سنه اوغراتديلر
 تاتارلر پاشايى آلوب كه سار ايچنه كيدر كن ايكي تاتار بي امانكه وزيرك كندو تاتارلردن
 ايدى كلوب دورت موكل مزبوري طاع ايچنه بولدن صبا بردن ايچنه كوتوروب ايندر ديلر
 هله نماز و استغفار اذن و يرديلر دن صويندن آبدست الوب بر قاج ركعت نماز قيلولوب
 توبه و استغفار و تضرع و تيازايدرك اولقد راغليوب الغنى يره سوردى كه يوزى و جبهه سى
 مالش زميندن صبر يابوب خون آلود اولمش ايدى اول طالع بچارنى قتل و سپارش
 اوزن بريار كنارنى قازوب دفن ايدوب اثرنى محو و طمس ايدوب كنديلر پاشاده دفتر دارك
 اندرون خدا مندن برى وزيره و اروب بر كچه جمالره ايكي غرايو كلوب كوندردى نره يه

كندوكى بلم ديدى جماللر كنداسى جماللر ايله احضار اولند قه اوغلان اول ايكي جمالى
 قعين ايتكه سوال اولندي مرحوم و مشهور روزنامه جى ابراهيم افنديك دامادى خواجه
 برادري على افندى مرحومك كنداسى اشكلك لقبيله ملقب بوسنوى حاجى احمد نام كسنه نك
 منزلته كتوردكاريين بيان ايتديلر مزبور احضار اولنوب و اولوقت روزنامه جى ابراهيم افنديك
 دامادى چلبى كلوب اولاد دفتر دار بوماده اخفا سنى كندويه نكليف ايتدو كين و كند و استبداد عدن
 ابلايدوب امين و مسلمان آدمدر ديواشكلى سوق ايتدو كن بيان ايدى واقعا اشكلكدن
 سوال اولند قه بلا تردد اقرار ايدوب ايكي غرار كوندردى دخى اول ربط ايله حالى اوزن طور
 ايچنه و اردر بلم ديدى غرار احضار اولندي ايچنه ايكي تحته صندوق هر برنه يكرمى بشم
 ميك التونين اللى بيك التون چيقدى جمله سنى طوغرى پادشاهه كوندروب پادشاهم
 استنه براچقه م يوقدر ديويين ايدن آدمك صاقلاديفى التون سائر اكاذيبى و خيانتى
 نچه اولق كر كدر ديه ناخيص ايتد كه بوجز الر مورلى دفتر دان مستحق ايش ديو
 يور ديلر و ايديفى سرايك دخى بعض مواضى حفر اولنوب يوز كيسه مقدارى تقود دخى
 انده بولندى و ملكى قوجه سى شعبان خليفه ده دخى سكرسان كيسه اچه امانت
 اولديغى خبر النغله بالتمام تحصيل ايتديلر شعبان خليفه اچيه يي و يروب كلوب دامنبوس
 ايتدكه وزير كندويه بومال سندن الناندرديدى بومهم عبارت معنى و يرمكه عقلا
 واز كيا عاجز قالدى حقاكه كلام بجل ايدى موقوفاتى مجد افندى كه رئيس سابقدر
 ساحد ارباشايه منسب اولوب بعد مصره كند كن اوج سنه اوب پاشا و حيدر اغا
 زاده ازمانلرند مصرده ديهان افنديسى اولوب صكره امير الحاج رضوان بيك و هوادارى
 اولان لشكر مصر اراده سيله قلعه ده حبس اولنمشيدى قفول حج قريب اولوب رضوان
 بيك كه جك وقتى يقين اولد قه اگر كلكه دن خلاص اولنرسه صكره محال ايديكى بلدكه
 مصر بچير يلر نك سرچشمه سى سوز صاحبى فضل بشد نام نخصه بر سوزيلور
 خد متكارى ايله يوز اللى فلورى كوندروب عيش و عشرت مجلسنه ايكى اولشدر رو بويله
 ديركه ديهان افنديسى محبوس مجد افندى سزه سلام ايلدى آخر الامر رضوان بيك
 كلكه بزي صاغ قومز شو فلوريجك يانمزه بولندى جلادله نصيب اولقدن سز
 بر قوجاق شهبازيكيت سز بزدن سزه هبه اولسون بارى روحزى خير دعايله ياد ايدرسز
 ديدى فضل بشه يي تقريب بومعامله مرحمت انكيزدن ايتا بر اولوب فلور بى الدى
 و بزدن افندى يه سلام ايله خير اوله ان شاء الله تعالى هجم الم چكمه سونلر ديوب
 ايرتسى مصر بچير يلر جمع ايدوب ديوان مصره و اروب ديوان افنديسى نچون حبس
 اولنو و جرمى ندر البته اطلاق اولنسون ديوب اطلاق ايتدرمش ايدى بعد استانبوله
 سياوش پاشا وزير اولد قه مزبوري حبس ايتمش ايدى قيوجيلر كاتى كه حالا دكر
 اوغريسى ديولر كابره رجا سى نافذ بر پيرمعتبر ايدى و سلطان كنداسى سياوش پاشادن
 مزبورى رجا ايدوب اوج كره اياغين اوپدى آخر بهى حسين افندى بندن يكا تمام
 اندرون همايون طرفى عدوى عايد را ولا سن بلنر ميسر ساحل ارباشازمانى قره مصطفى

پاشا ایله بیله یولینه شقاق و شقاق القا ایدن بود کلیدر منافقنی و دورا بواب ایدوب وارمیدی
 قیو وارمیدرسنک معلومک د کلیدریدی حسینی افندی ینه رجایدوب بهی افندم
 دورا بواب ایتدیکی وهر ایشنه قریشوب حرص دیناده افراطی مقررلکن براختیار آدمدر
 ینه امک اردر وایشنه یارار بعد الیوم برکوشه یه چکیلمه بادیله او تورسون مزی
 مامزی سزی و بالدن صاقتورم ناحق یه قانه کیر مک دیوب سبب تخلص
 اولمشیدی بدند نصبرکینه طمع خام بلا سیله متنبه اولیوب ملک پاشایه رئیس
 اولدقه جملة الملك و مقامه لازم اولمیان امون مصدر اولمشیدی نقل ایدرلکه صباح
 آتین اکرا بواب مفتی و صدرین و بعضی ایلر و کله جک موالی یه و دفتر دارلر و معزول
 و منصوب خواجکانه و اغواته واروب هر یار یوله دورا بواب ایدر مشن موزلی دفتر دار
 اولدقه اکا دخی تقرب ایدوب نقد وقت اولوب بر ساعت مفارقت ایتدی بلکه
 کیمه ل نصف اللیله دك محرمه محبتلر ایدرل دی ایشیره مهر کتد کد نصبرکینه
 موزلی نك وزارت اچون سعی و عملی موقوفاتینک تعلیم و تدبیر یله دردیو تهمت
 ایشلر ایدی کذلک قائم مقام پاشا اکتخاسی غوغا اغادی قوت و مالدار کسینه
 ایدی ایشیر پاشا تداخله اعتبار ایتیموب جملة خدمتلی سینه ابتدا سندن صاقتوب
 بوجه نقد ماللرینی الدقه خدمات متعدده تحتند غوغا محمد کتد مالک دفتر دار
 پیشین نامیله ویردیکی بشیوز کیسه هوا یه منقلب اولعله منکسرا خاطر اولوب
 سائر مغل و لر ایله متفقاً ملک پاشای یی یا خودد فتر داری وزیر ایتدر مکه بدل
 امواله قرار ویرد کیری محقق ملک پاشای وانه کوندر کد نصبرکینه وزیر ک غضبی مشتم
 اولوب محبوس اولان موفاتی یی و غوغا یی بر قایغه قویب قره دن قهر بیه نفی نامیله
 اسکدان کچوردیلر و بی غلام و خدام بر ربار کیره بندروب چاوشلر ایله از نیقه طوغری
 ووازه اولدیلر اشاء طریقده کیر و دن دورت لوند کلوب محبوسلری آلوب چاوشلر
 کیر و دوندیلر منقولدر که از نیقه وارلزدن اول اشاء طریقده غوغا نك توابعندن انطو لیدن
 کاور بکرمی قدر سو ایلر ایله بر اهل خدمت اغایه راست کاورلر اغا ایوب غوغا نك
 انکنی او یوب وافر سو یاشورلر موکلر درت نغردن غوغا اولما غوغا اول اغاغدن استیدان
 ایدر شولونلری دیه لیله وایکیمیزی دخی کنار سلامته چیقار لم دیدک غوغا موقوفاتی یی
 چاغروب کشف راز ایدر موقوفاتی مانع اولوب هنوز زنی قتل ایدر جکرمی معلوم دکلدر
 وقتلی موجب تهمت یوق مؤکلری اولدر مک قتل موجب تهمت درزم جرم صدارتی اخر
 اچون حصیه سعی ایدر یلر دیو وزیر یچد کلر یندر لا جحرفی الطلب قاعده سی اوزن هر کس
 تحصیل منافع سعی ایدر جرمه منع اولمز بوجرمز کرجک اولدیغی تقدیر چه نزه مشر عاقتل
 ايجاب ایتدیدی که همان اول اغامو قوفاتینک یوزینه حایقروب بره افندی سن مجنونه
 بکزر سن یوسو یلدریک خلطیات دشمنه کزک خاطرینه یله کلز هیچ دیناده مهر صدارت
 لمورینه قار شمدن بیه ک جرم وارمیدر و سزی یوله خدمتکار سز عریان و سفیل یوللارین
 آدمک مرادی نفی دکلدر استنبول قتل ایتدو کنه کیم ییلورنه ملا حظه سبب اولمشد

یوله جبار آدم تحت و فتوای استراستدیکی صورتیه سزک قتلکری تجویز ایدر جک تهمت
 و مستله تدارکنده عاجز لمیدر یوبی معنی سوزلری قوی بکامتابعت ایلك شو صار مجله لری
 شمدی تمزیه لم سزی الوب بر بانخیره کوتون لم دینانک حالی برقرار اوزن قالمز یو طوش ایله
 ایشیرک دولتی چوق سورمز سکره بر طریق ایله ظهور کلوب سلامت یولور سز دیدک غوغا
 رضاوردی اما چونکه اجلاری کلس موقوفاتی عناد ایدوب رضاوردی موقوفاتی مونلی
 دفتر دار طرفدار اولان مقربلر ربط قلب ایدوب بی قوتار لر دیو امیدوار اولدوغندن
 عنادا ایشیدی چکیلوب از نیقه طوغری کتدیلر احوال لری عینی ایله قودوز فرهاد ایله
 سلطان یازید قضیه سینه نظیر اولدی از نیقه وار دقلر نه عقبارندن ایکی شخص قتل
 یورلدی سنی کتوروب طوغری موقوفاتینک الله صوندی او قودقه غوغا ندر
 اول فرمان دیدک موقوفاتی آه ایدوب ایشیر پاشا آخر نه کند وایله حق دعواسینه
 زه تمسک کوندر مش دیدک بیجان غوغا وزیر اعظمه شتوم غلیظه و جر ویه اغاز
 ایدوب عقلنه کلان بد دعائی سویلدی موقوفاتی منع ایدوب سوکه بد دعایله البته
 انی بزم آر دیمزجه قتل ایدرلر ما قتل ایله جزاسنی یولمز همان الله تعالی اخر ته
 ایمان سز کوندر دیوب وضو و نماز واستغفار اشتغال ایلدی و اداء نافله ایدر نجه
 غوغا یی بو غدیله بعد کندی بی بیجان موقوفاتینک کردنه صالوب اول پیر امکداری
 و هر و دارالقراراتیلر ایاکی سینه از نیقه د فن اولندی اما و حیهی تحریری اوزن هر سکره
 بو غدیله و مزار لری الله اولمق اقتضا ایدر رحمة الله غوغا نك مملکی جملة میری یه
 النوب اشیاء اسباب و تحف و دواب سو قدیم و میری اچون قبض اولندی بعضیلر
 دیر لکه موفاتی ایله غوغا یی قتل ایتیمه سنی دیو بیجان اغا و یوسف اغا و سائر مصاحبلر
 سعی ایله خط شریف کلشیدی وزیر نکرار ناخیص ایدوب غوغا مرایانه حیلر ایله
 میری یی بش التیموز کیسه مدیون ایلشی برضا یندر اول مبلغ دعواسندن فارغ
 اولیوب دایم فساد سعی ایدر و موقوفاتی ایسه دایم وزرا محرمی و ملوک و وزرا ییغند
 اولان اسرار محرم بر مفسد در نفاقنک نجه دفعه دولقه ضرری دکلدی هر حال
 قتللری لازم دریدی تکرار قتلرینه رضای همایونم یوقدر قهر بیه نفی ایلیه سن دیو
 خط شریف کلکین قبریس نامیله سو یوب کند و حکمیله قتل ایتدردیکی اندرون همایون
 طرفی ایشند کد وزیر دکلر اولوب متکدر الخا طر اولمشلر شامی زاده دخی ریاستدن
 عزل و حبس و طلب مال ایله تضییقه ایدی بیکر غروشن دکر ممتاز ایلرینی و سمور کورکربنی
 و رختلر و سائر زرین و سیمین اسباب احشاشمانی باز ستانه دوکوب صاقتی
 و استانبول اولان ملک منزلی دلاله و یروب مراد ایتدردی التیش کیسه قدر
 کو حیلر تدارک و تسلیم ایدر ییلدی زیرابوکه موقوفاتی یه و غوغا کوندر قاج کرم
 کزیه اللقا صابره حله جلاد لری کلوب اسکیجه لاتی کوستروب عیاذ بالله تعالی اچیه
 کورک یوخسه بو اسکیجه لری ایدرز دیو تخویف ایدر لردی موقوفاتینک و غوغا نك
 جملة اشیاء سنی سویلدوب الوب بر شیلر قالد قدن صکره انلری شهید ایتدیلر

پس شامی زاده خوفندن نیمه مالک ایسه وروب اشیا سنی صاندی اساور
 بووضعندن دکنیر اولوب باقی ابشیرپاشانه مرتبه ظالمدرکدرتیسسه اثنوایی واونی صاندردی
 رئیس میوی به قارشیدی جرمی ندر دیر لرینی لسانه دوستورسه کر کدر دیو غصبه
 کادی اما ابشیر اتبا عندن وقرنا سندن شامی زاده نك چوق طرفداری واریدی
 زمان ریا ستند و زرا اتباعنك وسا نر لک خاطرین تطیب ورجا لینه مساعده
 ایدردی خصوصاً دوستن اورا قلدندن خرج المامق والدر ما مق کبی جزئی
 امور ایله جبر قلوبه سعی ایدردی و بعض مرتبه هدایا بدلی ایله ابشیر مقرر بلرینك
 خاطرنی جبراً تمشیدی انلر پاشانك یو غصبنی کوردکله یا سلطانم بر آدمدن آنچه استرسز
 تقو دموجو دینی ویردی دخی استرسز ضروری اشیا و املا کنی صاتمق اقتضا ایدر کز لو
 صائسه یوق بها سنه کیدر اشکان بیع من یزید ایله صا ترکه دکر بها سیله فروخت ایدر
 قصدی بودر انك جوابی بویه در که جمله ماملکی صا حب دولته ویر برم انلرک مواجبه
 ضرورتلری واردین بومالی و اشیا بی دولت سایه سنه قراندم ینه دولت اوغرنه
 فدای ایدرم سایه دولته آج قالم حیانه قالد یغمز فائده عظمی بیلورم دایم اسوزی بودردیو
 قیو کخذ الق ایتد کزنده وزیر یوسوزدن حظ ایدوب تهوری ساکن اولدی و شامی زاده به
 بوجلسی کز او اعلام ایتد بیلور اول دخی بر عرض حال یازوب کندویه اسناد اولمان مواددن ذمتی
 ابرایه متعلق و دفتر دارمونی ماده سندن خبر واکام یوقدر مالک پاشا و مومون لقر لکتره چندان
 رعیت و اعتبار ایتیزلردی مستشارلری غیر بیلر ایدی جمله نك معلومیدر دیو ایمان غلاظ ایلدی
 و دفتر دارمور فقیله مالک پاشا طر فندن قاطرجی او غلغه خطا بابشیر پاشا باغید ره رنه رجا
 و امیدک و اراپسه مساعده اولنور دیو کوندر یان امرده نهم معرفتم و رسیدم یوقدر خفیه مزور
 یازدیله دیو انکار و راء ذمت ادعا ایدوب عظیم یمینلر ایلش ابشیر غصبه تبسم ایدوب
 گورور میسنر شونی کند و بی صوجسنر چیقار مق استراصلتی بیلدی یکمزشیلری انکار و مظلوملق
 ادعا ایدوب بزی بلنرطن ایدردید که طر فدارلری فرصت بولوب سلطانم انکار و اعتداز توبه در
 قبا یحه مقرر اولمق جائز دکلر و مشکلر روز یاری عرض حال یازوجرایمه اعتراف اینسنه دیوب
 علایم عفو ظهون کادی زیر دفتر دارمونی لچین قتلله الله بلا سنی ورسون رئیسک اغواسیله
 پنی مهره طالب اولدم دیئش کرچک یلان لکن بوسوزی مباشر لر وزیره ایشندر دکلر نك
 شامی زاده به سو قصدی موکد اولشیدی اما طر فدارلری اولان شفعاحسن ترینه ایدوب
 دفتر دار ایله مختلط اولان رئیس موقوفاتی ایدی دیوب شامی زاده بی قور تار دیلر ووزر ثقیل
 مهمتی بیچاره موقوفاتینک بویینه صاردیلر شامی زاده نك تمام یوز مسکن کیسه سی النوب
 جمله ماملکی کتد کد نصکره او توزیک غروش قدر دوستلرینه و اتباعنه مدیون دخی اولدی
 برقا چکوند نصکره وزیر شامی زاده اچکون شفعاحسنه دیشکه کند و بی اطلاق ایدلم لکن
 استانبول طور ورسون دیلر سه حجه دیلر سه غیری یره کنسون جمادی الاخره او اخر نك
 اطلاق اولنوب اول ننبیه اوزن حج شریف نیی ایله اسکدرده اولان خانه سنه نقل ایتدی
 و خوفندن عارض و تقریر سن یلننک انحراف مزاج ایله مختفی قالدی هر نه طال ایسه

قتلندن خلاص اولوب بئل ماملک ایله تجدید حیات ایلدی و دلی برادر احمد اغا و امثالی
 و سائر محبوس اغار الیشیر یوزر کیسه جریعه ایله بند بلادن کوچیله قور تیلوب مال لرینی
 حائلرینه فدایتدیله سائر ممتولین و متعین اولان اکابر و اعیان بووضع ظالمانه دن متخیر
 قلوب ابشیرک عاقبتی خیر اولیا جفته جمله سی اتفاق ایتدیله و اکثر خلق بو مقوله
 اموری مفتی نك تعلیمی و دسیسه سیدر دیرلر ایدی حق کلام بودر که وزیر منلایه استیندان
 آیمک سزین برایش کورمزدی تمشیت اموره وزیرک اهتسائی اولد و غنله اربیب یوقدر
 تنه کیم تحقیقی ذکر اولنسه کر کدر نوروز سلطانی جمادی الاولی نك اون ایکچی سبت
 گوئی بعد الغروب شمس اول جمله تحویل ایدوب نوروز اولدی طالع سال میزانک
 یکر منی دن جبه سی ایدی شمس مشتری زهره عطارد جمله سی سا بعد که برج انتهادر
 واقع اولغله احکامی هلاک و زرا و مقربان و اغایان حرم خاص دیو استخراج ایتیشلر ایدی
 و زخل ثانی عشره ده سفبله ده مرغ ثانی عشره قوسیده یینه نرند تربیع نظری اولغله خاندان قدیم
 و سیوت اکا بر غارت و یغما اولغله دیو یاز مشلر ایدی وزیر قانون اوزر نوروزیه پیشکشی ایله
 صدارت پیشکشی جمع ایدوب بردن ارسال ایلدی بر سهند وایکی غیر اون آت که اوچنک
 دخی دیاده نظیری بولماز سراپا جواهر ایله آراسته ذهب احمدن معمول رخت و رکاب
 و غدار و طپوز و سائر زردوز بساط ایله مزین ایدی و سائر اجناس تحف و طرایف کونا
 کونین و بو یغمه لردن ما عدا بر عریه ده یوز کیسه لک فلوری و غروش کوندردی والده
 حضر تلرینه یکر می کیسه لک قدر پیشکشی ارسال ایدوب دارالسعاده اغاسنه و سائر
 عظمای مصاحبین و ساحدار اغایه و کدک صاخبارینه بر حجه کوندرمدی و وزرای
 سالقه دن عید و نوروز و سائر مواسم مستوفی هدیه لر و کیسه کیسه عطیه لر ایله
 معتاد اولنور وزیر جدید دن بووضع شدیدی مشاهد ایتد کزنده عقللری پریشان
 و بونکله طائر نیجه اوله جقدر دیو تفکرده قالدیلر طوبخانه اوکند بنا اولمان قلیون
 نوروزدن صکره تمام اولوب دریایه ایندر دیلر وزیر مفتی و وکلا جمع و یوم مشهود اولدی
 مصراع سفینه شه دریادل ایتدی دریایه تاریخی شعرادن بری سوبیلدی تبدلات
 اوخر جمادی الاولیه بولوی معزول اولوب یرینه مفتی زاده فیض الله افندی استانبول
 قاضیسی اولدی همور نوخط مخدوم ایدی قول طولا شوب رخ احوالنه تقید ایلید
 طولا کوستردی نظارت اوقاف مقدمه خط همایون ایله شیخ الاسلامدن رفع اولنوب
 بولوی مصطفی افندی به تفویض اولنشیدی حالا وزیر تاخیصی ایله بر مفصل خط
 شریف مفتی به کلوب سنه که شیخ الاسلام افندی سن اکر سلاطین واکر غیری عامه
 جمیع اوقاف نظارتی سکا توجیه و رایکه تفویض اولنشدر دیو بیورلش حقا که کوکب
 اقبال منلا بر مرتبه صاعد درجه علیا اولدیکه مثل سبق ایتما مشدر و بواشاده بلوک کابی
 قلدنری محمد افندی حنف افنه فوت اولوب و اوغلان شیخی دیمکه معروف اولان اقسرای
 شیخ ابراهیم اوخر ربیع الاخره فوت اولوب مراد پاشا جامعه نمازی قیلنوب مسجدی
 پیشکاهنه دفن اولندی بیوک اوغلانی پانشین ایتدیلر عصرینک منکر لری لسانندن اول

لقب ايله مشهور اولدى لکن معتقد اکابر رجال بر اهل حال عز يزایدی ومن انشاء بیست
سوزاسیسی سوزین آلور صورتی طیرا قده قالور حرکات ناصواب ابشیر یاشا و مبادی
ظهور فساد و بلا چون وزیر آستانه یه توجه ایتدی سیاه زور بالردن قتی چوق کسه لری
عموده و مواعیدی ایله با شنه جمع ایدوب کند و نک دخی صاریجه و سکه بانلری حد دن افزون
اویله گروه ایله کلشیدی و سلفه صد و رایدن عدم اتقیاده بناء پادشاه طرفندن خوفی
اولوب فی الحمله بکچیری زمهره سفدن دخی و همی اولغله بوقور خولردن تحفظه قفادار
اولور لر عیله بوقدر حشراتی جمع ایدوب کتور مشیدی و استانبوله کتور مسی ممکن اولمیان
صاریجه و سکه بانسی سیدی احمد پاشایه تحمیل ایدوب چتال باش رفعدن اناطولی
ویردی و شویله سپارش ایلدیکه بولون داتی اناطولی ایالتندن خدمتند و کوزت
طاغتمه بوقدمه بونلرزه لازم اولور دیدی سیدی احمد پاشایسه سابقا دو مراد خانیه
میر آخور لقدن و الی مصر اولوب کلدک قتل اولنان قیصر یلی احمد پاشانک مصر دن
کتور دیکجی جندی چرکس غلاملردن اولوب بعد سلطان ابراهیم ایامنه حرم خاصه برانچ
اغاسنی خنجر ایله اوروب قتل ایتکله حاجی پیری اوغلی پهلوان علی ایله ایکسی دفعه
مغضوبیا طرد اولمشلرایدی بعد ارغلی حصبیله قطع در جات و ضبط الویه ایدرک
امیر لایمر اولوب دلا ابشیر پاشا اناطولی ایالتن کندویه توجه ایتدک تقدیس استقیای جمع
سلاح خدمتن دخی کندویه سپارش ایتمشیدی منسللی واروب جور و ظلم ایله اول دیاری
خرابه ویردکد نصمکره شکایتجیلری آستانه یه کاورکن اشاء راهلر سیدی پاشا شکایت
کلوب منسلدن شکوایه کتد کارین خبر آلدقده کیمی دو کوب کیمی زنجیره اوروب عنفا
کیرویه دوندردی حنی ارارنده بر سیاهی به بشیموز دکنک اورمش ایدی کندوسی کوتاهیه یه
واردقده وزیرک سپارشی اولان لوند استقیاسنی ایالتنه پراکنده ایدوب جرایم و قبایح
صومرق و تفنک جمعی بهانه سیمله اللری نه بیوردلر و یروب مضاده اموال و تعذیب رجال
ایله ملککی خرابه ویردیلر بکچیری و سپاه و سادات و قضایه وائمه و صاحبان و علمادن بر فرد
حرمت و رعایت ایلوب در زنجیر ایدوب و ماللرین آکوردی وزیر استناد اظلمه افراط ایتدیلر
بوجه اوزن نعدی حدی تجاوز ایتکله کروه کروه عایا و عسکری استانبوله کلوب شکو
ایچون وزیر دیوانه کیدرکن بولی الوب داد و پیداد و فریاد ایله عنان کیر اولدی لر عر ضحاک لریله دیوان
پادشاهی یه کیروب ینه فریاد ایتدیلر طرف پادشاه هیدن تنبیه اکید ایله سیدی
پاشانی عزل و استانبوله احضار ایچون قیوجی باشی تعیین اولنوب اناطولی ایالتی کوز حسن
پاشایه ویرلدی کندلک بولی سنجاغنی و یوده لقی ایدوب کورد محله ویرمشیدی کورد ملعون
دخی کاشته لرینی اول دیاره کوندروب یکریمی یک انچه لک دعوادن ابکی یک غروش الوب
مدعی و مدعی غلبه زنجیره اوروب فقیرلی خاک نشین ایدنجه ماملکتی آکوردی دخی
انواع ظلم و تعدیسندن غیری ملعونلر حرم ناسه و اولاد و امر دانه تعرض ایدوب عیاذ بالله
تعالی نجه خیانت ایلدیلر اللهی یک غروشلق بولی منصبندن اضعا فی مرتبه اموال الوب
اول دیاری خرابه ویردیلر بولی خلقتدن بشیموز قدر رعایا استانبوله کلوب کروه گروه شهر

ایچره کزوب استکان بد دعا و دیوانه شده شکوایتلر یاللا خیره کورد محمد انصاف ایدوب بکا
هائید اولان شی قلیل بر لای اصلاح ظلما الد قلمی مال ایچون بن بویه بد نام اولق لازم
دکدر بولوب کیمه ویرسکوز ویرک دیوب بوقدر زینک غروشی اکل و باغ ایتدکد نصمکره بولوب
بر اقدی اخره توجه ایتدیلر کندلک حلب پاشاسی طیار اوغلندن حلب و انطا کیمه دن
وافر آدم لرشکا یته کلدیلر اولدنی ظلمه حلبی تمام ابلش کندلک وزیر قرق بلوک باشی نام
کاسه عقلی قرق و چهره عرض و ادبی صبرق بر سکه بانه اسکندن امکدارم و مخاطره کونلرده
یار غارم ایدی دیوا کر اما طرازون یکر بیکلک ویرمشیدی طر بزون خلقتک خشونتی
ولاز نا سازلرک دعوت و خیانتی معلوم بیایغی انصافله حکومه راخی دکلر ایکن قرق
بلوک با شیک جور بی اندازه سنه هیچ طاقت کتون میوب اوز رینه جهور ایله خروج
ایلدیلر مابینه قتال عظیم اولوب نجه نفوس تلف اولدی انلر دخی عرض محضرایله
کلوب شکایت ایتدیلر حاصل کلام وزیر ضعیف التدبیر توابعی قایر مق سودا سیله
بر آلاهی اهر منلری منصبه کوندروب هم عباد و بلا دی پایمال و هم کند و پی
لسانه دو شوروب مذموم اولدی جمادی الاخره ده وزیر ایله سیاه پیننه شقاق
دوشوب متر یورلر وزیرک وعد لطفنه اعتمادا کلوب قوری امید ایله بر ابکی آی
منتظر اولدیلر و عه و فاعلا متلری کورغدیکندن جمله سی دلکیر اولمشلرایدی
وحلی نکیه شیخ ابو بکر زاویه داری مصطفی دده و امثالی خیر خواهریکه مجلس
وزیر محرم ایدیلر کندویه نصیحت ایدوب سکا و احمد کدشیدن صکره پادشاه اطاعت
خالصه اوزن منقاد اولوب وضع سابق و عسکرایله تحامی و قورغق وادیلرینی ترک
ایلیه سن و سلامت بوند دردیلر یله وزیر دخی احتراز اوزن معامله ایدوب جناب سلطنته
کمال اقیاد و خضوع و هر نه فرمان بیوریا و رسته تمشیت مساعت کوسنروب قفادار صاندیغی
و خذلاته مراد لرینه مساعده دکل هیچ یوز ویرمز اولدی استبهری اولان ارادل هفته ده
بروز ترک یوزینی کوزه مز اولدی اسکند ارده و استمالبول خانلر نه خدمت و ولدش و مواجب
نهیچی انتظار یله بکلیوب متر اکم اولان سپاه چولی و طور بانی صاوب بر حبه یه مالک
اولد قلردن غیری وزیردن بو اکشی چهره یی کوردوب زیاده متالم اولدیلر و هر مجلس
بری بر لرینه بحر بزم قوتلر ایله وزیر اولدی سابقا و عالا پادشاه قاجندن واعداسی شترندن
بزم جایه مزله نجات ولدی بزم ایچون نه ایش بشا ردی و بوقدر وعدی و ارایدی
قنغیسنه و فالتیدی ابازه و کورد محمد و سائر شترندن خوف ایتدیک کدیله منصبلر
و یوده لقلر ویردی انلر و لایتلری بیقوب مال فراون قراندیلر بوند بویه آج و محتاج بکلر اول
حریرلرک دخی اتوب طومسی بزم ایله دکلیدر دیوب استکان ذم و قدحه و بد دعایه
باشلر یلر و فتنه و فساد بهانه ارارلر دی پاشا اناطولی سیدی پاشانک و غیری ولاتک
ظلمندن کلان شکاتله و هر ولایتک شکایتله سپاهیلرندن کلوب سید پینک و غیر پینک
صاریجه لری حرم لرینه قونوب بر باد ایدوب دیش کراسی نامنه بولد قلمی الد قدن صکره
حرم لرینه دخی ال اوزاند قلمی خبر ویرکرنده سپاهیلر دخی زیاده غیرت واضطرابه

دوشوب کتخداير ليني وزيره کوند رديار واروب دولتلو اهل عيال مز اوته بقاده صار مجله ل
 النده قالدی حازه برمر حمتك يوق باری بزه اجازت ويرك كيدم لم هر شيدن پكدك
 ديويث شكوي اينديلر ووزير دخی نه جواب وپره جكتي ببلوب اغار وويلد اسلر بوقدر صبر
 ايلديكز بر قاجكون دخی شود ونيما چيفجه يه دكين صبر ايلك بعد سرك احوال كز ايله
 تقيد ايدرزديه جواب ويردكده جمله سي ياس ايله چيقوب وزيره ووزر باره مشغو م ايدرك
 كتديلر بعض احوال بيلور اختيارلر ديديلر كه بو حريف مراد پاشادن قور قارد ونيماي صا ونيجه
 بزه مدارمد ارايدر صا وودقن نصكره بزه ياس جواني ويرروا شته لم يزي قتل ايدرم احوط
 بودر و معقول اولان بزم ايجون اولدركه بو عهد و پيماننه طور مز غداري دفع غوائل ايتكه
 امان ويرميبوب دولتي بر كشته ايدنجه چالسه لم ديواتفاق ايتديلر نفس الامر ده بشيرك
 قيمي بويله ايدى بعد انا طوليله لوندات زمرة سپاهك اموال و اشغالر يني تالان ايتديلر
 ماعد احر ماري نه تعرض ايدوب جمله سپاه لساندن بر قعه يه يازوب ياد شاهه صونديلر
 هر ضحلا لاري اوزرينه شرعله كور ايدوب مطالبى دفع ايله سن دي وخط هما يه ن يازوب
 لالامه وارك ديوجواب و بر مكله طرف سلطنتدن دخی مراد لر بجه يه زبوله مد قلردن
 هيظ و حيرتلى مترايد اولدى نكر از مرمه شكات ايله مفتي به واروب افندي انا طوليله
 اوندات ولايتلر يزي ظلمه خراب ايتديلر اولر يزه قزوب ميز با يلق مرتبه سي دعائيت
 ايتد بكمزدن صكره اخشام اولد قزوب نيز قاسق مخاسى كتورك ديوعورت طلب ايدوب
 عرض ناموس مزي بر ياد ايتديلر حتى رينك بالغه قزوب نه قصد ايتد كرنه قز كند وني صلب
 ايدوب صبا حيسى باباسنى اخذ ايدوب سن قزى نيم عناده صلب ايتدك ديوقتل مراد ايدوب
 ضرب شديد د نصكره برق جيموز غرو شنى الووب اوليله لقتديلر بوله بر قاج قضيه نصيحه نقل
 و شكات ايلد بلر مفتي افندي سمولته دفع واديسنه اغار لم چكمك اول ظالم لرك حق لردن
 كنوز تدارك كرى كور لشد بر قاج كون صبر ايلك ديوبا شدن صا ودى سپاهيلر لندن قلقوب
 بومذ كور اولان مظالم و قيايى بر كاغه يازوب زمرة بكتاشيدن اعانت واستنصاري شتمل
 برتد كره تحري ايتديلر و متعينا ريدن برى كوتوب اورتبه جامع و احطى حسين افندي يه بعد وعظ
 صونوب افندي شو كاغدى اشكان اوقى يولد اسلر استماع ايدسونلر ديدى واعظ كاغدى كوزدن
 كوروب بومصاحبت بربلد يكمره بزه متعلق معنى دكدر ديه ب كاغدى ينه حريفك الله
 ويردى كاغدى ويرن مكر او قور يازار قسمندن يوركى يا نقلردن ايتش خوفى قلد يروب همان
 اياغ اورزدن يولد اسلر استماع ايد بكموز ديوب بلند آوازيله كاغدى اوقودى انا طوليله اولان
 فسادات و بشيرين ظهور ايدن جور مظالم و غرامات عموم اوزن كاغده مندرج ايدى اگر چه
 اول كاغدن بر اتش فتنه علو لنيوب ايشيدنلر جامعدن طاعلديلر لکن بكمز بارلساننه
 و اوج قلر بيننه سوزد دوشوب هر كس حد دندن زياده كفته كويه باشلدى ستك بچيلرك كتر تى
 و سپاه كروهنگ بويله جمعيت و حر كتي اراجيفه باعث اولدى على الخصوص وزيردن مجروح
 و مغرور اولنلر كين محنته فرصت كوزدوب وزيرك زوالنى الله بدن استيوب اواع حيله و مكر
 تعاليله خلقى تحريكه مشغول ايديلر وزير ايسه استقلال دعا و اسيله ظم و رابتد يكندن

بر طر فدن مقرب شهر يارى اولنلرك خاطر مانده لكر يني بيلور دى انلرك مكرندن امين دكل
 ايدى و بر طر فدن قيو دان مراد پاشا كى بر اثر دد خصم افكن رقيبى اولوب آنى بر طريق ايله دفع
 ايتكه عاجز قالمشيدى و بر طر فدن مواعيد كاغده ايله الد ايوب كتوردى كى ارا ذلك رجال لرينه
 مساعده محال اولد و غندن اول زمرة عموم اكند و يه عدوى جان اولد قلر يني ادراك ايدوب بوقدر
 محذورات مشكله و بليات عظيمه اراسنه مختير قالمشيدى و حسن تدبير ده قادر اوله ميوب
 ساده عظمت و جبروت ايله خلقى قورقوب فساد لرينى دفع و تسكين ايدرم ملا خطه سيميله
 پرده غرور و نخوت و راسنه مبهور و مقبون اولمش ايدى و فكر ناقص مقتضا سنجه
 بر تدبير قبيحه ذاهب اولوب سيماني هي فتنه يه تحريك ايدنلر مايينلر نه بر قاج اسلر ليدر
 انلرى قتل و تخويف ايدوب قاجرسق سائر لرى برايشه قادر اوله مز لر ملا خطه سن ايتديلر
 پواتشاده زمرة سپاه باز يه و كوردنجد و امثالى سر قبالا نره واروب احوال لرينى بيلد رديلر
 و سزر لهر بر يكنز نا ئل منصب و مال اولد و كز بزم و ما بويله محروم قالدق يار ين باشكزه بر حال
 كلكده ينه بر سزر له لازم اولمز ميوز عال عالم بر قرار و وزير مقامنه پايدار اولور مى ظن ايدرسز
 الحاله هذه بزمه مز اولمكى اختيار ايتدك پاشا كزه احوال مزى سويلك كركسز والا هر چه
 باد اباد ديبيلار انلر تبليغه تعهد ايدوب قضيه يى وزيره عرض ايتديلر و سلطانم ممكن مرتبه
 يونلرك رجالرينه مساعده و فاطر لرينى تنظيم لازم روالا بوقدر تقوس يد خواه و ساعى بالفساد
 اولمق مشكل ايشدر صكره سمولته دفع اولتميه حق منازعظهور دندن قور قازديديلر و وزير
 ساده دل مهيا ايتد بكي تدبير كيمكى درميان ايدوب اغار بزم سپاهيلره ايتد يكمز مواعيدى
 حضور هما يونه عرض ايتدك مساعده سمنه اذن پادشا هي صدور ايتدى انحق ارال نده
 اوج دورت ادمى پادشاه مزه ياكاش اكلت شلر انلرك اخذ ينى فرمان بيورديلر بزايسه عهود
 و مو ائيقه بناء جمله سنى عيانت ايدرز كور لم انلرى بر حال ايتد كد نصكره دوتنماي دخی
 چيقاروب بعد جمله رجالرينه مساعده ايدلم ديدى بازه و كوردنجد و امثالى وزيردن
 بومو حش كلامى ايشتد كلى كى طشره اولوب هاى بونك بزه سوء قصدى وارد ريو
 طا ئفه نك اسلر لارى بزرزده اول اخذ اولنه جقلرده داخل ديوپ امن و راحتلى
 كيدوب وزيردن خوفه دوشد يلر بازه ينه رجال دولت ايله مخلوط احوال بيلور دم
 ايدى بو سوزر ييه و ده بيراق اولد يفتى بيلوب وجود و پرمدي اما كور مجد دوامثالى كه
 طاع ايو سى ايديلر و مظالم و مفسد لرى حصر و حد دن بيرون ايدى انلر بالكلية خوفه
 دوشوب وزير مجلسنه وارمز اولد يلر بوار القه اسكد ارخا نلر نه اولان وزير صاريجه لريله
 سپاه اراسنه بجه دفعه غوغا و نزاع اولوب بالا خره بر سپاهى صاريجه لرك سر چشه سنى
 عزيز يار كياشى يني بر مخفى محله كوزوب اوروب قتل ايتديلر شهود اولما غله دمى هدر اولدى
 بومادده دخی علاوه معادات اولوب كند كچه بينلر نه خلاف و شقاق زياده اولدى
 صاريجه لرسپاهيلك شرطيله كرين كوند رلكه راغب اولد يلر عاجلا بلكه مساعده اولنميوب
 اما كرينه وارلر سه و يرك شرطيله اوجيوز صاريجه و قاطر جى اوغلى صاريجه لر دن
 يوز صاريجه دوتنما ايله مامور اولوب وزير صاريجه لر ينك ايدى اوچر غرو شدن آلتى

ایلق وظیفه لر تقددر کیسه باوک باشیلرینه تسلیم اولوب هر برینه بشر غروش
 خرج راه ویریاوب قلیونلره تسلیم اولندی قاطرچی اوغلی دخی بنفسه دونما ایله مأمور
 اولدی اغراض مراد پاشا ازوزیر وایقراض فتنه وخی بک عسکر سابقا ذکر اولندی اوزن
 مراد پاشا بعض ملا حظہ به معنی ابشیر پاشایه غایبانہ طرفدارلق ایدوب آستانه به
 کلسیچون صدارتی ابقاسنه سبب اولدیغی مرور ایتشیدر ابشیر کلد که حرص وطمع
 مقتضای سیله کبر و غرور وزارت داعیه سیله مراد پاشانک خاطرینی کوز تیموب سابقا
 کتخداسی و حمله الملکی الاخوز محمد افندی که حالا دفتر امینی متمول بر خسیس لازیدی
 از نکمیه استقباله هدیه سزارد قلع یوز ورمیوب باوکباشی به ویرمیشیدی بوندن ماعدا
 استانبوله کلد که دلی برادر که مراد پاشایه منسوب ایدی سائر متمول اغاری مؤآخذ
 ایتد که انی دخی چیس ایتشیدی مراد پاشا خبر کوندروب دلی برادرک میو به ضایع
 اولان بو قدر یوز کیسه سی کندویه نأ دیب کافیدر مصدا دن ایسه ده الحق اولور
 خاطرینر ایچون اطلاق ایتسونلر دیور جا ایتشیدی اصغا ایتیموب او تو زیلک غروش
 جریمه سن آلوب دلی برادری دیونه کرفقار ایتد کد نصکره مراد پاشا طر محجون اطلاق ایلک
 یوخسه بن آکانه ایشرا اشلیمه حکمی یلور دم دیدی دخی بوک بکر ربارد معامله ایلله خاطرینی
 منکسر ایتشیدی بو مقوله نیچه ماده ده شفاعتی رد ایدوب درون غیظی اولدیغی دخی
 معامله سندن اشکان اولغین مراد پاشا بالکلیه اغراض ایدوب مغیرا طرا اولشیدی
 مراد پاشا ایسه تاسلطان ابراهیم شهمیدک وقعه سندن برونغین صاحبی ولامر ماوالله
 معظمه به منسوب وانلرک زیر نظر حمایه لرنده اولوب علوه متی مقتضای سیله وزیر اعظم
 اولشیدی و دائما اهدای مالیه و متابعت اوامر ایلله اول جانبه خدمت ایدر کیشیدی و تحصیل
 دائم بذل و انفاق دن خالی اولمغله اندرون و بیرونه قتی چوق احسان دیدی سی و ارایدیکه
 جمله اکا طرفدار و جاسوس خبر کد ارایدیلر ابشیرک ایسه اندرون و بیرونه بر منقر احسانه
 مظہر اولش بوق بلکه غرامت مالیه ایلله طرفندن مغدور اولش دشمنی قتی چوق ایدی
 مراد پاشا یوجمله نامنی آتش مشواری بلور وزیر اولوب علی الخصوص بوسالدن مقدحه
 روی دریاده خیل خدمت وجوده کتور مکه مدوح عالم و پادشاه یانده موقر و محترم
 اولشیدی بواشاده اندرون همایونه اولان طرفدارلری تقریبیلر پادشاه حضر نلری
 کندونی حضور همایونه دعوت ایدوب ابشیرک خبری یوغیکن شرف پایبوسه مظہر
 ایتدیلر بری بری اوزرینه ایکی خلعت سمور کید یروب لالا کور یم سنی دو تنما مورینه
 تقدیر ایلله سنه سابقه ده وجوده کتور دیکک خدمتدن زیاده سندن خدمت مأمول
 همایوندر دیو استمالت بیور مالریله مراد پاشانک شان و عنوانی اضاعف افزون اولدی وزیر
 ابشیر پاشا اولدن دخی مراد پاشایه استعقال ایدوب وجودینی قالد ر مغه سعی ایدردی
 کند وک خبری یوغیکن بوالشفات شاهانه صدورندن هزار مرتبه متالم اولوب حسد جلی
 وغیرت مقام دریا سنه طالوب و دقایق تدبیر اتدن غافل اولغین هوام هوام کی عداوتی
 اظهار بشلیوب اسناد تقصیرات ایلله زوالنه طریق بولمق خیالنه دوستوب ترسانه

مهماته لچه ویرمک وحوالات تحصیل اهتمامند قصور ایتک و مساعی مهم اولان
 امورینه تعویق و تسویق ایلله مغارض اولمق مثلاً و مکر و حیلله ایدوب دونما یی نیر قالد
 دیو ابرام واستبحال ایلله خبر لرنی کوند ر مکه باشلیدی صغیر و کبیر کند و به دشمن جان ایکن
 وزوالنه فرصت از لر کن مراد پاشا کبی توابع و لواحق چوق عالم لطفی کورمش والان لطف
 و کرمندن امید واراوند قلری ید غالب صا حی بر وزیر ایلله خصومت و اشکان عداوت
 گو ستر مک تقدربی معنی ایتشدر ملا حظہ ایدر مدی شعو و مامن ید الاید الله فوقه و ما ظالم
 الانسیبل بطالم مفهومی اوزن قدرت الهیه ابشیر پاشان اخذ انتقام ایچون مراد پاشای
 اوزرینه تسلیط ایدوب محازات بوصور تله ظهور کلدی بواشاده دونما چقمه سنک
 وقتی قریب اولمغله وزیر قیودان مراد پاشایه هر کون مباشر لر له دم کوندردیکه البته
 دونمادار کنی عاجلا کوروب چقمه تقید ایلسونلر الامهاتب او اور لر دیدن کید ایلله ننبیه
 ایتدیکه مراد پاشا مبطن و حیل اولمغله نیاز کونه خبر لر ایلله جواب و یروب باش اوزرینه
 فرمان افندی یز کدر لیل و نهار سعی و خدمتک یوز سر مو تقصیر یز یز قدر لکن دفتر دار
 پاشا حاضر نلری دونما مهماته اقتضای این لچه یی ویرمکه نأ خیر و تعلل ایدر یو ر بهر حال
 لچه به محتاجدر احتسار و کرم ایدوب بوقوللرینه ننبیه بیور دقلری ننبیه اکیدی دفتر دار
 بیور سونلر که انلر لچه یز نشدن والا بوقوللرینک خدمت و تدار کد قصوری یز قدر دیه جواب
 کوندردی بو خبر وزیر و راد قلع وزیر دروشتند اولان حسدی کتمه قدر اولوب پادشاهدن
 واروب ابکی کورک کیان لچه یی دخی بولمق ککر کدردیو اشکاره سویلدی وزیر مجلسنه
 و خدمتده اولنلردن مراد پاشانک جا سوسلری وافر ایدی اول ساعت مراد پاشایه
 یتشدر دیلر غیر ی عداوت آشکاره به چیقوب مراد پاشا کمر غیرتی میاننه بند ایدوب
 هر کون وزیر رساله به واروب اثناء مجلسنه مراد پاشایه خطاب ایدوب پاشابای حال بو هفته ننگ
 اچمنه دونما ننگ اخر اچمنه پادشاهنر محکم ننبیه ایتشدر البته تدار کتری کوروب
 چقمق کرسر صکره جوابه قادر اوله مر سز دید که همان مراد پاشا نخخ وزیرانه ایلله بو غاز
 ایرتایوب ایکی دیزی اوزرینه کلوب دلیرانه سلطانم الیوم تکمیل مهمات دونما ایچون
 درو تیوز کیسه مصرفه احتیاج وارد حا لامد ادا اولند لچه دونما چقمه امکان یوقدر
 دیوب قطعی جواب ویردی وزیر دیدیکه صد ار نکز ایامنه سعادت یو پادشاهنر درو تیوز
 کیسه استغراض ایدوب دین تمسکی ویرمش سز حلاله و ر تمسک کز پیشخته لرنه در
 بر قاج دفعه تحصیلنی بزه فرمان بیور دیلر خا طربکره رعایت ایتد بکمز ایچون استمهال
 صورتنه تعویق ایدوب شمدی دونما مهماته مشغولدر تصدیق ایتیمه لم بمقدارینی
 مهماته محسوب ایدرسک قصورینی دخی وقتیلله ادا ایدر لر عجله بیور لمسون دیو جواب
 ویرمیشدک حال بویه ایکن نکز اردونما تدارکی ایچون بن پادشاهنر دن لچه استمکه قادر
 دکلم و سکا بر کیسه لچه ویرم دینکری البته ادا ایتلیسز اول لچه یی بو مهماته صرف
 ایلک دید که مراد پاشایه سلطانم بن اول لچه یی مع زیاده ادا ایتشیدم لکن تمسکی
 طلبه جرأت ایدر مدد دیدی وزیر اصغا ایتیموب مهماته اول لچه یی حواله سوزلندن

خبري سوز و بلدي مراد پاشا خبر شناس ایدی کوردیکه وزیر مرادی اظهار
 عدوت در طرف سلطنت دخی کورک الباسیله تکریم ایدوب مهماته لازم اولان آنچه فی
 ویرمک وادیس اسکي تمسکی بهانه ایله صف التک تصویرینه قرار ویرمک در رضا
 تسلیم صورتی کوسستروب سلطام بوباید سزیدن بر مقدار اولسون تقدیمت امیدند
 ایدک که یک مضایقه حکمیه لم چونکه سز بویه فرمان بیوردیکر غیر لازم اولان مهماتی
 برتدارک ایدلم دولت پادشاهیله ماملکمزی اداء خدمته بذل ایدرز دیوب دفع مجلس
 ایلدی و برتدارک کوردیکه دو نماندن اول ابشیر پاشای مجرعه ده یوللیوب یرینه
 وزیر اولدی سابقا ذکر اولمشیدیکه ابازه حسن و کوردی و امثالی ابشیر پاشان خوفه
 دوشوب اسکنداردن بروچمزل اولمشلر ایدی ترسانه ده وزیر ایله بومنازعه مجلسی اولدوغی
 کونک اخشامنده مراد پاشا کیجه یله بر آدم کوندروب کوردی چاغردی ترسانه ده برتنها
 اوطه ده ملاقات ایتدیلر کوردی اچره کلدیکی کی مراد پاشا قیامده بولنش ایدی دامنبوسه
 سکرته کده مراد پاشا کوردی قوجقلیوب النندن اویدی ویننه الوب حددن افزون اکرام
 ایتدکدن صکره برکیسه ایچنده بشیوز فلوری چیقاروب بونی شمدیلاک قهوه بها ایلاک
 دیوبورینه صوقدی بعد بسط اعتد او تقدیم مرامه آغاز ایدوب محدا غاجم او غلم سن
 بریرا هادریکیت سن بزمک قدریک غیر یلر کی بلزاعلا بیلور زشمیلاک پک پریشانغیز
 وارد بوقدرشی معذور طوت و زمه کوکل برکنده اولوق کرکسن کوکل خوشلغی میسر
 اولور سه هر مراد بکره دخواه اوزن مساعده اولوق مقرر در وزیر عزا حوال بلز دوستلق
 اکلر آدمدر غائبانه بزم اکالید یکمزد میت و طرفدارلق عالک معلومیدر بلکه سندنخی
 استندک مورلی دفتر دارمهری الوب بونکه نفیر عام اولوق قوت قریبه یه ککش ایکن بزمانع
 اولدوغز معلومدر کلادن برو بوقدر احباب عرضک ماللرین الوب عرضلرینی بیقوب
 کیستی دخی احق یره قتل ایدی بر مادده بیه کندویه جامنر افذ اولدی شمدیسه بزی
 استنقال ایدوب کوندن کونه جور و جفای زیاده ایتکه باشلیدی سز لری و سپاهلری هزار و عد
 اطفاله بوطرفه معا کنور مسی پادشاهدن خوفناک اولدوغیچون ایدی عامه عالمی مصداق
 ایله پادشاهه خوش الوب خوفدن امنیت کلدی شمدی صکره رجالیسه مساعده دکل بر بهانه
 ایله وجود لریکری اعدام ایدجکی عندمزه ده محققدر بزی دو نمانده یوللد قد نصکره
 جمله کزک حقندن کلاک تدبیرنده اولدوغی بلکه سزه دخی معلوم اولمشدر
 دیدی کورددر و نند جابگیر اولان وسوسه بی مؤید بوسوزلری ایشندکده بویه فرصتی
 اللهدن استردی سلطام بوسوز لریکزر چکدر بوجمله مزی صماغ قومز و بونی جمله مزی
 بیلورز همان سز برایش کورک بن جان و ناس ایله خدمت ایدرم و جمله سپاهی کندومزه
 اویدرمغه تعهد ایدرم سز غیر خصوصلری کورک دیوب عهد و میثاقه استحکام
 ویردیاز نصف اللیلله کوردی ینه اسکند ان یوللادی ایرنسی کیجه میرید ماللری ضایع اولان
 مغدور لکه دلی برادر واق علی و معمار مصطفی سی و کورک امینی و صالح افندی بی و امثالی
 کیار اعیاندر خفیه دعوت ایتدی کیمی یالکر کیمی بر خد متکار ایله بر ستمدن کلوب ترسانه

اموالکتری کیجه بز متعهد اولور زانلرخ مشفق و منتظر اولد قلمری خبری ایشندکلمری
 کی کمال مطاوعت ایله علی الرأس والعین طرفدارلق و خدمتکارلق نه کون ایچندر مالز
 کیچ اولمزه ده کچرک همان شوغداردن انتقام اندوغین دونیا کوزیله کورسک دیوب
 جمله سی متفق و متحد اولمغه ایمان مؤ کد ایله قول و قرار ایتدیلر بوندن صکره یکچیری
 اغالغندن متقاعد قره حسن اوغلی حسین اغاکه اوباق خلغننده عقل و تدبیر جهندن
 نظیری کلامش خیف الجسم قوی القلب برداهیه ایدی لک دخی یوار القده ایکموز کیسه سی
 محو اولمغه ابشیره غیظ تامی و ارادی لکن مراد پاشا ایله بینلرنده مصافات اولمیوب
 چوق بیلور قوزناز تریا کیدر دیو سوزمزدی الخاله هذه اوجا غلک حاجی بکتاشی فتق
 ورتقه قادر آدم اولمغه انی دعوت ایدوب اغاقرنداش سزه اولان برودت وعداوتی درونزدن
 چیمقدق بعد الیوم اتفاق و اتحاد اوزن اوله لم خیل کیجه ک قره یه چالیدی بیلور زره
 اعانت و موافقت بولنورسک جمله کیجه کزی کیجه تعهد ایدرز دیدکده امر سلطانمکدر
 همان خدمت بیورک دیوب دامنبوس ایلدی اول مرشد کاردان بوجعیته منتظم اولمغه
 مراد پاشا ک یازوی تدبیر یقه قوت کلدی بوند نصکره مجروح و مغدور لر بومعا هله یه
 داخل و عموما یکدل اولدیلر مراد پاشا بوندار کد نصکره شعبان خلیفه بی جوف
 اللیلله یالینندن چاغرتدی تک و تنها کلدی اکدید یکدیقه آدم بن دولتلو والد سلطان
 افندی مکز چراغ خاصیم ابشیر پاشایی طشره یوللد قد نصکره مورلی دفتر دار
 ایتدیکتی سزه ایدجکنی بیلور میسر اول ایسه جمله دن زیاده مجروح ایدی درد ایله کریان
 اولوب یا فندم بزمه خوفیز بو دکلمیدرمور لینک سفده امانت مالی واردد بوماملکمتری
 اللدی شمدی خوفزدن خلق ایله کور شیمک دکل خانه مزدن طشره یه چیقلمز اولدق
 شرندن اللهه صغندق دیدی مراد پاشا مزبون روی دل کوسستروب ایددی وار قادن
 حضرت نرینه سلام ایله والد سلطان افندی مزره وارسون و بن قدیمی بنده سی اولدوغ
 و صد اقم معلوم دوله لریدر حالا وزیر علیهمز سغی اوزن در افک و افترا ایله بزه برتیمت و مکر
 فکرند درتدارکتری کوروب دو نمانده حقیقه یه دکن اوزریمزه حسن نظر حمایه لری اولسون
 حقمنر ده برخلاف و افترا انانخیص ایدرسه اعتماد بیور لمسون بز دریاه کتد کدن نصکره
 نه حالی واریسه کورسون زیرا جمله خلق بوندن رو کردان اولوب دور لودور لو
 اراجیف احداث ایدر اولدیلر بویه لیکه برکون اول چیقوب روانه اولیدق وسوء افعالندن
 خلقک عداوتی کوروب استنقال ایشندکلمری بی کناهلهر تهمت و افترا فکرند در
 سز دخی افترا سندن حذر اوزن اولوق کرکسنر الله اما تی مهید علیا حضرت نرینه تبلیغ
 اینسونلر دیو نازکانه اولطرفی یایدی شعبان خلیفه باش اوزن دیوب واروب زوجه سی
 ملکی خاتونی بوخبر ایله والدیه کوندردی بعد مراد پاشا قول کتخداسنه ولو جاقده
 اولان اتباعنه و چراغلرینه تعلیمی لازم اولان اموری ننبیه و نهفیم ایلدی مراد پاشا
 بومقدما ترزیب ایتد کد نصکره سلج جمادی الاخره ده ینه فرمان وزیر اوزن ایشند
 صعی و اهتمام کوسستروب باشدرده یه فنلری نصب و اوج کوند نصکره دو نمانه کیلر یقه

لوند یاز بسید بر رفته دهنه کمره فلاندره آپ خلق اوزن تنبیه و میدانه آنچه دو کوب لیل
 و نه بار پشمنده اهتمام کوستردی کویا بر قاج کونه دکن ایشین کوروب کتمک اوزن می شکند
 وزیره قرفان برلکی اظهار ایلدی رجب غره سنه خلق از اسنده بر اواز چقد یکه وزیر
 اعظم لوندی و سپاهیلری استانبوله کوروب یکپجری او طه لرینی باصد روب زمره
 یکماتشیه فی قیودیه چقد ر یصدانی خلقتک لسانته دوشور دیلر آتخدا بیک تنبیهی
 اوزن او طه لک طشره قبولینه کاربان سرانی مثالی انور دخوانی منع اید جک رنجیرلر
 استیلوب قفلار اصد بلر که هیچ معهود معنی دکل ایدی در عقب ابشیر اسکند ان کوب
 فرا اید جکدر دیو بر اوازه دخی چیقار دیلر بو خبرلر بر وجهله شیوع بولد یکه عامه خلق
 اسواقه و اکابر او طه لنده حتی اطفال و نسوانه و انچه بون سویلر لدی عالم بری پرنه کوروب
 وحشت عظیمه به مبتلا لوندیلر بواخبار کاذبه جمله مراد پاشا طرفندن اولنلرک دوزمه سید که
 وزیری شاکر و ب او جاق ایله وزیر بیننه برویت القاسیچون احداث ایدلردی
 جمعیت سپاه و قتل ابشیر پاشا و نفی مفتی ابو سعید افندی و صدارت مراد پاشا و مفتی
 شدن حسام زاده عبد الرحمن افندی ماه رجبک اولنلرک کورد محمد اسکنداره وزیردن
 مجروح و مایوس اولان زمره سپاهی کندیویه اویدر و ب مراد پاشا ایله عهد و میثاقی
 سویلوب ابشیری وزارتدن قالد رسق مراد پاشا جمله رجا لر عزمه مساعدتیمکه متعهد
 اولدی دیدی انلر دخی مجروح القلب اولغله فرصتی غنیمت ییلوب بولدی یا جمله مز قتل
 اولنور زیبا و ایشی یاشه چیقار ر زدیو اتفاق ایدوب کورده متابعیت ایتدیلر یکپجری
 او باغی ایسه ضابطلر به باغلو و در ضابطلر جمله به ایشه قرار و بر مشر حدوت فساد
 منتظر اولدیلر جک ایکنجی سبت کونیکه کورد محمد سپاه کتخدا لر لری و زو بالردن
 بشیموز قدر آدم ایله آت میدانه واردیلر نظام دولته و رفع مطالبه متعلق سویاشه جک
 سوزلر عزم واردر یکپجری یولد اشلری کلسونلر دیو او طه لره خبر که یلر دیلر او طه با شیلر
 نفر لری او طه لره قیایوب صورت معامله منع ایدوب یولد اشلر عیمدر بر آ لای لوندلر
 اواسنه و ارمق سزله لایق دکلدرار کانسزلق ایتک دیه تهدید و منعی تنبیهلر ایلدیلر اما
 جبه و طرفندن مکرر آدم لک کلد که نفر او طه با شیلری دکلر و ب کروه ایله طشره اولدیلر
 و کر چکدن منع صد دنده اولان مبتدی او طه با شیلری اموزلیوب قلغا تلرینی یارلدیلر و هر
 او طه یلر اشلری او طه با شیلرینی زور ایله اوکلرینه قاتوب میدانه کلدیلر کورد محمد افسانیه
 با شیلوب یولد اشلر بقدم الایامدن پرو یولد اشلر و قردن اشلر ایکن مابینه منافی
 کوروب ارامزه لایق او لیان فساد لر ظهور ایتدی مضی ماضی بز جمله دین
 قردن اشلر بیوزو پادشاه قوللر بیوز خالا عالم ظلمه شویله اولدی اوتنه یقا الدن کندی
 شویله اولدی بویله اولدی دیو یو قارودن بر و سویلنسان سوزلری سویلیدی
 حال بو مقوله مظالمی دفع ایتک و دین و دولت امورینه نظام ویرلکه متعلق
 تدبیری مشورته کلدک سویاشه جک خصوصاً و اردر اغالریکنر و ضابطلریکنر
 پوتنه یوقدر معقول بودر که بر و اروب سزک اغالریکنری و ضابطلریکنری اولردن چیقار و ب

کتون لم و سز و اروب بزم ضابطلری عزی میدانه کتور مک کر کسز دیو نیجه مقدسات
 بسط ایلد کدن صکره جمله سی پک معقول دیدیلر سپاه زمره سی و اروب بیک جان ایله
 میدانه کلمه طالب اولان یکپجری ضابطلرینی صورتاجیر و قهر ایله قالد روب یکپجری
 طائفه سی دخی سپاه اغالری و ضابطلر و تمینلرینی میدانه کتور دیلر ایکی او جاغک
 ضابطلری و اغالری تمنع کوستر و ب یولد اشلر عیمدر و جمعیت ممنوعدر افندیلر عزمه
 عرض ایدوب بر حال ایدرز مساعده سنه متکفلر دیو علی ملاء الناس طایقرو ب مدافعه
 و ممانعت کوستر لر دی یولد اشلر ایسه خیر البته وار سز و سز لری زور ایله کتور ر زدیو
 هجوم و کسا کشار و طوپار لیه بوقیافته جمله سن جمع ایلدیلر حتی بوقته کلمه حدوت
 ایدن فتنه لک اکثرینه جبهه جی داخل اولمش دکل ایکن انلر دخی ایشند کلدی کی آدم وار مژدن
 اول عمو مان اتوب کلدیلر عموم عسکر ضابطلریله حاضر اولد قلدن سپاه کتخدا لر لردن
 براغزی چلکلی حریف ایاغ اوزن طور و ب یکپجری و سپاه بیننده مر و ایدن برو دتی دفع
 و یایکی قول بری بر لیه متفق اولد قلد ترتب ایدن قوت و منفعتی تفصیلا تقریر ایدوب
 طرفینک دروغده اولان کینه قدیمه فی بالکلیه فراموش ایتدردی و یلد اشلر یرنق
 دکش پک اولور بعد الیوم بری بریز ایله کالاول سیمه صاف قردن اشلر اولم و صدق ایله
 اتفاق و اتحاد ایدلم دیدکده جمله سپاه یل بلی یکپجری او جاغیله قردن اشلر ز اولان
 اولدی کیدن کندی بعد الیوم اتفاق زده ثابت قد مز دیب کلبانک قویار دیلر یکپجری
 او جاغندن دخی مشکل قیافتلو پیل اندام بر اوجاق اختیاری ایلر و کلوب سپاهیلری
 مخاطب طوتوب ایکی او جاغک بار شمسنه و اتفاقنه متعلق طول و دراز بر افسانه بسط
 ایلدکده یکپجری زمره سندن دخی بلی بلی اوله در سپاهیلر بزم قردن اشلر عیمدر و صادق
 یولد اشلر عیمدر مضی ماضی مر و ایدن وقعه رخا طر لردن جمله اخراج اولنوب بار شمسزدن
 دیو غریو و کلبانک قویار دیلر بعد بویایکی پیرال قالد روب او جاغیله یارلغنه کور کلبان
 پرکننه فاتحه دیوب فاتحه او قوندن صکره اول ایکی قوجه قور جاقلشوب او بشدیلر
 و ایکی طرفدن کلبانک چکیلوب ایکی او جاق بر بر لری ایله سیمه صاف اولوب بار شدیلر
 بعد لایالی شکند بریره کلوب مشورته با شدیلر سپاهیلر در و نلرنده اولان احوالی
 میدانه دو کوب اناطولییه اولان مظالمی و لوند اشقیاسی اللرنده عیاللری اسیر کی اولوب
 عرض و مال غرامتیه متعلق اولان قضیه لری وزیرک طشره ده و آسمانه ده اولان مظالمی
 علی حده بیان ایتدیلر اول بر زمره دخی تصدیق ایدوب بل طشره ده اولان مظالمه بزده
 مطلع اولدق و بونده اولنلری کوردک دیدیلر بعد دیدیلر که بونله ظلم و تهدی و جور ایله
 ظلمه فی مالک اسلامیه به تسلیط و بلاد و عبادی تخریبه سبب اولان وزیره شرعانه لازم
 اولور اید و کنه اطراف علماسندن فتو الالدق موجب اجرا اولنق لازمدر دیوب وافی
 فتو ال بریشل قماشه یاشدی یلش چیقار و ب او قودیلر یکپجری لر دخی معیت کوستر و ب
 بزده سز کلمه بز بوفتو لک مضی و نلری اجرا اولنق بانه جمله مز سعی ایدرز دیو اجراسی
 مراد لری اولان نجه نجه افراض فاسدن لرینی ایراد و نعد ایدوب جمله صرف مقبول ایدرز دیو

قول وقرار ایند یازو جهله نك اتفاقيله كورد محمد صاحب كلام تعیین اولنوب هر نه خصوصه
 متعلق سوز اولور سه جهله نك طرفندن سن سویله دیوانی صدر مجلسه کتوردیلر
 کورد محمد وارک مفتی بیوزایه کتورک دیورکروه آدم کوندردی مفتی افندی نك حقیقت خالندن
 پر خوش خبری یق عجب جمعیت نجه اولدی دیگر نك ناکاه اول کروه کلوب خانه سننه طولدی
 بر قاج اختیار افندی یه کیروب سلطانم یکچیری و سپاه اوجاقلری علی العموم آت میدانه
 جمع اولدیلر جناب کیره سلام ایندیلر شرعاً بعض خیر لو مصاحته متعلق سوز لری وارد
 تشریف کتری رجالی در لرحالغت متعسر بالضرور مفتی افندی سوار اولوب میدانه واردی
 قیام واکرامدن صکره بونلر تفصیل احوال لری مفتی یه سویلیوب البته واروب صد و
 اعظمی یوزایه کتور شرعاً دعوا من وارد دیدیلر مفتی یو یکلیف عینی تخلص جان ایچون
 غنیمت ییلوب اوغلار سوز لربکر کرچکدر اجرای حقه تقید جهله مزه واجبد ربن واروب
 وزیری کتوریم دیوب مهله کندن صیرلدی طوغری وزیر سراینه واروب کیفیت
 احوالی ییلدر دکن اول وقت غافل دولتلو نك کوز لری خواب غرور و غفلتدن بیدار اولوب
 های افندی بونه اصل سوز دینی یا نار آتش ایچنه می کتورسلک کرکدر پان لک می
 استرسن دیوب مفتی بی سراینه البقودی کورد محمد سبت کونی کلوب بوفتنه بی قینادوب
 بازار کونی شیخ الاسلامی کتوروب وزیر کوندرد کلرنه وزیر قضیه بی پادشاهه تاختیص
 ایدوب دفعی رجالی دی پادشاه عالمینه حاضر تری ترسانه با نجه سننه ایدی طرف
 پادشاهیدن قیو جیله کتخداسی جمعیه واروب مراد لری ندر حضور مه اعلام ایدوب
 کند ولری طاعلسونلر فرمانی تبلیغ ایندکده کورد محمد بندن قلقوب امر پادشاهه کدر
 حضور همایونه یوز سورمک رجالی در ز عر خالمن وارد مساعده یوز رسون دیدی بر قاج
 دفعه آدم واردی کلدی ماموللری وزیرک ازاله سی ایدی مساعده اولندی اول کون اخشام
 ارشمنین ابوالقنن و مرجع الدهاة مراد پاشا طرفندن نهمیه ایله یکچیری سپاه ضابط لری
 واغالزنی واشبهلرینی او طه له توزیع ایدوب قونق الدیلر اطعام واکرام ایله مراسم ضیافته
 رعایت ایندیلر اول کیجه سپاه یکچیری او طه لرنه جبهه جی وطوبی و سائر نفقات میدانه
 کیجه لدیلر جمعیت ایکی کون مقامی اولوب خبرلر واروب انخلالنه سعی اولند قچه مفید
 اولیوب کتد کچه چوغالوب ایکی کیجه یکچیری او طه لرنه مسافر قالدیلر مراد پاشا ایسه
 ترسانه ده اصلا برو جانبه قولاق قبار تمیوب دونمام همتانه دامن در میان ایدوب خدمتده
 ایدی جمعیتک یکجی کونی پادشاهه خبر کوندروب سرای همایونه تشریف لری معقولدر
 د نیمکله وقت عصر ده قایقلر ایله سرای عامر یه نقل یوردیلر قیودان مراد پاشا عظیم
 طوب شتلیکی ایندردی قول کتخداسی مصطفی اغا ابشیرک طرفنده واحسان دپه سی
 اولغله جاسوسی کلوب خبر کتوردیکه سکاسو قصد واردر ابشیر پاشا نك معینیدر
 دید کلرینی سویلدی اولدخی تبدیل جامه ایله اختفایدوب جمعیه وارمیش ایدی آکا شاه
 مصوبی باشی کچه جی اوغلی محمد اغا قول کتخداسی اولوب طور ناجیلمدن مغزول
 اشجی علی اغا مصوبی اولدی محضر سلیمان اغاده مخفی اولدی او جی کون علی السحر عامه

هسکر بحر مواج گی چالقبوب ولات ولوندات ظلمندن استانبوله دو کلوب کل رعایا
 و فقر او شکار کتخیلر باشلرینه خصیر یا قوب عسکرک او کتده دوشوب داد و فریاد ایدرک ات
 میدا نندن قلقوب آت میدا ننه یور ییوب قبه آسمانی ولوله ایله برصد ایندیلر و عیله
 صبحدن صکره شهر قیولری قیابوب دخول و خروج منع اولندی آت میدانه وارد کلرنه
 بر رقه یازوب ابشیری و کتخدایکی استرزدیور بر اختیار ایله حضور همایونه کوندردیلر
 رقه لری و عیله پادشاه نصیح و پند ایچون یکچیری اغاسی کنعان پاشای کوندردی میدانه
 کلوب سعادت او پادشاهه یوردیلر ابشیر پاشا لالا مه غیری برده منصب و یروپ دیار
 آخره کوندردم مهری غیری یه ویرم اوجاقلرینه متعلق و سائر جالینه مساعده اولنور
 طاعلسونلر یوردیلر یو تبلیغ رسالت ایند ککر جهله سی قیام ایدوب پادشاهه خبر دعای
 ایندیلر فرمان پادشاهه کدر اما ستر پیرماه قرق اسامه محلول استیوب او طه با شیلرنا چار
 قالمعه صاع یولد اشک اسامه لری محلوله ضبط و ویرملرله بقدر یکتیری چالق و نامر ادایدن
 طاعلم دکلیسن بره اورک دیوب هجوم ایندیلر کنعان پاشا آت یو بیمنه دوشوب طولودز کین
 کوجله سرای همایونه جان آندی اول وقت فتانلر اسانندن بر خبر شایع اولدیکه مفتی
 افندی ابشیر ایله متفقدر سپاه و یکچیریدن باغی اولنلرک قتللری لازمدر دیمش اوله بو خبر
 هسکر اراسنه دوشدو کی کبی ره ظالمک یوکی مفقیدر ابشیر به بقدر ظلمی تعلیم ایدن اودر
 پوانی وزیری کتورمه کک کوندردک اول واروب وزیر سراینه قیاندی حقمر ده فتوی ویرمک
 تدبیر نه در مفتی بی دخی استرزدیکه با شیلر یلرونکر ارحضور همایونه آدم کوندروب وزیر
 و مفتی بی و قول کتخداسی استرزدیدیلر ار لکن مراد پاشا عیار لرنن نجه فتنه کار لر غوغا
 قارشدر مق ایچون بره بوند نه طور رسوزر اسکدر اده اولان لوندلرین برو سراه یکروب
 سلی سیف ایدوب جمه وری قرا جقد رصدا سنی خلق اراسنه قیو یوردیلر عسکر یو صدای
 ایشتم کلری کبی جو شته کلوب او بزم اوزنیزه کلزدن اول بزا نك اوزنیه وارن لم دیوب وزیر
 سراینه طوغری یوریدیلر جمعیتک آخری هنوز میدانه ایکن ایلروسی وزیر سراینه واروب
 ایچره هجوم ایندیلر مکر وزیرک اتباع و غلامی نیر و تفنک ایله حاضر طور لر ایش اوق سر یوب
 و تفنک بو شادوب هجوم ایدنارک بر قاجنی مجروح ایند کلری کبی سائر لری کیرودونوب
 تحقیق بونک مرادی بزمه محاربه در دیوب اکثری سلا حسز بونلغله جهله سی آلات
 حرب ایله سلا حاقق ایچون دوندیلر سلا حی اولیا ناره تیغ و کتده تفنک و بانته و محاق
 تدارک ایدوب توزیع ایندیلر ازیب جانب وزیر دریای حیرته مستغرق نه ایشلیه چکن
 یلر ایدی مفتی کندیو یه خطاب ایدوب دولتلو بونلر نه طور ورز اتباعه و ار نجه خلق
 سزدن رو کردان اولدی طرفدار اولسه لریله عسکر سلطان ایله محاربه محالدر عسکر
 سلا حنبوب شمدی کلور لر حال مشکل اولور دیدکده افندی نه ایشلیه لم دیدی یورک
 پادشاهک یانه یولنام سلامت انده در دیدی ابشیر پاشا کتخداسنه نگاه عجز ایله با قوب
 عجب اقر شویه کچمک و بر طریق ایله اسکدر اده بونلر ق مکنیدر دیدکده کتخداسی سلطانم
 اول تدبیر لک وقتی کدی شهر قیولری باغلودر همان شیخ الاسلام افندی نك دیدوکی

گهی سرایه و ارمق کرکسزدیدی تورکجه بلنر بهادر ساحد اری و از ایدی اسکی امکدارگی
ایدی همان خشونت ایله اورتایه آتیلوب اسکیدان کچمک فکرینی اول تدارک ایتک کرک
ایدی قایچ باشی اوزرینه کلدن یو طره بی طویعیان آدمک حالی بودر سرایه وار سکمه
پادشاه و سرایه اولنوسنک صاعلغکی استیه جک دکدر بر وزیر ایچون عسکره قرشو
طوریورمی آخرت یراغنی کور دپوب فرلایوب چقمش وزیر اوغلانک سوزندن
متاثر اولوب افندی قالدی سرایه کیده لم شو اوغلان قدر رشد و عقلمیز یوغیش خدمت
ایله لم ملاحظه سیده جمله خلقی کند و مزه دشمن ایتشمر امر الله کدر دپوب ناسف کنان
سرای همایونه کتدی یلر وزیر چقمکدینی کبی عسکرک کله جک خبری دخی ورود ایتکله اتباع
وزیر پراکنده و پریشان اولدیلر یارم ساعت کچمدین یغما کران عسکر جرادمشیر کبی
سرای وزیر طولوب یغمایه باشل یلر یوقدر سنه دن پروا بشیرک جمع وادخارا یتدیکی
ومهره نائل اولدن بروجع ایلیدیکی بیحد فلوری وسائر نفود و جواهر و تفاریق و اتمعه
و فغفور و سمور نوادر لکه حد و حصردن افزون ایدی عموما یغما و تالان ایتدی یلر هر شخص
کو تون بیلدیکی قدرشئی الد قد نصبره جمال واری ارقه لینه تحمیل ایدوب اوله کوتوردیلر
ابشیرک خزینه کاتبی محمد چلبیدن منقولدر قبل الوقعه وزیر فلوری دفترین استدی دورت
یوز بیک غرو شلق فلوریسی در خزینه اولدیغی عرض اولند قد یوز کیسه لک فلوری
ایروب حرمه کوتوردی غالباً سلطان حضر ثلینه همه ایتش سلطان عقلا دن اولغله اول
فلوری بی کند و نفود و جواهری ایله دفن یا خود بر آخر یره نقل ایتدی دیرلر یوز بیک غرو شلق
فلوری دخی دورت مختصر صند و قهیه یرلشد یروب ربط ایدوب دهلیزده بر نقل آسان
یره وضع ایتدرمشیدی ایرتسی غائب اولدی کیم کوتوردی و کیمه ویرلدی معلوم اولدی
باقی قلا بوقدر تحف و نوادر و نفود یغما جملر الله تالان اولدی دیو نقل ایلدی خلاصه
کلام وقت عصره دك کار یغما تمام اولوب وزیر سراینه قوری حصیر سیله قالدی اندن چیقوب
مفتینک خانه سنه وارمق استدی یلر لکن شکارین الملر کتم و اخفا ایچون پراکنده اولوب
اختشام دخی قریب اولغله اول ایشی ایرته یه الیقو دیلر اول کیمه علی العاده سبب هایار
یکچر بلرده ضیف و سائر عسکر میداند یاتوب ایرتسی برکروه مفتینک خانه سنی یغمایه
واروب یوزاللی سنه دن بروخاندان خستجاند مد خراولان تفایم و اتمعه و بساط و کتب
بقیسه و تحف و نوادر نایدی آن واحدده تاراج کرده دست بی ادبان اولدی منقولدر که رفع
وتله قابل اولان اشیدان اثر قالد قد مندرلری پان لیوب یول اورتا سنه براغوب محزنلرک
تیمور قبولرینی و بجزه لرینی و صویرلرینی و بعض سقوفک قورسئونلرینی حتی مفتینک
کتابخانه سی و مخصوص اوطه سی اولان مکانک صد فکاری و خلکاری دولاب قباقرینی
قویاروب کوتوردیلر حرمه اولان نسوان مهماتی و بساط و آوانی یه وارنجه غارت
ایتدی یلر سرخوش اراذل غارت ایتدکاری اشیایی یولدر راست کلد کرینه جزئی بهایله
فروخته آدم آرلردی عسکر بوفساده جرأت ایتدکن صکره کتدکجه جمعیتلری
کثرت بولوب مراملرینه مساعده اولنقمنزین دفعلری رتبه محاله واردی ازین جانب

ابشیر پاشا و مفتی سرای عامره یه وارد قلندرک حصیر همایونه داخل اولدی یلر سائر روز او علما
جمله دعوت اولنوب عقد مجلس مشورت اولنمشیدی دفعاتله رفعلر ایچون آدملر واروب
اصرارلرینی حصیر اعلام ایدرلردی لکن مقصود دلری شتودر دیوزر و مفتیندن حجاب
و پادشاهدن خوف ایدوب تصدیج ایدمزلردی ابشیر پاشا ساده دللک ایدوب پادشاهم
اندر فساد معتاد اولدی یلر مرادلری پادشاهه سهوه قصد در فرمان یوزک علم رسول الله علیه
السلام چقسون و جمله شهر خلقی جمع اولسون بوستانجیلر و سائر سرایه اولنر قوشانسونلر
اسکدارده اولان لوندات قایقیرایله سرای اسکله سنه کلوب چقسونلر و جمله سنک
حقندن کلنسون دیدی سابقه اولان جامع سلطان احمد وقعه سی کبی بلکه برایش کوریلور
ظنی ایتدی خبری یوق که بوجعیت یا لکر کند و ایچون ترتیب اولنمش ایدی عسکرید و شمرلیدن
و سرای خلقه وزیر یاز قدر لفظنی سویلر بر آدم یوغیدی پادشاه امی اولغله ضرر عامدن
ضرر خاص اهون ایدو کتی بلایوب ولوا رسول الله علیه السلام چیقوب امت محمد اولان
سبحاق التنه کلسون دیک اول وقت اولوردی که بر قوم خلاف شرع تجمع و تحیر ایتکله
خروج علی السلطان ایدوب خواص و عوامک اکثری طرف سلطنته مطیع و محبت ایله
منقاد بولنمش اوله لکه مطیع اولنلر بجمع اولوب محافلیندن متمیز اوله ل جمع اولان مطیعلر ایله
مخالفتینک اسنی صالنه اقتدار حاصل اوله امانع و بالله خلقک اکثری بلکه جمله سی طرف
خلافه بولنوب کبار و خواصک رأی و تدبیرلری دخی اناری نایدی منعطف اولدیغی صورته
علم رسول الله علیه السلام چبقارلسه ده جمله سی تحفته جمع اولوب عباد الله به نافع مصاحت
بودر دیوینه استدک لرینی ایدرلر خلقی جمع ایچون علم اجرایی حق و ابطال مظالم و ابطال
ایچون اوله کلشد اجرایی باطل ایچون اخراج علم اولنر خلاصه کلام جمهور عامه یه جواب
ویرلر جمع دولتمرده اهل سیف متفق اولد قد استدکاری اموری اجرایی کلشدر چون
فتنه متمادی اولوب وزیر و مفتینک سرائلرینی یغما ایتدکاری سمع همایونه القا اولندی پادشاه
حضر ثلری مضطرب اولوب بوجعیت و فساددن مرادلری ندر دیو سول بیوردیلر مراد پاشا
کوز او جیله قول کتداسی کچه جی اوغلی محمد اغایه اشارت ایتدی ایش بته جک محله کلدک
سویله شکلنه غز عین ایله دستور و یردی پادشاهک سوألنه حاضریندن کسنه جواب
ویرمیب و زراو علما و اعیان سرفرو ایدوب یره باقدیلر قول کتداسی خلقک اشاغیسنده
ایدی ال باغلیوب طور ردی مراد پاشاک اشارتیلر جرأت ایدوب ایلر و مقابله همایونه
کلوب دعا و نساد نصبره دولتمرد پادشاهم قوللری کتر جمله پادشاهمزدن خشنود و راضیلردر
انجق وزیر لالاک استمزلر دیوب ابشیر پاشانی کوستردی پادشاه دخی نه استمزلر دیدک
مفتی افندی بیله استمزلر دیدی بوندن مقد مجه ایسه طرف پادشاه هیدن فرمان ایله
واعظ ولی افندی جمعیه ککوندر لمشیدی مزبور ولی افندی اول وقت مشایخک
مشهوری اکابر ایله مختلط بسط کلامه قادر بر محترک عالم ایدی حتی اهل دنیا ایله
و اکابر عوام و متمولان تجار و سرکارده اولان او جاقدر ضابطلری و نفراتیلر عوام
اختلاطی جهتمندن علما داخل ایدوب ولی اغادیوب تزییف ایدرلردی یکچیریلرک لسانی

پیلور و انار ایله مختلط اولغین جمعیتی دفعه بلکه نصیح و پند ایله سوز پکوره دیو جمله ناک
 رأیله مامور اکشمیدی آت میدانه کلوب جمله یه پادشاهدن سلام کتوروب طاعنه
 متعلق قدرتی مرتبه جرب زیانلق ایدوب سویلدی کورد محمد و سائر اختیار لر واعظ
 افندی تاو زرایله مفتی قتل اولند قچه بزطاعن زو بو طرفک حالی بویله انا طولینک حالی
 صوبله دیوب یوقارودن بر و ذکر اولنان مظالم افسانه لینی علی التفصیل بیان
 ایلدیلر اولدخی کوردی که نصیحت ایله بته جک و دفع اولنه حق ایش دکل همان ریشخنده
 یاشلیوب کورد محمد تحسین یوزندن باشتی تحریک ایدرک و الله اغابر کتانی سوز سویلدک
 بوکج یاشنده احوال عالمه بوقدر مطلع اولغه هزار آفرینی عقل یاشنده دکل یاشنده در
 دیدکاری کرچکدر بقه اغاشته داعیکتر پوسوز لری هر برینه کراتله سویلدم الله اصلاح
 ایدر جکری هیچ بریسی دکلدی حتی کورسیلر یزده امت محله اثناء و عظمه بیله سویلدم
 و عالمک حالنه اغلشوب اصلا حچون خیر دعائر ایدرک انحق دعاچی یلوکندن
 اولغله الیزدن غیری هیچ ایش کتر حالا واریم بومعقول سوز لری کتری پادشاهمه اعلام
 ایدیم دیدی کورد محمد و سائر بومد اهنه دن محظوظ اولوب بربر لینه اهل حق
 هلمای کوردیکرمی هی بانام افندی الله عظیم الشان علمک از تورسون دیه رک تعظیم
 ایله یوللادیلر شیخ دخی قالمقوب سرایه اول وقت کلدی که کچه جی اوغلی حضور همایونده
 طوروب وزیری و شیخ الاسلامی استه منر لدیوب تصریح یاسو یلش ولی افندی کوردیکه
 قضیه تحقیقی اوزنه پادشاهه معلوم اولوب غیری کتم و ستره مجال یوق اولدخی واقعی بیان
 ایدوب پادشاه جمله سنک سوز لری بودروایکیسی دخی قتل اولند قچه طاعنک احتمال
 یوقدر دیوب کیروچکدی پادشاه تکرار سوال ایدوب یامفتی افندی یی نیچون استنزل
 دید که ینه کچه جی اوغلی پادشاه وزیرک نامشروع امورینه تمشیت و پروب رستوله چوق
 مصالح کوردی بومظالم و مفاسد جمله انک اغماض عینی سببیلله اولشدر دیدی و مفردات
 قباچ اعماله متعلق ایکسمنک دخی جرایمندن و افرمواد ایراد ایلدی که حضار مجلس حیران
 اولدیلر نامراد ایشیر یاشا کوردی که اور تالق جمله کند و ازاله سیچون یکزبان و کندودن
 غیریسی بوقضیه ده متفق و همد استان اولشدر مهر سلطانیدن بلکه حیات مستعار
 فایدن مایوس اولوب تحت همایون پیشکهنه واردی زمین بوس ایدوب پادشاه
 حضور نارینه تضرع و نیاز ایلدی بیت عدد و نوز شردست کرملشاد اولسون همان یانکده شکست
 دلم مراد اولسون مفهومی لسان حال ایله بیان ایدوب مهری تسلیم ایلدی پادشاه مهری
 الوب بوستناچی باشی یه ال بونی کورتور بریده اوتورسون دیو امر ایلدی بوستناچی باشی دخی
 ایشیر یاشانی الوب حضوردن چیقاروب طشره بوستناچی طرفه بر اوطه یه قویوب
 یاننه مؤ کلمه تعیین ایلدی پادشاه مهری مراد پادشاه طوغری طوتوب کل لالال مهری
 سنی و زیر ایلدم دیو بیورد قلندر مراد یاشایر اوپوب بسطاعتدار ایدوب اغلیه رق
 پادشاه بن عهد سندن کله تم دونما خدمتده اولهیم و زرا قواللری کزدن بر غیر یسنه
 احسان بیورک دیو مصنع ایا و استغنا ایلدی تکرار ابرام اولنوب جنک زرگری

وادیسنه تکلیف و استغنا تکرار اولدقدن صکره الوب قبض ایلدی مراد پاشا
 ثانی وزیر اعظم اولدی اندن پادشاه بالذات ابوسعید افندی یه خطاب ایدوب
 سنه وار بر اوطه ده اوتور دیوب بیور دقل اولدخی قلمقوب اغلیه رق امر پادشاهمکر
 دیوچکدی کتدی اردنجه بوستناچی باشی واروب بر مفر و شر با شقه اوطه یه
 کورتوروب افندی بونده کلنک انشاء الله تعالی بونده برشی یوقدر دیو نسلی ویردی
 و منصب فتوی صدر رومدن معزول حسام زاده عبد الرحمن افندی یه توجیه اولنوب
 سرایه چاغرلد قلندر و راندیش و عاقل آدم اولغله استغنا و اعتذار ایلدی تکرار خط
 دعوتله چاوش باشی کلد کن واروب حضور همایونده بیاض صوف سمور خلعت الباس
 اولنوب شیخ الاسلام نصب ایلدیلر تکرار پادشاه شیخ ولی یی و بر آدمی دخی کوندروب
 استه وزیر و مفتی یی عزل ایتدم شمدی بر جزیره نفی ایدرم غیری طاعنک و نردیو
 بطریق الرجا رسال بیورد قلندر اصفا ایتیموب عنالرنده مصر و مد عالین تکرار ایلدیلر
 بالضرور ایکسمنک دخی قتلنه رضا و ییوب بوستناچی باشی یه ایکی جلاد و احضاری
 فرمان بیورلدی اول محل موالیدن بعض عاقبتی فکر ایتیز کسنه لر ابوسعید غر ضلری
 اولدوغندن بعض مظالمی ذکر ایدوب دفع قتنه ایچون قتل اولنسون دید کندن تقیب
 الاشراف زیرک زاده جمله یه اعتراض ایدوب قتل اولنما سنه فساد عظیم واردر شیخ الاسلام
 تامن اولان آدم سائر اهل جرایم کی راپکان قتل اولنق نه مرتبه قبیحدر ارتق نا موس
 علمایر باد اولور یارین برکون بر بهانه ایله هر بریزی قتل ایدر لر بو محالدر و فساد عظیمه سببدر
 احکام شرعیه ده بیله تغزیرات هر کسک حال و شانته کور در عوامه اولان تغزیرات علمایه
 اجرا اولنق جائز دکلدر ذوی العقولدن اولان بوکار خصمت ویرمی بز جمله من مقدم
 قتل اولنما بجه مفتی قتل اولنمزدیو یا قبا صوب حقا که عجب جرأت و تدبیر ایدوب
 مقدمات معقوله موخشه بسط ایتکله ابوسعید افندی نیک قتلدن خلا صنه سبب
 اولدی پادشاه بوستناچی باشی یه فرمان ایدوب وار ایشیر یاشانی بوغدریوب
 میننی طشره براق دید که بوستناچی باشی چیقوب ایلر یه ایشیره خاصکی کویدروب تقدیر
 بویله ایش و ضوه و نمازه مباشرت اینسون نردیو خبر ویردی اول طلب اولمان ایکی
 جلاد دخی کلوب اوطه قیوسنده حاضر اولدیلر ایشیر یاشا بوستناچی باشیدن رجا
 ایدوب براقو مش آدم نیم یانکده بیله اولسون و بکمر اسم استغفار و توبه و انابتی
 تعالیم اینسون خوف و خشیتدن شعورم یوقدر بوبا بد بکامداد اینسون دیو خبر
 کونردی بوستناچی باشی دخی کاتبی قوجه مجود افندی یی کوندروب و اپا شایه تعالیم
 استغفار ایله دیدی مجود افندی صلاح و تقوی ایله معروف بر پیر مبارک آدم ایدی
 ایشیرک اوطه سنه کیروب آبست الدیلر و نما ز قیلوب زانو از اوا قبله یه متوجه
 اوتوردیلر و ایشیر کله شها دین و ایمان دعا سی و استغفار تلقیننه مشغول اولش
 ایدی قتله مباشر اولان خاصکی که یونلرک نماز و نیازی تمام اولسنه منتظر ایدی
 جلاد لره کلک اچر و دیو اشارت ایدوب کندوسی رقت قلمندن طشره چقه شمدی

جلاد را بجز و کبر و ب چه بنکه قتل اولنه جلودن بری وزیر بری مفتی اولق اوزن
سویانمش لیدی ابشیرایله زانو او توروب تاقینه مشغول اولان محود افندی بی مفتی
ظن ایدوب جلاد ک بری کند ی ابشیرک کردنه طاقوب چکدی یکی کبی یانده
اولان اعز من که عجمی جلاد ایدی کندنی محود افندی نیک بوینه اتوب در حال در کار
اولدی محود افندی کند ی بو غازندن طو توپ بره کافر دیه حایقرد قه قیو او کند
طو زانلرا یح و کوردیلر بیچار محود افندی نیک بوغازینه کند ی کوب نزاع اوزن بولد بلر جلاده
حایقرو ب بره ملعون چک الکت دید که جلاد غلطا اولدوغنی طو یوب ال چکدی زواللی
کندی بو غازندن چیقار دق و جلاده بره کافر خنزیر الله بلاکی ویرسون صوروب سوال
ایتمدی نه هجوم ایدرسک دیو سوکرک طشره اولدی سبحان الله حیو و میتا بویه
کسه لک یانه یا قاشیق نه مضرا یتمش دیمکه با شادی سیماوش جلاد ابشیری بوغوب
برکسکین سکین عظیم شفره ایله با شتی کندی جسدینی برکوشه ده اقیوب با شتی
بریشتمال ایله جمع لشکره کوندیر دیلر ابشیر یاشا کندویه قفادار اولق زعمیه کتوردیکی
کوردملعون بیت لقد ریث جردا طول د عمری فلما صار کلبا غص رحلی مضمونی اوزره
ایاغنی طلق دکل ولی نعمتک کله سنی قویارد نجه چا لشدی با شتک میدانه کلدیکنی کورد که
سرور عظیم اظهار ایدوب بیوردیکه برسیپا هی کله بی بر حربه اوجنه کجروب فلان
ایله نیک و فلانک با شتید ردیه بتون میدانی کز در دیلر جمله سی کوردکن صکره بر خطبک
اوجنه کجروب مستراح لک بای اوزرینه دکل دیلر اول کون ریا ح شدید ایلغله هبوب
رو زکاردن صال نور دی اخشام اولد قه وزیر مراد یاشا آدم کوندرب و ب با شتی کتوردوب
جته سنه الصباق ایدوب ایرتسی یوم الاربعاده بعض وزرا و علما ایله نمازنی قیلوب قره مصطفی
یاشا تر به سنه ره گذاره قار شوب بر پنجره وراسنه دفن ایتدیلر حالاجوز له لی سنک مزاری
مشهور در وزیر مشار الیه میر اخور کبیر یکن وزارتله چیقوب بدون والیسی بعده وان وشام
و حلب ایالتارینه نصب اولندی بی محله مذکور در اصلنه بازاره یاشا خدمتده و طفل ایکن
اتک یانده تربیه اولغنین لوند مشرب ساده دلانی و عواقب اموری ملاحظه و تصوری
غافل عدل و داد حکومته انفرادک انحق سوزنی بیلمور و مهابت و تحویف ایله خلقک مالی
آسان وجهله الورامیانه خشونت زهد ایله متصف قهوه یرینه اسحق سوداچر دنان
ایچن یانه خمر اچندن بد تردد صاحبو مشایخی سوریکنور اما برجه بیل ایتمز اکثر یا
رعایتی جمع ماله قادر ولایت یققی فننه ماهر واجب القتل اراده ایدی اکثر مهارتی
جبرید و مزراق اوینا تمق و قلیچ چالاق وات قولنمق و شکار احوالی سوریا شکره ایدی لکن
اغور همایونه و سبیل غزاده رده قدرایشه یرامدی دایماد یز اوزنه اوتور راز سویار
هیچ کولر کسنه یه قیام واکرام ایتمز حدود مراسم و مراتبه رعایت ایتمدی خلق اکثر یا
غورندن مقهور ایدیلر جته سی صغیر و دستاری کبیر دکل چند یانه و لبا سی چرکسی
ولونده قامتی قصیر حرکتی جست و یکانه ایدی قوت بختی قدر تصرفات عقلیه سی
اولیدی جمله وزرای او نو تدر ردی و ساکن اولدی بی سرای وقعه مبدع ایشه سلطان

سراینده که حالا ایاصوفیه یولنده مرحوم کوپرلی زاده فاضل احمد پاشا بر قاج سرای دخی
لحاق و تعمیر ایتدی یکی سرایه منظم اولمشد روز پر مشار الیه ک بوقدر جاده و مال و قوتی و ارا یکن
حلبده ذمیلر محله سنه بر خان و بعض دکا کین و او قافندن غیر ی نامنی اکدر بر خیری
یو غیدی و ذکر جمیله باعث بر اثر حسنه سی قالمامشدر علما و شعرا یه و بقاء اثنان قادر
اصحاب عرفانه بر حبه کرمی اولموب حتی حقنه قصیده لرنه غزل و نه بر تارنج سویانده مشدر
بلکه مدحنه متعلق قطعا بر موزون کلام سو پانجه مشدر دیر لر و ابو سعید افندی بی
مخدوم یله بر قایغه وضع و کلبولی یه نفی ایتدیلر چون ابشیر قتل و مفتی نفی اولندی
صکرینه طاعلیوب فلانی و فلانی استر زد یومقامی از در دیلر والد مکر مه حضر نری
وزیر و مفتی و علما بی جا غروب بقه پاشا حضر نری و افندی لربالته بوجهیت یو کون طاعلمودر
اراذله سوزدو شمشک کدر کون یم سزی بای حال واروب دفع ایتیمک ککر کسر دید کلرنه
جمله سی علی الرأس والعین دیوب وزیر و مفتی طرفندن سفارت ایله بولوی مصطفی افندی
واسعد افندی و عصمتی افندی و منقاری زاده بودورت منلا کوندیرلک معقول کوردی
وزیر دیدیکه واروب جمله سنه بویه خبر و یرک بکون طاعلسو نربعه استمد کلری
کسنه لک جمعیت سز حقلندن کلورم و ولد شلرینی و یوب مراد لرنه مساعده ایله خاطر لرنه
وعایت ایدرم یو جمله یه نعهد ایتیمشدر مفتی افندی دخی ذکر اولنان افندی لره کوره یم
صزی عقل با شتید و برر مملکت ضبطنه قادر عالم و فاضل آدم لر سز صاحب دولتک
نعهد بیورد قاری اموری بر خوش افهام و کوش قبول لرنه اصفا ایتدر مکه اتمام
ایدوب خاطر لرنی توطین ایچون اقتضاییدن مواد مطلوبه لرنی تحریر ایدوب تحریر لرنی
مشتمل بر حجت یاز مغله جمعیت لری طاعیده سزیدی افندی لر جمعیت کاهه روانه اولدی لر
بوجهیت ایسه الحاق ارادل وانضمام اوغاد ایله متکثر اولوب کیمی فلانی استر زکیمی فلانی
پاره لر زکیمی کند و ضابطه لرنک اسککی قباحتلرینی و کیمی دشمنلر نیک جر ایم و مهمت لرنی
میدانه کتور و ب انواع تر هاته اغاز ایتمشلر ایدی او چاق کبارندن ارالرنه بولنان قره
حسن اغازاده حسین اغا و کتخد اسککلکن معزول قوجه سرخوش حمزه اغا قتل وزیر ایله
کار مطلوب وجوده کلوب ایش بتمد و کنی بیلمور لر دی بوندن صکره نفراتک فلانی
استر فلانی دپه لر زدیدکاری لغو محض ایدو کنی ادراک ایتیمکه ایکسی معالبد ست
مهانه سیله قالقوب اوجاق اغازندن کز لو قاقچق مراد ایتدی لار اما سفهای نفرات آردلندن
ایریشوب طاش و یومرق اون رق زور ایله ایکسینی دخی کتور دبلر ناچار اوتور و ب
قالدی لروقت عصرده وزیر طرفندن کوند ریان افندی لر کلوب علما کلیمور دیو خلق سنی
اولوب اول دورت منلا کلدیلر اغار و کورد محمد استقبال ایدوب صدر مجلسه اوتوردیلر و اغار
قرشورلند و سائر عسکرات اندرقات جمله اطراف اعطاه ایدوب افندی لرک کلامنه و لاق
طو توپ طو ردیلر بولوی و عصمتی ایکسی سیه متکلم فصیح اللسان اولغنین اغاز کلام ایدوب
دولت لویاد شاهز بنده کان صداقت کار لری دین و دولتک مطیع و مستقیم خدمتکار لری
اولان یکجیری و سپاه قولرینه و ضابطان و اختیار لرنه و سائر نه التفات ملوکانه ایله سلام

ایندیلر دید که الله تعالی پادشاه منک عمر و دولتی زیاده ایلسون دیوز غلغله قور یاردیلر که
 افندیلرک سامه لری بر طنین اولدی بعد فر مان یوردیلر که دین و دولتمه نافع اولمان
 ابشیر پاشا بی قوللمر استمدیلر جزاسنی ترتیب ایلدم و مفتی بی انکله متفقدر دیدیلر علمایه
 اعظم جز اولان نفی لک حقنه اجرا اولندی بوند نصکره رضای همایونی استر لسه
 جمعیتی طاعنسونلر دخی استمد کلری وارایسه بلا جمعیت حقارندن کلنک اچون
 وزیر اعظمه خط و یروب ننبیه ایلدم و قانون اوزره دجاری هر نه ایسه مقبول همایوند
 مساعده اولنور در یاده دشمن حر کنی معلوم دونما چیه حق و قدر امور مهمه تعطیلنه
 باعث اولسونلر و جمعیتی طاعیدوب خیر د عامه مظهر اولسونلر دیویور مشلر دیدیلر
 گورد محمد دیزیکه امر پادشاه منکدر امامه منکرک دخی استمد کلری آدملر وارد جمعیت
 طاعلقد نصکره حقارندن کلنر و سیاهک دخی دجاری و اولد شلری مساعده اولنر و سوزلر
 اولدیور دید که عمنی افندی جواب و یروب بقه انا جمعیه محتاج اولان امر مهمه وزیر
 و مفتی احوالی ایدیکه بر طرف اولدی سائر لری جزئیات قبیلند ندر علی الخصوص انلرک
 حقارندن کلکی و سیاهک ماموللرینه مساعده اولنمقی پادشاه ننبیه ایدوب طالا وکیل
 السلطنته اجرا سنه متعهد اولوب بزرگ شاهد اولد قد نصکره حصوله کلامک نه احتمالدر
 اول استلری سرتیمش فرض ایدک بزم توسط ایلد یکمز امورده خلاف متصور دکلر
 سزل مسلم و موحد لرسد نیا و اخر نکری اوزریمزه صیانت لازمدر پادشاه اسلامک امرینه
 اتقیاد و ننبیه لری طوتمق جمله مزه واجبدر ماموللر نکزه مساعده ییورلد قد نصکره
 جمعیتده مصر اولاق نعوذ بالله خروج علی السلطان تهمتی ایجاب ایدر الله تعالی نک
 و رسولینک اکار ضاسی یوقدر لایق یودر که بعد ازین طاعله سز و ظل الله حاضر نلرینک
 غیر دعا سنی اله سز و شرع ستریفه اطاعت و عرض دولتی صیانت ایتمکله عند الله
 و عند الناس مقبول اوله سزید که جمله سیلال اولوب بر جوابه قادر اوله مدیلر بعد اختیار لری
 ایدری یخصوصلر اجرا ولنه جفتی بر حجت ایدوب بزه ویرک دید کلرند باش اوزرینه
 بسم الله دیوب عصمتی انه قلم الادی مجلسه اولان مکالمه بی ورجالیتد کلری مواده مساعده
 بایند اولان مواعیدی مشتمل بر حجت یازوب مقتضای وقت اوزن نازکله بر قالبه افراغ
 و تحریر و دورت افندی امضا ییوب مهر لیوب اللرینه ویردیله فاحه دفع اوقنوب
 ایدی برونه ایکن اغالرو سوز صاحب لری یرویرینه کتسمونلر و نفرات طاعله بشلسون که
 بزده کلامزده کاتب اولیوب واروب پادشاه منزه اطاعت کتری تبلیغ ایلیه دیدیلر ابتدا
 گورد محمد قلوب سزی الله اصهار لدق دیوب یحیدر سیاه زمهره سی اردینه دستوب صماتیه
 اسکله سنه طوغری کیدوب اندن قایغه کیروب اسکدر ان یخدیلر سائر یکچری وجبه جی
 زمهره لری دخی طاعله یوز طوئدیله اول مغلا لرجعیتی طاعیدوب سائر احوال لرینه مساعده بی
 تدریجه ایقومغله عقد اجتماعه انحلال و یروب سرای همایینه کلد و یارب محمد الله دولتکرده
 طاعلدر یزده خیر و یارب پادشاه و اولد محظوظ اولوب افندیله بر کورکلو صوف احسان
 یوردیلر تبیلان استاقبول قاضیلغی نامزد قدیمسی اولان نجار زاده محمد افندیله

۳۱ ویرلدی قیوداللق دلاک مصطفی پاشایه توجیه اولنشمیکن بر قاج کوند نصکره عدم قدرت
 اظهار ایتمکله عزل اولنوب بوزجه اطه محافظه سنه اولان سور نازان مصطفی پاشایه
 عنایت اولندی دو تنمای همایون حاضر و مهیا اولشمیکن اخراجی قیودان جدید کلخنه
 تأخیر اولندی یکچری اغالغی ابشیر پاشایه مهر کورتورن موسی پاشا دامادی میر آخور
 محمد اغایه ویرلدی دفتر دارلق صوفی محمد پاشایه ویرلدی احوال لوندات و مبد اظهور
 ابازه حسن اغا ابشیر پاشا قتلنی اسکدرده اولان بیک قدر صار محجه و سکبان ابشتکلری کی
 آتیرین اکر لیوب بعد الیوم بزه بودیار حر آمدردیوب همان اول ساعت جمله سی اناطولی به
 قرار ایتدیله ابازه حسن اغاکه سابقا وقعده مند ترکان اغاسیدر ابشیرک مقبول و مقبری
 اولغین کند و ایله آستانه یه کلوب زمان دولتند موتمن و مسنشار اولدنی مذکور در کورد
 محمد امثالی ابشیرک بعض اوضاعندن خاطر مانده اولوب اسکدردن بروچمد کلری ایامده
 ابازه دخی انلر و جمله سیاهه مامولات شگنده ابشیر و خاطر مانده لک اظهار ایدردی امدروننده
 محبتی اولوب علیهنه سعی واز اله سنه مراد ایتمشدی استعدادی مرتبه خیر خواهلغند
 ثابت ایدی قچا نکله مراد پاشا کورد محمدی دعوت و عطیه و وعده لریله اسمالت ایدوب
 تحریک فتنه یه تعریض ایلدی و کورد محمد بر مقتضای طمع و جهالت تشمیر ساق ایدوب
 اسکدر ان یگوب سیاهی لری کندویه اویدر مق بایند مشورت ایلدیکنی ابازه خبر الدی
 کوردی چاغروب بقه کورد سن یو فسادی قالددر سن اما سن ونجه یولد استلرک یو یوله
 تلف اولور سز ابشیر بزه قدریه زور میوب دشمنلک ایلر سه ده ینه سارندن بزه انفعدر بزلر
 صعب عزتی و معاون دولتی اولدیغمز ییلور و حق خد متمزی اکلار یوقنه دک بزه از لطف
 ایتدی نه رجا یلدک ایسه مساعده ایلدی سلیه سنه یوقدر مال و قوت صاحبی اولدق سکا
 بولی سبجاعتی ویرمدیمی ولایت یقد یروب یوز بیک غروش المادکی بوند نصکره یو حر یفک
 زوالنه سعی ایتمک ولد زنا لکدر دیو وافر نصح ایلدی کورد جواب و یروب مکرر بکابر سبجاق
 ویرمک بر اشیدر سیاهی یلد استلری جمله کندویه عدودر انلر و عد لیتدیکی شیلری ایتدی
 طو تالم بظرف دارلق ایدلم دولت خلقی و اوجا قری عموما کندوی استمزلر مراد پاشا کی
 دشمنی واریارین غیر آدم لریله سیاهی بی ایاغه قالد یروب ایشنی بتور لر بر خروم قالورز
 ایوسی بودر کینه بولیش بزم الیزله بتوب مراد پاشا نک یانده معزز و مکرر اوله لم و دیلد یکمز
 منصبی کندودن آلام بر فلانک غیرتی نجه بر چکه لم حسن اغا نصیحت ایدر کوردی مفید
 اولدی کورد جمله سیاهی بی و کند و کی زور بالری اویدر قد نصکره ابازه یه کلوب قالدق
 سنه بزمه اول دیدی حسن اغا غصبه کلوب وار بره خاش کورد قاینا تدیغک فتنه بی
 نجه ییلور سک او یله ایله دیدی بن یو بلایه قار شم لوندات ار اذلنک علی الخصوص
 لکر ادک حال لری بودر عقرب کی مضمر لر در هر کیمکه کندولر ایولک ایدر فرصت
 یولد قلی کی انک باشنه قصه و نغمی سلب ایدر کلشدر در یوقنه در سز بوخیانتک
 البته جزاسنی جکر سز باری بن ارا کزده بونغمه دیدی حسن اغا نک مخصوص
 ایکی بیک قدر تمک ایدر ایهادر عسکری وار ایدی کورد شیطانلق ایدوب حسن اغا نک

عاجز قلوب نه چان ايد چكني بيلوب تحير جي نه طالدي احوال عصري سابقا چن
 صد اونی وقتنه قیاس ایدردی و بو هنگام ضرورتی قارون وقت زور باغالرك زمانه
 کوردیکی وسعتنه موافق ظن ایددی اما ملا حظہ سی کی چقمیدی دارالسعاده اغاسی
 پیرام اغا و سایر مصاحبان و مقر بین طرفندن وزرای ماضیه یه اید کادکاری
 رجاند کره لری ونجه مصالح ایچون حصولنی استمد عایه متعلق خبر لری کلوب
 مخالفت ایتدی کی ماده والد محترمه طرفندن تنبیه و طرف پادشاهیدن خط همایین
 گماکله زغما تمشیت اولنوردی اظهار شکایت ایدوب مصرف چو قدر ایراد از در دیو مورلری
 رجا ایدر لر بن زه دن کتونیم نیم ایشمه نیچون قارشور لر دیو خبر لر کوندر دیکه سن فتنه
 قالدیروب برآ لای استقبایه ولدش ویرمک و جالقی نامنه اولان زور باراذلی نصیح ایتدی
 لازمی ایدی کند و کسب یدکدر دیو قهر و نکال یوزندن جو ایلر کوردی بو کونه اتش قهر یله
 کباب اولدوغندن ماعدا انا طولیده ابازه حسن اغا نیک طهور و وجهیتی دخی باشنه
 بر قید عظیم اولوب استانبولده ایضا ایتدی کی نارفتنه هنوز سکون بولدی انا طولیده دخی
 بو یوزدن فترت و اختلال ظهور ایتدی که پاشای مرقومک زمان حکومتی اوضاع غریبه
 و حالات عجیبه ایله حیرت فزای جمهور اولمشیدی بیت هب سعی و طلب کیدر بیانه
 اخردیدیکن ایدر زمانه مضمونی اوزر بو مشکلات عظیمه یه چان سازلقدن مأ یوس
 و عاجز اولوب بوبلای ناکهانی ظهور ایتنردن اقدام و طوقان محنت باشدن
 استوب زمام تدبیر الدن کتزدن مقدم بوو رطه هولنا کدن قور و نلق کر کدر دیو چان
 اندیش اولوب یرینه مأ مون الغا ئله برزیری وضع ایدوب کندوسی حج شریفه کتمکه
 قرار ویردی و شوالک اون التبی کونی وزارتدن قصید ایدوب مهری پادشاهه تسلیم
 ایتدی کندو التماسیله شام ایالتی کندویه توجیه اولنوب حج شریفه اذن ویرلدی
 و سلیمان پاشا که بعد زمان اسکند ارده ساکن اولوب نجه سال عمر سورن پیر در مهر
 مراد پاشا استعصوا یسله اکا ویر یلوب وزیر اعظم اولدی و مراد پاشا در یادن اوج قدر غه
 ایله کیدوب پیاس اسکله سنه چیقدی ادنه دن و سیس و اول نوا حیدن مکاری
 بار کیر لری کتوروب شامه متوجها حایه واروب حماده علاقه کلیمه سی اولان ارناود
 محمد پاشانک سراینه قوندی استانبولدن کثرت همومدن مزاجی جزئی جه مخرف
 اولوب پیاسه ایکی کون اوتور مغله اول ساحل پر هلا هلاک سمیت ماور خامت هواسی
 سیمبیله بعضی اختلاط پیدا ایدوب حایه وار دینی کی حایه مبتلا اولدی و حامی محرقه یه
 منیدل اولوب مهمان اولدینی سراینه وفات ایتدی صاحب سرای محمد پاشا کندو ایچون
 تمیمه ایلدی کی مزان دفن اولندی راوی ایدر اگر چه تاریخیده مراد پاشا مهری حسن
 اختیار یله بر اقدی دیو مسطور در لکن احواله واقف لر دن منقولدر کد ایرادک قلی و مصرفک
 افراط اوزره کثرتی سیمبیله عاجز اولوب طواشی اغالرك وجهه اندرون همایون جانبک رجا
 و نکال یغندن بیزار اولغین ایشیر پاشای مکر یله دفع ایتدی کی اغاری دخی استیصال
 ایچون بوجهیته درونی نصیم ایلش اما بو با بده مفتی افندی محرم اولد چچه ایش کورلر

برتمها مجلسه در درونی حسام زاده یه کشف ایدوب افندی نیم طاقتم قالدی خزینه نیک
 بویه ضرورتی و جانب حرمت کثرت شفاعتی چکمز بر بلا در یوکنه وجهه تدارک ایدر لم
 دید که نه معنایه نامیچ ایتدی کی حسام زاده فهم ایدوب تجامل العارف مقتضا سبجه
 جواب و پروب بونک چان سی تحویل و ممکن مرتبه مدارا در اکثر یا جمعیت و فساد لر
 عقبنجه بو مقوله مقضیات ظه و ر ایدر کاشدر اور تالق بر خوش آسوده اولسون انشاء الله
 تعالی بسر حاصل اولوردیش هر نه قدر اول وادیدن سوز آچش ایسه اغزینه طقمش
 حسام زاده دن مأ یوس اولد قله عز لنه منشمر اولد یغنی افندی طویوب قضیه یی
 پادشاهه ووالله سوبلشمیدی اما مراد پاشا بر مپی ادم و سابقا و بالا فتنه قوپارمش
 قور قیج حریف اولغله بردن عز لنه جرأت اولنوب مفتی ایله استشار اولنش مراد پاشا
 طوید قله حضور همایون و زرا و علما ایله بر کون ضرورت خزینه ایچون عقد ایتدی کیری
 مجلس مشورتنه شکایت واضطراب یوزندن پادشاه بن تدارک عا جز قالدیم ایراد
 یوق مصرفی کون مز اولدق صورتندن وافر سوز سونلش مرادی بواغش که چان سازلق
 رآینه حواله اولنوب دارالسعاده اغاسنک و بعضی لک تبعیدی ایچون ایاق باصه اما
 پادشاه ووالله مهری المی ایچون مفتی ایله سوبلشمش لر لکن بردن طلبه جسارت
 یوق همان مفتی اول مجلسه ایاغه قالدوب پاشا حضر نلری چونکه بو خدمتدن اظهار عجز
 ایدر یورسون پادشاه من امانتی استیور لر ویرک بر غیری قولرینه نسایم ایتسون اولدیکه مراد
 پاشا بوزیوب خوش افندی نه کوزل امانتی بر غیره ویردکاری صورتنه بوشکلاته تدارک
 و تدبیر لازم دکلیدر اول تدبیر مکالمه اولنق ممدردیدی مفتی افندی اول تدبیراتی توجیه
 پیورد قلی قولر یله سوبلشمش سونلر جنبه کزده اولان مهابتدن و هر بار بویه مضطربانه
 ایلدی کیکر شکایتدن طبع همایین مخطوط دکلدر ممر شریفی ویرک دیو ابرام ایتدی که مراد
 پاشا زمین بوس ایدوب پادشاه نیم دخی ماحوظم حج شریفه واروب پادشاهه خیر دعا
 ایتدی و واجد اد کرامیکرزو ایچون اولسون شام ایالتی بو قولکره احسان پیورک دیوب
 مهری تسلیم ایلدی شام منصبی خطنی ودر یادن اوج فرقه ککو تور مک خطنی الوب
 چقدی مهر سلیمان پاشایه ویرلدی معنی اوغلی مجموعه سنه دیسکه مراد پاشانک
 بو یایله اولان سو تدبیری و دولت علیه یه ضرر عظیمی بر جرم کبیر ایدیکه قابل
 عفو دکلدر عسکرک زیاده لکنه و مصرفک نکته یینه و ایرادک تقلیلنه ابتدا کورچی
 پاشا تا تیار مراد پاشا سمیدر اما کورچینک ضرری بونک عشر عاشری قدر یوقدر کورچی
 پاشانک قصوری عدم شعوری و معلوبیتدن بونک فصاحت نامحدوری قصیده مقارن
 تعصب و خشونتدن ناشی ایدی کندوسی باش قور تاروب ظه و رجاز اتدن اقدام حماده
 متواری توده خاک اولدی اما سو علمک و خا متی از زمانه ظهور ایدوب نیک و بد قتی
 چوق کسنه لر بوبولده هلاک اولدی تنه کم تفصیلی محالرنه کلسه کر کدر وقعه مرتضی
 پاشا در بصره افراسیاب اوغلاری ایله اولان وقعه در اوتوز سنه مقداری زمان
 بصره امیر الامر سی اولان والی متغلب افراسیاب اوغلی علی پاشا اول مالک بوقدر

زمان متصرف اولوب کچن سنه لرده وفات لیتد کده اوغلی حسین پاشا جانشین پدراولوب
ایل و مملکت ضبطنه مشغول اینکن عیلمی احمد بیگ وفقی بیگ کند و ایله منازعه ایدوب
چون حسین پاشا ده بونلره نسبت حدانت و غرورد دولت غالب ایدی و لایت اعیانندن
واها لیسندن بعضی یارله سرد معامله ایدوب انلردخی بعض مرتبه طرف خلافت اولوب
احمد بیگه وفقی بیگه هوادارلق ایدوب یدلرینه عرض محضر مثلواوراق ویرملر یله احمد
بیگ وفقی بیگ بغداده کلوب محافظ بغداد وزیر مرتضی پاشایه که کونجی الاصلدر اکا عرض
و محضر لری و یروب شکوی ایتدیلر و شویله تعهد ایتدیلر که عرض موجب بصره بی
حسین پاشادن استخلاص ایدوب بونلرک برینه ویرسه اموال مملکت خزان بغداد
هائید اولوب مرتضی پاشایه دخی مال فراوان ویره لر مرتضی پاشا دخی کتخدا سن بر مقدار
هسکر ایله کوندروب حسین پاشای احضار یا خود اخراج و احمد بیگی وضع خصم و سپیون
سپارش ایلدی و لایتک کبار و صفاری اکثر حسین پاشا طرفند و سفله مقوله سی
احمد وفقی طرفلر نداید یلر مرتضی پاشا نلک کتخدا سی وارد قد حسین پاشا دوشوکت
بو لغله هوادار لریله متفقمانع دخول اولوب کتخدا ای مطرو حار جاع ایتد کلرند مرتضی
پاشا قضیه بی آستانه یه عرض ایدوب بصره اها لیبی عموما حسین پاشادن متالم و جور
و ظلمندن متازی اولغله عیلمی احمد بیگ وفقی بیگدن بری والی نصب اولنور سه بصره
ایالتنک شوقدر محصولی خزان بغداد ویرملکه تعهد ایتدیلر در میریه عاید
اوله حق شوقدر نفعی واردرد یواعلام ایلدی کاردان دولت میری یه نفع صداسنی استماع
ایتد کلری کی بصره حکومتی احمد بیگه توجیه ایدوب واروب بصره یه وضع اید سن
و حسین پاشای ای اخذ و فلا ایله سن دیو مرتضی پاشایه او امر علیه اعدا ایتدیلر
او امر علیه وصول بولد بی کی مرتضی پاشا بصره یه سفرد ایتدیلر و ب عموما
لونداتی و هسکری بغداد قوللریله قلقوب احمد بیگی وفقی بیگی یانه الوب بصره یه واردی
و بغداد والی سی بروزی نامدار بوقدر عسکر جهاد ایله کدیکندن خلقه رعب مستولی اولوب
حسین پاشا نلک هوادارلندن نجه اغنیا و اعیان احمد بیگ هوادارلرینه متابعت کو ستر دیلر
حسین پاشا خلقه اختلاف مشاهده ایتدیلر ذهاب و تقوده و لول و جواهره متعلق بر قاج
قطار یوکلدوب کندویه معین بر عسکر نلک حمایه و التجاسنه واروب محفی اولدی مرتضی پاشا
کدی کی بلا مزاج بصره یه داخل اولدی اعیان و اهالی استقبالنله چیقوب توقیر
و تعظیم مراسمی اجر ایتدیلر و احمد بیگ خلعت کید یروب بصره حکومتی ضبط ایتدردی
والی جدیدک ترغیبیلر اعیان و لایت و ممولان مملکت تحف و امتعه و قاش متنوعه
و شالار و عود و عنبر و هند و بحرین نوادر نفایس غریبه و کیسه کیسه لول و تر
حق القدوم نامنه مرتضی پاشایه اهد ایتدیلر و جمله تجار و بندر نشین مالدارل کذلک
لایق اولان مرتبه دن افزون یونجه یونجه هدیه لر تریب ایدوب شیخ بندرلی یدیلر
ویردی کذلک احمد بیگ وعده و غالیوب فرار ایدن حسین پاشا نلک سرانیده بونلر تحف
و نوادر تقوددن و تجاردن استدلاله ایله لدیفی بجه اشیای ویردی مرتضی پاشا بومرته ایله

قائم اولوب آب روی و قارایله بغداده عودت ایتدک لازم اینکن طبیعت کوزجینک لازم سی
اولان خست و دناوت مقتضای نسخه قوت طامعه سی غالب اولوب منصب دجله ده
واقع قیان خانیکه بر قلعه عظیمه البینا در تجار بلدانک اکثر یا اموالی اندل محفوظ دورردی
اندل اولان اموالی البته کتورک دیو یورلدی یازدی احمد بیگ وفقی بیگ کلوب سلطان اول
خان بندر دارالامن سلطانیدر اندل اولان اموال بی حد هند و عرب و عجم و روم تجارندن
بو قدر بیگ آدمک مالیدر سنین متطاوله دن پروامن و امان بر کاتیلر کلوب کتیکه ما لوف
اولش تجارک مالی آندل طور کسنه تعرض ایتد دی بصره و سائر بندرلرک معموری تجار
ایله در انلرک مالی غصب اولنق خزان مملکته باعث در تجار پادشاهلرک معنوی خزینه سیدر
بلاد اسلامیه ده و مالک کفره ده هیچ بریده تجار جور و ناحق یزه ماللری اندی بی
کورلمشدر لطف و احسان ایدک بو داعیه دن فارغ اولک دیو یلوار دیلر دفع ممکن
اولیوب البته وارک کتورک فرمانه امتثال ایدک یو خسه ستر یلور ستر دیو تهدید
ایلدی کتخدا و دیوان افندی سی بعض محرم لریله نصح ایدوب بهی افندی تجار پادشاهلر
یله تعرض ایدل منزلفتنه جنکیرک سیمی تجار ظلم و تعدی اولدوغنی توار یخدن ستر
مذاکره ایدرکن شمیدی بویله ایشیه مشروعک معناسی ندردید کلرند جمله سنی ازار ایدوب
بر آلا ی فلا حارنه یا پیغه قادرلر در البته وارک کتورک دیو ابرام و الخاح ایلدی احمد بیگ
قالقوب سلطان امریکر اوزن واروب اول اموالی کتورک لکن خوف اولدر که رفتنه عظیمه
حدوشنه باعث اوله صکره بکا عتاب بیورلمسون دیدی احمد بیگ وفقی بیگ
ناظرینه بلوکباشیلر و بیگ قدرلوند قوشوب بو امر قبی اجرا ایچون کوند ر قیان خانه
واروب بوقدر عباد الله مال فراوانی سفینه لره طولدر و ب بصره یه نقل ایتدکه
پاشا یلر کبار و تجار بو حال کوزوب بره بوالی دیدیکلر رغما کرایش بونه اولمز ایشدر دیوب
بصره اطرافند بوی و عربان مشایخه خبرلر اوچوردیلر و شهر و قرا دن خلقی مجتمع اولوب
جمعیه قراوردیلر دیاده مودی و مناقق اکسک اولمز مکر بورای قبی مرتضی پاشایه تعالیم
ایدر ادملر واریش کندوسی ساده دل و طبعند مرکوز اولان طمع مقتضای نسخه اتباع
ایتمش ایمش و لایتلینک بر جمعیتی و طشهره دن شهره عربانک فوج فوج عزیمتی خبر آلنوب
پاشایه منعکس اولدقد مشا و ن نامنه یانده محرم اتخاذ ایتدی کی مفسد فاجر لر ایله
مویاشوب بوکده یان ایله لم دید که اول شیاطین الانس بورای معقول کوردیلر که خلقی
تجاریک ایلین احمد بیگد روقرند ایتد اول اموالی واروب کتورمکه تقد ر تعلل ایتدیلر
گورمدیکلری معقولی بودر که همان ابکستی دخی قتل ایدوب کله وجهه لرینی میدانه براغه ستر
و بصره بی بر آدمکره و یروب خلعت کیدن ستر غیری خلق و عربان خوفله پراکنده و پریشان
اولور منازع قائم مملکتی بی محابا ضبط ایدر ستر و خلقک بوقدر مالی سیورور ستر دیدیلر پاشای
ساده دل غشاوه جهل و طمع ایله بصر بصیرتی ضرر اولغنی بدیهی رتبه سفند اولان
قضیه بی ادراک ایدر میوب بیگلر ایله قیان خانه نقل امواله مشغول اولان بلوکباشی یه بو
پیورلدی و بر معتدل ادمیسی مباشر کوندروب بوساعت احمد بیگی وفقی بیگی قتل ایدوب

جمله لرینی عجلاله کوردن سن دیملکه اول ظالم همان اول ساعت ایکسینید قتل ایدوب
میتلرینی کوندردی خانه نقل امواله مشغول اولان عربان و شهرلی و حلال و بکرک
اتباعندن بر فرد قالیوب بوعالی کوردکارند لغنکم الله یا ظالمین دیه رک طاعنیلر پاشا
اول مغدور مظلوملرک جشمه لرینی سرای میداننه القایدوب کویا خلقی تحویف مرادایتدی
امامعنی اول بیکلره کند وکی غدار و ستمکان التجا ایتد کارینک جزای سزاسنی کند و ترتیب
ایلدی الاعتبار الاعتبار ولا ترموا الی الذین ظلموا فتمسکم النار احمد بیک بر معرفتلی اهل
علم شجاعقلو کریم اخصمال بیک ایددی اهالی بصره نک اکثری عاشق مثال اول امیر
جمیل اخصمالک ذات وصفاته مائل ایدیلر و طول عهد ایلر افراسیاب نسلی اولدیارده
حکم فرما اولقله جمیع ناس نظرند عظیم القدر و شهرزاده شکننده محترم و موقر اولمشلر
ایلدی عامه ناس ايسه انلری قتل دکل عرض و شکانلرینه متعلق وضع و حرکت اولتق
اعتقاد لرینه مغایر ایددی شهر خلقی و عربان بویکی بکر اده نک میتنی خون ایچنده غلطان
گوردکارند و ش هذایا فاین دیه رک جمعیتکاهلرینه شتابان اولدیلر غافل مرتضی پاشا
کتخد اسنه خلعت کید یروب عقابجه بصره والیسی ایلدی بوقعه قبل العصر ایددی
اولکیجه بصره نواحیسنندن هزاران عربان کلوب جوف لیلله عامه اهالی شهر اتفاق
ایدوب صباچیسو نیجه بیک خلق سرای مرتضی پاشایه طوغری آلات حرب ایلر
هجوم ایدوب بره ظالم بکراده لریمز نه جرمله اولدردک و تبارک مالتی غصب الملق نه
منده بید جائزدر دیو غریو و فریاد ایدوب مایحل من الله دیه رک یوریدیلر مکر پاشای
غدار خلقک خروج ایدوب حکمرینی خلال لیلله تحقیق ایتد کد نصکره خزینه سنی یوکلدب
لوندینه وایچ اوغلانلرینه حاضر اولک دیو نیجه ایدوب صباح اوزرینه یورودکری محل
مقاومت محال ایدوکنی بیلد کد نصکره کندوسی سوار اولوب ایچ اوغلانلرینی ولوندینی
خزینیه قوشوب طشره یوللادی بعد کمد و سیمه قاقچق تدارکنی ایددی اما شهرک خارجتی
یلله اطاطه ایتمشلر قورلتق ممکن دکل اول وقتیه فرار و اختفا ایدن حسین پاشایه ده مکر خبر
اولمش ایتمش ظهور چیقوب بصره لویه پیشو اولوب بره قوماک دیو محریک ایتکین عامه خلق
الحجر صداسین آسمانه چیقاروب مرتضی پاشا لویه کرسدیلر عسکریدن و بغدادیلر دن
و افر آدم قتل اولنوب جمله سنک انواب و اتقالتی الوب کند ولرینی عربان و تالان چوله چیقاردیلر
و مرتضی پاشا نک جمله خزینه سین کیر و جو یروب غصب الدقلری و کند ولردن علی طریق
الهدیه الدوغی اموال و اشیا یی الدقلر نندن ماعد ا پاشا نک جمله بغداددن کتوردیکی
اموال و اشیا و اسباب احتشامنی صوب الوب بالآخره توسط مصباحون ایلر قتلدن تجاوز
اولوب عربان بر آنلر ایلر ییل ویریلوب بغداد طوغری قاچیدیلر انلری یغما ولنان بی نهاییه
آدملر چوله دوشوب کی اچلقدن وکی عربان غدر نندن تلف اولدی حتی چوله حرارت
هو اوخوف عربانندن استیلا ی رعب و عطش ایلر اکثرینک دیل طشره چیقوب راست
کلدکری چامورلی غدیردن صوابیوب یزلری و اغزلری طین و چامور بلاشقدن شکل مسوچه
دو نوب بغدادیلریننه نه زمان محل جریله اغزیک مرتضی الی اغزینه دوندردم دیو متداول

و ضرب المثل اولوب قالدی نعوذ بالله تعالی پاشای مر قوم مقتضای طمع ایلر عرض و ناموسی
پایمال ایلدی و ناحق یره خلقک مالنه دست درازلق ایتکله کند و مالندن ایرلدی و بوبد
حال ایلر بغداد کلدکله بغدادیلر دخی سابقا ولاف سلوکندن خوشنود دکلر ایددی
بیکچر بلر اتفاق ایدوب شهره قومایوب مانع دخول اولدیلر بالضررون قوشلر قلعه سنه
قونوب عزلی التماس ایچون آستانه یه عرض ایلدی صکره سیدی احمد پاشای اهلای خلب
قبول ایتیموب محاصره و محادله واقع اولدق حلی مرتضی پاشایه ویردیلر نه کم محلمده
کسه کدکر و حبش ایالتی مقدمه بر فتنه ظهور ایدوب سودان طرفندن استیلا و ضبط
اولندینی مذکور در کافی الاولینه مصر طرفندن ضبط اولند و غنک خبری کلدی و بوسالده
طاعون عظیم اولوب قتی چوق آدم وفات ایتدی و خاصه محرم و صفر خلافت زیاد
مشتدا و لمشیدی علمادن بدری چلی و ایاصوفیه مدرسی چشمی زاده چلی و عوامدن
قرل بیراق چاوشی طونبای محمد چاوش و حلواجی باشی سابق اویس اغاکه بعد الحریق
قدرغه لیمانه شدادی بنالریان مالدار صاحب استهارد دخی نیجه مشاهیر مرحوم
اولدی و قعه سیدی احمد پاشا و محاصره حلب الشهبه ایشیر پاشا صدارته کورکن
استانبوله کتورمسی ممکن اولمیان اوندات استقیاسنی سیدی احمد پاشایه قوشوب
ابطا طولی ایالتی ویردی و کویا بوساریجه و سکیان یادکار لری سزی وری قتل ایتد رجه
خدمت ایتکله و ولا تیلری ییقبوب امت محدی آتش ظلم ایلر کباب ایتکله لازم بر طائفه در
یونلری بر خوش بسله وقتنده بزه لازم اولور طوقچه طوت دیو سپارش ایتمش ایددی
سیدی دخی وزیر اختصاص فرور ایلر بی پاک و بی پروا اموال رعایایه دست تعدی بی دراز
ایلر هر طرفدن بر رهبا نه ایدوب غارت و یغما یه آغاز ایتدیلر جوردلری تحملدن قالیبق
گوتاهیه ایالتی خلقی استانبوله دو کیلوب دفعاتیلر تشکی و وزیرک عنانینه صاریوب
یوظالمی و لا بقمره سن تسلیم ایتدک دیو نیجه جرأت ایتمشلردی بالاخر دیو پادشاهه رفع رقه
ایدوب اصلندن سیدی پاشا نک جر می یوغیکن عزل ایلر معاقب و یوغاز محافظه سنه
تعیین اولمشیدی بوغاز حصارنده زمان قلیلله خیل خدمت ایلدی و کورد محمد دیدکری
ستقی آستانه ده مراد پاشا تحریریکله فتنه بی قلدروب ایشیری قتل ایتدردکن صکره
خدمتی مقابله سنده خواه و ناخواه یکی ایل و یوده لغنی که بازه حسنک مطمح نظری اولان
منصبدر کند و یه توجیه ایتد یروب مراد پاشا دن دلخواهنه موافق اوامر علیه الوب
ضبطنه کتمشیدی اما بازه حسن اغا ایشیرک قتلندن متکدر و کورد محمد و غیره فتنه
محرک لرینه خاطر می مغر اولوب بیک قدر ایاوسی ایلر اسکدردن قالیقوب کتمش ایددی
هر نه قدر ایشیر پاشا اتباعی و هوادار لری و ارایسه بازه حسنک باشته جمع اولوب ولی النعم
اتخاذ ایدوب سایه سنه التجا ایتمشلر ایددی کورد محمد بازه نک خوفندن و یوده لغنی
ضبط ایدوب میوب غا جزا مترقب فرصت قونیه ده طرح اقامت ایتمشیدی اول اشارده
سیدی احمد پاشایه خدمتی مقابله سنه اگر اما فرمان ایالتی توجیه اولنمغین بوغازدن
قالقوب ایالت قرمانه واصل اولدی بازه حسن اغا سیدی احمد پاشا نک قونیه یه

کله چکن خبر اولوب ايشيرپاشا محبزلندن اولدوغنى يلمکله مکتوب باشوب درونلر نه
اولان حزن و انكسارى مکاتبه و مراسله ايله برلر نه اعلام و دوستلشوب بعد اليوم متحد
و متفق اولمق باشلاد و ميثاق ايدوب يکدل و تڪجهت اولد يلسيدي احمد پاشا قونيه يه
ياقلشد قوه کورد محمدي پره لنوب ابا زه حسن ايله اتفافي خبر المقله سیدی
پاشان خوفه دوستوب قونيه يه دخولدن منع تدارکنه باشلدى قونيه اهالي سنى واعيانى
پاغروب ستر سیدی پاشانک نه مرتبه ظالم و بى رحم اولديغنى ييلور ميسرانا طولی
ايا لکنه نه ايشلر اشلدى ايشتمد يکتر مى بويله فتنه و اختلال وقتنده اويله ظالمى قبول ايتک
ولايتک خرابلغنه سببدر بن عسکر جمع ايدوب انى اوغراقم همان سز قديمى واليکترک منسلان
مقامنده بقا ايدوب سيدنيک عزلى رجاسنه عرض و محضر لريازک ولايتى شوطا ملک
النندن خلاص ايدلم ديدى ولايتلى دخى به سوز و اضر اولد يلقونيه ده و اطرافنده کندو
هو اداری اولان سپاهدن و غير يدين اوج بيک قدر تفنگ انداز جمع ايدوب شهره قيانوب
ولايتزه کلیه سن سنى استمر لرديه ولايتلى لسانندن سيدى پاشايه مکتوب کوندر وب
وعولنده سيدى غضبه کلوب بره بوي کيرنه سويلر لريکا پادشاهک وير دیکى منصبى
ضبط ايتدر مزديک نه هرزه يکدر جمله سنى سيفدن کچوردم ديوب آتوب طوتدى
وکورد محمدي ديدکلى مفسد کافر انده در تحقيق بوفسا داک باشى التند نذر الله جانم
المرسه انى بيک پارچه ايديم ديوب کلن حريقى سوردى و کمند ودخى عسکر جمعنه
مباشرت ايلدى ابازه حسنه خير کوندر وب اولدخى امداده ايکى بيک قدر تفنگ انداز
يوللادى سيدى دخى اوج دورت بيک قدر لوندات و وابعى ايله اوزينه واردى قونيه ده کورد
محمد جمع ايتديکى عسکر و شهر لودن و اقرا تالو ايله قارشو چيقوب اوج ساعت قدر عظيم
جنگ و قتالدن صکره قونيه عسکرى منبرم اولوب قلعه يه طوغرى فرار ايتديلر
سيدى عسکرى اردلر نه دوستوب ايواب شهره دک يئشد کلر نه امان وير ميوب
اولقدر ادم قتل ايتديلر که اطراف شهرى کشته لردن يوزلش بوستانه دوند يلسيدي
هسکرندن يوز قدر و قونيه عسکرندن دورتيوزدن متجاوز ادم دوشدى قلعه قيولى
قيانوب ايجرودن و طشره دن مثب و روز آمدشد اين بيکن جکر دوز ايله تفنگ
چانسوز ايدى احواللى طرف سلطنته اعلام اولند قده قرمان ايلالتى کورحسين
پاشايه و يروب سيدى احمد پاشايه حلب ايلالتى احسان اولنوب البته قونيه دن
قالقوب حلبه کيم سن ديه خط هماين ارسال اولندى سيدى پاشانک ابازه ايله
اتحادى در دونه مسعود اولمغين ترکان ويوده لغى کورد محمديک رفعندن ابازه حسن اغايه
توجيه اولمغله خاطرى تطيب قيلندى و حلب ايلالتى سيدى پاشايه و يلمکله برى بنندن
ييلنلى تفريق و تبعيد مراد اولندى کورد محمديک عزلى دويد قده کورد مستانه کيدرم ديوقونيه دن
چيقوب سپاهلردن سرعت و استعجال ايله حلبه واردى و حلبدن عزل اولنان قره
مصطفى پاشاني اغراز و توقيف ايدوب سيدى بويله ظالمدر بير کورتور مزعومى و اردو
مقامکرده ثابت اولوب حلبه اوغرا تملک رجال دولت انک ظلمى و سرکشلىکنى ييلورلر قتلنه

فرصت ارارلر لکن بردامه دوستون مد يلقونيه لوقارشو قوب اوغرا تملک بر عرض ايتديلر
عرضلرى موجب عزل اولندى ديوب نچه مقدمات بسط ايدوب پاشاني ميل ايتدرى
و حلب اعياينه دخى تخويف و توهم يوزندن بوقدر بيک عسکرى واردر کوتاهيه ده شويله ظلم
ايلدى قونيه ده بويله قتل ايلدى خلقى اولدرمک و ناحق يره ماللرين المقى يانلر نه برشى
دکدر بى رحم و قتال ظالمدر حلبه کير رسه سزى شويله ايدوب بويله ايدرديه رک اهالى ولايتى
سيدنيک ظلم و عنف ايله و کثرت لوند و مرجسز لک ايله شهرتى عالمى طوتمشيدى اول
استهار کورد محمديک سوزنى مصدق اولمغين واليلى مصطفى پاشاني شهرده ايتديلر
وز سيدى احمد پاشاني استمر زعرض ايدرز کور ايسه مقاتله و محاربه ايله کنر لازم اولان اعانتى
سز ايدرز ديد يلسيدي احمد پاشا حلبه طوغرى توجه و عزيمت ايتد کد يمت کورکله
بيوده فکر کوى دلبر کلسون انده يريوق ساکه عاشق خاطره يکلسون مضمونى اوزن اهالى
حلبک صغار و کبارى والى سابق ايله متحد اولوب سيدى پاشانک متسلمى طرد ايدوب
قلعه محافظه سى مهمانچون ادوات حرب و ضرب اعدا ايتديلر ديه متسلمى قارشو کلوب
تفصيللا خبر ويردکى سيدى پاشا کمال غضبندن پراکش اولوب حلبه طوغرى يوريدى
و ابازه حصن اغا و افر عسکرايله سيدى پاشايه امداد و اعانت ايدوب حلب واليسى قره
مصطفى پاشادخى سيدى احمد پاشا کلر دن مقدم ايلتدن امر او اعيان و جنه يراک سنه لر
وسپاه و بکچرى و سائر دن و انر عسکر جمع ايتمشلريدى بعد سيدى پاشا کلوب حلب محاصره
ايدوب مابينده عظيم مقاتله و محاربه واقع اولدى و سيدى پاشا اطراف ايلتدن فضا و لوازم
گتوردوب مزفه قتاله اشتغال کوستردى شهر لوانک قنوت صونى کسوب و خريبه ذخيره قوبو
وير ميوب و طشره ده اولان بسائين و باغ و بيوت و املاک مقوله سنى احراق و خراب ايدوب
مختصنانى تضيق ايلدى ايجروده اولان عسکر دن بيره جنگ سنجاغى آلاى بکيسى بر سپاه
عرب بومعار کله ده عظيم بهادرلىق ايدوب تفنگله سيدى پاشانک عسکرندن قنى چوق
آدم هلاک ايتدى حکايه لرى حالا اول ديارده سويانمور ايام محاصره ايکى آيه وارنجه تمتد اولوب
شهر لوزياده مضطرب اولمشلريدى سيدى احمد پاشا واقع حالى اعلام ايدوب باى حال حلبه
دخول ايتمکه مساعد رجا ايتمشيدى اهالى حلب سيدنيک ايتدوکی جور و ظلمى و تخريب
هلاکتى يازوب بويله والى بزه لازم دکدر اوزر يزدن رفع اولسون کيمه ويريلور سه ويرلسون
ديوعرض ايدوب ظلم و شکوى ايتمشلريدى طرف دولتدن براىکى دفعه او امر و مکاتيب
واروب سيدى يه نصح و پند اولتمشيدى دکليوب محاصره و مقاتله يه اقدام ايدوب باب
الفرج ديدکلى قيوطرفندن طوپراق سوروب حصان برابر چيقوب يوريشه قنى آزالمشدى
اهالى ولايت اوغرين قبودن ساعيلر ايله آستانه يه مکرر ا مکتوبلر و شکايت نامه لراوچروب
حلبدن اميدى قطع ايله ک ديوشکوالر ايدردى واليه خاندن اولان مقول يازر کانلر وزيره
ومفتى يه و کارداران دولته شکايت ايدوب سيدى پاشانک رفعتى رجا ايتديلر بالاخره
اوزندن حلب رفع اولنوب بغداددن معزول مرتضى پاشايه ويرلدى و سيدى پاشايه سيواس
ايلالتى توجيه اولنوب منصب امرى و حلب اوزرندن قالقوب سيواسه کيم سن خلاف

رضای همایون حرکتك بعد اليوم استماع اولهسون دیونصح و توبخی مشعر خط همایون
 قبر سندن مغزول کله لی احمد پاشا ایله سیدی پاشایه کوندردی مشهور چاوش زاده
 واعظ کله لی احمد پاشایه همراه قیلنوب واروب نصیح ومواعظه متعلق ترغیبات
 وترهیمات ایله سیدی پاشایه نصیحت اینسون دیو کوندراشیدی وصوللر ناسیدی
 احمد پاشا بالضرورن محاصره دن فارغ اولوب آه حلب دیه رك قالقوب سیواسه طوغری
 عازم اولدی بو محاصره دن حلب خلقی اولر تبه ضرر چکدی لركه سیدی احمد پاشا داخل
 اولوب ضبط اینسیدی اولر تبه ضرر چکمز دی کورد محمد دیکلری مفسد هنوز سیدی
 احمد پاشا حلب الفتنه ایکن ناکهانی فرار اییدی سیدی پاشا خبر اولوب عقبیجه بیراقلر تعیین
 ایتدی کورد محمد واقف اولد قده قونیه کتخد ایری عبد الرحمن و عرب سلیم و ساثرهم عنافلری
 ایله قچا راق طراباس شامه واردیلرندن برسنه کی یه بنوب آستانه یه عزیمت اینمشیکن
 ادنه یه قریب بوساحله چیقوب خرجلق ومهمات سقر مقوله سی اشیا تدارکی ایچون
 مکث ایتدی کلری خبری ادنه ده کورچی پاشا برادری جعفر پاشا نك مسجوعی اولد قده باوگ
 کوندروب طوئردی کورد محمدی رفقا سیله قتل ایدوب باشلرینی طرف آستانه یه
 کوندردی وزیر اعظم سلیمان پاشا فرینلر اولسون دیونوازش نامه لر کوندردی حق بودر که
 جعفر پاشا ایله وعته ایله مشهور ایکن کورد محمد کی عالمی افساده قادریکی برادر یارغاری
 بر برندن ایروب فتنه ایله بری برینه قتل ایتدی مکمل ماهر واجب القتل شیری رفقا سیله
 قتل ایتدی کی برحسنه عظیمه درکه هزار تقصیر اتنه معادل اولوروز و زحشره دك پاشای
 مشارالیهك مدد و مستحسن اولماسنه سببدر سیدی احمد پاشا وایازه حسن اغا دخی
 یو ریلو کلتعین ایدوب محرك فتن اولان ابشیر وقعه سنه یو لنان شقیلر دن اله کیر نلری
 اخذ و ان پان ایتمکه اهتمام ایلدی لول شردمه دن جندی محمد نام زور با اخذ اولغله خنجر
 سر نیز ایله و چو دخی غرباله دوندروب اشد سیاستله قتل ایتدی لول عبدی پاشا که موندلی
 دفتر دارچراغیدر طراباس شام ایالته کوندریلوب کوپر یلی محمد پاشا مغزول اولدی
 و طراباسك سنه سی محرمی ایدی مارت ابتدا سندن اولوق اوزن نصیح و تنظیم ولایت
 شرطیه کوپر یلی محمد پاشا ابشیر پاشا دن الوب واروب هنوز ضبط ایتزدن اول احوال رعکس
 اولغین عبدی پاشا بر طریقه الوب محمد پاشا نكی دست قالدی و طراباسك نظام احوالی
 ینه کورلیوب عبدی پاشا کی چاقور پنجه لی غدار ویرلدی جوزی چلی اصلنده استانبول
 ظراف سندن خوش نویس کاتب لرك بضاعه صاحبی ادباسندن برکامل وجود ایدی شعر
 وانشایه قادر معارف جزئیده ماهر اولوب استخسانه سزا الطیف تاریخلری و اشعاری
 وغرفایه نمنه مرغوب خیل آثاری وارد در معامله متعلق بر رساله سی ومفردات طبعه متعلق
 بر غریب منظومه سی وارد احوال مشهور و حوادث جو بیاتنه ملحه احکامی بر طرز غریب
 اوزن نظم ایتشد رو غایت سریع الکتابه خوش نویس اولغین چوق ارقلی وارد و خطی ایله
 یکر می یکم مشوی شریف و صاری عبد الله افندی نك فصوص الحکم شرحی و اخلاق علائیدن
 بر قاج نسخه و نفحات الانس و دخی غیری نسخه لر و متعدد مجوعه لر و رسائل و دیه انار و منشآت

کوردك سلطان مرادغازی مرحومك رئیس الکتابی اولان صاری عبد الله افندیك
 اجزای مجلسندن و جمله اسرارندن اولغین انك نالیقه لرینی خصم و صاودن و جوهره نامه اولان
 قالیف غریب کندی و قلیله متعدد دیاز مشدر معن زاده مرحوم شهنامه و کنه الاخبار ووصاف
 دخی یاز مشدر بز کوردك دیونقل ایدرمش تعیشی کتابلر اولغین اکبر دولت حسن خط
 واهلینه وحت کتابلر رغبت ایدوب معتبر نسخه لری اکایاز در لر دی واول بهانه ایله انعام
 واحسان ایدوب خاطر نی تطیب ایدر لرش حالا علما افندی لرك کتابخانه لرند و عرفا
 بیننده آثار قلمی لایعد و لایحی در بوسا لک وفات ایلشدر بعض اخوانی مصرع
 جوری بی نمون لطف ایله جناب کرد کار مصرعانی فوتنه تاریخ دیدیلر مرحومك خیل نازک
 اشعاری وارد فوتنه قریب بر شعر نده بومصرعای انطالق الهی و غایت نازک و خوش آیند واقع
 اولش ایدی مصرع ناز ویداسلم قالدی بومنون اوزن مرحوم مذاق اصحاب تجربه دن
 حصه مند و سلاک صوفیه وندن نشئه مند اولم این مؤنت لازمه سی قدر ایراد تحصیلنه
 سعی ایدوب توسیع دائره وجاه و مناصب غائله سنه کرفتار اولوب قناعت ایله
 یکنورایش و مدت عمرنی صحت یاران و جمعیت اخوان ایله مرفه و شادمان یکیروب
 تعین و اقبال محنتنه کرفتار اولماش یوقناعت و توکل بر کاتیله دائما اکبر دولت کوزه دوب
 آثار قلمی وسیله احسان ایدوب ضرورت چکدر رمز لر ایش غریب احوالندن اولوق
 اوزن معن زاده نقل ایدردیکه بشکطاش و غلطه و طوطیخانه و یکی قیونکیه لریند علی الدوام
 ملازمت اوزن ایدی برکون منقطع اولدیغی یوغیدی غایت وسوسه لی اولد و غنندن دریاده
 قایغه سوار اولمقدن غایت مرتبه خوف ایدرمش حتی غلطه و بشکطاش نیکه لرینه برکون
 مقدم عزیمت ایدوب یاران ایله قره دن ایوبه اندن کاغد خانه یه اندن نیکه لره پیاده
 طولان شورمش یاران خاطر یچون بار کیره بنمرایش ظاهر ابو خوف مفرط ضعف قلب
 چلبی لک بلیه سی اولوق کرکدر هله وجودی دنیاده نادر کان بر معصوم ذات ایدی رحمة الله علیه
 وقایع سنه ست و ستین و الف سنه سابقه ده ذکر اولمشیدیکه سیدی احمد پاشایه
 حلب ایالتی ویریلوب او طرفه توجه ایتدی که لوند اتنک کتونی و شدت شهامتله شهرتی اهالی
 حلبك توهم و عدم مطاوعته علت اولوب ظلم و تعدی سندن اندیشه مند اولدی لول محرك
 فتنه بعض کسنه لک نعام و تحریریکله اعیان و اهالی بلد جمع اولوب والی مغزول وزیر قره
 مصطفی پاشانی حلب الیه قویوب حلب دیاری ابشیر پاشا تعدی سندن اندیشه مند زخم
 خورده بریان مصیبت کشیده در سیدی پاشا کی لوندی چوق و قیوسی خرجه کفایت
 ایتیز بر قاج ایالت دخی اولور سه کران مصرف بر وزیر قاهره تحمل یوقدر حالا و الیز قره
 مصطفی پاشا دن خوشنود زدی در دولته عرض محضر ایدوب سیدی احمد پاشا نك منسلتی
 کیر ویه رد ایتشیر ایدی سیدی احمد پاشا عسا کر موفون ایله واروب حلبی محصور ایدوب
 جنك و قتال ایله اهالی ولایتی تضییق ایلدی کی دولت علیه نك مسجوعی اولوب اهالی
 ولایتك محضر لری معروض سنه اولد قده سیدی احمد پاشا یه سیواس
 ایالتی منشوری و حلب اوزرندن قالقوب منصبه کیده سن دیونصح ویندی مشعر فرمان

همایون اصدار و اصلاح ذات البین همچون سابقا قریب بکار بگفتی که لهلی احمد پاشا
 بدیده ارسال اولمشیدی فرمان شهر یاری وصولند سیدی احمد پاشا حلب محاصر سندن
 فراغ و اول سودای خاوندن فارغ اولوب سیواس منصبه عزیمت ایله فرمان جه اعطاع
 شهر یاری به اطاعت کوستر دیک معروض رکاب همایون اولد قده ایالت حلب بغداددن
 معزول مرتضی پاشایه توجیه اولندی تمه خلمه محصور اولان وزیر قمره مصطفی پاشا
 مدعو اولد دولت کورکن انشاء طریق اناطولی ایالتی امر شریفی کند و بی استقبال ایدوب
 لکن کندوسی بعض اعذار و افکاره بناء عزله طالب اولوب ایالت اناطولی مزبور که لهلی
 احمد پاشایه توجیه اولنوب قرب همایون اولان طرفدارل اعانیه قمره مصطفی پاشا
 آستانه سعادت کلمه مآذون اولدی وقعه حبش بو سنه دفتر دار لغندن معزول
 مصطفی نام بر سفیه روزگار و طول اندر جی برخیت نابکار زید و عمرودن نقود و اشیا
 یوز کیسه قدر مال پیدا ایدوب بعض معرفله هدایا و یروب کار گذار ایشیلور آدم
 اید و کنه شهادت ایتلری ایله دفتر دار علی پاشایه انساب ایدوب التمش کیسه اچقه سی
 الذوب مقابله سندن حبش ایالتی مزبور توجیه اولنوب میرینک مضایقه سی حسبیه رأی
 معقول کورلشیدی مزبور مصطفی پاشا ایالت حبش منشوری الدینی کی مصطفی اغا
 نام بر قوی دایمی منسلم ایدوب کوند رزگز لوجه مؤخر تاریخیه بر منسلک تمسکی دخی
 یازوب خزینه داری نامنه معتمدی بر تازه اوغلاننه تسلیم ایدوب ناظر نامیه متسله همراه
 ایدر مزبور لر حبشه وصوللر ناه سوا کن اسکله سنه متاع کونا کون ایله ملوا و ج قلیون کلور
 قدیدن انلردن کمرک نامنه متاع الفه کلمه منسلک منسلک مصطفی اغا الا جفی بر کون اول تخلیص
 ایتیم فکر یله ضمه آسان اولسون دیوتقد المی سودا سنه دوستوب رسم قدیم اوزن
 متاع المقدن امتناع ایدر اعیان ولایت و کبار تجار جمع اولوب اوله کلمش ایشه مخالف ایش
 ایتیم نام معقول در بومقوله سیئه احدائی سفاین تبارک بوندردن انقطاعه سبب ودخی
 نچه وجوه ایله مضمرات کثیره حد و منه علت اولور دیو خیر خواهلوق یه زندن صورت
 رجاده منع و دفعه سعی ایدر لر مفید اولوب مصطفی اغا امر اسم حکومتدن عاقل اچقه جانلو
 بر صوفی چاغل اولغین نه کلمه اعتراض و منع ایدر ناره تحویف و تهدید ایله اسکات ایچون
 غضب و حدت کوستر دی منازعه و مجادله کتد که مشتمل اولوب حبش قوللری دخی
 بوبد عتی احداث ایتدریمک خصم و صند تجار و اعیان ایله متفق اولدی لر ناظر اولان
 خزینه دار تازه اوغلان ینه بر مقدار رشید اولغین بو وضع بددن افندی سنه ضرر ترتب
 ایدر چکنی ادراک ایدوب کانه چان سازلق ملاحظه سیله در حال قاضی یه واروب اعیان و تجاری
 و قول ضابطه یی جمع ایدوب بو متسلک مشربی ناهموار اولوب پاشا منر ملاحظه ایله
 احتیاطا بکا متسلک تمسکی و یروب و اگر نصیحت قبول ایتیموب نام معقول حرکت ایدر سه
 سن منسلک اولد یو بکاسپارش و تفویض ایلدی الحاله هذه منسلکی بن ضبط ایدر رسم
 سابق اوزن کمرک نامنه اشیا الوب تقد طلمیه تجاری رنجیه ایتیم دیو بورد بستی ابراز ایدوب
 اعیان و اهالی بدن اعانت و جماعات طلب ایتدی همان خلق بکندل و یکران اولوب سرک

پاشا کزنه صایق سیر و نه جبهه کار آدم ایش منمندی اولیان شخصی همچون منسلک ایتدی
 چون انی منسلک ایلدی خفیه سکامتسلک کاغدی همچون ویردی سوزننه دوام ثباتی یوق
 یوبله مزور و حیه کار اولان سیه رو و مکارک ظل حکومتی ارض حبشه محض ضرر در
 دیوب قلا ده انقیاددن سرچکدی لر و منسلک اغارک اینکیستی بیله قلعه یه قالد یروب
 حبش قوللرندن دلی درویش نام بر شیر بی نوایی یتیم لر ناه مقام حکومت وضع ایدوب
 صورت عصیان کوستر دیلر پاشای بد عمل دخی هوس طول امل ایله جبه اسکله سنه
 کلد که بومو حبش قمره خبری ایشیدوب بی شعور اولدی بعض خواص و رفقا سنک سوء
 ادبی اوزن اصلاح ذات البینه توسط ایچون مکمه مکرمه شریفندن برایی منمندی آدم
 وجه بکی طرفندن برایی آدم کتوروب استصحاب ایتدی و سقیمه لر ایله سوا کتده وارد قده
 اهالی ولایت نوازش و تطییب خاطر مشعر استمال نامنه لریازوب کوچک برادرینی بعض
 اغار ایله شریفک وجه بکینک آدم لرینه قوشوب کوندردی اول کر فقه فقیر لر ساحل حبشه
 وارد قنری کی دلی درویش دید کمری ظالمک پنجه غد رینه دوستوب بونلر جبهه سی و منسلک
 فانیلری اولان تازه اوغلان قتل اولندی لر فقط منسلک مراجعه جی مصطفی اغایی و ارباشاکه
 خبر ویرد یو طلاق ایتدی لر مصطفی اغا اعیان و کزبان کلوب خبر ویرد که پاشا یکیموز قدر
 توابعی و سقیمه نک دخی شقه لوز طوبیله باش قلعه یی محاصره یه مسارعت اوزن ایکن
 حبش قوللری قرشو کلوب جنک حر بیله پاشای قلعه یه یاقاشند میوب کیرویه دوندردیلر
 پاشا یو حرکت مذمومدن سودمند اولوب ناچار سقیمه لر ایله جبه یه عودت ایدوب واقع
 عالی مصر والیسی وزیر خاصکی محمد پاشایه عرض ایلدی وزیر مشارالیه حضر نلری دخی
 عقد مجلس مشورت ایدوب صوابید عقلا اوزن ایکی بیگ قدر مصر قولی مرتب جبه غلله
 و طوبیله تعیین و امراء معددن بو شناق احمد بیگ دخی اوزر لینه سردار نصب اولنوب
 سویس قبودانی ایله کوندردیلر احمد بیگ دخی مصطفی پاشای جبه دن الوب معیتله سوا کن
 اسکله سنه وارد قده بعد الحار به دلی درویش اتباعیه فرار و مصطفی پاشا دار الحکومه
 حبشه قرار ایتد کد نصبره تجمع استقیلا سندن تخلیص لازم کلان قلاع و بقاعی
 تخلیه و تطهیر و مفسداری ازاله و سرکشلری تسخیر خدمتی کایندخی متم اولنوب حکم
 والی یه مانع و مزاحم اوله جق غلله قالد قد نصبره سردار احمد بیگ مصر قوللرندن
 یکیموز جنک اوزنفری احتیاطا محافظه نامیه حبشه بقا ایدوب کندوسی مصره معاودت
 ایلدی تمه حبشه بو وقعه ظه و ر ایتد یکینک خبری مصر والیسنه کلوب احمد بیگ ایله
 عسکر کوندردیمکه قرار ویرلد که مصر قوللری جمله کبار و اعیان ایله یکران اولوب بز لر
 دائم اعیان استقیاسی دفعه و خزینه کوندردیمکه و امیر الحاج خد متلرینه مأور اولوب هر یار
 خدمتدن خالی دکلر طواشی اغارک قوللری و اتباعی بود دفعه بو خدمته وار سونلر دولت
 یاد شاهیه انلر یو قدر مال و منال صاحب لر یدر برایشه بولنسونلور یدیلر و اقعاحرم خاص
 طواشیلرندن اولوقته او توزه قریب نامد ارغا لرمانندی اوزون سایان اغا و غیره که
 هر یی قوت و صاحب مکنت دولت لر ایدی آستانه دن کتورد کمری اموال فراواندن

خبری مصرده معظم و منتفع بها قریه له ما انکار و وظایف عظیمه و جرایایه متصرف
 اولوب هر رینک وافر منتظم الحال بنده سی و اتباعی و ارادی مصر قوللری و اعیان بانی
 بونلرک وسعت و دولته حسد ایدوب اظهار غیظ و خصومت بهانه استرادی بوسیله
 ایله فرجه بولوب باری حبش خدمتته اغارک اتباعی تعیین اولنسون دیجه سی
 متفق الرأی اولدیلمر اما بوضوح اغایا نه تکلیف اولندقدن التفات پادشاهی ایله مضحک
 و مباهی اولد قلوبینه بنانه احتمالدر مصر قوللرینک ایشی ندردیو خواب ویردیلمر و فتح مصر دن
 بروحرم همایون و دارالسعاده میمنت مشکونه پروده و چراغ اولان خواص و مقربینه بو
 مقوله تکلیف عنیف اولدیغی وارمیدردیولتمناع کوستر دیلمر اول سببدن مصر قوللریله
 طواشی اغار و اتباعلری بنده شقاق و قتال واقع اولوب اغارلر مالکندن برمقداری قتل
 اولنوب والی مصر دخی اغارک طرف خلافتده اولغله اغراض غین معامله سن ایتمکن جمله ناک
 معرفتیه اغارک بر قاجنی عدم اطاعت تمتمیله ابریه نفی و اجلا و بر قاجنی دخی اختفا محنتنه
 گرفتار ایتدیلمر هله نه عال ایسه توسط مصاحبون ایله آتش فتنه سکون بولش ایدی بوقتنه
 اراسته طائش یا تر علی اغا و مصاحب مسعود اغار طریقله خفیه فرار ایدوب بر ابکی خدم
 ایله سبکبار شاهانه آستانه یه کلوب مصر بلردن شکوی ایتدیلمر مصر بلردن دخی واقع حالی
 مبین عرض و محضر کلوب بوقعه هائله دن مصاحبان شهر یاری بلکه عموماً بلرون همایون
 اغارلی متکدر اخلاط اولدیلمر لکن عصر مد اراعصری اولغله مضی ماضی دیوسکوت
 اقتضا ایدوب علی اغا و مسعود اغازمره مصاحبیننه الحاقله مکرم اولدیلمر بوقعه ده مصر
 والیسی خاصکی محمد پاشا اغراض و مساحمه بلکه تحریک سمته مساعد تممتی ایله اغارلر بنده
 متهم اولوب حیف قهر سلطان ایله اعدام ایتدیلمر لکن بوقعه کیم ذکر اولنسه کرکد لکن بوقعه
 غیر مرضیه مصر دن ظهور ایتدیکه حسن حالله دفع شقاق و اغارلریله مصر یلرک
 مایینی اصلاح و اتفاقه تدبیر صائب اولنوب عنف و رعوت سببیه اراده محاربه اولنوب
 اراذل ناسک فتنه ناموسی و جرائلری منجم مفاسد عظیمه اولوب احوال عالمک فتنه یه
 استعدادی اولغله چوق یکمدین اول بی ادبک دار السلطنه العلیه طرفنه سرایت ایدوب
 اغار بوقعه سی حد و تنه وسیله اولدی تبدیل دفتر دار ایشیر پاشا مقدم تحریر
 اولندیغی اوزن مون لی دفتر دار ایشیر پاشا غدر یله مقبول اولدقدن اول حمل ثقیل
 مرحوم وزیر اعظم درویش محمد پاشا کتخدا سی علی اغایه تحصیل اولنشی ایدی مزبور
 علی اغا دفتر دارلق رتبه سنه بلا تقرب تقدمه باعث افندیسی مرحوم دریش پاشا ناک
 مکرم و غزون اعوان جواهرین بلا سوال و لا ابرام طرف پادشاهی یه بیلدیروب برجه
 کتم ایتمکله صداقتی ثابت اولد و غندن ماعد اکنده سی متول آدمدر خلق اعتماد
 ایدر مواجبلده تدارک مال خصم و عنده عسرت چکمز ملا خطه سیله اولدوغی مقدم
 ذکر اولنشد زابشیر پاشا سایه سیله مستقل دفتر دار اولوب مال میوی پی تحصیل
 و مراجعی تکمیل و عسرت چکمز دی ایشیر پاشا قتل و مراد پاشا وزیر اولدقدن بالاده خیر
 اولندوغی اوزن نصیح و ولدش محمد و زنی ارنگاب ایدوب بکچیری و سیاه و جبهه جی

و سائر گروهی اضعاف مرتبه سی از تر دیغندن ماعد ابقاظ فتنه ده کندویه معین
 و تحریک اشرا درده هواداران خانن نابکارلرک متر حریف تذاکرین مجد دامعمول و محسوب
 رایتد یروب مغدور ایشیر پاشا بر طریقله ارباب طمع و اهل افساددن استرداد ایتدی بکی
 اموالی احبابنه رد و ابواب مصارفی فتح و درجه ارادی سد ایتمکله خزینه عامه یی خراب
 ایتمشیدی علی اغا بر مرد عاقل و دوراندیش اولغین عاقبت کارینه منجر اوله جغندن خبر
 اولوب اندرون و بیرون اولان کاردان دولت بذل مال و صرف اعمال ایله کندویه خلاص
 ایدوب اول دام درد و محنته صوفی محمد پاشا گرفتار اولمشیدی اولدخی اناطولی و روم ایلی
 دیارلر دن اولان مناصب و خدماتی تبدیل و تحویل ایدوب کونا کون حیل و صنعه قمار ایله
 ارنگاب کار ناصواب اچکون نیجه مشقت واضطراب چکوب تحصیل ایتدی و کی شیلر ایله
 هر نه حال ایسه انجق بکچیری مواجبین تکمیل ایدوب سیاه طرفندن جروب و شتوم ایله
 نیجه دفعه فتنه سنه هجوم و ضرب الحجار ایله جاملری بر قاج دفعه تجدید اولندقدن نصیره کاری
 پاشا حیفقار مقدر نا امید و بر قاج کون دخی تحمل ایدر سه خنجر غدر ایله شهید اوله جغنی
 بیلوب بر قاج مرتبه توسط مشغوعرض نیاز ایله عزلتی بر جالیدوب ماه صفرک التبی احد
 کونی باش دفتر دارلق خدمتی اوچنی دفعه خالچی زاده وزیر محمد پاشایه الباس اولندی
 نقل عزیز افندی تاریخنه دیر که حیف و صد حیف که دولت احمد خایده باقی پاشا و انکی
 زاده احمد پاشا و امثالی عالی قدر و زراد قدر دارلق منصبی اوزرینه محاربه و مقاتله ایدوب
 طرف سلطنته بیحد بیشکشی نثار و تقدیمدن ماعداد اراستعاده اغاسی مصطفی اغا
 شفاعتی و وزیر اعظم لک همیتله وجوده کلوردی شمدی بر فقیر علی العیالیویار کرانه مبتلا
 اولسه خلاص اولخینه دیک ماملکی صرف ایدر ظاهر اینک سبی مصر فلک ابراده غلبه سیدرو
 دخی نیجه خفی سبیلوی وارد اسرار دولت قبیله ندر که اربانه معلوم زارادت علیه الهیه بلم
 یو خسه خلافتنه می متعلق در دولتک اصلا حنف و خزینه نیک تعمیرینه سعی ایدن وزیر اعظم
 قتی از زمانه اصحاب افساد ایله ازاله اولنوب امر مهم حصوله کلک کا هو الواجب میسر اولما یور
 سیدی احمد پاشا ذکر اولندوغی اوزن اگر چه فرمان هماینه امتثالاً حلب اوزرندن قالقوب
 منصبی اولان سیواسه طوغری عزیمت ایتدی لکن ایشیر پاشا ناک جمع ایدوب استانبوله
 مها کوردیکی لونداتک اکثری لک یانندن مجتمع اولوب ابازه حسن اغانک دخی وافر لوندی
 و اتباعی جمله اون بیکدن زیاده اشخاص حلب اطراف غارت و تالان ایدوب و عایا فقر اسنک
 عرض و مالکینه تعرض و تعدی آیمیلر یله کروه کروه شکایتجیلری بر قاج دفعه پادشاه عالمیناهه
 رفع رقعته شکوی ایتشیر ایدی از قالدیکه ابکیسی دخی مظهر غضب اوله وزیر اعظم سلیمان پاشا
 اگر چه افرط صلب ایله این الجانب بر دولتلوی دی لکن نه ملا خطه صحیحه صاحب اولدقلری
 اجلدن ایکسینی دخی پادشاهدن رجایدوب اوغور همایونده استخدامیه سزا قوللر بکر در نصیح
 و تنبیه ایله تأدیلمی قابلدر دیو سیف سیاستدن تخلیص ایدی و هنوز ایشیر پاشا بوقعه سی
 سببیه مشوش الحال اولان ممالک محروسه ناک خصوصاً زمره عسکرینک اختلالی
 بر طرف اولنردن اول بر مشکل ایش دخی حد و ث ایتسون دیوسم و لته دفع شرتد بیرینه زاهب

اولوب سیدی احمد پاشایه رتبه وزارت و ابازده حسن اغایه ترکان اغاوغلی ایقوا و ایکسی دخی
 ارضا ایدوب یانلرند اولان لوندات ایله بوغاز حصاری اطرافنی محافظه مآ مور ایلدی
 ظفر یافتن خان تاتار با کفار قزاق اقلیم قریم خانی عسکر تاتار ایله قزاق ولایتنه عزیمت
 ایدوب بوسالده قره دکزده بعض سواحلی سبی وغارت ایله خراب و ویران ایتکله تقض
 عهد و پیمان ایتد کلمینک جزاسنی ترتیب ایچون مسارعت ایلدی اول حزب خاصرین
 مسقو لیدن یوز بیک قدر عسکر ایله له کشورند بر معتبر حصاری محاصره اوزن بولغین
 خان عالی شان قزاق قلعه سنی بلا مزاحم ضبط و تسخیر بولدی قلمی ملا عینی طعمه شمشیر
 و بسته زنجیر ایتد که محاصره اوزن اولد قلمی قلعه جابینه جان اتدی ملا عین بوخبری
 ایشند کارند استخلاص حصاردن بیزار و کندی و لایتلرین غارنکران تاتار لندن
 قور تارمغه طلبکار اولوب مسقو لشکرین دخی یانلرینه آلوب دارودیارلرینه ایرشیمکه
 شتاب ایتد پلر اثناء طریق مروری مشکل بر جامولی مضیقده عسکر تا نا ظهور ایدوب
 کفارک راه نجاتنی سد ایتد پلر خنازیره بر مرثیه تیغ بی دریغ اوردیلر که العیة علی الراوی
 الی بیک قدر قراغک نصفندن زیاده سی و یوز بیک مسقو لیدن ثلثانی مقداری خاک
 هلاکه دوستوب بعد الیوم اطاعت و تسلیم دائره سفندن تجاوز ایتماک اوزن قزاقک
 بقایاسی دارالامان صاحبه التجا ایدوب وانلرک رجا سیله اوتوز بیک مقداری بقیه
 السیوف مسقو و استقیاسی دخی مظهر عفو و احسان اولدی خلاص اولان مسقو عسکری
 معرکه دن اوج مرحله بعید اولد قد نصیحه عسکر تا تاردن برکروه انبوه ایریشوب اوتوز بیک
 قدر کافرک بشیوزدن ماعداسی طعمه شمشیر اولدی عسکر تا تار سالما عودت ایدوب خان
 اوردوسنه کلورکن چه قرالی طرفندن له مملکتنه مستولی اولدینی مرثیه سیله مسقو
 قرالندن بشیوزنفر کافره راست کلوب شمشیر ایتد مقام ایله یدی کسنه دن ماعداسنی اعدام
 ایتد یلرو خان عالی شان له قرالی نکرار دارالمملکتنه تقریر ایتد تدبیری اوزن آدم کوندردیکی
 اخبار ساره سی مقدمه مادولته وارد اولمشیدی واقعا چه قرالنه خبر کوندروب بوجه استبحال
 له قرالی ارسال ایدسن دیویرلیغ بلایغ خانی ارسال ایتدیدی بوارالقه چه قرالی سرتاسر له
 مملکتنه مستولی اولغین ید عادیه سفندن انتراع تدارک عظیمه یه محتاج اولد و غندن ماعدا
 شدت شتاما نغ اولغین اول امر عظیم اول بهاره توقیف اولوب خان عالی شان بطریق الرهن
 بشی بیک تفنگ انداز قزاق ایله قریه داخل اولدینی خبری شهر ریمع الاخره ده معروض
 درگاه پادشاهی اولدی احوال جزیره قندیه و کریقندیه محاصره سنه اولان عسکر اسلام
 طرفندن عرض و محضر کلوب بوجانبک احوالی یشاند عسکر قلدندن و موجود اولنلرک
 دخی علفه لری وقت وزمانیله کلوب ایرشیدیکندن ضعف حال کالده اولوب دشمندن قلعه
 الموقد کل شمدیه دکن النان قلاعی دخی محافظه یه اقتدار یوقدر بوسالده وزیر اعظم عومایکجری
 و سپاه اوجا قلمیله حرکت زحمتن اختیار ایدر لسه محتملدر که جزیره عوماد داخل قبضه
 تسخیر اوله والا انجاء ضرورت حکمی ایله محافظه دن ال چکوب جانمزه امان ایله مقر
 اسلام اولان قلاعی کفاره تسلیم ایدر زدیو فریاد ایتد شلراوج کون علی التوال حضور همایند

مشورت اولوب حق سوزی بلان سو بلکه قادر دکل سویلینلر دخی کنک و غرضلرینه و بجه
 فکره مبتی خوف و ریاضه ترین رعایت ایدرک سویل یوب ایشه برار و شافی جواب سوریاند بکدن
 سوز اوزایوب کوندزده حضور همایند و کجه لرده و زرا و علمخانه لند مشاور ایدر لردی
 اویجی کون بعد کل کلام مقالات مشاوره یه بویه ختام ویرلدی که حالا سلسله والیمی
 صدر اعظم سابق سیماوش پاشا عنوان سدر عسکری ایله بنفشه دن کریم یوب ایشا غی
 اولان باوک معاکیم لرو پونلری کریم یوب کورن بیک کیلری ایله کریدده سردار اولان حسین پاشا
 آستانه سعانه کلوب تکمیل مهمات دونما دن صکره قیودا نلق شوکت و شانیه عزیم
 دریای سفید ایتد اوزن رایینه قرار ویرلدی و سلسله ایلغنی و نی صباری کنعان پاشایه
 ویردی لر عزل وزیر اعظم سایمان پاشا صدر اعظم سایمان پاشا قلدت ایراد و کثرت موجب
 و مصارفات هائله سنی کوروب امور دولته مستولی اولان شرکانک غلبه سفندن برتد بیر
 قادر اولوب بارکران و کالت عظمی التمه عاجز و حیران قالمشیدی مراد پاشا و باقلمی
 طولانروب عسکرک انواعی اضعاف مرتبه سنه وارد یغندن غیری خزینه عامره ده اچیه
 اولوب و سکه احوالی دخی مختل و مشوش اولوب ظاهراً غرضلرین سکیسان اچیه
 واسدی یش اچیه یه رایج اولوب لکن مشوش و کجی اغرض و یار و زید اچیه سبیلله
 تعامل ناسه اختلال کلوب اهل سوق عیارلری و ملا عین صرف طمعکارلری راسنه یه مقوله
 مغشوش و کجیارت قود عیار و مقدارینه کون قیمت ایله سبیلله غیر مسکو که کی درهم و ترازوالیه
 الینوب ویرلور ایدی بوسبیلله سکه پادشاهی مفقود اولمشیدی سایمان پاشا هر نه
 حال ایسه توجیه مناصب و مصا دراتدن واستدانه طریقیه بر قاجیه زکیسه پید ایدوب
 مواجبه کفایت ایتما مکله دفتر دارک طرفته ملتزم مفسد لرینک سوق و تعریفیه
 در کبسه اولان تقود خالصه یی صراف خانیلری الله و رب اول عصرده چمکانه و میخانه اچیه سبی
 دیمکله مشهور و مغشوش و قزل اچیه بوزوب بر قسط علفه یی هزار مختله تکمیل ایتد کدن
 صکره بواحوالک نتیجه سی فساد و ان جغین فهم ایدوب صد ارتدن حسن رضا سیله فارغ
 اولمق ایچون والد سلطان حاضر نلرینه رجا و استعفا ایلدی لکن کارداران دولت
 و متصرفان زمام سلطنت خصوصاً مراد پاشا طرفدار لنی ایله وایه دار اولان متعینان
 کبار سایمان پاشا نک عزلی استمرلردی بر حایم و ملایم آدمدر رجا مزی دفعه و بوجه
 استقلال حل و عقد استمدیکی کبی کار داندلری یش باشته کتور من جزئی و کلی امورده
 رایزه مراجعت ایدر او مقام بر قالب فرسوده کی طور سون قفق ورتق امور نهائی بزم الیزده
 اولسون دولتدن حصه مند اولد و غز منافع ایله صفال نور زبویه سهل المآخذ لین الجانب
 آدمی عزل وغیری وزیر یی نصب خصوصاً سوق و تصویب اینسک شاید وزیر جدید
 خزینه یه سعی و پادشاهی ارات خدمت و عرض صداقت داعیه سیله استقلال
 دعواسنه دوستوب جهات فواید یزی قطع بلکه تعیین وجود ییزی ازاله و دفع ایله
 دیو صد ارتدن عزلی استمرلردی فی ریمع الاخره قلایه معلومدر که مقربین و سائر
 مدبرین خیر خواهلر نامیله حل و عقد امور دولته مستولی اولمق افات عظیمه

وار در زیر امیر بلك زعميله مداخله امور اید نلر خیر و شره مصدر اولغله شهرت بولوب
 نيك ويد امور دولت كندويه نسبت اولغله باشلر محاسبی مستور و مسواری
 مذکور اوله رق مبعوض اولور مش زعيم السقوم عازمهم مفهو منجه حدوت و بوايامه
 مبتلای غرامات اولق اقتضا ایدر وکیل دولتك امورینه استیلا ایتك یا لکتر منافع
 واردات سپور و بواجب و مصارفك جوابی اول ویرسون و زده پید ایدر سه ایتسون
 ملاحظه سیله ایدر بو خطای فاحشد رزیر اعجز و تقصیری رخنه لری نمایان اولد قه
 ظهور ایدر جك ضرر یا لکتر اكا عائد اولر جمله مشارکاره اولور بویه اذ خار ماله آفت
 و وبال مقرر در مستولی امور اولنلر اختلاس ابرامه متفطن اولد قلی کبی موجب
 و مصارف غائله سنی اناك کردنه تحمیل ایدوب کندولر لایالی اتوب طوتمق فکر نه
 اولد قلی نه غریب خطای عظیم ایدوکی ملاحظه پیور یله به معامله نامعقولنه ضرری قی
 ایزمانه ظهور ایدوب تدبیر و تدارك قبولی ممکن اولوب آت میدانی وقعه سنه
 سبب اولدی جلب مال و حضور و راحت و تحصیل اموال اساس دولت عد اولنان
 معظمت امور منتظم الحال اولدیغی زمانه اولسه کر کدر عیاذ بالله تعالی معظمت
 اموره و هنر و اختلال موجود دایکن اذکار مال و استقلالک فائده سی یوقدر بلکه ضرر
 عظیمه مؤید در دولت و والد سلطان حضر تارینه منسوب معمار قاسم اغا که کو بیلی
 محمد یاشایی تعریف و صدارته تقدیم ایتکه سبب اولان کسبه در اوائل حاله
 اسکدان کجوب سایمان یاشا سرائند کچه لرله یا توب صحبت دوستی اولغله نقل ایدر مشکه
 حقوق سابقه یر عایت کون تها سنه بهی دولت و اور تالک لی معلوم ایش کورمکه
 برخه بش شروع ایتسه کزه دیدم بنده حیرت قالدیم نه استلیه یم بلم دیدی اوجاق
 اما ند قره حسن اوغلی حسن اغا قو له آلوب بودور سایمانی قول کتخداسی ایلر
 فلانی کچیری افندیسی ایدوب تسلیل نفرات وضبط محمولاته شروع ایلر و سیاه
 اوجاغنه کذلک مناسب ضابط قویوب پر مقدر حسینی طشره یولله سائر او جاق قلی دخی
 تسلیل ایلر تفحج ایدیی آدملا اسخندم ایلر و صاری علیی دفتر دار ایلر امور مالمه بی ضبط
 ونجه امور نافعه تعلیم ایدر دیو سر کاع کتور جك اون آدم قدر یاد ایلر اظهار عجز ایدوب
 بهن قاسم اغا بود ملر ایش بادیکنی بنده ییلورم لکن بو منصبلرک هر بری برادر
 اغزنه در عزله قدرتم یوقدر مایلرندن خوف ایدرم دیو نعرف ایتدیك آدملردن
 و سائر مستعد رتبه اولنلردن برینی نهایه چاغروب مکالمه یه قادر د کلام خلا خد متمد
 کار سازانک جاسو ساری واردر انلر طرفندن احوال طیلر و لوب فی الحال برهانه ایلر بنی
 بلایه او غرادر لر اطر افرنی محصور ایدن جاسو سار د ائمال اول دیدیکک آدملری یا ندم زم
 و قدح ایدوب قبا محنی سویلر لر بوضو رند نجه تقریب ایلر یم دیدی بن دخی کوردمکه
 یاشنه در مان یوق بهی افندم ایشه یرامیان آدمی کسبه ذم ایتز لساننه المغه بیه نزل
 ایتز اخدمه دولت قور قلی آدمی زم ایدر لر سز بر حکیمانه صنعتله بدلری تقریب
 ایتنه و در صاند یغفر حشر آن حسن مد افعه ایلر دفعه قادر اولد یغفر صورت معظمت

۵۵۱
 امور دولت اولان صعب مصدر الحله هیچ برایشه قادر اوله مرسر باری درویش پاشا
 مرحوم کتخداسی که دفتر دار لقدن هنوز مغزول اولدی برمد براد مرنانی تنهاجه کتور میری
 احوالی بیلور صورت او قوف عطیمی و ارعاقل ادمد دیدم خلق انکچون عیاشدردید بلر
 نجه همصحبیت اوله یمو هم اغنیادن ایکن صورت افلاس کوستر وب بذل هدایا ایلر
 تقریب معامله سین ایتز نفه سزیره غیون قونشوب متهم اوله یم دیدی کویری قصبه
 سنه ساکن طرابلسدن مغزول مجد پاشا واردر کتور دوب ایلر و چك قائم مقام ایلر
 مشکلات اموریکر نسویه سنه اول کفایت ایدر دیدم بهی آدم هر وار دبی پردن حسن
 سلوک ایدر میوب غوغا ایلر عزل اولنان مفلس آدمی بکا سوق ایدر سن انی کتور دوب
 ایشه قومغه استعداد کسب ایلر جك قدر او از می کورمکه خر جلق ویرملو بر شمدی
 عید هدایاسی تدارکنه شوقدر ماله محتاجز بکا سوق ایدر سك شویله آدملری سوق
 ایلر که کندولردن بر مقدار نقود امدادی متصور اوله بویه تک وقتیه عقل و تدبیر
 و قوری سوز لقلقه سی نه ایشزیرار زدن سوز استعزلر دیو جواب وردی بیلر مکه بچان
 اختیار ارباب استیلا نك قور د قاری دام تزویره کرفتار اولوب مصراع دستها بسته و مهمان
 شده برخوان نعم مفهو منجه اول مقامه تعین وجودی بر شیخ موهوم فتق و رتی احباب
 مصالحه زور بازوی نصر فانی معدوم حکمنه اولوب چار ساز لقدن کچک بر عیدیه ویر کیسی
 تدارکنی غنیمت عدا ایلر جك قدر مضطرب و بو عجز و نیله مذکور لسانندن جز رائاس ایلر
 الفت و استعانت دخی قادر د کلد ر نیک ناملق زعميله زحمته دوشمش بو وجهله عجز و مدل ایلر
 ینه هر کسندن جلب انتفاع سود اسمیه امورینه تلاش گلش بودولاب عسیر الادانی چویروب
 برایشه یرله حق عالی اولد و غین فهم ایدوب اجیدم سلطانم بودولت علیه ده خزینه و ماله
 زحمت چککلر لکن دولت اموری نظام تامنی بولغه محتاج در همان الله تعالی توفیق ویره و سزری
 بو تحقیر دن قور تاروب سلامت عاقبت احسان ایلر دیو بقطع کلام ایتدک دیو یاراننه
 حکایت ایدر مش برینه صیده رجوع ایلر لم سایمان پاشا بواسطه ایدر کار داران دولت
 علیه ایتسه عزلنی چندان مستحسن کورمز لایندی لکن قاعه جفر اوزن مزبورک مدت
 صدارتی انجق استک عد دی قدر اولد و غنی عصرک ذوق و نلرندن بعضیلر استخراج
 ایتشیدی اول حکم صادق واقعه مطابق دوشه جك ایش دین و دولت خیر خواهرلرندن
 بعضیلر اندرون همایون طرفه خصو صادار السعاده اغاسی طرفندن والد سلطان
 حضر نلرینه اخبار معقوله ارسال ایدوب عالمک معلومی ایشیر پاشا و قعه سی جانشینی
 هنوز ذائقه ناسدن زائل اولدی مراد پاشا سیئه سی اولان کثرت موجب و قلت ایراد
 غائله سنه تدارك اولمبنجه امن و راحت متصور د کلد ر سایمان پاشا تنصیر فاندن عاجز
 جان و عرضی خوفندن الی ایشه وارمز شروع ایتسه ده الندن کتور بریر مبارکدر
 بر موجب ویرنجیه دك ارنکاب اولمبدق کارنا هموار قالدی انی دخی هزار محتله تدارك
 ایدوب هنوز نیکمیل ایدر مدی توزیع اولنان اچه ایتسه قلب و زیوف اولغله خلق بیننده
 کفتکو واردر کندوسی مسمن و اختیار اولغله حسن رضا سیله عزله طالبدر یو پیری

سلامت عرضیده چیتاروب اولقامده سنندن کلکه قادر بدولتو کتورمک
 خصوصی در دولت علیه به نفع و احری فهم اولنور واقع حال سمنه سینه پادشاهی به
 اعلام اولنقه خیر خواهلوق مقرردیویدل ردیلر بالاقتضا کلمات موجهه معروض
 رکاب پادشاهی اولوب حرمان دولت و مقر بان سلطنت ایله تنهجه مشهور اولدی
 طشره ده اولان ایمانندن سرای عامر به منسب اولنلرک دخی مشکو اندیشه لرندن
 اقتباس ایندی بلر هر گروه کندویه نفع واولی ملاحظه ایندی کی سمنی ترجیح ایتیکله سزای
 حجج تردد و صعوبت پرده سمنه متواری اولدی لر اسرار دولته اطلاع قلمیل اولان ظاهر
 یمنلر کرب سمداری حسین پاشای ترجیح ایدوب الحاله هذه شجاعت و صلاحیت مثلی
 قادر واعدانی قهر و عسکری ضبطه قادر دردیو شهرتیه بناءانی اختیار و یورائی معروض
 هتبه علیه فاک مد ارایتدیلر جمادی الاولینک ایکینجی کونی سلیمان پاشا عزل و مهر
 همایون قیو جیایر کتخد اسیده سردار حسین پاشایه احسان بیوریاوب اگر سمنک وجودک
 گریذ جزیره سمنه لازم دکل ایسه قره دن کلک صناعا کر حرکتیه دین و دولته ضرر ترتیب
 ایدوب جاک محمد و احتمالی واریسه خدمت محاطه ده اوله سمن دیو خط همایون اصدار
 اولنوب مهر ایله منع کوندرلدی قائم مقاملوق خلعتی قیودان سورنازن مصطفی پاشایه
 الباس اولندی دفتر دارلق چون سلیمان پاشا اظهار عجز ایله پنجه محفندن تخلص
 کر بیان ایلدی دفتر دار حالجی زاده وزیر محج پاشا دخی مصباح کدار لقندن اظهار عجز
 ایدوب و نفسیه لندن ایش کلیمه جکی جانب سلطنتک معلومی اولغین ایتسی عزل
 اولنوب دفتر دارلق مرحوم وزیر مصطفی پاشا کتخداسی لغاف قره کوز محج اغاید کوری
 لازمه توجیه اولندی پنجه سلیمان پاشا عزل و بتدیلات و تغییراتک لر و منی القا ایدن
 خیر خواهلرک مرادی سوق تدبیر و خیر محض ایدی لکن ارایه اغراض فاسده قریشوب
 توجیهاتی نامعقول وجه اوزن ایندی کوری ظهور امر قضایه وسیله اولدی ظهور فتنه و وقعه
 چنار سلیمان پاشا یردیکی مواجیهک نصفی مقداری زیوف و کعبه اولوب صاف اولان
 نقودک اکثرین دخی ضابطان عسکر زیوف ایچیه یه یوزوب ناقص و کاسد هرنه ایسه توجیه
 ایتشیلایری نضرات عسکر اهل سوقدن شی الوب بهاسنی اول ایچیه دن ویرد کاردن سوقیلر
 المدی لر ایچیه یی بز مواجیه دن الدق چل ایچیه یی قنده یی لاهم دیوب کیسه سن تخته اوزر لینه
 سر نکون ایدر لردی و اهل حرف اگر اهیله فارشدروب بونه الحق ایچیه یوق دیر لایدی
 و عسکریدن بعض غصبوب و شر و کسمنه لر یو حاله چاک چاک اولوب تخته یی دکان
 صاحبک کلک سمنه اوزوب کمی دخی الدینی شینک بهاسنی اول ایچیه دن براغوب شتوم
 ایدرک کیمردی کونده یوزیردن زیاده بویه غوغال ظهور کوردی یکچیریان او طه لرینه کلوب
 بونه اولیه حق حاکم لدرال دیغمز علوفه ایچیه سن بز دن الما ز ل المانلری دوکوب سوکسک
 بز میدان ایدر سوزو سور لردیو یریر کفته کویه با شلیوب لسان عوام شررفشان دشنام
 خصام اولقله ظهور نائرة فتنه یه استعداد تام کلشیدی قضای اسمانی چون ظهور
 ایدوب جاک ایش بواشاده کیمردن کلان برقاچیموز سرو یار هغه یکچیریلر اغاقیو سمنه واروب

سلطان اول جزیره بی فریاده طاش یصد نوب طوپراق دوستندک دین مبین اوغریه غزرا
 ایلدک حال طقو ز قسط مواجیه ویرلندی طایفه مرحمت بیوروب مستحق اولد و غیز
 مواجیه احسان ایلمک دیوب اغلیوب قریا دینلر لایق اولان اناره روی شفقت
 کوستریوب یولد اشارد دفتر پادشاهی اسامیلر بکزه کون مستحق اولدی بکزه علوفه لیکری
 عرض ایدوب البویره یلم حکمک برقاچ کون صبرایک دیوب ضابطلری بویه تطیب و اسکات
 ایتک واجب اینک قول کتخداسی عثمان اغا حدث و شدت ایدوب بره ارکان سزاد بسزراغا
 قیو سمنه بویه کروما یله کلوب زور بالی ایتک او باغز ده وارمیدر قنی بونلرک او طه با شیلری
 کورتورک یو ادب سز لک حق لرندن کلک متنبه اولینلری بو غا ز کسن قلعه سمنه کوندروب
 حقندن کلک لم دیو عنف ایله تخویف و تهدید ایدوب جانندن بیزار اولش برالای محنت
 کشیده ییضا بطرینه تسام و او طه لرینه ارسال ایندی لر انلر دخی یأس و حرمان ایله
 قریا دکنان یکچیری میداته واروب کتخد ایتکدن کوز دکوری اذیت و جفادن یولد اشالینه
 چاک کریبان اشتکالت کاردن زیوف ایچیه ماده سندن جکر لری خون اولان یکچیریلر دخی بونه
 اولیه حق ایشدر دیو اطاله لسان فتنه رسان ایله انلره همد استان اولدی لر قضای ربانی
 هنوز سیاه علوفه سی دخی تمام ویرلماش بو قضیه دن آگاه اولد قلرند انلر دخی جمعیت
 ایدوب مایینلرند هزاربان احمد پاشا کلک مهتر لکنندن التیشرا ایچیه علوفه ایله سیاهی اولش
 حسن اغاوشامل محج اغا نام ایکی در بدر و غلطه و یوده لغندن جهل و سفاهتله منکوب
 اولش قره قاش محج و بونلر امثالی برقاچ سوزیلور کستخا کسمنه لز و باباشی اولوب بقه
 یولد اشلر مواجیه زیوف ایچیه چیقوب اولدی یکچیری یه ویریلوب بز پنجه ماه بکارز
 علوفه مزدور اولنر نصفین علوفه الم دین دفتر قیادی انشاء الله تعالی کلک جاک مواجیه ویرز
 صبرایک دیر لیم وینیه جک دین ایله خان کوسنه لرند اج و محتاج بکلر زالدیغمز علوفه حاجی یه
 اولان دینره کفایت ایتیر بو ذلت و خور لیمغی نجه یه د کچکر زو زیوف دفتر دارالند ایش
 یوقدر بومضایقه یه باعث شرکاء دولت ایدوکی معلوم دروان لم یکچیری یولد اشلر یز ایله
 اتفاق ایدوب بو دردک چان سنی کون لم دیوب جمهور ایله او طه له طوغری چکلدی لر
 جمادی الاولک التینی جمعه کونی ایدیکه زمرة سپاه یکچیری میدانه واروب احوال
 مذکور متعلق مکالمه فتنه انکیز ایندی لر یو لداشلر سزه وزه یوقدر جور و اذیت
 اولقه دو لئو پادشاهم زک رضای شریفی یوقدر بونک مبدائی جمع مال سودا سمنه
 اولان شرکاء دولتک طمع خاملرند رطشره ده ایمان دولت نامه برقاچ ملتزم حیل کارک
 اشلر دیر بز مله اتفاق ایدر سکر اولقو له لک وجودینی ازاله ایدوب نظام دولته سعی ایدم
 دید بلر طائفه بکتاشیه چونکه زیوف ایچیه یولد اشلر یی قهر و طرد ماده لرند مغیر الخا طر
 ایدیلر سپاهک کلمات فتنه خیر لینه وجود و یروب متابعت کوستر دبلر او لکجه سپاهیلری
 او طه لرده الیقویوب مهمان نوازلق ایدوب تا صباحه دک مشورت ایندی لر یو رآی اوزن
 قرار ویردیلر که پادشاه حضر نلرندن ایاق دیوانی رجایدوب بو خصو صلری شفاها
 عرض ایدوب ازاله سن مراد ایتد کوری کسمنه لری اعدام ایتدن لر و اندرون همایون

و طشردده او تو ز مقداری مشاهیرك اسامی سنی دقترا ایدوب معنی زاده میرحسین مرحوم
 دیركه اول قت خزینه كنداسی ایدم و سرکائی خدمتی ایدردم طشردده صادق اللهجه
 موثوق الكلام عقلادن دوستلریم و واقف اولوب بزما فاده ایتدكلى حقیقت حال
 پویه دركه اگرچه فتنه مزبوره نكظم و رینه سبب صورتا مواد مر قومه درلكن طرف
 دولتن مغدورو مجروح غچه اعیان و كبرك خفیه تحريك و تعالیمى بو قضیه
 عظیمه به صورت ویرمشدركردن كلنلى اغاق و سینه كوندركم و كندركم نا حق
 یره از ارمو و اخذ ایتدیروب سپاهی بی كچه اولطه رده الیقویدروب عهد و میثا قدن
 صكره متعینان دولتن او تو ز قرق كسینه بك دقترا لری ویرمك و بودعوايه
 لا زم اولان مقالات فاسدی او كرتك با جمله تحريك و تعالیم ایدی مناصب و فوائد
 دولتن محروملر ایلد غرامات مالیه چكمش نامدار مدیونك افساد سعایتلری و مهر
 و كالته طلبكار محرمیتله داغدار اولان دولتلر لك اعانیه صورت پذیر اولوب
 بو حادته هائله به علت اولش ایدی دیدی اسلمی تبصریح ایتیموب انحق جمله سی بهرهمند
 اولوب سیف سیاست ایلد جزالین بولدیله رنه كم محلی ایلد تفصیل اولنسه كركدرلكن
 فقیر بر تقصیر بو كلامه نوع اعتراض ایدرمكه مزاج عالمه فتنه و فساد استعداد
 اولوب تحريك و تعالیم حاجت اولدیغی بو قارودن بو تفصیل ایتدیكمز احوال دن معلوم
 اولور ایتدی كه جمادی الاولینك التخی سبت كونی در علی السحر ركاب همایونه خبر
 كوندروب بالمشا فیه عرض ایلد جك دین و دولته نافع نچه امور مهمه واردر ایاق
 دیوانی اولغه مساعده عنایت علیه پادشاهی رجا ایلد زدیو كستخانه عرض مرام ایتدیله
 بو خبر ایدر سمع شریف شهریاریه وارد اولد قده اسناد تقصیر ایلد بکچیری اغاسی محمد اغا كه
 موسی پاشا داماد ایدر عزل اولوب اغا لقی سكبمان باشی محمد اغایه توجیه اولندی و دلی
 برادر زاده ثانیاسكبان باشی اولدی و قول كنداسی عثمان اغا دخی سو تدبیر تهتمیلد عزل
 اولوب رینه زغر جی باشی نصب اولندی او جاقده سلسله اولدی معزول محمد اغا
 و كند ایلد عثمان اغا علی السحر فرار و اختفا ایتشمار ایش بوفتنه بی ابقا ایتكده و زراء دیواندن
 و علما و اعیانن متعین كسینه لمتفق الكلمه بولغین بو تبدیلات ایلد منحل اولوب جدید
 نصب اولغادر دخی تسكینه اهتمام ایتدیله رنه قیام افندی و قوجه نشانی پاشا سهولته
 تسكین فتنه اچون مجلینه كوندردی طرف همایوندن ابلاغ سلام ایلد نصیح ایتدیله
 سودمند اولوب متنصح اولد یلر لر نسی كذا لك اصرار لری از دیاد بولغین وزیر طواقبی
 باشی بولوی مصطفی افندی بی نوازشنامه همایون ایلد جهیمتكا هه كوندریلوب تكرار
 ایاق دیوانی رجا سینه اولد قلوی جوان ویروب معایكی سپاهی دخی همراه ایتدیله
 استانبول اسواقی جمعه كوندن برو قیابوب و زرا و علما و اعیان گروه گروه سرای عامره به
 كشتلر ایدی بووجه اوزن خبر كیدوب كلوب مدبران خردده بین بینمده بو جمعیتك ضرری
 اندرون و بیرون متعینانه اصابت ایلد جکی معلوملری اولغه ایاق دیوانی معقول
 كورمیدوب دفعنه سعی ایتدیله رنه زافندی تاریخنه دیركه حسام زاده عبدالرحمن افندی كه

قدیدن اغایان حرملك انیس و جلیسارندن اولوب صدرینه و مقام فتوا به تقدیم
 انلك همترلینه مظهر اولغین محبوب كرملى ایدی حق نعمته رعایة انلری صیانت
 اچون مخالف رضای سلطانی ایاق دیوانی ایتدركم امرنك عسكری طائفه سنی
 تخطئه و تحجیل و مقربان حضرتیه سوء قصد لری خهشندن جمهور تقسیم و تضلیل
 ایدوب كيف جد وار قوامیله عاقبت حالی ملاحظه ایتكسزین عتاب و تمور اظهاریله جمهورك
 هناد و اصرارینه سبب اولدی علما و وزرا سرای عامر ده و جمعیت عسكرات مید ایتد
 اول كچه بو حالت موحشه ایلد مرور ایدوب ایتدی احد كونی سپاه و بکچیری بجمواج
 كی خروش ایدوب آت میدانه كلدیلر و مد عالیه مساعده یورلق رجا سیله ارالندن
 حسن اغایان رسال ایتدیله رنه سپاه متعینلرندن قره عبدالله نام كسینه كه اور تالغك
 مصاحبت كند از فتلی ایدی قدیدن حسام زاده ك احباب سندن اولغه مفتی اولد قده
 ایش بیلور و سوزا كرا دمدر قوت و غم زده بولنسون شكله رجا ایدوب موقوفات خواجه لغی
 رتبه سنه نائل ایتشیدی قره عبدالله اینه نفسنه تقلیب دولته و تقریب
 جمعیه قادر متكلم ایش بیلور ادم ایدی و بو مقوله جمعیه رده دائما طرف عالیه بولوب
 مصاحبت كوستروب سوز تعالیم ایتكده كبار بیفتند مقبول ایدی و عسکر طرفنی دخی
 الدن بر اقیوب انلره همرك كوریتوب نچه صنعتلر كوستر مش ایدی لکن بر قاج دفعه
 بو مقوله اورته لره دخول ایدوب صكره ینه زیت یاغی كی اوزینه چیقوب وزرا و علما ك
 مقبولی اولد و غندن سپاه قوقونوزلری كند و دن تنفر ایدوب نفا قلله مقید اولدیغی
 طوبی شمار ایدی اول اشناده مرور قره عبدالله سرای ایدی كوردیكه مفتی افندی غیری
 اغا لره طرفدار یوق یا كرمفتی ایلد اینه لیش تیز سالتله كیدوب كلان وزرا ك و علما ك
 جوابلرندن بوفتنه نك دفعنه لازم اولان تداركی حاضریندن بری ملاحظه ایتیمور ملاحظه
 و تدبیره قادر اولنلر ده مختیر طوروب قصد اسكوت ایتشله دفعی قابل اولیه جغنی یلدی
 اسکی عیار لغی اله اكوب مفتی افندی نك قار شوشنه كلوب سلطام شویله جواب ویرلسه
 پویه اولسه دیو بعض مناسب سوز سوزیلد ك حسام زاده ایددی سن واردیوب جمعیه
 یوللادی اول بیجان دخی واروب طرف عالیه بولنقه مصاحبت كزار اولوب ینه موقوفات
 قالمق امیدیه عجاب مقدمات و نازك كلمات حاضر لیوب سوار اولوب جمعیه قشوراردی
 مرادی افندی سی اولان حسام زاده مقام فتوا ده قلوب سائر لینی جمهور نچه دیرلسه
 مشیتنه سعی ایتك ایدی آت میدانی قرینه جمعیت سپاهه ملاقی اولوب علت
 جنبشنه مغرور ابره یولد شلر بونك اصلی ندر كند و اختیار لیکر ایلد سولشنه جك احوال
 وارد طورك فلان دیه یم دیركن زمره سپاهیانن بریاوك سلی سیف ایدوب بره منافق قره
 طوكز سنك نه پرامر اولدیغی طومیش زدر بره اوغلار و الله سره فائده لوسوزم وار ایدی دیمكه
 قائم دی سنك سوزك و نصیحتك زره كركردیوب سیف او شوروب قره عبدالله ریزه ریزه
 ایدوب هر پران سنی مهترانه طرا بز و نلری اوزن اویژان ایتدیله ریاق دیوانی امرنك عسكرك
 لچ و عنادی اشداد بولوب حسن تدبیر ایلد دفعه بحال بحال اولغین سعادت و سلطانی

محمد الاقبال حضرت ناری بالضررون دخواه اسپاهه مساعده بیوروب جمله وزرا و علما ایله
 شاهراهه مشرف اولان الای کو شکی نام قصر عالی به تشریف بیوردیلر طائفه
 عسکر ایدیه آت میدانندن قصر عالی التمه کلجه کمال ازدحام ایله جمع اولوب ایلروده پیاده
 کیروده اهن پوش سپاه و سپاهزاده ل سوار اولوب عرض دیدار شهر اری به منته ظرطور ردی
 مشه شاه فلک جاه حضرت نرینک قصر عالی به تشریف یفرین کوردکاری کبی سابق الذکر
 سپاه زمهره سندن مهتر حسن اغاوشاملی محمد و غلطه و یوده اغندن منکوب قره قاش
 محمد ایلرویه چیقوب قصر عالی مقابله سندن ال باغدر بلر حسن اغا ال قلندریوب
 محمد و ثنائیله جناب پادشاه عالیجاه منتظم و مسلسل خیر دعا ایتمه با شلدی اول
 دعا ایتدیکه عامه لشکر آوارلی یئشدیکه یکبار امین به پاغر لر دی بعد الدعا و التناء
 حسن اغا دیدکاری نکیتی سوزه کلوب دولتله پادشاهم حق تعالی وجودش یقیزی
 تحت سلطنته دائم و سایه سعادت کزی عباد الله اوزرندن زائل بلیه قوللرک خاک درگاهه
 به زسوری کلوب عرض حاللری بودرکه محمد الله تعالی سعادتاو پاد شا همز حد کماله
 بالغ اولوب جوانخت بهادر و استقلال اوزره امور سلطنتی تصرفه قادر و باغه استعداد تام
 و محوله کشتدر کرب جزیره سندن وزرا و امر او عسکری قوللرک لیل و نهار کفار ایله حرب
 و قتاله زحمت چکوب مجروره کفار خاکسارک انواع خسارتی پادشا همزه افاده ایتیلر
 اطراف ممالک غلبه خراب اولوب رعایانک چوغی داراخر به فرالایدی پادشاه قول ایله
 قول خزینه ابله خزینه رعایان حاصل اولور رعایا عدلله خوشحال اولور قوللرک حالی دیگر کون
 اولوب علی رفیه یزین کورمز لر مغشوش بی حاصل و صافی باقر اچیه در اول ایدیه دارالسلطنه ده
 راجع و لای وزیر و وزیر داور لشرکای دولت تسلطندن خزینه و میری تحصیلنه قادر
 دکلر در واقعی حضور همایونه عرض ایتمکدن حذر ایدر لر قرب پادشاهیه
 اولان اغا لر و معاجلر عالی سر ایلر بیکد اثر و خد منکار لر بسلیوب هریری جهات
 منافعدن نجه امور قاربشورل ادخار مال ایله کامران اولدیلر حمایه لرنده اولان آدم لرندن
 مال میری تحصیل اولنر مراد لر نجه حرکت ایتیمین و زراعزل و اعدام اولنور بوندن ماعدل
 طشره ده اعل خدمت نامه بر قاج طمعکار و ارکه اللری التمه قلب و زینف اچیه تدارک
 ایدر عسکر افری وارد در دفتر دارلرک مضایقه سی و قنینه و مغشوش و مقصود تقود ایله
 ملر یکسره لر تسلیم ایتمکه دفتر داری محجوب و یا نجه ویردکارندن ایکی اوج مرتبه زیاده
 مزخرف تذکره لر محسوب ایدوب بر قاج ایلر راهر استمدن طرف میری به کله جک نفود
 میوه نارسیه کبی خام ایکن تلف اولوب بوطر یقیله جانب میری بی بر قاجیه زکیسه اچیه
 مدین ایدوب سنده آتیه به محسوب اولان اصاغ مقاطعه جکری الوب خالص التون
 وغروش جمع واد خار ایدر لر بوطر یقیله ایکی سنده داخل اقتضا ایدوب خزینه عامره نک
 طلی خراب اولدی پناه دولته سرمست اولان وایکی طائفه نک ازاله سی دین دولته
 نافع اولوب حصونه بوندن غیری طریق ممکن اولد یغندن ضروری ارتکاب ایتدوکنر
 وضع کستما خانه دامن عفوشه نشاهی ایله مستور و قبح ظاهر رسی حسن عاقبتیه نظر اماندور

بیورلق مر جودر اول کسینه لر یونلر در دیوب اندرون و بیرون او تو ز قدر اسم و رسم لر یله
 تحریر اولنش بر دفتر چیقاردی وزه علوفه دیو ویردکاری اچیه بودر دیوب چیمندن بر
 اوج زیوف اچیه چیقاردی اچیه منظور پادشا هی اولوب دفتر تمام اوقند قله پادشاه
 عالمینه حضرت ناری خطاب ایدوب قوللرم بو دفترده اولان کسه لرک ماللری الوب
 کندولری تنی بلد اولنسون قتللرندن فارغ اولک دیو بیور دقلرندن قائم مقام مصطفی
 پاشا شوکتلو پادشاهک کلام درر بارین طائفه عسکره تبلیغ ایلدی مفید اولدی
 خیر قتل اولنمکجه فراغت ایتنر سنی دخی استمز دیو قائم مقام پاشا نی تحویف ایتدیلر
 چونکه انجام کار بور تبیه ایرشدی دفع فساد ایچون بالضررون مسئلرینه مساعده
 اقتضا ایدوب دولتله پادشاه عالمینه حضرت ناری بر درجه مقداری توقف و سکوت
 ایتیمین بعد دوات و قلم طلب ایدوب بستانجی باشی اغایه بر خط همایون یازدی
 دفتر لرینک اولندن مسطور اولان دارالسعاده اغاسی مرام اغا ایله قیو اغاسی بوسنوی
 احمد اغانک ورا جواب اهریم اغانک قیدلری کوریلوب جسته لری سرای دیوارندن طشره
 القا اولندی مکر جمعیت ورودندن اول خاص اوطه باشی حسن اغا و خواجه بلال اغا
 و خزینه دار یوسف اغا با نجه بد نلرندن ایلرله دریا جانیبه اینوب اسکندر فرار و اخفا
 ایتمیشلر ایدی پادشاه حضرت ناری خواجه سی بلال اغایی شفاعت ایلدی مفید
 اولوب ایاق باصدی لر نفحص قرمان اولنوب حسن اغا بولدیر یلوب انک دخی قیدی
 کوریلوب جسمی طشره القا اولندی مسعودزاده دیرکد محرک فتنه اولنلرک برسی
 ورثیمی سورنازان مصطفی پاشا ایدی لکن خاص اوطه باشی اولان حسن اغانک قتی
 چوق لطفی و ایولکنی کورمشیدی انی عسکرلندن قور تارمغه ارجان و دل رجا ایلدی
 سوز گمدی صکره کندویه ده ضرر لر طوقندی محرک و معلم اولنلرک بشیا نلفی
 قائم ویرمز بیت اکر صد سال کبر اتش فروزدا کیریکدم در واقف بسوزد مفه و نجه
 آتش فتنه و فساد اعوان و عجبانی دخی افنا و بر باد ایدر کلنلر درو عسکر و قصر و همایونه
 کلد کیم بوسه بی پاشی بستانیان ایله وسائر خدام سرای ایله مدافعه ایتک
 ایچون مأمور اولد قاری آدم لری تحصیل بعض مرتبه مساحه ممکن ایکن مصباح
 خاطر مانده اولدو غیچون دفع و مساحه دکل تعام و تحریک شریک ایدوکی معلوم همایون ایدی
 بحسب الاقتضا اغاض عین اولنوب عسکره کوریل محمد پاشا و فتنه بر سهیه حرکت همایون
 بیورلر قله اول بستانجی باشی برو سده قتل اولنوب جزای سزاسی ترتیب اولنشیدی
 دیو قتل ایدر فرار ایدر نلر بولند قتل اولنور دیو جواب ویرلدی خون نا حق لرینه تشنه
 اولان بی مرتبه اولر و مقدور لری سور بیوب آت میدانندن اولان چنان آویخته ایدوب سائر لری
 دخی قتل اولنمکجه طاعنا زردیو جمعیت لرینی بوز ماد بلر زین جانب بومقدار ایله جمعیت نخل اولور
 ملاحظه سیله دارالسعاده اغالی اسکی سرای اغاسی دلا و راغایه و قیو اغا لفی خزینه داور
 باشی علی اغایه و خاص اوطه با شیلرک خاص اوطه اغا لرندن خلیل اغایه و خزینه دارلق
 مصاحب صولاتی محمد اغایه احسان بیورلرک صدارت قائم مقام سورنازان مصطفی پاشا

مقدمایان اولندی بی اوزن مهر شریف قیوچیلر کتخداسی ایله کزیک سترداری دلی حسین
 پاشایه کوندرلشیدی اولنکون قائم مقام سورنازن پاشایه صدارت عظمی خلعتی الباس
 اولنوب سیاهی محمد اغا نام کسینه مهر شریفی دوندرمکه علی الصباح استعجالا کوندرلدی
 ارکان دولت وزیر اعظم تهنیه سنه دسمه بوس ایدوب اولدخی قانون اوزن جمله سنه خلعتله
 کیدردی عزل مصطفی پاشا درآن روز توجیه صدارت سیلوش پاشا ماسوز نازان مصطفی
 پاشا نك صدارتی عسکر طرفندن صواب کورلیوب مصطفی پاشا کتدو عالمنده برساکن
 آدمدر کاغیری منصب پیرلیوب صدارت عظمی به برغیری مستعد قوللری نصب اولنق
 مناسبتدر دیوزور به حسن اغا رکاب همایینه خبر کتوردکده توجیه وزارت وقتندن دردیجی
 صاعقه مصطفی پاشا عزل اولنوب مهر همایون صدر اعظم سابق سلسله جانشین اولان
 صیالوش پاشایه لایق کوریاوب دهه تنه خط شریف ارسال اولندی قائم مقامی یوسف
 پاشا و معزلی حسام زاده و مفتی شدن مکت زاده و برثرانی یوسف پاشا قائم مقاملق
 خاغت ایله سرافراز اولدی مفتی حسام زاده افندی قره عبد الله پان لندی یکنی ایشندیکی
 گبی معز اولوب پادشاهی ایاق دیراندن منع ایدن و مصاحب اغا ره صاحب چیقوب
 حمایت ایلن مفتی افندی رد یو عسکر اساتند موایندیکی دخی ایشیدوب برآن مقدم باش
 و دن تحلیصی ایچون منصبندن فراغ ضروری ایله اظهار کوا و قدس شریف قضاستی
 جباب پادشاهیدن رجالیوب کندو پیرینه مکت زاده افندی بی سوق ایلدی مسوولی
 اجاته قرین اولوب اول کون مقام افتا مکت زاده فندی به توجیه اولنوب انک اعلامیه
 قدس شریف قضاستی حسام زاده افندی به احسان اولمشیدی عزل مکت زاده و مفتی
 شدن خواجه زاده مسعود افندی باطرب عسکر اول وقتند خواجه زاده مسعود افندی که
 گورجی پاشا زمانده دخی صکره و اند سلطان الفات و معاونتله نهین تام کسب ایدوب
 دولک حل و عقد و مصالحه قاریشوب حق سولمک نامیه شهرت بولوب حضور همایند
 و دیواندرده صدر اعظم له مجالده و معارضه لایدوب پنجه لشمک ایله نام آوز اولدیغی یوقاروده
 مفصله لایق اولمشدر اما البشیر پاشا و مراد پاشا زماندرده چوقلق یوزوریه کله متالم اولوب
 کوشه ازویه چکلوب داماراج دولک تقصبات ذکر لایدوب حرف اتاردی انسی افندی رکاب زور
 طلاق صاحبی همدملری و ارایی اسی و اکامعادل بر قاج جوال الفتن تبدیل جامه و دستار
 ایدوب عوام هیئتله سپاه و یکچیری اراسنه دخول ایدوب مکت زاده افندی بی مفتون بنک
 واده و علم معرفت درونی ساده بر مرتشی آدم ایکن انک مفتی اولماسنه مناسبت ندربله وقتند
 خواجه زاده کبی جری و جسون و حق سولمکدن قورقتر آدم مفتی اولمه محتاجدر که مرادیکر
 اولان نافع مصاحبه کتدو حمله کله ایدی دیو تخم فسادی القا ایدوب چکلدیله سوزلر عسکر
 یکنده منتشر اولان قند مکت زاده افندی بی استمر زانی مفتی ایدوب جکر نه بر یکچیری اشجیسی
 مفتی اولق دخی معقولدر دیر ایدن خارج سوزلر سولیبوب البته خواجه زاده مسعود افندی
 مفتی اولق کر کردد یو جانب سلطنته خبر کوندرد بلم مکت زاده بی چان مفتی اولدوغی وقتندن
 اون اوج ساعت سرور فند عزل و مشیخت اسلامیه عسکر تعیینی ایله اناطولیدن معزله

خواجه زاده مسعود افندی به عنایت بیورلدی مورخ عزیز افندی نیک یوخلده یازدیغی
 کلمات ناسرطی اولمشدر مفتی فتنه لفظی مسعود افندی نیک فتوا سنه تاریخ دوشنبره مشدر
 دفترده مسطور اولنلر بولنوب قتل اولند قچه طاعنا ز دیه جمعیتدن خبر کلکین بالضرور
 مختفیلر اله کتوریلوب قیدلری کوریلده دیو بوستانجی باشی به موکد خط همایون صدور ایدوب
 خاص او طه باشی حسن اغا و ایچ خزینه داری یوسف اغا له کیروب قیدلری کورلد کد نصکره
 جته لری طشر مکوندرلدی ایرتسی کون والد سلطان حضر نکرینک مصاحبه سی اولان
 ملکی اوسته و ملکی اوسته ناک زوجی شعبان خلیفه که سپاهیلر اغا لخی پایه سیده متقاعد
 ایدی وزیرایه مخصوص اولان عزل و نصب امورینه مدخله ایدرلر دوشنبره یولمشلر ایدی
 متجسس لرنه دوشوب خواجه بلال اغا دخی گرفتار اولوب بعد القتل جته لری جمهور
 الننه ویرلدی یو بیچاره لک جته لرنی جمله چنار اغاچی بوداغنه بردار و اول درخت نامبارک
 شجره وقواقه نمود اولدی ان فی ذلک لعیبه لاولی الابصار استانبولک برشاعو
 پسندید طرزی اول وقت بوقطعه بی حاله مناسب نظم ایلش نظم کوشی مریخه ایدوب
 طنطنه جاه و جلال لرزه ناک ایتدی بوغوغا کله آفاق اولدی فخور پیچه مست مدام دولت
 جام اقباله نه طرح ایتدی بیانتر ساقی باغبان فلاک کیمه کناری سیرایت آت میدانه دندی
 شجره وقواقی پیران پوست نشین بکتاشیه اغای جدید ایچون او جاقدن اغا اولدوغنه
 رضایر ممکن سکبان یاشیلدن اغا اولان محمد اغا اوچخی کون عزل و حرم همایوندن
 چوقدار محمد اغا اخراج اولند قده چاوش باشی محمد اغا نك جرمی یوق ولساند مذکور
 دکل ایکن لامر مهم برکون قیوچیلر او طه سنه حبس اولنوب ایرتسی کون اطلاق
 اولندی ننگ سیری معلوم اولدی بیچاره خانه سنه واروب شکران خلاص بر قاج قیون
 قربان ایلش یکچیر بلر قیوسی اوکنده خون قربانی کورد کلر نه بزم زغمزله اطلاق ایتدی یوز
 دیوار امانه اتفاق ایدوب خون ناحقنی احراق ایتد کدن صکره انی دخی شجره چنان
 اصدیله مقتولی دفتر دار سابق حالجی زاده محمد پاشا دفتر دار سابق حالجی زاده محمد پاشا
 یوق آقچه ویرمک تهمتی ایله ابتدا کون یدی قله ده حبس اولنش ایدی خلاصه امکان
 ز اولیوب دورنجی کون کند جلاد بی امان ایله شهید اولوب جسدی اوج کون یدی
 قله اوکنده الوده خاک اولد قدن صکره محمد پاشا جامع حرمده دفن ایتدی بولعزل و حبس
 دفتر دار قره کوز محمد افندی و دفتر دار شدن دفتر دار زاده محمد پاشا دفتر دار زاده وزیر محمد
 پاشا مورث پدر اولان دفتر دارلق منصبی ایله محصل الامال اولوب بش کونلک دفتر دار
 قره کوز فقیر بش الی کون بند بلای حبس اسیر اولدی مصدوبلور دن ماعد اطلوب
 اولان کرک امینی حسن اغا و ترسانه امینی محمد افندی و دلی برادر احمد اغا و طوب قیولی
 مصطفی اغا و معمار مصطفی سی جمله فرار و اختفایتملری ایله خانه لری مهرلنوب
 تفحصملری ایچون آدم لری پراکنده اولندی اغای سابق محمد اغا و اوچکون اغا اولان
 سکبان باشی محمد اغا و کتخداسی عثمان اغا دخی تسمیر و اختفای بلا سنه مبتلا اولمشلر ایدی
 اولمشلر ایدی لکن اغای سابق دن ماعد اسمک خانه لرینه تعرض اولندی بوسیاق اوزن بش

آلنی کون دکانر مسدود و غنی و فقیر ده امن خاطر مقود اولوب هر کس کندویه نه کونه ستم اصابت ایدرد یوکر فتار حیرت اولمشلر ایدی مختلفه اله کیروب عسکری به بر مقدار تشنی غیظ حاصل اولد قد نصبره ماه مزبورک اون ایکنجی کونی جمعیتلری منحل اولوب قصور قلان دفتر لوردخی اله کیرد پکه ازاله اولمق شیطیله پریشان اولدیلر اسواق شهر و دکانین آچدرلق ایچون تنبیه همایون صدور ایدوب یکپیری اغاسی قوله بندی لطیفه هنر آمیز هر زافندی تاریخنه دیر که مفتی جدید قانون قدیمی تجدید ایچون عرض اوطه سنه دهمه بوس سلطان ایلله مشرف اولمق ایچون اذن همایون رجاسنه رفع رقه نیازی ایدوب رجاسی نظر قبول ایلله اعزاز اولمقین روم ایل و الیهینه مخصوص قیایچه تعبیر اولنور قوشاقدن اشاعه یقالی بیاض چوقه ایلله دیوانی تشریف و اول طور عجیب و مشکل ایلله ارکان دولتی تحریف ایلدی سا بقارادر لری مرحوم و جناب مخدوم قصدی ایلله سویامن مصرع فیلدن قورقم ولیکن زور نشان قورقم مضبوطی درجه عین الیهینه و اصل و مقابله شمس و زحل واقع اولدی یعنی قصدی ایلله یوم خمس مستمرده افتاب برج سلطنت حضر ثلثینه مقابل اولدی فی جمادی الاولی مخدوم نازک وادی افتاده اختراع ایتدیکی نضر و احترازی و کفترده طمطراق الفاظ طنابه ایلله طاق اسمانه طنین اندازاق یوزدن سر اغازی با خصوص جامه و لباس مختاری اولان طرفه طراز مخصوص صغار و کبان غریب کورینوردی اولکون مشایخ اسلام معتاد اوزره اوله کلان احسان و نشر یفدن زیاده بر لطف ایلله و ارات و احشامی نضیم ایلدی ماه مزبورک اون یکنجی کونی فرار ایدن کنده ایلیک عثمان اغا مختفی اولدیغی خانه ده بوغاش بولوب کردند حر ردن شلوار بند کتوروب چنان آصدیلر قائل معلوم اولدی بعضیلر و سوسه شیطانیه ایلله کند و کند وینی بوغدی دیدیلر لکن بعض عارفلر محرک فتنه اولان استاد مزبور را ختفا ایلدیکی یری ییلوردی تعلیم ایتدوکی دسیسه مشیوع بولسون دیوکر لوجه بوغدردی دیدیلر العلم عند الله اول الحق طمعکارک جمع ایتدیکی اموال کثیره طرف بیت المال قبض اولنوب کندوسی اخرته و بالی ایلله کندی وصول وزیر اعظم سیاوش پاشا با آستانه علیه وزیر سیاوش پاشا سلسله طرفندن انحق قرق الی آدم ایلله سریعا کلوب ماه مزبورک اون طقوزنجی پنجشنبه کونی استانه یه داخل و شرف دامن بوس شهر یاری یه واصل اولوب معتاد اوزن سمورلی و ساده ایکی قات خلعت فاخره ایلله مظهر عظیم و مقام عدارندن نیامقیم اولدی کرک امینی حسن اغا غلطه ده بر فقیرک خانه سنه طوئیلوب بر قاجا کون حبس و تفتیش اولند قد نصبره تن بیجانی سایه چنارده بر مقدار قرار بعد عزم کوشه مزار ایلدی توجیه ایالت ارض روم یوزیر سابق سوزنازان مصطفی پاشا جمادی الاخره غره سنه قیو دانلقدن معزول سوزنازان مصطفی پاشادخی طفره حرکت شامینه مبتلا و اوج ساع عتلا وزارت سببی ایلله گرفتار مخت و جفا اولوب ایالت ارض روم کندویه توجیه و عجله چیقوب کتمه سی ایچون مؤکد تنبیه اولندی ماه مزبورک ایکنجی کونی حبلدن کله اناطولیدن معزول قره مصطفی پاشا یه که مقتول حایچی زاده دامادیدر سوزنازان مصطفی

پاشا بر نه قیود اناق منصبی توجیه اولندی ماه مزبورک ایکنجی کونی مختلفه یلردن چنگانه بکی دلی برادر دیکله معروف احمد اغا بکی قیو سمتند بر دوستی خایه سنه اخذ اولنوب وزیر سرانیه پنجه شکجه جلاده گرفتار و جسدی بر قاج ساعت آسوده سایه چنار اولد قد نصبره زیر خاک مزاره انتقال و ارواح کند شتکان صنادید بشاتقه به اتصال ایلدی حکایه غریبه مهر شریفی کرد سرداری دلی حسین پاشایه کوتورن کتخدای بوابان بنفشه دن اوج دفعه کرد صالوب عدم مساعده روز کار ایلله کنان یناشیق مہسر و اماتی صاحبنه تسلیم مقدرا ولیوب اوحنی دفعه ده ینه بنفشه ساحلنه یناشیق ایدیکه عود نه مامور اولان صیاحی محمد ایریشیوب تبلیغ فرمان جلیل الشان ایتیکله ایکسی معاہرکاب دردولته کلوب خاتم سلیمانی سیاوش پاشایه تسلیم و حقیقی وزیر اعظم اولدی فی جمادی الاخره مزبور سیاوش محمد و عیولند قیو جیلر کتخداسی ینه مهر شریفی حسین پاشایه کتو رملک مراد ایدوب و معاودند رد ایدوب بعد نزاع عودت ایتدوکی مرور یوم مزبورده رسانه امینی صالح افندی وارمنی جزیه داری اولان طوب قیولی مصطفی محمد پاشا سمتند صاوی صولاغ خان سنه گرفتار دست طلبکاران و همان اول کچه وزیر اعظم سرانیه مہرکلیکی شکرانه سی قربان اولوب زیر چنار پز دیل سایه سنه احیای لیل بعد محله خاموشانه جر ذیل ایتدیلر ققن وزیر سابق اسکندری سلیمان پاشا ایالت بوسنه ماه مزبورک التنجی کونی وزیر اعظم سابق سلیمان پاشایه بوسنه ایالتی توجیه و سریرا کتک اوزن شهر دن اخراج اولندی ماء مزبورک سکرنجی کونی معمار مصطفی سی دید کیری سفینه روز کار اسکنداره اخذ و سرای وزیرده قتل اولنوب جسدی سایه شجره ملعونه معهوده ده بر قاج ساعت طورد قد نصبره مدفون خاک مزار اولدی مکافات عبرت اندکیز کورجی محمد پاشا مقدم اوزر اعظم اولد قد دولت پادروایه الد انوب صلیقی سیاوش پاشانک ازاله سنی مراد ایتدیدی لکن والد سلطان حضر تری سیاوشک جرم و کناهی ندر ناحق یره سو قصید رضامیه قدر دیو صاحب جیقوب پنجه سندن تخلص ایتدوکی جلد سابقه ذکر اولمشیدی سپهر دوارک اوضاع و اطواری چونکه بر طال اوزن بر قرار اولمش دکل حالا مقتضای قوت تحت ایلله نوبت صدارت سیاوش پاشایه و کوب ثانی اوزر اعظم اولدی کورجی پاشادن صدور ایدن غدارلق سبب اغاض غیظ اولمغین ملکه عفو و افضالی اعماله مجال اولیوب ماه مزبورک التنجی کونی کورجی پاشایه قبریس منصبی توجیه و طرف بحر دن سفینه ایلله ارسال ایدوب بو قدرجه انتقام ایلله اکتفا یوردیلر منفی شدن مفتی سابق ملک زاده بچانب بروسه ملک زاده افندی حین وقعه ده بر کونلک رتبه فتوا ایلله شاد کام و در عقب عزله مبتلای حزن و آلام اولوب مقبول و صاحب ثروت اولمق حسبیله بدل مال فراوان ایتیک جانشه منت و کوشه انز واده بر فتنه ظهورینی دخی کوزه در متر صد فرصد در دیور قبای دولتی جانب سلطنته غمرا تمکین ماه مزبورک اونجی کونی تدارکنه استعجال وایکی چاوش ایلله بروسه یه ارسال اولندی نفی نقیب صیرک زاده بمداینه نقیب صیرک زاده افندی سابقا و جاق اغا لری وقعه سنه داخل جمعیت بکتاشیان اولمش ایکن مستمند اولدینی ابو سعید افندی امداد ایلله جرم عزیز

افندی اوزینه تحمیل اولنوب کند و منصبه قرار بکده التفات جانب سلطنت ايله مرجع
صغار و كبار اولمشیدی ابشیر پاشا و قهقه سنه دخی عامه عسکر مفتی ابوسعید افندی
قتلنی طلب ایند کارنده سیرکراده افندی حضور همایونده سر بازلق ایدوب شیخ الاسلام
نامنه اولان آدمک قتل اولماسنده فساد عظیم وارد جمله مر قتل اولند قچه مفتی
افندی برقلنه خطا کتر دیو وافر سویلیوب ابوسعید افندی تخیصنه سبب
اولمشیدی بو وقعه دخی عسکرک مرادی دولته نفوذ مطلوب اغاروسا لرور لسون
دیو بر قاج دفعه پادشاه عالمیناه حضرت نرینه سویلدوکی اجلدن خاطر عاطر سلطانی
متکدر اولوب اندرون همایون جانی کندودن متفر اولمشیر ایدی فتنه سکون بولدی
کبی ماه مزبورک اونجی کوئی چاوشان بی امان ايله اریه لفی اولان مدانیه یه نفی واجلا
اولندی منصب محمول تقابت انقره وی مرحوم قوجه نقیبک مخدومنه توجیه اولندی
رفقش شیخ الاسلام ابوسعید افندی به کلیبولی ابوسعید افندی بر قاج دفعه نفی واجلا
وتغریب محنته مبتلا اولد قده طرف سلطنت علیه یه عرض حاللر کوندروب شعبان
خلیفه وزوجه سی ملکی قادین و سلطانیه عرض حاللری مهد علیا حضرت نرینه وصول بولوب
مرحمة قرین عفو و عنایت و الطافنه معتاد اولدوغی جانب سلطنت همتی ايله آرادی
نام چقنلکنده قرار ایدوب شهره دخوله اذن همایون شوکتقر و تحصیلنه انتظا راوزن
ایدیلر قضای آسمانی بو وقعه ها نله ظهور ایدوب اعانتده بولنان بی کناه لر غدر حساد ايله
معدوم اولمغین کین کینه مکین اولان اعداسی فرحت بولوب قرب جو اردولندن
دور وار په لقاری اولان کلیبولی سقری ايله مأمور ایتدیلهر سکبان باشی ایکن
ابتدای وقعه ده ضابط اولان اغا ایسه زوزه امهالی اهماله حمل ایدوب امن
خاطر ايله ظهور چیقبوب خانه سنه قرار ایشیدی نامنه ایلبصان سنجانی منشوری
تحریر اولنوب بلا تا خیر مأمور اولدی نفی محله ایصال ایچون چاوشان بی امان ايله
ارسال اولندی فی شهر مزبور بو وقعه یازما مشدر مهر شریف استردادینه کیدن
سیاهی محمد قیوجیلر کتخداسی حقنه زور بار هجوم وطلبی ايله وزیر اولان آدم
البته طرف سلطنتک رضالینه مغایر ضروری تعیین اولنشدن بومهر شریفی تعیین
پادشاهی اوزن حسین پاشایه کوتوررم دیو وافر و صناد ایتدی هزار زور و زار ايله عودت
ایتدردم دیو خفیه سیاوش پاشایه سویلیوب تقاطق ایشیدی اکابناء دوقه کین سنجانی
توجیهیله قیوجیلر کتخداسی فقیر مظهر کین اولوب خدمت مقابله سنه سیاهی محمد
التفات وزیر مستغرق و صربو بان درگاه عالی زمره سنه مالحق اولدی و سابقا یکجری
اغاسی اولان محمد اغا که جمعیت کیجه سی مخفی اولوب تحریک فتنه ده علاقه سی اولمغله
متهم ایدی ماه مزبورک اون طقوزنجی کوئی ایاصوفیه قریبه پنهان اولدی نفی برخانه ده اله کیروب
قتل اولندی و جمله اموال و اشیا سی جانب میری یه ضبط اولندی ابوسعید افندی یه
مکه مکرمه نقیب سابق سیرکراده افندی یه مدینه منون قضالری توجیه اولنوب ممک
زاده کعبه یه مجاورت ايله مأمور اولدیو مفتی سابق عزیز افندی اول وقتده ساقز اریه لفی

ایله بروعه ده ایدی جری الجنان و حیدر اللسان عارف و فاضل مخدوم جلیل العنوان
اولمغله زمانه سی دولتلر لینه وعلی الخصوص طریق علم رجالنه حرف اندازلقدن خالی
اولدی بقی جهندن خواجه زاده مفتی مسعود افندی جرح لسانلریله مجروح خاطر
ایدیلر اما اخذ انتقامه بروسیله یوق ساقز اریه لفی رفع ایدوب سیرک زاده محمولندن
مدانیه اریه لفی توجیه ایدوب کوندردیکه علوم مشربلری مقتضاسیجه قبولدن نکول ایدر سه
امر جلیل الشانه عدم اقیام اسناد ایدوب یکیدن تغریب عن الشهر و برنوبت دخی مظهر
قهر سلطان دهر ایندیروب غمیزدن جایکیراولان وجه اوزن اخذ انتقام ایلدیکن خواجه
زاده صولت و جرات ايله شهرتی معلوم عالم اولمغین عزیز افندی تجرع زهراب ستمه تحمل
ایدوب مدانیه اریه لفی ساقز دن بر قاج مرتبه زاحدر لطف کزدن ممنون اولدق معامله سنی
اظهار ایدوب شردن امین اولدی وزیر اعظم سیاوش پاشا جای ر بهه مبتلا اولمغله
آستانه سعادتده خسه حال کلوب کوندن کونه ضعف مزاج غالب اولمشیدی عنایتلو
پادشاه عالمیناه حضرت نری بر قاج دفعه خاصه سمو رارسالیه قلب علیل محزوننه القای
سرور و یور دقلندن ماعد اعیاده سی ایچین بالذات جناب سلطنت مابری تبدیلی
طریقیه سراینه تشریف و طال خاطر لری کمال التفات ملوکانه ايله تلطیف بیوردیلر
قتل دفر دار زاده محمد پاشا وزیر مشارالیه بوائنده مورث پدر اولان دفتر دارلق منصبه
نائل اولوب احشام ملا کلام ايله تعیین تام کسب ایدوب استعدادات و استحقاق مقام
مقتضاسیجه رتبه صدارته نائل اوله حفی السنه اکابرده سویلیوب اندرون همایون
طرفنه اولان نوع انسیایله کندولردخی خاتم وکالتیه لیاقت زعمه وجودیروب مدارسیبی
ایله شیخ الاسلام مسعود افندی ايله حسن زندگار ایدوب میوب پنهاننده عداوت دشمن
ایدی صدر اعظم سیاوش پاشا کرچه سیر فرارش خسته و عافیتندن مأیوس و شکسته
ایدی لکن لازمه اهل دنیا اولان حرص دولت و ماعسه باده و غیرت مقتضاسیجه دفتر دار
پاشایی استیقال ایدوب دفع مزاحم قیدنده و تدارکنده اتمام تام اوزن ایدی شیخ الاسلام
مسعود افندی تخی رخصت و اعانتی ایلر کاب همایونه خلاف انها ایدوب دفتر دار پاشا
بکرمی قدر مقتولک خصوصاً ملکی اوسمه و شعبان خلیفه نک رشتک قارونی اولان اموال
وارزاقنه وضع ید استیلا ایدوب طرف میری یه عشر مرتبه سنی کوستر مدی خیانتک
جزاسی لازمدر دیو بر قاج دفعه ناخیس ایشیدی حقیقت حال مفتی افندی ن سوال
اولند قده کلام وزیری تصدیق ایتدین بیچار محمد پاشا مظهر قهر سلطان دهر اولوب غره رجه
بر کیجه بوستانی باشی حسنند ابتلا دصکره جان فدایتمکله قید دنیادن خلاص اولدی
غرائب مجازانده درکه دفر دار محمد پاشا قتل اولندی کیجه سیاوش پاشا دخی فوت اولوب
ایرتسی وقت ظهرده سیاوش پاشا نک نعشی سلطان احمد جامعده و دفتر دار پاشا نک سیایمانه
جامعه مصلا یه وضع و نسا لرلی بروقتده ادا اولندی دخی اغرب بو درکه محمد پاشا فرمان
شهر یاری ايله بوستانی باشی حسننه ویران کده والد سی ضعیفه مفتی مسعود افندی یه
واروب اغلیوب فریاد ایدوب سلطام افندی دارد نیاده براو غم وار منصب و وزارت استی

مشاعات ایدوب تیغ سیاست سلطانیدن قورناروب بریره نفی ایلک دیوناز ایتدکده
مفتی افندی رحم ایتیموب بره هی خاتون سنک اوغلاک بن عالم وفاصلم دیه کسنه بی بکنتر
عظمتندن زیر بمرده اوتون مر اولدی انک قتل اولماسی لازمردیو فقیر هی ردایتدی
عرض مخفی بی آشکان ایتیمیدنی ناحق یه قتل عبادده جبار منعمهم حضور نلینک رضای
شریفی اولماغله چوق یکمدین مسعود افندی دخی مجازات اعمال سربنی مشاهد ایتدیلن
منه کیم تفصیل اشاعیده کلسه کرکدر دفتر داری صاری علی افندی دفتر دارمقتولک
اموال و استیاسی طرف سلطنت علیه دن ضبط اولنوب غره رجب صاری علی افندی
دفتر دار اولدی وزارت بونی یار لی محمد پاشا وزیر اعظم سیاوش پاشا ماه رجب
غره سنه محرم فوت اولدی ذکراولنشدن توجیه وکالت خاتم ایچون حضور همایونه
مجلس مشاورن عقد اولنوب کت و شنیدن دندمکره حالا محافط شام اولان بونی یار لی
محمد پاشایه توجیه اولنمی شیخ الاسلام مسعود افندی معقول کورمکن مهر شریف
قیوخیلر کنخدا سنی ایله مشارالیه ارسال اولنوب قبه نشین و زادن قوجا یوسف پاشایه
قائم مقاملق احسان اولندی فی غره رجب جمادی الاخره ساخته ساحل ارشهریاری
چیل احمد اغا وزارت و دیار بکر ایاتی ایله حقیقه معایه کیوزدن متجاوز غلمان ماه پان
احسان ایله شادمان اولمشلرایدی ماه رجب یکمی کونی مشارالیه احمد پاشا طاعلرایله
قبه نشین اولدی ماه مزبور رک التخی کونی خزینه کنخدا سی وکاتب السرا لان معن زاده
حسین افندی قیوخی با شلیق رتبه سیله طشهره چیتوبینه خاص اوطه لی پدشکیر
غلامی پهلوان حسن اغا خزینه کنخدا سی اولدی و خاص اوطه اغا لید مصطفی اغا
سرکنا بینه تعیین یی لای قیودان وزیر قهره مصطفی پاشا قیودانق غائله سندن تحلیض
کسیان ایچون بعض اعمال ایله استیفا ییوب ماه مزبور رک طقوزنجی کونی دخواهی
طاعل ایدوب ایالت مصره نابل اولدی و قیودانق سلسلته بکر بکیمی وزیر کنعان
پاشایه توجیه اولدی مرحوم توقیعی عبدالرحمن پاشا تاریمکنه دیرکفره مصطفی
پاشایه مصر توجیه اولند قهره شفاها بعض امور مهمه سپارشی ایچون برکوب
دعوت ییور ییوب سنال پاشا کوشکنده حضور همایونه داخل اولد قهره سپارشی لازم کلن
امور بالجمله ننیمه اولد قد ندکره وزیر مشاکرالیه زمین یوس جان اولوب کندی
مصره و اعمال اولندن مقدم سلفی خاچه کی محرم پاشانک مصر یلر محاسبه سن کوب لکن
دآب دیر یلری اوزن عرض وزارتیه تقیه صد ترتیب ایدر چک اوضاع نامناسب ایتیمه لکه عرض
وزرا محضدا عرض واجب الصیانه پادشاهیدر ذمته ظه ورایدن مالی تمام ادا ممکن ایسه
فبها المکانی یه غیسه ذمته قلا مالی تمام دفتر و آستانه سعادتیه بی قصه رادا ایتیمک
شرطیه بحت ایتدرد کارنده کند و سن مصرده اکلندر میوب رسم قد یلری الای ایله چیقارب
تشییع و توقیر کمال تعظیم ایتلری لایمرددیو عرض ایتیمکن اول آن بو مضمون اوزن خط
هماین شوکت مقرون تحریر و احسان ییور ییوب پاشای مشارالیه ک منصفانه کلامی
عرض وزارتیه صیانت باند خیر خواهانه رأی و اتمای استخسان اولندی زوربال

قتل اولنوب حسن تدبیر ایله اصحاب فسادک طقیانی دفع اولندیغیدر مقدم اذکر اولندی
اوزن اسافل اشخاص یوزندن اغار و قهره سنی ظه ورایدوب اندرون و بیر ونده امور
دولته مدخله ایدنلر نامیده شهرت بولانلر چونکه زائل اولدی شهرت تعین اول جمعیتیه
صاحب کلام اولان بر قاج اراذله انتقال ایدوب سیاهی حسن اغا بر قاج دفعه حضور همایونه
کلوب کتمکله وجود تحصیل ایدوب شاملی مجد و قهره قاش مجد و قهره عثمان و عیاق علی و بونلر
امثالی بر قاج بی ادب اول و قهره ده ماملکی دوستند و یاشنک تراشی بنا کوشند مفلوک
وصعدوک ایکن مقتضای استدراج ایله سفها واسفله پیشوا و اشقیا و اراذله مقتدا
اولوب هم جنس لری اولان مفسد لر قوتیلر صاحب نام و کام و مرجع امور انام اولد قلری
جهتندن ویغما و تاراجدن مال قارونی تحصیل و هر نوعدن هر بری اسباب احتشامی
مکمل ایدوب استانبول ایچنده بین الجمهر و میدان اغاری عفو ایله مشهور اولدی لیر اول
واجبیلرک هر بری توابع و خدام نامنه الیشیر التیشیر اراذل و سفها جمع ایدوب و صاحبیلرینه
مراجعة سمر برر مشهور سرای دوستدوب اعیان شهر اولوب اوتور دیلر مقتوللرک مالندن
و غیر یلردن یغما و غصب ایتدکاری برر کیسه لک رخس پیل اندامه کر رخت و سیم
رکاب و امیزانه آلات و احتشام ایله سوار اولوب یکر میشر سر اجله قائم مقام پاشا سراینه
وسائر کبار دولته واروب اظهار سر و سامان ایدر لردی بعض خدمات و بعض توجیهاته
متعلق رجالینه بحسب الاقتضا وکلای دولت طرفندن مساعدت کوشتریابوب بر قاج
ماده ده کلام لری نافذ اولغین عاقبت حالی ملاحظه ایتیمز منصب حریصی ابله نادانلر اول
صفهانک قیولرینه ملازمته باشلیوب کیمی تحف نوادر وکی آت و اسباب و جواهریشکشی
ایله کلوب و کیمی کیسه لره تقود و یروب حصولی مته مسر مکره ایشلر نکلیف ایدر اولدی لیر اول
اراذل و نکبات ایسه نظام دولتی بلز معقول و مکروهی فرق ایتیمز ماللرب الد قلری آدمک ایشی
البته صورت بولسون دیو مدبران دولته ابرام و الحاحه باشلدیلر بعضیسنه مساعدت
و بعضیسنه وقیه ایله ایتیم دیومد افعه سمتن طوتوب سرکارده اولانلر کش مکش محنته
اوغرا دیلر رئیس الکاب شامی زاده و دفتر دار صاری علی افندی احوالک بو پریشانلی
نیه و راجقدر بو توجیهات امور مالیه احوالی اش و خیمیلرک هجومی ایله خرابه واردی بوکچان
کور ملیدر دیو سوق ایتیملر یله پیر روشن ضمیر قائم مقام پاشا مفتی مسعود افندی ایله کر لوجه
سویا شوب چان سازلق فکرنی ایدر لردی بالاخره بو غائله ک دفعنه چان یکجری اوجاغنی قوله
الوب اعیان بکتاشیان ایله اتفاقه محتاجدردیوب بورایه قرار ویدیلر و نتیجه تدبیرلین حرمان
سلطنت و ساطتیلر والیه سلطانه خفیه و پادشاه حضور نلرینه اعلام واستیدان ایتدکن
صکره طریقه بکتاشیانک مرشد پوست نشینی قهره حسن اوغلی حسین اغا که صورتا
مریض و ضعیف و ناتوان اما سیر تا قوت عقل و تدبیر ایله اوجاق ار دردی پهلوان زمان ایدی
کیجه ایله انی دعوت ایدوب بو احوالک چان سندن سوال ایتدیلر اول مردم بر سوزه کلوب
سلطانم چون تلاش اظهار ایدرسز لا نکر هوا الفتن فاتها حصاد المناقین حدیث شریفی
فوا سجد اگر چه فتنه صورتا مکر و کورینور بر ایشدر لکن ضمنده منافق لک زوالی

اولین شرفی که از آن خالی نگذاشت و در وجهه آنک مطلوب و مدعای دین و دولت را قانع مصاحبت در
 استوار از آنک جمعیتی حسبی ایله اموز دولته مهارضه ایدن و زرا و وکلانک عزل و نصبه مدخله
 ایلین اغار و مصاحبه بر طرف اولدی و میری بی مد یون ایدوب سمسارلق حسابی ایله
 خزینه مالی دیگر کون ایلین اغار تلف اولوب محاسب فرح میریده اولان بر قاج سیک
 کیسه لری مضمحل اولد قد نصیحه اموال و استیاری دخی میری به عائد اولدی و لایق
 سوزد کل ایسه ده معنای میری به انفع ایش اولدی دینور و ویش اول از آنک یوزندن
 ظهور کله ظاهر انلرده زعمی بولدی چونکه انلرده کندی سلفانندن عبرت
 الما دیلر فساد به استل یلر انلرک دخی حقانندن کلنک برشی دگلدر دولت پادشاهیه
 نه مراد اولنور که حسن تدبیر ایله حصوله کلیه دیدی مفتی افندی و قائم مقام پاشا بوردله
 کلامی ایستمد کین پسند ایدوب حسین اغا الله سندن زامی اوله دولت علیه آنک قدیمی
 خیر خواهی اولدی بکتره شوکت و کرامت و پادشاهه زک و جمله مرک علمی وارد شدی بولری
 دفعه اقتضا ایدن تدبیری سنک رایکه حواله ایتدک بجه معقول کوررسک شروع ایدلم
 دیدیلر حسین اغا دیلر که اوجا غرک عقلانی کندی و سوره سفاهی میا بنندن قوتار
 برکتند انصیب ایتدک بعد اول خبیثلرک نامدارلندن بش الی تفرشتی بی فرمان شهر یاری
 ایله همان دیوانه قتل ایلاک ماعداسی فی الحال مضمحل اولوردیدی یا اول مقوله
 کتدن اکید دیدیلر کچه جی اوغلی محمد اغایی سوق ایلدی قائم مقام پاشا و مفتی افندی
 حسین اغایه شایدوب اگر امله یوللا دیلر مزبور کچه جی اوغلی واقع ایلده هم عاقل و هم
 همسور ضابط اولوب وزیر اعظم اولان مراد پاشا بشیر از الله سی اچون فتنه تحریک ایتدک
 انی تسخیر ایتدک تحریک ایدم دی اول وقتند قول کتدن اسفی ایدیکه عسکر جمعیت
 ایتدک حضور همایون بولنوب پادشاه عالمیناه قوللرم نه استر دیدک کچه جی اوغلی
 ایلره کلوب نادشاه قوللرک جمله پادشاه من خوشنود اچق وزیر اعظم ایشیر پاشا لالا کی
 و مفتی ابوسعید افندی بی استر لر دیووزیر ایله مفتی کل مولجه سندن بی پروا سولدی و کی
 سوزلری محله مفصل تحریر اولمشد و عسکر ضابطه اولان جرأت و جسارتی طرف
 سلطنتک معلومی ایدی مراد پاشا وزارتدن عزل و در یادن شام منصبه توجه ایتدک
 اوجاق خلقی کچه جی اوغلی استنقال ایدوب نفی ایتدک مشاییدی قره حسن زاده سوقیله
 اول کچه آدم تعیین اولنوب دعوت ایله طرف آستانه به کشیدی ایقاع فتنه بدین کفان
 وزمره متقلبه و اتحاد ان طائفه مزبوره بتکلیف اخراج توغ همایون بولشده ایسه
 انا طولیده سیدی احمد پاشا آنک استیلا ی شهرتی عالم کیر اولوب ایشیر پاشا قتلندن
 صکره هواداری اولان لوندات و سائر اشقیاء احمد پاشا آنک و پازمه حسن اغا آنک یانلرینه
 جمع اولوب حلب محاصره سندن نصیحه انا طولی بی ظلم و جور ایله پایمال ایتدک ایدی
 و ناحق یره ایشیرک قتلنه جمعیت ایتدک دیووزمره سپاهدن فصولجه اخذ انتقام
 دعوانه پاشایه انا طولیده کیرن سپاهی بی قتل و حبس و خانه لرینی غارت و انواع
 اها تنه پاشا مشاییدی و انلرک تعدی سندن قاجوب آستانه به کلن سماه و رعایا براییکی

دفعه رکاب همایونه عرض حال صونوب سیدی آنک ظلمندن شکایت ایتدک ایدی میدان
 اغاری نابکار لر زمره سپاهه صاحب چیتوب سیدی پاشا انا طولی بی خراب ایتدی
 یولداش لری مصادره و قتل و اعا تنه با شلدی کفارد و تناسی بوغازی سدا یدوب اق
 دکره استیلا ایتدی سفر غا نله سی واریکن سیدی اوزرینه سر عسکر کوندر مکه
 ایش بتمز پادشاه عالمیناه بالذات انا طولی به کتکه محتاج در دیوارلرینه مشورت ایتدی یلر
 اما قره حسن اوغلی و بعض عقلای مجلسینه کلن زور بال طرفدار لرینه اختلاف و قتل اخبار
 منمک اولان جواسیس حوادثه نازکانه خبرلر قایدن مقنیتی ایله من غیر قصد یرلی
 ایدیکه واقعا سیدی پاشا لونداتنک انا طولیده خوری محقق اولدی حرکت سردار
 دفعه کفایت ایتدک سیدی انا طولی به سفر ایتدک تکلیف اولنسه دفع جواب و یرلک کوجدر
 مع هذا انا طولی به سفر اولنسه صاحب خاتم و کالت یوزور بالرایله انا طولی به کچمک اقتضا
 ایتدک بولر صاحب مهری او رتایه آلوب بردخی بولرک زوالنه چان بولتی محال اولور
 هله بر اوسی میدان اغاری بو تدبیر دن غافلدر دیوولی که دعویا به یا شیمیه لرینه استانبول
 ایشلری کورلک اسهلدر دیوعلی طریقی الا سماع انلره مضر رأی تعلیم واد پسند
 تدبیرات مخوفه سولشور لر دی بو خبرلر منافقین لسانندن زور بالره تبلیغ اولنوب
 رجال دولت انا طولی سفرندن خوف ایدم یولر انا طولیده سکرک بیتکرده وزیر منضم اولدقندن
 صکره زوالنکر محال ایش علا جمله سی یو خوف ایش دیو سولیندک اول ایلر کرچک صانوب
 انا طولی به سفر اولنسه مجد و ساعی اولدی بولر یوماده ده جمله سی طعمه سیف اولعه باعث حیل
 ایدوکن ادراک ایدم مدیلر زعم فاسد لر بجه انا طولی به سفر ایله کمد و دوام لرینه سبب ویر
 زمان اتوب طومغه بهانه ملا خطه ایتدی لر جبهک اونچی کونی اذکک تعلیم و تحریر بیکله عوما
 سپاه آت میداننه جمعیت ایدوب سراقول و قران ایتدک لری مهنای استکاره جه سولیلوب
 جناب شهر یاری بالذات انا طولی به کچوب سیدی پاشا اوزرینه سفر مهم ایدوکن حضور
 همایونه عرض و اعلام ایدم دیو قائم مقام پاشا به و مفتی به ابرام ایتدی لر انلودخی نصبه
 کویا بحسب الضروره جمعیتک صاحب کلامی اولان سپاهی مجد اوکنه دو شوب سرای
 عامر هیه وارد بلرا حجاب جمعیتک مدعای حضور همایونه عرض اولند قد دفع جمعیت
 اچون مصاحت و قته بناء عزیمت صورتی کوستر یاوب ماه مزبورک اون دوردنجی
 کونیکه ثلثادر توغ همایون ظفر مقرون چیتوب جبهه خانه اوکنه نصب اولندی میدان اغاری
 و توابعلری اولان اراذل تمشیت مراملرینه مغرور و سفر تارکنه مشغول اولدی لر ازین جانب
 مدبران سلطنت قره حسن اوغلی رأی اوزره حرکت ایدوب چیتکه سفر مقرر اولدی
 احوال یلور آدم لازمدر دیو دعوت ایله آستانه به کلان کچه جی اوغلی محمد اغایی قالب مهیب
 کی کلوب جبهه خانه دن چیتاروب بکچیرانه کتدن انصیب ایتدی لر و دور سلیمان محضر یردی
 کز اوخدر ای و تدبیری محکم ایدوب توغ همایون اخر اچند نصیحه امر سفر اچون مشاوره
 وارد دیووزرا و علما و بکچیری او جاغی و سپاه اغاری سرای عامر هیه دعوت اولندی لر جمله سی
 کلوب میدان اغاری اولان اشقیاء خبی و پرا خدم و حشملر یله حاضر اولدی یلر

دیوان مشورتی ترتیب اولوب هر کس کند و مقابله قرار ایتد کد نصبره
یوسف پاشا حاضر نلری سوزه کلوب جمله یه خطاب ایدوب بکچری وسپاه اوجاخی
ضابطلری واختیارلری اناطولی یه بالذات حرکت همایونی نه مصاحبت مهمه اچون توغ همایون
اخر اجنه ابرام اولندی شوکتلو پادشاهنر حاضر نلری سوال سوروب سزاردن جواب استر
دید کد زور با باشی حسن اغا کند و بی ات میداند قیاس ایدوب ایلر و اتیلوب سیدی احمد
پاشا یولداش لری مزه اهانن ور عایا یه ظلم ایلر اناطولی یه خراب ایتدی بالذات پادشاهنر
حرکت ایتد کد انک دفعی ممکن دکلر رودخی بوکد بکزر بر مقدر خلطیات ایلدی شیخ الاسلام
افندی یه توجیه خطاب ایدوب افندی حاضر نلری سیدی اوزرینه حرکت همایون ایلر
صفر اولنق مشر و عیدر دید کد مشر و عید دکلر رئا دیب و اطاعی اچون وزاردن بر قوللری
تعیین اولنق کافیدر دیو جواب و پردی بکچری اوجا غنه سز نه دیو سز دید کد قول
کتخداسی ایلر و کلوب دولته و وزر شوکتلو کر ایتلو پادشاهنر ک قایچی اوزو ند رسیدی احمد
پاشانک عصیان ایلدی و کی واقع ایسه انک حقندن گماکه وزاردن بر قوللری کفایت ایدر بالذات
پادشاهنر حاضر نلرینک حرکتی اوجا غمز معقول کور مز لردید کد سپاهی محمد و رفقاسی ایلر و
اتیلوب میداندلر ده جمعیتلر ده سویلد کاری کبی براغزدن خلطیاته اغا زایدوب بهی کتخدا
بیگ نچون بویه سویلر سز اناطولی الدن کتدی سن دون کلدک کتخدا بیگ اولدک بوکون
نافع مصباحی بوزمه پالیشور سن دید کارنده قره حسن اوغلی بیر ضعیف الانام کبی باش
قالد روب مفتی افندی یه توجه ایدوب سلطانم تحکم علی السلطان ایدوب نظام مصالح
امور عبداک افسادینه سبب اولنلر مشر عاله لازمدر دید کد مفتی افندی سیف سیاستله
ازاله لری لازمدر دید کد طرف سلطانین اشارت صدور ایتدی کی قول کتخداسی کچه چی
اوغلی و محضر بودر سامیان و اوجاق اغا لردن تدبیر و تئیهه ییله اولنلر حسن اغا و شاملی محمد
و یاق علی و قره عثمان دید کاری دورت تقریر سراسنقیانک یقارینه یا بشوب فی الحال کله بی
دولت لری میدان سیاسته غلطان ایتد ریلر طشره ده نلری یا نلر اولان اتباعلری در حال
پوشان اولدی بو شقیلر ده هوادار اولان ارادلک دخی جزالری ترتیب اولنق باسنه خط
همایون صدور ایدوب اخذ و احضار لری خدمتی کتخدایک کچه چی زاده یه سیارش
بیورلدی استانبول قیو لری قیانونوب ایکی کون ایکی کچه تجسس اولنوب استقیانک
مشهور لردن یکر میدن متجاوز کسسه اخذ و قتل اولندی محمد الله تعالی سیف سیاست
خسر وانی امور دولته مدخله ایلن سفهانک جزالری ترتیب ایدوب بیت بر غز ایتد کد
خوشنود ایلدک پیغمبری بانک دخی خیر لیدر و الله اعلم بالرشاد بیتنک مصداق کچه ماصدق
اولد یلر مدبران دولتک حسن تدبیری ایلر دار السلطنة العلیه اسهل وجه اوزن
زور بارک لوث وجود بد بودلردن تطهیر اولنوب توغ همایون جبه خانه اوکندن
رفع و مساوی سفر بالکلیه دفع اولندی مورخ عبدی پاشا مرحوم اول وقتک خاص
اوطه اغا لردن ایدی بو مصراع تاریخ دو مشر و مشر و تاریخ قتل استقیانک و لیدی
غزای بی بدل قتل اولنلر زور به مقهور لری شک مدت نکبت انجا ماری جمله یتیم

کون اولوب اول وقت مشر و گزاده تقیب سبب بق و انسی افندی جفر جامع سبب
یونلرک مدتی لفظ حبس عددی قدر دیو ایتد کاری استخر اجنه اصابت ایتمشلر در واقعا
زمان تسلطلر نه مصالح دولت نوعا معطل اولوب خبیثلر بو قدر زمان قلیله آتوب
طو توب ناحق یه خلقت مالنی الوب نامستحققره طاغیدوب اسراف و اتلاف ایلر اجرا
ایتد کاری سفا هته غرا لوب زعم فاسد لر نجه دنیا ی فایندن کام الدیق دیر لرایدی زور با
باشی حسن اغا بو قدر مدته اوج بیگ قدر ارادل ناسی سپاه نامه چراغ ایتمش قتلند تلف
اولاندن ماعد اقبض اولنلر تقو و استیاسی ایدکیوز کیسه یه بالغ اولمش صکره چراغلرینک
اسامه سی کوپر یلی محمد پاشا عصر نه چالینوب اکثری انک سیف قهری ایلر مقتول
اولمشلر بو ایتاده اناطولیدن معزول رضوان پاشانک شاکیلری دیوان همایونه عر خحال
صوتوب ظلم و تعدیسی متعین اولنلر سیاست قتل اولندی آمدن ایاجی هند بیگ
التمش اوج سنه سنه طرف همایوندن هند پادشاهنه ایاجی انک ایلر ارسال اولنلر متفرقه
فوالفقار اغا انک کتوردیکی نامه همایونک جوابی ایلر قایم بیگ نام هند ایاجی ماه منورک
اون ییچی کونی جمعه کوننده اسکندران واصل اولد قنده طوغا نچیلر میداندلر واقع اعیانندن
بر کسسه انک خانه سنه قوندر یایوب بروجه اکرام مطبخ عامره امینی ایلر شجی باشی کوندر یایوب
اطعام اولندی ایرتسی قنر غه ایلر استانبوله کور یایوب چاوش باشی اغا بر قاج نفر چاوشلر
ایلر اسکنده استقبالی ایدوب کندویه منزل تعیین اولنلر مرحوم قوجه سیماوش پاشا
سراینه ایصال ایلد یلر ماه منورک یکر می برنجی صالی کوننده ایاجی منور دین همایونه
دعوت و قانون قدیم اوزر ضیافت قلندی بعد وزرای عظام عرضه کیرد کارنده اول دخی
الباس اولنلر خلعت فاخره ایلر پایه سریر اعلا یه رویمال ایلد کدن صکره نامه سین
و پروپ هدایاسی ایدکیوز اللی قیوچی یدیلر حضور همایونه عرض اولندی انواع تحف
و تہاریق کثیره دن ماعد ابر قبضه کرانلر شمشیر جوهر دار ایلر رفاهلری قیمت خیر که مصنف
ایکسی ییله سرایا الماسلر ایلر مزین و مرصع ایدی منور ذوالفقار اغا ایاجی تعیین اولند قده
ایاجی کتخنند حدو ث ایلر خلطیاتنه متعلق لطائف بیگ التمش اوج سنه سند ذکر
اولمشلر تبدیلات سیماوش پاشا وزیر اولد قده متصرف اولدی بی سلسلر ایلانی حکومتی
دامادی صاری کتخان پاشایه و یلمشیدی قیودان اولان فراری مصطفی پاشا دور تیوز
کیسه تسلیمی ایلر معمر منصبی تحصیل ایتد کد هنوز سلسلر ده مسند حکومه قعود
ایتین صاری کتخان پاشایه قیودان اولمشیدی کورچی عثمان پاشا نام بر مرد فروملیه غرامت
مال ایلر سلسلر ده منصبی تحصیل ایدوب ضبط ایتد اول کفوی دکلر دیو سلسلر ده دن
روم ایلر ایا لته نه هنوز نقل اولمشیدی که قائم مقام صدارت عظمی قوجه یوسف پاشا که
اعدا افترا سنه اوغرا یوب مقتوللرک ترکه سندن وافر التون و جواهر الوب اخفا ایتدی
دیو خیانت و طمع اسناد و بکچری اوجاخی طرفندن کند و لی استیقال ایدنلرک مکر و فساد
بلا سنه اوغرا یوب مقامندن تنزل و سلسلر ده ایا لته نه نقل و تحویل اولند قد نصبره حیدر
اغازده محمد پاشا ماه منورک یکر می اوچی پنجشنبه کونی قائم مقار تعیین اولندی

وزیر مشاور الیه بکچری اوجا غندن نشأت ایتکیں بر قاج سنه در تقریریں مرضندن اسیر
 قریش ایدی اوجا خلقک ابرامی ودلت دنیا به اولان طمع خامی بلا سیله بش کوناک
 عزت ایچون کندوی مبتلای محنت ایدی بکچری اغاسی وزیر مجود پاشا که وقعه ده
 چوقد ارلقدن چقمش ایدی وقعه و قواقیه ده مقتول بولغان بکچری کتخدا سنک
 توکه سنندن و اقرشی اکل و بلع ایتدیکندن ماعد اکزلو جه زور بالایله اتحادی اولدیغی سمع
 همایونه القاولغین ماه شعبانک اون ایکنی کونی قتل اولوب بکچری اغالی حرم محترمندن
 چتره فیل اوغلی دیمکله معروف چوقد ار حسین اغایه عنایت و بعده مظهر پاشا و وزارت
 بیورلیدی نقل ایدر که اغای مقتول چو دپاشا میدان اغالیه کاهیجه کوریشوب تحاشی
 ایتدی بکچرون انلرله متفقدر دیورجال دولت کندوبه سوطن ایتیشلرایدی و اول استقیای
 اراذل پاشا اولان مشورنری کتخدا ایسک و غیریله خفیه ایدوب آئی محرم ایتما مشلرایدی
 زور بالک کاری تمام اولد قد نصیحه افی دخی اعدام ایتدیلمر معن زاده دیر ایدیکه یوسف پاشا
 اسناد طمع ایله دفع اولوب حیدر اغا زاده نک قائم مقام لغی و بکچری اغاسی مجود پاشا نک
 قتل مفتی مسعود افندی نک القاسیله اولدیغی متفق علیه در معلوم اوله که دولت علیه ده
 هر عصرده بر نافذ الکلام و منافی جالب و هر وقتک محسب الاقتضا بر طائفه سائر لره
 غالب اوله کلمشدر حد اعتدالی تجاوز و توسیع دائره ده افراط ایتدیکه اول زمره معاقب
 و مضحک اولوب واستقلال لری وسیله زوال لری اولان زمره انتقال ایدر کلمشدر دولت
 علیه تسلط و استرا کدن معربر محبوبه رعنا و محکم اغیاردن سلیم الساحه بر محجوبه
 مسند نشاند که دائمی مشار کلرینی و مقاسم لری قهرایله جمالنه ابتهاج و محکم و متوصل لری
 اعدام ایله با زارینه راج حاصل اوله کلمشدر و وجهه سلامت دلتا طرف دولتی حمایه ده
 اولوب اغراض نفسانیه تقاضا سیله صد اقدن سر مو احراف اوزن اولمینره ولوبعد حین
 مجازات اولنه کلمشدر مسعود افندی نک ایتدای حالده طرف سلطنتدن روی التفات
 کوروب امور وزیرایه مداخله و معارضه ایدر جک قدر تعین بولشیدی صکره معزول
 اولوب ابشیر پاشا یوزیریمکله کوشه حملو کلمشیدی مراد پاشا فتنه سیله ابشیر
 پاشا تلاف اولوب تعین تام مضامین و مقربینه دوستوب طشوره نافذ الکلم قائم مقام
 فتنه حدوث ایتدیکه مسعود افندی غی بکک شریک اولد و غندن غیری عسکر طلمی ایله
 مفتی اولق ایله نامناسب حرکت جرات ایتشیدی چونکه مرادی حاصل اولدی معارضه لری
 قهر و اعدا ایله استقلال حاصل ایتک سودا سنه دوستوب دفتر دار زاده محمد پاشای و نحوه
 کسند لری قتل ایتدر کدن صکره زور بالی دخی قریان ویریمکله دولته خدمت اظهار ایلدی
 بعد بکچری اغاسی دخی اعدام و قائم مقامی عزل ایتدیروب اسکی دوستی اوجا قدن ظمهور ایتش
 حیدر اغا زاده بی قائم مقام ایتدردی بو قدر ظهورات مقتضاسی ایله غیظ نهانی اولد و غنی
 بیلر دکل ایدی اما قائم مقام و دفتر دار و سائر رجال دولت کند و بر کشیده سی اولد قهینه بر زمان
 متمد اولوب بعض خدمت مکرده اظهار مساعی ایله تلافی مافات ممکن اولو را اولد و غنی صورته
 بو قدر اعوان و انصاریله تعلیم دولته دخی امکانی اولغه محال دکلدر دیونکثیر حواشی و توسیع

هائره فکرنه دوستدی اما قره حسن زاده عاقل اولغین دائمی دولت طرف گیری ایدی کندوسی
 اوجا قه اینک اوجا اغالری طور لری تجاویز ایتدیکه بو تقاعد اختیار ایدوب علی بهانه ایلوب
 قارشیدی کند و ایله اسنشان اولند قه اغالک از اله سی خدمت نه لازم اولان تدبیر خدمتی
 کوردی ابشیر ظهور دن ینه منزوی اولدی ابشیر جمله یه غدر ایلدیکه بو که ده ضرر
 مالیه سی طوقش اینک سکوت ایلدی قره مراد پاشا مقام خصومت قیام ایدوب ابشیری
 اعدام فتنه سنه شروع ایتدیکه قره حسن اوغلی اتفاقا دعوت ایلدی مغد و اولغین طرف
 دولتدن دفع فتنه ایچون کند و ایله معا اسنشان اولند و غندن لا ونع بر سوز سولیموب سکوت
 ایتدی ابشیر دفع اولندی مراد پاشا دخی وزارتی را غوب کندی طشوره ده متعین فرد قالمیوب
 قهین جانب اندرونه دوستد کد نصیحه میدان اغالری فتنه سی ظمور ایلدی ینه قره حسن
 زاده به مزاجعت اولند قه میدان اغالری از اله سی تدبیر ینه دلیل اولوب بوند نصیحه
 مسعود افندی تعین اولوب قره حسن زاده جا بنزده در قائم مقام دخی اوجا قدن اولسون
 بعد مراد اوزن آتوب طو تارزدیو حیدر اغا زاده بی نصب ایتدیروب حدی تجاوزه باشلد قه
 قره حسن زاده ینه کوشه کیر اولوب مسعود افندی نک اختلاطدن دامن چین اولدی
 زیرا سالک اولدیغی طریقک منتهاسی خذلان اولد و غنی بیلوردی و سیاوش پاشا
 فوتند نصیحه صدارت کیمه ویرلک معقولدر دیو مسعود افندی ایله اسنشان اولند قه
 شام والیسی یوینی یارلی محمد پاشای سوق ایلدیکی ساده دل برتر کمان آد میسدر
 اصلنه دولت قبوسنه خدمتکارلق ایله کلمشدر انی قبضه تصرفه الحق اساندر
 فکر یله ایدی یوینی یارلی کلدیکه مسعود افندی ایله امتزاج ممکن اولمیوب قره حسن
 اوغلی دخی و خات عاقبت فکرنه در خانه سنی بسته ایلدی سیدی احمد پاشا دورت
 پش آئی سیواسی آتش ظلم و بی داد ایله خراب اباد ایدوب مأمور اولد و غنی بوغاز محافظه سیچون
 تحریب بلاد و تعذیب عباد ایدرک آهسته رفتار ایله قطع منازل ایدوب بر قاج ناستان سوخته
 معزول بککریکیلر و بش الی یلک قدر صاریحه سکبان استقیاسی ایله کوتا هیه اطرافندن
 اولد و غنی در دولته وارد اولغین ارکان دولت صوابیدی اوزن اول و حشی شکاری دام
 انتقامه دوستورمک امید یله سلسله ایالی توجیه بیوریاوب منشوری آستانه ده اولان
 قیو کتخدا سنه نسیم اولندی و کدشته جرایمی عفو اولوب موأخذه اولنمق بانه
 امر شریف و ضرر کلیه جکته اوجا غز ایله کفیلر دیو اوجا اغالرندن دخی استمالی مشهور
 مکتوبلر ار سال اولندی اوامر شریفه و مکاتیب وصولند ا کرچه سیدی احمد پاشا
 ظمور ایدن کستاخلغی و جرایم سابقه سی مجازاتدن خوف اوزن اولوب مخصوص وزرا
 اولان سلسله ایالی توجیهی کند و یز دامه دوستورمک ایچون دانه قریباید و کن ملاحظه
 ایدردی و یانه اولان لویدات و سائر مفسد لرد و لولایتدیکم صوج بغشله جق
 مرتبه ده دکلدر زم ایچون استانبوله وارمق قناریه کیر ملک ایله بر در دیوب اطاعتدن منع
 ایدر لردی لکن سلطان سعادت عنوان حضرت لری نک قوت بخت هما یونلری زمام اختیاری
 دست اقتداردن سلب و کشان و کشان باب مراجع دستکا هه جلب ایلدی پاشای

مشاور الیه عتیبه علیایه کلد که خاصه سلاطین آل عثمان اولان مرچت واحسان معامله شده
 مظهر ایدوب صحیفه جرم عظیمه قلم عفو چکدیکندن ماعد انشریف وزارت الیه دخی
 تکریم اولوب کوندرلدی قائم مقام ملقدن مغزول قوجه یوسف پاشا که سلسله مریه
 توجه ایتیشیدی سلسله سیدی احمد پاشایه ویرلد که یوسف پاشا نصف طریقندن
 هودت ایتدی یولوب ملغره ده او تور مق فرمان بیورلدی حضور همایونه عرض حال
 گویندروب حقندن اولان طمع و خیانت تهمتی بدخواه عدول افترا سیدر خبر واکام یوقدور
 یوپر ضعیفک حالنه مرچت رجا اولنورد یواستند عالی عاطفت ایتکیکن شفعا و ساطتیه
 ویرلکنه مرجه استعفاسی مقبول همایون اولوب خاصه توحیمیه متقاعدین زمره سنه
 ملحق قلندی وندیک ملا عینی یوسالده روسای ملت مسیحیه دن استمداد ایدوب
 مقدوری مرتبه سی بدل درهم و دینار ایله تیش پان قدر انواع کیلر تدارک واحضار
 ایدوب یوغازی سدا تیمک فکرند اولد قلرینک خبری پی در پی وار دا ولوب خواطر
 اسلامی نکدیر ایتکه باشلدی کفار دونما سندن برضام قیودان او توز قدر اتبا علیه
 قرار ایدوب یوغاز محافظه سنه اولانی چتال باش مصطفی پاشا غرضیه کلوب درد ولته
 زویمال ایلد که شرف اسلام ایله سر بلند اولوب زیاده وظیفه ایله ترسانه عامره ده
 قیوداناق رتبه سیله بهره مند اولدی احوال سفر قیودان صاری کنعان پاشا و انزام
 دو تهای همایون عبدی پاشا تاریخندن در که ماه شعبانک یکرمی او چخی سمیت کونی
 دو تهای همایون قاقوب اق دکره عزیت لولندی قرق بش پان قدر غه ویدی
 مانوه ویکرمی یدی قلمون جمعا تیش طقوز یاره کیلر اولوب لکن ایچلرنده کرکی کی
 جنگ اور عسکر یوغیدی نه حال ایسه یوغازه واروب اناطولی حصاری کنارنده لنگر
 انداز قرار اولوب قورشلورنده طوران کفار کیلرینی کثرت اوزره و مرمت و مکمل مشاهیر
 ایند کلرنده قیودان پاشا قایق ایله روم ایلی جانبیه کچوب مشورت ایچون منعقد اولان
 مجلسه لسانه کتوردکاری کلماتک مضونیدر که بیان اولنور حالا کفار کیلرینک جنگیچیلری
 فراوان اولد و قندن غیری دریانک اقدیسی دخی انلرک جانبیه موافق جریان ایتکده در
 بزم کیلریمزه کفایت قدر جنگی قوتلیدی بومقدار عسکر قلیل ایله جنکه عزیت
 اولنور سه نتیجه معلوم اولماز واقع خالی آستانه یه عرض ایدم طرف دولتن مکمل
 عسکر تدارک وارسال اولنور سه بعد کفارک اوزرینه واهم دیوب احکاپ استشاره یه
 خطاب ایتد که اوباق خلقنک ضابطلری بزر مجرد فرمانکره تبعیت ایله مأمور عرض
 و محضره متعلق اموردن مجوز دیو قطع جواب و دفع مجلس اولنوب قیودان پاشا علوفه
 و بخشیش ایله مجده اولنور یازمغه شروع ایدوب لکن اول جنگ ایتسونلر بعد یازدقلری وجه
 اوزره بخشیش و علوفه لری ویره لم دیملکه لوندات طائفه سی راضی اولوب یازیلانار
 دخی اول ساعت پریشان اولدیلر رمضان شریفک دوردنجی کونده قیودان پاشا یوغازده
 کفار ایله جنگ ایتکه عزیت ایلد که کبارده جنگی قوت اوزره اولد یغندن
 ماعد موجود اولنلرک دخی اکثری و همه دوشوب بومقدار عسکر ایله جنکه مباشرت

مناسب دکلدر دیو قیودان پاشانک امریته اطاعت ایتیب اکثری قلیونلردن زور ایله
 چیقوب قریه دوکلدر قیودان پاشا ناچار قالوب نه حال ایسه کندویه تبعیت ایدن
 چکدرمه لرایله کفار اوزرینه هجوم ایلدی اما دریانک اقدیسی اعدانک مرادی اوزره جریان
 ایدوب و روزگار غدار دخی طرف خالفدن اسمکه باشلیوب دونما کیلری بررینه چاتوب
 کورک کورکه سرن سرنه کچوب اهل اسلام مختیر اولدیلر یو محله کفار فرجه بولوب خیل
 طوب جنگی ایتدی عسکری باشدن قره ایدوب طشره دو کیلن سفینه لری تخلیص
 ایچون قیودان پاشا چکدرمه لر تعین ایتیشیدی لکن کفار کیلرینک تسلطندن یا قلا شفق
 ممکن اولوب بر مقتضای قضای باری اسباب انزام متعاقباتاری اولوب با شترده
 ایلیدی سکر ترسانه کیسی و محلی معرکه ده حاضر اولنلردن اون ایکی امر اکیلری نجات
 بولوب سکران قدر غه اسیر کفار و ماعداسی احراق بالنار اولوب کفار طرفندن انجق
 بش پان کی احراق اولنیشیدی ذلک تقدیر العزیز العظیم عبدی پاشانک بو تحریری
 طرف سلطنت علیه یه ناخیم اولنان مفه و مدرکه قیودان پاشای تخلیص ایچون حسن
 تربیه دن خالی دکلدر یوبابده مفتی عزیز اقدی و وجیهی و خاص اوطه لی محمد خلیفه
 تاریخلرنده واقعی یازمشلردن و معن زاده نک تقریرینده موافقدانلرک خلاصه کلامی
 یوکه قیودان اسبق سورتازن مصطفی پاشا دریاده نام تحصیل ایلش میدانی معلوم ایشه
 یرا قیودان اولوب ترسانه نک خائنینی ضبط و مصارف لازمه سنی تصحیح ایدوب
 وقوف تام تحصیل ایتدیکندن غیری لطف و قهره قادر ضبط و ربط فتنده ما هر جری
 وجسور بر مهیب وزیر اولمغین امر اولوندات هم کندودن قورقارلورهم احسان و کرمندن
 مایوس د کلر ایدی معصاحب اغالر و قعه سنه بر مقتضای قضا و قدر اوج ساعتک
 صدارت سیمی ایله عیش و راحی مکدر اولوب سیاوش پاشا و کارداران دولت کندوی
 استیقال ایتکیکن ارضروم یالته اتدیلر بعد سورتازن پاشا تمام قیودانلق عهد سندن
 کلور آدم اینک انی دفع ایلدیکرینه کی قیودان ایدم دیو افر مشورت ایتدیلر بالاخره
 سیاوش پاشا و مفتی مسعود اقدی اتفاق ایدوب حلبدن کلن قره مصطفی پاشا که
 فراری دیملکه مشهور بر مالدار وزیر درانی قیودان ایدم لم اگر چه یقینده ساحدارلقدن
 چقدی اویله احواله و قوفی یوقدر لکن قوت مالیه سی وارد بر مینک بومضایقه سی وقتند
 ترسانه مهماتی ولید تدارکنده ضروری اولان قصوری کند و مالندن تکمیل ایدوب ناموسی
 صیانت ایچون مالی فد او بدیل ایدر یو وجهله ایش کورملک مأمولدر دیوب خواه ناخواه
 قیودان ایتیشلر ایدی مصطفی پاشا اگر چه قریب خاص حرمدن چقمش مبتدی ایدی
 لکن عقل ورشدی کالد نغم و ضرر نی بیلور صاحب فراست اولمغه قیودانلق احوالی
 تفحص ایدوب کوردیکه سورتازن پاشا وقتند کوریلان تدارک انچه لری هنوز احبابه
 ویرلدیکندن غیری اقل مایکون اوچیز کیسه نقد اولد قچه مراد اوزره مهمات ولوندات
 تدارکی متصورد کلدر روز بروز دفتر دارک بعضی طویدی نتیجه خزینه ده نقد انچه یوق
 مقصودلری حوالات امریله باشدن صاموق مالدارلغنه طمع اوب مصارفی کندویه

گورد زمك ايچون قيودان ايند كارني فهم ايلدي و محرم لاري مشهور تيله بومهماني كورمكه
 بدل مال ايدوب دريايه چقلديغي صورته دشمن ديك تدارك عظيمه سي شابع و قراج
 سمنه در عسكر دريايه هزيمته مألوف اولمشلر عياد بالله برفضا حت ظهور ايدرسه تاف
 مالدن غيري بدناملق بيله جانندن چقمق كوزنيور معقول بودر كه طمععه دوستد كاري
 مدخر ماليزي عرضميرنده ايكن ويروب مصر منصبي تحصيل ايدلم اول مال ايله بونلر
 ديارسه مهمات كورسونلر و قيو دانلعه دني بر مستحقني بولسونلر بن بو خدمت عسیره نك
 بو وقتله اهل دكلم ديوب بوجله صدر اعظم واندرن هماین جانبته بسط غدرواستعفا
 ايند كند نصكره دور تيوز كيسه اچه تسليم ايدوب مصر منصبي المشيدى حق بودر كه
 عهد سندن كلمه جك حمل ثقيلك تحفته دخول ايتديكي فراستنه حمل اولنو چونكه
 قره مصطفی پاشا قيودانلق غائله سندن تحليص كريس ايلدي سلسلته والينى
 وزير صاري كنعان پاشاك قيودان اولمسن معقول كورديلر و باعث بولدى يكه بوضع
 مصاحبتك عهد سندن كور خدمت امولور آدمه توجيه ايلسك تيرالدين بش القيوز
 كيسه مصر في نقد استر حسن مدافعه ايله يوللاسق برفضا حت ظهور نك نك قتل
 ايله غائله مندفع اولموب بزرده معاتب اولوروز و بوجله ترينه قابل اولر اما كنعان
 پاشا سروسامان مغلوبى و عنوان صاحبي وزيرد روم طول قامت وزيش در احكمجه
 حيله و صنعت بلر صاف دل دولتمودر عرضي و كلامي معمول به درو مهد عليا حضر نلرينك
 داماديدر طرف سلطنته اسنادى واردر اچنچيلركي دولتك مضايقه سني بلر دكدر سماحت
 ايدوب ممكن مرتبه ايله چقمقه جرأت ايدر لر عياد بالله بر فضيه غير مرضيه ظهور ايدرسه
 عرضي و كلامي معمول به در سائر كبي لك قتلنه مسارعت اولنر ترينه و نصديق ايدرز اول دني
 بوجايك تقصير اتني بالكيه افشا ايتزد يوم مشورت اولنوب كنعان پاشايي قيودان ايتديلر
 اول وزير مبارك دني مصاحت كند دولت اولان فيلسوفلرك حيله و افسوسنه الداتوب نه
 قيودانلقدن فراغت ونه لزومي قدر نقد برشي طلبنه جرأت ايدر بلدي عاقبت ممكن
 مرتبه تدارك و عسكرايله ناچار قلعوب كتدي بوغاز حصار ينه وارد قده مأمور اولان
 عسكرك انجق ثاتي موجود اولوب كيلرده اولان لوندات كفايت مرتبه سمنك
 وبي قدر انجق وارايدى و موجود اولنلر ده فسك دزمان و هرج مرج اقتضا سيله قوت
 قلب و عزيمت صادق بوق ايدى بو صورته كفار كيلر ايله ايرا قدن مرجع ايتك
 و محافظه و مدافعه يه امكان طاله كور حركت سلامتة اقرب ايكن ممكن اولموب قيودان
 پاشاك عرضلرينه وجود و بولموب البته كفار اوزر ينه وار سن وملا عينك كيلر يني بوغاز
 او كندن رفع ايدس سن ديوقطعي خط هماین خسرواني وارد اولمغن مبارك كنعان پاشا
 اولوقته نيه اوغرا ديقني بيلوب بوغاز اچمكه ياليلردن عسكرياز مغه شروع ايتدى
 اولدن نظام مضبوط اوزن مرتب ومهيا عسكرا اولد اچه ايله حالت فخصه ده مجمع
 اولان عسكرك نه ايشه يرار امور دو تنما نامضبوط هر كس بر تاقيه قايمق سوداسنده
 اولمغه نيه يك جكدرمه لرندن و دو تنما سفينه لرندن تبديل قياقت نجه اراذل بخشيش

آكورد ديوكلوب يالديلر اول ياليلرك حرام زاده لردن كذاك نجه ايازدي
 لكن اور تالفك نظامي اولامغه بخشيشي بيشنجه استديلر بخشيشلاري و رلدكي
 صورته نه قائم ينه مجلده جنك ايتيه جكركى عقلا نك معلومي اولمغن قيودان
 پاشايي اضاعت مالدن منع ايدوب امر اللهك موجود اولنلر ايله كفار هجوم ايدلم
 ديديلر و امور ديدلر بعضيلرك رايني ايله عادت اوزن قايو نلر ايلر و وارد نجه مألونه لر دني
 اردنجه چكدرمه لرصف بغليوب بر موافق روز كاريله طشره ده يتان كفاردو تنماسي
 اوزر لرينه هجوم كوستر دكركى كبي مقدماعلى پاشا و قعه سندن دست كفار گرفتار
 اولان قليون كه دولتي والد سلطان حضر نلري ياپدر مشيدى و حسودلر
 تقصيرات ايدوب برنامبارك ساعت دريايه ايندر ديلر اول مجله غرق اولوب صكره
 اخراج و تعمير اولنش ايديكه تفصيل بالا ده مذ كورد اول كبي ياكين اچوب ايلر و كلوب
 طرفيندن طوب دله لري يغمور كبي يا غمه باشلدى منتظم و مضبوط اوليان
 عسكرك لريز سفينه لري رئيسلرينه سل سيف ايدوب نير كبي يي بر كناره طوغري
 چكدرديوزور ايله عادت مستمره لري اوزره سمت كناره چكدر ديلر اول ائشاده بامر الله
 تعالى انباط ديد كاري روز كار دني شدت ايله اسوب لك صدمه سيله كيلر بر يرينه
 از دحامدن ناشي مقدم ملاحظه اولنان ترتيب بوز يلوب جمله قليونلر و مألونه لر و چكدريلر
 حصول جانبته اناطولى ساحلنه يقين صفر چكدر بلر سبب حل يقين كور ينيوب
 صيغ يرلر اولمغه كيلرك كبي دمور يا غوب كبي قره يه چا توب من بعد حر كنه و مدافعه يه
 مجال قالمق كيه لرده اولان عسكرك هول جان ايله دريايه ايتلو ب شتمور لك صنعتند
 ماهر اولنلر عريان كناره چيقوب اول فني يلميان نادانلر برقا بيج بيك آدم غزاوشهادت
 مشرفندن محر وما هلاك اولديلر ماه رمضان شريفك در دني كوني ايديكه عسكرك
 دو نيمكايه بوانهزام وقع اولدى بي دردم سر نيزه و بي زحمت شمشير جمله كيلر
 اعد ايه تسليم ايدوب فرار عين الر حف تهتميله متمم اولد قلرندن ماعد اغزادن
 وو كرادن اولان جيانلرك اكثرى غرق درياي عدم اولديلر ذلك تقد ير الغرزالعليم
 قيودان با شترده سي دست گرفتار كفار اولق مصيبي مقرر اولش ايكن قيودان
 علي پاشا زاده عبد القادر پاشا و ممي پاشا زاده لرك بيوك دليلر انه هجوم ايدوب قور تارديلر
 بو نلردن ماعد ايمي پاشا زاده لرك كوچكي واغريوزلى مصطفى بيك زاده لر و ماهر دار
 پاشا و كيلر يوسف پاشا و مانجه چارق زاده و بوني اكري مراد بيك و حسيرو بيك زاده و برماونه
 جنك مجلده كلكه اقتدارى اوليان عمل مانده قورو قلفات سكر تر سابه كيسى ساحل
 سلامتة ايريشوب ولى بيك زاده و كسكن پاشا زاده و اياموره بكي اوغلى واغريوزلى
 رنماي اوغلى طشره ده بولمغايله ورطه هلاك دو شديلر پاشدار ده وسائر قور رتلان
 مذ كور كيلر اناطولى حصارى او كنه ديز يلوب يا تديلر قلعه دزداري قيودان
 پاشايه كلوب دولتمودر كفار كيلر اوزر ينه هجوم ايتك احتمالي واردر سز ايسه دو تنما
 كيلر يني حصار البته ديزوب طوبلر يرك او كني سدا يلدنر فرمان ايله كيلر اراز كيلر و يه

چگونه اوب طوبى از او غرضي آچسونه ملاعين هجوم ايد رسنه بواتارد بدین طوبى ايله
 ان شاء الله تعالى انلى او غرام ديه كوردی مفید اولیوب قلعه او كندن كیر وچكمدنی
 قوردارو طوبى باشی دخی ارام ایتد كده اید دیوب ايكه سنی دخی جوندیه اصماق مراد ایلدی
 انلر دخی فارغ اولدیرواقعا قلعه طوبى پارینى اعمال ممكن اولیوب عبد الرحمن پاشا
 و ترسانه كنهانسی بحریك و بیر ام بیلک و همت بیلک كیلری و اون قدر ترسانه
 کیسی ویدی قلمیون پنجه كنهان كرفتار اولدی و عیدی پاشا و مانجه چاق ابراهیم بیلک
 و اون بش قدر ترسانه کیسی وایکی ماونه ویکرمی قدر یورتون یود دفعه ده احراق بالار
 اولوب عددی نامعلوم احرار مسلمین اسیر اولدی ویا جمله یتیمشدن زیاده کی قبضه تمليك
 كنهان داخل اولوب ملاعين بیلک قدر طوب وى حد تفنك و مهمات و حبه خانه و چكدری
 درونلر اولان یدى سكر بیلک قدر توانا روس اسیرلر نه مالک اولغله قوت بولوب
 بدل مال ايله کیلرینه خروات و عاصی ارناوددن جنگی تداركندن بی نیاز اولدیروان الله وانا
 الیه راجعون سلطان سلیم ثانی عصر نه طقوز یوزیمش طقور سنه سنه واقع صنفین
 دوتماسی عنوانیله مشهور اولان شکست و هزیمتدن برو اهل اسلام بوجله مظهر
 انهرام اولیوب كفار طاسار لغهنم الله تعالى بی مرتبه شاد کام طقور و اغتنام اولما مشهور لیکن
 صنفین دوتماسنك انهرامنه سبب بولایدیكه جمیع زمانه بر مصاحته ایکی وزیر دیشانی
 تعیین ایتلک اختلاف عسکره و تعطیل امور باعث ایکن اول وقعه علی پاشا قیودان و پرتو
 پاشا سردار اولغله افتخار وزارت مقتضای سنجه نام نیم اولسون دعواسیله اتفاق اید میوب
 قیودان پاشایی وقت هجوم ایدوب شهید اولغله انهرام وقوع بولش ایدی و سائر لری
 دخی نوع تفصیر اتدن خالی اولما مقله اصفا اولمز ایدی اما بود دفعه ده ایکی وزیر یوق
 جمله كنهان پاشایه مفوض ایدی بونك سببی دولتک منتظم اولدوغی و عسکری زمره سه
 اطاعتدن خارج ادب سزلکه معتاد اولدوغی و كنهان پاشا نك حسن بد بوردن خبری
 اولد یغندن بوقدر محمد وزات جمع اولد قده عدم مساعده تقدیر دخی امر لازمدر شعرای
 عصر دن بعضی لری محاربه دن روگردان اولان عسکره طعن و تشنیعه متعلق پنجه اشعار
 سوبیاموب مصراع ویردیله كفاره دوتمایی بی جنگ وجدال مصراعنی تاریخ دستور دیلر
 و اول وقعه ده كنان چیقوب قور بیلان بیعارل خلق ارا سنه مطعون و مسنوع اولوب
 استوا قریب خلق باشدن قره لقبیله مشهور اولدیلمقنی مرحوم عز زافندی حضرت لری
 تاریخچه بو محله خبر خواهلر یوزندن شکایتی متضمن قنی چوق شی یازوب مدبران دولته
 اعتراض ایتمشد خلاصه کلامی بو درکه سلطان ابراهیم عصر نه وندیك كفاری آگاه
 ایتزدن مقدم کرید جزیره سنی باصوب کرید کیلرندن خیانت ظهور ایتما مشیکن بودین
 ایالته قتل نفوس و غارت اموال ايله استیصال ایتد کاری غدرک من عند الله جزاسی اوله
 ثابا کرید سفری بهانه سیله انا طولی وروم ایلی مملکتلرینه انواع تکلیف تحمیل اولوب
 انواع بدعت و مظالم ايله جمع مال ایتدیله خلق کوزیا شی و بد دعاسیله تدارك اولنان
 دوتما نك نتیجه سی بولم اولق اقتضا ایدردیوب جمله فباحی سفر اهله و ظم ايله مال جمع

ایتمکه عصرک مد براری بولنان قائم مقام حیدر اغازاده مفتی افندیك سو تدبیر لینه
 تحمیل ایایوب حسن تدبیره متعلق اجمال اوزن بعض قواعد ذکر ایتمشدرا کرچه کندولر
 صادق و کلامی حق در نظامه باعث اولان شیلرک مو انی پنجه دفع اولنور و پریشان
 و مختلف اولان امور نه اصل سرر شته ايله ضبط اولنورانی بیان ایتمشد حسن
 تدبیر لری معقول ایشلری اکثر خلق بیلور ایکن اول مقوله ایشلرک برر محمدوری و خمنده
 بلای عظمی وارد رانی ملاحظه ایدوب معالجه سنی فهم ایدر آدم بیکه بریه لیز غریب
 حال در عقلا نك بعضیسی خلفا وقتندن و بعضیسی سلف پادشا هلری زما نلر دن بعض
 حکایه لر حفظ ایدوب عصر لره حسن تدبیر و مساعده تقدیر مقتضای سیله برر طریق
 ايله نامدار اولان ملوک و وزرا نك اطوار لر یندن بعض شی مدح ایدوب کندو عصرینی
 پکنز کویا سلفه اولان آدم لری قالدی دیور زمانه سی رجا لنه سو ظن و حقارت
 ايله باقر لر اول مقوله لری سوبلنك پکنلری مدح ایدر لر رأی و تدبیر طلب ایاسک
 خلاصه کلامی رقیب لری فتح و کندوسی مستقل اولغله چیقور سوز لیه عمل اولنسه نظری
 بویه بر قاج محمد و رقاصه نظر زمانه سی خلقی جمله طرح اولوب یکیدن یاغیری
 اقامدن آدم لرن دار کنه محتاج اولور بویه آدملک بلد و کندو خیر یو قدر آدم اولد رکه
 بولندیغی عصر رجا لنی سلب ایتیمه بو وقت فلان وقت کی حرکت اولنسون دیو مزاج
 عالمه مغایر وضعی معقول کور میله مراد ایتدیکی اطوار نافعه ی رام ایتلک نه کونه
 حکیمان نه حرکت ايله ممکن ران تدارك ایتلک لازمدر زیر اخلق حالی هر زمان بر قالب اوزن
 قرار ایتیزه خلق طبیعت لری بر عال اوزن دو ر مژر دور ده جلب ثفع و دفع ضرر منافی
 مقدمات عقل و شرعه خارجه چیقور مه قدار و لنه عاقل دیر لرو دقیقه په متفطن
 اولما نلرک اغراضانی چوق اصفا اولمز دیر ایدی بعد الانهرام قیودان كنهان
 پاشا یانده اولان کیلر ايله بعض خصوص اچون قوالیه طوغری کتمشیدی
 سیدی احمد پاشا مکمل قیو سیله سلسله ده متوجه ایدی ویزه قریب ده دو نهای
 همایونك انهرامی خبری کندویه و اصل اولیحق فرمان هما یون صدور ایتمک سزین مرتب
 عسکر لیه بو غاز طرفنه عطف عنان مراجعت و کلید البحر قلعه سی محافظه سنه
 مسارعت ایدوب اول سمتلر ده یا لیلر ده اولان غارت اچون کیلر دن چیقان كفاری
 بر قاج دفعه باصوب کله واسیوالدینی خبری پادشاه عالمینه حضرت لریك مسجوعی
 اولد قده بو دلیر نه حرکتی منظور عین و تحسین اولوب سمور کور ک و مجو هر شمشیر
 گوندیر یلوب خدمت محافظه ده اوله سن دیو نثیمه بیور لدی صدر اعظم یینی یارلی
 محمد پاشا نك آستانه سعاده کلد و کیدر شام شریفه مشار الیه مهر همایون وصول
 بولد قده منزل بمنزل آهسته آهسته حلبه کلدی سابقا دیار بکر ده بر مقبول باز رکان
 قوت اولوب حسنا لردن بر خا تونی و اول خا تون دن بر اوغلی قالد قده محمد پاشا مالنه
 و حسننه رغبه و اخا تور تروچ ایدوب حلبه کتور مشیدی اول جهنله حلبه بر ملاک
 خانه سی بر مقتدر علاقه سی واریدی حنی اول زوج آخردن اولان اوغلنه یونی یارلی

مشرقیه وزیرزاده علی بیگ دیرلر ایدی بیگ یوزحدودینه دك صاع ایدی حکام ایشلرلای
بولمغه قادر اعراب و ترکان ایله محتاط و کارکن اربو حریف ایدی حله اید بر مقدار علاقه سی
اولمغه برقاچگون اکلنوب عرض احشام وزارت اییدی ویدی سکر سینه دن برو ضرب
هست و قهر ایله یکی ایل و بوده لغنی مستقل ضبط ایدن ابازه حسن اغایی کتوروب روی
النفات کوستروب دیار بکر ایالتی ایله سرافراز و ترکان اغایی پنجه استقلاللندن خلاص
ایده میوب بالضرور ابازه حسنک کتخداسی اولان حریفه توجیه ایلیوب بعض عقلا اعتراض
ایدوب بهی سلطانم دست تسلطندن ترکان اغایی قورتارمق قابل اولیان شخصه
دیاربکر منعمینی ویرمک معقول دکلدر دینلره سز بیلر سز ابازه ایشه پرا آدم در رتبه ایالتنه
قائل اولدقدن صکره فرمان پادشاهی یه مخالفت ایلر دیر اییدی لکن در وشنه و نیتندن ایشیر
پاشدان برووزرا مقاملر نه ثابت اولمیوب بر بهانه ایله عزل و اعدام اولنورلر کندوسی ابازه
حسنی قوله اولوب اناطولیده برنامدار جمعیت صاحبی آدمی اولمقدن پنجه کز لوفان ملاحظه
ایتمشیدی لکن برینه بر صورت ویره میوب حرمان ایله ذلیل اولدی الحاصل حلبدن
قالقوب پیرانه حرکت ایله طی مراحل ایده رک ماه رمضان المبارکک اون برنجی کونی آستانه
سعادت واصل و قانون قدیم اوزن انواع توقیر و تعظیم ایله النفات پادشاهی یه نائل اولوب
حله اید ابازه حسن اغاییه توجیه ایندوکی دیار بکر ایالتی و کتخداسنه ترکان اغایی معروض
دکاب شهر یاری ایلد کک قبوله قرین و سفید پیورلیدی و شام شریف مصر دن معزول
خاصکی وزیر محمد پاشایه توجیه اولندی رمضان شریفک نصفه ککلار ایدرون کتخداسی
جعفر اغاییوچی با شایلی ایله چیقوب خاص اوطه لی بر ریاشی صالح اغا ککلار کتخداسی اولدی
قتل میر علم برقاچگون مقدم میر علمک منصبی ایله حرم مختر مدن اخراج سیور بلان در بند
غلامی مصطفی اغایام وقعه ده استقیایله کوریشوب سرای همایون اسرارینه مقلق
بعض نامعقول کلماتی اول ازاله افشاء تعلیم فساد ایتدوکی تمثیله مغضوبیا قتل اولنوب
ایچ کیلار کتخد الغندن قیوچی با شایلی ایله جمقان جعفر اغاماه مزبورک اون سکر ککونی
میر علم اولدی استیلای وندیک با وزجه آطه جزیره مزبور ده خلد اشیان مرحوم ابو الفتح
سلطان محمد خان حضرت نلرینک همت ملوکانه سیله معمور و آبادان و اول زماندن بروما وای
جند اهل ایمان اولوب حربی کیملردن فرار ایدن سفاین اسلامییه لیماننه الحجا ایدوب
نجات یلوردی کفار و نماسی ذکر اولندیغی اوزن قوت عظیم بولدقدن صکره طوغری
جزیره مزبوریه واروب محاصره ایتدیلر محافظه سنه مأمور اولان وزیر احمد پاشا طمع خام
بلا سیله مقدم اوزار باب تیماری حقلیوب بر ریم سا نه ایله اذن ویروب عسکری
طاغتمشیدی یرو قوللرینک مواجی دخی قرشو سنه ییغاسمتمه اولان محاصره دن معین
ایدی دعای کوی نامنه اولان برالای صورت اوغریسی بطال لک علوفه سیله مقاطعه
مالا مال اولوب محاصره یی تعهد ایدن ملتر ملری دعا کویان هجوملری قاجروب محاصره
مهطل قالوب اجنبی الننه دوستوب حاصلی اطرافدن اکل و باع اولمغه بوزجه آطه ده
اولان یرو قوللرینک بر قاج سنه لک مواجی معطل و مضحک اولمشیدی چونکه جزیره

مستخفطنلرندن و مهمات و ذخایر دن خالی بولندیغی و بعد المحاصره بر طریقله امداد دخی
ممکن دکل محاصره نک طقوزنجی کونیکه ماه رمضانک یکریمی برنجی کونیدر امان ایله اولحصار
نامدار دست استیلای کفار کرفتار اولد یغنک خبری کلوب اهل اسلامی سوخته
آتش احزان ایدوب دینه محنت دیدن لرندن اشک خون آلود روان اولدی الله وانا
الیه راجعون عزل و نفی و قتل خواجه زاده مسعود افندی و ظهور تبدیلات و تغییرات
خواجه مسعود افندی متکلم و جهور اولمغه قاضی عسکر لکری وقتند وزیرانک نامعقول
حرکتلرینه اعتراض ایدوب شویله اولمق معقولدر دیو دیوانلر ده و مشورت مجلسلرندن
صورتی در یغ ایتیمیوب بیروا حق سوزیلر دیو شهرت بولدیغی ایچون دولتمو والد سلطان
حضرت نلرینک و شوکتلو پادشاه عالمپناه حضرت نلرینک نظر التفاتلرینه مظهر اولمشیدی
صدر اعظم کورچی محمد پاشا ایله محاور لری و حد دن خارج مجادله لری یو قاروده تحیر
اولتمشیدی ابوسعید افندی و سا طمیله ایشیر پاشا وزیر اولدقدن مسعود افندی یه
چندان رغبت اولتمغه مکدر اولوب مراد پاشا ایله و اوجاق خلقی ایله کز لوجه اختلاط
ایردی مراد پاشا و زیر اولدقدن محسب الظاهر استحقاقی نمایان و اندرون اغالرینک
محبت و انجذابی اقتضاسیله حسام زاده مفتی اولوب مسعود افندی یه منسی قالمغه
دخی زیاده مغیر الخاطر اولمشیدی چنار وقعه سنه بعض سوز صاحبیلرله کز لوجه معامله سی
اولمغین عسکر طلبی ایله مفتی اولمشیدی واسکی خاطر مانده لکنی اوئند روب عسکر
طلبیله نصب اولتمشیدی اول تمتمدن تطهیر ذیل اتمک ایچون طرف سلطنته صد اقله
تمخص ایدوب میدان زوربارلرینک ازاله سنه کرچکدن سعی و همت یتیمشیدی بو خصوصه
ظهوره ککن خدمتی موافق طبع همایون شهر یاری اولوب شهید سعید سلطان عثمان
حضرت نلرینک خواجه سی عمر افندی سابقا نائل اولدیغی سیواس اقلانلرندن اون
بیگ غروشلق خاص کندویه احسان پیورلمغه سائر مشایخ اسلامدن زیاده مظهر اکرام
اولوب اوضاع کدشته سندن انماض عیش شکله مساحه اولتمشیدی مسعود افندی ک
صورت طسار ده دعواسی امور دوائی تصحیح و احوال عالمک نظامنه اهتمام اییدی لکن
درونی غرضدن خالی اولمیوب دولت دنیا یه و تعین تحصیلنه حرص زیاده اولمغه هر
خصوصه سوز نیم اولسون و طرف سلطنته کسنه تقرب ایتیمسون حل و عقد و عزل
و نصب نیم رأیله اولسون دیوب ذن قدر مرادینه مخالف حس ایتدیکی آدمی جروب
و شتوم ایله عرضتی ییقوب ممکن ایسه قتلنه دك سعی ایدردی جمله ارکان دولت
لسانندن خوف ایدوب ضروری مدارا ایدرلر دیو سیاوش پاشا فوئنه مهر شریفی بونی
یانلی محمد پاشایه کوندلر مکده کندوسی معقول کوروب بر ساده دل ترکان آد میسیدر
اصلانه در دولته خدمتکار لغله ککله عزت نفس دعواسندن خالی بر بیوعه عیفا الخالد
ایستدیک کی زیر تحکمه آلوب فتق و رتق امور ده دلخواه اوزره مستقل اولمق ملاحظه سنه
ذاهب اولدی اما وزیر اعظم کدک افندی حضرت نلرینک مطمع نظری اولان معامله یی
ایتیمیوب تحصیل و استقلال ادعاسنده اولدیغندن ماعد افندی یی استقلال ایدوب

امورنده محرمانه استشاره ایتیموب حضور همایونه بلیکتر کیدوب گلد بنگدن افندی
 یه حضور اولوب یوادی یا کلس سوق ایتیموب بومر کرک رجلی دکلد بر غیر ادم تدارک
 اقتضا ایدی دیوارکان دولتدن اولان همرازلی ایل سو باشوب نهانی والدیه سلطان
 حضور تلپینه خبر کوندردی اسکیدن اولان ماجراسی ایسه دنور فراموش اولنماغله
 کلامنه وجود ویرلیوب یوادی کند ولر تعریف ایتدی و موجب عزله نه جرمی وار کفار
 احوالی بویه دولتک ضرورت واختلالی معلوم بویه وقتله بلا جرم ایکی کوند بر وزیر
 تبدیل اولنق ضررینی ملاحظه ایتدن نچون بویه خام فکره ذاهب اولور لرد یو قطعی
 جواب ویرلیوب کلامنه رغبت اولنمدهی العهد علی الراوی و جیمهنگ وعزیز افندی
 ماعدا ضبط وقایع ایدنلرک تقریری اوزن مسعود افندی یو مغلوبه صبر ایدم یوبوب
 جسارت جبلت مقتضای سنجه فکر قاسم ذاهب اولوب قائم مقام ملقندن معزول حیدر
 اغا زاده ایل کرم الفنی اولغله انکله مشورت ایدوب یو معتوهی بحسب الضرور
 سوق ایدنلرک شمدی ایا غزالمه سعی اید یو جانب سلطنته نصیحت خیری کوندردک
 دکندی کفار بوزجه اطه پی آلدی شمد نصکره یو وضعه کون استنا بوله کلور
 مصاحبت وقت بودرکه اوجاغی تحریک ایل سلطان سلیمان اجلاس ایلله لم سن وزیر اول
 عالمک نظامنه معاسی ایدنلرک دیش اول احق دخی وزارت ارزوسیله بو طمع خامه وجود
 ویروب زوربارک از الهی ماده سنده خدمت ایدن کتد ایلک کچه جی اوغله و او جاقندن
 بعض متعین احقره کشف راز ایدوب اوجاق خلقی تحریک مراد ایتیموب اوله یوار القه
 سلطان سلیمان والد سئک کتخداسی اولان قره علی اغا و قره جلی زاده ابو الفضل مجود
 افندی ضر حومک کتخداسی ابناء سپاهیاندن دیگر علی اغا که مفتی افندی هوادارلندن
 ایدی لری فاسق تدبیرده متفق اولمش اوله لرا کرا واقع اگر غیر واقع یو خبری وزیر اعظم کرا وجه
 پادشاه عالمپناه حضور تلپینه و والد سلطان اعلام ایدنلرک مسعود افندی کماجرای
 سابقه سی وحیدر اغا زاده اول ذکر اولنان اشخاص ایلله اتحادی و وزیرک عزلی مراد
 ایدوب سوزی نافذ اولدی یغندن متا لم اولسی وزیرک کلامنی تصدیق ایدوب اول
 ساعت دیار بکر قضاسی نامیه نفینه خط همایون تحریک یورلدی ماه رمضانک یکریمی
 پیشخی کونی سنه ان پاشا کوشکنده مشورت واردردیو مفتی افندی یه جانب دولتدن
 آدم واروب اغرا ایلله دعوت اولندی کلدیکی ساعت پادشاه و وزیر کوره میوبوب
 بوستانجی یاشی معرفتیه بر قایغه وضع ویش الی نفر بوستانجی ایلله بروسه یه نفی اولندی
 وزیر اعظم عرضیه مشیخت اسلامیه روم ایل قاضی عسکر بنگدن معزول حنفی افندی یه
 توجیه اولندی بچاره مسعود افندی اهانتیه عزیز افندی یه توجیه ایلدی یکی
 مدانیه اریه لغنه یکتا باشیله چیقوب یانلده بو ستانجیلردن غیر آدم و خد متکار
 یوق ایدی مدانیه نائی بار کزین ویروب بروسه یه یو لادی کلوب بروسه ده معالی زاده لک
 پانجه سنه نزول ایدوب مقدم پادشاه حجه و والد سلطان حضور تلری طرفندن مظهر
 اولدی اکرام والتفاتیه مغروراکاه ابوسعید افندی کبی مصراع نازیر و دو صائم من بکا

هجرات بکا مضمونی اوزن بزمیه بویه معامله ندن اقتضا ایلدی جرمنر نفحص اولنن اعدام
 افترا سینه وجود ویرلیک لایقیمیدردیو عدم امتثال صورتی کوستردی کا هیجه غلبه واهمه
 ایلله بکون اول دیار بکره کیده لم اعدامر اسناد دخی ایتیموبلردی اول ائشاده یوللر سیدی
 احمد پاشاک و ابازده حسن اغا ناک لونداتی بقیه سندن خوف اولغین کند وینی دیار بکره ایصال
 ایچون بروسه ده بر بیراق سکبان یازمغه شروع ایلدی عاجلا دیار بکره متوجه اولوب
 بروسه ده کلنسون دیو امر شریف ایلله عقب سنجه بر چاوش کلش ایدی کور یلی وقتله قتل
 اولنان صدرالدین زاده روح الله افندی اول وقتله بروسه قاضیسی ایتیموب چاوش امر شریفی
 منلا یه تبلیغ ایتدک ملا افندی کما مکر مسعود افندی یه خاطر مانده لفی واریش طرف
 دولتدن سپارش احوال واریوللر مخوفد رلوندات یازوب تدارک کن کوروب کماک اوزن در
 دیو نوعا عوق و تأخیرینه نامیچ ایدر بر عرض یازوب چاوش ایلله آستانه سعاده کوندردک
 وزیر اعظم عرضی الوب حضور همایونه واروب استنده دیار بکره کتیمز ایتیموب لوندات
 جمع ایدر مشیخ بوطرفه اولان هوادارلرینک فتنه ایقناظ ایتمه لرینه منتظر در دیو مدعاسنی
 تقریر ایتیموب دریای غضب شهر یاری خروش ایدوب فرمان اولوالامره اطاعت ایتیموب
 عسکر جمعه مشغول اولغین قتل اولنه دیو خط همایون صادر اولغله صدر اعظم بواسطوب
 ایلله آستانه سعاده اولان سائر معینلرینی دخی ازاله یه خط مشریف تحصیل ایلدی
 بروسه منلا سینه خطا با قتل ایچون تکرار امر شریف تحریر و مباشریدیله ارسال
 اولنوب اکردیار بکره عزیمت ایدر بروسه دن برقوناق چقدوغی منزلده
 قتل ایدن سن اکر بر قچکون اکماک احتمال واریسه بولدوغک یرده ازاله ایدن سن دیو یورلش
 ایدی بروسه خلقنک بعض استیملرندن منقولدر قاضی صدرالدین زاده بر مسیره ده ایدی
 چاوش کلوب خلونده تبلیغ فرمان ایلدک اخفا ایدوب وقت عصره دک عالمده اولوب علی
 العاده مجلس محبتی تکمیل ایدوب محکمه سنه کلش اول ولایت محکمه خد متنه اولان
 شکار یلری خفیه احضار ایلش بعد الغروب نائی و بعض کسینه لری قوشوب اجرای
 فرمان ایچون کوندردمش مسعود افندی ایسه معالی زاده ناک اطرافه ناظر مرتفع کوشکنده
 ساده عر قچن ایلله اوتوردمش میوه تناول ایدوب صاحب خانه ایلله احواله متعلق سوز
 سو باشور ایش شوالک اون برچی کچه سی وقت عشاءه اور تالق نور قریله روشن صاحب
 خانه پیچره دن خلاف معتاد وافر اشخاص مشاهد ایدوب اصلی نه اوله دیو طشره یه چیمبر
 کوررکه منزلی دایر امدادار قوشاوب نائب افندی و صوباشی و غیر بر قاج آدم ایچر و کیر مشر
 قضیه یی صاحب خانه یه افاده ایدر لر مسعود افندی خیاللیوب پیچره دن طشره یه نظر
 ایدوب خانه ناک اطرافه صف چکن مسلح بر امانلری کوردک خردده یی طویار کندوسی
 نفسنده بهادر زور بازو صاحب آدم اولغله بر معتبر قایچی وار ایدی داغایانندن اکسک
 ایتیموبی همان هول جان ایلله دال قاج اولوب یو حر یفلر کلدرد کچه ایلله بوندنه ارارلر
 میر صاحب خانه کلسون دیو نعره اورمغه باشلیدی صاحب خانه بر کوشه یه چکلوب
 یوز کوسترمدی افندی مهلوان واری النده قایح خوف موت ایلله جمله ایدر مباشرلر

قورقو لرندن هجوم ايله ميوب تردد کوستر ديلر هاله شکاری خيشتلرينك چسورلرندن
برقاجي اولطه ايچنه کيروب يا صدف قوروسا تربساط مقوله سي اشيا القايد رک سپرلنه رک
بردن هجوم ايدوب بر معرکه رستم نه قويا ديلر که افندينك ضربندن برقاجنك کله سي
زحدر اولدق دن صکره هزارو روزار ايله اخدايدوب کارين تمام ايتديلر عزيز افندي
مرحوم دیر که مسعود افندي کرچه نصاب عقل وشعور دن دور اولديغی جهت دن
خدمت لازمه سي اوليان امور مدخله ايدوب کندويي قيده مبتلا ايتد يکندن ماعدا
سرکار ده اولان وکلای دولته تحکيميله حضور و راحت ويرمد کيچون جمله سي مقام انتقام ده
قيام ومسند ندن ازاله امر نه سعی واهتمام ايدوب قتل ايتد رنجينه دک چالشديلر نکلن
اسناد اوليان اجلاس سندن بی خبر وبری الساحة اولوب محض افترا ايدوکنه شاک
يوقدر زمره علمادن برآمد مکبر سلطان ذی شان حضر نلرينك همی ايله رياست علما
رتبه سنه اعتلايدوب همت احسان والتفاتيه مظهر واول دولته من کل الوجوه موقر
ايکن وزاسنده انکيچون دخيه کوبه رجاومبغاوارد که شاکم حاشا کافر النعم اولمق لعنندن
تجاشي ايتيوب خسرو الدنيا والاخره اولمغه رضا ويره نهايت بی جرم وبی گناه دفتر دار محمد
پاشا کی عالم غار فروع ودي ویکيچری اغاستی ودخی برقاج کسنه لری ناحق يره قتل
ايتد رمکه کندوسي عله مستغله اولوب بشر القاتل بالقتل مضمون شريفی اوزن شمشیر
انتقام ايله مجازات اولمق موافق ارادت الهیه اولمغن ترتيب جزای اعمالی واقع وغير واقع
يوقوله اسباب ظاهريه مبهتلا اولدی ان قتل قتل وسيمقتل قاتلک مضمونی اوزن ناحق
يره قتل نفس ایدن مقتول اولورانی دخي قتل ایدن مقتول اولور حکمت ربانيه و ارادت
ازليه بويله جاری اوله کلسن در نهايت شوقدر واکه مرحوم مسعود افندي التزام مالایلم
شکله کواکيل خلق عالم اولوب خدمت و صافقرا و علما کيچر جوړو ستمندن زحدر ايدیلر
الکرين اوپه کلدیکی کباری نفی واجلا ايله تحقیر ايتکی اقتضای ردی صغیر وکبيره باب
لطف و مرحمتی سدا ايتشیدي مقریان سلطنت ايله مدارا ناطف ستمی بالکلیه ترک ايدوب
وکلای سلطنت ايله تحکم بولندن معامله ایدر لدی ارباب حاجات و متظلمین شکایت ایچون
وقت مخصوص تعیین ايدوب عرض حاللری قرأت ایچون وزرایه تقلید تذکره جی
نصب ايتشیدي ونجه زماندن بروختل النظام اولان طریق علی زنجیه اصلاح قصديله
اربابی مطلبلرندن نزیل و مطمح تطری سلیمانيه اولان مد مغ مدرس افنديلری
زوایاسنده کورسه خیره یورما دقلری وپایه سی الحق مولوتلر توجیهی ايله تحقیر
وتذلیل ايتشیدي وبر آدم حقنه قلبنده مضمرا اولان شرق قصدی قبل الوقوع اظهار
ايدوب یهوده اوضاع ايله خلقي کندیوه دشمن قاش ایدی دولت دنیا حریصلری
اولان غدار لر عاقبت فرصت بولوب بی چار بی تیغ غدار ايله تاف ايتد ریلر کریمی عیمرب
رحیم مأمولر که برات ذمتی بی رحم جلادلر دن کوردکی خورلق وذلتي باعث عفو خطا وذل
اولوب شرف شهرت ايله سیئانی هففور وپوم اخیر الوای سلطان دشت کربلا ده محشور
اوله وسیع عالم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون مقتضای طبیعتی اولان اسباب و احشام

تدارکنه اه تمام اوزن اولان برقاج کون بروسه ده توقی استند اد غضب شهر یاری به سبب
اولوب یا بلا امهال امتثال فرمانه استبحال ایسون یا خود قتل اولسون دیو فرمان بی
درمان صادر اولمش کرچه ایکی صورته دخي تخلص کریمان جانه امکان یوغمیش
لکن مهربال بروسه دن قالدیوب بر تنه ایدر حکم یرین یولق ممکن ایکن صوباشی عسکری
حواله اولتوب اذیت کونا کون ايله قتل ايتد کد نصکره قطع طریق ایدن اشرا و اشقیایکی
جسدنی سر وپار هغه یکتا کفن ايله خارج شهر ده مذبله مذلت اوزن القا ایتک رضای
الهی و فرمان پادشاهی به مخالف وضع قبیح ایدیکی مقرر در حتی روز دیگر نعشی اوزرینه
وضع ایدر جلک دلبند بولمیب فخرای اشرفیه دن بر مسلمان باشی اوزرینه اولان دستارن
اعاده ایتدیکی ثروت و احشامه مفتون اصحاب یسمان اعتبار اولمغه صالحدر رتبه
مشيخت اسلامیه ده اولنره دکل احاد امتدن برینه بویلر اذیت و اهانت ناز و ایلدوکی اهل
انصافه هویدا در منصب فتوی صاحب لری اون سنه دن برونفی واجلا مرتبه سی پید اولمش
ایکن حالا قتل و افکار تبه سی دخي علا و اولدیفی داغ بر بالای داغ اولمش در مصیبت دخي
اولدیر که نوبت دولت ابراهیم خایه بیگ للی ایکی سنه سنه مرحوم مسعود افندي بروسه
قاضیسی ایکن برقاج محدث کنیسه یی هدم ایتدیکی ایچون وزیر اعظم قره مصطفی پاشا
طرفندن عزل و انواع ستمه مظهر اولوب تعا و نواعی البر والتقوی فرمان جلیل الشانه
امثالاً بوعلمه اکامعین اولان بروسه علماسی واعیان تفتیشی ايله ازعاج و ترتیب جزایچون
کند و وطنلرندن استانبوله اخراج ایتد قاری محندن مفصلایا زاشد مجسم تقدیر و نقش
تقریبینه بروسه ده مظهر و ایدوب بی چار نه یدزدن مظهر اهانت و تحقیر اولدوغن محاذیل
مشرکین کوروب اظهار سرور و بشاشت ایدر رک قولاً و فعلاً ستملری ايله اهل اسلامی مجروح
القلب و مبتلای ماتم ایتشلر در غسل و تجهیزینه حاضر اولان ثقات دن مسموعدر اول فقیرک
خاک مرآت اوزن یا تدوخی احوالی تماشایه کلان کفره صلوات شهید ثوابی قصدی ايله
واران مسلمانلرک ضعف مرتبه سی ایش فرمان بی درمان ايله کاری تمام اولدی
اول کیجه مسکننده یا توب ایتسی امر تجیز و نکفینی اتمام اولوب کفره لنامه در عالم کبیره
صلای عام صلواته اولمغه خود حکم سلطانی به مخالفت و مسلمانلرک رسمه مفارقت یغیدی
یومار خطیر ده تقصیر ایدر کائناتن کان دیناده مهان و آخرته مظهر سخط رحمان اولوب
عاجلاً مأمولندن خرمان ايله افتاده خاک خذلان اولدیفی مقرر در بیت چوبد کردی
مشوا یمن زلفات یدی زاید بوداخر مکافات یو محله کلجه عزیز افندي مرحوم کتقریریدر
مقتضای حکمت الهیه بروسه قاضیسی بولنان صدرالدین زاده روح الله افندي چوق
یکمدین بو وضع ناپسندک مجازاتنه مبتلا اولوب مسعود افندي شک بد دعاسی یرین اولوب
کوپریل محمد پاشا وقتنده سیف غدار ايله قتل اولمش ایدی شنه کم تفصیل استاغیده کلسه
کرکدر چون وزیر اعظم مفتی افندي بی دفع ایدوب استقلال پیدا ایدی ایتسی رمضانک
یکرمی برنجی کوننده روم ایل قاضی عسکری کمال افندي زاده وانا طولی قاضی عسکری
انقره وی اسعد افندي بی عزل ایتد پروب روم ایلنی شعبان افندي به وانا طولی بولوی

مصطفی افندی به توجیه اولندی قبودانلی منصبی امری اول کون یوغازحصاری
محافظه سنه اولان سلسله والیسی سیدی احمد پاشایه کوندر یلوب یوغازده محترق
اولان کفار یور تونلرینک ویزم کیلرک قهر در یاده کی التیموز قیدر از در مثالی طوبی برینی
اخراج بیل اموال و عمل مانده اولنلری ریخته "قالب تجدد ایتیک ایچون استانبوله آدم
ارسال ایدوب موجود کیلر ایل خدمت محافظه بی اتمامه صرف همت اوزن ننبیه اولندی
وقبودان سابق کنعان پاشا حقینده حکم سیاست اجرالولنیوب باری عامه خلقی اسکات
والسنه طبعن واعتراض قطعی ایچون نفی و حبس و موأخذنه لازم ایکن اصلان قدر عتابه
بیل مظهر اولیوب حامی و مرید اعلانیله و صدر اعظم طرفنه اللی کیسه قدر تقود سر بهر
تسلیم ایتیکله خجیه عظیمه سی نهانی مسکوت عتقاقلند یغندن غیر ایبریوز محافظه سی
نامیه اول دیار اهلالیسی اوزرینه تسلیم او لندغی و عقلای عصری مبهوت و متعیر ایشدر
یوندن اقدام بوزجه اطه محافظه سنه اولان احمد پاشا زعمای ارباب بیماری حقلیوب جزیره یی
قلیه و کفار تسلیم ایتیکله علت مستقله اولش ایکن بحکم الجنسیه علت الصیم قبودان
پاشانک زیر حمایه سنه اولغله اکادخی چین چین عتاب کوستر مد بکی دخی افج مساجحه در
دیوخیرواها دولت سوخته آتش غیرت اولشدر عبیدی پاشا ایل ییک یوزا و اخرنده ساقز
محافظه سنه کیدر کن بوزجه اطه ده حکمتلری ایل مشرف اولدق فی شوال المکرم تبدیل
دفتر دار صدر اعظم حضر نلری هر حال دفتر دار کند و آدمز اولغله محتاجدر دیوب ماه
شوال اولنده صاری علی افندی یی معزول ایدوب کند و قانی صاج باغی لقب محمد پاشای
دفتر دار ایلدی آستانه ده حیدر اغازاده و غیر نلرک موأخذنه و قتل صدر اعظم حضر نلری
مفتی افندی که مسعود افندی رقتل ایچون خط همایون الدقه آستانه ده انک هوادارغی ایل
متهم اولانلرک دخی جرالربن ترتیب ایچون خط همایون الوب مرخص اولش ایدی
قام مقاملقدن معزول وزیر حیدر اغازاده محمد پاشایه سیدی احمد پاشادن منحل اولان
سلسله منصبی توجیه ایدوب تقریس مرضی ایل اسیر فراش ایکن چفتلکند بر قاج
کون اکنوب تدارکن کورسون دیوا و لکون شهر دن اخراج ایلدی اولدخی سلوریده اولان
چفتلکند اکنوب تدارک قیدنده ایکن در عقب بوستانچی باشی ایریشوب کله سنی قطع
و درگاه عالی یه ایضال ایلدی جسمد یحلال سلوریده مرناسه نظر مرقدده مدفوندر شهر زاده ثانی
سلطان سلیمان والد سنک کتخداسی علی اغانک و سپاهیان قره چلی زاده محمدا افندی
کتخداسی دیگر علی اغانک ذکر اولنان تهمت ایچون بوینلری اوریاوب مفتی افندی یه حیدر
اغازاده آخرت رفیق اولدیلملک احمد پاشا و اندن معزول سراننده او تروپ حدوت فتنه
انتظاردن خالی دکل ایدی حیدر اغازاده نک قتلند نصبره سلسله منصبی که توجیه اولوب
ایرتسی کون منصبینه کتک اوزن استانبولدن اخراج ایتدیلمر تهمت سابقه ده مشترک اولان
کتخدای یکجیران کیجه جی زاده محمد اغانی دخی و زیر اعظم قتل مراد ایتد کیه قره حسن زاده
حسین اغا صاحب چیقوب سعادت و الوالد سلطان حضر نلرینه خبر کوندر بر ایشه یار
آدمدر دولته از خدمت ایتدی نفی ایل اکتفالونق معقولدر دولت خدمت ایلدن ایل

۸۹ یوله حرکت ایدن آدمی اولور اولر تهمت ایل قتل ایتیک کارکنلرک خوفنه و اظهار هنر ده
تقصیر ایلرینه سببدر دیور جایتمکین میخایله اولان چفتلکند نفی ایله مقهور و انده خائف
توق و اقامتله مأمور اولوب اشچی علی اغا کتخدایک اولدی پادشاه عالمینه حضر نلری
کسب هوا و تبدیل نشوونما ایچون خواص مقربین ایل ماه شوالک اونی کونی اسکدار
باچچه سنه نقل اولشدر ایدی ترسانه عامره امینی خضم مجد اغا دونما تدارکنده
تقصیرات تهمینه مقدمه محبس اولنق فرمان اولشیدی وزیر اعظم محاسبه سن کوروب
خیانتی ظاهر اولشیدی و بوستانچیلردن باش یازمی چنار وقعه سنه فرار و اختفا
ایدن مقبول اغارک موضع لرینی تجسس ایدوب اوزرینه لازم دکل ایکن اراذله خبر و یردیکی
تهمینه اخذ اولش ایدی و قبائل ترکان سرکش لرندن الحاحی احمد اوغلی نام کسنه نک
و جوب قتل صدر اعظم ناخیم ایتشیدی پادشاه عالمینه حضر نلری ترسانه یه
نقل یورد قلری کون ذکر اولنان اوج کسنه نک حضور همایونده بیونلری اوریاوب
اجرای سیاست ایل قلوب عوامه رعب القاولندی شوال و اخرنده چوقدار شهر یاری
حافظی مصطفی اغا حسن و اختیار اولغین ایتکیوزاللی اچه تقاعد وظیفه و تعییناتی
ایل حرم محترم مدن اخراج اولندی معن زاده حسین بکک اچیلکله هنده کتدو کیدر اوائل
ذی القعدة ده هند الحیسی قائم بیگ هند ستانه کتک استنیدانی ایچون اسکدار باچچه سنه محمد
پاشا کوشکنده یایه سریر اعلا یه روی مال ایدوب خلعت کیوب مأذون اولدی کتور دیکی
نامه نک جوانی ایل شاه هنده کیده جک هدیه همایون درگاه عالی قیوچی باشی لرندن الحی تعیین
اولنان معن زاده حسین اغایه تسلیم اولنوب اکادخی باچچه مزبورده حضور پادشاهیده خلعت
کیدر دیلر هدیه ملو کانه همایوندر که ذکر اولنور یکپان کبیر زردلی بر قطعه صور غوج و دورت
رأس کیلان اتلر اوچی سر اسرچوللر ایل و بری جواهر رخت و مرصع اکسه لک و مرصع
اکر و مرصع اوزنکی و التون زنجیر و انجولی عبایی ایله مزین و مکمل ایدی مزبور قائم بیگ
حلب یولندن کتک اوزن مقدم یولنوب بعده معن زاده حسین بیک دیا بکریولندن روان
اولوب بصره ده ملاقات اولوب معاهد ستانه کتک اوزن قرار ویشلر ایدی استیلای
کفره مجزیره لمنی کتب متقدمینه جزیره ملنوز اسمیه موسوم و خاک پاک طین مختوم
اولوب دانه سی یوز یکرمی میل و عیون جاریه سی مانند چیخون و نیل اولوب لمنی
اطه سیمکه مزارع و افریقی حد دن افزون و قراوضیاع پر انتفاع حیطة و نصف و تعبیردن
پیر و ن ایدی مقدمه یوز سنه اول جزیره آرامگاه مشرکین اولمش ایکن تقریباً تاریخ
هجرتک التیموز سنه سی حد و نده بعض اسبابله مخاذیل فرنک اول جزیره یی بو شال دوب
ایکیوز سنه دن زیاده مدت خالی طور و ب قورسان یتاغی اولمشیکن مرحوم و مغفور له
ابوالفتح سلطان محمد حضر تلرینک فرمان همایونلری اوزن آبادان قیلنوب طوب و تفننک
و مردان حرب و جنگ ایله معمر بر حصن حصین ایجاد و نکوین اولنوب اولوقلقدن بروم سکن
اهل اسلام و منتفع بهار جزیره ایدی و نیک دو نماسی بوزجه اطه یی نسخیر ایلد کد نصبره
لمنی جزیره سنه واروب قلعه سنی محاصره ایلد یلر دونما نرماندن ناشی غجه ایام بی تحاشی

طوب دانه لری زیر و بالا دن سکان حصار اوز زینه یا غدیر و ب بچار لری عذاب نان
 کرفتار ایلدیلر اگر چه قیودان پاشا بر قاج دفعه کلیمولی قایقاری ایله عسکر ار سال ایدوب
 قره دن حصان هجوم ایدن ملا عینی ایکی اوج کره ضرب شمشیر قهر کین ایلدی بو خصوصه
 بذل مال ایله دامن حصار دن طرف دو بعا دو نیجه یو زینک بی دینک خرمن خیاتی بر باد
 ایتدیلر لکن واروش حصا ری ملا عین فر نک بیجه سنده کرفتار اولوب ایچ حصار نده اولان
 صحر نجبه آتش عطش تسکین ایدم جک صوقا لیوب و قلعه نک بر دیواری صدمه طوب
 ایله خراب اولغین مد افعه و مقاومته مجال اولیوب ایام محاصره نک اون طقوزنجی کونی
 امان ایله ایچ قلعه دخی قبضه استیلا ی اعدایه داخل اولدی نفایس اموال بی حسابدن
 ماعدایو زالی بیك قدر قیون و نقود نامعد و ددن غیری یا لکرانک سردار بکیریان اولان
 شخصک التمش بیك قدر ریال غروشی یغما کران فر نک الله ده شوب استیمان ایدن
 مسلمانلری ستر عورت ایدم جک مرتبه لبا سیله اخراج ایتدیلر فی اوائل ذی الحجه
 طین محتومک احوالی بو محله مناسب ایراد اولغین تحریر اولغینشیدی تذکره داود ده
 دیرکه اول جزیره ده ارطیمیس نامنه بر سر راهب و ار ایدی جزیره خلقندن بر نک ایاضی
 مشکست اولوب اول طینک منبعی یانه دو شمش راهب اول شخصک ایاضه طین
 معهود دن طلا ایتیمکله بامر الله تعالی زمان قلیل افاقت بولمش راهب مزبور اول موضع
 بر صومعه و بر هیکل مخصوصه یا یوب بو طین ایله انواع امراضه دوا یاش ایتدور و نک
 نسقینه لرا یله خسته لر کوب علتلرینه معالجه ایچون راهبه عدایا کتورر لایمش و هر علت
 بو طین ایله دوا اولغی راهبک سری و روحانی طن ایدرر لایمش بعد زمان راهب فوت
 اولوب اقا یبندن بر عورت اول هیکله مسعودی اولد قده اول دخی کان مرضایه طین ایله علاج
 ایدوب خاصه طینده اولدوغی شیوع بولغله طینی قرصه لرایدوب مرد اولان راهبک
 صورتیله منقوش مهر یله مهر لیوب یونان پادشاهلریه و ملوک رومه مدیه کونوب و تجاره
 بیع ایتیمکله باسلامش اول وقتک طین راهب اسمیله شهرت بولمش احوال علما ملک زاده
 افندی وقته و وقایعه دنصکره بذل مال ایله نکرار مسعود قهوانی تحمیل سودا سنده اولغین
 بروسه یه نفی و بعد مکرمه قضاسی توجیه اولنوب مجاورت ایله مأمور اولمشیدی
 دولت و حب جاه بلا سیله تحرون و مغموم آه وانین ایدره رک حلله وارد قده ترک منصب
 هیات ایدوب منزکاهی حفره خاک سیاه اولدی رحمة الله علیه یه طین محتوم احواله کله لم
 طین مزبور شهرت بولمش حتی جالینوس و حکمادن غیر یلر خاصه سین مشاهد ایدوب
 کتابلرینه یا زمشار در بو طین شمس اسد بر جنبه تحویل ایتدک ترشح ایله ظهور با شوالا
 وقت مخصوصه ده حاکم ولایت و اوز زینه مأمور اولان آدمرواروب ابتدا ظهور ایدن
 طین لطیفی چه قاروب جوز قدر قرصه لرایدوب مهر لیوب حفظ ایدرر بعد آستانه
 سعته کفایت مرتبه کتوروب کیلار عامر ده ده حفظ ایدرر ماعداسندن حاکم ولایت
 بولنا ندر واعیان جزیره لور لرا الحاله هنده طین محتوم اسمیله مشهور در وقتیه ابتدا
 چیقان طینک رنگی جرته مائل یاغلی شکننده لطیف و رایحه سی عطر زایه یه غالبدر

یونند نصکره چقان صفرت خفیه به مائل طینک بر مقتدر حدت وارد یونند نصکره چقان
 ووقفسر اخذ اولنسان رنگی بیاض و طعمی طوزلو و عطری قئی آزاو لورو جله سی
 نافعدر لکن ابتدا چقان خاصه عظیمه سی اولغله غایتله لطیفدر و عطری قئی
 زیاده اولور بو طینک طبیعتی ایکنی درجه ده باردو یا بسدر حمای و بانیه و طاعونه غایت
 نافعدر دمک فسادینی و حما حرار نلرینی دفع ایدرر اسهالی ونه موضع دن قان
 کیدر سه قطع ایدر و سموم قتاله یی دخی دفع ایدوب زهر تناول ایدن آدمه شافیدر
 و سوسزلنی کیدرر و طریق استعمالی صویه قویوب بر ساعت طور قدر نصکره صوبین
 اچمکدر و جرمی نئزوه قرصه و جواهر معجزه نلرینه داخل اولور لکن صوابله نصفیه
 ایدوب قومدن پاک ایتد کد نصکره جرمی دخی استعمال اولنور بد نک طشر سینه
 طلا ایتیمکله مومیا کبی اعضای مکسور یی جبر ایدر و صلابت لری کیدرر کبار و اغنیا
 بو طیندن باردافلر یا پدروب استعمال ایدرر اول بارد اقلردن صوابچمک ایام
 صیفه حرارتی قطع ایدر و طاعون و وبا و قتلرند صوبی اصلاح ایتیمکله لا نظیر در حاصلی
 قدر و قینی سیلنه جک مبارک طیندر لکن استانبولک اهل سوق عیارلری ابواب انصاری
 صمتنه برداق یاپد قلری بیاضی چاموردن طین محتومه تقلید قرصه لرایوب مهر لیوب
 اچمکله طین محتومدر دیویرر لرا نک نفی یوقدر بلکه سده کتورر ضرری وارد زیاده
 نالصل اولانی سرای عامره یه کتورر دکاریدر ابوسعید افندی یه وقعه معهوده ده کعبه
 مکرمه قضاسی امری کوندر یا یوب زوراه عزیمت اولمشلر ایدی وزیر اعظم بوینو
 یار دلی محمد پاشا حلبدن کاورکن ارکیده بولنوب استطاعت مالیهم و بدینه م یوقدر
 دیوسفر حازدن استعفا و اذن رجا ایتدکین وزیر اعظم و کالت مطلقه حسبیه کندولری
 اندر توقیف ایدوب استانبوله وصول بولد قده قضاء قدس شریف و بر هفت دن
 صکره دمشق شام حکومتیه تطیف ایتیشلر ایدی لکن حب وطن مقتضاسیجه
 مولانای مشار الیه ار کلیدن اوتیه بر خطوه حرکت ایتیمکله استانبولک اولان
 حسادتش یفلرین استیثقال ایدوب بالذات حرکت ایتیمکله اوزن قضاء قونیه منشورینی
 از ساله سبب اولدیلر لکن طرفدارلری اولان خیو خواهر وار قوتی بازویه کتوروب
 حساده غلبه ایدوب اذن عودی متضمن امر شریف اصدارینه اهتمام مالا کلام ایتیلر یله
 جانب استانبوله مسرور اعطف عنان رجعت ایدوب خانه لرنه آسوده کوشه راحت
 وامان اولدیلر انا طولی صدارتدن معزول اسعد افندی سر سام ایله فوت اولدیلر
 سوؤتد بیروزیر اعظم تدارک و تدبیردن عاجز و طمع و حرصی غالب بر یی اولغین ادخار
 مال صودا سنده و مانع مزاج لری دفع ایتیمکله غائله سنده بر نافع ایشه الی دکیوب کفارک
 بوزجه آطه و لانی یه استیلا سی خبری کلدو کی کبی شاید ملا عینک دو نماسی استانبوله
 کله دیو خوفه دوشوب استانبول حصار ینک دریا جانبده اولان دیوارینی سر اسر
 بدانه ایله اغر تمق فرمان ایلدی که اعدایه جدید و مهیب کورینه بوندن ماعد اآخور
 قیو سیله یی قلعه مایه نده باروی حصار اوز زینه مبنی اولان خانه لک دیوارینی هدم ایتدیروب

صورت اوزری اثر بنادن تخلیه اولندی اگر چه حصار اوزرنه اولان بنا را بقیل مقبول
ایش لکن کفارک بویه اسنیلای و هجومی وقتنه شروع اید جگ مصاحت دکل
ایدی استانبول خلای بوحالی کورد کیری کبی های مدد کفار استانبول ککلی احتمالی
اولسه وزیر اعظم بواشته شروع ایتزدی دیو جمله و همه تابع اولوب مال اشکی و هام گفته
خوارلر کیمی حج شریف و کیمی غیریه بهانه اید اسکدران جان آتوب اکثری اون کیسه دکر
خانه سنی و ملکنی بیک غروشته بلکه دخی نقصانه صا توب مقد حجه باش قور ترمق سوداسنه
دوشدیلر نتیجه حاله واقف عارف و خفیف المونه اولان رند طریقه بواشته اوجوز بهایله
مشرین سرایر و مکلف منزللر ایدوب حریر ص دنیا اولان قور قاقلرک قتی چوق املاک
و عقاری بووهم سبیلله یوق بهایه کندی نقل پا دشته عالمینه از اسکدر بسرائی
عامره و مشاونه و مکالمه آتش فساد کفار انا ناز دیاده و ملاک محروسه یه
تعدیلری استداد ده اولوب مقدمه و نمای هایون انکساری بعدلانی جزیره سی قبضه
گفان گرفتار اولد و غنک خبری شیوع بیلوب آق دکر یو غازی منسد اولغله ذخایر
معهقه لسی یوزجه اطه ده تا لوب در عقب اشیا زیاده بهایه چیمقوب خط و غلا عیالری
ظامرا لاین عامه خنک قلوب نه دشت دوشوب بر راجمن گفتکو عقد اولنوب
بدنه اصل وضع و حرکتند رو کلای دیات کند و اغراض فاسدن لری اجرا سنده و جمع ماله
دوشوب دو نمای و جزیره لری کفار و یرن آملر عتاب یوق اچیه سن آلوب منصب
و یرلر بک دله سی یوز الی اچیه سائرشی دخی بهایه چیمقوب خط ظهوردن غیریه
وزیر اعظم تدبیر و تدارک عاجز کفار کوردیه حصار اوزرنه اولان خانه لری یققدردی
یو کارک عاقبتی نه کونه و نه و نه منجر اوله جقدر سعادت توپاد شاهنریسه اسکدر ده
ذوق و صفاسنده احوال عالم ایله تقیدلری یوق دیواشکان سویلندیکندن مساعد
یومضمون اوزره مفصل عرضیالریازوب علمای کرام و مشایخدن و او جاقدن اختیار آدملر
ایله رکاب پاشاییه بر قاج دفعه دفعه رقع ایتزدیلر لانی جزیره سنک اندیغی خبری
کلدک بومقوله و خشت و گفتکوزاده اولوب بی غرض مسلمیندن قتی چوق کسسه اسکدره
چکوب پادشاه عالمینه حاضر نلرینه عرضیالار صوب علمافریاد و فغان ایدیلر اهما لک
عاقبتی فتنه ظهورینه منجر اولوق علا متری ظهور ایتکله پادشاه عالمینه حاضر نلری
ماء ذی القعدة ک اون اوچخی کونی سرائی عامریه تشریف ایدوب مشاونه فرمان
بیفر دیلر ماه مزینک اون بشخی کونی وزرا و علماء ارکان و اعیان جمله دعوت اولنوب یالی
کوشکده عقد مجلس مشورت اولندی هر طائفه دن اشخاص معدوده خواصه ماحق
اولوب حضور شهر یاریده تمهید اولسان مقدمات گفت و شنیدک نتیجه سی و وزیر اعظم
و اکا همراز اولنلرک رای سدیددی بوکه قراردادده اولدیکه مقدمه خواص هایونه الحاق
اولان ایدین و صارو خان سنجاقلری ایل و انا طولی و قرمان ایالتلریله بررینه لری تطیب
بیمه یلوب هرری از میر و ساقزه و استیانتکوی و سایر موضع مهمه محافظه سنه ترغیب
اولنوب اول طرفه عسکر و ذخیره سورمک ایچون بروسه و میخال و سائر لر قیوچی

باشینار سال ایلدیلر و اجداد عظاملری وقتنه اوله کلدیگی کبی ترسانه ده جمله جگد زنده
یا بیلوب بعد الیوم قلیونلر بناسی متروک قاله بومنونال اوزن اصدا فرمان لازم الامتثال
قیلندی خاص اولطه لی محمد خلیفه تاریخنده دیر که اول عقد اولنان مجلس مشورته
اندرون خزینه سندن بر مقدار مال و طشیره ده سلاطین و اعیان و ارکان و متوللر خالارینه
گون بر مقدار شی و یرلک تدبیر اولنیشیدی و اول وجهله هر کسدن امدادیه نامیهله یوز
مقدار مال جمع ایدوب لکن جمله سی یوز بیک غروشی تجا و زاتیمامکله وزیر اعظم سفرهایون
مهماتنی کاینیغی کورمک خدمتی تمهید ایدوب ایدوب اطهار عجز ایشیدی اما بومجلس
مشاونه بر مصاحت نافعه مکالمه اولنوب خواص هایون دن اخراج اولنان ایدین
وصارو خان سنجاقلری وزیر اعظم کندویه منسوب برر شخص ایتزه و یردی انا طولی
و قرمان ایالتلری کد لک مبلغ عظیم ایل بر آد مه صا تدی و کندویه سرائی عامره
طرفندن نافد انلام اولنلره عدیله بدل ایدین بر قاج راشی قیوچی ناشی ظالمترینک
شیخی الوب ذخیره و عسکر سورمکه مأمور ایتدی که اندر ده واروب عسکری ورعا یانک
ماللری الوب زیاده جه فساد پیدا سندن ایتیمام ایللر لکن پادشاه عالمینه حاضر نلری
وزیر اعظمک حرکتنی ورای و تدبیرنی بکنیموب بر اختیار و امور دیدن آد مدرد یو سوق
اولنلرک عظم و کانی احسان ایلدک کلدیگی کوندن بر طرف دولت علیه یه نفی عاید
بر مصاحت نافعه کوردیکی یوق تمهید اجلاس ایللر قدر آدمی قتل ایتزدی و مناصبه
احباب استحقاقی سوق ایتیموب منسوباتن چراغ ایتیمک سوداسندن در عقد اولنان
مجلس مشورته نکه نتیجه سی خواص هایون دن ایدین و صارو خان سنجاقلری الوب
دیدکی آد مه توجیه ایتدرمکه چیمقار دی نه قوت سجا عمله ایش کورمکه قدرتی وار
ونه زکا و فراسنده حسن تدبیر ده بهارتی و ارام سفر ایچون اولان مشاونه ده تدبیر
و حرکت بیلل می اولور دیومکدر الحال اولمشلر ایدی اولکی مشورتدن بر هفته مرورند نصکره
تکرار مجلس مشورت عقد اولنوب پادشاه عالمینه حاضر نلری بالذات سفرهایونه عزم
مقرر در بحر اورتارک مهماتی کرکی کبی ایتیمام ایتیمک کرکسن دیوزیر اعظمه مؤکد
تمنیه یورلد قیو پیو ضعیف القلب اللرین اوشدوب حصار مجلسه استعانت
صورتنه نگاه عجز ایدلرک سوزده کلوب شو کتلوو کر امتلوپاد شاهم حق تعالی
عمرود و لکیزی برد و ام ایللر اورتالغک اختلالی و عسکرک نامنصب و طلعی وقتنه سفر
ایتیمک قتی متعسدر خزینه عامره نک ایسه ضرورتی تعبیر اولنلر عزمیت هایون
مصمم اولدین صورته طرف پادشاه ایدین بروجه تقدیر کیمی بیک کیسه اچیه امداد
بیورلرک اعانه محتاجدر که کاینیغی سفر تدارکی ممکن اوله والابرو جمله سفرهایونه
اقتدار یوق قدر دیو قطعی جواب و یرمکین جناب پادشاهی سکوت غضب آلود ایدوب
غیری بر حرف سویانیموب مجلس مشورت طاغندی باعث عزل بویتی یانلی محمد
پاشا و صدارت کوپریل محمد پاشا کوپریل محمد پاشا ایسه مقدمه مال بشیر وزیر اعظم
اولوب آستانه یه کلور کن کوپری قصیده سنک بولنوب بیک الشمس سنه سی ربیع الاول

استقباله چيقوب گوتاهيه قربنه بولشوب معا ازنيق منزله دك گكشلا اول وقت
 طرابلس منصبى محمد بن محمد توجيه اولمغله واليلىك تعديسى وعدم نظام سبيله
 مختل ومشوش اولمشيدى مارت ابتدا سنده اعتبار اولمق اوزن ضبط ايدوب مال
 ميري يه ولايته نظام ورمك شرطيله طرابلس منصبى كوپرلى محمد پاشايه توجيه
 ايدوب خلعت كيدروب همان ازنيق دن عودت ايتدرمشلايدى صكره اشيو
 پاشا قتل اولنوب طرابلسى ضبط ايله ميوب نهي دست كلوب كوپرلى قرار ايتمشدى
 بود قعه وزير اعظم بونى ياره لى محمد پاشا حبلدن كلور كن كوپرلى محمد پاشا كوپرلى
 قالمقوب صدر اعظمى اسكى شهرده قورشولوب مطهر التفات اولوب معا استانبوله
 گكشلايدى اثناء طريقه بونى ياره لويه عجه امورو دقايق تدبير و تعليم ايتمشلايدى استانبوله
 كلك كوكوزى طرفدن بزمقدار تعين وريابوب سلطان بايزيد ستمده اولان سرى مشهورده
 اوتوروب مضايقه حال ايله بزم منصب ظم ورتنه مترقب ايدى سابقا رئيس الكتاب شامى
 زاده محمد افندى ايشيو وقتنه غرامت ماليه ايله تخليص جان ايدوب حج شريفه مأذون اولوب
 اتمام مناسك حج بيت الله الحرامك عودتده استانبوله كلك كوكوزى ارام وسكون حاصل
 اولمىن تكرر اوردو يارندن اخراج بيت فلك دل چقما دين كفاره دخی روزگار ايدى بردياره
 دخی فوجوا سنجه زعامتى اولان طوسيه يه نفى وازعاج اولنوب برسنه يه قريب
 زمان اذنه معتكف كوتشه جمل اولد قده دولتمو والد سلطان حضرت ترمينك مقبولى
 خزينه دار شهربارى صولا ق محمد اغايه انلسا ي اولمغى انلك تعريف ورجا سيله جرمى
 عفو اولنوب اذن همايون ايله استانبوله كلوب خانه سنده متروى ايدى بو هتكا مده
 معمار قاسم اغاوسراى خواجه سى محمد افنديله مختد القلب ومختد الكمه دوستلر اولوب
 كوپرلى محمد پاشا دخی كچه ايله تبدل صورت قاسم اغايه واروب احوال عالمك اختلا لى
 صوبلشورلايدى قاسم اغايه سابقا كوپرلى محمد پاشاى والد سلطان حضرت نرينه
 مدح ايدوب دولتمو سلطان بزم و عاقل وامور ديد ادمدرو باختلالى دفع ايتكمه استعداده
 اذن غيرين ماحوظ دكدر ديدو دفعا تيله تعريف اولمشيدى حى وزير اعظم بزم تعريفدن
 خبر اكوب دفعا تيله قاسم اغايه اهانت ايتمشلايدى كورجى محمد پاشا ايسه والد كخد الغندن
 هزل ومالتى معمارده وزندان قانو قيويه خيس وقيريسه نفى ايتمشيدى صكره ينه والد
 سلطان حضرت نرينك همتيله قور تيلوب خانه سنده اوتورمشيدى امايه كوپرلى بك مدح
 وتعرفندن خالى اولوب جواجه محمد افندى وبالقته جى قره قاش وساطتيله خزينه دار
 صولا ق محمد اغايه خبرلر اوچوروب انك لساندن والد سلطان حضرت نرينه سوق ايله مكن
 خالى اولوب بوقضيه ده شامى زاده دخی انك ايله يكدل ويكجهت اولوب احوال عالمك خبر
 الد قلى امورى ووزيرك احوال واظوارنى وهر كيدن مال هدايا دن نه آلد يفتى تجسس
 ايدوب كاه لسانا وكاه تذكره ايله اعلام ايدرلدى تبدل دفتر دارو وزير اعظم ابتدائى
 صدارتده صارى على افندى بي عزل ايدوب ككند وقاينى صاحبباغى لقب محمد پاشاى
 دفتر دار ايتدى كى ذكر اولمشيدى پاشاى مروز صاحبباغى دوران سنده تور كيشى ايتكى اى

مقدارى دلگرده داستان ايدوب الشمس يدين ماعد الشمس سكر سنده سى مقاطعه سى
 دخی بخشيش قلندرى ايتكمه وزيرك وكندونك خزينه سى معمر و خزينه سلطانى ويران
 ايتمشيدى ايراد قوسى تمام منسد اولوب مصارف ومهمات سفر يه غائله لى ظهور
 ايدى بچك وزير اعظم كندوز عجه كندو قاينى عرض وماليه ورطه دن قور تارمق تدبيرن
 ايدوب بعض مرتبه بدل مال وصنابع مكر واختيال ايله دفتر دارلقدن عزل ايتدروب اول
 حمل ثقيل صالح پاشا كخد اسى دوركلى محمد اغايه تحمیل ايتدردى صدر اعظم كخد اسى
 احمد اغا دخی عاقبت ايتيش ومالد از آدم اولمغله افندى ستمك اطوارن بكتميه ب بواضاع ايله
 مقام صدر اذنه قالميه جف فهم ايتدى كندن غبرى طمع مال مقتضا سيله غدرندن دخی اميق
 اولمديغندن نهانچه معمار قاسم اغاوشامى زاده كى كوپرلى محمد پاشا طرفه تحيل ايدوب
 اذلد دخی وزير اعظمى اغغال ايلك خد متمدن استخدام ايجو كخد اسى قوله الوب هزار كونه
 وعد واطفله فريخته ايتمشلايدى اماغوز بوزجه اطه يه نفار استيلا ستمك خبرى كلك يكي
 كى قاسم اغاوخواجه محمد افندى وشامى زاده ووزيرك طرف خلافت اولنر والد سلطان
 طرفه خبرلر كونه روب بوزيرك الندن ايش گلزنظام دولت مراد ايدر سكر كوپرلى محمد
 پاشاى وزير ايدر ستر بيله وقفه اذن غبرى آدم بوضعب مصاحبتك عهد سندن گلزد يو
 ار ايرده اولان وساطت ايله كرار امرارا خبرلشد كرينى ساجدار غا طوبى غافل اولمده مهر
 شريف آخره ويلمك احتمالى واردر ديووزيرى اكاه ايتد كده همان طرابلس شام منصبى
 كوپرلى محمد پاشايه ويوب اولكون كيد سنى ديو فرما ايتمشيدى خرجله مضايقه سى
 اولمغى تجار دن بر قاج كيسه خرجلق پيداسنده كندوسى مشغول اولوب معينلى اذرون
 هماينه مهر شريف تحصيل ايجو عملك اهتمام اوزره ايدى لى جزيره ستمك دخی خبرى كلوب
 آتش دهشت علونوب مجلس مشورت فرمان بيورلد قده نكر ارجاسوسلر طرفندن وزيره
 خبر كلوب بزم مهر شريف كتمدى بوساعت كوپرلى بي بر حال ايسون ديمر يله كتمدى
 كخد اسى چاغروب بوقوجه يه منصب ويردك كتموب بوند مكث ايتمسك سبى ندر غالبا
 دماغى فسادده در نير شمدى آدم كوندروب دعوت ايله انك وجودندن عدى اوليدرديدى
 كخد ا پيلديكه سر مخفى طوبلش وكوپرلى بي قتل ايتكم استر لن مصاحبتك اساسى
 مستحكم اولديغنه بناء اعتمادى وارايدى ياغزه يه وجود ووير ميوب سلطان بونى سزه القا
 ايدن ياكش القاتيش اختر از يكر وارايسه غبرى نام وكام صاحبلىدن احترا ايلك
 كوپرولى پاشا كندو ضرورت حالندن عاجز عشاء المليه محتا خدر هر كون والد خانه تجار
 واروب يول خرجلى تدارك سى ايجون بوقدر ا كتمدى بوكون بس كيسه اچيه بولسه
 اخشامه قالمز قالمق كيدردى ديدكده وزير اعظم ايدى بزاوچ كيسه ويره لم همان بوكون بارن
 يوللايدى سلطان بش كيسه احسان ايله يارين روبراه اولمزه نه حقارتك وار ايسه بكا
 ايله ديو غصبى دفع ايدى وخزينه وزيردن بش كيسه الوب كوپرولى پاشا كنه زردى
 مكر مصاحبت دخی تمام اولش ايتش بر قاجكون مر ورايتدين ايش بتدى راوى ايدر
 چونكه وزير اعظمك قرين سلطانيد اولان باسوسلرى عزلى رايحه سنى استقام

ایدوب وزیر ایگام ایگامی و وزیر کوری و وزیر کورولی به سوه قصید اوزن اولدوغنی طرف سلطنتک
 معلومی اولدی مدبر القاسمه نعل باز کونه شکله بر نازک حیلله وظیفانه تدبیر ایلدیلر
 وزیرک معینی و کندویه نقل اخبارلیدن صدیقی ساحدر مضطفی اغایه ماه ذی القعدة نیک
 اون التخی کونی وزارتله شام شریف منصبی احسان اولنوب سلفی وزیر خاصکی محمد پاشایه
 هاله آستله یه کله سن دیو خط همایون کوندردی وزیر اعظم و جله سرای عامر ده
 اولان و طشزده اولنلر خاصکی محمد پاشا صدارت ایچون دعوت اولندوغنه قرار ویرب
 کوپر ییل محمد پاشایه ظن و تخمیندن فارغ اولدیلر حتی بوتد بیر خفیدن موزخ عبدی
 پاشا غافل اولوب امورک ظاهرینه نظر انجمله تاریخته یازمشکه خاتم وکالت خاصکی محمد
 پاشایه ویر یله جک ایدی لکن شامدن کلمسه تأخیر ممکن اولوب بعض مقر بلر تعریفیه
 مصاحبت و قته بناء کوپر ییل محمد پاشایه توجیه اولندی دیش خاص اوطه و جله اندرون
 اعلای یافضکی محمد پاشا و یاخود قره مضطفی پاشا و وزیر اولد قچه ایش تیزد یو طرفدار
 اولوب حرم خاص پرورده لرینک مشهور لرین ماعدا هیچ کسسه کوپر ییلنک وزیر اولسنی نجو
 ایتمز لدی انلر کندوز علمری اوزن تعلیط و اسکات مصاحبت تمام اولنجیه دیک کوپر ییل
 محمد پاشای ظن و تخمین و اعدادین تخلیص ایچون اشته و تدبیری ایتمش لر ایدی عبدی پاشا
 بودقیقه متفطن اولما مشورتیدیل اغای یکچیریان بعد وزیر یکچیری اغاسیله متفقدر شایه
 عزل خوفیه رفنه احد اشته جزأت ایلیه دیو بر هفته دن صکره ماه ذی القعدة نیک
 دوردنجی کون که یکچیری اغای وزیر کورجی حسین پاشادن رفع اولنوب میراخور اول سهراب
 محمد اغایه عنایت و برایی کوند نصکره منظر یایه وزارت قلندی سهراب محمد اغایسه
 وزیر اعظمک طرف خلافتیه کوپر ییل پاشا طرفنده اولنلر ایله دوست ایدی مکر کوپر ییل
 محمد پاشا اراده توسط ایدن خیر خواهلر ایدنلر دیشکه والد سلطان افندی نیک حضورینه
 لسانا عرض اولنوجق بر قاج خصوص رادر اول شروطه اعانت اولنجی تعهد بیورر لر
 ایسه بندخی صعو بتله نیک متک اداسنه متعهد اولورم دیو خبر کوند رمش ایش یکچیری
 اغاسی تبدیل اولدوغنی کون بعد العصر نبر دارلردن بری کلوب کوپرولی بی نهانی سرایه قزل
 اغاسی اوطه سنه اندن اغا و کنه دوستوب دولتلو والد سلطان حضر نلرینک سر پرده
 علیالری حضورینه کتوروب زمین بوسد نصکره پاشا خوش کلدک دیو بیورلد قده دوام
 عمر دولتنه شایدر بعد سعادت او پادشاه عالمیناه حضر تلمری سزه خاتم صدارتی احسان
 بیورمق مراد ایدر دین و دولته مطلوب اولان خدمتک عهد سندن کله بیورمیسن دیو
 بیور دقلر نه دولتلو و سلطام طرف سلطنت علیه دن بر قاج شروط ایله همت و عنایت بیورور
 ایسه انشاء الله تعالی دولت پادشاهیه هر ایش کاینفی کور ملک مأمولدر دیدی اول شروط
 ندر بیوردر مساعده اولور ایسه عرض ایله یم دیدی هر نه عرض ایدر سیک مساعده
 اولنور سوزنی اوچکره نکرار بیوردر کوپر ولی محمد پاشا دلیرانه سوزنه آغاز ایدوب دولتلو
 پادشاهم اولو حضور همایونه هر نه ناخیز ایدر رسم تنفیذ اولنوب خلافی بیورلیه نیا
 اذنان اعلایه و انجیه مناصب و مراتب و مسائر توجیهات خصوصیه قطعاً بر طرفدن

سوق و شفاعتله یوقوللرینه ابرام بیورلیه که دولت پادشاهی یه انفع اولان رجالی استخدا
 قابل اوله زرا الا فات تولد من الشفاعات مفهومیجه جمله اختلاک سببی شفاعت
 تامه قوله در ثالثا و زرادن و وکلادن برینی یا مالنه رغبه یا حسن اعتقادنه بناء غیرم و شریک
 مقامنه وضع ایدوب یوقوللرینک استقلالنه خلل ویرلیه را بعد یوقوللری
 حقنه اصحاب اغراض اولان منافقینه رخصت کلام ویرلیه زرا جمله عالم دولتن
 حصه مند اولمق استر عالمی ارضاقابل دکلدر اول جهتن بومقام صاحبنه حساد و خصما
 قنی چوقدر هجوم ناسی قطع و فساد ی رفع ایتکه ذم و مساوی قیوسنی سدا یتکدن غیر ی
 چان یوقدر بودورت شروطه رعایت ایله مساعده بیورلیور سه عون حق ایله د عاکر برکاتیه
 خدمت وزارت عهد سندن کلک ممکند ردیوب ختم کلام ایلدی دولتلو والد سلطان
 حضر تلمری کلام حق قبول ایدوب والد العظیم بور جالیکه مساعده اولنور لفظی اوچکره
 تکرار بیوردر بلرین زمین بوس ایدوب چیقوب منزلنه کلدی ایرتسی کونکه ماه ذی القعدة نیک
 یکرمی بشخی جمعه کونی ایدی جمعه نمازیدن ایکی ساعت مقدم وزیر اعظم برینی یاره لی محمد
 پاشایه بالته جیلر کتخدا سی کیدوب دعوت ایدوب کوپر ییل محمد پاشا دخی مقده جمعه دعوت
 اولنوب حاضر نشیندی وزیر اعظم کلوب حضور همایونه وارد قده سفر مهماتسنه اولان
 تقصیرینه وعدم حسن تدبیرینه متعلق بر مقدار عتاب بیورلد قدن صکره مهر همایون
 النوب کندوسی بوستانجی باشی خبسنه کوندردی کوپر ییل محمد پاشا حضور همایونه
 دعوت اولنوب صلوة جمعه ده خطیب منبرده ایکن خاتم وکالت کندویه عنایت بیورلدی
 و سابقا ذکر اولنان دورت شرطی پادشاه عالمیناه حضر تلمری لسانا برر بر ذکر ایلدی
 یو شروطه رعایت اولنق اوزره سنی مستقلا وزیر ایدم کوره یم نجه خدمت ایدر سن
 دیو خبر دعا ملوکانه ایله مسرور بیوردر که کوپر ییل محمد پاشا دخی کریمان اولوب
 انجوانده سی کی کوزی باشی منور صقاللری اوزره ریزان اوله رق شوکتلو کرامتکویا د شام
 حق تعالی عمر و دولتکری بردوام ایلیه صدق و استقامتله خدمت شریفکزه صرف
 اقتدار و اغور همایونکده بدل جان ایدرم دولتلو پادشاه همک همت علیه سی و خیر دعاسی
 برکاتیه حق تعالی توفیق احسان ایلیه دیو زمین بوس ایدوب چیقوب سرایه کلدی
 اول وقت رئیس المجین بولنان مرحوم کوپر ییل یه مهر شریف ویر لکه اول جمعه کونی
 نصف النهار وقتنی اختیار ایش حق بودر که اختیار وقت بویله کرکدر اول وقتک طالعی
 و احکامندن بر قاج کلمات یاد کار اولمق ایچون کند و نجوعه مجربا سندن بو محله نقل و تحریر
 اولنق مناسب کورلشدر صاحب عاشر عطار دو عا شدره مشرف زهره ده عا شدره
 فکن محترق استقلال اوزن متصرف اولور صاحب بیت مرید عا شدره ایکن تحت الشعاع
 حکمنه دست و مال اعد او حسادک بعض مرتبه ظهوری نکدر یاطر ایدر لکن منسحل
 اولوب غلبه ایدمزل و سهم الغیب ثانیه خزانه عامره یی تعمیر ایدوب اموال عظیمه
 اقتناده واد خارا ایدر لر سهم السعاده بیت الرها ده صاحب زخل عا شدره اکثر خصوصیه
 دخل و اهلی اوزره مصاحبت کوروب مانع و مزاحم استیلا سندن آسوده اوله لر سهم السعاده

خانه سنگ صاحب شرفی زخمد در شهر السعاده به کلبه ازاله او تو زود رجه وار مدت وزارت او تو زسنه اولمق اقتضا ایدر لکن صاحب طالع مشتری رابعه و بیستنه و قر صاحب بیت موت بیند رنه التمش دورت درجه دروهم طالعک و صاحب طالعک سیرری دخی بش سنه دن صکره تریع نحسه و اردیغی و صاحب بیت موت قردن دخی اول محله ایکی سنه ده نظرو اتصالی بومعنائی مؤید اولمغین التمش دورت ماه مرورنه هجوم مرضی سبی ایله قطوع حکمتک اثری ظهوراتیمزایسه مدت وزارت او ممتد اولمق مسئولدر دیش انتهی واقع حاله منجم مرحوم بواختیارده و بوا حکامه اصابت ایشدر انجق وزارت او تو زسنه به یار میوب بش سنه مرورنه قطوع حکم امر حق ایله برین ولوب مرخصا فوت اولمشدر نته کیم محله ذکر اولمشه ککر کردان شاءالله تعالی نته وزیر معزول بویی یاری محمد پاشاک جمله ماملکی وجع ایتدی یکی نقود موفور سی طرف شهر یارین قبض اولنوب قتل مراد اولمق قد طقسان یاشنده بریدر دراق صفالنه مرحمت و جا اولنوب کور پرل محمد پاشا شفاعت ایتکله قتل اولنوب برقاچکون بوسه ناجی باشی محبسنه مهمان بعد برقاچکون یددی قله ده مبتلای غمت و حبس زندان اولمق قد نصکره ملغره به اجلا اولنوب نجه ایام نصکره قیزه ایانی ایله خاطر مکسورینی مجبور بقای چند روزه مرده سیله قلب حزینی مسره اولمشدر دفتر دارلقدن معزول صاحب باغی محب پاشا که وزیر اعظم کمد و یار حایه دفتر دار ایدوب مال میری به خیانت تهمتندن تخلص ایچون کمد و عزاندن مقدر محمد عزال ایتشیدی فرمان شهر یاری ایله قیو جیملر او طه سنه مجموع سس واحتمال نجاتدن مایفس او شس ایز یوزاللی کیسه مقداری جریه مالیه ایله الحلاق اولمق دلی لکن خوف خجرقه ریه بهر سی پاک اولمغین ایتسی کون وقات ایلدی حالا اول بیچاره ک بریراوغلی وارد در طریقه قدریه درویشلرندن برساکن فقیر الحال درویشدر غریز افندی بویی یاره لی محمد پاشادن به وجهه شکایت ایدر عجب تماشا در که وزیر مزبور خدمت عدازتله مأمور اولمق امور دیدن و کار آزموده سنی تسعینی متجاوز وزیر برروشن ضمیر درد یو خلق عالم شاد و حرم اوای طرفندن خیر ظهوری مأمول ایکن مناصب دولت عمالیه و خدمات دیهانیه سلاف بی انصافی رخک اعصابه فروخت یتد بکمدن ماعد ا هلال فقر انس سدنله جوع ایدر جگری بضاعت مزجانی دخواهی اوزن توجیه و تقسیم ایدوب مولوی تلمری و مدرسه اری محضه لایحه قضالره وار نجه رشوت ایله توجیه ایدوب اخذ براطیل و اشاعت ایا طیل ایله اسلافندن هزار مرتبه زیاده طریق احوالنه اختلال ویردی بندن فضلر اینه اصابت اعتقادی ایله سوق خیر ایدر لک کلام حقنی سمع رضا ایله اصغا انجیوب خصوص هما یوزنه اولان مشاوره لردن خلاف مرضی سوز سولیلر اظهار قهر و غضب بلکه اصحابه لسان و طعن و سب ایتدی یکی ایچون سبب نصرت اسلام و اعدای دیندن اخذ انتقام اوله جوق تدابیر مستحسنه مسکوت عنه قلوب خوش آمد کولر کلامی مستوع اولمغین مان تحو ست اقبال صدارتند دین و دولته نافع بروضع معقول صدور ایتدی مانع استقلال اولوزد یو خواجه زاده مسعود افندی بی اسناد و افترا ایله قتل ایتدی یروب

حقنی افندی کی مبتلای صمم و علت فلج ایله برنیم ادبی بیو ضعیف الحال ایکن مسند افتایه اصعدا ایلدی حقنی افندی صاغر در اثناء مخاطبه ده زیاده رفیع صوته محتاج در بویه پیری نچون مفتی ایدر سز دینلره کاشکی کوزی دخی اولمق دی زیاده معقول ایددی دیو جواب نامعقول و یروب زای فاسدنده اعتقاد اصابت اوزرینه اصرار و مقتضای طبیعت ترکینه اولان عنادینی اظهار ایددی اتی بلز ایدیکه مفتیلر احوال عالیدن خیر اولوب خیری و شری فرق ایدر نیکخواه دولت بر محقق ادم اولدیغی تقدیر چه وزیر اعظم مرده سندن قوی اولوب تقسیمت امور نده دخل عظمی اولوز بوقهیر نامراده اوائل صدارتند ظاهر احب ووداد اظهار ایدوب مدح و ثن سنه متخص کور نمکین مقتضای خلقتمز اولان دولت خیر خواهلغی اقتضاسی اوزره قره دن سفره اهتمام بلکه بالذات کندوسی و یکپیری اغاسی ویاوک اغازی ایله عزیمت سبی و اقدام اولمق لازم درو مجر در یادن دو تهمالز سالیله اکتفاناروا ذریه بروسه دن یازمشیدم واریسه کلام حق طبعنه کوح کلز باعث اغراض کلی اولوب طرفزه انجذاب و محبت بغض وعداوتیه مبدل اولمشیدی تجاوز الله عن سیماته قاضی زاده لیلر و قعه سیدر معلوم اوله که مسلاک صوفیه به ذهاب اولان ارباب طریقه علمای ظاهر بینند اولان نزاع وجدال قبی اسکی اولوب خلفای راستدین عصر لرندن برو دول سابقه ده و بغدادده و مصر ده و بلاد سائر ده نجه دفعه مشاجره و محاوره لری مقاتله و محاربه به مؤدی اولمق رتبه سنه ایشدی یکی کتب توار یخه مسطور درو یو ایکی طائفه ک نتیجه مدعاری محقق مزاع لفظی به چقاروب کلام لرینی توفیق ایتشیدکن ینه فیصل بولوب هر عصر ده بعض کسمنلر تحصیل شهرت و شان ایچون امر معروف و نهی عن المنکر صورتیه ظهور ایدوب بعض مسائل مختلفه و بدع مشهوره به یابشوب اسکی غوغا لری تحریک ایدر کلشدر دوتا که مشایخ رومدن قاضی زاده افندی ظهور ایدوب مشایخ طریقه سبواسی افندی ایله تغایر مشرب مقتضای نجه از غه شوب اول دعوی قدیمی تجدید ایچون منازعه و مجادله مقدماتی تمهید ایلدیلر کاتب علمی اول ایکی عزیز ک احوالی به یله تحریک سبواسی افندی دید کلمری شیخ عبد المجید بن محرم بن زبیل حضر نلیدر مشایخ خلوتیه دن سبواسی شمسی افندی نیک خلیفه سی اولوب استانبوله کلد کله سبواسی نیکه سی دیکله مشهور اولان زاویه ده شیخ اولوب سلطان احمد خان جامع جدیدی بنایلد کله و عظیمی ویرمشیدی بیک قرق طقوز جمادی الاخره سنه وفات ایلدی لر سنی یتیمشدن متجاوز وزیر برروشن ضمیر ایدی حقایق لطیفه و اسرار الهیه بی مشتمل بعض ترکی رساله لری و شخی مخلص ایله نجه الهی لری و نجه منظوم کلام لری وارد و عطر لرندن اول خوش الحان ایله سوره قحه اوقیوب مستعینه صفا بخش اولور لری ایدی احباب نجه کراماتن نقل ایدر جمله دن مقدم محمد اغا امامی کفوی علی افندی دیر که شیخ برکیه بکافعل شتبع ایلدی ایتسی نجه جمله مجلسنه واردم امام افندی الم حکمه سکوا وقع اولان بکا حضرت علی کرالله وجهه ایله واقع اولدی لک تعبیری نصرف باطنی ایله قلب و قلبک مسخر اولمشیدر و لوح نور کراماته شرط لازم اولان تصرفات خفیه عارفینه استعداد لری مرتبه صور مشا هره

ایله مشهور اوله گلسدر د یه بیور مشهور امانا قاضی زاده افندی بالی کسربلی
طوغانی زاده افندی مصطفی افندی نام بر قاضی نیک اوغلی شیخ محمد افندی در دیار نیک بر کلی
محمد افندی نیک شاکر در لندن مقدمات فنونی تحصیل ایتد کد نصیحه استانبوله کلوب
طورسون زاده مدرس ایکن اکامعید اولد قد نصیحه سمیت مشیختی اختیار ایدوب بر زمان
ترخان نیکه سی شیخی عمر افندی خدمتند تصفییه به اشتغال اوزن سمیت تصوف مشربنه
موافق کور نمیوب طریق نظره سلوک ایلدی نجه زمان مراد پاشا معتمد درس و یروب
بر کلی زاده فضل الله افندی برینه سلطان سلیم واعطی اولدی خانه سی قرینه مسجد ده
تدریس علمه مداوم اولوب وعظ و در سیمه اشتها بولشیدی بیک قرق بش سالی خلانده
ایا صوفیه واعطی ایکن وفات ایلدی سنی خمیندن تجاوز بر مشهور عزیز ایدی بوابکی شیخ
زمانه نیک بری بر لیل صورت ظاهر ده ضد کامل اولوب اختلاف مشرب حسمیه ازلانه جروب
و شتوم قائم ایدی بین العلماء فیصل پذیر اولمیان بحثگر که به نادر اوله حقایق اشیا دن بحث
ایدن علوم عقلیه و ریاضیه به توغلدن منع اولنق محی ثانیاً حاضر علیه السلام حیات
ثالثاً آواز لطیفه تغنی و نغماتی جائز کور مدکاری رابعا اصحاب طریق رقص و دوری خامسا
تصلیه و ترغیبه محی ساد ساد خاک و قهوه نیک و سائر محدثاتک حل و حرمتی محی سابعاً
رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ایوینی محی ثماناف عونک ایمانله کتمک محی تاسعا
شیخ محی الدین عربی قدس سره شاننده اولان اختلافات محی عاشر العن یزید محی
اون بر محی بدعت محی اون ایکنی زیارت قبور محی اون او محی جماعته نوافل و رغایب
وقدر نمازلی قانق محی اون دورد محی کبارک الدین و یاضین و اتکین او پیک و سلام المقده
انجنا محی اون بشخی امر معروف ونهی عن المنکر محی اون التبی رشوت محی بو بحثگر ده
قاضی زاده افندی بر طرفی طو توب سیواسی افندی طرف اخره ذاهب اولوب افراط
و تقریط سلکمه کتشلر ایدی و ایکی شیخک اتباعی بری بر یله نزاع وجدال ایدر لردی و جناب
پادشاه فردوس اشیا ن مرحوم سلطان مراد خان حضرت نلرینک اوائل سلطنتلرن زور بارک
شهرتی و اصحاب فسادک اکثری دفعات یله جمعیت کونا کون ایله فتنه و فساد جرات ایتد کوری
محلده مفصله تحریر اولمشدر مرحوم سلطان مراد حضرت نلری حسن تدبیر صاحبی عقل
القاسیه تنظیم امور دولته همت ایدوب زور بار ایله تعاضد ایدن رجب پاشای زاله و طبانی
پسی محمد پاشای وزیر اعظم ایلیوب زور بارک حقندن کلکه شروع بیورد قلی همکام خلق
عالم قبضه اطاعتدن بالکلیه خارج ایدیلر استانبوله و بلاد سائر ده متعدد قهوه
خانه لرا شلیوب قهوه و دخان مهاله سیمه عسکری و شهر لیدن اشخاص مختلفه جمع اولوب
دخان و قهوه ایچون ذم و قدح ایله خلقی کسوب یچمک ایچون کونا کون اراحیف و اکاذیب
پید ایدر لردی سلطان مراد حضرت نلری خلقی ضبط و تادیب ایچون قهوه خانه لری یقدر یروب
دخان استعمالی منع بالکلیه وجه دینی رفع ایتک اوزن یساع عظیم ایدوب متنبه اولمیانلری
زجر و قتل ایله تخویف ایتد کوری ائاده قاضی زاده افندی واعطایک اشهری بولنغین طرف
شهر یار معلا جنا بنه مد ارانساب اولمچون دقتک حرمتی خصوصی زعمجه اجتهاد و دلائل

عقلیه و نقلیه ایله ایراد ایدوب مغلطه پی ایداره ایله قباب فلکه آوازه صالمشیدی
بیت خلقی منع ایلدن ساکنه کرر ته چقار واعطایو خسه دخان ایله قیامتی قویاردیو
اعتراض ایدنلره حرمت قطعی الثبوت اولدوغی صورتنه اولوالامرک منع ایتد سیمه ترکی لازم
اولوب ممنوع اولمیلری سلطان زمانه مخالفت سیمیه واجب القتلدر دیورد جواب ایدوب
بو تقریبه مجلس شهنشاهی به وصول بولمقله کسب شهرت و شان و منع شرب دخان ایله
زجر و قتل یچون زاید رک از زمانه مشار الیه بالبنان اولمشیدی پادشاه ترخان صولت
حضرت نلری افراط فراست و نزاکت صاحبی اولمغین عامه ناسی تخویف و تهدید و فرمان
ملوکانه لری ن تنفیذ ایچون بویهانه ایله خلقی قتل ایتد کد قاضی زاده پی سپر ایدوب سطوت
و مهابتلری عالمگیر و لجه دیک نجه بیک دردمند بیکناهی شمشیر غضب و سیواسیه
تیه ایتشلر ایدی لکن اینه قاضی زاده افندی به بالکلیه تعین و برمیوب نهانی
سیواسی افندی به ده النفات ملوکانه لری اولمقله قاضی زاده افندی ایله ضد و شوب
هر بری آخرک قولی ابطال ایچون کونا کون قیل و قال ایدر لردی حاصل ایکی سیمه عصرینه
کون دین و دولت مصاحبتنه بر ایدوب بر یها نه ایله ملتفت جانب سلطنت و حصه مند
نواله عنایت اولمقله حاللرینه کون زور کاردن کام ایتشلر ایدی قاضی زاده افندی نیک
فوتدن عسکره اتباعندن کرسی نشین اولان شیخلردی خالف تعرف در دینه مبتلا
اولوب اییاعث شهرت اولمق ایچون قبه آسمانی نه یوزدن برصد الینسک و مراتب علیه به
نائل اولمق قانون نه کونه اجرا ایدر باسک دیو حرمتی ادله قاطعه ایله ثابت اولمیان
اوضاع و افعالک مستحلی کافر اولمدیغی کتب معتبره ده مصرح ایکن الیه مرتکبی کافر
اولور دیو صلوة رغائب و کاء قدر و رات قلندر مانه و کاه اذان و قرآنه لحن و تغنی ایله
تزیین صوت ایدنلری دافع اولوب و جمعه لده تصلیه و ترغیبه به بالکلیه راضی اولمیلوب
نعت خوانلری ایسه تفسیق و تدلیل ایدر لر محصل الکلام حضرت رسول اکرم صلی الله
علیه و سلم زمان شریفندن صکره حادث اولان بدعت مقوله سفک مرتکبی کافر در
دیه حکم ایدوب و طوایف صوفیه نیک خود سماع و دور انلری رقص حکمند و بالا جماع حرام
اولمقله منع و دفع اولنلری اهل اسلام اولنلره بالضرور اقتضا ایدر دیو ستمد کوری
کی کفتکویه اجتر ایتلریله عوام ناسدن اکثری مذکور لک تعصبلرندن ناشی
اولان کلانلرینه اعتماد و اعتقاد ایدر رک خلوتیه و مولویه و سائر صوفیه فقراسنه
عدوت ایدوب مذکور لری تحقیردن ماعد انکیه لینه داخل اولنلر بیه کافر اولور لر
دیمکه جرأت ایدوب گروه موثنین موحدین فرقه فرقه اولوب مجالس و محافل کوشه
بکوشه مباحثه و غوغا و بیهوده معارضه لایله بر لرین رسوال تمکدن خالی دکلر ایدی
سلطان محمد خان خیر قلرینک اوائل طالارتنه ذمام حل و عقد شرکای سلطنت اللرنده
اولدوغی اثنا لده قاضی زاده لیلر شهرت پیدا ایتشلر ایدی سیمی بوکه اهل طریق
مشایخ نیک اکثری دنیا مالنه حریص اولمیلوب قوت لایموت قناعتله یکنوب مال پیدا سنه
لازم اولان حیل و تزویراتی بلر لراما قاضی زاده لیلر زهد و تقوی صورتندن کورنمکی دینا

تخصیصه دام و زور ایدوب اکثریایمراجه جی خبیثاری و محتکر نو و مجبیری و اهل سوقدن
مرانی قلاشیرینی نسخیر ایدوب پاشا و قاضی طر قندن دوشن مصاحتیرینی شفاعتله
حصوله کتوروب اوقاف و املا که متعلق ایشیرینی بتوروب مرادلرینی تمشیت ایدوب
خیله راو کتوروب اول مقوله مالدار کسه لری قوله الورد و ملبوسات و مفروشات
و ذخایر و سایر مؤثله اول بهایمی استخدام ایدرلردی محصور لایحه زعامت شکنده
دائما حقارلردی سرای عامره خدامندن بالته جیلر و بوستانجیلر و قیو جیلر دن بعض
کسینه روزمره کتور سیلرینه حاضر اولوب کی درس اوقیوب تحصیل دنیا به مناسب
وسيله در دیو اختلاط و اتحاد ایدوب کیده رک ولوله شهرت لری اندرون همایونه منعکس
اولمشیدی تحصیل دنیا به خریص اولان نیر داردن بعضیلرک تعریفیله اسطوانی افندیگ
معتقد عامه ناس اولدوغی دارالسعاده اغاسنه اندن والد سلطان حضرت ثلثینه افاده
اولنوب مصاحت التفاته مطهر و کاه کاه صره احسانیه خاطرینی جبر اتمکه باشلیدیلر
شیخ افندی دخی خواص مقرین التفاتیه قوت بولوب کند ولره معتقد کچتن متمول
اشخاصه بعض مناصب و توجیهات و تبدیلات و بوکه متعلق نجه مصالح سویلشوب
بیاغی بازار ایدوب کز لوجه جاسوسلر ایله مقرین طرفنه خبر کوندروب به خصوص
هقوقلدرودین و دولته نافعدر دیر لرایدی مهرلو کیمسه لره نهار یوریه ب شیخ افندیلرک
معقول کوردکاری ایش صورت بولور دی واعظ و شیخ افندیلرک معقول کوردیکی
ایشه خطا دردی که کیم قدرتی وارد علی اخصوص مطلوب اولان نفوذ کز لوجه انلرک
صعیله حصوله کله صورت صلاحه بولمیه فائده لی بازای هند تجاری ییله بولمیه مردیوب
بووجهله بر قاج سینه معاملات و ادیسنه رواج بولمیه حرم همایون اغاری و کایینه
توسط ایدن خدام سرای اموال عظیمه ادخارا تیشلرایدی و عزل و نصبه متعلق بر امره
شروع اولنسه افندیلره احسان صره سنی پیشین کیدردی اول خصوص مکروه ایسه ده
انلر مصنف حسنه یائین بولوب خلاقه مدح ایتدیروب بالضروری معقول ایش اویش دیدر لر
ایدی واعظ افندیلرک بومقوله بازار نفاقی تاوقعه و قواقه کجده کرم رواج اولوب حد
انصاف تجا و زاو لنگله محروم و مغدور لر تحریر کیله بی چا ن اغالی نا حق یه تلف اولد قندن
صکره افندیلره باب التفات بر مقدار سد اولنیش ایدی بونی یان لی محمد پاشا وزیر
اولد قده طبیعت ترکانه مقتضای سنجده علمایه شیخ طاش شمشق و انلرک مدح و ذمندن
الم حکمک ندر ادراک ایتیموب اصلا کسینه به وجود و یزمدی جمله منصبی آشکان جه
بیع من یزید ایله صائب حتی مولوی تیلری و قضا لری توجیه اولنسان کسینه لری ییله
خقلیموب میرینک مضایقه سی وارد دیر رشوت تهمتندن احتراز ایتیموب مد بر
وعقلا کی پس پرده دن المغله تستر قیدینه دوشمیدی اول صنعت خفیه به الت مقامده
اولان مصاحت کذار غز بزرگ کارخانه سی بطل اولمیه اضطراره دوشوب
بونی یان لی به عظیم عداوت ایتیشلرایدی دو نمانه زم اولوب کفار و زجه اطه وانی به
مستولی اولد قده بوخبر مصیبتی فرصت عدا ایدوب کورسیلرده و مجالس و محافلن آشکاره

طعن و تشنیعه باشلیدیلر ظالم و مرتشی چوق امر شریف اجر اولنر ممالک اسلامیه بدعتله
طولدی وزیر و مفتی اهل طریق مبتدع لری حمایت ایدر لر دیولسانلرینه کلان ترهائی
آشکان سویلر اولدیلر بونی یان لی و زارتدن عزل اولنوب کو پر یلی محمد پاشا و زیر اولد قده
زعمالر نجه نظرا عتبان المیوب تعصبانه اشتداد پیدا ایتدیلر کو پر یلی محمد پاشا و زیر
اولد و غنک سکرچی کونی ماه ذی الحجه نک اوچجی جمعه کونی ایدی سلطان محمد جامعده
صلوة جمعه ادا اولنور ایکن مؤذنر محفله نعت حضرت رسالت ایله نغمه سارلقه
سر آغاز ایتد کارنده قاضیلر دن بر طائفه اسکاکی ایچون شتوم مغلطه ایله زبان درازلقه
آغاز ایتد کارنده طرف خلاقلر دنه اولانلر مانع اولوب معارضه کشاکش ایله آتش حدت
و تهور زبان کس اولارق آرقالبوب مقاتله و محاربه به مؤدی اوله یارمشر ایدی
یومر تبه دن صکره بالکلیه مشایخ صوفیه به درونلر دن اولان کینه دیرینه لری اظهار و محیه
قسطنطنیه و خارج شهرده اولان نکیمه و خاتقاه لری جمع کثیر ایله هدم ایدوب طاش
و طوپراقلرین دریاه دو ککه قرار ویدیلر مانع اولنلری دفع ایچون آلت حرب و قتال ایله
سلطان محمد جامعده جمع اولمیه اتفاق ایدوب امت محمدن اولان یارین الت حرب ایله
جامع حرمده حاضر اولسونلر امر معروف و نهی عن المنکر خدمتده معاونت ایلسونلر دیو
کند و طرقلر دنه اولان خلقه ننبیه ایدیلر مکر مشورتلری بواغشکه استانبولنه قدر
نکیمه و ارایسه هدم ایتد کدن صکره راست کلدکاری صاحلی و تاجلی فقراسنی تجدید
ایمان ایتدن لر و قبول ایتیمیلری قتل ایدلر بعدلر جهو رایله یاد شاه عالمینه حضرت ثلثینه
حضورینه واروب جمله بدعتلری قالد رمغه اسنیدان ایدوب جمله سلاطین جامعلر دنه
برر منان الیقویوب ماعداسنی ییقه ل حاصلی زمان نیوتدن صکره احداث اولنسان
شیثلری بالکلیه دفع ایدوب زعمالر نجه اورتالغه بو طریقیله نظام ویره لر اول کیمه
بوغلغه شهر استانبوله منتشر اولوب سوخته لر صوپه و کورده لر ایله و محتکر
مرانی سوقی و اهل حرف قسمنده حاجی مندال و فاقی دونکل مطره بازلی شاکر لری
وکوله لری اولان خوطمان قراق قاقوانلرینه سلاح قوشادوب دین دعواسنه کیدلم
شکنده کروه کروه مجتمع اولوب جامع سلطان محمد جمع اولمیه باشلیدیلر احوال وزیر اعظم
حضرت ثلثینه منعکس اولد قده ابتدا شیخ افندیلره آدم کوندروب فسادده مؤدی بومقوله
ایشلردن فارغ اولسونلر دیو نصیح ایتدیلر مفید اولدی انلر دخی علماء عظام کثر هم الله تعالی
الی یوم القیام حضرتین دعوت و استفسار بیورد قده انلر فاقیلرک ادعا ایتدکاری
لحوالک بطلاننه ذاهب اولوب بومقوله به کلمات نامقوله اجتر ایله ایقاظ فتنه به باعث
اولنلرک شرعا جزا لری ترتیب اولنق لازم ایدو کنی افاده ایتلری ایله حقیقت حال حضور
سلطانی به ناخیم اولنوب محرک فساد اولنلرک قتاچون اذن همایون صدور ایتیشیمکن
ینه وزیر اعظم رجاسیله نفی اولنلر ایله اکتفا بیور یابوب اول ساعت اسطوانی و ترک احمد
ودیولنه مصطفی دیدکاری واعظلر اذن و قوبسه نفی اولنلر یلر تصرفات اولیاء کرام ایله
و عقد مجلس جمعیت متعصبین کسسته و شهرت کاذ به لری کی کتنام اولدیلر مضحکات

مصلحت دنیویه ایچون مزبور شیخاره تردد ایدن برظریف سوال ایدوب بدعت
 حسنه بی وجهه سینه بی رفع اینسه کز کرک بوچقشیر وطون کیمک دخی بدعتد رانلری
 دخی قالد رزمیسزدید که ترک احمد بلی انیده منع ایدرززارویشتمال قوشانسونلردیمش
 حریف نکرار سوال ایدوب یا قاستق استعما لیده بدعتد رانی نه استلر سزدیمش انیده
 قالد ریزر طعمای اللریله ییسونلریاغ وزفرنجس دکله یدکاری طعام اللرینه بولشمغله نه لازم
 کلور حریف نجب ایتدی ایددی افندیلر خلق عالمی صیوب کونی چیلای چول عربی
 قیافتنه قویق استر سزدیوخند انیش حضار مجلسدن بری دخی یا سلط نام قستقلو
 یساع اولدقده برالای قاشقی فقراسی نه استلردید که ترک احمد مسواک ونسبیج
 یا یوب انکله کچنسونلردیمش ظریف مزبورینه ترک احمد نعریضامسواک ونسبیج
 صنعتی کوره ده و طرقلی ترکارینه استلدر سز حرمین فقراسنه ده تعیش ایدجک
 برصنعت بولک دیمش معن زاده نقل ایدرکه بو طائفه دن زهد وصلا حله مشهور قی
 چوق مراییلر کوردیمکه مصراع دفع ایچون غم بلا سین او قورز قدح دعا سین مضوی
 لوزن و راء پرده خفا ده انواع منهیات ارنکاب ایدوب بیت واعضان کاین جلوه دو
 محراب ومنبر میکنند چون بخلوت میروی ان کار دیگر میکنند بیستی حسب حالری
 ایدی حتی متمو للرندن بری که کروه فقیه ناک نامداری ایدی بیقلمنی تراش وز غنجه
 هر حالنی سنت نبویه به تطبیق دعواسنه ایدی صورت ظاهرده اولادیرینه تربیه انیش
 برنوجوان خدمتکاری واری ایدی چقشیرینه حریر قاشدن او حقورلق یا پدیرمش ایدی
 پیرمشار الیه حین وصاله حریر او حقورلقی کوروب بو حرام قاشی کیندرکاه ویکاه وجودمه
 وقنوب بیعتی آثم اولورزدیمش افعال شنیعه نظرینه کوز نموبده توتون ایچمک حرر کیمک
 پیغن قرقامق وصوفیلرک سما عینه حاضر اولق یا نلر نه جرم عظیم عد اولور معن زاده
 شخص مرقومه محرم اولغله برکون سوال ایدوب بیغی افندی لذت نفسانیدن اولان
 قبا بی جمله کز اوجه ارنکاب ایدوب صورت ظاهرده جزئیات مقوله سی اولان شیلرده
 تعصب ایدرسرینیک اصلی ندردید که عزیز سوزه کلوب بکم سن غایت احمق ایمشمن انسان
 برحریمی ارنکاب ایتدی وکی زمان ضمنه یا مال تحصیل یا ذوق نفسانی ولدت جسمانی بولغنه
 محتاجدر که کنه کار لغی عبث اولنیه یوخسه التون وکش اوانی قولانق حریر کیمک توتون
 ایچمک و تغنی استماع ایتیمک وسائر بوک بکر شیملرده نه لذت وارد عاقل اولدرکه بومقوله
 لذت جزئیاتی ترک ایدوب بلکه صورت ظاهرده انکار و منعی بانه تعصب کوسه توب عوام
 الناس احمقترینی حسن حالنه اعتقاد ایتدینه محرم اسرار اولنلریله ورای پرده ده دنیوی
 مصلحت و نفسانی لذته درکار اولغله مانع یوق جاهلرک سوء ظنندن قور رتاش اولور
 دیو جواب ویروب بنی الزام ایلدی دیو نقل ایدردی مرحوم شیخ الاسلام محیی افندی
 حضرت نلرندن منقولدر کندی لری عارف بالله ریایوتصنع قیدندن ازاده اولوب اوائل
 حاللر نه احباب ریایه چندان وجو دویرمز لرایدی شیخ الاسلام اولدقده بعض محرمینه
 احباب ریاحرکاتک بعض حسنینانه شمدی مطلع اولدق دیشلر سرنی سوال ایدنلره

جواب ویروب امر معروف ونهی عن المنکر بابنده وسائر احکامی اجرا خصوصه مراییلری
 جری بولدم ظاهر پرست اولان عوام کالهام ریادن عاری مردان صاحب عرفادن
 خوف وحیا ایتیمور لر ریاشرک خفی منزله سنه اولغله صاحبنه مضر لکن بومصاحبه
 بناء غیره نافع کورینور سابقا استتقال ایتدیمکز مراییلری بعض مراتب جلیله یه وضع
 ایتیمکه ضروری محتاج اولدق دیو سوز مشملر فقیردیرمکه اگر چه ظاهر حال مراییلرک
 بعض مرتبه لزومی مقرر لکن نتیجه ماله واقف اولان عارفله لازمدرکه لمصاحبه معتبر
 اولان اشخاصه ربط اعتقاد ایدوب افراط رغبتله چندات وجود ویرلیه ولزومی
 مرتبه سندن زیاده التفات ایلر ارخاعنان ایتدیرلیه بویقینلرده بووادیکن پهلوانی وانی
 افندی داعیه زهد و تقوی ایلر ظهرو ایدوب فواید دنیویه یه نه وجهله استیلا ایتدیکی
 وزیر اعظم کوپر ییل زاده احمد یاشار یاسنه الدنوب حسن حالنه استظهار ایچون قرین
 پادشاهی یه سوق ایدوب اکرام وانعام ایلر طیمور مق ممکن اولماغله بالاخره ولی نعمتی
 ایزن وزیر اعظمک ذم و قدح نه نوجهله جرأت ایلدیکی تفصیلا مختلف ذکر اولنسه
 کرکدر حق سبحانه وتعالی حضرت لری آدمی اکل دنیا یه دینی ات وزهد و تقوی بی جلب ماله
 دام صنعت ایدن مکاررک شرنندن عبادی حفظ ایلر آمین حکایه وانی افندی یه محملرندن
 بری سوال ایدوب سلطانم دعوی زهد و تقوی یه انفراد کز معلوم لکن ینه تحصیل
 دنیا یه همتکز و نازک جاریه لر ولازمه زینت اولان انجو و جواهر و سمور و سائر امواله وجوه ایلر
 رغبتکز وار بونک سرنی ادراک ایدمدم دید که جواب ویروب بی نادان دینانک کندو
 بعینها قبیح و مذموم دکدر جمله نک مطلوب و مرغوبی بر نعمت جلیله در ذم اولنان
 جهت تحصیل و کیفیت تناولدر اخذ و تناول سن بکامشایه و مساوی دکسن برلقه
 تناول سکا حرام ایکن قوت علیه و تصرفات عقلیه ایلر بکا حلال اولور دیمش حریف
 بر تمثیل طلب ایتیش مثلا طعام یرکن دیشلری اراسنه کیرن لم پان سنی سنی خللال
 وزور ایلر طسره چیقاروب یودارسن سکا مکروه اولورین نازکله تحریک لسانله قور تاروب
 یودارم بکا حلال اولور بر مثال دخی سز مال حرام ایلر ما کولاتدن الوب حرام بر سز زایسه
 ما کولاتی و ملبوساتی دین ایلر الورزای باشنده شنبه لی مالزندن ایلر رز بوحیلر ایلر خللال
 بر زایسته مال دنیا یی اخذ و تناول خصم و صنفه دخی نجه عالمانه تصرفت و زارد که زه جائزدر
 دیمش نتیجه احوالری بو حکایه دن معلوم اولدی حکایه بعض ثقاتدن منقولدر که طائفه
 مزبور عوفیه زمره مرقومه تسلطندن عاجز اوللری ایلر بوقعه دن مقدحجه مشایخ
 طریق کبارندن غفوری محمد افندی و جنت افندی وار دیل زاده احمد افندی و برقاج
 عزیز لردخی حنفی افندی یه واروب ریای مفرط اصحابک تعذیلرندن و خلاف شرع
 تکفیر و تضلیل ایلر اطاله ید و لسان ایتد کلرندن شکوی ومنع و دفعلرین ربانیتیلر
 افاضل عصر دن بولوی مصطفی افندی و منقاری زاده و انارامالی کبار علمادن
 بر تاج دولتلو حاضر بالمجلس ایشلر حنفی افندی دیشکه قاضی زاده لیلر بودولته
 شاخ ویرک صالمش برکوکلی اغاچه بکر برشاخی بوستانا بیلر اوچاغنه و برشاخی

یوسته انجیل او جاغند بر شاخی بالطه خیل او جاغند تا سرای همایونه بر شاخ عظیمی
 هامة اهل سوقة سرایت ایله استقامت بولمشور در رق و ملا یمتله نصیحت قبول ایتیمورلر
 نه وجهله دفع ایله لم دیمن بولوی افندی سوزه کلوب بغی غریز اهل الله یفینده معروف باطن
 قاجی واردر انکله انتقامه حواله ایتدیکره دیمن غفوری افندی سرفرو برده استماعه مشغول
 ایدی باش قالدرب سلطانم رظا هر امری ایله مصاحت بنسون دیر یوز خسته احوال باطنیه یه
 قالور ایسه حضرت قهار متقدم دروا تقوافتنه لا تصیبن الذین طلبوا منه کم خاصه آیت کریمه سن
 او قیوب قاتحه دیدی بعد جملة سی قالقوب کندیلر هفته سنه وارمندی نفی قضیه سی
 ظهور ایدی بولوی افندی صکره مفتی اولوب بعد مصره اجلا اولمشلرایدی یوحکایه
 فکرا اولندقد خریفلر باطن قاجین زیاده صالیدیلر حئی اوجی بزه دخی طوقندی دیو
 لطیفه ایدرمش شامی زاده افندی نیک تحصیل ربه صد ارنه مدخل عظیمی اولغین اول
 یابد سغی موفوری وزیر اعظم یانده مشکور ایدی مقام سابق اولان ریاست کتاب
 منصبه تقدیم واعزاز و التفات ایله فوق الحد ثوقیر و نکریم اولندی قتل قره کوز محمد پاشا
 سابقا دفتر دار لقدن معزول اولوب والد سلطانک شفاعتیه طراباس شام والیسی
 اولان قره کوز محمد پاشا منصبه عزیمت اوزر ایدی جرایم سابقه سی وزیر اعظمک معلومی
 اولغین طرف سلطنته نفوذ کلامنی تجربه ایچون مزبور کتلتی ناخیمص ایدی بلا
 تأخیر خط همایون صدور ایتیمکین ماه ذی الحجه نک اون سکرنجی کوفی قتل اولندی
 مصر خزینه سیله آسانه سعاده کلان امرام مصر دن محمد بیک فوت اولوب بکلکی خاص
 اوطه اغازدن مرز یفون حسین اغایه احسان بیورلادی وزیر اعظم سیاوش پاشا
 صاحب دار لقدن وزارت ایله جیقوب قیودانغله بیک اللی تاریمخنده اراق قلعه سنه واروب
 یجهدول فتح کلدر کده عزل اولنوب بعض ایلتلره متصرف اولوب الشمس بر رمضان صدور
 اعظم اولوب یمش کوبدن صکره معزول و بوسنه ایالتی توجیمه ایله روانه اولوب حمای
 رنج ایله مریمضا آستانه یه کلوب انحق بردفعه دیوانه واروب قرق طقوزنجی کوفی وفات ایدی
 مرحوم مزبور صلابت و مهابتله مشهور تعدی یه مائل جسور ایدیلر ساده لوح اولدقلری
 جهتن زمره علمایه چندان رغبت و محبتلری اولوب مدة وزار نلرینک ایکی دفعه سنه
 دخی زمره علمادن نیجه کبار نفی و تغریب محنته گرفتار اولمشلرایدی ناحق یه دفتر دار زاده محمد
 پاشا قتل ایتدیردیک کون بامر خدا کندوسی دخی وفات ایدوب ایکسینک جنازه سی
 بروقتله مصلا یه چقدوغی غرایب حجاز ایتدیر که تفصیلی بالاده مذکور در تجاوزه الله عنه
 دفتر دار محمد پاشا دفتر دار مصطفی پاشا نک او غلیدردیوان همایون خواجه لقلرینه متصرف
 اولدقدن صکره قیوجی باشی و بلاک اغاسی اولوب بعد ارضرومه و شامه والی اولوب
 بوجه اریه لقمون سجاغنه متصرف اولوب بعد بوسنه محافظه سنه کیدوب غایبده
 دفتر دار اولمشیدی چنار وقعه سنه ملکی قادین و شعبان خلیفه نک مالکین تفتیش
 خصوصنه مفتی خواجه زاده انهاسیله متهم اولوب بی کناه قتل اولندی وزیر مزبور
 اهل علم و قور و صاحب قضیلت و نیک خصیلت بر چلی وزیر ایدی دفتر دار لقند

صاحب وجود و صدارته استحقاقی مقرر اولغین وزیر اعظم سیاوش پاشا کندوی
 استنقال ایلدی عالم و سخندان اولغله چندان ذل و تواضعی و مدارایی ارتکاب
 ایتدوکی ایچون خواجه زاده عداوت ایدوب اتفاقله افترا ایدوب قتل ایتدردی
 حالا براوغلی واردر درگاه عالی قیوجی یاشیلرندن کور بیک دیمکله معروف سایمانیه
 قریبه اولان سرای کرکی سابق احمد اغاده در رحمة الله علیه حیدر اغازاده محمد پاشا
 پکیچری او جاغند کتخدا بیک بعد میراخور کبیر اولوب وزارت ایله مصر و بغداد
 حکومتلرینه واصل اولدی صکره قیودان پاشا بعد روم ایل بکر بکیمی اولمشلر
 ایدی قریس مرضیه علیل واستانبول منزوی ایکن خواجه زاده فتواسنه بر قاجکون
 قائم مقام اولدی اجلاس تمینده خواجه زاده ایله مشورت اولغین سلسله نامی ایله
 شهر دن اخراج اولنوب بوستانجی باشی مباحثیه چفتلکندن قتل اولندی وزیر مزبور
 او جاقدن حاصل اولغله بطل قیافت و ماریول طبیعت و بد زبان و حرف انداز ایدی لکن
 ینه نفسنده چلبیلکدن خالی اولوب محمد جلیله نشرینه نوعا مائل وارباب معرفت
 و کماله بعض مرتبه التفات اوزر ایدی حتی مصر والیسی ایکن اول وقتله ارباب معارفدن
 و مشاهیریندن روزناچه مصر شهر اب زاده بر تارنج و صاف نسخه سنی کندویه
 اهدا ایتد کده مقابله سنه اتوز کیسه ذکر برقریه محمولدن کندویه و یرمش مجوزه
 ایله مزاری سلوری طشره سنه در شیخ الاسلام عبدالرحیم افندی ادرنه ولایتندن
 ظهور ایدوب تحصیل مبانی علومدن صکره حسین خاخالی مجلسنه واروب تحصیل
 انواع فنون ایلدکدن صکره رومه کلوب طریق علمایه داخل اولمش ایدی دور
 مدارس ایدرک سایمانیه مدرسه سنه کلوب اندن یکیشهر بعد سلطان
 احمد مرحومک دارالحدیث بیک قرق طقوزشوالنده استانبول قاضیسی اولمشیدی
 اما عزیز افندی تحریری اوزر نوبت دولت سلطان مراد خاتمه بعض ارکان دولت
 همتیه آزمندله ابوسعید افندی محاسبه جیلکی ربه سفدن صدر صدارته ارتفاع
 و بالواسطه محمد و می یرینه مسند فتویه اعلا ایدوب کمال تعین واستقلال ایله نائل عز
 و اقبال اولمشلر ایدی اوجاق اغارینک هنگام تسلطلرند مراد پاشا غدری ایله عزل
 و مکه مکرمه یه ارسال اولنوب بعد اداء الحج خدمت حکومت قدس شریف ایله مشرف
 اولمشلرایدی اوجاق اغارینه ضروری مراجعت ایله عوده مأذون اولوب اسکدار
 قضاسی و یرلش ایدی اغاروقعه سی حدوث ایدوب ابوسعید افندی نک مسند
 فتویه تشریف ایلدیکنده بلقراد قضاسیله نکرار در مراددن ابعاد اولنوب دورت بحق
 سنه قدر بلقراده مشغول خدمت عباد اولمشلر ایدی سنه مزبور ربیع الاخرینک
 اوننجی کوفی ارتحال ایدوب بلقراده عمارت تعمیر اولنور جامع حرمنده متواری خاک پاک
 اولدیلر مولانای مزبور بحر زار علوم و اعتقادی پاک و صلاح حال ایله موسوم ایدیلر
 حواش کتبه تحریرات مقوله سی اثار عند التحقيق مقبول و مرغوبدر لکن صلابت
 زهد حبسیله جری و جسور ایدیلر اعیان مصره عدم ملا یمتله معامله ایتدیکندن

اکثر ناس کند و اردن تنفر ایتمش سلطان ابراهیم خان وقعه سنه صد و ایدن بی
 پروا حرکتی و حق کویاق وادی سنه اطاله لسان و ارخای عنان ایتمکه ظهور
 کلان جراتی جلد سابقه مفصل تحریر اولمشدر خلاصه کلام لومه لائیدن حذر
 و عظام دنیا ایچون قدر از کتاب ایتمز بر مرد متصلب ایدیلر رحمة الله علیه رحمة واحدة
 خواجه زاده مسعود افندی فرزند وس آشیان مرحوم و مغفور سلطان احمد خان
 حضرت تریبک الملکی و معلی اولوب بیگ اون الی سنه سنه وفات ایدن مصطفی
 افندی بیگ محمدملر بدر بین العوام بود ناز مفتی دیککه مشهور اولمشدر شیخ الاسلام
 اسعد افندی بن ملازم اولوب بحسب العاده دوزمدرس ایدر رک حلب و بروسه
 قضالریه اوغرایوب بعد انطولی قاضی عسکری اولدیلو کارداران دولت عند زده
 قوال بالحق اولقی اوژن شهرت بولغین طرف سلطنتک التفاتیه تعین تام کسب
 ایدوب مقام صدارت صاحب لری ایل و مدبران دولت ایل محاون و مشاجره
 مقامند قیام ایلدوکی یقار و لده مفصل ذکر اولمشدر طوغری سویلر بر آدمدر
 شیخ الاسلام اولاق مناسبتدر دیو قول رجاسیله مفتی اولمش ایدی خاص نهیمینی ایل
 خواجه سلطانی پایه سنی دخی احرار ایتمشرا ایدی دونما نهم زامنه سبب اولان کنعان
 پاشایی قیودان ایتمک مراد ایدر کنعان سنه کور و راز و رده حضور پادشاهیه
 مفتی افندی به شهادت ایدر مشلر ایدی قضیه بر عکس اولحق حقنه پادشاه
 عالمینه حضرت لری مفتی افندی به سوطن ایتمکه بحالنه گرفتار اولمش ایدی رجال دولتش
 اکثری حدت لسانندن مجروح اولغین بهینی یان لی محمد پاشا وزارتده جلوس تهمتی
 اسنادند اتفاق اولوب دیار بکر قضاسی نامیه نفی و بروسه ده قتل اولند و غنک تفصیل
 مر وراثتیش ایدی مرحوم جری و جسم و اولغله عامه بیننده حق کویاق نامیه مشهور
 ایدی معارف جزئی به نائل و مراسم و قوانین دعواسنه مستقل مخدوم ساده دل
 ایتمش تفل ایدر لکه اوائل طریق لرنده برادر لری ایل تحریک مدرسه ایچون مفتی افندی لره
 ایوملر ایدوب خواجه زاده لری اولق وسیله سبیل حرم همایون اغاری طوفندن هر بار
 شفاعت ایدر لر دی مرحوم محی افندی حضرت لری ابرام لر دن بیر ار اولوب الله تعالی
 خواجه افندی به رحمت ایاسونکه بوجلمیلری اوقفا مشلر بو طالری ایل بزی عاجز ایتدیلو
 یا تحصیل علم و معارف ایدر دی بولره کیم جواب ویردی دیر لایمش خلاصه کلام مخدوم
 مشار الیه احوال روز گردن غافل دولت دنیویه به افراطله مائل اولغین لغرض بر قاج
 مظلومک خون ناحق ریزان ایتمکه سبب اولد قنوی اجلدن کند و لردخی معرض
 انتقامده تلف وجود ایتدیلو وقایع سنه سبع و ستین والف شروع وزیر اعظم کوپرلی
 محمد پاشا بمهمات مصالح دولت و بیان تدبیرات آن دستور آصف منزلت سرای
 عامر ده و طشر ده حقیقت حاله مطلع اولمانلر وزیر مشلر الیهک صدن کلدیکی
 استغراب ایدوب زعم فاسد اصحابی نظر اقبان صالندرمدیلو دیلدگری کبیینه
 امور مصالحه قارشیق سودا سنه اولدیلو وزیر مشار الیه حدیجی تجاوز ایدن لری برررر

تأدیه باشلادی جمله دن سرای عامر ده خاص اوطه باشی خلیل اغا حد ائت سن
 و سال اقتضاسیله خدمت حضور هما یوند بین الامثال تحصیل استقلال سودا سنه
 اولدی یعنی صدر اعظم استیقال ایتمکین ماه محرمک اون اوچنده ایکموزا چقه قیو اورته سی
 تقاعد یله حرم هما یوندن اخراج اولنوب خاص اوطه باشلیق سرای غلظه اغاسی
 کورد سفر اغایه عنایت بیورلدی بوزجه اظه محافظه سنه اولان زما و ارباب تیماری
 بر قاج اچقه لرنه طمع اعوده مأذون ایدوب خدمت لازمه محافظه بی تعطیل و جزیره
 مزبور بی محاذیل فرنگه تسلیم ایله غیرت کشان اسلامی تحجیل ایدن ابازه احمد پاشا
 قیودان سابق کنعان پاشا ایلده هم شهری و بر آستانه بلندن منسوب بولغله سایه بجای
 شفعاده بر قاجکون مساحه طریقیه آسوده اولوب مهینی اولان قیودان مقدم ما
 آستانه به دعوت اولند قده کندوسی بوغازده قالوب شکجه پنجه مو آخذه دخی
 تحلیص کریان جان ایتمک امنیه سنه مرده عفو و امان انتظارند ایدی کوپرلی محمد پاشا
 وزیر اولدی یعنی کی اول بی ناموس و غیرتک سیف سیاستله جزاسی ویرلک دامن دولندن
 رفع الایش عار ایدر بر مصاحتدر دیو آستانه به احضار ایدوب کلدوکی کی ماه محرمک
 بکرمی اوچخی کونی ایدی بلالمان قتل ایلده جزاسی ترتیب و بوقر بیلده سائر سرکارده
 اولنلر تریب اولندی پاشای مشار الیه دولتلر و والد سلطان حضرت تریبک سایه حمایه
 لرنده ایدی لکن اصلا صاحب چقمیوب صدر اعظمک استقلالنه خلل ویرلدی خاصکی
 محمد پاشاکه ساحد ارلقدن رتبه وزاته نائل اولوب هنوز مصر دن معزول ایدی مقدم ما
 لاحاجه آستانه سعاده دعوت اولمش ایدی بغداد دارالسلام امری قرشو کوند بلکین
 عازم سمع عراق اولدی تبدیل مفتی حنفی افندی علت صحه مبتلا بیر ضعیف الحال
 اولغین ماه صفرک اونخی کونی رفع اولنوب سابقاروم ایلی قاضی عسکر لکندن منفصل
 بالی زاده مصطفی افندی شیخ الاسلام نصب اولندی شاه عجم طرفندن بعض خصوص
 ایچون ابایی چقمه سی اوازی بر قاج ایدن بر و سماع سامعه جهانیا نه طنین انداز ایدی
 هزار غر و ناز ایل طلی مراحل ایدوب بر مقدارال ارمغان و بر قاج قطر اشتر و بر عظیم فیل ایلده ماه
 صفرک دور دنده مقرر سریرال عثمانی به واصل اولدی ماه مزبورک اونخی کونی بر عالی دیوان
 همایون قویاوب ابایی مزبور بر علی بعد الضیافه خلعت فاخره ایلده پایه سریر اعلا به رویال
 ایتد کد نصیحه استحکام صلح رسنه اولان نامه سنی ووروب پیشکش عرض اولندی تبدیل
 دفتر دارباشاده سپاه زمره سی مواجب لرن طلمی ایچون دفتر داربیر کلی محمد پاشا به ابرام
 و الحاح اوزن ایدیلر سالیما نیه ده دلی برادر خانه سنه اولور دیکه جالا اول خانه وزیر مکرم نعمان
 پاشا حضرت تریبک سراینه منضم اولمشدر خزینه ده اچقه اولمغله لیت و لعل ایلده تاخیر ممکن
 اولیوب بالاخره زمره سپاه پرده بیرون کستنا خلق ایدوب دفتر دارسرایی طامشلیوب
 پخیره و جام لرنی خراب ایتدی لرد دفتر دار آرد قیودن فرار ایدوب صدر اعظمه کلوب خانه سی
 طامشلندی بگندن چاک کریان شکو ایلدی آصف و قور غضب آلود تبسم ایدوب
 بونک طالی بو در سن احوال عالمی بیلمزمیسن مضطرب اولم سافدن کان دفتر دار لردخی

یوغا ئله نی چکمشلردی سائک اولد قلمی سرائیک بفرجه جاملری ایکی اوج قات
 مهبط طور دی ضرب حجر ایله شکست اولنلری جاجی دکانه کیدوب حاضر اولان
 جاملری در عقب وضع اولنلری حق تعالی حضرت قلمی نظام احواله توفیق احسان
 لایحه دیک و زهر قهر محرعه تحمیل امری لازمدر صبر ایله کون لم دیدی امام دفتر دار مزبور
 کونه بین وصدر اعظمک دور ادور فکر نی ادراکک عاجز اولمغین اول بار کرانه محمل
 اولد یغندن ماه صفرک نصفه غزل اولنوب دفتر دارلق خلعتی باش باقی قوی احمد
 اغلیه الباس اولندی سیدی احمد پاشا شهرت و شان صاحبی قیودان اولغله کفار کسار
 اراسنده دلی ترک دیملکه مشهور والسینه خلعه شجاعت واقدام ایله مذکور اولغله
 ودخی اصلنده نبر دارلقن کلدیکی جهته او جاقدر استلریله کرم اختلاط اولمغین انلر
 وساطتیه حرم همایون اغارندن و مصاحبیدن بعضیلریله مخفیجه تذکره لشوب
 تحمیل صدارت ایچون نهانی سعی اوزره ایدی اسرار دولندن غافل و کور یولی
 پاشاک ظاهر حالنه وعدم احتشامنه باقوب استقلالنی بلین و والد سلطان و پادشاه
 جهان ایله اولان عهد و موثیقندن خبری اولیان با دالر دامن در میان ایدوب
 سیدی احمد پاشائی وزیر اعظم ایتدر مکه سزادر ختک نظر نه مهابت و رغبتی
 اولیان آدم نه ایش باشرسه کرکدر وزارت لایق سیدی احمد پاشا درکه نام
 و شانی جمله کافرستانی طوتمشدر دیو اندرون اغاری و مصاحبیری ترغیب
 و تحریک ایدر لردی سیدی پاشاک اتباعی دخی احوال بیلمز بر آلائی ساده دل
 اسیر دنیا حریفلر پاشامزه مهر وعد اولندی بو کون یارین وزیر اولسه کرکدر
 کوریل پاشا اول مقامک صاحبی دکلدر عاریت سیکلمه در دیو خلطیا نلر ایله شهر
 استانبوله سو بسو و لوله باقدیلر وید دغ بی فرغ سایه سنه اهالی مالدارلرک
 بیشجه هدایا زینی آلوب هر برینه بر مرصع و عدیله کویا فریفته ایتدیله بو کفته کو
 صدر عالیقدر حضرت نلرک سمعنه ایرشدک اختلال نظام دولته باعث اولدو غیچون
 حضور همایونه واروب ماه صفرک یکر می دورنجی کونده ایالت بو سنه نی
 سرع سکرلک عنوانیه سپری احمد پاشایه توجیه ایتدیروب بحالته روانه لوله سن دیو
 خط همایین اصدار ایدی و قیودانلق طمشوار دن معزول کن طوپال محمد پاشایه
 توجیه یورلدی بو سنه دن فضلی پاشا روم ایل ایالته نقل اولندی سیدی احمد پاشا
 مهر همایونی قوینده بیلوب طرفدارلری و سائر خلق مقام صدارته تقد مننه منتظر
 ایکن زو بازوی وزیر اعظمه اتلدیغنی کوردکری کبی مأموللرین مایوس اولدیله وزیر
 اعظم ماه ربیع الاولک نصفه ابواب انصار بده و افغ یوسف پاشا بجه سنه
 عجم ایاجی سنه ضیافت ایدی ماه مزبورک اون التخی ثلثا کوز عجم ایاجی سی استیذان
 ایچون پایه سریراعلای پادشاهی به رو بمال ایدوب خلعت کیدر لردی شاهدن کتوردیکی
 نامه ک حوایی بر مقدار هدایا ایله طرف پادشاهیدن الچی تعیین اولنان مر قوم مراد
 پاشاک قیو کتخداسی اولان اسمعیل اغلیه تسلیم اولنوب یوم مزبورده اکادخی الباس خلعت

وانصرافه اجازت یورلدی هدیه همایون بونلر درک ذکر اولنور ایکی کیلان آن بری
 مرصع و مجوهره کر و مزین عبایی ورکاب ملو کانه ایله مکمل ایدی و بر قاج بوجیه فرنگی دیبا
 و جوقه و فاخر جزایر احراملری و و لایحه لری ایله نفس مزبور الچی اسماعیل اغلی معتاددن
 زیاده سیک قدر آدم ایله عزیمت ایدوب شاه عجم ایله صفها نلر پولشوب نامه همایون
 ایله هدیه همایونی تسلیم ایلدکک اوج آی مقداری اندک مکث و قرار دن صکره
 استانبوله عودت ایدرکن بغدادده مرحوم اولدی فتنه جویان سپاه نکرار طغیان
 ایدوب حسن تدبیر ایله جمعیتلرین تفریق و اشتقیانک جزایری ترتیب اولند یغندر
 مقد ما بشیر پاشا وقعه سنه عشاء اللیله نه محتاج سروپا برهنه واج بجه کدای بی
 سرو سامانی صدر عالی شان و آل حسنجان خزینهلرین غارت ایدوب برکون
 بر کجه ده بی معارض و بی مزاحم اول خانه لردن یغما یهال اوروب خواجه کان بندر کاه
 ثروت اولشلر ایدی بغه وقعه و قوا قیه ده مصاحبان و اعیانک قتل و صلی مادده سنه
 دخی دنی و دون مفلس و مدیون بجه اسافل و اراذل خاک نکبتدن اوج رفعتیه ایریشوب سرو
 سودازده لری سیف انتقام ایله غلطان اولنجه کمال شوکت و احتشام ایله کامران اولشلر ایدی
 و هر بری زنجیه اعیان و ارکان قیافته کیروب در نکبت مقرر لری هر طرفدن احباب
 حاجاته ماتجا اولوب هر مصاحبه قارشیمغه افساد امور دن خالی دکلر ایدی و فتنه
 جویایق جمله سنک ضمیر نه طیکر اولوب عجب انجم کیسودار بمختصر قنی ساعتده
 طلوع ایدوب باشمزه کون طوغار یغما غارتیه فرصت بولایق برفتنه عطیه نه یوزدن ظهور
 ایدر دیوب سائرستان سوخته نکبتلری ایله همیشه شر و فساد حدوشه منتظر ایدیلر
 تا بنکام سیدی احمد پاشا قیودانلقدن عزل و بوسنه یه ائلق مادده سی ظهور ایتدیکی
 کبی کوشه از واده اولان اراذل و اشتقیان فرصت غنیمتدر دیو شعله آتش کبی ظهور
 ایدوب آت میداتند جمع اولدیله و صورت حقندن یومقوله غرض آمیز خلطیا ته اغا
 ایتدیله که اعدای دین و دولت فترتی یومافیمو ما از دیادده بو طرفه ابواب فتوحات غیبیه
 انسداده کورینور ایکن وکلای سلطنتک بصر بصیر نلری غشاوه غلفت ایله
 مسدودتدارک مهم امور دولته تقصیر لری نا محمد اولوب محل ناموس شهر یاری
 اطوارین همیشه کار و کسر عرض سلطنته موذی اولور اوضاعی نجبه افکار ایتمشلردر
 دشمن دیندن مراد اوزن اخذ انتقام قره دن سفره مخصر اولوب دولتلو پادشاه
 عالمیناه حضرت نلری بالذات حرکت و سفر زحمتی ارتکا بدن اجتناب یورمز لربکن
 ارکان دولت نامنه اولان بی ناموس و بی غیر نلر منع باند همزبان اتفاق اولد قنرین
 ماعد امور مهمه سفر دریایی اتمامه کمال مرتبه اهتمام اوزن اولان سیدی احمد پاشا
 کبی شعیب وزیر مخرد خلق اکا صدارت و زارت تخمین ایدر لردیو منصبی تبدیل ایله
 میاشتر اولدو غنی خدمت لازمه بی تعطیل ایتک شرط اسلامیدر ایدی سیدی احمد
 پاشایه قیودانلق منصبی ابقا و لغز ایتسه بزدن سفره کیدر یوقدر دیو بو مزحر فکلاتی
 روپوش تمشیت مراد و بومقدمه ایله فریب ایله عوام الناسی کند و شقاوت و فساد لرینه رام

ایند که صدراعظم ایسه دفتر دارک سرایی طاشکند و غندن سیاهک درون نکرده
 قساده میل اولند و غنی بیلوب و سیدی احمد پاشایی بوسنه یه اتد و غندن اندرون
 و بیرون سیدی طرفدار لری اولنلرک مکدر اولد قلربی و بوسبب ایله فتنه ایضا
 اولنه جغنی ملا حظه ایتشمیدی اچروده و طشره ده هر طائفه نك احوالی تجسس ایوب خبر
 گتوررجاسوسلری و ارایدی زمره سیاه بوفتنه یه شروع ایله جکربی خبرالدیغی کبی اولکیجه
 مغنی بالی زاده افندی یه تنه اجه واروب بعد کلام افندی حضرتلری بز وزیر اوله لی
 بز دن خلاف شرع بوضع و عرض دولته محل بر حرکت صدور ایتدی دید که مفتی افندی
 خیر جمله افعال و اطوار یکنر مشر و مع مستحسن در دید که ایملدی حسن حالری طرف
 صلاطنته تحریر و اعلام ایلاک دیدی مفتی دخی سرخجه بیلور سکر تسوید ایلاک یازوب
 مهر لیه لم دیدی شامی زاده افندی دخواه وزیر اوزن تسوید ایوب مفتی افندی
 کندی قلیله اول مضمونه برویقه ایوب مهر لیوب وزیرک الله و یردی و سلطانم بواعلامه
 احتیاج ندن اقتضا ایتدی دید که وزیر دیدی که احواله هذه اقتضا یوقدر لکن مقصود من
 وفادارلق مقامنه ثباتکری تجربه در اور تالق برقاج سنه در تقاق ایله بر بر لری فدا
 ایتکه معتاد اولمشلر طرف خلا فزده اولانلر سزیده طرفلرینه اماله ایتیمه لر حین
 حاجت احتیاج اچون احتیاطا حسن طائره سزری اشهاد ایلاک دیوب مجتهد مفتی
 افندی ایله ایمان غلاظ ایله عهد و میثاق ایتدیله بعده حاجی بکتاشک پوست
 نشینی قره حسن زاده قوجه حسین اغایه اول کیجه تبدیل صورت واردی محلی تنها
 ایوب بوجهله بسط مقال ایتدی که سز دولت علیه نك خیر خواهی و اوجا غک
 معقد سز بواکه کله حدوت ایدن وقعه لر جمله معلوم کزدر حالا کفار خا کسار بواغازه
 کادی عسکر ضبط و بر بطن قالدی ثم مقصودم دین و دولت خد منی امرینه بواخر
 عمر مد بدل جان ایتکدر کفان غلبه ایله دولته نظام میسر اولور ایسه جمله مزاحمت اولور زوالا
 و قامت عاقبت مقرر در دیدی سیدی احمد پاشا نك شجاعی معلوم لکن ظلم وعدوانی نه
 مرتبه ده ونه کیفیتنه در بیلور سز قیودانلغه و سردار یت سرحدده لیاقتی مقرر در لکن
 نظری خاتم و کالته غرضه مبنی نك طور مز صدارته لیاقتی و ارایسه بن حسن رضام ایله
 فارغ اوله یم انی و زیر ایشمونلر لکن اقراط ته و ر عدم تدبیر ایله بوقته نلر ایسه کر کدر طرف
 سلطنته تحض ایوب یرانلق اچون عباد الله نه قانلر یوتد رسه کر کدر بیلور سز وانی وزیر
 ایتکه سغنی ایدنلرک مرادی دین و دولت مصالحی کورملک دکلدر کند و اغراض فاسده لرینه
 تمشیت و پروب مال و جاه تحصیل اچون نظام دولتی خراب ایتک استر لریس عاقبت
 کاری ایشیره مشابه اوله جغنه اشتباه یوقدر بوضورت قیودانلقه قالسه ده مراد من
 اوزن استخدام ایدلر من زانی انکیچون عزل ایوب بوسنه طرفنه معزز و مکرم سردار
 ایلد م حالا فساد معتاد اولان سیاه زور باری سید نیک عزلی بهانه ایدلر بفتنه ایضا طنه
 شروع ایتدیله بواخر عمر مد بن شهید اولمقدن اصلا خوف ایتیم بو خصمه و صله جنابکریزه
 موافقت و یکچیری اوجاغنی نصیح و پند ایله ضبط ایتکه عرض دولتی صیانت ایدر سکر اولمقوله

مفسد لک جمعیتی پریشان ایدوب کاهوالمول ادای خدمته بزدخی متکفل اولم یوق
 اگر اوطاق خلقی ضبطه متعهد اولمز سکر و بز دن خوشنود دکل ایسکر نری اکاه ایلاک بزدخی
 قضا و اللقدن ال چکوب فراغت ایدلم دیدی حسین اغایه مقوله جوابلر نه دیسون جمله سن
 تصدیق ایلدی صدراعظم بعد الیوم حسین اغایک رأی و تدبیرینه و رضای خاطرینه مخالف
 حرکت ایتماک اوزن عهد ایله اعتماد ایتد یروب یمین و عهد ایله قول و قرار دنصکره
 اوطاق قوقنوزلرین ضبطه حسین اغایه متعهد اولوب یکچیری اغاسی و قول کتخد اسی
 نهانی اول مجلسه دعوت اولنوب صدق نیت ایله اتحاد و اتفاقه تعهد ایتدیله بر ماه ربیع الاولک
 اون سکر نچی کیجه سی ایدیکه صدراعظم قضیه دن خبر اولوب بوتد ارکری کوردی
 ایرنسی بختشینه کونی ایدیکه سیاه آت میدانشه جمعیت ایدوب اغالریک خانه سن
 طاشلیوب اسواق شهری قیادوب یولده راست کلد کری آدمی جیر اوقهر اخواه
 و ناخواه کندولر لخالق ایله نکتیر سواد و ایضا فتنه و فساد شروع ایتدیله واقع
 حال صدراعظمک طرفندن حضور همایونه ناخیص اولند قد سعادتو پادشاه عالمیناه
 حضرتلری وزیر اعظمک عرض و اعلامی موجبجه اول آن یکچیری اغاسیله کتخد ایکی
 حضور همایونه دعوت ایدوب اوجا کز خیر خواه دولته ر اهل فسادک زاله سی و منعی
 خصوصنه سز دن کلی خدمت مأمول همایوندر دیو مو کد تنبیه ملوکانه بیور دیلر
 انلر دخی سمع و طاعة دیوب طائفه بکتاشیانی ضبط و ربط ایله مقید اولدیله جمعیت
 ایدن مفسد لک یکچیری کروغنی دخی طرفلرینه اماله قصد یله یکی اوطه لره واروب ذکر
 اولنلر مغلظه ایله قریب ایله انلر دخی هوادار لغه دعوت و وادی فساد موافق اتحاد لری
 اچون اظهار نیاز و ضراعت ایلدیله لکن طائفه بکتاشیه ضابطلریک نصیح و پند یله کار
 بند اولغین بی ایجاب موجب حرکت ایله باعث فساد اوله حق وضعه متابعت ایتدیله
 اول بواله و سلی مایوسا اوطه لردن رد ایتکه مقام رضای حضرت پادشاهیه ثبات
 قدم کوستر دیلر ارباب طغیل زمره بکتاشیاندن روی التفات کور میوب خیت
 و خسرا نلر میداندن پریشان و هرری بر کوشته نه محتق و پنهان اولدیله ایرتسی کون وزیر
 اعظم سر ایتد مجلس مشورت عقد ایتق اوزن فرمان بیور یایوب و زرا و امر اهل دیوان
 و جمله قول طائفه سنک اغالری و ضابطلری و سار اعیان دعوت اولندی اول کیجه
 وزیر اعظم و یکچیری اغاسی قوله بنوب کیجه ایله کمنه کمنه یه و ارمق اوزن صباحه ده
 شهر استانبولی کشت و کذار ایتدیله ایرتسی جمعه کون جمله ببال دولت و اعیان مملکت
 وزیر سر ایتد جمع و مجلس عظیم عقد اولند قد طرف پادشاه عالمیناه حضور تکریدن
 خط هماین شوکت عرو و ورود ایلدی مضمون شریفی بوکه محل جلوسدن بواکه کله
 سیاه استقیا سنک تعدیسی حد دن تجاوز ایدوب حق نعمتی و رعایت احترام سلطنتی
 بالکلیه فراموش ایتشلردر بومقوله استقیانک از ال لری اهم مصالح دین و دلتدن
 اولمقوله تدارک احواله وزیر اعظم حواله اولنشد ر امدی ایاعن جد خیر خواه دولتمز اولنلر
 اهل فساد معین اولیوب جزالری و یرملک خصوصنه وزیر اعظمه معاونت ایتکه حق

معنی کاینکه بجای اجرای مساعرت ایلیوب خیر دعاء ملو کانه به مظهر اوله لر رئیس الکتاب
شامی زاده محمد افندی خط شریفی بامند آواز ایله قرأت ایلیوب جمله نیک مسموعی اولد قده
یکچیری و سپاه ضابطلری و جهوزک اکثری جواب و یروب فساد و فتنه دن بز دخی بیزار
اولدق محرك فساد اولان شقیلرک ترتیب جزالی باندن اذن همایون صد و ریشنه جمله من
منتظر ایدک استقیایه رخصت و برلمکه اصلار ضامنیه قدر فرمان سلطانی ایه بروجهله
مخالفت اولنمیوب ادای خدمت جان عزیزه منتقد امر فرمان دولته لوپاد شاهه مز کدر
دیو متفق الکلام اولد قلمی رکاب هیسانه عرض و اعلام اولند قده بوانه کلنجه ظهور
ایدن و جمعیتلر ده داخل اولوب باعث فساد اولنلر تفتیش و تفحص اولنوب قتل اولنه لر
دیو قطعی فرمان سلطانی صادر اولغین همان اول کون سابقا ساحدار اغا لغندن
معزول احمد اغا احضار والای کوشکی اوکنده نظر کا ه پادشاه عیده طعمه تیغ خونبار
قیلندی انک عقبنجه جبهه جیلر کنجی خلیل اغا قتل اولندی و کنجی پو ابان
خاصکی مصطفی اغا قتل اولنوب قوجه درویش محمد پاشا اتباعندن نوری اغا قیو جیلر
کنجی اسی اولدی استانبولده واسکدارده خانلر با عیلولوب التمش نفر قدر مشهور زور بار اخذ
اولنوب سیف سیاستله کله لری غلطان و ماعد اسی پراکنده و پریشان اولد قدن صکره
آرامگاه سپاه اولان یکی جامع خان و اباجی خان تحلیله اولندی و کجه لده وزیر اعظم بنفسه قول
طولا شوب یکچیری اغاسی و سائر قول طولا شوق خدمت لازمه سی اولان ضابطلر دن
ماعد ابوک اغاری و جبهه جی باشی دخی فرمان ایله قوله بنوب سمت سمت استانبول شهرین
کز لرایدی یکچیری و سپاه و جبهه جی و طوچی و مهمتر و سائر طوایفدن جمعیتلر ده بولنوب
مشقاوتله مشهور اوللر و احد ابد و احد اله کتور یلوب قتللری عالمه عبرت نما و لاشه لری نفقه
حیوانات دریا اولدی بهندن ماعد اعسکریه دن خارج شهر لری زمره سندن بعض کسینه لکه
ارباب فساد ایله اختلاط اوزن اولوب مفسد لری خانه لرینه کتور و بقتنه و قتلر ده یغمالیتد کاری
اسایی ارادندن صاتون الوب کارا نیکله سر مایه صاحبی اولمشلرایدی و اکثر مفسد لرایله
معاشرت ایدر لردی اولقوله لک مشهور لرندن یکر میدن متجاوز کسینه نیک ات مید انده
علی ملاء الناس بیونلری اور یلوب غیر یلره موجب نصیحت اولدی والا کوز محمد افندی
دید کاری لازمه ساز که قتی چوقدن اور تالغک فتنه کاری و حیلله بازی اولوب بوانده
دفتر امینی به التمش ایدی بوسنه دفتر دار لفی و بر یلوب عجله ایله یو التمش ایدی قتل ایچون
ادر نه بو مستأجی باشه سینه امر شریف ارسال اولنمشیدی ادر نه یه وصولنده قتل ایلیوب
کله سنی در سعادت ارسال ایلدی ارضی وروم والیسی سور نازان مصطفی پاشا که اغا لر
وقعه سنده بر قاج ساعت صدر اعظم اولغله سرحد مزبور یه ارسال لیلله دفع اولنمشیدی
بامر الله تعالی وفات ایتد یکی خبری معروض رکاب شهر یاری اولغین اند و بوند اولان
مخلفاتی طرف میریدن مضبوط اولوب ماه ربیع الاخرک نصفنده ایالت ارضی وروم مرعشه
اولان مراد پاشا امدادی وزیر کورجی مصطفی پاشایه توجیه اولندی و دیار بکر ده اولان بازه
محسن پاشایه ایالت حلب الشهبان و بر یلوب حلب اولان مرتضی پاشایه حکومت شام

جنت مشام انعام بیور لندی مرتضی پاشا نیک مسلمی وارد قده اهالی شام قبول ایتمیوب
والی معزول وزیر سیماوش پاشای ابرامله کند ولره رام ایلیوب مرتضی پاشا رفع و والی
سابقه ابقا اولنمق بهاسنه طرف سلطنت علیه یه عرض و محضر ایلدی یلر مساعرت اولنمیوب
توجیه سابق اوزن ضابطلر چون نکر ارحکم عالی شان اصدا اولنوب دولت علیه دن مایوس
اوللر یله قوت قاهره ایله دخولدن منع ایچون جنک وجد اله حاضر و امداده اولد قلمدن
مرتضی پاشا دخی جمع لشکر و سپاه تدار کنده اولدوغی طرف سلطنت علیه یه منعکس
اولغین بعد کل کلام اقتضای وقت حسبیه تکرار مرتضی پاشا دیار بکر و طیار اوغلی وزیر
احمد پاشا شام شریفه و شامدن معزول سیماوش مصطفی پاشا مرعشه فرمان بیور لندی
هبد پاشا مر حومک تحریری بودر لکن واقع حال اولدر که سیماوش مصطفی پاشا ساحدار
ایکن خاتم صدر اتی کند و او با قداشلری ساحدار لقدن چقمه و زرای عطا مدن برینه
و برلمکه مراد ایلیوب ابا بنیدن وزیر اولماسنی معقول کور مز لردی و بهی یان لینک معیت
وظهیری اولوب کور یلی پاشا غلندن اکاد ایتشیدی کور یلی پاشا و زور اولدندن بر قاج کون
اول وزارتله شام منصبیه چیقوب بعد کور یلی صدر اعظم اولمشیدی بوسبیلله
ارالزنده برودت قلوب و تنافر و ارایدی و کور یلی پاشای نظراعتبار صالغدر میوب الندن
ایش کلز بر قاج کون ندر نصکره معزول اولور ملا حظه سیمیه انقیاد و اطاعت معاهده سن ایتیر
ایدی غراب بوند در که یالکتر مزبور سیماوش مصطفی پاشا دکل حرم همایندن چیقان
و سائر نامدار و وزرائک جمله سی بلکه امر و اغاواته وار کجه هر کس بوملا حظه ده اولوب
استهوار شانی یوق بویه کنام آدم نه مصاحبه قادرا وله ییلور قحط رجال اقتضای سیمیه صدن
کتور دیر دیو بقای دولته کسینه وجود و بر میوب عزلی خبرینه منتظر ایدیلر اکابناء سیماوش
مصطفی پاشا عزلی قبول ایتمیوب حرم همایونده اولان طرفدارلر اعتمادا و وزیر اعظمه
اولان تنافر سابقه مقتضای مقال و خصامه قیامه جرأت ایتش ایدی لکن
اگر چه ضرورت وقت حسبیه شامی طیار اوغلنه و یروب و سیماوش مصطفی پاشای
مرعشه کوندر دی لکن پادشاه عالمپناهه ناخیم ایلیوب خدمت پادشاهیه
علی الخصوص ساحدار لقدن چیقان آدم فرمان پادشاهی یه جمله دن زیاده اطاعت
و انقیاد ایتک لازم و واجب ایکن وزیر مشاور الیه شام استقیاسیمیه یکدل اولوب عزلی قبول
ایتمدیکندن ماعد حکم جهات مطاعه مخالفت و عصیان ایتدیککی جهندن ازاله سی لازم
و سائر لره عبرت ایچون جزاسی ترتیب اولنمق مهمتر دیو اعلام ایلیوب قتل ایچون خط
همایون اصدا ایتیه اتمام ایلدی پاشای مزبور ساحدار لقدن چقمه اولملاطال ساحدار
و چوقه دار و رکابدار و سائر مرتبه صاحبی امقرولان اغا لر غیرت جنسیت مقتضای سیمیه
صاحب چیقوب جمله سی اتفاقله مقام شفاعت قیام و تدبیر و زوره مخالفت پاشای مزبورک
عفو و اطلاقنی متضمن خط همایون اصدا رینه سعی و اقدام ایتد کاری وزیر اعظمک مسموعی
اولیحق علی الغور حضور پادشاهی یه واروب زمام حل و عقد اموری غیر بلالیدن اولیحق اتمام
خدمت میسر اولور بوند لرینک باید و غنی غیر یلر بوز محق ایش کور ملک متصوورد کادر بر کون

بر کون تهمت تقصیر ایل طعمه شمشیر او لقتن ایسه مشغله وزارتدن فراغله تعریف
دماغ اولمق اولی در دیوب مهر و زارنی پادشاه عالی جا هک یدم مؤیدینه صوندی
سلطان ذیشان حضر نلری دخی عهد سابقه رعایه بعد الیوم بر فردک کلامی اصفا
اولمق اوزن معامله لطف ایدوب وزیر تطیب اچون طو رندن مجاوزامون مداخله
ایدن بی ادبلره جزا ترتیبی وزیر تقویض بیور مشرلسان همایوندن صدور ایدن
کلام یو ایشکه سنک ایشکه قاریشک نلرک جزاسنی سکا تفویض ایلدم فجه ییلورسک
اوله ایلوب بعد الیوم ایشکه کسنه قارشماسون مداخله ایدنلرک حقلرندن کل اکرچه
اول اغا لک جزا لری وزیر اعظمه تفویض اولندی لکن وزیر اعظم صیانت عرض پادشاهی
اچون ایکی آی قدر زمان مسامحه صورتده مقید اولوب تا جمادی الاخر اواخر ده
بر کون ناکهانی رکابدار عنبر مصطفی اغا و دولبند اغاسی کورجی ابراهیم اغا قوچی با شیاق
ایله اخراج اولنوب و طوغاچی باشی عمر دخی سرای عامره دن اخراج بعد مرعش
پایه سیله تقاعد خاصری احسان اولندی ویرینه ایکنجی طوغاچی تریاکی ابراهیم اغا
طوغاچی باشی اولدی و سلحدار ابازه مصطفی اغا دخی نظر التفات پادشاهیدن
سقوط ایله اخراج اولندی و غره رجیده بروجه اریه لق مون سنجای ایله تطیب
اولندی بو موأخذ دن صکره بر فرد وزیرک تدبیرینه مخالف وضعه جرأت ایدم
اولدی تقیب الاشراف فوجیه تقیب زاده عدم استعداد سببی ایله او اخر ریح الاخر ده
هزل اولنوب خلعت منصب نقابت سید محترم محمد دوم عالی رسوم مکرر عریق الطرفین
روم ایل صدر اتندن منفصل قدسی زاده شیخ محمد افندی کتامت استعداد مادر زاد لرینه
شوق افزای زین اولدی قتل شیخ سالم مفتی مقتول خواجه زاده مسعود افندی
یار غاری و هر خصم و صدمه محرم اسراری اولان شیخ سالم نام مغریکه اون بش سنه دن پرو
رجال دولت بیننده مشهور اولوب دعوت روحانیت و تصرفات و شخصیات ادعای دیوب
اصلی یه قدن خواص حروف و اسرار جفر جامعه زعم فاسد نجه عارف پکنوردی اولمقوله
واجب الستر اولان علوم غریبه و اسرار الهیه یه مطلع اولنلر ستر و اخفا ایله مأمور
اولد قننده بیکانه ره کشف اسرار اولسون اچون بلکه تحصیل و انکار صورتده کورنیورلر
لکن اول خیمت عرب اشبه و فنون مکتومه ده کمال دعوا سن ایدوب تحصیل مال اچون دروغ
بی مروه غله کندویه استنهار و بر مشیدی بو مقوله دعاوی باطله و مغلطه کاذبه سنه
عوام الناس ایللری الدن رقی کرچکدن شهرت بولوب علمای ساده دل دخی دام تزویرینه
صید اوله رقی مفتی مسعود افندی یه و وزیرایه انتساب ایدوب جمع مالده تصنع علم کوستردی
واجب الستر اولان علوم غریبه و اسرار الهیه دعا و سنی کندویه اسناد ایدوب و اول حیل
و خدعه فننده ماهر مجد عیار روزگار اول قلمبانک اطرافنه جمع اولوب کونا کون دو زلر
قورارل دی مثلا اکابر شهر دن شیخ مجلسنده بعض کسه لرا و توررکن ککولا هلی
وزنک آمیز دولامه لی برایکی معنوع باله جی کلوب دست بوس ایدوب والد سلطان
حضر نلرندن اولمق اوزن اغا یو یامیه صاریلور حکم تدرسی شیخک الله صونوردی

ور صبرده بر قاجوزالتون قبولی رجا لدرک اوکنه وضع ایدردی شیخ دخی بازو استغنا
ایله تذکره بی آچوب او قور صبریه یا یشمز درو شلری قالد یروب بعد تذکره یه جواب
یازوب کوندر بر بالطه حیلره مصنع دوزمه دولامه و تذکره والتون شیخ طرفندن مزور
خلقه جبهه صاتمق اچون کاه والد سلطان حضر نلرندن و کاهه ارا السعاده اغا سندن
کاه صدر اعظم دن و سائر کبار دولتن بویه مصنع هدیه لرتذکره لردوزوب شهرتی
عالمگیرا یلدی حاضر بالجلس اولان احقر خصم و صا طرف دولتن رجاسی اولان مغبونلر
بودام تزویر الدانوب شیخ افندی ک نه مرتبه علو شانی وارد کرکه بو قدر التفات مظهر
اولدی ماملکنی بدل ایتدکن صکره دین ایله شیخ اوب شیخ افندی یه باغامایاغ هدیه لر
ویرلردی اول دخی هر برینی مواعید عرقوب ایله الدانوب قوردوغی دولایله انتفاعه مشغول
ایدی بر طرفه مسخره عرب ایدی ایلر نده بر مقلری جمله ایکیشری غوم اولمقله حضرت
ابوبکر رضی الله عنه نسلندن اولمق اوزن ادعا ایدردی عرق طاهر نبویدن و احباب
گرام و اولیای عظام نسلندن خلقتلری و شکل و شمائلری نقص و عیبیدن خالی
اولمق شرط در مکر صکره دن برافت سببیله نقص ترتب ایش اوله قضیه بویه ایکن
مزبور عرب نسل صدیقندن اولدوغنه بعض غافلر اعتقاد ایدوب نقص ذاته دلیل اولان
هقل و انامل نقصاتی کالنه حمل ایدوب مزبور عربک شیطانی بیکن التمس دورت
سنه سی و قابعه من کوردر کرکدن و میران حریردن و سرجه اتدن یه میه بیکن آنچه قدر
وظیفه سید ایشیدی کورولی یا شاضرورت خزینه اقتضا سیله جمله وظایفی یوقلمغه شروع
ایش ایدی اولو جمله کرکدن وظیفه سی اولنلردن صاحب سرمایه و غیر کار و کسبه
قادر و واقفدن یا غیر جهتن جهت معیشتی اولنلری بالکلیه قطع ایلدی غیر وجهله
معیشتی اولیانلری استحقاقه کون ابقا ایلدی و دوشن محلولک ایکی آنچه سندن ماعد اسنی
ویر مزایدی و میران حریره و طشره محاحه لده اولان دعا کوی عموم اوزن رفع اولنوب
حق تعالی حضرت نصرت و وسعت احسان ایتدکر هر کس کلسون هالنه کون احسان ایدلم
دیوب جواب ویرردی اول یوقلمه اراستنده شیخ سالم صدر اعظمه کلدی و برائتینی میدانه
دو کدی صدر اعظم دیدیکه استانبول کرکندن ایکیز آنچه ابقا ایکن شیخک معیشتنه
کفایت ایدر قصور قلان التیوزیدی آنچه خزینه مانده اولسون عرب غضبه کلوب پادشاه
احسان بیدر نچون قطع ایدر سرزدیدکر صدر اعظم رفقه معامله ایدوب سفر اینسک
کرکدر و هم خزینه نک مضایقه سی واردر شمد بیک بو مقدار ایله اکتفا ایله انشاء الله وقت
و سعته یه اگرام نمکندر دیدی اما عرب بی ادب خوف و خیال پرده سن چاک ایلش مجلسدن
فرایوب بزرگزی کورنشلر دیو مرلر نه رقی چیه قوب کتدی صدر اعظم نسم غضب آلود
ایدوب عسس باشی ذوالفقار اغایه هانی ننبیه ایتدردی عربی قاپوب طر قازلر خلاف شرع
اوضاع و کلماتی صدر و ایتدی دیو طرف پادشاهی یه ناخیم ایدوب اول کچه بو غوب دریایه
آتدیلر مزبور عسس باشی ذوالفقار اغا دیرکه صکره پیر لکی عالمده بیکجری اغاسی اولوب
وزارت نائل اولمشدر اقل متیقن اوزن مزبور عسس باشی یه یله دورت بیکن متجا و زادم

قتل و در پایه القاولند و غی کند و سستی عمر مملینه سویلرا یش صلب بطریق استانبول
 روم بطریق اولان مفسد افلاق و یزیده سی اولوب قسطنطنین نام پلیده القای فساد
 متضمن اکاذیبه ملوک و نرد یکی ورقه باطله طو تیلوب خیانتی ظاهر اولیحق کند و یه
 کو ستر باب سوال اولند قده جوانده هر سفته صدقه تحصیل اچون بومقوله کاغد کوندن
 گکشن درد یواقر ایتیمکین یرمق قیوده صلب اولندی ملعونک کاغذنده اولان مضمون
 یوکه مدت دورا سلام تمام اولغه از قاشدر و لوله دین عیسوی نکرار عالمگیر اوله جقدر
 اکاکون تدارکده اوله سز عنقریب جمله ولایتلر مسیحیلر الله کیروب اصحاب صلیب
 و ناقوس تمام ممالکه مالک اولسه کر کرد یش خذلهم الله تعالی بوندن ماعد استانبول
 واقع اولان فتنه لده و اخر اقلده متین و توانا کفره لدولامه و فسی کیوب بکچیری قیافتنه
 کیروب یغما و تالان و امت محیه اضرار و اهانته جرأت ایتد کاری اولوقته غایت
 مشیوع بولمشیدی بطریق اخذ اولند قده منزلی با صلوب قرق الی قات دولامه و فسی
 و بکچیری اوسکوفی چیقوب بولکلامی تصدیق ایتیش اصلی نفخص اولند قده فنار قیوسنی
 بکلین چور باجی نفراتنکدر دیو دفع تهمت ایتیشلر و وع تدارک سفر از با نب بحر و بر
 و اخراج توغ پر فروغ دست استیلای کفان کر قنار اولان جزیره لک استرداد
 اهم مهمات دین و دولندن اولغین دریای غیرت پادشاهی جوش و خروش ایدوب
 قره دن سفر امر مقرر اولغله اجتماع عساکر و تدارک لوازم مهمات ذخائر اچون ممالک
 محروسه یه فرمانر ارسال اولنوب تنفیذ عسکراچون سورجیلر و صورسات و بدل
 نرول جهنمه تحصیل ادر کوندلمشیدی سنه ۱۰۹۷ جمادی الاولیسنک طقوزنجی کونی که
 شباط رومینک یکر می اوخچی کونی بازار ایتسی ایدی دعاوشالیه توغ همایون چیقوب
 باب السعاده اوکنده جبه خانه مقابله سنک نصب اولندی توغ اخراجی اچون مبارک وقت
 اختیار اولنش دونمای همایون تدارکی اچون دخی بذل مقدورده قصور اولنوب زمان قلیله
 همت ملوکانه ایله مجدد الشمس پان کی یا بلغه اهتمام ایله شروع اولنش ایدی کفر کیلری
 یوغازه کلزدن مقدم دونمای همایونک اخراجی معقول کورلکله ماه جمادی الاولینک یکر می
 صکرنجی کونیکه مارتک اوخچیسی ایدی هوا لرقار و رودتک شدتدن فصل زمهریره مشابه
 ایدی هنوز تمام اولنان سفینه لردن او تو زالتی چکدرمه دورت پان ماونه کفایت مقداری
 لوندات جنگ اور بکچیری و سائر عسکر جبه خانه و مهماتلر ایله مال دونانوب قیودان
 وزیر طوپال محیه پاشا جانب بحر سفینه ارسال اولندی باشد ادره لرنکیمیل اولنه جوق کیلر اچون
 الیقوغله قیودان پاشایک کیمنه سوار اولوب اوچ فنار نصب ایتیشیدی مصحوب
 سلامت بوغازدن چیقوب ساقر جزیره سنه وصول بولدوغنک خبری ماه جمادی
 الاخره ده وزود ایلدی نصرت دونمای همایون قیودان پاشا ساقرده دورت بش کون قراردن
 صکره ردوس جانتنه بادبان کشای عزیمت اولوب استاذ کوی قرینده انجیر لیمانده مصر دن
 کلان ذخیره کیلرین شکار ایتک اچون در کین اولان مالته قورصانلرین نامد ارایکی یوک
 قلیونه راست کلوب بر مقدار طوب جنگندن صکره بری پروبال شکسته میدان جنگندن

و برین زنجیر نسخیه گرفتار ایدوب لکن طوب دلنه لری ضربندن هر طرفی زخم از اولغین
 غرق اولوب یوز سکسن قدر کافر اسیر اولوب یتشه قریب طوب نصیب اسلام اولدی پاشای
 غازی تحریک رأیت سرافرازی ایدوب لریوز نام مختصر اطه لیمانده لنگر انداز قرار ایتد بر عظیم
 قلیونه راست کلوب اوج ساعتدن زیاده زمان طرفیندن طوب جنکی اولوب یالکر
 قیودان پاشا باشد ادره سندن یکر می قدر غازی شهید و سائر کیلرین دخی وافر مجاهدین
 عالم وجوددن نابید اولدی قلیوندان اولان ملعونلرک اوجیوز قدر ملاح و عسکرک
 اکثری نکو تسار حفره نار اولد قدن صکره بر طوب دانه سی باروت خانه سنه راست
 کلوب پس مانده طوب و تفنگ اولان محاذیل فرانک کیلر یله موج بحر و آتش قهرار اسنده
 گرفتار عذاب بحیم اولدی لری کی قیودان و پرقایح اصحاب نام و شانی اسیر اولدیغنک خبر بهجت
 اثری واصل در اقبال اولوب مصباحنک فاحه سی بویه ذخیره اولدوغی حسن حاتم اولاجفته
 براعت استهلال شکله مبارک فال طو تندی عبدی پاشا دیر که ایکی بان کافر قلیونی
 اوج قطعه ذخیره کیلرینی اخذ و گرفتار و بر لیمانده قرار ایتد کاردن قیودان پاشا خبردار
 اولوب تجسس ایدرکن بر لیمانده دخی بر مکمل کافر قلیونه راست کلوب پان و یرمیوب
 بعدا محاربه نسخیه ایلد که ایمنه آتش دوشوب بغته قتل و هلاک اولان نفوس خیمته دن
 غیری خیمه کفره اسارانی میری سلسله سنه قید ایدوب محل معرکه ده فورسه لری دوشن
 بکره اسیر و یرمیدی ایکی کوندن صکره اول ذخیره کیلرینی لان قلیونلرک اولدی بقی اطه
 لیمانه وصول بولوب اخشام و قنی اولغله لیال اغرنده لنگر انداز قرار اولوب جنکی ایتیه
 حواله ایلدی مکر تیانک اوتنه جانتنه بر یوغازی واریش کفار قلیونلری ایسه
 چیقوب قاجش لرایدی والد قری ذخیره کیلرینی انده بر افشار قیودان پاشا علی الصبح
 قضیه دن اکاه اولد قده ذخیره کیلرینی قبض ایتد کدن صکره فرار ایدن اول ایکی
 قلیونک عقب لرجه مسارعت ایدوب یتشدی امامقد ما واقع اولان قلیون محاربه سنده
 فورسه سی هلاک اولان بکره اسیر و یرمیدیکندن ناشی بکر کندودن متالم اولوب
 انواع تعلل و بهانه ایله اوزرینه وار میوب صکره تعویق ایتلری ایله مزبور قلیونلر انکیمنه
 طه غری آجیلوب قرار ایتدی بوحکایه حخته اقر بدر و الاسلام علی من اتبع الهدی وقعه
 احوال دونمای همایون و کفار و محاربه عظیمه در جزیره کربد کریده اولان
 عساکر اسلام اوزرینه قلعه دن و دریادن بکر می بیک قدر کافر چیقوب آتش حرب
 و قتال دورت بش ساعت ممتد اولوب طرف اسلامیان دن انجق بیک قدر مرد
 میدان هنر سر مست رحیق شهادت اولوب اون بیکدن زیاده خنازیر عازم بیس المصیر
 اولوب میدان جنگده قاطرجی اوغلی محیه پاشا جلیتمنه مضر اولان شجاعت
 و هنری اظهار ایتدی کی خبری جمادی الاولیده وصول بولوب باعث سرور اهل اسلام
 اولمشیدی بحکم خدادونمای اهل اسلام مبتلای انهمزام اولد قدن صکره قیودان مشرکین
 لعین بر دین او تو زدر چکدرمه ایله قندی یه واروب پرقاچکون توقف و آرام و مهمات
 جنگ و قتالی تمامد نصکره بر کون وقت فحاده اون بیک قدر پیاده و سوار یلله قلعه دن

چهارم قراول خدیو متعهد اولان غزاة اسلام اوزرینه حواله شمشیر انتقام ایدوب بازار جنگ
و قتال کرم اولدوغی خبری سر عسکر حسین پاشایه وارد اولیجق عامه سپاهه ابلاغ خیر
استفسار و کندوسی بی توقف اول جانبیه ایغا ایدوب کندوی مانند اتر در صف کفان
اوروب سر بازان طرفین بیننده بازار حرب و جنگ اوج ساعت ممتد اولوب مخازیل فرنگ
میدان جنگده مغلوب اعازم حصار ویدی متعین قیودان و افراد عسکر دن ایکو ز زبردست
کافر اسیر اولوب بر قاچیموز دخی جان بر جهنم درجات سجینه عزم ایلدی طرف اسلامیان
دخی اولوبینه سجاغندن معزول عمر بیک و روم ایلی اوجاق زاده لریدن بر قاجی عزشها دته نائل
اولدیلر کافر چکدرمه لر مغلوبا کریددن دونوب ساقز اطرافنه برقا چکون سایه انداز
محوست اولوب مصر دن کلور پرمه و شایقه لره سدره و التیسی گرفتار وایکینی
قیام ایتد کد نصیحه قیودان پاشا نک استانکو وید ایدو کندن خبر دار اولغین بی پاکو بی
پرو اول جانبیه طوغری بال کشای بادبان اولمشیدی قیودان پاشا بالاضرون دفع صائل
ملاحظه سیله ردوسه کیلوی یا غلق مناسبی اول معقل عظیمه تحصینه بهانه ایتدین
ملا یین تکرار ساقز طرفنه کلوب جزایر سمتدن تخمینا اوتوز بیک کیل مقداری
بغداد ایله ساقزه کلور کن بر قلیو فی اخذ ایتدیکله ساقز اهل یسینی خاطر پریشان ایتد کاری
خبر مو حش و وصول بولدی وقعه سفاین جزایر اوصاق کیلوی دخی مأمور اولد قلوی
اوزن دونمای همایونه ماحق اولق قصد یله دریایه چقمق شیر ایدی ایچلر دن سکر پان
قلیون سائر لر دن پیشبازلق ایدوب بواشاده س قزده یکی قلعه اردنه
بی پروا لکنر انداز اولان کافر دونمسانه صباح قران غنمه مصادف اولوب اهل اسلام
دونمسانی اولق تخمینیه بی تحاشی یقین وارد قلر دن عکس قضیه معلوملوی اولدی امانه
چان روز کار دخی ساکن اولوب کفار اول ساعت حرب و قتاله مباشرت اید یجک غزاة
مسلمین دخی بذل مقدورده قصور ایتدیموب تحصیل نام و نیک ایچون ملا عین فرنگه رستمکه
شویله جنگ ایتدیلر که صفحه زمرد قام دریا خون کشتن لیل اهل رنگ اولدی بر قاچیموز
نفوس خیمه بی طعمه طوب و تفنگ ایتدیلر بشیموز دن متجاوز مجاهدین دخی شرف
شهادتله عزم جانب علین ایلد کد نصیحه اوج قلیونلری دست کفان گرفتار و اوجی
دخی صاحب لری عملیه احراق بالنار و بری غرق دریای خونخوار اولوب فقط بری بعون الله
تعالی مساعده روز کار ایله صغاجق طرفنه چکدی مکر سفاین مصریه دن رضا و امتعه ایله
پربارون بش قدر شایقه ممانعت کفار ایله صغاجق لیکنده طرح لکنر انداز قرا ایتدیلر لیکن
کفار خاکسار خبر دار اولد قده اوزر لینه واروب مقدم مامور کد دن خلاص اولان جزایر
قلیو بی ایله اول قلیونلری دخی زنجیر نسخیره گرفتار ایدوب شایقه لر دخی ضبط
ایتدیلر بلا مبالغه شایقه لره اولان اوج یز بیک غرو شلق مصر متاعی ملا عینک قبضه
اضرار لرینه داخل اولدی صغاجق قلعه سنک اهل یسینی ملا عینک بوجله هجومند ن
اکاه اولد قده بر کون مقدم اولاد و عیال و خفیف الحمل اولان ماللری ایله اطرافه
پریشان اولغین ملا عین قلعه ده پسمانده اولان اجمال و اثنالی بی مانع و مزاحم پسمان

و تالان ایدوب حاشا رغما جامعی دخی ویران ایتدیلر بواشاده از میوزدن عسکر ایشیکه
ایکی اوج کون جنگ فروان اولوب ایشیکوزدن زیاده کافر عازم ناز سقر اولوب التیس
قدری اسیر اولد کد نصیحه ملا عین حاجی قلعه یه آتش القالیدوب شایقه لر دخی احراق ایله
افنا ایلد کد نصیحه یه سفاین مخو سه لینه کیروب ساقز طرفنه رجعت ایلد کاری
خبر کد ورت اثری کلوب قلوب اهل ایمانی مغیر ایلدی خان دست و قیچان برمدن
برو توافق و اتحاد اوزن اولق ایله قرداش قراخی عتوانیله مشهور افاق اولان طانقده
طانغیه خطمانی درگاه مراجع دستگاه سلطانی یه عرض و عبودیتی متضمن ایلمی
کوند روب طرف عالیدن افلاق و بغداد و یوده لینه اولد یغی کبی زردوز دن بورک
وتوغ و علم احسان بیورلق رجا ایلدی لکن اول بد نهاد ک اظهار ایتدیکی صورت
انقیاده چندان اعتماد اوتیموب اکا احسان خان تان کران کلور ایدکی نمایان اولغین
مسوولی مقبول اولیموب همان خان طرفیه حسن معامله اوزن اولسون کدانلر ایله اولان
دوستلق یه بو طرفه راجع در دیور د جواب بیور رلدی فی رجب المرجب تبلا یلان
مناصب علیه اوائل رجب انا طولی پایله سیله قاضی استانبول اولان عبد الرحیم زاده
اقتدی اهل سوقی رهیب ملا خطه سیله حاجی بکتاش کوچک لر دن بازار نا شی اولان
شخصی بنیکچری دوکم بازار چی دو کرم دیو علی طریق التجاهل ضرب عصا ایله نادیب
ایتمکین بکتاشیه بیور لری مقام خصومت قیام ایدوب یکچری زمهره سنی ضابط لری
نادیب ایتک قانون قدیمدر سائر شهر لری رعایا کی قاضی قلعه سنه کیروب دکنک یلک
نه دیمکدر دیو عظیم کفتمک و ایتدیلر یه توسط شفعایله نفی و احلا دن بدل عزل ایله اکتفا اولندی
فی غره شعبان ماه مزبور ک اوجی کونی روم ایلی قاضی عسکری شعبان اقتدی عزل
اولوب صدر اعظم حمایه سنک اولان انا طولی قاضی عسکری بولوی مصطفی اقتدی
صدارت رومه نقل ایلدی و استانبول دن معزول عصمتی اقتدی انا طولی قاضی عسکری
اولدی قدم طریقلری و ارایکن محروم اولد قلوی جهنم تطییب استانبول دن
منفصل ملقب بستان زاده یه صدارت انا طولی پایله سی و عم زاده سی صارق النجوم
چلی یه استانبول پایله سی اولوب ارپه لقلری دخی تبدیل اولغله نو عالم کرام و نجیل
قیلندی قدس شریف منصبی خط همایون ایله حسام زاده یه ابقا اولوب چاکر اغازاده
نامنه و از میر منصبی منشوری تحریر اولندی اخراج موجب صدر اعظم اگر چه مصارف
اسرافاتی تقلیل و دعا کویان و زواید و طایفی قطع و تنزیل ایدوب مقاطعات
اموال امر نه نجه تصرفات نافعیه شروع ایتدی لکن خزینه ده نقود موجود
اولیموب یکیدن طویل و سائر مهمات ایله بو قدر سفینه اقتضا سیله ترسانه
مصارفی حد دن افزون اولوب قره دن سفر تدارکی ایچون دخی بو قدر مهمات مضایقه سی
سببیه زمهره عساکره موجب ایچون نقود اقچه ناکنده زیاده اضطراب چکوب
حصولنه بروجله امکان اولم مغلله شیخ الاسلام اقتدی بالی زاده و قاضی عسکر
بولوی مصطفی اقتدی ایله مشورت ایدوب نهائی طرف سلطنت علیه یه عسرت

اعلام اولوب بالا سپاه و بکچری و سار طوائف عسکره علی الفور مواجب لری ویر لک مقتضی اولوب خزینه ده حاضر لجه اولوب تدارکی بوجه له ممکن اولمغله اندرون همایون دن استعراض طریقله بوقوللرینه اوج بیگ کیسه اچقه امداد اولمق رجا اولنوردیون اخیص ایلدی و حضو رهمایو نه واروب صدر اعظم و مفتی افندی و روم ایل قاضی عسکری اداسنه تعهد ایچون تمسک مهر لوب خزینه اندرون اوج بیگ کیسه دین المشرایدی ماه شعبانک سکرخی ثلثا کونی دیوان همایونده ریح مواجی چیقوب بکچری طائفه سنه توزیع اولنور کن سعادت تلو پادشاه عالمیناه حضر نلری وزیر اعظمه بوجه التفات واجلال بر سمور کورک و بر صمخ خیر مصاحب اغایله ارسال پیوردیور صدر اعظم دخی اولحلل مقام صدر دن قیام ایدوب تعظیم ایل کورکی کیوب و خجری طائفوب اسلافندن زیاده نئل عز واکرام و مظهر استقلال تام اولدی عزل مفتی بالی زاده شیخ الاسلام بالی زاده افندی رعایت مر اسم طریق قیدندن از اده لابلالی شرب اولدوغندن مقام فتواده قراری معقول کورلیوب ماه شعبانک طقوزخی کوننده عزل اولنوب منصب مشیخت اسلامی و وزیر اعظم تعریف و تریه سیله روم ایل قاضیه عسکری بولوی مصطفی افندی به عنایت پیوریاوب سید صنعی زاده روم ایل صدرینه نئل اولدی مفتی معزول اریه لقی تعیین اولنان فلیبه قضاسنه اجلا اولنوب اون کونلک غلطه قضاسیله بر میند اولان محمدومی دخی رفا قتلله مأمور اولدی عزیزی افندی تحریری اوزن بالی زاده افندی علمای گرامه لازم بلکه واجب اولان منانت و قاردن خالی بین الما خذرنه لابلالی اولدوغندن ماعدا قلم توجیه نل چند ان رسوخ ضبط لری یو غیش تفصیل عزیزی افندی تاریخ مندرج بر سلسله مدخوله ترب ایلدی کندن غیری استانبول اولان اللی قدر سقایه و تریه بی خارج نامیه دون سن البلوغ صمیانه تقسیم ایدوب طریق علمیه بی برهمزده هرج و مرج ایتد کاردن غیری عزیزی افندی شکایت ایدراعدا سی بومقوله توجیهاتی جلب مال غرضنه حل ایتد یلر کند و لر زمان حکو متنده المدن کلیدی قدر اصدقاوا شتالرمی قیرمغه سعی ایدرم خلایق نه دیر لسه دیسوتلردیر لایمشر بونیت کوزل علوه مت علامتیدر لکن بر جهت معتدله ایل اولمغه محتاج ولیاقت واستعداده دخی رعایت شرطدر که توجیهاتی مدخول اولان دولت اولرک حل و عقدی مدوح و توجیهاتی مناسب استر تا که بعد زمان چراغ لری مطرود و محزون اولیه مفتی فیض الله افندی نلک چراغ لری کبی طریق علماده اولان توجیهات حالا مقام فتوایه تشریف ایدن افضل الما آخرین زخرا الکملین عریق و حسیب سید علی افندی حضر نلرینک توجیهات و نصرفا نلری کبی اولمغه محتاجدر که هر حاله اعتداله کون ذات و زمان استحقاقنه ده رعایت پیوروب جمله منصب لرنه و صدرینه تشریف لرنه و حالا فتوایر نه برامعقول و جیحی صدور ایتدوب عفت و زاهدتله عالمان بینندن مهر وف و موصوفلردر و هر طریقک رجا لنه توجیه مراتب مناصب نه مقدار قلت اوزن اولور ایسه اول طریق مضبوط و اهالیسی عزیز اولور جمله طریق یقار یویه مضبوط اولسه عالم تیر منتظم اولور دیر لر وقعه قورقور مصطفی پاشا وزیر مشاور ایله ساجدار لردن چقمش

ایدی اغاز وقعه سی عقبنده سورننن مصطفی پاشا برینه قیودان اولش اینکن اختلال وقت سببیه قیودانلندن استعفا ایدوب بدل مال ایله مصر منصبی تحصیل ایلدی بکی بالاده مسطور در اوائل شعبانده صدر اعظم کوریل پاشا اعلامیه مصر حکومتی سیواسدن معزول اولان شهسوار اوغلی غازی پاشایه احسان اولنوب سلفی وزیر قره مصطفی پاشانک قتل ایچون خط همایون صدور ایلدی باغی بوکه مقدمه محبر و ایتدیکمز اوزن سیدی احمد پاشا حلبی محاصره ایتد که مزبور قره مصطفی پاشا حلبیه محصور و دست تحکم حلبیانده مأمور اولوب صدر اعظم کوریل مجد پاشا اول تاریخده معزول سیدی اوردوسنه بولنشییدی قره مصطفی پاشا طرفندن بعض مرتبه قول و فعلی آزرده دله اولمشیدی حلبیه محصور اولوب سیدی احمد پاشای دخیولدن منع ایلدی کبی فرمان خلیفه روی زمینه مخالفت محض عصیاندر دیولنوم قتلنه فتوی ایتد یروب ازاله سی ایچون خط شریف تحصیل ایلدی و قره مصطفی پاشا مصر دن کورکن شامه اوغرا دقه قتل ایله سن دیوتا کم شام طیار اوغلی احمد پاشایه حکم همایون قطعی المضمون ارسال ایدوب اجمال واثقانی و دواب و بغائی ضبط ایچون میراخور کبیر اغامباش کوندریوب آستانه ده سراننده اولان موجودی طرف میریدن ضبط اولندی وزیر مشاور ایله کبرادری و سائر خیر خواهر لری مسارعیتله کندویه خبر اوچروب بوخبر موخس مصطفی پاشایه جسر یعقوب نام منزله وارد اولغین الحق او توز قدر آدم ایله طرابلس اوستندن شامه کذار ایدوب حمصه اتباعنه ملاقی اولدندن صکره نامعهود یولدن حلبی دخی یکوب پنجه طلبکارندن تخلیص کریان جان ایتک رچاسنه صالت و سبکبار آستانه سعادتیه متوجه اولور مکر میراخورده یو خدمته اقضایدرسه امداده اعانت ایلیه و یو محافظ حلب ابازه حسن پاشایه امر شریف واریش میراخورا ثنای طریقه ناکهائی مصطفی پاشایه راست کلوب عرض مدعا یه اقتداری اولدوغندن بر غیری خدمته مأمور ایدوکن اظهار ایدوب یکوب حلبه جان آرمیراخورا غاده کند و قتا ایچون قرمانلر اولدوغی مصطفی پاشانک معلومی ایدی حتی مقر بلردن بعضیاری یناشتوب سلطام میراخوروی طوتوب صویالم اوزرنده اولان اوامری الالم دید که عاقل وزیر اولغین رضا ویر میوب دولت خدمتکارینی صویوب عرضی بیعق ناموس دولتی هتک و بومعنا یه جسارت ابلک عصیان تهمتی تصدیقدر موجب قتل بزم جرمنزده یوقدر جناب حقندن نجات مسئولدر دیوب میراخور تعرض اولغی تحویر ایتامش میراخور برق ططف کبی حلبه واروب حکم شریفی حسن پاشایه ابصال ایتد که حسن پاشانک دخی محاصره وقعه سنه مصطفی پاشایه غیظ مضمری اولغین اخذ انتقام ایچون اولساعت سپاه آراسته ایله حلبدن چیقوب مصطفی پاشایه اخذ ایچون سرعت ایله یوله کوردی کی اخبار موخسه مصطفی پاشایه تعاقب ایدوب حسن پاشانک پنجه هجومندن تخلیص جانه امکان اولما مغین قونیه یه واصل اولدوغی کون تبدیل جامه و دستار ایله بر قاج برار خدمتکار ایله بر رخس صاعقه کردان سوار اولوب زر خالص العیار ایله ملو بر پیراهن و فترا کورنده بر رهکبه پر ز سبکبار فرار ایلدی

حسن پاشا ایرشد که گوردیکه مصطفی پاشا رجال الغیب صخره و نه مالحق
اولش احوال و احوال و جمله خزینه سن ضبط و دفتر ایدوب میرا خورایله طرف سلطنته
ارسال ایلدی حلب انیالترینک بعض کاروانلرندن مسموعدرکه ابازه حسن پاشا اگر چه
امثالاللامر مصطفی پاشای اخذ ایچون یوله کیردی لکن کندودخی صدر اعظم دن امین
اولمغله برنامد اروزیرک قتل تمهتیه تلویت عرض ایلک نه عشقه دیوب خفیه فرار اید سن
دیومقد مجه خبر کوندرمش مصطفی پاشا لک فراری اولیه اولسه خبردن نشأت ایلش اولور
بوروایت عقله ملاییدر صکره ابازه حسن پاشا وقعه لری مصد قنر بویه نامد اروزیری قتلنه
ما موراولان وز راومباشین با انتقام الهی دن خوف و یا بومقوله کارمکرومه بولنقدن ابا
ایتدکری چون کندونک علمی یق شکند نازکله خبر او چوروب فرار و نجاته سبب
اولد قری قتی چوقدر حنی بعضیسنک محرم خد متکاری افندیسنه خیانت و شخص
مبعوضه دوستلق شکند خبر او چوروب خلا صه سبب اولدوغنی کور مشردرمع
هذا اول خد متکارک خبر ارسال ایتیه سی افندی سنک کز لوجه اذنیله اولدوغنه شک
یوغیدی تنه کیم محله مفصلا ذکر اولنسه کرکدر و نفسنه برمدوح اشدر مشار
ایله قره مصطفی پاشا استانبوله خفیه واصل اولوب نیجه ییلار کوشه اختفاده
منزوی اولوب محمد و ملری فضل احمد پاشا زمانده مظهر عفو اولمشدر تنه کیم تفصیل
کاسه کدکدر رفتن کوزیل محمد پاشا بجانب بوغاز قیودان پاشا آق دکره ارسال
اولندقد نصکره مجد دا احداث اولنل سفیندن تکرار اون طقوز قلیون و اون ماونه
واوتوز چکدری ایله باشتی ده مهمات لازمه وزا دوز واده ایله ملو اولدی سکبان باشی
چوبان قاسم اغا ایله برقاج بیگ یکجیری دلاوری وضع اولنوب و سیاه و ساحدار دن
ترقی شرطیه ایکی بیگ سردنکچدی یازیابوب یوز اللی پان قدر غهیه و فرقه یه
طولدیریابوب شمس پاشا زاده باشتی ده ده قیودان و کیلی اولق اوزن باش و بوغ نمین
اولنوب صدر اعظمک حرکتندن مقدم بشکطاش اوکنه چقمشیر ایدی ماه شعبانک
یکرمی اوچنی کونی بوغاز جانبیه رولنه اولدیلر ماه شعبانک یکرمی دورنجی پخشنبه کونده
وزیر اعظم سردارلق خلئی ایله اجلال اولنق ایچون عرض اوطه سنه پایه سریر
اعلایه رویال ایلدی مزید عنایت خسروانیدن قانون قدیم اوزن باشنه ایکی قطعه
مرصع سرغوجار نصب اولنوب ایکی خلعت فاخره بری کورکلی و بری ساده کیدیریابوب
صنجات شریفی کند و الیه الیمه تسلیم و حصول فتح و طفر التماسیه بالذات لسان
همایونلرندن دعای اجابت اثر تقدیم اولندقد نصکره سردار عالیشان کریان و نالان
حضور همایوندن وداع ایدوب دارات واحتمشامیه الای ایله سلوری قیوسندن
چر یجیلر چایر نه ضرب اولنلن او تاغ نزل ایتدیلر رکاب همایونده قائم مقاملق خدمتی
بوغاز محافظه سندن دعوت اولنلن عنکبوت احمد پاشایه توجیه اولنوب کورکلی
خلعت فاخره الباس اولندی شهر رمضانک غره سی پخشنبه کونده صدر اعظم
وسر دارمکرم اوردوی همایون ایله چر پی چایرندن نهضت و جمله یکجیری والی باوک

خلقی ضابطلری ایله و عومماز عمار باب تیمار ایله متوکلا علی الله تعالی بوغاز جانبیه عزیت
ایدوب اول قوناق قره قالد رمه نزل اولندی و اول منزلت یوقلامه اولوب مأمور اردن موجود
اولیان متفرقه و چاوش و زعمانک دیولکری آخره توجیه اولندی قسطنطونی دیارندن مجد
صادق نامند برعاید زاهد کسنه صدر اعظمک معققدی ایدی پادشاه عالمیناه حضر تلرینه
دخی بولشوب دعای خیر ایتش ایدی صدر اعظم سفره واروب کلجه اندرون اغالرینک
صالحاسندن مجد نامند طقسان ایکی آدم هریری برهفته ده طقسان ایکی کره سور فتح
قراءت ایدوب جمعه کونی صلا وقتند و تمام ایدوب جمله سی بردن فتح و نصرت ایچون خیردها
و تضرع و نیاز درگاه کبریا ایلدی دیو شیخ مزبور تعالیم ایتش ایدی اغالردن و خلیفه اردن طقسان
ایکی مجد دفتر اولنوب هر بریه انعام و احسان اولنوب خدمت خیریه یه تعیین اولنشلر ایدی
صدر اعظم طشره چقدوغی کوندن سور فتح شریف قراءتیه مباشرت ایدوب هر جمعه
کونته دک طقسان ایکیشدر دفعه نی تکمیل و وقت صلا ده عوم اوزن خیر عار یتب ایدر لرایدی
وینه شیخ مزبورک تعالیمی ایله بوندن ماعد اندرون رجالندن به زبر آدم کونده بیگ بر فتح شریف
او قومق ننبیه اولندی سفر عود تنه دک مدت ایلدیلر مقدمه فتح و طفر بو اشناده بوغاز
حصاری محافظه سندن اولان چاوش زاده وزیر مجد پاشا لک اوزرینه دونمای کفاردن سکر بیگ
مقدری ملاعین چیقوب جنک وجد اله اغا ایتدکری نه محافظه ده اولان عسکر اسلامدن
خبردار اولنلر اطراف و جوانبیدن هجوم ایدوب حوله تیغ بیگان جان ستان ایتکله ملاعین
آرام ایدلر میوب کشتیلری طرفنه فرار ایلدیلر بشیوز مقدماری اسیر و ایکوزدن متجاوز طعمه
شمشیر اولوب وزیر اعظم هنوز واصل اولدین یومر تیه فتح و نصرت رونما و لسی عسکر اسلام
منظفرو کفار تمام مد مر اولماسنه برهان واضح عد اولنور صدر اعظم رمضانک کیمولی یه بش
کوندن صکره اناطولی طرفنه منتقل اولدی ماه رمضانک اون سکر نیجی کونی قلعه
سلطانیه اطرافنی قرارگاه ایلدی حجار به دونمای همایون با کفار خسارت مقرون فرمان
سر عسکر ایله روم ایلی طرفنه صوغانلی دن سنه و اناطولی جانبیه کوجک کین تام محله
دخی بعض مناسب اولان یرلده قلعه شکن برج افکن طویلر وضع اولنوب یوم عید سعید ده
کین مقابله سنده قرار اوزن اولان کفاری و پورتونلرینی سنکسار ایتدیلر ایکی ماونه و برقاج
پورتونلر دانه طوب اصابت ایدوب زخنه دار ایتکین اول کجه برقاج میل کیر و چکیلوب کافر
بو جاغی و بیوک کیر ماییندن لمرکند از قرار اولدیلر ماه شوالک بشیخی ثلثا کونی موجود اولان
سفایر ایله کفار طاکسار اوزرینه عزیمت مقرر اولوب قیودان پاشا طشره ده بولنقله چرکس
عثمان پاشا و نعام عسکرینه سردار تعیین اولندی قلیون قلیونه و چکدرمه چکدرمه به حواله
اولنوب متوکلا علی الله تعالی عازم جنک اولد قلیون لشد کفارک برنامد ارماونه سی یکجیری
سردن یکجی یلری ایله ملو عمر قیودان ماونه سی وجیه جیلر له ملو سلیمان قیودان ماونه سی
وخلیل قیودان ماونه سی چاتوب باوج ماونه کافرک ماونه سنی طوب و تفنک و مردانه
جنکله کوزا چدر میوب آن واحد ده قبضه تصرفه کتور مشیر ایکن اولمغله برقاج ماونه لری
امداده ایریشوب بری جانبیدن امداد و وار و بولمغله شکار زخم خورده اولان کند و ماونه لرین

پنجه اسلامیان تخلص اند کاریدن ماعد کفار با نینده قوت و کثرتله سالیان قیودانک
 ماونه سنی الوب واجینه وافر ملا عین دو کیلوب سفاین مخوسه لری طرفنه چکوب کوتوردیلر
 هر قیودانک ماونه سی چاند قلمی کافر ماونه سنندن عل الفور مفارقت ایدوب کفار
 گیلری اراسنده قلعه جنگ ایدره کجانب سلامته چقدی امالچینه اولان اوچیور
 سرد نکچدی بکچیرین قرق اللی آدم انجق قالوب ماعداسی شهید اولمشلرایندی
 خلیل قیودانک ماونه سنی اشاء جنمه کدریا به غرق اولوب اچینه بولما نلرک اکثری
 قریق بحر شهادت اولدی بعده سردار اکرم اول ماونه بی چقاروب کما کان دوناتدرمشدر
 بو هجوم اشناسنده بکچیریلر سوار اولدیغی اوتوزیان چکدرمه وباشترده اول
 وهله ده روم ایلی طرفنه کافر به باغی نام محله واروب ایرادن تما شاجی اولغین
 مریورلردن ظهور ایدن جیش ویددللک سائرکیلرده اولان اصناف عسکره ضعف وفتور
 ایرات ایدوب اوج ماونه مریور بوغاز غرنده روم ایلی صغیرینه و اوچی بیوک کیز ساحلنده القای
 لنگر ایدوب اچینه اولانلر هول جان ایله قره یه دو کیلوب فرار عن الزحف عارینی اختیار ایدیلر
 کفار خاکسار بند کدر نسخیر ایتد کلمی سالیان قیودان ماونه سنی بقیت السیموف حیض
 اولان اشخاص معدوده ایله قفان ارسالان کی کشان کشان کوتوزرکن علائیه سجاغی
 پیکی اولان کوچک محمد نام میوه ادا بشرا و تورق برایکی قایغه اللی النش قدر آدمو
 ایله سوار اولوب ایرشدی و ماونه یه یناشوب جنگ ایدره اوزرینه چیقوب ید کلرین
 کسوب ضرب شمشیر جلالتیله کفان گرفتار اولان ماونه اچینه قوینلان یوز لیدن
 زیاده کافر ایله یغادیلردن دو کوشه ده که شته قور تاروب چکوب کتوردی زهی بنده نلک
 بجلا نکه ولی نعمتی ضامن تحمیل و با هدوا فی سبیل الله حق جهاده فرمائنه امتثال
 عرضنی امیل اچون اوتوز قرق آدمیسیله دورت پان کافر ماونه سینه شیرانه هجوم
 ایدوب بکونه اظهار هنرله نامی سرد فتر ارباب استعداد در مراد ایلدی بر فحوا صدق
 احتیای کم من فته قبله غلبت فته کثیره باذن الله تعالی اثر باقیه معجزه محمديه بویزدن
 ظهور ایتدیکی منظور اولوب یکدست و هموار زمره مشرکینه سل سیف اقتدار
 اولندیغی تقدیرجه بدون الله فتح و ظفر میسر اوله جفی ظاهر و اشکار ایدن معجزه یوش
 هر تکرکی فرار و اختف اختیار ایدن بی عار للاف زن میدان شجاعت اولد قهرجه
 ظاهر اقمه استهزا و التماق رو ادکادر بیت خلق الله للحروب رجالا ورجالا لقصه
 ویرید قلیونلر ایسه محل محاربه ده کفار کیلرینه یان باصدیدن بر یا یلم طوب آتوب
 یاد بانلر نه اولان مافق روز کارایله دریایه آخیلوب ساقر و مدلی ستملر نه قیودان پاشا ایله
 اولان دو نیمه کیلری اوزلیوب کتمکله ورطه سخا طره دن قورتلدیلر بومور منظور و روز
 غیور اولچق شدت غضبندن بی شعور اولوب فی الحال بر قایغه بنوب روم ایلی طرفنه
 چکدی و کافر وجاغنه تحضن ایدن بی عسار لری قالد رمغه صرف اقتدار ایلدی چونکه
 اول طائفه عا ئفه نلک نهادلر نه شجاعت مباد داددن اثر یوغیدی وزیر اعظم اقد امیلایم
 چانله حرکت المذبح کوسه توب کافر کیلری اوکندن استفاده ایدره کجمله واضطرار ایله

چکوب بیوک کیزه جان آتوب ساحله واصل اولد قلمی کبی مالتیه و دو قه چکدریلری بوغازدن
 عرض دیدار مردار ایلد کلرینی کورد کلمی ساعت نکر اقراران اغلا زایدوب تحضن اچون
 قلعه التنه ایر شمه استعجال ایلدیلر اشاء فرارده یکچیری کخدا سنلک یدک کیسی قبضه
 نسخیر کفان داخل اولوب باشدرده ایله اون یدی پان قدرغه هزار زور و زار ایله کوچک کیز
 یورقی ستملرینه واصل اولدی بوندن ماعد اون بش پان قدرغه نک فران اقتداری اولمغین
 بر مقدار کتمسلا یکن شدت روزکار و هجوم کفار ایله یه بیوک کیز نه دونوب خصم جانلری
 الندن تخلص کریبان ایتلر جاسنه ساحله قریب صغیره باشدن قره ایدوب اچینه
 اولان جنگی و کورکی دریایه دو کلدی وزیر اعظم غضبیه کلوب نیز یوغیر تسر لری
 طعمه سیف ایدسوتلر دیو یاشده اولان عسکری مقابله لینه حواله ایتکله شنورلک
 فنی بلیوب دریایه غرق اولندن ماعد اطشره جان اتانلرندن سیکر یوز مقداری
 بی غیر تک کله مرداری خاک ادبان غلطان اولد قد نصبره بر مقداری خوف سیفدن کیرو
 کیلرینه دونوب اکثری ساحه واسعه ارض الله پریشان وخلق عالم اچینه مدلل
 و مهمان اولدیلر سر عسکر ما مور بیوک کیزه دوشن اوج پان ماونه واون چکدرمه نلک باشلرین
 دریایه دوندر مک انلری تسلط اعدادن حفظ اچون باجمامتر سلقوردوروب کنان بدن
 طویلر وضع ایتدردی طوایف عسکریدن اولکون ظهور ایدن ضعف و جراتسزلک
 مشامه سنندن اعدای دین دلیرو اولوب کمال سرور و رندن شامدن بامه و صبا حدن
 اخشامه دگ طوب و قفنه یاغدیروب فشنک شملکی ایدوب آوز کوس شادمانی دریایه زلزله
 و سر مست خنیر لری نعره سی ساحه خلقه ولوله و بر مشیدی انلر دریادن و اهل اسلام
 قره دن اوجکون اوج کچه کله وفند قلمی بر برینه قطرات بازان کبی یاغدیروب ملا عینی کیلرینه
 اوغراتمیلر و رود عنایت الهیه و مدد نا که ظهور غیبیه باشدرده ویا نجه اولان اون
 یدی پان چکدرمه عدم مساعدت روزکار ایله تجری الراح بالانشتهی السفن فحوا سی
 اوزن کوچک کیز یورنی قایغه قادر اولوب قوم یورنی نام محله لنگر بر افغین انلری دخی
 محافظه اچون کنان بال یز طویلر چکدر یاوب متر سلقوضع اولمشیدی سادسی شوال
 اولان یوم اربعاده عصره قریب کفار دو نماسی اول سفینه لرو زینه هجوم ایدوب اول شیاطین
 اوزر لینه ایسه طوب دانه لری رجومی متسلسل الورود اولغین خائبه مقرر لینه چکدریلر روز
 دیگر که سابع شهر و یوم خمیس ایدی سینه سابقه ده قیودان کنعان پاشا ایله چقان دو نیا
 انهر امنه واطه لرسخیرینه سیم اولان کور قیودان دید کلمی شیطان لعین برایکی کوندن
 حکم قضا و قدر عسکر اسلامک مظهر اولد قلمی ضعف و نلا شیه اعتراضدن ناشی
 باشدرده سن چوقه و امتعه ایله دونادوب اسلوب غریب و طرز دلغریب اوزن بزم عشرت
 ترتیب ایدوب کلدویه همسری قیودان ایله اوتوروب بر غم روزکار سپهر یک رفقا ساقیان
 قرتک الندن نوش باده لعل رنگ ایتمشیدی سرور مغرورانه و غرور کفرانه ایله کیفیت
 باده سر لغت زده سینه صمود ایدوب اخشامه بر ساعت قالمشیدی که باشدرده و سائر کیلری
 نسخیره چکمک سودا سیله شعله آتش کبی یرندن قویوب طبخا نه سن دو کدرک باشدرده

اوزینه هجوم و حیزیک پروبال استبحال ایلدی اول احوال پراحوالی مشاهد ایله قره ده
اولان اهل اسلامک ناله و فریادی قیاب سمع شداده پیوسته اولوب کلمنک الله الله ایله
امت محمدک غریب آتش زاری سکان هفت آسمانه ایشدی کیلر تمام وعسکر فرماته رام دکل که
صعی واقدام ایله باشترده بی خصم الندن تحلیصه امکان اوله سردار اعظم یوعلی کورب
متر سارده اولان طوبیجیلره طوب یاغدرهقی اشارت ایدوب کمال خشوع وانکسار ایله
ضجیه نیازه واروب شیخدن مأذون اولدوغی حزب النصر دعاسنی حالت سجده اوقیوب
زاری زاری اغلیوب ایکلیه رک درگاه قاضی الحاجات ته سوز و کداز ایله عرض نیاز ایلدی
ملعونک کیسی ایشوب زحم خورده شکارکی باشترده بی بسته فترک اقتدار ایمکه
آز قالمش ایکن ناکاه برخواستی صدق احتوای امن یحیی الاضطراذاداعه سردار اکرمک
دعاسی مقبول وغیرت کشان دین اولان موحدینک نیازی مقرون اجابت اولوب
قوم بوزنده اولان متر سارده قره محمد نام برطوبیجی مباشرتیه اتیلان برنامدار طویلع
دانه سی پیش آهنگ قطار ملاعین فرنگ اولان لعین بی دینک باشترده سنک باروت
محزنه راست کلوب طرفه العین ایچنده قحی و سر بفلک کشیده اولان غودلری ووست
طبقه سی آلات بزم وادوات رزم ایله اول کلب اعور هم چشمی اولان سکان سقر و بیک قدر
کورکی وعسکر کفار خا کسار ایله قبه اوج هوایه آتیلوب شتران حجیم کی سائر
گیلری اوزینه دو کلوب خس و خاشاک نارسق اولدی لر طرف اسلامیانده کمال
ضعف و فتور نمایان اولش ایکن مصراع فی اضیق الوقت یا قی الله بالفرج مصداقجه
هون و عنایت الهی روتون و رأیت شوکت و مشرکین سرنگون اولوب شعبه بازده
هسته کاران غیر منقسمه عبرت اثر بویله برهنه معبر اطهار ایلدی طعنه زجر من جبال
واسیات اولان اول کشنی کوه شکوه هباء منثور کی تار مار اولحق یاننده اولان یکی
هخی ناآثیر نحوست جوار ایله طعمه اژدر نار اولدی هنوز شمس عالمکاب غروب
وارمش ایدی که باشترو قیسنر تکه لری دخی برخواستی ففشیهم من الیم ماغشیهم
امواج بحر خونخوار ایله نایدید وکم ایلدی قلله الحمد والمخه حقاً که بوموهبه الهیه ناک
اداء خدمت شکر و سیاسی حد امکان کذران اولوب بی جنک و قتال بوکونه
بر عنایت بدیهی الظهور ایله امت مرحومه احمدیه دلشاد و مسرور اولدوغی محضا
معجزه باهره باقیه محدیه ایدوکی شک و شبهه دن دور در عقلای روشن رأی
یاشده بفتح مبین ملاعینک جمله دونمائی النقدن راجح اولوب سردار ظفر شجاع
مابه الافکار اوله حق بر خدمت ایدوکی واضح و آشکار در زیر کور قیودان دید کمری لعین
قن حیل و تلبیسک ابوعلیسی صورت بشرد برابلیسی اولوب هم ملالتی بیمنه و قور عقل
و کمال تدبیر ایله مشهور و پردل غایت شجیع و بهادر بر کافر ایدی عموماً دونمائی دست
استیلای اسلامیانده داخل اولوب شقی مزبور تک و تنها میدان جنگندن رهبر اولوب
یاش قورنارمش اولسه آزمانده ینه مکمل دو تنما تدارک ایدوب اهل اسلامی بی حضور
و بی آرام ایتیمک مقرر ایدی هزار حمد و شاکر حضرت رب العالمینه که اول لعین مقرر و شقی

پوش و شورک سفینه وجودی گرداب هلاک غرق و نابود اولدی فتنه و فسادندن
پلاد و عباد امین اولدی مضراع چنین باد همیشه دشمن دین شمعان و مهروران
هسکر مظهر لطف و احسان و بی غیرت اولان جمانلر گرفتار و مهان اولد قایدر
ابتدا قبضه کفان گرفتار اولان ماونه بی قایق ایله واروب تخلیص ایدوب کتورن
کوچک محمد حضور سر داره کلوب دامن بوس اولد قله سردار اعظم اسکمله اوستند
او تور ایدی کل شهناز پادشاهک اتمکی سکا حلال اولسون سنک کی غیرتو دلاوری
الله تعالی بر خوردار ایلسون دیوب الننی و کوز لرینی ایلدی وار قاسنده اولان سمور
گورکی چیمقاروب کیدرهی و کندی ایلله باشنه ایکی غازی چلمکی صوقدی و کندویه
ایکیوزدن متجاوز التون و معا کیدن آدم لرینه توزیع ایتیمک ایچون بر کیسه غرور احسان
و یروب بواسطه ادیکه رعایت ایچون سنی اقرانکدن ممتاز مرتبه یه نائل ایدر زالم چکمه دیو
تطایب خاطر ایلدی کوچک محمد بوالنفات ایله عزت و شان تحمیل ایدوب عسکر ییننده
مشار بالبنان اولدی و کفار باشترده سنه طوب یئشدرن طوبیجی قره محمدی حضورینه
گتوردوب بر خوردار اول کرامه لوپاد شاهمک نعمتی سکا حلال اولسون دیوب یتیمک
سیاهیلک علوفه سی ایله چراغ ایدوب یوزالتون خر جلق و برقات لباس فاخره و یروب قایق
مسرور ایلدی و غز و جهاددن یوزدوند رمیوب صد اقله خدمته بذل همت ایدن لری علی
مراتبهم خلع فاخره و احسان و افراده محسود اقران ایلدی فرهاد پاشا نام بیعار هنوز جنکه
شروع ایتزدن مقدم بندی کی قلیونی روم ایل طرفه باشتندن قره ایدوب فرار عارینی
اختیار ایتشیدی اولکیجه بر فلو قه کلوب مزبور قلیونی احراق بالنا ریلدی دورت کیجه دن
صکره بوغاز اغز ندر روم ایل صیقلرین باشتندن قره اولان ایکی ماونه بی دخی کفار فلو قه سی
احراق بالنار و عزم فاسد لرجه اهل اسلامدن اخذ نار ایلدی فرهاد پاشای اخذ ایچون کوکلیلر
تعیین اولمشیدی طوب کتورد کمری کی سوء علمه کون جزاء چو کروب بو نین آوردیلر
پیکیری کتخداسی بیوسف اغابکناشیان دلاورینی جنکه تحریر صا تیموب ابتدا کندی
صفینه سی پیشرو فرار اولغله یدکنی کفان و یردکی تهمت ایله اخذ اولوب کند و ایل
قرار ایدن چور باجیلرک اشبهلرندن یدی چور باجی ایله او تاغک آرد قیوسنله بوغیلوب
جشهری دریایه القا اولندی و سابقا قیودان پاشا مصاحبه یدک کیسمله عزم سفر ایتیمک
باشترده یه سیواس بکتر بکیسی چرکس عثمان پاشا نیابه سوار اولمشیدی انک
تقصیرات سابقه سی ترتیب جزاقتضای تمکین بونی اوریلوب دریایه القا اولندی کفار
احراق ایتد کمری ماونه قیودانلرین طوبیخانه لی سیامی زاده محمد قیودان میدان جنکه
ثابت قدم اولوب ساحل سلامت اوزلدیکی ایچون قتل اولندی و ینه ماونه قیودانلرین
یوصوله چی زاده محمد نام قیودان دخی میدان جنکه و قدرغه قیودانلرین عرب قاسم و بونلر
امثالی بر قاج کسه سلامت درکنار وادیسنه عزم اختیار ایدوب کیلرینی آتش غدن کر گرفتار
ایلد کمری چون عبرة للناس بن صلب اولوب علمته اشتر اک اولنلرک جمله سنی اخذ و سیاست
و عامه عسکره موجب عبرت قلندیلر پیکیری اغاسی سهراب محمد پاشا صدر اعظمک

قدیمی دوستی اولوب اوائل حاله طرفدارلعه متعلق محبه خدمتی سبقت ایتیشیدی اول
حقوقه رعایه قتل ایتیموب اغالقدن عزل ایله اکتفا و مقتول عثمان پاشا محلولدن سپواس
منصبینی توجیه ایله ینه کامران ایلی درگاه عالی قیوچی پاشا بولندن خدمتله اوردوی
همایونه بولمان علی خواجه یه بکچیری اغالی توجیه اولندی بعون الله تعالی مخاذبل
مشرکین صف سپاه مؤمنین قرشو سنه کلکه اقتدار لری اولدیغندن بقیه
سفینه لری بوزجه اطه یه تحصن ایتیک فکرند اولوب بحکم جنسیت امداد لرینه کان
اون اوج یان دوقه و مالتله کیلری دخی دیار نحوست مدار لینه چکیلوب کتدی لر ع
الی حیث القت رحله ام قشع باشترده ده وسائر کیلرده اولان کورکیلر و عسکر فرار
ایدوب کورک و بکسماط وسائر آلات و مهمات تارمار اولغله مجددا تدارک لوازم امر مهم
اولغین سردار اعظم اول مصباح ایچون ممالک محروسه نک هر طرفنه احکام شریفه
ارسال ایلدی و ماه ذی القعدة نک دور دنجی کونی اوردوی همایون ایله انا طولی حصاری
حراسندن قالقوب بوزجه اطه قرشو سنه قریب اسکی استانبول نامیله شهرت
بولان محله پای باشی نام موضعه نزول ایلدی قیودان پاشا بعض مرتبه
خدمتله تقصیری و بر قاج ماده ده سو تدبیری ظه و ایتیکله وزیر اعظم موأخذه سنندن
خوف اوزن اولغین بی پاک و بی پروا امتثال فرمانه استعجالدن تحاشی اوزن اولوب
برمدت ایلی که مدللید مکث و آرام ایدوب برو طرفه کله سن دیو دعوت اوامری
وارد قجه بعض نامناسب مهانه لر پیدا ایدوب قتل و سیاست خوفندن کله میوب اعداو
ضعیفه اذیانله تشبث ایتیم ایلی راوی اید روز اعظم جنکدن روگردان اولان بوقدر
آدمی قتل و صلب ایلی کی قیودان پاشا نک و یاننده اولان بکیرک و قیودانلرک مسجوعی
اولد قه جان باشرینه چکر ایوب اکبر زده سوء قصدی و ازایسه همان اوجاق
گیلرینه بنوب جزایر و تونس فرار ایتکدن غیری چان مز یوقدر دیه خواب و راحت کند و لره
حرام ایتیشلر ایلی صدر اعظم خوف و هراسلرین پیلوب لمصاحه وحشتلرین دفع ایتیک
ایچون ملاطفه حکیمانه تدبیرین ایدوب ذی القعدة نک اون برنده مرام نام موضعه واروب
اندن قیودان نه خلعت فاخره و بیك النون خر جلق احسان کوندروب ستر محل معرکه ده
بولما مقبله عند ریکتر مقبول و دائره عتایدن خارج ستر حاضر اولد یکنر نهاد دیکزده
اولان شجاعت مقتضی اسجه دلیرانه خدمت ایدوب سعی اید چکر یقینا ماحوظ مزود
ان شاء الله تعالی بعد الیوم اغور پادشاهیم تصور مندن زیاده مساعی جمیله وجوده کتور مکن
مأمولان رد یواسمالت نامه یازوب یو معامله عاقلانه ایله قیودانی آسوده حال زیر سایه
سایبان الطمینان ایدوب جمله بیکلره و جزایر تونس و طرابلس کیلرینک دایملرینه دخی
خلعتلر و کیسه لر بدل و اتفاق ایلیوب یو کونه نوازش و التفاتله جمله سنی استوقاق
ایتد کند نه کمره عمو ماکله سربوزجه اطه نک استردا دینه اتمام اید لم دیو دعوت امری
کوندروی آمدن قیودان پاشا بوغاز جنکی اشاسنده بزم قلیونلردن اون اوج یان قلیون
کفار قلیونلری اوزرینه بریریلیم طوب بوشاندوب جنک اید رک معرکه کاهدن ایوبوب

روزگار حکیمله ساقزده وارد قلری ذکر اولمشدر قیودان پاشا دخ اول قلیونلری و یاننده ترسانه
کیلرند اولان واردیان اوجاق کیلرینی اوب مدللیدن دو تمای همایونه رجعت ایتیشیدی
قلیون و چکدرمه جمله سکسن التی یان سفینه مجتمع اولدی استر دادی بوزجه اطه مقدماتحریر
اولند وخی اوزن ملاعین خاسرین مشاء بآس و خرمانله تحصن و تحصین ایچون بوزجه اطه یه
یادبان کشای نحوست اولوب بوغاز اغزنه انجق التی یان قلیون قومشلر ایلی سردار اعظم
بوزجه اطه تخلیه صینه شروع ایدوب طائفه سپاهیدن اوج بیك مقداری نفرات بعد اداء
الخدمه بشر اچقه ترقی و بر یک شریطه سردن یکدی یازیلوب بکچیری وجهه جی و طوبو بولون
یرلری چالمان ابکی بیك نفرک دخی اسامیلری تحجج اولق اوزن دفترو ولان بش بیك قدر
کترید مرددلا ورلر ایله چقماق نام ساحله مجتمع اولشلر ایلی قورت پاشا نام هادراوزر لینه باش
و بوغ تعیین اولوب قیودان پاشا فرمان صدر اعظم اوزن ییاشوب او تو زواج یان چکدرمه یه
بوذکر اولنان عسکری تحمیل ایدوب ماه ذی القعدة نک اون بخشی سبت کونی کجه سی
نصف الیمله کورتوروب بوزجه اطه ده کرمی دره سی اردند کرمی سی نام موضع قره یه
چقاردی اول مبارزان میدان جنک جو جزیره حصاریه ایریشوب طلوع شمسدن مقدم
کوزجی دپه سی نام موضع دخواه لری اوزن متر سید ایتدیلر کفار قضیه دن اکاه اولوب
سفینه لری ایله جزیره کنارینه کلوب عسکر اسلام اوزرینه طوب کله لرینی طولی دانه سی کی
یاغدر دبلر و قلیه غنظ الی ممانعیه سربازان میدان دین اصابت ضرر دن امین اولوب
کسمه نک بورنی قنایموب کفار کسار خیمت و خسرا نه سبت ادبار چکدی سردار اعظم
امدادین کسمیوب ایرتسی کجه دخی ممکن مرتبه عسکر و مستوفی ذخیره و مهمات و باروت
ایرشدیروب کند و لراوردوی همایون ایله بوزجه اطه قرشو سنه مکث ایدوب پی در پی غراة
موحدیته کرکی کی تقویت و تمکین ویر ممکن اتمام نام ایلدیلر اعدای بدکار جزیره بی استخلاص
ایچون درکار اولان تدبیر و اتمامدن خبردار اولد قلرند مدافعه ایچون تدبیر ایدوب رأی
فاسد لر کجه بیکه قرار ویر مشلردر که اطه نک بر جاقنه صولا نمق بهانه سیله کشتیلر ایله عسکر
اخراج ایدوب قلعه ده اولنلردخی حاضر و آماده اولوب انلریکی جانبدن هجوم ایدوب
و سفینه لر دیادن طوبیلوب عسکر اسلامی اعطاه ایتیکله بر فرد خلاص اولماق اوزن نائل
مرام اوله لر غرات مسالین دخی حمله و تدبیر لردن اکاه اولوب کله جکری مواضع کیمکا هارینه
بشر التیشریو زمقداری تفنک انداز لر تعیین ایدوب ماعداسی میان نمیدانده اعدای
بد فعالک خروجنه منتظر اقرار ایتیشلر ایلی ماه ذی القعدة نک اون سکرنجی کونی اطه نک
سمت جنوبیسمنه تکفور با نچه سی دیمکله بر مشهور یرده اولان ماء جاردن صولنق
بهانه سیله چقد قلری خبری عسکر اسلامه واصل اولغله ایکی بیگدن زیاده مرد مستم مثال
گروه مشرکینی استقباله استبحال ایتدیلر قلعه ده اولان ملعونلردخی طوب صداسی
استارتیله خبر اولوب اتفاق اوزن عسکر مسلمینک اردلرین لاق ملاحظه سیله قلعه دن
چیقوب متر ستر اوزرینه یریدیلر در کین اولان سرور لردخی چیقوب نیستانه دوشمش آتش
صوزان کی شمشیر بران وزیر جانستان ایله ینشد کرمه امان ویر میوب بیجان ایلدیو

محمود کبرادین وقت عصره ذک ایکی بدن آتش جنگ قروزان اولوب خون کشتگانین
 دامن کوه و حجر اوادی شقایق النعمانه درندی گروه دشمنان عاقبت هجوم دلاورانه تاب
 و توان کتور میوب کادکاری جانبیه کرزان اولدی یلر برنامدار قیودانله بشپوز قدر ملاعین
 طعمه شمشیر وایکیوز قدری بر معتبر قیودانلرله درزنجیر اولدی سر بازان میدان
 دین عنایت حضرت ولی المؤمنین ایله ماحوظ و دامن امن و سلامتله معصون و محفوظ
 اولغین طرف اسلامیانن انجق و توزع دمرد سعید شهید و اون نفر مجروح
 اولوب عساکر اسلام نیل نصاب ظفر ایله شاد کام و کفره لئام روسیاه بحالت انزام
 اولدی یلر بو خبر مسرت اثر دن سردار اعظم خبردار اولوب عسکر اسلامی تقویت
 اچون همان اول کجه بیک بشپوز قدر مرد دلاور دخی تعیین ایدوب ایکی عدد طوب
 قلعه کوب ایله اون سکرپان قدرغه یه تحمیل و قیودان پاشا مباشرتله جزیره یه نقل
 ایتدی ریابوب قیودان پاشا نصف الیه جزیره یه یناشوب طوبلری و عسکری اخراج
 ایدمجه عودتی صباحه قالمغین کفار قلیو نلری کوروب قدرغه لک اوغورین
 الملق سودا سیله هجوم ایتدی یلر قیودان پاشا قدرغه ایله جست و چایک دیره نوب ضرب
 طوبله کفار قلیو نلری بیک پروبالن شکست و لواء عجب و غرورلین بست ایدوب
 معصوب سلامت دنوب قرار کارگاهریه واصل اولدی سردار اعظم قیودان پاشا یه
 برکورد و معا کیدن سفینه بیکرینه خلعتلر کیدردی و بو غازده لنگراند از محوست
 اولان التی یان کفار قلیو نلری اوز رینه واروب بر طرف ایتک اچون انا طولی ایا لفته
 متصرف حسن پاشا سردار تعیین اولوب کوندرلدی یکر می قدرغه ایله واروب
 بیت الصلا تیندن غروب قریب زمانه ذک آتش حرب و قتال اشتعال بولوب اول جنگ
 دخی قدرغه لردن بکر می قدر غازی شهید و محاذیل فرنگدن ایکوزدن متجاوز یلید مردود
 نایدید اولوب طرف کفار ده ضعف حال بدیدار اولدی ازی جانب زجه طه ده اولان
 عسکر ظفر رهبر میسر اولان غلبه و نصرت و سردار طرفندن متعاقب وارد اولان
 امداد و تقویت سرور یله بی محابا قلعه محاصره سنه اقدام و دلیرا نه جنگ و حرب بیل
 اتمام ایلدی یلر کفار غاکسار عسکر جدید امداد نین خبردار اولد قده مقاومت اقدار لری
 اولدی یندن بالضرور دست یاسیله ابواب مقالتله بی سد و بوز جه طه دن
 قصیر ایدوب بر کجه قلعه دیوارلین لغم ایله افکنده صفحه تراب و داخل و خارج
 اولان بیوت و دکا کینی آتش قهر و کین ایله خراب ایتد کدن صکره کورتور مکه امکان
 اولمیان او توالی و علی ر وایه قرقیدی یان قلعه کوب از درین طوبلری پولاد چوی
 ایله بر قاقچون استعماله صلاحیت دن تعطیل و قلعه ده اولوب لغم ایله منهدم اولان
 قلعه لک ابنیه مقلوعه سی التمه قلاندن ماعد اجمله جبهه خانه بی و جمله اطه
 سکانی ارزاق و امور اللری ایله کمیلر تحمیل ایدوب ماه ذی القعدة نک یکر می
 بری سبت کجه سی بر فحوا ی اللیلة جنة الهارب قرار ی فران تبدیل ایتدی یلر
 ایلحد لیسر کل عسیر اول قلعه مددکاری عون حضرت رب العالمین ایله اسهل

۹۲۹ وجه ایله یته قبضه تصرف سلطان الاسلام و المسلمین داخل و یگخواهان دولت دیته
 حضور رسکینه حاصل اولدی بو خبر بخت ائرومرده فتح و ظفر سردار بلند مقدار طرفندن
 ناخیم ایله رکاب همایونه وارد اولد قده علی رغم الاعد الوج کجه دریا دو نیمه سی و شملک
 اولوب بو خدمت جليلة نک مقابله سنه سردار مشار الیه توقیر و تعظیم ایله خیر دعاء
 شاهانه محتوی خط همایون تحریر یو ریابوب طرف یادشما هیدن بوجه التفات
 بر قبضه شمشیر عدد و تدبیر سلطانی و بر سهو و فخره دوخته ایکی ثوب سراسر خلعت
 خسروانی مصاحب شهر یاری خزینه دار صولاق محمد اغا ایله ارسال اولندی عزیز
 افندی تاریخنه دیر که کفار خا کسار مکر که قره جانبیدن واسع و عمیق برخندق حفرینه
 یندل مقدور ایدوب دریای اجرایه تخمینا اون زراع یرقائس و دائر امداد اطرافنی محیط
 صد اسکندر اسامی مستحکم البنیاد بر عرض سورچمکه سی نا محصور ایدوب نصفه قریب
 یانلش ایش و دکر من دن سی نام محل اطراف جزیره یه مشرف مرتفع محله دخی بر میتین
 قلعه و محافظه یه مناسب یرله طایفه لری سنا تیمکله بوزجه اطه بی من بعد دست استیلا رندن
 چیقارمق سودا سیله کال مرتبه استحکام و یروپ بروجله اتمام ایشلر اید بکه شروع
 ایتدکاری مرام قریب اتمام اولمش اولسه بیک یان کیمله التیق امر حال اولوب انا طولی وروم
 ایل جانلرندن بو غازدن ذخیره کیمسی یکمک نه احتمال ایدی دریا خود سر ایا و اطه لری
 عمومادست استیلا کفان داخل و دینی و دولته و هن عظیم حاصل اولوب مستقر
 سر بر سعادت مصیر محصور راه آمد شد قره د کزه و طرف بره مقصور اولقله استیلا ی
 اعد او قحط و غلا بلا سیله دار السلطنة العلیه معیوب و اهالی سندن امن و راحت مسلوب
 اولغین العیاذ بالله تعالی حال مشکل اولوردی حقا که بو بابده صد رفیع الخصاب
 حکیمانه اسلوب مرغوب اوزن اعمال ایتدی بکی تدابیر مستحسنه ده عقل عقیده دان رنگ
 و حیران اولور اهالی قریب جزیره یه یلکاری کی استحکامنه اتمام ایتمکه متانتی صد
 چدان واستر دادی بحسب الظاهر خارج دایره امکان اولقله از قالمش اید بکه هر طایفه
 عجه یاش قد اولقله فتح میسر اولسه غنیمت نادن عد اولور کنی مجرد حسن التدبیرین
 بمساعدة التقدر قبضه تصرفه اد خال ایتک و زیر مشتری تدبیره عنوان جریده
 حسنات اعمال اولقله شایسته برعل نایسته درعلی مبرور و سعی مشکور اوله سردار
 اعظم پیانی سبق ایتدی کی اوزن صدراعظم سفردا ایکن آستانه سعادتله اولیکلر بکی
 اوزن دعایه حقلماق فرمان بیوریابوب نصرت عساکر اسلام اچون مواضع معینه ده
 خیر دعا اولوردی و شوکتلو یاد شاه حضرت تازی کاه و بیکاه تبدیل طریقله کشت و کذار
 ایدر کن وقت صلاده کل جامع قریب مصادف اولوب جمعه بی اند ادایو رد قلندر جامع
 مزبور ک خطیبی یاد شاء عالمینا غفر استله بیابوب محرابه ککی کک یاد اوودا نا جملناک
 خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالعدل ایت کریمه سن قراءت ایلدی یاد شاه
 صاحب زکاح حضرت تازی آیت کریمه نک معنای شریفندن آگاه اولغین نمازی ادا ایتد کدن
 صکره چوقه دار کمنان اغا قوللرینه امر ایدوب وار خطیبه سؤال ایله کمنه دن

شکایتی وار میبرد و پارسال ایلدیلر خطیب مزبور جواب داد که ندویه مشروطه اولان
منزلی ویران اولوب متولسی تر میمند افعال ایند و کندن شکایتی اولد و غن عرض ایلد که
همایتلو پادشاه عالمپناه حضرت ناری ناظر وقف اولان دارالسعادة اغاسی دلا وراغایه ننبیه
نیور وب خطیبک خانه ویرانه سنی آباد ایتدر مکه قلب حزین دلشادی و ردیلر مقام
خلافه اولان سلاطین صاحب فرسته شرط و لازم اولان تیغظ و انباهی مشعر
یوم معامله رشیدانه ظهور رنده خلق مسرور اولوب پادشاه عالمپناه حضرت ناری نیک علامت
گرامت اولان محض فراستلرینه استخسان ایله دوام عمر دولتلرینه دعای خیر ایلدیلر
معایت قره حسن زاده حسین اغا در حق صدر اعظم و وفاتش در آن زمان تفصیل احوال
حسین اغا که علت باسوره و اورام و بیثون مبتلا خیف و ضعیف آدم اولوب دولت سورمش
زوز کارک تغیر و انقلاب کور مش کار از موده کرک باران دید اولغین بعض وقعه لرده
دولت علیه طرفه خیر خواهلر یوزندن نجه تدبیرات نافعه القاید وب توفیق
حق ایله تدبیری تقدیره موافق کلوب نتیجه سی خیره منجر اولغین دولتلو والی سلطان
وسعادتلو و مرحمتلو پادشاه عالمپناه حضرت ناری کندویه حسن ظن ایدوب دولت
علیه نیک صادق خیر خراعی اولق اوزن اعتقاد ایتمه لری ایله مستشار سلطنت و محرم
اسرار دولت اولق اوزن تعین و شهرت تحصیل ایتشیدی بواعتبار سببیه عمومایکچیری
اوجاغی خلقی قبضه تسخیرینه رام اولوب رأیندن خارج حرکت بر فردک قدرتی یوغیدی
حل و عقد مصالح سلطنت و عزل و نصب و کلای دولت مقوله سی معظمتا امورده
رأی و تدبیرینه مراجعت اولنوب ایتدرون همایوندن سوال بیوریلان خصوصاً صلحه
جواب یازاردی شفا هامکا له اقتضا ایدن اسرار خفیه ده علیل آدم اولغله عربیه ایله
سرای همایونه واروب مجلس خاص الخاص استشاریه داخل اولوب اکثری حاله
انک تولى لیه عمل اولنوردی بکمتاش اغا و قره چاوش و چلبی کتخدا بیک که بکناشیان
اوجا غلک عنادی ایدیلر حد لرینی تجا و زایتدکاری ایچون دولتلی بر کشته
اولنده مزبور کرکزلو جه صحنه و ارایدی بعد بشیر پاشا و قعه سنده ایتدرون خلقی ایله
خفیه متخدا اولوب ابشیری قتل و مراد پاشایی وزیر ایتدر مکه تدبیری دخی مزبور کر
رأی و تدبیری ایله صورت یولش ایدی بطش غضب سلطانیدن تخلص جان
ایدوب صکره مراد پاشایی شام منصبینه یوللیوب حمل ثقیل وزارت قو جه سایمان
پاشا اوزرینه تحمیل ایتدر مش ایدی بعد وقعه و قواقیه ده مصاحب اغا لک
تلف اولسی مزبور کرک مسامحه سی وعدم تقیدی ایله حدوث ایتشیدی بعد اغا لک
اعدامنه سبب اولان میدان اغا لری دیدکاری زوربارلی دیانده قتل ایتدر مشیدی
حاصل هر کارده و هر تدبیرده خیر و فایده صاحبی داعیه دهیا ایدی کورولی محمد پاشا
صدر اعظم اولوب حل و عقد امور علی طریق الاستقلال شروع ایدوب مهر
وزارت تحمین اولنان سیدی احمد پاشایی و غیر متعین وزرای دفع ایله شوکت
شهر نارین قمع ایتدیکچون زمره سپاه فتنه جو یافه شروع علیه جمعیت ایتدکرند

صدر اعظم عاقلاً نه دیره نوب علمادان کارکن اراولنلری قوله آلوب مزبور حسین اغا لک
زیرا رتبه واروب رضا جو یلق سمتن کوستر مکه اعتماد ایتد یروب اتفاق و اتحاد بانه
عهد و پیمان ایتمکه یکچیری اوجاغی دخی طرفه فکر ایتشیدی حسین اغاده صدر اعظم
طرف سلطنتله اولان عهد و مواثقه مطلع اولوب و کندویه تملقنی کوروب طوعاً
و کرها طرفدارلق اختیار ایتشیدی تا که صدر اعظم سفره کیدوب بوغاز جنکده
قزاقان روگردان اولنلری علی الخصوص کتخدا بیک یوسف اغا یی سکر متعین
چور باجی ایله و برقاچوز یکچیری ایله قتل ایدوب پاشا لردن و قیودانلردن و سائر لردن
نفوس کثیره یی طعمه سیف ایلدیکچیری خبری حسین اغایه منعکس اولدی های
بو قوجه نیک حرکتی دکلدر یکچیری اوجاغنه قانع قویوب ضابطه قتلنه باشلدی
برکون اول یونک تدارکی کورمک کرکدر دیوبیله نازک محله بی ملاحظه و خامت عاقبت
کار تبدیل وزیره صرف مقدورده قصور ایتیبوب حسن تدبیر وزیری صورت خطا
و تعصیرده ارات ایتکین سلطان صاف نهاد و یک اعتقاد حضرت ناری نیک و زیره اولان
حسن ظنلری بر فحوا ی من یسم یخل تغییر و قلب شریفلرین اول دستور اصف نظیردن
تنفیر ایتشیدی مثلاً یکچیری اوجاغی دولت علیه نیک عسکری ایکن الفرار بما لایطاق
من سنن المرسلین فحوا سی اوزن کفار کا کسارک پرا تش سفینه لری او کندن ضروری
قراری اختیار ایتدیلر دیو ضابطلری ایله قتل ایلک خطا ایدی عسکرک حالی بودرگاه فرار
ایدلر سه ده ثبات اوزن قرار ایدلر لرجیم عسکری قرقمق قابل دکلدر هر حال مدارایه
محتاجدریدی حضرت عمر و قتلده قدس شریفه کوندریلان عسکر بحسب الاقتضا فرار
ایدوب کلدکرند خلق کندولره فرار ایلر دیو طعن ایتدکرینی حضرت عمر ایتشیدوب بویله
طعن ایتیک بونلر فرار ایلر دکلدر کرار لردر دیو خلقی طعن و تشنیعدن منع و خاطر عسکری
قطیب ایله وحشتلرین دفع ایتشیدی بو قدر آدمی قتلندن اقتضا ایدر دیوب تاریخ شناس
اولغله بو حکایه یی حجت اتخاذ ایلدی اما مفتی بولوی آقندی وزیرک طرفدار ی اولغین
حسین اغا لک دخل و تعرضی دفع ایدوب اوائل اسلامده علی الخصوص عرب محاربه لرنده
کرو فرقا عده معتبره ایدی اولوقت بد اوت اسلام و شکیمه عصیت مقتضایه
خشونت شجاعت و صلابت ایمان ایتدکی بر سمتدن فرار ایدلر سه سمت اخردن دلیرانه
هجوم ایتیک غیر نلری ایدی انلر اجرت مالیه ایچون رغبه و طامق قهری و زجر یله
رهبة و کرها دو کشمزلر ایدی و سردار لرینه غیظ و کین ایچون و بعض اغراضه مبنی
تخاذیل و انکسار کوستر مزاردی اعلاء کلمه الله و نصرت دین ایچون مجاهد ایدلر لردی
اخذ غنائم فائده سی بو جهادک تحتند بالعرض حصوله کلوردی انلر کی متفق
و متصالب فی الدین عسکر بحسب الضرور فرار ایدلر سه باس یوقدر در عقب عودتله
کرار اولور لر بو وقت اول زمانه قیاس اولنلر شمدی بردقه فرار واقع اولدقه مبادیه
جرات احتمالی قلند داخل اغراض و فساد نیات ایله خلقتکالی مشوش اولمشد فرار
عن الرخف ایدلر نیک استیلا یی قتل ایتدوکی مشروع و معقول اولمش سفرده ایکن وزیر

عزل اوله نك مفدا سده عظيمه سنی واردرد یوحسین آغانك رأيی تزییف واقوالنی
ابطال ایدوب صدر اعظمه صاحب چقمش ایدی حی مشاهیر دن بورزباقی چلبی که
یکچیری او جاغنده عارف و سخنندان وصاحب تعیین کسنه ایدی حسین آغانی بولوی
افندی یه کوندر رکوب تبلیغ سلام ایدوب سلطانم اغا دعا جکر دید یکه کوپر یلی
پاشایه صاحب چقمه سونلر یاد شاه عالمنا هه احوالی افاده اولوب عزلی قرار داده
ورینه قائم مقام عنکبوت احمد پاشا پناهاده اولق قوت قرینه یه گلش ایکن
دفع و تحویلده سعی ایتسونلر انك ظهور و حرکتی غایت موعشدر استحکام تام بولورسه
پزی و کندولری و غیره متعینلر دن کسه بی صانع قومیه حق علامتی وارد رحایت ایدر لسه
صکره کندولری بشیمان اولور لردیو و افرام و الحاح ایلدی مداراسی اهر آدم اولغین
مفتی افندی حسن مدافعه سمته ذاهب اولوب آباقی چلبی شمدی سفر اوزری
عزل کوچدر نوع ظفر ایله کافر کیلرینی بوغازدن قالدردی و بوزجه اطه بی فتح و تحلیصه
مشغولدر سفر عودتته دك صبر اولسون کور لم دید کچه خیر سلطانم آغانك رأيی بوکده بوزجه
اطه بی ولنی بی الوب منصور کلورسه بردخی اکاظفر بولق مشکدر هسنان فر صنی فوت
ایتمام ککر کدر دیو ابرام و الحاحه مشغول ایکن قضای ربانی مفتی افندی نك کتخداسی افندی نك
قولاغنه قره حسن زاده حسین اغاشمدی فوت اولمش دیو خفیه خبر ووردی متعجبانه
تبسم عبرت آمیر ایدوب سبحان الله القادر دیوب بورناز باقی بی آگاه ایلد کده باقی چلبی دخی
تعجب ایدوب سلطانم الما مور معدور و خجوا سنجه بزم بومقوله کسه خاغمز انلرک ابرامیله ایدی
دیو اعتذار ایلدی حتی عزیز افندی یوسر رسته یه انکشت اعتراضی بیچیمه ایدوب
مومی الیه حسین اغایه بووجهله طعن و دخل ایدر که دائم مزبورک صمغنی خیر خواهان
دولتی طرف سلطنته خلاف واقع غمز و فساد و نظر عاطفت سلطانیدن طرد و ابعاد
اولغین رغبه اور همة باب نحوست مائی مرجع ارباب حاجات و دستکاه شامت پناهی
الجا ضرورت ایله اصحاب حاجاته ماتجا اولوب رضاسنه نوعا مخالفت اوزره حرکت ایدنلری
اندرون همایونه بر اسناد ایله عرض و اعلام و عزلته بلکه قتلنه وادنا مرتبه نفینه اقدام
ایدردی و کندوسی مرض هائله ابتلاسی ایله اسیر فراش ایکن مصراع و من العجائب
اعش کحال زنجیه مزاج ملک و دولته علاج کند و تدبیری انضامنه محتاج اولق
ادعا سنه اولوب اخر عمر نه بویله نازک محله عسکر اسلامه سفرده ایکن وزیر
اعظمی بعض تهمت اسنادیله عزل ایتدر مکی قوت قرینه یه کتورمش ایکن فوت اولوب
تسلط فتنه سندن خلق عالم خلاص اولدی دیو ذم ایدوب الحمد لله الذی اذهب
هنا الخزن هلاک الکلب الاحرب والخس المجرب ابن قره حسن فقره سی ایله ختم کلام
ایتشد لکن فقیر دیر مکه مزبور حسین اغا بومر تبه ده ذم و قدحه مستحق آدم دکلدر غالباً
عزیز افندی نك عزلی و نفی ماده سنه نوعا علاقه سی اولغین مقتضای مشربلری
اوزه انتقام احرف اند زلق ایتمش اوله مزبور حسین آغانك رأيی و تدبیر نه اولان اصابت
وقت عظیمه ده و وقایع خسیه ده قوت عقل ایله دولت علیه یه ایلد و کی خدمت

انکار اولماریته کم تفصیلاتی دفعاتله مرور ایتشد کوپر یلی پاشای عزلی ایتدر مکی
ایچون ایلدیکی سعی نامعقول ایهسه ده ینه قابل توجیهدر دولت دنیا حالی معلومدر
اصحاب جاه زمره سنه اغراض دنیویه به مبنی منازعه اکسک اولمظا هر اوجاغنه
صاحب چیقوب وزیرک استیلا سندن خوفنه بناء رفع رقیب سوداسنه دو شمش اوله
جمع عیوبدن و نقایصدن خالی آدم د نیاده بولمزا بحق حسن حالی قحیاشنه غالب
اولان نفس الامر ده مدوح اولان رجال کابر زمره سندن معدود اوله کلتشدر حسین
آغانك بواحواله شروعی و در عقب انتقالی خبری صدر اعظمه منعکس اولد قد فتنه
مجدد شکر ایلدی و صدر اعظم مقتول تارخونجی احمد پاشا کتخداسی کبار زعمادان
مؤمن اغا و بالفعل سکبان پاشی چوبان قاسم اغا قره حسن اوغلی حسین اغلک جانبدار
ایدیلر و مریدین زور بار و قعه سنه و خصوصاً صدر اعظم ابتداء صدر اتنه اولان
صیاه جمعیتنه انلرک مدخل عظیمی اولوب لکن قره حسن او غلنک حمایه سیله
حقارندن کتبه مش ایدی سفرده صدر اعظم نه کونه حرکت ایلدی و نه مقدار
آدم قتل ایلدی ایهسه جمله دفتر ایدوب تقیر و قضمیر احوالی قره حسن او غلنه
ارسال ایتد کربنی صدر اعظم بیلوردی لکن ضروری صبر ایدردی قره حسن او غلنک
قوتی خبری کلد که مؤمن آغانك بوینن اوروب زعامتن اخره ووردی و سکبان
پاشی چوبان قاسم اغایه خداوند کار سنجای امرنی ارسال ایدوب اولکون قتل ایلدی
ارسال عسکر برای استخلاص جزیره لمنی طرف پادشاهیدن خزینه دار صولاق محمد
آغا ایله سردار اعظمه کوندر بلان خط همایونه لمنی جزیره سنی استرداد ایدنجیه دك
اول جانبده مکت ایتک فرمان بیورلشیددی سردار صاحب الوقایه بوزجه اطه بی کرکی کی
تعمیر ایدوب لزومی مرتبه طویل و وجهه خاتمه و نفرات و مستحفظین وضع ایدوب یکچیری
اغالغندن سیواس ایالتی ایله چیقان وزیر سهراب محمد پاشای بوزجه اطه محافظه سنه
تعیین ایلدی لمنی جزیره سنی استخلاص ایچون انواع عسکر دن دورت بیک بشپوز
قدر مرد دلاور چکدر برلره وضع ایدوب قیوان طوپال محمد پاشای اوزر لرینه سردار
تعیین ایلوب کوندردی جزیره مزبوره نك فتی احوالی کله جک سنه و قایعندن
مفصلاً بیان اولمسه ککر ذکر احوال سرحد منصور بوسنه والیتی سیدی احمد
پاشا و نیک کفاری سرحدنه اولان زادق قلعه سی اوزینه واروب یول اوزر نه
واطراف قلعه ده واقع اولان باغ ویاغچه و قرا و مزارع جمله سن آتش قهر ایله خاکسار
وابنیه عالیه و منازل مرتفعه لرین خراب و بیاب وزیر وزیرت کدن صکره تسخیر
ممکن مارنه نام قلعه نك اوزینه کیدر کن بر محل تنکده دورت بیک مقداری کافر عزیمت لرینه
مانع اولق ملاحظه سیله او غور لرینه چیقوب جنکه مباشرت اولد قد حمله سروان
هزاره ایله لمح البصر ده نحت برکشته لری کی کریزان و اطراف و جوانبه پریشان اولدیلر
مجامدان غزات یتشد کلرینه امان و بر میوب ایکی ییکدن زیاده ملاعنی طعمه شمشیر
و سکر یوزی اسیر اولد قد نه مکره قلعه مزبور دخی ایام قلیلک فتح اولوب اموال و ارزاقی

غارت اولندی دشمن دین مملکتی ایچنده اولغله محافظه سی متعصر اولدوغنه بناء زوروزر ایدوب
منصور و مظفر عودت ایتدکاری خبری واصل سمع همایون شهر یاری اولد قده پاشای
مشار الیمه نوازش نامه ایله سیف و قفتان کوند رلدی محاربه تاتارخان باردل له قرالی
تاتارخان سابق ایله خصومت اوزن حرکت ایتد بکنندن اون سنه مقداری اوزرینه سفر لر
اولغله مالک خراب و ویران ورعایاسی اسیر و عسکری پریشان اولغله حاللری دیگر کون
و جکر لری پر خون اولمشیدی حالا مالک تاتارده خان اولان محمد کرای ایله مصالحه
ایدوب بر قاج زمان آسوده حال ساییه نشین امن و اطمینان اولمشیدی اردل قرالی اولان
راقوچی نام لعین له مملکتی مختل و مشوش اولغله تسخیری ادا ن توجه ایله ممکندر ملا حظه سیله
مستقلا حکم فرما اولغیچون اسوج قرالندن استمداد و افلاق و بغداد و یوده لر یله
اتفاق و اتحاد ایدوب مقرر حکومتندن التمس بیک نامدار کفار ایله حرکت و مالک له
اوزرینه عزیمت ایتدی یکی خبری معروض سده سلطنت اولد قده تاتارخان عالیشان
مذکورک اوزرینه سفر ایدوب ممکن مرتبه کوشمال ایتک ایچون مقدمه خط همایون صادر
اولمشیدی خان مکارم نشان دخی بر موجب فرمان قضاء جریان ایکو ز بیک عسکر تاتار
عد و متکار ایله عزیمت ایدوب سرحد مالک محروسه یه واصل اولمشار ایدی راقوچی
سیل کوه انداز کی کشور له اوزرینه اقوب کلورکن خانک لشکر پیکران له عزیمتندن خبردار
اولیحق ایرشدی یکی محله طابو ر قوروب ز غنجه بحر ز خارتا تار اوکنه سد استوار چکدی
اول نادانی اواره صحرای پریشان ایتک ایچون خان یوز بیکدن زیاده عسکر ایله قاغغه
سلطانی راقوچی و لابنی یغما و غارت و اها لیسنه ایصال خسارتیه تا مزد ایدوب اول
لشکر تالان کری اردل کشورینه حواله و دارودیا لرینه سیل بلا آسا ساله ایلدی
بوتد بیر اصابت پند یردن راقوچی خبر اولوب و لابنی محافظه قیدینه دو شمکین
له قرالغی ارزو سندن فرار و اول سودای خا مدن تخلیه دماغ ایدوب کند و لره حصن
حصین اولق ایچون اعدا ایتدی یکی طابوری ترک ایدوب مملکتی محافظه یه عزیمت ایتدی
پیش و بیسی سلطان و خان ایله مسدود و تدارک کار خلاص مفقود اولغین مقابل اولد قمری
کبی بین العسکرین دریای جنگ و قتال موج انکیر اولوب بیت دام اعدا ایله دشت جهانی
لاله زار اتدی سپاه برق و قمار تاتارک نیرانی مضمونی اوزن عاقبت نسیم فتح و ظفر طرف
اسلامیاندن وزان اولوب پای سمند مجاهدین اول عرصه هولنا کله جیش اعدا ای پامال
ایدوب دست برد قهر مانی ایله ناسخ دستان رستم و زال اولد بلر بیت و غاده اردلک اوستنه
نقطه قوتیز ایکن میان معر که ده اردل اولد بلر زخم خدنگ طرف عسکر اسلامدن انحق
طوقسان تاتار عازم دارالقرار اولمشیکن طرف کفاردن اقل متیقن بکرمی بیک مقداری
قایچدن یکوب ید یوزدن متجا و ر نامدار لر یله بکرمی بیکی اسیرد ر زنجیر اولدی
سردار لر ی اولان لعین انحق اوچموز مقداری کسنه ایله خلاص اولوب ماعداسی
هلاک و اسیر و پریشان اولد یلر درهم و دنانیر ایله ملوکیمسه لر و انواع امتعه و مخف
قیمتدار ایله پر بارنجه بیک عرب و قلعه کوب یوزاللی عدد طوب مضبوط

کاشان خان عالیشان اولد قد نصکره له عسکری راقوچی و لابنی غارت و یغما ایله تالان
و بچه یوز معمر و ضیاع پر انتفاعی خا کله یکسسان ایتدی یکی خبری و راقوچینک اقرب
اقرباسی اولوب خانه اوچموز بیک غروشی قدیه خلاص و یردکاری خبری ایله
براسیر معتبری درد و لته واصل اولدی مسرت بخش قلوب عالیشان اولق ایچون عظیم
مشکله اولوب بو خد منی مقابله سنه خان عالیشان قیو جیلر کخداستی ایله نوازش نامه
سلطانی و خلج فاخره خسروانی و خنجر و شمشیر جوهر و مرصع زرین کرار سال قلوب
قیمتیه محصول مجروحان شایان اولان بر او تاغه یادشاهانه ایله توقیر و اجلال بیورلدی
یوار دل محاربه سی عزیز اقدینک و و جیهینک تقریر یریدر عیسی زاده افندی و محمد خلیفه
تاریخ ندرت بو خصوصی بو وجهله تقریر و خان تاتارک بوسفرده بر ناز کانه دبیرین بوسیاق
اوزن تحریر ایتمشلرد که بوندن اقدام اردل بانی مرد اولوب رینه یدی قله ده مجبوس اولان
راقوچی اوغلی کورکی نام یلده اردل بانلی احسان اولوب مقرر حکومتندن قرارداد
اولد قده دماغی فساد اوزن اولغین زمان حبسنه ظهور کن حوادثی و اختلال نظام
معلق مطلق اولدوغی احوالی کروه کفره یه علی التفصیل عیان ایدوب آل عثمانک عسکر
و خزیننه سی احوالی بیلورم مقاومته عدم قودر ثلری مقرر و و کلا و عسکری بیننده خلاف
و شقاقله حاللری مکدرد روندیک ملاعینی ایله طرف دریادن استغفال اوزن ایکن زده
قره دن هجوم ایدلم استا نبوله و ارنجه او کومره کلور و قار شوط و ر عسکر یوقد و
دیوب اطرافنده اولان کفره ایله اتفاق و اتحاد عهد و میثاق ایدوب خصوصاً افلاقی
و بغداد و یوده لر یله قول و قرار لر ی متعین اولغین خان تاتار محمد کرای خان تأدیب
و کوشمال ایچون تعین اولمشیدی انحق افلاق و بغداد و یوده لر ی معام و جود اولوب
برارو نامدار بویا لرین عموما عسکر ایله پاتنه کوند مشلر ایدی راقوچی اوغلی
کروه کفرا ایله طابور قور و دقلری موضعه ایکی قوناق قریب یزه عسکر تاتار کلد که
بو وجهله بر خدعه حکیمانه ایتدی لکه کفاردن بر قاج دل التمشیدی عسکر تاتاردن
بر قاج بیک دلاوری عثمانلی عسکری قیافته قویوب کیجه ایله اوردودن طشره کوندردیلو
و علی السحر دللری میدان سیاسته کتوروب سنوایدوب قتال رینه شروع اثنا سنه
سرعتله بر قاج تاتار مرده جیش دیوان جنکیزه کیروب خان مرده اولسون طرف
پادشاهیدن اون بش بیک سبکبار عسکر کوند رلش حال وصول بولد بلر دیو خبر و یردکارند
کویا تشکر ادللری ازاد ایتد یلر دلرد دیوان خاندن چیقوب کروه کروه عثمانلی قیافته غلیان
اولان عسکری مشاهیر ایدوب طابور لر ی سمته جان آندیلر و راقوچی اوغله احوالی
آفاده ایدوب بو قدر بیک تاتار عسکریدن ماعد عثمانلی طرفندن دخی اون بش بیک عسکر
امداد کلدی بو کیجه یار ته کیجه طابوری شجوه ایدو جکاری مقرر ددیو خبر و یردکارند
راقوچی اوغلینک جان باشنه چکار دی لکن عسکرینه پریشانلق کلمک و عسکر اسلام
کند و لرینه بیروا و لمامق ایچون بو خبری شایع ایتوب قریب اولان له قلاعندن بر قلعه نیک
بیک بنی دعوت ایتدی ضیافته کیمه رم سوزله محرم و معتدل رندن بر قاج خنیری

یافته الوب عسکر ندن ایراوب فرا ایندی یکی کجه نك ایر تخی عسکر تاراریشوب
کغان کوزاچدر میوب قرق الله بیک قدر کافری قتل واسیر خذ لا نیله منورم ایندیله
اکثر رو سای اردل بومر که ده اسیر وهلاک اولدی بو ظفر مسرت اثرایله عسکر تا تاد
منصور و مظفر اولوب عودت ایندی کیری خبری بوزجه اطه فتحندن مقد حجه کش
ایدی ذکر اولنان اردل خوادئی ورودایدوب راقوچی اوغلیک فسادى و افلاق بغداد
کفره سنک اکا اتباعی محقق اولوب سر حدلردن کلن عرض و محضر لرینک صدق
نمایان اولغین اولطر فلرک نظام احوالنه شروع اقتصار ایتمکین صدر اعظم خط شریف
وقایع وقفن ان ارسال اولندی جزینه دارصولاق مجددا عودت ایندی که صدر اعظم اغای
مشارایله ایله رکاب همایونه ناخص کوندر ووب بلاد شمالیه نك ذکر اولنان اختلافی
دفع ایچون تختگاه قدیم اولان ادرنه یه توجه همایون مقتضی اولدیغنی اعلام ایتمشیدی
بناء علیه محر و سه ادرنه یه حرکت پاشاهی مقرر اولوب اوازمنه مباشرت اولندی شاهی
فهمان افندی که مقدما سافره نفی ایله مهمان اولمشیدی بر مقتضای رزالت خلقت
موتانی امر او اعیان جزیره یه تحمیل و کل غداة و عشی انلرک سفره سندن آغدی و تهنی
ایتمکله کندونی رتبه مو هو مه سندن حظ و فزیزل ایدوب ایکی سنه یه قریب یوحا لله
اول جزیره ده مبتلای حیرت اولمشیدی المهددة علی الراوی حاشاکه حضرت مریمه
قشبه امننا سترلده عزلات کزین اولان نازنین قلا و رملری باری هفته ده برکزه زیارت
وانرا یله بسط بساط انس والفت ایدردی بغداد عوده اذنی منتظر حکم شریف و نیم
نگاه لتفات پادشاهی ایله تلطیف اولنوب برمدن بروهرنه حال ایسه استانبول
عزلات کزین کنج انزوا اولمشیدی زنجیه بر قاج دفعه مطلبی تحلفندن بی حضور اولوب
محکمیل مقصودی ایچون قائم مقام عمکبوت احمد پاشایه مضی و مختوم تذکره ایله عرض
درهم و دینارا ایدوب بیوضع بوالعجب مقدمالندرون همایونه اهداواسترداد ایندی یکی
دوات قضیه سی تذکیره سبب اولوب ارپه لئی اولان ادرنوسه نفی اولندی سابقا تحریرو
اولندیغنی اوزن استانبول قاضیسی عبدالرحیم زاده افندی ارباب سوئی تریب
و عدیل به بازار باشی نامنه اولان مجبول الحال بر بقالی تأدیپ ایدوب شخص مزبورک
قیبه بکتاشیه یه انسابی اولغین عننادید قوم دامن عرضنرا لوده چرکاب لوم اولسون
دیو خواه نا خواه مخدومی نفی واجلا دن بدل غزل ایله کوشمال ایتدر مشلر ایدی جرم
نا کرده سی مضروب قلم نسیمان اولوق احتمالا یله صدارت تحلفندن اظهار انقباض
وجناب فتوای انسابیه اطاله زبان اعتراض ایتمکین بروجه ارپه لقی نیره یه اجلا اولنوب
اوج ماه تمام اولدی بن نافذ الکلام بعض شفعار جاسیله عفو و عطف طفت شهر یاری یه
مقرون اولوب استانبول عود ایله مأذون اولدی فی واسط ذی الحجه وفات قاضی عسکر
امام زاده محمد افندی نوبت دولت ابراهیم خانیند بیل مال و مقربان همتمزى مقارنتی ایله
قتی از زمانه صدر صدارت علمایه صعود ایدن امام زاده محمد افندی اصابت عین الکمال ایله
خسته اولوب برابکی سنه دن برو افتاده پستری بیماری اولوب عاقبت شجره وجودی

روضه شهر و ددن بر گنگن دست روز کار اولدی دفتر دارصاری علی افندی مرحومک
احوالنی عزیز افندی تاریخچه یه یله یازار که ابتدای طلوع دولت عثمانیه دن
بودم که دعا کویان نامیله خوشه چین انعام سلاطین کزین آل عثمان اولان خدات
مستحقین و مشایخ عزلت کزین و علماء دین و فقراء صابرین و ظایفنی قطع ایتدروب بلاد
بعیده دن عباد الله مسلمینی بحسب الاقتضایار نکاب سفره حجاج ایدوب نجه مرتبه عناد
و لحاجدن صکره هزار در دوزا رایله وظیفه معینه سنک الحق خمسینی و بلکه عشری
مقدارینی ابقاسینه سیله اظهار سرور و ابتهاج ایدن دفتر دار لعدن معزول صاری
علی افندی مرک فحاشی سر بنجه سنه گرفتار اولوب و مصادن اموال و احداث بدع
و مظالم و افساد خزینه و کسر خاطر اکابر و اصاغر و قطع ارزاق اوزار یله عزم دار القرار
ایدوب کافه انام سب و دشنامده همزمان اتفاق و پیام هلاکتی باد صبا انباشتارت
فامه ایله مرده رس سکان چار جهت اتفاق اولد بلر مریدر که جنازه سی بعد الصلوة سنک
مصلادن رفیع اولد رقد محملکه عارضه سکنه ایله بضی ساقط و حس و حرکتی منقطع
اولغین مبادینه اظهار مد نفس ایلیه دیو اذیت و جفا سندن جگر خون اولان ضعفا
اول ظالم بی پروانک جثه سی بر خطوه قبره قریب اولسون دیو نعشی کتور مکه قوم طالوت
تایوته ایندی کیری اقبالدن زیاده از دام و لا لب علی بی مزدو اجرت خدمت حمل و دفعه
اهتمام ایدوب اتباع و اشباعه نوبت ذکر مشلر حنی متعلقات و حواشی کمال حیرت و تلا شله
سکر دوب حفره مزاره وارد قلندر حریف ظریفدن فقط بر توده خاک نشان کور ووب
بلد یلر که کوکمی اوچدی یره می یکدی پسری روح پدوی شاد اینک زعمیله معتاد وزن
سر مزاند بطریق التوارث باعن جد و اول ایدای ایله نوبت تصدی کندویه انتقال ایدن
پیر صد ساله بر فقیر کیرله بی اعتناق و تحری اینک مراد ایدیمک اول یوم سهیندی روز عید
ییلن ناامید لر غنوم زحمت اولسون قول از ادایتمکله حاجت یوق دفع ثقل و جودی ایله
جمله مزمر حومک ازاده کرده سی اولمشردر دیو سر خمیر لرین اظهار ایتمشرف فقیر
دیو مکه مزبور صاری علی افندی عصر یزده دفتر دار بیک افندی دیو شهرت شعار اولوب
عصر سلطان سلیمانیه وزارت پایه سغه نال اولد قد نصکره مرحوم اولان بیک
افندی نیک پدر لر مال میری بی ضبط و استقامت اوزن نصرف و نامستحق لک جهاتن
قطع و خزینه عامره خاینترین قهر و دفع اینک ایله متصف میری یه نافع و دولت علیه یه
خدمتی سبق ایش استقامتله معروف کسینه ایش کو پر بل مجد پاشا و قمتان نامستحق لری
قطع و غیر بلری تقلیل شرط یله و ظایف یه قلم سنه مأمور اولوب قطع ارق کبی بر امر
مکروهه سپر اولد و غیچون استقامتله اولان شهرتی مضمحل اولوب عامه خلق اراسته
مندوم اولدی حقه نکه در افندی کبی بر فاضل بنام شیخ الاسلامک تحری ایندی یکی کلمات
اخذ عبرت ایچون بو محله ایراد اولمشدر عقلای روشن رایه لایق اولان بودر که کندو
وضاسیله بویه کار مکروهه بولیموب خدمت ابدنم دعواسیله قطع ارزاق ایدوب
صهام سب و افنه سپر اولمیه زیر دولت اسلامیة دن الی وقتکله هدامضبوط اولان

اولان تواریخ و تبحر به عقلایه کون قطع از زانی ایدن حاکمک و اول خدمتده بولناترک
 رزق و عمر لری زمان قریبه قطع اوله کلشدر خلفای ماضیه و ملوک سابقه زمانده
 وقوعه کلمه تفصیل اولنسه تطویل کلامه سببدر یوقینه برده جمله نک معلومی
 اولان کوپرلی زاده مصطفی پاشا وقتنده اولان یوقله در وزیر مشا رالیه طریق
 فزاده بذل مجهود ایدوب کف زاید عادیه سندن بوقدر مالک محروسه استر دادی ایلده
 دین مینه خدمت ابلش ایکن و صلاح و صداد احوالنده محود اخصال ایکن متقاعد
 و کرک و طایفی یوقلیوب نامستقلری قطع ایندوکی اچون عمو مادقراوا اکثر اغنیا
 کندودن دوگردان اولوب ذموب دعاسنه جرات ایدر اولدیله و اول ماده یه مباحثه
 اولان جمله الملک و مستشاری کنه ایدیک اکنلی محمد اغا عاقبت قتل اولندی یا لکر بکچری
 اوجاغی مواجیندن میری یه سنوی دورت بیگ کیسه نفع و خدمتی وجوده کلشیکن
 و رعقل ایشه یرار حریف ایکن اصلا مر حمت اولنوب قطاع الطریق کی سیاست
 ایلده یوغدیله و حالا جمله خلق سوؤ ذکر لیه اکوب بددعا ایدر لر صداقت وجوده کنون
 دیوقطع ارزاق خلایقه خدمت کوسترن مخلصانه ماترک الحق لعمرین صدیق و خواستجه
 هامة ناس عداوت ایدوب انقلاب روزگار ایلده جانب سلطنت دخی صاحب چقمیوب
 مکر اعدا ایلده محنت عظیمه یه گرفتار و مظهر جزای به شمار اوله کلشدر یوحله اعتراض
 اولنوب خزینه عامر نهک مضایقه سی و ارا بکن بر الای آدم کرکدن و سایر مقاطعاتدن
 بالغامایان وظیفه المانک مناسبتی ندر انلری قطع ایتیک لازم دکلیدر قطع اولنقه بو
 ذکر اولان محذور ملاحظه اولندوغی صورتده چان سی ندر دیو سوؤل وارد اولغین
 کتب اسلافده و تواریخ معتبره ده بونلره متعلق مطلع اولدیغمز فوایدی عا جزانه جمع
 ایدوب بوخصه و صحت دستور العمل اولق ملاحظه سیله بر فصل مشبع تحریینه جرات
 اولندی قلت بضاعه ایلده واقع اولان سهو و قصوری معذور یورلق موجود معلوم اوله که
 کتب شرعیه ده یازلدیغی اوزن خزان بیت المال دورت قسمدر خزینه اولی مال
 صدقاتدر کوة سوایم و تجار مسلندن کرک نامه النان زکوتدر بخزینه نک مصرفی آیت
 کریمه ناطق اولدیغی اوزره سکر صنفدر فقر و مساکین و بیت المال خدمتده اولان
 هاملره مؤلفه قلوب و اسارای مسالین و مکاتب قوللری و فی سمیل الله غزاده بدنی و مالی
 غرامته مبتلا اولنلر و محتاج مسافر لر در مؤلفه قلوب اهل اسلام ایلده کفار از اسفند تألیف
 قلوب ایدوب واسطه اولنلر در که لصاحه انلره حصه و یرلور دی کقوله تعالی الصدقات
 للفقراء و المساکین و العالمین علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغارین فی سمیل الله
 و ابن السبیل قریضه من الله و الله عزیز حکیم عزت اسلام قوت بولمقله مؤلفه قلوب
 ساقط اولمشدر ثانیاً مال غنا یمدن النان خمس و معادن و دفا یمدن حصوله کلان
 مالدر بونک مصرفی یتیم و یتیم و مسکینلر و انباء سبیلدر فقر و ذوی القربا دخی
 داخلدر امام شافعی پاشنده اغنیایری دخی داخل اولور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه
 و سلم حصه سی امام اعظم مذهبنده و فائز لیه ساقط اولمشدر امام شافعی مذهبنده

حصه نبویه خلیفه انتقام لیشدر خلیفه وقت الورتا لثا خراج اراضی و مال جزیه
 و طوایف مختلفه دن کل اموال مقررده و اهل ذمت و مستامن و حریلر تجارندن النان کرک
 و صلح مقابله سندن کفار دن النان اموالدر بونک مصرفی اعدا ایلده محاربه و مقاتله
 ایدن عسکرک مواجی و سلاح و مهمات سفره متعلق اوازملریدر بعدد عسکرلر
 و والیلر و انلر خدمتده اولان غازیلر در بعدد قضایه و فقها و مفسرین و مفتیلر و حفاظ
 کتاب الله و علم و متعلملر و امور مسلمینه متعلق خدمتده اولنلر و دار اسلام مسالککی قطاع
 طریقندن و حرامیلر دن محافظه ایدنلر در بعدد قلعه و جسرلر و رباط و مساجد یا یلوب
 ثغور بمالکده اولان رخنه لر سد و تحصین اولنور بعدد مصالح مسلمینه فائز لیه
 خدمتده انلر عظام اجرا ایتیک کی تنهی عام معنانه صرف اولنور رابعاً بلا وارث
 فوت اولنلرک متروکاتی و لقطاتدر فقر و مرضاتک ادویه و معالجه لرینه و بلا وارث فوت
 اولان موتونک تجهیز و کفینه و نکسیدن عاجز انلرک نفقه لرینه صرف اولنور قاعده
 اصلیه بودورت خزینه باسقه باسقه حفظ اولنوب هریری متعین اولان مصرفلرینه
 صرف اولنق ایدی اما مرور زمان و مقتضیات عصر و دور انلر باسقه باسقه ضبط
 متعسر اولغین بری برینه مختلط اولدی نظر انصافله نظر اولنسه بودورت نوع
 بیت المال ایچینه علما نک و صاحبانک و فقر و انباء سبیلک حصه شرعیه لری وارد و بو
 حصه لرده اکثر علما مناعب و قضا و فتوی و مدرسه و سایر جهاتله حصه مند اولوب
 میریدن حصه و یرلر سایر اصحاب حصه نک اکثری کرک مالنه منحصر املشدر دولت
 هلیه دن وجوه متنوعه ایلده حصه مند اولان اغنیای و مسئله نک اصافی ملاحظه ایتیم
 بعض کسه لر فقرای عباد الله کسدر مقدری برینه جهت و معیشتی ایلان بر قاج منقری چوق
 کوروب و دبلیغی مقوله سنی بر الای حریف بوقدر وظیفه المانک مناسبتی ندر دیو
 و زرای عظامی قطع ارزاق ستمنه سوق ایتیک کاری خیر خواهلق دکادر بوظایف نک
 تقلیل و طریق نسیجی بر قاج شروع طله ممکندر اولامحدث وظایف و یرلر بوب دوشن
 محلولاتک مرده کانی دخی براییکی ایچه سندن مساعدی و یرلر بوب حفظ اولنه
 ثانیاً اوقاف و ظایفی کی بو وظایف النوب صائلق منع اولنه بو طریقله بر قاج
 سنه ده خفت کلوب قنی چوق محلول خزینه عامره یه قالدور و لایق قلوب قطع
 و تعلیملر عجله اولنور سه نامستحق انتخاب ایدوب قطع ایتیک متعسر در نیچه اغنیا
 و در که مؤتی اوزرینه و احب اولان خدمتکارینه و مقاسمه و انچه بر طریقله وظیفه
 ایدمشدر یوقله ده بر انلرینی مضراع پای در دست و دیک در دستار مضروبجه باشی
 گوزلکی الی دکنکی بر رفیق الحال اختیار انله و یروب کونددر لر کلوب یوقلند قدر هزار
 سوؤله حاضر جواب بولنلغی قطع ایتیک متعسر اولور حاصلی اغنیای و ذی قدرت اولنلر
 اسامیلرین بر طریقله قور و تاروب و یکس و فقر اولنلرک و تعیشی اول وظیفه یه
 منحصر بولنلرک وظیفه لری قطع و تقلیل اولنق اقتضا ایدر اول ضعیفایسه مضطرب
 الحال اضطرار و فقر و انکسار ایلده بددعا ایتسه لر کر در نعوذ بالله تعالی انلرک بددعا سی

کوه البرزی بر باد ایله جگمه شک یوقدر غرایب احوال دن بری دخی بودر که سلفه
 بومقوله یوقله ایدوب خلقک زرقنی قطع ایدنلر پیدا ایتدو کی محلوللردن کندی و اتباعی
 و دوستلری قایر مغه هوس ایتیشلردر قایر دینی آدملرین خیرد عاسی متضرر اولنلر کید
 د عاسی خمرینه د کد بکنی ملاحظه ایتمیشلردر سا بقاعثمان پاشا اوغلی کرک یوقله سنه
 مأمور اولوب پیدا ایتدی کی محلوللردن اون بش بکرمی قدر اتباعنه و مملو ککنه وظیفه
 پیدا ایتدی غیرک زرقنی قطع ایدوب کند و مننسملرینه ویرمک ایچون بو خصوص بددعایه
 مطهر اولمقدر کرکدن و غیره جهتمدن کسنه یه وظیفه توجیه ایتین حاکمه غایتی بوکه قلمنه
 همسک دیو طعن ایدر ایددعایه ایتنلر ایتسه لده لغو اولور اما برو وظیفه یه بر طریقیله نائل
 اولمش ادم مستحق اگر نامستحق حاکم نافذ الحکمک توجیه یله اول وظیفه یه اهل اولمش اولور
 انک وظیفه سنی تقلیل و قطع ایتک زرقنی کسمک و حقندن منع ایلانکدر مغد و ریشلری حسبیله
 یتدعالی نافذ اولور خلاصه کلام بومقوله ایشلر هیچ و تعدیل اولنق تدریجه محتاجدر
 تدریج و تانی ایله قنی چوق مشکل مصالح حصوله کایر حکایت زمان اولده ملوک اترکدن برینک
 صقالی بوغیش خلقی دخی کندی شکلنده اوله سن مراد ایتمش جمله خلقک صقاللری تراش
 ایتدردیوزینه امر ایدر وزیر عاقل آدم ایش پادشاهم یایش تدریجه محتاجدر اوج سند مهلت
 احسان ایله اول وقتکه دیک مملکتک زده بر صقالی آدم قالماق اوزن حکمکری اجرایه سی ایله ایم
 ضیوب مهلت الور ایتد ایتکدن صقالی وضع ایدن نو خطره صقاللرین تراش اینسونلردیو تنبیه
 ایدر انلرک ضروری صقاللرین تراش ایتدردلر برمدن نصکره کوسه لک صقالی نامناسبدر انلرده
 تراش اینسونلردیو ایتدردر خلقک اکثری کوسه لری استمرز ایدوب واقعا کوسه صقالدن
 تراش معقوللردیو ب نو خطره دخی بزه همرنک اولسونلردیو دعواچی اولوب جمله کوسه لری
 تراش ایتدردلر نهجه ایامد نصکره عامه ناس صقاللرین تراش اتسونلردیو ند ایتدردیو رقبه
 صقاللرین مخالفت کوسه لرد کده نو خطره و مزلفرد دعواچی اولوب بزم صقاللرین تراش اولندقد
 سزم معقول کوردیکر سزده بزمه مساوی اولک دیو اجرای فرمانه مساعده ایدوب خواه ناخواه
 جمله سن تراش ایتیشلر بو لطیفه ده حصه دقیقه وار در حکامه لازمدر که بومقوله امورده
 تدریج و تانی ایله عمل ایلمه تدریج دخی و وزیرای عظام مقاملرینک ثابت اولمغه محتاجدر
 خزیننه احوالک اختلالی و او جا قلمده و کرکک و سایر مواضع اولان موجب
 و وظائفک کثرتی و سایر وجوه ایله ایراد و مضرفک هرج و مرجی باجمله صدر اعظمک
 هنرل و تبدیلندن اقتضای کیشدر مقام صد ارته کلن ذات مدبره احوال اطلاق
 تحصیل ایدوب امور دولته خصوص ایراد و مضرفنه نظام تام ویرمکه شروع ایدوب
 اول امر عسکری قوه قریبه یه کتون جک زمانه سفر غائله سی یافتنه ظهوری یاخود
 منافق لک و اصحاب اغراضک سعایتی ایله معزول یاخود مخذول اولوب مقامنه اخر
 دولتلر کلد کله انک ترتیب ایتدی کی تدبیر لمطل اولور اولدخی سلفندن عبرت آلور
 مصرا یله مدارایه مشغول اولور اهتمام ایله شروع جرأت ایدر سه مجامع مصداقی
 سلفی رتبه سنه کتوز نهجه خیل زحمت چکوب هنوز بر صورت ویره جک زمانه اولدخی

بعض بهانه سببیه سلفی محنته گرفتار اولور و هم جرا حال بومقوال اوزن اولمغین
 بو خصوصلر بو یله مختل و مشوش قالمشدر پس پادشاه عالمپناه ایله الله وقواه
 حضرتلرینه لایق اولان بودر که بومور مشکله یه نظام ویرمک مراد همایون بیورلدقد
 وکلای روشن رایه استقلال تام احسان بیوروب علی التدریج شروع بیورلر
 موضع بحث کرک وظیفه سی و سایر فقرای مسلمینک زکوتدن اولان حصه لری
 اولمغین بومقدار ایله اکتفا اولندی بکچری و سپاه و سایر طوایف عسکری یه
 مواجب لری تعدیل و تسویه یه متعلق اولان بحث صد دیزدن خارج اولمغین ذکر
 اولندی سلطان سلیم خان مرحومک دستور العمل ایتدی کی رساله ارشاد که دیباجه
 کتابد ذکر اولمشدر انک ترجمه سنه موفق اولور سق اول امور مهمه ده اهم و الزم اولان
 تدابیر دقیقه تفصیلا انده ذکر اولنسه کرکدر سنه ۱۰۶۷ و قایعندن بغدادده انهار
 دجله و فرات عادنلرندن زیاده طغیان ایدوب قلمه بغداد دیارندن او چیو زار شون
 مقداری منهدم اولمشدر وقایع سنه ثمان و ستین و الف حرکت همایون بجانب
 ادرنه قره دن و ندیک کفاری اوزرینه سفر اولنق و راقوچی اوغلی فساد ایله
 مختل اولان افلاق و بغداد و سایر بلاد شمالیه احوالنه نظام ویرمک خصوص بیچون
 پادشاه عالمپناه حضرتلری ادرنه یه توجه بیورمق قراردادده اولدوخی سنه سابقه ده
 ذکر اولمشیدی بیک الشمسیدی ذی الحجه سی اوائلده اوردوی همایون طرفندن
 اناطولی بکر بکری وزیر حسن پاشا قائم مقاملق ایچون استانبوله واصل و رویال سریر
 اعلام شرفنه نائل اولوب سلفی وزیر عنکبوت احمد پاشا وزیر اعظم دستگیر لکی ایله حضیض
 منزلندن اوج عزته اعتلا ایتمشیمکن غالباً احسانلرین کفران یله مقابله ایتک ذمیه سنی
 اختیار ایدوب قره حسن اغا و علی حسین اغا ایله متفق و مهر صدارت تحصیل خصوص سنه
 مختد اولق تهمتیله قرمان ایالتی ویریلوب قرب همایوندن تبعید اولندی رکاب همایون
 قائم مقاملری وزیر قوجه نشانی پاشایه احسان بیورلدی سنه ۱۰۶۷ ذی الحجه سنک
 یگرمی بشنبی پنجشنبه کوننده عظیم آلائی ترتیب اولنوب شوکتلو پادشاهنر حضرتلری
 دارات خسروانی و خشت ادوات صاحب قرانی برله علی الصباح سرای عامره لردن آفتاب
 هالمتاب کی طلوع ایدوب خلق عالمه عرض دیدار و عیون ناسی پرانوار ایدرک داود پاشا
 محرامنده نصب اولنان اوتاغ کردون نطق ایلرینه شرف نزول بیوروب بومقدار مکث
 و آرماد نکره جمله خدام حرم و اغایان محترم بنده لری ایله عموماد و پاشا سراینه عودت
 و کوچ کوننده کین انده استراحت بیوردیلر بیک الشمس سکر سنه سی ماه محرمک
 اونجی پنجشنبه کونی شیخ الاسلام و صدرین افندیلر و زمره متفرکان و چاوشان
 و سایر خدام دیوان ایله حرکت و ادرنه یه طوغری عزیت بیورلای منزل کوچک حکمجه ده
 آستانه سعادت قائم مقامی وزیر حسن پاشا سعادت نو پادشاه عالمپناه قصبه مزبور یه
 قریب بر محله پیاده سلاملیوب طرف همایوندن برسمورلی خلعت فاخره ایله اکرام اولوب
 کیرویه رجعت ایلدی محرمک اون برنجی جمعه کونی منزل بیوک حکمجه بوم مزبورده عکک

حرامی دین منی با پنجه سندان واقع اولوب بمال بوستانچی باشی عمر اغا بایر باشنده ملا میوب
الباس خلعت و کبرو استانبوله عودت ایچون اجازت بیورلدی و اون ایکنی سبت کونی
منزل سلوری اون اوچنی بازار کونی منزل قنقلی اون دوردچی اثین کونی منزل چورلی
اون بشنجی ثلثا کونی منزل قارشدان اون التخی چهارشنبه کونی منزل برغوس اون بدنجی
پنجشنبه کونی و تراق اولنوب اولکون شهر یار کامکار حضر نلری دولته سوار اولوب
اول اطراف کشت و کزار و مراد ملوکانه اوزن صید و شکار ایتدیله اون سکرنجی جمعه کونده
منزل بابای عتیق بزم مزبورده رکاب کامیابلر نده اولان بندکان طرفینه جناحین اولوب
حمرای مزبورده سورکون طریق اوزن صید و شکار ایتدیله رک کذار بیورمشلر ایدی اون
طوقوزنجی جمعه ایرتسی منزل حفصه یکر منجی بازار کونی عظیم آلایله ایله فقرایه بڈل
واحسان ایتدیله شهر ادرنه یه دخول و سرای سعادت قزالینه شرف نزول بیوردیلر
اهالی شهر ادرنه عموم اوزن صولاق چشمه سندن بر ساعت قدر مسافه ده واقع قره بایر نام
محله دك استقبال و فرش پای انداز ایله عرض تعظیم واجلال ایدوب مشاهد دیدار پر
انوار پادشاهی ایله مسرور البال و فرخنده قال اولمشلر ایدی بعده دولتلر والدیه
سلطان حمر تلری خدام ذوی الاحتراملریله تشریف بیوردیلر ارکان دولت و خدام
یارگاه سلطنته علی العاده قوناقلر ویرلدی خاص اوطه باشی سفر اغا بقی مرضنه
مبتلا اولدوغندن ناشی حضور هما یونده استخدا می نامعقول کورلمکین ماه صفرک
اون برنجی کونده متصرف اولدوغی خاص ایله سرای عامره دن اخراج اولنوب برینه
سرای جدید اغاسی فرنک محمد اغا نصب اولندی فتح جزیره لمنی جزیره مزبور نك تسخیرینه
مأ مور اولان معزول و منصوب بر قاج بیکر و خدایوند کار سجاغندک ارباب تیمازی و مصممونجی
پاشیلر بر قاج بیکر اچیری اوزر لینه سردار تعین اولنان طوپال محمد پاشا ایله جزیره یه
واروب بیکیری متر سیه کوروب قلعه یی دیپا یچ قوشا تمشلر ایدی بر قاج کون ایچینه بر اوچلا
صاعقه کردار اژدرها بیکر طوپلر ایله باروود یوزلرینک اکثری ویران و اطراف و جوانین
خاک ایله یکسان ایتدیله لکن قلعه مزبور مرتفع سنکستان اوزر نده واقع اولغله یه ریش
ایچون لغم ایله هدم ایتک ممکن اولدوغندن الشمس کون مقداری ایام محاصره متمادی
اولمشیدی بوندن ماعد اسوخته آتش قهرالهی اولان کور قیودانک برادر کراهی پس ماتر
دو نهای کفار اولان اون یدی پان قلیون ایله واروب کندوسی قلعه یه کوروب محصیل نام واخذ
انتقام سودای خامی ایله محصور اولان ملا عینه قوت قلب اولمچون پیشو اولمشیدی
اون یدی پان قلیون طرف دزیادن همیشه عسکر تازه و ذخیره ایله امداد خدمتده
اولغین فجره اشزارک استکبار و عنادی ایام محاصره نك امتدادینه یادی اولمشیدی
عسکر اسلام ایسه راحت و آرامی حرام ایدوب کجه و کوند زجنگ وجدال و حرب
و قتال دلیله اقدام اوزن ایدیلر حکامه حریده نجه مبارز زو راوری روح و نجه دلیله و دلاور
مخروج اولوب حتی قیودان پاشا دخی زخمدار و مصممونجی باشی دانه تفنگ ایله
نیما راولمشیدی بالاخره وجودلرین آتش کارزان القا ایدن دلیران و غا قلعه نك

ایچروسنه ناظر اولان بوکسک یرلره طوپلر چیقاروب مختصن اولان ملا عینه
حواله ایدوب کله صاعقه کردار ایله بنای وجودلرین تارمارا یتکله شویله زیون اولمشلر
ایدی که مارصفت سوراخلردن باش کوستر مکله اقتدارلری قالمامشیدی جزیره نك
اطراف دخی غزاة اسلام ایله محفوظ و مضبوط اولوب کیلردن و رودامداد طریق یقنی سد
ایتملری ایله ملا عین خاسرین مایوس اولوب ماه صفرک سکرنجی کونی و یره بیراغی
دیکوب قلعه دن آدم چیقار دیلر قیودان پاشا حضورینه احضار و مرادلری اوزن استفسار
اولند قده اهالی قلعه عموم امواموجود اولان ادوات حرب و قتال و سائر ازااق و امواللری ایله کافر
کیمینه ایصال اولنق شرطیلر قلعه یی تسلیم ایتک استمد کلری اعلام اولند قده
وحبه نك چقما سنه رضا کوستر لمیوب سبکبار کیدر لسه امان ویرلسون والادولت
پادشاهی عسکر اسلامک بر وجهله عجزی و فتوری اولیوب قوت قاهره ایله النقی
مقرر ایدکن مراد لینه مساعد ممکن دکلدر دیور دجواب ایدوب کوندردیلر ملا عین اشرا
فا چارسبکبار کتارینه رضا و یروب قلعه دن چقماغه باشلدیلر مختصن اولان کفار بیک
بشیموز قدر وار ایدی عسکر اسلام قلعه یه دخول ایدیلر اول امر دن بر قاجیموز
کافر طعمه شمشیر انتقام اولوب عقد عهد و امان همان طائفه فرنگلر در دیوانلری
کیلرینه ارسال ایدوب مقدمه و نمانم زامنندن خلاص اولوب حصار مزبور محافظه سنه
بذل مقدور ایدن بشیموز قدر فورسه لری اسیر و درزنجیر ایتدیله دور تیوز مقداری رعایت نك
سائر عتوت اولسون دیوجنگ آور توانلردن بر مقداری قتل اولنوب قصوری جزیره ده
ابقا اولندی بعون الله تعالی قلعه مزبور و تابع و لواحق ایله مجدد قبضه تسخیر
اسلامیانه داخل اولدی آمدن صدر اعظم و سردار مکرم رکاب شهنشاه عالم سردار
اکرم بوزجه اطه یی فتح و تحمین ایدوب تعین محافظین ایلد کدن صکره لمنی جزیره سی
استخلاصچون نامزد اولان عسکر ظفر رهبر ایله قیودان پاشا سی ارسال ایدوب
کندوسی رکاب همایونه رویال ایتک اوزن دعوت بیورلمغین امتثالاً للامر العالی
ادرنه یه معاودت ایتمشلر ایدی کندولری هنوز کلیبولی جوار نده قواق نام منزله ایکن
لمنی جزیره سنک فتح و تسخیری خبری وارد اولوب کندولر طرفندن ناخیز ایله رکاب
همایونه خبر مبشور و رود ایدوب علی رغم الاعدادرنه ده اوچکون اوج کجه دونما
و شملکر اولندی صدر اعظم قلعه لمنی تعمیری ایچون لازم اولان مهمات بنا ایله بنالو
و محافظه سی ایچون مقدار کفایه عسکر ارسال ایدوب مصراع فتح و نصرت درمین و نان
و نعمت در بسار رکاب همایون شهر یاری یه رویال ایچون استحال ایدوب ماه صفرک
اون سکرنجی کونده ادرنه یه واصل و شرف دامن بوس پادشاهی یه نائل اولوب وجوده
کلان خدمت مبروره سی مقابل سنه خلق فاخره خسروانی و سمور فائض السرور
سلطانی ایله مسرور و مظهر التفات نامحصور قیلمندی واعدای دیندن اخذ
انتقام یتیلر بلاد شمشیریه سفر مقداتی ترتیبه شروع اولنوب ممالک
محر و سنه یه احکام موکده کوندردی و طوایف عسکره اطراف وجوانیده

قشلاق ویریلوب بکچیری اغاسنه کوماجنه و شتی و هزار غراد و بکچیری زمهره سنه
 قره قریه وردو سحوق قضاری تعیین اولندی شدت شتابا مرالله تعالی بوسالده ادرنه ده
 مبالغه قاریاغوب تعبیری نامکن شتای شدید اولدی وجوانب اریعه ده عربیه
 بوللاری مسدود اولغین ادرنه وجوانبده قحط و غلا استیلا ایتدی بوندن اعرب دفع
 پرودت ایچون آتش یقاجق خطب بولغیموب بالضر وون نجه اشجار مئره نك قطع
 ارنکاب و خوف مضمرات برودندن ترك راحت و خواب ایدوب ادرنه لیلر ك اكثری
 تانه لرین ییقبوب و تخته بی اللهی اچیه یه صاتوب یاتق ایچون منزللری کراسته سن اودن
 پرینه فروخت ایتیمکه وافر سرمایه پید ایتدی لر سرای عامر خدای فرمان پادشاهی
 ایله با نچه همایونده اولان بلند جوز اغاچ لرین و سائر اشجار عظیمه بی کسوب اولون
 پرینه یاقدی لر اواخر شتاده هر طو نچه دخی جوش و خروش ایدوب بروجه له طغیان
 ایلدی که سرای همایین با نچه سی مانند عمان اولوب تیمور قیو اچلق نامکن ایکن صو
 شدت هجوم ایله اشیکندن اچو سیلان ایدوب حجام کلخانه قریب لر دریا مثال
 اولمشیدی بعض صادق المقال اصحاب سن و صالدين سوال اولند قد بوانه کله بویه
 شدت شتا و طغیان کورمدك دیو خبر ویردیلر هزار ضرورت و عسرت ایله ایام شتا
 منقضى اولوب فصل بهار ایرشد که اطراف وجوانب بدن انواع ذخایر و لوطون مستوق
 ایریشوب غنیمت عظیمه حصوله کلدی تبدیل و یوده افلاق و بغداد و سرداری فضل
 پاشا بجانب ایشان مقدم ادرل قرالی اولان راقوچی اوغلی مقرر حکومتندن التمش بیك
 هسکر ایله کفاری اوزرینه عزیمت ایتد که فرمان قضاجریان پادشاهی ایله تاتار خندان
 هزیمت بولادوغی بالاده ثبت و تحریر اولمشیدی افلاق و بغداد و یوده لر ی صورتا
 طرف دولت علیه یه انقیاد اوزن لر ایکن خفیه تعیین مزبور ایله متحد و متفق اولد قوری
 مشیوع بولش ایدی جناب پادشاه جهان آرای روی زمین حضر ثلری و نديك کفار ندن
 اخذ انتقام ایچون توجه همایون بیورملری ایله افلاق و بغداد و یوده لرینه دخی ممکن
 مرتبه مالک ککر عسکری ایله تدارک کوروب سفر طغر رهینه بولنه سز دیو بر قاج
 دفعه اوامر شریفه کوندرلش ایدی ملاعین خاصین خزینه لرینه مقرر و رابعض
 بهانه ضعیفه یه تمسك ایدوب عوق و نأخیری مشعر جوابلر کوندرمش ایدی سلاطین
 هظام آل عثمان ایدهم الله الملائک العلام دارالنصر ادرنه یه تشریف بیورد قلند افلاق
 و بغداد و یوده لری مقمن بیشکشلی ایله رکاب همایونه یوز سوزمك وعزیمت همایون
 بیوریلان سفر لده عسکرلری ایله خدمت ایلک قانون قدیم اولدوغنه بناء ادرنه یه دعوت
 اولندی لر دماغلر نه اولان فساد مقرر اولغله یه تعلل و بهانه طریقه سلوک ایدوب
 کلدی لر حتی افلاق و یوده سی قسطنطین دید ککری کافر مد هوش کید رسم قاجیم ایله
 کیدرم دیووردوغی لاف و هدیان محرک غیرت اولوب تیدیللری اقتضا ایتکین
 یوز غازه اولان فضل پاشایه سلسلته و نیکبولی سنجاقلری ویریلوب اول طرفه کوندرلش
 ایدی ذکر اولنان ملاعین اتفاق سابقه لری اوزن نکر ابری یرندن استمداد و اعانت ایله

اظهار عصیان جرات و مباشرت ایتد ککری مخاط علم جناب شهریاری اولغین اولان
 خان عالیشان اوتوز قرق بیك تاتار عسکری ایله بر سردار نامدار کوندروب کیلی
 و آق کرمان ستملر نه قرار ایدوب منتظر فرمان عالیشان اولملری ایچون خط همایون
 سعادت مقرر کوندرلدی ثانیاً سلسلته محافظه سنه اولان فضل پاشایه سرحد
 مذکور عسکری ایله حاضر و مهیا اولق فرمان بیوریلوب روم ایل امر اسندن بر قاج
 عدد بکر دخی پاشای مومی الیه طرفنه ارسال اولندی فرمان جلیل الشان شهریاری
 اوزن تاتار خان حضر ثلری اوتوز بیك قدر لشکر تاتان قلعه سلطان غازی کرای سردار
 ایدوب محل مأمون کوند دی فضل پاشا دخی کندوسی قیوسی عسکری ایله وعامه
 دوریجه ایچنده اول اطراف اولان بکچیری و سپاه و زعماء و ارباب بیماری سردار و کتخدا لر ی
 و آلا بکچیری و ولایت لر ی ایله قالد یروب روسجغه واروب انده مجمع و قریانه منتظر
 اولد قوری ائشاده حجار بخارجن سندن اولان افلاق و یوده سی استغان و بغداد و یوده سی
 قسطنطین عزل اولنوب لرینه درگاه جهان پناه طرفندن اردل اوغلی میخه نام دخی یه
 افلاق ولیقه نام دخی یه بغداد و یوده لغی توجه بیوریلوب رسم قدیم اوزن دیوان همایون
 خلعت و اسکف کیدرلد کد نصکره پاوش باشی اولان اسمعیل اغا ایله مقرر حکومتلر نه افعاله
 ایچون ارسال اولمشلر ایدی سلسلته یه داخل اولد قلند سلفلری معزوللر ندن خبردار
 اولوب تدارک عظیم ایله عسکر جمع ایدوب طابو رله کیروب جنگ وجداله حاضر و مهیا
 اولمشلر ایدی اول ائشاده عسکر تاتار اطراف وجوانبی غارت و خسارته نامزد اولوب
 محالفت ایدنلری طعمه شمشیر و امان خواه اولملری اسیر در زنجیر ایدیلر بر آلا
 دوزخی مقهور خزینه و حبه خانه موفون ایله طابو رله محصور اولملری ایله عساکر پریشان
 بی تدارک اوزر لینه وارمغه اقدام ایدوب اطراف وجوانبی یغما و تالان و قرا و مزارعی تالان
 و خراب و ویران ایدوب گوشه بکوشه قیامت لر قویار مشلر ایدی سردار اولان فضل پاشا
 ایسه بر مقدار عسکر ایله طابو رله اوزرینه واروب جنگ ایتک شکست و پریشانلقدن
 غیر معنایی منتج کلدردیو ایاق سور و مکده منوال مذکور اوزن یغما کرانک غارت
 و خسارتندن رعایای مملکت مضطرب اولوب بجای امان ایله مطیع و منقاد اولدی لر طابورده
 اولملر دخی تدریججه پریشان اولغله لعین بی دین قرار ایدوب متعلقات ایله اردل طرفنه
 قرار ایلدی و یوده جدیدی مقرر حکومتنه اجلاس ایتدیروب غائله بر طرف اولد قد نصکره
 افلاق اوزرینه عزیمت ایدیلر و یوده مذکور دخی ایتدیکی تدبیر نچیه پذیر اولوب بیورلری
 و رعایا سنک نامدار لر ی کلوب اطاعت و انقیاد ایتد کلر ند کندوسی مال و منال و اهل
 و عیال قالدروب اولد دخی راقوچی اوغلی طرفنه فرار ایلدی و یوده افلاق دخی مقامنه
 اقعاد اولنوب ایکیسنک دخی غائله لر ی سهولت ایله بر طرف اولدی بی معروض بارگاه خلافت
 پناه اولد قد سردار عسکر تاتار اولان قلعه غازی کرای سلطان مظهر التفات
 شهنشاه جهان اولوب قیوجیلر کتخدا سی قدری اغا ایله التون زنجیر و مرصع خنجر
 کوندرلدی بو تحریر اولنان وجیهه نك تقریر یریدر امان عیسی زاده نك تفصیلا تحریری

بود که افلاق و پیوده سی قسطنطنین ملعونی بای حال اله کتور سن دیو فضلی باستانیه مؤکد خط
 همایون وارد اولمشیدی و پیوده جدید اسکمله اغاسی ایله روسجغه کلوب عسکر تاتارک قریب
 کلد کاری خبری دخی و زویدایوب اطراف و جوانبدن جمعیت کغان هجوم لازم ایکن فضلی
 پاشا تدبیر و تداریدن عاری و هام ساده دل اولغله یرکوی یه بکرش بر منزل و ترغوشته
 ایکی منزل اینکن افراط و همندن سهولتله جمعیتلری منحل اولسون بهانه سین ایدوب
 تان ایله حرکت ایلدی قسطنطنین دید کاری کافر جملة اموال ائقال ایله مجار حد و دینه دخول
 ایندکد نصکره اونیدی کونده کوچیله طولاشه رق ترغوشته یه واروب خالی بولدوخی
 واروشی اجراق بالنار ایلدی العهده علی الراوی طابور اوزرنه واروب مقاتله ایتیموب
 قسطنطنین مال و عیالیه فرار ایلدنجیه دك عسکری تعویق ایتیمک ایچون ما پینده
 اولان ترجان کافریدیه خفیه عرض اولنان یکریمی بیگ التونی قبول ایدوب حرص و طمع
 بناء عسکری تعویق ایلدی دیواسناد ایلدیلر تاتار عسکری کویله ی اوروب خلقتی اسیر
 ایتیمکه سردار مشار الیه یکره آد ملر قویوب اخذی ممکن اولان اسارانی تاتار لاندن آلوب
 کفرته برامیانلری کفندوسی اخذ ایلدی بوسبب ایله تاتار عسکری کفندودن دلگیر اولوب
 قغله سلطان ایله سردار بینیه عداوت دوشمش ایدی هیضه یی بکر شده نصب ایدوب
 یرکوی یه عودت ایند کار نده قیوجیلر کتخد اسی قدری اغایله قغله سلطانه زنجیر و خنجر
 و خاصکی ابراهیم اغایله سردار سیف زرین و خلعت خسروانی کلش ایدی زعماء و اباب تیمار
 و سردار یا نده اولان سائر عسکر خاصکی ابراهیم اغایه شکایت ایدوب اگر سردار یزمراد
 ایدیدی قسطنطنینی اله کتور مک مقرر ایدی احوال اوزن حرکت ایدوب ایکی کونلک منزلی
 اونیدی کونده قطع ایدوب مال و اشیاسیمله فرار ایتیمک ایچون قصده مقارن قسطنطنینه
 میدان و یردی ایام شتاده بو قدر کون تاتار اوزرنه یاتدی اکثر یزخسته و جمله مزخمت
 کشیده یوزهرنه حال ایسه خا لا خدمت بندی بزمه اذن و یرموب اجازت اچیه سی استر دیو
 اظهار تظم ایدوب فضلی پاشا دخی خسیس و دینی بوشتاق اولغله طرف دولتدن کلن آدمک
 تطیب خاطر ی اهم مهماتدن اولوب علی اخص و ص سو عا لانه بناء عامیه عسکر کفندودن
 دلگیر اولوب و حقار نده یرکوا ولد قارینی ییلورکن ستر عیوب ایچون طرف دولتیه کیده جگ
 کسمه بی ارضا و احباتدن ایکن بخل و خستی مقتضایا سجه خاصکی ابراهیم اغایه رعایت ایتیموب
 مغیر الخاطر کوندردی اولدخی درد ولته کلوب عسکر دن مسووعی اولان احوالی رکاب
 همایونه تبلیغ ایلدی قغله سلطان دخی قیوجیلر کتخد اسی قدری اغایه شکایت ایدوب
 فضلی پاشا نلک اطوار نکوهیده سن ییلد زوب عتبه پادشاهی یه عرض و اعلام ایتیمک اوزن
 توصیه ایلدی مزبور لر رکاب همایونه کلد کار نده فضلی پاشا نلک کیفیت عالی افاده ایدوب قتلیه
 سبب اولمشلرد زینه کیم محندن کاسیه کرکد زماه صفرک یکریمی التخی کونی چارداق قور یسنده
 سوز کون آوی فرمان اولندی صدر عالی قدر حاضر ثلری شوکته لو پادشاه عالمپناهه عالی
 ضیافت و رکاب همایونلر یه هدیه بهیه ایله عرض عبودیت ایدوب التیفات خسروانیدن
 پرفاخره و خلعتله مظهر اکرام اولندی تبدیل قیودان قیودان وزیر طوپال محمد پاشا

دخی انی مجزیه سنی استر داد ایدوب بعد ادای خدمت ادر نه یه رجعت ایتیش ایدی انی
 محاصره سندن چیقان کافر قیودانن اسیر اولان ایکیموز نفر آدمسمیه پیشکش چکوب رکاب
 همایونه رویال ایندکد اگر چه خدمتی مقابله سندن خلعت فاخره الباس اولندی اما افراط
 اوزن مرئکب و ظالم اولد بخچون طمع همایون پادشاهی کفندودن مقنفر اولد و غندن ماعدا
 صدر اعظم بوغازده کفار ایله محاربه اوزن ایکن قیودان مشار الیه مدلی طرفندن کلیوب
 پاشی خوفندن اعذار ضعیفه یه تشبث ایدوب سردار اکریم یانه کلدک احوال ایتمشیدی
 و دخی بر قاج و جهله سوئد بیری و تقصیری درون صدر اعظمه باعث عقد کین اولمشیدی
 اکابناء ماه ربیع الاول و لیک اون دور دخی کونلک عزل اولنوب قیودانلق چاوش زاده محمد پاشایه
 احسان یورلدی مزبور طوپال محمد پاشا هنوز انی قلعه سی کی بر جزیه فتنی خدمتده
 بولمغین بی سبب ظاهر قتل جزا ستمار شکندن بین العاده مستقیم کورینور دیوار اله سی نامناسب
 گور یوب سیات افعالنه ترتیب جزا وقت اخره تعویق اولنوب ساقر جزیره سی محافظه سنده
 کوندرلدی صکره ساقرده قتل ایتیشلرد زینه کم محندن کاسیه کرکد ر تبدیل اغای دار السعاده
 خزینه دار شهر یاری صولاق محمد اغایوز جه اطه فتنی عتبه خلعت خسروانی و خط همایون
 خاقان ایله طرف سلطانیدن صدر اعظمه واردینی یو قاروده ذکر اولمشیدی اول وقت صدر
 اعظمه کر میت معامله و حسن اتحاد و اتحاد ایدوب رکاب همایونه تشریفنده دار السعاده
 اغاسی ایند مرک اوزن وعد الوب کفندو دخی مقام رضای آصفیه صدق و خلوص ایله
 قشیده تعهد ایدوب بینار نده عهد و موثیق مستحکم اولمش ایمن بناء علیه صدر اعظم
 وعد و قایدوب دار السعاده اغاسی دلا و راغادن امین دکلم خزینه دار صولاق محمد اغا قوللری
 اغلاق خدمتده استخدا ام یورلق ر جالونور دیو بر ایکی دفعه پادشاه عالمپناه حاضر نلرندن
 ر جاوشفاعت ایتمشیدی رجاسی مقبول همایون اولمغین ماه ربیع الاخرک غره سی
 پنجشنبه کوننده دار السعاده اغای خزیندار صولاق محمد اغایه احسان یور یوب سلفی
 دلا و راغا وظیفه تقاعد ایله مصره کتمکه ما ذون اولدی و مصاحب شهر یاری شاهین احمد
 اغا خزیندارلق رتبه سنده نائل و مصاحب اغار زمره سنده علی اغا محمد داد اخل اولدی
 طوغانجی باشی تریاکی ابراهیم اغا حضور همایونده کفندویه لازم اولیان کلماته جسارت
 و خدمتده نوعا خشونت اوزن اولد و غندن ناشی ماه ربیع الاخرک دور دخی کونی اکره
 ایلنیه اخراج اولنوب یرینه ایکنی طوغانجی سلیمان اغایولیه طوغانجی باشی اولدی
 خاص او طه باشی فرنک محمد اغا مضبوط اللسان اولموب ز غنجه طرف سلطنت علیه نلک
 هوارض و مساور سندن بحث ایتیمکین قرب همایون خدمتده مناسب کور یوب ربیع الاخرک
 اونجی سبت کونی او طه با شلیق خزیندار باشی ذوالفقار اغایه و خزیندار باشلیق مزبور
 محمد اغایه و یرلدی طوغانجی باشی اولان مزبور سلیمان اغایه سلفندن زیاده التیفات و اعتبار
 اولنوب بین الاقران بر مقدار شهرت و شان بولاق وزنه ایکن رضای همایونه خما لف بعض
 احوالی ظه و ایتیمکین انجق اون بر کون طوغانجی با شلیق خدمتده قرار ایندکد نصکره اون
 ایکنی کون حقنه صدور ایدن فرمان غضب آلود شهر یاری موجب عه طاب و خاسر حرم

مختار مدن اخراج اولندی قتل اغای یکچیریان صدر اعظم بو عساز سفر ندق آوردی
همایینه عودت ایدوب یکچیری نکفور طاعنه واصل اولد قلر نه طرف پادشاه بدن
کند ولر قشلاق تعیین اولنان کوماجنه یه کتمکده عناد و مخالفت ایدوب ادرنه ده قشلا رز
دیو جمعیت صد دنه اولمشلرایدی صدر اعظم محک فساد اولنلردن قتی چوق کسننه یی قتل
ایدوب سیف سیاست سلطاننیز مروری تحریف ایدرک غائله این دفعه بانه حسن تدبیر
ایتمشیدی لکن بومقوله بی ادبکه جرأتلری ضابطلرینک تحریرکی ایله دردیو یکچیری اغاسی
علی اغایه تممت اولتمشیدی قشلا غه وارد قلرند نصمکره یکچیری اغالی آستانه سعادت
سکبان باشی اولان قونداقچی زاده مصطفی اغایه احسان اولنوب عسکر طابینه کتمی فرمان
پیورلدی اغای جدیدک و سولمدن اقدام علی خواجه عزلمدن خیر اولوب سائر عسکر
رجاسی ایله ابقاسی خدمت منته تدبیر اوزن اولدیغی معروض درگاه پادشاهی اولغین میراخور
کیمیر شغبان اغا کوندی اولوب اغای سابق دیان ادرنه یه احضار ایتدکده ماه جمادی الاخرک
طغوزنجی کونی ایدی نظرگاه همایینه قتل فرمان اولنوب سر مقطوعی پیشگاه سرای
سلطانیده غلطان اولدی صدر اعظم بو غازدن ادرنه یه کلجه و ادرنه ده هر کجه یکچیری
وسپاه زمرة سندن مستعد فساد اولان مشاهیر دن قرق اللی آدمی خفیه اخذ و قتل
ایدردی شویله که ادرنه نک طوخیه صوبی کارنده یلنان باشسز آدم جئه لرینک حد و حصری
یوغیدی قیو اغاسی اسکوبلی علی اغا تقاعد ایله طشهره چیقاریلوب برینه خزینه دار باشی
فرنگ محمد اغا قیو اغاسی اولدی کرید سرداری وزیر دلی حسین پاشای رکاب همایونه
گتورمک ایچون خاصکی اوزون ابراهیم اغا شغبانک یکر منجی کونی ارسال اولنغین پاشای
منزورک برینه سردار اولق اوزن استانبول قائم مقامی وزیر کور حسین پاشا ادرنه یه دعوت
اولنوب استانبول قائم مقامی ادرنه بو ستانجی باشیسی قوچه سنان اغا امور دیار
و عباد الله نافع اولق ملاحظه سیله وزار تله عنایت پیورلدی تبدیل صدر بن ماه رجب
اولمطنه روم ایل قاضیه مسکری صنعی زاده معزول اولوب برینه قاضیه مسکراک
پایه سیله استانبولدن معزول مرآتوز دیدکاری بوستان زاده افندی موصول اولدی
وانا طولی قاضیه مسکری عصمتی افندی عزل و برینه استانبولدن معزول بروسه لی اسیری
محمد افندی نصب اولندی حسب الامر العالی استانبولدن ادرنه یه روانه اولدیلا
واستانبول قاضیسی عبدالفتاح افندی عزل و برینه ادرنه دن معزول عبدالقادر افندی
نصب اولندی مقتولی والی سلسلته فضل پاشا مقدمه ماذکر اولندیغی اوزن افلاق و بغداد
ویوده لرینی نصب ایدوب سابق وزیر ده لری اله کتورمک و اول بلاده نظام و یرمک اوزن
سردار تعیین اولنان فضل پاشا نائی واهمال اوزن حرکت ایدوب سو تدبیردن ناشی
عسکر کندودن دلگیر اولوب تاتارالنده اولان اسیرلری الدیغی ایچون ودخی بعض اسباب
ایله قافله سلطان ایله بینلرینه برودت دوستوب کف دیو خلاءت و سیف کتورن خاصکی
ابراهیم اغایه دخی عدم رعایت سببیه مکدرالخالط رکوب عسکر دن استماع ایتدیکی سوء
حالی تفصیلا صدر اعظمه نقل ایلدی قفله سلطانه کیدن قیوجیلر کتخداسی دخی کلوب

مسوخی اولان معنای صدر اعظمه و حضور همایونه عرض ایلدی قفله سلطانک
یازدیغی مکتوبلر ده قدری اغا حقنه حسن تربیه اولوب کندوسی دخی ایشاری
اولغین اوخا نیک احواله متعلق وقوف تحصیل ایتدیکی دقایق اموری بیان
ایدوب اظهار اهلیت ایتدین ماهر جمک اون التیسندک سلسلته ایالتی قدری اغایه
توجیه اولنوب سلفی فضلی پاشای ادرنه یه احضار ایچون قیوجی باشی تعیین اولتمشیدی
ماهر مضمانک اولنده ادرنه یه کلدیکی کون حضور همایونه احضار اولندی لسان شهر یاریدن
یووجه عتاب پیورلدی بکه بن سنی افلاق اوزرینه سردار تعیین ایدم ایچون قسطنطین
دیدکاری کافری اله کتورمک ایکی قوناقیری اونیدی کونده قطع ایدوب عسکری جنکدن
منع و شدت شتاختنی ایله تعذیب ایلدک ظاهر اقسطنطنینی مال و اتباعیله فراریتسون
دیورخصت و یردک بن سنی آدم صانور دم مکرم سن محبت ایشسین عسکر اسلام یوز
اوزر نه طونه یی یکدکده روسحق قاضیسی بر اهل کیف آدم ایش او یقوده بولنوب
اوزن طبلدن سیدار اولد قلر سنی کورمک ایچون بارک برینه بولوب قوشه رقی یوز اوزر نه
یقایه کچر بره ملعون سن سردار اوله سن اوتانمدن بر قایقه ایپلر باغلیوب اوزر نه بولوب
قایغی یوز اوزر نه ایپلر ایله چکد یروب او یله چمش سن حتی باشکده طونه نللی سر غوجک
ایله دلیندک قایغه بنر کن باشکدن دوشش مصحاب اغارم وقعه سنه زور باره دل صوقوب
مقر بلریه اهانت قصدر اتمکده بیلور سن اغور عما یتمده خدمته کلجه بویه حرکت ایدر سن
سنک کی غیر سزک وجوددن عدمی اولی درجلا ددیو پیورلدی قله جلا طاضرایمش کلوب
اول ساعت حضور هماینده که سن خکده غلطان ایلدی سعادت او پادشاه عالمینه حضرناری
اجداد عظاملری کی جمله امور شریعه و عرفیه یی وکلای دولت وللرینه تفویض پیورلدی قلر نه
احقاق حقوق عبادده کمال اهتمامدن ناشی خلقلک دعوائزاعلینی و رای قفسدن
پالذات استماع و کیفیت احوال لرینه تحصیل و قوف اطلاع ایچون فرمان همایو نلریله
سرای ادرنه ده واقع دیوانخانه یه ناظر برکوشک احدث اولنوب بخره سنه قفس وضع
اولندی ظهور سفر اردل مقدم افلاق و بغداد و یه دهری سفر خضر رهبره دعوت
اولند قلر اردل حاکمی اولان راقوچی اوغله دخی امر همایین کوند رلمشیدی حکومت
مذکور مستقل قرائلق اولوب جنت مکان مرحوم سلطان سلیمان بدون قلعه سنی
فتح ایدوب نیجه والامان مملکتلرینی ویران وتالان ایتد کلر نه اول ممالک دخی
مسخر اولوب حکامی طرف دولت علیه دن نصب اولنق اوزن الترام خراج ایتمشلرایدی
الی هذا سنه ده اون بیک التون خراج ایله وزر اوارکان دولته وضع ققیم اوزن هدایا
و پیشکشلر سال بسال ارسا ایدوب افلاق و بغداد و یه دهری کی بری فوت
اولد نیجه قانونلری اوزر برینه حکم اوله حق کسنه آستانه سعادت طرفنه مراجعت
ایدوب خلعت و سر غوج و یکچیری او یغانی طرفندن اسکوف و یریه ب طرف دولت
علیه دن بر قیوجی باشی اسکمله اغاسی نامه ارسال اولنوب مقر حکومتنه اجلاس
ایتد پیورلدی طالاحک اولان راقوچی اوغلی مرحوم سلطان ابراهیم طان حضرنلرینک

زمان سلطنت منسوب اولوب بو زمانه دك حكومت ايدى جليليه اولان خباثت
مقصدا سنجده دماغي فسادده اولغين بو دن اقدم كندوسى له قراللى سوداسنه
فوسوب اوغلنى اردل حاكمى ايتك اوزن اسوج وافلاق وبعدان دن استمداد ايله
عسكر عظيم جمع ايدوب له مملكتى اوزرينه يوريدو كند له قرالى عتبه عليه دن
استعانه ومراجعت ايتكين قريم خاني تسليط اولنوب لغين مزبور كركى كوشمال
ويرلديكى بالاده ذكر اولمشيدى يته متنبه اولنوب وارد اولان اوامر عليه يه چندان
اتقياد ايتيوب اعذار ضعيفه يه مبنى باطل جوابلار سال ايتشيدى وفرار ايدن افلاق
وبعدان ويده لرى مر قومه الشجائيلر يله مزبور لى دركاه عالمينا ه كوئروب كندك دخی
تجديد حكومت ايجون رومال سله سلطنت ايله سن ديو دفعه ثالثه ده ار سال
اولنان فرمان عالیشانه دخی امثال ايتدو كندن ونديك سفرى نا خير اولنوب
افلاق وبعدان احواله استحکام ومزبور كوشمال ايله اخذ انتقام ايجون سفر مقرر
اولوب سنه مزبور رجبتك اونجى كونهكه اول بهار بحسته ائارايدى اوطاق كردون
طابق ادرنه حراسنه قورلدى مقتولى عبدی پاشا تحصيلدار مومونلى دفتر دار
مردومك چراغ عبدی پاشا كمال مهربى جعنه قادر خد متكار مقدم وجسور تحصيلدار
ديو بيكر بكتك رتبه سنه ايصال ايتشيدى ايشير وقعه سنه كوپرولى پاشا اوزرنن
طرابلس شام منصبى الوب اول ديارده دخی فن مظالمه ده هزار صنعت اجر ايتشيدى
مقدمامون تحصيلدارى ايكن مومون خلقى مزبورك ظلم وتعديسدن در دولته شكايته
كلوب برقچوز فقراد بيان همايونه دفعاتله زفر قعه ايتشيلر ايدى مومونلى دفتر دار پاشا
حمايه سيلاه وزير اعظم درویش محمد پاشا صاحب چيقوب شاكيلرالنن قورتا روبينه
منصبى ابقاليه تخلص كرىبان ايتشيدى بواشاده نكرار بر قومك اوزرينه بلای عظيم كى
مسلم اولق ايجون بر منصب الملق نيقيه ادرنه يه كلشيدى پادشاه عالمينا ه حضر ثلرى
وصد اعظم مزبورك تفصيل احواله مطلع ايديلر. و تاغ همايون طشهره چقدوغى كون
احضار وقتلى فرمان يوريلوب طوغلر او كند مانند ذبحه قربان خونى ريزان وكله معنى
هلاطان ايتدیلر فساد نقاش حسن ومقتولى اوو بعض از احباب فتن بوزجه اطه فتنه اناى
سپاهيانن سردنگچدى اغاسى نقاش حسن نام كسسه يه يرارلغى و خدمتى مقابله سنه
استانبولك احساب اغاسى احسان اولمش ايدى مضراع يارب مباد آنكه كداى
معتبر شو دمفه و منجه بر مفلس بى سروسامان ايكن تحصيل تجملات ايله ناموشان
پيد ايدوب ضمير نه جا يكي اولان قتنه جوياغه متعلق اولان اموره اناى جنسلر يله
بعض كلمائى صدراعظمك مسموعى اولغين عزل ايدوب يراردمدر برمله خدمت بولندي
ويقتلندن تعافل ايتشيلر ايدى بواشاده عسكر اسلام اردل سفرينه مامور اولد قنده اوروب
برمنفع منصب الايدى ادرنه يه روانه اولوب كاه استانبول كركنه كاه حلب محصل الغنه كاه
بركان اغالغنه صاحب چيقوب مامولى حصول پدراولموب برخدمت پيد ايدى مد يكندن
معهوم و دكيرا اولمشيدى صدر اعظم ايسه بو غاز سهرندن معاودت ايدى لى استقيا

نامناه سپاه ويكچيرين وغيرين نفوس كثيره يى قتل ايدوب سيف قهر نزن عامه خلق
خوف وخشيمته مبتلا اولشيلر ايدى شقى مزبور نقاش حسن زمرة سپاهيانن نجه كسسه له
ايله سويلاشوب بويو له بئل جان ايدرم بگا هوادار اورسكتر على الغله برفتنه احداث
ايدوب وزير اعظمك اوتاغنه هجوم ايدوب كندويى قتل ايدلم ديواتفاق ايلديكنند نصبره
رمضانك اون التجي كوني كند و اتباع و هوادارى برقاج خذله ايله الات حربه مستغرق
اولوب ادرنه خارجدن آوردوى همايونه قريب يرده تجمع ايدوب بو وزير اعظم پادشاه
قوللرين قتل ايدرمك حويلاسه كركدر بويله خوزير و زيريه لازم دكلدرانك سيف قهر نزن
نجات استين كلسون ديواواز بلند ايله چاغروب حايقرمغه ياشلدى خلق ايسه تحريك
فساده مترقب ايد يارفى الحال برقچوز استقيا تجمع اولوب صدر اعظم اوتاغنى با صحنه
توجه ايديلر وزير اعظم قضيه دن اكاه اولدينى ساعت يكيچرى اغاسيله قول كند احسنى
تقراتيله تعين ايدوب اشبو كروهى طاغيدوب حرك فساد اولنلرى احضار ايتلو سزديو
كوندردى قول كند اسى بودرسايمان اغا برقچوز مسلح يكيچرى ايله جمله دن مقدم ايريشوب
ان واحدده جمعيتلرين پریشان ايدوب نقاش حسن بش نفر رفيقيه اخذ و وزير اعظم
خيمه سنه احضار ايتدیلر ساخذ از اغاسى مصطفی اغامكر نقاش حسن ايله متفق ايديلر قول
كند اسنك او كنه چيقوب حسن اغا ايلد اشمز در بر ضبط ايله رزديوالندن الموق مراد ايلد كده
قول كند اسى او كنه ايدوب برزور بار شقى يى طوبوق يولد استكر ايسه كلوب صدر اعظم
او كنه المغه محتاج سزديو وير ميوب حضور و زيره كلكلرى ساعت امان وير ميوب
نقاش حسن و اتباعى طعنه سيف سياست اولنديلر وساخذ از اغاسى مصطفی اغا
وانلور برادرى شقى مزبور ايله متفق اولق تهتميله اول كون حضور دهمايونك قتل
اولنديلر شر و فساد مندفع اولدى واستانه سعادت قائم مقامى وزير كور حسنين پاشايه
كريد سردار لى توجه ايدوب بو وقعه ده ادرنه ده ايدى بوقتنه ده لك صنعتى دخی
وارايدوكى خبر انوب نقاش حسن استانبول و ادرنه ده اكثر يا وزير مشاراليمه زيارته
متعلق واروب ومنسوب يكنديكى اسنادى مصدق اولغين اول كون محل مامور روانه
اولمه سى تنبيه بيوريلوب من بعد ادرنه ده مكث ايتدیلر دى سفر اوزن اولغله قتلنه
مساحه اولندي لکن بوجرمى فراهموش اولنوب صكره قتلى ايجون كرىمان
همايون كوندرديلر نته كيم محله دن ذكر اولنسه كركدر نقل پادشاه عالمينا ه اوتاغ همايون
وسردارى صدر اعظم كوپرولى محمد پاشا با سفر اردل ماه رمضانك بكرى ايكنجى كوتى
سعاد تاو پادشاه عالمينا ه حضر ثلرى ادرنه سرانندن حركت بيوروب ادرنه سحر اسنه
مهربا اولان اوتاغ عالیه شرفخش نزول اولدیلر و صدر اعظم كوپرولى محمد پاشا يى عسكر
منصور يه سردار نعين ايدوب بلشنه ايكي قطعه مرصع مجوهر سرع و جلر وضع ايدوب
ميانه بر مرصع قاچ قوشاوب و خلعت فاخره ايله سمور كورك كيد يروب و جمله سفره
مامور اولان قوللرينه دخی قانون قدیم اوزره عموم خلعتلرى لباس و دعای خير بيقباس
بيورديلر و زراء قبه نشينانن صارى كنهان پاشايه ركاب همايون قائم مقام لى

نعمیش اولوب کورگو خفت فاخره گیدرلدی مقتولی سیماوش مصطفی پاشا
 بالاده ذکر ایتدی کمز اوزن وزیر مشارالیه ساجدار شهر یاری ایکن صدر اعظم سابق
 یوننی یارلی محمد پاشایه طرفدار اولوب مهر صدارت تحصیل ایچون کوریل پاشانک
 علمدن خبر اولغین وزیر کاه ایدوب ابطال مصاحته سعی ایتشیدی بعد شام
 ایالتی ایله ساجدار لادن اخراج اولوب در عقب کوریل محمد پاشا صدر اعظم اولوب
 مزین خاطر مانده لکی مقرر ایدی شامه وارد قد نصکره فرمان همایون ایله شام قوی
 گریه سفرینه مأمور اولمشلرایدی اولوقت شام قوی نعا قبضه اطاعتدن خروجه
 پیاده بانه حرکتی جری ایدی بینلرینه بعض سوز صاحبی سفها بزعاده تا دریا سفرینه
 گیده کلش دکنرزم خدی مقرر سرحد عرب اولان دمشق شامی محافظه وطریق حج
 مشرقه مناویه طریقیه کیمکدر افضضا ایدوب قره سفرینه کیدیاورسه احوالری
 در دولته اعلام ایله دیونیز ایلدیله مصطفی پاشایه لازم اولان امر پادشاهینک اجراسنه
 پندل قدرت و اطاعت ایتیمیزی ترتیب جزا ایله موجب عبت ایتیک ایکن شامیلر پندل
 مال و مکر و اختیالنه الدانغله هوا رینه میل ایدوب گریه سفرندن عفو اولملری ایچون
 در دولته عرض و مکتوبلر ویرمیشیدی بووضع نامعقول طبع پادشاهی بی تکر و شامدن
 عزل ایله کندونی تحقیره سبب اولوب ایالت شام حلب و الدی وزیر مرتضی پاشایه
 توجیه اولوب وارد قد شامیلر مرتضی پاشانک شدت بطش و قهرمانی حرکتندن
 خوف اوزره اولد قمری ایچون متمسکی قریل ایتیمیز بزوالیندن خوشنود مرتضی پاشانک
 وفرت عسکر و کثرت مصر فتنه کیملز بو قدر دیو در دولته عرض ایتیشلرایدی
 مساعیه اولوب توجیه سابق تنفیذ اولغی فرمان بیورلد قد مصطفی پاشا
 قلعه به کیروب شامیلر مرتضی پاشایه ضرب دستله دفع ایچون ادوات حرب
 و قتال تدارکنه شروع ایتدکاری مرتضی پاشانک مسمرعی اولد قد اولدخی جمع عسکر
 و تدارک مهمات جنگ و حربیه مباشرت ایلدیکی طرف دولته معلومی اولد قد اقتضای
 وقت حسبیه سهولته منفع اولغی مراد همایون بیورلیوب شام ایالتی طیار اوغل
 احمد پاشایه ویرلیوب مرتضی پاشایه دیابکر و سیاوش مصطفی پاشایه دفع شر
 ایچون مرعش منجمی توجیه اولغی طیار اوغل شامه وارد قد خواه ناخواه شام
 قولندن بشیورنفر گریه جزیره سنه ارسال ایلدی بکارنا هموار صدر اعظمه سر رشته اولوب
 سیماوش مصطفی پاشانک قتل ایچون خط شریف اصدار ایتدرمشیدی وزیر مشار
 الیه ساجدار لادن چقمه اولغله ساجدار و جو قه دار و سائر مرتبه صاحبیری اتفاق
 ایله شفاعت ایدوب عفو و خط شریف تحصیل ایتدکاری وزیر اعظمک مسمرعی اولد قد
 حضور همایونه واروب مهر شریفی پادشاه حضر نلرینه صوب بزم امریمی غیر افساد
 ایدنجه ایش تیز دیو صدارتدن استعفا ایتدکره پادشاه عالمیناه بو معنایه مد اخله
 این اغارک جزاسنی وزیر تفویض ایدوب تدریججه جمله سنی اندرون همایوندن
 اخراج ایتدیکی یوقاروده مفصله تحریر اولمشلر لکن وزیر اعظم اول خط شریفی درونلرینه

مکین اولان علقه کین کی اخفتا ایدوب بوغاز صمیمیه اجراسنه مجله ایتدی انجق
 مصطفی پاشایه مرعشدن عزل ایدوب آستانه به کلک ایچون فرمان کوندرمشیدی
 بی چان مصطفی پاشا ایاق سوریبوب عجباعا قبت حال نیه منجر اولوردیو برقوناغی بش
 ایدرک آنی ایله کوردی وزیر اعظم منصور اعو دت ایتدکره بالضروره تمارض ایدوب
 هله نه حال ایسه استانیوله کلدی اندرون همایوندن اولان او جاقدا شلرینه ناخیم باندن
 شفاعت رجاسنه نیاز نامه لریازوب بیلدردی اما کسنه ده شفاعته اقتدار لری اولوبوب
 کونلم الدن کلن دریغ دکلدر دیو جوابلر کوندردیلر هله هزار خوفله قالقوب ادرنه به واروب
 صدر اعظمه بولشد قد صدر اعظم قیام ایدوب تعظیم و توقیر ایله پاشا قوندش خوش
 کلدی بکرنشریکزه چوقدن منتظر ایدک واستعداد بکتر معلوم شهر یارید رماول اولان همت
 خسروانی به مظهر اولور سنر حال سفره عازم جنبه ترکی وزیر روشن قد بیکر نیجه وجه
 ایله لزومی وارد و شانکره لابق اولان جمله احوال ایله تقید ده علم الله اصلا قصود یز
 یوقدر دیوب بو وجهله بشاشت وجه و خنده انبساط ایله معالیه ایلدیکه سیماوش پاشا
 مطیب خاطر اولدی صدر اعظمک مشرینی بیلیملر مصطفی پاشانک جمیع جرایمندن
 یکدی ظن ایتدیلر تذکره جی وحدی چلمیدن منقولدر که صدر اعظمک مصطفی پاشایه
 لطف کونه سویلیدیکی کلمات جمله ذوالوجهین اولغین معناسنی ملاحظه ایدنلره
 صدق ظاهر اولور قصه دینی بیلیملر بوقوله سوزلرینی لطف محضه حل ایدرلردی دائما
 مشربی بویادیکه قهر یا خود قتل ایدر جک ادمه روی دل و بشاشت وجه کوستروب
 قتل ونفی و قتلرند اصلا غضبه کلزدی و طارلمزدی لطف ایدر جکی و یا خود منصب
 ویره جکی شخصه تبیس و آزار ایدوب اصلا یوزویر مزدی محرملرندن بری یونک
 سرینی سوال ایتدکره جوابنده ترتیب جزا و قتل اولنه جق ادمه بالمواجهه ازاد و غضب
 بحالت مخاطره در زیر غضب کلامی اجراده عاجز اولنلر ایچوندن وزیر اولنلر حکمی
 یافت اولغین غضب بیهوده ایله وجوده الم ویرمک حماقتدرو ترتیب جزا اولنه حقه کادن
 غضب کورمدیکه خلاص امیدینه دوشر سهولته مصاحته کوریاوراما استکان تهویر
 و غضب کورنجه مایوس اولوب الندن یا لسانندن تدارکی قابل اولمیان بر خطا ظهور
 ایدر احتمالی اولغله مخاطره درواستخدام و لطفه مظهر اولنلر تحت القهرده قالمق ایچون
 روی التفات کوسترلمک لازمدر که حدادی تجاوز ایتیه لریو جواب ویر مشلردن
 مصطفی پاشاهنوز ملاقاته کلدیکی ساعت رئیس افندی به ناخیم ننبیه ایتیش ایش
 یازیاوب حضور همایونه کتمش مصطفی پاشا حضور صدر اعظمدن قالقوب زبدان باشنه
 اینه جک وقت قوز بکجیسی کلوب وزیر مشارالیه پادشاه عالمیناه طلب ایلدی دیدی
 وزیر دخی کوتورک شوکتلو پادشاهمک سوالی اولغی کر کدر دیوب همان اول ارادن
 صریحه کتوردیلر حضور همایونه وارد قد پادشاه عالیه حاضر نلری بالذات عتاب ایدوب
 شام قوللری ایله اولان اتفاقی و امر شریقه انقیاد ایتدیکنی حاصلی جرایم کند شته سنی
 برر بر لسان همایونلری ایله ذکر و تویج ایتدکره نصکره قالدیرک دیو یوزد قد قیوازانسه

همین اولوب ماه شوالک یدنجی کونله قتل ایلدیله قیودان شدن دلی حسین پاشا
 کیرید جزیره سنده سردار اولان وزیر دلی حسین پاشا مقدمه سردار لقند عزل
 و رکاب همایونه دعوت اولمشدی قطع منازل ایده رک ادرنه یه واصل اولوب ماه شوالک
 اون ایکنی جمع کونله رکاب همایونه رویال ایندکله قتلنه قرار ویرلشیمکن بر مقتضای
 تقدیر باری مظهر التفات شهر یاری اولوب ماه مزبورک اون دور دنجی بازار کونی قیوداناق
 منصبی پاوش زاده محمد پاشانک عزلندن پاشای مشارالیه احسان اولندی بعض
 اصحاب وقوف نقل اوزن صدر اعظم دلی حسین پاشانک سو طانی و ظلم و تعدی یه
 متعلق احوالی پادشاهه بیلد یروب بوقدر سنه ده بوقدر بیک کیسه افجه و مهمات
 کوندرلدی خزینه ادخارینه مشغول اولوب برایش کورمدی و دخی بوکه بکزر علیهمنه
 نیجه کلمات سولیوب کادیکی کبی قتل اولمق مصمم ایدی لکن مزبور تبردار لقند
 چقمه اولغله دارالسعاده اغاسی کز لوجه صاحب چیقوب دارالسعاده اغاسی صولاق
 محمد اغا صدر اعظمک اوغوللغی اولغله تخلیصی ایچون رجا ایشلردی رئیس الکتاب
 شاهی زاده و کهرجی کخداسی صولاق محمد اغا ایله صاد قته محمد اولغین پاشای مزبوری
 صدر اعظمک نیجه سندن تخلیص خصوصتی دارالسعاده اغاسی انله نئییه ایندکدن
 صکره سعادتو والی سلطان خضر نرینه ده رجا ایش ایدی خلاصه کلام بوقدر
 زماندر کیردی بر جزیره ده خدمتی سبق ایدن یروزی نامدارنه تمثله قتل اولمشون
 موجب قتل برتمتی بولنوب استفتا اولمغه محتاجدر دیدیلر صدر اعظم ایاق باصوب
 ظالمدر دید کله لا شکا بچیلری یوق بو اسباب خفیه ایله قتل اینسک خلق اجرای غرضه
 حمل ایدرلر بو تعدا ایندیکتر تمتملر ثبوت بولمغه محتاجدر ثبوت بولدیغی تقدیرجه
 استفتا اولمقدردی بوجواب ویرلدی صدر اعظم شاهی زاده یی کوندر و بوقدر مفتی افندی
 فتوای قتل طلب ایدی مفتی افندی حسین پاشانک زیر حمایه ده اولدیغی بیلوردی
 و صورت شرعیه یه افران اولمغه حق برتمتی یوق اضطرابه دوشوب حسن حالله دفع
 اولمشنی رئیس افندی یه رجا ایدوب صاحب دولته کز خاطری قالمق اوزره بو کار مکروهی
 بر حال ایتکی سزدن بیلورم دیوب ابرام و الخاح ایلدی رئیس افندی دارالسعاده طرفتی
 ارضا ایچون دامن درمیان ایدوب صدر اعظمه کلوب سلطانی شیخ الاسلام افندی
 خیر خواه کز دعا لایتدی مطلق ظلمه بناء تجوز قتل ایچون فتوی ویریلور لکن اوزرینه
 برشی ثبوت بیلممغین بویله نامدارادی قتل ایتکدن محذورات وارد اخیرتارین صدقند یغمز
 کبی دنیا لری دخی صیانت اوزرینه لازمدردیدیلر دیو اعتذار نصکره بورای و تدبیری
 درمیان ایندیکه حسین پاشایه بر منصب ویرله خرج و شدت بطش مقتضایه لایذ ظلم
 ایاسه کز کدرشاکیلری تحریک اولنوب اولمهانه ایله حقندن کلمه صدر اعظم دخی تفکرایدوب
 بوقدر بیری مناسبت کوروب قتلی ایچون ابرامدن فایز اولدی و قیوداناق منصبی توجیه
 ایندردیکه در یابکرندن واطه اردن جلب مال ایندکله سر خمیر اجر اولنه لکن دارالسعاده
 طرفندن وسائر اوقاقدار دن دلی حسین پاشانک طرفدارلری و اقرانلری کمدویه نهانی

خبر ویروب اولمکه در یابکرندن و ترسانه دن واطه اردن جلب مال سودا سنده دوشمکه
 شکا بچی کتون سن بیک جانک اولسه برنی خلاص ایدر من دیونیه عظیم و تعلیم
 ایندیلر پاشای مزبورک قیوسی مکمل اتباعی چوق مصر فی زیاده ایدی لکن اسکندن
 کیریدن پید ایش مدخر وافر التوفی اولغین قیودا نلقه جلب مال محتاج اولوب
 خوفندن عفت اوزن حرکت ایدوب شکایت ایندردی حنی امرای دریا عادت اویره
 کلدگری غلام وساعت و جوقه و فاقس و احرام مقوله سی هدایا یی قبول ایتدی دیو
 منقولدر بوقدر هنر کارلغی سبیلله ظفر بولمقد قلیچون قیودا نلقدن عزل ایتدیله صکره روم
 ایلندن شکا بچیلری عرض و محضر لرله کلکین ظفر بولنوب قتل ایشلردی کیم تفصیل
 کلسه کز کدر خروج جلالی حسن پاشا و الی حلب الشهبه ابازده حصن پاشا اصلمه ابناء
 سپاهیان اولوب نه طریق ایله دولت و رفعتنه نائل اولدیغی محالرنه مفصلا تحریر
 اولمشدر شتی بنهاد مائل ظلم و فساد اولوب جلب اموال ایچون رعایای مالکله ایتدیکی
 جور و تعدی اجمالا یازلق اقتضای سنه مفصل بر کتاب اولوردی حضرت پادشاه عالمینه
 واصل سن باوغ اولمکن زین بخش اورنک شاهی اولغله هجوم شرک و تحالف آراسی ایله
 سوز عسکری طرفنه دوشوب صدر اعظم از زمان قلیله تبدیل اولمق ایله نظام دولته
 خلل کلکله مالک محروسه ده خدمت ضبط ایدن ظلمه و حکام بر کونه علم و فساد سائلک
 اولوب اون بیک غروش میریسی اولان خدمتدن یکریمی بیک غروش تحصیل واللی بیک
 اولان ضعفی مرتبه سن تکمیل ایچون ظلم و تعدیلر نه نهایت وجور و ستمینه غایت یوغیدی
 هر بریسنک پاننه مجتمع اولان صاروجه و سکیان قراوقصباتی ویران و تالان ایدوب قضاة
 مملکت و حکام ولایت دخی منصبلرین رشوت ایله المغه بریزدن کندور دخی حصه منف
 اولمق ایچون مساعده و رخصت کویسترلردی اولجانبیدن ناامید اولمقر آستانه سعادت
 کلوب اظهار ظلم ایندکارنده احقاق حق اولمق ایچون اخصارلری بانه فرمان عالی
 صادر اولمقد شتی مزبورک زیر حمایه سنه التجا ایدوب فقرادن جبر اوقهر الدینی اموال
 و استیادن هدیه کلوب حصه ویرلره یوزیکز آتی و قایمکنر کسکین و براق اولسون ایش
 بر ارام اولمغه سزک کبی کز کدر دیوب هزار کسین وافرین ایله صاحب چقوب نه
 فقرای بی محاله حواله ایلک ایچون طالب اولدقلری مناصب و خدمتی آستانه سعادت
 عرض و اعلام ایندکارنده حکام دولته ضروری مساعده سبیلله امر ویرا تهری کوندر یابوب
 بالکلیه ترک خوف و خشیت و اولکیدن اضعاف و مضاعف ظلم و تعدی یه بدل قدرت
 ایدرلردی فقرای سنه موجودین بالکلیه نسایم ایند کدن صکره اهل و عیال لری ایله جلا ی
 وطن و هریری بر جانیه پریشان اولوب قرای معمره بلکه قصبات مشهور خراب و جایگاه
 یوم و غراب اولدی تحت حکومتلرند اولان ولایتلر نه اله حق بولنمغه اخر دیار لرده
 ساکن اولان مقبول و دخی مالدارلردن خبردار اولدیغجه دورت بشیموز مقدری صاروجه
 و سکیان ایله بر ظالمینهادی کوندر و بر اولمقر مهمت اسنادیله دردمنبرک خاتمان نه
 و غارت ایتدیروب بر زمان دخی جمع و تحصیل بویوزدن مباشرت ایدر اولمشلرایدی بی لدری

سفره گلری ایچون وارد اولان اوامر پادشاهیدن خوف جانده دوشوب اطراف جوانیه
اولان ارذل واستقیای جمع ایدوب ایشیر پاشاکی عسکری زهره سنی دخی نامیده دعوت
ایدوب یانه جمع ایدوب وزیر اعظم بوغاز سفری عقبندن تادر نه یه کلجه وادر نه ده
صفر دن روگردان اولنلری وضابطرینه اتقیاده منتخبر اولان بی ادبلری و مشهور وزیر باری
تدریجی اخذ وقتل اتیمکه شروع ایدوب شویکه تونجه نهرینک کناری جنبه انسانله
مالامال اولمشیدی اکبناء خلقک درونه خوف دوشوب عسکری وغیری ناسدن
کف و طالع شیهه سی و حقه سابقه سی اولنلر عموما فراییدوب ابازه حسن پاشا یانه
جمع اولدیلر و اناطولی اولان عسکر دن کذلک اولمقوله و همناک اولنلر تخلص جان
ایچون جمعیت مزبونی به جان اندیلر و اناطولی حکامندن خائن دولت اولوب هوا سنه
تابع امرا وزرا ایله خبر لشوب ایشیر پاشانک قاعده سیئه سی اوزن قونه صحراسنه
مجمع اولمقه قرار ویرلشیدی شام والیسی اولان طیار زاده وزیر احمد پاشا و اناطولی بکر
بکیسی جان میرا پاشا و بونلر دن ماعدا اون بشدن متجاوز منصوب و معزول بیکر
میکلر خد متلر نه اولان صاروجه و سکیانن غیره مالک اناطولی اولان مفسد و خذله بی
جمع ایدوب یوما فیوما تزیاید بوله رق قطره ایکن نیل و جدول ایکن سمل اولوب
او توز بیکدن متجاوز استقیایله قونه صحراسنه جمع اولدیلر و اراقله عجلاله سفر هما یونه
کلوب ایرشیلری بانه طرف دولتن اوامر استعجال و صدر اعظم دن مکتوبلر وارد
اولد قچه امتثال و اطاعت جوابلرین مشعر مصنوع مکتوبلر کوندر و ب سعادت
سلطانم استه جمع اولان عسکر ایله قولک زده ایرشیمک اوزنیم دیواغفال ایدردی صدر
اعظم کوزدیکه خرمن وقتی اولدی ابازه حسن طرفندن کلور کیدر یوق دماغی فسادده
اولد یقنی بیلوب مصراع اوکنسون دشمن اوکنسون اگر قالور سه یانه دیوب ییک
التیس سکر ماه رمضان موجود اولان عسکر ایله ادرنه دن حرکت واردلجا ننه عزیمت
ایتمشیدی ابازه حسن پاشا و سائر استقیای دخی بالجمله کلوب ایرشیمه بر قاج ایام قونه ده
آرام ایدوب عموما کلد کلر نه سفره عزیمت خصوصنی مشاون ایچون عقد جمعیت
ایدوب نافع اولانیه عامل اولمق اوزن طرفیندن گفت و شنید دمنکره بومنوال اوزن
یسط مقال ایلدیلر که دولت علیه عثمانیه ده مناعب علیه و مراتب سامیه یه نه طریقیه
تائل و واصل اولد بغمز محتاج بیان دکلر ز دولت علیه طرفندن هر بریزک حقندن
کلیک مصالح مهمه دن اولوب کرید سفری غائله سی ایله اهمال شکله امهال اقتضا
ایتمکین استیجا لمر خصوصنی خاطر پادشاهیده مرکوز ایدوکنه شیک یوقدر بانه
باشقه دفع و رفع ایچون تجهیز عساکره ایشار خرائق اقتضا ایتمکین خواب خرکوش ویریلوب
صید یغره فرصت جو یلدره الا مقام عداوت عظماده بولنان دولتلر و خود هودا ر سلطنت
اولوب اهل ظلم و فسادک دفعیه تقیدی و شمعی یه دیک بچد کسنه بی سیفندن یکر دیک
معلومدر سفر بهانه سیله مطلوبلری اولان بوقدر کسنه روم ایینه یکوب بی زحمت اللری نه
میرد کلر یاغیه کلشی شکار مشاه سمنک پر برر جمله مزی گرفتار کند انتقام و سیف سیاستله

قتل اعدام ایدو جگری محل شبهه دکلر بویه دریای بلایه دوشنلر ساحل نجاته
ایر شیمک نیجه میسر و تیغ پادشاهیدن باش و جان قور تازمق نه وجهله متصور در
الحاله هذه طیار اوغلی وزرای ملک اراسنه رأی صائب ایله مشارالیه و باعن حد
وزیر ابن وزیر پرویز و صاحب خانما ندر مهر و وزارت عظمی مشا رالیه تقویض اولمق
خصوصنی مجمع اولان وزرا و امرا و ضابطان عسکر اتقایله رکاب همایون شهریاری یه
عرض و محضر اولنسون مساعده یوریاوب مومی الیهی خدمت و کالته نعیین
ایدر لسه هرنه جانبیه تحریک عنان اتیمک فرمانلری اولور سه جمله مزروانه اولوب
خدمتات دین و دولته دامن درمیان و اغور همایونلر نه ترک پاش و جان ایتمکدن قاجلر
والا مادامکه حل و عقد امور بالا صدر نشین و کالت کبری اولان محمد پاشانک یدنده
اولد قچه سفر نامیه اولطرقه عزیمت و برخطوه حرکت امر محالدر دیو قطع قیل و قال
ایتد کلر نه تدابیر بی نتیجه لری علی زعمهم موجه کور لکله خصوص مزبورک استخکام ایچون
رسوم عهد و پیمانی تجدید و ایمان مغلطه ایله تمهید و تأیید اولنسون دیواستانه سعادت
هنوانه عرض و اعلامه قرار ویرمشلر ایدی اول ائشاده طرف شهریار بلند اقتدار دن
خط همایون ایله بوستنجیلر خاصکیسی کلوب مضمون شریفنه خدمت همایون غزده
یومرتبه نکاسل و اهماله باعث ندر سفر ظفر رهبرده ما موراولان وزرا و امرا و سائر
هسکر معرکه آرا ایله ایکی قوناغی برلیدوب وزیر اعظم و سردار اکرم یانده موجود بولنه سنی
دیو صدر ایدن فرمان قرین از عان واصل اولد قده ابازه حسن پاشا و وزرا فرمان
شهنشاهی یه امتثالی مشعر کلماتیله اعتذار و باعث تأخیر مجمع عسکر ایچوندر جمله سی
کلد کلر یوز سور ییوب سفر هما یونه کیده رزدیوب رسم اطاعت اظهار ایتدیلر
مقدمه عهد و پیمان ایدن گروه اهل فساد یکر بان بسط کلام و برآغزدن بو وجهله اظهار
مرام ایتدیلر که حالا وزیر اعظم اولان دولتلر و ایله خدمت پادشاهی ادا سنه حرکت اولمق
امر محالدر و مشارالیه ایله عزیمت تکلیف پیوده خیالدر وزیر اعظم اولدن برو بوقدر
بیک بکچری و سپاه و امرا و وزرای بی کناه قتل ایتدو کیچون هر بریز خوف جله دوشمشردو
مهر وزارت اخره عنایت اولند قچه نه پاشا لردن برکسنه نک کسنه رخصت و بریزر
ونه عسکری طائفه سندن بریزک اوچا نیه عزیمتی متصور در دیومد عالین ادا
ایتدیلر و مساعده اولند یقنی تقدیرده اطاعت و اتقیاددن روگردان اولمق کلماته اجترأ
ایدوب بو مضمون اوزن رکاب همایون شهریاری یه وارکان دولت طرفنه مکتوبلر
یازیلوب جمله امرا و رؤسای عسکر دن دخی عرض و محضرلر ایله بوستنجیلری ارسال
ایلدیلر مقال فساد اشتیمک لری معروض بارگاه خلافت پناه اولد قده سهولتله دفع
اولمق ایچون سفر هما یونه کله لریدن فراغت اولنوب بغداد بهشت اباد محافظه سنه
کتلر ایچون خط همایون صادر اولوب درگاه عالی قیوچی باشیلر دن سنجقلی اوغلی
حسین اغالیه ارسال ایلدیلر و وصولنده بالکلیه اظهار عصیان مشعر کلماته جرأت
ایدوب وزیر اعظم قتل اولند قچه نه سفره و نه فرمانلری اولان جانبیه کتمک نمکند

اون بش كونه دكيتن قطعی جوابه منتظر زمساعده اولنور سه قبه ها والا بزده بلد یكنه كن حرکت
 ایدرزدیو حسن اغای بیولایوب کند ولر گروه مکروه ایله بروسه اوزرینه طوغری عزیت
 ایتیشلرایدی مجتعل اولان استقیما رسم قدیمیری اوزن تحریب ممالک عاد تلری و تحریب عالم
 مقتضای جبلت لری اولمغله اطراف وجو ابنی یغما و خسارت ایچون رخصت طلب
 ایتد کارنده ابازه حسن پاشا و سائر پاشا استانه سعادت طرفندن بالکلیه قطع امید ایتیموب
 حصوله کلاک ملا حظه سنه اولد قلوندن آشکار یغما و تالانه اذن ویر مدیلر لکن فقرادن جلب
 اموال ایچون برغیری حیلله تدبیرین ایتدیله مقتضای شرع له طرف سلطنتی کوشمال ایچون
 تجمع ایدن جنود مسلمینک بر موجب دفتر زاد و زوالرین واران مباشرت یله بالتمام ارسال یلیه سنه
 دیو بیورلدیلر یازدروب ممالک محروسه ده اولان قصبات مشهور دن بوطریق یله اوزریش
 ویکر میشرینک غروش تحصیل اولنوب اوندات واستقیایه توزیع و تقسیم اولنوردی گروه
 استقیما بروسه حوالیسنه نزول ایتد کلمری مسموع شهر یاری اولغین رکاب همایونه قائم
 مقام وزیر طوپال صاری کنعان پاشا رضای پادشاهی به موافق خدمته موقوف اولدوغی
 ایچون اول مقامدن رفی لازم کشیددی ماه شوالک اون بشچی کونده بروسه محافظه سی
 ایله کوندریایوب یرینه والده سلطان حضر نایینک کخذ اسی اولان دفتر دار سابق علی اغا
 وزارت ایله رکاب همایونه قائم مقام نصب اولنوب کور کلی خلعت فاخره الباس اولندی
 پواتنده استقیما طرفندن تکرار اقوال فاسده لر نی مشعر عرض و محضر ایله بروسه قاضی سی
 هاشم زاده و اعیان بروسه دن بعض گسنه لری خواه و نا خواه تعیین ایدوب یا ندرینه سوز
 پیلور کخذ ایرلندن و قول طرفندن بعض اختیارلر قوشوب دزدولته کوندر دیلر قائم مقام دخی
 علی پاشا طرفندن رکاب همایونه عرض اولند قده پادشاه عالمینه کان آدمیری حضور
 اخذ ایدوب سزی کیم کوندردی دیه سوال بیورد قده اند دخی ابازه حسن پاشا قولیه کوندر ایله
 یاننده اولان قوللر یکنر کوندردی دیو جواب ویرد کوندر پادشاه عالیه از مزبور له حمله عتاب
 ایدوب حاشا انلر تم قوللرم دکلدر انلر شیطان قوللریدر له قرالی کفر ایکن بوغرای عظیفه
 امد ادا ایلدی بوتلر مو من و موحد و پادشاه اسلام قولیه وزیر لاهل دین و اهل اسلامه لایق
 اولان بومیدر که و سوسه شیطانیه ایله باشی قورقوسنه دوستوب بوقدر آدمی کندویه
 ایدروب کافر النعم اوله بوندن اقدم عفو و امانی مشعر خط کوندر دم بوقدر فاسدن فراغت
 ایدوب بوجانبه کلکدن خوف ایدر لسه بغداد محافظه سنه وارسونلریا خود جمعیتلرین پریشان
 ایدوب هر کس منصبی طرفنه کتسون وزیر عزل اوله حق زمان دکلدر دیدم و بوندن
 ضمه اوله اولامره اطاعت ایتمامک مسلمانلر قمعیدر الله ایله عهدم اولسون بوند نصیحه قتل
 هاتم ایله جمله سنی سیف سیاستدن کچوروب برفرد نی یه روز کارده صاغ قومایم و سزلی
 قتل ایدردم لکن ابایچی یه زوال یوقدر وارک یقیلاک کیدک دیو جواب ویرلدی و سادات
 موالیدن بروسه قاضی سی هاشم زاده اصلا ح ذات البین نیتیه و بروسه اوزرینه
 کلن استقیما کلاک ایلامه کلدیکی عذری قبوله قرین اولمغین مظهر غضب شهریاری
 اولوب قتل فرمان بیورلشدی لکن نتملغه رعایه ریا و عزله اکتفا اولندی و خط همایونه

ابازه حسن پاشایه واروب انلرک عرض محضر لریله کلان قیوچی باشی حسن اغا که جمهور
 استقیما ککرتن و وزیرک عزلی باینده اتفاقیه حرکاتلرین کوردیکی کی حضور همایونه اعلام
 ایدوب وزیر عزل اولد قچه بوقته نکل اند قاعی محالدر دیش ایدی استقیما طرفندن مکررا
 کلن اوراق مزبور قیوچی باشی حسن اغایه ویریایوب واقع احوالی واریدر اعظمه کورد و کلاک کی
 اعلام ایله دیو فرمان و بر مختوم خط شریفله وزیر اعظم طرفنه بحالته ارسال اولندی وزیر
 اعظم دارالخبره قریب اولدیغی محله خط همایون و جلالیلرک کاغذ لری قیوچی باشی
 صیغفی اوغلی حسن اغای یله وصول بولد قده احواله مطلع اولوب قیوچی باشینک کلامی
 شیوع بولمغله شاید که قساده مؤدی اوله دیو اول ساعت قتل ایلدی و سفر ده کند وایله
 همراه اولان یکچیری و سپاه صابظلرین و اختیارلرین جمع ایدوب استقیما ککرتن خروچی
 مشاوره و اقتضاسنه کور مکالمه دندمکره هرا و جا قدن بر آدم اختیار و انتخاب ایدوب
 عرض و محضر ایله حضور پادشاهی یه و ابازه حسن پاشا یاننده اولان قول طائفه سنه
 ارسال ایتدیله عرض و محضر لرند یا زیلان یو که اهل ایمان و اسلام ایسه کوندر بوجانبه
 کله سزدین اوغرینه غرا و جهاد ایدوب کفان قایچ اون لم اگر بوند نصیحه عنادیکزه مصر
 اولوب کلز سکر انشاء الله تعالی بوجانبه جناب باری فتح و فتوح میسر ایتد کلاک ایله
 عهدیمز اولسون تا اوزر یکنره واروب حقیر یکنر دن کلدیکه قایچمزی جقار میه لم عسکر
 اسلام طرفندن کوندر یلان آدمیله حضور پادشاهی یه کلوب گروه عسکرک نیجه کلاملرین
 افاده ایتد کد نصیحه ابازه حسن بجهته روانه اولوب انک یا ننده اولان قول طائفه سنه
 عرض محضر ی تبلیغ ایتدیله حسن پاشا بوقضیه دن خبر اولوب بر و طرفدن قطع
 امید ایدوب چونکه سوزیمز یکمدی بوند نصیحه بزی دخی شاه عجم کی بر قوی دشمن با سونلر
 قیما بعد روم ایل انلرک م ناطولی بزم اولسون بلد کلرندن قلمسونلر دیو کستما خنه ترهاته
 پاشلیدی و بی پاک و پروا بروسه اطرافه استیلا و حکامی سفرده بولنان ایالت و سنجاقلری
 یا ننده اولان امرایه توجیه ایدوب پادشاه عالمی شرع له ارشاد و کلاسی تأدیب ایچون
 جمع اولان عسکره ذخیره دیو قول قول بیورلدیلر کوندر روب جمع مال و تعذیب رجاله استکان
 جراته شروع ایتدیله و دخی جمعیتلرین بولنیموب ادای خدمت پادشاهی ایچون سفره
 کیدن سپاه و یکچیریلرک اهل و عیالندن بر مقدم ار قچه اوب بعد تفتیش ایچون کلنلری
 مؤا خنده ایتیه ملک اوزن اللرینه همور کاغذ لری ویردیله خلاصه کلام استقیما ککرتن
 قسادی سهولتله منطقی اولق نامکن ایدیکی معلوم شهر یاربایند اقتدار اولد قده جوابلری
 زبان شمشیره حواله اولق اولی و اعلی و ادنا سی کر فتار دام بلا اولق تدبیرینه شروع
 اولنوب تحکم علی السلطان ایتیکله دملری هد و جنود مسلمین کفار ایله غزایه مأمور
 ایکن تحریک فساد ایله فسخ غریقه باعث اولنلر کافر دن اشد در دیو فتوای شریفه
 ویریایوب استانبولده اولان علمای اعلام و فضیلا ذوی الاحترام امضا ایتیلری ایچون
 قائم مقامه ارسال اولندی بعد الامضا صورتلری نقل و تحریر اولنوب نفیر عام امراری
 ایله اطراف و جوانیه پراکنده قیلندی و بغداد محافظه سنه تعیین اولنان دیار بکی

واللهي وزير مرتضى پاشايه سره سرگرك فرماني ارسال اولندي عموما كوردستان بنگري
 وديار بكر وارضروم عسكري ما مور اولوب و حلب ايلاني ادرنه لي سوخته عموما پاشايه
 وريلوب ايچ ايل عسكري ايله حاضر و آماده و سر دارموي ايله بروجده استعجال
 استقبای بد افعال استیصال چون ننبیه اولندي و همالك محروسه ده اولان قلاع و قصبای
 حفظ و حراستهم اهتمام مالا كلام ايتلمر چون او امر مؤكده تبليغ اولندي الحاصل
 سعادت پادشاه عالمپناه حضرت نوري صدر اعظم قولريني حیات وصیانت خصوصاً
 مشول مرتبه اظهار صلاحات و متانت بيوردیلر که حضور همایونه انك خلافت بر سوز
 ضوئلكه كسندك زهره سی قلمامش ایدی ارکان دولت و حواشی اکثری بلكه ناسك
 مجموعی صدر اعظمك سیف قهریله تسلطندن خوف ایتدكلر چون ذوالنه مترقب و ابازه
 حسن جمیعی نتیجه پذیر اولغه بلك جا نیله طالب ایدیلر اما تیغ بی دریغ شهر باریدن
 هر اسال اولموی ايله وزیر علمینه بر حرف سونلكه قادر دكلر ایدی حتی بروسه محافظه سغه
 كیدن كنعان پاشا وزیر طرفندن اولوب نظراته فوات پادشاهیدن دخی مایوس اولغین
 بروسه یه وارد قیامته مقالنه و شهری محافظه ایچون شهر لودن و افر باروت
 و قورشون ولوندي ایچون نعل و ذخیره و وافر خرچلق جمع ایدوب و نهانی حسن پاشا ايله
 مكته و باشوب كچه ايله باروت و قورشون و ذخیره كوندروب استقبایه امداد ایتدو كنی
 بروسه خلقی طویوب اوزرینه غلوا ایدك زمانه حسن پاشا دن دعوت مكته بی دخی
 كلكین اول كروه متابعه تی جاننه مفت بیلوب مخصوص آدمیری و عسكریله واروب ابازه
 حسن جمیعینه ملحق اولوب جمع ایتدوکی باروت و قورشون و مهمانی پیشکش چكدی كنعان
 پاشاك متابعی استقیانك قوتنه سبب اولوب بروسه اطرافندن بی پاك و پر و اقرار ایتدیلر
 اول حینده چاوش اوغلی من پاشا عسكرك جمع ایدوب كلیك محافظه سغه مامور اولمشیدی
 مدانییه واروب بر قاج حسن پاشا قتل ایلدوکی خبری حسن پاشایه منعكس اولد قله
 اوزرینه وافر لوند تعین ایدوب مقاومت ممكن اولما غله چاوش اوغلی قدر غنیه بنوب
 مدانییه دن ایرلیدی و احوالی درد ولته عرض ایلدی سپاه اغا لغندن پاشا اولان قونا قچی علی
 پاشایه ناطولی ایاتی وریلوب سردار مرتضى پاشا كلنجه یه دك اول حدودی محافظه سپارش
 اولوب و ادرنه بوستانچی باشی لغندن استانبول قائم مقامی اولان قرق ایاق دیدكاری سنان
 پاشایه اسكدار محافظه سر فرمان بیور لغین اطاعت فرمان ایچون ناچار عا جزانه بدل اقتدار
 ایدوب اسكدار پكدی و متر سلكسد یروب طویل وضع ایدوب استانبولده اولان اوتوراق
 و قورچی ضعفاسنی و قیو اورنه سنده اولان وظیفه خوارلری متر سه وضع ایلدی خلاصه
 كلام استقیانك جمعی کوندن كونه قوت بولوب شروفساد لری خوفندن یولمر منقطع
 و همالك محروسه عموما محصور و مسدود و بروسه دن بروسه و احلام اولان قصبای و قرا
 اهالیسی اسكدار كلنجه اکثری اثواب و ائقالبین استانبوله كوردی هجوم استقیای خوفندن
 باغلبی بی وقت بوزدیروب انواع خسارته مبتلا اولدی و بركون بر در لو خبر كلوب فلان
 یه كلسر و فلان یی اور مشلر دیوار اجیف ظه وریله خلق عالم بحضور اولوب غرابت

یوننه و بطن محفوظ اولیان مفسد لرو عالمك هرج و مرجین استیق بغماچی
 نابكار لرو قضیه ظهورینی فرصت بیلوب ازاله استقیای و نصح خصوصاً استقامت
 ناشی وزیر اعظمی اكثر خلق استتقال ایدوب ابازه حسنك غلبه سنی استرلردی حتی بعض
 واعظ افندیلر و مشایخدن نجه طریقاً حسن پاشا مؤید صاحب ظه و در قرن حادی
 عشرده مجد دین اولان بودرونك یوزندن شویله خدمت و بویله مصباحت ظهور ایدك چكدی
 خلق اغزیه سوز و یروب شهر استانبولی كفت و كوالیه مالا مال ایتدیلر شویلكه شقی مزبورك
 بیعتی بومرتبه طغیان و استداد د نصیكره متفرق اولق جمله نك تصورندن محال مرتبه سغه
 وار مشیدی كوپریلی یاشادن دكی و بیچضور اولان رجال دولت و سائر ناس دخی
 بوكفته كودن نهانی مسرور اولوب ابازه حسن پاشاك غلبه سنی اللهیدن استر اولدی یلر سعادت
 پادشاه عالمپناه حضرت نوری خلقك بومرتبه جلالی طرفنه میلنی و صدر اعظمیدن نفرتی كوروب
 وزیر اعظمه زیاده محبتلرندن ناشی بر خط همایون یاز دیلر مضمونی بوكه نیم لالام ابازه
 حسن دیدك كاری شقینك حقیقه نفیر عام فرمان ایتدم لکن جمعیتلری كندكچه زیاده
 اولقده در ضبط و ربط امور متعلق اولان خدمتكه حسب ایدوب سندن خوشنود
 اولد قاپر چون خلقك چوغی استقیای طرفنه میل اوزن ذر سهولتله دفع اولمز و اهمال
 گو تومر ایشدن حالاً مامور اولدیغك امور دن و فتح قلعه دن بوغا نك دفعنی اهم و تقدیم
 و مهور كا لثم سكالازم ایسه ناخیر و توقف ایتدوب بركون اول ایشنه سن دیور محرم
 یلده ارسال بیوردیلر جلالیلك نتیجه احوال لری بوندن صكره ذكر اولنه جقدر
 ذكر رفتن سردار اعظم بولا یت اردل و فتح قلعه یانوه مقدمات تحریر اولندیغی اوزره
 بیك الشمس سكر سنده سی رمضانك یكری ایكنجی كونی وزیر اعظم عسكرك اسلام
 ايله ادرنه دن قالقوب اردل اوزرینه عزیت ایتمشیدی و تاتار خان عالیشان تاتار
 و قزاق عسكریله مجلا حرکت واردل اوزرینه توجه و عنان مسارعت ایتك ایچون
 مقدمات خط همایون شوكت مقرون ارسال اولمشیدی سردار اكرم طی مراحل ایدرك
 بلغراده داخل اولوب بدون محافظی كنعان پاشا عامه سرحد عسكریله و سلسله بیكرك
 یكیسی قدری پاشا كند و ایالتی و دو برجه لوند ایتله و خان تاتاردخی پیشمارتا نیله وله قرالی
 طرافندن اون ایکی بیكدن زیاده عسكرك صدر اعظمه مامور همراه جه دایدیلر فلبه ده
 پیرام نازی قیلنوب اردله متوجه اولدیلر عسكرك ظفر رهبر ايله سرحد ایدیه و اصل
 اولوب اول موضعده جاری اولان نام نهر اوزرینه مجدداً جسر ترتیب اولنوب عسكرك
 دریا خروش سیل بی قرار کی اول جسر استواردن عبور و مملکت ایدیه مرور ایتدیلر
 اول محله واقع کلید ممالك كفاریا نوه نام قلعه استواركه مرحوم سلطان سلیمان خان
 مملکت نتیجه والا مان سرفر زینه ارخای عنان بیور قلعه مالحق بمالك عثمانی و داخل
 ضبط حکام سلطانی اولمشیدی دور سلطان محمد یل ظه ورایدن مجار سفیر لری
 هائله سنده بر طریقیه كفار اننه دوشوب حکام سرحد ایدیه یوزمانه دكین
 قالمشیدی جمله دن اول قلعه مزبور نك فتنی و استقامی اهم اولغین اطرافنه نزول

همایون نه عرض اولند و غی منزل اوزن جمله معلوم پادشاهی اولدی اما چونکه از اولی
ظهور ایدن جلالتی استقامت فسادری کندی که زیاده اولوب بای حال تدارکاری
گورملک اهم مهماتدن اولغین بعد الفتح صدر اعظم حضرت نارینگ اول طرفلرده مکینه جواز
گوستر لیموب بروجه استعجال کاب همایون طرفنه عودتی ایچون خط همایون ارسال
اولنشدیدی پادشاه هند حرم شاه بوسالده وفات ایدوب اوغلاری دورت شهرزاده
دیننده سلطنت هند دعوا سیله عظیم مقاتله و محاربه حد و شدت نمکره فرزند اصغری اولان
اورنک زینب عقل ورشد صاحبی حسن تدبیر و اعانت و کلا ایله بالاستقلال تخت
سلطنته جلوس ایلدی حیث جلوس شاه او رنک زینک اولان وقایعی و دخی برادرلری
ایله سبقت ایدن سرگذشتی غایت مفصلدر تصحیح و تنقیح اولنوب بوخله ضم و الحاق
اولنغه محتاج در ضبط و تحریری مهماتدن اولان وقایع در غفلت اولنجه وفات قره
چلبی زاده عبدالعزیز افندی قره چلبی زاده حسام افندی نیک محمد و میدر ملازم و طریق
عمله عازم اولوب مدارسله قاعده معتبره اوزن حرکتد نصکره مکه مکرمه و استانبول
قاضیسی اولوب سلطان مراد خان حضرت تازی ادر نه ده اطوار ناشایسته سنی استماع
ایلد که قیر یسه نفی ایشلار ایدی بعده سیاه سینه ثمره صلاح ظاهر اولمشدردیوه کلای
دولت جرایمی عفو و رجا ایتد کرنده حین قبوله قرین اولغین استانبول مکینه اذن همایون
ویرلشدیدی و بیگ اللی تاریخچه دیمتوقه قضایسی اریه لقی ویرلیدی اللی سکرده سلطان
محمد خان حضرت ناری اجلاسی اثناسینه روم ایل قاضیه سکرری اولوب پادشاه عالمینه
حضرت تلیینه تألیف ایتدیکی تاریخی عرض ایدوب بهائی افندی به رغما شیخ الاسلام
پایه سی خطی تحمیل ایشلار ایدی بعد العزل با نچه زند مقیم ایکن بالیوس ماده سنه
و جاق اغاری بهائی افندی بی عزل ایتدرد که شیخ الاسلام اولمشلار ایدی سیماوش
باشا صد ارتند خواص مقرین اغاری ایچون اوجاق اغاری جمعیت ایتد که
آتش فتنه علو کبر اولوب اوجاق اغاری نیک دولتی برکشته اولغله اوجاق اغاری
طرفنه بولنق تهمتیه عزل و ساقره نفی فرمان اولندی بعده بروسه به کلکه مأ ذون
اولوب اجدادین قلان وقف منزلده مقیم ایکن سنه مزبور ربیع الاولی غره سنه انتقال
ایلدی مولای مزبور موقر و محترم و عظمت بی اندازه صاحبی وسط القامه ماحم صدر اسی
ایچه کلامی سر بروج سوزیلور الزام و افهامه قادر متعظم ایدیلور عیسی زاده تحریری
اوزن غضوب و طعن و دخل ایلکه کسر خاطره مائل حرکتی نادر ایشلار علمی قدر مشترک
معرفتی اقرانرینه غالب ایش اما حق بودر که تقریر و تحریر ده سلامت تعبیر ایله صحت
کلام و انشاده مهارت لری سارندن زیاده اید و کنه و رتبه علمیه متعدد آثاری شهادت ایدر
جمله روضه الابرار نام تاریخ نامشدر مبدأ آدمین سلطان محمد خان ابن ابراهیم خان
حضرت نارینگ جلوسنه کجه علی طریق الاختصار تحریر ایتشدرد صکره بروسه ده
نکملینه عمت ایدوب مبدأ جلوسدن بیگ الشمس سنه سنه کجه اون سنه لک وقایعی
مشتمل بر ذیل ترتیب ایتشدرد لکن مشریرلری مقتضای نسخه متعصب وادین اختیار

اید و باب دولنگ جمله سنه حرف اندازلده تقصیرات ایشلار مشدر علی الخصوص
بهائی افندی کی وجود محترمی خصم اتخاذا ایدوب حقنه نزل آمیزه کونه افحوقه عجیبه
یازدیغی مطالعه ایدنله معلومدر مولای مزبور اصلا کسنه دن احتراز واجتناب ایلیموب
حق کو یلق واد بسن اختیار ایچون کبار دولته و وزریه و آنچه مدارا تیمیوب خاطر مانده
اولور لر ایشه ده کلام حقنی محابا ایراد اید رمش سلطان ابراهیم خان خلعه کند و لردن
صدور ایدن جرأت و اقدام و اشکان سویددی کی کلات خشونت امیر محمده مفعلا تحریرو
اولنشدرد صکره بروسه ده اول وضع نامناسبه بشیمان اولوب ذیل تاریخچه و ارکان
دولت و اخوانه کلان رساله نده نظم و نثر ایله اظهار خلوص و نیاز مندی بر له طرف
سلطنته خیر خوا هلق عرض ایدوب بد خوا هلق ستمنه میل تهمتندن برای ذمته قتی
چوق سنی ایتد بلر مفید اولیموب وقت جلوسده طم ویر ایدن ججه لسانی فراموش اولما غله
طرف سلطنته امن قلب و اعتماد کلی حاصل اولیموب بردخی مقام فتویه دکل استانبول
بیله تقرینه رخصت ویر لیموب اول خزن و کربت ایله متوجه دارا خرت اولنجه دکل دیار
غربته مبتلای هجران و محنت اولمشلار در البلاء موکل بالمنطق فحوا سبجه انسان جمله بلایه
لسانی اوچندن گرفتار اوله کلشدرد کوزل بیتدر بیت صمکتر محنت غم بیله کلدن کلدی
قفسه کیردی بلا باشنه دلدن کلدی کله الشرب بکدر کاسک و بطیر برأسک مضمو نجه
برش سوز صاحب نیک نعمتی منع بلکه کله سن قطعه سبب اولمق متفق علیه اولغین
جمله انسان لسانی ضبط ایدوب نفع و ضررینی فکرا تیمزدن مقدم برسوزی سوب نامک
لازمدر علی الخصوص کبار دولقدن و ارکان سلطنتدن معدود اولان دولته اولره ضبط
لسان زیاده اهم و الزمدر و بر فرصت و قتنه طوغری سوبلردی سونلر ملا حظه سبیل
اندازه دن خارج برسوز سوبلین البته ضرر چکر زیر روز کار بر حال اوزن قالمز و احوال دولت و اطوار
رجال مملکت بر سیماق اوزن طور مزاحوال کائنات انقلابه در شاید اول کلامدن متضرر اولان
کسنه جانبینه اقبال روز کار غدار توجه اید شامی چکلمک مقرر در خصوص صامو ک کرام و وزرای
عظام حقنه خیر دعا و ذکر جمیلدن غیری حرف سوبلمک قطعاً بزد کلدرواقعه مغایر مدح
و ثنا ایله ارتکاب کزیدن توفی اولنور سه سکوت جمله دن اولی و انفعدر رزینه صده کله لم
مشار الیه عزیز افندی نیک خدمتینه تریه اولمش بعض سوزا کرا و قوریا زار کسنه لردن
منقولدر که مولای مشار الیه ابواجدادندن مورو و افرماله مالک اولوب کند و لردخی
دینندن عاری اغنیادن اولغین مسکن و لباس و طعام و تربیه اتباع و خدمه و دارات و
احشای وزیرانه بلکه ملوکانه ایدی طعامی نفیس حلویات سکرری مجلسی پاک وقت طعامه
متعین اتباعی و مسافر بولنان ادا بله حاضر اولوب بعد الطعام یاشد او تو رمز لردی زوار
و مسافرین ایچون باشقه مزین او طه مخصوص ایدی طلب ایتدیکی آدم یاشنه دعوت
اولنوب رتبه صحبت ایدردی اکثر اوقتنه یا لک رجه کاشانه مخصوصه سنه مطالعه کتب
و تحریر مشغول اولور لردی سائر خدامدن ماعدات تازه رومپیان بش الی دانه نازنین خدمت
متمکاری اکسک اولور ایش پاک دامن و صالح ایدیلر لکن مشاهد جمال خویان ایله متلد ذ اولوب

اول قوله ضرورتی و سیرتی محبوب چلیپوری اولاد برینه ترینه ایدوب او قودوب یازار
چراغ ایتکه مائل اید بارحتی محن و ملو ایام شتاده هند الاجه سی و میر زای بوغاسی
قیامه و شال قوشاق و ایام صیفه انچه قریم کسی بیاض ساده و صوم صرمه قولان
قوشاق قوشاق دوب ایام معتدله ده سود ما ئیسی انچه بز چنیمانلر کید یروب چقشیر
گیدر مزایشی و ساده لرنک یرتاج شکا فی شا طرائکی مثال ابکی قارش مقداری
اولوب بر ایکی بدن ربط ایچون التون قوجه دیگر راییش که مسافر حضورند اچلامق
ایچون یرتاج لرایکله نوردی سائر وقتله کشاده اولوب اشاء خلد متله سرعتله
آمد شد ایتدیکه شقی طولانی یرتاج لردن سیمین طویق لک ششعه سی مجلسه
یرتاج لاردی افندی حضرتلری بو وجهله طویق سیری و قریم کسی اسبابک
شکا فندن آینه سینه تماشاسن ایدوب بو قدرجه ایله قناعت ایدر مش لکن
لعدا و حسادی بوسیمیلله کندویه حرف کیرلک ایدوب فسق ایله تهمت ایدر راییش
زمره خدام ولی نعمت لرنک خیروا کر شر احوال لرن کتم ایتمز لر خدمتکار لری نقل ایدر لکه
نظر ایله تلذذدن غیری بر فرده تقرب ایتدوکی بلکه بر یوسه آلدینی بو قدر دیو بین
ایدر راییش حتی محرم اسراری اولان کیماردن بری سلطانم بو نازه او شاق لری
استخدام ایتدو ککر چندان مناسب کورلر دیدکله حسن صورت قابلیت سیرته
علامتدر برالای قیج الوجه اهر من استفاد مندن بونلر مناسبتدر و برالای فسقه
مشرندن حفظ و تربیه ایله آدم ایتدیکم جهتهل مآجور اولورز دیشر اما سلطانم طرز
لباس لرنده مخترع نکلیه فرده اعتنا کز سیمیلله اعدا کز طعن و دو ستلر بکر سوطن
ایدر لر دیدکله تلذذ نظرندن غیری قصد یمز بو قدر جواسیس عیوب اولنلر تفحص
ایده رک باگبار لغز مه مطلع اولوب سوطنندن قور سلور حسد جبل بلا سیمیلله ذم و غیبت
ایدر سیمیا غری الور حسن جمال خوبان مرآت صانع یردان اولغین تحقیقیندن اولان عرفای
کبار نظر عبرتله مشاهده سی باینه مسلوب الاختیار لر در سلفه کلان کلین عارفیندن
قنی چوق دولتمن و مخصوص ایچون حساد کج نظر طرفندن سهام طعن و تشنیعه سیر
اولشلردر کتاب اغانی خلفا و ملوک و کبار سالفه کمال و حکا یاتی منکشف اولان
کتب مفصله ده بومعنایه متعلق حکایات غریبه نهایت بو قدر جمله دن خواجه سعد الدین
افندی تاریخ لاری ترجمه سی اولان ثمرات الادوار و مرقات الاخبار نام کتابه نقل ایدر که امام
غزالی قدس سره حضرتلری حجة الاسلام و علم و عرفان و تقوی ایله مدوح خاص و عام ایکن
ابن جوزی اول ذات عالیشان طعن ایدوب امامیث موضوعه نقل ایدر و نازه ر و نورسته محبوب
ترینه ایدوب جمال امردان مشاهده سنه مائل ایدی دیو ذم ایتشلردر ترغیب و ترهیب
مصباحی ایچون عوامه احادیث ضعیفه نقل ایتلک روا و انظار اولو ابصار محض ملاحظه
صنع خد ایکن امام غزالی کی عزیز دغا لار طعنندن قور نلما مشدر و نورالدین شهید
حضرتلری علم و صلاح و تقوی ایله معروف و مقتدی ملوک بر پادشاه صاحب سلوک ایکن
بر محبوب ابریقاری و راییش اوقات خیمه ده و کچه لده نهج و قنیه د ائما آید ست و یرمک

خدمت اولوب یا نندن ابریموب هموان مشاهده جمال یا کینه تحصیل وجد و حال ایدر لر
ایش و زری مقامند اولان اسمعیل بر کون قصد ایدوب سلطانم بعض قاصر
نظر لر حق کزده سوطن ایدوب ابریقاره محبتی واردر دیر لر دیدکله نسم ایدوب بی
سوز و بر قطره نطفه قدرتی بو حسن و جماله نازل و بویله صفات جمیله و اخلاق جمیله
واصل ایدن محبوب حقیقی نک یرتوجال صنع یاکی مشاهده سنه آینه مزاولدوغی
جهتدن ابریقارک مفتونی یوز دیو جواب یر مشلر تاج التوار یخنه مذکور در که
نورالدینک آتش عشقی کتدیکه متزاید اولوب ابریقارک بر خطه مفارقت طاعت
کک تور میجک آشفته حال اولغین عرض سلطنته خلل ترتیب ایتدی یکی اجلدن بر کچه
خوف لیلله ال قالد یروب الهی مقصود حقیقی سنک جمال باک لکدر نفس ظالم بو
حسن مجازی طرفنه زمام قابزی بالکیمه جذب تقاضا سن ایدو یوره غلوب نفس
اولوزدن اول طهارت اوزن اما شکی قبض ایله دیو دعا ایتد که اول ساعت خسته لنوب
ایرئسی مرحوم اولمش حسن و جماله میل و محبت ضروری اولدوغی بو حکایه لردن معلومدر
مثنوی نفس سر پرده شاعیه ست حسن لعه خورشید الهیست حسن انکه شراین
سلسله بنیاد ازو لایحه حسن دهد یاد ازو صورت خوبی شاعی ازوی عیان معنی
پیچون شاعی دروی نهان قبله هر دیه درین آینه است منظر اهل نظر این آینه است
خلعت خوبانکه برار استند فتنه ارباب نظر ساختند کورچه داند که در آینه
چیت عکس خود افکنده در آینه کیست بزخی یا کبار لغله مشاهده سندن
متلذذ اولدو غمز معنایی برالای احمق لک طعنندن خوف ایله ترک ایتمز افعال عبادک
سمیات و حسناتنه محاسب حق تعالی در قاصر النظر اولان جهال و ابتر لر نه دیر لر سه
دیسونلرد یو جواب و یر مشلر حقیر دیر مکه مولای مشار الیهک مشربی تکلفات رسمیه یه
چندان دلمسته اولمیاں آزاده عارف و ادب سیدر اما افعال و اقوالی فتوی منزله سنه
اولان مقتدی ناس عظمای علمایه لازمدر که حقنه سوطن اولغنه باعث اولان شیلردن
قدرتی مرتبه تطهیر ذیل چالشوب خیال خلقدن بد کانی قلع وید کویلر اساتی قطعه بدل
مجهود ایلیمه زیر احکام شرعه خصو صا مسند نشین فتوی اولنلر بویله لا قیدانه
حرکتدن چوق ضرر واردر غرابت بوند در که عبد العزیز افندی رتبه فضلی و شعری
و انشاسی اثارندن اهلنه ظاهر درمیاں افندی یه تفوق و مزیننه اهل انصاف
مقر ایکن عصر لرنه کند ولر نصیحه الی وقتنک هذا جمیع خلق بهایی افندی بی
مدح و تشایله ترجیح ایدوب عزیز افندی بی سومر لر و علم و معرفتنه معترف اولموب
مدح ایلر لر بو شبهه ارباب معارفه باعث خالجان خاطر اولشدر سلک و ده کبارک
تقریری اوزن بهایی افندی نک اگر چه شعرندن غیری اثری یوقدر و آلوده کیف ایتشلر
لکن مزاج عالمی یلوب مقتضای عصره کون مدارا خصو صا طرف سلطنته تخص
خالص ایله وفادارلق مراسمی اجرایه قادر ایتشلر و امور لرنه چندان مغلوب توابع اولموب
رایلرنه مستقل ایتشلر و بو قدر لطافت مشرب و چلیپاک ایله اصحاب رایه عیسه وجه

ایله شویله ایلار و قارایدرلر مشکله کسینه نا معقول ریای عرضیه قادر اولمیش دفع
ایند کار نه دخی اجوبه مسکنه و حسن مدافعه ایله شویله دفع ایدرلر ایشکله خاطر لری
مجرور اولماز و ادبه مخالف منازعه و مشاجره یه مویدی اولماز ایش التماسنه مسکانه
ایتمه کاری کسینه لری غیر یوزدن قوی و فعلی بروجیه مناسب ایله مطیب ایدرلر ایش
مع هذا رویش مشرب خوش صحبت اولوب کبر و غرور یله خلقی کند و دن تنفیر ایتیمکه
عامه خلق محبت یارینه میل ایدوب ییلن بلین کامل چلی مفتیدر دیر لری اما عزیز افندی
اگرچه محنت و مبدول النعم فاضل و کامل مخدوم کنیز ایدرلر کن حد و مدراسم اجر اسی
قیدینه افراطله دلبسته و کند و شان و کالنه اعتنا صاحب اولوب دفع و حشت احبا
و تطیب قلوب اودا ایچون لازم اولان طرح تکلف و معامله تلافی هیچ بر فردله ایتیموب اکابر
و اعظم دنی هیچ کسینه یه مد ارا و مد اهنه معامله سینه نزل ایتیز لری و همد موهم مجلسلر دن
هر کسه رتبه دیویه سینه کور معامله ایتدیکدن ماعد اکابر و اصاغر ک جزئی و کلی
صبر و ایدین خجعه و قصور بی مد العمر عفو و عذرین قبول ایتیموب مجلسلر دن هر بار قدح
لسان و صاحبی رسوای جهان ایدرلر ایش بوسبب ایله خلق کند و دن نفرت ایدوب
امثال عربدن من غیر و من غریل الناس مخلوه مضو نجه جزئی قصورین لسانه
طولا یوب حقنه افک و افتر ایله عامه ناسی کند و دن تنفیر ایدرلر دی و کالات و فضائاتی
قدح ایدوب ترجیح عظیم ایله بهائی افندی بی مدح ایدرلر دی نتیجه کلام شرف فضل
و کمال خلق مدح کور دکلر اکثر ناس طبعنه ملائم و موافق اولان کسینه بی مدح ایدرلر
اول جهتله مدح و ذم لری معلل یا لا غرض در عزیز افندی نیک نایم خاص و محرم بومی جویری
چلیبیکه وجود کامل اولوب مقلد عرفان اولان بنده کوی لری مجلسنه تقریب ایتیزلر ایش بهائی
افندی ایشمه رحب الصدور بی نیاز مشرب اولقله کیف الود یاران و کروه شعر اوقصه خوان لری
داخل مجلس ایدوب معاشر لری دن استعکاف ایتیزلر جنت مکان مرحوم سلطان سلیمان خان
حضرت تاری بیورلر مشکله دنیا ده بزه و صاحبنه فائده لی هنر عوام پسند اولان هنر در زیر
خواص پسند اولان هنر ک طالع و راجی بیکم بر بولنیز لری ایش واقعا نفس
الامر مطابق بر کلام حق در عیسی زاده دیر که بروسه شهر نه صوبه احتیاج یو غیکن
عزیز افندی حضرت تاری روز معاد ایچون اعداد ایتیمک یتیمه بی نه یاه مال خرج ایدوب
متعدد چشمه لری نایم شدر لر رحمة الله علیه فضل یا شایسته نوی الا صلدر حریم همایون دن
چیقوب بدون و بوسنه و سلسله ایالتلرینه متصرف اولوب قیودان دخی اولمشید ی
بوسنه ده والی ایکن غرادر استقه اهالیسی طغیان اوزن اولغین قتل عام ایتیمکه عازم ایکن
انار مقد حجه یا شای مشار الیه ک اوزرینه کلوب طرفیندن خیل نفوس تلف اولمشید ی
و کین قلعه سی اوزرینه کان قریک ایله محاربه ایتد کک منهور و مظفر اولمشدر و قومه
و قواقیه ده استا نبولده بولنوب مصاحب اغار ه خاطر مانده اولقله استقیای تحریک ایله
متمم اولغین حقنه پادشاه حضرت تاری اندن مغیر خاطر اولمشدر ایدی افلاق اوزرینه
صبر دار اولد قلعه طمع نامندن ناشی نکاسل ایدوب حر کنی قتلنه سبب اولدی

ننه کیم فیصلی مرور ایتمشدر وزیر مزبور دیوانه مشرب لاعن شی غضبناک اولوب
رعایای لازم کسینه لک خاطرین شکست ایدوب و شی ردیل ایچون ادنی یه یوز و یروب
کند و شاننی بست ایدرلر عواقب امور دن غافل بر طمعکار ذات ساده دل ایدی
و قایع سینه تسع و ستین والف آمدن صدر اعظم برکاب همایون و عودت پادشاه عالمینه
ازاد نه باستانه مقدمات ذکر اولند و غی اوزن صدر اعظمی دعوت و استعجال ایچون خط
همایون کوندرلشید ی استا نبولده عزیمت همایون مقرر اولوب ماه محر مک او چخی کوئی
طوغی و رفوع چیقوب بشخی پخشینه کوئی اوتاغ همایون صولاق چشمه سی قرینه نصب
اولندی صدر اعظم دخی فرمان شهر یاری اوزن یانوه فتحند نصیر که اولجا نبوده ارام ایتیموب
اغری کیر و دن کلک اوزن الیقویوب کند ولر عسکر منصور ایله بروجیه مسارعت رکاب همایونه
رجعت ایدوب یانوه التمدن یکرمی کوندرلر کلوب ماه محر مک اون دور دن یی کونی ادر نه یه داخل
و دامن بوس شهر یاری تشریف نه نائل اولوب سمور کور کلی خلعت فاخره ایله مظهر التغات
واکرام بیورلر ایشی که محر مک اون بشخی بازار کونیدر عجیب الایلر ترتیب اولنوب شوکتنا
پادشاه خضر تاری کمال عزت شان و جلالت قدر و کوبه عنوان ایله اوتاق معلا برکاه و الالینه
شرف نزل بیور دیور دیوان مشاون اون یدنجی ثلثا کوئی اوتاغ همایونده ایاق دیوانی اولوب
حضرت پادشاهید و زرای عظام و شیخ الاسلام افندی و قاضیه عسکر افندی و یو کپیری اغاسی
ویا و ک اغازی و جملة اعیان عسکر مجتمع اولوب بعده اوتاغ اچیلوب پادشاه عالیه تحت عالی
مخت اوزن صلابت و حشمت ایله قرار ایتمشدر طوایف عسکر یه یید خطاب ایدوب قوللرم بازه
حسن دید کاری ملعون امر همایونه انقیاد ایتیموب بوسنه مبارکده واقع اولان غزایه مانع
اولوب کفار یاردم ایتیمکه عصماتی اظهار ایلدی و برالای استقیایی باشته جمع ایدوب اناطولی
همالکینی یقما و غارت ایله فساد و یردی اوزرینه سفر م وارد کیمکر ما مول همایوندر یکیدر میسیر
دیو بیور دقلر نه براغوردن الله تعالی عمر و دولتکری زیاده ایسون لغو رهمایونکده جان و باشم
قد ادر کیدر زوعهد ییز اوزن طور رزنا حقارندن کلمد کجه قایم لری بلایمزدن چه بقار مرز کن
پادشاهمزدن رجا ییز کده و هم و خوف لری دن ناشی اول جمعیه داخل اولان بکچری و سپاه
قوللر ییکتر ک جرمی عفو بیور یله اوزرینه وارلد قل طرف اطاعته کملری مظهر عفو بیور یله
اند نصیر که تعهد ایدوب اول جمعیه قائل لری دن دکلر در جملة سنک جزای و بر ایسون
دید یلر پادشاه عالمینه حضرت تاری رجا لری قبول ایدوب حظ ایلد یلر کن تمکین عزیمت
استجماع قلوب مصاحنی ایچون اشاعت مضمون فتوی قصید یله صدر اعظم طرفندن تعالیم
مابقه بناء ز غریجی باشی سلیمان اغا و بعض اوجاق اختیار لری سوزده کلوب انلرده بزم کبی
مسلمان بزم کبی موحد یکنور لر و اور دولر نه اذان اوقنوب و اوقات خیمه ادا اولنور حین
مقا تله ده بزدن اولنلرک ولولدر نلرک عالی نجه اولور دید کلر نه شیخ الاسلام بولوی
معصطفی افندی ابازره حقنه و یردیکی فتوی میدان دیوانه علی رؤس الاستهاد اوزلر نه
ایله اوقنوب قلعه سی سمع و طاعة دیوب ابازره حسن و یانه مجتمع اولان استقیانک
حقارندن کلمد کجه عسکر اسلام سلا حارندن متجر دو موکب همایوندن متفرق

اولماق اوزن عهد و ميثا قلمی تحری و حجت اولندقد نصکره جمله سی طاعا لدیله یی
 اتندی ابازه حسن خصو صنه و دیکی فتوی خروج علی السلطان وسی بالفساد
 مسئله سینه مبنی ایدی اولقوله نطه و مفسد لک اباحه دمی ایچون صدر اعظم یینه
 ویریلن فتوادرقناوای بزازینه ده کتاب سیرده اقوال فقها دن ان قتل الایعونه و الاسعاة
 و الظلمه فی ایام الفتره مباح لانهم یسعون فی الارض بالفساد و یتاب قاتلهم لان من
 شروط الاسلام الشفقة علی خلق الله و الفرح بفرحهم و الحزن بحزنهم و هم علی عکسه
 قولنی درج ایتشیدی سعادتو والدی حضرت نوری ماء محرمک بکرمی برچی نسبت کونی
 ادرنه دن عرب لاله حرکت ایدوب یوللرده امور محافظه لری کتخد القلری خدمتینه
 اولان رکاب همایون قائم مقام لغندن منفصل وزیر علی پاشایه فرمان اولمشیدی بکرمی
 ایکنجی بازار کوننده شوکتلو پادشاهم حضرت نوری اوردوی همایون ایله صولاق چشمه سندن
 حرکت واستانبوله دوغری عزیمت بیوردیلر ایالت حلب بوندن اقدم فرمان
 پادشاهی ایله سوخته محو دپاشایه توجیه اولغوب ابازه حسن پاشانک دامادی جماعی
 اوغلانی بیک قدر لوند ایله منسل ایقوی مشیدی محو دپاشانک منسلی وارد قده اهالی
 حلب ولایتی تسامی وضبط ایتدرمدیلر جماعی اوغلی کیمه ایله حلبدن چیقوب کتمشیدی
 حلب فرماتی مزبور محو دپاشایه کتورن بوستانجی بوستانلرده اوردوی همایونه کلوب
 محو دپاشا طرفندن رکاب همایونه کتور دیکی مکتوبی دارالسعادة اغا سی محمد اغایه
 تسامی ایدوب زنجیه تحصیل و قوف ایتدیکی خلطیان لسانادخی بیان ایتدکد نصکره وزیر
 اعظمه اولان مکتوبی کندوسی کو توروب تسامی ایدی وزیر اعظم بوستانجی بی بمقدار
 سویلندی سلطانم اناطولی الدن کتدی مرتضی پاشا و محو دپاشا و غیری پاشا لرحسن
 پاشایه غریم اوله مزبوروز بازو ایله دفع اوله حق ایش دکلر بوکا برو طرفدن بر غیری تدارک
 کورللو دردیوب یاغری بی بصدی صدراعظمه بولشمن دن اول دارالسعادة اغا سته
 بولشوب مکتوبی وریکی تهمت هضم اولنر ایکن سویلدوکی سوزک نیجه سی وزیر اعظم
 مقام صدارتدن کتدی بکله ایش بتر مآلنه مؤدی اولدوغنی ادراک ایدم میوب بیجان احق
 کندولسانی بلا سیله ورطه هلاکده و شدی وزیر اعظم تنهاده بر خوش سویلدوب
 خلاصه تقریر و سر ضمیرینه مطلع اولدوغنی کبی چاوش باشی به اشارت ایتدی
 بوستانجی بی کو توروب اوتا غلک ارد قیو سنده بو غدیله و فساد اختلاله سبب اطوار
 واقعاالی ظهور ایتکله اعدای لازم کلمکین جزاسی ویرلدی دیورکاب همایونه تالخیص
 ایدی ادرنه دن حرکت همایونک اون برچی کونیکه ماه صفرک اوچجی چهارشنبه کونی
 ایدی اوردوی همایون داو دپاشا منزلنه واصل اولدی اخراج موجب در محرای
 کاغذخانه و نقل پادشاه عالیناه باسکدار لصاحه پادشاه عالیناه حضرت نوری
 استانبوله کیر میوب ایکی کوندن صکره اوتاغ همایون کاغذخانه صحر اسنه نقل
 اولندی تمام برف و باران ایامی و شدت شتاهنکامی ایدی قاسم علوفه سی دخی
 لند و حاجی کاغذخانه ده اخراج و توزیع اولندی بولکلر دورنه صدر اعظم زیاده

صحر اسنه ایدوب صبا حدین تا غشامه دیک و کیمه مشوله لاله تا نصف اللیله دیک
 توزیع علوفه ده عجله اولنوب جمله بولکلریش کوندن دور و تکمیل اولنوب دقتلر
 قیلدی صدر اعظم خدمتینه موجود اولان الی بولکلر خلقندن واریاب
 دیوان منسوب اتندن حاضر بولغانلر و اول برقاچکون ایچنده ایریشنلر علوفه لرین اوب
 ماعداهر نه مقدار ناموجود وار ایسه اسامیلری عموم اوزن چالندی بعد
 توزیع المو احب ماه صفرک اون التخی کونی حضرت پادشاه اسلام با تمام عسکر ایله
 اسکدار صحر اسنه نزول بیوردیلر شام منصبی قدری پاشایه و سیواس قیله لویه
 وقرمان جتال باش پاشایه توجیه اولنوب مکمل قبولریله اسکدارن پکوردی بقیه
 احوال استقیا سفر ظفر رهبر ده ساحد ارغالی خدمتینه اولان قوناچی علی اغایه اناطولی
 ایالتی وزیر حسن پاشایه انقره سنجانی توجیه اولنوب مقدماتی ارسال اولمشلر ایدی
 بوللر استقیاطر فندن مضبوط اولوب حرکت ممکن اولدی یغندن اسکدارده سردار
 اولان یوسف پاشا یاتمه قرار ایدوب برر متسلم کوندرمشلر ایدی اناطولی والیسینک
 متسلمی بر طریقله شهره کیر و ب شقی مزبور طرفندن والی اولان جان میرزا
 پاشانک منسلنی اهالی ولایت اتقاقیله اوجیوزدن متجاوز صاروجه و سکبا نریله قتل
 ایدوب شهری ضبط ایتشیدی بووقعه دن ابازه حسن خبردار اولد قده جان میرزا پاشای
 دروت بیک مقداری استقیایله کو تاهیه اوزرینه تعیین ایدوب اهالی شهر دخی محکم
 تدار کلرین کوروب حوالی سینه خند قار خفر ایدوب التمش کون مقداری طرفیندن
 جنگ وجدال و حرب و قتال منقطع اولیوب هر چند امداد ایچون آدم کوندر دکلر نه
 مقهور و مغلوب اولوب شهره دخوله قادر اولمشلر دی استقیما خنده منک نصفی مقداری
 مقتول اولش ایکنینه قطع امید ایتیمیوب غلبه طمع و انتقام ایله خارج شهر ده آرام
 ایتشیدی اول ائشاده استیصال لرینه سر دار تعیین اولنان مرتضی پاشا عسکر فراوان
 ایله سیواس سمترینه بقین کلدیکی خبری شایع اولد قده منمع فتن ابازه حسن ر و سه
 اوزرندن قالقوب اینه کول صحر اسنه قونش ایدی اندن حرکت واسکی شهر اوزرینه عزیمت
 ایدوب اطراف و جوانبه بریشان اولان استقیانک اجتماع چون خبر لر کوند رمشیدی
 بوسمبله جان میرزا دخی کو تاهیه دن قالقوب شقی مزبورک یانه کتمکله کو تاهیه خلقی و فقرای
 مملکت شترلر دن قورنلشلر ایدی و انقره سنجانی توجیه اولنان حسن پاشا دخی بر طریقله
 شهره دخول ایدوب متسلمی سکیمسان مقداری صاروجه سکبا نیله قتل ایدوب
 محافظه شهره مشغول اولمشیدی سوخته محو دپاشانک متسلمی دخی حلبه واروب
 صورت فتوای شریف و نفیر عسام امری وصول بولغین حلب خلقی فتوای شریفه
 اطاعت ایدوب ابازه حسنک دامادی و متسلمی جماعی اوغلانی بیک قدر لوندی ایله
 شهر دن طشیره طرف ایتدیله مالک اناطولیله اولان قلاع و بقاع با نکیه قیانب استقیایله
 جمعیت اولان امر او حکامک متسلمین بر طریقله کتی قتل و کتی اخراج ایتدیله تحت
 حکومتلر نه التجا و حصن ایدو چک بر قلعه متین و اسه وار اولدی یغندن بولند قلمی موضعه

از امانه قرار و بر دیوار وزیر اعظم ملک عودیتی استماعی ایله خود طرف سلطنتدن بالکلیه قطع مید
 و سر بی دولتین میدان فناده غلطان ایتدی که بری برندن جدا او لاملری ایچون عهود
 سابقانی تجدید ایدوب اسکی شهر صخر اسنده جنگ جداله حاضر و قدوم سردار عالی شان
 منتظر اولمشلریدی اناطولی و الیسی اولان قوناچی علی پاشا ایسه سردار مر تضى
 پاشا یه کالجیه از بنیق سمتمزین محافظه ایچون بعض امر ایله مقدمه ارسال اولمشیدی
 طرف دشمنه اصلا وجود ویر میوب شهرک اطرافنده اولان مسیره لده سیروسنگان مشغول
 ایدی هر چند مکر اعدادن غفلت اولنمیوب اهمال و مساهله دن احتراز لازمه در دیونصح
 و پند اولند قچه اولمقوله جمع و پریشان اهل طغیان و وجود ویرمک باعث کسر ناموس
 دلاوریدر دیو کال غفلت و غرور و رند اظهار مهابت غضنفری اوزن اینکن مکر اول کهنه
 کورک حیلله باز بازاره حسن دید کلری غدا رفته ساز علی پاشایی دام انتقامه گرفتار ایتک
 ایچون تفنگ انداز و خنجر گذار دورت ییک مقداری لشکر خونخوار انتخاب و ارسال
 ایتشیدی بریوم جمعه ده خلق ادای صلوت و مشغول اینکن غافل یتان عسکرک اوزرینه
 بالای کوسار دن سیل بلا کبی نزول ایدنجه بر فردک حرکت اقداری اولیوب انجق فران
 امکان بولانر تخلیص جان ایدوب ماعداسی جمله طعمه شمشیر بران و اوردولری یغما و تالان
 اولدی پاشای رستم نشان ایسه مجروح و پر خشیت توابع لواحقن تسلیمه ایچون دیت
 گرکتدی ایسه اسب و شتر باری هله باری به شکر لکه سبکیار اولدق دیه رک افغان
 و حیران بروسه طرفه کرزان اولدی بواشاده مرتضى پاشانک محیه قونییه یه قریب
 اولدوغی خبری محقق اولوب بروسه طرفندن دخی ریات فتح و اقبال ساحه اسکدان
 سایه انداز اجلال اولوب علوفه چقدوغی استقدارند بازاره حسن پاشا یانده اولان
 رفقا سیله بویه تدبیر ایتدیلر که یانده مجتمع اولان بش ییکدن زیاده سپاه علوفه لرینی المق
 نهانه سیله تدریجیه اوردوی همایونه کلوب داخل اولدقدن صکره سائر یولد اشترینی
 دخی خفیة کندویه اوبد یروب عهد و بیانی محکم و مطلب اعلا لری اولان خصوص
 ایچون بنای میثاقی مستحکم ایدوب محل فرصتیه علی الغفله جمعیتله وزیر اعظمک کارین
 تمام ایتکله مقضی المرام اولمق ایچون یکیدن جمله سی عهد و بیان ایدوب علوفه لرینی المق
 ایچون بلوک بلوک آستانه دولت آشیان طرفه کلکه باشلدیلر صدر اعظم ایسه سپاه
 اوجاغی کار داندلرندن پیری چاوش و قوجه خلیفه دید کلری کاتب دائمانهانی احسان
 الوب جاسوسلری اوجا قانرند اولان اسرار و اخباری تغییر و قطمیر نه ایسه کر لوجه فاده
 ایدر لردی شویله که بونلرک صدر اعظمه انذسانی و محرمیتن بر فرد بلیوب مایند بر مهتر
 واسطه سیله جمله احوالی انلردن استعلام ایدر لردی مزبور لر زمره سپاهک حسن پاشا
 ایله بکونه مواعده سنی خبر الوب عادنلری اوزن وزیر اعظمی اکاه ایتد کلری کی بلوک کاتلرین
 دفتر لری ایله حضورینه کتورتدی و مقد ماخذ مت غزایه مأمور اینکن ادا سنده مساهله
 و اعمال ایدوب بازاره حسن جمعیتنه بولمغله پادشاه اسلامه عصیان ایدن سپاهیلردن
 یدی ییک نفرک اسامیلرینی دفتر عهودیتدن حک و اخر اچ ایلدی و مقصد توجیه

مرتضى اولنوب مرتضى پاشا طرفه مأمور اولان پاشا لره مود و کد او امر شریفه کوندر یلوب
 قصص و بیانت و فکر فاستدلی بازاره حسن پاشا جمعندن اوردوی همایون طرفه کل سپاهک
 بوطرفه عزیمتیه مانع اوله سرانامه مفسد و جلالی زمره سندن اولملری ایله دفتر پادشاهیدن
 اسملری نحو اولشد رقتل ایدوب جزالری ویره سردیه مود کد ننبیه اولنغین بوللر محکم
 ضبط اولنوب علی الغفله کچن سپاهیلری علوفه نهانه سیله طعمه شمشیر خونخوار
 ایدوب ماعداسی خبر الوب کیرویه قرار ایدنجه دیک برتا چکون ایچنده ییکدن تجاوز
 سپاه قتل اولندی بر مقداری دخی مقد حجه کلکه اسکدان واسنا نیوله داخل اولمش
 بولندیلر اخذ لری ایچون آدم لر عین اولنوب اله کیرنلرک اوتاغ همایون اوکنده دملرین
 ریزان و کله لرین غلطان ایدرک اوجیوز مقداری سپاهی دخی مظہر قهر جناب پاشاهی
 و طعمه مأمور و ماهی اولدیلر و بش ییک نفر بکیری چکدیر یلره وضع اولنوب قول کتخداسی
 ایلله از نکمید محافظه سنده ارسال اولندی محمد خلیفه تاریخمده دیک بازاره حسن اوزرینه
 بالذات حرکت همایون مقرر اولدوغنه بناء سعادت یو پادشاهمن اسکدان نقل بیوز مشایخ
 ایدی لکن صدر اعظم و خیر خواهان دولت عزیمت شوی یاری پی مناسب کور میوب صدر
 اعظم کندی کتمک اوزر دخی سابقی تحویل ایشلر ایدی صکره بوسپاه قضیه سنی حدوت
 ایدوب حسن پاشا جمعند بولنق نامیلیدی ییک کسینه نک اسامیلری چلنوب کانلرک
 هخی بولله واستان بولله ییک قدری قتل اولنغین عسکرک قلمینه دهشت و پرودت دوشوب
 لسانلردن بعض نامعقول سوز ایشیدیلر اولدی مثلاً سفر خدمتی ادا ایتدک بزبوسنه
 مکرار بوقیش ایچنده سفر زحمتی نه بلادر کتمزدیر لیدی و اکثری بزچون دین قریب اشلرینه
 و اوجاقد اشلرینه قایچ چکوب جنگ ایدر زانکی آدم بری برینه دوشمش انلر ایچون عباد اللهک
 قانی دوکلک روامیدر وزیر اعظم اوجا غزه دشمنک ایدر یور بالا بوقدر ییک آدمک اسامه سن
 چالیدی و بوقدرین ینه قتل ایتدردی بلکه کندی کمز صورند و زیری طو توب حسن پاشایه
 و پرور زم صاحب حاصل اولور دیر لیدی اوردوا ایچنده بکونه از حیث چو غالدوغنه بناء و زور
 اعظم دخی کتمک عزیمتی فسخ ایلدی لکن صورت ظاهرده سفر تدارکنه همت و عزیمت
 هر کئی وضعی اظهار ایدردی لکن اول امری مرتضى پاشانک عهد اهتمانه تکمیل ایتمکن
 کندوسی کتمه ملک دروتمه قرارداد ایدی انهمزام سردار مرتضى پاشا در جنگ جلالی بازاره
 حسن پاشا سردار مشارالیه انقره یه داخل اولدیغی ائشاده امر پادشاهی ایله خدمت مزبور
 تعیین اولنان پاشا لردن حلب توجیه اولنان مجود پاشا و قارصدن معزول قوجه دلاور پاشا
 معسکر سردار داخل اولمشلر ایدی و بازاره حسن پاشانک دامادی حلیله متسلمی اولان
 جماعی اوغلی دخی ییک قدر لوند ایلله حلبدن طرد اولند قده کویا پادشاه طرفه اطاعت
 صورتی کوسرتوب مرتضى پاشایه واروب انقیاد و متابعت اظهار ایتشیدی مجود پاشا و دلاور
 پاشا و جماعی اوغلی مکر نهانی اتفاق ایدوب حبلیه تلرند مرکز اولان علت و فساد مقصدا سنجیه
 حسن پاشا ایلله خبر لشوب حین معرکه ده اتباع و اعوانیله اوجانیه اتباع ایتک اوزن قرار
 وزیر مشار ایدی بازاره حسن طرفه یاز دقلری مکتوبیکه بو خیانت اوزن اتفاق و اتحاد لرینی

مشعر ایدی جاسوس سوسه عیله سردار مرتضی پاشا کله که یوب خیانتونه مطالبه وندی
 ساعت دعوت ایدوب محود پاشایی و دلاور پاشایی و حاجی اوغلی قتل ایدوب مکتوب
 خیانت اسلوبه کله لرین دردولته کوندروب دشمن طرفه هوار دولت علیه طرفه
 بدخواهلقارین اعلام و جزای ترتیب اولندی دیو عرض ایتمکن خدمتی مقبول همایون
 اولدی سردار اکرم مزبورلی قتل ایتدکد نصیرکد اسکی شهر اوزرینه توجه ایتشدی
 برایکی قوناق قریب کلد کده شقی مزبور اول موضع دن حرکت وقونیه اوزرینه عزیت ایتکله
 سردار دخی پی در پی روان اولوب ایغا رایلله عسکری تضییق ممکن اولدوغندن انراق القیدی
 منزله بونلر نزول ایدرهک ایلغین نام محله وصول بولمقلرند شقی مزبورک مقاتله دن اظهار
 عدم قدرت و صورت فرارده حرکت ایتمه سی جانب خصمی اغفال و محل فرصتد آتش
 قتالی اشغال ایچون اولغله منزل مزبور نزول ایتدکد نصیرک صباحه قریب خیمه و خرگاه
 و بارونیکاهلرین خالی براغوب پیاده و سوار باجمله سمبکبار اوردولرینه قریب مواضعک
 کینیکاهلرینه دور در بشریک تفنگ لند از وضع ایدوب کندوسی باقی عسکرایله مخفی
 یزده قدم لشکره منتظر اولمشلر ایدی سردار مرتضی پاشا بومنه وال اوزن پی در پی حرکتله
 ادای خدمت امر محال وانلر قالدیغی یزه بونلر قوناق وقت کچورمکله حصول مصیحت
 مستطاب الاحتمال در دیو منزل مزبورده اعیان عسکرایله مشورت ایدوب ایرتسی کرو عخصم
 هنوز موضع علندن حرکت ایتزدن اول بونلر سرعتله ایرشمک تدبیرین ایتدیلر خواب
 و اسایشی حرام ایدوب اول شب دن اوج ساعت مرورنده متوکلا علی الله عزم راه اولمشلر
 ایدی ماه ربیع الاولک اون بشخی کیمه سی ایدی که طی مراحل ایدرهک آثار صبح ظاهر
 اولدوغی اشاده محل معرکه ک اطرافند واقع پشته لردن صحرا یه نزول ایدرجک محله
 مقدما حرب و پیکار ایچون در کین اولان خصم بد آیین اطراف و جوانبدن هجوم ایدوب
 پی خواب و پریشان کلن عسکر فر اوندن بر کره اوزرینه حواله اولدیلر طرف بر طرف
 یازار معرکه کرم اولدقه هر فرقه انجق اوزرینه کلن کینه جیرل ایلله ترک جان ایدنجه دلاورک
 رسمی اجرا و برایکی ساعت مقداری تحریک دست و پالندیلر لکن بریشک نایق
 حسبیله بری برینه امداد و معاونت ممکن اولدوغندن کتد کچک ضعیف و بی طاقت
 اولوب در عقب ایرشملر دخی بیم جانیه مقاومت جرات ایدوب میوب قراری فرار تبدیل
 ایتدکارنده جنگ ایدلردخی بالکیمه پریشان و امید خلاص ایلله اطراف و جوانبه کمر زان
 اولدیلر جمله اغراقاری یغما و غارت اولنوب اول معرکه ده طرفیندن سکر بیکندن مجاوز
 کسمه تلف اولدی مرتضی پاشا ایچ اغار یله قره حصاره کلوب اطرافه پریشان اولان
 امر او عسکر مشارالیهک بانه جم اولوب طرف خصمه چشم و کوش اولق اوزن انده
 قرار ایتشلر ایدی بووقعه دن مقدمه سردار مرتضی پاشا نک بطوه اوزن حرکتی
 واستقیا اوزرینه هجومدن ناخیر و تراضیسی صدر اعظمی شبهه یه دوستوروب
 شاید اولدخی ارباب خلافتله نهانی اتفاق ایتک احتمالنه ذاهب اولدقلردن
 هر عسکرک قیودان وزیر علی پاشایه معمم اولمشیدی مقاتله و انهرام خبری سمع همایونه

وکیل اولد قله مرتضی پاشا نک خاتم و صد اقی نبوت بولغین بعد سردار اراق
 کله ویه ابقا اولنوب هنگام شدت شتا قریب اولغین مجددا عسکر تدارکی اولمهان
 تاخیر اولندی و بای حال استقیانک حقندن کله که مجدوسی اوله سن و اول بهاره دک
 لزومی مرتبه عسکر کوندریاوردیو سردار مومکد اوامر همایون ارسال یوریاوب
 اسکندارده اولان قیو قولنه اذن ویرلدی صدر اعظمه استانبوله یکمک فرمان اولنوب
 سعادتالو پادشاه من حضر نلری اسکندارده اولان حد یقه همایونیه طرح اقامت
 پیوردیلر خبربارد و رودن خیر خواهان دولت متالم اولوب بد خواهلر و مترقب
 مشروف سعاد اولنلر مسرور اولدیلر بوند نصیرکده سعادتالو پادشاه من اسکندرا با نجه ستم
 مکث پیوردقلرین صدر اعظم مناسب کور میوب استانبوله نقل بایند تمهید مقدمات
 معقوله ایتکله اربعین ایچنده سرای عامره یه نقل یورلدی نقل ایدر لکه مرتضی پاشا
 خدمت من اولان ایچ اغا لر دن لازیموسف و باوک با شیلردن کورد مجد نام ایکی شقی
 بد اصل ابازه حسن پاشا نک جاسوسی ایشلر نهانی بونلره بشربوزالتون کوندروب
 اشیز اتمامه ایرشور سه بشربوزدخی ویره یم و مراد لر نجه کندولری جرائع ایدیم
 دیو قلدلرین تحویل ایش اول لازم سا ز طائن امور سرداردن هر نه خصوصه مطلع
 اولور سه اغزدن اول باوکباشی یه خبر ویر اولدخی ابازه طرفه خبر کوند رایش
 حتی سردار کیمه ایله قاقوب علی الصباح خلقی غافلانه باصق تدبیرینی برکون مقدم
 مشورت ایدکده اول اوغلان باوکباشی و ساططیه جانب خصمی اکاه ایدوب سردارک
 قوردیغی تدبیر و حیلله بی خصم طرفی مقدمه تدارک ایتکله غالب اولمشدر حق سبحانه
 و تعالی خائن تواج شربدن اکابر دولتی حفظ ایلیه عقلایه علی الخصوص وزرایه لا زمدرک
 هر معصاحتله با خصوص بولله معظمت امورده اطراف وجوانبدن اولان مقرب
 خدا مندن غایت مرتبه حذر ایلیه زیر احکامادیشلردر که محرم و مقرب اولان قرینلردن
 دشمنلردن زیاده حذر لازمدر زیر دشمن بیگانه انسالتک دقایق احوالی بیلمز اما قریب
 و همد اولنلر هر احواله مطلع اولغله اضران قادر اولور لخصوصا مال طمعیه ولی النعمه
 خیانت ایتک ابنای زمانک عاد تیدر مقتضای کتم سرو حسین تدبیرده شوبله
 حکیمانه حرکت کرکدر که معتمد علیه اولنلردن غیریسی واقف اسرار اولینه لرو کیفیت
 تدبیرک اصلنی و ماهیتنی طیمور میوب تواجی تغلیط ایدرجک صنعتلر استماع ایتک بولله
 اموره مهمات تدبیر ذکر استقیصال استقیما مقدمانا طولی و سیواس و قرمان بیگربکیسی
 و سائر لرینه شام والیسی اولان قدری پاشا باش و بونع تعیین اولنوب سردار مرتضی
 پاشا طرفه کوندلر شیددی قره حصاره سردار مشارالیه ملاقی اولوب و حلب
 ایالتی توجیه اولنلر توتساق علی پاشا دخی کلشیدی تجسس احوال استقیما ایچون بر قاج
 ایام مکث اولدقده نصیرکده عینتاب جانینه روانه اولدقلری محقق اولغله سردار مرتضی پاشا
 دخی مجتج اولان امر او عسکرایله حلبه طوغری عزیت ایتدیلر شقی مزبور عینتابه
 نزول ایتدکد نصیرکده اطراف اولان قصبات و قرانی عسکرینه قشلاق تعیین ایدوب

کند و سنی بعض استبه قفاداراری و اتباع خاصه عیبه استبه قرارا تمشیدی مرتضی و سنی
 ما موراولان بیکر بیکر ایله حلبه ساکن اولوب کوردستان و عربستان و ترکان اسکرینه
 امرلواستمال نامه زکوندوب شقی مزبورک اوزینه حواله اولمشلرایدی استقیاتک
 اطراف وجوانی محصور اولوب بر فرد حرکته قادر اولماغله مضطر خصوصاً ذخیره دن
 دخی کال مرتبه تضمینق اولنهله احوالری دیگر کون اولد و غیچون عربستان
 سمتنه کتمکه قرار و یروب بیره جک سنجای بیکی دخی مذکورلک کله جکارندن آگاه
 اولد قلمه شیرهله هجوم ایدوب ییک نفر استقیادن ازدیاد کسه خلاص اولوب اکثری
 طمه شمشیر اولدیله بر محله وزیر فضل پاشا حکایه سی بولنوب یازلنلورد و جهمیده اولوق
 کرکدر غفلت اولنیه اطراف ممالکه تغییر عام اوامری پراکنده اولغین شقی مزبورک
 آدمایندن و ذخیره جیلرندن دعا باطفر بولد قلمی قتل ایدوب شدت شتا سببیه
 بوللر منقطع و قحط و غلامشند اولغین کتد کچه احوالری مختل و مشوش اولغله نه بر
 طرفه غریبه قدر نلری ونه قران طاقترای اولوب و امان عفو یا دشاهی به تشبثدن
 غیری درد بی در مانلرینه علاج بوله میوب سردار مرتضی پاشا طرفدن
 استدعای عنایته قرار ویدیلر اوای ایدر سردار مرتضی پاشا و حلب والیسی قونا قچی علی
 پاشا بر حسن تدبیر ایدیلر که کار کزار بلوک باشیلرندن سوزیلور ابکی اوج آدم تبدیل
 آجامه امان الله مکتوبی ایله لوند اراسنه واروب سز بوجلا لیمک یانده بوضورت
 ایله نیجه بر بکر سز آل عثمان پادشاهینه مخالفت و غلبه ممکنیدر سلفیه ظهور
 و عصیان ایدن جلا لیمک قنغیسی سلامته ایرشدی علی الغفله مرتضی پاشایه غلبه
 اتمکه مغرور اولمک اول بهارده عموم اوزن عسکر اسلام و جمله ممالک محروسه ده اولان
 وزرا و امرا ایالتلری عسکر یله اوزر یکره کلوب وجوانب تغییر عام امر لیه مسدود اولحق
 چال نیه وان جفی معلوم عربستانه کیدر سه کز چولده عربان طائفه سنه طعمه شکار
 اولور سز عجمه کیدر سکر سلفیه عجمه کیدر خاٹ و خاسر ایران ویرانه زنده هلاک
 اولد قلمی مشهور در ییلور سز بر طرفه سزک ایچون سلامت متصور دکلدر همان سکیان
 و صاریجه اوجاغنه ضرر یکر طوقنور انلری جمله تغییر عام ایله قتل ایدرلر همان مقصود بودر که
 بر توسط ایلم جرمیکر عفو اولماسنه امان کاغدی و سردار دن سز کفایت مرتبه
 خرج تذکره سی الیوره یم بر بهانه ایله مفارقت ایدوب حلبه کلوب سردارک قیوسنه
 انساب ایلاک بلا و محنت باش و بیخ ولاته اصابت ایدر سز پادشاهک طوغریسی اولور سز
 بر فردیکرک بورنی قتل از دیوب نامدار بلو کباشیلری اینلدر دیلر و خفیه سردار طرفندن
 عهد و عینی مشتمل امان کاغدی کتوردوب اللریه تسام ایدیلر و لوندی سردار جاننه میل
 ایدر ملک ایچون باش بلوک باشی به پاشا لوق وعد اولندی چون ابازه حسنک اضمه حلالنه
 ارادت علیه تعلق اتمش اسباب متنوعه ظهور ایددی مثلاً عسکر نه زیاده قحط اولغین
 برنج و قیون آنی بولمک مغله صغریو کی آنی و بولغور اولدی اقل قلیل تعیین وریاوردش

ابازه حسن تبدیل قیافه بر بار کیره بتوب اکثر زمان اورد و سنی دور ایدوب و انباهی
 قشلاک رتبه کزوب خبر محسوس ایدر شش بر کون عادی اوزن لوند کرومی بیننده کز رکن
 تعیینات کتورن آدمینه باغور و صغیر کتوردیکئی لوندی کوردکده بره فلانی فلان ایتدیکم دیو
 الفاظ قبیحه و ستوم غلیظه ایله پاشایه جرب چالوب زرا و غورنه جان و باش و پرز اول بزی
 و انلا ریزی اچلقدن قردی کوردی دیوطعن و تشنیع ایلد کربنی ابازه حسن کند و قولایه
 ایشیدوب قوناغ کلدی و باش باو کباشی سنی چاغروب بهی آدم بن سزک ایچون
 پادشاهه عصیان ایلد بوقدر زماندن بروقت ایدر غمز و عباد اللهک اوئی یا قوب یقوب
 اخره تمی بر باد ایدوب پیدا ایلد بکم مالی سز و یردم بو آنه ذک قر اوب ذوق و صفایه
 یکنوب شدی برقا چکون قحط و غلام ضرورت اقتضاسی حسیله ویریان تعیین
 یکنیوب اشکار بکاشتم ایدرلر و انصافیدر بویکیتمکه دوشمری و صد اقلک لایق بومیدر
 دیو وافر اغلدی و آه حسرت چکوب بویله دیر لکدن اولمک یکدر بر آ لای طوزاتمک حقی
 فیملر لی طیمور مق ایچون ارتکاب مظالم ایله دنیلوا اخرتده بد نام اولد و غمزک جزاسی بودر
 امر اللهک بعد الیوم قتلی اختیار ایتدم دیو تأسف و ندامت اظهار ایددی باش بلوک
 باشی و شیطان و غدار حریف ایدی ابازه نک ضعفی و علالت ادبارینی فهم ایدوب
 سلطانم لوند طائفه سید رارالرنده اوصیلر و رایسه کندینی بلز دلیلر ده واردر
 بعض جا هلاک سوزندن الم چکوب اوغور یکره باش و جان ویرر شهباز له خاطر مانده
 اوله دنیا نک حالی بودر دیو هله خاطرین خوش ایلدی بعد بولک صوکی نیه
 وار جقد رنه اشلیهلم دیو مشالون یه کیز دیلر بلو ک باشی فرصت بولوب سلطانم
 بزم الیزده بر متین قلعه اولد نیجه بزم ایشی باشه چه قار امر زو حاصره ایله قلعه المغه اقتدار
 یوق بهر حال حیلله یه محتاج اول بهار کلوب اوزر یکره دریا کی عسکر یور و مزدن مقدم
 بر تدارک ایدم لم دیدی بوسوز پاشاک عقلی اوغور لیوب یا نیجه ایدم فکر یکره کلن نه
 ایدسه سوبله کون لم دیدی بلو کباشی حیلله مقدم ماتن بسط ایدوب جمله لوند سز دن
 یوز چو یر میه جکمه بن کفیل و بیتمزده کتاب و قیاح و توراتک اوزرینه عین و عهد یز واردر
 ییلور سز نیم خاطر یه کلن بودر که استبه لوند ایله معمور میو اقلر یز سز دن ایلوق صورتده
 سردار قیوسنه کزیدن لم واروب حلبه کیز سوزلر بعد سز دخی رای و امان طلب ایدوب سز ی
 پادشاهدن ز جاو جر مکرری عفو ایدر ملک قوی اوزن عهد و عیندن صکره یا نکرده اولان
 پاشا خواص خدامک ایله حلبه کیز سوزلر بقیه فلان لوند ایله جمله مزدخی حلب القمه واروب
 نزول ایدر ز آستانه طرفنه عرض کوندروب جواب کلنجه خیمیل زمان کچر بر کچمه علی الغفله
 خروج و حلبی ضبط و سردار و غیری مخالفلری قتل ایدر ز حلب کئی عظیم و بر متین قلعه الیزده
 اولد قلمه غیری هر ایش مراد اوزن شمش ممکندر دیدی چونکه حسن پاشا ابازه ایلی مبلغ
 عقل و رشیدی معلوم بوجیلله یه وجود و یروب ایلندی سردار مرتضی پاشا طرفندن دخی
 ذکر ایتدیکم اوزن لوند عهد و امان و تعیین وعد سببیه مکتوبلر کلمشیدی قرق الی
 بیراق قدر لوندی کوچوب حلبه وار دیلر باو کباشیلرینه عبادلر کیدر یروب تعیینات تذکره لری

ویرلدی بولونلر سببیلله وافر جنگ آورادیمسی ایریلوب مرتضی پاشایه یاشدی حسن
 پاشا منفعل اولوب بلوک باشی به می آدم ایچی ووطشده اغار یزدن وافر آدم کتشی
 بونک اصل ندردید کله بلوکباشی اغفال ایدوب بهی سلطانم لوند ایلده سوز بر اولنجده انکرکزه
 وجودی وارد قوکنسولونلر لوند سردار قیوسنه اولان سلاحد استلری بزم طرفه دوندر کدن
 صکره ایش بتر وقت حاجتده اسکی ادملرک سکا مخالفت ایدیه جک دکدر طوعا و کرهازه اتباع
 ایدر لولطرفدن الم حکمه بن اصولی قی ایلدم دیردی بورای و تدبیر ده عینتاب مفتیسی
 وکلیس قاضیسی داخل ایدی دایما حسن پاشایه نصیح یوزندن فریب و پروب حله ده دوشمرک
 سعینه ایدیلریر قاجا کوند نصکره حله کیدن بلوکباشیلری لسانندن مهر لریله ختموم
 مکتوب دوزیوب استه بزم سردار قیوسنه اولان لوندی کندیزه اویدردق انکرده سردار
 حکمندن بیر آرایش لول ایلده فرصتی اللهدن استر لرایش همان پاشادن اطمینان حاصل
 اوله جق عهد و عین ایلده کلسون ایش اسان اولدی دیو محضر شکرکنده باش بلوکباشی به
 کوندردی اولدخی سرور اظهار ایدیه رک حسن پاشایه کوستوب قوت قلبه
 سبب اولدی بوار القه عینتاب مفتیسی ده حسن پاشایه کلوب سلطانم پادشا هارک
 کرم و عاطفیلری بی نه یایه در سردار اگر مله بینکره واسطه اوله لم سزی درگاه یادشاهدن
 رجا و جر مکرزی عفو و بر منصب عالی ایلده تطیب ایدر مرک اوزن تعهد ایدوب سزه
 وثوق و اعتماد حاصل اوله جق عهد و عین ایلده ایتاندرسونلر بوقتغه سهولتله منافع
 اولوب کرک اعدای دولت و کرک سزک دشمنلر یکنز رغینه عداوتکر صد اقمه مبدل
 و شقاقکر و فاقه متحول اولسون اصلا خ ذات البین اخر تکزی تعمیر وصیانت
 و دنیا ده باعث عز و سعادت اولد و غنله شک یوقدر دیو وافر نیازو بسط مقدمات
 ایلدی ابازه حسن پاشا ز غنجه قوردی قی تدبیر نه نتیجه وجود و پروب بو توسطی فرصت
 اتحاد ایتدین امدی افندی سن بزم مایه بزمه کیر دیدی مفتی افندی قانقوب حله
 کلدی سردار اکر م ایلده برخوش سولیشوب بو خصوصیه تصور اولنان معنارک
 مبانسنه احسن وجه اوزن استحکام و یردی سردار مرتضی پاشا و قوناچی علی
 پاشا رای ایتدیلر که رای الله امان الله سزک و یانکر ده اولنلرک سرموینه ضرر کله ملک
 اوزن شو عین بو عین دیو مفصل مکتوبلریازوب مفتی ایلده حسن پاشایه کوندردیلر
 اما فی المثل قاضی عقبه کبی ابوالحیل اولان مفتی افندی و مزبور باش بلوکباشی
 حسن پاشانی برخو شجه ایتاندروب غفلتی زیاده ایتلک ایچون دیدیلرک سلطانم کرچه
 سردارک بوعهد و عینلری صادقدلرکن خاطریمز برخو شجه مطمئن اولماقله جمله شمه لر
 مرتفع اولسون ایچون سردار اکر م و یانکر اولان پاشا لک جمله مهر لریله عهد و عینی
 مشتمل بر تمسک و رکلام الله ایلده سزه عین ایتلک ایچون بر متعین پاشایی وکیل ایدوب
 کوندرسونلر بعد البین اول پاشا هن طریقله بوندلوندات و اتباعکرا اسندن حفظ
 اولنسون بعد سنر حله تشریف ایلک که وجهان الوجوه خاطر یکره وهم و شبهه کله جک
 معنی قانقوب احتمالات محدود بالکلیه مرتفع اولسون دیدیلر حسن پاشا بو تدبیر دن

سرور اولوب مفتی افندی به ضوف و یلواک باشی به عبا کید پروب بر خوردار
 ولای خیر خواهاق اولنجه بویه کر کدر دیوب تحسین وافر نلر ایلدی مفتی بو خبری ایصل
 ایتدین سردار مرتضی پاشا اسخنه والیسی ارسلان پاشایی طرفندن وکیل ایدوب برکلام
 الله و عهد و امان مکتوبلری و پروب حسن پاشایه کوندردی ارسلان پاشا کلوب حسن پاشا
 حضورنده کلام الله ال اوروب کندیکنک و اتباعک سرمولرینه ضرر و زیان کلیوب عفو
 اولنلری ایچون در دولتیه عرض ورجا ایتلک بانه مرتضی پاشا طرفندن وکندودخی احواله
 بومنه وال اوزن اولد و غنجه جزم و یقین تحصیل ایتدیکنه کرا او مرارا عین ایتد کدن صکره
 حسن پاشایه اعتماد کلی حاصل اولوب یانکر اولان و زراو بیکر بیکلر و مشاهیر اتباعیه
 حله ده متوجه اولوب ارسلان پاشایی رهن صورتنده باش بلوکباشی معرفتیه کویا
 لوند مسافرو یردی عینتابدن ایکنجی کوند حله و عیول بولدیلر حلب بیکر بیکسی قوناچی
 علی پاشا و سردار دن غیری نقدر پاشا لروارایسه و سردارک کتخداسی بر قاج ساعته
 منزل راه استقباله چیقوب هن ارتوقیر ایلده یکلک ایدوب مهتر خانه و آلا عظیم ایلده
 حله اولان سرای معهوده کتور دیلر سردار دخی خیل یر قوشو چیقوب اسنلشوب
 تعظیم و تکریم فراوان ایلده خاطرین تطیب ایلدی و سباط عظیم چکرک اطعام و اکرام
 ایلده اغرلدن صکره جمله امر اووز را مجلس سردار حاضر اولوب حسن پاشا احوالی
 مذاکره سته شروع اولندی سردار دیدیکه پاشا قریزانش بزمه و عین اوزن ثابت
 قدمز استر سکر رجانا مه لریازوب یا نکره معتدل علیه آدمکر قوشوب رکاب همایونه
 گوندن لم استر سکر سن حله ده اکنوب قوشو و صفاده اول بزد و لت علیه طرفنه
 شفاعت نامه لریازوب جر مکرزی عفو ایتدن لم و سزه و یانکرده اولان و زرایه و امرایه
 بر منصب کتورده لم هر قنغی وجهی مراد ایدرسه کرها همان کاغذ لریازلسون دیدی حلب
 والیسی قوناچی علی پاشا سوزده کلوب سلطانم سزک شفاعت نامه کرا و پروب عفو و احسان
 پادشاهی خبری کلوب وصول بولنج پاشا حاضر نلری جمله رفیقلری ایلده حله ده اکنک
 معقولردید ی حسن پاشانک دخی تدبیر صابته بناء سر ضیری حله ده مکث ایدی علی
 پاشانک رأینی تصویب ایدوب بوند اکنه مز معقولردید ی اول ساعت دیوان افندیسی
 دعوت اولنوب جمله نک مواجعه سده صدر اعظم و دارالسعاده اغا سینه و شیخ الاسلامه
 و سائر کار داران دولتیه مکتوبلر و جمله نک لسانندن جرملری عفو و بر منصبیه مسرور
 یورلقر جاسنه محضر یازوب جمله سی مهر لیوب چقال منزل باز کیری ایلده تاتارلنه
 و یریلوب اخشامه قریب کوندردی حسن پاشا و زرقاسی رکاب شهر یاری به کاغذ لکله
 مطیب خاطر اولوب شمه دن قوتلایلر ده حسن پاشایی خواص خدامیه مرتضی پاشا
 کند و سراینده مهمان ایقوب و سائر لری کند و اغارندن و ولایت اعیانندن برر مناسب
 قی قدرت دولتونک خانه سته مهمان تعیین ایتدر دیلر اووز و نکنان پاشایی و طیار
 اوغلو وزیر احمد پاشایی قوناقلرینه کوند میوب اطعام و اکرام ایچون اول کیجه سرایده
 ایقودی محو عی او توبر نفیر وزیر و بیکر بیک و اعیانندن کسنه لرایدیکه بی جنگ وجدال

انتقام دامه دوستد یلریت رخنه کرمک سرافکنده به دشمن بد عهد پراکنده به مضوی نوز
 چله سیف سیاستدن کوریاوب هلاک اولماری معقول کوریاوب اخشام وقتی چله توناق
 صاحبزاده نهانی خبر کوندریلوب قلعه دن طوب اتلیدی وقت هرکس قوناغنه اولان
 مسافرینی خدمتکارله قتل ایلسون بوسرافشا اولورسه ویا خودبری فرارایدسه صاحب
 خانه قتل اولور دیوتیمه اکید ایتدی یلر سردارا کر مک تنبیهی اوزن هرکس معتمد خدمتکارلرین
 طاعن و مهیا یلوب خبره متروپ اولدی یلر اولکیجه که ماء جمادی اولمیک بکرمی دورنجی کیجه سی
 ایدی اخشام نمازی قلنوب سردار مرتضی پاشا حسن پاشا و کنعان پاشا و طیار اوغلی
 احمد پاشا ایله مضی ماضی شکنده سرکدشت مصباحی و جان صبحی ایدوب بعد العشا
 تناول ایتک ایچون میوه و حلوالر اصبارلدی یئسونمازینه آبدست المغه کندوسی قولان
 چمره ییب کندی سرانی حمامنه طوغری کاهب پاشا قردا تلریمزه آبدست و یرک دیو
 ثنیمه ایدوب کند و ایچ اغاری چله تنبیهلی خنجرلرین آماده ایتیشلر ایدی پاشا له آبدست
 و یرمک نه سیه یکر می او تونقدر مانند اژدر دلاور لر اچر و کیروب ماعد اسی او طه
 قیوسنده و رای پرده ده طور دینر ایازه حسن بسم الله دیوب ایدسته چرمکه شروع
 ایتدی که بر قاج پهلوان ایلر و واروب شمیر ساعدی بهانه سیه قلعه یاشوب همان بوغازن
 دوشوروب خنجر او شوردیلر کنعان پاشا و طیار اوغلی نه نامزد اولان دلاور لر او شوب
 فی الحال اوچتی دخی بوغاز لوب کارلرین تمام ایتدی یلر پاشا نیک اول مزین او طه سی مزبور لک
 قابیله ساخانه مثالو خو نه مال اولدی اول ساعت قلعه دیزدارینه آدم اوچوروب
 خبر و یردی یلر حاضر ایتدی کی طوپه آتش و یردی طوب صداسنی ایشتم کاری کی هرکس
 خانه سنه اولان مهمانی قربان ایدوب رساعت ایچنده بلا زحمته بوقدر اژدر پرشرک
 حقندن کندی خادم قرداشی اوچ اوغلی ایله حلب والیسی قوناچی علی پاشا قوناغنه
 کوندراشیدی شدت غیظندن اوچتی دخی طوتد یروب کند والیله قتل ایشل ایدی
 اولکیجه حققرندن کندو کی خبری مشعر مکتو بله درد دولتیه آدم کوندردیلر بعد مقتوللرک
 چله کله لرین قطع ایدوب همان طوب یلر یارب نام یافته لری جبهه لرینه یاشدر یارب
 آستانه سعادتیه ارسال اولندی وجهه لری حلب باب الفرح خارجیه اولان حوض سمتنه
 القا اولندی شویله که حسن پاشا لی جئه سندن اول ساحه لر مرده ایله مال اویش زمره
 استقیانک قتلاری خبری مقدمه درد دولتیه وصول بولد قردا سردار مشارالیه مرتضی پاشایه
 التفات و خیر دعائی متضمن خط هما یوله کر اما قیچ قفتان کوندریلوب یاشدر اولان پاشا له
 و امرایه معصومینه کتمکه اذن و یرادی واسطه جمادی الاخره ده مقتول اولان مشاهیر استقیانک
 او تونبرعد دکله لری درد دولتیه وصول بولوب برر عصا اوزرینه دیکلوب سعادت او پادشاه
 عالمینه عرض او طه سنه ایکن پیشگاه شوکت دستگاه عرض اولنوب چله سرای خلعتی
 سیر ایتدی کد نصبرکه عبودت لایطین باب هما یون اوکنه القا ایتدی یلر پاشا لک جبهه لرینه
 یازیلن یافته لر و مرتضی پاشا طرفندن دفتر موجبه مقتوللرک اسمیلوی یونلردر که ذکر
 اولور ایازه حسن پاشا طیار اوغلی وزیر احمد پاشا وزیر صاری کنعان پاشا علی میرزا پاشا

دلی فرهاد پاشا اوغلی محبی بیگ و طیار اوغلی و قرداشی مصطفی پاشا کتشد اسی و اوغلی ایله
 حسن اغا و اوغلی ایله ایازه حسنک کتشد اسی کفه لی علی اغا قیو و جیلر کتشد اسی محمود
 اغا ایازه حسنک ترکان اغا غنه چراغ ایتدی کی بکراده و ایازه حسن اوردوسنده بکچر اغا غنی
 فامنه اولان انقره کتشد ایری میرعلی و اوردو قاضیسی فامنه اولان نکه لی عبد الوهاب و مار دین
 و بوده سی معنک خیاوش و نکه لی زوربه صائیس و ارض و ملی باقی زاده بی اغا و بکتاشلی
 توقای عمر اغا و شام زور بالرندن رشید چو رباجی و کور بیگ و مرعشلی عثمان بکراده و کنعان
 پاشا انامی و قوناچی ایازه مصطفی و کلیس کتشد ایری و حجازی اوغلی احمد و مال بکره اسی
 زور با یاشیلردن حسن ایازه حسن پاشا نیک کیفیت ظهوری و نه وجهه نام و کام صاحبی
 اولوب جلالی اولدوغی بالاده مفصله تحریرا و لیشیدی طیار زاده وزیر احمد پاشا فتح بقدا ده
 صدر اعظم ایکن شهید اولان طیار محمد پاشا نیک اکبر اولدیدر بو شاده و لی شام و کوچک
 برادری رقه بکتر بکیسی ایدی وزیر ابن وزیر اولغله غرور و نخوت جوانی و جلیبک مقصدا سنج
 هلوستان دعواسنده اولغله بابا سندن قالمه جسور و مخترک توابع تحریک و افسادده
 اولوب سابق الذکر وزیرک مقهور و محکومی اولمقدن ایا و امتناع ایدوب صدرا عظمه ابتداء
 حاله سرکشلک کوستردی صکره جان خوفنه دوشوب ایازه حسن بجهنه داخل اولمشدر
 و یری طویال کنعان پاشا لیدی که روسی الاصل اولوب والی مصر قاهره اولان باقر جی احمد
 پاشا خدمتده ایکن سلطان مراد خان حضر نیشک زمان دولتونه چند یلیکی تقریبیله داخل
 حرم سرای سلطانی اولوب حسن شمائل و نصاب اعضا صاحبی تنومند قد و قامت صاحبی
 اولغله خاص او طه ده شهرت بولوب آخر دولت ابراهیم خانیله مشرف تقریب کسب ایدوب رکب از
 ایکن مساحجه رتبه سیه وزارت عنایت سیور یلوب صکره منکوحه لری خندان اغا زاده قزی
 طلاق لایله تطلیق ایتدی یارب دختر پادشاه عالیجاه بک خان سلطان ترویج اولنماغله
 مظهر التفات و اکرام اولمشیدی بعد بودین والیسی ایکن قیو دان اولد قده سو تدبیر
 وعدم مصاعف تقدیر ایله دو نهای هما یونی کفار الوب خسارت عظیمه ظهور ایتمشیدی
 یوقدر جرمندن اغماض عین اولنوب مظهر عفو پادشاهی و رکاب قائم مقام غیله نائل اعزاز
 فامنه ای اولمشیدی بروسه محافظه سنه تعین اولند قده صدارت خواشیه اقتضایین
 حسمه بناء کور یلی محمد پاشایه غیظ درونیسی اولغین ایازه حسن پاشایه متابعت و ولی
 نعمتیه عصیان ایدوب معغوض عالمان اولوب جزاسن بولوب بی نام و نشان اولدی یری
 دخی علی میرزا پاشا که مشهور بهادر لردن اولغین انقره سنجانی و یری یارب و سفره مأمور
 اولوب بر موجب فرمان اسمکدان کلشیکن ایازه حسنک خروج ایدوب قونییه به کلد یکن
 ایشتم کده علی القفله توابع و لواحقیه فرار ایدوب اظهار عبودیت ایله یاشدر مرعوب
 و مقبول و یرار لقی حسمیه نکه ولایندن زمره قضاتدن عبد الوهاب افندی که
 مقدمه مالیه سنجاغنه متصرف اولان کور کویک دیملکه متعارف مصطفی پاشا
 مصیان ایدوب اطالیه قلعه سنه قیاند قاضی مزبور اهالی ولایت اتقا قیله اطرافه اولان
 رعایای جمع ایدوب و قهر اطراف دولت علیه الطاعت و اتقیساد ایتدی ردوب

دفع قهقهه و فساد ایتیمکه ارکان سلطنتک ملتفتی اولوب متصرف اولدیغی منتهی
 بر قاج قضا دخی ضم و اخلاق و خلاف عادت ابناء جنسی اولان شجاعت و مردانگی
 اظهارندن شهره افاق اولمشیدی شتی مزبور ظهورندن تسویلات شیطانیله اساجی
 طریق باطل و تحت حکومتم اولان اراذل و استقیا ایلله جمعیتلرینه داخل اولد قده
 اوردو قاضیلغی توجیه اولنوب هوالرینه تبعیت ایلله طرف سلطنته اهانت و مخالفت و بیکنه
 قتل نفوس و غصب اموال فقرای حاشا مشر و عذر دیو تجویز ایدر که مظهر التفاتلری
 اولوب بعد اداء المصلحة قاضیه عسکر اولمی خصم و صند عساکلری اولغله اظهار تجمل
 و عنوان و زمام امور صدارت عظمایی یدنه بلمله عرف علما و اصحاب دیوان احضار
 اولمشیدی عزمی حلوای نومیدی خوشا پاوده حرما بری دخی قوه لی خادم قرینداشی
 ویکله معروف حسن اغا که کاه ترکان کاه حلب اغاسی کاه صید او بیروت و پوده سی
 اولوب قوه و لاینتک فقراسی ظلم و تعدی سندن ترک خاتمان و جلای اوطان ایتیمکه
 ایدی و ماعداسی دخی مزبورلرک توابعدن زعم فاسد لرجه شجیع و نامدار و هر بریسی
 مخصوص بیکر و بشر پوزر سکبان و لوندات صاحب اولوب غریب بلاد ایدن فجاردن
 ایدیلر کی پاشا لقه کیمی باوک اغا لقه حاضر لشمیکن جمله سی مظهر غضب عزیزدی
 انتقام اولوب کله بی دولتلی غلطان و انداخته باب دیوان بلند ایوان قلندی
 بیت مملکت صغیمان از درز مال ایدی سوراخ عدمه مکمل شعرای عصر دن بعضیسی
 انشاء ایدر کی ترنج سکر چکدی دایر عدمه قوندی حسن مصر عن تاریخ دوشوردی
 بندن سکره بقیه لسمیرف ایلان ارباب بغی و عجمیان بلکه جمله صاریحه و سکبان
 قتل عام اولغی ایچون حکام مملکه خط همایین ایلله معنون اوامر عالی شمل ارسال اولند قده
 مشایر استقیا بقیا سندن مجار احمد و امثالی و بر قاج بیک استقیانک دخی حکام ممالک
 مهابشرتلی ایلله جزالی ویریلوب نامدارلرینک باشلری درگاه عالی او کنده غلطان
 و دیری احضار اولنلر حضور همایون طمعه شمشیر خونبار اولوب بر سنه یه دک
 هل التوالی میدان سیاست دیوان یکر میشر او توزر کله دن خالی دکادی بد دعای
 مظلومان مستدیر کان قرین اجابت درگاه سبحان اولوب عباد اللهی بی حضور ایدن
 ظلمه و مفسد لک خار و خاشاک وجودلری تیغ آتش تاب قهر سیاست ایلله نابوه
 اولدیغنه شکر اوجیهی بویکی بیقی وزیر اعظم مد خدای ایراد ایتیشدر بیت حق
 بودر که نیجه سرکشلری پامال ایتدی دولت قاهره آصف فرخنده شمیم حق بودر که
 ایلدی اصلاح مزاج عالم جوهر تیغ جهانگیر وزیر اعظم غریبه عجایب و قایعندر که
 ابازه حسن پاشا حلبه کتوب اتبا عیله قتل اولند قلری کیجه نک ایتسی که ماه
 جهانی الاولینک یکر می دورنجی کونی ایدی وقت عصره قریب بر زلزله عظیمه اولدی که
 استانبول خانه لرینک اوجا قلری کر میله برابر و نیجه کهنه بنار و خانه لر یقیلوب زیروز بر
 اولدی و بوزلزله اکثر ممالک طویلوب خلق عظیم خوف و حشمته دوشد یکر ارسطو
 ادوار واکر نام رساله معنه درکه هر نه زمانه ناس بیننه بر سبب ایلله قهقهه دو مشوب

روی ارضه ناحق ره منقک دماء و ارقا ارواح اولنه البته یازار له ویا خسف ویا
 خیری جهنن بر بلیه عظیمه ظهوری و جانب سما دن عاده مخالف برد ایه زولی
 امر مقرر در ازمنه سابقه ده کچن ملاحم عظیمه که هر ماحمه ده نیجه بیک نفوس هلاک
 اولمشدر تتبع اولنسه هر ماحمه نک عقبنه چوق یکمبوب پر موحس داهیه عظیمه
 صوابیه ویا خود بلیه ارضیه ظهور ایتیشدر فسجله الله العظیم و جود انسا نیکه
 بنای ربانی و کجینه خفیه سبحانیدر که دکه باعث ایلله هدم و افنا سنه رضای حق اولدیغنه
 بومعنی دخی شواهد دن عد اولغنه صلا حقی وارد ارازه حسن پاشا واکا اتباع ایدن
 بو قدر آدم و انار سه بیله قتل اولنای بو قدر کره بیک آدم افنا سیله اراده علیه ازلیه
 تعلق ایتشیکن لکن حقیقت حاله حسن و قبی و صواب و خطای جناب حقه
 معلوم و خبطه ادر اکر دن خارجدر انحق ظاهر طالبین بحث ایدن علما نک بعضیسی
 دیرل مش که قتل عباد الله دن صدر اعظمک بومر تبه افراطیله اقدام دولته انفع
 ایدیکی حاله دخی چندان متین العا قبه اولیوب در عقب احراق کبیر ایلله استانبول
 بر باد اولوب کف و لردخی معمر اولدیغی حوزر لک و خا متندن اولمق زعمه ذاهب
 اولمشدر العلم عند الله مخالف تقض عهد و فسخ عین مرئی پاشا یه دخی اروب
 بو قدر آدمی قتل ایلک مبارک اولیوب چوق یکمدن اولدخی اکبر اد خیا نیله
 و سوا یغله کشته تیغ انتقام اولدیغی مؤید مد عادر دیرلر ایش و قعه شام سائر سرحد
 منصورهیه قانون قدیم عثمانی اوزن اوج سنه ده بر نوبتی نامیله بر قاج اوطه یکچیری
 ارسال اولنه کلدیکی اوزن شامه دخی کوندلرک قانون ایکن ارکان دولت اهمالیه
 بر قاج زمان فراموش اولغله اولطرفدن یرلی قولی نامیله دفتره قید اولنوب مواجبوری
 شام خزینه سندن تعیین اولمشیدی انحق اغاری استانه سعادت طرفندن نصب
 اولنوردی منافع ولایتی استیعاب ایدرک قوت پیدا ایدوب تسلط و استیلاری
 پر مرتبه یه وارمش ایدیکه امور و مصالحت لرینه حکامی مداخله ایتدیر میوب استانه
 طرفندن توجیه اولنه کن خدمتلی زور بازو ایلله کند و لرضبط ایدوب مال پادشاهی
 اداسنه بر مق حسابی کوستروب نقصان خزینه یه باعث اولمشدر ایدی والی ولایت
 اولنلر مزبورلرک شرو شورندن احتراز ایتیمکه رسومات و محمولات و سائر عوایدی
 بوجه قانون عشر عاشرا یله قناعت ایدوب انلر سرفروایتین والی حکومت ایتیمک امر محال
 ایدی دفع و رفع لرینه شروع بر فتنه یه مؤدی اولسون ایچون تدارک احوال لرینه وکلای
 دولت جرأت ایدمد کندن طغیانلری یوماقیومامتر اید اولوب استدکاری کی آتوب
 طوتمقه ایدیلر ارازه حسن پاشا غایله سی بر طرف اولند قد نصکره مذکورلک احوالیه
 تقید لازم کلکین استانه دولتدن مکمل بش اوطه نوبتی یکچیری تعیین و ارسال اولنوب
 یرلی قولی نامیله اولنلردن طیار اوغلی ایلله سفره مأمور ایکن اطاعت فرمان ایتیموب
 شتی مزبور ایلله جمعیتک اولنلر قوللق دفترندن اخراج اولند قد نصکره شامه ساکن
 اولیوب جلای وطن ایلله مخالفت ایدرلر سه قتل اولنلری فرمان یورلشیدی یکچیری

اوطه لری واروب داخل اولدقده سطوت قاهره خسروانیله مخالفتیه قادر اوله میوب
 اطراف و جوانیه پریشان اولدیله نوبتی تعین اولنانلر محافظه خدمتده اولوب اهل
 ظلم و فساد و تعدی و تجاوزایله متعارف اولان بد نهادلر دن یوزدن متجاوزی قتل اولنوب
 اول خطه جنت نظیر دخی لوٹ وجود استقیادن تطهیر قلندی قتل دلی حسین پاشا
 وزیر مشارالیه اکثر ناس مهر وزارت تحمین ایدوب شهرتی عالمکیر اولغین و دخی بعض
 خصم و صلا ایچون صدر اعظم ازله سنه اتمام اوزن اولغین سنه سابقه ده کیرد
 سر دارلغندن عزل و ادرنه یه اخضار و قتل بابتله طلب فتواه ابرام و اتمام ایدوب
 صکره دارالسعاده اغاسی و ساطعیه والده سلطان حضرت تری صاحب جیقوب
 رئیس الکتب بک حسن تربیری ایله شکایتجیلری کلد کرتد ایکی کورلسون دیو قیودان
 ایتد کلری بالاده مسطوردر اما اندرون خلعتک نصیح وندی و دوستلریک عجزیری ایله
 قیودانلقه عفت کوستروب کیریدن وافر آلنون پیدا ایتکن جلب مال و تعدی یه
 محتاج اولماغین شکایتجیمی کلد یکندن ماه ربیع الاولک یدنجی کوندا قیودانلقدن عزل
 وروم ایل ایالتی و ییلوب قیودانلقی والده سلطان حضرت تریک تخت العندن چقمه وزیر
 علی پاشایه ویرلشیدی و دلی حسین پاشایه صوری انتفات اولنوب روم ایل ایالتی ایله
 ادرنه وقلعه و صوفیه هر قنده دیلرسک مکث و ارام ایله دیورخصت و ییلوب کوند رلدی
 وزیر مشارالیه قلعه و صوفیه یه واروب خزینه سنک نقود قالمایله نوند علوفه سنه
 و بعض مصارفنه امداد زعمیه اول اطرافدن بر مقدار ذخیره بهاجم ایدوب اغنیادن
 بر قاج کسینه بی غرامت مالیه ایچون تجریم ایلدی لکن ظلی ساف و الیبرندن زیاده
 و معتاد قدیم قیاسندن افراطله خارج دکلیدی اما چونکه وجودک ذنب لایقاس علیه
 ذنب معنای شریفی اوزن وکلای دولت یاتنده مستعقل و صدر اعظم تمسک اوله حق برمه
 اللهندن استردی روم ایل یه ارسال ایلدی ال اوزاتدیغنی استدیکی کی استانه سعاده
 صورت انتفات ایله دعوت ایچون امر شریف و مکتوب توقیر اسلوب ارسال ایلدی و ابازه
 حسن غائله سنی بر طرف ایلدی کی الک مزاحمه و تعلیمندن قورتلغه عزیمت ایلدی العهد
 علی ازوی قلعه قاضی سیلین افندی یه خفیه ادم واروب روم ایلنده دلی حسین پاشانک
 قدر ظلم و تعدیسی اولمش عرض و محضر ایله شکایتلر اسالی ثعالم و ثنبیه ایتیش دیلر واقع غیر
 واقع وزیر مشارالیه ک افراط اوزن ظلم و تعدیسی و اول مالک فقر اسنه ایتدیکی جور و ستمی
 قاضی مرقوم قلعه کتوروب دخواه خصم اوزن مفصل و مشروح عرض محضر یازوب شکات
 ید یله استانه یه اوچردیلر حسین پاشا دخی حاسدنه مغرور اکیال احتشام ایله استانبوله کلدی
 وصول یولدیغنی کونک ایتدی صدر اعظمه وارد قیام توقیر و اکرام ایله ملاقات نصکره سمور کورک
 کیدروب انواع التفات ایله خاله سنه غودت ایتدی برلشیدی مکر صدر اعظم قلعه قاضی سندن
 کان عرض و محضر و شکاتک موادمعهده مشتمل نامه لرین پادشاهه عرض ایدوب هر نه القا
 اتشلسه دلی حسین پاشانک قتل خصوصیه دریاغی غضب شهر یاری تحریک ایتیشلر ایتیشی
 فرمان ایله حضور هما یوتیه وارد قیام پادشاه قهرمان هیبت خطاب عتاب الودایله اوزن سنه

هسکریه سردار اولوب هر سنه خزانه عامر دن موجب و مهمات نامیه الدیفک بوقدر
 بیگ کینه نك عشر عامترین محله صرف ایتیموب ادخارا تمکله تعطیل باعث اولدیغکدن
 قطع نظر خاصره اولان قلعه نك نسخیری حصوله اقرب اولمشیکن خطوط تقسایه یه
 تبعیتک ابله اهمال و مسامحه ایتدی کک حضور هما یوتیه بالکلیه ظاهر و نمایان اولوب بیت المال
 مسلیندن بو طریقه اخذ ایتدی کک اموالک تفتیش و تحصیل موقوف فرمان ایکن اختیارلق
 و امکانلر لک مرجه تقید اولنوب یه نواله احساندن حصه مند و روم ایل منصفیه لهر مند
 ایتمشیکن جلب اموال ایچون فقرایه ایتدی کک اذیت و خصم و صند حکام و لایتدن وارد اولان
 عرض و محضر و جرایم سابقه کزه سود مند اولوب حقکدن کلنک لازم کلدی اغور هما یوتیه
 خدمت و ضبط و ربط ایالتی حرکت ییله می اولوردی عتاب غضب آلود یورلد قچه آوان
 کلام و تدارک جواب و تنویر مرامده عاجز می آدم اولماق آتش کینه خسروانی بی تسکین ایدر جک
 بر جوابه قادر اوله میوب پادشاهم بکایدن لری الله حواله ایلد مینی چوقدن اولد رتک استر لردی
 بوعرض و محضر ای صهار لیه ب کتوردیلر دیکدن غیر بر سوز سولیه مدی اخذ و حبسی
 فرمان یورلغین ید قله یه وضع اولنوب شفعار جاسی مفید اولوب ایکی کوند نصکره قتل
 ایتد بلر وزیر مشارالیه ولایت اناطولییه یک شهر نام قعبه ده ظهور ایدوب اسکی سرای
 یالته جیلورندن پهلوانلغی و بهادر لغی حسمیه مرحوم سلطان مرادخان حضرت نلرینک مظهر
 التقاتی اولوب میر اخورلق بعد وزارت رتبه سنه نائل اولمشدرو طریق انسابی بویه
 تقل ایدر لک عصر مرادخانیه عجمدن ایچی کلوب اظهار هنر ایچون بر قورلمش کان کتور
 یو کک کیریشنی چیقاروب یه قورمغه قادر بر پهلوان مالک عثمانیه ده بولنور می دیو عرض
 ایتلش واقع حالده شهر استانبولک نامدار و زور آور پهلوانلر یه عرض اولمش کان مزبور ی بوزوب
 قورمق دکل کیریشنی بیله تحریک ایلد مشلر ایل کان دارالسعاده اغاسی اوطه سنه طوروب
 خفیه قانی چکرم پهلوان تجسس اولنورمش دلی حسین پاشا اول وقت عجمی بالته جی ایتیش
 اغا اوطه سنک او جاغنه ایام شتاده اودون طاشورمش بر کون اغا اوطه سنی تهابولور
 نو تجیدن غیر کسه یوق کانی کوروب قبضه یه الواصل حکایه دن خبری یوق بر قاج
 گره کیازه واری چکوب طوررکن اول اشناده دارالسعاده اغاسی کلیور دید کارنده نلا شله
 کانی براغوب کید راغا کلوب کانی موضعنه حالت اولاسی اوزن کور میوب بو کانه کیم یاشدی
 دیو سوأل ایدر نوبتی محی اغا قور قوسندن بالته جی دلی حسین بر بالته جی او جاغه اودون
 کتوردی کانی الوب بر قاج کره چکدی سزک کله جکری ایشیدوب براغوب قاجدی
 دید کارنده اغا مسرور اولوب نیر دلی حسین پی اغرک دیدی بالته جی ضابطلری و اسکیلری
 اولان اصحاب حسد بیچان یی آزار ایدوب اصلاحی اغا اوطه سنه کیر رسن تک طور مرزن
 اکابوکه یا بشور سن سنک طر تقریکی دو کلم دیوانجدرک کتوردیلر اغا کانی الله و یروب چک
 ایتدی کوریم دید کینه الله الوب کیازه مثال بش اون کره کانی چکدی دارالسعاده
 اغاسی تعجب و استعسان ایدوب تیز شمیدی یولداشی پاک طوله و کسوه ایله کیدرک
 آدم شکله قوگ حضور هما یوتیه کتور رسم کک دیکو کتخایه ثنبیه اولندی بی پان

دلی حسین ذلیل و نامراد ایکن آن واحدده انبای جنسی بیننده مغرور و مکرم اولدی دارالسفاده
اغاسی سوقیله خضر و همایونه واروب کان مزبور ی چکوب اظهار هنر ایدوب مظهر تحسین
اولدقد نصیحه کرده حضور پادشاهینده عجم ایاجیمسی مواجه سنه کان مزبور ی کپاده واری چکرکن
زور بازو ایله شکست ایدوب پارچه لرین ایاجی اوکنه وضع ایتدکه پادشاه جهانک و سنیانک
ایشهاج و مسرتلرینه و اباجینک کمال انفعاله و خجالتنه سبب اولمشدر سلطان مرادخان
غازی یه ابتدا انتسابی بو طریق ایله اولوب صکره میر اخورلق ایله چیقوب سفر روان
عود تنه مصر قاهره بکر بکیمی بعلقبودان اولوب ازاق اوزرینه سردار تعین اولوب
بر مصاحبه موقی اوله مدیغندن عزل اولوب صکره بدون والیسی اولمشدر یو سنه
وبعد ادایالتلرینه دخی متصرف اولمشیدی بعلقبون بش سنه کرید سرداری اولوب
کفار ایله محاربه ده ار لکری داستان اولغله عظیم استهوار تحصیل ایتمشیدی لکن
بر مقتضای تقدیر قندی فتنی کندویه میسر اولدیغندن اعداسی طمع و نکا سلنه حمل
ایدوب ایش کورمدی زامیله عزل اولوب یینه قبودان بعلقبوروم ایلی بکر بکیمی اولوب
ابازه حسن یاشانک وجودی دفع اولندقد نصیحه ائک حقه دخی تدارک اولنان ستم
موقت کید وعد و لک وقت سرایتی ایریشوب مناقشه دنیا بلا سیله وجودی افتا اولندی
وزیر مزبور کشاده مشرب شوخ طبیعت اولوب عامیانه لطیفه لره و نصیر الدین
واری حکایت و امثال مضحکه سوزلیدیکندن سلطان مرادخان مخطوظ و منشرح
اولغین اکثر اوقاقه یانلرین منفک اولماز ایمن نقل ایدر لکه بر دفعه سفر عزیمتیه
استانبولدن الای عظیم ایله چیمقارکن جمله خلق حق نسوان شویریله فوج فوج
تماشاسنه چقمش لرزه و سرپناه ایله لوند نه سوار اولوب رهگذرینه صف چکن
خلقه اواز بلند ایله سلام و یروب رجای خیر دعا ایله تودیع ایدردی نسوان گروهنه
اوغراقده سلام علیکم قادنار جنت ریحانلری ویرملکری علما و صاحا ویراقو چاق بکیدلر
سزدن طو غار الله تعالی سوریکره بره کت ویرسون بزی دعا دن اونو تمک دیو طاغروب
صوبلردی رجال و نسوان غیرو و فریاد ایدر لک الله سنی پادشاهه باغشلسون قهرمان
وزیر اونجه بویله کرک دیبجان و کولکن خیر دعا لایزلردی لکن لوند مشرب و پیرواجری
اولق حسبیله لسان چندان مضبوط اولیوب کرید ده درگاه عالی عسکر یله امتزاج و اتحاد
ایده مدی طمع خامدن دخی خالی اولماغله بعض اوضاع ناهمواری اعداسنه حجت اولوب قتل
ایتدردیلر اما بومقوله قباچ مستور سنه خلق عالم مطلع اولیوب شهرت و شجاعتنه متعلق
عوام ناسک جمله سی مداح و طرفدار ی بولغله حیف صد حیف که بویله وزیر نامداری
عرضه بقاء قتل ایتدردیلر دیو عامه خلق تحزن و نأسف اظهار ایتدیلر مجلسلرده بلکه اسواقده
وبلا دده انک روحنه شاور حجت و باعث اولنه طعن و دخل و غیبتنه نیجه مدت خلق عالم
استغال لایدیلر و روم ایلی ایالتی حسین یاشانک اولندن خصم محمد یاشایه و یوسنه ایالتی ملک
احمد یاشایه توجیه اولوب یوسنه ده اولان سیدی احمد یاشایه بدون منصبی ویریاوب
یانوه محافظه سنه مامور اولدی تبدیل شیخ الاسلام مفتی بولوی افندی دلی حسین یاشا

قتله فتوی ویرمیوب صدر اعظم طرفندن ابرام و اخراج اولند قچه اولمقوله نامدار
ادمک چترنی جرمی سببیه قتل مشروع دکلدر بریره نفی ایتسونلر صکره دین و دولته
بر مصاحبه یار ایدمکن غیری جواب ویرمش ایدی لکن صدر اعظم مستقل اولغین
کلامنی تنفیذ ایدوب مفتینک عدم مساعده سی مفید اولمادی سعادت یو پادشاه
هالینا خضر تارینک اول بهارده بروسه جانینه حرکت ییورملری قرار داده اولوب
اناطولی و وجود استقیانک بالکلیه نام و نشان قوماق ایچون مهمات سفر کوریلک فرمان
اولوب عساکر طغر رهبر اسکرار حراسنه جمع اولملری ایچون اناطولی و روم ایلمده اولان
حکامه و امر شریفه کوندرلری یواشاده شیخ الاسلام بولوی مصطفی افندی بروسه یه
هنرغنی مستحسن کورمیوب مهمات دین و دولتن اولان امر لازم و تنفیذ کافرینه
گوشمال ویرلک ایکن سنه سابقه ده بو قدر مال و خزینه اتلاف و اسراف اولمش ایکن ابازه
حسن دید کاری شقی سببیه عودت و نأخیر اولمشیدی بوسنه دخی سفر امری و کرید
احوالی بالکلیه فراموش و اهمال اولوب بروسه یه عزیمت نامعقول فهم اولنور صدر
نشین و کالت کبری اولان دولته و لک مرادی دین و دولته خدمت اولیوب احق کندی
منصبی فهمندن حظ نفسی طرفنه ذاهب اولوب برره یانه ایله مزاجملری اعدام نیی ایله
پیلدیکنی ایتک استر حسین یاشانک قتل دخی بر امر نامعقول ایکن سعی و ابرامی ایله وجوده
کلدی بومر تبه رخصت ویرملک لایق و مناسب د کلد رخبر خواه دولت
اولدیغمر حسبیله واقع حالی اعلامه جرأت ایلشدر دفر مان پادشاه هنر کدر یو
تذکره یی پادشاه عالچاه صدر اعظمه وردی کندولری حسن ظن و اعتقاد تاملری
اولغله استقلال عظیم و یروب امورینه بر فردک مداخله سنه رضای همایونلری
اولدیغنه بناء بیورمشلر که بواکه دکن تحت جایگاه اولوب تربیه سیله تقید ایتدو کک
منلا حقه یازدیغی جوابلری کورد کی قتل و نفی خصوصنه محیر سن دلخواهک
اوزن حرکت اولنور صدر اعظم تذکره یی الوب نفی ایله اکتفا اولسنی رجایدوب اناطولی
قاضی عسکر ی بروسه یی محمد افندی پیرایه بخش مسند رفیع القدر فتوی اولدیلمو مشار
الیه بولوی افندی میخالیجه نفی اولنوب استانبولدن منفصل عبد الرحیم زاده افندی
اناطولی قاضی عسکر ی اولوب بووقعه دن مقدجه عصمتی محمد افندی روم ایلی قاضی عسکر ی
اولمشاوردوبون ماعد اجزیره کرید ده سردار اولان وزیر حسن یاشاک بولوی افندیله
حسن اتحادی و ارایدی بووقعه دن مقدم جناب منلایه مکتوب کوندروب کرید
جبره سی تمام فتح اولغله صدر اعظم بالذات بو طرفه کلامه محتاجدر مهر شریف کلدیکه
بوجریه نک فتنی ممکن دکلدر دیو اعلام حال ایلش بولوی افندی بومکته و بی طرف سلطنته
کوندروب وزیر اعظم کرید کتمه سنی معقول کورمشیدی صدر اعظم قضیه دن
آگاه اولدقد کرید سرداری حسن یاشا یی وزیر اعظم ایتک استر دیو منلایه عداوت
ایتمشیدی در عقب بوتذکره قضیه سی ظهور ایتمکن عزل و تنفیذ دفع مزاجملری و کرید
سرداری حسن یاشایه سابقا در نه صحر اسنه ظهور ایدن نقاش حسن فتنه سنه مدخلی

وارد در دیو خاطر مانده اولمشیدی قتل ایچون امر کوند ردی لکن بامر الله تعالی فرمان
وصولندن برایکی کون مقدس قوت اولدی بی خبری وصول بولغین ماه رجبک اولدی
سردارلق کرید جزیره سی محافظه سنده اولان طاقی مصطفی پاشایه توجیه قیلتندی
قیودان علی پاشا معتاد قدیم اوزن ماه جمادی الاخرک اون التخی کونیش قطعه چکدی
ایله آق دکره روانه اولدی ساقز جزیره سی محافظه سنده اولان طوپال پاشاکه سوه تدبیرینه
وخلنه بناء مقدس ماقیودانلقدن عزل اولوب لانی جزیره سی استخلاص سنده بولغله قتل
خمسو صند مہلت ویرلشیدی ساقز و اوزن اوقدق کارین تمام ایتمک ایچون قیودان جدید
هلی پاشایه فرمان ویرلکین ساقز و اوزن اوقدق عادت اوزن کورشمک ایچون طوپال پاشا
پاشترده یه کلد کده ملاقات و نکرید نصکره خط همایون کیده جنگ وقتند ابراز اولوب انبار
ایندی ریابوب اسیراره بوغدر دیلر قبض اولنان استیاسی ایله باشی استانه یه ارسال قیلتندی
هنکام شتا اولغله دو تها کیلری بریره حرکت ایتمیوب برقاج ایام ساقز لیماسن اکلنوب قیودان
پاشا ساقز تفاریقی وانتفاع پیدا سنده اشتغال ایلدی وقعه مصر قاهره ایازه حسن
اناطولیه عصیان و طغیان ایتمدیکی اشاده امراء مصر دن جرحه بکی محمد بیگ چرکس ناکس
هسکر اسلام روم ایله اولوب اناطولی دخی شتی مزبور سببیه اختلال اوزن اولدیغندن
وکلای دولت اید پیوند عثمانی اطراف و جوانیده ظم ورایدن خصمیه جوابده عاجز اولق
ملا خطه سیله دفع و دفعیه تقید ایله میه جکارینه جازم اولوب اطاعت جناب پادشاه
اسلامدن خروج و بالای که سارخالفت و عصیان و عروج ایلدوب مصری ضبط ایتمک
صود اسیمله اون بیگ آدم ایله خارج شهره کلوب قرار ایتمشیدی عسکری زمره سنی ازدیاد
مواجب و غیره اطاعت ترغیب و امراء عمده دیوانی مناصب عالی و ترقی سلیمانیه توجیه دخی
استقامت ایچون فریب و یروپ تمیز حق و باطله عاجز اولان بعض کونه اندیشه لدن اطاعت
وانقیاده معلق کلمات ناموافق استماعیله زمام حکومتی قبضه تصدیقند ییلوب والی مصر
اولان شاه غازی پاشایه قلعه دن اینوب مرته طرفه کیدرسه کتسون بر ساعت توقف
ایتمیوب قلعه نی تسامیم ایسمون مخالفت ایدرسه متضرر اولق مقرر در دیو خبر کوند رکنده
وزیر مشایر الیه دخی دولت علیه خبر خواهی اولان امراء کبار و عقلا نامدار ایله مجلس مشاور
هقد ایدوب اولدی عقل و ناطقیزک دخی خصوصی مذاکره اولند قن مجتمع اولانلر دیدیلر که
حاشا بر فرد پادشاه اسلام شهنشاه حرمین جنابده عصیان ایدوب برینه درم خزینه یه
اطاعت و انقیاد ایتمش اوله یوزا کر عسکر امنا و امراء دن بعض کسینه خفیه عقد پیوند
موافقت ایتمک طرف خلافت اولور لایسه رأی حسن و تدبیر مستحسن اولد رکه قلعه ده
اولان از در سپا سکر طویله حاضر و مهیا اولوب اطراف و جوانیه حواله اولسون شاید که خانانلر
خراب اولقدن خوفه و شوب روگردان اوله لرو الا ترک عناد ایتمیوب اتفاق و اتحادی بر طرف
ایتمز لسه معصوم شهری ضرب طویله خراب و بیاب و جا بکه بوم و غراب ایتمد نصکره
هراد سلطنت اولان دلاور لایله میدان مهر کده جانستان و خوف نشانلق ایتمه مز مقرر در
مهرام کوره لم عاقبت خدایلدی قطع قیل و قال ایدوب قلعه ده اولان سوار و پیاده احضار

ادوات ضرب و حرب ایدوب خنک و جداله آماده اولمشاییدی امر او مشاییرک اکثری
قلعه ده بولنوب مذکور ایله خفیه اتفاق اوزن اولندر دخی احوال نیه مفر اوله جفن
فهم ایتمکله حضور پاشایه کلوب ابراء ذمت اظهار اطاعت ایلدیلر مذکور دخی تدبیر
ناپسندی نتیجه پذیر اولدیغندن موجود اولان عسکر یله نائل مرام اولق ایچون اول
جانب اولان اعراب دن جمع استقیایتمک اوزن اولدیغن والی مصر قاهره عرض لایلدوب
اوردوی عسکر اسکدار بحر اسفند ایکن کاغذ لری کلوب احوال معلوم اولد قد نصکره
دفعه مجد و ساعی اولمیر ایچون وزیر مشایر الیه و امراء مصره خط همایون کوند رلشیدی
شتی مزبور دخی مصر دن دونوب جرحه و اول حوالیدن او توز بیک عسکر ایله مصره
مکر رارضای غنان ایتمد کده والی مصر قاهره دخی تغییر عام ایله استقبالی ایدوب منصبی
اولان جرحه بی امرای مصریه دن احمد بیکه توجیه ایدوب مرتب و مسلح بش بیک مقداری
هسکر خو و خوار نیره کدار ایله مقدم ارسال ایلدیکی عسکر طی منازل ایدرک لشکر
خالفینه مقابل اولد قنری کی کوزا چدر میوب هجوم ایلدیلر بازو حرب و قتال کرم اولوب
مقرص تیغله متاع وجود استقیایی کسوب بجمکله ایکن امیر الحاح اولان قیطاس بیک
دخی برکروه اتبوه ایله در عقب ینشوب کند ولین خاشان دولت الا بلرینه اوردیله
هجوم دلاورانه تاب و توانلری اولدیغندن عسکر با تکلیه ایرشیدن متفرق و پریشان
اولوب میر مذکور دخی بر جانبه یول بولوب روانه اولمشیکن میر الحاح قیطاس بیک در عقب
پنشوب جمله سن اخذ ایتمدیکدن صکره قطع نزاع ایچون نخه سربدی د ولتیرین
کسوب استانه سعادت ارسال ایلدیلر کلوب وصول بولد قن ادای خدمت ایلد کوری
سعی و اهتماملری مقبول طمع پادشاهی اولوب والی مصر شاه غازی پاشایه
خلعت فاخره و مرصع شمشیر ایله معاهد متع بولنان امرایه دخی فردا فردا خط مشر یفلر
یازیلوب نوازش والتفات ایچون ققما نلر کوند رلدی شتی مزبورک جرحه ده عصیان
مخلفه کند و نامنه خطبه اوقند یغی دخی مسعود رالعهد علی الروی شتی مقتولک
محولندن جرحه بکلکی خاص اوطه لی اغالردن طوره مصطفی اغایه احسان بیوریاوب
لک یرینه سفر لی اوطه سندن شاعر عبدی خلیفه بی ماه شعبانک سکر بی کجه سی
خاص اوطه اغالی زمره سنه الحاق بیور دیلر صکره وزارتله نشانچی اولان مورخ عبدی
پاشا مر حومدرک خاص اوطه ده داخل اولد قلندر کمد بسی بوتاریخی سوریشدر تاریخ بویه
الهام اولندی تاریخ خاص اوطه عبدی مبارک باد عصیان کور بیک در انطالیه بواسطه
اطلیه سیخا غنه بوجه ارباق مده صرف اولان کور بیک دیمکله معروف مصطفی پاشاکه
مقدم اوزن سنه دن متجاوز سوبس قیودا بلغندن مهال عظیم تحصیل ایدوب بعد
جده یکی اولوب صکره برقاج دفعه اطلیه یه والی اولمشیدی اطلیه قلعه سنک
منازلت و استحکامنه اعتماد استانه سعادت اطاعتدن روگردان اولوب واران حکامی
اوغرا تیموب تغلبا ضبط ایتمشیدی مقدم بارد دفعه قلعه یه کیروب قیابوب اظهار عصیان
ایتمد که اولجا بیک قضای طائفه سندن و هاب قاضی دیمکله معروف کسینه که ایازه حسن

جمعیتند آورد و قاضی سی اولوب اول معرکه ده تلف اولدی بی ذکر اولمشد اقالی
ولایتدن اوج دورت بیک مقداری آدم ایله اوزیشنه واروب بر قاج ایام محاصره و بمقام اوزن
اولد قلمی معروض درگاه پادشاهی اولد قلم سهولتله دفع اولماسی ایچون قیوچی باسیلردن
اسمعیل اغا کوندرباوب پاشای مزبور ایله وهاب قاضی یبنتی اصلاح ایدوب قلعهدن اخراج
ایلمیشدی بودفعه دخی جمیله تنده مر کور اولان خیانت مقتضای سنجه ابازه حسن
ظهورنده دلیر اولوب ینه اطلیه قلعهدن تغلبه سنی ضبط وربط ایلمش ایدی
استانه سعادت طرفندن منصب مزبور تو حیه اولنان احمد پاشا وار دفعه ضبط
ایتد رمیوب اظهار عصیان اتمکله انا طولی بگر بکیمی علی پاشا و مغنسیا سنجاغنه
متصرف اولان کوچک محمد پاشا ایالی عکسریله شتی مزبورک اوزرینه حواله اولنوب قیودان
پاشادخی دریادن دو نهای هماین ایله وار مق فرمان اولمشدی قیودان پاشادخی بر موجب
افرمان سافزدن قلعوب اول جانبه روانه اولمشیکن روز کار مخالف کشیلری پریشان ایدوب
نجق اون بش مقداری چکنر مه قیودان پاشایانده بولنوب پریشان اولنلردن ایکی
قادرعه نام موضعه وارد قلع کفارک یکریمی دورت قدر قدر غلری اوزر لینه کلوب
جنگه مباشرت ایتد کلر نده قیودان پاشادخی آگاه اولوب سفاین موجوده ایله امداده
ایریشوب اوج دورت ساعت مقداری جنگ و قتال اولوب بی نهایت کسسه لر مجروح و شهید
اولمغله ناچار جنگدن قطع اید اولنوب ردوسه طوغرو کیدر لرایکن کفار کا کسارک او توز
سکزیان طوب چکر بر قلیون کوه پیکرینه راست کلد کلد متو کلا علی الله هجوم
ایلدیلر ایچن اولان ایکی موزدن متجاوز کفرک یوز مقداری مرد اولوب یوزاون نفر اسیر ایله
قلیونی قبضه تصرفه کتوروب تلافی مافات میسر اولدی اورادن منصور و مظفر
اطلیه لیا تنه کلوب عسکری قان طرفنه چیقاردیلر قلعده محاصره سیچون طو بلردخی
اخراج اولوب اسباب جنگ وجداله اشتغال اوزن لرایکن اهالی ولایت رجای امان
ایله طشره چیقوب قیودان پاشایه کلدیلر و رای و امان احسان ایدرسک کور پاشایی
بی جنگ وجدال چیقاروب حضور یکه کتورن لم دیدیلر قیودان پاشادخی ظاهرنندن
رای و امان فهم اولنه حق ذوالوجهین جوابلر ایله خاطر لرین تطییب اتمیکن انلردخی قلعده
دونوب کور پاشایه استمالت و یروپ بو قدر زماندن بر و نعمته مستغرق صفوا راحته
مألوف اولد بعلک ولایتک خرابنه سبب اولوب عباد اللهک که عیالک منزله سنده اولان
و جال و نسوانی یا یمال اتمکله راضی اولور مسیحین بز قیودان پاشا ایله سوباشدک سنی
پنجه انتقامدن تخلص ایچون جمله مالز قدر قدر رای و امان و یردی باشترده یه واروب
متویش بر قاج بیک التون ایله خلاص ممکن ایسه بلر جمع و تسامیم ایدن لم دیمکله کور پاشایی
راضی ایدوب قرینداشلری و کتخداسی و باش باوک باشیسی و سایر اتباعیه اسکله یه
ایتدیلر اول خون گرفته لردخی خون بهاسنی سو یاشوب تسامیم اتمک ایچون صنداله
بنوب باشترده یه واردیلر باشترده اسکله سندن چیقوب قیوچیلر کتخداسی منقه سنه
کلد کلمی کبی اشارت اولندی لوندلر مزبور لک بیونلرین دوستوروب پایز نلر لینه

و یر کند و یر و یرا د لر نی و معا باشترده یه چیقان اتباعی باغلیوب کله لرین قطع
و یر نی جنگه لری دریایه القا اولندی قلعده و اول خوالیده اولان اموال فراوان و استیاسی
جمله سبی قبض اولنوب باشلری ایله در دولتله کوندلردی شتی مزبور اتباع ایدن
اهل فساددن و افر آدم دخی قتل و نفی و حبس ایله تأدیب اولنوب بو بهانه ایله قیودان
پاشا اطلیه خلقندن یوز کیسه دن متجاوز مال پید ایلدی سابقا بدون والیسی ابکن متقاعد
اولان حمزه پاشا زاده وزیر محمد پاشا حتف انقه وفات ایلدی معن زاده حسین اغامقدما
هنده ایلچیکل ایله کتمشیدی بوا ثا ده اسکدن کلوب صدر اعظم محمد پاشا و ساطتیه
محمد پاشا کوشکدن رکاب همایونه رویمال ایدوب شاه جهان اوغلی سلطان مراد بخشیدن
کتور دیکی نامه و هدایایی عرض ایلد کله مزید عنایت خسرو انیدن مزبور حسین اغایه
ویکریمی نفر آدم لری نه بر خلعت فاخره الباس اولندی نامه نک مضو فی اظهار خلوص
و محبت ایدی هدایا بر قطعه مرصع سر غوج اور تاسنده قرق الی قیراط بر طولانی
تخته الماس و اطراف کوه به شکله و ترک الما سلو ایله مزین و بر قبضه التون قلمچ که جمله
غلافی و بند لری الماس ایله مرصع و اون بو نجه تفارق متنوعه ایدی پادشاه عالمیناه
معن زاده بی سولید وب هند اقامتده جمله دن اعجب نه کوردک دیو سوال بیور دفعه
شوکتلو پادشاهم اول اقامدن قور تیلوب بو مملکت جنت مثاله وصول بولد یغمزی
جمله عجا بیاتدن احسن کوردم دیو جواب و یروب پادشاه حاضر نلری زیاده خطوط
اولدیلر معن زاده سلطان هند جهان شاهه کتمشیدی لکن جهان شاه مرحوم اولوب
اوغلری دروت برادر بیننده نزاع ملک ایچون قتال عظیم اولدی بی اثار ده هنده و اصل
اولمشیدی سلطان مراد بخش عظیم عسکرایله مملکتک بر و جاننده بولنا غله آدم لر
تعیین ایدوب معن زاده بی کتور دوب استقبال شاهانه ایله هدیه یی الوب نامه نک
جوابن و یروپ عودت ایتد مرش ایدی صکره سلطان اورنک زیب غلبه ایدوب
اخوانک ارشد واعقلی او لمغله اتقا ق ارا ایله تحت سلطنته جلوس ایلوب بمالک
هنده استقلال تام ایله متصرف اولمشد راول اختلال سبی ایله مأمول مرتبه مرغی
اوله مدق دیو مرحوم معن زاده نقل ایدردی عزیت پادشاه عالمیناه بجانب بروسه
سنه مزبور ن رمضا نیک دور دخی کونیکه بازار ایتسید رباب السعاده او کنه
توغلر نصب اولنوب ماه مزبور ک دیدخی کونی او تاغ همایون اسکدر اسکر اسنه قورلدی
ماه مزبور ک اون سکترنجی کونی وزیر اعظم دخی عسکر اسلام ایله اسکدن ان کچدیلر لکون
بدون والیسی اولان سیدی احمد پاشادن طقسان عد دکه ایله یمش نفر حجاز اسیری
کلوب ترسانه عامر مه تسامیم اولندی عید شوال تهنیه سیچون وزیرای عظام و علمای
گرام و سایر خدام ذوی الاحترام او تاغ همایون دامن بوس شهر یاری ایله شرفیاب
اولدیلر اشقیادن ابازه حسنه ک دیوان افندیسی حین معرکه ده حلبدن فرار و اختفا
ایتمیکن بر طریقله اخذ و در دولتله ارسال اولمشیدی و شام امیرا حاجی کتخداسی دخی
اصلمده شام زور بالیدن عربان صره سنی کتم ایله بحاجه ضرر تر بنه سبب اولمغین احضار

قیلتمشیدی اوتاغ هجایون اسکندر اسمنه قورلدیغی کونده ایکسی دخی اوتاغ همایون
 اوکنده قتل اولندیلر بازه حسن جعیتمده اولان اناطولی والیسی جان مرز اپاشیانی
 گروه استقیارای و اما نیله حلبه داخل اولد قلندره حمله ایله حلبی ضبط ایتیک اوزن نهانی
 تدبیرلری اولدوغنی مرتضی پاشایه بیلدیروب آگاه ایتیکله اول ائشاده قتلدن خلاص
 بولوب مرتضی پاشانک رجاسیله دیار بکره معاکمه اذن ویرلمشیدی بعد قتل
 اچون خط همایون کوندرملکه قتل اولنوب اندن ماعدادیار بکر کتخازی و ابشیرپاشانک
 زمان صدارتده ساحد ارغاسی اولان پر مقسز علی اغا وایکی معروف متقینک
 دخی کله بی دولتلریله معادرو لته کلوب انداخته میدان دیوان قیلندی سعادت
 پادشاعا ایمنه ادرنه ده ایکن کوچک میراخور اولان حسن اغا اوضاع سفیها نه سببیه
 ابریه نفی اولتمشیدی عصیان ایدن سابق الذکر خوجه بکیمک مدبر دولتی اولوب بعد اول
 مهر که دن آت سحر اتمشیدی والی مصر طرفندن اخذینه مامور اولنلرله کتوروب قتل
 اولنقله سرپرنگبکی آستانه یه کلدی و مرتضی پاشانک قتل ایتدیکی سوخته خود
 پاشانک همشیره زاده سی مرتضی پاشانک یا نندن فرارایدوب ابازه حسن یانه
 وارمشیدی استقیانک کارلری تمام اولد قد نصیره بریده قرار ایدیه میوب بر مقدار
 استقیانله کاه طرابلس سمندر کاه ایچ ایل طاغیر ناه کزوب تجسس حکامدن جای قرار
 بوله مدیغندن تبدل شکل ایله استانبوله کلوب بابا سفک بر دوستی خانه سمنه اختفا
 ایلتمشیدی مرادی اوزن رعایت کورمین بر خد متکاری خبر ویرمکه اخذ اولنوب الی
 نفر خد متکاریله اوتاغ همایون اوکنده یونلری اورلدی خبر ویرن خد متکارینه دخی
 امان ویرلیوب بیله قتل اولندیغی اصابت عظیم اولمشدر آستانه سعادت قائم مقاملق
 اچون قائم مقام سابق وزیر اسمعیل پاشایه کورکلی خلعت فاخره الباس اولندی والی
 سلطان حضرتلری شهر شوالک سکرنجی کونی الای ایله مقدحمه روانه اولوب وزیر
 اعظم و شیخ الاسلام و قاضیه سکرار و سائر ارباب دیوان اوکنده دو شوب کمال توقیر
 واخترام ایله تشییع اولندی ماه مزبورک طقوزنجی کونی یکچیری اغاسیله توغلو
 کیدوب ابرتسی اشین کونیکه عاشر شوالدر مکمل الابر ترنپ اولنوب شوکتلو پادشاه
 عالمیناه حضرتلری مزید دولت و سعادت و کویکه شوکت مهابتله حرکت و بروسه
 بانه غریمت ایدوب منزل اول مال دیه نام موضعه نزول یوردیلر ایکچی منزل طوزله اوچنجی
 منزل اینه حاجی درودنجی منزل چنارلی چایری بشنجی منزل از نکمید و وصول بولوب از نکمیده
 بش کون اوتراق اولندی از نکمید دن حرکت اولنوب الننجی منزل اولان طراقلی یه ییدی
 منزل دیگلی طاش سکرنجی منزل از نیق طقوزنجی منزل یکیم شهره واریوب ایک کون اند
 اوتراق اولندی بعد اوننجی منزل کستل بر کون دخی اند اوتراق اولنوب ابرتسی ماه
 شوالک یکرمی سکرنجی جمعه کونی که اسکندر دن اون برنجی منزل و اوتراقلری ایله اون
 سکرنجی کونده الای عظیم ایله بروسه شهرینه دخول اولنوب بر قاج ایام اول شهر دلکشاده
 آرام اولنق اچون شهرده مجد داینا اولنان سرای عامره یه نزول یوردیلر اهالی شهر

کمال عظیم واجلال ایله استقباله مسارعت ایدوب انواع امتعه دیبا و اتشیه
 زرد و کزکریه یارلی فرش پای انداز خوش پادشاهی ایتیک بزل مقدور ایلوب مشاهد
 دیدار خضر وانی ایله مظهر سرور شادمانی اولد قلندرن ماعداد زمره فقر و ضعفا
 مستغرق عمان عطایا اولوب هر طرفدن اوازه دعا و ثنا پیوسته قباب سما اولمشیدی
 و یوم مزبوره الای مرور ایدرکن ساعی بالفساد مقوله سندن بر نجه استقیای طریق عامه
 صلب و سیاحت و خلق عالمه موجب عبرت قلمشدر ایدی آرمکاه سلطانی اولان
 سرای خسروانی دارا السعاده العلیه اولقله اندرون همایون اغالری جمله خانه لره
 قوندریابوب هر صنفه باستقه منزل لر تعیین اولنوب خانه دن خانه کور و لروقیولر
 الحداث اولندی و حرقه شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ساحدار
 اغا ساکن اولدوغی اوطه نک بنجره سنه متصل بر صنفه مرتفعه نک کوشه سنه
 گرسی اوزرند وضع اولتمشیدی هر کجه معتاد قدیم اوزن خاص اوطه اغا لردن
 فویچی اولنلر عودو عنبر ایله بخیر ایدوب قرب شریفه مقیم اولورلری ارکان
 دولت جمله سی چادرلریله طشیره ده قونمشدر ایدی ماه ذی القعدة نک ایکچی ثلثا کونی
 اندر دخی جمله شهره کوروب قوناقلره یرلشدیلر ماه مزبورک دورنجی کونی استانبول
 قائم مقاملغی صدر اعظم سابق اسکندرلی قوجه سلیمان پاشایه توحیه اولنوب قائم مقام
 اسمعیل پاشا بروسه ایه دعوت اولندی التجبی سبت کونی شوکتلو پادشاه عالمیناه
 حضرتلری اجداد عظام و بعض صاحب کرام ترینه لرین زیارت وارواح طیبه لرینه فاتحه شریفه
 قرأت یوردیلوب فقر و ضعیفای صدقات علیه لری ایله مسرور یوردیلر طقوزنجی کونی
 خاص اوطه ده پیشکیز غلامی ارناود صالح اغایه مصرده بر بکک احسان یوردلری
 اون دور دنجی کونی دولتمند غلامی احمد اغا قونجی با شیلق ایله و مفتاح غلامی صالح اغا
 متفرقه لغله مهرمند اولوب اون بشنجی کونده ساحدار عثمان اغا وزارتله دیار بکر
 منضمی احسان یوردیلوب صدر اعظمه مهمان ویرلدی و دیار بکردن وزیر مرتضی پاشا
 بغداده نقل اولندی یکرمی سبت کونی کشش طماغی نام جبهله صعود یوردیلوب سیر
 و تماشا اولندی آمدن اینچی نمچه ماه مزبورک یکرمی اوچنجی کونی ثلثا کونده اوتغ همایونه
 دیوان اولنوب نمچه قرالندن کن الچی پیشکش وعدایا و نامه سیله سریراعلا یه رویال
 ایلدی بعد نامه سی ترجمه و تاختیص اولند قد سابقا ردل حاکمی اولوب عصیان ایدن راقوچی
 اوغلی دیدکاری حائنی شفاعت سمتنه ذاهب اولدیغی بلدرمش بو شفاعت لایق دین
 و دولت کورلیوب شوکتلو مهابتلو پادشاه عالمیناه حضرتلری نامه شفاعتی قبول
 ایتیموب پاسارک مقصودی البته بنجره معتقد اولان صالحی رعایت ایسه اول یدینی
 اله کتوروب در دولت ارسال اینسون دیوجواب با صواب ووروب الچی یه اجازت
 انصراف ویرلدی و اول بهارده اردل و لابنه نکرار سفر اولق اچون تدارک کورلمک پانده
 فرمان شهر یاری صادر اولدی رفتن مفتش اسماعیل پاشا بجانب اناطولی وزیر مشارالیه
 استانبول قائم مقاملغندن بروسه یه دعوت اولتمشیدی اسکندر دن تا عریستانه

هر بستانه وارنجه اناطولی وقرمان و مرعش و سائر ولایتی تفتیشله مأمور اولوب
 مقدماجلالی طائفه سنك زمان عصیانلرله گندولایله شقاوتله بولنانلردن كرك
 بكچیری و سپاه و چاوش و زعی و متفرقه و كرك مدرس و قاضی و سادات و موالی و كرك
 امر و میران هر كیم اولور سه اولسون هر قنده بولور ایسك و خبر الور سك تاخیر و توقف
 ایتمیوب اخذ ایله سن و حقلرله ویریلن فتوای شریفه مو حبیحه حقلرله سن ویر
 وجه له امان و زمان ویرمه سن و عسكری زمره سندن اولیوب عسكركلك ادعا سنده
 اولنلری رعایا زمره سنه ادخال ایله سن و ساداتی تفحص ایلوب نسبی ثابت اولمیان
 متمسكرك دستارلین اله سن و رعایا اللرنه اولان اساحه و آلات حرب و تفنگكاری اخذ
 و حبه خانه عامر یه ارسال ایله سن دیكندویه منوال مشروح اوزر قطعی و مؤكد خط
 همایین ویرلدی صدر اعظم دخی مشارالیه اسماعیل پاشایه استقیانك حقلرله سن كلكه
 حیدر و ساعی اوله سن و لکن حلبه وارد قله دولتلر و والد سلطان حضور نلرنك خواصندن
 اولان كایس و عز و سائر خاصلری طرفه تعرض ایتمیه سن كذا طرعاظر لری متكدر
 اولیه دیو محكم ننبیه و نصیح ایلتكند نصیحه ره ویرا ایتدیله بكچیری اوجاغندن زنبیر پکی باشی
 و سپاه اوجاغندن نامدار ایلکی چاوش و تقیب طرفندن بر متعین چاوش و عیادن اوردو
 قاضیه سنكلكه بر افندی خشی حشمه و کیلی نامنه بر پیر ساظورده بولوكباشی معا
 قوشیلوب اناطولیكك جمع اموزی كندویه تقویض اولدی ایاصوفیه سمتمده ساكن
 اولان عثمان پاشا زاده مرحوم مصطفی افندی كه كتا بدن تذكره جی صورتله كتابتی
 خد متنه ایدی نقل ایدر لكه مكمل قیوایله بروسه دن قالقوب روانه اولدیله اول اناده
 مشهور آتلاوایله ایکی اغاسی جناحینه تمین اولوب اورتق اولدن انلر و صناع وصول
 قولدن كیدوب اوغرا دقلری برده حسن پاشالی زمره سنندن و نلرایله مختلط اولنلردن
 مشتهبه الحال كسمه لردن بولد قلرین اخذ ایلوب و خبر الد قلرین بای حال اله كتوروب
 اسماعیل پاشا اوردوسنه كوندر لرلدی و شول وجهله تقیب و اتمام اوزر تفتیش اولنوردیكه
 بواج كروك اوكندن زمره استقیان بر فرد قاقچق و یارب طریقله باش قورتار مق محال
 ایدی اسماعیل پاشا ایسه هر كین دیوان ایلوب بولدیغنی قریه و قصبه و شهر ك خلقی
 تدقیق اوزر تفحص ایلوب جزئی شقاوت رایحه سی بولنانلری و ظلم و تعد پسندن
 فقر و وضعفا متشكی اولانلری اخذ ایلوب هر قنفی زمره زی و قیافتنه ایسه ضابطه
 تسلیم ایلوب بعد بوغوب كله مجمع اولد قله آستانه یه كوندر ایدی برمهانه ایله اخذ
 و حضوره سنه داخل اولان كسمه دكه ها اله صانع حقه زدی حتی قونیه یه وارد قله طرفینه
 تعیین اولغان اغار ك بریسی سكرتفر مولوی درویشی طوبوب ارسال ایلش دیوانه كلكه
 بولنری سولتدی مولوی فقر اسیموز دیو جواب ویردیله بر مشنوی شریف ویرنی كتوروب
 مولوی بلی مشنوی او قورویان جلا ر و سماع ایدر سیاخته چیقان بواج هنردن برینه عارف
 اولان مولوی ر تعرض اولماز دیدی بریسی مشنوی او قودی بری نی چالیدی ایکیسی سماع
 ایلدی اتلاری اطلاق ایلوب باقی قلان دورت نفری بی هنرایدی انلری حبس ایلوب

واقعا انلر حسن پاشالی زمره سنندن دورت مشهور بولوك باشیلردن ایش پاش قورتار مق
 ایچون كله بوش اولوب مولوی شكلمه كرمشیر احوال لری استكاره اولد قله دوردیده قتل
 ایتدیله اول عصرده هر ولایت و هر قصبه و قریه ده بكچیری و سپاه اولوند تاصلا قچیلری
 و مدرس و طالب علم و سادات نامنه قنی چوق كسمه لرو ارایدیه كه اختلال عصر سببیه
 هر بری بر طریقله تعین كسب ایلوب اصلی یوق ادعا ایله نكالیف پادشا هیدن كند و لر
 معاف اولد قلرندن ماعد القربا و نعلقاتلرینی و خد متلرله اولان روستای اتر اك ارغادرین
 دخی حمایت ایلوب اعشار شرعیه و رسوم رعیت عرفیه ییله ویرمز لر دی و هر بری نجه ذمی
 رعایای دخی جزیه دن قورتاروب مال میری یه و عوارض و نزول و سائر نكالیفه ضرر عظیمی
 امر مقرر ایدی اوغرا دخی بر لده شقاوت و تجاوز ایله مذكور اولانلری اخذ ایتكند نصیحه
 اهل عرض نامیه باقی قلانلردن صحیح بكچیری و سپاه و سیده قاضی و رعایتی واجب واریسه
 دفتر ایلوب محكمه ده سجله قید ایلوب ماعد اسنی جمله رعایا زمره سنه ادخال ایدر دی
 و عسكركینك قیافتنی یوزوب كچه كلاه الباس ایدر دی اولمقوله تاصلا قچیلردن اون سنه دن پرو
 اعشار و رسومدن نكالیف سلطانیه دن كتم ایتكدری امولی تحصیل ایتكله و افر خرنه
 پیدا ایلدی متمسكرك دستارلین انوب بر دخی دعویه سلوك ایدر سكر قتل اولنور سكر
 دیو تمید ایدر دی ازكلی قصبه سنه سنه سید نامنه ایکی بیك سبز پوش واریكین بحرانسایه
 تحت معتبره ایله منسب اولمق اوزر یكیمی سید الیه بقب قصه رینك جمله دستارلین الدی
 اكرچه ناحق یه قنی چوق آدم قتل ایلدی لکن اناطولی ولایتلرین استقیان و تاصلا قچیلر
 زمره سنندن رعایایه مسلط اولان یرو ظلمه دن برخوش پاك ایلدی و رعایا ده نه مقدار
 تفنگ بولدی ایسه قبض ایلوب صاحب لردن بهر تفنگ ایچون بش غروش آستانه یه
 اجرت نامیه جمع ایلوب قطار قطار تفنگلرین آستانه یه ارسال ایدر دی حبه خانه عامر یه
 سكرمین بیك تفنگ تسلیم اولمق دخی مشهور در لطیفه اتر اكدن بری طایغ باسنده اوتور
 بر كلكه راست كلوب اوت كیدینك كلكی اوت اسماعیل پاشا کی ارقك واربزده تفنگ
 قومدی دیش مرحوم عثمان پاشا نقل ایدر كه وزیر مشارالیه اصلنده استانبولده احسساب
 اغاسی ایدی سوقیلری ضبط و نرخ خصوصه خیل هنر اطرار ایله شهرت بولدیغنه
 بناء درگاه عالی قیوچی باشیلری زمره سنه مالحق اولمشیدی بعد چاوش باشی صكره
 میرا خور صكره وزارت زمره سنه داخل اولمشیدی بازه حسن پاشایه الخاق ایله مقبول
 اولان وزیر كنهان پاشا ك خلیله سی سلطان حضور نلرینه عقد ازدواجله نكیم اولمشیدی
 لکن وزیر مشارالیهك رجولینی حكومتده اولان قوت شهامتیه كور اولیوب علت عنت
 سببیه فراش سلطانی یه تقرب ایدر مدیكندن كتخدا قادین بر كون علی السهر بر اون كه
 كتوروب پاشا حضور نلرینك اوكنه وضع ایتدیكى مشهور در صدر اعظمك اكبر اولادی
 احمد بیك بروسه ده حضور هماینه دعوت اولنوب ماه ذی الحجه نك ایكینی پنجمینه كونی
 مزید عنایت خسروا نیدن وزارتله ارض و مایاتی عنایت و الباس خلعت بیورلدی مشارالیه
 احمد بیك پیری فوتند نصیحه ره وزیر اولان فاضل احمد پاشا دراوا نلر حاله ملازم و مدرس اولوب

طریق ۵۵۵ سلوک ایتمشودی داخل طریق اولان بعض غماز و غزاللرک عراض ناسه تعریفی
 وری برلین ذم و قدح و غیبتله مساوی به استعلا لرین کور و ب تمام نفرت ایتمشایر اییدی
 پیدرلی صدر اعظم اولدقده طریقتدن اخراج ایدوب مسلاک و زرایه ادرج ایتمشودر قتل
 مثامی نعمان افندی مزبور طمع و ارتشایله متهم شخص جسورا ولد یغنه بناء بر
 قاج دفعه نفی و اجلا محنتنه مبتلا اولش اییدی یوندن اقدام ادرنه قاضیسی ایکن بعض
 نام مقول حرکتی سمع همایونه القا اولغینینه بروسه یه نفی اولمشیدی بازه حسن
 بروسه یه کارکن مزبور دایرانه حرکت ایدوب اعیان دواتی جمع و اموال و عیاللری
 ایله قلعه یه قیامغنی رأی ایدوب جلالیلره عدم انقیاد خصم و صند جمله یه پیشوا اولغله
 مردانه حرکت ایدوب طرف دولته نوع خدمت ایتد بکنه بناء بروسه قضاسی کند و یه
 احسان بیولمشیدی غائله بر طرف اولد قد نصمکره جبهه یتمنده اولان طمع ظام بلا سیله
 جلب مال سودا سنه دوشوب بروسه ده و اطرافنده ساکن اولان ممول و مالدار
 کیمنه لک کیمنه سن جلالی مزبور ایله اتفاق اوزر ایدک و بعضی سنه سرزده امانت
 وضع اولمش جلالی مالی وارد دیومو اخذ ایدوب به پناه ایله بر قاج آدمی قتل
 و بعضی سنی حمیس و تجریم ایدوب واقر مال پیدا ایتمشیدی ظلم و تعدی سندن جگری
 خون اولنلر پادشاه عالمیناه حضرت تبارینک استقامتله چیقوب رفع رقعه نظم
 ایتمشاییدی حقیقت حاله تحصیل اطلاع ایچون شکاتی دفع اولنوب بروسه ده
 بعد التفحص محلی ظا هر اولدقده حقتنه استغنا اولنوب جواب مسئله امرولی
 اولولا امر ایله قتلده ویران قتوی موجبجه فرمان شهر یاری ایله عرفه کوفی قتل اولندی
 مزبورک براوغل و وقتلده بیکقوز قضا سنه متصرف واعی پیوردر سابقا بوستایچی
 باشی بالظه جی حسن اغا حضور همایونه احضار اولنوب مقدم استانبولده کروه اشقیا
 و ازل کوشک التمه کلوب مصاحب اغا لک قتلن استد کلرندن بچون اول ساعت
 بوستایچی زمره سنی سلاح و تفنگله اوزر لرینه حواله ایدوب انلرک فساد لرینی دفع و ازاله
 ایتدک دیوب نکا سندن استفسار پیوریلوب و شافی جوابه قاندا و اما بحق و تاغ همایون
 اوکنده بهینی اولدی آق دکنر بوغازنده قلعه لر تعمیر اولندی یقیدر بچی سفید ده خایج
 قسطنطنیه یه داخل اوله حق بوغازک طولی وافر میلدر مزحوم قاج سلطان محمد خان
 استانبول فتحدر نصمکره هرور و عبور سفاین اعدادن ممالک اسلامییه بی حراست ایچون
 اشاغی جانبی که استانبول طرفیدر بری قارشو سنه ایکی عدد قلعه مستحکم و متین
 بنیاد ایدوب هر برینه وضع اولغان طویلرک میاشدن روز روشندن قطع نظر شت تارده
 دخی سفاین و ذورق دکل بلکه رجو سمایی کذار ایتک مراد ایاسه کله طوب رعد
 اسا ایله غریوق کگرداب فنا اولوق مقرر اییدی اول شهنشاه اسکندر صلا بتک آثار
 همتی ایله طاب بحر سفیددن خشیت اعدا بالکیمه بر طرف اولمشیکن و ندیک سفیری
 ظهور زده کفارنا کسار هر سنه اوتوز روقر قسفا این ایله کلوب قلاع مذکور لک
 بالاسنه ایکی جانبیه قرار ایتکله ایچرودن طشره یه برکی پیقماقی ممکن اولیوب

طشره دن دخی کلنلر بی خبر اوکاربینه اوغرا دقچه بی زحمت شکار اولوب اهل اسلامه
 تعدیلرندن ماعداد و تنمایلری هر محل خروجیه نه مرتبه متضرر اولدق قری یوقا روده ذکر
 اولمشدر مراد پاشا و زارنده صاحبه الخیرات و الحسنات خلد استیان مرحومه والد سلطان
 صاعی خیر ارشاد یله بوداء عسیرا لدولتک علایجی و دو تنماینک نیز احم سهولتله طریق اخراجی
 تدارکنه عزیت صادقانه و بومرانی اتمامه بذل همت مردانه ایدوب بوغازک بیوک دریایه
 اچیلحق محله قریب بری برینه مقابل اناتولی و روم ایلی طرف لرینه برر قلعه سنکین
 بنیاد ایجاد ایتکله توجه تام و بومهم عظیم ایچون قناطر مقتضیه صرفنه نفسنی رام ایتمش
 کشف و تخمین ایچون تعیین ایتدیکی معمار و کتخد اوسا سرکارده اوله حق بد کار لک
 مختار لری اولیوب مهمات بناء تعمیرینه ادر مرتبه دور تیوزیک غروشدن زیاده اچه
 لازمدر ایدن ماعداد قلعه لره صوکتور مک خدا مکندن کذر اندر و اطرافده اولان
 قراسکانی قلعه لر بناء اولندی بی تقدیرجه مأوی اراذل و اشقیا اولوب اطرافده دست
 تعمیر لری دراز اولغله جمله مزه ترک وطن اقتضا ایدردیو منعی بانه نیاز لری اولدیغنی
 هر ض و آنها ایتدکاری جهتدن اول مناع للخیو شریر لک صورت حقدن سوق و تقوی
 ایتدکاری مز خرف کلمات وائس سلطان قبله بحکم منی سمع یجل نأثیر ایدوب اوله
 خیر عظیمک متروک و معجزه قلعه سیله اول دمدن برو دو نمای همایونک حکم تقدیر
 ایله منهنرم و مقهور اولماسنه سبب اولمشاییدی عزیز افندی دیرکه یو فقیرک قلینده
 وائما یومعنی خاجان ایدوب ایا واقعی نه منوال اوزر در دیواهل و قوف بیغرض مسلمانلردن
 استفسار دن خالی دکل ایدم ناکه اتفاق ارای عقلا بوئک اوزرینه قرار داده اولدیکه
 اناتولی طرفنده بیکشهر کیز یورنده و روم ایلی جانبنده دامله حق یورندن اون بیک
 فروش صرف اولغله برر مکمل قلعه یا سیلوب قدر کفایه طوب و تفنگ و مردان حرب
 و جنگ وضع اولنسه ایکی قلعه مابینی ابحق اوج میل اولوب معبر سفاین تک اولغله
 باطفه تعالی من بعد کافر کیلری بوغازه کلک احتمالی امر محال اولور و روم ایلی طرفندن
 برام نام قریه قریندن جریان ایدن نهر کبیر غایت قریبدر شق جدول ایله بی تعب
 قلعه یه صوکلور و اناتولی جانبنده جاری صو اولوق کرچه اوج کوملک مسافه دن کلکه
 محتاجدر اما سلاطین کنزین ال عثمان تأیید اسمانی و عون ربانی ایله مؤید لرو لوب مراد
 ایتدکاری برادنا اشارتله حاصل اولور ایکن اول قدر مسافه دن احرا ی ما امر سهلدر
 با خصوص دم احتیاج ایچون صهر یچ ایله اذکار ما اولنوب سائر ازمانده خود قریبده الحقدن
 جریان ایدن چاییدن رایکان صوالنور اهالی قرا طرفندن عرض اولنان معنی خود عن
 اصل محض افترا داول فقر اقلعه لر کند ولره ملتی اولوب و سایه سنه کفره تک استیلا سی
 دامن حال لرینه ایشیدیکی جهتدن فراغ بالله کار کسبلرین ایدو حکمری معلوم ایکن
 احتمایدر که اوله کار ناصولیه مخالفت مفسده سنی ارتکاب ایدر خلاصه کلام ذکر اولنان
 قلعه لک تعمیر لازم و مهم اولدیغنی صدر اعظم حضور همایونده والد سلطان حضرت لرینه
 افاده ایدوب بنا اولماسی بانه فرمان همایون اصدار ایتمکین استانبولده اولان تبحار

و بنالردن ماعداء ممالك محروسه ده اولند دخی جمع و معمار خاصه ايله ارسال اولند بلنبر
وقت مبارکده طولا و عرضا اوچر یو زذراع اولق اوزن طرفیندن ایکی قلعه
بنامنه دقت تام و زمان قلیلده صورت بولوب اساسلری یروزینه چیمقلاق اوزن اتمام
مالا کلام ایندیروالده سلطانک تخت الغندن چیمقه قیودان علی پاشادعوت اولنوب
قلعه اوزینه مباشرت خدمته تعیین بیورلدی دونیا کیلری اساری ايله تعمیر قلعه
اوزینه بذل مقدور ایتلری ایچون برسنه بوغاز حصارنده قشلاق فرمان اولندی
تصرت عظیمه کرای خان دز محاربه عسکر کفار مسقود دولت علیه ده اون سنه دن
متجا و زوندیک کافری غائله سی بر طرف اولدی یغندن ماعداء اناطولی جلالیلری
وگاه مجار فحاری سفری اقتضا سینه عسکر اسلامک کی جزیره لده وکی یالیلر محافظه سنه
اولوب واکثر قلاع سرحد لده محاصره و مجاهدیه اشتغال ايله متفرق و بریشان
بولمقله بریره نجمعلری خیر امکانده اولمق نصوری ايله مسقو قرالی محل فرصت در دیو
یو جانبدن ظهور عسکر بیشمار و تحزیب دارو دیار ايله دولت اید پیوند عثمانی یه دغدغه
پیشانی ویرمک سودای باطلنه دوشوب ایکی سنه دن متجا و زجمع عسکر و تدارک
مهمات سفر ايله تعین ایدوب الکفر مله واحدی معدد اقچه مجار و فلاق و بغداد
و یوده لرینک سرکردانلارندن بالکلیه مجال قالمیوب اقتضای غلبه جمعیت و صیانت
مراسم دین و دولتلری و ملتاری ایچون حرکت شروع ایدوب اولان قراغی نامنه اولان
گفار خاکسار که ماتقد مدن اول جانب لده اولان کفره حکا منک اصلا برسنه سرفرو
وانقیاد اوزن اولوب اول موضعک صعب و بتاقلق پرانده مکان طوقوب فرصت ال ویردیکه
شیقه لر ايله قره دکره چیمقوب لب دریاده واقع اولان قرانی و قصبه لری یغما و تالان ایدوب
سرحد اسلامیه دن اولان مواضعی غارت و خسارتدن حالی دکلدر مذکور له مبلغ
بیشمار ارسال ایدوب ممکن اولدی بی مرتبه شیقه لر ايله بی سپاه چیمقوب اطراف
و جوانه کزند اصابت ایدر مسیچون ناکید ایدوب و اوزی قرالی که مقدمه له قرانیه
عصیان ایدوب مذکور دن اخذ انتقام ایچون اسلام کرای خان ايله اتفاق و اتحاد
ایتمک له اون سنه مقداری له بمکتبی در پی سفر ايله خراب و سیاب ایتدکاری محلولده
مسقو قرالی ايله دخی عقد پیوند مصادقت و اخوت ایدوب مصالحه ایتیشلرایدی اکابراه
مسقو قرالی دخی مذکور ایچی کوندروب مضمون نامه سنه اقعای مراد و نتیجه اما لمر
ممالك اسلامیه یه عزیمت ایدوب همدم و هم ماتقر اولان طوائفک اخذ انتقام لر یله
مقضی المرام اولمقدور اولاه مهمات دینیه مزدن اولان عسکر بیکران ايله تاتار
اوزینه واروب اول سند سیدی اهلی خراب و ویران ایتدکار لارک کاری تمام اولد قد نصکره
ضائر مصالحه شروع تصمیم اولمشدر ایددی غیرت دین و حمایت مصالحه این مقتضا سینه
یزمله معا بولنوب خدمت مکرده بوجه نکاسل و اهمال تجویز ایتد سز دیو وعد و عیدی
مشعر کلمات ايله قطع کلام و ارسال پیام ایش مفهوم نامه سنه مذکور دخی نشویشه
دوشوب خان مکارم نشانله صلح و صلاحه استقام ویرد کارنده بوقدر قلاع و بقاع

۸۱ و اراخی پارتقاعه خانان جنگیه امدادی ايله نائل اولد قلمی جهتدن نقص
جهت رضا ویرمیلر متضرر اوله جقلینه جازم اولد قدن صکره بونی معقول کور مشلر
ایدی که خان عالیشان اکاه ایدوب انلریندن حرکت ایتدین عسکر دیرا مثال ايله مقدجه
اوزینه واروب کوز آچدر میوب جمعیتلرین پریشان و مالکی یغما و تالان ایلیمه لر بومنوال
اوزن واقعی بیان ایلد که خان عالیشان دخی علی الفور جمع عسکر بیشمار ایدوب متوکل
علی الله سنه مذکور مضامنه کفار خاکسار اوزینه عزیمت ایلد یلر قرال
مسقو دخی قزاق عسکرینک تاتار خان طرفیندن انحراف ایتدوب کند و طرفنه
میل و اعتبار ایلد یکدن کند یسی سرحد قزاقه قریب بعض قلا عنی انتر اعله کوشمال
ویرمک ایچون عسکر ارسال ایتشیدی اول جمله مایجل نام قلعه اوزینه اون یدی
بیک عسکر ايله ایکی یویاری کلوب اطراف و جوانی یغما و غارت ایتدیلر بش بیک مقداری
قزاق عسکری دخی انلره تابع اولوب قلعه مذکور ی محاصره ایتیشلرایدی ستوالک
قره سنه بعد صلوة العید عسکر تاتار عدو شکار دل نام برنهر عظیمدن عبور
ایدوب مسقو جانبنه عزیمت اوزن لرایکن محاصره اولنان قلعه دن خبر الد قلمی
هنان عزیمتی اولجانبه تحریک ایلک مناسب کور یلوب مقدم اون بش بیک عسکر
جرار صبار فتار ايله فراش بیک نام برامیونامداری سردار ایدوب ایغار ايله ارسال
ایلد یلر ایتسی علی السحر یاران بلا کی کوه دن سر کفان تزل ایلد یلر قریب اولد قلمی کی
اهنک جنگ ایدوب اوج ساعت مقداری باز حرب و ضرب و رواج یو لوب مددکاری
هون باری ايله لشکر شیطالین رهبر منهنزم اولوب اون بیک کا فردن بیک مقداری انجق
قور تیلوب ماعداسی جمله عقبکیر اولان دلا ورا تاتارک ضرب شمشیری ايله افناد
پناه سعیر اولد یلر اوزی قزاقندن مزبور له تابع اولوب محاصره قلعه ده بولنان بش بیک
تقر دن دخی بر فرد و اصل سرحد نجات اولوب درجات روز خد مکان بولد یلر طابور لری
یغما اولنوب دیری اخذ اولنان بر قاج نامدار لری مرده فتح ايله خان عالیشان طرفنه
ارسال ایدوب اول موضع قرالیدیلر کلن اسیرلر حضور خانیده بوجه ايله بسط کلام
ایلد یلر که مسقو قرالی اوج سنه دن متجاوز در که تدارک اوزره لدر اولاقصدی دفع
حسا کر تاتار عدو شکار در بعد تحزیب دارو دیار ممالك اسلامیه در حال قزاق عسکری
کند و یه اطاعت و انقیاد ایتدیکدن سرحد لده قلاع تسخیرینه برنامدار یو یارلرین
حسا کر بیشمار ايله ارسال ایتشیدی بزدخی مأمور ایلد و غز اوزن بوقلعه اوزینه
کلوب احوال مزبور که منجر اولدی دیو تحقیق مقال ایلد یکدن صکره ضرب شمشیر
خون نشان ايله قطع قبل قال ایلدی بعد اطراف جوانی مجسس ایچون ارسال اولنان
گسنه لر اول محله قریب قرالک تحت حکومتند واقع بر قلعه مستحکمه اوزینه الی بیکدن
زیاده مسقو عسکری اولوب خطمان دخی بی پروا اوزینه وارمدن احتراز ایلکله التمش
بیک مقداری قزاق ايله قدوم خان عالیشان انتظار اوزن اولد قلمی خبر دار ایلد کارنده
اول جانبه عزیمت ایچون تحریک رکاب ايله بر قاج منزل کید یلوب قریب اولد قلمی

خطمان خبردار اولوب موجود اولان عسکريله عساکر تاتاره ماحق اولوب دستبوس
خان مکارم نشان ايله سرفراز اولدی قلعه او زرنده اولان عساکر کفار دن دل المق
ایچون یوز مقداری آدم تعیین اولنوب نتیجه احواله تحصیل اطلاع ایچون بر قاج آدم
اولو وضعه قرار ایلدی تعیین اولمان سر بازان دخی جوانب قلعه ده پویان ایکن الی
نفر کفار دوزخ مقره راست کلوب شکار ایلدی حصار خانه کلد کار ندیدیلر که حالا
قلعه یه قریب اولان طابور ده که تسخیرینه ما مور لر در الی بیکدن متجاوز آدم اولوب
واللی بیگ مقداری پیاده و سوار تفنگ انداز نامدار لری طابور ده اولنری اوزرینه
قاتار وقراق عسکر ندن کله جگاری دفع ایچون بو نهر عظیم کچک لری حفظ ایدوب
قرار ایلدیلر ایدی بونلردن ماعد ابر پرده دخی جهیتلری اولوب جنک وجد اله نامزد اولان
کفریده عسکر ی با جمله بو نلردن د یو نفر پرو بیان ایلد کار ند صکره مشا و اولنوب
طابور دن مقدم اطراف نهر ده اولان کفار ک اوزرینه وارلق مستحسن کور لمیوب قراق
عسکر ی ایلر یو یو یوب اردنجه لشکر تاتار فوج فوج کروه کروه کشت کوه دشت
ایدوب بتا قلری و صعب المرور منازلی قطع ایلد رک دشمن طرفه روانه اولدیلر قریب
اولد قار ند انلر دخی خبر دار اولوب دریای سیاه کی جوش خر و شنه کلوب تلاق
صفین اولوب ایکی طرف دن تفنگ انداز لعه سرا غا ز ایلدیلر اولاقراق عسکر ی هجوم
ایدوب در عقب جنک اوران تاتار دخی یو یوب تیر فضلاء تا تیری صف دشمنه باران کی
یا در دیلر خان عالی شان بر مقدار دل و ران ایل بر مرتفع مکان ده جرا کاهه ناظر اولوب
درگاه قاضی الخاناتن فتح و ظفر رجا سنده روی عبودیتی خاک ذلت نه نهاده ایدوب
نیاز ده ایکن نسیم فتح و ظفر استقباله استعجال ایدوب بر ساعت مقداری جنک
وجدال اولدین عسکر کفار راه فران یو ز طو تبیلر سر بازان و دلیران اول حیرای بی
پایان ندن عقیلر نجه سکر دوب کیمی اسیر در نجیرو کیمی طعمه شمشیر اولوب الی
بیگ عسکر دن قرال بد فعال طرفه ایصال خبر ایچون بر فرد خلاص اولدی عسکر
ظفر عنوان مظفر و شادان خان عالی شان اولدو یغی موضعه کلوب تهینه فتح
و ظفر ایلدیلر بز قاج کون اولو وضعه مکث اولنوب طابور ده اولان کفار ک اوزرینه
کیدلک مقرر اولغله تخفیف با کران ایدوب و سبکبار روان اولمچون اخذ لیتد کاری
اسیر لری بهایه کسمک خصموصی مذا کره اولنوب قرار ویر دیلر طرف خاندن مضبوط
اولان نامد ارلر یگشاد تا سی یو زیگ التون ویر مکی در عهد ایدوب برو فوق دخواه
اساوی تدارک مال شر و عهده مهیا ایکن تاتار اختمه ار ندن بعض امور دیدن و کار از موده لری
یور آئی ناپسندی مستحسن کور میوب دیدیلر که کرچه قراق عسکر ی بزمه بوانه دک
صلح و صلاح اون حرکت ایدوب تقض عهد و میثاقه متعلق اوضا علری صادر
اولا مشد ر بو یله ایکن ینه ارباب کفر و ضلال اولغله اعتماد اولدی یغی صواید عقل
ایدی یکی اقرار در احتمالدر که مسقو طرفیله مصالحه ایدلر اول تقدیر ده زه دشمنلک
اتمنر لسه ده امداد دخی اتمنر ملکه زدن بیا یلق بعیدر دشمن بی امان مملکتی ایچنده

مئل رحمت مغفور و راه سلامت نابود ایکن بویه محله اطراف وجوایی عسکر احاطه
ایمک اقتضای در سه الیزده اولان او تو زیگ مقداری دشمنی دخی اوزرینه تسلط ایتش
اولور ایدی قراق عسکرینه مسقو جان بندن عداوته استقامت راه صلح و صلاح بالکلیه
مسدود اولق ایچون اقام و طمع مال دن قطع ایدوب بالکلیه اسیر لری طعمه تیغ
انتقام اتمکله اولور ارام تام ایتلر یله کلاملری صادق و نفس الامر مطابق اولغین عوما
اساری قتل اولق ایچون عسکره تقیمه اولندی اولا خان عالی شان او تاغی اوکنده
نامدار لریگ پیونلری اور بلغله هر کس اسیر لری کتور و ب قلیچدن پکور دیلر بو نلر ک
کاری تمام اولد قدن صکره شهر شوالک اون سکر نی کوی قلعه او زرنده اولان طابور
عسکر یله مقابله یه عزیمت اولنوب وارد قلر ند قراق عسکر ی مقابله لر ند متر یسه
کیر دیلر و عسکر تاتار دخی قفا لر ند طو رو ب طرفیندن طوب و تفنگ و اوچکون اوج
کچه جنک وجدال و حرب و قتال ایله فاصله ویرلندی عسکر تاتار کاهه بیکه هجوم ایل
یور ایلر ایتد کار ند نجه بیگ ملا عینی بیجان ایتدیلر کتد کچه زیون اولد قلر ندن قرار ایدوب میوب
کچه ایچنده امید نجات ایله کلد کلری جانیه قرار ایتد کار ند دلیران جهل خبر دار
اولد قلر ند در عقب روانه اولدیلر اولکچه اردلر ندن ایلر یوب صباح وقت ظهر ده بر هر عظیم
کنارینه کلد کار ند کفار خاکسار خورف جانله کفد ولری صوبه اوروب اکثری غرق
اولدی عسکر اسلام دخی اولی موضع دن جمع غنایم ایدر ک عودت ایلر یوب
پان لیلرینه تیمار ایچون بر قاج ایام قرار ایتد کار ند صکره سر حد لر ند واقع رومننه نام قلعه
اوزرینه واردیلر اهالی قلعه جنکه اقدار لری اولدی یغن ییلوب بی نزاع وجدال قلعه ی
خطمانه تسلیم ایلدیلر مسقو قرالی طرفیندن قلعه حاکمی اولان لعینی بشیموز آد میله
حضور خانه احضار ایتد کار ند با جمله قتل اولنوب بعد اول حوالیه اولان قلاع
تسخیرینه عزیمت ایلدی بعون الله تعالی هر بریسی سهولتله مسخر اولوب ایچنده اولان
صاحب طاری و مستغفط لری قلیچدن پکوب خطمان طرفیندن ضبط چون آدم لر نصب ایلدیلر
بعد پوزون نام محله مکث اولنوب مسقو ایچنه بلوک باوک عسکر تاتار صبار قنارار سال
اولندی بریده طابور جمعی اولوب لشکر کفار دن خوف و خشیت بر طرف اولغله دلاوران
فر اطراف ممالک بی پروا صالوب اول حوالیه ند کلی آبادان و معمور مملکتی و مشهور ولایتی
وارایسه جمله سی نهب و غارت و تالان و خسارت اولنوب اون شش کین مقداری
قاخ و سوخته دن صکره غنایم بیشمار ایله جانب خان عالی شان عودت ایتدیلر
جنک مزبور ده یوزاون ایکی بیکدن زیاده کفره لئام کشته شمشیر اهل اسلام
اولد یغندن ما عدا غنایم بیشمار ایله الی بیکه قریب کفار خاکساری اسیر ایتدیلر
اول موضع مسرت نامدار تحریر اولنوب استانه سعادت اشیانه و قریم جانیه
اولا قرا یله ارسال ایتد کار ند خان عالی شان سالما و غا نما و طن ما اولق رینه عودت
ایلدی بیت ایدوب شکسته و مقهور قلب اعدائی نشاط فتحیله مسرور و شادمان کلدی
یو فتح و نصرت خبری پادشاه عالمیه نامه حضر تار بیگ مسموعی اولدی یغی ائاده بوسنه

والیسی ملک احمد پاشا تعیین و ارسال ایلی کی دلاوران سرحد کلبس اوزن اوچ بیگ
کفار ایله محاربه ایدوب شکست ایتیلرله اوچیو زعد کله دخی کلوب انواع مسرت
وسرور لرندن شهر د و نئماسی فرمان بیور یلوب شهر استانبول ییدی کجه
هونما اولوب خلق عالم سرور و نشاط ایله شاد و حرم اولدیله احوال افلاق و بغداد
پوندن اقدام بد و ن والیسی کورچی کنعان پاشا و سلسله بکریکیسی جان ارسلان
پاشا اردل و لایینه نصب اولنان بان جدیدک امری استحکام بولاق ایچون ما مورا
اردل سمتنه قرار ایتیشلر ایدی افلاق و یوده سی میخنه و لایینه کتمک ایچون کنعان
پاشا دن استیذان ایدوب جان ارسلان پاشا طرفندن اذن مراجعت ایتمه مشیدی
مأذون اولدقد نصکره حین و داعی جان ارسلان پاشا اهانه میخنه بکک کو کسمنه بر دیمه
اوروب حضور دنه ارقه سی اوزرینه یقار بره ملعون بن سلسله و الیسی اولم انصرافه
بندن استیذانه تنزل ایتن سن دیه تعزیر و تحقیر ایدر میخنه منکسر العرض چیقوب عهده
اولسون بواهایی قومام دیمه اور مق نجه اولور کورسون دیه لاف و کزاف ایله اردل و لایینه
گتمس ایدی بعد جان ارسلان پاشا دخی کنعان پاشا طرفندن ایالتنه کتمک ما ذون
اولوب افلاق و لایینه داخل اولدقد میخنه صورت اخلاص و محبت مراسمی ایله عصیان
وقوم افلاق ایله جان ارسلان پاشا نیک اوزرینه هجوم ایدر مقاومتیه مجال اولمامله
جان ارسلان پاشا ناچار فراری اختیار ایدوب هزار محنت ایله زشتوی مقابله سندن
طونه یی کچوب احوالی در دولته عرض ایلدی میخنه مجار دن استمد اد ایتکله
وافر جمعیت پیدا ایلدی سا بقا افلاق و یوده سی ایکن فرار ایدن قسطنطنین دخی
را قوچی اوغلی امداد ایله کلوب بغداد فی تغلبا ضبط و اظهار فساد ایتکله اول سرحد لک
نظامی مختل و پریشان اولد یی خبری کلدی بوندن ماعد ایسان اولندیغی اوزن
اول زمانکه وزیر اعظم کویردیل محمد پاشا یا نوه یی فتح ایدوب عصیان و فرار
ایدن اردل قر الی را قوچی اوغلی نیک یرینه اردل لیدن بار چغای اقوش نام کافر یی
طرف دولت علیه دن اردل قرالی نصب ایتیشیدی وقایع سنه سبعین و الف
هودت پادشاه عالمپناه از بر و سنه مجانب ادرنه ما محرمک اونچی کونن شوکت حاقانی
و کوبه خسروانی بر له بروسه دن حرکت همایون بیور یلوب منزل بمنزل چارطاغه
وارد قد قدرغه لایله قورشو کلیبولی یه کچیلوب اوردوی همایون کلیبولی حراسندن
قرار ایتک اوزن شوکتلو پادشاه حضور نلری بوغاز حضور لرینی سیر ایتک ایچون وزرای
هظام و شیخ الاسلام و قاضی عسکر افندیلر بعض خواص خدام ذوی الاحترام قوللریله نکرار
چارطاغه کذا رایدوب اناطولی یقاسندن سلطانیه قلعه سنه تشریف بیوردقد نکرار
ایلی جانبته عبور و اذن اولان قلعه اهالیسی دخی مسرور و بیوروب طرفیندن سکدرمه
طوپر اندر یارب دزدار لینه و مستحق ظالمنه عطیه لرا احسان اولندی بعد دولتلو والیه
سلطان حضور نلرینک اثار حسنات لرندن حالا محمد دابنا اولنان قلعه لره اناطولی سمتندن
وار یلوب ایتکیسی دخی مراد همایون اوزن سیر اولنوب و طوپر اندر یلوب مسکرت

بنوا و خدمت محافظه ایله ما مورا اولان و زرا دن قیودان علی پاشایه و وزیر عنکبوت احمد
پاشایه بیور لی خدمت فخره ایله اکرام و عطایای وافره انعام بیور لد یغندن خبری سائر
خدام دخی صدقات علیه پادشاهی ایله شاد کام اولدیله لکن جدید قلعه لره نوز تمام
اولوب دریا طرفی دخی طولدر لوق اوزن ایدی شوکتلو کرامتلو پادشاه حضور نلری
تکمیل و اتمامی بایند اهتمام اولنق اوزن عظیم نذیمه و نأ کید ایدوب اول حوالیه بر مقدم
صید و شکار و کشت و کذا ریسو رد قلرند نصکره یینه اناطولی طرفندن چارطاغه عودت
واندن یینه قدرغه لایله کلیبولی یه رجعت ایدوب اوردوی همایون نلرینه تزل
بیوردقد نکره ادرنه یه طوغری توجیه عنان عزیمت ایتدیله ماه صفر ک بکر مخی کونن
شهر ادرنه یه معتمد قدیم اوزن عظیم الایر ایله داخل اولدیله ماه ربیع الاوله خاص
اوطه لی جندی محمد اغا مصر ده بریمکک احسانیه بر مرادی بیور لدی و جمادی الاخره نیک
اونچی جمعه کونن کچک میر اخور مصطفی اغایه سلسله ایالتی احسان بیور یلوب
حضور همایون خدمت فخره الباسیلده مظهر التتمات پادشاهی اولدی ماه شوالک
اوچن شوکتلو کرامتلو مها بشلو پادشاه عالمپناه حضور نلری شکار دن کلوب حرم
همایون نلرینه تزل بیوردقد نکره چوقد ارسید یوسف اغایه قارص ایالتی احسان بیور یلوب
انک یرینه چوقدار اولان قاسم اغا دخی هفته سنه کری ایالتی ایله اخراج اولندی
و خاص اوطه نیک عجمی اغا لرندن محمود اغایه چرم من سنجانی عنایت بیور لدی
احوال شمالیه پادشاه عالمپناه حضور نلری بروسه دن ادرنه یه کلد کلر نکره
بلاد شمالیه ده اولان اختلالک دفع و رفعی بایند تدرکی صدر اعظم حضور نلرینه تنبیه
ا کید بیور ملر یله بعد المشا و ن بروسه والیسی سیدی احمد یا شابدون ایالتنه
تقل و یانوه محافظ سنه تعیین اولنمشیدی الحاله هذه بار چغای اقوشی کتو روب اردل
یانغنی اکا ضبط ایتدیروب را قوچی دید کاری خائنک فساد نی دفع ایتک مصباحی
وزیر مشار الیه سیدی احمد پاشایه سپارش اولنوب مؤکد امر همایون کوندر لدی
افلاق و بغداد و یوده لرنیک اوزرینه عسکر تا تار صبار قنار حواله و اتمق انصب کور لکین
هان عالیشان جنبه حکم قضا مضمون و شمشیر و خلعت ایله خط همایون ارسال اولندی
و ایلبصان سنجاغنه متصرف اولان احمد بیگ که مقدم مالان افلاق و بغداد معرکه لر نکره
بر اقلری ظهور ککله خدمتی مقابله سنه لواء مزبون توجیه اولنمشیدی بیگ نفر
روم ایلی شهبازی ایله سلسله ده قدوم لشکر تا تان منتظر اولوب اتفاقه اعدای دینی
قارو مار و دغوا و شهر یار کامکار اوزن بر خدمت وجوده کتور مکیدل اقتدار ایلمک نذیمه
اولنوب سرحد مزبون کوندر لیشیدی و سنه سابقه ده طرف دولت علیه دن
بغدا نه حاکم نصب اولنان کیفو که قسطنطنین استیلا سنه قرار ایدوب ادرنه یه
کیشیدی افلاق و یوده لنی مزبونه توجیه اولنوب و بغداد حکومتی دخی سابقا ولایت
مذ کوره یه بکر می سنه دن برو حاکم اولوب بعد علایدی قله ده محبوس اولان کویول
و یوده دنک اوغانه توجیه اولنوب ارسال اولندیله یونان و اصل اولدقلری ائشاده فرمان

شهریاری اوزن خان عالی شایک قلغاسی اولان غازی کرائی الی بیک مقداری عسکر ایل
قریب کشیدی قزاق وله امداد ایچون برز مقدار عسکر کونوروب عسکر تا تان ماحق
اولدیلر کفار خا کسارد چی پاش نام شهرک اوکنه ییدی عدد طابور قوروب سایر جنک
چولردن ماعد اولون اوج بیک تفنگ اندازی طابور قویوب واون ایکی عدد طوبلرین
اوکرینه وضع ایدوب حرب وقتاله امداد اولمشلرایدی و یوده جدید کوبولاش اوغلنه اهالی
ولایتدن بی نهایته رعایا و عسکر کلوب اطاعت ایتدیلر طابورک دفعی تدبیر اولوب
عسکر اسلام اتفاقیه له و قزاق عسکرین ایلر و یوریدوب کند ولر دخی اردلر حجه طابور
اوزرینه روانه اولدیلر واروب مقابله اولد قلمری کی حرب وقتاله مباشرت ایدوب در جنک
اول ایلر و ده اولان له و قزاق عسکرینک اکثرین هلاک ایدوب پریشان ایتدیلر سایر
عسکر اوزرینه هجوم ایتدیلر طابور اوزرینه ملاعین ایله مقاتله متعسر اولمخله طابور دن
ایریاب میدان چیمقار مق ایچون عسکر اسلام صورت انهرام کوستروب میدان معرکه دن
سمت صحرا یه چکلدیلر کفار نابکار دخی اردلرینه دو شمیموب طابورلرینه عودت ایتکله
اولکون جنکدن ال چکدیلر علی الصبح یینه هر طرفدن اوزرلرینه وارلد قلم ملاعین
مشرکین طوب و تفنگ ایله میدان جنکی چشم تا تان تیک ایدوب یانلرینه یا قلسد رمدیلر
اولکون دخی بو حال اوزن کجوب او چخی کون علی الصبح هر جات بدن حرب وقتاله
مباشرت ایلدیلر کفار خا کساجنکه رعرض کر میت ایتدیکه عسکر اسلام دخی مغلوبیت
صورتن کوستروب کیرویه کتلر یله کفار دوزخ قرار اوزرلرینه هجوم ایلر یوریدوب
کندو طابورلرندن جدا اولدیلر عسکر اسلام دخی حمله ایلر مذکورلری پریشان
ایدوب بعد سهولتله کارلرین تمام ایتک ایچون الحرب خدعه مضبوطی نقش ضمیر
صورت قرار دن عقب کیرلک ایچون تدبیر ایدوب همان اول محلدن یالی اغاسی اولان
محمد بیک کندویه تابع اولان اوج بیک مقداری دلاوران ایلر و معرکه کاهه قریب اولان
جبالک طرفه روانه اولان غازی کرائی نامدا دخی بقیه عسکر ایلر پریشان اولق
مکنه صحرا یه روبراه اولد قلم اعدای بدرای دخی کمال مرتبه مغلوبیتلرین ملا حظ
ایدوب یراکنه اولان عسکر ی شکار اتمک سوداسی ایلر فرقه فرقه عقب کیرلک
عسکر تدبیر بو طریقله جمعیتلری پریشان اولوب صحرا و جباله طاغلد قلمر نه دلاوران
قزاق سرانان میدان و غلبه دوروب دشمن دین اوزرلرینه حواله تیغ حوز یزایدوب
هر طرفدن شیر غران کی پیرو د کلمر نه اعدای بد فعالان واحدده مقهور و یایمال و صحرا
وکوهی کشته لر دن مالامال ایتدیلر مدد کاری عون اله ایلر حکم نصر من الله ظاهر
اولمخله اعدای دین مغلوب و مقهور و غزاة اسلام مظفر و منصور اولدیلر و یوده محمول
شردمه قلبله ایلر افلاق جانبیه فرار ایدوب قفار حجه روان اولان عسکر یتشد کلمر نه
امان ویر میوب قلمجدن کور دیلر سپاه اسلام غنائم بیشمار ایلر شاد کام اولوب
و یوده جدیدی مقرر حکومتنه وضع ایتدیلر بر ایکی کون ارام اولند قدن
بیکره افلاق و یوده سن دخی رینه نصب ایتک ایچون اوجا نبه عزیمت ایلدیلر عصیان

ایدن افلاق و یوده ده سی میخنه دید کار می مفسد که تازه لکی ایامنده اخمخته قاشی قوجه
کمنان پاشانک یکر می سنه دن مجاوز ایچ اوغلنلری اراسنده تریسه اولمش بر صاحب
بجال بر تازه رو اوغلان ایدی سمور قلباق و مسلمان واری البسه فاخره ایلر مزین
ونان و نعمته مستغرق اولوب عربی و فارسی و تورکی کتاب او قیوب یازوب علی مهل
مسلمان اولورم دیردی مرحوم سلطان مراد خان غازی وقتنه افلاق بکلکنه سی
ایدردی بعد زمان بکلک ایلر کامیاب اولوب خاندان دولت علیه نك نعمتی ایلر
پرورده اولمشیمکن بو قدر فتنه و فساد باعث اولوب عصیان و طغیان ایلدی
حین خروجنه ملکند بولنان بیکدن زیاده تجاری قتل ایتدیلر یوروب مجاور و اتدن
یانتنه مجتمع اولان بر فرقه کافره انکاء ایلر طرف خلافت بو لنگه جرأت ایتشیدی
بغدان و یوده سی کلوب بو قدر عسکر ایلر مقاتله اید میوب منهرم اولد یغن خبر اولوب
عسکر اسلام در عقب اوزرینه کله جکر بدن آگاه اولد قلم خبیث بی جنیت بر خطه
آرامه جز ات اید میوب خرائن و اموال قلد یروب اتیاعیلر معار افوجی اوغلی
یانتنه فرار ایتدیلر در عقب عسکر اسلام دخی کلوب ملاعیندن نشان بیلر مدیلاته
سرحد و رانجه کروه کروه صحرا و کوهی کشت ایدوب مذکورلرک اتبا عندن
خبر الد قلمری و راست کلد کارنی قلیچدن یکر و ب اول ملکی مخالفلردن پاک و با جمله
اون ایکی بیک ید یوزی هلاک و یوده جدید افلاق حکومتنه قرار داده قلمد یغی
معروض جناب شهنشاه جهان اولد قلم سالار تا تار و سائر امارا مد ا طرف باهر الشرف لرندن
مظهور نوازش و التفات اولد قد نصیحه رخصت یافته انصراف اولوب مقرر حکومتلرینه
رجعت ایتدیلر مقتولی قدری پاشا شام والیدی اولان وزیر قدری پاشا محمولات
شامدن طرف میریدن ضبط اولنان موادک بعضینه مد اخله ایتکله شام د فز داری ایلر
معارض دوشوب دفتر دار مرقوم مال میری یه و حجاج مسلمان مصارف نه خرج
اولنه حق امواله تجاوز ایلر غدر ایتک اوزن در دیو شکایتی متضمن مکتوبلر ایلر احوالی
عرض و اتمشیدی بالذات ایالت شام استقیاسندن خط همایونه قتل فرمان
اولنانلردن بعضی طمع مالیه یه بناء عفو ایدوب خلاف احکام شهریاری حرکت ایتکله
ادر نه یه دعوت اولمشیدی کلد کله بر قیاح ایام قیوار اسفند خمسد نصیحه سوء اعماله
جزاء قتل اولوب ایالت شام ارضرومدن مغزول وزیر مصطفی پاشایه توجیه اولندی
محل عبرتد که مزبور قدری پاشا قیو جیلر کتخداسی ایکن افلاق و بغداد سفری عقبند
قلعاسلطان طرف شهر یاریدن زنجیر و خنجر کورتوب سفر مزبورده سردار اولان وزیر
فضل پاشایه عداوت ایدوب کلد کله واقع غیر واقع سوء افعالی و سیئات اعمالی
همع پادشاه عالمینا هه القاتیمکله فضل پاشانک قلمنه سبب اولوب سلسله ایلتنه
کندیسی نائل اولمشیدی فضل پاشایه ایتدیکی غدر و حیفتک مجازاتی او چخی سنه ده
بو صورتده ظاهر ایدوب کندیسی دخی جزئی مهانه ایلر مظهر تیغ سیاست اولمشد رفیع سبحان الله
القهار المنتقم ثنیه و تدارک سفر و توجه دونمای همایون بجانب قره دکر سفر نصرت

اثر لازم اولان تدارك و مهمات كورياب اولماي چكسته آتارده ادرنه صحر اسنه جمع اولماي چكون
 عموملايت اناطولى امر اسنه اختلال و اختلاف دوشوب اكثر طرفه انقياددن روكردان
 اولماي چكون بويلا اولمغله قزاق كغره سى قره دكره بي نه يايه شيقه اخراج ايتك احتماللى واردر
 مقدم تدارك كورلك لازمدر ديو عرض وانها ايشلار ايدى بوغاز حصارنده بنا اولنان
 قلعه لدخى اتمامه قريب اولوب وضع اولنان طوب از درها پيكر لادن كشتى كفارك دخولى
 خالده سى مندفع اولمغله دو نيمى هميون سفينه لريك چندان لزومى اوليوب قزاق
 استقياسنك فسادنى دفع و شيقه اخراجى احتمالى منع ايجون قره دكره كوندركلى مناسب
 كورلكين موجود اولان او تو زايكى قطعه قدر غلر بوغازدن ترسانه عامره يه كلك فرمان
 ميورلدى و اوزى قلعه سنك يوقاروسندن جريان ايدن اوزى نهرندن غيوى بچلدى
 قزاق شيقه لريك اخراجى ممكن اولماي چكون اولمغله اول موضعك محافظه سيجون برقلعه بنا اوليوب
 مستحفظ لر تعين اولتى لازم ايدوكى معروض بارگاه اولنميشدى مهمات قلعه و كفارت
 مقدارى بناتدارك اوليوب دو نيمى سفينه لريك تحصيل ايدوب بوقيش مهمات دو نيمى كوروب
 نوروزده عزيمت ايتك ايجون سابقا قيودان اولان وزيرعلى پاشا ادرنه يه دعوت اولنميش
 ايدى غريبه ترسانه عامره كئنداسى اولان فريك احمد پاشا و داع ايجون قيودان على
 پاشايه كتمك تدارك كوروب ترسانه كيامندن برسيميله عزيمت ايتميشدى اول ليلدىن براز
 عشرت ايدوب هر كس مستأنه خوابه وارمش ايدى سفينه ده اولان اسيرلر بندن
 خلاص اولوب ترسانه كئنداسى ايله كى صاحى بكك اوزرينه هجوم ايتد كرنده بعض بيدار
 اولان اكاه اولوب فرياد كئنان سل سيف ايلدىلر لكن مفيد اوليوب آهر من مثال بوقدر
 خنزير لجه سى بو شامغله بردن يوريبوب ترسانه كئنداسندن غيوى كم واريسه قتل
 ايتدىلر كى صاحى اولان بلك دخى جامه خوابندن هول جان ايله چكرايوب كندوتى دريايه
 آتوب كئنان يقين اولمغله قار يه چقمشيدى لكن ايام شتا اولمغله اولدخى شدت برودتن
 فوت اولدى ملاعين پيدىن كئنداسى مومى اليه اسير ايدوب آق دكره طوغرى روانه
 اولدىلر برتسى سائر سفينه لر خبردار اولوب تجسس ايجون در عقب برقچ كى كوندركلى
 نه طرفه كندىكى متعين اوليوب نام نشانى ظهور ايتدى سردارى على پاشا پادشاه
 هالپناه حضور نلرى هنگام شتاده مكث و مهمات و مقدمات سفره اشتغال اوزن اولوب فصل
 بهارده ولايت اناطولى سقره مامور اولانلر يرلردين حركت و ادرنه طرفه عزيمت شروع
 ايتد كرنده قيودان على پاشا كه دعوت اوليوب ادرنه يه كلكش ايدى ماه شعبانك بشيخى
 كوندركلى سردار نصب اوليوب حضور همايون سيمور كوركل خلعت فاخره الباسيله مسرور
 و بلعرا د طرفه مامور اولدى عسكرا سلام ظفر انجام با جمله مجتج اولمغله اولمغله وضعدن
 حركت ايتميب مكث و آرام ايدوب بعد نه يوزدن فرمان عالى صادر اولورسه اول يوزدن
 حركت ايتك ايجون نتيجه اولمغله و بكيچرى اوجا غندن اون بش او طه سردار ظفر شعار ايله
 سقره مامور اولوب زغرچى باشى ايله مامور اولدىلر و صيا بهلوكارندن دورت بلوك اغالىرها
 تعين وار سال اولمغله شام منصبى ارضروم واليسى اولان مصطفى پاشايه توجيه اوليوب

پاشا اولان ديكر مصطفى پاشايه حكومت مصر قاهره احسان اولمغله خاصكى محمد
 پاشا بغداددن معزول و بر موجب فرمان عاليشان ادرنه يه كلكدكه محاسبه سى
 كوريابوب مصر و بغداد مالندن حكام مالك مذكور يه ايصال ايتد كرى دقايرموجبه
 ذمتنده اولان يدى يوز كيسه اقچه تحصيل اولوب بعد حكومت حلب الشهباء توجيه
 اولمغله محاربات سیدی احمد پاشا باشا لشكر حجار سابقا اردل حاكمى اولان راقوچى اوغلى
 مقدمه احكومت مالك اردل سوداسيله بيك التمش يدى سنه سى اوائلنده مقرر حكومتنده
 التمش بيك مقدارى لشكر شياطين رهبر ايله عزيمت ايتميش ايكن برق شمشير تا تاراييله
 خرمن جمعيتلرى برباد و خاكسار اولمغله بيان اولنميشدى مدبر دولتى اولان
 كلبانوش نام لعين بد فرجام اول معر كده لشكر تاتاره كك رفتار اولوب مدت مد يد
 محبوس ايدى بعد يوز بيك التون و يرمك اوزن خلاصن رجا ايدوب احوالن خان عاليشانه
 انهار ايتد ككه قبول ايدوب مبلغ مزبوري تحصيل ايجون طرفندن ولا بته آدم كوندركمكه
 و خصمت و يرلشميدى اقربا و تعلقا قى مبلغ مذكورك جمعى ايجون سعى و اهتمام اوزن
 ايكن افلاق و يوده سى اولان جوان بيك ديدكلى خيىث خير دار اولوب علاقه
 سابقه سى اولمغله خان عاليشانه خبر كوندروب تقدير اولنان يوز بيك التون فديه يى
 كوندركمكه نعهد ايدوب كلبانوشى طلب ايتميش ايدى خان دخى اعتماد ايدوب برقچ نسر
 قاتار نامدار ايله ارسال ايلدى كلبانوش ديدكلى لعين ايسه فن حيله و مكرده ماهر
 ايليس پرتابيسه بكثر بر كافر ايدى افلاق و يوده سنك ياننه كند كد انواع حيله نعايمى
 ايله طرف شهر ياريدن تخويف ايدوب مقدم ما دخى نقش خمير ايتدىكى طغيانى
 و عصيانى بالكليله اعلانه سبب اولوب طلب مال ايجون كلان تاتارلى و ائدن ماعدا
 اول ما لكه بولنان بيكدن زياده تجار اهل اسلامى شهيد ايتد كد نصكره كلبانوشى
 راقوچى اوغلى ياننه ارسال ايدوب اون بيك مقدارى كفار كينه جوايله مهيا اولوب
 اتفاق و اتحادى و طرف دولت عليه يه عدم انقيادنى انهار ايلدى كلبانوش لعين
 ولى الله مى راقوچى اوغلى ياننه وارد قلعه ملك موروثى طلبنه ترغيب ايله انى دخى حركت
 و افساد ايدوب جمع عسكركه مباشرت ايلدىلر زمان قيلمك يكرمى بيك مقدارى مرتب
 و مسلح كفارب كردار ايله و يوده جديد اولان بارچغاي اقوشك اوزرينه عزيمت
 ايتميشدى مرقومك مقاومتته اقتدارى اولماي چكون احوالى در دولته اعلام ايتد كد سیدی
 احمد پاشا بوسنه دن بدون ايلتمه نقل اوليوب يانوه محافظه سيله واردل مملكه تنك
 اختلالنى دفع ايله مامور اولمغله راقوچى اوغلك قريب كد يكي خبرى ايله و يوده
 جديد آدم اوچوروب سیدی احمد پاشادان استمداد ايلدككه وزير مشار اليه دخى ياننده
 موجود اولان سرحد عسكركدن دورت بيك مقدارى شجيع و نامدار افراد ايدوب شياوش
 پاشا قزداشلى صابرى حسين پاشا ايله مقدمه مذكورك امدادينه ارسال ايلدى
 و كندوسى مهمات لازمه سن كوروب در عقب روانه اولدى سالار كفار اولان بى دين
 دورت بيك مقدارى دلاور لشكر ايله حسين پاشا نك اوزر لپنه قريب كد يكنى و سردار

نامدارك دخی غصكر ميشمارايله در عقب كله جكندن خبر دارا و اقدق بولاری و زرنده
 واقع بر در بند صوب المرو و محافظه سنه عسكرا سلامی عبور دن منع ایچون بر مقدار
 عسكرا عین و بیدین ارسال ایلمش ایدی حصین پاشا بوجیلده دن آگاه اولد قده بوجه
 استیصال سردان بر خبر اوچروب اکر لشکر کفار وارمزدن مقدم مرور ایتمز لایسه
 یاتنده اولان غزاة استلامدن بر فرد خلاص اوایوب کشته تیغ دشمن اوله جقارینی
 اعلام ایدی سردار رستم شعار دخی وصول بولدیغی ساعت سوار اولوب بعون الله
 الملائک المتعال عسکر کفار یقشون در بند مزبور دن گذارایتدیلردخی کندویه لقیادایدن
 دورت بش یك عسکر مقتدرای جمع ایله ووب ویده جدید اولدوغی قلعه سنک اوزرینه
 گمکن ایدی قلعه ده اولان لایسه مهمات لازمه بی بالتام کوروب طرفیندن جنگ
 وجداله شروع ایتمشلا ایدی محافظه ده اولان عسکر اسلام کاه و بیکه تابور مقهوری
 اوزرینه چیتوب و بیروا هجوملرایوب بعون الله تعالی مغلوب اعدا اولدیلر بومنوال
 اوزن بش آی مقداری مقتادی اولوب پاشای جلیل الشان حضر نلری امداد ایچون
 ارسال ایتمدیکی آدمیر بالدفعات کلوب باللرین اعلام ایتمشلا ایدی لکن شدت شتاده
 بر وجهله عرصت ممکن اولد و غنندن فصل بهاره تاخیر ایتمشلا ایدی چونکه
 ایام بهار ایشدی پاشای معرکه زادخی کندی چادرلرین صحرایه چیتقاروب ممالک افغان عزیمت
 ایچون مهیا اولد قرن صکره اهالی سرحد ایله عزم و رزم احوالی مشاؤون اولد قده
 اردل قومی اوج جنس اولوب بر فرقه سی که جنگ جو و کینه خو اولوب تیغ ذلک و سر
 شکمک ایله موصوف و اول گروه مشو م میانده حیدوق شاه دیمکه معر وفدر اول
 زمره نک مالکی یغما و خسارت و قلاع و بقاءن خراب و اموال و استیاسن نهب و غارت
 ایتمکد نصکره بعون الله تعالی سائر لینه جواب و یرمک آساندر دیو قطع کلام
 ایتمکد کر نه بورای صائب معقول و اول طرفه عزیمت اولوب سرحد منصوره ده اولان
 غازیان و کندی و خد مقصد اولان دلاوران ایله قانقوب طی مراحل ایدرک حیدوق شاه
 ایکنه داخل اولدیلر فرقه مذکور دخی عسکر اسلامک کله جکندن خبر دارا اولد قارنده
 اول ممالکده متانت و استیقام ایله معروف وارات نام قلعه نک قیودانی راقوچی اوغلی
 اقر باسندن بارقوچی دیدکاری لعین اهل اسلامی مملکتلرینه دخولدن منع ایچون بکرمی
 بیکدن متجاوز عسکر ایله سرحد لرند واقع بر تنک و ادینک یکدن الموق ایچون بوجه مسارعت
 عزیمت ایتمشلا ایدی بولار وادی مزبور دن مرور ایتمکد کرمی محله ملا عین دخی کلوب عسکر
 اسلامک در بند دن کزارین مشاهده ایتمکد کر ندر و نلرینه خوف و خشیت دوشوب
 مقابله یه عدم قدر نلرینی بلکله قراری فرار تبدیل واقدا می انهمز مه تحویل ایدوب کادکاری
 یوله دوندیلر عساکر شجاعت شعار دخی عقب لر نجه یا لغار ایدوب یقشد کرمین طعمه شمشیر
 و نجه لرین گرفتار و اسیر ایدوب آلائی طوپلری و جبهه خانه لری اخذ اولندی اورادن اوغرا دقلمی
 قرا و قصباتی غارت و قلاع و پانقه لرین احراق و خسارت ایدرک متانتله
 مشهور و بجای نام قلعه سی اوزرینه نزول ایلدیلر

ثم اخذ هاتان من تاريخ نعيابعون الملك المتعال على يد الحقيير المحتاج الى رحمة ربه القدير ابراهيم
 الطابع من متفرق كان درگاه عالی فی البلدة الطيبة قسطنطينيه دامت زين عمارتها
 على يد صاحبها بالابهة البهية في اواسط شهر جمادى الاولى لسنة سبع
 واربعمائة ومائة و الف من هجرة النبوية على صاحبها
 افضل الصلوة والحمد

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب تالیف دل پذیر نعیامر حومك بعض احوالی و تاریخ مرقومی جمع و تحریره موجب اسباب نه اید و کی و نه وجهله مباشرت اولندی و اون بش سنه سنه ظهور ایدوب محله تفصیل اولنان فیض الله افندی و قعه سی بو محله نه تقریب ایلله ایراد و کشیده سالك مسطور قلندی یعنی نعیامر حومك كندی دست خطیله او لوب ظفر یاب اولد و غمز اوراقه مسطور اولغله اوراق مرقومه نك عبارت بیعینه نقل اولنوب جلد ثانی آخرینه ضم و الحاق اولندی اما بعد بوداخی فقیر مصطفی نعیامر حومك دولت ابد پیوند عثمانی تواریحی متعدد مسوده لردن بیاضه چکوب فوائد جلیله الحاقیله ترتیب و تکمیل ایدوب طغوز یوز سکسن ایکی تاریخند ن بیک الشمس بش سنه سنه دك اولان وقایع جامع مدونی بر نسخه لطیفه تحریر اولمش ایدی و سنه مزبور دن بو وقته کلجه اولان وقایع و حوادثی اگر چه ارباب معارف دن بعضی ابری اطلاع و دانشاوری مرتبه جسته جسته یازمش لکن تاریخند مطلوب اولان دقایق نافعه و شایع مفیده بی متضمن بر مرتب تاریخ جمع و تالیف اولنما مشدر اول نسخ متعدد و اجزای پراکنده بی جمع ایدوب ثقات دن ایشید یلن فوائدی و مشاهد اولنان غرایب و قایع ضم ایلیوب بیک الشمس بش سنه سنه سنندن الی وقتنا هذاجمله حوادثی مشتمل بر تاریخ و عناوین جلد اوله تتمه و ذیل اولوق اوزنینه اول سیاقه لطیف و مفید بر کتاب دلارائا لیب و تحریر ایلک مصمم ایدی بو بنده مکینه بی مکارم جمیله و عطایای جزیلله ایلله جلد اول تحریرینه ترغیب ایدوب اولیله بر اثر نادره انشاسنه باعث اولان وزیر اعظم حسین پاشا حاضر ثلری ارتحال ایدوب بعده چوق یحمد بن ارادة علیه حضرت مولی ایلله مرآت کائناتك نقش دیگر هویدا اولوب هجوم عام ایلله فیض الله افندی و قعه سی ظهور ایدوب عرصه ورت جلال ضمیمه بر شیوه جمال اظهار ایدن جناب پرور دکار جلیت عظمته حاضر ثلری نك حکم علیه سی استقلال شان دولت ایچون تجد دلباس سلطنته تعلق ایتمکله سعادت او مهابت او سلطان بن السلطان السلطان احمد خان بن السلطان محمد خان ادام الله عزه و اید سلطنته حاضر ثلری نك تحت والا بخت اوزن جلوس مهمیت مانوسلرین میسر ایلدی و حسن تدبیر شهنشاهی ایلله نازمه فتن و اختلال اند قاعه یوز طو تدقیه مقام صدارت عظمی دستور آصف نظیر وزیر صائب التدبیر حسن پاشا حاضر ثلری نك ذات پسندیده سما ثلریله مشرف اولوب اول مشیر کار د انك تدابیر مستحسنه لری بر کاتیلله بقایای آثار اختلال باکیه منسحل اولدی دولتا و عنایتلو صدر عالیقدر حسن پاشا حاضر ثلری تاریخ سابق مطالعه بیوروب فوائد لطیفه سنندن طبع مدبرانه لری محظوظ اولغله مصمم اولان جلد اخیرك دخی صورت پذیر اولماسنه همت

فایده لری تعلق ایدوب به عبدعاجزه اصد ار فرمان بیور ملریله متو کلا علی الله تعالی
ترتیب و تحریرینه شروع اولنشد در حق جل و علا موانع و عوائقدن حفظ ایدوب صفحه
ضمیر ده جایگیر اولان سیاق غریب و اسلوب دلفریب اوزن تکمیل و تحریرینی نیسیر ایلیمه
آمین یا معین مقدمه سابق الذکر فیض الله افندی وقعه سی که مثل نادیده خصوصاً
بود دولت علیه ده نظیرینک و قوعی ناشنیده بر قضیه غریبه در کرکی کبی تفصیل احوالی
و مبداء ظم و رنن اضمحلا لنه و ارنجه اولان حکایات غرائب اشتمالی بیک ز
اون بش سنه سی و قایعی اثناسند مفصل و مشروح ذکر اولنسه کرکر لکن کرامتلو
مشو کتلو باد شاهزاده اعز الله انصان حضر نلرینک محض کرامت اولان بعض حالنرینی
و وفاته عظیمه اثناسند طور شامخ و جبل راسخ کبی ثبت و غیرت و شجاعتلرینی
تقریر و بیان اچون و دستور فلاطون مشهور حسن پاشای غیور حضر نلریندن
ظهور کلن آزای صائبه و افکار ثاقبه و دین و دولته نافع محیر عقول مشاهده اولنان
تدبیرات غامضه و تصرفات عمیقہ لرندن بر شمه سنی بحر و عیان ایتیک اچون
وقعه مذکور دن بر مقاله جزویه و اول حکایه طوبله دن حصه قلیله بود بیا جده
درج اولنق معقول کورلدی تا که عنوان کتاب مدایج پادشاه اسلام و اوصاف
وزیر عالی مقام ایله مزین اولوب ضمناً اصحاب اولو الالبابه نازکانه نص و غیر و عقلای
روشن رأیه اسرار خفیه دن نجه یاد کار معبر انخاف اولنمش اوله و الله الموفق مفتی و مرقوم
فیض الله افندی بلاد شرق و اعظم لرندن وانی افندی نیک دامادی اولوب کو پر ولی زاده
مرحوم احمد پاشا ضرور و ولیسی ایکن زهد و تقوی جہتیه وانی افندی به حسن اعتقاد
ایتمکله صدر اعظم اولد قده قرب سلطانی به سوق و تعریف ایتد کرند و اعظم شهر یاری
اولمش ایددی فیض الله افندی دخی طریق علمه عازم اولوب همت خاقانیه ایله قطع
مراتب ایدر رک شهنشاهه کلن عالیشان حضر نلرینک خواجه لوق خد متلرینه تعیین اولنمش
ایدی بیک طقسان یدی سنه سنه کنججه معالک خدمت جلایله سنه اولد یلمولانای
مشار ایله حد دن زیاده تعزز و احشامه راغب و خلوت و محبت عیسیه و جلسیه ایله مقرر
تعلیم مقرر ط صاحبی و لعلله بعض اطوار کران وضعی معیار نظر ملو کانه ده مستثقل
کوننمش ایدی بیک طقسان یدی سنه سنه ادرنه ده بر کون عسکر اسلام اچون دعایه
چیه قیلوب پادشاه عالیه و اعیان عامه خلق عموماً چیه مشایر ایدی که جمله دن صکره
فیض الله افندی یکرمی قدر بر اطله لی یکیم یار یار کمال فراحتشام ایله میدان دعایه
کار وکی پادشاه حضر نلری کور دیکه متکدر اولوب دار السعاده اغاسی یوسف اغایی
همان اول مجلسه یا غروب بعد الیوم خواجه افندی خدمت بر اطله کیدر مسون علمادن
اولان آدم میرا خورافا کبی بر سوری بر اطله لی کزدر مه نیک مناسبتی ندر جمله خدمتکار لری
دلبند صار نسون دیو خیفه تنبیه بیور ملریله ایتسی کون خدای دلبند صار ندر باربعه
چوق بکمدی اناطولی قاضیه عسکری اولان ادرنوی ابراهیم افندی خواجه لوق خدمتیه
تعیین اولوب فیض الله افندی کوشه از زاده قرار ایتد یار طقسال سکرده سایمان پاشا

انجام عسکر دن زور بار ظهوری و نظام دولتی اختلالی وقعه کلوب طقسان طقوز
اولنکه سلطان محمد خان حضر نلری خلج و سلطان سایمان خانی اجل سدن صکره و وزیر
میواوش پاشا ایله زور بار آستانه علیه یه کلوب ذکر می مستحق منازعه و مصادق مثللو
و تابع قبیحه ظهور رایتی یکی ایشا زده فیض الله افندی بین العلما مستشار کل بو لنوب
کاردان درون و بیرون اولنق حیثیتی ایله بر قاچ کون مفتی اولمش ایددی میواوش پاشا هجوم
عسکر ایله قتل اولنوب بعد اهلای شهر هجوم ایله زور بار دخی ستمه سال اولنوب نشانی اسجیل
پاشا صدر عالی به کلد کده دباغ زاده محمد افندی بی مفتی ایلوب فیض الله افندی بی ارضرومه
کوندر مشیدی یدی سنه مقداری ارضرومه کت ایدوب بیک یزالتی سنه سنه سلطان
مصطفی ابن سلطان محمد خان حضر نلری تحت سلطنته جلوس ایتد کوری کبی تعلیم و تعلیم
حقوقه رعایه کند واری دعوت ایدوب استاد صاحب ریشا مدر علماده نظیری نادر عالم
وقور و متجر در دین و دولت امورینه نظارت و دنیا و اخره تبی ضمانت خدمتی اچون بوبله بر خیر
خواه قدیمه محتاج دینوب مشیخت اسلامیه مقامه نصب ایدوب عهدده ملو کانه لرینه
واجب اولان تعلیم علم شریف حقنیرینه کثوردی و حسن حالنه اعتماد و جمله اقوالغه
اعتقاد ایله کمال مرتبه استقلال و تدبیر و یردی اما انلار ک مشربی اسلاف علمای مسلمان اولان
مائیسر ایله قناعت و زخرف دنیا به عدم رغبت و ادیسنه منافی اولوب طبعی اصلندن باند
چرو از و حب دنیا ایله مشکون و اولاد و اتباعی دخی حد و حصر دن افرون بولنوب نفوذ لازم
و التفات پادشاهی کند و بی طول امل غائله سنه دوشوردی پادشاه صاحب
همتک سایه سلطنته جمله اولاد و منسوباتی منتفع منصب ایله دخی اعلای اوزن
قاریلق و جمله صد و دولت عد اولنان مراتبی قطع ایدوب املاک فاخره و سراهای عالیله
صاحب لری اولوب دولت علیه نیک جزوی و کلی منافع استیعاب ایلوب بو طریقله
مشید الارکان بر خاندان اولوب قر نابعد قر عقبانی دخی اتابک دولت اولنق و ادیسنه ذاهب
اولد یلمر مطلوبی اولان بو تعین و استقلال رفیق ایله و حسن تدبیر ایله زمان طویله
مصدوله که حک معنایکن زجر و قهر ایله دفعه نائل اولمگله بی محابا مسارعت ایدوب اول
مصلحت تدبیریه بی زمان قلیله دفعه تکمیل ایتد که تعجیل ایلد یلمر و دولت علیه نیک
ابتد اسندن برو مثل مسبق اولمان توجیهات ایله مخادیم و اتباعی تقدیم ایلیم طریق
علیه شیوخات خاطر لرین مخزون و اعتراضندن متوهم اولدوغی کبارک نفی و غدر ایلله
حاکمین دیکر کون ایلدی محصور و الحجه قضایه و ارنجه کند و توابعه مخصوص اولوب طریق
قضا فقر اسنک آه و فریادی آسمانه پیوسته اولدی اعتراض اگر مناصب عالیله و سائر
مراتب علیه غیری افراد حق صریح دیکه جناب خلافت پناه اصحاب استحقاق و جیه
و تقلید ایدر لر بونلر ده استحقاق تام ادعاسیله سائر تقدیم ایدوب عنایت شهر یاری ایلله
مکرم اولمشا در بونلر نه لازم کور خواجه سعد الدین افندی شیخ الاسلام و یکی
اوغل قاضیه عسکر اید یلمر سائر توابی ده کذلک کزدر مناصب صاحب لری اید یلمر و یابی
افندی مفتی ایکن عبد الغنی بر افندی به پایه فتوی ویر لشن ایدی بو خصوص صلدن

نه لازم گاورديله ورسه جواب ويرزكه عايت پادشاهي ايله اكرام و تقدیم نه كوزل كنن جهت
 معتدله ايله اولمغه محتاج دركه بعضي امر مدح ايد رسه بعض آخر قدح و قدح آئيمه لزوميت
 ولياقت مشروطي دخی ممكن مرتبه دركار اولوب پادشاه اسلامك نورعاطفتن ياكز كنندويه
 شخصي و مرادی اوزن تعریف ايتدروب مستحقين بالكلية محروم ايتمكه انكسار خواطر
 و بدعایه سبب اوليه خواهجه سعد الدين افندي دريای فضل و هنر و التفات ملوك
 هاله شان ايله معزز و موقر ايكن صدرينه كن ايكي اوغلي پنه طريق حسبي ايله زمان هديده
 گلوب تقدم فاحش ايتدربلر اسعد افندي خدمه و صاحب افندي فاضل يكانه و وحيد زمانه
 او اوب پدري مفتي و پوزنر قاضيه مسكر فند قلی ساحلن اولان ياليد اولوب اوجي دخی
 هلو شان ايله اول باغچه به صفت مشهور ايدی طرف سلطنتدن و وكلاي دولتن اعطا
 اولان سمورلری و پوزنجه و عود و عنبر مقوله سي هداياي صابوب بعض مصارفه صرف
 ايدر لر ايس بويه عفيف دولتموره خلق عداوت ايتدروب پادشاهي ملا بسه صيله بر قاج
 مرتبه اولان تقدمه و اكرامه چله سي راضيل در حرف اندازلمه بالكلية غدارلق ايدر لر
 هيد العز زافندي فضيلان و قره چلبی عرقندن بر خندوم كزين اولوب تاليف ايتدوكي
 صير نبوي عليه السلام و دولت عليه توارثي و غيري نجه آثارندن رتبه كالي معلوم
 ايكن و ذاتا و زمانا بحسب الطريق مقام افتايه لي قتي محقق ايكن مفتي مهایی افندي به
 تواضعي تحمل ايدر ميروب طرف سلطنتدن پايه فتوى خط شريفني تحصيل ايتدك
 هقنده نه قدر كفتكولر اولوب و بالفعل روم ايل قاضيه مسكری بولند قری حسييله ديوان
 همايون پايه فتواي اجر اصد دنده اولد قده و زرا كنندوين او مورليوب افندي مفتي ايسك
 او كره او تور قاضيه مسكر ايسك مقام معينكده طور ديوم مقامنه دك سوب وضع حفا ايله
 جكر خون ايتدكاري جلد اولد مفصلا باز لمشدر قضيه بويه ايكن تقيب افنديك پايه
 فتوا سندن قطع نظر اوضاع تحمل كدازي حسن توجيه ايتدك و اويل و لنور اكر چه بو خصوص
 هود و وقعه به علت تامه اولان لکن طريق علمي رجلك تا سوخته واته و ارنجه حسد
 و غيظ ايرنه سبب اولوب بسط مقال و اداره كلامه قادر اولنلر دم و قد حنه مشغول
 اولماسنه و نجه اسناد و افترا الرخي ضم ايدوب مساويستي عوام الناسه و ارنجه اشاعت و تفهيم
 ايتمكه باعث بر اهر مخطور در بوندن غيري هر خصوصه صاحب سلطنتك كند و لره اعتمادی
 و صدق قول و اصابت رأي ايرنه اعتقادی اولمغه التزم مالا يازم قبيلندن نجه امور مد اخله
 ايله اتعاب وجود ايدر مالك عليه ده ايكي اچه لك وظيفه دن مناصب عليه و سيفيه به
 و ارنجه باكه تا و كالت كبري مقامنه ارنجه جمله تبديلات و توجيهات انلك رضا و اطلاعه
 مقرون المد قچه وجود يلماردي اول سبب دن ضعف دن و زرايه و ارنجه جميع خلق انلك
 قبوسنه التجايه سي ايدوب اولاد و اتباعندن برينه بر طريقه انكسار بدن غيري مطالب
 همدولنه طريق يوق ايدی خلق بومد اخله عطيه به جلب نفع و ترزيق ثواب معناسن
 و روبر القدر حسبي واقع اولان مناسب ايشلره دخی معلل بالاغراض در دير ايدی
 اهتراض اكر مقام فتواده اولانك دين و دولت مصالحنه و امور كليه و جزويه به نظارت

هاله سي واردر علی الخصوص بجانب سلطنتك كند و به حسن اعتقادی اولمغه بونلر
 معتدله اوله شكلك ايدر هر خصوصه رأي صوابلری اوزن اولمغه نه بأس واردر بونلر
 پائيندن كوزيان امور غير ايله البته كورللو ايدی و اول غيريلر جلب مال آئيمه چكي
 و ايشلر بوندن معقول كوريله چكي ندن معلو مدر دينورسه جواب ويرزكه ملوك
 عظام حضراتي عفيف و پرهيبر كاراولان فحول علمي معتدله اوله اتخاذايتدكاري
 سر كرده اولانك اوزر لینه ناظر شكلك اولسون ايچوندركه دولته مضر ايشلر اوليه بوخسه
 دولتك اموري نسق اصلندن چيقوب وكلا اكا مغلوب اولمغه جمله ايشلر انك ايله
 كوريلوب خزينه و چراغلر پيدا ايتسي ايچون دكار راول معتدله اولان كسه به دخی
 واجب بودركه دين و دولته نافع ايشلره و دينوي و اخروي منافع توقيير ايدر چك مستحسن
 تدبير لره وكلاي ارشاد ايدوب ولي نعمته فائده لي مصالحن دره حقل و خلقك مبعوضي
 اولمق اسرین مهارتار كوستره يوقسه كند و اتباعي منافع ايچون غرض امير
 تصرفات و فوئدي جنبينه مختصر ايدر چك تبديلات و توجيهات ايتدروب ولي نعمته
 مضر و جميع خلقك طبعنه مغاير قهر و غلبه ايله منفرد و بدت دولته استيلا ايتدكاري
 گلينك بزند مسموع دكار و خفي اوليه كه مقام صدارت كبري رتب ملوكيه نك
 اعلاسي و مناصب سلطانيه نك اشرف و اولاسيدر لفظ وزارت موازن دندر معاونت
 معناسنه در عباد و بلادك ترفيه و تعمير و خزينه و عسكرك توفيري و ضبط
 و تربيه سي و سرحد و ثغور محروسه نك سد و محافظه سي و سفر و حضرده اعدا ايله
 مقاتله و مصالحه اموري حاصلی دولت عليه نك جميع مصالحنه نظام و انتظام و يرلك
 خدمتي و بوقدر امور معظمه تحتك مندرج اولان مصالح لايحه بيايه جناب خلافت
 پناه بالذات تقييد پيور مق متعسر اولمغين اول مقام عالی صاحب بومورك تمشيته
 وكيل اتخاذايدوب اول ذات مستعد دخی امور مذكوره اتقالي تحمل ايدوب وسعي
 مرتبه بديل مقدور ايتمكه كويا معين اولد قری جهتن معنای معاونت ظاهر اولور
 پس اول رتبه عاليه صاحبك عزت شانی جمله دن زياده و حرمت قدر عنواني سائر لر دن
 هزار مرتبه اعتلا ده اولق لازم و رأي صائب و تصرفات پسنديدسي مقبول و قولي
 جاری و حكمي نافذ اولق مهمدر كه متعهد اولد يني امور عسیره نك عهد سندن كلك
 ممكن اوله چنانكه مراتب دولت اربابندن يا خود قرب سلطنت احبابندن وكيل مطلقه
 بر معارض ظهور ايله و التفات پادشاهي ايله تفوق ايدوب وكيل مطلقك قولني تقض
 و فعلني فسحه قادر اوله لاجرم امور دولت نظام طبيعي اوزن كورليوب كند چكه اختلاله
 يوزطو تار علی الخصوص اول معارض اولان كسنه معتدله قول اولوب اضارندن
 و وكيل مطلق خوف ايدوب ضروري مدارا و تذلل قبول ايله مقام وكالتك نعين
 بالكلية زائل و عيون ناسدن مهابت و سطوتي مضمحمل اولوب قوه جلالت جاه و رفعت
 اول شخص معتز ضمه حاصل و رجال مملكت انك اطاعتی جنبينه مخول اولسه لكر كدر خلقك
 مالي و بدني خد متلری ضمنه اولان منافع اول شخص معتز ضمه تراكم ايدوب وارد قچه

شانی رفیع و دولتی وسیع اوله رق وکیل مطلقه غلبه رتبه سنی دخی کوب جناب سلطنته
مشارکت حالتیه وارسه کر کدر امور دولته ایسه وکیل مطلقدن غیر کیسه نک
استقلالنه عباد الله کوزی وکوکلی مالوف اولما غلبه لاجرم اول شخص معارضه عامه
ناسک عداوتی مقرر اولوب کندودن مستفید اولنر بیلر زوال دولتنه مترقب اولورلر
وکیل مطلق اولنر بوضوئیه مغلوبیت شامی ایله مضطرب الحال اولوب تدابیر صائبه
و تصرفات معقوله دخی ایتمه لر و فعلی ضعیف اولما غلبه بین اخلاق سوزلری چندان
دکلمز و ایشلری ثبوت بولز اولور بویاماز حالتدن مملکتده دولته مضرتی چوق فسادلر
ظهور اید کلمشدر مولای مشارالیه ایسه عزت استقلال و شدت استبداد ایله نه
رتبه عظیمه یه واصل اولدنی جمله نک معلومیدر و رای پرده ده جمله حل و عقد
و تدبیر و تصرف اکا مخصوص اولوب وکالت مطلقه مقامه کن دولتور بر ساده
نام و قوری احتشام ایله قلوب مصارف و مواجب ایچون خزینه تداریکی کی برار کرانک
التنه زاری زاری ایکلمه رک افمای وجود اید بحیه دک نه محنت چکد کلامی خود معلوم
عقلادر یواضع ایسه حقت و خلقک یاننده مغضوب و محذول اولما غلبه باعث شیع و قبیح
ایشلدر استنه مولانای مزبورک باشنه کن و قعه یه علت مستقله عد اولنه حق احوال
مخزون نک بری بودر حکایت فیض الله افندی نک حیاتنه انک ملتفی و جانبداری اولان
کبار علمانک بری ایله بر مجلس عالیه محبت واقع اولدی افتخار کونه بسط کلام
ایدوب جانب سلطانیدن افندیلرینه اولان توقیر و اجلالی و ویریلن استقلال و صدر
اعظم حسین پاشا صانع طرفه یوریدوب مولد شریف جمعیتلر ده عجزانی کندوره
و یروب زیارتیه وارد قجه بر حله قدر موضع صولوب سیور یلوب مستقلمین قارشو واروب
استقبال و تشییمه جناب صدارت ردیان پاییه دک اینوب کندویه و اوغلاری
تقیب افندی یه دخی بوکا بکتر اولان توقیرات بحیه بی سولیدی و طر فلریدن واران
رجا لک بریسی رد اولنیموب رضاری اولدنی ایشلرک تشییمه بر فردده پارای قدرت
اوندوغنی نقل ایدوب مباهات ایدی حقیر صبر ایدوب دیدم که اعتقادیکر اوزن افندی
حضر ثلری اعقل عقلادر افرات شهرت آفتندن احتراز ایچوب خلقک کوزی وکوکلی
مالوف اولمه مش خارج از حد بویه تعظیم شانی نیچون اختیار ایتدیلر همان افندی یه
مکاره غضبی مستولی اولوب دجاجة هندیه کی قراروب دیدیکه علمای عظامه تعظیم
واجب دکلیدر اسلافه علمایه کوناگون نه تعظیم اولمشدر ابووسف حضرت ثلرینه
خلیفه وقت نه توقیر ایدی آل حسنجاندن کان مشایخ اسلام نه مرتبه مکرم اولمشدر
سلطان مراد کی غازی پادشاه محی افندی نک اللربنی تقبیل ایشلر در تاریخ
شناس اولوب بومعناری بلمک غریبدر دیوب مغلطیه یه باشلادی حقیر دخی بی محابا
جواب و یروب بلی ابووسف و عدالت و غلبه موصوف کبار مجتهدین جنابلرینه خلفادن ظهور
ایدن توقیرات مشهوردر و علمای عاملینه تعظیمک و جوفی محل نزاع دکدر لکن قدر کفایتدن
زیاده خطام دنیایه محبت ایدوب جمع ماله حرص ایله شهرت بولان عالمک علمه علم لایفم

تسبیح بیوردنی کتب آثار ده منظوم ریتر اولمشدر زمان سلفدن بوقته کلمه هر
دولته بین الخلق حدوث ایدن فتن و منازعه نک ماده سنی اکثر یاجاه و دولت و مال
و نعمت ایچون اولان تحاسد و تنافسدر حضرت عثمان رضی الله عنه بر حق خلیفه
ایکن منصبلرک چوغنی بنی امیه دن مستحق اولان اقر باوندعلقاتنه ویردیکی ایچون
واصلنده کندور اموال عظیمه و غنای تامه صاحبی اولما غلبه شیخین مکر مین رضی الله
عنهم کاندن جزو حجه زیاده توسیع دائره حشمت و نعمت ایدوب بحسب الاقضاء شرعا
مباح اولان مرتبه مسکن و ملا بسط و تربیه خدم و حشمه تنعم و توسع کوستر دکلامی
ایچون بر مقتضای بشریت عامه یه کوج کلوب اول ذات عدالت سماتک
طرف خلافتنه یکوب حرف انداز طعن اولما غلبه باشلادیلر حتی مصر منصبی فاتح قاهره
اولان عمرو بن العاصدن قالدیر یلوب غیره ویرلش ایدی مصر دن مشا کیمر کلد کده
بر کون عمرو بن العاص دیوان خلافت اعیانی کبار اصحاب اره سنده جناب ذی النورینه
کتر جور عما لک فاعدل و اعترل دیدی یعنی مفاعبه کورند دک عاملرک جور و تعدیلری
چوغالدی خاق شکایت اید یور لریا عدا لک ایله یا خلافتدن فارغ اولوب کندیکی
عزل ایله دیمکدر حضرت عثمان رضی الله عنه بولکلام باردن مغیر الخاطر اولوب قلات
حیثک یا عمرو من عزلت عن مصر جوابله تأدیب ایتدیلر یعنی یا عمر و مصر منصبتدن
معزول اولالی قفطانک کوله لندی دیمکدر مراد مصر دن عزل اولمد و غندن بروخر چلفک
قلات اوزن اولوب مصره طالب سن و صراحت طلب ایدوب میوب شکایتلر کلد و کنی
پاشا عدا ایدوب بوجله طلبه فرعت بولک دیمکدر عاقبه لامر طرف خلافتنه
اولانر تحمل ایدوب میوب تکرار مصر دن هجوم ایله کن کروه مکروهه حرمین رجالدن
جناب ذی النورینه خاطر مانده اولان جمع کثیر منضم اولما غلبه طرف خلافتنه بولانلر
قوت بولوب فتنه عظیمه قالدیر دیور خلافتدن قصید اینسون دیوننه لنده محاصره
ایتدیلر حضرت عثمان رضی الله عنه مسلمین بیننه تفرق کله و شقاق دوشیمسون
دیواوزلرینه سل سیف ایتدی و خلافتدن دخی قصید ایلدی بلا خره اول خلیفه
مظلومی شهید ایتدیلر بوار الله اهل خلافتدن کن خبر لری و جناب ذی النورینک
ویرد کلامی جوابلری کتب مقصوده مطالعه ایدنر ماده نزاع نه اولدوغنی بر خوش ادراک
ایدر حضرت عثمان رضی الله عنه جمله اقوال و افعالی شرعه موافق خلیفه برحق ایکن
مال و جاه بایه سی سبی ایله اطاعتدن خروج ایتدیلر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه
و سلم حضرت ثلری منبعم عدل و معدن احسان و فضل ایکن بعض غزلرده اغتمام اولان
مال غنای غزات بینمه توزیع و تقسیم بیور دقلرند بعض مبرم طلبکارلر دن حوصله
تحملدن خارج نه اوضاعلر کوروب شان عالیلرینه نامناسب نه سوزلر ایشلر در
تقصیلر تنه اطلاع مراد ایدنر کتب سیر مفصلا تنه مراجعت ایسون مال و جاه جمیع
خلقک مطلوب و مرغوب بویه امر مخطور اولما غلبه علما و عقلا سیرت انبیاء علیه السلامه
و طریقه خفاء کرامه افندی ایدوب قدر کفایت ایله قناعت کوستر مملکه حقندن غفلت

ایته مشا و خلقك بغض و حسدی شدن ممکن مرتبه قورنیشلار در بومعنایه بنای اکثر
خلق خصوصاً عوام کالهام علما و مشایخك ابتدای مال و جاهه و غبننه نظر ایدرلر اگر مال
و منصب سخته نه قدر میل و محبتی حسن ایدرلر سه فضائل باهره و کرامات ظاهره صاحبی
ولور سه ده حسن اعتقاد ایله رغبت و محبت ایتزلر و سوزینی دگیوب اتباع و اتقیاد
گوسترملر اما حمار لایفهم مقوله سی بر جاهل مبهم خلقه صورت صلاحدن کورینوب
دنیا به رغبتی طویور سه و بذل و ایثار اولنان اموالی قبولدن ابا ایدوب مستغنی کورنسه
عوام ناس مدح و ثنا قنادلرله انی آسمانه اوچر وب اعل همت صاحب کرامت اولوق اوزن
استهوار ویرلر عنایت ملوک و اکابر ایله بلا تعسف و تکلف مال و مرتبه حصولك اصلا دیانتیه
و کرامته و صلاح حیه ضرری یوغمیکن خلق یو اعتقاد و زیننه مجبوللردر از هدما فی لیدی
الناس یحبك الناس حدیث شریفه بومعنایه اشارت و انچه وارد چون قضیه بویه در
افندی حضرتلری ممکن مرتبه وجه مرضیه و طریقه معتدلینی تجاوز ایلوب افراط
مجد و عنوان ایله بومرثبه مشار بالبنان اولقدن توقی اینسه لکنده و انفع واسلم ایدی
زیر انلرک اندازه همت عالیله لینه کورن توسیع دائره بودولت علیه نك تحمل یوقدر دولت
اسلامیه علی الخصوص سلطنت عثمانیه نك اسرار خفیه مقوله سی پیجه خاصه سی
وارد بعض بواعث معلومه سببی ایله عسکر بیننده کاه کاه فتن عظیمه ظهور ایتیکله انقلاب
امور دخی خاصه معینه سندنر و هر عصر ده اولوقوله فتنه لک ضرری ادخار مال و نفوذ
کلام ایله صاحب کام و نام بولندن دولت لوره عائد اوله کادوکی کتب توار یخده مضبوطدر
لایق بودر که بومرثبه شهرت ایله السنه عالمه مذکور اولمانك و خامت عاقبتندن توقی
واحتر از اولنه دیب ختم کلام ایلدك شخص مخاطب تأمل بسیار دن صکره حقه راضی
اولوب سوزینکتر یرندن در اما نچه ایدلم دوه یه بند کد نصکره چالی اردنک کز نلک اولمز
افندی نك مدبراموری اولان محرملر دن بری نصیح و خیر خواهلر یوزندن برکون بوکاکنر و
بعض کلمات معقوله عرض ایتدکه افندی مز جواب و یروب بزم طائر بحر محیطه فورتنه یه
مصادف اولان سفینه یه بکتر یا کنار سلامت یا لیمان امان بولجیه دك روزگارک اوکنه
دو شوب کتمکدن غیر چاره مز یوقدر قصور و اخلاق ایتك غلبه حساده سیددر
دولتدن اختیاری چقمق رضامزله بلایه اوغرامقد رینه لازم اولان بودر که عزیمتری باشه
چقارنجیه دك همت و نهایت عمره دك بذل مقدوره غیرت ایتکدریدی اول مرد عاقل
بوجواب ایشتمدکه خوش سلطان سفینه یه تشبیه کز کوزل لکن فورتنه یه اوغرایان
سفینه لریلکنی روزگار کورن قوللانو رلاقضا ایدر سه کوچک یلکن قورگاه اولور ساده
قالوب هیچ یلکن قومازگاه اولور که سلامت بولوق ایچون احوال و اثقالی دریایه اتوب جمله
ستیشنی قد ایدرلر دیدکده منقبض اولوب ساکتاچین جبین گوستردی دیوتقل ایدوب الله
صوتی خیرایلیه دیدی فائده بودخی معلوم اوله که بعض اوقانده اقتضا حسب ایله حیل و صنایع
دولانی آدانه قادر بر شخصه دولتم عارضی وجود و یریلور ملوک و وکلا توقیری ایله تعین
و شهرت کسب ایدر عوام الناس شهرت کافیه سنه الدنوب شمدی فلان صاحب کلامدر

جمله دن مقبولدر هرايش انکله بتر دیو فوج فوج قبوسنه وارلر کی جلب تقم و کی دفع ضرر
و کی تحصیل نام و کام ایچون هرینه مالک ایسه بذل ایتیکله اکاتقرب ایتك استرلر اولدخی
برینی نائل مرام ایدر سه بشنی وعد کون ایله کلندر وب اموال و املاک تحصیلنه مصنع
و ادیلر طرح ایدر کویا دایره دولتن خارج کیر لوجه برکارخانه مصاحت قوروب خلقه
اولان نازک تحفه لری و کیر لوجه مسرف الی دکه مشمسك التونلری و منتفع بها املاک عقاری
صنعت شیشه بازی ایله الوب ادخار ایدر بوسنعت ایسه نظام طبیعیدن خارج اولغین
صاحبی البقه لسانه دوشرب وقت ضرورت فدا اولنوب اموال و املاک و اشیای دولت
ضرورتی سده مد اراولوب کندی و یه مرحمت اولنور سه برکوشه ده سلامتله نجات
بولور مفرط ایسه تاف اولور بوخطور مصاحتیه آلت اولان آدم حیل سنی طویور مز هزار
فی استر علمایه زیاده عیددر اوچیزواللی تاریخندن خندندل لقبیلده مشهور ایلوشوارب
عبدالله بن عتبه نام کسنه خلیفه معزالدوله دن بعد ادقضا سنی سنوی ایتکیوزینک در همه
الترام ایدوب بودولانی قورمشیدی اما لکی سنه یه وارمیوب سری افشا اولدی
و کندی سنی معزول اولوب احکام و سجنلتنه قلم ابطال چکدی عوام الناس حیل کارلرینک
صنعتی علما از کتاب ایتك زیاده عیددر واقعایکی سنه مرور ایتدکدن تقریر یوزنک عینی ظهور
ایلدی خلاصه کلام مولانای مشارالیه سلطان مصطفی خان حضرتلرینک سایه
سلطنته کمال استقلال اوزن کامروا و مقام فتاده احکاب سیف و قلم بلکه عامه عالمه ماتجا
اولوب کند و عالمنه ایتک بیلک یوزاون بش سنه هجریه سنه که پادشاه عالمیناه عومار کان
دولت ایله ادرنه ده ایدیلر ماه ربیع الاولی اوائلندن استانبولده جبهه جیان طائفه سی کدشته
مواجیلری مطالبه سیچون ایدوب بالاده ذکر ایلدیکمز احوال سببی ایله مزاج عالمه
دخی فتنه یه استعداد تام کلوب قضیه ده مدخلی اولیکانلر بیلله انقلاب امون مختصر
خصوصاً صاحبسور مختار کربها نه ظهورینه مترقب اولغله فرصت غنیمتدر دیوب خلقك
تجمعی زیاده اولغله بشلیدی چون تقدیر الهی بوغائله عظیمه نك وقوعنه تعلق ایتمش دفعی
تدارکنه ابتداء حسن تدبیره موفق اولنوب زمره بوستانیان و عسکری نامند وزینه
اولانلر عوماجمعینه مالحق اولغله آتش فتنه اوچکیر اولدی آستانه قائم مقامی عبدالله
پاشا ضروری اختفاییدوب سکیبان باشی هاشم زاده هجوم جهور ایله قتل اولنوب سیادت
و سوخته وات و اراذل ناسه و انچه بی مانع و مزاحم آت میداننه واروب داخل جمعیت اولدیلر
و اطراف و جوانب دن لب دریاده اولان و لایتلردن ایشیدنلردخی کلکه مسارعت ایتدیلر
ارالزده ایشیلور حوال الفتن کسنه لک تعالیمه استانبول قاضیسی داماد سید محمود
افندی ی میداننه احضار ایتد یروب غصبا اکامراسله لریازدر دوب صدور علما و موالی و مشایخ
ونامی معلومه قدر رجال واعیان و ارایسه میداننه دعوت ایتد یروب کلکدن امتناع گوسترنلری
بیلرندن گروه تعیین ایدوب خواه و ناخواه کشان کشان احضار ایتدیلر واسکی زور باردن
چاق احمد اگا کزمره بکماشیه نك جسور متعینلرندن ایدی ارالزده یکچیری ضابطی
تعیین ایتدیلر جمعیتک مبناسی کدشته علوفه طلبی ایتک مفتی افندی دولته مضر در

گند و سستی و اولاد و اتباعی عالمه استیلا و ادخار مال ایلله خلق عالمی فقیر ایندی یلرانی استیز
دیوب بارکران بلیه بی انک اوزرینه یقیدیلر و بومضمون اوزن عامه نکلساندن جناب
سلطنته محضر کونه رقعیه یازدیروب مشاهیر اعیانه خواه و نا خواه مهرلدوب علما و مشایخدن
وسایر زمره دن معلوم الاسم کسمنه لرله رکاب همایونه کوندردیلر بوموخس خبر ادرنه ده
ایشیدلد کله مفتی افندی صدرده بولمان دده افندی و محمدوم افندی لرله بی مسئله سنه
تمسک ایدوب قهر و تهدید ایلله مقابله و مقاتله رآینه ذاهب اولدی لر مسئله بغیده ابدیه
بغا تک شبهه سنی کشف و محنت و المیرینی دفع ایتمک اول مصاحبت اولدوغنه بناء جمهورک
محضری حضور پادشاهی به عرض اولتمق و نتیجه کلاملرینه اطلاع نصبر کرمه مقتضای حاله
گون تدارک کورلک مناسب بلکه رأی صائب ایکن افندی محضر نلری غوغا نکل نتیجه سی
گندویه چقاخچن و بوزلرله کوه اندازک ضرری کندویه طوقنه خفن یلدیکی ایچون عرضلر
رکاب پادشاهی به کلسون و ترهاتلری مسموع و معلوم همایون اولسون دیوایاق باصوب
قار شوا ملر کوندروب کاغذلری احراق و قاصد لری بلاد بعیدیه نفی ایتدردی اوتیه طرفه
رقعه لری انوب حضور همایونه ایشیدلوی و کوتون آدمک نفی اولندقلری ایشیدیلوب
علی الخصوص جمله سنه بغات اطلاق اولنوب اوزرلینه سل سیف استیصال تدارکنده
اولد قلرندن خبرالد قلرند سب و لته ایش تمکدن ناامید و خوف سیفله جانلندن مأیوس
اولدیلر اکر چه بروطرفه عرضلرک احراق اولندوغی کجه نکل ایرتسی بوضع سوء تدبیر
ایدی و ملکیمان خیر القاسیله معلوم همایون اولوب ارضای عامه ایچون شربی ارتکاب
مشکله مفتی افندی بی و اوغلارینی و مشاهیر ائباعتی اولکجه عربله ره وضع ونفی ایدوب
خانه لرین مهر لیبو استیالین ضبط مثلاً و تدبیر و مبادرت اولنوب جمهور طرفندن کان
قاعد لر تقیدن عود ایتدردی و نصیح و پندی مشعر خط همایون یازیلوب جمهورک مختاری
اولان افندی لر مشیخت اسلامی و قاضیه سکر لکلر توجیه اولنوب کوندردی اما
پان سازلق فرضی فوت اولوب اشتعال آتش فتنه اشتداد بولغین حسن تدبیر مدارا
مفید اولدی و جمله نکل ضمیرند مستتر اولان بویادی کپادشاه عالمینامه خواجه سندن
یکمزاله و بیوب بوقدر ایاق باصد قد نصبر کرمه شمدی بحسب الاضطراب نفی مصبندر
جمعیت محل اولد قد نصبر کرمه نه کتور دوب مفتی ایدر اولدخی بوجهده بولمانلری اعدامه
اهتمام ایلوب جمله مزی طعمه سیف سیاست ایتدیردیرلری عامه خلقک اعتقادی
بومعنا اوزرینه منعقد اولغین امن و اطمینان درونلندن بالکلیه رفع اولدوغی ایچون نصیحت
نامه همایونه کوش قبول طو تمیوب خلع لباس سلطنته نشیر ساق اتفاق ایتدیلر
اطرافدن مجتمع اولان اشخاص مختلفه ایلله جمعیت کاه مجری پایانه دونوب اراذل ناسدن نیجه
سوز صاحب لری پید اولغین ارا لینه ضروری دوشن عقلا نکل سوزلری دیکلر اولدی چالق
جمله نکل عامه سی و یکجیری اغاسی دیوعلی اغا کتخد ابکلک رتبه سنه استعد ادایله اغا نکل
همیاسی قره قاش و طون جان کله سن میدانه قومش زوربه باشی کوچک حسین اغا ایسه
های ایستندن درس و یرر طائفه نکل متنسک قلاشی ایدی و اور تالغک مزین و مطنطن

میرا یدیدی معن اوغل صالحی دیدکاری قجه نکل سفیه کیدیسی ایسه یدل مال
ایلله جمعیت اغا تاروولی نعمت لکلر کوستروب نللی بیک کی کندونی دوزوب قوشوب
میدانک بر مفتعل اغاسی ایدی حاصل ذاتی مجهول اراذلدن سوز صاحبی و سرد نکیدی
اغالی قتی چوق ایدی عموما اتفاق ایدوب نشاخیلقدن متقاعد وزیر احمد پاشایی
صدر اعظم و مفتی سابق امام محمد افندی بی مفتی ایدوب صدرینه وسائر مناصب علیه
وسیفیه ارا لرندن بر رادی نصیب ایتدیلر و سابقا خوف قتلدن فرار و اختفاییدن
شهر زوری حسن پاشا بوقعه حدوثنی مناص ظهور ملاحظه ایتکدن آشکارا چقمش
ایدی انی استانبولده تم مقام الیقویوب اوزم و مهمات حرب و قتال ایلله ادرنه به توجه
ایتدیلر ادرنه ده دخی مدافعه و مقابله به عظیم تدارکار کوریلوب اوجاق خلقیه عقد
ههود و مواثیق نصبر کرمه عموما قرشو چقدیلر اما یوقارودن پروذکر ایتدیرکمز بواعث
متعدد و علل مختلفه سببی ایلله خلقک خطر لری متکسر و درونلری مجروح و متوغر اولغین
هیچ بر فردک قلبند جداسل سیف مقاتله به عزیت یوغیدی ایا کم و اعراض الرجال مضمونجه
صیاد بالله تعالی سرمایه اقیاد و اطاعت اولان سکینه امن و محبت عامه خلق قلبندن
بالکلیه زائل اولنجه مصاحبت قتی صعب و ثقیل اولور بر پادشاه ایلله بروز بر قهرمان زمان اولسه لر
قائده و بر مرز تقابل صفین اولمردن آقدم ریح الاخرک سترنجی ثلثا کجه سنی ایدی حفصه
متزلزله قریب یرده بعد الغروب زمره یکجیر یانه مترس النیق ثلثیه اولنمشیدی اتر تفکیکین
پوشادوب طویلری الو ب بی ترس و مترس الله الله دیه رک طرف جمهور چکیملوب کتدیلو
مکر چالق احمد اغا و سائر اوجاق متعینلری مقدر حجه ال التمدن خبرلر کوندروب اخرفه
فرصتجوی اولان اوجاقدا استلرینی کند و جانب لری نه جذب ایتمشلر ایش بوجا ذل ناملر و طردن
پرو جانیک عقد جمعیتنه انحلال کلوب خوف لیلدن معاودت اولندی و کلا و متعینان
مال و جاهدن یکوب بالضررون بکتبا باشلرله اختفای اختیار ایدوب هر کس اراده علیه بویله
ایش دیوب مشغول و رد لا حول اولوب طور دیلر بوقعه غریبه و داهیه عجیبه ظهورندن
سلطان مصطفی خان حضر نرینه حیرت استیلا ایدوب لاری لمن لا بطاع مفهومی حسب
حالی واقع اولغین بالضررون غائله سلطنتدن تفریح قلب و مشغله دنیویه دن تخلیه خاطر
توطین نفس ایدوب همان اولکجه نکلها خانه عزلتد آرام و قرار ایلدیلر چونکه نتیجه طال
پوکیفیتته منجر اولدی سلطنت علیه به وارث عالی تبار شهرزاده جوان بخت بلند اقتدار
شهنشاه اسکندر نشان سلطان ابن السلطان السلطان احمد خان حضر نلری قوت
عاهره استحقاق تام و استعداد مال کلام ایلله و رای مشرق خفادن خورشید عالم آراکی
ظهور ایدوب ایرتسی کون که ماه ریح الاخرک طقوزنجی اربعا کونی ایدی بر مقتضای
وراثت تحت عالی بخت سلطنته بالاستقلال جلوس بیوروب سرای عامر ده اولان
خواص مقربین و خدام کرام دستبوس بیعت و مسارعت ایدوب وجود دولت و سلطنت
گویا تازه جان بولوب ابدان عباد و بلاد حیات جدیدیه نائل اولدی ازیین جانب جمهور
هسکر لیه معموده نکل ایرتسی حرکت ایدوب ادرنه به قریب موضعه کلوب طویلری و آلات

فتا للزيلة سابقا نصيب لمي اولان ترتيب ايله تادرنه به هجوم وغارت ايتك فكرند اولد قاي
شيعو بولدي ادرنه ده صدارت عظمي قائم مقامی اولان خيرخواه دين ودولت امكد ارسنه
صنيه سلطنت وزير روشن ضمير سعاد تلو حسن پاشا حضرت تلي سائر و كلا کي
اختفا اختيار ايتيوب بويله هرج ومرج وقتند دين ودولت ناموسني صيانت و عباد الله
دما و عرض و ماللرين حمايت مصباحي اوزر يمز و اجند رايتار موجود بول وجود
ايتي کله خدمتدن استمکاف ايلم ديوب تثبيت ايتي شلردی جمهور طرفنه خبر کوندر وبونه
اصل فکر فاسد و ملاحظه کاسد درمقاتيه متهبي شکند ادرنه به کاور سکر عامه عباد الله
وقع عن الحريم مقامند قيام ايدوب جمله مسلمين عرضلري و ماللري اوغرنه بدل جان ايدوب
شهيد اولمغي اختيار ايدر لر مسلمين يمينه قتال دوشوب الى آخر الزمان دفعي قابل اولميه حق
سعاد ظهور ينه باعث اولمق شرع و عقلاجا نزد کلد در شوکتلو کر امتلو سلطان احمد خان
افند يز حضرت نلري وراثت و استحقاق قلري حسيبله مسند سلطنته جلوس بيور مشلردر
مقتداي انام امام زمان اولان خليفه نافذ الاحکام پادشاه اسلام طرفندن
توجه مرا تب و تقليم مصلح ايله امور دين ودولته نظام و برلزدن اول اجرائ احکام
واقامت حدود و سائر امورده تصريف فائز نجه مشرع اولم ري خبر کوندر دکلر نده جمهور
عسکر دخی بول کلام حق کوش قبول طو تب صدر اعظم و شيخ الاسلام و سائر علما
و وجوه عسکر شرف بيعت سلطاني ايله مشرف اولميه يک جان ايله طلبکار اولديلر
لکن صدون کلن اوضاع کستاقانه سبي ايله تيغ قهر پادشاه دهر دن خوف اوزن اولد قلر يني
سعاد تلو وزير روشن ضمير حسن پاشا حضرت نلرينه عرض و توسل شفاعت لر ين التماس
ايلديلر اول دستور مد بر حضرت نلري دخی احوال لر ين سده علميه پادشاهي يه عرض ايدوب
قرين عفو خداوند کار اولملي با بنين شفاعت ايتي کله رأي صائبي قبول خسرواني يه
قرين بيور لمغين وزير اعظم احمد پاشا و مفتي محمد افندي و صدرين و ضابطان عسکر و سائر
منصبدار نلر تقرر اولمق اوزن خط امان سلطان احسان بيور لمغين طرف شهر ياريدن
بولان ضرر و کزن د اير شمه مک اوزن وزير مشاور ايله حضرت نلري کفيل و شفيق اولمغين
افند دخی مطمئن خاطر اولوب عتبه باند مرتبه خاقاني يه يوز سور مک شتاب ايلديلر
و گروه عسکري يي اولد قلري معسکرده اليقويوب وزير اعظم و شيخ الاسلام و صدرين
و علما و مشايخ و جمله ارکان و ضابطان عسکر کلوب پای سرير خلافت يوز لرسوروب
جمله سي شرف بيعت شهر يار عالي بمخمله احرار شرف ايدوب مصباح وقت مقتضا سنجه
هر کس منصبند بقا و لتغله انلان ده نوعا من قلب حاصل اولدي يوم خميسه طلوع
افتابدن اوج ساعت مرورنده بيعت عامه امري دخی تمام اولدي بعون الله الملك العلام
جلوس شرف مانوسلري وقت سعيد و مبارک و وقوعه کلوب صاحب طالع همايون نلري اولان
زهره زهراييت طالع کمال قوت و سعادت اوزن و جوز هر سعيد عاشده سائر ادله
و شواهد دخی بحکمة خداقوي الحال بولمشدر حق سبحانه و تعالی حضرت نلري
مسمود و مبارک ايليه بعد اتمام اليه ارکان دولت چادر لره کيدوب ينه وقت ظهرده کلوب

حبيب الفرمان نوع همايوني طشيره اوردوبه چقاد ريلر ماه ربيع الآخر ک اون دور دخی
اين کوني عاد تالاي ملوکانه ايله شهنشاه والا جا حضرت نلري ادرنه سر ايندن حرکت
و استانبوله عزيمت نيث ايله طشيره ده مهيا اولان اوتاق گردون نطقه سايه انداز عزت اولديلر
سعاد تلو شوکتلو مها بتلو پادشاه عالمنه افند يز خضر نلرينک کمال رشد و فطنت
ور تبه قرابت و شجاعتلري بيا نلر در اولاد برادر روشن کهر لري سلطان مصطفى خان
حضرت نلرينک زمانلر نه فيض الله افنديک سابق الذکر اولان احوالنه اجمالا متفطن
اولد قلر نه عاقلانه نصيح و پند ايدوب سعاد تلو برادر باند اخترم حضرت نلري خواجه
افندي يه حسن طمکزه بناء و پر دکنز وقع و ايلد و ککزال تفات تعليم و تعلم حقني رعايت ايسه انجق
اولور امور عالمه استيلا و فروغ سلطنته غلبه و استعلا مرتبه سي هيچ بر فرده رخصت و بر لکه
مقام خلافتک تحمل اولماديغ معلوم کز در عز پادشاهي کفي الحقيقه بر تونور الهي در عالم ظاهرده
عباد الله اکمال و ادبار لري اول نور ضيادان قرب و بعد لري اعتبار ايله اولمغه عامه خاق
اول فروغ قدسيه نک اطر افند پروانه مثال سماع شوق ايتي کله در پس لمعه التفات کز
يا لکتر کيسيه بلکه بر طائفه يه افراط ايله مخصوص اولمق خواطر ک احرافنه باعث ايدو کي
محتاج تعريف دکلر من بعد معامله توجه کز نسبت معتدله اوزن اولوب چندان ارخاي
هنان ايتدر ليا مملکه محسوديت آفتندن انلاري دخی قور تارمق لابق شان سلطنت
وانلان دخی نافع مصباح تدرفهم اولنور ينه حقيقت حاله رأ بتر اعلمد ري مشلر بر قاج دفعه
يوسنيق اوزن نصيح ويند بيور د قلر يني جاسوسلر اسانندن مولانا ي مزبور خبر الوب
مخبر الضمير اولمشلرا يدي تانيا بوجعيت عظيمه نک خبري ادرنه به وصول بولديغی کون
شوکتلو پادشاه آگاه حضرت نلري کمال حزم و احتياط اوزن ديره نوب الملك عقيم فخواستنجه
ذات سلطنت اچون پدلر اولادينه اولاديدر لر ينه برادر لر يي بر لر ينه سو قصد و ايصال
کزند ايتد کاري سلطنته خصوصاً فتنه هنگا ملر نه وقوع بولمش معنادر شمدی ايسه
پد خواهلر طرفندن تعليم و تحريک دخی امر بعيد دکلر ديوم ملاحظه بيوروب همان
اول کون سيوف و تفنگلر و تيروگان و زره مقوله سي آلات قهرماني جمع ايدوب شرايط
تحفظ تارکته بکمال امر اعاندين صکره کند و بنه لري و خيرخواه ايلر و ثاق مخصوصه سندن
تحصين ايلدي و متعين کلن ماکولات و مشروباتي دخی نسيم شائيه سندن قبول
ايتيوب اطعمه و اشربه سني کند و معتد خدمتکار و پرستار لري اول مکان حصينه
رأي العين طبع و تدارک ايد لر دي تا جمعيه ک حالي ذکر ايتد و کز کيفيته مقرر اولوب
اجلاس دعوت اچون سراي عامره ارکاني کلنج اول پادشاه غيور و زيمان شجاعت
موقور آلات حرب ايله مقام نيقتنه ثابت قدم اولوب جاسوسلر دن و بدخواه اولان
تمک بحراملردن بر فردی دائره عالیه لر ينه اوغرا تديلر حق جل و علا حضرت نلري
وجود همايون لر ين دائما آفات و اکداردن حفظ ايدوب طول عمر ايله معمر ايله آمين يامين
مالثا ادر نه ده جلوس همايون و وقوعنک بشيخي ائين کوني کطشيره او تاغه تشریف
شهر ياري مقرر اولوب صدر اعظم و مفتي و صدور و ارکان و جمله اعيان و ضابطان الای

لجانب بدن مختلط اولان اشخاصك گفته كوتى سببى ايله طشردن برصد اوقوب جمله
بخششلىرى مىرى الما نيجه الايه وارماز شككنده نغند و تردد لىك خبرى كلى ياد شاه
مورد شيد طلعت هنوز بخشش شير هيبى تارينه سوار اولوق صد دنده اينك بو خبر مسموعلى
اولد ينى كى دريائى غمبلىرى موخيز او لوب وكلا وضا بطاره نظر كوه كد از خشم ايله
نگاه ايدوب بونه بنى اد بانه حرکت در شمدى كله لىك رطعمه شير شمشير او لوب قانلى بى كرى
ميدان سياسته زير ايد رم ديوب تهديد ملوكا نه ايندىلر واصلاترد و توقف
گوستر ميو آب آت ديوفرمان بيورد قلند وكلا وضا بطانك عقاللى باشتندن كيدوب
در حال ارالزندن منتخب ناسخراو چروب اول آنده كروه عسكرى بى ركاب همايينه
سپيل درياخروش كى يورنديلر و چادرلردن سراى عالى به كلنجه الايك ايكى
پا نغند ن سلام شهر يارى به دست برسینه تواضع صاف با غلاتد يلر يا د شاه
امكند ر غلام هزار اعزاز و اكرام ايله طشردن چيقوب اوتاق بلند رواق خسرو انيلرين
مشرف ايند يلر حق بو دركه بحر مواجه بى كز بويه كروه عظيمه واجناس متنوعه دن
مجمع جمعيت جسميه نظريه بيلر نده پر مكس قدر كور نيموب بى تلغم و تردد ضابطلىرى
تهديد و ركاب عزيمته وضع قدم اقدام بيورملى نهاد لرنده اولان فراست و شجاعته
دليل قاطع درو بو عزيمت صادق ايله عجلاله طشردن چقما لرنده نجه فوائد عظيمه و ارايدى
جمله دن پرى ادرنه شهرى غار نگران عسكر ك هجر مندن امين اولوب اول ديار بلكيه
ضرر كشيده قهر و دمار اولد و غيد در ربعا طشردن ده طوايف عسكرى به جلوس
بخششلىرى و علوفه لى تدارك و تسليم اونجه دك عامه عسكر دن كروه كروه اشخاص
يعنى مجادله و منازعه لى اچون نابرجا كلبسا نكلر و موخس غلغله ايله فوجا فوج
معهسكر ارمه سنده كزوب برايكى دفعه حاجا نلر بى عرض اچون اوتاغ همايونه وارديلر
جناب خلافت پناه دام فى حفظ الاله حضرت تلى عدل كوشكند كمال ثبت و شوكت ايله
قعود ايدوب وضع و حر كت ملوكا نه لرينه تغير كليب عر فحال لرينه بى محابا جواب
صواب و يروب خط همايون اصدار اولنه جق خصو صيله شرع و قانونه موافق خط
مشرى قريجه همايون كرامت مقر و نلر دن تحرير بيوروب قرق مننه دن برو مقام
سلطنته جمله امور ك غورينه اطلاع تام تحصيل ايدن لردن زياده و قوف و رشتد اظهار
ايلوب مراسم اعتدال اوزن عجب پسنديدى حر كت بيورديلر ثقاتدن استماع
اولدى كه طوايف مزبوع عدل كوشكى التمه كلوب بو وجهله عر فحال ايشلر شوكتلو
كرامتلو پادشاهم بوامر عظيمه اختياري اكر اضطرارى بولند و غز سبب ايله جمله من
خروج على السلطان تهمنى ايله صوچلى اولدق و تحكم على السلطان ديهه جك مرتبه
بزدن نجه بنى اد بانه حر كت صد و رايندى جمله مز سيف انتقام خسرو ايندن خوف و خشيت
اوزن يوز اصلند بو كار مخوفه شروع ايتد و كز تحت سلطنت شوكتلو پادشاه مزه تحصيل
ودولت شر كادن تحصيل اولنق مصباحنى اچون ايدى بو نيت خير يه اكر چه حصول
پى راولدى لكن ارايقه كند و بى بلزلردن نجه فامنا سبب اوضاع واد بدن خارج احوال

هجرى محمد ورايدى جمعيه ملك عالى ايله اوله كاشد راجد اعظم اكر روح شريفلى اچون
اولسون جمله قوللر بى كز كضرورى الوقوع اولان جرايم و خطايا سى صيفه سنده قلم عفو
واحسان چكوب منى بعد بوجرم اچون بزلر موأخذة اولنماق مضمونه بر خط شريف مرحمت
عنوان جمله مزه حر ز كردن جان اولوق اچون احسان بيورلاق رجا اولنور ديو سوزوكدا ايله
تضرع و نیاز ايند كرنده بلا تفكر و تأمل اول آنده شرع و قانونه موافق خط شريف يروب
احسان بيور مشلر خط همايونك مضمونه مندرج اولان مفهوم بودر كه مادام كه سزلردن
شرع و قانونه مغاير دين و دولته مضرر وضع و حر كت صد و راينده طرف ملوكا نه مدن
هتاب و عقاب ظهور ايلز امين اوله سز بيور مشلر هزار احسنت اصابت رأى و مهارت
ملوكا نه لرينه صدر بارك الله كه عتاب و عقاب و قوعنى انلردن خلاف شرع و قانون
حر كت صد و رينه تعليق بيورديلر بو جواب حكيمانه تحته قى نازك مزايى خفيه
واردر كه اهله معلومدر و واقعا شوكتلو پادشاهم حضرت نلرى بو عهد و قانيدوب خط
شريفلى مضمونه راى اولد يلر و اول زمره دن مخالف شرع و قانون وضعى ظهور
ايتيد كچه برينى موأخذة ايتيد يلر عهد مخالف كار قبيح ارتكاب ايدن لرى طريفى ايله موأخذة
ايدوب اعدام واجلا مقتضاي حاله كرون جزا لرين تربيت ايتيد يلر نته كملنه تفصيلاتى
ذكر اولنسه كركدر خامسا نظام امور دين و دولة و تعمير خزينه درو نيجه همت عاليلىرى
اولغين ابتداى جلوس لرنده سر ككارد بولنانلر تقليل مصروف تدبيرين عرض ايدوب
ابتدا مطبخ و كيلار همكايون تعميراتى تنزيل اولنق عامه به بخت شكند شروعه و فقدر
ديك كرنده ترجمه للعباد قبول بيوروب سراى عامره و مطبخ و كيلار خاصه معيناتندن
قنى چوق شى رقع و تنزيل بيوروب انصافله انصافلرين اعلان ايتيد يلر حاصل كلام
صلاح حال و فراست و شجاعت و استقلال لرينك اوصافنه غايت و نهايت اولمامعله
بوديواجه ده بمقدار ايله اكتفا اولنوب تفصيل اوزن بيمان احوال لرينى محله ابقا ايلدك
حق سبحانه و تعالى حضرت نلرى صمايه دو لته لرنده بو تاريحك تكميل و ختامنى ميسر
و مدح و ثنالى خدمتى ماحو ظم اوزن بو عهد احقره مقدر اينلك مسئولدر امين
باجيب السائلين تتمه وقعه سابقه ازبن جانب پادشاه عالمينا حضرت نلرى ادر نه ده
اوتاغه چيقوب عسكر ك بخشش و علوفه لرى توز بعهه شروع اشنا سنده فيض الله
افندى بى اولاد و اتباعلى ايله نلى اولند قللى موضعدن كثور مكه و نير اعظم احمد پاشا
طرفندن حسب الامر مباشر لرو عسكر طرفندن آدمه تعيين اولنش ايدى كلك كرنده
مراتب علميه صيانة ابتدا كند و بيه و نقيب افندى به سنجاق امرلى و يروب طريق علمادن
اخراج و سائر لرينك اسلرى دفتر دن كك اولنوب بعد زندهه جس واستتقاقد نصكره
زنداندن چيقار كن على ملاء الناس عامه اشخاص الله مقتول اولدى موكب همايون
جمادى الاولى اولند دار السلطنة عليه به شريف ايدوب مزبورك اولاد و اتباعى محبوسا
كلوب يدى قله ده جس اولنش لرايدى نقيب افندى سو صنيع و اطوار نكوهيه سنده
جزا قتل اولنوب كله صى عبرة للناظرين باب همايونه وضع اولندى سبحان الله العظيم

بونه حکمت غریبه در که قطاع طریقیدن اولان بعض کسینه لرقتل و جزایه گرفتار
 اولد قلندرینه ناس بیننده طالع مرحت ایدر یولور کیمی شکل و شما یانمه و کیمی بهادرانغه
 البته روحالتمنه فریفته اولوب حیف اولدی دیو آجیق بعضیلردن مشاهد اولورودی
 بونرایسه ساداتن علمادن معد و دز علم نجه طاهر الذیل متدین یکتوب
 بو قدر زمان دولت سورمش و خلقدن قتی چوق کسینه معان و نت و همترین
 گورمش ایکن بو نلرک حقنه کیمسه دن روی مرحت کورلیوب خواص و عوامدن کله
 شفقت ایشیدلیدی اشته بوسرک اصل و حقیقتی بالاده ذکر و تفصیل ایندوکر محمد و رلی
 ملاحظه ایدن عارفله معلوم اولور حق تعالی حضرت نلری عبادینی افرط ایله شهرتدن
 و دولت استندراجیه الذاغله سو فعال و حرص و غفلتدن حفظ ایایه تقییمک
 قتلدن صکره سائر اولاد و اتباعی تر حجازیره لره نفی ایله اکتفا اولندی کندینک و اوغلی
 تقییمک و سائر اولادینک اوضاع و حرکاتلری ذکر اولنل اجمالدن بر مقدار فهم اولنور
 لکن اتباعندن طشره مولوتلره و سائر منصبلره کیدن آدمیری هزاربار بونلردن
 اشد اولوب وار دقلری ولایتک حاکمترین کرک وزیر کرک بکر بکیر اولسون قهر
 و غلبه ایله و هزار گونه شرت و شیطنه ایله مغلوب ایدوب حکام عرف قیولرینی
 صد ایند کدن صکره امت محمدک ویم و دونصارانک عرضلرینه و ماللرینه ال اوزادوب
 ولی نعمتترین طیمور حق و اولاد و اتباعی ارضه ایله جک قدر و بوندن ماعد اوله
 نانه صرافلره و یروب مراجعه شهریه سندن مصعارف یومیه لرین چقاراجق
 قدر مال جمعنه جسارت ایدوب هریری واردینی ولایتی ظلم ایله خراب و ویران ایکن
 حجاج و تیمور نظیر ایدیلر حق سبحانه و تعالی حضرت قلری دارالسلطنه علیه بی کندولرک
 بشرو شورندن و مالک محروسه بی اتباع و چراغلرینک تسلط پرز و رندن تخلیص
 ایلدی یکی شکری جمهله واجب عجب نعمت جمهله در هریرینک تفصیل احوالی بومقدمه ده
 درج اولمق متعسر اولغین تفصیل اوزن حکایتلری بیک یوزون بش سغه سنده
 تحریر اولمق ایچون ایقا اولنشدن برینه صده کله چون انلارک غائله سی برطرف
 اولدی جمادی الاولی و جمادی الاخره استبوا یکی ایله سعادتلو مهتابتو پادشاه
 عالیجاه حضرت نلری تیقظ و بصیرت شروطی مشتمل و قاروسکون اوزن
 اولوب اختلال و قته بناء دیوان اتمدیلر و مواجب تداریکی ایچون و کلایه مؤکد
 قنیهلر ایدوب کندولر خفیه تبدیل کروب احوال عالمک و امور عامه نک تقیر
 و قطنیر تفصیلاتنه اطلاع تحصیل ایله مشغول اولدیلر ضابط بکتاشیان اولان منبع
 قتنه جالق احمد اغا ایسه ادرنه عکر اسنده وزارت رتبه سنی تحصیل ایتکله تعین سوداسنه
 دو شوب رؤسای جمعیت اولان مشهورلری و سرندن یکدی اغالرینی طاعتیوب
 انلر ایله مظاهرت و تغلب یوزندن امور دولته استیلایه باشلوب اخذ رشوت ایله شنیع
 و قبیح نجه ایشلر کوردورب جلب مال و تحصیل استقلال مفا سدینه شروع ایتیش
 ایدی عقل ناقصی مقتضا سنجه حل و عقد امور جمهله کندور ایله کورلیوب کیده رک

طریق بکتاشیه به قوت تاسه کلد کدن صکره دور تیوز سنه دن برونسلار بعد نسل
 استقلال ملوک ایله مضبوط و منتظم اولان دولت عثمانیه یی جزایرو تونس
 اوجاقلری کی جمهور جمیتی و مجمع دولتی قیافتند قویوب زعم فاسدی اوزن اورتاغی
 بویه باطل ترتیه قومق سعیده ایدی لکن حق تعالی حضرت نلری بودولت علیدک
 حافظ و ناصری اولوب ربه خلافت عظمی نک مغلوب اولماسنه رضای شریفی اولماسنه
 هر بار که سلطنت علیه جانیله غلبه و مشارکت داعیه سنه دوشمنلر طم و رایده البته
 تیغ بی دریغ قهر و انتقام ایله اعدام اولن کاشدر چونکه عسکرک مواجی حضرت لوب اول
 هائله مهمه نک تدارکی کورلش ایدی جمادی الاخره نک سانجی که سبت کونری ایدی عادت
 ملوکانه اوزن حضور همایونده مباحثه علیه ایچون علما افندیلر سرای عامریه وار مشایخ
 گویا بر غیر خصموصل ایچون وزیر اعظم احمد یاشا و چالق احمد اغا سرای عامریه دهوت
 اولنوب بر مکمل یک چکدریسی دخی مکر سرای یوزندن حاضر لیش ایدی ناکاه صرا پرده
 سلطنتدن قبریس منصبی چالق احمد اغایه توجیه اولنشدن دیو خط شریف صدور
 ایندی یکی ساعت چالق احمد اغایه خلعت کیدیر یابوب و قولتقلیوب با نچه طرفندن
 اسکله یه اندن سفینه یه طویارلدیلر چالغک بکری چا لوب نیه اوغرا دوغنی بادی وزیر
 احمد یاشا دخی بونا محظوظ مصباحت ناکه ظه و وردن مخیر اولندی حق تعالی حضرت نلری
 دولتلو پادشاهنرک عمر و دولتلرین زیاده ایلیوب دین و دولت خیر خواهی مدی
 دعا جیلرینی رکاب عالی لرندن دور ایلیه که مبهات دین دولتک ذقایق لازمه سنی تبلیغ
 خدمتی ایلیه لر سکبان با شیلقدن معزول چلبی محمد اغا که جمهور ایله ادرنه کته مش
 منتظم الحال دولت خیر خواهی بر ساکن اغا لیدیکی معلوم پادشاهی اولغین یکجیری اغالری
 نکا توجیه اولنوب ایضاغک ضبط و ربطی و نسخ و استمالات خصوص صیچون خط هما یون
 صدوری کماله الواجب رعایت و اجرا قلندی و زمرة مزین مة ینلرندن کتد ابک
 دیو علی اغا برو سیه اجلا و محضر اغا بلغرا ده اغالری نامیه لرسال اولنوب امکدار لردن
 خیر خواهی جانب دولتک معلومی اولان یوسف اغا کتد ابک نصب اولندی چالق
 احمد اغا حرص و طمع و سوء افعال مجازاته کرفکار اولوب چوق یکمدین سیف
 سیاست خسروانیله قتل اولندی وزیر اعظم احمد یاشا دخی العهد علی الراوی طرف
 سلطنته انفع حرکات معتدله یه موفق اوله ییوب حل و عقد امور و توجیهات و تبدیلات
 فورینه و قوقز متعسر و تفصیلنه اطلاع حدیث دن خارج اولان بعض خصوص صله
 پادشاه عالیجاه حضرت نلری مطلع اولغله ماه رجب المرجبک یدنجی سبت کونی علی الصبح
 دعوت اولنوب کندن مهر شریف النوب یو ستانجی باشی حبسنه کوند ریلوب خاتم
 وکالت کبری مدت مدیددن پرو قایم مقام صدارت عظمی اولان خیر خواه دین
 و دولت اتابک مشکل کشای امور سلطنت وزیر صائب القدر یو حسن یاشا حضرت نلرینه
 هکایت و احسان بیورلیدی وزیر معزول احمد یاشا بر قاج کون مرورندن یه مراجع عالم
 شمول شهر یاری یه مظهر اولوب ساقز جزیه سی محافظه سنه لرسال اولندیلر در ستایش

وزیر اعظم دستور معظم حسن پاشا سرالله باخیر ما یزید و مابش اوزر و مشاور الیه حضرت قری
مردوم و مغفور سلطان محمد خان ابن السلطان ابراهیم خان حضرت تیرنگ زمان سلطنت تندر
هرم همایون پرورده اولوب بحسب الاستعداد و الاستحقاق مساعدارعا لبقدر اولمشمار
ایلی دولت محمديه ده بش سقیه قریب استقلال اوزر مساعدارلق مقامنده قائم
اولوب یك طقسنا طقوز سنه سی محرمینك اونچی كونی مساعدارلقدن وزارتله
چیقوب مصدر نادره العصر منصبی ایله مكرم اولمشمار ایلی بعده بعض مناصبه و ثغور
مالك محروسه دن بعض مواضع بزل مجبور دایله اوقات كندار اولوب یك یوز بر
سنه مننه اكر امالشانه دره صدیقه عصمت جوهره پاكیزه كان سلطنت علیه الذات
صفیه الصفات كریه عزیزه سلطان محمد خان یعنی سعادت تلو خدیجه سلطان
حضرت تیرنگ شرف ازدواج ایله قرین عزلتها جیور یاب و كلب عزت اکتساب
سلطانیته صدارت عظمی قائم مقامی رتبه سن احرار ایشمار ایلی تاشوكتا و كرامتو
سلطان احمد خان حضرت تیرنگ طایع غره سلطنتی وقتنده كلیه یه دك اول مقام
معتبرده معزز و موقر ایلی كمال تعین و اقبال و مجد و معالی لری عالمگیر ایكن اعتدال
اخلاق و لطافت طبع و استقامت لری مقصدا سنج اول مقام عالیله بر مرتبه
حسن سلوك پیسندین حرکات ایشمار ایلی و نکلای دولت و خیر خواهان سلطنت
بالجمله طریق اشرفیینه مجذب القاب اولوب گروه اخبارك صفار و كبراندن بر فرد
نه كند و دین و نه اتباع كرامتدن رنجیده اولما مشاوری سلطان مصطفی خان حضرت تیرنگ
ایم سلطنت تندرده نفی اندینك جمله عالمه تسلط و استیلا سی زمانده وزیر مشاور الیه
حضرت قری و تاروزینه ایله غایت مدوح عاقلانه حرکت ایدوب نه طبع یاد شاهی
قدیر اینجك بر وضع ایلی و نه معنی جانبینه قانوندن خارج تعلق و تواضع کوستردی
امور دنیا ایچون اول طرفه تمحض و مدارا ایتیمه مردانه و عاقلانه بروجهله سلوك
ایندیلر كه خساء و رقباسی حرف انداز اولاجق ذن قدر سررشته لرینه ظفر بولا مدیلر
اولا بوقعه عظیمه ظهورینك خبری ادریه كدك سلطان مصطفی خان حضرت تیرنگ
كند و لری قائم مقاملق نامیه استایله كوندرك و مقنضای حاکم كره مقاتله ایدوب
حقیردن كلك ایچون عسکر قوشوب سردار شكلمه ار سال ایتك تكلیف ایلد كره
زمین بوس استغفال ایدوب سعادت او پادشاهم برین قولك بزل جان ایتك بوعائله نك
دفعی متصدی ایسه اعور هماینه جاتم فد اولسون لکن یه مرتبه ده شعله نك استعداد
پیدا ایلمن آتش فتنه كه حلا ركب سلطنتده بولنل خیر خواهریینه ایله جمله مزجان
فردن عاجز اولمشردر سهولته دفع اولنق و بالکری بوقولنر وارمله بر طرف اولنق
همعسر دروازدم صورتده مصاهرت پادشاهی حسبیله طرف همایینه تمحض و سعی
ادراك ایتد كریچون رأی معقول و کلمات مقبوله یی دخی اصفا ایتد لر قهر استیصال لری ایچون
صل سیف اولنق خصوصی ایسه اگر جمعیت برزمره نك و بالکری رایکی فرقه نك اولایلی
دولت علیه كزده پای حال دفع ایدوب نسکیمنلری متعسر اولدوغی صورتده

سیفین پکور مك دخی سهل ایلی اما جمله اوجا قار و خواص و عوامدن مرطافه
یو جه و راه مالحق اولد قری استماع اولنور عا مه ناسه صل سیف و قتل عام
اولنق سلفده واقع اولش ایسه قولنر دخی اول خدمتدن روگردان اولم مقاتله یه
قدام اولندیغی صورتده بعض رجالینه مساعد ایله بلکه دفع اولنق امید ی و اریکن
سیف حیف حواله ایتك اول ماول دخی بر طرف اولوب غلبه مزنا معلوم اولد و غندن
غیری بین المسالین حرب و قتال ایقاعیه بوقوللری معلوم اولمده پادشاهیه علید بر فائده
قصو راو نلما زرکاب همایونن اقتضا ایدن خدمتله بوقوللری بزل مقدر و ایدوب بوکار
عظیم اقدامنه طلبکار بر غیری قوللری تعین بیورملق دخی مناسب و رأی صائب ملاحظه
اولنور دیوب عباد اللهك قاتنی اهراق و بالی ارنکاب ایتدیلر ثانیاً تفرق و معاودت
کیجه سی و کلا واركان دولت بحسب الاقتضا اختفا ایتد كند و لر اوضاع نامعقول ایله
لسانه دو شماس ذکر جمیل ایله مذکورین الخلق مشكور و مدوح بولمغله متوکلا علی الله
تعالی مقاملرند طوروب تخفی اولما مشاردی حتی خیر خواهان اتباعدن بعضیسی
دولت و وزیر بوقوله هجر م عامه قاروشونده آشکاره طور مق و کور نك مقول دکلر
برسمه چکوب بر قاج کون اختفا ایتك مناسب در دیکلر ارنکاب ایتیمه ارادت الهیه
تعلق ایتد و کی معالیه ظهیر ایتد و در یه هرج و مرج وقتنده حرم سلطنت علیه خدمتی
ویوشهر عظیمه اولان عباد للهك صیانتی براغوب خوفله بر جانبه چکلمك شرط
مروت دکلر هرچه باد اید اصلاح دات البین وصیانت اعراض مسلین نیی ایله
طور مق اولی در دیوب فراری ارنکاب ایتدیلر و افعارای و تدبیر لنده اصابت بولنوب
توسط شفاعتله مایینه کیروب احباب مناصبی ایقا ایتد رمله دفع فساد و عرض و مال
عباد الهی صیانت ایدیلر بعد اتمام البیعه وزیر اعظم و مفتی افندی و صدرین سرایلرینه
واروب انلاردخی مقنضای حاکم کور اطعام و اكرام ایله انلره تو قیر ایدوب عسکری
ضبط و مجاوزدن منع و عباد الهی صیانت و اعتدال اوزر حرکت ایتلری ایچون و سالی
قومه و ضابطله تابکانه و افر نصح و پند ایدیلر و بحسب الاقتضا جهو رك احوالنه
الحلاع تحمیل ایچون و خیر کرش مشرو اید چکری امور ك نتیجه سندن خبرالمق ایچون
وینه وقتی كدك ارا لینه ظفر بولمق مقدمه لری سهل اولسون ملاحظه سیله اول
گرو هك مشهور لرندن قابل خطاب برقا چنه صورنا التفات کوستروب بعض
مرتبه لباس و بساط و انعام ایله خاطر لرین تطیب ایدوب استمالله و حشمتلرین زائل
ایلی و تقسندن کند و لر دولت علیه نك امکداری و سلطنت عثمانیه نك و جیه و وقور
وزیر اعظم الاعتباری اولنق حسبیله استایولدن کلن خودرسته کبا رواعیان و عسکری
اد نادن انلایه وارنجه کند و لر دن استیحا ایدوب علوشانلری برکاتیه پرده بیرون حرکتدن
احتر از اید لر دی حسن تدبیر و مدارای حسبیله قتی چوق اهل عرضی بلکه ادرنه خلقنك
اکثرینی هجوم اذل استیلا سندن حفظ ایدوب یخه لرینه دوشن بیچان لری دخی تحلیص
ایلی اکر چه شری دفع و عرضلری صیانت ایچون بعض اراذله بر قاج کون مدار ایلدی

اما صکره اعمال سینه لرینک جزا صتی ترتیب ایدوب اسهل وجه ایله شویله حقه بندن
 کادی که اصلا صیت و صداری ایشیدیلدی حق بودر که عجایب تدبیر الی اظهار
 ایشیدیلر تا لایا استحقاق ذاتی و زمانی ایلر رتبه صدارت کند و لک حق و استعداد
 متنوعه حسیه مقام طبعیملری ایکن و پادشاه عالیمناه حضرت نوری ذات
 و شان لرینک قدرین ییلوب خاتم و کالت کبرانی کند و لردن درینک ایکن عقل و فراست لری
 کامل اولقله مقدمه و حالا طلب اظهار ایتیموب احمد یاشانک عزل و رفی ایجاب ایتد که
 بالا استحقاق التام اول مقامه لیاقت امانت و کفایت جهتیله کند و لره محصور اولغین
 بالا قضا و کالت عظمای قبول و صد اقله خدمات سلطنت تعهدی تحتیه دخول ایتدیلر
 و نه مرتبه ده منصف و کرم الشان دولت و درک سلغی احمد یاشانی قهر سلطانی دن تحلیص
 ایدوب ساقزه کوندر مکه بقای حیاتیه سبب اولدیلر بوندن ماعدارامی محمد یاشا
 حضرت نوری که مقام صدارته کند و سعی و طبعیه تقدیم ایتیموب مقتضیات وقت حسیه ایله
 قبول ایتیم ایدی قضای الهی بشن الی سنه دن بروخلق عالم حد و شه منتظر اولد قلمری
 بوقعه عظیمه دخی انک وقتیه مصداق دوشوب بوقضای مبرم سببیه کویا ایکی آتشک
 یغنه حیران اولمش قلمش ایدی و خلقی ترهیب و قتال ایله تحویف ایدرک فساد دفع
 ایدیم دیرکن قضیه بیکامجر اولغین جانب سلطنت اوغورینه اموال و عیال ترک ایدوب
 محتفی اولد قلمر جمله اموال و اشیای بیغما یه کیدوب عیال و اتباعی بیچاره لر غریبان
 و سرگردان قالمش ایدی مرحمتلو صاحب دولت حضرت نوری عرض و زارتی صیانه هجوم
 اراذل دن عیالنی صیانت ایچون بر معتبر اغاسنی متعدد درجال ایله خانه سنی محافظه یه
 تعیین بیوردیلر کرچه اموال و اشیای کتمش ایدی لکن بحمد الله تعالی عرض و ناموس لری
 مصون قالمه سبب اولدیلر بوندن ماعدارام و کالت کند و لره منتقل اولد قلمرامی
 محمد یاشا حضرت نوری که حقنه جناب مرحمت پناه شهر یاری یه شفاعت ایدوب بعض
 تقصیر اتلری وار ایشده ده عفو و جاسیه نیازی ایدیلر و عفو و اما فی مشعر خط همایون
 اصدارندن صکره قبریس منصبیه مطیب خاطر ایدوب عرض لرین تکمیل ایله عامه
 خلقه ضیافت معنویه ایتدیلر حضرت مولای عمر و دولت لرین افزون ایلیم بویله ملک
 سیرت خاتم طبیعت غرضدن خالی جمله عباد الله خیر خواه وزیر عظیم الشانک بویقینارده
 قطیری کورلما شیدی و زوای ماضیه دن نجه لردن قریب ملاحظه سیه اسلاف
 و اقران لرینه نه نامعقول غدر لر ایدوب صکره کند و لره غدر لرینک مجازاته مبتلا اولد قلمری
 کتب تواریح کونا کون ضبط اولمش در بودسته و صاحب انصافک سینه بی کینه لری
 بعض و غرضدن پاک و صافی اولدوغی بومد و مقبول ایشاردن معلوم در بعون الله تعالی
 کند و لک دخی عاقبتی خیر و سلامته مجر اولاجندن انشا الله استنباه یوقدر و سابقا بلاد
 بعیده نفی ایله عیال لرین دور و خاطر لری محزون و مکسور اولان شیوخ علما و کبار فضلا بی
 مکالمه کتور مکه سبب اولوب خاطر لرین تطیب ایتدیر مکه پادشاه اسلام حضرت نرینه
 خیر دعای ایتدیر مشدر و فیض الله انند یفک ایتام صفاری و صغای عیالی

دیوان البلیینه کیروب ساکن اولاجق بر مسکن یوقدر فی شان قالدق اقارب
 و آشنا دن هر کجه برینک خانه سنه اکنوب سفیل و پریشان حال اولدق
 دیوهر خحال ایتدکارنده افراط شفقتدن وزیر حلیم حضرت نرینک دیده لرده کریمه
 مرحمت نمایان اولوب فیض الله افندیلک یایدردوغی مدرسه عظیمه مقابله اسکی
 خانه سی که جانب میریدن فروخت اولمش ایدی ایشتر ایدن شخصه اچیه سی طرف
 هالیرندن و یریلوب اول خانه ایتا منه رد اولنسون دیوهر مان بیوردیلر ایتا کال غیرت
 و حیت لری مقتضای سنجه نظام دولت و تعمیر مملکت خصوصیه اهتمام لری فوق العایه اولقله
 خواب و راحت و حضور و استراحتی وجود لرینه حرام ایدوب صیاحلردن اخشانه دگ
 و اخشام لردن کجه نلک ثلث و نصفی قدر زمان لره دگ اوقات صلوة و طعامدن غیر
 جمیع اوقات مهمات دین و دولته و مصالح عباد الله صرف اولوب و زوای سلف بر مقدار
 حضور و نزهت ایچون تعیین ایتدکاری هفته ده ایکی تعطیل کونلرینی بیلر بونرا اختیار
 ایتیموب متوالیه کجه کوندر مصالح بلا و عباد استغفار کوستر مشارد و اسرافاتدن
 معدود اولان زینت و رونق و حشمته متعلق داراته و مفرح بناره و مله و سوات
 و مفر و شاته اچیه صرف ایتیموب مهمات دولتی الزم لوازمندن اولان ادوات حرب و سفر
 مقوله سی طوب و تفننک و مهمات جبه خانه و تربیت و تقویت عسکره تقید کوستر مکه
 مشوکت اسلامیه نلک تزیینیه سعی اوزون درلر خامساعت و مرحمت و حلم و سخاوت ایله
 متصف اولد قلمری اجدال و نزاعت اوزون حرکت ایدوب زمان لره منصفیلردن
 اچیه التیق و کیمسه نلک مالنه و عرصنه غدر صریح اولنق ایشیدیلیموب ممالک محروسه ده
 اولان ایالت لری و دایره دولته اولان مراتب و مناصب اهلنه و امکد اولره توجیه ایتدیر مکه
 افراغ جهد ایدوب نامعقول ترجیحات و نصیر فاتلری شیوع بولما مشدر و دیوان عالی لرینه
 کیرن اصحاب مصالحه لطف و رفق ایله معامله ایدوب مصاحبتنه ظفر بولان بولین
 دعای خیر ایدرک حضورندن مطیب خاطر چقارلر و هر دیوانه طرفینه سیم و زور
 ییغلوب ضرورت طالتدن و محنت افلا سدن بشت شکوی ایدن فقر و وضعفای مسلمینه
 بذل احسان ایتمکه سعادتو مهمات پادشاه عالیمناه حضرت نرینه دعای خیر الیو یرمک
 هر کون عادت حسنه سیدر خلاصه کلام عامه عباد الله لازم در که شوکتلو
 سعادتو پادشاه عالیمناه افند منر حضرت نرینک وزیر روشن ضمیر لرینک اخلاق حمیده
 و خصایل جمیله لرین تأمل ایدوب سیه دولتلری عامه عالمه محض نعمت و جمله یه
 صرمایه امن و راحت اولدوغنک قدر و قیمتی ییلوب دوام عمر و دلت لرینه خلوص بال ایله
 اشتغال کوستر مر فائده جلیله عقلای روشن رایه معلوم در که بوطه و رایدن وقعه عظیمه یه
 ارادت علیه ربانیه تعلق ایدوب سماوی وارضی اسباب و معدات و دلائل و استعدادات
 حاضر و مهیا اولمش ایدی جمله دن بری یوزاون دورت سنه سنه اولان قران علویین
 حکمی که آیین نو و هلاک عظمای و تغییر ملک و انتقال دولت دیو آشکار یازمش ایدی مدلولی
 بوقعه لر اولدوغنه شک یوقدر و قرانلرک حکمی همان واقع اولد یغنی سنه لره ظهور

ایتمک امر لازم اولوب کیم بر سنه کیمی ش سنه کیمی دخی صکره ظهور ایدر غایت مدتی
یکرمی سنه یه دك اولدوغی اعلیه معلوم دیوایسه چوق اکتیوب بر سنه صکره ظهور
ایتدی دخی وقران واقع اولمازدن دورت بش سنه اول سره واقف اولان دین و دولت
خیر خیر اعلی خفیه بقرانك وقوعه کله جکتی و حکمتی استخراج ایدوب آیابو قصیه
عظیمه نه صورتله وقوعه چقارونه شکل ظهور ایدر یو حکم ضروری الو قوعه مظهر
اولا حق کیملردر دیتها لده سوبلشوب کمال خوف و دهشت ایلله ظهورینه منتظر ایدیلر
واقف راز اولاندن ایشته بکیمزه کور فیض الله افندی دخی غافل اولوب بعض کمالردن
بو قصیه نک خبرین المیش لکن نجه کذاب سوز بنه وجود یو رب و علم جفردن روحنک
خبری یق مصنع سوز لرله اکبری الدامق سودا سنده اولان خبیث قلمبازلر ک یا لان
کاغزلرینه اعتماد ایدوب کندویه قرق سنه مفتی اولاجقسن دیودخی بو کابکر خلطیات
یاز دقلری رساله الدانوب دارک ایلله دفع ایدرم ز غمه دوشدی و بمقوله بلای
عظیمه دن احترامه دارک کبر و طمعدن و غدردن ال چکوب خلقت حسد و مذمت
و عد اوتمدن امین اولمق ایکن غلط فکره دوشوب قهر و غلبه ایلله ایش کوررم ظن ایتدیلر
مصطفی پاشاقلندن صکره ایسه فتنیه مستعد اولدوغنی یقینا دارک ایدوب داماد لیک
پوینی استانبول تاضیسی برینی قائم مقام ایتدوب سائر رتبه لره ده چراغین کنور مکه
محافظه فکر ند اولدی لکن قضای مهوم تدبیر و تدار کله دفع ایلتمک راسته اسباب
سماییدن بو کابکر دایملر اولدیغی کیم عالم ارضیه دخی علوتام و شهرت مالا کلام ایلله
مستولی عالم و محسود عامه ام فیض الله افندی یو لنوب دخی نجه دلائل خفیه ایلله
بو حکم سماوی یه مظهر به بلیه ضروری الو قوعه سپر و لغه قابلیت و استعداد ایللرده
اولاد و اتباعند پیداومو وجود اولمش ایدی و خلقت ضرورت لاری و منافع مالیه نک
بر ستمه مختصر اولمسی و اورتلعلک انقباض و اضطراری و هر طریقک اختلال نظامی
علی الحدیث پادشاهک بردخی استانبوله تشریفندن خلعتک مایوس ایللمسی میرید
مضایق کمال اولوب اوجا قترک کذشته مواجبلری ایر کیلوب قلمه سی و میرید الا جفی
اولانلر مالیری حصد یلندن قطع امید ایتدسی و یوقدر عسرت و محنت اراستنه فیض الله
افندی اتباعی مناصبه و مفاخره استیلا ایدوب بیکانه بولنلرک محروم و منکوب قلمه سی
یوقدر سبیلر جمع اولوب مزاج عالم دخی فتنه و فساد احتیاج مهیا اولمش ایدی که
ادنا باعث ایلله قضیه ظهور ایدوب آتش علوندن سماوی وارضی یوقدر اسباب و علامات
حاضر اولوب به محله تحیری ممکن اولم دخی نجه دور لو سبیلر ایلله مزاج عالم و آدم
استعداد ادا نماده اولنجه فتنه یه حرکت لازمیدر و تعایمه احتیاج وارمیدر یو کاک حکم قضا و قدر
دیر مزاج عالمه یوقدر بر اولمش اسبابدن سبب حاضر اولما نجه هزار کیمسه سی ایسه
جمیع ظواهر ایتمک محالات قیلمدن رئیس اهل انصاف اولان عقلا یه لایق اولان
یو در که به خصوص صده عوام الناسک کلامنه و اسرار دولتمدن بیجا حقنک سوبل کلامی
خلطیات و وجود ویر میوب امورک یا لکن ظاهریه باقیه ارویه کلامه سوبه ظن ایتیه ل

فلان تبریک ایتدی فلان اولدی فلان پوینی استردی فلان تقصیرات ایتدی دیو
هیچ برف ده طعن و دخل ایتیه لخلقت ظن و تخمین ایلله غرض نفسه بناء سوبل کلامی
اراجیفه وجود ویر میوب خلاف واقع کسنه یه افترا و پنهان ویا لاندن اجتناب ایلله
حقیقت حال بو در که بوقوعه زهر و تریاق ایلله قاریشوق بر ترکیب شکننده نجه نفع و نجه ضرر
ایلله منتزج بر معن اولدی فیض الله افندی ک اولاد و حواسیسی مصالاج دولته و هر طریق
قارشوق منافع اولوب امر سلطنت و وزارت قید مشارکتدن قور تیلوب مجرای
قدیمندن عدول ایدن امور دولت قاعده سابقه طریق سنه میل ایتدیکی و عامه خلقت
مشقای صدر حاصل اولوب طرف سلطنت علیمیه خلوصلری منعقد اولدیغی منافعدن
عد اولنور واریاب فراسنه معلوم تفصیل حاجت یوق دخی نجه فوائد ملاحظه اولنور
اماطرف محذوری بودر که سلطان محمد خان مرحومک خلعتی وقتدن پرو طوایف
عسکری بلکه عامه خلقت بحجاب هیبت اردنده مستور و مقهور ایکن بی ادبانه حرکت
و فتنه جویانه جرأت ایتمک خاطر لرینه کلدی و بکجری و سیاهی وجهه جی و طوایف
سنه سابقه دم اولان مقدارندن چوق زیاده اولوب سادات نامنه کر کدن وظیفه
الانلردخی ضم اولوب دولت علیه مصر فی ترقی بولدی هله بو محذوراتک حسن تدبیری
صاحب دولته تد ریحاجه علای کویا وراما جمله دن مشکل محذور بودر که جمله دولتمار
صن و قوفی تجا و زایدوب طور رابع و خامسه وارد قلم جلد سابق دیبا جه سنه
بیان اولندیغی اوزن بهر حال مصرف چو غالوب ایراد کفایت ایتیموب خزینه ده
ضعف ظهور اید کلمشدر و ایلله وقتلرده پادشا هلمدار الملک اولان بلده عظیمه لر نه
لوتروب هر خصوصی مقمن و معروف اولان وجه اوزن کور مکله غایت صعوبت
اولور بهر حال اقتضا حسبیه پادشا هلم و کلا و خواص خدم ایلله یاز یارت و تماشا
یا خو دشکار و سیران بهانه سیله یا خود بر طرفه سقر لواز منی ترتیب بهانه سیله
بر مختصر موضعه واروب اول موضعدن دار السلطنه نک و سائر مکاتک تدبیری
کور مکله محتاج اولور لر تا یو طریقله اشترا و تکلیفه و قلت مصارفه و لوازم و عسکرک
لر و مندن نقصان ایلله کتفا یه ظفر ممکن اولوب خزینه عامریه تقو و دجم ایلله جنگ
کیزلوجه نجه تدبیر لر ایلله تقلیل مصرف و تکثیر ایراده فرجه بولنه امادار الملکله او تور دقلری
حاله بو مقوله ایشاره شروع و مختصره مقرر اولوب هر شی اولیکن رسم اوزن کور یو یوب
تقصیر و تنزیل و مواجبلری تعویق و تقلیل و هر خصوصی مراد اوزن تبدیل و تحویل ممکن
اولنر و سوار کارد و کسب اید نلر دولتمدن بالغ مبالغ منفع اولوب خزینه انلاردن
فائده لیمک و میری یه نفع اخذ و عطا کوج اولور عسکری و سائر مواجب خوارلری
تقلیل و مواجبلر نه وجه معقول اوزره تصرفات و تاخیره هیچ مساعی بولنمک بو مقوله
اموره شروع اولنمسه ده دار الملکله فتنه حدوت ایتمک غایت سهلدر زیرادار الملک خلقتک
طبیعتلر نه حضرت رسوخ بولمشدر جمله سی حالنه کور دولتمدن منفع اولمق استلر
سوق دولتم متاعلری راج و صنعتلری لازم اولدیغی قدر فائده لورلر اول سبب ایلله

انلارک دخی مصرفی ایدوب دولتن پیدایله جکی اشتغال ایله خلقی ایدوب
استرل انک ایچون جله سی دولت علیه بی نطانی به الوب کویا اطرافنی محاصره ایدوب
یک وید هر نه ظهور ایدرسه اسانلرینه طولار لر ضروری اراجیف ظهوری اقتضا
ایسه کرک وکرک موجب کرک اشیا واثواب و اعمال قیمتری هر نه ایسه وقتی ایله طلب
ایدوب استمهال بلزلر خزینه مضایقه سنک ایسه بو محاصره به طاقت و تحمل به قدر
مقصود اصل ایسه نازکانه تدبیر ایله بودائرة پوریلوب هم مصالح بتوب هم مضایقه
دولت طیمور لمقدر تجارک بیع وشر ادرنه بعض حیل شرعیه ایله مالنی اترت دقلری
کار وکسب اولدیغی کبی دولت علیه شک دخی فائده سی وخرینه به عائیله سی بواله
کرکدر بوخداقت ایسه دارالملک احرالونق یک کوچدر اکباش خلفاء عباسیه ده وسائر
دولتله کبار ملوکدن بجه لری بوغائله سبی ایله دارالملک نده محصور کی معذب اولندن
بیز از اولوب غیری مناسب موضعله نقل اختیار ایتشله در ایدوب ناسیونک مثالی به درکه
برآمدنک خله سندن عیال و جوار و خدامی چه حق اولوب کتد کچه مصرفی ایرادن زیاده اولسه
بهر مال کندوسی منزلتله اولدیغی انلرک ما کولانی و مشروبات و مله و سالتاری و سائر خرج
و مصرفی و بولندن ماعد اهر برینک انتفاعی و آنچه جم ایمه سی کون کلدکاری و معتاد
اولد قلمی منوال اوزن تدارک اولغودر تقصیرات وکم ایدرسه حرمتدن ساقط
اولور اسرافاتی بدن قطع ایتکده و دایره سن طایفه کون نیریل ایتکده دخی دفعه قادر اوله مرانک
ضمنند دخی بجه محذور و وارد هر حال تدبیر بجه محتاجدر که نظام بیت به ولیمه آخره دینی دخی
واریسه دایلم مضایقه حالی بلزلر کلوب تقاضا ایدر اول کیمسه برهانه معقوله ایله
یادولت طرفندن برخد مت وجبایته یا حج شریفه یا بر اهل منصب دعوتیه بر طرفه سفر
ایدوب عیال و خدام و بوج صا حیلرینی بر امنیه به براغوب استمالات ویرسه بهر حال
انلر انتظار امیدیه صبر ایدوب قوت لایمونه قناعت ایدر اقصد ایدرسه کیمسه لرندن
صرف ایدوب اسرافات قید نده اولور احباب دیون دخی صبر ایدوب فتوحات میسر
اولد قد ویرد یو ثقلت ایتنر لریکه بعض مرتبه اعانت دخی بولنور لر تا اول شخصه عون
حق ایله یسر احسان اولنوب نظام حله استعداد مهیا اولنجیه دک هم کندی راحتله
وقت بخور هم دیون غائله سی خفته بر طرف اولور هم عیال و اتباعی نظمیب اولنور
دولت جماعیه انسانیه ده دخی مال بویه در قبل الفتح استقامت بوله مالک اولان ملوک
نصاری دخی دولتری وسعت بولوب طبیعت ملکن اولان اخذ شام و اسرافات مصارفی
زیاده اولد قد بعض اعیانیه سیران و شکار بهانه سیه ادرنه ایله استقامت بول اره سندن بعض
مختصر موضع نقل ایدوب اندک آنکه اصول ایله خرج و مصرفلرین مختصر ایدوب
قسط بویه و سائر ملکرینک نظام نه و عسکرینک امورینه لزومندن نقصان وجهی اوزن
کیرلوجه تدبیر لره تصرفلر و خزینه لر نه یقود مجتم اولاجق صنعتلر ایدر لر ایش که
تواریخ لر نه مستطو در اصل ملوک و حکام دارالملک اولان مزین شهر لری براغوب حضورین
ترک ایدوب کاه شکار کاه غیری بهانه ایله طشیره ده کزدکاری بوسرخنی ایچون ایدی که

مصرف دولت عامه به معلوم اولوب هر زمان برهانه ایله و بر جدید آمدورفت
طنطایه سی ایله خلقی اشتغال ایدوب بر امنیه ایله کلندن لر وهم کند ولر که فتنه
و اراجیفدن قول قلمی دخی اولوب خواص مقبوله سیه لذت و رفاهیه تله وقت بکروب
رسوم مقننه ثقلندن بر مقدار مستخرج و عامه محاصره سی مضایقه سندن بر مقدار
ازاده اوله لر یوخسه بر و بیابانده تضییع وقت ایچون یهوده کز مرلردی عوام الناس بلکه
امورک یا اکثر ظاهرینه نظر ایدن اکثر خواص بوسرد قیقی ادرک ایدوب عجب مالوک
کرام بوسکارده نه لذت بولدیله دیواعتراض ایله خشونت ایلرل اما بودخی معلوم اولق
کرکدر که بوخصوص اصل غایت مدوح و مقبول مصالحت دکدر بلکه بحسب الضروره
اقتضایین امور دندن دارالسلطنه ده احسن تدبیر ایله بومطلوب اولان فولدک تدارکته
دخواه اوزن ظفر بولق میسر اولورسه فتنه مطلوب بوز جملر انکابه بروقتن احتیاج
به قدر و اختیار ایتکده نامعقولدر اما چونکه ایلای ضرورت ایله بوتد بیره شروع مقتضی
اوله بهر حال برجهت معتدله ایله اولمده محتاجدر که طشیره مصارفی دارالسلطنه مصارفه
غلبه ایتیموب افراط اشتغال ایله اتلاف دواب و کثرت خرج و حواشیفت بیهانه ایله
درآمدی از توب تکلیف مالایطاق و مکانلرین تضییق ایله فقر تعذیب اولیمه مرحوم
و مغفور سلطان محمد خان حضرتاری کویریل محمد پاشا و اوغلاری احمد پاشا و قلالرینه دک
بومغایه نازکانه سلوک ایدوب کاه ادرنه ده کاه استقامت بولن کاه شکار ده کاه بروسه ده کاه بیه
دستبوت یا بلا غنمه مناسب ملو بهانه لر ایله اکلنوب هم بهانه ذوق و صفا سوردی هم وکلا
فادیه اصلیه اولان ایشله ممکن مرتبه رعایت ایدوب خزینه مضایقه سی عیاله چقمادی
و همینه استقامت بولن بوش قویوب کاه کاه تشریف ایله خلقنی مایوس ایتدی اما مقتول
مصطفی پاشا و قلالرینک کلامنه چوقلق وجود و یومکله اخذ و عطا و اسرافاتده افراط
اولنوب سفر لر دخی متعاقب اولدیغندن غیری تحالف اهوا و تحاسد اعیان سبی ایله
عدم استقلال وکلا و دخی بجه بواغت ایله نظامه تفرقه کلوب تعمیر خزینه خصوصندن
اتقان بولنوب مطلوب اولان فائده معدوم اولش ایدی پس بوسورتده طشیره ده
کزنک عیث اولوب مطلق ذوق و صفا ایچون اولش اولور اول فائده
اولا بجه کتد کیم سرمایه نظامه ده خلل کلوب عاقبت خلج فتنه سته
وارنجیه دک حدوت ایتدی بوزکرا ایتد بکمز نصر فاته ادرنه شهر ی غایت مناسبت
واوفاق ایدی مرحوم و مغفور سلطان مصطفی خان حضرت قلمی ایسه استقامت بول طرفنی
صکره لر ده بالکلیه خاطر دن چقاروب ادرنه ده طرح اساس اقامته شروع
میوز دخی عامه به طیمور مغله خلقک مطمع امنیه لری باز کیمه کسیلوب هر کس اولاد
وعیال و اتباع و خدامنی الداتمه بکند کاری مال خولیا مقوله سی امید ورجاری
دوکتوب مایوس اولد قلمی اجلدن بوقعه ده جله سی متفق اولدیله و یاد شاهان
جهان ادرنه ده و طشیره مسیر لده ایکن استقامت بولن بویه جمعیت اولوب
واروب خلج و اجلاسه تصدی ایتد کاری ابتدای دولتن بوقته کجه مثل

مسموع دکل بر قضیه غریبه در شمدی بود کراولنان تدارک شروع مشکل اولدی عی محل
کلام دکلدر اگر چه هیات هیات بردخی دولته فیض الله افندیك نظیری بر ایدم ظهور
ایتمک و بوقدر اسباب و علامات ایله مزاج عالمه فتنه یه استعداد حاصل اولق و خلق
بردخی بلا موجب بویه فتنه فی ارتکاب ایتمک امر محالدر لکن هله بود کراولنان تدارک
تو عاصوبیت پید اولد و غنمه شتک بوقدر ان شاء الله تعالی شوکتلوک و امتلو پادشاه
عالمیناه حضرت ناریک همت علیه سی و صاحب دولت و وکلای خیر خواهک صد قله
خد متلری بر کاتیله بومخدر لر اسهل وجهله دفع اولنوب دخواهلی اوزن ذوق و راحت ایدر لر
نتیجه التتجه دولت ابد پیوند عثمانی جمله عباد اللهک ولی نعمتی اولوب امت محمدک حضور
وراحتی بود دولت علیه سایه سنده اولغین مالی و بدنی خد متنده بولمق قدرتی اولانلره
لازم و واجب اولدوغی کبی عقلا ولسا نادخی هر کس معلوم و مسموعی اولان فوائدی اعلام
ایدوب خیر خواهلق کو ستر مک تعییب اولنماز خد ماضی دع ما کدر مفهومی اوزن کلام
معقول مقبول اولوب عصره مناسب اولیان سوز لر متروک قالغله یینه فائده دن تعی اولیوب
ایراد کلام ایدن خیر خواهه طعن و اعتراض وارد اولماز اکا بناء فقیر بر تقصیر دخی عقل
قاصر محیط اولدوغی مرتبه بوالفضوللق ایتدوکی کستاخلق عفو بیور لمق موجودر
الحاله هده محمد الله تعالی باند همت صاحب دولت افندیز حضرت ناریک تنظیم امور دولته
صعی و اجتهاد لری کالیه احسن وحل و عقد مصالحه مساعیلری شویله مستحسندر که
امور مهمه دولت بویه شرویطیه کورلدیکی و هرايشه مقتضای طبیعسی اوزن
بویه شروع اولدوغی بویقینلرده مسموع دکلدر حق جل و علا کاهو الواجب نظام و انظام
ودفع ضرورت خزینه یه اقتدار ایلایه دولت علیه امورینک زیاده ام و الزمی و مشکلات
سلطنتک مهماتی مقامنده جمله سندن اصعب و اعظمی بش مصالحه در که هر عصره
ملوک عظامی و وزیر او وکلای عالی مقامی عاجز و حیران ایدن بویخصه صولدر بوش ماده یه
گایدنی نظام و یریان دولته من بعد تغییر و اختلال ظهورینه غالب حاله احتمال قالماز اولا
ایراد و مصرف خصوصتی حکیمان نه برابر ایتکه بلکه مصرفی نزیله بر طریقه شروع اولنه که
نه قطع ارزاقه خلقدن بد دعا الله و نه تعیناتی تنزیل و وظایفی قطع ایله بر فرده شکایت
ایتد ریله و نه تکالیف و بدعتلر احداثه حاجت قاله ثانی کاحیل فیلسوفانه ایله تد اخل
رفع و اول بار بلای خزانة عامره اوزرندن دفع ایتکه بر طریقه شروع اولنه که میرید
هالم فالدی دیور فرده تظلم و شکو ایتد ریله شالط و ایف عسکری یه بر کیفیت
مقتدره ایله نظام و یریله که او جاقدر معمور اولوب هم وقت حاجت دشمن مقابله منه و ارمغه
مستعد اولر و هم اطراف ممالک اولان تا صلاقی زمزمه سی کتم حقوق ایله میری یه وزعما
و اوقافه غدر ایدمیه لر و هم آستانه ده و طشره ده اطاعتدن خروجه و فساد قادر
اولا میوب اولو الامر عبد ملوک کبی منقاد اولر لر ابعاط شره ایا لتلره وجهله مملکتیه بر حالت
ایله تصرفات و تدبیرات اولنه که هم رعایا و برایا آسوده و دیار اسلامیه معمور اوله و هم
اموال میری یه نقصان ترتیب ایتیموب والیر و حاکم لدخی انتفاع لردن قالمیوب قیولی

حالی کون مکمل و مرتب اوله خامس بعض تدبیرات خفیه ایله شویله دلفغر بیانه حرکت
اولنه که پادشاه اسلام دخواهلی اولان وجوه معقوله اوزن ذوق و صفایر نند منشرح
الصدر اوله و محبت و هیبتلری معاقلوب ناسه اشراق اولنوب من بعد دارالمنک و طشره
ممالک خلق فتنه و جمعیت ایتک دکل اولمقوله مفسد خاطر لرینه ییله خطور ایتیموب
جانب سلطنته و وکلای دولته بالطوع الصفاق مطیع و مستخر اولر لر توفیق ربانی سهولته
یه مصالحت لری میسر ایلد کک غیری بر مشکل قالمیوب اعدای دین و دولته دخی جواب
و یرلمک و هرايش مراد اوزن کورلمک فی آسان اولور اعتراض اولنوب اگر دینور سه که
بویخصه صولدر ممکن دکلدر بومعنا لری بر لرینه ضد و منافی اولمقوله جمع اصداد قیبلندندر
ایراد و مصارف بر اراوله نه بدعتلر ظهور ایدنه قطع ارزاقدن شکایت ایدر لر هم تد اخل قاله
هم میری یه مالم ضایع اولدی دیو شکایت ایتیمیه لر هم او جاقدر معمر اوله هم پردیون حرکت
ایتیمیه لر هم رعایا و بلاد معمور اوله هم والیر انتفاعدن قالمیه لر هم پادشاه عالمیناه دخواه
اوزن حرکت ایدر لر هم فتنه احتمالی بالکلیه من دفع اوله بویخصه صولدر برینه شروع اولنسه
مخدر و آخرک ظهوری امر مقرر در زمان قلیلک خصوصاً بویقتلرده بوشیلره صورت و یروب
خارج چقارمق محال کورینه و دینور سه جواب یریلور که ممکن و میسر در پادشاه عالمیناه
حضرت ناری صدر عالی قدر حضرت لرینه کمال استقلال و یروب اندر دخی سعی اصفاه لری
بر کاتیله حصده مظهر اولمق مسئله ایدر شمدیه دکن موفق اولد قلی اصابت رأی
و سهولته کور دکلری مصالح مشکله بویک شاعدر در خصوصه نظام امور متعلق نیجه
اسرار خفیه و مفید و نافع فوائد لطیفه وارد که اربابی اول فوائدی جناب اصفی یه عرض
و تبلیغ ایتکه مشقتلر در اولمقوله امور اطلاع انضمامیه قنی منظم ایشلر ظفره لنو بجمد الله
تعالی دولت علیه نک شمدیکی عالمه صعی یوقدر بوی تاریخک جلد سادنی مقدمه سنده
تحریر اولندی اوزن تاریخ هجرتک دور تیوز طقسان سنده سی حدودن بر طرفدن مغول
عسکرینک فساد و بر طرفدن کفار خاکسارک هجری و بر طرفدن طوایف عسکری
و وکلای دولته عدم اتحاد لری و بغض و خصومتلری سی ایله دولت اسلامیه
ملوکنه ضعف و تلاش حال و نظام مملکتیه اختلال دماض اولمقوله فرنگ رخصت بولوب
آق دکرده عربستان بالیرینه مستولی اولدی و نیجه مملکتی تا قدس شریفی اوب مصر
و شام و حلب بلکه جمله عربستان ضبطه آرقالمش ایدی اگر ایا یوسیه دن ملک صلاح الدین
ظهور ایدوب حسن تدبیری بر کاتیله دولت اسلامیه قوت بولوب اول ولا یتلری کفاردن
استر داد ایلدی شیوخ علمائک کبارندن اول وقفه ابو العجیب دیر لر دولتمو وار ایدی که
ملک صلاح الدین ایله بابا و اوغل مشاک به سنده علاقه محبت اوزن ایدر لر تدبیر مملکتیه
و اسرار سلطنته متعلق بر مختصر رساله یا بوب صلاح الدینه و یروب هر امر در بونکه عمل
ایله عمر بکرده فسحت و رایسه اسکندر قدر عالمگیر اولور سز دیو وصیت ایشلر صلاح الدین
دخی اول رساله فی حرر جان ایدوب دالما نکه عمل ایدردی مرحوم عصمتی افندی دولت علیه
تواریخ تحریره شروع ایدوب ناریک تدبیرات ایله و افریازمش ایشلر بوسه له نک احوالی

وسلطان سليم طریق وصولک تفصیل انارک مسوده سندن نقل اولمشد و سندن
صکره مرتب تاریخی میدانه چقمقدی انارک مسوده لری کعبه ده مرحوم اولان باشی
احمد افندی یه نقل ایلدی دیر لر زیر احمد افندی دخی بر مفصل تاریخچه شروع ایشیددی
امار ساله یه عصمتی دخی استنباق عرض ایدوب ظفر بولوق ممکن اولمادی دیو ناسف اظهار
اولمشد واقع حاله کون کوندن شوکت و دولتی قوت بولوب بشتیوز التمشیدی تاریخنده
مستقلا پادشاه اولدی حق بودر که دین و دولته بر خدمت اولمشد که ملوک کدن
پرینه میسر اولماشدر تاریخ کتابلری اول ذات شریفک مدح و تناسیله مالا مال
اولمشد در بشیوز سکسن طقوز حد و دنده ملک صلاح الدین وفات ایدوب رساله
منزبون قدرین بیلور شخص الله دوستوب ظهور ایتدی بعد الدن اله انتقال ایدرک
نسخه سی منتشر اولماز دن اول طقوز یوز یکرمی ایکی تاریخچه صدارت و مدن
مستقلا عدافوت اولان مؤیدی عبدالرحمن افندی یلک الله دو شمش افندی یه
طقوز یوز یکرمی ایکیمه ارتحال ایدن مقرب درگاه باری السید احمد البخاری حضر نایله
صقیه صقیه کور شوب صحبت خاص ایدر لر ایشی اشای صحیفه سلطان بایزید
خان وقتنده حدوث ایدن فتن و اختلال احوالی سویلشوب و رساله معهوده یی
درمیان ایدوب بوقو ایلایله عمل و مضو نی اجرایه مستعد بر صاحب همت اولسه
دیو محرمانه سویلشور لر مشی امیر بخاری حضر تری اناره دیر مشی کد یواسرار
جلیله یه امین اولاجق صاحب رأی متین زمانه مزده شهزاده سلیم خان واردر
اکاملاقی اولور سز بواما نی اکایصال ایلک کرک سز دیو وصیت ایشی شهزاده
سلطان سلیم طربزون منصبنه کیدر کن عبدالرحمن مؤیدی کند و یه
بولشوب حضر ت امیر بخاری یلک سلاقی تبلیغ ایدوب شهزاده موسی قاطع
ونو رلامع سزه لایق در یواسرار الهیه دینه سنه اهل و اتصافه مستعد چنا بکر در دیوب
رساله یی ویر مشی و اول رساله ابوالنجیبک خطی ایل اولان اصل نسخه ایشی سلطان
سلیم خان دخی اکثر اوقات مطالع ایدوب ادریس بتلیسی ایل محرم مانه سویلشور لر مشی
حتی خواجه لری حایم چلبی محرم اولموب آیا ادریس ایل مداکره ایتد کوری نه رساله در
دیو تجسس ایتدی کی اچون نظر التفاتدن ساقط اولمش ایدی مولانا ادریس اول
رساله یی کندی خطی ایل استنساخ ایشی انارک خطیله اولان نسخه یی سابقه حقیر
بر کیمسه ده کوروب جزو یجه مطالعه ایشی ایدم نسخه اصل بلکه خزینه عامره ده
وارد یو غیسنه سعی ایل ظفر بولوق بلکه ممکن اوله اسنان عربیه بر دینه غنیمه در لکن
شمیدی اولموقوله یلک کتابی علما و کتاب اوقیوب سرینه مطلع اولد قوری صورت
الرنه ایشی اولما غنیمه دولته ذن قدر فائده سی یوقدر اما اسنان تورکی یه ترجمه اولنوب
مقام صدارت صاحبک معلومی اولسه دینار قدر نفی اولوردی قتی چوق زماندر
یوقفر جناب حقدن نیاز ایدرم که روزیر عالی همتک کوشه نظر عنایتلرینه مظهر
اولمدر رساله یه ظفر بولوب اسنان تورکیه ترجمه ایتدی بونیه محلیه نصیب ایل بر نسخه سی

خزینه عامره بر نسخه سی مقام صدارت صاحبک محفوظ طور منه لایق بر اثر عظیم
اولوردی و الله العظیم جمله اخلاق کتابلری و حکمت مؤلفاتی و توارخ و همایون نامه
وقانون نامه لر کی هزار مصطلح کتابک نتیجه سی اول مختصر رساله ده مندرج اولد و غندن
ذیری خاطر خطور ایتد مشی قول اقرار ایتد مشی نجه کیر لوفائده ره و عقول حیران اولاجق
اسرار عظیمه یه اطلاع حاصل اولوردی حاصلی جوق منافی مشاهد اولمغله ایتخان سزای
دینه زبیا اولوردی و بور ساله خلق ان سندن مشهور اولان رساله سهروردیه دکلر
بور ساله اخلاق و تدبیر منزل و تدبیر مملکت و دولت و سلطنتک مشکلات حقایقه و عالم
کون و فساد و تصرفات ربانیه اسرارینک خلاصه و نتیجه سنه متعلقدر امور نفس الامریه یی
بوش مرتبه ده توفیق و تطبیق ایدوب جلب نفع و دفع ضرر لاین خارجه چقار مقده
ابد الابد شروط و قاع اولان فوائدی التزام ایشد در جناب حق ظفر بولوقه میسر ایلیم
استه بالاده ذکر اولنان صاحبک بر برینه متناقص کور نمکه ایشد نر بواولیمه حق
ایشدر در دیر لر اول رساله عظیمه یه ظفر بولوسه بر مشکله صعوبت قلمیه جفی قتی آشکار
اولوردی صاحب دولت و کثیر المرحمت افندی یز حضر نایله همت علیه لری

یاور اولور سه بلکه ظفر بولوق میسر اولوب بونیه محلیه

ایشا سندن در بحار ترجمه سنه سعی ایدوب مشکور اولاجق

بر خدمت مظهر اولمش اولوردی قول قیما

عون و عنایت خدای متعال بر له دولت علیه اید استمرار عتنامه ده فن طبع و تمثیل کتب
ظهور ایدوب فن هر قوم ایله تکثیر و توفیر کتب به مبد استروع اولان یلک یوز قرق سنه سندن
ایشو نعیما یلک صنعت مرقومه ایل طبع و توفیر یلک تاریخ خاتمه سی اولان یلک یوز قرق ییدی
جمازی الاولی اواسطنه کتبخانه کتب و رسا نلدن جمعی صغیر و کبیر

دار طباعه عامره ده حصول پذیر اولان نسخ مرغوبه

یونلدر که دفتر و تعداد اولندی

ترجمة صحاح الجوهري لمحمد بن مصطفى الوائلي لغت وان قولي دینمکه معروف در جلد ۱۰۰۰
تحفة الکبیر فی اسفار البحار لکاتب چلبی جلد ۱۰۰۰ ترجمه تاریخ سیاح لطایع الکتاب جلد
۱۲۰ تاریخ هند غربی المسمی بحديث نو جلد ۵۰ تاریخ تیمور کورکان لنظمی زاده بغدادی
جلد ۵۰ تاریخ مصر قدیم و مصر جدید المسمی بدرة البتیه لسهلی جلد ۵۰ کاشن خلفا
لنظمی زاده بغدادی جلد ۵۰ اصول الحکم فی نظام الامم لطایع الکتاب جلد ۵۰
فیوضات مقنا طیسیمه لطایع الکتاب جلد ۵۰ جهان نما لکاتب چلبی جلد ۵۰
تقویم التوارخ لکاتب چلبی جلد ۵۰ جلد اول من تاریخ نعیما جلد ۵۰
جلد ثانی من تاریخ نعیما جلد ۵۰ یکنون کتب مطبوعه جمعا جلد
۸۲۰ یا لکتر سکریک ایکی یوز جلد کتابدر